UNIVERSAL
LIBRARY
OU_228123
UNIVERSAL
LIBRARY

TIGHT BINDING BOOK

26782

از انتشارات وزارت فرهنگ

اداره کل نگارش

OSMANIA UNIVERSITY LIBRARY

Call No. م . م / ۹۱۵۵۵ Accession No. ۳۶۸۰

Author محمد ... وازی

Title ۱۳۲۸ جهیسن ...

3680

This book should be returned on or before the date last marked below.

از آنجا که هر فردی باید از جریان امور و کیفیت وضع کشور آگاه باشد ، مطالعهٔ این کتابرا که حاوی اطلاعات مفید ومهمی است بعموم هم‌میهنان توصیه مینمایم.

نخست‌وزیر
دکتر اقبال





فهرست

عنوان	صفحه
خلاصهٔ تاریخ ایران ، تألیف محمد حجازی	۱
جغرافیای ایران	۱۷۶
حکومت ایران	۱۸۴
سازمان ملل متحد	۲۴۴
املاک پهلوی	۳۰۳
بنیاد خیریهٔ پهلوی	۳۱۸
هنرستان و پرورشگاه شاهپور	۳۲۶
جمعیت شیروخورشید سرخ ایران	۳۳۵
سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی	۳۵۹
بنگاه حمایت مادران و نوزادان	۳۷۹
وزارت فرهنگ	۳۸۵
ادارهٔ کل باستان‌شناسی	۳۹۳
کتابخانهٔ ملی تهران	۴۰۴
دانشسرای عالی تهران	۴۱۰
ادارهٔ کل هنرهای زیبای کشور	۴۱۷
دانشجویان اعزامی به‌خارجه	۴۳۷
مبارزه با بیسوادی	۴۴۱
موقوفات	۴۴۶
تربیت بدنی	۴۵۲
کمیتهٔ ملی المپیك ایران	۴۵۶
سازمان ملی پیش آهنگی ایران	۴۵۸
ادارهٔ کل تربیت بدنی	۴۶۴
ادارهٔ امور تربیتی دانش آموزان	۴۶۷
دانشگاه تهران	۴۶۹
سازمان ورزش دانشگاه	۴۹۰

عنوان	صفحه
مطبوعات	۴۹۷
دادگستری ایران	۵۰۵
دارائی ایران	۵۲۵
بانك رهنی ایران	۵۳۹
شرکت بیمهٔ ایران	۵۴۶
شیلات ایران	۵۵۱
بانك کشاورزی ایران	۵۵۶
ارتش ایران	۵۶۶
تاریخچهٔ نیروی هوائی ایران	۵۷۷
نیروی دریائی ایران	۵۸۰
بانك سپه	۵۸۴
وزارت کشور	۵۸۹
آمار و ثبت احوال	۶۱۱
برق تهران	۶۱۷
لوله کشی آب تهران	۶۲۱
سد کرج	۶۲۸
وزارت امورخارجه	۶۳۷
راههای ایران	۶۴۷
راه‌آهن ایران	۶۵۰
هواپیمائی کشوری	۶۷۰
گمرکات و انحصارات	۶۷۵
گمرکات	۶۷۵
دخانیات	۶۷۸
غله	۶۸۱
قند و شکر	۶۸۴

عنوان	صفحه
چای ایران	٦٨٥
باربری	٦٨٧
گارد مسلح گمرک	٦٨٩
ادارهٔ کل بنادر و کشتیرانی	٦٩٠
وزارت کار	٦٩٥
سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران	٧٠١
بازرگانی	٧٠٤
صنایع ومعادن	٧٠٨
کشاورزی ایران	٧٢٣
بنگاه مستقل آبیاری	٧٢٦
پست و تلگراف و تلفن	٧٣٠
بهداری	٧٣٤
انتشارات ورادیو	٧٤٠
نفت	٧٤٣
بانك ملی ایران	٧٥٣
انجمن آثار ملی	٧٥٨
دانشگاههای شهرستانها	٧٦٠

خلاصهٔ تاریخ ایران

دوران مدها

ملت ایران‌از نژادآریانی‌است وکلمهٔ آریان بمعنی باوفا یا درستکار است.

بعقیدهٔ بسیاری از دانشمندان ، اقوام‌آریانی از شمال اروپا آمده و اسم خود را بفلات ایران داده‌اند . گر چه‌این انتقال بتدریج ودر مدت دوهزار سال یا بیشترصورت گرفته ،اطلاعی که از تشکیل‌اولین دولت ایرانی بهمت یك گروه‌آریانی نژاد بنام مدها، در دست داریم ، تقریباً از هفتصد سال پیش از مسیح حکایت میکند .

زبان مدها با زبان پارسی‌ها که گروه دیگری از نـژاد آریانـی بشمار میروند چندان فرقی نداشته و شاید زبان کردی امروز و زبان پشتو ، زائیدهٔ آن زبان باشند .

پایتخت دولت مدی ، همدان بوده که در آنزمان اکباتان خوانده میشده . حدود آن دولت‌از اینقرار است : درشمال، رودارس ؛ در مغرب ، رود قزل ایرماق درآسیای صغیر ؛ در مشرق ، بلخ و در جنوب ، قسمتی از خوزستان . مذهب اصلی مدها یزدان پرستی بوده . این قوم همواره باکشور های سامی نژاد مجاور خود در جنگ بودنـد تا آنکه کشور نیرومند آسور را در سال ۶۰۵ قبل از میلاد ، ازپای در آوردند و بـا متزلزل ساختن سلطهٔ مردم سامی نژاد در آسیای صغیر ، زمینه را برای بـرومند شدن نژاد آریانی مهیا نمودند .

سلطنت مدی در ۵۵۰ قبل ازمیلاد بدست کوروش‌بزرگ که ازسلسلهٔ هخامنشی و ازشاخهٔ دیگر نژاد آریانی است ، منقرض شد وتحت‌تبعیت سلطنت پارسیها درآمد. این تغییر سلطنت در حقیقت یك امر داخلی ایران محسوب میشود .

دورهٔ پارسیها

کوروش بزرگ

کوروش بزرگ از نسل هخامنش که یکی از سرکردگـان آریانی نژاد بود ، پادشاه مدی را بنام ایخ‌تورویگو ، در سال ۵۵۰ ق. م . شکست داد و همدان راگرفت . بزرگ شدن پارس موجب نگرانی کشور های مجاور گردید و چهار دولت لیدی (در آسیای صغیر) و بابل (در بین‌النهرین) و مصر و اسپارت (در شبه جـزیرهٔ یونان) بقصد ویرانی پارس متحدگشتند . پادشاه لیدی بنام کرزوس که ازهمه تواناتر و ثروتمندتر

بود ، در ۵۴۹ ق . م . شکست خورد و پایتخت لیدی که از فرط ثروت به سارد طلائی معروف بود ، بدست پارسیان افتاد . سپس شهر های یونانی آسیای صغیر ، همگی بتصرف کوروش در آمدند . سرعت عملیات کوروش در لیدی مجالی برای تجهیزات بابل و مصر نداد و شکست لیدی آنها را از حملهٔ بایران باز داشت .

پس از فتح لیدی ، کوروش مدت ده سال در مشرق و شمال ایران بلشکر کشی و جهانگیری مشغول بود : از شمال ، تا رود سیحون (سیر دریا) پیش رفت و در کنار آن رود، شهری بنام خود بنا نمود ؛ از مشرق تا رود هند را مسخر کرد . درسال ۵۳۸ ق . م . بابل را گرفت و اسیران بنی اسرائیل را که در آن شهر بودند ، آزاد ساخت . از آن پس تمام ممالکی که تابع بابل بودند مانند فلسطین و شامات و شهر های فنیقی ، باطاعت پارس در آمدند .

کوروش در سال ۵۲۹ ق . م . بروایتی در جنگهای مشرق کشته شد و بروایتی در پاسارگاد (فارس)فوت نمود . روایت اخیر بحقیقت نزدیکتر مینماید از اینکه‌بنائی بنام مقبرهٔ کوروش در دشت مرغاب موجود است .

حدود دولت ایران در اواخرسلطنت کوروش‌بدین قرار بود : از طرف مغرب ، بوغاز اسلامبول ؛ ازطرف مشرق ، رودسند ؛ ازطرف شمال ، کوههای قفقازودریای‌خزر و رود سیحون ؛ از طرف جنوب ، خلیج فارس و شبه جزیرهٔ عربستان و دریای عمان. این اولین دولت بزرگی است که در دنیا بوجود آمده .

کلیه‌مورخین متفقند که کوروش ، شاهی بوده با عزم و عاقل و مهربان ، بکاری که دست میزد بانجام میرسانید وتدبیر را برزور برتری‌میداد . بخلاف پادشاهان‌آسور و بابل ، با ملل مغلوب ، بمهربانی و عدل و انصاف رفتار میکرد و آداب مذهبی آنانرا محترم میداشت و ممالکی که بتصرف او در میآمد ، هیچگاه مورد قتل و غارت واقع نمیگردید در صوتیکه سلاطین آسور در کتیبه های خود افتخار میکنند که فلان کشور را گرفتیم و چنان قتل و غارت و ویرانی کردیم که صدای خروس یا سگی هم در آنجا شنیده نمیشود .

رفتار عاقلانه کوروش‌سبب شد که ملل، همه او را از خود میدانستند و بعظمت او سرتعظیم فرود میآوردند. یکی ازمورخین اروپائی مینویسد :کوروش را درتاریخ ، نظیری نبوده ...

کمبوجیه

کوروش دو پسر داشت ، یکی بنام کمبوجیه و دیگری بنام بردیا که یونانیها اسمردیز میخوانند . کمبوجیه ولیعهد بود و بردیا فرمانروای بعضی از ایالات شرقی ایران ، و چون مورد توجه مردم قرار گرفته بود ، کمبوجیه او را مخفیانه از بین برد.

پس از فوت کوروش ، کمبوجیه مدت سه سال بدفع طاغیان پرداخت و در سال ۵۲۶ ق . م . عازم تسخیر مصر گردید و آن مملکت را گرفت لکن از کوششی که برای فتح ممالك مجاور مصر بعمل آورد ، حاصلی نبرد و آن ممالك بعدها بدست داریوش گشوده شد .

در سال ۵۲۳ ق . م . مصر را بحاکمی سپرد و خود بایران باز گشت ولی درشام شنید که مغی خود را بردیا پسر کوروش نامیده و بتخت سلطنت نشسته و مردم نیز باو گرویده اند .چون نمیتوانست قتل بردیای واقعی رافاش کند ، خود را با ضربتی هلاك کرد لکن پیش از واقعه داریوش را که حضور داشت ، از سر خود آگاه نمود .

بردیای غاصب

بردیای غاصب که گئوماتا نام داشت ، برای آنکه شناخته نشود ، از خویشاوندان و نزدیکان خود دوری جست و مورد بدگمانی پارسیان واقع گردید و در نتیجه رؤساء هفت خانوادهٔ نجیب پارس که حق داشتند بدون اجازه بقصر شاه داخل شوند ، بوسیلهٔ یکی از زنهای او دریافتند که آن شخص ، بردیای حقیقی نیست . این بود که بادار یوش هم قسم شده وارد قصر گشتند و بردیای غاصب را از میان برداشتند . شرح این واقعه در کتیبهٔ داریوش در بیستون ، مذکور است .

داریوش اول

داریوش اول یا داریوش بزرگ که از شاخهٔ دیگری از دودمان هخامنش است، پس از دفع بردیای غاصب ، بسلطنت نشست وباچنان اشکالاتی روبرو شد که کمتر پادشاهی بدان دچار بوده یعنی سراسر کشور بطغیان برخاست و نه نفر در نقاط مختلف ، خود را سلطان خواندند . صورت آنان در کتیبهٔ بیستون ، دیده میشود . داریوش درمدت هفت سال ، بیست بار لشگر کشید تا توانست آتش عصیانرا همه جا فرو بنشاند .

پس از برقراری نظم وآرامش ، بجنگهای خارجی پرداخت و در نتیجهٔ فتوحات

بسیار ، ایرانرا به وسیعترین حدود خود رسانید. اسامی ایالات وممالك تابعهٔ ایران در کتیبهٔ نقش رستم که مدفن داریوش است (نزدیك تخت جمشید) خوانده میشود .

تنهارزم بایونان بعدم موفقیت منتهی شد ودرجنگ دریائی ماراتن که دهکده‌ای است واقع در پنج فرسخی شهر آتن ، سپاه ایران در سال ۴۹۰ ق . م . مجبور بعقب نشینی گردید .

داریوش بزرگ گذشته از جهانگیری ، جهاندار بود و تشکیلاتی که بکشور پهناور خود داد ، سابقه نداشت . بعضی از آنها از اینقرار است : تقسیم مملکت به سی ایالت وتعیین یك والی و یك فرماندارسپاه ویك دبیر برای نظارت دراجرای احکام مرکز، در هر یك از ایالات ؛ ساختن راههای دراز که دورترین نقاط مملکت را بپایتخت متصل میکرد ؛ احداث چاپار خانه که امروز پست میگوئیم ؛ ایجاد لشگر منظم دائمی بنام سپاه جاویدان ؛ تثبیت و تخفیف مالیاتها ؛ ساختن پول طلا بنام دریك(یازریك) ؛ وصل کردن دریای احمر بدریای باختر(مدیترانه) .

داریوش برای بسط دادگستری و کوتاه کردن دست بیدادگران ، ازهیچ کوششی فروگذار نمیکرد و پیوسته خود در اکناف کشور برسیدگی احوال مردم میپرداخت بامر او قربانی کردن کودکان در قرطاجنه که یکی از مستعمرات فنیقی بود ، ممنوع گردید . این پادشاه در سال ۴۸۶ ق . م . درگذشت .

خشیارشا

خشیارشا که یونانیان اوراکزرك سس مینامند ،پسر داریوش وازدختر کوروش بزرگ بود . بعد از پدر بتخت سلطنت جلوس کرد و شورش مصر را فرو نشانید و در سال ۴۸۴ نیز طغیان بابل را دفع کرد . پس از آن با لشگری عظیم که ازکلیهٔ ملل تشکیل شده و عدهٔ آن به هشتصد هزار پیاده و هشتاد هزار سوار میرسید ، بیونان حمله برد . شهر آتن را گرفت و معابدآنرا بتلافی خرابیهائی که یونانیان در سارد (پایتخت لیدی) کرده بودند ، طعمهٔ آتش ساخت . مقاومت یونانیان در تنگهٔ ترموپیل و جنگ دریائی سالامین که موجب خسارت کلی به بحریهٔ ایران گردید ، معروف جهان است .

پس ازفتح آتن ، خشیارشا دویست هزارسپاه بسرکردگی سرداری بنام مردونی جا برای اتمام کار یونان در آن کشور گذاشت و بایران بازگشت . مردونی جا ، بار دوم آتن را گرفت و ویران کرد لیکن در جنگ دیگری کشته شد و سپاه ایران مغلوب و پراکنده گشت .

در ۴۶۵ ق. م. مهرداد نام خواجه باشی با اردوان رئیس نگهبانان شاه ، همدست شدند و خشیارشا و پسر او داریوش را کشتند .

این پادشاه بعلت شهوت پرستی و ضعف اراده نتوانست بزرگترین دولت جهان را که بارث‌یافته بود ، حفظ کند و انحطاط ایران هخامنشی‌از زمان او شروع شد .

اردشیر اول یا اردشیر درازدست

اردشیر اول پسر خشیارشا ، اردوان را کشت و بتخت سلطنت نشست و چهل و یکسال سلطنت کرد . در ابتدا برادرش ویشتاسب بر او شورید و مغلوب شد ، سپس در مصر بکمك یونانیها فتنه ای بپا خاست که از ۴۶۰تا ۴۵۴ طول کشید ولی بفتح‌ایرانیان خاتمه یافت . از واقعات معروف زمان این پادشاه حکایت استر و مردخاست که در تورات ذکر شده : خلاصه آنکه اردشیر ، دختری از یهود را بنام استر که ازخویشان دربان سلطنتی‌مردخا نام بود ، ازدواج کرد و یهودی ها در دربار نفوذی یافتند. هامان نامی از درباریان که صاحب قدرت بود بر آنان حسد برد و حکم قتل یهودیان را از شاه گرفت ولی مردخا بوسیلهٔ استر ، ناسخ‌آن حکم را صادر کرد و حتی هامان بدست یهودیها بقتل رسید . استر و مردخا در همدان مدفونند .

اردشیر اول در ۴۲۵ ق . م . در گذشت .

خشیارشای دوم

بعد از اردشیر ، پسر او خشیارشای دوم پادشاه شد و بعد از ۴۵ روز بهمدستی پسرش بنام سوغدیانس که از همخوابه‌ای داشت ، بقتل رسید .

داریوش دوم

سوغدیانس‌بهمت نجبای پارس کشته شد وبرادرش‌بنام داریوش‌دوم‌بتخت نشست. برادر دیگر این‌پادشاه بنام‌آرسیت، بیاری یونانیان بر او شورید لکن‌مغلوب گشت . در آنزمان میان اهالی‌یونان اختلاف وجنگ‌بود واسپارت بکمك ایران ، بر آتن غلبه کرد.

باوجود این‌موفقیت ، انحطاط دوران‌هخامنشی بسبب نفوذ زنان‌وخواجه‌سرایان درباری در امور مملکت ، از این عهدآغاز گردید چنانکه مصر خودرا مستقل ساخت و تا زمان اردشیر سوم ، همچنان از تصرف ایران خارج بود .

داریوش دوم در ۴۰۴ ق. م. رحلت کرد .

اردشیر دوم

یونانیان این پادشاه را منه‌مون یعنی‌خوش حافظه نامیده اند . برادرش کوروش بر او شورید وبدستیاری عده‌ای ازمردان جنگی‌یونان که اجیر کرده بود ، بعزم‌سلطنت از آسیای صغیر تا نزدیك بابل‌آمد لکن در مصافی که با سپاه اردشیر داد ، کشته شد . یونانیان بسر کردگی شخصی موسوم‌به کزنفن ، بیونان بر گشتند . شرح این عقب‌نشینی راآنشخص بعنوان «بر گشت ده هزار نفر» نوشت و بدینوسیله راه حملهٔ بایران را بر یونان‌آسان کرد .

در زمان این پادشاه ، شهر های یونان با یکدیگر در جنگ بودند و هر یك برضد دیگری ازایران مدد میخواستند و از اینرو دخالت دولت ایران در کار یونانیان بحد اعلا بود چنانکه بموجب قرار داد معروف به عهدنامه (آن تالسیداس) که‌نام‌سفیر اسپارت در ایران است«شاهنشاه اردشیر اینطور میگوید که دول یونانی‌هریك درامور خود مستقل باشند و من‌بعد ،علیه یکدیگر اتحادی نکنندو گرنه بجنگ با ایران گرفتار خواهند شد .....» این عهد نامه در حقیقت فرمانی است که شاهنشاه صادر کرده .

در ازای‌این همراهی ، دولت اسپارت متعهد شد که بعدازاین هیچگونه‌رابطه‌ای با شهر های یونانی‌آسیای صغیر نداشته باشد و جزیرهٔ قبرس‌نیزمجدداً بایران‌باز گشت.

با وجود این توفیق ، وضع داخلی ایران ، رضایت بخش نبود و در قبرس ومصر وآسیای صغیر ، حوادثی رخ داد که بعضی‌به پیشرفت شورشیان تمام شد ؛ و نیزقضایای شوم و جنایاتی دردربار بوقوع پیوست که‌یکی از آنها کشته شدن پسری بود بنام‌ارسام که اردشیر از همخوابه ای داشت و موجب تأثر فراوان ومرگ او گردید .

اردشیر دوم بسال ۳٦۱ ق.م.در سن هشتاد و شش سالگی ، بدرود زندگی گفت.

از این پادشاه در شوش و همدان ، کتیبه هائی کشف شده که از وسعت نظراودر آزادی مذاهب حکایت دارد .

اردشیر سوم

اردشیر سوم بجای پدر برتخت شاهی جلوس کرد ، بیرحم و خونریز بود و نزدیکان خود را بقتل رسانید . اوقات این پادشاه بخواباندن شورش ها گذشت و بار دیگر مصر را بربقهٔ اطاعت ایران آورد ، لیکن‌آسیای میانه و هند همچنان در طغیان بود . در این زمان ، فتوحات فیلیپ پادشاه مقدونیه آغاز شد و باعث نگرانی

ایرانیان گردید .

اردشیر سوم بسال ۳۳۸ ق . م . بدست خواجه ای بنـام باکوآس ، مسموم شد وشاید اکراین پادشاه ازبین نرفته بود ، ایران بباد نمیرفت.

ارشك

پس از اردشیر سوم ، ارشك پسر او به تخت نشست ودر سال ۳۳٦ بدست‌همان خواجه بقتل‌رسید . سپس‌آن خواجه یکی از نواده‌های داریوش دوم‌را باسم داریوش سوم بر تخت نشانید .

داریوش سوم

داریوش سوم آن خواجه راکه میخواست‌همیشه پادشاه تابع او باشد ، ازمیان برداشت . این شاه بنواقص‌کار کشورآگاه بود و نظریـات خوبی داشت منتها فـرصت اجرا نیافت یاآنکه ضعف اراده او را مانع شد .

فیلیپ پادشاه مقدونـی در ۳۳٦ ق . م . درگذشت و پسرش اسکندر بجای او نشست و در صدد اجرای فکر پدر که تسخیر ایران بود بـر آمد و سلسلهٔ هخـامنشی را بر انداخت .

اسکندرمقدونی

کشور مقدونی که در شمال یونان واقع شده ، در زمان داریوش بزرگ جزو ایران بود ولی درنتیجهٔ شکست خشیارشا از ایران مجزا شد . فیلیپ پادشاه‌آن‌کشور یونان راتابع خویش‌کرد ومملکت رابه‌کمال قدرت رسانید . اسکندر بجای‌پدرنشست و دو سال بعد با چهل هزار مرد جنگی از مقدونی و یونانی ، بعزم تسخیر ایران روانه گردید ولی یونانیان از سلطهٔ مقدونی نا راضی بودند و باطناً شکست اسکندر راآرزو داشتند چنانکه همه جا عدهٔ زیادی ازآنها در سپاه ایران با لشکر اسکندر جنگیدند .

جنگ اول در بهار ۳۳۴ ق . م . درکنار رودگرانیك که‌بدریای مرمره میریزد واقع وبشکست ایرانیان تمـام شد . سال بعـد ، جنگ دوم در ایسوس نـزدیك خلیج اسکندرون درآسیای صغیر ، اتفاق افتاد . داریوش از میدان‌گریخت و مادر و زن و دختر او اسیر شدند . پس از این فتح ، اسکندر بمصر تـاخت و آن‌کشور راگشود . سپس در ۳۳۱ ق . م . وارد بین‌النهرین شد و در اربیل با داریوش مصاف داد و اورا باردیگرمجبوربهزیمت نمود .سپاه‌ایران مغلوب وپراکنده گشت و اسکندربدون‌مانع

به پاسارگاد رسید و غنائم بیشمار بدست آورد و تخت جمشید را آتش زد و کشتار بسیار کرد. بعد از آن به اتمام کار داریوش پرداخت و در دامغان باورسید لکن پیش از آنکه جنگ در بگیرد، یکی از سرداران خائن، داریوش را بقتل رسانیده بود. نعش او را بامر اسکندر، با تشریفات به پاسارگاد بردند و در آنجا دفن کردند.

از آن پس اسکندر به تسخیر سایر ممالك ایران پرداخت وطبرستان و گرگان و خراسان و هرات و سیستان را گرفت و قاتل داریوش رابنام بس‌سوس بچنگ آورد و در همدان بدار آویخت.

در سال ۳۲۷ ق. م. بهندوستان تاخت و پنجاب را تصرف کرد ولی چون سپاه او از ادامهٔ جنگ سرباز زد، ناچار در۳۲۵ بایران بازگشت و ازراه‌پاسارگاد وشوش ببابل رسید و درآن محل بسال ۳۲۳ ق. م. در سی و سه سالگی بدرود حیات گفت.

تمدن ایران دردورهٔ هخامنشی

دولت وسیعی که بدست کوروش‌بزرگ وداریوش‌اول بوجودآمد، اولین دولت بزرگ جهان بود. چهل و شش نوع مردم با زبان و مذهب وعادات خود، آزادانه در آن زندگی میکردند و مذهب شاهان ایران که اهورا مزدا یا خدای بزرگ پرستی بود، برآنان تحمیل نمیگردید.

اهورا مزدا آفرینندهٔ زمین وآسمان ونگهبان پادشاهان ایران بود و چون بچشم دیده نمیشد، نور او را در روشنائی آتش میپرستیدند.

آثاری که از بنا های هخامنشی در تخت جمشید و پاسارگاد و شوش باقیست از ذوق خلاقهٔ ایرانی حکایت میکند که اسلوب مختلف ملل را با یکدیگر آمیخته و بصورت خوشتر و عظیم تری بوجودآورده است.

کوروش بزرگ در پاسارگاد که پایتخت قدیم هخامنشی بود، بیاد فتح خود نسبت به مد ها، بنائی ساخته است که فقط ستونهائی از آن باقی است. در نزدیکی‌آن بنا، ساختمانی است بنام قبر مادرسلیمان که گویا قبرکاسان دان، زن کوروش باشد.

در تخت جمشید که بنام پارسا، پایتخت شاهان هخامنشی بود، آثار ذوق و عظمت‌فکر ایرانی‌بخوبی نمایان‌است. قسمت عمدهٔ‌این بنااز داریوش‌اول‌وخشیارشاست.

از مقابر شاهان هخامنشی، سه مقبره در پشت‌تخت جمشید وبقیه دریك‌فرسخی

درمحل موسوم به نقش رستم ، واقع است . در پاسارگاد ، نزدیك قبر کوروش ،آثار دو آتشکده دیده میشود .

در شوش از دوران هخامنشی ، آثار ساختمانها و کاخهای عظیمی کشف گردیده است .

خط دوران هخامنشی ، میخی الفبائی یعنی خط تکمیل شدهٔ آرامی است و از چپ براست نوشته میشود .

کتیبه های باقی مانده از آن دوران ، عبارت است از :

۱) کتیبهٔ کوروش در مشهد مرغاب ، نزدیك پاسارگاد .

۲) کتیبهٔ بزرگی از داریوش اول در بیستون که بسه زبان پارسی هخامنشی و عیلامی و آسوری نوشته شده . قسمت پارسی آن ، دو هزار کلمه است .

۳) کتیبهٔ دیگری در بیستون از داریوش اول با صورت نه نفر یاغی .

۴) کتیبهٔ دیگری از داریوش اول در کوه الوند نزدیك دهی موسوم بـه عباس-آباد همدان .

۵) در تنگهٔ سوئز کتیبه ای از داریوش اول که از وصل کردن رود نیل بدریا بامر او ، حکایت میکند .

٦) روی استوانهٔ بلوری که در مصر کشف شده ایـن کلمات نقش است : « مـن داریوش هستم » .

۷) کتیبهٔ تخت جمشید از داریوش اول دارای دویست کلمه ، حاوی اسامی ممالکی که جزو ایران بوده .

۸) کتیبهٔ نقش رستم در نزدیکی تخت جمشید ، از داریوش اول .

۹) پنج کتیبه از خشیارشا در تخت جمشید .

۱۰) کتیبهٔ الوند از خشیارشا .

۱۱) کتیبهٔ شهروان از خشیارشا .

۱۲) گلدانی در موزهٔ لوور پاریس بنام کنت کای لوس ، از خشیار شا .

۱۳) گلدانی که در زمان سلطهٔ ایرانیان در مصر ساخته و روی آن بخط میخی نوشته شده ؛ « اردشیر ، شاه بزرگ » .

۱۴) کتیبهٔ مختصری از داریوش دوم در تخت جمشید .
۱۵) کتیبه ای از اردشیر دوم که در خرابه های شوش بدست آمده .
۱۶) کتیبه ای در تخت جمشید از اردشیر سوم .
۱۷) دولوحهٔ کوچك که در همدان کشف شده یکی از طلا و دیگری از نقره .
۱۸) چهار لوحه، دو از طلا و دو از نقره که در زیر دو ستون تالار آپادانای تخت جمشید یافت شده .

اولین سکه در ایران در زمان داریوش اول زده شده و نام آن دریك وازطلای خالص بوده . سکه های نقره و برنج نیز رواج داشته است .

فرسنگ آن دوره معادل با ۵۷۶۰ متر ، اسپرسا معادل با ۱۹۲ متر، آرش معادل با ۵۴ سانتیمتر ویوه معادل با ۴۵ سانتیمتر بوده است .

سلوکید ها

پس از اسکندر ، ممالك تسخیر شده بین سرداران او تقسیم گشت . ایران جزو کشور های تابع سلوکوس قرار گرفت و سلوکید ها بیش از هفتاد سال بر ایران حکومت کردند .

اشکانیان

دولت اشکانیان در سال ۲۵۰ ق . م . ایجاد گردید .

این دودمان از نژاد پارت است که ساکن خراسان بوده و یکی از شاخه های آریانی بشمار میآید . اولین پادشاه این خانواده ارشك بود و بهمین جهت نام این سلسله ارشکانیان است که باشکانیان تبدیل گشته .

اشك اول

در سال ۲۵۶ ق. م . بر سلوکید ها شورید و بر آنان غلبه کرد و دولت پارت را تأسیس نمود و عاقبت در جنگی کشته شد . شاهان اشکانی باو لقب نامی و با افتخار داده اند .

اشك دوم (تیرداد اول)

بعد از برادر بتخت نشست ، گرگانرا گرفت و سلوکوس دوم یونانی را شکست داد و شاه بزرگ نامیده شد .

اشکانیان خود را اولاد اردشیر دوم و از دودمان هخامنشی خوانده‌اند . پایتخت اشکانیان را یونانیان، هکاتم‌پیلیس یعنی شهرصد دروازه میگویند . این شهر درنزدیکی دامغان واقع بوده ، بعدها ری و تیسفون نیز پایتخت اشکانیان گشته است .

تیرداد اول بسال ۲۱۴ ق . م . وفات یافت .

اشك سوم (اردوان اول)

پس از پدر ، پادشاه شد و با آنطیوخوس سوم که از سلوکیدها بود ،جنگید و ری و همدان راگرفت ولی بعد حتی پایتخت خود را از دست داد . باز در جنگ دیگری غالب آمد و در میان ، صلح افتاد و عاقبت اردوان بپادشاهی ایران شناخته شد .

اشك چهارم (فری یاپیت)

پس از اردوان به تخت نشست و بی سانحه سلطنت کرد و در سال ۱۸۱ ق . م . درگذشت .

اشك پنجم (فرهاد اول)

بعدازپدر به تخت نشست وتپورستانرا گرفت وشهر خاراکس رادر ری‌بناکرد.

اشك ششم (مهر داد اول)

پس از برادر به تخت جلوس کرد ،آذربایجان و مرو وخوزستان و پارس‌وبابل را ضمیمهٔ دولت‌خود نمود وهندرا تارودجلم تسخیر کرد ولقب شاهنشاه برخود گذاشت. عظمت ایران در زمان اینشاه‌تجدید شد . مورخین او رابه داریوش اول‌تشبیه کرده‌اند .

مدت سلطنت‌اواز ۱۷۰ تا ۱۳۸ق. م. بود .

اشك هفتم (فرهاد دوم)

جانشین پدر شد وگرچه در ابتدا مغلوب گشت ولی‌درآخر چنان شکستی به سلوکیدها دادکه درواقع این سلسله ازآن ببعد منقرض گردید . در این‌زمان مردمی از نژادآریانی بنام‌ساکاياسك ازآسیای میانه‌بافغانستان وسیستان تاختند و درآنجامستقر گشتند . نام اصلی سیستان زرنگا بوده ، پس‌از استقرار سکها درآنجا سکستان وبعدها سیستان نامیده شد .

فرهاد دوم در ۱۲۵ ق . م . در جنگ باسکها بقتل رسید .

اشك هشتم (اردوان دوم)

عموی فرهاد دوم بود و بعد از او بسلطنت رسید . با طایفه‌ای از نژاد تورانی

موسوم به یونه‌چی ، جنگ کرد ودراثر جراحتی که برداشت ، پس از دو سال‌پادشاهی در گذشت .

اشك نهم (مهر داد دوم)

یکی از پادشاهان بزرگ اشکانی است . سکها و مردمان صحرا گرد وحشی را که‌از شمال بایران‌فشار میآوردند ، چنان شکستی داد که یکباره از تعرض بایران‌دست برداشتند و نیز حدود ایرانرا تاکوههای هیمالایا در شمال هندوستان وسعت داد . در اینزمان رقیب نیرومندی برای ایران بوجودآمد وآن دولت روم بود که دنیای غرب را مسخر کرده و در نتیجهٔ فتوحات پی‌درپی بسرحد ایران نزدیك میشد و تصرف ایران‌و هند را برای ایجاد یك امپراطوری واحد بنام صلح رومی ، لازم میدانست .

درمیان دودولت ایران و روم ، دولتهائی وجود داشت که ازهمه مهمترارمنستان وپنت بود . ارمنستان در دورهٔ هخامنشی بتصرف ایران درآمد و بعد تابع سلوکید ها شد تاآنکه بکمك مهرداد اول اشکانی ازقید سلوکیدهاآزاد گردید وسلطانی ازخانوادهٔ اشکانیان‌بنام وام‌ارشك درآنجا دولتی‌تشکیل‌داد که دست نشاندهٔ سلاطین‌اشکانی‌ایران‌بود.

واما پنت مملکتی بود در ساحل جنوبی دریای سیاه و از طرابوزان تا باطوم می رسید . یکی از سلاطین این مملکت موسوم به مهرداد ششم که خود را از نسل اشکانیان وهخامنشی ها میخواند ،کشور خود را بین سالهای ۱۲۰ تا ۹۰ ق. م. بکمال قدرت رسانید .

دوکشور ارمنستان وپنت در روابط بین ایران وروم ، نقشهای مختلف داشته‌گاه با یکی وگاهی با دیگری همراه بودند .

در ۹۲ ق. م. که سرداری موسوم به سولا ازطرف روم بسفارت‌آسیای صغیر آمد ، روابط مستقیم بین ایران وروم‌آغاز گردید ومهرداد خواست باسولا اتحادتعرضی و تدافعی منعقدکند لکن موفق نشد . درآن ایام ، ایران از ارمنستان که دست تجاوز گشاده بود ، رضایتی نداشت .

اشك دهم (ساناتروك)

بعد از مهرداد ، مدتی بفترت گذشت تاآنکه در ۷۷ ق.م. ساناتروك برادرفرهاد دوم به تخت نشست . درمدت سلطنت او ارمنستان در نتیجهٔ اتحاد بادولت پنت ،قدرتی یافت وآذربایجان را متصرف شد و جلگهٔ فرات را غارت کرد . وهم در اینمدت دولت

روم با ارمنستان وپنت جنگید و دولت‌ایران که مبتلا بضعف و سستی بود ،بیطرف‌ماند.

اشك یازدهم (فرهاد سوم)

در سال ٦٩ ق. م . بعد از پدر ، پادشاه شد و باز ایران با دولت روم ، ارتباط یافت بدینمعنی که دولت روم ، مدت بیست‌و سه سال از ۸۹تا٦٦ ق. م. با دولت کوچك پنت در جنگ بود و از عهدهٔ مهرداد پادشاه آندولت که مردی‌قوی جثه و صاحب‌عزم و دانا بود بر نمیآمد زیرا هر دفعه که مهرداد شکستی میخورد ، بارمنستان یا قفقازپناه میبرد ، بدینجهت سردار رومی بنام پومپه ارمنستانرا گرفت و تابع روم کرد ولی بعهد خود با دولت ایران وفا ننمود چه متعهد شده بود که اگراین دولت در فتح ارمنستان با او کمك کند ، دو شهر از ارمنستانرا باو واگذار نماید . ایران بقول خود عمل کرد واو نکرد . باضافه پومپه بآذربایجان وفارس وخوزستان نیز نظر داشت .

اشك دوازدهم (مهر داد سوم)

بجای پدر جلوس کرد لکن پس از چهارسال سلطنت ، بعلت بیرحمی وسفاکی بر او شوریدند و ارد برادر کوچك او را به تخت نشاندند . مهرداد پیوسته بر ضد برادر اقدام میکرد تا گرفتار وکشته شد .

اشك سیزدهم (ارد اول)

یکی از شاهان نامی ایران بشمار میرود . سپاه رومرا که بسرکردگی کراسوس مأمور تسخیر ایران بود ، در جنگ عظیم حران واقع در بین‌النهرین ، شکست داد و ارمنستانرا که با رومیها متحد شده بود ، تصرف کرد . کراسوس وپسرش درآن جنگ کشته شدند و از رومیان بیست هزار اسیر بچنگ ایرانیان افتاد و نزدیك بهمین‌عده‌از آنان کشته شد . این جنگ در تاریخ ، مورد کمال اهمیت است زیرا اول بار بود که سپاه‌روم شکست‌یافت وصفت مغلوب نشدنی‌را ازدست داد ، دولت ایران دوباره درعالم سرفراز گردید و ازآن پس پیشرفت روم درآسیا متوقف شد .

این پادشاه در آخر عمر ، سلطنت رابه پسر ارشد خود فرهاد واگذاشت. (۳۷ ق. م.)

اشك‌چهاردهم (فرهاد چهارم)

همینکه بتخت نشست ، برادران و پدر خودرا از میان برداشت . در این‌زمان بار دیگرصد هزار سپاه رومی بسرکردگی‌آنتوان بقصد تسخیر ایران درحرکت آمد

و بکمك ارمنستان ، بآذربایجان حمله برد . دراین جنگ دوم که بسال۳۶ ق . م. واقع شد ، شکست فاحش برومیان وارد آمد و آنتوان با آنچه از سپاه او باقی مانده بود ، بزحمت از خاك ایران فرار کرد .

دو سال بعد ، بار سوم ، قوای رومی بسر کردگی آنتوان متوجه ایران گردید و ابتدا ارمنستانرا تسخیر کرد . پادشاه ایران ، سپاه روم را درارمنستان شکست داد و آنتوان بمصر گریخت و ارمنستان بار دیگر، تابع ایران شد .

پس از این شکست ، چنان رعبی از ایرانیان دردل رومیها نشست که مدتیك قرن متعرض ایران نگشتند . حتی اوکتاویوس امپراطور روم ، برای حسن روابط با ایران ، یك کنیزك ایتالیائی بنام موزا برای فرهاد فرستاد و او بعد ها پسران خود را نزد اوکتاویوس گسیل داشت که در رم مقیم باشند و گویا این عمل باغوای کنیزك ایتالیائی ازاو سر زده باشد زیرا آن کنیزك میخواست که بجز پسر اودیگری برای جانشینی شاه در ایران حاضر نباشد و این پسر در سال ۲ ق.م. پدر خود فرهاد را مسموم کرد .

اشك پانزدهم (فرهاد پنجم)

بعد از کشتن پدر ، به تخت نشست و چون امپراطور روم در شناسائی اواشکال کرد ، از ارمنستان بنفع دولت روم چشم پوشید و بدین‌شرط عهدنامهٔ صلحی باآندولت بست ولی چون مردم از او بیزار بودند ، پس از دو سال او را از سلطنت خلع کردند و کشتند .

اشك شانزدهم (ارد دوم)

این مرد از شاهزادگان اشکانی بود ، پس از فرهاد بتخت نشست و پس از چهار سال در٦ میلادی درشکارگاه کشته شد .

اشك هفدهم (وانان)

بعد از ارد دوم ، روحانیون ازامپراطور روم خواستند که یکی از پسران‌فرهاد را بایران روانه کند و او وانان را فرستاد . وانان که باخلاق وآداب ایرانیان‌آشنا نبود نتوانست سلطنت کند و درسال ١٦ میلادی بارمنستان گریخت وپادشاه آن کشور شد .

اشك هیجدهم (اردوان سوم)

اردوان سوم که از مادر اشکانی تولد شده و پادشاه آذربایجان و دست نشاندهٔ

شاهنشاه ایران بود ، وانـان را فـراری ساخت وبتخت نشست و او را از ارمنستان نیز بیرون کرد و پسر خود را موسوم به‌ارشك ، به پادشاهی ارمنستان گماشت ولی مردمان شمالی ساکن قفقاز ، بتحریك رومیها ، ارشك را گرفتند وکشتند و اردوان از عهـدهٔ آنان بر نیامد . باین علت و بسبب عدم پیشرفت او در نقاط دیگر ، پارتهـا او را خلـع کردند و تیرداد را بجای او نشاندند .

اردوان بگرگان رفت لکن‌پس‌ازچندی مردم اورابازآوردند ودرتیسفون بتخت نشاندندولی چون‌درمعاهده‌ایکه باروم بست ، قبول کرد که ارمنستان‌ازمنطقهٔ نفوذایران خارج باشد ، بار دیگر او را از سلطنت خلع کردند و باز بعد از چندی ، بسلطنت بـاز آوردند . در ۴۰ میلادی درگذشت .

اشکهای نوزدهم و بیستم‌و بیست و یکم
(واردن ـ گودرز ـ وانان دوم)

بعد از اردوان ، جنگ خانگی میان دو پسر او واردان وگـودرز درگـرفت ، واردان کشته شد وگودرز بتخت نشست . چـون بسیار سختگیر بود ، روحـانیون از امپراطور روم خواستند که مهرداد پسرفرهاد چهارم‌را بایران بفرستد . مهرداد بایران آمد ولی‌گودرز بر او غالب شد وگوشهای او را برید تا بعلت نقص جسمانی ، شایستهٔ سلطنت نباشد .

گودرزبسال ۵۱ میلادی درگذشت و وانان که برادر او بود ، شاه شد ولی‌پس‌از هفت ماه ، سلطنت را به بلاش پسر خود واگذاشت .

اشك بیست و دوم (بلاش اول)

بلاش بدفع قبایل وحشیٔ که از شمال بایران تاخته بودند ، پرداخت و ارمنستان راکه تابع روم بودگرفت و سلطنت‌آنرا به پسر خود تیرداد سپرد .

قیصر روم که در آنزمان نرون بود ، بهترین سردار خودرا بنام کربول ، مأمور رفع این اهانت کرد . اتفاقاً درآن موقع ، واردان پسربلاش بر پدر یاغی شد و مـردم گرگان شوریدند . تیرداد پادشاه ارمنستان ، بتنهائی‌از عهدهٔ رومیان بر نیامد ومغلوب گشت ولی‌همینکه بلاش بدفع عصیان پسر وشورشیان گرگان موفق گردید ، سپاه روم را درهم شکست وعاقبت بدین مصالحه شد که تیرداد ، شاه ارمنستان‌باشد لکن تاج‌خود را از دست نرون بگیرد .

بموجب دین کرت که یکی از کتب مذهبی زرتشتیان است ، جمع آوری اوستا که در اثر استیلای اسکندر از میان رفته بود ، در زمان بلاش آغاز شد و در عهد اردشیر بابکان باتمام رسید .

تیرداد پسر بلاش و پادشاه ارمنستان برای تاجگذاری با سه هزار سوار پارتی بروم رفت و با شکوه بی نظیری پذیرائی شد .

بلاش در ۷۷ میلادی فوت کرد و بعد از او سه نفر بنام بلاش و پاکرواردوان چهارم شاهی کرده اند که حسب و نصب و تاریخشان درست روشن نیست .

اشك بیست و سوم (خسرو)

خسرو پسر پاکر در ۱۰۷ میلادی به تخت نشست و پس از پنجاه سال صلح و آرامش ، گرفتار حملهٔ رومیان گشت بدینمعنی که تراژان امپراطور روم ، مانند اسکندر ، خیال جهانگیری داشت و بهیچ نوع مصالحه تن در نمیداد . ارمنستان را گرفت و از بین‌النهرین گذشت و بخلیج فارس رفت .

خسرو که درخود یارای مقابله بااو نمیدید ، بتحریك ممالك تسخیرشده پرداخت و شورشهائی بپا کرد که موجب وحشت تراژان وعقب نشینی او گردید . تراژان درضمن عقب‌نشینی ، یکی از شاهزادگان اشکانی را در تیسفون بسلطنت نشانید لکن خسرو بی درنگ رسید و شاه تحت حمایت روم‌را از تخت بزیر کشید .

تراژان ، سال بعد در ۱۱۷ میلادی در گذشت وهادرین که بجای او نشست ، باشاهنشاه ایران از در دوستی درآمد .

اشکهای بیست و چهارم و بیست و پنجم
(بلاش دوم و بلاش سوم)

بعد از خسرو بلاش دوم و بعد از او بلاش سوم بتخت نشستند. بلاش سوم در ۱۶۱ میلادی ، سلطان ارمنستان را که تحت حمایت روم بود ، بیرون کرد وسپاه روم‌را که بجنگ آمد شکست داد ولی درجنگهای بعدی مغلوب شدو اضافه برارمنستان ، قسمت غربی بین‌النهرین نیز بتصرف روم در آمد .

اشك بیست و ششم (بلاش چهارم)

بعد از پدر بتخت نشست و مدت سه سال از ۱۹۴ تا ۱۹۷ با رومیان در جنگ بود و چندین شهر بین‌النهرین را از دست داد .

اشك بیست‌و هفتم و بیست و هشتم
(بلاش پنجم و اردوان پنجم)

بعد از بلاش چهارم ، دو پسر او بلاش واردوان برسرسلطنت کشمکش داشتند تا عاقبت قرار شد بلاش در بابل و اردوان در ممالك غربی ایران ، سلطنت کند کاراکالا امپراطور روم ، این واقعه را که حاکی از ضعف و پریشانی حال ایران بود بمجلس سنای روم ، تبریك گفت . سپس دختر اردوان را بزنی خواست . اردوان ابتدا این خواستگاری را نپذیرفت اما عاقبت بدان تن داد بشرط آنکه کاراکالا خود برای بردن عروس بیاید .

کاراکالا با لشگری فراوان آمد ودرشب‌جشن ، خائنانه همراهان اردوان‌را بقتل رسانید . اردوان بتنهائی جان از معرکه بدر برد و به تهیهٔ سپاه پرداخت .

گرچه‌پس از اندکی کاراکالا کشته شد لکن جنگ سختی باماکری‌نوس‌جانشین او درگرفت ورومیان شکست فاحشی خوردند ومبلغ گزافی غرامت پرداختند .

اردوان پنجم درسال ۲۱۶ میلادی بربلاش فائق‌آمد وبنا براین ، ابتدای سلطنت او را بر تمام ایران ، باید از آن تاریخ دانست ولی با وجود این فتوحات ، دولت اشکانی بعلت نارضامندی مردم و نزاعهای داخلی ، رو بانحطاط وزوال میرفت چنانکه عاقبت این دودمان بسال ۲۲۶ میلادی بدست اردشیر بابکان منقرض گردید .

تمدن اشکانی

دورهٔ اشکانی ۴۷۰ سال ادامه داشت . در اینمدت ، سلاطین اشکانی از یك طرف با مردمان وحشی در شرق و از طرف دیگر با دولت متمدن وزورمند روم در غرب ، همواره با موفقیت در جنگ بودند و بوسعت خاك خود میافزودند تاآنکه وقتی هم ایران را بحدود زمان هخامنشی رساندند .

متأسفانه از این دوره کتیبه یا اطلاع دیگری بجزآنچه از منابع رومی ویونانی وارمنی بما رسیده ، در دست نیست . با وجود این از سکه‌ها ومآخذ ناقصی که داریم چنین برمیآید که دولت‌اشکانی بخلاف‌دولت هخامنشی که‌دارای قدرت مرکزی ووحدت حکومت بود ، ازیك عده ممالکی تشکیل میشدکه درامور داخلی‌خود استقلال‌داشتند منتها پادشاهان آن ممالك غالباً اشکانی بودند و در موقع جنگ بسپاه مرکزی مدد میکردند و برای انتخاب شاهنشاه ، امراء خود را بمجلس مشورت گسیل میداشتند .

در مرکز نیزشاهان اشکانی ، قدرت مطلقه نـداشتند و فیصل امور بـا مشورت شاهزادگان و رؤسای هفت خانواده از نجبا و روحانیون انجام میگرفت .

پارتها درابتدا پرستندهٔآفتاب وماه وستارگان وعناصربودند وبعدهااهورامزدارا پرستیدند و ضمناً پرستیدن بعضی از ارباب انواع یونانیان در عقایدشان رسوخ کرد .

زبان اشکانی‌آریانی است ولی لغات سکائی که‌آن نیز شعبه ای از زبان آریانی‌ـ است ، درآن داخل شده و زبان پهلوی راکه بین پارسی قدیم و فارسی امروزواسطه‌ـ است بوجود آورده .

زبان یونانی در میان اشکانیان رواج تمام داشته چنانکـه سکه هـای بیشتر از شاهان اشکانی‌بزبان و خط یونانی است و شاهزادگان اشکانی‌غالباً زبان یونانی‌راخوب میدانستند و حتی ارد اول ، باین زبان تاریخی نوشته . نمایش‌نامه های یونانی در دربار اشکانی بازی میشده و مورد توجه خاص بوده است .

زبان پهلوی را بخط‌آرامی سریانی مینوشتند لکن خط میخی‌نیز رواج‌داشته.

اولین پایتخت اشکانی ، هکاتم پیلیس (شهرصد دروازه) در نزدیکی دامغان بوده و بعد به ری وتیسفون منتقل‌گشته . در این نواحی‌آثاری ازمعماری وحجاری‌بدست نیامده و در نتیجه میتوان گفت‌که تمدن اشکانی‌از زمان هخامنشی ، پست‌تر بوده‌است.

ازآثار اشکانی ، چند خرابه باقیمانده :

۱) معبدکنگاور .

۲) معبدی در همدان بنام‌آناهیتا یا ناهید .

۳) در طرف راست دجله ، خرابه هـائی است بشعاع هزار متر کـه بـاشکانیان نسبت میدهند .

۴) در بیستون ،کودرز بتقلید داریوش‌اول ، با حجاریهای دیواری ، فتح‌خود رانسبت بمهرداد‌وکاسیوس ، نشان داده وکتیبه ای بزبان یونانی نویسانده .

۵) حجاریهائی در سااولك درکوههای بختیاری وجود داردکـه به اشکانیـان نسبت داده اند .

در شهر تدمر واقع در شامات و در هندوستان ، اشیائی بدست‌آمده کـه متعلق بزمان اشکانی است ولی بهرصورت ، صنایع این زمان ، بسیارکم و از زمان هخامنشی پست تر است .

اشکانیان ، پول وطلا ومسی نداشتند ومسکوکات آنها از نقره و برنج بود .

دورهٔ دوم پارسیها

شاهان ساسانی

ساسان ، مؤبد معبد ناهید در استخر بود . پاپك پسر ساسان ، در شهر خیر در کنار دریاچهٔ بختگان ، حکومت میکرد . گوزهر راکه در آن نواحی پادشاهی‌داشت کشت و خودرا شاه خواند . سپس از اردوان پنجم‌اشکانی ، عنوان پادشاهی برای‌پسر بزرگ خودشاپور ، درخواست کرد .شاپور پس از فوت پدر ، باوجود امتناع‌اردوان پنجم ، خود را شاه گفت و برادرش اردشیر را مجبور به تبعیت کرد لکن در ۲۱۲ میلادی در زیرآوار هلاك شد واردشیر ، پادشاه گشت .

باید دانست که پادشاهان اشکانی از ممالك تابعه ، بدادن باج و فرستادن سپاه‌در موقع جنگ اکتفا میکردند و شاهان داخلی را در حوزهٔ خود مستقل میگذاشتند .

اول - اردشیراول

در ۲۲۳ میلادی علم طغیان بر افراشت و بنای جهانگیری گذاشت : کرمان و خوزستان وعمان و اصفهان‌راگرفت واردوان پنجم‌را در جنگ هرمزدکان‌خوزستان، بسال ۲۲۴ از پای در آورد . دو سال پس از کشته شدن اردوان ، تمام ایران بتبعیت او درآمد سپس درهند تاپنجاب پیش رفت وارمنستان راگرفت وسپاه روم را شکست داد ونصیبین وحران را تسخیر کرد .

کار های بزرگ اردشیر از اینقرار است :

۱)ایجاد مرکزیت وتبدیل پادشاهان محلی به نجبای درباری .

۲)جمع‌آوری اوستا که از زمان بلاش اشکانی شروع شده بود .

۳)رسمی کردن آئین زردشت .

۴) تقسیم اهالی بطبقات و تعیین حد معیشت برای هر طبقه .

۵) ایجاد امنیت عمومی .

٦) زنده کردن سپاه جاویدان داریوش اول .

۷) تخفیف در مجازاتها و منع دست بریدن .

۸) جلوگیری از فساد اخلاق .

دوم ـ شاپور اول

در ۲۴۱ میلادی پادشاه شد . ارمنستان وحران‌را که شوریده بودند ، مطیع کرد پس از آن بجنگ با روم پرداخت . در جنگ اول که از ۲۴۱ تا ۲۴۴ طول کشید ، فاتح شد ، سپس شکست خورد ولی عاقبت غالب گردید وارمنستان وبین‌النهرین ، برای ایران باقیماند .

جنگ دوم از ۲۵۸ تا ۲۶۰ امتداد یافت و امپراطور روم بنام والریـن ، اسیر شاپور گشت و قسمت عمدهٔ آسیای صغیر وشامات ، بتصرف ایران درآمد لکن درنتیجهٔ سوء سیاست شاپور و دشمنی ادناتوس ، پادشاه تدمر که شهری است واقع در راه بین‌النهرین‌بدمشق ، آن همه از دست ایرانیان خارج گشت .

تفصیل آنکه وقتی شاپور بتسخیر شامات میرفت ، ادناتوس باو کاغذی نوشت و هدایائی فرستاد . شاپور در غضب شدکه «چرا چنین کسی بخداوند خود بدین مضمون نوشته ! باید بیاید و بخاك بیفتد .» امر کرد تاآورندگان هدایا را بفرات انداختند .

ادناتوس منتظر فرصت شد همینکه دانست شاپور با غنائم بسیار ازآسیای صغیر بایران میرود ، از اعراب بادیه نشین ، قوائی تشکیل داد و در جلگه های بی‌آب و علف بر سپاه شاپور تاخت و تلفات زیادی واردآورد وحتی‌چندی اززنهای شاپور راباسارت گرفت و بتعقیب سپاه ایران تیسفون را محاصره کرد ، سپس شامات را متصرف شد وبا روم متحد گشت .

لکن پس از چندی کشته شد و زن او بنام زنوبیاکه در جمال ولیاقت ، معروف بود ، جانشین‌او گشت وچون ازطرف‌روم کشورخود رادرمخاطره‌دید بایران نزدیك‌شد لکن امپراطور روم‌آن کشور را مسخر وملکه را اسیر و در زنجیر کرد و برای‌نمایش فتح خود بروم برد .

از وقایع مهم سلطنت شاپور ، پدید آمدن مانی است که در ۲۴۲ آئین خود را ظاهر کرد و شاپور بدان گروید ولی بعد بکیش زرتشتی برگشت . این‌آئین چندی در مشرق و مغرب عالم منتشر بود .

از کارهای شاپور ، ساختن سد شادروان برکارون در شوشتر و بنای شهرشاپور در نزدیکی کازرون است .

شاپور ، پسر خود مهران را بسلطنت گرجستان فرستاد و او سر سلسلهٔ‌سلاطین

خسروی آنکشور است .

وفات شاپور بسال ۲۷۱ اتفاق افتاد .

سوم ـ هرمز اول

بعد از پدر بتخت نشست و یکسال سلطنت کرد ودر ۲۷۲ درگذشت . مانی را که از ایران رفته بود ، خواست و در قصر خود در دستگرد پناه داد .

چهارم ـ بهرام اول

بعد از برادر بتخت نشست و چهار سال سلطنت کرد . در زمان او زنوبیا ملکهٔ تدمر از ایران مدد خواست ولی بهرام که مردی سست اراده بود بجای اینکه از آن کشوردرمقابل روم ، چنانکه شاید حمایت کند ، بفرستادن قوای مختصری قناعت کرد و از بین رفتن تدمر ، امپراطور روم ارلی‌ین را بخیال تسخیر ایران انداخت ولی خوشبختانه آن امپراطور در ۲۷۵ کشته شد و بهرام هم بزودی درگذشت .

بامر این شاه ، مانی را زنده پوست کندند و در جند شاپور بتماشای مردم عرضه داشتند .

پنجم ـ بهرام دوم

بعد از پدر پادشاه شد در ابتدا سفاك و جبار بود ولی بنصیحت مؤبدی‌تغییر رفتار داد . در مشرق ایران ، بر طوایف سکهـا که در نیمهٔ قرن دوم قبل از میلاد برسیستان وافغانستان، مستولی شده‌بودند ، غلبه کرد ولی چون‌کاروس ، امپراطورروم بپیروی از نقشه ارلی ین ، بایران تاخت ، از پیشرفت در خاور باز ماند .کاروس ، بین‌النهرین و حتی تیسفون راگرفت لکن بقول معروف، در اثر صاعقه درگذشت و ایران نجات یافت . فوت بهرام بسال ۲۸۲ واقع شد .

ششم ـ بهرام سوم

پسرهرمز ، بعد از بهرام دوم ، به تخت نشست و چون درحیات پدرش پس‌از تسخیرسیستان ، بحکومت آنجا منصوب گشت ، به سکانشاه مشهور بود . چند ماهی بیش سلطنت‌نکرد .

هفتم ـ نرسی

بعد از بهرام سوم در ۲۸۲ میلادی شاه شد . او را پسر شاپور و برخی پسر بهرام سوم گفته اند .

جنگ باروم برسر ارمنستان‌در گرفت و گرچه رومیان بار اول در۲۹۶میلادی، شکست فاحشی‌خوردند ، سال بعداز راه ارمنستان بایران‌حمله آورده نرسی رامغلوب و صلحی چنان ننگ‌آور بر او تحمیل کردند که از سلطنت استعفا داد و از غصه مرد (۳۰۱ میلادی) .

هشتم ـ هرمز دوم

بعد از پدر جلوس کرد ودر دادگستری کوشید وبرآبادی ایران بسی افزودودر ۳۱۰ میلادی در جنگ با اعراب که بحرین را گرفته بودند و از آنجا بایران تجاوز میکردند ، کشته شد .

باید دانست که بحرین نام ولایتی بوده در مشرق عربستان واین‌نام بعدهابجزیرهٔ بحرین داده شده .

هرمز دوم از شاهان ساسانی ، یگانه شاهی است که صورت خود و ملکه را در سکه ها نقش بسته .

نهم ـ آذر نرسی

در ۳۱۰ میلادی بعد از پدر بپادشاهی رسید و چون بیرحم و سفاك بود ، او را در همانسال کشتند . پس ازاو تاج سلطنت‌را در خوابگاه ملکه زن هرمز دوم که‌آبستن بود ،آویختند و طفلی راکه در شکم مادر بود ، شاه خواندند .

دهم ـ شاپور دوم یا شاپور بزرگ

در سن شانزده سالگی ، زمام امور را بدست گرفت واعراب بحرین را مغلوب و منکوب کرد . گفته اند که‌چون شانه‌اسرای‌عرب را سوراخ میکرد و ازآن ریسمانی میگذرانید ، بشاپور ذوالاکتاف ، مشهور گردید لکن قول قابل اعتبار این است که‌این لقب را ازآن‌یافته که شانه های پهنی داشته‌است .

جنگ‌اول‌شاپور دوم باروم ، از ۳۳۸ تا۳۵۰ میلادی‌بطول کشید. آغاز کشمکش بر سر ارمنستان شد و پس از حوادث بیشمار در وقتی که شاپور فاتح بود ، هجوم طوایف وحشی بنام هونها در شرق ایران ، او را مجبور بترك جنگ مغرب نمود . جنگ با هونها هفت سال‌طول کشید و بار دوم که شاپور بجنگ باروم پرداخت ،پادشاه آن طایفه باسپاه خود ، دررکاب شاپور، بارومیها میجنگید .

شکست‌هونهای وحشی ، در حفظ‌تمدن‌ایران وجهان نهایت اهمیت‌را داراست.

جنگ دوم شاپور با روم ، بین ۳۵۹ تا۳۶۳ اتفاق افتاد و بنفع ایران خاتمه‌یافت وژولین امپراطور رومدر این جنگها جان خودرا ازدست داد .

در مدت پادشاهی شاپور بزرگ که از تولد تا مرگ او هفتاد سال طول کشید ایران بر تمام مشکلات خود فائق‌آمد بدینمعنی که دست اعراب در جنوب و دست طوایف وحشی در شمال و شمال شرقی از تجاوز بایران کوتاه گردید وممالکی که در زمان نرسی بتصرف رومدر آمده بود ،بایران باز گشت .

یازدهم ـ اردشیر دوم

برادرشاپور بزرگ بود ، بعداز او بتخت نشست و چهار سال سلطنت کرد.بسیار مهربان ونیکخواه بود و از مالیاتها بسی بخشید و نام نیکوکار یافت .

دوازدهم ـ شاپور سوم

بعد از اردشیر دوم ، برادر زادهٔ او بنام شاپور از ۳۸۲ تا ۳۸۸ میلادی سلطنت کرد . در زمان این پادشاه باز اختلاف ایران و روم بر سر ارمنستان درگرفت و بتقسیم آنکشور بین دو طرف خاتمه یافت . قسمت شرقی که وسیعتر بود بایران وقسمت غربی به روم ملحق گردید .

در هر قسمت یکی از شاهزادگان اشکانی از طرف روم و ایران به سلطنت برقرار گشتند .

سیزدهم ـ بهرام چهارم

پس از برادر به تخت نشست و از ۳۸۸ تا ۳۹۹ سلطنت کرد وچون‌در عهدپدر، والی کرمان بود ، بکرمانشاه معروف است .

در زمان او ، خسرو پادشاه قسمت ایرانی ارمنستان ، از طرف روم بسلطنت‌آن قسمت از ارمنستان که تابع روم بود نیز منصوب وبسر پیچی از اطاعت ایران ، اغوا گردید . بهرام او را مغلوب و محبوس نمود وبرادر او موسوم به بهرام شاپور را بجای او نشانید .

چهاردهم‌یزدگرد اول

پسر شاپورسوم ،درسال۳۹۹ پادشاه‌شدودر ۴۲۰ فوت کرد . ایرانیان اوراگناهکار خوانده‌اند لکن مورخین غربی اورا نیك و جوانمرد میدانند زیرا نسبت بمذاهب ملل تابعه‌باغماض‌رفتار میکرد واین‌موجب بود که روحانیان زرتشتی اوراگناهکار بخوانند .

در عهد این شاه ، امپراطوری روم شرقی ، تحت حمایت ایران درآمد : تفصیل آنکه ارکادیوس امپراطور روم ، چون نزدیکی مرگ را احساس کرد ، ولیعهد خود تئودوس را که در گهواره بود ، به یزدگرد سپرد ، و کشور خود را تحت حمایت او قرار داد . یزدگرد ، سرپرستی طفل را بخواجهٔ دانائی بنام آنطیوخوس محول نمود و به سنای روم اعلام کرد که هر کس باامپراطور صغیر ، مخالفت ورزد ، دشمن شاهنشاه ایران خواهد بود .

شهر یزد را از بناهای یزدگرد گفته اند .

پانزدهم - بهرام پنجم یا بهرام گور

بعد از یزدگرد ، پسرش شاپور که در ارمنستان حکومت داشت خواست بجای او بنشیند ولی کشته شد . پس از او خسرو نام را که یکی از خویشاوندان یزدگرد بود، بتخت نشاندند . او نیز نتوانست درمقابل بهرام ، پسر دیگر یزدگرد ، دوام بیاورد: چنین معروف است که قرار شد تاج شاهی را در میان دو شیر بگذارند و از دو رقیب یعنی خسرو وبهرام هر که توانست آنرا برباید ، شاه باشد . بهرام موفق شد وبتخت نشست.

این پادشاه نزد نعمان ملك حیره که شهری بود نزدیك کوفه ، در قصر خورنق تربیت یافته بود . طوائف صحراگرد موسوم به هیاطله یا هونهای سفید را که برای تمدن ایران و جهان ، خطر بزرگی بودند ، در شمال وشرق ایران ، مغلوب کرد و تاج شاهشان را که کشته شد ، درآذربایجان ، زینت آتشکدهٔ آذرگشتاسب نمود .

پس از آن ، جنگ با روم بعلت بد رفتاری بامسیحیان که باغوای مغان درایران معمول بود ،آغاز گردید و بعد از فتح و شکستهائی ، در سال ۴۲۲ بمصالحهٔ آبرومندی خاتمه یافت و عهد صلحی صد ساله بین روم و ایران بسته شد وآزادی مسیحیت را ایران تقبل نمود .

این پادشاه را بسبب میل مفرطی که بشکار گورخر داشت ، بهرام گور گفته‌اند . معروف است که عاقبت در ۴۳۸ در ضمن شکار ، در باتلاقی فرو رفت . شاهی رعیت پرور وداد گستر بود ودرآبادی کشور ،کوشش فراوان بعمل آورد. الحاق کامل ارمنستان بایران در زمان او واقع گردید .

شانزدهم - یزدگرد دوم

بعد از پدر بتخت نشست وبرای اینکه مسیحیت را از ارمنستان براندازد وکیش

زرتشت را بجای آن مستقر سازد ، بجنگ با مردم آن کشور پرداخت و باجرای نیت خود موفق گردید و در بین‌النهرین نیز بآزار عیسویان دست گشود .

از وقایع مهم این زمان ، عهد نامه ایست که با روم بسته شد و امپراطور روم متعهد گردید که سالیانه مبلغی برای جلوگیری از هجوم طوایف شمالی، بایران بپردازد.

هفدهم - هرمز سوم

چون فیروز برادر بزرگتر او در سیستان بود ، در ۴۵۷ بجای پدر جلوس کرد ولی فیروز بیاری هیاطله تخت را ازاو پس گرفت .

هیجدهم - فیروز اول

بسال ۴۵۹ بعد از برادر به تخت نشست . در زمان این شاه چند سالی ایران دچار قحطی شد ولی حسن ادارهٔ او از تلفات جلوگیری کرد .

در جنگ با خوشنواز پادشاه هیاطله ، شکست خورد و در جنگ دیگری باآن طایفه در ۴۸۳ کشته شد . خرابهٔ دیواری که در گرگان برای جلوگیری از آنها کشیده هنوز باقی و بنام سد اسکندر معروف است .

در ایامی که فیروز در شرق ،گرفتار جنگ باهیاطله بود ، ارمنستان شوریدولی از سپاه ایران بفرماندهی زرمهر ، شکست خورد و ساهاك پادشاه خود را ازدست داد.

نوزدهم - بلاش

بعد از برادر ، پادشاه شد واز ۴۸۳ تا۴۸۷ سلطنت کرد . باخوشنواز ، عهدصلح بست و اسرای ایرانی را پس گرفت ولی قبول کرد که سالیانه غرامتی باو بپردازد .

برادرش بنام زارن ، مدعی تخت و تاج شد . واهان پادشاه ارامنه بمدد بلاش شتافت و بپاداش این عمل ، از او برای ارمنستان ،آزادی مذهب گرفت .

بیستم - غباد اول

پسر فیروزبود . چون در زمان‌بلاش ، نتوانست خودرا بتخت برساندبخوشنواز سلطان هیاطله پناهنده شد و با سپاهی از آن طایفه ،آمادهٔ جنگ گردید لکن بلاش در ۴۸۷ درگذشت و نجبای ایران ، غباد را بپادشاهی برداشتند .

این پادشاه از ۴۸۷ تا ۵۳۱ دوبار سلطنت کرد : در اول بسرکوبی خزر ها که مردمانی بودند تورانی نژاد و در شمال قفقاز سکنا داشتند، پرداخت وکامیاب گردید ، پس ازآن برای کاستن نفوذ روحانیان ، بمزدك که آئین تازه ای آورده بود و مردم را

باشتراك در اموال وزوجات دعوت میکرد گروید و باینجهت از سلطنت خلع گردید و جاماسب برادر او بتخت نشست .

غباد که در قلعهٔ فراموشی در شوشتر محبوس بود فرار کرد و نزد خان هیاطله رفت و بکمك او بار دیگر بسلطنت ایران باز گشت وچون متعهد شده بود که درازای این کمك ، مبلغی بهیاطله بپردازد وآنوجه راموجود نداشت ، از رومیان خواست که بقرار خود عمل کنند یعنی پولی را که میبایست سالیانه برای جلوگیری از اقوام‌شمالی بایران پرداخته باشند ، بپردازند . جنگ با روم در گرفت و پس از فراز ونشیب‌بسیار، عاقبت در ۵۰۳ مبلغی بایران پرداخته و صلحی در میان بسته شد . ازآن ببعد ، غباد مدت‌ده سال‌باهیاطله که درضمن گرفتاری اوبتاخت وتاز درایران مشغول بودند ،بجنگ پرداخت وآنانرا چنان مغلوب کرد که دیگر ازآنطرف خطری متوجهٔ ایران نگردید .

دفعهٔ دیگر در نتیجهٔ سخت گیری ایرانیان به پیروان مسیحیت ، جنگ باروم آغاز شد و نه تنها رومیان شکست خوردند بلکه ترقی سپاه ایران وبرتری‌آن برقوای رومی ، ثابت گردید لکن دراین‌اثنا غباد در گذشت واز این‌فتح ، ثمری عایدایران‌نشد.

در اواخر سلطنت غباد ، مزدکیها میخواستند پسر او را بنام پشخوارشاه که آئین مزدکی‌را پذیرفته بود، شاه کنند ولی‌غباد بدستیاری‌پسردیگرش خسروانوشیروان، مزدکیان را بجشنی دعوت کرد و بجز مزدك که موفق بفرار شد ، همه راکشت .

غباد در ۵۳۱ در گذشت وایرانی قوی ومصون از خطرات‌اقوام وحشی شمالی ، بجای گذاشت .

بیست و یکم ـ خسرو اول ، انوشیروان دادگر

انوشیروان از دختر دهقانی بود که غباد در موقع فرار از بلاش ، در نیشابور بزنی گرفت . چون میخواست انوشیروان بپادشاهی برسد و پسران دیگری نزدیکتر از او بسلطنت داشت ، قصدکرد که او را بامپراطور روم بسپرد همچنانکه امپراطور روم وقتی پسر خود را به پادشاه ایران سپرد . لکن امپراطور این تقاضا را نپذیرفت زیرا نمیخواست بعلت قولی که در حمایت انوشیروان میدهد ، خود را از فرصت های‌آینده در حملهٔ بایران محروم کرده باشد .

پس از غباد ، در میان خسرو انوشیروان وبرادر های اوکیوس وجام ،کشمکش

در گرفت و عاقبت خسرو بهمراهی مهبود وزیر ، بپادشاهی رسید و از ۵۳۱ تا ۵۷۹ سلطنت کرد .

کارهای برجستهٔ خسرو انوشیروان‌دو قسمت دارد ، داخلی و خارجی : درداخله ابتدا به رفع انقلاب و هرج ومرج افکار پرداخت زیرا مذهب مزدك حتی در ارمنستان مسیحی ، پیروان زیادی پیدا کرده بود و مردم را بروی یکدیگر وامیداشت . مزدك‌را که از دست غباد فرار کرده بود ، با جمع کثیری از پیروانش کشت و بوسیلهٔ تخفیف مالیاتها و بسط عدالت‌و برقراری امنیت، قلوب مردم را جذب کرد . سپاه را تحت نظم آورد و برای سپاهیان ، حقوق ثابتی مقرر نمود و گذشته از ترتیبی که برای اجرای عدالت داد ، خود بشخصه بامورقضائی رسیدگی میکرد وعارضین رامیپذیرفت واحکامی صادر میکرد که در اقصی بلاد ایران ، مطاع بود . پس ازآن بفرهنگ پرداخت و از فلاسفه و علمائیکه از اسکندریه فرار کرده بودند همه گونه استفاده کرد ویك مدرسهٔ طب در جند شاپور بنا نمود و کتب فلسفی یونانی و داستان کلیله و دمنهٔ هندی را به پهلوی درآورد .

بکشاورزی توجه مخصوص داشت و برای بسط تجارت طرق بسیار ساخت . خارجیان را بمهربانی می پذیرفت و گذشته از جنگهای فاتحانه ای که بااقوام وحشی شمالی کرد ، برای جلوگیری از تجاوزآنها ، سد ها و قلاع معروفی مانند سد دربنددر قفقاز و قلاع گرگان و اترك و غیره بنا نمود .

و اما در سیاست خارجی ، صلاح را قبل از سر و سامان دادن بامور داخلی در سازش با روم دید و اتفاقاً این سیاست با نظر ژوستی نین امپراطور آن کشور که بجنگهای اروپاوافریقا سرگرم‌بود، موافقت داشت چنانکه در۵۳۲ عهد صلحی درمیان گذشت و دولت روم بر عهده گرفت که هر سال مبلغی برای حفظ دربند و سایر نقاط قفقاز از تجاوز طوایف وحشی بایران بپردازد . ولی فتوحات روم درمغرب ، موجب تقویت آن دولت و باعث نگرانی ایران گردید و انوشیروان صلاح را درآن دیدکه تا وقت نگذشته ، از خطر احتمالی جلوگیری کند .

بهانهٔ جنگ اول با روم ، این شدکه‌آن دولت بدون اطلاع ایران ، درکشمکش دو سلطان عرب که یکی ملك غسان ، دست نشاندهٔ روم و دیگری ملك حیره ، تابع

ایران بود ، دخالت کرد و بین آنان حکم شد . در ۵۴۰ میلادی این جنگ ، بفتح ایران خاتمه یافت و دولت روم ، مجبور بپرداخت غرامت گردید .

جنگ دوم با روم ، بر سر ولایت لازیکا واقع در گرجستان ، در گرفت و علت این بود که پادشاه لازیکا از دولت روم ، رضایت نداشت و بدولت ایران پناهنده شد . این جنگ از ۵۴۰ تا ۵۵۷ طول کشید تا هردو طرف خسته وطالب صلح گشتند وعهدی از اینقرار بستند که دولت روم درازای تخلیهٔ لازیکا ازسپاه ایران، درمدت پنجاه سال، هرساله سی هزار سکهٔ طلا بایران بپردازد .

پس ازاین جنگ ، انوشیروان بدفع هیاطله یاهونهای سفید پرداخت وبدینمنظور با خاقان ترك موسوم به مکان خان ، متحد گشت و مملکت هیاطله بین ایران وخاقان ، تقسیم شد .

ترکها خودتیره‌ای ازهونها بودند که در ۴۳۳ ازفشار امپراطور چین ، کوچیده قسمتی از اراضی مابین مغولستان و کوههای اورال را متصرف شدند و قسمتی ما بین کوههای آلتای و سیحون راتصاحب کردند . کلمهٔ ترك ازنام کوهی است که بکلاه خود شباهت دارد و کلاه خود را بترکی دورك گفته اند .

بعد ازفراغت ازکارهیاطله ، انوشیروان بطوایف خزر پرداخت وآنها رامغلوب و منکوب نمود .

در زمان انوشیروان ، یکی از شاهزادگان خانوادهٔ حمیر که در یمن سلطنت داشت ، از پادشاه حبشه بنام ابرهه ، بایران پناه‌آورد و برای استرداد تاج و تخت خود استمداد کرد . انوشیروان ، سرداریرا بنام وهرز با سپاهی برای تصرف یمن فرستاد و او بر حبشی غالب‌آمد و ازآن ببعد پادشاهان حمیر ، دست نشاندهٔ ایران گشتند .

ترکها که از گرفتن قسمتی از مملکت هیاطله ، قوی شده بودند بخاك ایران تجاوز کردند لکن درمقابل سپاه ایران ،تاب نیاورده عقب نشستند و در عوض بتحریك کردن رومیها بجنگ باایران ، پرداختند . دولت روم که ازنیرومند شدن ایران بیمناك بود و باضافه انوشیروان را پیر و ضعیف تصور مینمود ، جنگ سوم راآغاز کرد .

این جنگ از ۵۷۲ تا ۵۷۹ طول کشید و در ابتدا شکستی چنان‌فاحش برومیان وارد آمد که امپراطورژوستن ، مجبور باستعفا شد وتی‌بریوس بجای او نشست وناچار

یکسال متارکهٔ جنگ را بمبلغ چهل و پنج هزار سکهٔ طلا از ایران خرید . درآن یك سال هرچه ممکن بود ، بجمع‌آوری قوا پرداخت لکن در انقضاء متارکه باز جرئت نکرد بجنگ‌اقدام کند وباز سه‌سال دیگرمتارکه را بسالی سی‌هزار سکهٔ طلاخریداری نمود . پس از اینمدت ، سپاه طرفین بتاخت و تاز در ارمنستان وخاك یکدیگر مشغول شدند و حتی انوشیروان ، مورد تعقیب سپاه روم واقع گردید و برای تهیهٔ تدارکات ، به تیسفون برگشت و در ۵۷۹ میلادی درگذشت ولی جنگ ، با فوت او بآخر نرسید و همچنان ادامه یافت .

این واقعه نیز قابل ذکر است که در اوایل سلطنت این پادشاه ، پسرش بنام انوشه زاد ، بر او یاغی شد و از پای درآمد .

انوشیروان پادشاهی جهانگیر و جهاندار بوده و یکی از نوابغ بشمار میآید .

بیست و دوم ـ هرمز چهارم

بعد از انوشیروان در ۵۷۹ بتخت جلوس کرد و جنگ با روم را بدون نتیجه تا ۵۸۹ ادامه داد . در ۵۸۸ که جنگ با روم درگیر بود ، ترکها بایران تاختندوبهرام چوبین رئیس خانوادهٔ مهران ، مأمور سرکوبی آنان گردید وفتح نمایانی کرد وغنیمت بسیار بدست‌آورد ولی مورد سوء ظن و وحشت هرمز واقع شد . بار دیگر هرمز اورا مأمور جنگ با روم نمود . این باربهرام ، شکست خورد لکن بجای اینکه هرمزبرای اوکمك بفرستد ، از شکست او خوشنودگردید و دوك و جامهٔ زنان برای او فرستاد . سپاه بهرام از این حرکت شاه در خشم شد و سپاهیانی که در لازیکا و بین‌النهرین میجنگیدند و همچنین قوائی که هرمز بمقابلهٔ آنها فرستاد ، همگی به بهرام پیوستند. مردم نیز بر هرمز شوریدند و او فرار کرد و بدست یکی از خویشاوندان خودموسوم به بیستام ، در سال ۵۹۰ میلادی گرفتار وکشته شد .

بیست و سوم ـ خسرو دوم معروف به خسرو پرویز

بعد از پدر بپادشاهی رسید ، بهرام چوبین را بدربار احضار کرد و بلند ترین مقام را باو وعده داد ولی او تمکین نکرد و جنگ درگرفت . خسرو شکست خورد و بروم پناه برد .

امپراطور حاضر شد خسرو را پسر خود بداند و از او حمایت کند بشرط آنکه ارمنستان وشهر دارا که قلعه‌محکمی بود، بروم واگذارشود . خسرو باین شرط،راضی

شد و بکمك سپاه رومی ، بهرام چوبین را که بر مسند شاهی نشسته بود ، شکست داد . بهرام به خاقان ترکستان پناهنده شد . خسرو بتخت نشست و اشخاصیرا که باعت قتل پدرش شده بودند سیاست کرد .

تا زمانیکه مریس امپراطور روم بود ، روابط بین دو دربار ،کاملا صمیمانه بود لکن در۶۰۲ مریس راکشتند و پسر او بایران پناهنده شد و خسرو بپاس حقوق امپراطورمقتول ، جانشین او فکاس را بامپراطوری نشناخت و جنگ درمیان‌دو دولت آغاز شد . این جنگ از ۶۰۳ تا ۶۲۷طول کشید و درنتیجهٔفتوحاتی که نصیب خسرو گردید تمام‌آسیای صغیر و مصر و ارمنستان و نقاط دیگر منجمله بیت‌المقدس تسخیر گردید و صلیب‌حضرت عیسی‌بایران برده شد وقسطنطنیه بخطر افتاد، درآنزمان کشور ایران تقریباً بحدود زمان داریوش رسید .

ازجمله سرداران نامی ایران یکی شاهین و دیگری شهر براز نام داشتند .

عاقبت ، فکاس در مقابل فتوحات خسرو تاب مقاومت نیاورد و جای خود رادر ۶۱۰ میلادی به هراکلیوس که ما هرقل میگوئیم واگذاشت .

هرقل نیز در ابتدا از ایرانیان شکستهای بزرگ خورد و پیشنهاد صلح کرد لکن درآخر بر سرداران ایرانی غالب شد و شاهین که محاصره و فتح قسطنطنیه را برعهده داشت بعلت طوفان مخالف ، ناچار بعقب نشینی گردید و ازغصه مرد .

آخرین جنگ خسرو با روم ، در دستگرد ، واقع در بیست فرسخی تیسفون اتفاق افتاد . سپاه ایران کمال شجاعت را بروز داد لکن خسرو ناگهان‌فرار کرد و گرچه هرقل از قصد خود که تسخیر تیسفون بود بسبب استقامت سپاه ایران ، منصرف شد و بطرف شمال رفت ، ولی برای ایران نیز نتیجه ای از آن جنگ حاصل نشد .

فرار خسرو و رفتار بدی که با شهربراز و با نعش شاهین کرد ، باعث تنفر نجبا و مردم گردید ، او را از سلطنت خلع و محبوس کردند و چندی بعد در ۶۲۸ میلادی کشتند .

ثروت و تجمل دربار خسرو پرویز ، در تاریخ ایران نظیر ندارد . پس از فتح های عظیم ، ازفرط‌غرور ، حاضر بصلح‌نشد واسباب انحطاط وزوال ایرانرا فراهم‌آورد.

بیست وچهارم ـ غباد دوم

شیرویه بعد از پدر ، بنام غباد بتخت نشست و در ۶۲۹ با روم صلح کرد بشرط

آنکه دو طرف از خاك یکدیگر بیرون بروند و اسیران راآزاد کنند و دولت ایران صلیب حضرت عیسی را پس بدهد . پس ازآن بامور داخلی پرداخت و عوارضی راکه خسرو پرویز مقرر کرده بود ، موقوف کرد و مهربانی و جذب قلوب را پیشهٔ خود قرار داد لکن دیری نگذشت که برادران خود راکشت و خود نیز بمرض طاعون در گذشت .

بیست و پنجم ـ اردشیر سوم

بعد از غباد ، پسر او اردشیر که طفل هفت ساله بود شاه شد . شهربراز سردار ایرانی که آسیای صغیر و شامات و مصر را در دست داشت و به رومیها پس نداده بود ، بخیال سلطنت افتاد و برای اینکه هرقل را با خود همراه کند ، حاضر شد که آن ممالك را به روم وا بگذارد . در نتیجهٔ اتحاد با هرقل ، بر تخت نشست ولی خسرو نوهٔ هرمز چهارم در خراسان بر او شورید و در نتیجه سپاهیان پس ازدوماه سلطنت اورا کشتند . گذشته ازواگذاری کشورهای نامبرده به‌روم ، طایفهٔ خزرنیزبر ارمنستان،استیلایافت.

بیست و ششم الی سی وسوم ـ زمان هرج و مرج

بعد از شهر براز ، خسرو سوم نوهٔ هرمز چهارم و بعد از او جوانشیر پسر خسرو پرویز و پس ازآنها پوراندخت دختر خسرو پرویز و بعد گشتاسب برده برادر خسرو سوم و پس‌از آن آذرمیدخت دختر خسرو پرویز وبعد از او تا ۶۳۲ دوازده‌نفر دیگر بر تخت نشستند و بزیرآمدند .

سی‌و چهارم ـ یزدگرد سوم

در ۶۳۲ بتخت نشست ، از نسب اواطلاع صحیحی در دست‌نیست ، بعضی گفته‌اند که پسر شهریار ونوهٔ خسرو پرویز بوده. خرابی ایران درزمان او نه بحدی‌رسیده بود که از چنان جوان بی تجربه‌کاری برآید و ایران که در نتیجهٔ جنگهای متمادی با روم ، گرفتار هرج و مرج افکار و فرسودگی سپاه و پریشانی مردم گردیده بود ، در مقابل نهضت اسلام و هجوم اعراب، تاب مقاومت نیاورد.

جنك زنجیر ـ در ۱۲ و ۱۳ قمری هجری یا ۶۳۳ و ۶۳۴ میلادی ، اعراب بسرکردگی خالدبن ولید ، اول ایران و بعد ، ایران و رومتحد را در نقاط سرحدی جنوب شکست دادند . این جنگ از آن جهت بزنجیر موسوم شد که اسرای ایران را بزنجیر بستند .

جنگ پل - مقصود از پلی است که اعـراب روی رود فـرات ساختند . سردار ایرانی ، رستم فرخ زاد ، لشکری تحت سر کردگی بهمن دراز ابرو ، بجنگ‌فرستاد . در وحلهٔ اول ، اعراب شکست خوردند ولیکن بعلت اغتشاشی که در تیسفون بپا شده بود ، بهمن بدانسو شتافت و اعراب در حوالی کوفه فاتح گشتند . در این ضمن ، عمـر که از فتح دمشق فراغت حاصل کرده بود ، لشکری بسر کردگی سعد وقاص برای فتح ایران تهیه دید و یزدگرد نیز رستم فرخ زاد را بمقابلهٔبا او فرستاد ولی پیش‌ازجنگ، عمر ، دوازده نفر را بسفارت نزد یزدگرد فرستاد و خواست که ایـرانیان قبـول اسلام کنند یا جزیه بدهند . یزدگردآنها را تمسخر کرد و جواب رد داد .

جنگ قادسیه و تصرف مداین

قادسیه محلی است نزدیك کربلا . جنگ قادسیه در ۱۳ هجری قمری یـا ٦۳٦ میلادی واقع گردید . در این جنگ که چهارروزطول کشید ، عاقبت اعراب فاتح شدند رستم کشته شد و درفش کاویانی بدست فاتحین افتاد و در ۱٦ هجـری قمـری ، تیسفون مسخر گردید و یزدگرد فرار کرد .

جنگ جلولاء - یزدگرد قاوِنی درحلـوان تهیه دیـده و در صدد جنگ بود ، دوازده هزار عرب بمقابله شتافتند و او را در محلی بنام جلولاء شکست دادند و پس‌از آن تمام بین‌النهرین را تسخیر کردند . شهر های کوفه و بصره در هفدهم هجری بدست اعراب بناشد .

جنگ نهاوند - یزدگرد ازپای ننشست و از ولایاتی که بدست‌مسلمین نیفتاده بود ، سپاهی ترتیب داد . اعراب با سی هزار بکارزار رفتند و در ۲۱ هجـری یـا ٦۴۲ میلادی فاتح گشتند .

پس از جنگ نهاوند ، یزدگرد فرار کرد و مدافعهٔ شهر ها بعهدهٔ ساکنین آنهـا محول‌شد و طولی نکشید که اصفهان و مکران وسیستان و ری وآذربایجان و گرگان بتصرف اعراب درآمد ، تنها طبرستان تا نیمهٔ قرن دوم هجری ، استقلال خود راحفظ کرد . خراسان بعد از سایر ولایات مسخر شد . یزدگرد بیهوده از چین و از خـاقـان ترك مدد خواست و عاقبت چون از سوء قصد ماهوی مرزبان مـرو نسبت بخود آگـاه شد ، فرار کرد ودرنزدیکی مرو به‌آسیابانی پناه برد و او بطمع‌لباس فاخر ، شاه راکشت.

سلسلهٔ ساسانی پس از ۴۱۶ سال منقرض شد وایران بدست اعراب افتاد لکن روح مقاومت در ایران خاموش نشد و چنانکه خواهیم دید ، بزودی شعله‌ور گردید .

باید دانست که اعراب بر رومیان نیز غلبه کرده شام و فلسطین و بیت‌المقدس و تمام ممالکی را که در شرق ، تابع روم بود گرفتند و هرقل بشام گریخت . نکتهٔ قابل توجه که کمال ضعف دولت روم آن زمان را میرساند ، فتح یرموك است که پنج هزار عرب بر دویست و چهل و پنج هزار رومی فائق آمدند .

حکومت خلفا

از این ببعد تا چندی ، ایران در تحت حکومت خلفا بود و بنا بر این باید بتاریخ اسلام پرداخت .

پیغمبر اسلام ، محمدبن عبدالله‌بن عبدالمطلب‌بن هاشم قرشی درسال چهل‌وبکم سلطنت انوشیروان یعنی‌در ۵۷۱ میلادی درمکه تولدیافت .آنسال‌را عام‌الفیل میگویند چون ابرههٔ حبشی بافیل بمکه حمله برد . عبدالله پدر حضرت رسول ، وقتی او دوماهه بود و مادرش وقتیکه او شش ساله‌بود، فوت کردند ودو سال بعد که آنحضرت هشت سال داشت ، جدش عبدالمطلب در گذشت و ابوطالب ، عم رسول خدا او را در خانهٔ خود پذیرفت و از او نگاهداری کرد . چون حضرت بدرستکاری مشهور بود و او را محمد امین میخواندند ، زن ثروتمندی بنام خدیجه او را بتجارت بشام فرستاد ودر مراجعت، او را بشوهری اختیار کرد . دوازده سال از حضرت مسن‌تر بود و حضرت تا او زنده بود زن دیگری اختیار نکرد .

حضرت در سن چهل سالگی گوشه نشینی گرفت و غالباً به جبل حراء که کوه کوچکی نزدیك مکه بود ، بعبادت میرفت . در چهل و یکسالگی به نبوت مبعوث شد و اول کسیکه باو ایمان‌آورد خدیجه و پس ازاو علی‌بن ابیطالب و ابوبکر و عثمان وبعد از آنها عمر بود . رفته رفته بر شمارهٔ مؤمنین و برآزار قریش نسبت بمسلمین میافزود و باینجهت حضرت ، ۸۳ تن ازآنان را بمهاجرت به حبشه امر داد واین هجرت اول‌ـ است. پس ازحرکت‌مهاجرین به‌حبشه ، حضرت رسول وابوطالب وسایر بنی‌هاشم بیکی از دره های اطراف مکه رفتند و سه سال درآنجا پنهان زیستند . در این مدت هروقت فرصتی بدست میآمد ، از اهالی مکه باسلام دعوت میشد ولی نتیجه ای بدست نمیآمد

تاآنکه عده ای از اهل یثرب که بعدها مدینه خوانده شد ، درضمن سفر حج که به مکه میرفتند ، بتدریج دعوت اسلام را پذیرفتند و این مسلمین بنام انصار خوانده شدند .

در سال ۶۲۲ میلادی که سال سیزدهم بعثت بود ، حضرت و پیروانش بدعوت انصار،بدانشهر هجرت کردند و این سال ، مبدأ تاریخ مسلمانان است . مهاجرین نیز از حبشه برگشتند و با انصار ، مؤاخاة کردند یعنی هر یك با دیگری برادر شد و حضرت رسول ، علی‌بن ابیطالب را به برادری انتخاب کرد .

جنگهائی راکه حضرت رسول باکفار قریش ویهود و دیگران کرده ، غزوات میگویند که مفردآن ، غزوه و مقصود ازآن در اینمورد ، جنگ مقدس یا جهاد است و عدهٔآن به ۲۷ میرسد . غزوات عمده از اینقرار است :

غزوهٔ بدر کبری ـ بدر ، نام یك رشته چاه آب بوده مابین مکه و مدینه . حضرت رسول، پس‌ازاستقرار درمدینه ، درصدد فتح مکه برآمد و درسال دوم هجرت، مسلمین در بدر ، بچند قافله از قریش تاختند و در اثر این غلبه ، بر اعتبار و عظمت مسلمین افزوده شدولی گذشته ازقریش ، جماعت یهود نیزبااسلام ، خصومت‌میورزیدند و باینجهت حضرت رسول امر دادکه مسلمین قبله رااز بیت‌المقدس که معبد یهودبود، به کعبه برگردانند .

غزوهٔ احدـ در سال سوم هجری ، قریش‌بسرداری ابوسفیان ، باجمعیتی‌نزدیك به سه هزار نفر ، بطرف مدینه حرکت کردند . در میان‌آنها شانزده نفر زن بودندکه دف کوبان ، مردمرا بخونخواهی کشتگان روز بدر ، تحریك میکردند ، ازآنجمله‌هند زوجهٔ ابوسفیان بودکه پس از کشته شدن حمزه عموی پیغمبر ، جگر او را از بدن بیرون‌آورد و خورد و باینجهت او را هند جگر خور گفته اند .

دراین جنگ، مسلمانان بسبب‌اختلاف عقیده در طرز مقاومت ومبارزه، شکست خوردند و حضرت ، زخم سختی برداشت .

غزوهٔ خندق ـ در سال چهارم هجرت ، باز قریش با جمعیتی مهم بقصد حملهٔ بمدینه عازم گشتند . گرچه عدهٔ مسلمین ، بسیار قلیل بود لکن برهنمائی سلمان پارسی، برگرد مدینه خندقی کندند و مانع از عبور دشمن شدند . طرفین بجنگ تن به تن ، موافقت کردند و چند نفر از هرسو بمیدان‌آمدند ؛ از آنجمله عمروبن عبدود بودکه بدست علی‌بن ابیطالب کشته شد ، پس ازآن ، قریش مجبور بصلح و بازگشت گردیدند.

از سال چهارم تا هشتم هجری ، چند غزوهٔ دیگر با کفار و یهود کرده اند که معروفترین آنها ، غزوه خیبر است . در این غزوه مرحب خیبری که یکی از شجاعان یهود بود بدست علی‌بن ابیطالب کشته شد .

در سال هفتم‌هجری ، حضرت رسول ، پادشاهان و امرای خارج از عربستان را باسلام دعوت کرد . خسرو پرویز ، دعوت پیغمبر را که بر پاره استخوانی نوشته‌شده بود بدور انداخت و بمرزبان ایرانی در یمن ، دستور داد که حضرت را دستگیر کند.

فتح مکه ـ در سال هشتم هجرت ، دو تن از بزرگان قریش بنام خالدبن ولید و عمروبن‌العاص ، باسلام گرویدند . در همان‌سال ، حضرت رسول ، سه‌هزار نفرازمسلمین را بحدود شام که جزء متصرفات روم شرقی بود ، بجهاد فرستاد لکن مسلمین در محلی موسوم به مؤته شکست خوردند . در ایامی که مسلمین با رومیان در جنگ بودند ، بین دو قبیله از عرب که یکی تحت حمایت مسلمین و دیگری در بیعت قریش بودند ، نزاع درگرفت و قریش بطرفداری یاران خود برخاستند و عهدی را که در سال ششم هجرت برای ده سال متارکهٔ جنگ ، بسته بودند ، نقض کردند .

پیغمبر اسلام با ده هزارنفر، بعزم تسخیر مکه‌روان شد وآن شهر، دردهم‌رمضان سال هشتم هجری ، بدون جنگ ، تسلیم گشت ، بتهای عرب راشکستند و خانهٔ کعبه را بیت‌الله‌الحرام نام نهادند .

غزوهٔ تبوک ـ در رجب سال نهم هجرت ، حضرت رسول با سپاه اسلام که به سی هزار نفر میرسید ، بعزم جنگ با روم بطرف شام حرکت کرد و از امرای عرب و رؤسای قبائل ، چندی را مغلوب نمود لکن پیش از آنکه سپاه روم برسد ، بعلت صدمات بسیاری که در راه بسپاهیان رسیده بود ، بمدینه برگشت .

در سال دهم هجرت ، اهالی یمن اسلام آوردند . حضرت رسول در شب سیزدهم ربیع‌الاول سال یازده‌هجری ، رحلت کرد و او را درهمان خانه که مسکن داشت بخاك سپردند . پنج پسر او همه در خردسالی مردند . چهار دختر پیغمبر از اینقرارند : فاطمه زوجهٔ علی‌بن ابیطالب ، زینب زوجهٔ ابوالعاص ، رقیه و ام‌کلثوم که یکی بعد از دیگری بعقد ازدواج عثمان‌بن عفان درآمدند . جمیع اولاد حضرت از خدیجه بودند و از زنان دیگر خود ، فرزند نداشت .

خلفای راشدین

(از ۱۱ تا ۴۴ هجرت)

پس از رحلت حضرت پیغمبر ، بر سر خلافت ، اختلاف شد تـا عاقبت ، مـردم بدعوت عمر ، با ابوبکر بیعت کردند بجز ابوسفیان و عدهٔ کمی از هوا خواهان علی‌بن‌ابیطالب ،که از بیعت با ابوبکر ، سر باز زدند .

(خلافت ابوبکر ۱۱ ـ ۱۳)

ابوبکر پدر عایشه زوجهٔ محبوب حضرت رسول بود و خلافت او از یازده تـا سیزده هجری ، دو سال و سه ماه و ده روز طول کشید . در زمـان او جمعـی از اسلام برگشتند وچند نفر ادعای نبوت کردند . مرتدبن بدست خالدبن ولید ، سرکوب شدند ومدعیان نبوت که از آنجمله زنی بنام مسیلمه بود ، از پای درآمدند .

قرآن بامر ابوبکر ، جمع آوری و بدست حفصه دختر عمر و زوجـهٔ حضـرت رسول ، سپرده شد .

لشکرکشی بایران و روم در زمان ابوبکر آغاز گردید . پس از ابوبکر ، عمـر بتوصیهٔ او خلیفه شد و لقب امیرالمؤمنین بر خود گذاشت .

خلافت عمر بن‌الخطاب (۱۳ ـ ۲۳)

عمر دنبالهٔ فتوحات پیشین‌را در ایران و روم گرفت وچنانکه دیدیم قسمت عمدهٔ ایران را تسخیر کرد و دولت روم را از متصرفات خود در آسیا محروم نمود . مصرنیز در سالهای ۱۹ و ۲۰ هجری بدست عمروبن‌العاص ، مسخر شد .

عمر پس از ده سال و شش ماه و هشت روز خلافت ، روزی در حین نماز ، از خنجر یك ایرانی بنام فیروز ابولؤلؤ ، از پای در آمد . در این‌مدت قلیل ، بفتوحات عظیمی نائل گشت و به تأسیسات مفیدی مانند تاریخ هجری و بیت‌المال و دفاتر مالیاتی بتقلید ایرانیان ، و بنای شهر های تازه مانند کوفه و بصره ، اقدام نمود .

خلافت عثمان (۲۴ ـ ۳۵)

در ایامی که عمر اززخم ابولؤلؤ بستری بود ، پنج تن از صحابه را که عبارت بودند از علی‌بن ابیطالب و عثمان‌بن عفان وطلحه وزبیرو سعدبن‌ابی وقاص ، معلوم کرد تا مسلمین یکی از آنانرا بخلافت انتخاب کنند و دستور داد که پس از مرگ او علی و عثمان و عبدالرحمن‌بن عوف و سعدبن ابی‌وقاص ، بـرای مشاوره در تعیین خلیفه جمـع

بشوند و پسر او عبدالله را نیز با محروم کردن ازحق خلافت ، در این مشورت دخالت بدهند و بیش از سه روز امر خلافت را بتأخیر نیاندازند . ضمناً گفت که اگر اختلافی حاصل‌شد . جانب کسی را بگیرید که عبدالرحمن با اوست زیرا میدانست عبدالرحمن که داماد عثمان است به عثمان رأی خواهد داد و چنین واقع گردید .

در عهد عثمان ، تونس و قبرس و قسمتی از خراسان و طبرستان ،گشوده شد ولی بواسطهٔ اعمال نا پسندی که داشت ، مردم بر او شوریدند و عاقبت او را کشتند . خطا هائی که بر او میگرفتند از اینقرار است :

۱) در سال ۳۰ بسبب اختلافی که درمتن قرآن ، بین مردم پیدا شد ، امر داد از قرآنی که نزد حفصه بود ، چند نسخه بردارند و بشهر ها بفرستند و بقیه را بسوزانند و این سوختن بر مسلمین گران آمد .

۲) انگشتر پیغمبر را که‌کلمات «محمد رسول‌الله» برآن منقوش بود و پیغمبر و ابوبکر و عمر، نامه های خود را به ملوك و امرا بدان مهر میکردند ، از بی مبالاتی در چاه انداخت .

۳) در موقع وعظ ، بر بالای منبر بجای پیغمبر مینشست در صورتیکه ابوبکر و عمر ، دو پله پائین تر مینشستند .

۴) اکثر وجوه بیت‌المال را بخویشاوندان خود مخصوصاً بنی امیه می بخشید چنانکه پانصد هزار درهم بمروان بن‌الحکم پرداخت و او را منشی‌خود قرار داد و نیز بیشتر کار ها و فرمانروائی ولایاترا بنزدیکان خود وا میگذاشت .

شورشیان چهل روز خلیفه را در خانه اش محصور کردند تا بوساطت علی‌بن‌ابیطالب ، قرار شد عثمان ، مروان‌بن‌الحکم را از خود دور کند و والی مصر را ازکار بردارد ولی بزودی مروانرا بشغل سابق بازآورد وکاغذی بوالی معزول مصر نوشت که محمدبن ابوبکر ، والی جدید را بکشد . این نامه بدست شورشیان افتاد و در ذیحجه ۳۵ عثمان را پس از دوازده سال خلافت ، بقتل رساندند .

خلافت علی بن ابیطالب ۳۵ تا ۴۰

پس از کشته شدن عثمان ، علی را بخلافت برداشتند . طرفداران عثمان که از سخت گیری علی در رعایت‌عدل و پیروی ازرفتارسادهٔ پیغمبر ، بیمناك بودند ومیدانستند

که بلادرنگ دست آنها از کار کوتاه خواهد شد ، بمخالفت پرداختند . معاویه که در شام برای خود اساس سلطنت چیده بود ، از حکومت معزول شد ولی اطاعت امر نکرد و به بهانهٔ اینکه علی‌بن ابیطالب بدستیاری مردم مصر و بهمراهی محمدبن ابوبکر باعث قتل عثمان شده ، علم طغیان بر افراشت .

طلحه و زبیر نیز پس ازچهار ماه که دیدند علی‌از منصوب کردن آنان بحکومت بصره و کوفه ابا نمود ، از تبعیت خلیفه سر باز زدند و بمکه رفتند . کسیکه بیش ازهمه آتش خصومت با علی را دامن میزد ، عایشه بود که خلافت را برای طلحه میخواست و گرچه از قتل عثمان تأثری نداشت چه او خود از کسانی بود که مردمرا بضد عثمان میانگیخت ، شورشیانرا بکشیدن انتقام خون عثمان از علی وا میداشت . بعضی دیگر نیز باین غائله پیوستند ، ازآنجمله نعمان‌بن بشیر بود که پیراهن خون‌آلود عثمان را بشام برد . معاویه آن پیراهن را به منبر آویخت ومردم را بمخالفت با علی دعوت کرد.

وقعهٔ جمل ـ شورشیان که عایشه در رأس آنان بود ، از مکه به بصره شتافتند و عامل خلیفه را ازآنجا راندند. علی‌بن ابیطالب بهمراهی سه پسر خود حسن‌وحسین و محمدبن الحنیفه ، و محمدبن ابوبکر و دیگران از رؤساء ، درنیمهٔ جمادی‌الاخرسال ۳۶ ، شورشیان را در نزدیکی بصره شکست داد . طلحه در این واقعه و همچنین زبیر در راه فرار بمکه ، کشته شدند . شتر عایشه را پی کردند و محمدبن ابوبکر ، بامر خلیفه عایشه را بمدینه برد .

وقعهٔ صفین ـ پس ازفتح جمل خلیفه ازمعاویه بیعت خواست و او ابا کرد وبه تجهیز سپاه پرداخت و در ۳۷ جنگی در صفین واقع بین کوفه و شام در گرفت و چهل روز دوام داشت و چون نتیجه بدست نیامد ، حضرت علی معاویه را بجنگ تن بتن خواند . معاویه نپذیرفت وبتدبیر عمروعاص ، پاره‌های قرآنرا بر سر نیزهٔ سپاهیان کرد و لشکر علی را بطرف خود دعوت نمود .

در لشکر علی تزلزل راه‌یافت و عاقبت به پیشنهاد معاویه قرار شد از هرطرف یك‌حکم انتخاب شود تاآن دورفع اختلاف کنند . از طرف معاویه عمروعاص‌وازطرف علی که میخواست عبدالله‌بن عباس رااختیار کند ، باصرار اهل کوفه ، ابو موسی‌اشعری انتخاب شد . عمروعاص وابوموسی موافق شدند که معاویه وعلی هیچیك شایستهٔ‌خلافت

نیستند ولی همینکه ابوموسی رسماً بخلع علی رأی داد ، عمروعاص بخلاف عهدیکه شده بود ، معاویه را در مقام خود ابقا کرد .

شیعه ـ بعد از حضرت رسول ، از صحابه جمعی بودند مانند سلمان فارسی و عماربن یاسر و ابوذر غفاری که خلافت را بدو دلیل ، حق علی‌بن ابیطالب میدانستند ، اول‌آنکه پیغمبر در روز غدیر خم گفته بود « هر که مرا مولای خود میخواند ، علی را مولای خود بداند » .

دیگر آنکه حضرت رسول ، علی‌را افضل مسلمین و مقام اورا پیش خود بمنزلهٔ مقام هارون پیش موسی میدانست شیعیان دلیل اول را نص جلی و دلیل دوم را نص خفی میخوانند .

از آن ببعد کسانیکه خلافت و امامت را حق علی و فرزندان او میدانستند ، بنام شیعه مشهور گشتند .

پس از اعلام حکم حکمین و فریب خوردن ابو موسی اشعری ، عده‌ای ازاتباع علی‌بن ابیطالب ، باین بهانه که حاکم بین مسلمین خداست و حکمیت صحیح نبوده ، از بیعت علی که باین امر رضا داده بود ، خارج شدند و این طایفه‌را خوارج میگویند.

خوارج چنان فتنه‌ای بپا کردند که حضرت امیر بسال ۳۹ مجبور بجنگ شد و آنها را در نهروان ، مغلوب کرد . ولی‌این فرقه بعدها قیامها کرده و برای خودامارتها و سلطنتها بدست آورده اند .

پس از واقعهٔ نهروان ، سه تن از خوارج ، بعقیدهٔ خود برای نجات اسلام ، توطئه کردند که حضرت علی و معاویه و عمروعاص را در یك روز از میان بردارند مأمور قتل عمروعاص والی مصر ، دیگری را اشتباهاً بجای او کشت و مأمور قتل‌معاویه در شام ، موفق شد لکن معاویه از ضربت او نمرد . تنها عبدالرحمن‌بن ملجم مرادی ، موقع نماز صبح در مسجد کوفه ، علی‌بن ابیطالب را زخمی‌کاری زد وحضرت ، سه‌روز بعد وفات کرد .

مدت خلافت امیرالمؤمنین علی‌بن ابیطالب ، پنجسال و سه ماه‌کم بود .

خلافت امام حسن (۴۰ تا ۴۱) ـ بعد از کشته شدن حضرت امیر ، مردم‌شام ،

خلافت معاویه و مردم کوفه ، خلافت امام حسن را تصدیق کردند . امام حسن با لشکری که پدر بزرگوارش برای دفع معاویه تهیه دیده بود عازم مداین شد لکن در سپاه او فتنه افتاد و امام با وجود مخالفت برادرش امام حسین ، چنین صلاح دید که برای جلوگیری از خونریزی ، خلافت را بمعاویه وا بگذارد بشرط آنکه معاویه از آزار شیعیان ، دست بردارد وبیت‌المال کوفه را باو تسلیم کند واز دشنام بعلی خودداری نماید . معاویه این شروط را پذیرفت ولی بدان عمل نکرد .

امام حسن پس از واگذاشتن خلافت بمعاویه ، بمدینه رفت ودر آن شهربدست یکی از زوجاتش مسموم شد .

خلفای اموی

(چهارده نفر بودند و از ۴۱ تا ۱۳۲ خلافت داشتند)

معاویة بن ابی سفیان

در سال ۵۶ معاویه بمروان‌الحکم دستور داد که از بزرگان مدینه برای پسرش یزید ، بیعت بگیردولی مروان موفق نشد زیرا پسران چهارتن از صحابهٔ حضرت رسول یعنی امام حسین و عبدالله پسر عمر و عبدالرحمن پسر ابوبکر و عبدالله پسر زبیر ، زیر بار نرفتند تاآنکه معاویه خود بمدینه رفت و بکمك عایشه ، جز ازآن چهار نفر ، از دیگران بیعت گرفت .

معاویه پس از نوزده سال خلافت و چهل سال حکومت بر شام ، در سال ۶۰ هجری درگذشت .

یزیدبن معاویه (۶۰ تا ۶۴)

پس از پدر ، بمسند خلافت نشست . امام حسین و عبدالله‌بن زبیر ، مردم را بضد او برانگیختند . یزید ، برادر عبدالله راکه با او کینه داشت بمکه فرستاد ولی عبدالله برادر را اسیر کرد و بر مکه استیلا یافت . و اما امام حسین ، مسلم‌بن عقیل پسر عم‌خود را برای گرفتن بیعت بکوفه فرستاد وکوفیان بامام حسین گرویدند . یزید ، عبیدالله‌بن زیاد والی بصره را بدفع مسلم مأمور کرد و عبیدالله بر مسلم دست یافت و او راکشت .

پس‌از آن عبیدالله زیاد ، عمربن سعد ابی وقاص را بحرب با امام حسین فرستاد و او در دهم‌محرم‌سال ٦١ در کربلا ، امام حسین و جمیع پیروان و کسان او راشهید کرد و زنان و اطفال شهدا را نزد یزید ، بشام فرستاد .

در سال ٦٣ اهالی مدینه یزید را از خلافت خلع کردند . یزیدآن شهررا گرفت و هفتصد نفر از بزرگان قریش و مهاجر و انصار و دوازده هزار نفر از مردم دیگر را از دم‌تیغ گذرانید . پس از اتمام‌کار مدینه ، برای دفع عبدالله‌بن زبیر ، بمکه‌پرداخت لکن پس از چهل روز محاصره و باریدن سنگ بر خانهٔ کعبه و سوختن قسمتی از آن خانه ، به تسخیر مکه موفق نشد و چون در آن اثنا ، مرد سپاهیان دست از محاصره برداشتند .

معاویهٔ ثانی

بعد از یزید، پسرش معاویهٔ ثانی بخلافت نشست . مردی سلیم و باانصاف بود ، پس از شش‌ماه از خلافت کناره‌گرفت و اختیار تعیین خلیفه را بمردم واگذاشت وپس ازاندکی در گذشت .

مردم‌مکه پس ازمرگ معاویهٔ ثانی، با عبدالله‌بن‌زبیر بیعت کردند و حتی‌قسمتی ازبنی‌امیه و مروان‌بن‌الحکم عامل مدینه هم مایل بقبول بیعت عبدالله گشتند اما عبدالله ازبی تدبیری ، بیعت ایشان را نپذیرفت . مروان بشام‌گریخت و عراق و حجاز و یمن ومصر و شام ، خلافت عبدالله را بسهولت تصدیق کردند .

مروان‌بن‌الحکم ،امویانرا در شام ، دور خود جمع کرد و بین آنها و طرفداران عبدالله‌بن‌زبیر ، در مرج راهط در اطراف دمشق ، جنگی شد وامویان پیش بردند . مروان دردمشق بخلافت نشست و مؤسس سلسله ای‌گردید بنام آل مروان که شعبهٔ دوم بنی‌امیه خوانده میشود و از ٦۴ تا ١٣٢ دوام‌کرد . مروان در سال ٦۵ در گذشت .

عبدالملک‌ابن مروان (٦۵ تا ٨٦)

بجای‌پدر جلوس کرد و او پس از معاویه ، مشهور ترین خلفای امویست . از وقایع مهم‌دوران او یکی خروج مختار پسر ابوعبید ثقفی سردار معروف است که در سال٦٦ درکوفه بیاری جمعی از ایرانیان ناراضی از خلافت بنی امیه ، بخونخواهی شهدای کربلاقیام نمود .مختار درآن سال برکوفه مسلط شدواکثرقاتلین شهدای کربلا منجمله عبیدالله‌بن‌زیاد را ، بقتل رسانید ؛ سال بعد عبدالله‌بن زبیر ، برادر خود مصعب

را بکوفه فرستاد و او مختار را گرفت و کشت وعراق ، تابع عبدالله‌بن زبیر گردید .ولی درسال ۷۱ عبدالملك ،کوفه را گرفت و مصعب را کشت و عـراق را باطاعت بنـی امیه بازآورد .

در سال ۷۲ عبدالملك یکی از سرداران بیرحم و سفاك خـود را بنام حجاج‌بن یوسف ثقفی ، مأمور دفع عبدالله‌بن زبیر نمود . حجاج پس از هفت ماه محاصره ،مکه را گرفت و عبدالله در جنگ کشته شد .

پس از فتح حجاز ، عبدالملك ممالك شرق اسلامی را بحجاج سپرد و این امیر ستم پیشه تا سال ۹۵ که مرد ، بیست سال بر عراق عرب و عراق عجم ، حکومت داشت و با خوارج که در کرمان و سیستان و خراسان ، قوت تمام گرفته بودند ، جنگها کرد.

بعد از عبدالملك ، مشهور ترین خلفای اموی چهارند :

۱) ولیدبن عبدالملك (۸۶ ـ ۹۶) . در زمان او مراکش واسپانیا و ماوراءالنهر و قسمتی از هندوستان ، فتح شد و بنای جامع دمشق از اوست .

۲) عمربن‌عبدالعزیز (۹۹ ـ ۱۰۱) عادل ترین و نیکوکارترین خلیفهٔ امویست . دشنام دادن بعلی‌بن ابیطالب را که از عهد معاویه مرسوم شده بود و در همـهٔ ولایات ، پس از ادای خطبهٔ نماز ، معمول بود ممنوع کرد .

۳) هشام‌بن عبدالملك (۱۰۵ ـ ۱۲۵) در عهد او قسمتی از قفقاز و ترکستان و جنوب فرانسه و سویس ، مسخر گردید و هم درآن عهد ، در اثـر شکست مسلمین در فرانسه ، از توسعهٔ اسلام در غرب ، جلوگیری شد .

واقعهٔ دیگر آنزمان ،خروج زیدبن‌امام زین‌العابدین پسرامام‌چهارم است. پس‌ازاین امام،جمعی ازشیعیان بجای‌اینکه پسر ارشد اومحمدباقررا امام‌بدانند ،گردپسردیگرش بنام زید ، جمع آمدند و او را امام خواندند . این فرقه ازشیعه را زیدیه میخوانند . زید بدست والی کوفه کشته شد .

۴)مروان‌بن محمد ، نوادهٔ مروان بن‌الحکم (۱۲۶ـ۱۳۲)آخرین خلیفهٔ‌امویست که مغلوب ابومسلم خراسانی و بنی عباس گردید .

خلافت بنی‌عباس (۱۳۲ ـ ۶۵۶)

اعراب فاتح ، بملل مغلوب بنظرتحقیر مینگریستند وآنانرا لایق مساوات باعرب

نمیدانستند و بنام موالی ، در عداد بندگان خود میآوردند. بخصوص بنی‌امیه‌باایرانیان که باولاد علی گرویده بودند ، سخت دشمنی میکردند وایرانیان نیز هروقت که‌فرصتی بدست میآمد ، بر ضد خلفای اموی میکوشیدنـد . از آنجمله قیامـی است که بدلالت مختار ثقفی بعمل‌آمد و منتهی بخلافت بنی عباس گردید . تفصیل آنکه مختار درابتدا مردم کوفه‌را بامامت محمدبن‌الحنفیه پسر سوم حضرت علی دعوت کـرد و چون لقب مختار ،کیسان بود ، این فرقه از شیعه راکیسانیه نامیدند .کیسانیه در سال ۹۸ پس‌از فوت‌ابوهاشم پسرمحمدبن‌الحنفیه، بایکی ازفرزندان عباس‌بن‌عبدالمطلب یعنی‌محمدبن علی‌بن عبدالله‌بن عباس ، بیعت کردند و بآل عباس مشهور گشتند . محمد ازمحل‌اقامت خود در شام ، دعاتی بخراسان و ماوراء النهر فرستاد و جمع کثیری باو گرویدند .

بعداز محمد ، پسر ارشد اوابراهیم بجای پدر ، خلیفه شد وجماعتی ازبزرگان ایران با او بیعت کردند از آنجمله بکیربن ماهان بود که غلامی داشت بنام ابـو مسلـم این غلام نیز بآل عباس گروید و در سال ۱۳۰ بدستیاری گروهی از ایرانیان ، مـرو را گرفت و حاکم خراسان را فراری کرد . از طرف دیگر ، پیروان ابراهیم درسال ۱۳۲ بر کوفه مستولی شدند وباین ترتیب ، قسمت شرقی خلافت از دست مروان که آخرین خلیفهٔ امویست بیرون رفت .

پس از این وقایع ، مروان ، ابراهیم را در شام دستگیر کرد وکشت . دو برادر ابراهیم‌بنام عبدالله سفاح وابو جعفر منصور ، بکوفه گریختند و مردم‌آن شهرباعبدالله سفاح بیعت کردند . بین مروان و سفاح ، جنگی در گرفت که نه‌روز طول کشید وعاقبت عباسیان که بیشتر از جنگجویان خراسانی بودند ، فاتح شدند . پس از این فتح که در حقیقت بدست ایرانیان بعمل‌آمد ، راه دخالت مستقیم عنصر ایرانی‌در امور خلافت‌باز شد و بزرگترین مشاغل ، نصیب ایرانیان گردید . مروان بدمشق و سپس بمصر گریخت و در آنجا در ۱۳۲ بدست یکی از طرفداران بنی عباس ،کشته شد .

خلافت سفاح (۱۳۲ - ۱۳۶)

سفاح ، مردی‌ازبزرگان همدان رابنام ابوسلمه بالقب وزیرآل محمد ،بوزارت برداشت و او اول ایرانی است که در خلافت اعراب باین مقام رسید .

پس‌از آن ،سفاح‌بقتل عام‌بنی امیه دست زد وحکومت بلاد را بیاران وسرداران خود داد ، از آنجمله خراسان را بابومسلم خراسانی سپرد .

ابوسلمه و ابو مسلم ، پس از چندی ، از عباسیان روگردان شدند و بآل علی پیوستند و امام جعفر صادق امام ششم را بخلافت دعوت کردند لکن امام این دعوت را نپذیرفت وقصد آنان برملا شد . در نتیجه ابوسلمه بامر سفاح بقتل رسید و بجای او خالد برمکی که یکی از خراسانیان سپاه ابو مسلم بود ، بوزارت منصوب گردید ولی دست سفاح همچنان از ابو مسلم که در خراسان حکومت داشت ، کوتاه بود .

از آن ببعد ، آتش کین در میان پیروان آل علی که بشیعهٔ علویه نامیده شدند وپیروان‌بنی عباس که بنام شیعهٔ آل‌عباس مشهور بودند ، درگرفت . از علویان ،بسیاری بر بنی عباس قیام کردند و حاصلی نبردند مگر دو سلسله که یکی بنام علویان گیلان و طبرستان و دیگری باسم فاطمیون مصر ، چندی خلافت یافتند .

پایتخت سفاح ، شهر انبار واقع در غرب فرات بود واو پس‌از چهارسال‌خلافت، در ۱۳۶ در آنشهر درگذشت .

خلافت ابوجعفر منصور (۱۳۶ ـ ۱۵۸)

پس از فوت برادر ، بخلافت نشست و سال بعد ، ابو مسلم‌را فریب داد وبکوفه آورد وکشت . دو برادر از اولاد امام حسن رابنام محمد و ابراهیم که براو شوریدند، از پای درآورد ، شهر بغداد راکه دهکده ای بیش نبود،پایتخت خود قرار داد و پسر خود محمد را بالقب مهدی ، ولیعهد کرد . عبدالله‌بن‌مقفع نویسندهٔ ایرانی راکه‌مترجم کلیله و دمنه و خداینامه ، از پهلوی بعربی است ، بقتل رسانید و در ۱۵۸ درگذشت .

خلافت مهدی (۱۵۸ ـ ۱۶۹)

مهدی بجای پدر نشست و ده سال خلافت کرد . از وقایع اینزمان یکی تاختن هارون پسرمهدی تانردیك قسطنطنیه ودیگری کشتارمانویان ودیگر قتل مقنع‌معروف، صاحب ماه نخشب است که ادعای پیغمبری میکرد . وفات مهدی در ۱۶۹ اتفاق افتاد .

خلافت هادی (۱۶۹ ـ ۱۷۰)

بعداز مهدی پسربزرگش‌هادی‌بجای‌او نشست و یکسال‌وسه ماه خلافت کرد و در این‌مدت ، اختیار کارها در دست مادرش خیزران بود . از وقایع مهم زمان اوقیام‌حسین‌ـ بن‌علی ازفرزندان امام حسن است که در ۱۶۹ درحوالی مکه بقتل رسید . مردی بی رحم و سخت کش بود .

خلافت هارون‌الرشید (۱۷۰ - ۱۹۳)

هارون‌الرشید ، بزرگترین خلیفهٔ عباسی ، پسر دوم مهدی است.بعد از برادر بخلافت نشست و همچنان مدت سه سال در زیر نفوذ مادر بود تا او وفات کرد . امور خلافت را بدست یحیی پسر خالد برمکی و پسران یحیی سپرد . از آنجمله فضل بود که با هارون از پستان مادر های یکدیگر شیر خورده بودند . در سال ۱۷۶ حکومت آذربایجان و ارمنستان و خراسان را بفضل داد و در ۱۷۸ یحیی را بوزارت برداشت و خواهر خود عباسه را بعقد جعفر پسر یحیی در آورد تا با او محرم باشد لکن شرط کرد که این ازدواج از حد نگاه تجاوز نکند .

هارون مردی دیندار ومتعصب ودرعین حال ، عیاش وخوش گذران بود .تجمل و جلال دربار هارون ، مشهور آفاق است . نسبت بعلویان ،کینهٔ شدید داشت و امام موسی کاظم را پس از هفت سال زندان ، بقتل رسانید .

در زمان اقتدار برمکیها یعنی یحیی و پسرانش فضل و جعفر و محمد وموسی، ایرانیان و شیعیان علی و پیروان مانی که زندیق خوانده میشدند و شعوبیه یعنی ملت پرستان غیر عرب که عرب را ناچیز میشمردند ، نفوذ وقرب ومنزلتی یافتند و در ضمن حال ، قدرت یحیی و پسران او بجائی کشید که خلیفه راسخت بیمناك کرد وچون‌عباسه خواهر هارون ازجعفر دو فرزند پیدا کرده‌بود ،گرچه هارون از این‌امر اطلاع‌داشت، این را بهانه قرار داد و عباسه و جعفر و اولادآنانراکشت و یحیی و پسران دیگر اورا بزندان انداخت و اموالشان را ضبط کرد . یحیی و فضل در زندان مردند .

هارون درسال ۱۹۳ که بعزم رسیدگی بتعدیات حاکم خراسان وجنگ‌باخوارج مشرق ایران در حرکت بود ، در طوس در گذشت .

گرچه دورهٔ خلافت هارون ، با شکوه ترین دورهٔ خلافت عباسی است ، تجزیهٔ دولت عرب از این زمان‌آغاز میشود . خلاصه اینکه چون سفاح بقتل عام امویان پرداخت ، یکی ازآن طایفه بنام عبدالرحمن ، به‌اسپانیا گریخت ودرآنجا سلسلهٔ‌خلفای اموی اندلس‌را تشکیل داد ونیز فرزند یکنفر ایرانی بنام‌عبدالرحمن‌بن حبیب که‌سردار اردوی‌اسلام‌بود ،در تونس سلسله ای بنام‌آل‌رستم بوجودآورد.وهم شخصی بنام‌ادریس‌بن عبدالله از نسل امام حسن که ازدست مهدی خلیفه جان بدر برده‌بود ، در حدود طنجه در افریقا دولتی بپا کرد که بنام دولت ادارسه مشهور گردید . و اما مصر در سال ۳۰۱ بدست خلفای فاطمیون که از تونس ظهور کرده بودند ، افتاد .

خلافت امین (۱۹۳ - ۱۹۸)

پس از هارون ، پسر بزرگتر او محمد که از مادری عرب بنام زبیده بود ، بنام امین بخلافت رسید لکن ایرانیان ، پسر دیگر هارون ، عبدالله را که از مادر ایرانی بود و در مرو اقامت داشت وبعدها بنام مأمون خوانده شد ، بخلافت برداشتند .درمیان دو برادر ، جنگ درگرفت و سپاه مأمون بسرکردگی طاهربن حسین خراسانی ، لشکر امین را بسال ۱۹۵ در نزدیکی ری مغلوب کرد ونیز در سال ۱۹۸ پس ازجنگ سختی بغداد بدست طاهر گشوده و امین کشته شد . سر او را نزد مأمون به مرو فرستادند .

خلافت مأمون (۱۹۸ - ۲۱۸)

درهمان سال ، مأمون درمروبخلافت نشست وفضل‌بن سهل‌ایرانی را که‌راهنمای او بود ، بوزارت منصوب کرد و بنابدرخواست ایرانیان ولایت عهد را بحضرت‌علی‌بن امام موسی‌کاظم که امام رضا خوانده شد ، تفویض نمود لکن مردم بغداد ، بضد این انتخاب قیام‌کردند و مأمون برای اسکات آنها انتصاب امام رضا را بولایت عهد خود انکار کرد و فضل‌بن سهل را که در این امر ، هادی او بود ، بقتل رسانید . سال بعد ، علی‌بن موسی‌الرضا در طوس وفات‌کرد یا بقول مشهور مسموم شد .

مأمون در ۲۰۳ ببغداد رفت وتا ۲۱۸ که سال فوت اوست، بعدالت و حسن‌سیرت و طرفداری از علم و حکمت ، خلافت‌کرد و برای اینکه خود را از قتل فضل ، مبرا کند ، برادر او حسن‌بن سهل را بوزارت منصوب نمود .

خراسان در عصر مأمون ، بدست طاهریان مستقل شد .

خلافت معتصم(۲۱۸ - ۲۲۷)

پس‌از فوت مأمون ، برادرش معتصم خلیفه شد. چون باعراب و ایرانیها اعتماد نداشت ، لشکری از غلامان ترك برای محافظت خود ترتیب داد لکن عاقبت از دست ایشان ، بشهر سامره که خود ساخته بود ، پناه برد .

هنگامی که مأمون در مروبود ،امیرمشرك شهر اشروسنه از بلادفرغانه که کاوس نام داشت ، از ادای خراج سر باز زد . پسرش بنام خیذر که بعدهاباسم افشین معروف گردید ، در نتیجهٔ معارضهٔ با برادر خود ، اسلام آورد و بدفع او پرداخت . بعدها نیز در محارباتی که معتصم با لشکر روم داشت ، افشین فتوحاتی کرد و قلاعی گشود وازهمه مهمتر ، بابك خرم دین را که مدت بیست سال درآذربایجان وارمنستان ، ادعای‌خدائی

میکرد وباحیای دین مزدکی برخاسته و سپاه خلفا را همه جا شکست داده بود ،در۲۲۳ مغلوب و اسیر کرد .

بابك بامر معتصم بدارآویخته شد . پیروان او را سرخ جامگان میگفتند .

سال بعد از قتل بابك ، یکی از سپهبدان ایرانی طبرستان ، بنام مازیاربن قارن که تعلق خاصی بکیش زرتشت داشت ، بر خلیفه شورید و مغلوب شد .

معتصم ، افشین راباتهام همدستی با مازیار ،بحبس انداخت تادر زندان‌جان‌سپرد.

پس از معتصم که در ۲۲۷ درگذشت ، انحطاط‌کلی درکار عباسیان‌آغاز گردید چنانکه خلفا اغلب بدست سپاهیان ترك ، منصوب ومعزول میشدند و در نتیجهٔ‌این‌ضعف و پریشانی ، هرروز قسمتی از ایران وسایرممالك مغلوب ، ازسلطهٔ عرب،بیرون میرفت.

مشهور ترین خلفای عباسی بعد از معتصم از اینقرارند :

واثق (۲۲۷ ـ ۲۳۲) : پسر و جانشین معتصم ، از مادر یونانی و مردی فاضل و و علم دوست بود ، به‌آل علی احترام میگذاشت و بمردم‌آزادی عقیده‌و مذهب میداد .

متوکل (۲۳۲ ـ۲۴۷): بخلاف برادرخود واثق ، ازبد رفتار ترین خلفای عباسی بود ، قبر شهدای کربلا را نبش کرد و از ایذاءآل علی ، خودداری نداشت . در نتیجهٔ این بیداد ، جمعی از علویان باطراف پراکنده شدند وسلسلهٔ علویان طبرستان ، تشکیل گردید و آن ولایت در ۲۵۰ از تبعیت خلفا خارج شد .

در همان‌ایام ، سیستان وخراسان وکرمان وفارس ،بدست‌صفاریان وماوراءالنهر بدست‌آل سامان و مصر بدست‌آل طولون ، از خلافت عباسی مجزا گشت .

مستعصم (۶۴۰ـ ۶۵۶): آخرین خلیفهٔ عباسی‌است که برأی خواجه نصیرطوسی بدست هولاکوی مغول ، بقتل رسید .

«سلسله‌های مستقل ایران»

طاهریان (۲۰۶ ـ ۲۵۹)

۱ ـ طاهر (۲۰۶ ـ ۲۰۷)

طاهربن حسین‌خراسانی بسال ۲۰۶از طرف مأمون ، والی خراسان شد ودرمرو بحکومت نشست ولی سال بعد ، نام مأمون را از خطبه انداخت ومستقل گردید و پس‌از یکسال و نیم امارت ، درگذشت .

۲ـ طلحة بن طاهر (۲۰۷ ـ۲۱۳)

واقعهٔ مهم امارت طلحه ، جنگهائی است که با خوارج سیستان کرده و بر آنـان غالب گشته .

۳ ـ عبدالله بن طاهر (۲۱۳ ـ ۲۳۰)

نیشابور را پایتخت خود قرار داد و درآبادی آن کوشید ، فتنهٔ خوارج را دفع کرد و مازیاربن قارن را شکست داد و باسارت در آورد .

۴ ـ طاهر بن عبدالله (۲۳۰ ـ ۲۴۸)

مدت هیجده سال بعدالت بر خراسان و سیستان ، امارت داشت و در آن مدت ، واقعهٔ مهمی رخ نداد .

۵ ـ محمدبن طاهر (۲۴۸ ـ ۲۵۹)

امیری غافل و عیاش بود ، طبرستان را از دست داد و در ۲۵۹ بدست یعقوب‌بن لیث صفاری اسیر شد .

علویان طبرستان (۲۵۰ ـ ۳۱۶)

۱ ـ حسین بن زید ، داعی کبیر (۲۵۰ ـ ۲۷۰)

مردم طبرستان از بیداد حکام طاهریان ، بجان آمده حسین‌بن‌زید از فرزنـدان امام حسن مجتبی را که در ری مقیم بود ، بحکمرانی دعوت کردند و او در سال ۲۵۰ بقصبهٔ کلا ر رسید و در نتیجهٔ جنگهائی که‌با پیروان بنی عباس و طاهریان و یعقوب‌لیث صفاری کرد ، بر تمام طبرستان و دیلم و گرگان و ری مسلط شد و لقب داعی کبیریافت و در ۲۷۰ در گذشت .

۲ ـ محمدبن زیدداعی (۲۷۰-۲۸۷)

بجای برادر نشست و پس از زدو خورد های بسیار ، در ۲۸۷ در ضمن جنگ‌با امیر اسمعیل سامانی کشته شد .

۳ ـ حسن بن علی ، ناصر کبیر (۳۰۱ ـ ۳۰۴)

از ۲۸۷ تا ۳۰۱ طبرستان ، مطیع سامانیان بود . در ۳۰۱ حسن‌بن علی ، نـاصر کبیر که از فرزندان امام زین‌العابدین و مردی فاضل و دیندار بـود ، پس از سوانـح بسیار ،بر طبرستان مستولی شد و سامانیان را مجبور بمصالحه کرد ،خود در طبرستان مستقر گشت و حکومت گیلان را بیکی از سادات حسنی بنام حسن‌بن قاسم واگـذاشت

ولی حسن پس از اندکی بر او شورید و او را دستگیر کرد و بقلعهٔ لاریجان فرستاد . چندی نگذشت که جمعی از سران دیلم، حسن را گرفتند وناصر را آزاد کردند اما ناصر، حسن را بخشید و دختری از نوادگان خویش را باو داد و در آخر عمر، حسن را بجای خود نشانید و بعبادت پرداخت و در ۳۰۴ وفات یافت .

۴ - حسن بن قاسم ، داعی صغیر (۳۰۴ - ۳۱۶)

حسن بن قاسم پس از ناصر کبیر ، بامارت نشست و پیوسته گرفتار مخالفت ومبارزهٔ با سامانیان و با دو پسر ناصر کبیر و دیگران بود تا عاقبت در ۳۱۶ در جنگی کشته شد .

دیالمهٔ آل زیار (۳۱۶ - ۴۳۳)

نام دیلم یا دیلمان و یا دیلمستان ، بقسمتی از گیلان اطلاق میشده که از جنوب بولایت قزوین و از مشرق به تنکابن محدود بوده . عساکر خلفا هرگز به تسخیر این ناحیه موفق نشدند و مردم این سرزمین ، در پناه کوههای سخت ، توانستند مدتها آئین و آداب خود را حفظ کنند .

نفوذ نشر اسلام دراین ناحیه بوسیلهٔ علویانی بعمل آمد که از آزار خلفا باطراف پراکنده شده بودند و عامل مهم در اینکار ، ناصر کبیر بود که مجدانه بدعوت پرداخت وبسیاری از بزرگان واز مردم دیلم رابدین اسلام درآورد . از جمله کسانیکه بعلویان گرویدند ، ماکان پسر کاکی و اسفار پسر شیرویه و مرداویج پسر زیار وعلی پسر بویهٔ ماهیگیر بودند .

۱ - مرداویج پسر زیار (۳۱۶ - ۳۲۳)

مرداویج (یا مردآویز یعنی کسیکه با مردان در میآویزد) از اتباع اسفار پسر شیرویه بود . اسفار در ابتدا در خدمت علویان بود لکن از آنها برگشت و بسامانیان پیوست و بکمك مرداویج که بخدمت خود درآورده بود ، طبرستان را گرفت و داعی صغیر را کشت و ماکان را فراری کرد . ولی عاقبت مرداویج بر او شورید و او را بقتل رسانید .

پس از قتل اسفار وفرار ماکان ، مرداویج به تسخیر طبرستان و گرگان ودامغان وقسمت عمدهٔ عراق عجم و همدان و اصفهان پرداخت وبرادر خود وشمگیر را از گیلان نزد خود آورد .

در سال ۳۲۱ با امیر نصربن احمد سامانی صلح کرد و گرگان را باو واگذاشت. ماکان که از مرداویج ، چند بار شکست خورده بود و در پناه سامانیان میزیست ، پس از این صلح ، بیچاره و متواری شد . همراهانش منجمله علی و حسن واحمد ، پسران بویه ، از او جدا شدند و به مرداویج پیوستند .

علی که بعدهالقب عمادالدوله گرفت ، ازطرف‌مرداویج ، بحکومت کرج منصوب شد . لکن چیزی نگذشت که از اطاعت مرداویج،سر باز زد و در تسخیر بلاد با او بـه رقابت پرداخت تا عاقبت پس از آنکه مالك فارس شده بود ، با مرداویج آشتی کرد و برادر خود حسن راکه بعدها رکن‌الدوله لقب یافت ، بگرو نزد مرداویج فرستاد .

مردآویج را غلامان ترك ، بعلت بد رفتاری و سخت‌گیری کـه داشت ، روزی در حمام کشتند .

۲ ـ وشمگیر پسرزیار (۳۲۳ ـ۳۵۷)

وشمگیر از طرفی گرفتار پسران بویه و از طرف دیگر دچار سامانیان بـود و تمام مدت امارت را بزد وخورد گذرانید تا عاقبت‌تابع سامانیان گردید و از طرف‌امیر منصوربن نوح ، مأمور جنگ با حسن رکن‌الدوله شد ولی پیش از تلاقی دو لشگـر ، در شکارگاه از اسب افتاد و درگذشت .

۳ ـ بهستون پسر وشمگیر (۳۵۷ ـ ۳۶۶)

پس از وشمگیر ، پسر بزرگترش ابو منصور بهستون ، در طبرستان بجای‌پدر نشست ولی جمعی از بزرگان با پسر کوچکتر وشمگیر بنام قـابوس ، بیعت کردند . بهستون ناچار به پناه رکن‌الدوله رفت و از طرف او مأمور طبرستان شد ورکن‌الدوله دختر بهستون را بزنی گرفت وآن زن ، مادر عضدالدولهٔ معروف است .

بهستون بسال ۳۶۶ درگذشت .

۴ ـ شمس‌المعالی قابوس پسروشمگیر (۳۶۶ ـ ۴۰۳)

قابوس که بکمك سامانیان برگرگان حکومت میکرد ، در ۳۶۶ بجای بـرادر نشست و بر طبرستان نیز حاکم شد .

درهمان سال ، رکن‌الدولهٔ دیلمی وفات کرد وممالك او بین‌سه پسرش‌عضدالدوله و مؤیدالدوله و فخرالدوله تقسیم گردید . در ۳۶۹ عضدالدوله و مؤیدالدوله ، همدانرا

که سهم فخرالدوله بود ، از دست او گرفتند . فخرالدوله بقابوس پناه برد . قابوس او را بجوانمردی پذیرفت وبه تهدید عضدالدوله ومؤیدالدوله تسلیم‌نشدولی تاب مقاومت با آنان را نیاورد و پس از مختصر رزمی در نزدیکی استرآباد ، گرگان و طبرستان را از دست داد و بسامانیان پناه برد .

سردارسپاه سامانی بنام‌فایق خاصه که‌برای باز گرداندن‌املاك‌قابوس‌وفخرالدوله، مأمورجنگ با مؤیدالدوله گشته بود ، از او رشوه ای گرفت و گریخت و قابوس مدت هیجده سال از ۳۷۱ تا ۳۸۸ در خراسان ، در پناه سامانیان میزیست .

پس از مرگ عضدالدوله و مؤیدالدوله ، صاحب‌بن عباد وزیر مؤیدالدوله ، فخرالدوله را دعوت کرد که بجای برادر بنشیند و او از خراسان به‌ری رفت و برمسند امارت نشست ولی راه ناجوانمردی پیش گرفت و بعوض آنکه قابوس را بملك خود برساند ، بتحریك صاحب‌بن عباد ، با او از در مخالفت درآمد .

بعد از فوت فخرالدوله و صاحب‌بن عباد ، قابوس بکمك یاران خود ، پس از هیجده سال ، بکشور خویش برگشت و حتی گیلانرا نیز تسخیر نمود و حکومت آنرا به پسر خود منوچهر واگذاشت .

قابوس مردی دانشمند و ادب دوست بود و بفارسی و عربی شعر میگفت وادبا را مینواخت ولی در عین حال چنان تند خو و سخت کش بود که لشکریان از دست ظلمش بامان آمدند و او را مجبور کردند که در قلعهٔ خباشك ، بانزوا وعبادت بپردازد و هم درآن قلعه او راکشتند .

۵ ـ فلك المعالی منوچهر (۴۰۳ ـ ۴۲۳)

پس از قتل قابوس ، پسرش منوچهر بسلطنت نشست و از طرف خلیفهٔ عباسی فلك‌المعالی لقب گرفت . قاتلین‌پدر راکشت وبا سلطان محمود غزنوی‌از دراطاعت در آمد ودختراورابزنی گرفت.منوچهری‌دامغانی‌شاعرمعروف ، بنام این‌سلطان‌تخلص کرده.

۶ ـ نوشیروان پسر فلك‌المعالی (۴۲۳ ـ ۴۳۵)

پس از فوت منوچهر درگرگان ، باکالیجار سپهسالار لشگر ، با اجازهٔ سلطان محمود غزنوی ، بنیابت از طرف نوشیروان که خرد سال بود ، بامارت نشست .

باکالیجار در سال ۴۲۵ با سلطان مسعود ، عصیان ورزید وگرچه مغلوب گشت،

سلطان اورا بخشید ولی‌در ۴۲۹ بدست نوشیروان که بحد رشد رسیده بود ومیخواست مستقلاً حکومت کند ، از میان برداشته شد .

درآن احوال ، طغرل بیك سلجوقی ، سلطان مسعود غزنوی را مغلوب و قصد طبرستان کرده بود. نوشیروان که درخود یارای مقاومت نمیدید ، بقبول سالی سی‌هزار دینار خراج ناچار گردید و از شر دشمن رست ولی این تاریخ را باید در حقیقت ،ختم سلسلهٔ آل زیار دانست .

نوشیروان در ۴۳۵ فوت کرد و از خود پسری گذاشت بنام جستان که عاقبت کار وسال وفات او معلوم نیست .

دیالمه آل‌بویه (۳۲۰ - ۴۴۷)

چنانکه گفته شد ، دولت آل بویه بدست علی و حسن و احمد ، سه برادر از فرزندان ماهیگیری از اهل گیلان بنام بویه ، تشکیل گردید . زمانیکه علی بر فارس مستولی بود ، حسن بگروگان در حبس مرداویج میزیست ولی پس از قتل مرداویج ، بفارس گریخت و سپس اصفهان وکاشان و ری وهمدانرا گرفت وبر عراق عجم حکومت یافت در حالیکه برادرش علی ، بر فارس حکمروا بود .

برادر دیگرشان احمد ، همینکه برشد رسید ، بتسخیر کرمان پرداخت و با وجود اینکه در جنگ جیرفت ، دست چپ و یك انگشت پنجهٔ راست خود را از دست داد ، درآن‌جنگ غالب‌آمد وکرمانرا مسخر کرد . سپس‌در۳۳۴ بغداد را گرفت وخلیفه مستکفی او را لقب معزالدوله داد و علی برادرش را بلقب عمادالدوله و حسن ، برادر دیگرش را بلقب رکن‌الدوله نامید .

از آن ببعد ، خلفای عباسی از هر جهت مطیع سلاطین آل بویه بودند و احمد که طریقهٔ تشیع داشت ، بترویج این طریقه در بغداد و عراق پرداخت .

پس از احمد ، پسرش بختیار با لقب عزالدوله ، دارای مقام او شد .

علی عمادالدوله چون پسر نداشت ، پناه خسرو پسر رکن‌الدوله را که بعد ها عضدالدوله شد ، بجانشینی خود تعیین کرد و در ۳۳۸ درگذشت .

رکن‌الدوله نیز پناه خسرو پسر خود را ولیعهد خویش کرد و همدان و ری و قزوین را بفخرالدوله پسر دیگر و اصفهان رابمؤیدالدوله پسر سوم خویش واگذاشت

و در ۳٦٦ در ری رحلت یافت .

عضدالدوله (۳۳۸-۳۷۲)

پناه خسروعضدالدوله بسبب‌فتوحاتی که کرده و احترامی که باهل فضل‌میگذاشته و بناهائی که ساخته ، مشهور ترین سلطان‌آل بویه است . یکبار در سال ۳٦۴ ببغداد تاخت و پسر عموی خود عزالدوله را مغلوب کرد لکن دراثر خشم پدرش‌رکن‌الدوله، دست ازآن فتح برداشت . بار دیگر پس از فوت پدر ، در ۳٦۷ عزالدوله راگرفت و کشت و سرحد ممالك خود را تا شام رسانید .

در سال ۳٦۹ بقصد برادر خود فخرالدوله که فرمانروای همدان وری بود عازم شد و بهانه اش این بود که فخرالدوله با عزالدوله همراهی داشته . فخرالدوله به‌پناه قابوس رفت و عضدالدوله قلمرو حکومت او را بمؤیدالدوله سپرد ، سپس گرگان را از قابوس گرفت و قابوس و فخرالدوله را بخراسان فراری کرد .

بندامیر بر رودکر ازبناهای اوست .

عضدالدوله در بغداد بسن چهل و هفت سالگی بسال ۳۷۲ درگذشت .

پس از عضدالدوله ، بین پسران و اعقاب او دائماً کشمکش و نزاع بود تا منجر بانقراض‌آل بویه گشت . اسامی‌آنان که از۳۷۲تا ۴۴۷ امارتی‌داشته اند ازاینقراراست:

شرف‌الدوله ، بهاءالدوله ، سلطان‌الدوله ، ابوکالیجار مرزبان ، ملك رحیم .

عده ای ازسلاطین دیلمی نیزبر اهوازوکرمان وعراق‌عرب حکومت داشته‌اند.

دیالمهٔ ری و همدان واصفهان که تا ۴۱۴ عمارتی داشته اند از اینقرارند :

مؤیدالدوله، فخرالدوله ، مجدالدوله ، شمس الدوله ، سماءالدوله .

مجدالدوله پس از پدر خود فخرالدوله ، بسن چهارسالگی امیر شد . زمام‌امور را مادرش سیده خاتون بدست گرفت و پسر دیگر خود را بنام ابو طاهر شمس‌الدوله، بحکومت همدان وکرمانشاه فرستاد .این زن درمیان‌دو دشمن قوی‌پنجه ،یکی محمود غزنوی و دیگری قابوس زیاری ، توانست مملکت خود را حفظ‌کند در صورتیکه در داخل نیزغالباً گرفتارنافرمانی پسرها وجنگ‌آنان با یکدیگربود . همینکه سیده خاتون فوت‌کرد ، اوضاع‌حکومت مجدالدوله چنان مختل شدکه سلطان‌محمود به ری آمد و او را دستگیر نمود .

صفاریان (۲۴۷-۳۹۳)

یعقوب بن لیث صفاری (۲۴۷ - ۲۶۵)

بین سالهای ۳۰ و۳۳ هجری، سیستان بدست مسلمین افتاد ولی مردم ناراضی‌از حکومت عرب و بخصوص خوارج ، درآنجا گردآمدند و غالباً زیر بار خلفا نمیرفتند. بعدها در حدود سالهای ۲۳۰ تا ۲۴۸ ، شخصی بنام صالح بن نصراز فرقهٔ مطوعه یعنی آنها که بطوع و میل قلبی برای جنگ با خوارج ، قیام کرده بودند ، برحکمران بست (واقع مابین سیستان و هرات) شورید و عیاران یعنی دزدان و راهزنان را دور خود جمع کرد . از جمله عیاران ، یعقوب پسر لیث صفار بود که صفاری یعنی رویگری میکرد و چون دلیر و جوانمرد بود ،گروهی بر او گردآمده بودند . یعقوب را صالح بهمراهی‌سرداری دیگر بنام درهم ، بجنگ عمار رئیس‌خوارج فرستاد . پس ازشکست عمار ، صالح خواست بغارت سرای والی سیستان بپردازد ولی یعقوب مانع شد و صالح مجبور بفرار گردید .

لشکریان ، با درهم بیعت کردند و یعقوب سپهسالارآن لشکر بود تا آنکه‌درهم قصد جان او را کرد . یعقوب از این سوءقصدآگاه شد و درهم را بزندان انداخت و در ۲۴۷ از طرف لشکریان و مردم ، به امارت منصوب گردید .

یعقوب بزودی دشمنان داخلی یعنی عمار و صالح و درهم را از میان برداشت و در۲۵۳ هرات راگرفت و در ۲۵۵ کرمان و فارس‌را مسخر کرد و در۲۵۶ کابل راکه‌در دست بودائیان بود ،گشود و غنائم بسیار از جمله عده ای بت زرین و سیمین با خود بسیستان برد و عده ای را نزد خلیفه ببغداد فرستاد .

در غیاب یعقوب ، مردی بنام عبدالله بادو برادر خود ، یاغی شدند امااز یعقوب شکست خوردند و بامیر محمد طاهری ، آخرین امیر سلسلهٔ طاهریان ، در نیشابور ، پناه بردند و چون محمد طاهری از تسلیم‌آنان سر باز زد ، یعقوب نیشابور راگرفت و امیر طاهری را اسیر کرد . عبدالله و برادرانش نیز گرفتار یعقوب وکشته شدند .

پس ازآن ، دوباره بفتح فارس که از دست رفته بود ، پرداخت و بطرف بغداد در حرکت‌آمد و به تمنای خلیفه اعتنائی نکرد . در ۲۶۲ بین بغداد و مداین ، جنگی شد و یعقوب از خلیفه شکست خورد ولی از پای ننشست و پس از جنگهای دیگر ،

عاقبت فارس و اهواز را بدست‌آورد و بحدود عراق عرب نزدیك شد لکن درموقعیکه مشغول تهیهٔ سپاه بود ، در جندی شاپور خوزستان ، بسال ۲۶۵ در گذشت .

پایتخت یعقوب ، شهر زرنج از بلاد قدیم سیستان بوده .

عمرو بن لیث صفاری (۲۶۵ ـ ۲۸۷)

پس‌از یعقوب، برادرش‌عمرو ، بوصایت او امیرشد وسالها بدفع‌سرکشان‌پرداخت. یکی ازآنها علی برادر خودش بود که چند بار او را بخشید و مورد عنایت قرار داد لکن او تاآخر عمر دست از دشمنی با برادر برنداشت. دیگری که بسیار فتنه جوبود، رافع‌بن هرثمه نام داشت . خلیفه نیز همه وقت در کار عمرو اخلال میکرد . عاقبت در ۲۸۷ در جنگی که در حوالی بلخ با امیر اسماعیل سامانی اتفاق افتاد ، عمرو مغلوب و اسیر گشت . او را ببغداد فرستادند و در ۲۸۹ بامر خلیفه بقتل رسید .

امرای صفاری که ازآن ببعد ،کم و بیش حکومتی داشته اند ، از ۲۸۷ تا ۳۹۳ از اینقرارند :

ابوالحسن طاهربن محمدبن عمروبن لیث ، لیث‌بن علی‌بن لیث ، ابوعلی محمدبن علی‌بن لیث ، ابو جعفر احمدبن محمدبن خلف ، ابو احمد خلف‌بن احمد .

سامانیان (۲۷۹ - ۳۸۹)

سامان ، نام دهی‌است نزدیك سمرقند وسامانیان که زرتشتی بودند، بارث درآن ده ریاست میکردند . یکی ازآنان اسلام‌آورد و پسر خود را باسم حاکم خراسان کـه اسدالله‌بن عبدالله قسری‌بود، اسد نام‌گذاشت ودر زمانیکه مأمون در مرو اقامت داشت (۱۹۳ ـ ۲۰۲) با چهار پسر خود بنام نوح و احمد و الیاس و یحیی ، بخدمت مأمـون داخل شد . هر یك ازآن پسران بشغلی گماشته شدند یعنی حکـومت سمرقند بنوح و فرغانه باحمد و چاچ به یحیی و هرات بالیاس سپرده شد .

احمد هفت پسر داشت بنام نصر و یحیی و یعقوب و اسماعیل و اسحاق و اسد و حمید . مملکت فرغانه راکه باو رسیده بود ، بـه پسر خود نصر واگـذاشت و در سال ۲۵۰ درگذشت .

نصردرسمرقند اقامت گزید واسماعیل رابه‌نیابت خویش‌ببخارا فرستاد وبرادران دیگر را نیز هرکدام بشهری مأموریت داد . اما پس از چندی نسبت باسماعیل گمان‌بد

برد و در ۲۷۵ بر سر او لشکر کشید و خود مغلوب و اسیر برادر شد لکن اسمعیل او را در بخارا بر تخت نشانید و در پای او بچاکری ایستاد . نصر بسمرقند برگشت وپس از فوت او سمرقند ضمیمهٔ حکومت اسماعیل گردید و هم ممالك خراسان وگرگان و طبرستان و سیستان و ری و قزوین ، پس از غلبهٔ برمحمدبن زید داعی و عمروبن لیث صفاری ، بتصرف او درآمد .

اسمعیل امیری بود دادگر و پرهیزکار و جوانمرد ولـی بعلت تعصب در مذهب تسنن ، صرفاً از خلفا پیروی میکرد و همچون دیالمه و صفاریها ، ایران دوست نبود .

ابو نصر احمد بن اسمعیل (۲۹۵ - ۳۰۱)

بخلاف پدر ، مردی سست و بی اراده بود و بیشتر بشکار علاقـه داشت تا بـکار مملکت . وقایع زمان اویکی غلبهٔ ناصر کبیر علوی بر طبرستان وراندن عمال سامانی‌ـ است و دیگری دفع انقلاب سیستان بدست سرداران سامانی .

احمد را غلامان در شکارگاه کشتند .

نصر بن احمد (۳۰۱ - ۳۳۱)

در تاریخ قتل پدرش ، هشت ساله بود . بزرگان و امرای سامانی بر امـارت او اتفاق کردند و ابو عبدالله جیهانی بوزارت او منصوب گردید . عـده ای از سرداران و خـویشاونـدان و حتی سه برادر او لوای مخـالفت و استقلال افراشتند و همگی مغلوب شدند ، و هم در نتیجهٔ فتوحات دیگری که نصیب نصر گـردید ، حـدود دولت سامانی تا بعراق عرب رسید و این فتوحات همه مرهون تدبیر وزیـران او ابو عبدالله جیهانی و ابوالفضل بلعمی و دلاوریهای سرداران او مانند سیمجور دواتی و ابـوبکـر محمد چغانی بود .

نفوذ مذهب اسماعیلی درآنزمان چنان بالا گرفت که نصر بدان مـذهب گرویـد ولی در اثرعدم رضایت غلامان ترك ،علناً ازآن عقیده تبرا جست وامارت را به‌پسرش نوح واگذاشت .

ابوالفضل محمدبن‌عبیدالله بلعمـی ، ممدوح رودکـی و مترجـم‌کلیله از عـربی بفارسی است .

امیرنصر درسی وهشت سالگی ازمرض‌سل‌درگذشت و چون مردی نیك سیرت و کریم و عادل بود ، بنام امیر سعید خوانده شد .

نوح بن نصر (۳۳۱ - ۳۴۳)

پس از پدر بامارت نشست و برای استرضای خاطر پیروان تسنن و غلامان ترک متعصب ، کلیهٔ بزرگان و درباریانی را که بطریقهٔ اسماعیلیه گرویده بودند ، کشت و وزارت خود را بابوالفضل سلمی که مردی فقیه بود واگذاشت وچون او از عهدهٔ ادارهٔ امور مملکت بر نمیآمد ، خرابی کلی در اساس دولت سامانی روی نمود و از هر طرف نایرهٔ طغیان برخاست تاآنکه نوح ازمقابل یاغیان گریخت و بسمرقند رفت و امارت بعموی او ابراهیم رسید ولی ابراهیم از این مقام کناره گرفت و امارت را بابو جعفر محمد برادر نوح سپرد و خود سپهسالار او شد . پس از چندی ابراهیم و محمد ، هر دو نزد نوح رفتند و او را از سمرقند باز پس آوردند و بتخت نشاندند . ولی نوح ، ناجوانمردانه هر دو راکور کرد .

امیر نوح پس از دوازده سال و سه ماه امارت ، درگذشت .

ابوالفوارس عبدالملك بن نوح (۳۴۳ - ۳۵۰)

با دیلمیها در اصفهان جنگی کرد و فاتح شد و خراج گزافی بر عهدهٔ رکن‌الدولهٔ دیلمی گذاشت و در ۳۵۰ ضمن بازی چوگان ، از اسب افتاد و درگذشت .

ابو صالح منصور بن نوح (۳۵۰ - ۳۶۶)

پس از عبدالملك بن نوح ، پسر او نصر را بامارت نشاندند و پس از یکروز برداشتند و عموی او ابو صالح منصوربن نوح را بجای او برقرار کردند . از وقایع مهم دوران منصور ، صلحی بود که بین سامانیان وآل‌بویه اتفاق افتاد ودر نتیجه رکن‌الدوله و عضدالدوله بر عهده گرفتند که هر سال دویست هزار دینار بمنصوربن نوح سامانی بپردازند .

از وزرای منصور ، ابوعلی بلعمی است که کتاب تاریخ‌طبری را ترجمه کرده .

ابوالقاسم نوح بن منصور (۳۶۶ - ۳۸۷)

پس از مرگ پدر ، بسن سیزده سالگی بنام نوح ثانی امیر شد ولی زمام امور بدست مادرش بود . درزمان او سرداران لشگرغالباً بایکدیگر وبا نوح، در زد وخورد بودند و از خانهای ترکستان استمداد میکردند . نوح نیز به سبکتکین و پسرش محمود متوسل شد و در نتیجه پای طوایف ترکان زرد پوست را بخراسان باز کرد و این اشتباه موجب انقراض دولت سامانی و تأسیس سلسله های ترك در ایران گردید .

ابوالحارث منصوربن نوح (۳۸۷- ۳۸۹)

منصور ثانی‌پس‌از فوت پدر، درخردسالی بتخت نشست و گرفتار رقابت‌بزرگان و سران سپاه گردید تاآنکه عاقبت در۳۸۹ او را از امارت خلع و کور کردند .

ابوالفوارس عبدالملك بن نوح (۳۸۹)

محمود پسر سبکتکین ببهانهٔ کشیدن انتقام از سرداران خائنی که با منصورثانی آن‌رفتار راکرده بودند ، برایشان‌تاخت وخراسان‌را مسخر کرد وسامانیانرابرانداخت. بلخ را پایتخت خود قرار داد و از طرف خلیفه ، امین‌الملة و یمین‌الدوله لقب گرفت .

بخاراو ماوراءالنهر نیزبدست ایلك‌خان ترك افتاد وامارت عبدالملك بن‌نوح از دوازدهم‌صفر تادهم ذی‌الحجه ۳۸۹ بیشتر دوام نیافت .

غزنویان (۳۵۱ - ۵۸۲)

غزنویان منسوبند بغزنه که یکی از شهرهای افغانستان کنونی است . مؤسس این سلسله البتکین غلامی ترك است که احمدبن اسماعیل سامانی خرید و بخدمت خود گماشت . پس از او این غلام در خدمت نصربن احمد بود . در ۳۵۰ با منصوربن نوح در افتاد و در نزدیکی بلخ ، سپاهیان منصور را در هم شکست لکن چون‌نخواست بیش از آن با ولینعمت خود بجنگد ، بافغانستان رفت و در ۳۵۱ غزنه راگرفت و درآنجا مستقر گشت و سال بعد درگذشت و پسرش اسحاق بجای او نشست .

اسحاق در ۳۵۵ مرد و سال بعد پس از دو داوطلب دیگر ، سبکتکین جای او را گرفت . این نیز غلام ترکی بود که البتکین درنیشابور خریده و داماد خودکرده بود .

سبکتکین بر خراسان مستولی شد و در مشرق و جنوب ، فتوحات بسیار کرد و دولت غزنوی را وسعت داد .

سبکتکین که لقب ناصرالدوله داشت ، پایتخت خود را شهر بلخ قرار داد و در ۳۸۷ در ضمن عزیمت بغزنه ، وفات یافت .

یمین‌الدوله ابوالقاسم محمودبن سبکتکین (۳۸۷ - ۴۲۱)

هنگام فوت‌پدر، محمود در نیشابور بادارهٔ امور خراسان مشغول بود . همینکه جنازهٔ سبکتکین بغزنه رسید ، بنا بوصیت او ، اسماعیل پسر کوچکترش را بامارت برداشتند . محمود در جنگی نزدیك غزنه ، بر اسماعیل ظفر یافت ولی او را در امارت شریك خود کرد و چون بعداً باو گمان بد برد ، او را بزندان انداخت و اسماعیل در حبس مرد .

آخرین مرد از سامانیان ، ابو ابراهیم اسماعیل‌بن نوح بود که چون ایلك خان ترك بربخارا مسلط شد ، از حبس او فرار کرد وبنام منتصر باسترداد ملك ازدست رفته با ایلك خان و با محمود غزنوی هردو جنگید ولی عاقبت ناچار بیکی از قبایل عـرب مهاجر در حوالی بخارا پناهنده شد و اعراب او را در سال ۳۹۵ بقتل رسانیدند .

خلف‌بن احمد سیستانی نیز با محمود غزنوی مبارزه کرد و مغلـوب گشت و در ۳۹۳ سیستان ضمیمهٔ ملك محمود گردید .

و نیز ایلك نصر خان امیر ماوراءالنهر، با وجود پیمانی که با محموددداشت ، در زمانیکه محمود بغزای هندوستان‌رفته‌بود ، بخراسان تاخت و در ۳۹۸ در چهارفرسخی بلخ ، در دشت موسوم به کتر ، چنان شکستی خورد که از آن ببعد تا زمان سلجوقیها، خطرخانیان از جانب خراسان برطرف گردید .

ابوالعباس مأمون‌بن مأمون ، والی خوارزم که خوارزمشاه خـوانده میشد ، بـا محمود از در دوستی درآمد و خواهر او را بزنی گرفت لکـن همینکه خواست خطبه بنام محمود بخواند ، ارکان دولت شوریدند و او را کشتند . محمود بخونخواهی ابو ـ العباس ، برخاست و در جنگی که در محل هزار اسب ، باسپاه خوارزم کرد ، در ۴۰۸ آن مملکت را صاحب شد .

ابوعلی سینا و ابو ریحان بیرونی ، از خواص دستگاه ابوالعباس و برادر او ابوالحسن‌علی که‌پیش‌ازابوالعباس سلطنت داشت، بشمارمیآیند .

پس‌ازآنکه محمود از قلع وقمع دشمنان داخلی فراغت یافت ، بسال ۳۹۲ بقصد ترویج اسلام و برانداختن کفار ،آهنگ غزای هندوستان کرد و تا ۴۱۶ چندین باربآن کشور تاخت که ازآنها دوازده غزوه از همه مهمتر است . ازآنجمله بار اول در ۳۹۲ طایفهٔ‌راجپوت‌را مغلوب کرد و پیشاور را گـرفت و در سال ۳۹۵ بجلگـهٔ پنجاب دست یافت و در ۳۹۶ کشمیر را مسخر ساخت وهر سال کشوری ازهندوستان،میگشود وقلعه وبتخانه ای میگرفت تا در ۴۱۶بفتح بزرگترین‌بتخانهٔ هندوستان در شهرسومنات موفق گردید وگذشته از غنائم بی حسابی که از فتوحات سابق بدست‌آورده بود ،خزائن آن بتخانه‌را که نصیب محمود گردید ، به بیست میلیون دینار تخمین زده اند .

مجدالدولهٔ دیلمی پس از مرگ مادرش سیده خاتون ، از عهدهٔ سرداران‌لشکر

خود بر نیامد و بمحمود متوسل شد ، محمود در ۴۲۰ به ری رسید و مجدالدوله را دستگیر کرد و غنائم بسیار بچنگ آورد و از کتابخانهٔ مهم مجدالدوله ، بیشتر کتابها را بعنوان کتب‌ضاله ، سوزانید سپس قزوین و زنجانرا تسخیر کرد و حکومت آن نواحی را به پسر خود مسعود واگذاشت . مسعود اصفهانرا از علاءالدولهٔ دیلمی گرفت ولی پس از فوت محمود ، همینکه مسعود بخراسان برگشت ، علاءالدوله اصفهانرا دو باره بدست آورد .

چهارصد شاعر از آنجمله فردوسی در دربار محمود ، گردآمده بودند ولی او از وجود آنها بجز مدح و ثنا چیزی درك نمیکرد و از غنائم بی شماری که یافت ، فایده ای نصیب مردم نگردید غیر از آنکه هر بار بعنوان غزوهٔ با کفار ، مبلغی بر آنان تحمیل میشد .

مردی سخت کش و مال دوست ودر طریقهٔ حنفی ، متعصب‌بود و در ۴۲۱ بمرض سل در گذشت .

جلال‌الدوله ابو احمد محمدبن محمود (۴۲۱)

محمود در دم واپسین ، محمد پسر خود را که والی بلخ بود ، بجانشینی خویش تعیین‌نمود، لکن محمدمردی بود عشرت طلب و سست اراده، درمقابل برادرش‌مسعود، تاب مقاومت نیاورد و بدست سرداران سپاه خود دستگیر و نابینا شد .

شهاب‌الدوله ابوسعد مسعودبن محمود (۴۲۱ ـ ۴۳۲)

اولین واقعهٔ مهم دوران مسعود ، تسخیر مکران تا حدود سند است که بسال ۴۲۲ اتفاق افتاد . پس‌از آن مسعود برای سرکوبی مدعیان ، بری وهمدان لشگر کشید و فتوحاتی کرد و در سال ۴۲۸ بهندوستان بغزا رفت و قلعهٔ هانسی را در جنوب شرقی پنجاب گرفت و غنیمت فراوان بچنگ آورد .

سامانیان بنا بمصالح کشوری ، عده ای از ترکان قبایل معروف به غزرا در بلاد شمالی‌ماوراءالنهر و مصب سیحون ساکن کردند رئیس یکی از آن قبایل، بنام سلجوق، اسلام آورد وآن قبیله را سلجوقیان نامیدند و چون در نتیجهٔ فشار قبائل دیگر ، سلجوقیان از مسکن خود بدامنه های جنوب کوههای شمالی خراسان رانده شدند ، سه پسر میکائیل‌بن سلجوق ، موسوم بمحمد طغرل و داود جغری و یبغو ، از سلطان مسعود درخواست کردند که بآنان اجازهٔ اقامت در خراسان داده شود .

مسعود این درخواست را نپذیرفت وبا سلجوقیان بجنگ پرداخت وپس از یك رشته محاربه و چندی فراز ونشیب ، عاقبت در ۴۲۹ طغرل سلجوقی نیشابور راگرفت و بر تخت سلطنت مسعود نشست ، شکست دیگری که مسعود در ۴۳۰ در نزدیکی مرو از سلجوقیان خورد ، بمنزلهٔ ختم دوران غزنویان است .

مسعوداز مرو بغزنه فرار کرد ودر ۴۳۲ پسر خود مودود را بجنگ سلجوقیان فرستاد و خود بقصد تفریح ، عازم هندوستان شد و محمد جلال‌الدوله برادر کور خود را نیز همراه برد . در بین راه ، جمعی از غلامان بغارت خزائن سلطان دست زدند ودر ضمن زد و خوردی که درمیان سپاهیان واقع شد ، محمد نابینا را بامارت برداشتند و مسعود را بزندان انداختند وکشتند .

شهاب‌الدوله ابوالفتح مودودبن مسعود (۴۳۲ ـ ۴۴۱)

از خراسان بغزنه رفت و به تخت نشست و عموی خود محمد نابینا را بقتل رسانید و در صدد جنگ با برادر خود مجدود که مدعی سلطنت بود ، برآمد لکن مجدود از قضا مرد وکار مودود آسان شد .

در ۴۳۵ لشگری بجنگ سلجوقیان بخراسان فرستاد ولی از الب‌ارسلان پسر طغرل ، شکست خورد ، وبعدها هرچه برای بدست‌آوردن ممالك ازدست رفته کوشید ، کاری از پیش نبرد و در ۴۴۱ در غزنه درگذشت .

بهاءالدوله ابوالحسن علی‌بن مسعود و مسعودبن مودود (۴۴۱)

پس از مرگ مودود ، بزرگان ، مسعود ثانی پسر صغیر او را امیر خواندند و عم او علی‌بن مسعود رادر امارت با او شریك کردند لکن دوماه نگذشت که عبدالرشید، پسر دیگر محمود که بدست مودود برادر زادهٔ خود ، زندانی شده و پس از مرگ او آزاد شده بود ، بغزنه تاخت و تاج و تخت را تصرف کرد .

عزالدوله ابومنصور عبدالرشیدبن محمود سبکتکین(۴۴۱-۴۴۴)

عبدالرشید که فاقد جرئت و شجاعت بود ، زیر نفوذ یکی از درباریان خودبنام طغرل ، واقع گردید و او را بسیستان بجنگ سلجوقیها فرستاد . طغرل پس از مختصر فتحی بغزنه برگشت و عبدالرشید را با نه نفر از شاهزادگان غزنوی کشت و خود بامارت‌نشست .

امارت طغرل که بکافرنعمت مشهور گشت، بیش‌ازچهل روز طول نکشید ، او را

کشتند و فرخ زاد پسر سلطان مسعود اول را بجای او امیر خواندند .

جمال‌الدوله ابوالفضل فرخزادبن مسعودبن محمود (۴۴۴ ـ ۴۵۱)

مدت سلطنت فرخزاد ، هفت سال بود. بخراسان لشگر کشید ویکی ازسرداران الب ارسلان را شکست داد و اسیر کرد ولی‌از سردار سلجوقی دیگری شکست خورد و اسیر خود را رها کرد و مجبور بصلح شد .

ظهیرالدوله ابراهیم برادر فرخ زاد (۴۵۱ ـ ۴۹۲)

سلطان ابراهیم باسلجوقیان‌صلح کرد ودو طرف متعهد شدند که باملاك یکدیگر تجاوز نکنند . پس از این مصالحه الب ارسلان ، دختر سلطان ابرهیم را برای یکی از پسران خودگرفت و ملك شاه پسر دیگر الب ارسلان ، بعدها دختر خـود را بمسعود پسر سلطان ابراهیم داد .

ابراهیم ، چهل ودو سال بآرامش سلطنت کرد وچند سفر بقصد جهاد بهندوستان رفت و فتوحاتی نمود و غنائمی بدست‌آورد ، حکومت هندوستان از ۴۶۹ تـا ۴۸۰ بـا یکی از پسران او موسوم بمحمود سیف‌الدوله بود .

علاءالدوله ابوسعید مسعودبن ابراهیم (۴۹۲ ـ ۵۰۹)

بعد از پدر بتخت نشست و پسر خـود امیر عضدالـدولـه شیرزاد را بحکـومت هندوستان‌فرستاد . عضدالدوله درهندوستان، فتوحات بسیار کرد وتاحدودی که غزنویان در عهد محمود رفته بودند ، رسید .

زن مسعود ، دختر سلطان ملکشاه سلجوقی و خواهر سلطان سنجر بود .

سلطان‌الدوله ابوالفتح ارسلانشاه پسر مسعودسوم (۵۰۹ ـ ۵۱۱)

بعد از مسعود ، پسرش ارسلانشاه بجای او نشست لکن برادرش شیرزاد ، مدعی سلطنت شد . ارسلان او راکشت و برادران دیگرش را زندانی کرد بجز بهرامشاه کـه بدائی خود ، سلطان سنجر پناه برد .

سنجر ازطرف برادر خود سلطان محمد ،حاکم خراسان بودپس از بستن‌پیمانی با بهرامشاه ، بر ارسلانشاه تاخت و او را در یك‌فرسخی غزنه شکست داد وبهرامشاه را بجای او بتخت سلطنت نشانید .

یمین‌الدوله ابوالمظفر بهرامشاه‌بن مسعود (۵۱۱ ـ ۵۴۷)

بعد از مراجعت سنجر بخراسان ، ارسلانشاه که بهندگریخته بـود ، برگشت و غزنه را از بهرامشاه پس‌گرفت . بار دیگر بهرامشاه بیاری سنجر غزنه را تصرف کـرد

و ارسلانشاه پس از یکماه سلطنت ، دستگیر و کشته شد .

بهرامشاه در اوایل سلطنت با سنجر صفائی داشت و چون از طرف او ایمن بود بادارهٔ امور هند و غزوات آن حدود میپرداخت لکن در سال ۵۲۹ از پرداختن خراج بسنجر ، سر باز زد . سنجر بغزنه تاخت و اموال بهرامشاه را ضبط کرد ولی باو امان داد و در ۵۳۰ بخراسان برگشت .

بلیهٔ بزرگی که گریبانگیر بهرامشاه شد و دولت غزنوی را از ایران و هند برانداخت ، پیدایش غوریان بود . تفصیل آنکه قطب‌الدین محمد غوری از برادرانش علاء الدین حسین و سیف‌الدین سوری ، به‌بهرامشاه پناه برده بود ولی بهرامشاه بسعایت بدخواهان ، او را زهر داد و کشت و این حادثه باعث بروز دشمنی بین غوریان وبهرام شاه گردید: سیف‌الدین سوری بغزنه لشگر کشید وبهرامشاه را بهندوستان فراری‌ساخت و خود بجای او بتخت نشست .

همینکه سپاهیان سوری بغور برگشتند ، بهرامشاه بر سیف‌الدین تاخت و او را بقتل‌رسانید . علاءالدین بانتقام خون برادران، غزنه راگرفت و هفت روز و شب ، قتل عام و ویرانی کرد . بهرامشاه بهندگریخت و پس از آنکه علاءالدین غوری از سلطان سنجر شکست خورد و اسیر شد ، در ۵۴۷ بغزنه برگشت .

تاج‌الدوله ابوشجاع خسروشاه بن بهرامشاه (۵۴۸-۵۵۵)

پس از بهرامشاه پسرش‌خسرو شاه ، سلطان شد لیکن غوریان دراینزمان‌قدرت یافته بودند و سلطان سنجر ، پیر و ضعیف شده و ممالك او در تصرف ترکان غز بود . خسرو شاه نیز نتوانست کشور خود را حفظ کند و ترکان غز در ۵۵۵ غزنه را از او گرفتند . از این تاریخ ببعد ، ممالك غزنوی بهندوستان غربی منحصر گردید .

سراج‌الدوله ابوالملوك خسروملك بن خسرو شاه(۵۵۵ - ۵۸۳)

پس از فتح غزنه بدست ترکان غز ، خسرو شاه به لاهور رفت و آنجا درگذشت و خسرو ملك یاخملکشاه بجای او نشست .

غوریان غزنه‌را ازترکان غزگرفتند و سپس بتسخیر ممالك غزنوی در هندوستان پرداختند تا عاقبت خسرو ملك در۵۸۲ بدست ایشان افتاد و در ۵۹۸ کشته شد .

سلاطین غور (۵۴۳ - ۶۱۲)

غور بناحیهٔ کوهستانی وسیعی گفته میشد که بین‌هرات وغزنه واقع است وامروز کوه بابا و سفید کوه نام دارد . این ناحیه سرچشمهٔ رودخانه های هیرمند و هریرود ومرغاب است و قسمت غربی‌آن که مجاور ولایت هرات است ، غرجستان و جبال ، نام داشته .

دامنهٔ شمالی غور را در قدیم ، طخارستان میگفتند که امروزآنرا ترکستان افغانستان میگویند و شهر عمدهٔآن بامیان است . بزرگترین آبادی ناحیهٔ غور ، فیروز کوه پایتخت غوریان بوده .

غوریان خود را از نسل ضحاك میدانستند و در پناه کوههای سخت ، مستقل میزیستند تاآنکه محمدبن سوری امیر ایشان ، مغلوب محمود غزنوی شد و از آن تاریخ ، غوریان تحت سلطه و امر غزنویان در آمدند .

سیف‌الدین سوری (۵۴۳ ـ ۵۴۴)

میدانیم که سیف‌الدین سوری در ۵۴۳ غزنه راگرفت ولی سال بعد بدست بهرام شاه غزنوی که ناگهان بر سر او تاخت ،گرفتار وکشته شد .

علاءالدین حسین جهانسوز (۵۴۴ ـ ۵۵۶)

پس از سیف‌الدین سوری ، امارت غور ببهاءالدین سام رسید و او بخونخواهی دو برادر مقتول ، بغزنه لشگر کشید لکن در راه فوت کرد و برادر دیگرش بنام علاءالدین حسین‌جهانسوز، امیر شد .

علاءالدین غزنه راگرفت وآتش زد و باینجهت او را جهانسوز گفتند . باسلطان سنجر از در مخالفت درآمد و با او جنگ کرد و اسیر شد چون بفضل و ادب شهرتی بسزا داشت ، سنجر او را عفو کرد و طبق جواهری راکه در مجلس حاضر بود ، باو بخشید . او نیز بالبداهه گفت :

بگرفت و نکشت شه مرا در صف کین
هر چند بدم کشتنی از روی یقین
بخشید مرا یکی طبق در ثمین
بخشایش و بخششش چنان بود و چنین

از طرف سنجر بامارت غور بـر گشت و بمذهب اسماعیلی گروید و در ٥٥٦ فوت کرد .

سیف‌الدین محمد بن علاءالدین حسین (٥٥٦ ـ ٥٥٨)

پیروان مذهب اسماعیلی را همه جا از میان برداشت و پس‌از یك سال سلطنت ، گرفتار ترکمانان غز شد و در جنگ باآنان ، بقتل رسید .

غیاث‌الدین ابوالفتح محمد بن سام (٥٥٨ ـ ٥٩٩)

پس از کشته‌شدن سیف‌الدین‌محمد ، پسر عموی اوغیاث‌الدین ابوالفتح‌محمدبن سام ، بسلطنت رسید . عموی غیاث‌الدین، ملك‌فخرالدین که‌حکومت‌طخارستان‌راداشت براوشورید ومغلوب شد ولی‌غیاث‌الدین‌با او باحترام رفتار کرد واورا دوباره بحکومت طخارستان فرستاد .

باترکان‌غز جنگید وآنانرا ازغزنه هزیمت‌داد ولی‌باسلسلهٔ مقتدرخوارزمشاهیان مواجه گردید و بنا بتحریك ناصر خلیفهٔ عباسی که باآن سلسله در مبارزه بود ، باآنان جنگهای مکرر کرد و در ٥٩٩ درگذشت .

معزالدین محمدبن سام (٥٩٩ ـ٦٠٢)

پس از غیاث‌الدین ، برادرش ملك شهاب‌الدین که همه جا در جنگها با او بود ، بنام سلطان معزالدین محمدبن سام سلطان شد . بزرگترین فتوحات غوریان درزمان غیاث‌الدین ، بدست این برادر انجام گردید چنانکه در نتیجهٔ فتح تانیسر ، سراسر هند شمالی تا مرکز این شبه جزیره ، مسخر غوریان گشت وبقایای سلسلهٔ غزنویان درهند، بر افتاد . پس از این فتح عظیم ، ممالك مفتوحه را بغلام خویش قطب‌الدین آی بك سپرد و خود بغزنه بخدمت برادر بر گشت . آی‌بـك نیز ولایـات بهـار و بنگـالـه را مسخر ساخت .

در سال ٦٠٠ بقصد جنگ، بهندوستان رفت ومحمد خوارزمشاه موقع راغنیمت شمرد و به هرات که در دست خواهر زادهٔ معزالدین بود حمله کرد ولی کاری از پیش نبرد . معزالدین از هند برگشت و با خوارزمیان جنگید ولی مغلوب و مجبور بصلح گردید و برای سرکوبی یاغیان باز بهندوستان عزیمت نمود و پس از مغلوب کردن آنان ،بغزنه برمیگشت که در بین‌راه بدست چند نفر ازقبیلهٔ یاغیان یا فدائیان اسماعیلی، بقتل رسید .

غیاث الدین محمود بن غیاث‌الدین محمد (۶۰۲ - ۶۰۷)

تجزیه و آثار انقراض ممالك غوریان ، در این زمان آغاز شد . غزنه بدست غلامی بنام تاج‌الدین یلدز افتاد و قطب‌الدین آی بك در هندوستان ، مستقل گردید و بلخ و هرات را خوارزمیان تسخیر کردند و غیاث‌الدین محمود در ناحیهٔ کوچکی ، دست نشاندهٔ سلطان محمد خوارزمشاه گردید .

برادر سلطان محمد خوارزمشاه‌بنام تاج‌الدین علیشاه، چون شنید که‌خوارزمشاه باسارت قراختائیان درآمده ، مدعی سلطنت شد لکن همینکه سلطان از اسارت نجات یافت ، از ترس او فرار کرد و بغیاث‌الدین محمود غوری پناه برد و غیاث‌الدین او را بنا بتقاضای سلطان محمد ، بزندان انداخت ولی همراهان علیشاه ،غیاث‌الدین راکشتند و علیشاه را بجای او پادشاه غور و فیروزکوه خواندند لکن امرای غور ، مانع نجات علیشاه و سلطنت او گشتند .

بهاءالدین سام و علاء الدین اتسز (۶۰۷ -۶۱۰)

بعد از قتل غیاث‌الدین ، پسر چهارده ساله اش بهاءالدین سام را به امارت برداشتند لکن امیر دیگری از غوریان بنام علاءالدین اتسز ، بر او تاخت و امارت را از او گرفت و پس از چندی خود بدست یکی از امرای غزنه کشته شد .

علاءالدین محمد بن شجاع الدین علی (۶۱۰ - ۶۱۲)

علاءالدین محمد که‌هفتمین فرزند ابوالسلاطین ملك عزالدین حسین‌بود ، پس‌از دو سال امارت ، مغلوب و اسیر خوارزمشاهیان گردید و سلسلهٔ غوریان با او بر افتاد .

سلاطین سلجوقی (۴۲۹ - ۵۹۰)

رکن‌الدین ابوطالب طغرل بن میکائیل بن سلجوق (۴۲۹ - ۴۵۵)

جلوس طغرل را در نیشابور که بسال ۴۲۹ واقع شد ، باید ابتدای سلطنت سلجوقیان شمرد . طغرل در ۴۳۳ گرگان و طبرستان را فتح کرد و در ۴۳۴ خوارزم و ری و همدان را گرفت و ابراهیم نیال برادر او در مغرب ایران ، بکشورگشائی پرداخت ولی از اطاعت طغرل سر باز زد و مغلوب گشت .

طغرل اصفهانرا در ۴۴۳ تسخیر کرد و آذربایجان را در ۴۴۶ گرفت و در۴۴۷ دولت دیالمهٔ آل بویه را از جنوب بر انداخت . در این زمان ، فتورکلی در کارخلافت راه یافته بود : قائم خلیفه در مقابل رئیس لشگریان ترك خود ، موسوم به بساسیری ، قدرتی‌نداشت و فاطمیون که در ۲۹۷ بدست داعیان اسماعیلی ایرانی ، در تونس دولتی تشکیل داده و در ۳۵٦ بمصر آمده و شهر قاهره را بپا کرده بودند ، بحدود خلافت‌بغداد تجاوز میکردند . طغرل به بغداد وارد شد و در ۴۴۸ برادر زادهٔ خود راکه خواهر آلب ارسلان باشد ، بخلیفه داد .

ابراهیم نیال ، برادر طغرل دو باره بر او عصیان کرد ولی این بار پس ازمغلوب شدن بامر طغرل بقتل رسید .

در ۴۵۱ بساسیری سردار سپاهیان ترك ، خلیفه را از بغداد رانده بود ، طغرل با خلیفه به بغداد وارد شد و بساسیری را هزیمت داد و عاقبت او را در جنگی بقتل رسانید .

در ۴۵۵ طغرل از ارمنستان عازم بغداد گردید و پس از دو ماه اقامت در دارالخلافه ، بقصد ری عازم شد و در آن شهربسن هفتاد در گذشت .

وزیر معروف طغرل ، منصوربن محمد کندری عمیدالملك بوده .

عضدالدوله محمد الب‌ارسلان‌بن جغری (۴۵۵ ـ ۴٦۵)

طغرل در مرض موت ، سلیمان راکه یکی از پسران برادر او جغری بیك بود، بجانشینی‌خود تعیین کرد وعمیدالملك کندری اورا بتخت نشانید لکن الب‌ارسلان برادر سلیمان ، بدستیاری وزیر خود خواجه نظام‌الملك ، زیر بار نرفت و درخراسان از طرف امراء سلجوقی بسلطنت برداشته شد وحتی‌عمیدالملك کندری نیزدرری‌خطبهٔ شاهی را بنام الب ارسلان خواند و سلیمان را ولیعهد او نامید .

الب ارسلان با خواجه نظام‌الملك از نیشابور به ری حرکت کرد و قتلمش‌بن اسرائیل راکه جد شعبهٔ سلاجقهٔ روم است و ادعای سلطنت داشت ، در نزدیکی خوار، مغلوب و مقتول ساخت .

شاه و وزیر پس از این فتح در ۴۵٦ به‌ری وارد شدند، عمیدالملك کندری‌بعذر

خواهی نزد خواجه نظام‌الملك آمد و پانصد دینار پیشکش کرد . ولی چون وقتی از حضور سلطان و وزیر بیرون رفت ، اکثر سپاهیان در رکاب او بحرکت آمدند ، مورد سوء ظن واقع شد . بحکم سلطان و شاید بسعایت نظام‌الملك ، او را بزندان کردند و پس از یکسال کشتند .

الب ارسلان کشور خویش‌را در مدت نه سال ونیم سلطنت ، در اثر کفایت‌خود و تدبیر خواجه نظام‌الملك ، از طرفی بکنار سیحون و از طرف دیگر بساحل دریای مدیترانه رسانید . در ۴۵٦ ارمنستان و قسمتی از گرجستان و ابخاز واقع در ساحل‌بحر سیاه راکه مورد طمع امپراطوری روم شرقی بود گرفت وکلیهٔ ممالك شرقی کشور و همچنین ماوراءالنهر و خوارزم را باطاعت خود درآورد .

رومانوس دیو جانس امپراطور روم ، برای فتح بلاد از دست رفتهٔ ارمنستان و حدود غربی ممالك خود ، در ۴٦۳ با دویست هزار سپاهی مرکب از یونانی و گرجی و بلغاری و روس و فرانسوی ، بآسیای صغیر آمد و در شهر ملازگرد (نزدیك دریاچهٔ وان) اردو زد . الب ارسلان چون بیش از پانزده هزار سوار نداشت، طلب صلح کرد. امپراطور نپذیرفت و جنگ درگرفت و در نتیجهٔ شجاعت سلجوقیان ، سپاه رومی مغلوب و امپراطور اسیر شد . او را نزد الب ارسلان آوردند ، سه تازیانه‌بر سراو زد وگفت چراتقاضای صلح مرا نپذیرفتی ؛ امپراطور جواب دادکه‌از سرزنش دست‌بدار و هرچه خواهی بکن . الب ارسلان در مقابل یك ملیون و پانصد هزار دینار غرامت ، او را بخشید و با او صلحی بمدت پنجاه سال بست .

در ۴٦۵ الب ارسلان برای سرکوبی شمس‌الملك نصر پادشاه توران،با دویست هزار سپاهی از جیحون گذشت . قلعه‌بان یکی از قلاع راکه یوسف خوارزمی نام داشت ، دست بسته پیش سلطان آوردند . چون یوسف در مکالمه درشتی کرد ، الب ـ ارسلان امر دادکه او را رهاکنندتا خود به‌تیرش‌بزنداما تیرسلطان خطاکرد ویوسف با کاردی‌که همراه داشت ، زخمی‌کاری به الب ارسلان زد و سلطان پس از چهار روز ، ازآن زخم درگذشت .

جلال‌الدین ابوالفتح حسن ملکشاه (۴٦۵ ـ ۴۸۵)

الب ارسلان شش پسر داشت . ازآنها ملکشاه را بجانشینی خود تعیین نمود .

ملکشاه پس از فوت پدر ، با خواجه نظام‌الملك بخراسان برگشت و عموی خود را بنام قاورد که ادعای سلطنت داشت در نزدیکی همدان مغلوب و مقتول ساخت.

فتح شامات و دمشق ، بامر او و بدست برادرش تتش که تاج‌الدوله لقب داشت ، در ۴۷۲ صورت گرفت و انطاکیه را سلیمان‌بن قتلمش مؤسس شعبهٔ سلاجقهٔ روم در ۴۷۷ ، از طرف ملکشاه مسخر کرد . حلب در ۴۷۹ و ماوراءالنهردر ۴۸۲ گشوده شد.

اسماعیلیه گروهی از شیعیانند که بجای امام موسی‌کاظم ، برادر او اسماعیل را بامامت قبول کردند و هفت امامی و تعلیمیه و باطنیه نیز نامیده میشوند. این عقیده در شرق و غرب منتشر گردید و بسال ۲۹۶ ، پیروان این مذهب در تونس دولتی تشکیل دادند و برای اینکه با علویان ایران اشتباه نشوند ، نام فاطمیون بر خود گذاشتند .

در ایام خلافت مستنصر بالله خلیفهٔ فاطمی مصر(بین ۴۲۷ تا ۴۸۷) ، مردی از مردم ری بنام‌حسن‌بن صباح ، بدین اسماعیلی درآمد . حسن بسال ۴۶۹از ری باصفهان وآذربایجان و شام رفت ، در ۴۷۱ بمصر سفر کرد و در ۴۷۳ بایران برگشت وبدعوت مردم بدین اسماعیلی پرداخت . در ۴۸۳ بر قلعهٔ‌الموت دست یافت و آنجا را مقرخود قرار داد و جمعی از مریدان‌جانباز را بنام فدائی ، دورخود گردآورد وآنانرا بکشتن امرا و پادشاهان و بزرگان‌دین که با اومخالفت میکردند، وا میداشت‌وشاید که‌دیگران نیز گاه ، قتل و جنایات خود را بگردن اسماعیلی ها میگذاشتند . بهرحال خواجه نظام‌الملك در رمضان ۴۸۵ که در رکاب‌ملکشاه از اصفهان ببغدادمیرفت ، بدست‌جوانی در لباس صوفیان کشته شد و قتل او را باسماعیلیها نسبت دادند ،گر چه در دستگاه سلطنتی چندین دشمن داشت و حتی شاه نیز در اواخر باو خوشبین نبود .

اتفاقاً فوت ملکشاه در شوال همانسال واقع شد و بعضی تصور کردند که بدست طرفداران نظام‌الملك مسموم گردید وسعت ممالك این سلطان ازحد چین تامدیترانه بود و امپراطور روم باو خراج میداد . اصفهان در زمان او از آباد ترین شهر های دنیا بوده .

رکن‌الدین ابوالمظفر برکیارق (۴۸۵ـ۴۹۸)

پس از فوت ملکشاه ، ترکان خاتون زوجهٔ او ، محمود پسر خرد سال خود راکه چهار سال داشت ، بتخت سلطنت نشانید و برکیارق پسر ارشد ملکشاه راکه‌در

اصفهان بود ، بزندان انداخت لکن غلامان نظامیه یا طرفداران نظام‌الملك برکیارق‌را از زندان بیرون‌آوردند و بسلطنت برداشتند . در ۴۸۵ بین دو سپاه ، جنگی نزدیك بروجرد در گرفت و برکیارق فاتح شد و عزالملك پسر خواجه‌نظام‌الملك را بوزارت منصوب نمود ولی چندین مدعی دیگر پیدا کرد از آنجمله تتش عموی او و اسمعیل‌بن یاقوتی دائی او بودند که توفیقی نیافتند و نیز ارسلان ارغو عموی دیگر او درخراسان قیام کرد . برکیارق برادر خردسال خود احمد سنجر را بهمراهی امیرقماج بدفع او فرستاد لکن قبل از وقوع جنگ ، ارسلان ارغو بدست یکی از غلامان خود کشته شد و سنجر با القاب ملك و ناصرالدین بحکومت خراسان باقی ماند .

دیگری از مدعیان سلطنت ، محمدبن ملکشاه برادر برکیارق بود که حکومت گنجه و اران را داشت.

مابین محمد و برکیارق ، پنج نوبت جنگ شد ، گاهی فتح با این و گاه با آن بود تا عاقبت در ۴۹۷ با یکدیگر صلح کردند و مملکت بین دوبرادر ، بدو قسمت‌شمال و جنوب تقسیم گردید .

برکیارق در ۴۹۸ ، پس از دوازده سال و چهار ماه سلطنت ، بسن بیست وپنج سالگی در بروجرد بمرض سل درگذشت و پیش ازفوت پسر کوچك خود ملکشاه را که‌چهار سال و هشت ماه داشت بجای خود تعیین‌نمود .

غیاث‌الدین ابوشجاع محمد (۴۹۸ ـ ۵۱۱)

سلطان محمد برادر برکیارق ، پس از او بتخت نشست و ملکشاه پسر برکیارق را بفرزندی نزد خود نگاهداشت . درآنزمان اسماعیلیه در تمام‌کشور و در دستگاه سلطنتی نفوذ فوق‌العاده پیدا کرده و بکشتن و ترساندن مردم ، دست میزدند . سلطان محمد بدفع‌این طائفه پرداخت و قلاع شاهدز اصفهان و قلعهٔ خان لنجان واقع درهفت فرسنگی اصفهان راکه پناهگاه اسماعیلیه بود گرفت .

بسال ۵۰۰ احمد پسر خواجه نظام‌الملك راکه به نظام‌الملك ثانی ملقب شد ، بوزارت برداشت . نظام‌الملك ثانی ، چند ماهی قلعهٔ‌الموت اسماعیلیه را محاصره کرد ولی از عهدهٔ گرفتن‌آن بر نیامد و کمی بعد بدست فدائیان اسماعیلی در بغداد ، زخمی خورد که مهلك نشد .

محمد بسال ۵۰۹ بعزم راندن صلیبیون فرنگ که از سال ۴۹۱ بر سواحل‌شام‌و فلسطین مستولی شده بودند ، لشگری بآن‌سو فرستاد لکن بعلت نفاقی کـه بین امـرای مسلمان افتاد ،آن لشگر شکست خورد و عیسویان تقویت شدند .

سلطان محمد پسر خود محمود را بجای خود تعیین نمود و در ۵۱۱ بسن ۳۷ سالگی فوت کرد و درآنوقت محمود چهارده سال داشت .

سلطان معز الدین ابوالحارث احمد سنجر (۵۱۱ - ۵۵۲)

ملك ناصرالدین سنجر که از ۴۹۰ بر خراسان و ماوراءالنهر حکومت داشت ، زیر بار سلطنت برادرزادهٔ چهارده سالهٔ خود محمود نرفت و خود را سلطان نـامید ، لکن متعرض محمود نشد و ولایات غربی را از تصرف او بیرون نیاورد .

سنجر در ایام حکومت خود بماوراءالنهر لشگر کشید و غزنه را در۵۱۱ گرفت پس ازآنکه در مرو بسلطنت نشست ، برادر زاده اش محمود بالشگری گران بمخالفت او برخاست‌ودر جنگی که بسال ۵۱۳در ساوه اتفاق افتاد، مغلوب شد و باصفهان گریخت ولی سنجر بوساطت مادرش تاج‌الدین خاتون که جدهٔ محمود بود ، او را ولیعهد خود کرد و پنج سال بعد یکی از دختران خود رابعقد او درآورد .

قطب‌الدین محمد که با لقب خوارزمشاه بر خوارزم حکومت میکرد در تمـام مدت امارت خود از سنجر اطاعت داشت و پس از او پسرش اتسز نیز برویهٔ پدر بود و در جنگها با او شمشیر میزد لکن از۵۳۰ ببعد بعلت حسد امرای سنجرو بیمهریهای سلطان ، بر او عصیان کرد . سنجر بقصد او با سپاهی گران در ۵۳۳ عازم گردید و اتسز که در قلعهٔ هزار اسب نزدیك جرجانیه ، متحصن شده بود ، پس از شکستی که خورد، از معرکه گریخت ولی پسرش را بامر سلطان کشتند ؛ سنجر خوارزم را به برادرزادهٔ خود غیاث‌الدین سلیمان پسر سلطان محمد ، واگذاشت لکن اتسز برگشت و ملك را از سلیمان پس گرفت .

مهمترین واقعهٔ سلطنت سلطان سنجر ، جنك و شکست قطوان است . مختصـر آنکه ترکان زرد پوست قراختائی که در حدود ۵۱۹ بتشکیل دولت وسیعی نائل آمده بودنددر ۵۳۱ به نهب وغارت ممالك اسلامی‌پرداختند. سلطان سنجر بنا بدعوت خاقان محمود، سلطان ماوراءالنهر بدفع‌آنان عزیمت کرد وهیچگونه پیشنهادصلحی‌رانپذیرفت

و در محل قطوان در ۵۳۶ شکست عظیمی خورد و به ترمذ گریخت . جمعی از امرا و زوجهٔ سلطان باسارت ترکان درآمدند .

اتسز خوارزمشاه موقع را غنیمت شمرد و بخراسان تاخت . سلطان سنجر در ۵۳۸ بدفع‌او عزیمت کرد وخوارزم رادرمحاصره گرفت ولی‌چون اتسز از در ندامت و صلحخواهی درآمد ، او رابخشید . بار دیگر نیز اتسزعهدخود را شکست و طغیان کرد و باز در ۵۴۲ مغلوب و بخشوده شد .

ترکمانان غز که از قراختائیان گریخته‌و در حوالی بلخ منزل کرده بودند ،بامر امیر قماج حاکم بلخ که‌آنانرا بترک‌آن ناحیه مجبور میکرد ، تسلیم نشدند ودر نتیجهٔ جنگی که واقع شد ، امیر قماج شکست خورد وترکمانان ، بلخ راغارت کردند .سلطان سنجر بدفع‌آنان پرداخت و هیچگونه تقاضای مصالحه را ازآنان قبول نکرد ودرجنگ دومی که در سال ۵۴۸ باآنان روی داد ، شکست خورد و خود و زوجه اش اسیر غزان شدند ، ترکمانان صحرا نشین ، بخراسان تاختند وآن مملکت‌آباد راکه چشم و چراغ تمدن بود زیرو زبر کردند وبسیاری از دانشمندان راکشتند .

سلطان سنجر تااوائل ۵۵۱ یعنی بیش از سه سال‌در دست بدویان غز گرفتاربود وگرچه با او ظاهراً باحترام رفتار میکردند ، همواره او را تحت نظر داشتند . او نیز برای‌آنکه زوجه‌اش در دست ترکمانان نماند خیال فرار نمیکرد تاآنکه خاتون وفات یافت و سنجر خود را بقصد شکار تا جیحون رسانید و بوسیلهٔ کشتی که قبلا تهیه شده بود به ترمذ رسیدو بمروآمد و بار دیگر بسلطنت رسید.

اما ضعف پیری وغم مرگ همسرش و ویرانی کشور و بروز سرکشان ، اورا از پا درآورد و سال‌بعد بسن هفتاد و دو سالگی‌پس از شصت و یکسال حکومت وسلطنت، جهان را بدرود گفت .

سلطان سنجر از بهترین سلاطین ایران است ، دلیر و بخشنده و رعیت دوست بوده و درآبادی کشور وآسایش مردم کوشش فراوان کرده و در طرف شمال و مشرق ، بفتوحات بزرگی نائل‌آمده است .

در حال احتضار، چون پسرنداشت ،خواهرزادهٔ خود ابوالقاسم محمود رابجای خودتعیین نمود. درآن‌احوال، سرداری بنام مؤیدآی‌ابه برقسمتی از خراسان مستولی

بود وزمام امور را در حقیقت او در دست داشت . پس از چند بار که محمود وآی‌ابه بیاری یکدیگر با غزان جنگیدند ، بین ایشان نفاق‌افتاد و عاقبت محمود ، بناچارنیشابور و طوس را به او واگذاشت لکن در ۵۵۶ محمود بکمك سپاهیان غز ، نیشابور را محاصره کرد و در ضمن محاصره ، ازقید غزان گریخت و پیش مؤید رفت . مؤید او و پسرش راکور کرد و خود را پادشاه خواند . پس ازآنکه خوارزمشاه‌خراسانرا گرفت، مؤیدآی‌ابه را بقتل رسانید .

سلاجقهٔ عراق که تا ۵۹۰ سلطنت کرده اند از اینقرارند :

۱ ـ مغیث‌الدین ابوالقاسم محمودبن محمدبن ملکشاه .
۲ ـ غیاث‌الدین داودبن محمود .
۳ ـ رکن‌الدین ابوطالب طغرل ثانی پسر سلطان محمد .
۴ ـ غیاث‌الدین ابوالفتح مسعود پسر سلطان محمد .
۵ ـ معزالدین ابوالفتح ملکشاه ثانی پسر سلطان محمود .
۶ ـ غیاث‌الدین ابوشجاع محمد ثانی پسر سلطان محمود .
۷ ـ غیاث‌الدین ابوشجاع سلیمانشاه‌بن سلطان محمد .
۸ ـ رکن‌الدین ابوالمظفر ارسلانشاه‌بن طغرل ثانی .
۹ ـ رکن‌الدین ابوطالب طغرل سوم پسر ارسلانشاه .

از بدو اسلام ، دولتی بوسعت قلمرو سلجوقیان تشکیل نیافته بود . این‌دولت در ماوراءالنهر و توران ، نزدیك به صد سال و در خراسان ، ۱۲۸سال و در عراق ، ۱۶۱ سال‌طول کشیده است. پایتخت سلاجقه از اواخر زمان طغرل تا عهد محمودبن محمد در اصفهان قرار داشت و از عهد محمودبن محمد تا انقراض این سلسله یعنی سلاجقهٔ عراق ، در همدان بود . سنجر شهر مرو راکه شاهجان میگفتند ، پایتخت خودکردو درآبادی آن سعی فراوان نمود

سلاجقهٔ کرمانراترکمانان غزدر۵۸۳ برانداختند ، سلاجقهٔ شام ، در ۵۱۱بدست اتابکان شام برافتادند و سلاجقهٔ روم راکه از ۴۷۰ تا ۷۰۰ حکمروائی داشتند ، ترکان عثمانی منقرض ساختند .

اتابکان آذربایجان

سلجوقیان‌عموماً سپاه خود را از ترکان انتخاب میکردند و از ایشان آنهائی‌را

که بتربیت شاهزادگان و سر پرستی آنان در حکومت ولایات گماشته میشدند ، اتابك لقب میدادند یعنی پدر بزرگ . همینکه در کار سلجوقیان ضعف واختلالی پیدا شد ،این امرا هریك برای خود ، تشکیل دولتی دادند مانند اتابکان دمشق و موصل وآذربایجان و فارس و ارمنستان و غیره .

اتابکان آذربایجان که نامشان بقرار زیر است ،گذشته از مبارزات داخلی با گرجیان نیز جنگهائی داشته اند .

۱ ـ شمس‌الدین ایلدگز .
۲ ـ نصرت‌الدین محمد جهان پهلوان پسر ایلدگز .
۳ ـ مظفرالدین عثمان قزل ارسلان پسر ایلدگز.
۴ ـ نصرت‌الدین ابوبکر پسر جهان پهلوان.
۵ ـ مظفرالدین اوزبك پسر جهان پهلوان.
٦ ـ اتابك خاموش قزل ارسلان پسر اوزبك.

خوارزمشاهیان

قطب‌الدین محمد که از فرزندان انوشتکین غرجه غلام ترك است ، در ۴۹۰از طرف امیر حبشی حکمران خراسان ، بسمت خوارزمشاهی معین شد وسلسلهٔ خوارزم‌شاهیان راآغاز کرد .

قطب‌الدین محمد(۴۹۰ـ۵۲۲)

قطب‌الدین محمد در مدت امارت خود، همواره تابع سنجر بود و با پسر خود اتسز ، در جنگهادر رکاب او شمشیر میزد. مردی عادل و نیکو سیرت و ادب پرور بود.

علاءالدوله ابوالمظفر اتسز بن قطب‌الدین محمد (۵۲۲ ـ ۵۵۱)

پس از پدر بامارت نشست و تا ۵۳۰ تابع سنجر بود . ازآن تاریخ تا ۵۵۱ با او برقابت و دشمنی گذرانید و سه بار از او شکست خورد . عادل و جوانمرد و شعر پرور بود ، رشیدالدین محمد و طواط بلخی ، بفارسی و عربی او را مدح کرده ، از معروفین علم و ادب دربار اوبکی زمخشری خوارزمی و دیگری زین‌الدین جرجانی طبیب است .

تاج‌الدین ابوالفتح ایل ارسلان بن اتسز (۵۵۱-۵۶۷)

نسبت بسنجر از دراطاعت درآمد و بااجازهٔ او بجای پدر نشست. درماوراءالنهر فتوحاتی کرد و بخارا و سمرقند را گرفت و در خراسان برسرمؤیدآی‌ابه لشگر کشید ولی از عهدهٔ گشودن نیشابور برنیامد و با او صلح کرد و بجرجانیه مقررامارت خود برگشت.

جلال‌الدین محمود سلطان شاه بن ایل ارسلان (۵۶۷ - ۵۶۸) وعلاءالدین تکش بن ایل ارسلان (۵۶۸ - ۵۹۶)

پس از ایل ارسلان، پسر کوچکترش سلطانشاه محمود، بجای پدر نشست لکن برادر بزرگتر او تکش، زیر بار نرفت و با قبول خراج سالیانه، از قراختائیان کمك گرفت و سلطانشاه و ترکان خاتون، مادر اورا از خوارزم بیرون کرد وبسلطنت نشست سلطانشاه و مادر او به مؤید آی‌ابه در خراسان، پناه بردند. بین‌تکش و مؤید دربیست فرسنگی جرجانیه جنگ درگرفت و مؤید، مغلوب وکشته شد. سلطانشاه و مادرش ترکان خاتون نیز مورد تعقیب تکش قرار گرفتند، ترکان خاتون کشته شد و سلطانشاه به پناه طغانشاه که بجای مؤیدآی ابه در نیشابور امارت یافت، گریخت.

بین تکش و سلطانشاه که در خراسان تاخت وتاز میکرد، چندین جنگ و صلح واقع‌شد تا سلطانشاه‌در ۵۸۹ مرد واین غائله پس از بیست سال بپایان رسید.

تکش بعراق لشگر کشید و با قتل طغرل سوم، سلسلهٔ سلجوقیان‌عراق رادر ۵۹۰ بر انداخت و بهمدان‌آمد، ناصر خلیفهٔ عباسی، بوسیلهٔ وزیرخودمؤیدالدین‌ابن‌القصاب هدایائی برای او فرستاد. وزیر خلیفه در یك فرسخی شهر منزل کرد و به تکش پیغام داد که باستقبال هدایای خلیفه بیاید. تکش چون خیال کرد که شایداین حیله ای‌باشد، بقصد دستگیری وزیر حرکت کرد. مؤیدالدین بطرف کوههای غربی ایران گریخت و این واقعه در میان خوارزمشاه و دارالخلافهٔ بغداد، آغاز دشمنی گردید. خراسان و همدان و ری و اصفهان، جملگی باطاعت تکش درآمدند.

علاءالدین محمدبن علاءالدین تکش (۵۹۶ - ۶۱۸)

پس از پدر بسلطنت رسید و بدفع برادر زادهٔ خود هندو خان که مدعی سلطنت شده بود پرداخت و او ناچار به غیاث‌الدین و شهاب‌الدین، ملوك غور پناهنده شدوآن

ملوك باین بهانه بخراسان تاختند ولی از سلطان محمد شکست یافتند ودولت غوریان منقرض گردید . هرات و غزنه و فیروزکوه بدست خوارزمشاه افتاد .

در ۶۰۶ مازندران را ضمیمهٔ دولت خود نمود و کرمانرا که بنوبت از سلاجقه به امرای غز و پس از آن به ملوك شبانکاره و بعد از آنها به اتابکان فارس رسیده بود، تابع خویش کرد .

ناصر خلیفهٔ عباسی که با تکش خصومت پیدا کرده بود و از قصد او بیم داشت ، پیوسته پادشاهان غور را بمبارزهٔ خوارزمشاهیان تحریك میکرد و چون در نتیجهٔ این مبارزه سلطنت غوریان منقرض شد ،ناصر بتحریك اسماعیلیه برضد خوارزمشاه پرداخت و از این تحریکات ، خونریزیها اتفاق افتاد . سلطان محمد بقصد بغداد در حرکت آمد و اتابك ابوبکربن سعدبن زنگی اتابك فارس را مغلوب کرد ولی او را بخشید وپسرش را بگروگان گرفت ضمناً بفتوای علمای ماوراءالنهر ، ناصر خلیفه رااز خلافت انداخت و امر داد که یکی از سادات حسینی را بخلافت بردارند . ولی چون تعرض مغول بحدود شمال ، شروع شده بود ، از همدان بخراسان برگشت و در ۶۱۵ بمرو رسید .

سمرقندوبخارا پس از جنگ قطوان وشکست سنجر ، دردست سلسلهٔ قراختائیان بود و سلطان خوارزم سالیانه بآنها خراج میداد . سلطان محمد پس از چندین جنگ عاقبت بکمك کوچلك خان که از ملوك خراجگزار قراختائیان بود وبر طایفهٔ نایمان از مغولان عیسوی ریاست میکرد ، آن سلسله را در ۶۰۷ منقرض نمود .

بین کوچلك خان و سلطان محمد خوارزمشاه بر سر تقسیم ممالك قراختائی موافقت حاصل نشد وکار بجنگ کشید ولی لشگریان مسلمان بجای اینکه با مسلمین کاشغر و بلاد دیگر که با سپاهیان کوچلك عیسوی میجنگیدند ، همراهی کنند ، بغارت و تعرض پرداختند و از روبرو شدن باکوچلك خان خود داری کردند و خوارزمشاه برای آنکه مانع حملهٔ کوچلك بماوراءالنهر بشود دستورداد که مردم یك عده ازشهرهای شرقی ، شهر های خود را ویران و کوچ کنند .

در زمستان ۶۱۲ سلطان محمد بجانب طوائف قبچاق حرکت کرد و درآن حدود بیك دسته از مغولان بسرکردگی جوجی پسر چنگیز خان بر خورد . جوجی پیغام داد که قصد جنگ ندارد لکن محمد جوابداد که کفار همه در نظر او یکسانند . جنگ

در گرفت و مغولان گریختند ولی نمونه ای از شجاعت فوق‌العادهٔ خودرا نشان دادند .

بعد از انقراض دولت قراختائی ، مغولان با ممالك خوارزمشاهی مجاور شدند وگرچه چنگیز خان سر خصومت نداشت ، این مجاورت بعلت غرور و نادانی سلطان محمد ، بجنگ کشید و در ٦١٦ چنگیز با تمام پسران و سرداران خود ، بماوراءالنهر حمله‌ور شد و پس از خرابی شهرهای آبادآن ناحیه ، خوارزم و خراسان رانیزمسخر ساخت و خوارزمشاه همچنان میگریخت تا عاقبت بمازندران افتاد و بجزیرهٔ کوچك آبسکون در مقابل دهانهٔ نهر گرگان ، پناه برد و در آنجا از بیماری واندوه‌جان‌سپرد.

سلطان محمد یکی از فاتحین بزرگ بشمار میرود ، مردی عالم و عابد و ادب دوست لکن بیرحم و بی سیاست بود و از همه بد ترآنکه تحت نفوذ مادر خود ترکان خاتون که زنی خودخواه و خونخوار و حیله گر بود ، میزیست و اودر اثر مظالم‌خود، مردم را از سلطان بری کرده بود چنانکه‌آن شاه نتوانست در مقابل صحراگردان تاتار مقاومت کند .

جلال‌الدین منکبرنی(٦١٧ - ٦٢٨)

سلطان محمد از زنان مختلف چندین پسر داشت که معروفترین آنان ، این چهارند : جلال‌الدین منکبرنی ، غیاث‌الدین ، رکن‌الدین و اوزلاغشاه که باصرارترکان خاتون ، سمت ولیعهدی داشت .

اما در فرار از مغول ، سه‌پسر اول همراه سلطان بودند واو در جزیرهٔآبسکون، جلال‌الدین را جانشین خودکرد .

پسران محمد ، پس از مرگ او بخوارزم‌آمدند و جلال‌الدین سلطان شد لکن ترکان طرفدار ترکان خاتون و اوزلاغ شاه ، زیر بار نرفتند و جلال‌الدین بخراسان گریخت و دسته ای از مغولان را مغلوب کرد و چون سپاه‌کافی نداشت ، بهرات رفت.

سلطان جلال‌الدین تا٦٢٨ که کشته شد ، مدام با مغول و پادشاهان غرب ایران و خلیفهٔ بغداد و ملکهٔ گرجستان در جنگ بود و اغلب فاتح میشد تاآنکه در ٦٢٧ از سلطان علاءالدین کیقباد یکی از سلاجقهٔ روم ، شکست خورد و بآذربایجان گریخت و سپاه خود را برای استراحت بدشت مغان فرستاد و خود بعیش‌پرداخت ، در این اثنا مغولان رسیدند و جلال‌الدین بارومیه (رضائیه) گریخت تا مگراز ملوك اطراف‌مددی

بگیرد اما همگی چنان از او رنجیده و متوحش بودند که دستی بیاری او دراز نشد . بار دیگر مغولان بر سرش ریختند و او بکوهها پناه برد و بدست کردان کشته‌شد .

جلال‌الدین ، مردی بسیار دلیر بود ولی در بیرحمی و بی تدبیری ، پای کمی از پدر نداشت و از عیاشی و شرابخواری بیموقع ، فروگذار نمیکرد . چنان با مردم ، بد رفتار بود که مغول را بر او ترجیح میدادند .

فتنهٔ مغول

طوائف زرد پوستی که بنام مغول و تاتار ، نامیده میشوند در ناحیهٔ کوهستانی واقع مابین چین خاص و منچوری وسیبری جنوبی سکونت‌داشتند و بچندین قبیله‌تقسیم میشدند که یکی ازآنها قیات نام داشته و چنگیز خان ازآن قبیله برخاسته است .

چنگیز خان که اسم مغولی او تموچین است ، در حدود ۵۴۹ هجری بدنیا آمد، پدرش یسوکای بهادر ، رئیس و خان قبیلهٔ قیات بود ودر اثر کفایت و رشادت ، طوائف مجاور را مطیع خود نمود و حتی سپاه امپراطور چین را شکست و از دادن خراج ، آزاد و مستقل شد .

هنگام فوت پدر ، تموچین سیزده سال داشت و چون جمعی از مغولان زیربار او نرفتند ، ناچار به خان قبیلهٔ مسیحی گرائیت ، پناهنده شد . پس ازچندی درآن‌قبیله چنان نفوذ یافت که خان را از خود بوحشت انداخت و همینکه از قصد سوء او نسبت بجان خودآگاه گردید ، از میان ایشان بیرون رفت ولی خان او را تعقیب کرد و خود در جنگ کشته شد . ازآن پس اعتبار تموچین بالا گرفت و او را چنگیز لقب دادند .

سلطان محمد خوارزمشاه بعد از فتوحات‌آسیای مرکزی ، بخیال تسخیر چین افتاد و چون شنید که چنگیز خان بلاد اویغور را تابع خویش کرده و در ۶۱۲ بر شهر پکن که پایتخت چین شمالی بود مسلط شده ، هیئتی را برای تحقیق این اخبار بچین فرستاد .

چنگیز خان فرستادگان سلطان را باحترام پذیرفت و توسط ایشان پیغام‌فرستاد که همواره با سلطان ، شائق صلح و دوستی بوده و مایل است که بین دوکشور ، باب تجارت باز باشد .

پس ازچندی که دولت چنگیزی در نتیجهٔ فتوحاتی با خوارزم مجاور شد ،چند

نفر از بازرگانان مسلمان با پارچه های زربفت بخدمت چنگیز رسیدند . خان مغول، کالای ایشانرا بقیمت خوب خرید و جمعی از بازرگانان رعیت خود را همراه آنان بخوارزم روانه کرد و هدایائی برای خوارزمشاه فرستاد .

فرستادگان چنگیز در ۶۱۵ بحضور سلطان محمد رسیدند وگرچه سلطان از اینکه چنگیز او را پسر خود خوانده بود خشمگین شد لکن در نتیجهٔ تدبیر رسول چنگیز که محمود نام داشت و مسلمان بود ، معاهده‌ای در میان بسته شد که از آن ببعد دو پادشاه ، دوست یکدیگر باشند و دوست ودشمن یکدیگر را دوست ودشمن خود بدانند . پس ازعقد این عهد نامه ، نزدیك به‌پانصد نفر از تجار مغول ، با مقدارزیادی کالای گرانبها ، از مغولستان بعزم ماوراء النهرحرکت کردند . غایرخان امیرشهراترار واقع در کنار سیحون که از خویشان ترکان خاتون مادرشاه بود ، بمال تجار مغول ، طمع کرد و بالقاء این شبهه بسلطان که مغولان بجاسوسی آمده‌اند ، همگی را کشت مگر یکنفر که گریخت و از واقعه بچنگیز خبر برد .

چنگیز از سلطان ، تسلیم غایرخان را تقاضا کرد ولی اوفرستادهٔ چنگیزرابقتل رسانید و بلاد اسلامی را بآتش کینهٔ مغولان دچار نمود .

درپائیزسال ۶۱۶ ، چنگیزباسپاهی‌نزدیك‌به‌دویست‌هزار ، بممالك خوارزمشاهی حمله ورشد . عدهٔ سپاهیان خوارزمشاه بیشتر بود لکن اتفاق کلمه نداشتند و بسیاری از امرا که از ظلم و بی تدبیری‌سلطان بجان‌آمده بودند، پنهانی‌بچنگیزمدد میکردند. چنگیزسپاه خود را چهاردسته کرد یکی را بدو پسرخود جغتای واگتای سپرد وآنانرا بفتح اترار که از طرف مشرق ، ابتدای خاك خوارزمشاه بود مأمورنمود؛ دستهٔ دوم را به پسردیگر خود جوجی‌سپرد و فتح بلاد کنار سیحون را بعهدهٔ اوگذاشت ؛ دستهٔ سوم بگشودن شهرهای خجند و بناکت واقع در ماوراء النهر مأمورگشتند ؛ دستهٔ چهارم راکه قسمت اعظم سپاه بود، تحت سرکردگی‌خودگرفت و پسر خود ، تولوی یا تولی را همراه داشت .

پس از فتح بلاد وقلاع اطراف ، شهر بخارا بعد از سه روز محاصره تسخیرشد شهر را آتش زدند و مردم را بخارج شهر کوچ دادند و جوانان را بعنوان (حشر) یعنی لشگر غیر منظم ،گرفتند . ازیکی از فراریان بخارا ازحال شهر پرسیدند ،گفت آمدند وکندند و سوختند وکشتند و بردند و رفتند .

در فتح سمرقند ، چنگیز عدهٔ زیادی از اهل بخارا را همراه بردتا سپاهی‌لشگر باشند . این حیله گرفت و پای سپاه خوارزم راسست کرد تا آنکه سمرقند پس از سه روز مقاومت ، تسلیم و معرض قتل و غارت شد .

سایر بلاد وقلاع ماوراء النهر مانند اترار وسقناق و بناکت و خجند ، همگی بتصرف مغولان در آمد و بباد قتل و غارت رفت .

بعد از این فتوحات ، چنگیز سپاه خود را بچندین قسمت کرد : یکدسته را بدنبال خوارزمشاه بخراسان فرستاد . دو پسر بزرگتر خود جغتای واگتای را بطرف جرجانیه، کرسی‌خوارزمشاهیان‌فرستاد وقسمتهای‌دیگریرابفتح‌ولایات‌دیگرمأمور کرد.

سلطان محمد پیوسته از پیش سپاه‌چنگیزی میگریخت وچون در بلخ ازفتوحات مغول آگاه شد ، بدعوت پسرخود رکن الدین ، عازم عراق گردید . بلخ در۶۱۷تسخیر شد وچنگیز ازهرات که قبلاً اطاعت اوراگردن نهاده بود ، گذشت وبطرف‌طوس‌رفت.

خوارزمشاه چنان دچار وحشت بود که در هیچ نقطه آرام نداشت و از هیچ فرصتی استفاده نمیکرد . چون شنیدکه پسرش رکن‌الدین با سی هزار سپاهی در قلعهٔ فرزین ازقلاع کرج اقامت دارد ، بآنجا رفت ولی‌نخواست که ازاین فرصت و از کمك امرای دیگر مانند اتابك نصرت‌الدین احمد ، اتابك مشهور لرستان که حاضر شد صد هزار سپاهی بخدمت او بیاورد ، استفاده کند و راه فرار پیش گرفت .

چون مغولان دری شنیدند که خوارزمشاه ازهمدان بقصد مازندران حرکت کرده ، پس ازغارت ری بهمدان شتافتند ودرنزدیکی دولت‌آباد ملایرسپاه خوارزمشاه را درهم شکستند ولی سلطان گریخت و خود را بقلعهٔ قارون رسانید و قصد داشت که ببغداد بگریزد ولی مغولان سر رسیدند واو بحصار سرجهان در پنج فرسنگی‌سلطانیه پناه برد و دشمن از مکمن او بی اطلاع ماند .

بعد از هفت روز اقامت در سرجهان ، بگیلان و مازندران آمد وامرا مقدم او راگرامی داشتند مگر اسپهبدکبود جامه که بعلت قتل عمو و پسر عموی خود بدست خوارزمشاه ، ازاوکینه بدل داشت وبامغولان همدست شد . خوارزمشاه بکشتی نشست و بجزیرهٔ آسکون رفت . مغولان کشتی او راتیر باران کردند ولی چون کشتی‌نداشتند بدنبال او نرفتند .

سلطان که بمرض سینه پهلو گرفتار بود درآن جزیره شنیدکه چنگیزیان بقلعهٔ

قارون دست یافته ، پسران کوچك او را کشته و زنانش را باسیری برده‌اند ، از شدت مرض و مصیبت ، جان سپرد در حالیکه کفن نداشت واز پیراهن یکی از همراهان ، او را کفن ساختند .

خوارزم یعنی مملکت اصلی خوارزمشاهیان ، در تحت حکومت ترکان خاتون مادر سلطان بود و او با سپاهی که داشت میتوانست با لشگرچنگیزی در افتد لکن‌نفاق امرا مانع این‌کار شد .

چنگیز خان در زمانیکه در ماوراءالنهر بود ، دانشمند حاجب از مشاورین‌خود را بسفارت نزد ترکان خاتون فرستاد و پیغام داد که اگر با خوارزمشاه جنگ دارد ،در خیال تعرض بممالك خاتون نیست و از او خواست که یکی از معتمدین خود را پیش چنگیز بفرستد تا خان مغول، فرمان حکومت خوارزم و خراسان راتسلیم ملکه‌نماید. اما ترکان خاتون که بقول چنگیز اعتمادی نداشت ، همینکه شنید سلطان محمد ازرود جیحون گذشته و ماوراءالنهر را بکلی رها کرده ، حرم سلطان و اطفال خرد سال و نفایس خزانه را برداشت و از خوارزم بیرون رفت و قبل از رفتن ، جمعی ازبزرگان راکه خوارزمشاه زندانی کرده بود ، بآب جیحون انداخت تا پس از خوابیدن فتنهٔ مغول ، مدعی خوارزمشاهیان نشوند .

سلطانمحمد باصرار ترکان خاتون ، پسر خود اوزلاغ شاه را ولیعهد کرده بود ولی همینکه در جزیرهٔآبسکون از اسارت ترکان خاتون اطلاع یافت ، جلال‌الدین راکه درآن جزیره‌با دوبرادر دیگر حاضربود ، بجانشینی‌خود تعیین نمود. جلال‌الدین بخوارزم‌آمد ولی جمعی از امرا زیر بار سلطنت او نرفتند و جلال‌الدین بهمراهی سیصد سوار و تیمور ملك امیر سابق خجند که با مغولان‌خوب جنگیده بود ،بخراسان گریخت . اوزلاغ شاه و برادر دیگرش‌آق شاه نیز ازترس‌نزدیك شدن‌مغول، بخراسان شتافتند .

امرای لشکر وکشوری خوارزمشاه که نزدیك به نود هزارسپاهی داشتند ،یکی از نزدیکان ترکان خاتون را بنام خمارتگین ، بسلطنت انتخاب کردند . این سپاه ومردم جرجانیه هیچگونه پیشنهاد تسلیم را نپذیرفتند وکمال رشادت و جانبازی را در جنگ با مغول از خود نشان دادند . محاصرهٔ شهر چهار ماه طول‌کشید ولی از هر طرف بمغول کمك میرسیدتاآنکه مغولان بشهر دست یافتند و محله بمحله وکوچه بکوچه

با مردم جنگیدند تا عاقبت آن شهر آباد که مشهور جهان بود ، به تل خاك وخاکستری مبدل شد .

ترکان خاتون با حرم و فرزندان خرد سال خوارزمشاه ، بهمراهی نظـام‌الملك وزیر ، بخراسان واز آنجا بمازندران رفت وبقلعهٔ لال در لاریجان پناه برد و چهار ماه در محاصرهٔ مغولان بود تا عاقبت از بی‌آبی تسلیم شد . او و همراهانش را نزد چنگیز که‌در حوالی طالقان بود فرستادند . چنگیز پسران خرد سال خوارزمشاه و نظام‌الملك را کشت وترکان‌خاتون رابادختران و زنان وخواهران‌خوارزمشاه دراسارت‌نگاهداشت وبعدها آنانرا باحرمهای جلال‌الدین منکبرنی که درحوالی‌سند ازچنگیزشکست‌خورده ، بقراقروم فرستاد و ترکان خاتون در ۶۳۰ درآنجا وفات یافت .

بعد از فتح سمرقند ، چنگیز چندی در آن نواحی اقامت کـرد . درآن اوان ، پسران خوارزمشاه یعنی سلطان جلال‌الدین واوزلاغ شاه وآق شاه از خوارزم گریختند و چنگیز سپاهیان‌بسیاری بدستگیری‌ایشان فرستاد . جلال‌الدین که بهمراهی‌تیمور ملك والی سابق خجند با سیصد سوار ، زود تر از برادران گریخته بـود ، در راه‌بیك عـده هفتصد نفری از لشگریان مغول برخورد و بیك‌حمله همگی را از پای درآورد وخود را به نیشابور رسانید لکن برادران او بدست تاتار افتادند وکشته شدند . جلال‌الدیـن با وجود فتحی که کرده بود ، نتوانست در خراسان بجمع سپاه‌کافی موفق شود ، و بعداز مدت کمی اقامت در نیشابور بشهر زوزن نزدیك قائن رفت ولی مردم‌با او کمك نکردند و ناچار خود را بشهر بست و ازآنجا بهرات رسانید .

چنگیز پس از سمرقند به نخشب و ازآنجا بپای قلعهٔ ترمذآمد و پس از یـازده روز محاصره ، مردم آن قلعه همگی را از دم تیغ گـذرانید . بعد از تسخیر نخشب ، بطرف بلخ رفت . اهالی‌آن شهر تسلیم‌شدند ولی‌چنگیز بعلت‌ظهور سلطان جلال‌الدین، مردم‌آنشهر راکه هوا خواه سلطان بودند ، بقتل رسانیـد . در آن احوال ، تـولی پسر خود را مأمور فتح خراسان کرد و او در مدت سه ماه تمام‌آن کشور راگـرفت و بروز سیاه ماوراءالنهرنشانید .

مرو شاهجان ، پایتخت سلطان سنجر بود و از معتبرترین شهرهای‌ایران بشمار میرفت . بعد از فرار سلطان محمد ، مجیرالملك حاکم سابق مرو ، با هفت هزار سپاه

درآنجا ادعای سلطنت کرد و چون قاضی مرو قبل از ورود او ، باطاعت مغول درآمده بود، مجیرالملك او را بدست مردم ، بقتل رسانید ، سپس بشهر سرخس تاخت و قاضی آنجا را نیز که با مغول ساخته بود ، کشت .

در این اثنا لشگر تولی رسید و شهر مرو پس از پنج روز مقاومت تسلیم شد . تولی ابتدا مجیرالملك را احترام‌نمود وخلعت بخشید لکن کمی بعد او وجمیع‌بزرگان شهر راکه بمعرفی مجیرالملك شناخته بود ، بندگذاشت و امر داد تاتمام مردم شهر را با اهل و عیال ، بخارج آوردند آنگاه برکرسی زرین نشست وحکم کردکه تمام‌رؤسای لشگری خوارزمشاه راکه اسیر شده بودند ، گردن بزنند و مردم را نیز بین لشگریان خود تقسیم نمود تا همه را بکشند . پس ازآن ، شهر مرو و قبر سلطان سنجر راآتش زد و بسیاری از قبور را بامید جواهر نبش کرد. در آن‌واقعه بیش از هفتصد هزارنفر کشته شدند .

مردم نیشابور که در موقع عبور امرای لشگر مغول ، قبول ایلی یعنی تابعیت کرده بودند ، در اثر ظهور سلطان جلال‌الدین منکبرنی ، سر بعصیان برداشتند وشحنهٔ مغول راکه بر شهر گماشته شده بود ، کشتند . همینکه خبر قتل شحنه به تولی رسید ، تغاجار نویان داماد چنگیز را بتسخیر آنشهر فرستاد و او پس از سه روز محاصره در جنگ کشته شد و مغولان شکست خوردند ولی تولی که از فتح‌مروآسوده شد، بود رسید ودر ۶۱۸ شهر راگشود ، هرچه مرد بود کشت و زنانرا باسیری برد و برای‌آنکه مبادا در میان کشتگان کسی زنده بماند امر داد تا سر های همه را بریدند و شهر را باکف دست یکسان کردند .

دختر چنگیز یعنی زن تقاجار به نیشابورآمدو حکم داد تاآنشهر راچنان‌ویران کنند که بتوان درآنجا زراعت کرد . چنین کردند و هفت شبانه روز برآن خاك ، آب بستند . گفته اند که درآن واقعه یك ملیون و هفتصدو پنجاه هزار نفر کشته شدند .

شهر طوس و مشهد نیز بدست مغول ، ویران شد و نوبت بهرات رسید . تولی رسولی فرستاد قاضی و حاکم‌آنشهر را بحضور طلبید فرستادهٔ تولی‌راکشتند و جنگ درگرفت . حکمران هرات تاهشت روز بخوبی دفاع میکرد اماتیری‌خورد وکشته شد و در میان مردم نفاق افتاد و در نتیجه جمعی از علما و اعیان ، شهر را به تولی تسلیم

کردند . او نیز بر خلاف عادت ، طریق رأفت پیش گرفت و بقتل دوازده هزار نفر از اتباع سلطان جلال‌الدین بس کرد و متعرض دیگران نشد و نزد چنگیز که بفتح طالقان مشغول بود رفت .

طالقان شهری بوده است بر سر راه بلخ . چنگیز مدت ده ماه بمحاصرهٔ قلعهٔ نصرت کوه از قلاع طالقان مشغول بود تاآنجا راگشود و مردم‌آن قلعه همه راکشت پس ازآن بغزنه شتافت و چون در محاصرهٔ بامیان ، پسر جغتای که پیش چنگیز عزیز بود کشته شد ، امر داد تا جانوران آن دیار را نیز بکشند . در آن احوال ، قسمتی از لشگریان چنگیز بفتح طخارستان مشغول بودند .

در سال ۶۰۹ که خوارزمشاه ، دولت‌غوریان را بر انداخت ، حکومت‌آن‌نواحی را بپسر خود جلال‌الدین وا گذاشت ولی چون به رشادت و مردانگی او نیاز داشت غالباً او را در جنگها همراه میبرد و نمایندگانی از طرف جلال الدین در غزنه و هرات و پیشاور حکومت میکردند .

سلطان جلال‌الدین در اواخر سال ۶۱۷ بقصد هرات حرکت کرد ، از هر طرف سپاهیانی بدو پیوستند و در پروان از آبادیهای بین غزنه و بامیان ، اردو زدند . چون بسلطان‌خبر رسید که مغولان‌بمحاصرهٔ قلعهٔ والیان در طخارستان مشغولند ، برسرشان تاخت و جمعی راکشت و باقی را منهزم کرد . چنگیز یکی از امرای خود را بنام قوتوقونویان ، بدفع سلطان جلال‌الدین ، روانهٔ پروان کرد ولی سلطان ، آن لشگر را در هم شکست وموجب امیدواری مردم‌ستمدیده و وحشت زده گردید چنانکه‌دربسیاری از بلاد ، شورش کردند و شحنه های مغول راکشتند .

اما بعد از فتح پروان ، بین سران سپاه جلال‌الدین بر سر تقسیم غنائم ، نزاع شد و بجان یکدیگر افتادند تا آنکه در مدت دو سه ماه ، یا بدست خود از بین رفتند یابعد ها بدست مغول ، معدوم شدند .

همینکه چنگیز از فتح طالقان و نصرت کوه ، فراغت یافت ، بعزم مقابلهٔ باجلال‌الدین حرکت کرد . ولی چون سلطان در خود تاب مقاومت ندید ، غزنه را گذاشت و بقصد عبور از شط سند ، روانه شد . چنگیزجمعیتی را برای بریدن راه او فرستاد ، جلال‌الدین آن سپاه را مغلوب کرد و خود را بکنار سند رسانید و برای عبور از شط، به تهیهٔ کشتی پرداخت اما چنگیز پیش از وقت باو رسید و جنگ آغاز شد وگر چه

در ابتدا فتح با سلطان بود، عاقبت شکست یافت و پسر خردسالش که هفت یاهشت‌سال بیش نداشت اسیر و بامر چنگیز کشته شد. مادر و زوجه و جمعی از زنان حرم، بعجز و شیون از سلطان خواستند که آنها را بکشد تا بدست چنگیز نیفتند، سلطان امر داد آنانرا در آب سند غرق کردند.

جلال‌الدین با هفتصد نفر از یاران خودمردانه میجنگیدولی چون بیش از آن درخود و کسانش، یارای مقاومت نبود، خود را بآب سند زد و سلامت بخاك هند رسید و از آن تاریخ، اسبی را که باعث نجات او شده بود، بسیار عزیز میداشت و او را تا سال فتح تفلیس، همراه داشت و از سواری معاف کرده بود.

چنگیز از بقیهٔ لشگریان جلال‌الدین، هر کس را که یافت کشت و از خاندان سلطان، اطفال ذکور حتی طفل شیرخوار را از دم تیغ گذرانید و بقیهٔ حرم او رااسیر کرد و بمغولستان فرستاد.

در اثر ظهور سلطان جلال‌الدین و فتح پروان مردم خراسان وماوراءالنهر، سر از فرمان چنگیر پیچیدند وبسیاری از حکام مغولی را کشتند. از آنجمله بودند مردم مرو وهرات که دوباره بدست مغول مغلوب و قتل‌عام شدند.

بعد ازفرار سلطان‌جلال‌الدین بهند، چنگیزپسر خود اگتای را بغزنه فرستادواو مردم آن‌دیار راهمگی کشت. پسردیگرش جغتای مأمور تسخیر وویرانی مکران‌وسند شد.

در بهار ۶۲۰ چنگیز با پسرانش در کنارآب سیحون، قوریلتایا شورائی‌تشکیل داد تا در امور کلی کشورهای مفتوحه، تصمیماتی‌بگیرد و در ۶۲۱ با جمیع‌پسران‌خود غیر ازجوجی که بدشت قبچاق برگردانده بود، باردوگاه اجدادی خود رسید و پس‌از مغلوب کردن پادشاه تنگت واقع در شمال تبت، در ۶۲۴ بسن هفتاد و دو سالگی مرد و جهانی را از وحشت وجود خویش، آسوده کرد.

جوجی پسر ارشد چنگیز، شش ماه قبل از پدر، مرده بود و چنین گفته‌اند که چون او بخونخواری چنگیز نبود وچنانکه بایدبقتل‌و ویرانی‌اقدام نمیکرد وحتی وقتی درصدد قتل‌پدر برآمده بود، بدستور چنگیزمسموم شد.

پس از چنگیز، ممالك مفتوحه بدینقرار تقسیم گردید:

۱ ـ ختایاچین شمالی، ببرادر چنگیز رسید.

۲ ـ درهٔ علیای سیحون وجیحون وخوارزم وقبچاق وروسیهٔ جنوبی‌و دامنه‌های

کوه اورال و سیبری غربی ، به جوجی و پس از او نصیب پسرش باتو گردید .

۳ ـ ماوراءالنهر سهم جغتای شد .

۴ ـ سرزمین اصلی اجداد چنگیز ، بجوانترین فرزندان او تولی رسید .

۵ ـ سهم اگتای ولیعهد چنگیز ، از همه کمتر و منحصر بود بنواحی مغرب مغولستان .

چنگیز مردی بود خونخوار و دلیر با عزم و اراده ، زمام نفس را همه وقت در دست داشت و برای رسیدن بمقصود ، از هیچ قساوتی روگردان نبود . یاسای چنگیزی عبارت از مجموعهٔ عادات و عقاید و آداب مغولی است که چنگیز برآنها افزوده یا از آنها کاسته و دستور عمل قوم خود قرار داده . این یاسا را مغولان بخط اویغوری که مقتبس از خط آرامی است ، در طومار ها مینوشتند وآنرا همچو کتابی آسمانی محترم میشمردند و باطاعت آن ملزم بودند .

سلطان جلال‌الدین منکبرنی

سلطان جلال‌الدین باز سپاهی فراهم آورد و چون شنید که مغولان بتعقیب او میآیند بطرف دهلی رفت وامرای آن دیار رامغلوب کرد ، از آنجمله شمس‌الدین التوتمش از غلامان سلاطین غور بوده که سلسلهٔ شمسیه را در دهلی تأسیس کرده و از سلاطین مشهور هندگشته است . چون در این اثنا بسلطان خبر رسید که برادرش غیاث‌الدین بر عراق مستولی شده و براق حاجب که از خدمتگذاران سلطان محمد بود ، از طرف غیاث‌الدین کرمانرا مسخر کرده ، بایران مراجعت نمود و بکرمان آمد .

براق حاجب اظهار اطاعت کرد و در مقام خود بحکومت کرمان باقی ماند و اتابك فارس سعدبن زنگی نیز که از غیاث‌الدین شکست خورده بود ، پسرخود سلغور شاه را باستقبال سلطان جلال‌الدین فرستاد و سلطان دختر اتابك را بزنی گرفت وبطرف اصفهان رفت و قاضی آن شهر از او استقبال شایانی بعمل آورد .

چون غیاث‌الدین خبر آمدن برادر و استیلای او را شنید با سی هزار سوار بجلوگیری آمدلکن جلال‌الدین اورابنصیحت از جنگ باز داشت اماغیاث‌الدین گریخت و بعد از آنکه جلال‌الدین بر ری مسلط شد ، غیاث‌الدین را امان داد و در نزد خود باحترام نگاهداشت تاآنکه غیاث‌الدین در حال مستی یکی از ندمای سلطانرا کشت و چون مورد عتاب سلطان واقع‌شد ، بخوزستان و ازآنجا بکرمان پیش‌براق حاجب‌رفت

و او مادر غیاث‌الدین را بزنی گرفت و با غیاث‌الدین باهانت رفتار میکرد تا اینکه پسر و مادر هردو را در ۶۲۵ طناب انداخت و در کرمان مستقل گردید و فرزندانش تا۷۰۳ بنام سلسلهٔ قراختائیان در کرمان سلطنت کردند .

سلطان جلال‌الدین ، زمستان ۶۲۱ را در خوزستان گذرانید و جمعی ازرؤسای لر باطاعت او درآمدند . ازآنجا رسولی نزد ناصر خلیفه فرستاد و برای دفع مغولان‌از او یاری خواست ولی‌خلیفه که با خوارزمشاهیان عداوت داشت ، سپاهی‌مرکب ازبیست هزار نفر بدفع جلال‌الدین فرستاد و دیگرانرا بمبارزه با او تحریك کرد . جلال‌الدین پس از تسخیر شوشتر و فتح بصره و شکست سپاه خلیفه‌تا هفت فرسخی بغداد رسیدولی بجای آنکه خلیفه را از میان بردارد به تسخیر دقوقا پرداخت و مظفرالدین صاحب اربل را شکست داد و به‌آذربایجان رفت .

اتابك اوزبك از خبر حرکت جلال‌الدین ، تبریز را رها کرد وبه گنجه گریخت و اختیار ملك بدست ملکه زوجهٔ او قرار گرفت . سلطان جلال‌الدین در ۶۲۲ تبریزرا گرفت و با اهالی بمهربانی رفتار کرد و ملکه زوجهٔ اتابك را باحترام به خوی فرستاد ولی همینکه باگرجیان بجنگ پرداخت ، بعضی از مردم تبریز بطرفداری اتابك قیام کردند . جلال‌الدین در مراجعت عاصیانرا تنبیه کرد و زوجهٔ اتابك را بازدواج خود درآورد و اتابك از این غصه مرد .

در همانسال ، شهر تووین از بلاد اسلامی راکه سابقاً گرجیان گرفته بودند ، ازآنها پس گرفت ولی همینکه بتبریز برگشت ، گرجیان با سپاهی‌انبوه حمله‌ور گشتند ولی از سلطان جلال‌الدین شکست خوردند و قتل‌عام شدند .

شهر تفلیس را جلال‌الدین در ۶۲۳ گرفت و بجزآنانکه قبول اسلام کردند ، همگی را از دم تیغ گذرانید .

در ۶۲۴ زمانیکه‌درحدودالموت و قومس‌سرگرم مبارزهٔبا اسماعیلیه بود ، شنید که مغولان بحوالی دامغان‌رسیده اند . برآنهاتاخت و عده‌ای اسیر گرفت وبآذربایجان برگشت .

در ۶۲۵ در نزدیکی اصفهان ، با سپاه مغول روبرو شد . برادرش غیاث‌الدین که میمنهٔ سپاه را داشت ، خائنانه فرار کرد و گروهی را همراه برد وسلطان جلال‌الدین

با وجود دلاوری بسیار مجبور بهزیمت شد و بلرستان گریخت . مغولان نیز که صدمهٔ فراوان خورده بودند ، بعد از سه روز بخراسان برگشتند و سلطان باصفهان آمد . واما غیاث‌الدین بخوزستان و کرمان رفت و در آنجا چنانکه میدانیم بدست براق حاجب کشته شد .

دو سال و نیم پس از مرگ چنگیز خان در نتیجهٔ شورای بزرگی که از امرا و سایر فرزندان چنگیز تشکیل گردید ، اوگتای قاآن پسر سوم و ولیعهد او رابسلطنت برداشتند و چنین تصمیم گرفتند که دو اردو برای اتمام فتوحات چنگیزی روانه کنند ، یکی بچین شمالی و دیگری بایران . اردوی مأمور کار ایران ، از راه اسفراین و ری در رسید و سلطان جلال‌الدین در آنموقع در خوی بود وخیال میکرد که زمستانرا مغول در عراق خواهد گذرانید . باین تصور به تبریز رفت و سپاه خود را برای استراحت بدشت مغان فرستاد و هنگامی بجمع آوری آنان پرداخت که مغول بر سرش تاخته بود ناچار بفرار گردید و زمستان ۶۲۸ را در ارومیه (رضائیه) گذرانید و چون مغولان سر در عقبش گذاشته بودند به گنجه وبدیار بکر رفت ودر آنجا گرفتار مغولان شد. همراهانش همه کشته شدند اما او از معرکه جان بدر برد ولی عاقبت در ۶۲۸ در کوههای اطراف شهر میافارقین ، بدست اکراد بقتل رسید .

تاسی سال پس از قتل سلطان جلال‌الدین ، او رازنده میدانستند و هرچندصباحی یکی بنام او ظهور میکرد .

پادشاهی اوگتای قاآن (۶۲۶ - ۶۳۹)

سپاهی که مأمور کار ایران بود ، گذشته از دفع سلطان جلال‌الدین ، بتصرف ممالکی مانند غزنه وکابل و سند و زابلستان و طبرستان و گیلان وآذربایجان واران و الجزیره و غیره نیز موفق شد و بیرحمی و خونخواری را از دورهٔ چنگیز ، گذرانید .

پس از آن بتسخیر ارمنستان و گرجستان و بلاد روم پرداخت و در ۶۳۴ بطرف بغدادسرازیر شد وتا سامره رسید . خلیفه حکم جهاد داد ومسلمین ، مغول رادر نزدیکی تکریت شکست دادند ولی نزاع بین سلاطین شام ومصروالجزیره و بلاد روم، باوجودخطر عظیم مغول ، همچنان باقی بود و این سلاطین بی تدبیر دائماً با یکدیگر در جنگ بودند تا عاقبت ممالك سلاجقهٔ روم نیز از دست ایشان بیرون رفت .

اوگتای قاآن ، پس از مراجعت از تسخیر چین شمالی که در ۶۳۱ واقع شد

باتو پسر جوجی و گیوك پسر خود و منگو پسر جغتای را مأمور فتح روس وچرکس و بلغار کرد . این اردو از ٦٣٥ تا ٦٣٨ تمام روسیه را تحت استیلای خود درآوردواز آن تاریخ تا ٨٨٦ یعنی دو قرن و نیم ،آنکشور در تحت تسلط و محکوم مغول بود . پس از فتح روسیه ، اردوی مغول‌دو دسته شد ، یکی‌بلهستان‌رفت و دیگری‌بمجارستان. دستهٔ اول، سپاه متحدین‌آلمانی ولهستانی را در٦٣٩ شکست داد وشهر برسلو را گرفت و تا حدود برلن پیش رفت ، دستهٔ دوم ، مجار را مغلوب و شهر بوداپست را مسخر کرد . در این اثنا خبرفوت اوگتای‌قاآن رسید وباتوبرای قوریلتایعنی شورای‌بزرگ، بآسیا احضار گردید و اروپا از شر مغول ،آسوده شد .

اوگتاقای‌آن‌بخلاف پدر و برادر خود، جغتای ،آدمی نیکوکارو رحیم و عادل بود و در مرمت خرابیها و مهربانی بمسلمانان کوشش بسیار کرد و شهرنشینی اختیار نمود و اردو بالیغ را در شمال مغولستان پایتخت خود قرار داد .

گیوك خان (٦٣٩ ـ ٦٤٧)

در سال فوت‌اوگتای‌قاآن ، پسر بزرگتر اوگیوك ، در مغولستان نبود و بعد از فوت اوگتای ، مابین بزرگان خاندان چنگیزی بر سر جانشینی او اختلاف شد . یکی از مدعیان ، باتو بود ولی مادر گیوك مدت چهار سال در مقابل اشکال تراشیهای باتو برای تشکیل شورای بزرگ ، ایستادگی کرد تا عاقبت پسر خود را بتخت سلطنت نشانید . گیوك بخلاف پدر ، جنگجو و غارتگر بود و دو اردو یکی برای تسخیر چین جنوبی و دیگری برای ختم کار ایران ، روانه کرد و خود بقصد دفع باتو عازم شد لکن در ٦٤٧ مرد و بمقصود نرسید .

مادر گیوك مسیحی بود و در زمان گیوك ، زمام امور بدست مسیحیان افتاد .

سلطنت شعبهٔ دوم خاندان چنگیزی

منگوقاآن (٦٤٨ ـ ٦٥٧)

چون گیوك وفات یافت ، باز بر سر جا نشینی او اختلاف شد وزوجهٔ او بنابرسم مغول، زمام اموررابدست گرفت تاقوریلتا یا شورای بزرگ تشکیل‌شود . بعد از مدتی بتدبیر باتو ، سلطنت به منگو فرزند تولوی که پسر چهارم چنگیز بود رسید .

در عهد منگوقاآن ، توحش و خشونت مغولان‌در نتیجهٔ آمیزش با مردم‌متمدن

ایران و چین، از حدت افتاده بود، و منگو در مرمت خرابیها و ترفیه حال مردم کوشش فراوان بعمل‌آورد و جمعی از فضلای ایرانرا بمغولستان برد و امر داد تا لغتی بزبانهای فارسی و چینی و اویغوری و تنگغوتی‌نوشتند. گرچه معتقدین بادیان مختلف همه‌آزاد بودند ولی در نتیجهٔ مساعی عیسویان که در آنزمان با مسلمین شام و مصر، بجنگهای‌صلیبی‌مشغول‌بودند، متعهد شد که لشگری‌بکمك عیسویان بفرستد. مأموریت هولاگو و انقراض خلافت بنی‌عباس، تا حدی بر اثر این تعهد بود.

در سال‌دوم سلطنت‌خود، منگو برادر کوچکترخویش هولاگورابدفع‌اسماعیلیه و مطیع ساختن خلیفهٔ بغداد مأمور کرد و قوبیلای برادر دیگر را بتسخیر چین‌جنوبی فرستاد. قوبیلای در سال ۶۵۴ بفتح چین جنوبی رفت و منگو سال بعد باو پیوست و دو برادر قسمت بزرگی از آن کشور راگشودند لکن منگو مریض شد و در ۶۵۷مرد و قوبیلای خود را قاآن نامید و شهر پکن را بنام خان بالیغ یعنی مقرخان، پایتخت قرار داد.

قوبیلای پس از فتح چین بتعمیرویرانیها پرداخت‌و علما و ادبا و ارباب صنایع‌را که فراری بودند، گردآورد و بکارخود وا داشت و در ساختن راه وکاروانسرا وتشویق زراعت و تجارت، اهتمام فراوان کرد. ایرانیان در دربار‌او نفوذ زیادی داشتندچنانکه پس ازمحمود یلواج (یعنی‌سفیر) که فرستادهٔ چنگیز بدربار سلطان محمد بود، وزارت خود را بیك ایرانی بنام سید اجل سپرد و او تا فوت کرد، مدت بیست و پنجسال این مقام را داشت و نشر چاو (پول‌کاغذی) در عهداین‌وزیر مرسوم شد.

مارکوپولو سیاح معروف‌ایتالیائی در دربار قوبیلای قاآن بوده.

دفع اسماعیلیه بدست هولاگو (۶۵۱ ـ ۶۵۴)

با وجود فتوحات مغول، اسماعیلیه هنوز در تمام قهستان و رودبار و الموت‌و دره های جنوبی‌سلسلهٔ البرز، نزدیك بصدوپنجاه قلعهٔ مستحکم داشتند که پناهگاه‌فدائیان بود، از طرفی دیگرخلافت بنی عباس، گرچه‌قدرت ظاهری نداشت ولی نفوذ روحانی داشت و ممکن بود وقتی در میان مسلمانان، باعث طغیان باشد.

مهم دیگر، فتح مصر و شام‌بود که میبایستی بچنگ بیفتد.

هولاگو که مادر و زوجه اش عیسوی بودند، بالشگری که اکثرشان از طوائف

عیسوی مغول بود ، در ۶۵۱ برای وصول باین مقاصد ، بطرف ایران حرکت کرد . گرچه تسخیر قلعةالموت وانقراض اسماعیلیه در۶۵۴ بدست هولاگو اتفاق افتاد، لکن از سه سال قبل ، پیش تازان مغول بگشودن قلاع اسماعیلیه مشغول بودند و یکی را بعد از دیگری ، میگرفتند و ویران میکردند .

فتح بغداد و انقراض خلافت عباسی (۶۵۵ ـ ۶۵۶)

المستعصم بالله که از ۶۴۰ خلافت میکرد ، مردی نیکوکار و عفیف و کتابدوست بود ولی عزم و اراده نداشت و امور مملکت را بفرو مایگان گذاشته بود . گر چه در ۶۴۳ مغولان در مقابل سپاه خلیفه تاب مقاومت نیاوردند لکن اوضاع دارالخلافه در نتیجهٔ سوء اداره و نفاق ، هر روز رو بخرابی میرفت . هولاگو در ۶۵۵ از همدان ، سفرائی نزد خلیفه فرستاد و او را بقبول ایلی و تابعیت خواند ولی خلیفه زیر بار نرفت و هولاگو را از عاقبت زشت کار خود ترسانید . مرتبهٔ دیگر هولاگو پیغام خود را از اسدآباد همدان تجدید کرد .

این بار خلیفه حاضر شد که مبلغی سالیانه بپردازد اما هولاگو این پیشنهاد را نپذیرفت . در این سفر اتابك ابوبکربن سعد ، اتابك فارس و خواجه نصیرالدین طوسی و عطاملك جوینی با هولاگو همراه بودند .

در اواسط محرم ۶۵۶ ، سه سردار مغول از هر طرف بغداد را محاصره کردند و مستعصم روز یکشنبهٔ چهارم صفر ۶۵۶ با سه پسر خود و سه هزار نفر از بزرگان بغداد ، از شهر خارج شد و بحضور هولاگو رسید . هولاگو ببهانهٔ سرشماری ، مردم بغداد را از شهر بیرون آورد و همگی را کشت و بغداد را بغارت داد و خلیفه را با دو پسرش بقتل رسانید ، از بنی عباس هر که را یافتند کشتند مگر پسر کوچك خلیفه مبارکشاه که اورا هولاگو بزوجه اش بخشید و زوجهٔ هولاگو او را بخواجه نصیرطوسی سپرد و خانمی مغولی بعقد او در آورد . عدهٔ کشتگان را هشتصد هزار نوشته اند .

هولاگو بطرف خانقین رفت و سرداران او حله و کوفه و نجف را گرفتندوچون شهر واسط مقاومت کرد ، چهل هزار نفر از اهالی آنشهر را کشتند .

هولاگو قسمتی از غنائمی را که بدست آورده بود ، بخدمت برادر خودمنگوقاآن فرستاد و قسمتی دیگر را در یکی از جزائر دریاچهٔ رضائیه در عمارتی عالی ، ذخیره

کرد و شهر مراغه را پایتخت خود قرار داد و خواجه نصیر را وا داشت که در آنجا ببنای رصد خانه‌ای اقدام کند . زیج‌ایلخانی نتیجهٔ زحمات پانزده سالهٔ آن دانشمنداست.

حلب و دمشق و الجزیره را در سالهای ۶۵۷و۶۵۸ گشود و چون خبر فوت منگوقاآن رسید، از فتح مصر منصرف شد و بطلب اطاعت ازآنکشور قناعت کرد . فرستادگان هولاگو را مصریان کشتند و در ۶۵۸ سپاه مغول را در فلسطین شکست دادند و ازآن تاریخ ببعد ، راه مصر و ممالك اسلامی افریقا و عربستان ، بروی مغول بسته شد .

در موقعیکه هولاگو خود را برای جنگ با ترکای پادشاه دشت قبچاق ، پسر جوجی و برادر باتو ، مهیا میکرد ، اطلاع یافت که قوبیلای بتخت قاآنی برآمده و سلطنت ممالك بین شط جیحون و مصر را باو تفویض کرده است . هولاگو نیز عراق و خراسان و مازندران را به پسر بزرگتر خود اباقا داد و فارس را بامیر انکیانوممدوح شیخ سعدی واگذاشت ، اران وآذربایجان را به پسر کوچکتر خود و ممالك روم را به معین‌الدین بروانه و الجزیره را بیکی از امرای خود سپرد .

هولاگو بساختن عمارت شوق وافر داشت و بحکمت و نجوم و کیمیا علاقمند بود وگرچه خود از مذهب بودائی پیروی‌میکرد ، بنا بخواهش زوجه اش که‌عیسوی بود ،مسیحیان در زمان‌او نفوذ و قدرت زیادی داشتند .

در ۶۶۳ بسن ۴۸ سالگی درآذربایجان فوت کرد و در نزدیکی دهخوارقان دفن شد .

آباقاخان (۶۶۳ - ۶۸۰)

پس از مرگ هولاگو ، زوجهٔ مسیحی‌او پسرخود آباقا راکه حکومت‌خراسان و مازندران داشت ، بسلطنت رسانید . آباقا و جانشینان او راکه در ایران سلطنت کرده اند ، سلسلهٔ سلاطین مغول یا ایلخانیان میگویند . این سلسله مستقل بودند و با دربار قراقروم‌روابطی نداشتند و رفته رفته راه سلاطین ایرانرا پیش گرفتند .

وزارت اباقاخان نیز مانند دورهٔ اخیر سلطنت هولاگو ، با خواجه شمس‌الدین محمد صاحب دیوان جوینی بود، حکومت بغداد را برادرش عطاملك جوینی واصفهان و قسمت عمدهٔ عراق عجم را خواجه بهاءالدین محمد پسر صاحبدیوان داشت . اباقا شهر تبریز را بپایتختی اختیار نمود وآنراآباد کرد و چون دختر یکی از امپراطوران

روم شرقی را بزنی گرفته بود ، در تحت نفوذ او و مادر خود که آئین مسیحی داشت عیسویانرا مورد توجه خاص قرار داد و در آنزمان که جنگهای صلیبی بر پا بود ، با پاپ و سلاطین عیسوی برای جنگ با مسلمین شام و مصر ، همدست شد . جنگ دیگر اباقا با برکای پسر جوجی ، پادشاه دشت قبچاق بود . در ٦٦٤ با او بجنگ پرداخت ولی در آن اثنا برکای مرد و او را از شر خود خلاص کرد . سپس بـراق پادشاه تـرکستان و ماوراءالنهر در ٦٦٧ بخراسان لشگر کشید ولی شکست خورد و ببخـارا گریخت و در آنجا با اختیار لقب سلطان غیاث‌الدین ، اسلام‌آورد و برای اولین بار ، گروهی‌ازمغول مسلمان شدند .

و اما در غرب ، اباقا از سلطان مصر بنام الملك‌الظاهر بی‌برس که‌سپاهیان‌صلیبی را شکستها داده بود ، چندیـن شکست خـورد و چـون در ٦٨٠ فـوت کـرد ، مجـال تلافی نیافت .

صـاحبدیوان جوینی وزیر اباقا ، مورد حسادت وکار شکنی یکی از زیر دستان خودبنام مجدالملك‌یزدی گردید و او ارغون پسراباقا و جمعی از امرا را دراین‌دشمنی با خود همدست کرد و همه گونه زحمت برای صاحبدیوان و برادرش عطاملك جوینی حاکم بغداد فراهم‌آورد لکن بفنای‌آنان موفق نشد بخصوص کـه پس از اباقا ، تگودار بسلطنت نشست و اسلام‌آورد وکار جوینی وخانواده‌اش رونق بیشتری گرفت .

سلطان احمد تگودار (٦٨١ ـ ٦٨٣)

اباقاخان میل داشت که‌پس ازاو پسرش ارغون بایلخانی برسد لکن‌چون‌بموجب یاسای چنگیزی ، سلطنت حق ارشد شاهزادگان زنده بود ، شورای مغولان ، تگودار برادر اباقا را بسلطنت برداشت .

تگودار که پسر هفتم هولاگو است ، در چین بآئین مسیحیت ، تربیت یافته‌بود لکن پس از حشر با مسلمین ، بدین اسلام درآمد و باسم احمد نامیده شد . در دشمنی بین تگودار وارغون که‌جمعی هواخواه‌داشت ، مجدالملك‌طرفدار ارغون وصاحبدیوان طرفدار تگودار بود‌و مجدالملك در ٦٨١ بردر خیمهٔ عطا ملك کشته شد .

ارغون که حکومت‌خراسان راداشت ببهانهٔ‌اینکه حکومت فارس راهم‌میخواهد بر تگودار عصیان کرد و شکست خورد لکن‌سلطان او رابخشیدو دوباره‌بخراسان‌فرستاد

در ۶۸۳ جمعی از امرا خیانت‌ورزیده شبی باردوی سلطان ریختند وسپهسالارلشگرش راکشتند . تگودار و صاحبدیوان گریختند ولی تگوداردستگیر و کشته شد .

سلطان ارغون خان (۶۸۳ ـ ۶۹۰)

ارغون در هشت رودآذربایجان ، بسلطنت نشست و صاحبدیوان از اصفهان بخدمت رسید و بخشیده شدو زمام امور ، بشراکت ، باو و بامیر بوقامحول گردیدلکن امیر بوقا و سایر حسودان و دشمنان صاحبدیوان ،آنقدر از او در نزد سلطان سعایت کردندکه امر قتل او صادر شد و او را در ۶۸۳ در نزدیکی اهر کشتند و بتدریج ، پسران و نوادگان و برادرزادگان او را از میان برداشتند . نام صاحبدیوان و برادرش عطاملك جوینی را سعدی ، در قصائد خود جاویدان ساخته است .

پس از صاحبدیوان ، سعدالدولهٔکلیمی بوزارت رسید و امیر بوقا در ۶۸۷ بجرم خیانت،بامر ارغون کشته شد . سعدالدوله مردی‌زیرك و لایق بود وبزودی امور کشور را تحت نظم‌آورد و چنان مقتدر و در وجود ارغون ، نافذ شدکه از او فرمانی مبنی برتبدیل کعبه به‌بتکده وقتل علمای اسلام گرفت ولی چون ارغون‌مریض شد ، ازاجرای فرمان خود داری کرد و طولی نکشیدکه امرای ارغونی در ۶۹۰ سعدالدوله راکشتند و شش روز بعد ارغون جان سپرد .

سلطنت کیخاتو (۶۹۰ ـ ۶۹۴)

بعد از ارغون ، برادر اوکیخاتو که بر بلاد روم حکومت داشت ، سلطان شد و ترکمانان و یونانیان روم راکه عصیان کرده بودند شکست داد و دست باسراف گذاشت و خزانه را درنتیجهٔ بذل وبخشش ، خالی کرد . وزیر او صدرالدین احمدخالدی‌زنجانی نیز در زیاده روی‌از او دست‌کمی نداشت . ناچار پولی‌کاغذی باسم چاو انتشار دادند که مورد قبول مردم واقع نشد و چون علاوه بر بی تدبیری ، در عیش و عشرت ودست درازی بناموس مردم ، افراط میکرد ،نوادهٔ هولاگو موسوم به بایدوکه‌حکومت‌بغداد را داشت در ۶۹۴ با لشگری بقصدآذربایجان حرکت کرد . کیخاتو گریخت و بدست یاغیان بقتل رسید .

سلطنت بایدو (۶۹۴)

بایدو در ۶۹۴ بسلطنت نشست‌ولی غازان پسر ارغون خان‌که حکومت‌خراسان

داشت با او مدعی‌شد و اسلام‌آوردونام محمود بر خود گذاشت وببهانهٔ اینکه‌مالیات‌فارس که باو واگذار شده بود ، نرسیده ، بآذربایجان لشگر کشید. بایدو گریخت ولی گرفتار و کشته شد .

سلطان محمود غازان (۶۹۴ ـ ۷۰۳)

غازان در۶۹۴به تبریز وارد شد و در نوروز آنسال بایلخانی نشست ودرهمانروز بموجب فرمانی ، مذهب اسلام را برای مغول اجباری کرد . از آن تاریخ ببعد ، آئین اسلام ، مذهب رسمی دولت و حکومت ایلخانان گردید . پس از آن،امر داد تاکلیسا ها و صومعه ها را تبدیل بمسجد کنند و بتهای بودائیان را بشکنند . خواجه صدرالدین احمد خالدی زنجانی را بوزارت منصوب‌نمود . بدسیسهٔ این وزیر ، امیر معروف ،امیر نوروز که وقتی با او دشمنی کرده بود ، کشته شد و پس از چندی او خود نیز بهمین سرنوشت دچار گردید .

سپس غازان بطرف مغرب لشگر کشید وشام و فلسطین را گرفت لکن‌همینکه برای دفع مغولان جغتائی مجبور بمراجعت شد ، مصریان ممالك از دست رفته را باز پس گرفتند . بار دیگر در ۷۰۲ بشام لشگر کشید و در نزدیکی دمشق ، شکست سختی خورد و بتهیهٔ وسائل تلافی مشغول بود که در ۷۰۳ بسن ۳۳ سالگی در حوالی‌قزوین فوت کرد و جنازهٔ او را در شام غازان نزدیك تبریز ، زیر گنبدی که خود ساخته بود ، دفن کردند .

غازان در عمر و سلطنت کوتاه خود ، اصلاحات و اقداماتی کرده و قوانین و بناهائی از خود بجاگذاشته که او را در ردیف سلاطین بزرگ ، بشمار میآورد . قسمت عمدهٔ این افتخار ، مرهون تدبیر وسیاست رشید الدین فضل‌الله همدانی وزیر اوست که در ادارهٔ امور و دراصلاحات واعمال خیر ، با اوشرکت داشته وهم نام اورادرتحریرات خود، جاوید ساخته است . یاسای غازانی ، مملکت را ازهرج و مرج بیرون‌آورد وبنای حکومت را بر اساس نظم و عدالت استوار ساخت .

سلطان‌محمد خدابنده اولجایتو (۷۰۳ ـ ۷۱۶)

غازان خان ، برادر خود محمد رابولیعهدی تعیین نمود . در موقع فوت‌غازان، محمد در خراسان بود و درآنجا بدفع شاهزادهٔآلا فرنك پسر کیخاتو که مدعی سلطنت

بود پرداخت ، پس از آن به تبریز رفت و بعد از جلوس بتخت ، نام سلطان اولجایتو (یعنی سلطان آمرزیده) برخود گذاشت و رشیدالدین فضل‌الله همدانی را مثل زمان برادر، بوزارت گماشت . شیعیان که مورد عنایت او بودند ، او را خدابنده و اهل سنت ،خربنده نامیده‌اند . بنای شهر سلطانیه را که غازان خان در پنج فرسنگی زنجان گذاشته بود او باتمام رسانید ودر آبادی آنشهر چندان کوشید که در اندك زمانی اززیباترین شهرهای شرق گردید .

گیلانرا که بواسطهٔ موانع طبیعی وپافشاری مردم آن سرزمین ، از استیلای مغول محفوظ مانده بود ، مسخر کرد . در ۷۰۹ بمذهب شیعه گرویدونام سه خلیفهٔ اول را ازخطبه وسکه انداخت ودر تشویق وتعمیم این مذهب ، نهایت کوشش را بعمل آوردولی در اواخر عمر، چون دید که مردم قزوین وشیراز و اصفهان ، زیر بار احکام او نمیروند و از امرا نیز بسیاری در مذهب سنت اصرار میورزند ، امر داد تا دوباره اسامی خلفا را در خطبه و سکه بیاورند .

ابو سعید پسر خود را که در ۷۰۴ تولد یافته بود ، بحکومت خراسان فرستاد و تاج‌الدین علیشاه را که تاجری باکفایت بود در وزارت با رشیدالدین شریك کرد و میان این دو وزیر ، همواره نقار بود .

اولجایتو از افراط در شرب و شهوترانی ، پیش از آنکه بسن چهل برسد ، در سلطانیه فوت کرد و در مقبره ای که برای خود ساخته بود ، دفن گردید .

سلطان ابوسعید بهادر خان (۷۱۶ ـ ۷۳۶)

ابوسعید از مازندران آمد و بجای پدر نشست . امیر چوپانرا کماکان بعنوان امیرالامرائی و رشیدالدین و علیشاه را در مقام وزارت نگاهداشت ، پسر امیرچوپان تیمورتاش را بحکومت روم فرستاد واوخواجه جلال‌الدین پسر ارشدخواجه رشیدالدین را بسمت وزارت خود تعیین کرد .

نقاربین رشید الدین و علیشاه بجائی رسید که رشید الدین از خدمت معزول شد و به تبریز رفت لکن امیر چوپان او را دوباره بقبول خدمت راضی کرد و بسلطانیه آورد و موجب بروز کینهٔ سخت علیشاه گردید تا آنکه ساعیان ، رشیدالدین را نزد ابوسعید متهم کردند که اولجایتورا اوبدست یکی از پسران خود که شربت دارایلخان بود ، مسموم کرده و عجب آنکه این تهمت را امیر چوپان نیز ، ناجوانمردانه تأئید کرد.

آن پسر را که شانزده سال‌داشت پیش چشم پدر کشتند وآن دانشمند را بسن ۷۳سالگی نزدیك تبریز ، دونیمه کردند و تمام‌اموال اوو فرزندانش را گرفتند ومحلهٔ ربع‌رشیدی را که درتبریز از بناهای او بود بباد غارت دادند وحتی پس ازقرنی بامرمیرانشاه‌پسر امیرتیمور که براثرافتادن از اسب ، دیوانه‌شده بود ،استخوان‌آن مرد بزرگ‌راباتهام یهودی بودن از مسجدی که در ربع رشیدی تبریز بود ، بیرون‌آوردند و در قبرستان یهود ، خاك کردند .

علیشاه شش سال باستقلال ، وزارت کر و چون مردی عامی بود ، رشتهٔ امور دیوانی ازهم گسیخت وابوسعید بخطای خود درقتل رشیدالدین ،آگاه وپشیمان گردید و بعدها خواجه غیاث‌الدین محمد پسر خواجه رشیدالدین را بوزارت برداشت .

دشمنان خارجی مانند شاهزاده یسوراز هرات و اوزبك خان پادشاه دشت قبچاق ، بتجاوز پرداختندو بعضی از امرا لوای مخالفت بلندکردند . شاهزاده یسور ، مغلوب وکشته شد و پادشاه دشت قبچاق مجبور بمراجعت گردید . واما مخالفت امرا از اینجهت بودکه امیر چوپان ، بعضی ازآنها راکه در جنگ با پادشاه دشت قبچاق ، سستی کرده‌بودند ، معزول کرد . مخالفین در نزدیکی دریاچهٔ گوگچه ، بر امیرچوپان و پسر او امیر حسن حمله‌ور شدند لکن چوپان و پسرش از معرکه بسلامت جستند و خود رابه تبریز رساندند وازآنجا بسلطانیه رفتند . امرای یاغی‌بقصدسلطانیه‌حرکت کردند ولی از ابوسعید و امیر چوپان شکست خوردند و شوکت و قدرت چوپان بالا گرفت و چون خواهر ابوسعیدکه زن چوپان بود ، مرد ، ابوسعید خواهر دیگرخود را باو داد ودمشق‌خواجه پسر امیرچوپان دردستگاه‌ابوسعید،همه‌کاره بود و تیمورتاش پسر دیگر او حکومت بلاد روم را داشت .

امیر چوپان دختری داشت بنام بغداد خاتون که زوجهٔ امیر شیخ حسن پسرامیر حسین گورگان جلایروبزیبائی‌مشهور بود . ابوسعید عاشق‌آن زن شد و ازامیرچوپان خواست که امیرحسین را بترك زوجهٔ خود وا دارد . امیر چوپان برآشفت و دختر و داماد خودرا بقراباغ روانه کرد . ابوسعید چنان‌مجنون عشق گردید که‌وقتی‌امیرچوپان درخراسان بود ، دمشق خواجه پسر او را بتهمت ارتباط بایکی از همخوابگان‌خاصه، کشت و اموالش را بتاراج داد .

امیر چوپان ، به‌پیشنهاد پسردیگرش که میخواست‌او را بعصیان وا دارد ،تسلیم نشد و بدعوت ابوسعید ، بعزم سلطانیه حرکت کرد لکن ابوسعید با سپاهی گران بجلو اوشتافت . امیر جوپان گریخت و در سمنان از عارف معروف شیخ رکن‌الدین‌سمنانی خواست که دربارهٔ او پیش ابوسعید که بدرویش دوستی شهرت‌داشت ، وساطت کندلکن این وساطت نزد سلطان مقبول نیفتاد و امیر چوپان پس از مرخص کردن زن خود که خواهر ابوسعید بود ، به پناه ملك غیاث‌الدین کرت ، بهرات رفت و او مهمان خود را کشت و انگشت او را بنشانی برای ابوسعید فرستاد . (۷۲۸)

پس از این واقعه امیر حسن ، بغداد خاتون را بناچار طلاق داد و ابوسعید اورا بازدواج خود درآورد و باو لقب خداوندگار داد .

در ۷۲۹ حکمران خراسان ، ناری طغای ، سر بعصیان برداشت ولی او وامرائی که با او همدست شده بودند همگی مغلوب و کشته شدند .

در۷۳۱ جمعی از مغرضین خبر دادندکه امیر شیخ حسن جلایر با زوجهٔ سابق خود ، بغداد خاتون ، مکاتبه دارد . امیرشیخ حسن دستگیر شد و اگر وساطت عمهٔ ابوسعیدکه مادر امیرشیخ حسن بود ، پذیرفته نمیشد ، امیرشیخ حسن بقتل میرسید. بغداد خاتون نیز ازنظرشاه افتادلکن همینکه بیگناهی اوثابت شد ، مغرضین کشته شدند و بغداد خاتون دوباره منظور نظر گردید ولی باوجود این ، دو سال بعد ابوسعید،دلشاد خاتون دختردمشق خواجه را بزنی گرفت . امیرشیخ‌حسن جلایردر۷۳۲ ازحبس‌آزاد وبحکومت بلاد روم منصوب گشت .

ابوسعیددر ۷۳۶درموقعیکه بجنگ اوزبك خان پادشاه قبچاق میرفت ، درحدود شیروان جان سپرد ، جسداورادرسلطانیه در گنبدی که خودساخته بوددفن کردند .

پادشاهی کریم ورشید وادب دوست بـود ، شعرمیگفت و سازمینواخت و خوش مینوشت .

بامرگ ابوسعید این سلسله بپایان میرسد زیرا پس ازاومقام ایلخانی در میان یکعده شاهزادگان بی لیاقت خاندان چنگیزی وامرای متخاصم ، مورد نزاع‌وکشمکش قرارگرفته ممالك ایلخانی ازهم‌مجزا میشود وسلسلهٔ ایلخانان روبانحطاط وزوال‌میرود تازمینه برای استیلای امیرتیمور گورکان مهیاگردد .

اسامی ایلخانان بعدی تا سال ۷۵۶ ازاینقراراست :

۱ ـ ارپاگاون
۲ ـ موسی خان
۳ ـ محمد خان
۴ ـ طغا تیمورخان
۵ ـ ساتی بیك(زوجهٔ امیرچوپان)
٦ ـ شاه جهان تیمورخان
۷ ـ سلیمان خان
۸ ـ انوشیروان عادل .

در مدت بیست سال که از مرگ ابوسعید تا انقراض ایلخانیان ، فاصله افتاد ،پنج سلسله در قسمتهای مختلف ، روی کار آمده اند :

۱ ـ سلسلهٔ امری ایلکانی یـا آل جلایر ـ که بانی آن ، شیخ حسن بـزرگ پسر امیر حسین‌بن آقبوقابن ایلکان نویان جلایر است که درسال ۷۴۰ مستقل شدوهفت نفر جانشینان او تا ۸۱۳ در بغداد و عراق عرب ، سلطنت میکردند .

۲ ـ سلسلهٔ امرای چوپانی ـ عبارتند از دو فرزند امیر تیمورتاش پسر امیر چوپان یکی‌بنام شیخ حسن کوچك که مدت چهار سال‌ونیم درآذربایجان‌و ایران‌استقلال داشت ودیگری امیرملك اشرف برادر اوکه چهارده سال از ۷۴۴تا ۷۵۸ درآذربایجان حکومت میکرد .

۳ ـ سلسلهٔ آل مظفر یعنی امیر مبارزالدین‌محمدبن مظفر وشش نفرفرزندان اوکه پس‌از مرگ ابوسعید در یزد و کرمان ، مستقل شدند و بعدها برفارس واصفهان و قسمتی از خوزستان نیز مسلط گشتند وتا ۷۹۵ دوام یافتند .

۴ ـ خاندان اینجو که قبل ازرحلت ابوسعیدنیزدرفارس ومضافات،حکومت میکردند و از ۷۴۲ تا ۷۵۸ بدست شیخ ابو اسحاق ممدوح حافظ ، استقلال یافتند .

۵ ـ سربداران که در ۷۳۷ در سبزوار مستقل شدند و تا ۷۸۸ درآن‌حدود ، حکومت داشتند وعدهٔ آنها یازده نفر بود .

غیر از اینها امرای دیگری هم قبل از استیلای مغول ، در بعضی از نواحی ، حکومت داشتند که چون نسبت بایلخانان از در اطاعت درآمدند ، بعضی باقی ماندند .

مشهور ترین این سلسله ها از اینقرارند :

۱ ـ اتابکان سلغوری یا اتابکان فارس : از ۵۴۳ تا ۶۶۳ حکومت داشتند . کتاب گلستانرا سعدی بنام سعدبن ابوبکربن سعدبن زنگی پرداخته است و آن سعد ، در موقع فوت پدرش در دربار هولاگو بود وپیش ازآنکه بشیراز برسد در ۶۵۸فوت کرد . مقارن استیلای اتابکان سلغوری بر فارس ، سلسلهٔ دیگری در قسمت شرقی این ایالت بین فارس و کرمان وخلیج فارس ، شامل بلاد دارابگرد ونیریز وطارم واصطهبانات بنام ملوك شبانکاره ، تسلط داشتند و نسبت خود را باردشیر بابکان میدادند و در مبارزهٔ با اتابکان از بین رفتند .

۲ ـ اتابکان لرستان : ۱۷ نفر از حوالی ۵۵۰ تا ۸۲۷ حکومت داشتند .

۳ ـ اتابکان یزد

۴ ـ قراختائیان کرمان : از ۶۱۹ تا ۷۰۳ حکومت کردند .

۵ ـ آل کرت در هرات هشت نفر از ۶۴۳ تا ۸۳۷ امارت داشتند .

امیر تیمور و سلسلهٔ گورکانیان

تیمور پسر امیر ترغای که بعضی از مورخین نسبت او را بچنگیز رسانده اند ، در ۷۳۶ در یکی از دهات شهرکش (شهر سبز حالیه در جنوب سمرقند) بدنیاآمد و در میان طایفهٔ برلاس که اقربای اجدادی او بودند تربیت یافت و در نتیجهٔ ممارست در سواری و تیراندازی ، جوانی دلیر و سواری ماهر گردید . گفته اند که جد تیمور به عرفااخلاص میورزیده چنانکه او نیز غالباً بخدمت ایشان میرسید وطلب همت میکرد.

پیش از ۷۶۱ از زندگانی او اطلاعی در دست نیست لکن از آن ببعد ، اعمال او همه مضبوط است . در ۷۶۲ که تغلق خان پادشاه کاشغر بماوراءالنهر لشگر کشید ، تیمور در دستگاه امیر حاجی برلاس فرمانروای ماوراءالنهر بود و باآن امیربخراسان گریخت . اندکی بعد تیمور بماوراءالنهر برگشت و بخدمت تغلق پیوست واوحکومت شهرکش را به تیمور واگذاشت وخود بکاشغر مراجعت کرد . درآن ایام ، امیرحسین قزغنی بر ماوراءالنهر مسلط شد و تیمور را در قلمرو خویش مستقر نمود و خواهر خود را باو داد و از اینجهت او را تیمورگورکان یعنی تیمور داماد خواندند .

پس از چندی بار دیگر ، تغلق خان بماوراءالنهرآمد و امیر حسین را منهزم

ساخت ولی تیمور را در حکومت خود باقی گذاشت و امارت ماوراءالنهر را به پسر خود الیاس خواجه سپرد .

تیمور پس از زمانی ، بعلت بیداد امرای زیر دست الیاس خواجه ، باامیرحسین متواری ، همدست شد و به خوارزم حمله برد اما هر دو مغلوب و گریزان شدند و بعداز گرفتاری بدست ترکمانان ، عاقبت بملك معزالدین حسین کرت، پناه بردند . چون تغلق تسلیم آن دو نفر را از ملك معزالدین خواست ، تیمور و امیر حسین به سیستان گریختند . والی سیستان بر سر ایشان تاخت و تیمور در آن گیرو دار ، چندین زخم برداشت ، دو انگشت دست راستش افتاد و پای راستش چنان صدمه دید که تمام عمر میلنگید و باینجهت او را تیمور لنگ گفتند .

با وجود این واقعه ، تیمور و امیر حسین ، عاقبت در ۷۶۶ الیاس خواجه پسر تغلق را شکست دادند و بر ماوراءالنهر مسلط گشتند اما میانهٔ این دو نیز بهم خورد بخصوص که زوجهٔ تیمور که خواهر امیر حسین بود درگذشت ورشتهٔ قرابت میانشان گسست . پس از چندی جنگ و جدال وفراز و نشیب ، تیمور غالب آمد و امیرحسین و دو پسرش را بقتل رسانید و خود حکمروای بی‌رقیب ماوراءالنهر گردید یعنی گرچه نام سلطان را بر یکی از شاهزادگان چنگیزی گذاشت ولی در حقیقت این سال ۷۷۱ را باید ابتدای استقلال امیر تیمور دانست .

بین سالهای ۷۷۳ تا ۷۸۱ ، چهار بار بخوارزم لشگر کشید تا عاقبت آن خطه را ویران کرد و ضمیمهٔ ممالك تیموری نمود و در ضمن نیز از ۷۷۶ تا ۷۷۹ ،دشت قبچاق و مغولستانرا گشود . در ۷۸۲ پسر چهارده سالهٔ خود میرانشاه را با یکعده از امرا مأمور تسخیرخراسان کرد وخود نیز بایشان پیوست . نیشابور و هرات راگرفت و گرگانرا تابع خویش کرد و به بخارا برگشت و چون شنید که ترکمانان و دیگران عصیان کرده اند ، در ۷۸۴ بخراسان آمد وعاصیانرا سیاست نمود و به سمرقند رفت . و اما شورش هرات را میرانشاه پسر تیمور ، رفع کرد و ازکله مناره‌ها ساخت . باردیگر تیمور خود در ۷۸۵ به هرات بازگشت و آتش خشم وکینه را با خون مردم آنشهر فرو نشانید .

ملازندران تا سال ۷۵۰ دردست ملوك باوند از شاهزادگان قدیم ایران بود . در

آن تاریخ شخصی بنام افراسیاب چلاوی ، آخرین پادشاه این سلسله را کشت و خود فرمانرواشد لکن سیدقوام‌الدین مرعشی ازاحفاد امام‌زین‌العابدین، افراسیاب راکشت وخود حاکم مازندران شد واین سلسله را سادات علویهٔ قوامیه میخوانند . وقتی پسر افراسیاب ، تیمور را بفتح مازندران دعوت کرد،پس از سید قوام الدین ، پسرش سید کمال‌الدین ، بر مازندران حکومت داشت . سید کمال‌الدین نزد تیمور رفت و اظهار اطاعت کرد ودر مقام خود باقی‌ماند لکن تیمور بدنبال امیرولی حکمران یاغی گرکان تاری رفت وسلطانیه را گرفت وبسمرقند برگشت .

در یورش سه ساله که از ۷۸۸ تا۷۹۰ طول کشید ، تیمور بقصدتعقیب امیرولی که بآذربایجان گریخته بودآن ولایت ولرستان و ارمنستان و گرجستان وشیروان را مسخر کرد و چون سلطان زین‌العابدین پسر شاه شجاع اتابك‌فارس ، ازآمدن بحضور امتناع کرده بود ، بطرف شیراز حرکت کرد . مردم اصفهان حاضر شدند که مبلغی بدهند و در امان باشند لکن مأمورین وصول تیموری چندان تعدی و بناموس مردم تعرض کردند که اهالی اصفهان بجان‌آمدند وآن جمعیت را از بین بردند . در نتیجه بدستور تیمور ، هفتاد هزار سر از اصفهان بریدند و ازآن ، مناره ها ساختند . سپس تیموربشیراز تاخت وآنشهر را مسخر کرد .

بین ۷۹۰ و ۷۹۳ امرای کاشغر و دشت قبچاق راکه بماوراءالنهر حمله ور شده بودند شکست داد و اهالی خوارزم راکه بتحریك توقتمش که یکی ازآن امرا بود ، شورش کرده بودند ، قتل عام نمود و شهر خوارزم را با خاك برابر کرد .

یورش پنجساله بین سالهای ۷۹۴ تا ۷۹۸ صورت گرفت . پس از مراجعت از دشت قبچاق ، تیمور حکومت خراسانرا به میرانشاه وایالت غزنه وکابل را به نوادهٔخود پیر محمد واگذاشت وخود در ۷۹۴ بقصد دفع طغیانهائی که در ایران بپا شده بود ، حرکت کرد و در قدم اول مازندران وگرگانراگرفت واز راه ری وسلطانیه به‌شوشتر رفت و شاه منصور مظفری را تاشیراز دنبال کرد و نزدیك شیراز او راکشت و فارس را به عمر شیخ پسر خود سپرد وبعزم جنگ باقرا محمد قراقویونلو ، بآذربایجان‌رفت و او را منهزم ساخت ، سپس بدفع سلطان احمد جلایر ، به بغداد تاخت و قلعهٔ تکریت راگشود و واسط وبصره راگرفت و چون توقتمش باردیگر هجوم‌آورده بود ، درشمال قفقاز او را شکست داد و بدنبال او از ولایت چرکس وقزاق گذشت و داخل روسیه‌شد

و شهر مسکو را مسخر کرد وبعد از غارت آن نواحی بآذربایجان برگشت وشورشهای دیگری را در نهاوند و سیرجان وآذربایجان فرو نشانید . آذربایجان را به میرانشاه گذاشت و خود به سمرقند رفت و سال بعد ، خراسان و هرات را به پسر دیگر خود شاهرخ سپرد .

فتح هندوستان در ۸۰۱ بدینطریق واقع شد که تیمور ابتدا قصد چین کرده بود لکن معلوم نشد بچه علت ناگهان بسوی هند ، عطف عنان نمود و در پانی‌پت نزدیک دهلی با سپاه سلطان محمود دوم از سلسلهٔ تغلق روبرو شد و فاتح گردید و صد هزار هزار نفر آدم کشت و پس از تقسیم بلاد تغلق بین سران سپاهی‌خود،بسمرقند برگشت.

در سمرقند به تیمور خبررسید که پسرش میرانشاه از اسب افتاده واختلال‌دماغ پیدا کرده و بدینجهت در گرجستان وآذربایجان و عراق ، اغتشاشاتی رخ نموده است . تیمور سپاهی فراهم دید و بسوی ایران رهسپار شد و این‌لشگرکشی راکه از ۸۰۲ تا ۸۰۷ طول کشید ، یورش هفت ساله میگویند . پس از فرونشاندن طغیان گرجستان و آذربایجان اطلاع یافت که سلطان عثمانی ، بایزیداول ، ازممالك اومال وخراج طلبیده . چون از مکاتبه نتیجه ای نگرفت در ۸۰۳ شهرهای سیواس و ملطیه و سواحل جنوبی دریای سیاه رابتصرف درآورد واین نواحی را به جد ترکمانان‌آق‌قویونلو که‌قراعثمان بایندری باشد ، سپرد و خود راه‌شام را پیش گرفت .

در ۷۹۵ تیمور از ایران سفیری نزد الملك‌الظاهر برقوق ، سلطان مصر فرستاد و اظهار دوستی کرد اما سلطان ، سفیر او را کشت و نگاهبان یکی از قلاع ارمنستانرا بوسیلهٔ قرایوسف‌بن قرا محمد ترکمان اسیر کرد و بمصرآورد . امیر تیمورپس‌ازفتح ملطیه در ۸۰۳ باز سفیری نزد الملك‌الناصرفرج ، سلطان مصر که جانشین‌الملك‌الظاهر بود فرستاد و آزادی نگاهبان محبوس را خواست لکن‌این بار نیزسلطان مصر، نه‌تنها بدرخواست تیمور اعتنائی نکرد بلکه فرستادگان او را بزندان انداخت . تیمور چنان برآشفت که سلطان عثمانی راگذاشت و بشام و مصر حمله‌ور شد . حلب و دمشق را گرفت وتاراج کرد الملك‌الناصر بعد ازمختصر جنگی که دردمشق کرد ، بمصر گریخت. بعد از فتح شام امیر تیمور بقصد برانداختن سلطان احمد جلایر ، بسمت‌عراق‌برگشت و بغداد راگرفت وبه بیست هزارنفر سپاهیان خود امر کرد که هریك سر یك‌تن‌بغدادی

رابیاورند ، باضافه ابنیهٔ بسیاری درآن واقعه ویران گشت .

پس از فتح بغداد ، تیمور خود را برای جنگ بایزید اول ، سلطان عثمانی مهیا ساخت و در جنگی که در ۸۰۴ در نزدیکی آنکارا واقع شد ، بایزید را مغلوب و اسیر کرد و سلطان در اردوی تیمور بود تا سال دیگر در گذشت .

امیر تیمور در ضمن فتح آسیای صغیر به‌ازمیر و کنار مدیترانه رسید ودرآنجا فرستادهٔ الملك‌الناصرفرج سلطان مصر ، خبرآورد که‌سلطان اظهار تبعیت کرده‌وحاضر- است که از این پس ، بنام تیمور خطبه بخواند و سکه بزند .

تیموردر۸۰۷ بسمرقند برگشت وچون سلطان محمود بن سیورغتمش آخرین بازماندهٔ‌چنگیزیان که‌تیمور اورابسلطنت‌برداشته‌بود وظاهراً باسم‌اوشمشیرمیزدمرد،امر داد تا خطبه وسکه را بنام خوداوبزنند .

پس ازآن لشگری بزرگ برای فتح چین مهیا ساخت وبکنارسیحون رسیدولی درمحلی موسوم به اترار ، بیمارشدودرهمانسال ۸۰۷ بسن ۷۱ سالگی جان سپرد .

تیمورچهارپسرداشت :

۱ ـ غیاث‌الدین جهانگیر که درزمان تیمور، مردوازاودوپسرماند ، یکی‌سلطان محمد که سمت ولیعهدی تیموررا داشت ودریورش دوم فوت کرد و دیگری پیرمحمد که علاوه برسمت ولیعهدی ، حکومت غزنه وهندرانیزداشت ودوسال پس ازفوت‌تیمور بدست یکی ازافرادبقتل رسید .

۲ ـ معزالدین عمرشیخ حکمران فارس که درحیات پدردرراه بغداد کشته شد .

۳ ـ جلال‌الدین میرانشا، حکمران‌آذربایجان وعراق والجزیره که دچار اختلال حواس گردید و عاقبت بدست قرا یوسف ترکمان ،کشته شد .

۴ ـ معین‌الدین شاهرخ که بعد از پدر بسلطنت رسید .

گر چه تیمور،متصرفات خود را بین بازماندگان تقسیم کرده بود ولی عاقبت ممالك او بتصرف دو برادر درآمد : یکی میرانشاه و پسران او ابوبکر و محمد عمر در ایران‌غربی وعراق عرب والجزیره واران و گرجستان وارمنستان ، و دیگری‌شاهرخ در خراسان و هرات و ماوراءالنهر . لکن حکومت میرانشاه و پسرانش طولی نکشید .

سلطان خلیل و شاهرخ (۸۰۷ ـ ۸۵۰)

وقتی تیمورمرد، شاهرخ درحوزهٔ حکومتی خود درهرات بود . امرای تیموری

در محل فوت تیمور ، میرزا خلیل پسر میرانشاه را بسلطنت برداشتند و حال آنکه تیمور خود پیر محمد پسر جهانگیر را ولیعهد کرده بود . پیر محمد که حاکم فارس بود ، سلطنت میرزا خلیل را نشناخت و تابع سلطنت شاهرخ شد و میرزا خلیل هم که در ماوراءالنهر با اشکالاتی مواجه بود ، سلطنت شاهرخ را بر خود شناخت . خلیل پس از چندی بدست یکی از امرای خود معزول و محبوس شد و خان کاشغر بر ماوراءالنهر مستولی گردید . شاهرخ بماوراءالنهر رفت و آنمملکت را به پسر خود میرزا الغ بیك سپرد و میرزا خلیل را بحکومت عراق فرستاد .

محمد عمر پسر کوچك میرانشاه ، برادر بزرگتر خود ابوبکر را بزندان انداخت و پدرش میرانشاه از ترس بخراسان گریخت . پس از چندی ابوبکر از زندان گریخت و نزد پدر رفت و او را به برگشتن بآذربایجان واداشت . در ۸۱۰ بین ایشان و قرا یوسف ترکمان ، جنگی در گرفت و میرانشاه کشته شد . مردم تبریز ابوبکر را بجای محمد عمر پذیرفتند و محمد عمر به پناه شاهرخ رفت ولی بعداً بر او شورید و در جنگ کشته شد ابوبکر نیز پس از دو شکست که از قرایوسف خورد ، بکرمان گریخت و در آنجا بقتل رسید . میرزا خلیل پسر سوم میرانشاه نیز در حکومت عراق ، مرد .

پس از آنکه ماوراءالنهر و گرگان وسیستان و کرمان و فارس و عراق عجم بر شاهرخ مسلم گردید ، بخیال کشیدن انتقام قتل برادر خود میرانشاه از ترکمانان قراقویونلو ، در ۸۲۳ عازم آذربایجان شد . قرایوسف پیش از جنگ مرد و پسرانش اسکندر و جهانشاه ، پس از شکستی که خوردند ، جهانشاه اطاعت شاهرخ را پذیرفت و بحکومت آذربایجان منصوب گردید و اسکندر فرار کرد .

شاهرخ بقیهٔ عمر را به ترمیم ویرانیها و آبادی و نشر دانش و تشویق علما و ادبا صرف کرد و او خود شعر میگفت و خوش مینوشت و مردی پرهیزکار و عادل وصلحجو بود . از زمان شاهرخ ، گوهرشاد آغا آثار خیری از خود گذاشته و مشهور ترین آنها مسجد گوهرشاد مشهد است .

شاهرخ در ۸۵۰ در حوالی ری فوت کرد .

میرزا علاءالدوله و میرزا الغ بیك (۸۵۰ ـ ۸۵۳)

از پنج پسر شاهرخ ، تنها میرزا الغ بیك بعد ازا پدر باقی بود. غیر از الغبیك ، مشهورترین‌این‌پسران، غیاث‌الدین بایسنقراست که از۷۹۹ تا۸۳۷ زیسته ومردی‌با ذوق و ادب دوست بوده و از کارهای دولتی کناره میجسته است . درنوشتن اقسام خط مهارت کامل داشته و شاهنامه بایسنقری را او ترتیب داده و در مسجدگوهرشاد مدفون است .

پس از رسیدن خبر مرگ شاهرخ به سمرقند ، الـغ بیك کـه مدت ۳۸ سال بر ماوراءالنهر حکومت میکرد و مردی ادب دوست و مربی اهل‌فضل بود و زیج الغبیگی از اوست ، بجای پدر نشست . میرزا علاءالدوله پسر بایسنقر نیز در هرات خودرا شاه نامید و بر عبداللطیف پسر الغبیگ دست یافت و او را بزندان انداخت ولی در نتیجهٔ صلحی که بین دو مدعی سلطنت اتفاق افتاد ، علاءالدوله بسلطنت هرات باقی مـاند وپسر الغ بیگ را رها کرد .

در سال ۸۵۲ الغ بیگ ، علاءالدوله را از هرات رانـد و بسیاری از مـردم را کشت . علاءالدوله بپناه برادرخود میرزا بابر بشیراز رفت ولی همینکه الغ بیگ برای جلوگیری‌ازبکان بسمرقند برگشت، میرزا بابر بهرات‌آمد و بتخت نشست و علاءالدوله راکور کرد .

در ۸۵۳ میرزا عبداللطیف در بلخ بر پدر خـود الغ بیگ شورید و او را اسیر کرد وکشت. میرزا بابر نیزبدست برادرانش ، ازهرات رانده و فراری گشت ونوادگان تیمور همه‌جا بهم‌افتادند وممالك تیموری ازهم پاشیده شد .

عبداللطیف (۸۵۴)

میرزا عبداللطیف پس‌از ششماه سلطنت ، بدست‌خادمان پدرش کشته شد .

میرزا عبدالله (۸۵۴ ـ ۸۵۵)

میرزاعبدالله پسر میرزا ابراهیم سلطان‌بن‌شاهرخ است که پس‌ازقتل‌عبداللطیف در ماوراءالنهر بپادشاهی رسید و بقیام ابوسعید نوادهٔ میرانشاه دچارگردید ولی او را شکست‌داد . اما ابوسعید بکمك ابوالخیرخان پادشاه ازبکان درنزدیکـی سمرقند او را مغلوب ومقتول کرد .

میرزا بابر (۸۵۴ ـ ۸۶۱)

میرزابابر ازدست برادرش‌سلطان محمد ازهرات‌فراری شد.چندی بعدبرگشت

و برادر رادر جنگی کشت وهفت‌سال سلطنت کرد لکن‌عراق وفارس و کرمانرا در۸۵۷ جهانشاه قراقویونلو ازاختیار او بدربرد .

سلطان ابوسعید (۸۵۵ ـ۸۷۳)

ابوسعید پسر میرزاسلطان محمدبن‌میرانشاه‌است که بکمك ابوالخیرخان پادشاه ازبك ، در ۸۵۵ بسلطنت ماوراءالنهر رسید ، پس‌از غلبه برنوادگان شاهرخ ، هـرات‌و غزنه وکابل وسیستان وخوارزم‌را مسخر کرد وچون جهانشاه قراقویونلو بدست اوزون حسن‌آق‌قویونلو بقتل‌رسید ، امرای‌عراق و کرمان وآذربایجـان ، ابوسعیدرا بسلطنت خوددعوت کردند وابوسعید بقصد تصرف آذربایجان به‌میانه‌رسید واوزون‌حسن ،تقاضای صلح کرد ولی‌ابوسعید نپذیرفت وشکست‌خورد و کشته شد .

سلطان حسین میرزا بایقرا (۸۷۵ ـ ۹۱۱)

پس ازابوسعید ، میرزا سلطان‌احمد (۸۷۳ ـ ۸۹۹) در ماوراء النهر پادشاه شد وآذربایجان وعراقرا ترکمانان‌آق‌قویونلو تحت‌حکم‌خودآوردند . سلطان‌حسین‌میرزا بایقرا پسرعمر شیخ‌بن امیرتیمور ، برخراسان مستولی بود ، میرزا یادگار محمد پسر میرزاسلطان محمدبن بایسنقر بتحریك حسن‌بیگ مؤسس سلسلهٔ آق‌قویونلو ،برسلطان حسین میرزا تاخت ولی‌عاقبت مغلوب و کشته شد.

دراین‌ایام ازبکان ، پس‌از برانداختن دولت تیموری در ماوراءالنهر ، بخراسان تجاوزنمودند وسلطان حسین‌میرزا ازهرات بدفع‌ایشان حرکت کرد لکن در راه مرد و پسران او مغلوب ازبکان ومتواری گشتند .

سلطان حسین میرزای بایقرا از مشهور ترین امرای تیموری است وسلطنت او درخشان‌ترین دورهٔ‌تمدن زمان‌تیموریان محسوب میشود . مردی‌فاضل وشاعر بود و در گردآوردن فضلا کوشش‌فراوان میکرد، مدرسه‌و کتابخانه‌ای که درهرات بوجودآورد، تاآنزمان نظیرنداشت . وزیرمعروف‌او که بترکی وفارسی شعر میگفته و نوائی تخلص میکرده امیرنظام‌الدین علیشیراست که از ۸۴۴ تا ۹۰۶ میزیسته .

نورالدین عبدالرحمن‌جامی‌وامیرخوند مؤلف تاریخ روضة‌الصفا وبهزاد نقـاش ، ازنوادر این‌زمان وزینت تاج‌وتخت سلطان‌بایقرا بودند .

ترکمانان قراقویونلو (۸۱۰ - ۸۷۲) و آق قویونلو (۸۷۲ - ۹۲۰)

ازاواخر دورهٔ سلطنت ایلخانان، یکعده ازترکمانانی که در طی لشگرکشی‌های مغول بایران آمده بودند، قدرت یافته و پس از مرگ ابوسعید بهادرخان متوفی بسال ۷۳۶، بدست‌اندازی وتصرف بلاد پرداختند. مشهورترین این‌طوایف چادر نشین، دوطایفه بودندیکی قراقویونلو یعنی‌صاحبان گوسفندان سیاه ودیگری آق قویونلو، صاحبان گوسفندان سفید. طایفهٔ قراقویونلو که نیم‌قرن زودتر روی‌کار آمدند، مذهب شیعه داشتند و با امیرتیمورستیزه میکردند وطایفهٔ آق‌قویونلو که سنی‌بودند دریورشها برای‌تیمورشمشیر میزدند.

امرای قراقویونلو

قرایوسف‌بن قرامحمد(۸۱۰ ـ۸۴۳)

امرای‌قراقویونلوازنسل‌مردی‌هستند بنام قرایوسف پسرقرا محمد و قرا محمد ازامرای سلطان احمد جلایرو پدر زن او بود. در زمان هجوم تیمور بآسیای صغیر، قرایوسف برعراق عرب‌استیلا یافت وسلطان احمد جلایررا ازآنجابیرون کرد، میرزا ابوبکربن میرانشاه ومیرزارستم‌بن‌عمرشیخ، نوادگان‌تیمور، قرایوسف‌را بمصرفراری کردند وسلطان‌مصر، الملك‌الناصرفرج، ازترس امیرتیمور. قرایوسف وسلطان‌احمد جلایررا که نیز باوپناهنده شده بود، بزندان انداخت. پس‌ازمرگ تیمور، قرایوسف بآذربایجان‌آمد ودر ۸۰۹ میرزا ابابکررا شکست داد وتبریزرا گرفت و باز در جنگ دیگردر ۸۱۰ ابابکروپدرش میرانشاه رامغلوب کردو برآذربایجان کاملا مسلط شد ودر همان‌سال، پیربداق پسرخود رابسلطنت نشانیدوخود ازطرف‌او بکشورگشائی‌پرداخت. ابتدا برقراعثمان بایندری رئیس ایل‌آق قویونلودردیاربکرغالب شدوسپس سلطان‌احمد جلایررا درنزدیکی‌تبریز، مغلوب ومقتول کردوعراق عرب رامسخرساخت.

در۸۱۵ امیر شروان و پادشاه گرجستانرا شکست داد و در ۸۱۶ سلطانیه و ساوه وقزوین وطارم‌راگرفت و در مغرب تا حلب پیش رفت. در ۸۲۳ موقعیکه بجلوگیری شاهرخ میرفت، وفات کرد. پسرش پیربداق نیزقبل‌از اوفوت کرده‌بود.

اسکندر بن قرا یوسف (۸۲۳ - ۸۳۹)

بعداز قرایوسف ، پسردیگرش اسکندررا بامارت برداشتند . در ۸۲۴ باشاهرخ جنگید و مغلوب شد ولی پس‌از آنکه شاهرخ بخراسان برگشت، دوباره برآذربایجان مسلط گردید. اما بار دیگراز شاهرخ شکست‌خورد و ناچار بفرارشد وباز بآذربایجان برگشت لکن این‌بار از برادرخود جهانشاه که دست‌نشاندهٔ شاهرخ بود، شکست یافت‌و بحدود نخجوان گریخت و در ۸۴۱ بدست پسر خود کشته شد .

جهانشاه بن قرا یوسف(۸۳۹ - ۸۷۲)

جهانشاه در۸۳۹ که شاهرخ بآذربایجان آمدواسکندر گریخت، ازطرف شاهرخ به‌امارت منصوب شد وبفتوحاتی نائل گردید .

در ۸۴۴ گرجیانرا مغلوب کرد و عراق عرب را از دست یکی از برادران خود بیرون‌آورد و در ۸۵۰ بر عراق عجم و فارس و کرمان مستولی‌شد و در۸۶۲ هرات را تسخیر کرد ولی چون برای سرکوبی حسن بیك که از میان قبیلهٔ آق قویونلو برخاسته بود ، بدیار بکر رفت ، در ۸۷۲غافلگیر و کشته شد . ازآثارنیك جهانشاه ،مسجدکبود تبریز است .

حسنعلی میرزا (۸۷۳ - ۸۷۳)

آخرین امیر این خاندان ، حسنعلی میرزا پسر جهانشاه است که چون ۲۵ سال در قلعهٔ باکو زندانی بود، عقل درستی نداشت و همینکه بجای پدر نشست ، خزائن او را بباد داد و بسیاری از امرا وکسان خود راکشت ویکبار از حسن بیك‌آق‌قویونلو و بار دیگر در ۸۷۳ از پسر حسن بیك شکست خورد وسلسلهٔ امرای قراقویونلو باشکست او بپایان رسید.

امرای آق قویونلو

امیر حسن بیك بن علی بن قرا عثمان (۸۷۳ - ۸۸۳)

مؤسس این سلسلهٔ ، ابوالنصر حسن‌بیك است که بمناسبت بلندی قامت ، او را اوزون حسن خواندملند . پس ازآنکه ریاست طایفه رااز دست برادرارشد خود بیرون آورد ، بر ارمنستان غربی و درهٔ علیای دجله و نواحی کردنشین آنحدود ، مسلط شد و چون مادر او یکی از شاهزاده خانمهای عیسوی از خاندان امپراطور یونانی ناحیهٔ طرابوزان بود ، باآخرین امپراطورآن ناحیه متحد شد وبرادر زادهٔ اوراکه کاترینانام

داشت ، بزوجیت گرفت و از او یك پسر و دو دختر داشت و از آن دو دختر یکی را که مارتا یا علمشاه خانم نام داشت بزنی بشیخ حیدر صفوی داد وآن‌زن مادر شاه اسماعیل صفوی است .

پس از آنکه سلطان محمد ثانی پادشاه عثمانی در ۸۵۷ اسلامبول رافتح کرد ، در صدد تسخیر امپراطوری طرابوزان افتاد و مساعی اوزون حسن‌برای جلوگیری او از این خیال مفید نیفتاد و ناچار بمصالحه گردید و طرابوزان ضمیمهٔ خاك عثمانی‌شد.

پس ازاین واقعه ، اوزون‌حسن بشرق روآورد و جهانشاه قراقویونلو و سلطان ابوسعید تیموری را از میان برداشت و تمام عراق عرب و عجم و فارس وکرمان تا سواحل خلیج ، او را مسلم گردید ولی در جنگی که در ۸۷۷ برای کشیدن انتقام فتح طرابوزان با سلطان محمد عثمانی کرد ، شکست خورد و بتبریز گریخت .

آخرین واقعهٔ عمدهٔ امارت اوزون حسن ، فتح تفلیس است که در ۸۸۱ اتفاق افتاد و سال بعد از این واقعه ، تاریخ وفات اوست.

سلطان خلیل و یعقوب بیك (۸۸۳ ـ ۸۹۶)

پس‌از اوزون حسن ، پسرش‌سلطان خلیل بجای اونشست و اوبرادر خودیعقوب بیك را بامارت دیار بکر منصوب کرد ولی شش ماه نگذشت که یعقوب بیك بر برادر شورید و او را کشت و خود پادشاه شد .

واقعهٔ عمدهٔ پادشاهی یعقوب بیك ، یاری بافرخ یسار امیرشروان است درمقابل سلطان حیدر صفوی پدر شاه اسماعیل . درآن واقعه‌سلطان حیدر بقتل رسید وپسران او بدست یعقوب در قلعهٔ استخر فارس ، محبوس‌شدند . سلطان حیدرپسر دائی‌یعقوب بیك و شوهر خواهر پدری او بود .

امرای دیگر آق‌قویونلو

پس از یعقوب ، پسر ده ساله‌اش بایسنقر در ۸۹۶ بامارت نشست لکن بعضی از امرا ،مسیح برادر یعقوب را بسلطنت برداشتند . جنگ درگرفت و مسیح و جمعی از شاهزادگان آق‌قویونلو کشته شدند . تنها رستم نوادهٔ امیر حسن را زنده گذاشتند . طولی نکشید که بایسنقر گرفتار طرفداران سلطنت رستم‌شد و ناچار به‌شروان نزدفرخ یسار ، پناه برد .

رستم از ۸۹۷ تا ۹۰۲ پادشاه بود . پسران شیخ حیدر صفوی یعنی سلطانعلی

و اسمعیل و ابراهیم را که یعقوب بیك بحبس انداخته بود ، آزاد کرد و بیاری سلطانعلی بایسنقر را که از شروانشاه مدد گرفته بود ، شکست داد و کشت ولی چون به سلطانعلی بدگمان شد ، سلطانعلی وبرادران و مریدانشان به‌اردبیل مهاجرت کردند ورستم‌سپاهی به تعقیب ایشان فرستاد و سلطان علی در جنگی که در اردبیل واقع شد ، بقتل رسید .

رستم در ۹۰۲ بدست پسرعمویش احمد بیك که براو یاغی بود کشته شدواحمد بیك نیز سال بعد بدست والی کرمان از بین رفت و امرای آق‌قویونلو از آن پس‌سه‌تیره شدند و باهم بخلاف و پیکار افتادند و این مقارن ایامی بود که شاه اسماعیل صفوی بخونخواهی پدر و برادرقیام کرد و در حدود گیلان و اردبیل ، یارانی فراهم‌آورد و بر دو نفرآخرین امرای آق‌قویونلو ، سلطان مراد و الوند بیك ، غالب شد . الوند بیك را در ۹۰۷ در حوالی‌نخجوان مغلوب کرد وآذربایجان را ازدست اوبیرون‌آورد وسلطان مراد را سال بعد در نزدیکی همدان شکست داد .

سلطنت صفویه

جد پادشاهان صفوی ، شیخ‌صفی‌الدین ابواسحاق اردبیلی است که در ۶۵۰ تولد یافته و در ۷۳۵ وفات کرده و در شهر اردبیل ، آنجاکه امروز مقبرهٔ اوست ، بخاك سپرده شده است .

شیخ صفی‌الدین‌ازبزرگان عرفای زمان‌خود بشمار میآید ، در ابتدا مرید شیخ تاج‌الدین زاهد گیلانی بودودختراورا بزنی گرفت وچون شیخ زاهد در ۷۰۰ وفات‌یافت، در مقام ارشاد بجای پدر زن نشست و مریدان شیخ زاهد پیرو او شدند و ازآنجمله رشیدالدین فضل‌الله و پسرش خواجه غیاث‌الدین محمد بودند .

پس از فوت شیخ صفی‌الدین ، پسرش شیخ صدرالدین‌موسی(۷۰۴-۷۹۴)سمت ارشاد یافت و پس ازاواین مقام بپسرش سلطان خواجه علی‌رسید . شاه اسماعیل‌مؤسس سلسلهٔ صفویه ، پسرسلطان حیدربن سلطان‌جنیدبن صدرالدین‌ابراهیم‌بن سلطان‌خواجه علی است یعنی شیخ صفی‌الدین جد ششم شاه اسماعیل است .

سلطان جنید معاصر اوزون حسن بود و خواهر او خدیجه بیگم‌را بزوجیت داشت ،ازآن زن پسری شدکه همان سلطان حیدر پدر شاه اسماعیل است و سلطان حیدر ، دختر اوزون حسن ، دائی خود راکه مارتا یا علمشاه خاتون نام داشت ، بزنی

گرفت و شاه اسماعیل از آن دختر بوجودآمد.

سلطان جنید در ۸۶۰ در جنگ با شروانشاه بقتل رسید و پسرش سلطان‌حیدر نیز در ۸۹۳ در جنگ با شروانشاه بهمین سرنوشت گرفتار شد.

سلطان حیدر سه پسر داشت : علی ، ابراهیم و اسماعیل . امیریعقوب این‌هرسه را در حبس قلعه استخر داشت تا او مرد و امیر رستم آنانراآزادکرد علی و ابراهیم کشته شدند و اسمعیل مدت شش سال در پناه سادات قوامی گیلان بسر برد .

در اوائل ۹۰۵ اسمعیل بپشت گرمی پیروان آبا و اجدادی خودکه بنام صوفیه همه جا متفرق بودند ، از راه‌آستارا باردبیل‌آمد و بعد از شش ماه هفت هزار نفر از ترکان طوایف مختلف مانند شاملو و استاجلو و قاجار و تکلو و ذوالقدر و افشار ، بدو پیوستند و چون پارچهٔ قرمزی بسرمی بستندبنام قزلباش یعنی‌سرخ سرمعروف گشتند.

شاه اسمعیل که در۸۹۲تولد یافته بود ،در موقع‌قیام بخونخواهی پدروتشکیل سلسلهٔ صفوی ، بیش از سیزده سال نداشت . پس از زیارت مقابر اجداد و دیدار مادر خود ، به شروان حمله‌برد و شروانشاه قاتل پدر خود را در دهکدهٔ گلستان ، مغلوب و مقتول ساخت ، سپس باکو را مسخر کرد و ترکمانان‌آق‌قویونلو را شکست . شهر تبریز را پایتخت و مذهب شیعهٔ دوازده امامی را مذهب رسمی قرار داد و بسلطنت نشست و تاجی از پارچهٔ پشمین قرمزکه سقرلات نام داشت ، بسرگذاشت .

پس‌از این فیروزیها ، شاه‌اسماعیل بعراق عرب لشگرکشیدومرادبیك‌آق‌قویونلو را شکست داد و در ۹۰۹ فارس‌را گرفت‌و در ۹۱۴ بغداد وعراق عرب‌را یکسره‌مسخر نمود و بجز خراسان جائی باقی نماندکه در تصرف او نباشد .

مقارن قیام‌شاه اسماعیل ، ازبکان برخراسان مستولی بودند ازبکان بازماندگان مغولندکه در حدود سال۹۰۴ ماوراءالنهررا ازچنگ اخلاف تیمور بیرون‌آورده‌بودند و امرای ایشانراکه به جوجی پسر چنگیز میرسند ، امرای شیبانی مینامیدند ولی این اسم راکه بکسرشین خوانده میشود ، با نام طایفهٔ شیبانی‌که بفتح شین و مخصوص‌طایفهٔ عرب بنی‌شیبان است ، نسبتی نیست .

مؤسس سلسلهٔ ازبکان ، محمد شاهی‌بیگ یا شیبك خان بودکه در ۹۱۳خراسان را از پسران سلطان حسین میرزای بایقراگرفت و شاه‌اسماعیل را بترك مذهب شیعه

خواند و تهدید کرد وچون شاه اسماعیل ، دعوت او را اجابت نکرد ، ازبکان بتجاوز بکرمان پرداختند .

شاه اسماعیل در ۹۱۶ مشهد را گرفت و ازبکان را در مرو شکست سختی داد و شیبك خان درمعرکه جان سپرد . در نتیجهٔ این پیروزی، ایران و هندوستان ازخطر ترکان رستندو شاه‌اسماعیل، خواهر بابرشاه راکه بدست ازبکان اسیر افتاده بود،باحترام نزد برادر بهند فرستاد و بین بابرشاه‌که در همان اوان ، سلسله ای در هند تأسیس کرده بود و شاه اسماعیل صفوی ، بنیان دوستی محکمی گذارده شد .

پس از این فتح ، شاه اسماعیل زمستان را در هرات گذرانید و در بهار ۹۱۷ بطرف ماوراءالنهر عزیمت کردو تا جیحون پیش رفت وبآذربایجان برگشت . در۹۱۸ دوبار ه‌لشگری بهمراهی‌سپاه بابرشاه هند ، بماوراءالنهر فرستاد لکن هردو لشگرشکست خوردند و ازبکان بخراسان و هرات ریختند . شاه اسماعیل بسرعت خود را بخراسان رسانید وازبکان را فراری کرد .

دولت عثمانی در آنزمان ، بکمال قدرت رسیده بود و تشکیل دولت صفوی را بچشم‌رقابت و خصومت مینگریست و برای ابراز دشمنی ، نزدیك بچهل هزار شیعه را درآسیای صغیر بقتل رسانید .

در ۹۲۰ مابین سلطان سلیم خان اول پادشاه عثمانی و شاه اسماعیل جنگی در چالدران واقع در شرق رضائیه ، درگرفت . لشگر عثمانی صدو بیست هزار بود و توپ وتفنگ داشت در صورتیکه لشگر ایران بیش ازشصت هزار نبود. سپاه ایران باوجود منتهای رشادت ، شکست خورد و شاه اسمعیل بتبریز و همدان عقب نشست و سلطان سلیم ، تبریز راگرفت لکن در مقابل مقاومت سخت مردم ، پس از دو هفته ، ازآنشهر رفت و شاه اسمعیل بدانجا برگشت . در نتیجهٔ این شکست ، دیار بکر و کردستان ، ضمیمهٔ دولت عثمانی شد .

شاه اسماعیل پسرخود طهماسب راکه سه سال‌داشت ،بحکومت‌خراسان‌فرستاد ودر ۹۳۰ در نزدیکی‌سراب ، فوت‌کرد . از رشیدترین و بزرگترین پادشاهان ایران بود و باترویج‌مذهب‌شیعه ، ایرانرا از قیدرقیت‌سلاطین‌عثمانی‌که خود را خلیفه اسلام میگفتند ،آزاد ساخت و چون با دربار های اروپائی بر ضد عثمانی روابط پیداکرد ، مقدمات نفوذ تمدن اروپا بایران ، در عهد او فراهم گردید .

شاه طهماسب اول (۹۳۰ - ۹۸۴)

از شاه اسماعیل ، چهار پسر باقی ماند . اول طهماسب که در ۹۱۹ تولد یافته و درحین فوت پدر، یازده سال داشت و حاکم خراسان بود ؛ دوم القاص میرزا که سه سال از طهماسب کوچکتر بود ؛ سوم سام میرزا و چهارم بهرام میرزا .

پس از شاه اسماعیل ، شاه طهماسب بر تخت نشست و امور مملکت در نتیجهٔ رقابت امرا مختل شد چنانکه در ۹۳۲ عبیدالله‌خان ازبك بر خراسان دست‌یافت و یکباره سپاه ایرانرا در فیروزکوه هرات در ۹۳۳ شکست داد لکن شاه طهماسب خود بخراسان‌آمد و در ۹۳۵ در زورآباد ، ازبکانرا مغلوب نمود و برادر خردسال خود بهرام میرزا را بحکومت خراسان گذاشت .

بار دیگر در ۹۳۷ عبیدالله خان بخراسان‌آمد ویکسال ونیم هرات رادرمحاصره داشت لکن همینکه از حرکت شاه طهماسب آگاه شد ،فرار کرد . ایندفعه شاه‌طهماسب، حکومت خراسانرا به برادر دیگر خود سام میرزا سپرد و چون در مغرب ، مورد حملهٔ سلطان سلیمانخان پادشاه عثمانی واقع گردیده بود ، از تعقیب ازبکان و عزیمت بماوراءالنهر صرفنظر کرد .

سلطان‌عثمانی بتحریك بعضی از امرای ایران‌در۹۳۹ که‌شاه طهماسب‌درخراسان بود ،آذربایجان راگرفت و تا سلطانیه پیش رفت لکن قبل از رسیدن شاه طهماسب، بعراق عرب برگشت و بغداد را تصرف کرد و سال بعد بار دیگرآذربایجانرا گرفت‌ولی پس از اندکی بکشور خود مراجعت کرد و شاه طهماسب‌آذربایجانرا مطیع و امرای نافرمانرا سیاست نمود .

در ۹۴۰ سام میرزا بر شاه طهماسب شورید و بقندهار لشگر کشید و ازبکان بهرات‌آمدند، شاه طهماسب ازبکانرا فراری کرد .

در ۹۴۴ والی شروان یاغی شد . شاه طهماسب ، القاص میرزا برادر خود را بسرکوبی او فرستاد لکن مردم شروان گفتند که قلعهٔ خود راجز بشاه طهماسب تسلیم نخواهند کرد . شاه طهماسب خود شروان را فتح کرد و حکومت‌آنرا به القاص میرزا برادرخودواگذاشت . القاص‌میرزا در ۹۵۱ بر برادرعصیان کرد و بخشیده‌شد. باز در ۹۵۳ علم مخالفت افراشت لکن اینبار از ترس گریخت و به سلطان سلیمانخان عثمانی

پناه برد و او را بتصرف آذربایجان وا داشت . سلطان عثمانی تبریز را گرفت و القاص میرزا با شش هزار سوار بهمدان آمد وباصفهان رفت ولی چون مردم اصفهان اورا راه ندادند ، به بغداد عزیمت کرد و مابین او وسلطان عثمانی بهم خورد والقاص میرزا بدست سپاهیان شاه طهماسب ، دستگیر شد و سال بعد در حبس مرد .

در ۹۵۱ همایونشاه هندی پسرظهیرالدین محمدبابرشاه،مؤسس سلسلهٔ گورکانیان هند ، که از افاغنه شکست خورده بود ، بایران آمد و بشاه‌طهماسب پناه برد و در تمام مدتی که در ایران بود شاه طهماسب او را شاهانه پذیرائی کرد و احترام گذاشت و با مدد لشگری ، او را بسلطنت خود باز گردانید .

شاه طهماسب در ۹۵۶ گرجستان و سال دیگر ، شروانرا که راه نافرمانی رفته بود ، مطیع کرد ودر ۹۵۸ بتعرض به بلاد روم پرداخت ونقاطی از کردستان وارمنستان را که سلطان عثمانی گرفته بود ، بتصرف درآورد .

سلطان سلیمان عثمانی به‌نخجوان آمد لکن پس از دو روز مراجعت نمود وشاه طهماسب بقزوین رفت .

در ۹۶۶ میان پسران سلطان سلیمان با پدر خود ، اختلاف افتاد و در نتیجهٔ یکی از ایشان بنام بایزید بپناه شاه طهماسب آمد و با احترام فراوان بقزوین وارد شدو چندی بعزت درآنجا میزیست تاآنکه بعلت حرکاتی ناپسند که از او وهمراهانش سرزد شاه طهماسب بایزید را بزندان انداخت و بعضی از ملازمان او را کشت . سال بعد ، سلطان سلیمان سفرا و هدایائی نزد شاه طهماسب فرستاد وطلب صلح کرد وپادشاه‌ایران بایزید را پیش پدر روانه نمود .

شاه طهماسب در ۹۸۴ وفات یافت و ایرانی تمام و قوی‌ازاو باقی ماند . درزمان شاه طهماسب ، روابط ایران با دول مغرب که در عهد شاه اسماعیل ، بعلت دست اندازی پرتغالیها بجزائر و سواحل خلیج فارس ، شروع شده بود ، رو بتزاید گذاشت . یکنفر انگلیسی بنام انتونی چنکین‌سن که از طرف یك تجارتخانه بنام شرکت تجارت‌باروسیه از لندن بمسکو رفته بود ، بقزوین آمد و نامه و هدیه ای راکه از طرف ملکه الیزابت انگلستان ، حامل بود ، بشاه تقدیم کرد و در مراجعت ، مقداری ابریشم و پارچه های قیمتی از ایران همراه برد و خوبی ابریشم ایران ، مورد توجه واقع گردید ولی چون

راه روسیه دشوار بود ، انگلیسها برای تجارت با ایران ، متوجه راه دیگری شدند .

شاه اسماعیل دوم (۹۸۴ - ۹۸۵)

پس‌از شاه طهماسب ، بین سران سپاه در انتخاب جانشین او اختلاف شد . جمعی حیدر میرزا یکی از پسران او را بتخت نشاندند ولی دیگران حیدر را بقتل رسانده اسماعیل میرزا راکه در قراباغ ، بامر پدر ، محبوس بود بسلطنت برداشتند .

اسماعیل میرزا مردی عیاش و سفیه و سنی مذهب بود و مصمم شد که مذهب شیعه را از ایران براندازد. از طرف دیگر ،اکثرخویشان خود راکشت ، تنهابرادرش سلطان محمد میرزا که‌درشیرازبودوپسران او وازجمله‌عباس‌میرزا که درهرات‌میزیست، ازکشتن رستند زیرا قبل آنکه فرمان قتل در موردآنان نیز اجرا شود ، شاه اسماعیل را شبی در قزوین ، کشته یافتند .

سلطان محمد خدابنده(۹۸۵ -۹۹۶)

بعد از شاه اسماعیل دوم ، سلطان محمد میرزا که در شیراز بود ، بقزوین آمد و بجای برادر نشست و بلقب خدا بنده خوانده شد .

سلطان مراد خان ثالث ، پادشاه عثمانی ، در ۹۸۶ بشروان و قراباغ لشگر کشید ولی از حمزه میرزا پسر بزرگ سلطان محمد ، شکست خورد .

در ۹۸۹ علیقلیخان شاملو که‌درخدمت عباس میرزا پسر سلطان محمدخدابنده، درخراسان بود ، از اطاعت پادشاه سر پیچید و عباس میرزا را سلطان خواند . سلطان محمد ، پسر بزرگ خود حمزه میرزا را بخراسان فرستاد و عثمانی ها وقت را مغتنم شمرده دوباره بشروان حمله بردند .

چون حمزه میرزا نتوانست غائلهٔ خراسانرا فرو بنشاند ، سلطان محمد در۹۹۱ خود بتسخیر هرات که در دست عباس میرزا بود رفت . اهالی هرات تسلیم نشدند و گفتند که اگرسلطان، سلمان اعتماد الدوله وزیرخود راکه سبب‌عزل علیقلیخان شاملو شده بایشان نسپارد ، عباس میرزا را بسلطنت خواهند نشانید . سلطان چنین کرد و اعتمادالدوله بدست قزلباشان هرات کشته شد وسلطان محمد بدون اینکه بگرفتن‌هرات نائل بیاید ، ناچار بدفع عثمان پاشا سردار سپاه عثمانی‌حرکت کرد .

حمزه میرزا در محاصرهٔ هرات پا فشاری کرد و عاقبت بین او و عباس میرزا

بدینگونه صلح شد که خراسان وهرات دردست عباس‌میرزا و عراق در دست حمزه‌میرزا بماند . پس از این قرارداد ، حمزه میرزا بمقابله با عثمان پاشا رفت و در جنگی که در تبریز بسال ۹۹۳ اتفاق افتاد ، عثمان پاشا شکست خورد و بکردستان فراری شد .

حمزه میرزا در ۹۹۴ نزدیکی گنجه ، بدست جمعی از امرای ترکمان و افشار کشته شد و چون این خبر بخراسان رسید ، امرای خراسان بهمراهی عباس میرزا از مشهد بقزوین حرکت کردند . امرای قاتل حمزه میرزا ، برادر او ابوطالب میرزا را بسلطنت برداشتند و بقزوین و اصفهان رفتند و چون شنیدند که عباس میرزا بیاری علیقلیخان شاملو ومرشد قلیخان استاجلو، بقزوین حرکت کرده اند، برای جلوگیری زآنان بقزوین برگشتند .

عباس میرزا در ۹۹۶ بقزوین وارد شد و بتخت سلطنت نشست و پدر او سلطان محمد خدابنده که در شیراز بود ، سلطنت او را تصدیق کرد و خود تا سال ۱۰۰۳ حیات داشت .

شاه عباس بزرگ (۹۹۶ ـ ۱۰۳۸)

زمانیکه محمد خدابنده از طرف شاه طهماسب ، والی هرات بود ، شاه عباس بزرگ در ۹۷۸ درآنشهر بدنیاآمد و در تاریخی که بسلطنت نشست هیجده سال‌داشت.

انقلاباتیکه در دورهٔ سلطان محمد خدابنده در ایران اتفاق افتاد ، ازبکان و عثمانیانرابتجاوز بایران وا داشت و شاه عباس‌در ابتدای سلطنت ، با این دو مشکل‌روبرو شد . شاه عباس ناچار با دولت عثمانی صلح کرد و تبریز و شروان و گرجستان ولرستان یعنی قسمت عمدهٔ شمال غربی را بآن دولت واگذار نمود و بدفع عبدالمؤمن خان پسر عبدالله خان ثانی پادشاه ازبك ، که مشهد را در محاصره داشت ، پرداخت ولی‌درتهران بیمار شد و به پنجاه روز بستری بود و عبدالمؤمن خان درآنمدت مشهد راگرفت و جمع کثیری راکشت و نفائس‌آستانهٔ قدس ازآنجمله کتابخانهٔ گرانبهای‌آنجا را غارت کرد و سپس بر نیشابور و دامغان مسلط شد و همینکه از سلامتی شاه عباس اطلاع‌پیدا کرد ، خراسانراتخلیه نمود .

شاه عباس پس از اعادهٔ صحت ، بدفع کسانیکه در مدت بیماری او سرکشی کرده بودند پرداخت و یزد و کرمان و گیلان و لرستان را به اطاعت‌آورد .

در ۱۰۰۶ در هرات ، ازبکان راکه بازگاه بگاه بخراسان میتاختند، شکست عظیمی داد و تا مدتی شرشان ازآنحدود دفع شد .

حکومت فارس را شاه عباس در ۱۰۰۳ به الله‌وردیخان زرگرباشی واگذاشت و درآن تاریخ ، ولایت لار ، مطیع یکدسته از خوانین محلی و بنادر آن ولایت مانند میناب و حبرون نزدیك بندر عباس حالیه ، تابع حکمران هند پرتغال بود .

پرتغالیها در ۹۱۲ جزیرهٔ هرموز و سپس ، عمان و مسقط را بتصرف خود در آورده بودند . در ۹۲۰ بین شاه اسماعیل صفوی وآلبوکرك ، حکمران هند پرتغال ، عهدی بسته شد مبنی براینکه پادشاه ایران بالمره از هرموز صرفنظر کند و پرتغال در لشگرکشی به بحرین و خواباندن انقلاب بلوچستان ، با ایران مساعدت نماید . با وجود این معاهده ، پرتغالیها در ۹۲۶ بحرین را از تصرف ایران بیرون‌آوردندوشاه اسماعیل بعلت‌نداشتن کشتی نتوانست‌اقدامی کند وحتی در انقلاب عظیمی که بین سالهای ۹۲۵ تا ۹۲۸ در سواحل خلیج و درکلیهٔ جزایر از طرف اهالی بر ضد پرتغالیها شد شاه ایران نتوانست بشورشیان کمکی برساند .

در ۱۰۰۹ الله‌وردیخان والی فارس ، ابتدا خوانین لار را مطیع کرد و بعدازآن بحرین را پس از یك قرن تصرف ، از پرتغالیها پس گرفت .

شاه عباس در ۱۰۱۱ بجنگ عثمانی رفت و ابتدا تبریز و پس از آن در ۱۰۱۳ ایروان راگشود و بمحاصرهٔ قارص و وان پرداخت وسردار مشهور عثمانی جغال‌اوغلی راکه با صد هزار سپاه بکمك آن دو شهرآمده بود ، با شصت و دو هزار سپاهی ، در ۱۰۱۳ بحسن تدبیر و رشادت ، شکست داد و سال بغد ،گنجه و تفلیس و باکو ودربند و شروان و شماخی و دیار بکر و موصل را فتح کرد و در اوایل ۱۰۱۵ به قزوین برگشت .

در ۱۰۱۷ صدر اعظم عثمانی مراد پاشا با لشگری گران تبریز راگرفت ولی بعداً شکست خورد و عاقبت میان دو کشور صلح شد و ممالك از دست رفته بایران بازگشت و پادشاه ایران‌قبول کرد که هرساله دویست بارابریشم خام باسلامبول‌بفرستد.

در ۱۰۲۱ طهمورث خان گرجی ، بر حکمران قراباغ تاخت و او راکشت . شاه عباس از اصفهان رسید و طهمورث بپناه سلطان عثمانی گریخت و صلح میان‌ایران

و عثمانی برهم خورد .

در ۱۰۲۴ چون طهمورث خان بگرجستان برگشته و حاکم ایران راشکست داده بود شاه عباس بگرجستان رفت ، هفتاد هزار نفر راکشت و صدو سی هزار اسیر گرفت و به تفلیس وارد شد و با محمد پاشا سردار عثمانی که‌بکمك طهمورث آمده و ایروان را محاصره کرده بود ، مصاف داد و بر او غالب گشت .

بار دیگر دولت عثمانی در ۱۰۲۷سپاهی بسر کردگی خلیل پاشا به تبریزفرستاد و آن سپاه نیز از سپهسالار شاه عباس بنام قرچغای خان ، شکست خورد .

آخرین جنگهای شاه عباس با عثمانی در سالهای ۱۰۳۲ تا ۱۰۳۴ برسر تصرف بغداد اتفاق افتاده . بدینقرار که در ۱۰۳۲ شاه عباس عراق عرب راگشود ولی سال بعد حافظاحمد پاشا ازجانب سلطان مرادخان چهارم بغداد رامحاصره کرد و اززینل‌بیگ شاملو سردار شاه عباس ، شکست خورد . در ۱۰۳۴ شاه عباس خود بـه بغدادآمد و سپاهیان عثمانی را چند بار درهم شکست از آن پس آخر دوران شاه عباس ، جنگ مهمی بین دو کشور واقع نشد .

پس از فتح بحرین بدست سپاه ایران و محاصرهٔ بندر جبرون ، پادشاه اسپانیـا فیلیپ که بر پرتغال نیز سلطنت میکرد ،از شاه ایران‌خواست که بحرین را به‌پرتغالیها وا بگذارد و دست از محاصرهٔ جبرون بردارد . درآن تاریخ یعنی ۱۰۱۱ که سفـرای فیلیپ درمشهد بحضور شاه عباس رسیدند ، او در فکربستن اتحادی بادول غرب‌برضد عثمانی بود و بنا بر این رضا داد که الله‌وردیخان دست از محاصرهٔ جبرون بردارد لکن در خصوص بحرین ، جواب صریحی نداد و حاکـم‌آن جزیـره نیز پرتغالیهـا را نپذیرفت .

از سال ۱۰۰۹ که بحرین بدست ایرانیان افتاده بود ، چون الله‌وردی‌خان‌میدید که پرتغالیها از خیال پس گرفتن آن جزیره منصرف نمیشوند ، در نزدیکی حـبرون ، قلعه ای بنام عباسی ساخت و از آنجاپیوسته متعرض‌جبرون و بنادر دیگری که درتصرف پرتغالیها بود میگردید تا توجه‌آنانرا از بحرین بگرداند .

الله‌وردیخان بگرفتن جبرون ، توفیق نیافت لکن پسرش امامقلیخـان که والـی

فارس شد ،آن بندر راگرفت و قلعهٔ پرتغالی را خراب کرد و بجای آن ، بندر عباس کنونی را ساخت .

در ۱۰۲۳ فیلیپ اسپانیا بازسفیری بایران فرستاد وبوعدهٔ کمك بایران درحمله به عثمانی ،تسلیم بحرین و حبرون را خواست ولی‌شاه عباس این درخواست رانپذیرفت و با شرکت هند شرقی انگلیس ببستن عهدنامهٔ بازرگانی پرداخت . ضمناً بامامقلیخان دستور داد که برای تصرف جزیرهٔ قشم و هرموز ، از شرکت انگلیسی ، کشتیهائی باختیار بگیرد . انگلیسها که تا یکسال زیر بار نمیرفتند ، در مقابل تهدید امامقلیخان بضبط اموال شرکت ، بقبول پیشنهاد راضی شدندو قراردادی در میان‌بسته شد مبنی بر اینکه ایرانیان از خشکی و انگلیسها از دریا به قشم و هرموز حمله ببرند و پس از فتح ، غنائم را بتساوی تقسیم کنند و از اسرا مسلمانانرا بایران و عیسویانرا بانگلیس وا بگذارند و حاصل گمرك هرموز نیز بین دو طرف تقسیم شود . بدینترتیب قشم و هرموز در ۱۰۳۱ در نتیجهٔ اتحاد نظامی ایران وانگلیس فتح شد . لکن امامقلی خان ، بعلت ضعف قوهٔ بحریه و پیشنهاد های سخت انگلیسها برای مساعدت‌در تسخیر مسقط و عمان ، بتصرف این دو جزیره موفق نگردید .

در ۱۰۳۴ همینکه پرتغالیها از استرداد هرموز ناامید شدند ، ازکلیهٔ ادعا های خود چشم پوشیده با شاه عباس صلح کردند و بگرفتن اجازهٔ صید مروارید در بحرین ، موفق گشتند .

در سال‌آخر سلطنت ، شاه عباس بامامقلیخان والی فارس دستور دادکه بصره را تسخیر کند و خود عازم مازندران شد و در ۱۰۳۸ در اشرف (بهشهر کنونی) بسن ۵۹ سالگی وفات یافت ودر کاشان و سپس در قم مدفون گردید .

شاه عباس اول ، بواسطهٔ فتوحات درخشان و حسن تدبیر در ادارهٔ مملکت‌وآثار خیر خود ، بزرگترین پادشاه ایران بعد از اسلام است و لقب بزرگ راکه اروپائیان بر او گذاشته اند ،کاملا سزاوار است مگرآنکه در زندگانی خصوصی ، مرتکب اعمالی شده که او را مستوجب نکوهش میسازد ، مانند قتل صفی میرزا پسر ارشد خود بسال ۱۰۲۲ بتهمت قصد طغیان وکور کردن دو پسر دیگر و قتل عام گرجستان وکشتن زیردستان باندك سوء ظنی .

پایتخت خود را در سال ۱۰۰۰ از قزوین باصفهان برد و این شهر را بکمال آبادی و زیبائی رسانید و در ولایات دیگر بخصوص در مازندران بناهای بسیار کرد و گفته اند که تا هزار کاروانسرا ساخت . در ۱۰۱۷ دستور داد که رصد خانهٔ هولاگو را درمراغه تعمیر کنند و در ۱۰۲۸ امر داد حفر کوهرنگ را که در زمان شاه طهماسب شروع شده بود ، بپایان برسانند .

در ۱۰۰۶ یکی از نجیب زادگان انگلستان بنام انتونی شرلی با برادرخودرابرت شرلی و بیست وشش تن همراهان ، بایران آمد و قصد او از یکطرف تحصیل امتیازات تجارتی و از طرف دیگر ، واردکردن شاه عباس در اتحاد سلاطین عیسوی بر ضد عثمانی بود ،

چون معلوم شد که در میان آن گروه ، جمعی بتوپ ریزی و فنون نظام جدید آشنا هستند ، شاه عباس از وجود آنها استفاده کرد وپیاده و سواره نظامی با حقوق ثابت و توپخانه ترتیب داد و ریاست آنرا بالله‌وردیخان گذاشت و برای جلوگیری از خطر احتمالی از طرف قزلباش ، ایل تازه ای بنام شاهی‌سون یعنی شاهدوست ، تشکیل داد .

در ۱۰۰۷ ، انتونی شرلی را با حسینعلی بیك بیات بدربار های اروپا فرستاد تا هم برای فروش ابریشم قرارداد هائی ببندند وهم اتحاد بر ضد عثمانی را بر پایهٔ محکمی بگذارند .

در میان راه ، میانهٔ شرلی و حسینقلی بیگ بهم خورد و شرلی بایران نیامد ولی برادراورابرت شرلی که در جنگ با عثمانی خدمات نمایانی کرده بود ، در ۱۰۱۶ و بار دیگر در ۱۰۲۴ از طرف شاه عباس ، بدربار های اروپا بسفارت مأمور گردید .

شاه صفی (۱۰۳۸ ـ ۱۰۵۲)

پس از شاه عباس بزرگ بنا بروصیت او ، سام میرزا پسر صفی میرزا بنام شاه صفی بتخت نشست در صورتیکه بیش از هفت سال نداشت . ازبکان در ۱۰۳۸ بتعرض بخاك ایران پرداختند و از منوچهر خان حاکم مشهد شکست خوردند ولی تعرض ترکان عثمانی چهارده سال یعنی در تمام مدت سلطنت شاه صفی طول کشید .

سلطان مراد چهارم که از سلاطین باکفایت عثمانی بود برای جبران شکستهای گذشته ، خسرو پاشا صدر اعظم خود را بتصرف بغداد فرستاد و او زینل خان سردار

ایرانرا در پای قلعهٔ مریوان در ۱۰۳۸ شکست داد و ترکان خود را از آنراه بهمدان رساندند در صورتیکه صفی قلیخان حاکم ایرانی بغداد ، مردانه از آنشهر دفاع میکرد و سرحد داران آذربایجان نیز همه‌جا جلو ترکانرا گرفته بودند . شاه صفی از شدت غضب زینل خان را کشت و خود عازم بغداد شد . ازاین خبر ، ترکان دست ازمحاصرهٔ بغداد برداشتند و رفتند ،

در ۱۰۴۱ طهمورث خان پادشاه گرجستان ، علم مخالفت بر افراشت ولی‌بدست رستم خان سردار ایرانی مغلوب گردید و خسرو میرزا از شاهزادگان گرجی که در اصفهان سمت داروغگی داشت ، بنام رستم اول ، تحت تبعیت شاه صفی ، پادشاه گرجستان شد .

در ۱۰۴۵ سلطان مراد عثمانی ایروان را در نتیجهٔ خیانت امیرگونه خان‌قاجار حکمران شهر ، تصرف نمود ،وتبریز را گرفت و ویران کرد وآتش زد و بعلت سرمای سخت ، بجانب دیار بکر رفت . پس از او شاه صفی ایروانرا مسخر نمود و باصفهان برگشت .

در ۱۰۴۸ سلطان مراد بایران لشگر کشید و بغداد را گرفت و غارت کرد وشاه صفی که تا همدان آمده بود ، مجبور بصلح شد .

شاه صفی در مراجعت از مشهد ، بسال ۱۰۵۲ درکاشان فوت کرد و در قم مدفون گردید .

این پادشاه در عین بی کفایتی و عیاشی ، بسیار سخت دل وبیرحم بوده واز کشتن وکور کردن زنان نیز خود داری نداشته و بسیاری از خاندانهای جلیل بدست او بر افتادند .

عموی کور خود را کشت و امامقلیخان فاتح هرموز را که برادرش داود خان حکمران قراباغ با طهمورث گرجی همدست و یاغی شده بود ، باین تهمت که درفارس خیال استقلال دارد ، احضار کرد و در ۱۰۴۲ با سه پسرش در قزوین بقتل رسانید .

شاه عباس دوم (۱۰۵۲ ـ ۱۰۷۷)

بعد از شاه صفی ، پسر نه ساله اش عباس میرزا در ۱۰۵۲ بنام شاه عباس ثانی بتخت نشست . در همان سال ، شاه جهان پادشاه هندوستان ، با وجود روابط نیکی که

بین سلاطین صفوی و پادشاهان گورکانی موجود بود ، قندهار یعنی ولایت سرحدی بین ایران و هند راکه از عهد شاه عباس بزرگ ، در دست صفویه بود ، تصرف کردوسپس متوجه تسخیر ترکستان شد . ندر محمد خان پادشاه ازبکان ، بخراسان آمد و از شاه ایران استمداد کرد . شاه عباس ، سپاهی بمدد او فرستاد و شاه جهان دست از حمله برداشت و با شاه ایران از در دوستی درآمد .

در ۱۰۵۷ شاه عباس ، لشگری به سپهسالاری مرتضی قلیخان قاجار ، بقصد گرفتن قندهار فرستاد و خود نیز سال بعد بآن لشگر ملحق شد و قندهار را محاصره کرد و در ۱۰۵۹ آن شهر راگرفت وحملات سخت شاه جهان هندی و پسرش اورنگ زیب در طی سالهای ۱۰۶۱ تا ۱۰۶۴ برای استرداد قندهار ،همه باشکست مواجه‌شد .

شاه عباس ثانی در ۱۰۷۷ در سی و پنج سالگی در نزدیکی دامغان فوت کرد و در قم دفن شد . عمارت چهل ستون اصفهان و اتمام عالی قاپو که شاه عباس کبیرشروع کرده بود و بنای باغ سعادت در کنار زاینده رود . از اوست .

شاه سلیمان (۱۰۷۷ - ۱۱۰۶)

شاه عباس ثانی دو پسرداشت: یکی صفی میرزا و دیگری حمزه‌میرزا صفی میرزارا دوست نمیداشت‌ودر اواخراو را در یکی از قصور ،محبوس کرده‌بود . پس از مرگ شاه عباس ثانی ، امرا تصمیم گرفتند که حمزه میرزای هشت ساله را بسلطنت بردارند لکن آغا مبارك ، خواجه باشی حرم شاه با این خیال مخالفت کرد و عاقبت صفی میرزای بیست ساله بنام صفی میرزای دوم و بعدها بنام شاه سلیمان ، بسلطنت رسید .

این شاه تمام عمر را در حرمسرا با زنان و خواجگان بسر برده و بی تربیت و باخلاق زنانه بارآمده بود ولی خوشبختانه وزیری داشت بنام شیخ علیخان زنگنه که دارای کفایت و حسن رفتار بود و مملکت را اداره میکرد . بعلاوه‌همسایگان ایران نیز بسبب گرفتاریهامتوجه این کشور نبودند ودورهٔ سلطنت شاه سلیمان بآرامی گذشت.

دو نفر فرانسوی بنام شاردن و تاورنیه که در زمان این شاه در اصفهان بوده‌اند ، شرح مسافرت خود را نوشته و از آن ایام ، اطلاعات نفیسی بجاگذاشته اند . مخصوصاً تاورنیه از زمان شاه صفی تا عهد شاه سلیمان ، شش بار بایران آمده و کتاب او راجع به تاجگذاری شاه سلیمان ، از اسناد تاریخی است .

شاه سلطان حسین (۱۱۰۶ - ۱۱۳۵)

پس از شاه سلیمان ، امرا از هفت پسر او ، سلطان حسین میرزا راکه پسر بزرگتر و از همه بی کفایت تر بود ، بسلطنت برداشتند و اول کار بد او نصب شاهنواز خان گرجی است بحکومت قندهار و این همان حاکم بد سیرتی است که بلقب گرگین خان معروف شده و موجبات طغیان افاغنه وانقراض سلسلهٔ صفویه را فراهم آورده‌است.

دراواسط سلطنت شاه طهماسب اول ،ایوان چهارم ،تزارمسکوی، پس‌ازفتح‌شهر هشترخان و رسیدن بسواحل بحرخزر و حدود داغستان ، بنای تعرض به قفقاز را گذاشت لکن حکام داغستان مکرر روسها را شکست دادند. پس از شاه طهماسب ، در ایام سلطنت شاه اسماعیل ثانی و سلطان محمد خدابنده ، بعلت ضعف ایران ، روسها بمداخله در کار گرجستان پرداختند ولی بعدها شاه عباس بزرگ ،گرجستانرا کاملا مطیع و دست روسها را از آن نواحی کوتاه کرد .

درعهد شاه عباس ثانی که پدر پطر کبیر سلطنت داشت ، هیئتی از روسیه‌مرکب از هشتصدنفر برای باز کردن‌راه تجارت با ایران ، بقزوین‌آمدندولی چون شاه‌دریافت که‌آن هیئت‌برای تحصیل معافیت‌از حقوق گمرکی‌آمده اند ،ایشانرا بدربند برگردانید تزار روسیه کشتیهائی بسواحل مازندران فرستاد و پس از آتش زدن فرح‌آباد ، بکنار مرداب استرآباد ،لشگر پیاده کرد لکن ایرانیان‌آنها را در شبه جزیرهٔ میانگاله‌محصور و دستگیر کردند .

پطر کبیر روسیه که خیال داشت از راه ایران بخلیج فارس و هندوستان برسد ، ابتدا از در مسالمت درآمد و یکنفر ارمنی را بنام اوری ، نزد شاه سلطان حسین‌فرستاد شاه او را بخوبی پذیرفت و بدادن امتیازات تجارتی حاضر شد . هفت سال بعد ، پطر کبیر سفیر دیگری بایران فرستاد و از تعرضاتی که‌در حدود بخارا به تجار روس‌وارد آمده بود شکایت کرد . رفتار خشن و غرور آن سفیر سبب شد که بدون گرفتن نتیجه به روسیه برگردد و این امر بهانه ای برای دخالت در امور ایران ، بدست پطر داد ، ابتدا بعنوان جنگ با شاه سلطان حسین و بعد برای یاری او و سپس باسم طرفداری از شاه طهماسب دوم ، از حدود سال ۱۱۳۴ بحملهٔ بقفقاز پرداخت و تمام سواحل بحر خزر را از دربند تا استرآباد ، تصرف کرد و شاه طهماسب ثانی که برای بیرون کردن

افغانها بهر وسیله دست میزد ، در سال ۱۱۳۵ با پطر معاهده بست و در ازاء کمك او ، باکو و سواحل جنوبی دریای مازندران واسترآباد را باو واگذاشت و این احوال تا زمان نادر برقرار بود.

و اما در نتیجهٔ ظلم و تعدی گرگین خان ، مردم‌قندهار بستوه‌آمدند و مکرر به شاه شکوه بردندلکن شکایت‌آنان بشاه که غالباً در اندرون میزیست نمیرسید تا آنکه میرویس از طایفهٔ غلجائی کلانتر قندهار ، خود باصفهان‌آمد ولی او نیز موفق بعرض شکایت خود بشاه نشد و به مکه رفت و در برگشتن وضع دربار راآشفته تر دید . تجار روسی که در اصفهان بودند او را بشورش بر ضد دولت تحریك کردند ، باضافه میرویس در سفر حج از علمای سنت ،فتوای جنگ با شیعه راگرفته بود واورنگ‌زیب پادشاه هند نیز او را در این خیال تقویت میکرد .

در مراجعت بقندهار ،گرگین خان دختر او را بزنی خواست ومیرویس‌دیگری را بجای دختر خود باو داد و او را بباغی دعوت کرد وکشت . شاه سلطان حسین ، کیخسروخان برادرزادهٔ گرگین رابسرکوبی میرویس فرستاد واوپس ازیك‌سال‌محاصره کردن قندهار ، مغلوب و مقتول شد و بعد ازآن نیز سرداران دیگر صفوی هم که بتسخیر قندهار رفتند ، مغلوب شدند و میرویس درآنشهر مستقل گردید .

در موقعیکه کیخسرو خان گرجی ، عازم قندهار بود ، عبدالله‌خانرا از طایفهٔ ابدالی که با افغانان غلجائی دشمنی داشتند ، بحکومت هرات منصوب نمود . همینکه کیخسرو خان کشته شد و سپاه شاه شکست خورد ، طایفهٔ ابدالی در ۱۱۱۸ سر بعصیان برداشتند و هرات را از ایران مجزا کردند . شاه سلطان حسین بقصد ایشان عازم شد لکن از تهران تجاوز نکرد و سرداری که بسرکوبی ابدالیان فرستاده بود ، ازآنان شکست خورد .

محمود پسر میرویس که بعد از پدر وکشتن عموی خود عبدالله ، بر طایفهٔ غلجائی ریاست یافته بود ، افغانان ابدالی را در ۱۱۲۰ مغلوب کرد و اینعمل را درنظر دربار اصفهان ، خدمتی جلوه داد . رجال بی تدبیر هم او را بلقب حسینقلی خان ملقب ساختند و با اعطای یك قطعه شمشیر مرصع ، او را بحکومت قندهار منصوب کردند .

گذشته از قندهار و هرات ، در سایرنقاط‌نیز بتدریج، بر وسعت‌طغیان‌می‌افزود چنانکه اعراب خوارج عمان ، خود را از تبعیت ایران خارج کردند و ملك محمود

سیستانی که خود را از بازماندگان صفاریان میدانست ، در ۱۱۲۲ بمشهد حمله برد و در خراسان باستقلال بحکومت پرداخت .

در ۱۱۲۲ محمود غلجائی بعزم تسخیر ایران ازراه سیستان بکرمان رسیدلکن درآنجا از لطفعلی خان والی فارس وعموی فتحعلیخان وزیر اعظم شاه ،شکست‌خورد و بقندهار گریخت . اعیان درباری که از ترقی لطفعلیخان خشنودنبودند ، درموقعیکه فتحعلی خان‌خیال داشت اورابفتح قندهار بفرستد ، شاه نادانرا بکور کردن‌فتحعلیخان وزیر اعظم ، وا داشتند ومجال دیگری بدست محمود افتاد .

در ۱۱۲۴ محمود غلجائی بعزم تسخیر ایران از راه‌سیستان بکرمان تاخت واز راه یزد بطرف اصفهان‌آمد و در محل گلون‌آباد در چهار فرسخی شرقی اصفهان ، بر سپاه شاه غلبه کرد و فرح‌آباد و جلفا را گرفت .شاه و درباریان باوجود همه گونه وسائل دفاع ، چنان مقهور ترس و ضعف شدند که جز تسلیم بقضا وقدر ، چاره ای نمیدیدند. اصفهان بمحاصره افتاد وکمی‌آذوقه محسوس گردید . شاه سلطان حسین روز جمعهٔ دوازدهم محرم سال ۱۱۳۵ بفرح‌آباد پیش محمود رفت و تاج و تخت خود را باو واگذاشت . دو روزبعد ، محمود باصفهان‌آمد و درچهل‌ستون، به تخت سلطنت‌نشست.

شاه سلطان‌حسین‌از بدترین‌شاهان‌ایران‌است. از رأی وتدبیروکفایت‌بالمره‌عاری وهمواره مغلوب زنان و خواجه‌سرایان و یا ملاهای‌بیخبر از امور مملکت داری‌بود .

شاه طهماسب دوم (۱۱۳۵ ـ ۱۱۴۵)

در ۱۱۳۴ ، جمعی از رجال دولت ، طهماسب میرزای ولیعهد را برای تهیهٔ وسائل نجات اصفهان ، بقزوین فرستادند . محمود ، پس از تسخیر اصفهان ، عده‌ایرا بدفع‌طهماسب‌میرزافرستاد ،طهماسب میرزابه‌تبریز رفت ومردم‌قزوین،افغانهارا کشتند .

محمود که تاآن تاریخ با مردم اصفهان بخوشی رفتار میکرد ، از خبر طغیان اهالی قزوین ، چنان متغیر شد که در یك روز ، صدو چهارده نفر از امرا و سی‌ویکنفر از صفویه راکشت و بنای سختگیری بمردم راگذاشت . نقاط دیگر نیز سر بشورش برداشتند ،کاشان و شیراز را پس از مدتی محاصره گرفت اما از عهدهٔ بختیاری و یزد و بندرعباس بر نیامدو این واقعه‌چنان‌انقلابی در خاطر اوبوجودآورد که‌دیوانه‌شدوعاقبت در۱۱۳۷بدست اشرف،پسرعبدالله عموی‌مقتول خود، بقتل‌رسیدواشرف‌بجای‌اونشست .

پطر کبیر که منتظر فرصت بود ، در ۱۱۳۴ شخصاً با سپاهی بدربند قفقازآمد

وآنجا راگرفت و تا داغستان پیشرفت لکن با مخالفت عثمانی مواجه و متوقف شد. چندی بعد افغانها لشگری برای تسخیر رشت فرستادند و حاکم آنجا چون تاب مقاومت در خود ندید، از پطر کبیر یاری خواست و او رشت و باکو را تصرف کرد.

طهماسب میرزا که بهر دری میزد، حاضر شد که در مقابل کمك لشگری، ایالات شمالی را به پطر وا بگذارد لکن پطر اقدامی نکرد تا آنکه شنید شاه سلطان حسین بدست اشرف کشته شده و طهماسب میرزا خود را در قزوین شاه خوانده است در ظاهر برای کمك به طهماسب میرزا ولی در حقیقت برای تصرف ولایاتی که بروسیه واگذار شده بود، پطر کبیر سواحل بحر خزررا از دربند تامازندران، تحت استیلای خود درآورد. دولت عثمانی نیز تفلیس را محاصره کرد و قفقاز میدان رقابت بین آن دولت و روسیه گردید تا عاقبت شمال و مغرب ایرانرا بین خود تقسیم کردند: ایالات ساحلی بحر خزر، سهم روسیه وآذربایجان و کرمانشاهان و همدان، نصیب عثمانی شد. سپاه عثمانی بمحاصرهٔ تبریز پرداخت لکن درمقابل پایمردی تبریزیان، ازعهدهٔ تصرف آنشهر بر نیامد.

دولت عثمانی برای تصرف سهم خود از ولایات ایران، بمقاومت سرحد داران و مردم ایران برخورد و با اشرف افغان بجنگ پرداخت. سپاه عثمانی تا نزدیك اصفهان جلو رفت لکن از جنگ با افغانهای سنی مذهب ابا کرد و پراکنده شد. با وجود این فتح، اشرف در ۱۱۳۹ با سلطان عثمانی صلح کرد و از جمیع ولایات ایران غربی چشم پوشید و سلطان را بر خود امیرالمؤمنین خواند و باین قناعت کرد که سلطان او را پادشاه ایران بشناسد.

و اما شاه طهماسب دوم، پس از جلوس بجای پدر وجمع آوری سپاهی درقفقاز بتهران آمد ودرآنجا فتحعلیخان رئیس ایل قاجار قوانلو رااز استرآباد بیاری خواست و چون شنید که اشرف بمحاصرهٔ تهران میآید، بمازندران رفت و فتحعلیخان راکه درآنجا باو پیوست، بسمت نیابت سلطنت و امیرالامرائی منصوب کرد و بقصد تسخیر خراسان عازم شد.

بقیه شرح ایام شاه طهماسب دوم درضمن تاریخ دوران نادرشاه افشار ذکر میشود.

نادر شاه افشار (۱۱۴۸ ـ ۱۱۶۰)

نادر ازایل افشار از طایفهٔ کوچك قرخلوست. ایل افشار از ترکمانانی هستند

که در مقابل هجوم مغول ، از ترکستان بآذربایجان ، مهاجرت کرده بودند تا آنکه شاه اسماعیل اول آنها را بخراسان کوچ داد ودر ابیورد مقیم نمود . ایل افشار تابستانرا در ابیورد و زمستانرا در دستجرداز محال دره گز میگذرانید .

نادر در محرم سال ۱۱۰۰ در دستجرد بدنیاآمد وبعدها درآنجا عماراتی ساخت و دستجرد ، مولود خانه نامیده شد . نام اصلی او ندر قلی است . پدرش امامقلی در طفولیت اومرد و نادر بامادرش زندگی محقری داشت تا بسن هجده رسید و درخدمت یکی از رؤسای افشار که درحکومت ابیورد بود ، داخل شد و دختراو راگرفت وپس از فوت مخدوم خود بحکومت ابیورد و ریاست قبیله رسید و چون زوجهٔ اولش که مادر رضا قلی میرزا بود مرد خواهرآن زن راکه مادرنصرالله میرزا و امامقلی میرزا است گرفت .

نادر از طرف ملك محمود سیستانی که بر خراسان مستولی بود ، بدفع ازبکان مأمور گردید لکن کمی بعد از خدمت او اخراج شد وبتاخت وتاز درخراسان پرداخت درآن ایام ،شاه طهماسب دوم، که در فرح آباد مازندران اقامت داشت، یکی ازسرداران خود ، رضا قلی خانرا بفتح مشهد و دفع ملك محمود سیستانی فرستاد واو ازنادر یاری خواست . ولی این دوستی در میان دو رقیب ، سر نگرفت و هر یك بحساب خود با ملك محمود مبارزه کردند و هردو مغلوب شدند و حتی ملك محمود ، نیشابوررا نیز تسخیر کرد ولی عاقبت در دو فرسخی مشهد از نادر شکست خورد وگریخت . آوازهٔ این فتح، سبب شد که شاه طهماسب نادر رابخدمت خود خواند .نادر باقبول خدمتگذاری شاه را بخراسان دعوت کرد ، طهماسب بهمراهی فتحعلیخان قاجار ، سردار سپاه خود، از مازندران بخراسان رفت و جمعی از طوایف خراسان باو ملحق شدند و ازآنجمله عده ای از اکراد خبوشان بودند .

فتحعلیخان قاجار که از زیاد شدن یاران غیر قاجار شاه اندیشناك بود ، بااکراد درافتاد ویکی از رؤسای آنان را ببهانه‌ای گردن زد وایل قاجار جمع زیادی ازاکرادرا کشتند . اکراد بنادر متوسل شدند وبوساطت او از تهمت تمرد که فتحعلیخان بآنها بسته بود ، درپیش شاه بری گشتند و شاه نادر را طهماسبقلی یعنی چاکر طهماسب ، لقب داد .

چون ملك‌محمود ازاطاعت شاه سرپیچی کرد، نادر در ۱۱۳۹ به‌محاصرهٔ‌مشهد پرداخت . درآن احوال ، فتحعلیخان که ازشوکت روز افزون نادر بوحشت‌بود ،ببهانهٔ جمع سپاه ازشاه طهماسب اجازه خواست که باسترآباد برگردد . شاه باین‌امر رضانداد وبا همفکری نادر ، فتحعلیخان را بدست یکی‌از قاجاریه که‌با او کینه داشت ، محرمانه بقتل رسانید ونادر بجای‌او سردار کل سپاه شد .

محاصرهٔ مشهد دو ماه ونیم طول کشید وملك‌محمود ، تسلیم‌شد ودرآستانهٔ‌قدس بدرویشی قانع گردید . پس‌از این‌فتح ، نادر به‌زراندود کردن‌صفه ومنارهٔ آستان‌رضوی وبنای مناره‌ای دیگر پرداخت وپسر خود رضاقلی میرزا را در مشهد گذاشت وخود برای ازدواج دختر یکی‌از رؤسای اکراد که نامزد اوبود ، بخبوشان رفت ولی شاه طهماسب نیزخواستگار آندختربود واز اینجهت میان شاه وسردارسپاه‌تولیدنقار گردید هردو بمحاصرهٔ قلعهٔ خبوشان رفتند ولی چون قلعه گشوده نشد ، نادر بمشهد برگشت وشاه طهماسب نیز درنتیجهٔ غارت شدن مقداری از خزائن سلطنتی ، دست از محاصره برداشت . نادر خزائن غارت شده‌را پس گرفت وپیش‌شاه فرستاد ودوباره مقرب‌شد وپس از مغلوب کردن اکراد عاصی خبوشان ، عاقبت دختریراکه درنظر داشت ، بزنی گرفت وملك محمود سیستانی‌را که بااکراد توطئه میکرد ، باجازهٔ شاه ازمیان برداشت وبدفع افغانهای ابدالی که از ۱۱۲۹ برهرات مسلط بودند پرداخت ودر ۱۱۳۹ در قائنات ودر ۱۱۴۱ درکافر قلعه از محال جام آنانرا شکست داد ولی اللهیار خان حکمران ابدالی هرات راکه امان خواست ، بحکومت هرات باقی گذاشت .

در موقعیکه نادر بدفع افاغنهٔ ابدالی مشغول بود ، اشرف غلجائی باسپاهی بقصد خراسان حرکت کرد . در ربیع‌الاول ۱۱۴۲ درکناررودخانهٔ مهماندوست دامغان ،بین‌او ونادر ، جنگ شدواشرف شکست خورد وبطرف تهران ، عقب نشست . نادر اورا بار دیگر در درهٔ خوار شکست داد . اشرف خود را باصفهان رسانید وسه هزار نفر از بزرگان قزلباش ورجال را کشت ولی چیزی نگذشت که نادر رسید واشرف پس از شکست ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۱۴۲ درمورچه خورت ، بطرف فارس ، فرارشد . درجنگ مورچه خورت ، عده‌ای از سپاهیان عثمانی که با توپخانه به‌مدد اشرف آمده بودند ، اسیر شدند . نادر آنان‌را مورد نوازش قرار داد وبوطن خودشان برگردانید

پس‌از ورود نادر باصفهان ،شاه طهماسب دوم نیزاز تهران باصفهان آمدوبدیدار مادر پیرخود که هفت سال بودبلباس مبدل ، کنیزی میکرد ، رسید .

نادر بامرشاه بدفع اشرف بفارس رفت وبار دیگر در زرقان اورا مغلوب کرد . اشرف به‌لار گریخت وبرادر خودرا بانفایس وجواهر غارتی ، باستمداد ، نزد عثمانیها فرستاد ولی مردم اورا گرفتند وکشتند . اشرف نیز پس‌از نه روز اقامت درلار بطرف قندهار گریخت ودربلوچستان بدست یکی از خانواده‌های بلوچ ، کشته‌شد . سر او را باالماس گران‌بهائی که دربازو داشت ، برای شاه طهماسب فرستادند . شاه‌آن الماس‌را بقاصد داد وفتنهٔ غلجائی پایان یافت .

پیش ازآنکه نادر بدفع افاغنه بپردازد ، تخلیهٔ ایالات شمال ایران را از روسها خواسته‌بود . دولت روسیه که بعلت بدی‌آب وهوای سواحل بحرخزر ، نزدیك بدویست هزار تلفات داده بود ، پس‌از عقد قراردادی که بسال ۱۱۴۵ در رشت ، بین‌ایران وآن‌کشور بسته شد ، ایالات ساحلی را تخلیه نمود لکن تخلیهٔ دربند وباکو را موکول بزمانی کرد که‌ایران ، ایروان وقفقازیه را ازعثمانی پس‌بگیرد وآن دو ولایت‌را نیزدر ۱۱۴۸ پس‌از آنکه نادر ، شماخی وداغستانرا فتح نمود ، بایران واگذاشت .

پس از دفع افاغنه ، نادر بقصد عثمانیها از راه کوه گیلویه ، برامهرمز آمد . ودرآنجا حسنعلی بیك معیرالممالك از جانب شاه طهماسب ، بپاس فتح شیراز ، تاجی جواهر نشان برای نادر وسیصد خلعت برای سرداران سپاه آورد ونادر برای اظهار تشکر ، رضاقلی میرزا پسرخود را نزد شاه طهماسب فرستاد ویکی از دخترهای شاه سلطان حسین ونیابت سلطنت خراسان‌را برای‌او درخواست کرد .

در دزفول ، محمدخان بلوچ که‌ازجانب اشرف، پیش عثمانیها رفته‌بود ،نوشته‌ها وپیغامهائیرا که برای اشرف داشت ، بعرض نادر رسانید وبپاس این خدمت به حکومت کوه گیلویه منصوب شد .

نادر که رضاقلیخان شاملورا برای تقاضای تخلیهٔ ایران ، باسلامبول‌فرستاده‌بود اطلاع یافت که‌دولت عثمانی این‌تقاضا را نمی‌پذیرد . بیدرنگ برسپاه عثمانی تاخت و نهاوند وهمدان و کرمانشاه را ازآنها گرفت وبقیه آن سپاه از لرستان و کردستان گریختند .

در اول محرم ۱۱۴۳ نادر عازم آذربایجان شد وپس‌از فتح ساوجبلاغ ومراغه و دهخوارقان وشکست سپاه عثمانی ، در ۲۷ محرم‌وارد تبریز گردید وازآنجا بمحاصرهٔ ایروان رفت ولی چون درآنجا شنیدکه افاغنهٔ ابدالی‌بمشهد هجوم‌آورده‌اند،کارعثمانی را نیمه‌تمام‌گذاشت وبسمت مشهد شتافت .

پس‌از حرکت نادر بخراسان ، شاه طهماسب در جمادی‌الاولی ۱۱۴۳ باهیجده هزار نفر سپاهی ازاصفهان به‌تبریز آمد ودرنزدیکی ایروان ، عثمانی را شکست داد و ایروان را محاصره کرد .

دولت عثمانی ، علی پاشا سرعسکر حدود ایروان واحمد پاشا حاکم بغداد را به تسخیر عراق عجم فرستاد . شاه‌طهماسب بسرعت خودرا بهمدان رسانید ولی درقریهٔ کردخان ، شاه ومحمدخان سردار بلوچ ، شکست سختی خوردند . کرمانشاه وهمدان ومراغه وتبریز ، بدست عثمانی افتاد وشاه‌طهماسب باصفهان فرارکرد .

احمدپاشاکه ازنادر وحشت‌داشت ، ازدر صلح درآمد وبموجب معاهده‌ای که با شاه طهماسب بست ،قرارشد تبریز ولرستان وهمدان وکرمانشاه بایران‌برگردد وولایات آنطرف ارس یعنی گنجه و تفلیس وایروان ونخجوان وداغستان ، ضمیمهٔ عثمانی‌باشد . ولی دراین معاهده اسمی‌از اسرای ایرانی برده نشد .

در غیبت نادر ، حسین غلجائی برادر محمود افغان ، حاکم هرات را رانده وتا نزدیك مشهد تاخته وابراهیمخان ظهیرالدوله برادر نادر را شکست داده بود . نادر از رمضان ۱۱۴۳ تارمضان ۱۱۴۴ ، بآرام‌کردن افغانستان‌غربی اشتغال‌داشت . درهمین‌اوان معیرالممالك متن معاهدهٔ شاه طهماسب را با احمدپاشا بنظراو رسانید . نادر معاهده را برسمیت نشناخت وامضاء نکرد وبوسیلهٔ سفیر دولت عثمانی که‌در اردو بود ، بآن دولت پیغام‌داد که یاتمام ایالات ایران‌را پس‌بدهند ویاآمادهٔ جنگ باشند .

نادر پس‌از هرات ، باوجود اصراری که شاه طهماسب بحرکت مستقیم اوببغداد داشت ، باصفهان رفت ونسبت بشاه کمال اطاعت را نشان‌داد وپیش‌از عزیمت بعراق‌عرب اورا بسان سپاه دعوت کرد . شاه بخواهش نادر ، شب را در اردو ماند و ببادهٔ‌گساری پرداخت ودر آنحال از اوحرکات ناپسندی سرزد . نادر آن‌اعمال را بچشم ارکان دولت کشید وباین بهانه که چنین کسی لیاقت سلطنت ندارد . شاه طهماسب دوم را در پنجم

ربیع‌الاول ۱۱۴۵ خلع کرد وعباس میرزا طفل شیرخوار اورا بنام شاه عباس‌سوم ،نامزد پادشاهی نمود . طهماسب را بخراسان بزندان فرستاد وشاه عباس سوم را امرداد که در قزوین نگاهدارند وخود پس‌از فرونشاندن غائلهٔ بختیاریها ، عازم تسخیر بغدادشد وپس از گرفتن عتبات ، مدت یکسال ، بغداد را محاصره کرد وتقاضای صلح احمد پاشا را نپذیرفت تااینکه توپال عثمان پاشا که درجنگهای اروپا تجربهٔ بسیار حاصل کرده بود باصد هزار سپاهی بکمك احمد پاشا آمد ولشگر ایران در کرکوك شکست خورد و بکرمانشاه منهزم گردید .

ولی سه‌ماه نگذشت که نادر دوباره در همدان قوائی فراهم‌آورد ودر ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۱۴۶ عازم عراق عرب گردید ودر کنار دیاله ودفعهٔ دیگر درقریهٔ لیلان سه فرسنگی کرکوك ، سپاه توپال عثمان را شکست داد و تاسپاه خراسان وسایر ولایات برسد ، بدیاله عقب‌نشست . توپال عثمان بتصور اینکه سپاه نادر ازضعف ، عقب نشسته اورا دنبال کرد وشکست دیگری خورد وخوداو نیز کشته شد .

پس‌از این‌فتح ، نادر بااحمد پاشا والی‌بغداد ، صلح کرد وقرار شد اسرای‌طرفین را آزاد کنند وحدود دولتین ، مطابق حدودزمان شاه‌سلطان حسین‌باشد .

محمدخان بلوچ حاکم کوه‌گیلویه وخوزستان ، برنادر شوریده وچنین شهرت داده بود که نادردرجنگ دوم‌باعثمانی‌شکست خورده وازبین‌رفته‌است. طرفداران‌صفویه مخصوصاً در شوشتر ، علم‌طغیان بلند کردند . نادر بشوشتر آمد وبامردم آنجامعامله‌ای کرد که کمتر ازرفتار مغولان نبود . محمدخان بلوچ ، به‌لار گریخت . نادر بشیراز رفت وطهماسب قلیخان جلایر را بتعقیب محمدخان بلوچ ، به‌لار فرستاد . محمد خان دستگیر وبامر نادر ، نابیناشد ولی‌تاب این‌حال را نیاورد وخودرا درزندان کشت .

پس‌از رفع‌غائله محمدخان ، نادر بآذربایجان رفت وشنید که‌دولت عثمانی‌معاهدهٔ احمد پاشارا نپذیرفته وعبدالله پاشا کوپریلی‌زاده والی مصر را بالشگری تازه بایران فرستاده است . عبدالله پاشا برای تخلیهٔ ولایات غربی ایران ، از نادر دو سال مهلت خواست ولی نادر نپذیرفت وبیدرنگ بشروان تاخت‌ودر ۲۵ ربیع‌الاول ۱۱۴۷ شماخی را گرفت . سرخای خان لکزی که‌دست نشاندهٔ دولت عثمانی بود ، گریخت‌وداغستان‌نیز تصرف‌شد . سپس‌نادر بقصد گنجه‌رفت وصفی‌خان بغایری‌را مأمور محاصرهٔ تفلیس‌نمود.

سپاهیان عثمانی در گنجه ، سخت پافشاری میکردند . نادر بمدد تعلیمات سفیر روس ومهندسینی که بدعوت او از باکو آمدند ، محاصره را شدت داد وچون عثمانیها در صددبرآمدند که‌سلطان شبه جزیرهٔ کریمه‌را بحمله بداغستان وادارند واین‌مستلزم عبور لشگر کریمه از روسیه‌بود ، بین‌روس وعثمانی برسراین‌موضوع جنگ در گرفت وروسها برای اینکه‌درجنگ باعثمانی ازیاری نادر برخوردار باشند، دربهارسال۱۱۴۸ در گنجه باایران عهد نامهٔ اتحادی برضد عثمانی بستند .

از بلادایران که عساکر عثمانی درفاصلهٔ بین‌استیلای افغانها وظهور نادر ،تصرف کرده بودند ، چهارقلعهٔ ایروان و گنجه وقارص وتفلیس بود که عثمانیها مستحکم کرده وپناهگاه قرار داده بودند. در موقعیکه نادربمحاصرهٔ این‌چهارقلعه مشغول بود عبدالله پاشای عثمانی بحدود ایروان آمد ودر مرادتپه بانادر روبرو شد ودر ۲۶ محرم ۱۱۴۸ شکست خورد وبقتل رسید . در نتیجهٔ این‌شکست ، گنجه وتفلیس ، تسلیم شدند .

دولت عثمانی ، احمد پاشا والی بغداد را در۱۱۴۸ مأمور عقدصلح کرد وولایت غربی وشمالغربی ایران مسترد گردید .

سپس نادر بسر کوبی‌پادشاه عاصی گرجستان وشورشیان داغستانی‌ولزگی‌پرداخت ودر هشتم رمضان ۱۱۴۸ بساحل ارس آمد ودر دشت مغان ، اردو زد و بزرگان و کدخدایان وقضات وریش سفیدان ایران را از همه جااحضار کرد وجشنی ترتیب داد وبه بیان سخن پرداخت که‌من آنچه لازمهٔ کوشش‌بود ، بجاآوردم وایران را ازچنگ افاغنه وروسها وعثمانیها نجات‌دادم، اکنون میخواهم گوشه‌ای بگیرم و استراحت کنم شاه طهماسب وپسرش هردو سلامتند ، هرکدام را میخواهید بسلطنت بردارید .

حضار همه گفتند که‌جز نادر کسی لایق این‌مقام نیست .

عاقبت نادر پس از اصرار حاضرین ، مقام سلطنت را پذیرفت وموکول به پنج شرط کرد :

۱ـ ایرانیان ازعقاید گذشتهٔ خود نسبت باهل‌سنت ، دست بردارند ، تااهل سنت مذهب جعفری را مانندمذاهب اربعهٔ تسنن وخامس آنها بشمارند .

۲ـ درخانهٔ کعبه که‌ارکان اربعهٔ‌آن بائمهٔ مذاهب اربعهٔ سنت تعلق‌دارد ،ایرانیان نیزدریك رکن باایشان شریك شوند وباآئین جعفری‌نماز بگزارند .

۳ـ هرساله ازطرف ایران امیرحاجی تعیین شود که‌مانند امرای حاج‌شام ومصر حجاج ایرانی‌را بکعبه ببرندودولت عثمانی بااونیز مانند امرای حاج دیگر معامله‌نماید.

۴ـ اسرای طرفین آزاد شوند وخرید وفروش ایشان موقوف گردد.

۵ـ وکیلی ازهریك از دو دولت درپایتخت یکدیگر باشند وامور مملکتین‌را بروفق مصلحت فیصل‌دهند.

حاضرین این شروط را تصدیق وتأیید کردند ونادر در ۲۴شوال ۱۱۴۸ ،دوازده روز بنوروز مانده، تاج‌برسر گذاشت ونادر شاه شد.

پس‌ازجلوس برتخت سلطنت ،رضاقلی‌میرزا پسرخودرا بامعاونت‌طهماسبقلیخان جلایر بایالت خراسان وبرادر خود ، ابراهیمخان ظهیرالدوله را بحکومت آذربایجان منصوب نمود وسفرائی برای‌اعلام سلطنت خود ، بروسیه وعثمانی‌فرستاد.

محمد تقیخان والی‌فارس را بمحل‌خود پس‌فرستاد واورا بفتح بحرین که در زمان شاه‌سلطان حسین ، بدست جمعی ازاعراب افتاده‌بود مأمور کرد واو بسهولت این امر رادر ۱۱۴۸ انجام‌داد.

نادر ، خودبرای سرکوبی بختیاریها باصفهان رفت وعلیمرادخان چهارلنگ را مغلوب ومقتول ساخت‌وسپس‌عازم فتح‌قندهار گردید وآنشهر را پس‌از یکسال‌محاصره گرفت ولی بامردم بمهربانی رفتار کرد وحسین غلجائی برادر محمود را بمازندران بحبس فرستاد وعده‌ای از طایفهٔ غلجائی را به‌نیشابور کوچانید واکثر سکنهٔ قندهار را بشهری بنام نادرآباد که‌درمقابل قندهار ساخته‌بود ،آورد.

درهمان ایام ، ولایات بلخ وغندوز وبدخشان ، بدست رضاقلی میرزا فتح شد و امرای بخارا وخوارزم ، مغلوب اوگشتند. پس‌از این فتوحات نادر ایران را برضاقلی میرزا واگذاشت وخود بقصد گشودن هندوستان ،رهسپار گردید.

در آنزمان ، سلطنت هندوستان بامحمدشاه ازسلسلهٔ سلاطین گورکانی بود که بسفرای نادر برای‌تجدید روابط حسنه وجلوگیری ازورود افغانهای غلجائی بخاك‌هند ، اعتنائی نمیکرد وحتی‌یکبار سفیرایران‌را یکسال اجازهٔ برگشتن‌نداد.

در اوائل‌سال ۱۱۵۱ ، نادرشاه غزنین وکابل‌را گرفت وپسرش نصرالله میرزاشمال افغانستان را تسخیر کرد وپس‌از هفت ماه اقامت درکابل ، چون‌جوابی به‌پیغامهای خود

بمحمد شاه نیافت، داخل درجلگهٔ پنجاب‌شد وبعداز عبور ازسند وفتح‌لاهور بازنامه‌ای بمحمدشاه فرستاد واظهار کردکه قصداو از سفرهند ، تنبیه اشخاصی است کـه محمد شاه‌را باینگونه رفتار ، رهنمون شده‌اند . محمد شاه باسیصد هزارسپاهی ودو هزار فیل ودو هزارتوپ ، حرکت کـرد ودر ۱۵ ذی‌القعده ۱۱۵۱ ، درجلگهٔ کـرنال ، جنگ در گرفت وشکست برسپاه هندافتاد . ازایرانیان ۴۲ نفر واز هندیها بیست‌هزار نفر کشته شد زیرا سپاه ایران باتفنگ جنگ میکرد وآنان باتیرو کمان .

پس‌از این‌فتح ، نواب نظام‌الملک‌بهادر ،حاکم دکن ، بعذرخواهی آمدوقرارشد که محمدشاه اردوی خودرا مرخص کند وخود باهـزار کس بخدمت نادر برسد ونادر پس‌از سه‌روز ، بدهلی واردشود وچهل‌روز مهمان محمدشاه باشد وسلطنت هـند را به محمدشاه وابگذارد وبایران برگردد .

نادر باستقبال محمدشاه رفت واو را باخود بریك مسند نشانید وشرایط احـترام را دربارهٔ او مبذول داشت ودر ۹ ذی‌الحجه ۱۱۵۱ بهمراهی محمد شاه ، بدهلی وارد گردید وهمانطور کـه‌وعده داده‌بود ، در مجلس ضیافتی ، سلطنت هـند را بمحمد شاه واگذاشت ومحمدشاه جمیع‌نفایس‌خودرا تقدیم نادر کرد .

ازسوء اتفاق ، روز یازدهم ذی‌الحجه ، مردم دهلی هفتصد نفر از همراهان نادر را کشتند ، اونیز فرمان قتل‌عام‌داد ودریك روز بیست هزار نفراز اهل‌دهلی هلاك‌شدند تاآنکه بشفاعت محمدشاه و وزرای‌او ، نادر بقیه‌را عفو کرد .

پس‌از این‌واقعه ، یکی‌از نواده‌هـای اورنگ زیب را به‌عقـد نصرالله مـیرزا در آوردند وبحکم محمد شاه درکشور اوسکه وخطبه را بنام‌نادر زدند وجاری کـردند و امرا و اعیان ، هریك پیشکشی قابلی آوردند .

قیمت نفائسی راکه درنتیجهٔ فتح هند ، بدست نادر رسید تاهشتاد وهفت میلیون وپانصد هزار لیره تخمین کرده‌اند. از آنجمله تخت طاوس وکوه نوراست .

نادر بسران سپاه خود و بامرای هند ، انعام لایق داد و مالیات سه سالهٔ ایـرانرا بخشیدو بدست خود ، تاج سلطنت بر سر محمد شاه گذاشت . ممالك غربی سند یعنی غزنین وکابل و قسمتی از پنجاب بایران واگذار شد و نادر پس از پنجاه و هفت روز اقامت در دهلی ، بطرف سند حرکت کرد .

در اثر اشاعهٔ خبر قتل نادر ، رضا قلی میرزا برای اینکه مردم به طرفداری صفویه بر نخیزند ، محمد حسینخان قاجار را بقتل شاه طهماسب دوم که در سبزوار بود وا داشت و شاه عباس سوم و سلیمان میرزا پسران او را نیز بقتل رسانید .

حکومت هرات را نادر بشاهرخ پسر رضا قلی میرزا واگذاشت و خود با هزارو صد کشتی ، عازم خیوه شد تا ایلبارس خان را که در ایام اقامت او در هند ، بحدود تجن تخطی کرده بود ، سرکوبی کند . پس از فتح خیوه وکشتن ایلبارس خان، بمشهد آمد و قصد تنبیه لزگیان را کرد که برادرش ظهیرالدوله را کشته بودند .

در دوم محرم ۱۱۵۴ از مشهد بعزم داغستان حرکت کرد ودر جنگل سواد کوه در ۲۸ صفر ، تیری باو خورد که زیر بازوی راست او راخراشید و به پشت دست‌چپ او و بگردن اسب رسید و اسب در غلطید .

خیال شاه از این حادثه پریشان شد ، رضا قلی میرزا را درتهران گذاشت‌وخود بداغستان رفت و درآن سفر لطمات بسیار دید . دولت روسیه که از لشگرکشی نادر بداغستان و تهیهٔ جهازات در بحر خزر ، اندیشناك بود ، قوائی در هشتر خان جمع و موجب دلگرمی لزگیها را فراهم نمود .

نادر پس از یکسال‌ونیم کوشش بیفایده ، ناچار بدربند برگشت و چون دولت عثمانی بدرخواستهای او جواب مثبت نمیداد و از ایران نیز خبرهای شورش و طغیان میرسید.رفته‌رفته مزاج شاه‌از اعتدال خارج شد وکارش‌باختلال‌حواس کشید .دررمضان ۱۱۵۴ زمانیکه نادر در داغستان بود ، غلامیرا که مرتکب تیر اندازی در جنگل سواد کوه شده بود ،کور کرد و رضا قلی میرزا را که محرك این امر میدانست . از تهران خواست و امر داد تا دو چشم او را باکارد بیرون‌آوردند .

ازانقلابات ایران ،یکی شورش محمد تقیخان والی‌فارس بود که عاقبت‌دستگیر و نابینا شد . دیگری طغیان شخصی بود بنام سام میرزا که بادعای فرزندی شاه سلطان حسین ، در شروان قیام نموده و خوانین دربند و داغستانرا با خود همراه کرده بود و بدست نصرالله میرزا پسر نادر ،گرفتار شد .

و دیگر قیام محمد حسنخان قاجار پسر فتحعلیخان نایب‌السلطنه شاه طهماسب دوم بود که در اواخر ۱۱۵۶ بوسیلهٔ قبیلهٔ دیگری از ترکمانان که با او دشمنی‌داشتند،

دفع گردید .

نادر دراوایل سال ۱۱۵۶ بصحرای موقان‌آمد و از آنجا توپخانهٔ خود را برای حمله بخاك عثمانی، بکرمانشاه فرستاد . احمد پاشا والی بغداد از در صلح درآمد ولی نادر بتسخیر عتبات و کرکوك و موصل پرداخت .

در اوایل سال ۱۱۵۷ سرعسکر قارص بنام احمد پاشا حمال اوغلی ، شخصی از اهالی‌رفسنجان کرمان‌را بعنوان صفی میرزا ، وارث سلطنت ایران اعلام کرد و بنادر پیغام داد که مأمور است صفی میرزا را بسلطنت ایران برساند . نادر ، سام میرزا را که یکبار مدعی سلطنت شده بود ، از یك چشم نا بینا ساخت و پیش حمال اوغلی فرستاد و پیغام داد که سام میرزا را برای دیدن برادر مجهول خویش پیش تو میفرستم .

نادر در جمادی‌الاخر ۱۱۵۷ با نصرالله میرزا بقارص‌آمد وآنجا را در محاصره گرفت و چون احمد پاشا حاضر شد که شرایط او را بدولت عثمانی بقبولاند ، نادر بطرف داغستان رفت و لزگیها را سرکوب و مطیع کرد .

در اوایل ۱۱۵۸ محمد یکن پاشا سردارعثمانی با لشگری فراوان ، بقصد ایران حرکت کرد و با صدو پنجاه هزار سوار و چهل هزار پیاده ، در مراد تپه همانجائی که ده سال پیش ، عبدالله پاشا از نادر شکست‌خورده بود با نادر بجنگ پرداخت ومحصور شد و در ضمن محاصره مرد و سپاهیانش شکست یافتند .

پس از این فتح ، نادر باصفهان رفت و تا دهم محرم ۱۱۵۹ در آنجا بود و از جور او و همراهانش ، صدمات بسیار بمردم وارد آمد . سپس بمشهد رفت و از آنجا میرزا مهدی خان منشی‌اللممالك استرآبادی مؤلف جهانگشای نادری و مصطفی خان شاملو را برای عقدصلح باسلامبول فرستاد و در دهم محرم ۱۱۶۰ بین دو دولت مقرر گردید که :

۱ ـ حدود مملکتین همان حدودی باشد که در ۱۰۴۹ بین سلطان مراد چهارم و شاه صفی مقرر شده .

۲ ـ طرفین از این ببعد ازدشمنی و اقدام بامور منافی صلح خود داری نمایند .

۳ ـ ولات عثمانی حجاج ایرانی را سالم از محلی بمحل دیگر برسانند .

۴ ـ طرفین سفرائی بمدت سه سال بخرج طرف مقابل به پایتخت یکدیگر بفرستند .

۵ ـ حکام سرحدی از حرکات منافی دوستی دست بردارند ،اهالی ایران از سب خلفا خود داری کنندو مأمورین دو طرف از تجار یکدیگر باج و خراج خلاف‌قاعده مطالبه ننمایند .

با وجود خدمات شایانی که نادر شاه بایران میکرد ، محبوب مردم نبود زیـرا گذشته از کوششی که در برانداختن مذهب شیعه و محو کردن یادگـار وآثـار خـیر سلسلهٔ صفوی از خاطر ها داشت ، مردی سخت‌کش و بی شفقت بود و دست عمال‌خود را بظلم و تعدی بازمیگذاشت . پس از کور کردن فرزند ارشد خـود ، چنان از درد پشیمانی خشمگین و درنده شد که پنجاه تن از امرا را باین بهانه کـه چرا روز واقـعه شفاعت نکردند ، بقتل رسانید . در اوایل‌کار ، شخصی کریم و بخشنده بود ولی پس از فتح دهلی و بدست‌آوردن‌آن غنیمت بی پایان ، لئیم و مال دوست شد و مالیات سه‌ساله را که بخشیده بود ، بسختی پس گرفت و هرچه را بدست میآورد ، در قلعهٔ کلات ، می‌انباشت .هنگام خشم وغضب ازکله ها مناره میساخت وکور کردن مردم‌ازسیاست‌های رایج او بود .

دردهم محرم ۱۱۶۰ از اصفهان به‌پایتخت خود مشهد ، عزیمت کرد و ۲۳صفر بآنجا رسید و چون مردم سیستان از جور عمال او شوریده‌بودند ، علیقلیخان‌برادرزادهٔ خود وطهماسبقلیخان‌جلایر را مأمور تنبیه ایشان کرد . علیقلیخان که خود بحکم‌نادر، بپرداخت جریمهٔ سنگینی محکوم شده بود با شورشیان سیستان همـدست شد . نـادر ابتدا بسرکوبی اکراد خبوشان رفت و در حال جنون تصمیم گرفت که نصرالله میرزا و سایر شاهزادگان را بکلات بفرستد و رؤسای قزلباش را بکمك رؤسای افاغنه ، نا بود کند . رؤسای قزلباش از این تصمیم آگاه شدند و شب یکشنبهٔ یازدهم جمادی‌الاخر ۱۱۶۰ در فتح‌آباد خبوشان ، داخل سراپردهٔ نادری شدند و او راکشتند .

گذشته اخز پاك کردن ایران ازدشمنان خارجی و داخلی ، امر مهمی کـه در دوران نادر اتفاق افتاد ، توجهی است که بتهیهٔ بحریه در دریای خزر و خلیج فارس ، مبذول گردید .

در سال ۱۱۵۱ یکی از سیاحان انگلیسی‌بنام جان‌التن که سابقاً درخدمت‌روسیه بود ، با مقداری مال‌التجاره به رشت‌آمد و از رضا قلی میرزا اجازهٔ تجارت با ایران‌را گرفت و بانگلستان برگشت و هموطنان خود را بتجارت با ایران تشویق نمود . پس

از مراجعت و تحصیل اجازه ازروسیه ، در شهر غازان دو کشتی ساخت وبا آن کشتیها بساحل گیلان آمد و مسلمان شد و از طرف نادر ، بسمت دریابیگی منصوب گردید و مأمور شد که در مشهد سر و لنگرود برای ایران کشتی بسازد .

الثن با وجود مخالفت روسها و حتی هموطنان خود که از دشمنی روسها با تجار انگلیسی میترسیدند ، با کمك چند نفر روس و هندی ، یك کشتی بآب انداخت و حتی بعد ازقتل نادر ، بکار خود ادامه داد لکن در ۱۱۶۵ در یکی از انقلابات گیلان کشته شد .

در ۱۱۴۹ محمد تقیخان والی فارس ، با استفاده از کشتیهای هلندی ، عمان و مسقط را گرفت وچون انگلیسها دراین مورد بایران کمك نکردند بلکه دردفاع ازبصره، بعثمانیها یاری دادند ، نادر در صدد تهیهٔ جهازاتی در خلیج فارس ، برآمد و امر داد که از مازندران بخلیج فارس ، چوب ببرند و اهالی سر راه ، آن چوبها را مجانا حمل کنند ولی این اقدام به نتیجه نرسید .

پس از قتل نادر ، علی قلیخان برادر زاده او که در هرات بود بمشهد آمد و شاهزادگان خاندان خودمنجمله رضا قلی میرزای نابینا ونصرالله میرزا و امامقلی میرزا پسران نادر را کشت و از آنها فقط شاهرخ میرزا پسر رضا قلی میرزا را نگاهداشت که اگر کار سلطنتش بجائی نرسد او را شاه کند و باسم او زمام امور را بدست بگیرد.

علیقلیخان در ۲۷ جمادی‌الاخر ۱۱۶۰ در مشهد با لقب عادلشاه بتخت نشست و برادر کوچك خود ابراهیم خان را سردار عراق ومأمور اصفهان نمود و میرسیدمحمد دختر زادهٔ شاه سلیمان صفوی را بصدارت و تولیت آستانهٔ قدس ، منصوب کرد .

سال بعد ، ابراهیم خان بر او شورید و پس از جنگی که نزدیك زنجان بین دو برادر در گرفت ، عادلشاه را مغلوب و نابینا کرد . پس از اینواقعه ابراهیمشاه ، شاهرخ را از مشهد خواست تا سلطنت را بنام او کند ولی مردم مشهد این دعوت را حیله دانستند و شاهرخ را در نهم شوال ۱۱۶۱ در مشهد ، سلطان خواندند . ابراهیمشاه که مهیای جنگ بود ، در ۱۱۶۲ در قم بدست هوا خواهان شاهرخ ، کور شد و عادلشاه نابینا هم که در اردوی او بود ، بامر شاهرخ در مشهد بقتل رسید .

میر سید محمد متولی مشهد که سلطنت را حق صفویه میدانست ، شاهرخ را دستگیر و نابینا کرد و خود بنام شاه سلیمان ثانی بتخت نشست اما چهل روز بعد ،مردم

مشهد او را کور کردند و شاهرخ نابینا را دوباره بسلطنت برداشتند .

شاهرخ در سال ۱۲۱۰ وفات یافت و پسرش نادر میرزا که بجای او نشست ، در سال ۱۲۱۸ بدست فتحعلیشاه قاجار ، از میان برداشته شد .

کریمخان زند (۱۱۶۳-۱۱۹۳)

سران قزلباش که نادر را کشتند ، خیال داشتند که رؤسای افاغنه و ازبکان را نیز از میان بردارند . افاغنه از این قصد آگاه شدند و یکی از آنان بنام احمد خان ابدالی که از سران نادر بود بنام طایفهٔ مخصوص خود ، احمد خان درانی نیز نامیده میشود، افغانها را بقندهار برد و بزودی هرات و مشهد و قسمتی از هندوستان و پنجاب و کشمیر را مسخر کرد و این شخص در حقیقت بانی استقلال افغانستان است .

یکی دیگر از سرکردگان افغانی نادر ، بنام آزاد خان غلجائی ، در کردستان بنای سرکشی گذاشت و بر قلعهٔ ارومیه دست یافت .

حکومت اصفهان را شاهرخ بیکی از خوانین بختیاری ، ابوالفتح خان ، سپرد. خان دیگر بختیاری بنام علیمردانخان ، با ابوالفتح خان در افتاد واز او شکست خورد و در صدد انتقام برآمد .

مدعی دیگر که در ضعف سلاطین افشار ، سر برداشت ، محمد حسین خان قاجار پسر فتحعلیخان بود که پس از کشته شدن نادر جمعی از ترکمانان و قاجاریه را دور خود گردآورد .

و اما کریمخان از طایفهٔ زنداست که در حوالی ملایر مسکن داشتند و نادر جمع کثیری از آنها را بدره گز خراسان کوچ داد . در زمان عادلشاه ، زندیه بخیال برگشتن بخاك اصلی خود افتادند و اختیار خود را بدست کریم توشمال که از سپاهیان نادر بود واگذاشتند .

کریم توشمال که همان کریمخان زند است ، بیاری برادر خود صادقخان ، زندیه را با وجود تعرضات اردوی عادلشاه ، بخاك ملایر برد و بریاست ایل زند رسید و چون از طرف ابراهیم شاه ، مأمور سرکوبی ایلات یاغی عراق شد ، اعتبار وشهرت بیشتری بدست آورد .

علیمردانخان بختیاری که از ابوالفتح خان شکست خورده بود ، بکریمخان متوسل گردید و بمدد او ابوالفتح خانرا از اصفهان بیرون کردتا عاقبت هر سه نفر یعنی

کریمخان و علیمردانخان و ابوالفتح خان ، با یکدیگر متحد شدند که یکی از دختر زادگان شاه سلطان حسین را بنام شاه اسماعیل سوم ، بسلطنت بنشانند و علیمردانخان نایب‌السلطنه باشد و کریمخان ، سردار سپاه و ابوالفتح خان ، حاکم اصفهان .

علیمردانخان‌این عهدرا شکست ودر موقعیکه کریمخان‌بدفع سرکشی کردستان رفته بود ، ابوالفتح خانرا کشت و به‌آزارعیسویان جلفا پرداخت و همینکه کریمخان باصفهان آمد ، به بختیاری گریخت .

کریمخان پس از مغلوب کردن علیمردانخان بدفع محمد حسنخان قاجار که مدعی سلطنت بود پرداخت و گیلانرا از تصرف او بیرون‌آورد و بهمراهی شیخعلیخان زند ، بمحاصرهٔ قلعهٔ استرآباد مشغول شد لکن چون شاه اسماعیل سوم نیز بمحمد حسنخان قاجار پناه جسته بود ، از عهدهٔ تسخیر قلعهٔ استرآباد برنیامد و بتهران‌فراری شد و اطلاع یافت که علیمردانخان نیز بر ضد او باآزاد خان افغان ، متحد شده‌است . بکرمانشاه رفت وعلیمردانخان را شکست داد ولی از آزادخان شکست خورد وبفارس فراری شد . شیخ علیخان و مادر کریمخان ، بدست‌آزادخان افتادند . بار دیگر آزاد خان ، کریمخانرا درقمشه شکست داد وبدنبال او رهسپار فارس گردید ودر کتل کمارج در راه بوشهر با اوروبرو شد لکن این‌بار از کریمخان ،شکست سختی‌خورد وباصفهان و از آنجا بآذربایجان گریخت .

کریمخان به تمشیت امور فارس پرداخت و شیخ علیخانرا بجلوگیری محمد حسنخان قاجار ، باصفهان فرستاد ولی چون شیخ علیخان شکست خورد ، کریمخان خود باصفهان رفت و او نیز شکست خورد بفارس‌فراری گشت .

محمد حسنخان قاجار ، پس از فتح اصفهان ، عازم‌تسخیر فارس بود لکن‌چون شنید که‌آزاد خان از آذربایجان ، قصد او را کرده ، بگیلان پس نشست و درآنجا و در آذربایجان ، چند بار آزاد خانرا مغلوب نمود تاآنکه‌آزاد خان بپناه کریمخان توسل جست .

پس از آنکه علیمردانخان وآزاد خان از میان رفتند ، قسمت شمال ایران تا اصفهان‌در دست‌محمد حسنخان قاجار وجنوب در دست کریمخان زند ماند .در ۱۱۷۱ محمد حسنخان شیراز را محاصره کرد لکن مغلوب شد و بمازندران رفت . کریمخان بتهران‌آمد و شیخ علیخانرا بتعقیب محمد حسنخان فرستاد .

محمد حسنخان در نزدیك استرآباد شکست خورد و بمازندران گریخت و در حین عبور از پلی ، از اسب افتاد وبدست یکی از قاجاریه که با او کینه داشت کشته شد .

پس از قتل محمد حسنخان قاجار ، کسان و پسر بزرگتر او آقا محمد خان ، از ترس دشمنان خانوادگی ، ابتدا بترکمانان یموت پناه بردند و پس از چهار سال بپناه کریمخان آمدند و اوآنانرا در سایهٔ حمایت خود گرفت .

همینکه محمد حسنخان قاجار از میان رفت ، کریمخان بر تمام ایران باستثنای خراسان ، حاکم باستقلال شد و بپاس حق نعمت نادر شاه ، تاآخر عمر ، متعرض شاهرخ که برآنقسمت حکمروائی داشت ، نگردید .

در زمان نادر شاه ، عمان و مسقط در ۱۱۵۶ بدست محمد تقیخان والی فارس وکلبعلیخان برادرزن نادرمسخر گردید ولی بعداً میانهٔ این دو سرداربهم خورد ومحمد تقیخان آندیگری راکشت و بر نادر شورید و چون از آن ببعد امور کشور مختل شد ، شیخ عمان بر قسمت اعظم سواحل جنوبی خلیج فارس ، مسلط گردید و کریمخان نیز توجهی بسواحل خلیج و جزایر نداشت .

تجارت بحری خلیج در آن ایام ، در دست انگلیسها و هلندیها میگشت وفرانسویها که با انگلیسها در جنگ بودند ، مزاحم دشمنان خود میشدند چنانکه در محرم ۱۱۷۳ با چهار کشتی به بندر عباس آمدند ودارالتجارهٔ انگلیس راگلوله باران وغارت کردند. چهار سال بعد از این واقعه ، انگلیسها مرکز تجارت خود رابه بصره منتقل نمودند و هلندیها نیز تجارت خود را از ایران ، بخاك عثمانی بردند . کریمخان برای اینکه تجارت انگلیس را بایران برگرداند ، در ۱۱۷۷ حق تجارت بوشهر را بکمپانی هند شرقی انگلیس واگذاشت و تجارتخانهٔ این کمپانی تا ۱۱۸۳ در بوشهر ، دایر بود وباز درآن تاریخ، بعلت نا امنی داخلی ببصره منتقل شد .

در ۱۱۶۷ رئیس تجارتخانهٔ هلندی در بصره بنام کیتپ هوزن ، جزیرهٔ خارك را تصرف کرد وآنجا را مرکز صید و تجارت مروارید قرار داد و یك قلعهٔ نظامی در آنجا ساخت .

میرمهنا شیخ بندر ریگ که طغیان کرده بود ، از صادق خان برادر کریمخان و والی فارس ، گریخت و بجزیرهٔ خارگو رفت و چون درآنجا آب شیرین یافت نمیشد،

جزیرهٔ خارك را در ۱۱۷۹ از هلندیها گرفت ولی عاقبت‌از سپاه کریمخان ببصره‌پناهنده شد و در آنجا بقتل رسید و جزایر خارك و خارگو ضمیمهٔ قلمرو کریمخان گردید .

بار دوم که تجارت انگلیس ببصره منتقل گردید ، کریمخان بتصرف آنشهر مصمم شد و در ۱۱۸۸ برادر خود صادق خانرا با سی هزار سپاهی بسر کوبی سلیمان آقا حکمران بصره که با شیخ عمان بر ضد ایران ، کمك میکرد ، فرستاد . حاکم بوشهر و بحرین نیز از دریا بصادقخان مدد میکرد . انگلیسها دو کشتی جنگی باختیار سلیمان آقا گذاشتند و از اعراب خوزستان نیز جمعی بکمك او آمدند لکن کاری از پیش‌نبردند و بصره مدت سیزده ماه در محاصره بود تاآنکه عاقبت دولت عثمانی بدرخواست کریم خان ، سر عمر پاشا والی بغداد را برای او فرستاد ولی محاصره ادامه داشت تا در بهار سال ۱۱۹۰ بصره تسلیم شد . صادقخان پس‌از چهار ماه اقامت درآنشهر ،با سلیمان‌آقا بشیرازرفت وپس از چندی قسمتی از اعراب برعلیمحمدخان حکمران بصره‌شوریدند. صادقخان ببصره برگشت و یاغیانرا سرکوبی کرد وتا صفر ۱۱۹۳ درآنجا بود وهمینکه از شنیدن خبر مرگ کریمخان ، بشیراز حرکت کرد ، عثمانیها بصره را گرفتند .

کریم‌خان در سن هشتاد سالگی ، بتاریخ۱۳ صفر ۱۱۹۳ بمرض سل در گذشت. مردی بود نیك سیرت و رعیت پرور از کینه و بد خواهی و سخت کشی ، بری و بیزار. بسیار ساده زندگی میکرد و حتی نام پادشاه بر خود نگذاشت و خود را وکیل‌الرعایا مینامید .

بازار و مسجد و حمام وکیل در شیراز و خلوت کریمخانی در تهران ، از اوست .

بازماندگان کریمخان

همینکه کریمخان‌از میان رفت ، برادر مادریش‌زکی‌خان ، مدت سه روزارگ سلطنتی و حرم کریمخانرا محاصره کرد تاعاقبت پانزده تن از بزرگان زندیه رابچنگ آورد وکشت و درآن سه روز ، نعش کریمخان بر زمین بود . پس از این فجایع ، ابوالفتح خان پسر بزرگ کریمخانرا بسلطنت برداشت و برادر او محمد علی خانرا که داماد خودش بود ، شریك سلطنت کرد وخود ، زمام امور را بدست گرفت .

صادقخان‌ملقب به باستظهارالدوله که با پسرش جعفرخان،از بصره میآمد ،چون از قضایاآگاه گشت ، بکرمان فرار کرد . علیمراد خان یکی از سرداران کریمخان که از طرف او باصفهان مأمور شده بود ، بر زکی خان شورید . زکی خان با چهل‌هزار سپاهی بقصد او عازم اصفهان شد لکن در ایزد خواست بدست لشگریان که از ظلم او بجان‌آمده بودند ، بقتل رسید و ابوالفتح خان در سلطنت خود ، مستقل شد .

صادق خان و پسرش جعفر خان ، بشیراز آمدند و اطاعت ابوالفتح خانرا گردن نهادند لکن ابوالفتح خان که جوانی عیاش بود ، یکباره بباده گساری و عشرت پرداخت و نصایح صادقخان در او مؤثر نیفتاد تا عاقبت صادقخان او را خانه نشین کرد و خود براندن‌امور سلطنت پرداخت . علیمراد خان نیز در اصفهان ، خود را شاه خواند و این حال مدت دو سال دوام داشت تا در ۱۱۹۵ علیمراد خان ، لشگری بجنگ صادق خان فرستاد . علیقلیخان پسر صادقخان آن لشگر را شکست داد . علیمراد خان بکرمانشاه رفت و سپاهی گردآورد و بار دیگر بشیراز حمله برد . این دفعه صادقخان پسر جعفر خان ، که برادر مادری علیمرادخان بود ، بهمراهی‌اکبر خان پسر زکیخان طرف علیمراد خان راگرفت و صادقخان و پسرش علینقیخان در محرم سال ۱۱۹۶ شیراز راگرفت ، صادقخان و پسرش علی قلیخان راکشت و جعفر خانرا حکومت کردستان داد و ابوالفتح خان و پسران دیگر کریمخانرا نابینا کرد .

پس ازآنکه از طرف زندیه‌آسوده شد ، با چهل هزار سپاهی بقصد تسخیر مازندران و استرآباد و دفع قاجاریه ، عازم تهران گردید و پسر خود شیخ ویس خان را بجنگ فرستاد لکن چون موفقیتی بدست نیاورد و با طغیان جعفر خان حاکم کردستان ، مواجه گردید ،باصفهان برگشت و در۱۱۹۹در مورچه‌خورت ،درگذشت.

جعفر خان باصفهان آمد و شیخ ویس پسر علیمرادخانراکورکرد و لشگری بجنگ قاجاریه فرستاد . آغامحمد خان قاجار آن لشگر را در قم ودرکاشان ،شکست داد و اصفهانراگرفت اما همینکه بتهران برگشت ،جعفر خان باصفهان آمد و باز سال بعد ، ازآغا محمد خان شکست خورد و بفارس گریخت و این جنگ و جدال ادامه داشت تا جعفر خانرا مسموم کردند و سید مراد خان بجای او نشست .

لطفعلیخان زند (۱۲۰۳ ـ ۱۲۰۹)

درآن ایام ، لطفعلیخان پسر رشیدجعفر خان ، مأمور بنادر و سواحل خلیج بود ، همینکه از قتل پدر آگاهی یافت ، شیراز را از صید مرادخان گرفت وقاتلین پدر راکشت و بتخت نشست .

در۱۲۰۴ آغا محمدخان‌قاجار، بجنگ لطفعلیخان ، عازم شیراز گردید .لطفعلی خان بدشتستان گریخت و شیراز راآغا محمد خان گرفت وبتهران برگشت . سال بعد ، لطفعلیخان بکمك حاجی ابراهیم کلانتر شهر ، شیراز راگرفت و باصفهان رفت و از آغا محمدخان شکست خورد وبشیراز برگشت امااین‌بار ، حاجی ابراهیم که باقاجاریه ساخته بود ، او را بشیراز راه نداد .

از ۱۲۰۶ تا ۱۲۰۹ که لطفعلی‌خان درقلعهٔ بم کرمان ،بدست آغا محمدخان کشته شد ، دائماً با خان قاجار در زد وخورد وغالباً فاتح بود لکن باوجود رشادت و شجاعت بسیار ، بعلت جوانی و بی تجربگی و غرور و نشنیدن نصیحت خیرخواهان ، نتوانست ازفتوحات خود نتیجه بگیرد .

آغا محمد خان قاجار (۱۲۰۰ ـ ۱۲۱۱)

ایل قاجار که از طوایف مغولی است ، در قسمت بین شام و ایران و در حدود ارمنستان ، مسکن داشت . شاه عباس بزرگ آن ایل را سه قسمت کرد ، دسته ای رادر قراباغ درمقابل لزگیان سکونت داد ،گروهی رابرای جلوگیری ترکمانان ، بگرگان و استرآباد فرستاد و جمعی را هم در جلو ازبکان ، در مرو مستقر نمود .

قاجاریهٔ ساکن گرگان نیزدو قسمت شدند ،آنانراکه‌درساحل‌راست‌رود گرگان میزیستند یوخاری باش و آنان راکه در ساحل چپ قرار داشتند اشاقه باش میگفتند و این دو قسمت غالباً باهم بر سر چراگاه در نزاع بودند .

در زمان هجوم افاغنه ، فتحعلیخان قاجار از طایفهٔ اشاقه باش بعزم یاری شاه سلطان‌حسین‌باصفهان‌رفت‌وچون‌اوضاع‌راآشفته‌دید ،باسترآباد برگشت‌وچنانکه میدانیم به‌شاه‌طهماسب‌ثانی پیوست‌وبتحریك‌نادر، بدست‌یکی‌از قاجاریهٔ یوخاری‌باش، کشته‌شد.

فتحعلی خان‌دو پسرداشت ، یکی محمدحسین خان که در طفولیت مرد ودیگری محمد حسن خان .

نادر بدشمنی طایفهٔ اشاقه باش ، حکومت گرگانرا بمحمد حسینخان از طایفهٔ یوخاری باش سپرد و این همان کسی است که بدستور رضا قلی میرزا پسر نادر ، شاه طهماسب ثانی و دو پسر خرد سالش را بقتل رسانید .

در ایام اقتدار نادر ، محمد حسنخان پسر فتحعلیخان ، در میان ترکمانان ، متواری میزیست . در سال ۱۱۵۶ که نادر گرفتار جنگ با عثمانی بود ، بدستیاری ترکمانان، استرآباد را گرفت . نادر، محمدحسینخان یوخاری باش را مأموردستگیری او کرد و محمد حسنخان فراری شد و عاقبت بچنگ نادر نیفتاد .

پس از نادر ، محمد حسنخان دو باره استرآباد را گرفت و ادعای سلطنت داشت تا چنانکه میدانیم ، در مازندران کشته شد . کریمخان که مردی رحم دل بود ، آغا محمد خان و حسینقلیخان جهانسوز ، دوتن از نه پسر او را بشیراز برد و در دستگاه خود ، بمقامات رسانید . بقیه را بقزوین فرستاد و در رعایت حالشان کوتاهی نکرد و حتی حسینقلیخانرا بحکومت دامغان‌منصوب نمود ولی‌او که مردی بیدادگر وجهانسوز بود ، بر ولینعمت‌خود عصیان کرد و در ۱۱۸۸ دراسترآباد بدست ترکمانان کشته شد.

آغا محمد خان تا ۱۱۹۳ در شیراز در دستگاه کریمخان بود و چون زنی از نزدیکان او در عقد ازدواج کریمخان بود ، بوسیلهٔ آن زن از حال نزع کریمخان آگاه شد و بهمراهی یاران خود ، بشتاب تمام ، بتهران رفت (باید دانست که آغا محمد خان بدست عادلشاه افشار ، از مردی محروم شده بود) .

در تهران اطلاع یافت که از هفت برادر او چند نفری مایل بریاست او برایل اشاقه باش نیستند ، ازآنجمله مرتضی قلیخان و رضا قلیخان و مصطفی قلیخان که بجلوگیری‌اودرمازندران‌ایستاده‌اند.

آغا محمد خان‌آنها را بوسیلهٔ برادر دیگر خود جعفر قلیخان ، مغلوب کرد و بمازندران وارد شد و در آنجا بابا خان پسر حسین قلیخان جهانسوز ، با مادر خود باردوپیوست و مصطفی قلی خان نیز باطاعت‌آغا محمد خان درآمد .

در موقعیکه‌آغا محمد خان در صدد سرکوبی هدایت خان حاکم گیلان بود ، برادرش رضا قلیخان او را با پسر حسین قلیخان و برادر کوچکتر و مادر بابا خان ، در بار فروش اسیر کرد ولی‌آغا محمد خان بزودی ازآن بند رهائی یافت و رضاقلیخان بمشهد رفت و درگذشت .

برادر دیگر آغا محمد خان ، مرتضی قلیخان ، ساری را گرفت و مدعی برادر گردید لکن از آغا محمد خان شکست خورد و بحکومت گرگان و استرآباد راضی شد وهم بار دیگر عصیان کرد و عاقبت بروسیه پناه برد و دیگر بایران باز نگشت .

همینکه آغا محمد خان از شر برادران ایمن گردید و شمال و مرکز ایرانرا باطاعت خود درآورد، در نوروز سال ۱۲۰۰ در تهران تاج شاهی بسر گذاشت و چون بدست عادلشاه افشار ، مقطوع النسل شده بود فرزند نداشت ، بابا خان پسر بزرگتر حسینقلیخان جهانسوز ، برادر زادهٔ خود را ولیعهد کرد و تهرانرا پایتخت قرار داد .

در سال ۱۲۰۳ آغامحمد خان شیراز را محاصره کرد ولی در مقابل مقاومت سخت لطفعلی خان پادشاه زند ، بتهران برگشت ، در ۱۲۰۴ لطفعلیخان برای جمع آوری سپاه ، بدشتی و دشتستان رفت واعیان شیراز آغا محمد خانرا بتصرف شهر دعوت نمودند ولی در مراجعت ،لطفعلیخان شیراز را مسلم خود کرد و بقصد جنگ باآغا محمدخان روانهٔ اصفهان شد و شیراز را بحاجی ابراهیم کلانتر سپرد و پسر او را بگروگان همراه خود برد .

حاجی ابراهیم در شیراز بدستگیری بزرگان خاندان زند پرداخت و عبدالرحیم خان برادر خود را که در اردوی لطفعلیخان بود ، بشوراندن لشگر واداشت تا آنکه بیشتر همراهیان لطفعلیخان در قمشه از دور او پراکنده شدند و لطفعلیخان شکست خورده بشیراز برگشت اما کلانتر او را بشهر راه نداد و لطفعلیخان ببوشهر رفت .

قبل از جنگ قمشه ،آغا محمد خان ، برادر خود جعفر قلیخانرا که تقاضای حکومت اصفهان داشت و چون مسئولش انجام نشد به بسطام رفته بود ، بتدبیر نزد خودآورد و کشت .

در بهار ۱۲۰۶ آغا محمد خان خود بدفع لطفعلی خان که در حدود کازرون و شیراز میجنگید ، رفت . لطفعلی خان پیشدستی کرد و در حدود ابرج ، پانزده فرسنگی شیراز ، بر اردوی آغا محمد خان تاخت و تا سراپردهٔ آغا محمد خان پیش رفت وچیزی نمانده بود که کاراو رابسازد اما باظهار یکی از حاضران که گفت آغا محمد خان گریخته و باید تاصبح صبر کرد تا نفاس سراپرده بدست سپاهیان ازبین نرود، دست از کار کشید. همینکه صبح شد دانست که آغا محمد خان در سراپردهٔ خویش و نظم سپاهیانش برقرار است . ناچار بسمت خراسان گریخت وآغا محمد خان فارس را مسخر کرد .

لطفعلی خان عاقبت در ۱۲۰۸ بکرمان رفت وآنجا را مرکز اقامت خود قرار داد . آغا محمد خان پس از چهار ماه محاصره ، کرمانرا گرفت و بقتل عام و ویرانی شهر پرداخت و امر کرد که بیست هزار جفت چشم ، باو تحویل بدهند .

لطفعلی خان ، تنها ازمحاصره بیرون جست و خود رابه بم رسانید ولی درضمن فرار ، از دست حاکم بم که خیال داشت اورا دستگیر کند ،زخم خورد و اسیر شد .آغا محمد خان بدست خود چشمهای او را بیرون‌آورد و او را در تهران بقتل رسانید .

پس از ختم‌کار پادشاه زند ،آغا محمد خان ، حکومت فارس و کرمان ویزد را به بابا خان ولیعهد خود سپرد و حاجی ابراهیم را بالقب اعتمادالدوله بوزارت او گماشت .

سپس بفکر افتاد که گرجستان و شروانرا که در زمان صفویه ،ضمیمهٔ ایران‌بود باطاعت باز بیاورد . درآن تاریخ ، سلطنت گرجستان باهراکلیوس دوم و بموجب‌معاهدهٔ ۱۱۹۷ درتحت حمایت روسیه بود. در ۱۲۰۷ هراکلیوس بتسخیر گنجه پرداخت و آغا محمد خان نتوانست با هیچگونه پیشنهادی ، سلطان گرجستانرا تحت حمایت خود بیاورد . این بود که در ۱۲۰۹ ازپل ارس گذشت وبا شصت هزارسپاهی‌بمحاصرهٔ شوشی پرداخت . ابراهیم خلیل خان جوانشیر والی شوشی ، بسختی مقاومت کرد و چون کار محاصره بطول انجامید ، ناگهان‌آغا محمد خان دست ازآن شهر برداشت وتفلیس را گرفت و قتل عام کرد . در اواخر ۱۲۱۰ از روسیه سپاهی بحمایت پادشاه گرجستان رسید و در بند و باکو و شکی و گنجه راگرفت و بقراباغ رسیدلکن چون‌کاترین دوم امپراطور روسیه فوت کرد ، جانشین او امر بمراجعت‌آن سپاه داد .

در ۱۲۱۵آغا محمد خان ظاهراً بقصد زیارت ولی درحقیقت برای تصاحب بقیهٔ جواهرات نادری که در دست شاهرخ نابینا ، نوادهٔ نادر بود ، بمشهد رفت . شاهرخ و پسرش نادر میرزا و علما واعیان باستقبال‌آمدند وآغا محمد خان‌ایشانرا بگرمی‌پذیرفت جواهرات را از شاهرخ خواست و گرفت و بگمان اینکه بازمقداری در نزد اومخفی است ، او را بانواع شکنجه معذب داشت و بمازندران فرستاد و شاهرخ در راه جان سپرد .

در ۱۲۱۱بقصد پس گرفتن‌بلادی که‌روسهاتسخیر کرده‌بودند ، شوشی رامحاصره

کرد و در حین محاصره بقتل رسید . تفصیل آنکه نسبت به سه نفر از پیشخدمتان خود متغیر شد و وعده داد که آنانرا بکشد . آن سه نفر در شب ۲۱ ذی‌الحجه ۱۲۱۱ او را در خواب کشتند و تاج و کمر و صندوقچهٔ جواهرات گرانبهائیرا که همیشه همراه خود داشت ، نزد صادق خان شقاقی که از سرداران او بود ، بردند .

سلطنت فتحعلیشاه (۱۲۱۲ ـ ۱۲۵۰)

بابا خان پسر حسینقلی خان جهانسوز ، برادر زاده و ولیعهد آغا محمد خان ، از شیراز بتهران آمد و روز عید فطر سال ۱۲۱۲ بنام فتحعلی شاه بتخت نشست و اعتمادالدوله را که در رساندن او بسلطنت ، سعی بلیغ کرده بود ،بصدارت منصوب نمود.

علیقلیخان عم خودرا که دعوی سلطنت داشت گرفت و کور کرد سپس بقصد صادقخان شقاقی که بادعای تاج و تخت ، از آذربایجان تا قزوین آمده بود ، شتافت و او را مغلوب و فراری کرد . پس از اندکی ، صادقخان ، جواهرات سلطنتی را پس داد و بخشیده شد و بحکومت سراب منصوب گردید . ابراهیم خلیلخان جوانشیر نیز اظهار اطاعت کرد و جسد آغا محمد خان را که در شوشی به امانت گذاشته بودند ، به نجف اشرف بردند .

محمد خان زند پسر زکی خان که ادعای سلطنت داشت ، اصفهانرا گرفت ولی مغلوب و فراری شد و صادقخان شقاقی ، بار دیگر سر بعصیان برداشت اما شکست خورد و باز مورد عفو واقع گردید .

مدعی دیگر ، برادر کوچک‌شاه بود که بنام پدر خود حسینقلی خان نامیده میشد و حکومت فارس را داشت .اصفهان را گرفت و ادعای سلطنت کرد . شاه که بخیال لشکر کشی بشروان و قراباغ ، بآذربایجان رفته بود ، بعلت طغیان برادر فسخ عزیمت کرد و بمقابلهٔ او شتافت لکن قبل از اینکه دو برادر در فراهان ،بجنگ بپردازند ،بخواهش و میانجیگری مادرشان ، صلح کردند .

در همان سال ۱۲۱۳ فتحعلیشاه بنا بتوصیهٔ آقا محمد خان ، پسر چهارم خود عباس میرزا را که درسال ۱۲۰۳ تولد یافته بود ،ولیعهد کرد و بفرمانفرمائی آذربایجان منصوب نمود ؛ سلیمان خان اعتضاد الدوله را بسمت اتابیکی و میرزا عیسی فراهانی یعنی میرزای بزرگ قائم مقام اول را بوزارت او گماشت .

نادر میرزا پسر شاهرخ شاه افشار ، نیز در خراسان طغیان کرد ولی همینکه فتحعلیشاه بمشهد رسید ، بعذر خواهی آمد و دختر خود رابازدواج یکی ازشاهزادگان قاجار داد و قائلهٔ او ختم شد .

حاجی ابراهیم کلانتر ملقب به اعتماد الدوله که برادران و بستگان متعدد خود را درکارها دخیل کرده بود ، مورد بدگمانی واقع شد . در یك روز ، عموم بستگان او راگرفتند ، بعضی را نابینا کردند و جمعی را کشتند . اعتمادالدوله را نیز کور کردند و زبان بریدند .

بار دیگر حسینقلی خان برادر شاه که حکومت کاشان را داشت طغیان کرد و اصفهان راگرفت لکن دستگیر و نابینا شد . ونیز نادر میرزای افشار ، بار دیگربادعای سلطنت قیام نمود ،گرفتار وکشته شد .

در ۱۲۱۳ سال دوم سلطنت فتحعلیشاه ، زمانشاه امیر افغانستان ، بخیال افتاد که به سند و پنجاب حمله کند و با قبایل مهراته که در هند مرکزی و شمال دکن ، مانع پیشرفت سیاست انگلیس بودند ، بجنگد . لردولسلی حکمران هند را از قصدخود آگاه کرد لکن حکمران انگلیسی که از استیلای افاغنه بر هند بیمناك بود ، این پیشنهاد را نپذیرفت وبرای اینکه زمانشاه را از این خیال باز دارد ،پادشاه ایرانرا برضد اوتحریك کرد و مهدیعلی خان نمایندهٔ شرکت تجارتی انگلیس راکه مقیم بوشهر بود ، مأمور دربار ایران نمود . اتفاقاً در اینموقع ، زمانشاه سفیری نزد شاه فرستاد و خواست که خراسان را بافغانستان وا بگذارد .

فتحعلیشاه ، از دو برادر زمانشاه موسوم به محمودوفیروز که بایران پناه آورده بودند ، محمود را بهمراهی سپاهی بافغانستان فرستاد واو زمانشاه راگرفت وکور کرد و در تحت حمایت ایران ، بامارت افغانستان نشست .

ناپلئون امپراطور فرانسه که با انگلیس در جنگ بود ، در صدد برآمد که با جلب مساعدت عثمانی و ایران ، از خاك این دوکشور بگذرد و بهندوستان حمله کند . در این اثنا یعنی در ۱۲۱۸ هجری یا ۱۸۰۴ میلادی ،دورهٔ اول جنگهای ایران وروس شروع شد و در موقعیکه ایران برای گرفتن کمك بانگلستان متوسل شده بود ، دولت فرانسه نمایندگانی بایران فرستاد و پیشنهاد عقد اتحادی بر ضد روسیه کرد ولی ازآن نمایندگان ، یکی مرد و دیگری مریض شد و رفت .

عهد نامه ای که میرزا رضا خان قزوینی سفیر ایران ، ازجانب فتحعلیشاه در۲۵ صفر ۱۲۲۲ در خاك لهستان ، با ناپلئون بسته ، شامل شانزده ماده است . بموجب این عهدنامه امپراطور فرانسه تعهد کرد که در برگرداندن گرجستان بایران کوشش کند و برای تقویت ایران ، اسلحه و مهمات و معلم بفرستد و در مقابل ایران ، متعهد شد که در جنگ فرانسه بر ضد انگلیس و روس باآندولت متحد باشد و افاغنهٔ دست نشاندهٔ خود را بحمله بهند وا دارد و خود بانگلستان اعلام جنگ بدهد .

انگلیسها قبل از آنکه این معاهده منعقد شود ، شش نماینده از طرف شرکت تجارتی هند شرقی ، بریاست سرجان ملکم بایران فرستاده و بعقد قراردادی موفق‌شده بودند دائر بر اینکه شاه ایران ، مادام که زمانشاه افغان دست از تعدیات خود بحدود هندوستان بر نداشته ، با او صلح نکند و فرانسویانرا بایران راه ندهد و انگلستان نیز در صورت بروز جنگ بین ایران و روسیه یا افغانستان ،برای ایران اسلحه تهیه‌نماید.

لکن درموقع جنگ ایران با روسیه ، دولت انگلیس که‌درآنزمان برضدناپلئون با روسیه همعهد شده بود ، ناچار بعقد قرارداد با فرانسه شد و در نتیجهٔ آن قرارداد ، سرتیپ گاردان فرانسوی با عده‌ای مهندس و معلم بایران‌آمد و بریختن توپ و تعلیم سپاهیان ایرانی پرداخت .

انگلیسها برای برهم زدن نقشهٔ فرانسویها ، در تابستان ۱۲۲۳ یا۱۸۰۸ میلادی بار دیگرملکم رابیوشهر فرستادند لکن فتحعلیشاه از پذیرفتن او درتهران خودداری کرد و ملکم بهندوستان برگشت و حکمران هند را بتصرف جزیرهٔ خارك و حمله بسواحل ایران واداشت .

در ۱۲۲۲ یا ۱۸۰۷ میلادی، ناپلئون امپراطور فرانسه باالکساندر اول‌امپراطور روسیه ،بر ضد انگلیس ،همعهد شدند وامپراطور فرانسه عهد خود را باایران‌فراموش کرد و فتحعلیشاه مجبور بتجدید روابط دوستی با انگلستان شد و در پائیز سال۱۸۰۸ نمایندهٔدولت انگلیس دربصره بنام هرفورد جونز ،بایران‌آمدو سرتیپ گاردان فرانسوی از ایران رفت ونمایندهٔ انگلیس بعقد قراردادی بین ایران و انگلیس موفق شد مبنی برآنکه تا بین ایران و روسیه جنگ درگیر است ، دولت انگلیس سالی صد و بیست هزار لیره بایران بپردازد .

در ۱۲۲۴ یا ۱۸۱۰ میلادی ، سرجان ملکم باعده ای افسر بایران آمد ،ازجمله لیندسی بود که بیش از دو متر طول قامت داشت و بهمین جهت او را رستم میگفتند. نظامیان انگلیسی باصلاح لشگر ایران پرداختند و در عداد سپاهیان درآمدند و حتی لیندسی بفرماندهی لشگر رسید .

فتحعلیشاه میرزا ابوالحسن خان ایلچی ، خواهر زادهٔ حاجی ابراهیم کلانتر را بهمراهی جیمز موریه منشی سفارت انگلیس ، بلندن فرستاد تا در باب پرداخت سالی صدو بیست هزار لیره اطمینان حاصل کند.جیمز موریه مؤلف کتاب معروف حاجی بابا و شرح حرکات مضحك میرزا ابوالحسن خان ایلچی درآن سفرنیز مشهور است .

عاقبت سفیر انگلیس سرگور اوسلی ، در ۱۲۲۹ موفق بعقد قرار دادی شد که بموجب آن ، دولت ایران میبایست کلیهٔ معاهدات خود را با دول اروپائی دشمن انگلیس، لغو کند واز خاك خود به سپاهیان آن دول ، راه عبور بهندوستان ندهد .

انگلستان نیز بعهده گرفت که در صورت بروز دشمنی بین ایران و دولت دیگر اروپائی ، در رفع اختلاف بکوشد و اگر کار بصلح تمام نشد ، از هندوستان بایران ، کمك لشگری بدهد ویاآنکه در مدت جنگ ،سالی صدو پنجاه هزار لیره بایران بپردازد و اگر بین ایران و افغانستان جنگی شد ، بیطرف بماند . ولی اگر افغانستان بهندحمله کرد ، دولت ایران میبایست بافغانستان اعلان جنگ کند .

دورهٔ اول جنگهای ایران وروس

دولت روس ، در سال ۱۲۱۵ گرجستانرا رسماً بخود منضم کرد و سردار روسی موسوم به سی‌سیانف و معروف به اشپخدر ، در ۱۲۱۸ ، گنجه و شوش و ایروان و قراباغ و تا حدود ارس را تصرف نمود .

عباس میرزا ولیعهد ، مأمور جنگ با روسیه شد و سی‌سیانف را در جنگ اچمیازین در ۱۲۱۹ شکست داد و به تفلیس عقب نشانید ولی سی‌سیانف بار دیگر در صدد برآمد که از راه گیلان حمله کند و تهران را بگیرد لکن از مردم گیلان صدمات بسیار دید و مجبور بتخلیهٔ آن نواحی شد وبار سوم از جانب مغان و کنارهٔ بحرخزر، حمله آورد . عباس میرزا بسرعت خود را بگنجه رسانید وآنشهر راگرفت و عازم شهر شوشی شد. سوسیانف که از هر طرف مقهور سپاه ایران شده بود ، بقصد باکو رفت

تا شاید حسینقلی‌خان حاکم ایرانی آن شهر رابفریبد. قضیه بعکس واقع شدوحسینقلیخان بعنوان تسلیم قلعهٔ باکو ، او رابپای قلعهٔ کشید و بضرب گلوله از پای درآورد وماوراء قفقاز تا حدود شط کورا تحت امر ایران درآمد .

پس از قتل سی‌سیانف، ابراهیم خلیل‌خان حاکم شوشی که دخترش در عقد فتحعلیشاه و پسرش در اردوی عباس میرزا بود ، حاضر بتسلیم‌شد لکن فرماندهٔ روسی شوشی از این تصمیم‌اطلاع یافت و شبانه بر سر ابراهیم خلیل‌خان‌تاخت و او و سی‌ویك نفر از نزدیکانش را کشت .

عباس میرزا در محل خانشین از محال قراباغ ، روسها را شکست داد وشوشی و شروانرا گرفت .

پس از کشته شدن سی‌سیانف ، گودوویچ فرماندهٔ سپاه قفقاز ، در صدد برآمد که با عباس میرزا داخل گفتگوی صلح بشود ، گاردان فرانسوی نیز بانعقاد صلح بین روس و ایران ، اصرار داشت لکن موفق نشد و گودوویچ در ۱۲۲۳ بایروان‌حمله کرد و شکست خورد . روسها بار دیگر در نخجوان از عباس میرزا و در ایروان از حسین خان قاجار شکست یافتند .

گاردان از ایران رفت و افسران انگلیسی بجای فرانسویان، از ۱۲۲۵ تا۱۲۲۸ باصلاح توپخانه و نظام پرداختند . در این مدت روسها خواستار صلح شدند ولی‌چون برای جنگ با عثمانی ، راهی از خاك ایران میخواستند و در نگاهداشتن ولایاتی که از ایران تصرف کرده بودند اصرار میورزیدند ، انعقاد صلح میسر نگردید .

با اینکه تمام امید ایران بانگلستان بود چون‌آن مملکت با روسیه سازش کرد، از همراهی با ایران امتناع نمود و بخلاف سابق سعی داشت که بین ایران و روس را صلح بدهد و حتی بافسران انگلیسی امر دادکه از جنگ با روسیه دست بردارند ولی لیندسی و کریستی وسیزده نفر از نظامیان انگلیسی بمیل خود در خدمت ایران‌ماندند.

موقعیکه سپاه‌ایران‌درمحل‌اصلاندوزدر کنارارس مقیم شده و عباس میرزا بشکار رفته بود ، ناگهان روسها باردو تاختند و رشتهٔ نظم‌سپاه ایرانرا برهم زدند .عباس‌میرزا از فرط وحشت ، قصد عقب‌نشینی کرد لکن کریستی که فرماندهٔ قسمتی از پیاده نظام‌بود، او را از این خیال باز داشت ولیندسی هم بوسیلهٔ توپخانه از پیشرفت روسهاجلوگیری کرد . با وجود این در شورائی که عباس میرزا تشکیل داد ،چنان اختلاف آرائی ظاهر

شد که امکان تصمیم نبود و بهمین جهت روز بعد که روسها حمله کردند ، در سپاه ایران پریشانی افتاد، و کریستی کشته شد و عباس میرزا به تبریز عقب نشست .

فتحعلیشاه که در تهیهٔ وسائل جنگ دیگری با روس بود بعلت طغیان ترکمانان در خراسان ، از آن خیال منصرف شد و حاجی میرزا ابوالحسن خان ایلچی را برای تقاضای صلح بروسیه فرستاد . روسیه که در آنوقت گرفتار ناپلئون بود ، این تقاضا را بخشنودی پذیرفت و سرتیپ یرملوف را برای عقد صلح ،بتهران فرستاد . بموجب این عهدنامه که درشوال ۱۲۲۸ در قریهٔ گلستان از محال قراباغ دریازده ماده منعقد گردید جمیع ولایاتی که تاآن تاریخ بتصرف روس درآمده بود یعنی گرجستان و ولایات ساحلی دریای سیاه و باکو و دربند و شروان و قراباغ و شکی و گنجه و مغان و قسمت علیای طالش ، ضمیمهٔ آندولت شد و حق کشتیرانی در بحر خزر از ایران سلب گردید . در عوض دولت روس متعهد شد که عباس میرزا را بسلطنت برساند .

در نتیجهٔ اشتغال دولت بجنگ با روسیه ، قسمت شرقی ایران دچار اغتشاش گردید و گردنکشانی مانند محمد خان افغان غلجائی و خواجه محمد کاشغری که از دراویش ترکستان بود و فتح خان افغان بارکزائی و فیروز میرزا حکمران هرات ، سر برداشتند و همگی مغلوب شدند . حسینعلی میرزا شجاع السلطنه پسر فتحعلی شاه، دوبار هرات را گرفت و یاغیانرا سرکوب کرد .

در ۱۲۲۱ که آغاز محاربهٔ ایران با روس بود ، پاشای شهر زور ، عبدالرحمن پاشا ، بایران پناه آورد و فتحعلیشاه او را تحت حمایت ایران ، بحکومت شهر زور بر قرار نمود و این واقعه موجب نقار دولت عثمانی گردید .

بین علی پاشا والی بغداد که قصد دفع عبدالرحمان پاشا را کرده بود و محمد علی میرزای دولتشاه پسر فتحعلیشاه وحاکم کرمانشاه ، جنگی شد و علی پاشا مغلوب و اسیر گشت ولی بنا بخواهش دولت عثمانی ، آزاد شد .

در سال ۱۲۳۶ چون جمعی از خدمه و حرم شاه در ضمن سفر حج ، در ارزةالروم ، مورد تعرض و غارت واقع گشتند . و باضافه سر عسکر آن ناحیه بنام حافظعلی پاشا،ایلات حدود ایرانرا بقلمرو خود کوچانده بود ،دولت ایران،عزل اورا ازدولت عثمانی تقاضا نمود ولی جانشین او نیز همچنان ،بر رویهٔ سلف خود باقی ماندو درنتیجه دولت ایران ، بجنگ با عثمانی پرداخت و عباس میرزا بسرعت ، تمام ارمنستان و

کردستان عثمانی را تا حدود دیار بکر ، تصرف کرد .

از طرف دیگر ، محمد علی میرزای دولتشاه بعراق عرب حمله برد و تا بغداد رسید . دولت عثمانی تقاضای صلح نمود و در تاریخ ذی‌القعده ۱۲۳۸ در ارزةالروم ، بین‌دو دولت ، معاهده ای در هفت ماده‌منعقد گردید مبنی براینکه دولت ایران ، ولایات عثمانی را پس بدهد و اتباع عثمانی نیز ازآن ببعد بزوار ایرانی آزاری نرسانند.

چون در معاهدهٔ گلستان ، حدود سرحدی بین ایران و روسیه بطور وضوح‌معین نبود ، دائماً بین مأمورین سرحدی اختلافاتی بوجود میامد .از طرف دیگر ، مسلمانان قفقاز ، از ظلم روسها شکایتها میکردند و شاه را به پس گرفتن ممالك از دست رفته میخواندند . علمای تهران نیز امر بجهاد دادند و جمعی از اصفهان و تهران و عراق عرب ، بطرف آذربایجان حرکت کردند . با وجود اینها ، عباس میرزا بجنگ راضی نبود ولی فتحعلیشاه در اثر فشار عامه و تحریکات مغرضین ، سفیر روس راکه برای رفع اختلافات آمده بود،نپذیرفت وجنگ آغاز شد .

عباس میرزا بسرداری‌کل‌سپاه مأمور گردید وبکمك اهالی ولایات از دست‌رفته، روسها را همه‌جا شکست داد و طالش و مغان و بندر لنکران و سالیان و گنجه و باکو و شکی و شروان و داغستان را بآسانی متصرف شد . در همین اوان ، جنگ بین روس وعثمانی‌خاتمه یافت و سردار مجرب روسی بنام پاسکیویچ ، مأمور جنگ ایران‌شد و سپاه ایران در ۲۳ ربیع الاول ۱۲۴۲ بعلت نداشتن مهمات کافی و نرسیدن حقوق سپاهیان و بخصوص بسبب رقابت شاهزادگان و عدم اطاعت آنان از دستور ولیعهد ، در گنجه شکست خورد و روسها تمام نواحی سابق را در سواحل بحر خزر تصرف کردند و تا طالش و مغان پیش آمدند.عباس میرزا تقاضای صلح کرد لکن‌چون سردار روس ، واگذاری ایروان و نخجوان رااز شروط صلح قرار داد ، ناچار بتعقیب جنگ پرداخت و دو شکست سخت به روسها داد .

سال بعد، در ۲۶ ذی‌الحجه ۱۲۴۲ ، روسها قلعهٔ عباس آباد را در ساحل شمالی ارس گرفتند و در نتیجهٔ این فتح ، تقاضای واگذاری تمام ولایات جنوب‌ارس وهفتصد هزار تومان غرامت کردند . بار دیگر جنگ در گرفت و روسها بین قرا باغ و طالش شکست خوردند .

در غرهٔ ربیع‌الاول ۱۲۴۳ روسها قلعهٔ سردارآباد ازقلاع ایروانرا محاصره وفتح کردند و اچمیازین و ایروان را متصرف شدند و سپس بطرف خوی و مرند و تبریز سرازیر گشتند و عباس میرزا که برای جلوگیری از سپاه فاتح روس میکوشید ، در سه نقطهٔ دهخوارقان و دیلمقان و ترکمان چای نیز مغلوب شد و معاهدهٔ ترکمانچای که شامل دو قسمت سیاسی وتجاری است ، در۵ شعبان۱۲۴۳منعقد گردید .

۱ ـ بموجب مادهٔ ۴عهد نامهٔ سیاسی ، دولت ایران‌اضافه بر ولایاتی که‌درنتیجهٔ عهد نامهٔ گلستان از دست داده بود ، ایروان و نخجوان و اردو باد را نیز ازدست‌داد .

۲ ـ مطابق مادهٔ ٦ مبلغ ده کرورتومان غرامت‌جنگ، برعهدهٔایران گذارده‌شد .

۳ ـ بموجب مادهٔ هفت تعهد روسیه در رسانیدن عباس میرزا بسلطنت ، تائید گردید .

۴ ـ بموجب مادهٔ ۱۰ دولت روسیه اجازه یافت بهر نقطه که لازم بداند قنسول یا عامل تجارتی بفرستد . حق حکومت قنسولهای روس در ایران ، موضوع کاپی‌تولاسیون است که بعدها مورد استفادهٔ سایر دول خارجی واقع شد .

گریبایدف خواهر زادهٔ پاسکیویچ ، بسفارت روس در ایران مأمور شد . آقا یعقوب گرجی از خواجه سرایان فتحعلیشاه که برای فرار ازپرداخت مالیات ، خودرا تبعهٔ روس خوانده و به‌گریبایدف پناه برده بود ، سفیر را وا داشت که بموجب عهدنامهٔ ترکمانچای ، آزادی اسرای قدیم و جدید گرجی را بخواهد و ازآنجمله یکی‌اززنان حرم شاهی و زن اللهیار خان آصف‌الدوله صدر اعظم را قلمداد کرده بود .

گری‌بایدف ، جمعی ارمنی و گرجی را به تفتیش خانهٔ رجال ایران فرستاد تا هرکجا از زنان گرجی مایل بقبول تبعیت روس باشند ،آزاد شوند و زن آصف‌الدوله را باین‌عنوان بسفارت روس برد .غوغائی بپا شد و در نتیجهٔتیر اندازی از سفارت‌روس سه نفر بقتل رسیدند . مردم نیز بفتوای میرزا مسیح مجتهد ، بسفارت روس ریختند و گری‌بایدف و هشتاد نفر ازکسان او راکشتند .

دولت روسیه در آن ایام گرفتارجنگ‌با عثمانی بود و باضافه چون منشی سفارت روس که از تهران گریخته بود و همچنین سفیر انگلیس شهادت دادند که خطاازجانب گریبایدف بوده ، صلاح را در مسالمت دید و از عباس میرزا خواست که پسر خودرا برای عذرخواهی بپایتخت روسیه بفرستد .

خسرو میرزا پسر عباس میرزا بهمراهی محمد خان امیر نظام و میرزا تقی فراهانی ، به پطرز بورگ رفتند ، دولت روس آنانرا باحترام پذیرفت و حتی از دوکرور تومانی که از بابت غرامت جنگ ، بر عهدهٔ ایران باقی مانده بود ، یك کرور بخسرو میرزا بخشید و فقط تقاضا کرد که میرزا مسیح مجتهد از تهران تبعید شود . فتحعلیشاه او را بعتبات فرستاد .

بعد از این غائله، عباس میرزا بدفع سرکشان مأمور شدو شجاع‌السلطنه برادر خود را در کرمان و عبدالرضا خان نام را در یزد ، دستگیر نمود و تراکمهٔ یاغی را سرکوبی کرد .

پس از آرام کردن خراسان ، فتحعلیشاه بتحریك روسها ، بخیال تسخیر هرات افتاد . دولت روس ، درآسیای مرکزی وترکستان ، بکشورگیری و بسط قدرت‌اشتغال داشت و با تحریك ایران بتصرف هرات که معبر هندوستان بود ،میخواست انگلستانرا بوحشت بیندازد و ضمناً ایرانرا از خیالات پس گرفتن ایالات از دست رفتهٔ قفقاز و وآذربایجان باز دارد . واما انگلیسها برای‌جلوگیری از نقشهٔ روس ،از طرفی‌افغانستان را مسلح میکردند و از طرف دیگر ،در خراسان تولید اغتشاش مینمودند تا پای‌دولت ایران که بموجب معاهدهٔ ترکمانچای ، تحت نفوذ روس قرار گرفته بود ، بمعبر هند باز نشود .

اقدام فتحعلیشاه بمحاصرهٔ هرات ، مخالفت با سیاست انگلستان بود و عاقبت در زمان ناصرالدین شاه ،کار را بجنگ باآن کشور کشانید .

عباس میرزا در ۱۲۴۹ بمحاصرهٔآن شهر پرداخت لکن از طرف فتحعلی شاه که نقاهت داشت ، بتهران احضار شد و بانجام رساندن محاصره را به پسر خودمحمد میرزا محول کرد . پس از ورود بتهران ، چون در نتیجهٔ ده سال بیماری ، سخت علیل شده بود ،درخواست کرد که بمشهد برگردد و درآنجا بمیرد و چنین شد یعنی درشب دهم جمادی‌الاخر ۱۲۴۹ بسن ۴۷ سالگی در مشهد فوت کرد و در همانجا مدفون گردید .

همینکه خبر واقعه بمحمد میرزا و قائم مقام وزیر او رسید ، بمبلغی خراج سالیانه که کامران میرزا والی هرات بر عهده گرفت ، راضی شده با او صلح کردند و بتهران آمدند.

عباس میرزا عزیزترین پسر فتحعلیشاه بود گذشته ازشجاعت و مهارت درلشگر کشی، بادارهٔامور کشور نیز توجه مخصوص داشت . پای تمدن اروپا را بایران باز کرد، عده‌ای محصل بانگلستان و کارگر بروسیه فرستاد،وبساختن کارخانه‌های توپ‌ریزی‌واسلحه سازی و ماهوت بافی اقدام نمود و چاپ سربی را معمول کرد و بطبع کتب پرداخت خوشبختانه رجال بزرگی در اطراف خود داشت مانند محمد خان امیر نظام مربی میرزا تقی خان امیر کبیر ، و میرزا بزرگ قائم مقام اول و پسرش میرزا ابوالقاسم قائم مقام دوم و دیگران .

فتحعلیشاه محمد میرزا پسر عباس میرزا را بآذربایجان فرستاد و خود بعزم جنوب حرکت کرد و در ۱۹ جمادی‌الاخر ۱۲۵۰ در اصفهان بسن ۶۸ سالگی پس از ۳۷ سال سلطنت وفات یافت و در قم مدفون گردید .

(محمد شاه ۱۲۵۰ ـ۱۲۶۴)

محمد میرزا که پس از فوت پدرش عباس میرزا ، سمت ولایت عهد یافته بود پس از مرگ فتحعلیشاه ، بدستیاری قائم مقام دوم ، در تبریز بتخت نشست و بهمراهی سفرای انگلیس وروس و توپخانه و سپاه مفصلی‌بفرماندهی سردار انگلیسی بنام‌لیندسی بقصد تهران حرکت کرد ،

بعضی از اعمام او مانند علی میرزا ظل‌السلطان و حسین علی میرزا فرمانفرما و حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه ، بخیال سلطنت افتادند .

ظل‌السلطان بر تهران مستولی شد و خود را عادلشاه خواند ولی همینکه‌محمد شاه در نوزدهم شعبان ۱۲۵۰ بتهران رسید ، تسلیم گشت و مورد عفو قرار گرفت .

فرمانفرما و شجاع‌السلطنه در شیراز علم طغیان افراشتند و چون محمد شاه از دو برادر خود جهانگیر میرزا وخسرو میرزا که در اردبیل‌زندانی بودند اندیشناك‌بود که‌مبادا طرف مخالفین‌را بگیرند ،هردوراکور کرد بجنگ با اعمام‌یاغی پرداخت ودر نزدیکی‌قمشه‌سپاه شجاع‌السلطنه راشکست دادوآن‌هردو را دستگیر نمود، شجاع‌السلطنه راکور کرد و وفرمانفرمادر وبای‌عام‌در گذشت.

پس از آن در شب سلخ صفر ۱۲۵۱ قائم مقام دوم راکه بر او همه گونه حق داشت،بامراودر باغ‌نگارستان که در غرب مجلس‌شورای ملی‌بوده است ، خفه کردند .

قائم مقام دوم ، پسر میرزا بزرگ قائم مقام اول و از سادات حسینی مهر آباد فراهان‌بود . پس-ازآنکه پدرش در ۱۲۳۷ در وبای تبریز فوت کرد، بجای او بوزارت

عباس‌میرزارسیدوپس‌ازاوبوزارت‌محمدمیرزامنصوب گردید ویکی از دختران فتحعلی شاه را که خواهر تنی‌عباس میرزا بود ، بزوجیت داشت . مردی مدبر و فاضل و در نویسندگی ، صاحب سبکی تازه وروان و شیرین بود .

پس از قتل قائم مقام ، محمد شاه صدارت را بحاجی میرزاآقاسی ملای‌ایروانی که معلم اوبودو بساده لوحی و بی تدبیری معروف است واگذار کرد و تمام عمر باو ارادت ورزید .

کامران میرزا والی هرات ، نه تنها خراج معهود را نپرداخت بلکه بسیستان‌نیز تعرض کرد و محمد شاه باز بخیال تسخیر هرات افتاد بخصوص که روسها درنتیجهٔدست یافتن به بخارا و خیوه و نزدیك شدن بحدود افغانستان ، میخواستند راهی بهرات پیدا کنند و شاه ایرانرا به اینکار تشویق میکردند .

مذاکرات‌مأمورین‌انگلیس که‌بتهران‌آمدند مفیدواقع نشد وحتی‌محمدشاه‌سران نظامی انگلیس راکه در خدمت داشت مرخص کرد و در ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۲۵۳ بقصد هرات عازم گردید .

کامران میرزا مردی افیونی و بی کفایت بودلکن یار محمد خان وزیراوبکمك پوتین‌جر مهندس انگلیسی توپخانه ، مدت ده ماه با محاصرهٔ هرات مقاومت کردند .

در حین محاصرهٔ هرات ، سفیر انگلیس بنام جان ملکنیل ، باردوی شاه رفت و با کامران میرزا در هرات ملاقات نمود و میانجی‌صلح واقع شد لکن چون سفیر روس‌نیز نزد شاه ایران‌آمد و او را بکمك یك افسر روسی امیدوار کرد ،شاه ازپذیرفتن‌میانجی گیری سفیر انگلیس خودداری نمود وسفیر انگلیس بتهران بازگشت وشاه رادرصورت تسخیرهرات ،بدشمنی انگلستان تهدید کرد چنانکه کمی بعد ،جزیرهٔ خارك‌را انگلیسها به تصرف درآوردند .

عاقبت محمد شاه در هجدهم جمادی الاخر ۱۲۵۴ چون دید از عهدهٔ تسخیر هرات و دشمنی با انگلستان بر نمیآید ،دست از محاصره برداشت و بتهران برگشت.

و اماتفصیل آقاخان‌محلاتی این است که در ۱۲۳۲ شاه خلیل‌الله ازسادات‌حسینی که بر فرقهٔ اسماعیلیه در ایران و هندوستان ، ریاست روحانی داشت و چندی نیز بحکومت کرمان‌رسیده بود ، در یزد بدست فتنه جویانی بقتل رسید .

فتحعلیشاه برای دلجوئی از پیروان او ، پسر بزرگش آقاخانرا بدامادی خود

اختیار نمود و او را بحکومت قم و محلات منصوب کرد و محمد شاه در ۱۲۵۱ او را بحکومت کرمان فرستاد .

درسال ۱۲۵۵ آقاخان که از حاجی میرزاآقاسی ناراضی بود ،سر بطغیان برداشت ولی مغلوب شد و بامر شاه درمحلات مقیم گردید . پس از چندی آقاخان از محلات بیزد رفت و درآنجا شورشی بپاکرد و باز مغلوب شد و بکرمان گریخت و چون درآنجا نیز شکست خورد ،در ۱۲۵۷ از راه قندهار بهندوستان رفت و تحت حمایت دولت انگلیس قرار گرفت .

در ۱۲۵۸ محمود پاشا والی سلیمانیه که از طرف دولت عثمانی از شغل خود معزول شده بود ، بایران پناه آورد .محمد شاه از دولت عثمانی خواست که حاکم معزول را بشغل سابق برقرار کند وچون آن دولت در قبول این تقاضا مسامحه کرد ، شاه ایران بوالی کردستان امر داد که بهمراهی محمود پاشا بخاك عثمانی حمله ببرد . لکن والی کردستان شکست خورد و محمد شاه بجمع آوری سپاه پرداخت .

علت اصلی این تصمیم اختلافاتی بود که بین دو دولت وجود داشت از آنجمله بد رفتاری عثمانیها نسبت بزوار ایرانی ، و تعرضی که ازطرف ایلات سرحد نشین بحدود دو کشور میشد و مهمتر از همه آنکه در مدت اشتغال محمد شاه بمحاصرهٔ هرات ،والی بغداد که از ترقی تجارت خرمشهر (محمره) در مقابل بصره نگران بود ،آنشهر ایران را ویران کرد و خسارت فراوان وارد آورد .

با وجود اینها همه ، روس و انگلیس میانجی ومانع جنگ شدند وحداختلافات بانجمنی مرکب از نمایندگان چهار دولت واگذار شد .

کار انجمن بطول کشید و نتیجه‌ای از آن بدست نیامد .در این ضمن والی بغداد بکربلا تاخت و نه هزار نفر از شیعیان را که اغلب ایرانی بودند بقتل رسانید .

محمد شاه بار دوم تصمیم بجنگ گرفت ولی دول روس و انگلیس او را از این اقدام مانع شدند و باز در ارزةالروم انجمنی از نمایندگان چهار دولت برای حل اختلاف تشکیل دادند .

نمایندهٔ ایران درآن انجمن ، میرزا تقی خان فراهانی بود .

پس از سه سال در ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۲ معاهده ای در نه ماده بین دو دولت ایران و عثمانی منعقد گردید که بموجب آن دولت ایران از دعاوی خود نسبت بسلیمانیه

و قسمت غربی ولایت زهاب صرفنظر کرد و دولت عثمانی حق ایرانرا بر خرمشهر و جزیرهٔ خضر و ساحل چپ شط‌العرب برسمیت شناخت و قرار شد دو دولت با اتباع یکدیگر مطابق قواعد بین‌المللی رفتار کنند.

در ۱۲۶۲ حسن خان سالار پسر آصف‌الدوله که بعلت کبر سن پدر، از طرف او در حکومت خراسان، نیابت داشت، از اوامر حاجی میرزا آقاسی سرپیچی کرد وعاقبت با سپاهی عازم تهران شد و تا سبزوار رسید ولی در آنجا از حمزه میرزای حشمت‌الدوله برادر محمد شاه، شکست خورد و بقبایل ترکمن پناه برد.

بهمن میرزای بهاءالدوله حاکم آذربایجان نیز که طغیان کرده بود، طلب عفو نمود و بترك ایران و مهاجرت بروسیه ناگزیر شد.

ظهور مذهب بابیه - در اوایل سلطنت فتحعلیشاه، یکی از علمای شیعه از اهل بحرین، قسمت احساء بنام شیخ احمدبن زین‌الدین که در عتبات مقیم شده بود، از اصول دین، سه رکن توحید و نبوت و امامت را پذیرفت و منکر دو رکن دیگر که عدل و معاد باشد گردید، زیرا میگفت که معاد جسمانی محال است و عدل نیز یکی از صفات ثبوتیه خداست و علت ندارد که تنها این صفت را یکی از ارکان اصول دین قرار بدهیم.

در عوض این دو رکن، رکن دیگری بعنوان رکن رابع قرار داد و غرض از آن، عقیده بیك نایب از میان شیعیان کامل بود که بین آنان وامام غائب، واسطه باشد و چون خود را آن شیعهٔ کامل و نایب میدانست، پیروان شیخ احمد احسائی را شیخیه میخوانند.

بعد از شیخ احمد ریاست شیخیه بیکی از شاگردان او بنام حاج سیدکاظم رشتی رسید و پس از فوت او که در ۱۲۵۹ اتفاق افتاد. یکی از شاگردانش بنام حاجی محمد کریمخان قاجار، بریاست شیخیه رسید و دیگری سید علی محمد شیرازی عنوان باب گرفت و در ۱۲۶۰ بتأسیس مذهب بابیه قیام نمود و کتابی بنام بیان آورد و پیروانی پیدا کرد، از آنجمله منوچهر خان معتمدالدوله که باب را باصفهان خواند و تحت حمایت خود گرفت. پس از فوت معتمدالدوله در ۱۲۶۳ سید علی محمد را بامر محمد شاه بآذربایجان بردند و در قلعهٔ چهریق زندانی کردند و در ۱۲۶۶ در زمان سلطنت ناصرالدین شاه، بفتوای علمای تبریز، بقتل رساندند.

محمد شاه در اواخر سال ۱۲۶۴ بسن چهل و دو سالگی و پس از چهارده سال و سه‌ماه سلطنت ، بمرض نقرس فوت کرد . مردی ضعیف‌النفس و بی اراده بود و در تحت نفوذ حاجی میرزا آقاسی میزیست که او خود بساده لوحی وبی تدبیری معروفست .

ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ - ۱۳۱۴)

پس از فوت محمد شاه ، امور کشور در نتیجهٔ بیکفایتی حاجی میرزا آقاسی دچار پریشانی شد .

اکثر بزرگان از او نا راضی و برای طرد او در پی فرصت بودند و زیر بار او نمیرفتند . سالار پسر آصف‌الدوله باز در خراسان قیام کرد و در سایر ولایات نیز طغیانهاشد . حاجی میرزا آقاسی در ابتدا سپاهی‌دور خود گردآورد وشاید دعوی‌سلطنت داشت لکن زود مأیوس شد و در حضرت عبدالعظیم بست نشست .

تاآنکه ناصرالدین میرزای ولیعهد از تبریز برسد ،مادرش مهدعلیا بدستیاری وزیر خود علیقلی میرزا که بعدهااعتضادالسلطنه شد ، پس از مذاکراتی بانمایندگان روس و انگلیس ، زمام امور پایتخت را در دست گرفت .

ادارهٔ امور لشگری آذربایجان با محمد خان زنگنه امیر نظام و منشی او میرزا تقی خان فراهانی وزیر نظام بود . در همان اوان ، امیر نظام فوت کرد و میرزا تقی خان که بجای او امیر نظام شد ، در تهیهٔ قوا برای آوردن ناصرالدین‌شاه بتهران ، کمال لیاقت وکاردانی را بخرج داد . همینکه شاه در ۲۱ ذیقعدهٔ ۱۲۶۴ بتهران رسید ، او را بلقب اتابك اعظم و بصدارت مفتخر و منصوب کرد و از اینروکلیهٔ اشخاصی که داعیهٔ این مقام را داشتند و یکی از آنها میرزا آقا خان نوری بود ، با او دشمن شدند .

سالار پسر آصف‌الدوله بار دیگر در ۱۲۶۶ طغیان کرد و حشمت‌الدوله والی خراسان را منهزم نمود .

امیر کبیر یعنی میرزا تقی خان صدر اعظم ، سلطان‌مراد میرزا برادر حشمت‌الدوله را بدفع سالار فرستاد و او مشهد را گرفت و سالار و کسان او را کشت .

میرزا تقی خان امیر کبیر که از بزرگترین رجال اخیر ایران بشمار میآید پسر کربلائی قربان‌آشپز و ناظر میرزا ابوالقاسم قائم مقام ثانی و از مردم هزاوه یکی از دهات فراهان است . با خسرو میرزا به پطرزبورگ رفت و برای بستن معاهدهٔ ارزة‌الروم ، بعثمانی مأموریت یافت و بلیاقت و کفایت مشهور گشت . در موقعیکه

بصدارت‌رسید ، مملکت از هر جهت دچار اختلال و اغتشاش‌بود و مدعیان صدارت ، بهروسیله ایجاد مانع ومشکل میکردند .خزانه تهی وعدهٔ مستمری بگیران و مفتخوران از حساب بیرون بود .

امیر کبیر با عزمی راسخ باصلاح امور پرداخت و در مدت سه سال و سه ماه صدارت ، باصلاحات عظیمی موفق گردید از آنجمله الغای القاب دراز و بیمعنی واکتفا بکلمهٔ جناب حتی نسبت بمقام صدارت . و دیگر منع رشوه خواری و تعارف گرفتن و برقراری‌حقوق ثابت برای مامورین‌دولت .ودیگر حذف بسیاری از مستمریات بیجهت و ایجاد و تعدیل بودجه و تشویق بازرگانی وکشاورزی و صنایع داخلی و فرستادن شاگردان باروپا و استخدام معلمین و استادان خارجی و ترجمهٔ کتب و نشر روزنامه و تأسیس مدرسهٔ عالی در تهران‌وریختن طرح مدرسهٔ دارالفنون‌که پس ازعزل اوبوجود آمد و ایجاد نظام جدید و جلوگیری از دخالت نمایندگان خارجی در امور داخلی ایران و تزئین پایتخت به بناهای جدید مانندکاروانسرای امیر و تیمچه و غیره .

اقدامات این مرد بزرگ ، همواره برآتش حسد رقبا و مفتخوران میافزود و جمع کثیری را بدشمنی با او وا میداشت . از همه خطرناکتر ، مهد علیا مادرشاه بود که چون امیر کبیر ،راه هرگونه اعمال نفوذ را بر او بسته بود ،تصمیم داشت که‌میرزا آقا خان نوری را بجای او بنشاند .

اولین خصومت علنی‌که از دشمنان امیر سر زد ، ده روز پس ازآن بود که‌امیر با وجود مخالفت مهدعلیا ،بازدواج با خواهر شاه سرافراز گردید .پنج‌فوج ازسربازان آذربایجانی مقیم پایتخت راکه مواجبشان عقب افتاده بودبشورش برضدامیرواداشتند. شورشیان دورخانهٔ اوراگرفتندودو نفراز نوکرانش‌راکشتند . امیر بخانهٔ میرزاآقاخان نوری رفت و استعفا داد تاآنکه شورش خوابید و او دوباره بمقام خود برگشت زیرا شاه باو علاقه وافر داشت و در مقابل دسایس بدخواهان مقاومت میکرد لکن عاقبت وسوسهٔ مهد علیا و سایر دشمنان امیر ، در خاطرش راه یافت و از اواخر سال ۱۲۶۷ او را از نظرانداخت بخصوص‌که امیر درکارها استبداد رأی بخرج میداد و در میان سپاهیان نیزمحبوبیت تام داشت واز همه بدترآنکه یکی ازبرادران شاهرا که بحکومت قم منصوب شده بود بخلاف رأی شاه بتهران بازآورد و شاه دوباره او را بقم فرستاد و تکدر فراوان از امیر بدل‌گرفت تاآنکه در بیستم محرم ۱۲۶۸ اورا از صدارت

معزول کرد ومیرزاآقاخان نوری اعتمادالدوله رابجای او گذاشت‌ولی مقام‌امارت‌لشکر همچنان بر عهدهٔ امیر کبیر باقی بود .

مهدعلیا و اعتماد الدولهٔ‌صدراعظم که از بودن امیر در تهران ، اندیشناك بودند، شاه را وا داشتند که او را بحکومت فارس یا قم یا اصفهان بفرستد . امیر زیر بار نمیرفت تا بالاخره حکومت کاشانرا پذیرفت . در این ضمن ، سفیر روس که بدوستی و حفظ جان امیر ، تظاهر میکرد عده‌ایرا بگرد خانهٔ او فرستاد و موجب خشم شاه و درباریان گردید و سبب شد که او را بباغ فین‌کاشان تبعید کردند و در هجدهم ربیع‌الاول ۱۲۸۶ در حمام ، بوسیلهٔ رگ زدن او را بقتل رساندند . جنازهٔ امیر بعتبات فرستاده شد .

میرزاآقا خان نوری اعتمادالدوله که دارای لیاقت و کفایت امیر کبیر نبود ، نه تنها دنبالهٔ اقدامات او را نگرفت بلکه اصلاحات او همه را باطل کرد و از وضع مساعد سیاست همسایگان که باهم در جنگ بودند هیچ استفاده ننمود زیرا در خلال صدارت میرزاآقا خان که از ۱۲۶۸ تا ۱۲۷۵ طول کشید ، بین عثمانی و انگلیس و فرانسه با روسیه جنگ معروف کریمه بپا شد و هر دو طرف طالب دوستی ایران‌بودند ولی زمان تردید و اختلاف بین شاه و صدر اعظم ،آنقدر بدرازا کشید تاآنکه غلبهٔ متحدین بر روسیه مسلم گردید و فرصت از دست رفت و دیگر احتیاجی بدخالت ایران نبود .

میرزاآقا خان‌اعتمادالدوله که همیشه طرفدار سیاست انگلیس بود ، با سفیر آن کشور نقاری پیدا کرد و در نتیجهٔ مراسلهٔ سختی که باو نوشت ،سفیر و اعضای‌سفارت انگلستان ، ایرانرا در ۲۵ ربیع‌الاول ۱۲۷۲ ترك کردند و روابط سیاسی بین دو کشور قطع شد .

یارمحمد خان وزیر کامران میرزا که پس‌از کشتن‌مخدوم خود ،بحکومت‌هرات رسیده بود ، مرد و پسرش صید محمد خان مانند پدر، با اظهار اطاعت‌ازوالی‌خراسان، بجای او نشست لکن چون بیرحم و خونخوار بود ، اهالی هرات ، محمد یوسف میرزا نوادهٔ فیروز میرزا را از مشهد خواستند و او صید محمد خان را کشت وبا فرستادن نامهٔ اطاعت و چاکری بدربار ایران ، بحکومت هرات نشست .

دوست محمد خان حاکم‌کابل و قندهار ، با موافقت انگلیسها عازم تصرف هرات شد و محمد یوسف میرزا ازحسام‌السلطنه والی خراسان ،مدد خواست لکن راه‌خیانت

رفت وبه لشگری که بمدد او فرستاده شد ، حمله برد . در نتیجه حسام‌السلطنه باوجود تهدیدات انگلستان ، بمحاصرهٔ هرات پرداخت و از رمضان ۱۲۷۲ تا صفر ۱۲۷۳ طول کشید تا شهر گشوده شد .

اعتمادالدولهٔ صدر اعظم برای رفع نقاریکه با سفیر انگلیس پیش‌آمده بود ، فرخ‌خان کاشانی امین‌الدوله را باسلامبول وپاریس فرستاد تابا مذاکره‌با سفرای‌انگلیس، روابط قطع شده را برقرار کند لکن شرایط انگلستان که‌یکی از آنها عزل اعتمادالدوله بود قابل قبول واقع نشد و دولت انگلستان برای اینکه ایرانرا به تخلیهٔ هرات وادارد، در ششم ربیع‌الثانی ۱۲۷۳ جزیرهٔ خارك را در خلیج فارس تصرف نمودو ببوشهر لشگر پیاده کرد .

میرزا محمد خان قاجار که بعدها بصدارت رسید و خانلر میرزااحتشام‌الدوله والی خوزستان از طرف شاه مأمور جلوگیری انگلیسها گشتند ، با وجود رشادت بسیار ، از عهدهٔاینکار بر نیامدند و سپاه انگلیس تا اهواز رسید .

فرخ خان امین‌الدوله عاقبت در پاریس بوساطت ناپلئون سوم امپراطور فرانسه در هفتم رجب ۱۲۷۳ با سفیر انگلیس معاهده‌ای بست‌مبنی بر اینکه انگلیسها ازایران بروند و ایران هرات را تخلیه کند و استقلال افغانستانرا برسمیت بشناسد و در بروز اختلافات با افغانستان ، بحکمیت انگلستان رضایت بدهد .

ناصرالدینشاه که از اختلال امور در مدت تصدی اعتمادالدوله آگاه شده بود ، در محرم ۱۲۷۵ او را از صدارت انداخت و خود زمام امور را بدست گرفت و بتقلید از ممالك متمدن ،کار هارا بچند وزارتخانه تقسیم کرد .وزارت مالیه را بمیرزایوسف مستوفی‌الممالك و وزارت جنگ را بمیرزا محمد خان سپهسالار و وزارت علوم را بعلیقلی میرزا اعتمادالسلطنه سپرد .

جنگ سرخس و مرو - محمد امین ، خان خیوه در ۱۲۷۱ تا سرخس پیش آمد ولی از فریدون میرزای فرمانفرما والی خوارزم ، شکست خورد وکشته شد .

در اواخر سال ۱۲۷۶ ناصرالدین شاه برای قلع و قمع ترکمانان تکه وسالور که دست‌آز تعرض بمردم خراسان بر نمیداشتند ، حشمت‌الدوله حمزه میرزا را بهمراهی میرزا محمد قوام‌الدوله با چهل هزار سپاهی ، بحدود مرو فرستاد .بدبختانه بین‌آن دو نفر اختلافی بروز کرد و در نتیجه سپاه شاه از ترکمانان شکست خورد ودو

ثلث آن ، کشته یا اسیر شد .

در این ضمن روسها به‌تسخیر ترکستان ودره های سیحون و جیحون پرداخته خیوه را در ۱۲۷۰ و تاشکند و سمرقند و بخارا را در ۱۲۸۱ و ۱۲۸۵ مسخر نمودند وگرچه یکبار در ۱۲۹۶ از ترکمانان شکست یافتند لکن در ۱۲۹۸ آنانرا در محل گوگ تپه کاملا مغلوب و مطیع کردند وبجای ترکمانان ، با ایران درآنقسمت ، هم سرحد شدند .

تعیین مرز های ایران ـ مرز های کنونی بلوچستان و سیستان ، بطور قطع در سالهای ۱۳۱۴ و ۱۳۱۷ هجری قمری‌بین نمایندگان ایران وانگلستان ،تعیین گردید مرز قطعی بین ایران و افغانستان‌در ۱۳۱۴ هجری شمسی بوساطت‌دولت‌ترکیه معین شد .

مرز های بین دولت شوروی و ایران که همیشه مورد اختلاف بود ، اخیراً به موجب‌قرارداد سال ۱۳۳۴ شمسی تعیین و ثابت گردید .

صدارت حاجی میرزا حسین خان سپهسالار ـ پس از اعتمادالدوله تا سال ۱۲۸۱ هیئت وزراء را شاه شخصاً ریاست میکرد ، در ۲۴ شوال ۱۲۸۱ ، میرزا محمد خان قاجار وزیر جنگ و سپهسالار ، بصدارت یعنی ریاست وزرا منصوب گردید . بعد از او میرزا یوسف مستوفی‌الممالک صدر اعظم شد وپس ازاو میرزا حسین‌خان‌قزوینی مشیرالدوله سفیر کبیر ایران در دربار عثمانی که‌با لقب‌سپهسالاربوزارت جنگ‌رسیده بود ، در ۲۹ شعبان ۱۲۸۸ بصدارت انتخاب گردید .

حاجی میرزا حسین خان که مردی تربیت شده و ترقیخواه و باوضاع ممالک متمدن آگاه بود ، بخیال تعقیب اقدامات امیر کبیر افتاد و برای اینکه شاه را بترقیات اروپاآشناکند او را در سال ۱۲۹۰ بفرنگستان برد .

سال پیش‌ازعزیمت شاه‌بفرنگستان، امتیازساختن خط‌آهن از رشت بتهران‌وازتهران تاخلیج‌فارس‌راسپهسالار بمدت هفتادسال، به یکنفر انگلیسی‌بنام بارن رویترواگذاشت باین شرط که اگر صاحب امتیاز از اول سال ۱۲۹۱ تا ۱۵ ماه بعد ، شروع بکار نکند، چهل هزار لیرهٔ انگلیسی دادنی باشد .

بموجب این امتیاز ، حق استخراج عموم معادن باستثنای‌طلا و نقره و احجار کریمه ، و استفاده از جنگلهاواجازهٔ تأسیس‌بانك وپست‌و تلگراف‌وغیره‌درتمام کشور ،

بصاحب امتیاز داده شده بود ، پس از انعقاد این قرارداد ، طرفین متوجه شدند که هردو کار مشکلی بعهده گرفته اند ، بعلاوه روسها باعتراض و تهدید پرداختند . این بود که دولت ایران برای صاحب امتیاز اشکالاتی بوجودآورد و بالنتیجه او نتوانست در موعد مقرر شروع بساختمان راه آهن کند و دولت نیز چهل هزار لیره ودیعهٔ او را ضبط کرد و پس از کشمکس بسیار در ۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۰۶ دولت ایران ، امتیاز تأسیس بانك شاهنشاهی و نشر اسکناس را بمدت ۶۰ سال به بارون رویتر واگذار نمود .

مخالفت درباریان وروحانیون با حاجی میرزا حسینخان باندازه ای شدید شد که شاه در مراجعت از فرنگستان ، در رجب ۱۲۹۰ مستوفی‌الممالك را بجای او بصدارت منصوب نمود ولی باز وزارت خارجه و جنگ‌را بعهدهٔ او گذاشت .

اولین روزنامه بزبان فارسی وفرانسه در محرم ۱۲۹۳ بسعی حاجی میرزاحسین خان منتشر گردید لکن توقیف و متروك شد .

حاجی میرزا حسین خان در سفر دوم ناصرالدین شاه بفرنگستان در ۱۲۹۵ با او همراه بود و در مراجعت بایران . با مستوفی‌الممالك در امور شرکت یافت تاآنکه در ۱۲۹۷ بحکومت قزوین و پس از آن به پیشکاری آذربایجان و بسفارت فوق‌العاده بروسیه و سپس بحکومت خراسان و سیستان و تولیت آستانه مأمور گردید و در تاریخ ۲۱ ذیحجه ۱۲۹۸ بسن ۵۷ سالگی در مشهد وفات یافت .

پس از امیر کبیر ، حاجی میرزا حسین خان از بزرگترین رجال دورهٔ قاجاریه بشمار میرود .

فتنه‌شیخ عبیدالله ـ در سال ۱۲۹۷ در دورهٔ صدارت مستوفی‌الممالك ، شیخ عبدالله از رؤسا وپیشوایان مذهبی کرد که مقداری اسلحه بدست‌آورده بود ،طغیان کرد ولی شکست خورد و بخاك عثمانی پناه برد .

واقعهٔ رژی ـ پس از فوت مستوفی‌الممالك که در ۱۳۰۳ اتفاق افتاد ، صدارت بعهدهٔ میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان پسر آقا محمد ابراهیم آبدار باشی ، که درآن زمان هنوز سی سال نداشت ، واگذار شد .

در ۱۳۰۶ ناصرالدین شاه بهمراهی امین‌السلطان باردیگر بفرنگستان رفت و درآنجا امتیاز انحصاری خرید وفروش و تهیهٔ تنباکو وتوتون و انفیه ایرانرادرداخله وخارجه برای مدت پنجاه سال ،در مقابل سالی پانزده هزار لیره وربع منافع خالص ، بیك‌شرکت

انگلیسی واگذار کرد . این امتیاز در سال ۱۳۰۸ وارد مرحلهٔ عمل شد و اداره ای بنام رژی ازطرف صاحب امتیاز تأسیس گردید ولی مردم ایران که میدانستند دولت عثمانی با چه شرایط بهتری امتیاز دخانیات خود را بشرکت خارجی واگذار کرده با ادارهٔ رژی بنای مخالفت را گذاشتند ودو تن از پیشوایان مذهبی یکی حاجی میرزا حسن آشتیانی در تهران و دیگری حاج میرزا حسن شیرازی در عتبات ، قائد این قیام گشتند و چندان پافشاری کردند تادولت در ۱۶ جمادی‌الاول ۱۳۰۹ آن امتیاز را لغو کرد .

واقعهٔ رژی ،موجب بیداری مردم و ایجاد حس مقاومت در مقابل استبداد گشت و بعدها نتایج دیگری از آن بظهور رسید لکن از طرف دیگر دست نفوذ دو همسایهٔ شمالی وجنوبی رادرایران باز کردبدین معنی که دولت برای پرداختن خسارات شرکت رژی ،پانصد هزار لیره ببانك شاهی مقروض شد و این آغاز دورهٔ استقراض از بیگانگان و ایام بدبختی ایران گردید .

قتل ناصر الدین شاه ـ ادارهٔ امور مملکت باشورائی بود مرکب از امین‌السلطان صدر اعظم وکامران میرزا ، پسر شاه و وزیرجنگ و حاکم تهران ، و میرزا علیخان امین‌الدوله وزیر رسائل و اوقاف ووظایف ،و وزرای خارجه و تلگراف اما ازاین میان، تنها امین‌الدوله‌شوقی باصلاح داشت وباینجهت نیز دراواسط سال ۱۳۱۳ بعنوان پیشکاری آذربایجان ، به تبریز فرستاده شد .

فساد دربار و جور حکام ، هر روز زیاد تر میشد و اشخاص آگاه و وطن پرست مانند امین‌الدوله و حاج شیخ هادی نجم‌آبادی و سید جمال‌الدین اسدآبادی و میرزا ملکم خان نویسندهٔ روزنامهٔ قانون ، برای بیدار کردن مردم میکوشیدند تا آنکه روز هفدهم ذی‌القعده ۱۳۱۳ میرزا رضای کرمانی که از مریدان حاج شیخ هادی نجم‌آبادی و سید جمال‌الدین اسدآبادی بود، ناصرالدین شاه را در حضرت عبدالعظیم بضرب گلوله بقتل رسانید .

آشنائی ایران با تمدن غرب ـ ایران از زمان صفویه باتمدن غرب آشناشده و به تهیهٔ بعضی از وسایل جدید مانند اسلحه و کشتی سازی پرداخته‌بود.

در زمان فتحعلیشاه مقداری دیگر از وسائل تمدن غربی اقتباس گردید از قبیل کارخانه پارچه بافی و باروت سازی و توپ ریزی وچاپخانه ولی در دورهٔ ناصرالدینشاه

قدمهای بلند تری در این راه برداشته شد که اهم آنها از این قرار است .

۱ ـ ایجاد پست منظم در ۱۲۹۲ بوسیلهٔ یکنفر اطریشی .

۲ ـ ایجاد اولین خط تلگراف بین قصر سلطنتی و باغ لاله‌زار در ۱۲۷۴ و دایر کردن رابطهٔ تلگرافی بین تهران و زنجان و تبریز در سه سال بعد و کشیدن خطوط زیر بدست انگلیسها :

خط بین خانقین و تهران و بوشهر در ۱۲۸۰ و خط جلفا بتهران در ۱۲۸۶ و خط کاشان به یزد و کرمان و بلوچستان در ۱۳۱۹ .

کلیهٔ این خطوط پس از سرآمدن مدت امتیاز ، بدولت ایران واگذار شد .

۳ ـ تأسیس ضرابخانه در ۱۲۹۶ . تاآن تاریخ در هر شهری سکهٔ مخصوصی زده میشد .

۴ ـ وارد کردن چاپخانهٔ سربی و نشر روزنامه .

اولین مطبعهٔ سربی در زمان صفویه بوسیلهٔ مبلغین عیسوی بایران آورده شد و زود از میان رفت . در ۱۲۳۳ عباس میرزا چاپخانهٔ دیگری ایجاد کرد . ناصرالدین شاه از سفر اول خود بفرنگستان چاپخانهٔ کاملی آورد و شیوع روزنامه در عهد او سبب ازدیاد مطابع در تهران و سایر شهرها گردید .

اولین روزنامه در زمان فتحعلیشاه منتشر شد و در دورهٔ محمد شاه موقوف گردید. در زمان ناصرالدین شاه بتاریخ جمعهٔ پنجم ربیع الثانی ۱۲۶۷ اولین شمارهٔ روزنامه وقایع اتفاقیه بدستور امیرکبیر و بریاست یکنفر انگلیسی بوجود آمد و در سال ۱۲۷۷ بنام روزنامهٔ دولت علیهٔ ایران موسوم گردید .

باضافه در عهد ناصرالدینشاه ، چند روزنامه بزبانهای خارجی نگاشته میشد .

۵ ـ ایجاد راههای ارابه‌رو و چاپاری وبوجود آمدن خط آهن بین آمل ومحمود آباد مازندران بهمت حاجی محمد حسن امین‌الضرب و خط بین جلفا و تبریز بدست روسها و خط بین تهران و حضرت عبدالعظیم بوسیلهٔ اتباع خارجی.

۶ ـ تأسیس مدرسهٔ دارالفنون وفرستادن شاگرد باروپا و ترجمهٔ کتب و نشر علوم غربی .

۷ ـ گذشته از کارخانه های اسلحه سازی دولتی ، ایجاد کارخانه هائی بوسیلهٔ اشخاص مانند کارخانهٔ چراغ گاز متعلق بحاجی میرزا حسن‌خان سپهسالار که در ۱۲۹۷

دایر گردید و کارخانهٔ قند سازی کهریزك که در ۱۳۱۷ بهمت میرزا علیخان امین‌الدوله بکار افتاد و کارخانه های بلور سازی وچینی سازی و ابریشم تابی که بهمت امین‌الضرب ایجاد شد و کارخانه های دیگر از قبیل نساجی و کبریت سازی کـه همه بعلت رقـابت خارجی و نبودن سرمایهٔ کافی از کار افتادند .

۸ ـ شیوع بسیاری از آداب و مراسم اروپائی در ایران .

مظفرالدین شاه (۱۳۱۳ ـ ۱۳۲۴)

مظفرالدین‌میرزا پسر چهارم ناصرالدین شاه‌بود، دوبرادر بزرگتراومعین‌الدین میرزا و امیر قاسم خان که یکی بعد از دیگری به ولایتعهد منصوب شدند ، در خـرد سالی در گذشتند و پسر سوم شاه ،مسعود میرزا ظل‌السلطان چون مادرش شاهزاده‌نبود بولایتعهد نرسید .

مظفرالدینشاه در ۱۲۶۹ تولد یافت و در ۱۲۷۴ بسن پنجسالگی ولیـعهـد شد. مردی ضعیف اراده و از اواسط عمر ببعد، بیمار و علیل بود ومدت‌چهل‌سال ولایت‌عهد رادرآذربایجان‌به بیخبری از اوضاع عالم و مصالح مملکت گذرانید .

پس از کشته شدن ناصرالدین شاه ، بتهران‌آمد و بتخت نشست و امین‌السلطانرا مدت هفت ماه در مقام صدارت نگاهداشت . بعد از امین‌السلطان در اواخرسال ۱۳۱۴ امین‌الدوله صدراعظم شد و دست بکار اصلاحات زد ، از جمله بتأسیس مدارس وایجاد عدلیه پرداخت و برای پیشرفت فرهنگ ، انجمنی فراهم‌آورد و انتظام وضع شوریـدهٔ مالیه و ادارهٔ گمرك و پست و ضرابخانه را بمستشاران بلژیکی واگـذار نمـود . ایـن اصلاحات که بضررمفتخواران تمام میشد ،آنانرا در اقدام برضد او همصداکرد تاآنکه در ۱۳۱۶ بار دیگر امین‌السلطان بصدارت بازگشت و امین‌الدوله ازکار برکنار شد .

در مدت صدارت دوم امین‌السلطان که از ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۱ طول کشید ، وضـع اسفناك ایران ، شدت یافت و بجای چاره اندیشی ، باستقراض از دول خارجی تـوسل گردید . در ۱۳۱۸ و ۱۳۲۰ دو نوبت از روسیه قرض شد و عواید گمرك شمال ،بگرو رفت و در مقابل قرض‌دیگری که در ۱۳۱۸ ازانگلیس بعمل‌آمد ،عواید گمرکات‌جنوب و شیلات بحر خزر و پستخانه بگروگان گذارده شد و این پولها همه بمصرف پرداخت حقوق و خرج سفر های بیهودهٔ شاه بفرنگستان رسید .

خرابی روز افزون وضع کشور ، مردمرا سخت نگران میکرد تاآنکه در نتیجهٔ درخواست و اعتراض شدید روحانیون ، در جمادی‌الاخر ۱۳۲۱ امین‌السلطان معزول و سلطان مجید میرزا عین‌الدوله بجای او منصوب گردید .

عین‌الدوله در ابتدا باآزادیخواهان که او را بصدارت رسانده بودند ، بمدارا رفتار میکرد اما چیزی نگذشت که تغییر روش داد و به‌استبدادصرف پرداخت تاآنکه دو تن ازروحانیون،آقا سید عبدالله بهبهانی وآقا سید محمد طباطبائی ، پیش قدم‌شدند و سربمخالفت علنی با اساس استبداد گذاشتند وچون علاءالدوله حاکم تهران ، چندتن از تجار را بچوب بست وعین‌الدوله در لجاج وسخت‌گیری نسبت بآزادی خواهان ، پافشاری میکرد ،آقایان‌روحانیون وپیروانشان‌درشوال۱۳۲۳بحضرت‌عبدالعظیم پناهنده شدند وعلم انقلابرابرداشتند .

پس از مدتی گفتگوبین مهاجرین و دربار ، مستدعیات ایشان ، راجع بایجاد عدالتخانه پذیرفته شد ومهاجرین‌در۱۶ذی‌القعده۱۳۲۳بتهران بازگشتند . این‌موفقیت که برای عین‌الدوله شکستی بود ،مردم رانسبت باو جری تر کردودرخواست عدالتخانه و مشروطیت علنی شد و علاءالدوله بدر خواست آزادیخواهان ، از حکومت تهران افتاد .

اما عین‌الدوله دست از لجاج و استبداد برنداشت و جمعی ازآزادیخواهان را تبعید کرد تاآنکه‌مردم‌بهیجان‌آمده درمسجدجامع‌تهران جمع‌شدندواجرای‌فرمان‌تأسیس عدالتخانه را از شاه خواستند .عین‌الدوله برای متفرق‌کردن ایشان، متوسل بزور شد ودو نفرازآزادیخواهان کشته شدند. علما بقم رفتند وجمعی از مردم درسفارت‌انگلیس تحصن‌جستند تا عاقبت عین‌الدوله معزول و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه ، بصدارت منصوب گشت و در چهاردهم جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ فرمان مشروطیت صادر گردید . اولین مجلس شورای ملی ایران در هیجدهم شعبان‌آن سال تشکیل شد و بانشاء قانون اساسی پرداخت . شاه‌آنرا در ۱۴ ذی‌القعده توشیح نمود و پنج روزبعد، از این جهان رخت بر بست .

محمد علیشاه (۱۳۲۴ - ۱۳۲۷)

محمد علی میرزا در ۱۲۸۹ از دختر میرزا تقی خان امیرکبیر ،در تبریز بدنیا آمد و در ۱۳۱۳ بولیعهدی منصوب گردید و در ۱۳۲۴ بسلطنت رسید. قانون اساسی

را تصدیق کرد و قول داد که بااساس مشروطیت مساعد باشد لیکن این حسن نیت طولی نکشید و در اثر نفوذ دشمنان مشروطیت ،تغییر عقیده داد و از هیچگونه اقدام مخالفی فروگذار نکرد .

گرچه آزادیخواهان بعزل مستشار بلژیکی گمرك بنام نوز که تحت حمایت روس قرار گرفته بود موفق گشتند ، ولی دولت استبدادی روسیه شاه را بانداختن مشیرالدوله و نصب امین‌السلطان بریاست وزرا رهنمون شد .

امین‌السلطان بیدرنگ در صدد برآمد که از روسیه قرض جدیدی بگیرد وباین جهت در رجب ۱۳۲۵ پس از دو ماه صدارت ،موقعیکه ازمجلس شورا بیرون میآمد بدست یکی از فدائیان مشروطه کشته شد و ریاست وزرا به ابوالقاسم خان ناصر الملك همدانی محول گردید .

متمم قانون اساسی را شاه توشیح نمود وبمجلس رفت ودر حفظ مشروطیت قسم یاد کرد ولی بازدست از رفتار خصمانهٔ خود نسبت بمشروطه خواهان برنداشت تا جائیکه ناصر الملك ووزرای دیگر را زندانی کردودر صدد برانداختن بنیادمشروطیت برآمد .

آزادیخواهان برای حفظ مشروطیت ، به تهیهٔ سربازان داوطلب ملی پرداختند و مخالفت بین مستبدین ومشروطه خواهان ،علنی شد تاکار بجائی کشید که ازشاه تقاضا کردند شش نفر از دشمنان مشروطیت را از خود دور کند . شاه نه تنها بخلاف قولی که داد این تقاضا را عملی نکرد بلکه در صدد دستگیری و تبعید هشت نفر از ناطقین وزعمای مشروطیت برآمدو درنهم جمادی‌الاول ۱۳۲۶ بباغ واقع در بیرون دروازه غربی شهر رفت ومیدان سپه (میدان توپخانه) رامرکز جمعیت اشرار و هواخواهان استبداد قرار داد . عاقبت مجلس شورای ملی راروز سه شنبه ۲۳ جمادی‌الاول بدست لیاخوف روسی فرماندهٔ قزاقخانه و سربازان سیلاخوری بتوپ بست . ملیون و وکلای مجلس مدت هفت ساعت از عمارت مجلس دفاع کردند تاکشته و پراکنده گشتند .

آقایان سید محمد طباطبائی و سید عبدالله بهبهانی تبعید شدند و جمعی از روزنامه نویسان وآزادیخواهان مانند ملك‌المتکلمین ومیرزاجهانگیر خان صوراسرافیل بقتل رسیدند و مشروطیت ایران پس از دوسال ،برچیده شد واستبداد صغیر آغاز گشت.

نغمهٔ آزادی در اکثر ولایات ، برخاست و شهر تبریز بتصرف ملیون درآمد .

عین‌الدوله مأمور تسخیر آن‌شهر شد لکن در مقابل مقاومت مردم‌تبریز که‌بسر کردگی ستارخان سردار ملی و باقرخان سالار ملی ، چندین ماه مردانـه جنگیدند ، کاری از پیش نبرد .

محمد ولیخان تنکابنی که ابتدا مأمور سرکوبی تبریز شده بود ، به تنکابن‌رفت و بطرفداری از مشروطیت برخاست و جمعیتی از مهاجرین ایرانی قفقاز و ارامنه که بریاست پیرم‌خان ، در رشت قیام کرده بودند ، بدو پیوستند .

و نیز علیقلیخان سردار اسعد بختیاری که از ترقی خواهان بود ، بدستیاری نجفقلیخان‌صمصام‌السلطنهٔ‌بختیاری ،اصفهان را از قوای دولتـی گرفت . ملیون از چند طرف بعزم تصرف پایتخت بحرکت‌آمدند و در جنگ‌مختصری که در قریـهٔ بادامـك نزدیك تهران اتفاق افتاد ، قزاق و سربازان سیلاخور را شکست داده صبح ۲۷ جمادی‌الاخر ۱۳۲۷ واردتهران‌شدند.محمدعلی شاه‌باغ‌سلطنت‌آباد و سپس بسفارت‌روس پناه برد و از سلطنت استعفا کرد .

احمد شاه (۱۳۲۷ - ۱۳۴۳)

ملیون ، احمد میرزا پسر دوازده سـالهٔ محمد علیشـاه را بتخت نشاندند و محمدولیخان‌تنکابنی‌را که سپهدار اعظم‌وبعدها سپهسالار ، لقب یافت ، بوزارت جنگ و سردار اسعد بختیاریرا بوزارت داخله اختیار نمودند و نیابت سلطنت را تا زمان‌رشد احمد شاه ، بعضدالملك که از رؤساء خاندان قاجار بود ، واگذاشتند .

پس از مذاکراتیکه بین‌آزادیخواهان و دو سفارت روس و انگلیس که حمایت محمد علی شاه را بر عهده گرفته بودند ، واقع شد ، قراری شامل شش ماده گذشت‌مبنی بر اینکه‌محمد علی میرزاکلیه‌جواهرات سلطنتی را که همراه خود داشت بااسنادمربوط بآنها ، بدولت پس بدهد و در ظرف پانزده روز از ایران برود و در عوض ، دولت‌ایران سالی هفتاد و پنج هزار تومان باو بپردازد . پس ازآنکه محمد علی میرزا بروسیه‌رفت، دولت این مبلغ را بصد هزار تومان افزایش داد لکن چون محمد علـی میرزا چـندی بعد بخیال سلطنت بایران‌آمد و مغلوب و فراری شد ،آن مستمری را قطع کرد .

بعد از گشایش مجلس دوم ، در دوم ذی‌القعده ۱۳۲۷ محمد ولیخان سپهـدار ، بریاست وزرا منصوب شد . در این دوره مابین وکلا بر سر روش سیاسی ، اختلافاتـی بروز کرد و احزابی پدیدآمد و ازآنجمله حزب اعتدال و حزب تندرو دموکرات ، بـا

یکدیگر برقابت و دشمنی برخاستند .

در ۱۳۲۸ عضدالملك وفات یافت وناصرالملك بجای او بنیابت سلطنت منصوب گردید. چون روش دموکراتها نسبت بروسیه تندبود ،آندولت پیوسته برای برانداختن مشروطیت ایران اقدام میکرد چنانکه محمد علی میرزا رادر ۱۳۲۹ باستر آباد آورد و سالارالدوله برادر او را در غرب ایران ، بجمع سپاه و تولید اغتشاش وا داشت ، لکن هیچکدام موفقیتی بدست نیاوردند و از ایران فراری شدند .

درهمان سال ۱۳۲۹ برای رفع بحران مالی ،هیئتی ازمستشاران آمریکائی بریاست مرگان شوستر ، و نیز هیئتی از کشور سوئد برای تشکیل ژاندارمری (امنیه) وشهربانی (نظمیه) استخدام گردید . وضع مالیه رو باصلاح میرفت و عدهٔ ژاندارم به ده هزار نفر رسید .

شوستر که برای پیشرفت کار، بدموکراتها تکیه داشت ، مورد خصومت روسها واقع شد و همینکه خواست تصمیم مجلس شورا را دایر بر توقیف اموال ملك منصور میرزا شعاع‌السلطنه برادر محمد علی میرزا که بر ضد مشروطیت اقدام میکرد ، اجرا کند ، روسها باین بهانه که شعاع‌السلطنه ببانك روس بدهکار است ، خانهٔ او را تحت نظر گرفته تقاضای عزل شوستر و مستشاران آمریکائی را نمودند . دولت بناچار این تقاضا را پذیرفت ، مستشاران آمریکائی از ایران رفتند و رئیس بلژیکی گمرك که دست نشاندهٔ روس بود ، بجای شوستر بریاست مالیه نشست و مجلس دوم در سوم محرم ۱۳۳۰ منحل گردید .

دولت استبدادی روس پس از توفیقی که در راندن شوستر و بستن مجلس و تبعیدرؤسای دموکرات یافت ، باعمال دیگری از این‌قبیل‌نیز دست زد مانند توپ بستن گنبد مشهد مقدس و کشتن جمعی از آزادیخواهان ، در رشت و تبریز .

تاجگذاری - نیابت سلطنت ناصرالملك در ۲۸ شعبان ۱۳۳۲ خاتمه یافت واندکی پس از تاجگذاری احمد شاه ، جنگ بین‌الملل اول، آغاز شد و دولت ایران رسماً اعلان بیطرفی کرد . با وجود این ، قوای متخاصم وارد خاك ایران شد و بجنگ پرداخت .

عمال متحدین اروپای مرکزی یعنی آلمان و اطریش و عثمانی ،ایرانیانرا باتحاد اسلام و جنگ با روس و انگلیس دعوت نمودند .

جمعی از وکلای تند رو و دیگران چون از داخل کردن ایران بجنگ ،مایوس

گشتند ، بقم رفتند و با تشکیل کمیتهٔ دفاع ملی ، مردم ولایات را بجهاد بر ضد روس و انگلیس خواندند لکن کاری از پیش نبردند و در مقابل سپاهیان روس ،ببغدادواسلامبول فرار کردند .

دو دولت روس و انگلیس ، برای رفع اختلافات سیاسی خود در آسیا ، عاقبت در سی ام اوت ۱۹۰۷ مسیحی قراردادی منعقد نموده درضمن آن،ایرانرا بسه منطقه تقسیم کردند:

۱ ـ منطقهٔ روس واقع درشمال خط قصر شیرین باصفهان ویزدو گردنهٔ ذوالفقار.

۲ ـ منطقهٔ انگلیس محدود بافغانستان و بلوچستان و بحر عمان و خطی که از گردنهٔ ذوالفقار از طریق بیرجند و یزد به بندر عباس منتهی میشد .

۳ ـ منطقه ای که خارج از این دو قسمت بود بعنوان منطقهٔ بیطرف .

در ۱۹۱۵ مسیحی قراردادی بین آن دو دولت بسته و جانشین قرارداد ۱۹۰۷ شد و بموجب آن ، منطقهٔ بیطرف از میان رفت و ایران بدو منطقه نفوذ روس و انگلیس تقسیم گردید و موافقت شد که روسها در شمال در حدود یازده هزار قوای قزاق و انگلیسها در جنوب ، بهمین عده قوای پلیس جنوب ، تشکیل بدهند و مالیهٔ ایران را هیئت مختلطی اداره کند .

در اواخر ۱۹۱۷ مسیحی در روسیه دولت بالشویکی بجای دولت تزاری بر سر کار آمد و قرارداد ۱۹۱۵ را ملغی کرد . انگلستان چون دید که ممکن است آلمانها از راه قفقاز و بحر سیاه بشمال ایران دست بیابند و راهی بهندوستان پیدا کنند ، قوائی بخراسان آورد و از مغرب خود را بهمدان و رشت رسانید و تا باکو پیش رفت و بدین ترتیب ، تمام ایرانرا تحت نفوذ خود گرفت و در اوت ۱۹۱۹ قراردادی با دولت ایران بسته اختیار کلیهٔ امور نظامی و مالی و گمرکی را بخود منحصر نمود . لکن مجمع اتفاق ملل آن قرارداد را برسمیت نشناخت و در داخل ایران و در فرانسه و آمریکا نیز بر این قرارداد ، اعتراضات شدیدی صورت گرفت تا عاقبت بلغو آن منتهی شد .

حوادثی که منجر بخلع سلطنت از قاجاریه و تأسیس سلسلهٔ پهلوی گردید ،موضوع نگارش جداگانه ای خواهد بود .

جغرافیای ایران

کشور ما که شامل دو ثلث از فلات ایران است ۱/۶۴۸۰۰۰ کیلو متر مربع مساحت دارد .

طول آن از کوه آرارات تا گواتر ۲۲۱۰ کیلو متر و عرض آن از سرخس تا دهانهٔ شط‌العرب ۱۴۰۰ کیلومتر است. قسمت مرکزی ایران بطور متوسط ۱۲۰۰ متر از سطح دریا بالاست و شیب آن از جنوب بشمال است چنانکه شیراز ۱۵۸۶ متر و تهران ۱۲۱۰ متر و تبریز ۱۳۰۰ متر و مشهد ۱۰۱۰ متر ارتفاع دارد .

ایران از طرف شمال محدود است به قفقاز و دریای خزر و ترکستان، از مشرق به ترکستان و افغانستان و پاکستان و قسمتی از بلوچستان . از جنوب بدریای عمان و خلیج فارس و از مغرب بعراق و ترکیه ، مرز های زمینی ما ۵۰۵۰ و مرز های دریائی ۳۰۵۰ کیلو متر است، ایران در منطقهٔ معتدل شمالی واقع شده ، از ۲۵ درجه عرض شمالی در جنوب ، تا ۴۰ درجه در شمال ، امتداد دارد اختلاف ساعت مرز های شرقی و غربی نزدیك بیك ساعت و هیجده دقیقه است .

قسمت مرکزی فلات ایران

خشکی مرکز ایران که روزی دریا بوده و پائین رفتن دریای خزر، سه علت دارد نخست بادهای شمالی، دوم باد های جنوب غربی، سوم از بین رفتن جنگلها بدست انسانی.

آب و هوای ایران

ایران از حیث آب و هوا بسه منطقه تقسیم میشود :

۱ ـ منطقهٔ اطراف دریای خزر.

مقدار باران سالیانه در این نواحی بطور متوسط ۷۵ سانتیمتر است ، در بهار و پائیز بیشتر میبارد و گرمای تابستان گاه به ۳۵ تا ۴۰ درجه میرسد و در زمستان تا پنج درجه زیر صفر پائین میآید .

این ناحیه یکی از حاصلخیز ترین نقاط دنیا ست .

۲ ـ منطقهٔ خلیج فارس

که خوزستان را نیز شامل میشود.هوای این منطقه در اثر بادهای گرم جنوب عربستان، گرم و خشک است ولی‌هرچه بدریا نزدیك میشویم، رطوبت زیادتر میشود. حد متوسط باران در خرمشهر ۲۹سانتیمتروددربوشهر ۲۶ سانتیمتراست. درجهٔحرارت در بندر عباس بطور متوسط، بچهل درجه میرسد. اگردراین ناحیه درخت کاری بشود از شدت گرما خواهدکاست .

۳ ـ منطقهٔ مرکزی یا فلات‌ایران .

این منطقه دارای ارتفاعات مختلف است وباین واسطه‌هوای مختلفی دارد. حد متوسط بارندگی دراصفهان۱۲ سانتیمتر، درمشهد ۲۳ سانتیمتر، درتهران ۲۴سانتیمتر و در رضائیه ۵۴ سانتیمتر است

غیر از ناحیهٔ رضائیه ،آب و هوای فلات‌ایران‌عموماً خشك است مگر در قسمت کوههای مرتفع که برف میبارد و تشکیل ذخیرهٔ آب میدهد .

رودهای‌ایران

رود های ایران به پنج دسته تقسیم میشود :

۱ ـ رود های ناحیهٔ دریای خزر.

۲ ـ رود های ناحیهٔ خلیج فارس .

۳ ـ رود هائی‌که بدریاچه ها و باتلاقها و کویرها میریزد .

۴ ـ رود هائیکه ازخارج بایران واردمیشود .

۵ ـ رود هائیکه از ایران بخارج‌میریزد .

الف‌ـ رود های مهم ناحیهٔ دریای خزر ازاینقرار است :

۱ ـ رود ارس ۲ ـ سفید رود ۳ ـ رود سه هزار ۴ـ رود چالوس ۵ ـ رود هراز ۶ ـ رود بابل ۷ ـ رود تالار ۸ ـ رود تجن ۹ ـ رود نیکا ۱۰ ـ سیاهاب یا قره‌سو ۱۱ ـ رودگرگان ۱۲ ـ رود اترك .

ب ـ رود های مهم ناحیهٔ خلیج فارس از اینقرار است :

۱ ـ گاماساب که باسامی مختلف مانند سیمره وکرخه نامیده میشود ۲ ـ جراحی ۳ ـ ناب ۴ ـ کارون ۵ ـ دالکی ۶ ـ مند ۷ ـ نابند ۸ ـ مهران ۹ ـ شور ۱۰ ـ مینـاب

۱۱ ـ جاکین ۱۲ ـ کبریگ۱۳ ـ سادویج ۱۴ ـ رابیج ۱۵ ـ که ۱۶ ـ کاجو ۱۷ ـ سرباز

ج ـ دریاچه ها و باتلاقها و کویر ها و رود های مهمی که بدانهامیریزد:

۱ ـ دریاچهٔ رضائیه ۳۵ هزار کیلو مترمربع مساحت دارد و ارتفاع متوسط آن از سطح دریا ۱۲۰۰ متراست. درازای دریاچه ۱۳۰ کیلو متر و پهن ترین نقاط آن ۵۰ کیلو متر است. عمق متوسط این دریاچه ۵ متراست و در هیچ نقطه از پانزده متر تجاوز نمیکند. چندان شور است که هیچ جانداری در آن زنده نمیماند، رودهائی که باین دریاچه میریزد از اینقرار است :

۱ ـ تلخ رود یا آجی چای ۲ ـ دهخوارقان ۳ ـ صافی رود ۴ ـ مردی رود ۵ ـ زرینه رود ۶ ـ سیمینه رود ۷ـ قادر رود ۸ـ باراندود رود ۹ ـ ارومیه رود ۱۰ـ نازلو رود ۱۱ ـ زولو رود .

۲ ـ دریاچهٔ قم که حوض سلطان یا دریاچهٔ ساوه نیز نامیده میشود ۸۰ کیلو متر درازا و ۳۰ کیلو متر پهنا دارد ولی شکل و وسعت آن درنتیجهٔ کم و زیادی بارانهای سالیانه در تغییراست. رود های مهمی که باین دریاچه میریزد ازاینقرار است :

۱ ـ زرین رود یاقره سو.

۲ ـ ابهر رود یارود شور.

۳ ـ کرج.

۴ ـ جاجرود .

۵ ـ حبله رود.

۳ ـ مرداب گاو خونی در جنوب شرقی اصفهان واقع شده و رود مهمی که بآن میریزد زاینده رود است .

۴ ـ دریاچهٔ نیریز یا بختگان در ۵۰ کیلو متری مشرق شیراز واقع است، تقریباً صد کیلو متر طول و ۳۰ کیلو متر عرض دارد ولی عمق آن چندان زیاد نیست، رود مهمی که باین دریاچه میریزد رود کریا کورش است که درقسمت سفلی آنرا بندامیر میگویند .

۵ ـ دریاچهٔ بهارلو ـ در هیجده کیلو متری جنوب شرقی شیراز واقع شده، درازای آن قریب ۵۰ کیلو متر و پهنای آن نزدیک ۱۲ کیلو متراست. از آبهای بهارهٔ اطراف شیراز مایه میگیرد .

۶ ـ دریاچهٔ پریشان یا نامور بین دهستانهای نامور و کازرون واقع شده، بطول ۸ کیلو متروعرض ۳ کیلو متراست، ازچشمه های نامور و پل‌آبگینه‌آب شیرین‌میگیرد و ماهی فراوان دارد .

۷ـ باطلاق‌جز موریان هامون‌از دو رود مهم هلیل‌رود ورود بمپورمایه‌میگیرد.

۸ ـ کویر نمك رفسنجان ' زرود های کوچکی که مهمترین‌آنهارود مارون ورود سنگه و رود سرخ‌است ایجاد شده .

۹ ـ نمکزار واقع در مشرق کرمان فقط در بهار از رود هائی مانند رود شور و رود راور و غیره آب میگیرد .

۱۰ ـ کویر بافق که در مشرق یزدواقع است، ازرودهای متعددی که معروفترین آنها شوراب و رود شور است ایجاد گشته .

د ـ رود هائیکه از ایران بخارج یا از خارج بایران میریزد :

۱ ـ هریرود از دامنهٔ جنوبی کوه بابا در افغانستان سرچشمه میگیرد و درایران برود تجن موسوم گشته است .

۲ ـ رودهیرمند که‌از کوه بابادر افغانستان سرچشمه میگیرد وقسمت سفلای آن بایران میرسد .

۳ ـ دیاله از کوههای اسدآباد همداں سرچشمه میگیرد و از مشرق به مغـرب جاری است و بالاخره بدجله میریزد .

۴ ـ زاب ـ سرچشمهٔ آن از کوههای دارومان است و بدیاله میریزد .

دریاهاو بنادرو جزائر ایران

۱ ـ خلیج فارس در جنوب که ازدهانهٔ شطالعرب تا تنگهٔ هـرمـز امتداد دارد. رودخانه های فرات و دجله وکارون هر ساله مقداری در حدود ۵۳ متر از خلیج را با خاك‌خودپر میکند. عمق خلیج زیاد نیست ولی درحوالی تنگهٔ هرمز به‌صدمتر میرسد .

طول خلیج فارس از دهانهٔ کارون تاکرانهٔ عمان نزدیك به هشتصدکیلـو متر و پهنای آن از ۱۸۰ تا ۲۵۰ کیلومتر است. جزایر خلیج فارس بترتیب از تنگهٔ هرمـز از اینقرار است :

۱ ـ **جزیرهٔ لارك** بطول ۹ و عرض ۵ کیلو متر است،آب شیرین ندارد واهالی

ازآب باران استفاده میکنند .

۲ - **جزیرهٔ هرمز** که تقریباً مدور و محیط آن ٦ کیلـو متر است. آبادی این جزیره روی‌خرابه های شهر قدیم پرتغالیها است‌وبرای‌ذخیره کردن‌باران،آب انبارهای وسیع دارد .

۳ - **جزیرهٔ قشم** بطول۱۱۵ و بعرض از ۲ تا ۱۰ کیلو متر. بنادر این‌جزیره در مشرق ، بنام قشم و در مغرب ، باسعیدواست . دهستانهای متعدد وآب‌ونخلستان و باغات فراوان دارد .

۴ - **جزیرهٔ هنگام** که در جنوب جزیرهٔ قشم واقع شده .

۵ - جزائر تنب بزرگ و تنب کوچك و ابوموسی واقع بین جزیرهٔ قشم و کرانهٔ‌مسقط. تنها جزیرهٔ ابوموسی آب شیرین دارد و مسکون است .

٦ - **جزیرهٔ کیش** بطول ۱۵ کیلو متر و عرض ۸ کیلـومتردارای نـخلستان و زراعت فراوان است .

۷ - جزیرهٔ سیری واقع‌در مغرب جزیرهٔ ابوموسی.

۸ - **جزیرهٔ شیخ‌شعیب** بطول ۲۴ و عرض ۱۲ کیلو متروداری‌آب شیرین‌است.

۹ - **جزیرهٔ خارك** بطول۱۲وعرض۳ کیلومتر،دارای‌چندین‌قنات‌وچاه آب‌است.

۱۰ - **جزیرهٔ‌خارکو** واقع در شمال جزیرهٔ خارك.

۱۱ - **جزائر بحرین**در کرانهٔ جنوبی خلیج فارس‌واقع‌است. بزرگترین آنها که آوال یا بحرین نام دارد بطول ۵۰ و عرض ۱۷ کیلو متر و بندر آن موسوم به منامه (میان‌آب) است که معرب‌آنرا منعمه میگویند .

جزائر دیگرآن عبارتست از محرك یا محرق در شمال غربی بحرین،دستره در جنوب بحرین و عدهٔ زیادی جزایر دیگر .

بحرین دارای دویست هزار جمعیت و منابع نفتی بسیار مهم است که استخراج آن بشرکتهای امریکائی واگذار گردیده. این جزائر از دیرباز بایران تعلق‌داشته ولـی در دوران قاجاریه بواسطهٔ ضعف حکومت ، بعضی از رؤسای محلی باخارجیان‌ارتباط یافته و موجب دخالت‌آنان درامور جزائر ایران گشته اند. دولت ایران این‌دخالت‌را غیر مشروع میداند و بجامعهٔ ملل نیز شکایت کـرده است.

بنادر خلیج فارس از این‌قرار است :

۱ ـ بندر عباس که نام سابق آن گمرون است، در مهمترین نقطهٔ خلیج فارس واقع است وبر دریای عمان و خلیج تسلط دارد، هوای این بندر در تابستان به پنجاه درجه میرسد .

۲ ـ بندر کنگ دارای نخلستانهای وسیع است .

۳ ـ بندر لنگه ۴ ـ بندر مغو ۵ ـ بندر چارك ٦ ـ بندر نخیلو ۷ ـ بندر عسلویه ۸ ـ بندر طاهری ۹ ـ بندر کنگان و دیر ۱۰ ـ بندر بوشهر ۱۱ ـ بندر ریگ ۱۲ بندر دیلم ۱۳ ـ بندر معشور ۱۴ ـ بندر شاهپور ۱۵ ـ بندر خرمشهر ۱٦ ـ بندر آبادان .

بنادر عمدهٔ بلوچستان در کرانهٔ دریای عمان : ۱ ـ بندر جاسك ۲ ـ بندر چاه بهار ۳ ـ بندر گواتر ۴ ـ بندر کلاك

دریای خزر بزرگترین دریاچهٔ روی زمین است ، طول آن از شمال بجنوب ، ۱۲٦۰ کیلو متر وعرض آن در پهن ترین نقطه ۵۵۰ و در باریك ترین نقطه ۲۰۰ کیلو متر است. از ٦۳۸۰ کیلو متر کنارهٔ این دریا ۹۹۲ کیلو متر متعلق بایران است. عمق این دریا در شمال بسیار کم ولی در جنوب تا هزار متر میرسد . سطح آن از دریای سیاه ۲٦ متر پائین تر است .

در کرانهٔ ایران ، دوخلیج واقع شده یکی خلیج گرگان درمشرق ودیگری مرداب گیلان در مغرب .

بنادر مهم این دریا عبارتست از :

۱ ـ آستارا.

۲ ـ پهلوی.

۳ ـ شهسوار .

۴ ـ بندر شاه

۵ ـ نوشهر

٦ ـ بابل سر.

کویرهای ایران

۱ ـ کویر سیستان
۲ ـ کویر نمك که از خراسان و سیستان تا حوالی قم و کاشان ویزد امتداددارد.
۳ ـ کویر لوت که در جنوب شرقی کویر نمك قرار گرفته .

جنگلها

جنگلهای ایران بدو منطقه تقسیم میشود :
۱ ـ جنگلهای انبوه که کمتر دست خورده واقع در کرانهٔ جنوبی دریای‌خزر .
۲ ـ جنگلهای واقع در خراسان و کردستان و لرستان و کرمانشاهان و اردستان و اصفهان و فارس و کوه گیلویه و کوه بختیاری و کرمان وآذربایجان که از دستبرد اهالی‌درشرف‌زوال‌است. وجود جنگل نه تنهامایهٔ ثروتمندی کشور میشود بلکه درزیاد کردن باران وآبادی زمین و اعتدال هوا از واجبات است .

کوههای ایران

کوههای ایران به پنج رشته تقسیم میشود :
۱ـ کوههای غربی .۲ـرشتهٔ البرز و کوههای خراسان .۳ـ کوههای آذربایجان.
۴ـ کوههای ساحلی جنوب . ۵ـ کوههای داخلی فلات ایران .

۱ ـ کوههای غربی شامل دو قمت است : کوههای بین‌آرارات و دیاله و کوههای واقع از درهٔ دیاله تا آب‌دیز .

کوههای بین‌آرارات‌و دیاله‌مشرف برآذربایجانست وآبهای‌آنهادر غرب‌بدریاچهٔ وان و در شرق بدریاچهٔ رضائیه میریزد .

کوههای بین درهٔ دیاله وآب دیز ، بنامهای زاگرس و پاطاق و پشت کوه و کوه های بروجرد و لرستان ، خوانده میشود .

این کوهها از کردستان تا فارس ، بدرازی هزار وپهنای‌دویست کیلو متر کشیده شده است . بلندترین قله ، کوه دالاهواست که بیش از ۴۵۰۰ متر ارتفاع دارد .

۲ ـ کوههای البرز و خراسان .

کوههای البرز ، چندین رشته دارد مانند کوههای طوالش و گیلان و لاهیجان ودیلمان ورشتهٔ اصلی البرز وسواد کوه وفیروز کوه وشاه کو.

قلهٔ کوه دماوند در کنار رود هراز ، ۵۶۷۱ متر ارتفاع دارد .

کوههای خراسان که بین درهٔ گرگان و تجن واقع است ، باسامی مختلف نامیده میشود مانند کپه داغ و کوران داغ وسیاه کوه وآلاداغ وشاهجهان و کلات نادری . بلند ترین قله در کوه بینالود است که ۳۳۵۰ متر ارتفاع دارد .

۳ـ کوههای آذربایجان :

این کوهها دارای رشته ها و نامهای زیاد است مانند ارسباران وسهند وسبلان و قراباغ ونشان کوه وآرارات کوچك که بین ایران وترکیه واقع شده و۳۹۱۶ متر ارتفاع دارد . آرارات بزرگ واقع درارمنستان ودارای ۵۱۶۵ متر ارتفاع است .

۴ـ کوههای ساحلی جنوب :

این کوهها از جنوب فارس شروع میشود و تا بلوچستان امتداد دارد . اسامی بعضی ازآنها ازاینقرار است :

تفتان ـ لاشار ـ کوه ملك سیاه ـ اردکوه ـ اشترانکوه .

۵ـ کوههای داخلی فلات ایران .

این کوهها رامیتوان بدودسته تقسیم کرد، یکی ازآذربایجان بمکران کشیده شده وازیزد و کرمان میگذرد ودیگری ازنیشابور تابلوچستان امتداد دارد و بیرجند در دامنهٔ آن واقع است.

حکومت ایران

حکومت ایران، سلطنت مشروطه است وبوسیلهٔ سه قوه اداره میشود :

۱) قوهٔ مقننه ۲) قوهٔ مجریه ۳) قوهٔ قضائیه .

قوهٔ مقننه یاقانونگزاری ، عبارت ازدومجلس سنا وشورای ملی‌است .

قوهٔ مجریه عبارت ازهیئت دولت و ریاست عالیهٔ آن با شخص شاهنشاه است .

قوهٔ قضائیه هیئتی است که بنام دادگستری ، اعمال افراد ملت راباقوانین موضوعه تطبیق وازتجاوز وتعدی جلوگیری میکند .

اینك قانون اساسی حکومت ایران :

درتشکیل مجلس

اصل اول

مجلس شورای ملی‌بموجب فرمان‌معدلت بنیان مورخهٔ چهاردهم جمادی‌الاخرهٔ یکهزاروسیصد وبیست وچهارمؤسس ومقرراست

اصل دوم

مجلس شورای‌ملی نمایندهٔ قاطبهٔ اهالی مملکت ایران است که در امور معاشی وسیاسی وطن خود مشارکت دارند

اصل سوم

مجلس شورای ملی مرکب است ازاعضائیکه درطهران وایالات انتخاب میشوند ومحل انعقادآن درطهران است

*اصل چهارم

عدهٔ نمایندگان مجلس‌شورای‌ملی‌برای‌پایتخت‌وشهرستانهادویست‌نفرخواهدبودو پس‌ازهر ۱۰ سال‌درصورت‌ازدیادجمعیت کشوردرهرحوزهٔ‌انتخابیه‌طبق‌آمار رسمی‌به‌نسبت هریکصدهزار نفریك‌نفراضافه‌خواهدشد. حوزه‌بندی‌بموجب‌قانون‌علیحده‌بعمل‌خواهدآمد

---

* اصول چهارم وپنجم وششم وهفتم بموجب تصمیم مجلس واحد (کنگره) مورخ بیست وششم اردیبهشت ماه ۱۳۳۶ شمسی بجای اصول منسوخهٔ زیر وضع شده است .

اصل چهارم (منسوخه)

عدهٔ انتخاب شوندگان بموجب انتخاب‌نامهٔ علیحده ازبرای طهران وایالات فعلاً یکصد و شصت ودونفر معین شده است وبرحسب ضرورت عدهٔ مزبور تزاید تواند یافت الی دویست نفر

✡ اصل پنجم

دورهٔ نمایندگی مجلس‌شورای ملی چهارسال تمام است وشامل دورهٔ نوزدهم نیز می‌باشد.قبل از انقضاء مدت باید انتخابات طبق قانون تجدید شود

ابتدای هردوره از تاریخ تصویب اعتبارنامهٔ بیش از نصف نمایندگان خواهد بود تجدید انتخاب نمایندگان سابق بلامانع است

✡ اصل ششم

پس‌ازآنکه‌دوثلث نمایندگان مجلس شورای ملی‌در پایتخت حاضر شدندمجلس منعقدمیشود

✡اصل هفتم

مجلس‌می‌تواند باهرعده‌ای که درجلسه حاضرباشد مذاکرات راشروع‌نمایدلکن برای اخذ رأی حضوربیش ازنصف نمایندگان حاضردرمرکزلازم است

واکثریت‌آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار درجلسه به ردیا قبول موضوع رأی بدهند .

اصل هشتم

مدت تعطیل و زمان اشتغال مجلس شورای ملی برطبق نظامنامهٔ داخلی مجلس بتشخیص‌خود مجلس‌است وپس‌ازتعطیل‌تابستان باید مجلس‌ازچهاردهم میزان که مطابق جشن افتتاح اول مجلس‌است مفتوح و مشغول‌کارشود

اصل پنجم (منسوخه)

منتخبین‌ازبرای‌دوسال‌تمام انتخاب‌میشوند وابتداءاین‌مدت ازروزیست‌که منتخبین‌ولایات‌تماماً در تهران حاضرخواهند شد . پس‌ازانقضاء مدت دوسال باید نمایندگان مجدداً انتخاب‌شوند ومردم‌مختارند هریك ازمنتخبین‌سابق راکه بخواهند و ازآنها راضی‌باشند دوباره انتخاب‌کنند .

اصل ششم (منسوخه)

منتخبین‌تهران لدی‌الحضورحق انعقاد مجلس‌را داشته مشغول مباحثه ومذاکره میشوند رأی‌ایشان درمدت غیبت منتخبین ولایات باکثریت مناط اعتباروواجراست

اصل هفتم (منسوخه)

درموقع شروع بمذاکرات بایدلااقل دوثلث ازاعضاء مجلس حاضرباشند وهنگام تحصیل رأی سه ربع ازاعضاء باید حاضربوده واکثریت آراء وقتی حاصل‌میشودکه بیش ازنصف حضارمجلس رأی‌بدهند

قانون تفسیراصل هفتم قانون اساسی مصوب هفتم‌جمادی‌الاول ۱۳۲۹ قمری

مادهٔ ۱ــ مراد ازدوثلث اعضاء مجلس‌وسه‌ربع‌که دراصل هفتم‌قانون اساسی‌مسطوراست دوثلث وسه ربع اعضاءحاضره درمرکزاست درصورتی‌که عدهٔ حاضرین درمرکزباندازه‌ای‌باشدکه قانوناًمجلس بتواند تشکیل شود .

مادهٔ ۲ــ مراد از عبارت‌آخرمادهٔ هفتم قانون اساسی اکثریت‌آراء وقتی‌حاصل میشودکه بیش‌از نصف حضارمجلس رأی بدهند این است‌که ردیا قبول مطلب‌مطرح شده وقتی‌حاصل‌میشود که بیش‌ازنصف حضاربردیاقبول‌آن مطلب رأی بدهند

اصل نهم

مجلس شورای‌ملی درموقع تعطیل فوق‌العاده منعقد تواند شد

اصل دهم

درموقع افتتاح مجلس خطابهٔ بحضورهمایونی‌عرض کرده بجواب خطابه ازطرف قرین‌الشرف ملوکانه سرافرازو مباهی میشود

اصل یازدهم

اعضاء مجلس بدواً که داخل مجلس میشوند باید بترتیب ذیل قسم خورده وقسم نامه را امضاء نمایند

صورت قسمنامه

مااشخاصیکه درذیل امضاء کرده ایم خداوند را بشهادت می‌طلبیم‌وبقرآن‌قسم‌یادمیکنیم‌مادام که‌حقوق‌مجلس‌ومجلسیان مطابق این‌نظامنامه‌محفوظ‌ومجرااست‌تکالیفی‌راکه بمارجوع شده‌است‌مهماامکن‌باکمال راستی و درستی وجد وجهدانجام بدهیم‌ونسبت باعلیحضرت شاهنشاه متبوع عادل مفخم خودمان صدیق وراستگو باشیم‌وباساس‌سلطنت وحقوق‌ملت‌خیانت‌ننمائیم وهیچ‌منظوری‌نداشته‌باشیم‌جزفوائد ومصالح‌دولت وملت ایران

اصل دوازدهم

بهیچ‌عنوان‌وبهیچ‌دست‌آویز کسی‌بدون‌اطلاع‌وتصویب مجلس‌شورای‌ملی‌حق‌ندارد متعرض‌اعضای‌آن‌بشود اگراحیاناًیکی‌ازاعضاءعلناًمرتکب‌جنحه‌وجنایتی‌شودودرحین‌ارتکاب جنایت دستگیر گردد بازباید اجرای سیاست دربارهٔ اوبا استحضارمجلس باشد

اصل سیزدهم

مذاکرات مجلس شورای ملی از برای آنکه نتیجهٔ آنها بموقع اجراء گذارده تواند شد باید علنی باشد روزنامه نویس و تماشا چی مطابق نظامنامهٔ داخلی مجلس حق حضور و استماع دارند بدون اینکه حق نطق داشته باشند تمام مذاکرات مجلس را روزنامجات میتوانند بطبع برسانند بدون تحریف و تغییرمعنی تا عامهٔ ناس ازمباحث مذاکره و تفصیل گزارشات مطلع شوند هرکس صلاح اندیشی در نظر داشته باشد در روزنامهٔ عمومی برنگارد تا هیچ‌امری ازاموردرپرده وبرهیچکس‌مستورنماندلهذاعموم روزنامجات مادامیکه مندرجات آنها مخل اصلی از اصول اساسیهٔ دولت و ملت نباشند مجاز و مختارند که مطالب مفیدهٔ عام المنفعه را همچنان مذاکرات مجلس و صلاح اندیشی خلق را برآن مذاکرات بطبع رسانیده منتشرنمایند واگرکسی در روزنامجات

و مطبوعات بر خلاف آنچه ذکر شده و باغراض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افترا بزند قانوناً مورد استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد

اصل چهاردهم

مجلس شورای ملی بموجب نظامنامهٔ علیحده موسوم به نظامنامهٔ داخلی امور شخصی خود را از قبیل انتخاب رئیس و نواب رئیس و منشیان و سایر اجزاء و ترتیب مذاکرات وشعب و غیره منظم و مرتب خواهد کرد

در وظایف مجلس و حدود و حقوق آن

اصل پانزدهم

مجلس شورای ملی حق دارد در عموم مسائل آنچه را صلاح ملك و ملت میداند پس از مذاکره و مداقه از روی راستی و درستی عنوان کرده با رعایت اکثریت آراء در کمال امنیت و اطمینان با تصویب مجلس سنا بتوسط شخص اول دولت بعرض برساند که بصحهٔ همایونی موشح و بموقع اجراء گذارده شود

اصل شانزدهم

کلیهٔ قوانینی که برای تشیید مبانی دولت و سلطنت و انتظام امور مملکتی و اساس وزارتخانه ها لازم است باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد

اصل هیفدهم

لوایح لازمه را در ایجاد قانونی یاتغییر و تکمیل و نسخ قوانین موجوده مجلس شورای ملی درموقع لزوم حاضر مینماید که باتصویب مجلس سنا بصحهٔ همایونی رسانده بموقع اجرا گذارده شود

اصل هیجدهم

تسویهٔ امور مالیه جرح و تعدیل بودجه تغییر در وضع مالیاتها و رد و قبول عوارض و فروعات همچنان ممیزیهای جدیده که از طرف دولت اقدام خواهد شد به بتصویب مجلس خواهند بود

اصل نوزدهم

مجلس حق دارد برای اصلاح امور مالیاتی و تسهیل روابط حکومتی در تقسیم ایالات وممالك ایران وتجدید حکومتها پس از تصویب مجلس سنا اجرای آرای مصوبه

.....

را از اولیای دولت بخواهد

اصل بیستم

بودجهٔ هریك از وزارتخانه ها باید در نیمهٔ آخر هرسال از برای سال دیگر تمام شده پانزده روز قبل از عید نوروز حاضر باشد

اصل بیست و یکم

هر گاه در قوانین اساسی وزارتخانه‌ها قانونی جدید یا تغییر و نسخ قوانین مقرره لازم شود با تصویب مجلس شورای ملی صورت خواهد گرفت اعم از اینکه لزوم آن امور از مجلس عنوان یا از طرف وزرای مسئول اظهار شده باشد

اصل بیست و دوم

مواردیکه قسمتی از عایدات یا دارائی دولت ومملکت منتقل یا فروخته میشود یا تغییری در حدود و ثغور مملکت لزوم پیدا میکند بتصویب مجلس شورای ملی خواهد بود

اصل بیست و سوم

بدون تصویب مجلس شورای ملی امتیاز و تشکیل کمپانی و شرکتهای عمومی از هر قبیل و بهر عنوان از طرف دولت داده نخواهد شد

اصل بیست و چهارم

بستن عهد نامه ها و مقاوله نامه ها اعطای امتیازات انحصار تجارتی و صنعتی و فلاحتی و غیره اعم ازاینکه طرف داخله باشدیا خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد باستثنای عهدنامه‌هائیکه استنار آنها صلاح دولت و ملت باشد

اصل بیست و پنجم

استقراض دولتی بهر عنوان که باشد خواه از داخله خواه از خارجه بااطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد

اصل بیست و ششم

ساختن راههای آهن یا شوسه خواه بخرج دولت خواه بخرج شرکت و کمپانی اعم از داخله و خارجه منوط بتصویب مجلس شورای ملی است

اصل بیست و هفتم

مجلس در هر جا نقضی در قوانین و یا مسامحه در اجرای آن ملاحظه کند بوزیر مسئول در آن کار اخطار خواهد کرد و وزیر مزبور باید توضیحات لازمه را بدهد

اصل بیست و هشتم

هر گاه وزیری برخلاف یکی از قوانین موضوعه که بصحهٔ همایونی رسیده اند باشتباهکاری احکام کتبی یا شفاهی از پیشگاه مقدس ملوکانه صادر نماید و مستمسك مساهله و عدم مواظبت خود قرار دهد بحکم قانون مسئول ذات مقدس همایون خواهد بود

اصل بیست و نهم

هر وزیری که در امری از امور مطابق قوانینی که بصحه همایونی رسیده است از عهدهٔ جواب بر نیاید و معلوم شود که نقض قانون و تخلف از حدود مقرره کرده است مجلس عزل او را از پیشگاه همایونی مستدعی خواهد شد و بعد از وضوح خیانت در محکمهٔ عدلیه دیگر بخدمت دولتی منصوب نخواهد شد

اصل سی ام

مجلس شورای ملی حق دارد مستقیماً هر وقت لازم بداند عریضه‌ای بتوسط هیئتی که مرکب از رئیس وشش نفر از اعضاء که طبقات شش گانه انتخاب کنند بعرض پیشگاه مقدس ملوکانه برساند وقت شرفیابی را باید بتوسط وزیر دربار از حضور مبارك استیذان نمود

اصل سی و یکم

وزراء حق دارند دراجلاسات مجلس شورای ملی حاضرشده و درجائیکه برای آنها مقرراست نشسته مذاکرات مجلس را بشنوند واگرلازم دانستند از رئیس مجلس اجازهٔ نطق خواسته توضیحات لازمه را از برای مذاکره ومداقهٔ امور بدهند

در اظهار مطالب بمجلس شورای ملی

اصل سی دوم

هر کس از افراد ناس میتواند عرضحال یا ایرادات یا شکایات خود را کتباً بدفتر خانهٔ عرایض مجلس عرضه بدارد اگر مطلب راجع بخود مجلس باشد جواب کافی باو

خواهد داد و چنانچه مطلب راجع بیکی از وزارتخانه‌هاست بدان وزارتخانه خواهد فرستاد که رسیدگی نمایند و جواب مکفی بدهند

اصل سی و سوم

قوانین جدیده که محل حاجت باشد در وزارتخانه های مسئول انشاء وتنقیح یافته بتوسط وزرای مسئول یا از طرف صدراعظم بمجلس شورای ملی اظهار خواهد شد و پس از تصویب بصحهٔ همایونی موشح گشته بموقع اجرا گذاشته میشود

اصل سی و چهارم

رئیس مجلس میتواند بر حسب لزوم شخصاً یا بخواهش ده نفر از اعضاء مجلس یا وزیری اجلاسی محرمانه بدون حضور روزنامه نویس وتماشاچی یاانجمنی محرمانه مرکب از عدهٔ منتخبی از اعضاء مجلس تشکیل بدهد که سایر اعضاء مجلس حق حضور در آن نداشته باشند لیکن نتیجهٔ مذاکرات انجمن محرمانه وقتی مجری تواند شد که در مجلس محرمانه با حضور سه ربع ازمنتخبین مطرح مذاکره شده باکثریت آراء قبول شود . اگر مطلب در مذاکرات انجمن محرمانه قبول نشد در مجلس عنوان نخواهد شد و مسکوت عنه خواهد ماند

اصل سی و پنجم

اگر مجلس محرمانه بتقاضای رئیس مجلس بوده است حق دارد هر مقدار از مذاکرات را که صلاح بداند باطلاع عموم برساند لکن اگرمجلس محرمانه بتقاضای وزیری بوده است افشای مذاکرات موقوف باجازهٔ آن وزیر است

اصل سی و ششم

هریك ازوزراء میتواند مطلبی را که بمجلس اظهار کرده در هردرجه ازمباحثه که باشد استرداد کند مگر اینکه اظهار ایشان بتقاضای مجلس بوده باشد دراین صورت استرداد مطلب موقوف بموافقت مجلس است .

اصل سی و هفتم

هرگاه لایحهٔ وزیری درمجلس موقع قبول نیافت منضم بملاحظات مجلس عودت داده میشود وزیر مسئول پس از رد یا قبول ایرادات مجلس میتواند لایحهٔ مزبوره را در ثانی بمجلس اظهار بدارد

اصل سی و هشتم

اعضای مجلس شورای ملی بایددربا قبول مطالب را صریح و واضح اظهاربدارند و احدی حق ندارد ایشان را تحریص یا تهدید در دادن رأی خود نماید اظهار رد و قبول اعضای مجلس باید بقسمی باشد که روزنامه نویس و تماشا چی هم بتواند ادراك کند یعنی باید آن اظهار بعلامات ظاهری باشد از قبیل اوراق کبود و سفید وامثال آن

عنوان مطالب از طرف مجلس

اصل سی و نهم

هروقت مطلبی از طرف یکی از اعضای مجلس عنوان شود فقط وقتی مطرح مذاکره خواهد شد که اقلا پانزده نفر از اعضای مجلس آن مذاکرهٔ مطلب را تصویب نمایند در این صورت آن عنوان کتباً برئیس مجلس تقدیم میشود رئیس مجلس حق دارد که آن لایحه را بدواً در انجمن تحقیق مطرح مداقه قرار بدهد

اصل چهلم

در موقع مذاکره و مداقهٔ لایحهٔ مذکوره در اصل سی و نهم چه درمجلس وچه در انجمن تحقیق اگر لایحهٔ مزبور راجع بیکی از وزراء مسئول باشد مجلس باید بوزیرمسئول اطلاع داده که اگربشود شخصاً و الامعاون اوبمجلس حاضر شده مذاکرات در حضور وزیر یا معاون او بشود سواد لایحه و منضمات آنرا باید قبل از وقت از ده روز الی یکماه باستثناء مطالب فوری از برای وزیر مسئول فرستاده باشند همچنان روز مذاکره باید قبل از وقت معلوم باشد پس از مداقهٔ مطلب با حضور وزیر مسئول درصورت تصویب مجلس باکثریت آراء رسماً لایحه‌ای نگاشته بوزیر مسؤل داده خواهد شد که اقدامات مقتضیه را معمول دارد

اصل چهل و یکم

هرگاه وزیر مسئول در مطاب معنون ازطرف مجلس بمصلحتی همراه نشد باید معاذیر خود را توجیه و مجلس را متقاعد کند

اصل چهل و دوم

در هر امری که مجلس شورای ملی از وزیر مسئولی توضیح بخواهد آن وزیر ناگزیر ازجواب است و این جواب نباید بدون عذر موجه و بیرون از اندازهٔ اقتضاء بعهدهٔ تأخیر بیفتد مگر مطالب محرمانه که مستور بودن آن در مدت معینی صلاح دولت و ملت باشد ولی بعد ازانقضاء مدت معین وزیر مسئول مکلف است که همان مطلب را در مجلس ابراز نماید .

در شرایط تشکیل مجلس سنا

اصل چهل و سوم

مجلس دیگری بعنوان سنا مرکب از شصت نفر اعضا تشکیل میبابد که اجلاسات آن بعد از تشکیل مقارن اجلاسات مجلس شورای ملی خواهد بود

اصل چهل و چهارم

نظامنامه های مجلس سنا باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد

اصل چهل و پنجم

اعضای این مجلس از اشخاص خبیر و بصیر و متدین و محترم مملکت منتخب میشوند سی نفر از طرف قرین الشرف اعلیحضرت همایونی استقرار میبابند پانزده نفر از اهالی طهران ، پانزده نفر از اهالی ولایات و سی نفر از طرف ملت پانزده نفر بانتخاب اهالی طهران و پانزده نفر بانتخاب اهالی ولایات .

اصل چهل و ششم

پس از انعقاد سنا تمام امور باید بتصویب هردو مجلس باشد اگر آن امور در سنایا از طرف هیئت وزرا عنوان شده باشد باید اول درمجلس سنا تنقیح و تصحیح شده باکثریت آراء قبول و بعد بتصویب مجلس شورای ملی برسند ولی اموریکه درمجلس شورای ملی عنوان میشود برعکس از این مجلس بمجلس سنا خواهد رفت مگر امور مالیه ای که مخصوص بمجلس شورای ملی خواهدبود وقرارداد مجلس در امور مذکوره

باطلاع مجلس سنا خواهد رسید که‌مجلس مزبور ملاحظات خودرا بمجلس ملی‌اظهار نماید ولیکن مجلس ملی مختار است ملاحظات مجلس سنا را بعد از مداقهٔ لازمه‌قبول یارد نماید

اصل چهل وهفتم

مادام که مجلس سنا منعقد نشده فقط امور بعد از تصویب مجلس شورای ملی بصحهٔ همایونی موشح و بموقع اجراء گذارده خواهد شد

✡ اصل چهل وهشتم

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی میتواند هریك از مجلس شورای ملی و مجلس سنا را جداگانه ویا هر دومجلس را درآن واحد منحل نماید

درهرمورد که مجلسین یا یکی از آنها بموجب فرمان همایونی منحل میگردد باید در همان فرمان انحلال علت انحلال ذکر شده و امر بتجدید انتخاباب نیز بشود

انتخابات جدید در ظرف یکماه از تاریخ صدور فرمان شروع شده و مجلس یا مجلسین جدید در ظرف سه ماه از تاریخ مزبور باید منعقد گردد مجلس جدید که پس از انحلال تشکیل میشود برای یك دوره جدید خواهد بود نه برای بقیهٔ دوره

✡ این اصل بموجب تصمیم مجلس‌مؤسسان مورخ۱۸ اردیبشهت ماه ۱۳۲۸ بجای اصل منسوخهٔ زیر وضع شده است

اصل‌چهل‌وهشتم(منسوخه)

هرگاه مطلبی که‌ازطرف‌وزیری‌پس ازتنقیح وتصحیح‌در مجلس‌سنا بمجلس‌شورای ملی رجوع میشود قبول نیافت درصورت اهمیت مجلس ثالثی مرکب‌از اعضاء مجلس سنا و مجلس شورای ملی بحکم انتخاب اعضای دو مجلس و بالسویه تشکیل یافته در مادهٔ متنازع فیها رسیدگی میکند نتیجهٔ رأی این مجلس رادر شورای ملی قرائت میکنند‌اگر موافقت دست داد فبها والا شرح مطلب را بعرض حضور ملوکانه میرسانند هرگاه رأی مجلس شورای ملی را تصدیق فرمودند مجری میشود واگر تصدیق‌نفرمودند امر بتجدید مذاکره و مداقه خواهند فرمود واگر بازاتفاق‌آراء حاصل نشد ومجلس سنا با اکثریت دو ثلث آراء انفصال مجلس شورای ملی‌راتصویب نمودند و هیئت وزراء هم جداگانه انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند فرمان همایونی بانفصال مجلس شورای ملی صادر میشود واعلیحضرت‌همایونی در همان فرمان حکم‌بتجدید انتخابات میفرمایند و مردم حق خواهند داشت منتخبین سابق را مجدداً انتخاب کنند

مجلس منحل شده. مجلس یامجلسین جدید را نمیتوان مجدداً برای همان علت منحل نمود

هر گاه درمورد طرح یالایحهٔ قانونی که دو دفعه ازمجلسی بمجلس دیگر رجوع شده است بین مجلس سنا و مجلس شورای ملی توافق نظر حاصل نشود کمیسیون مختلطی مرکب از اعضاء مجلسین که بعدهٔ مساوی از طرف هر یك از مجلسین انتخاب میشود تشکیل و در مورد اختلاف رسیدگی کرده گزارش خود را بمجلسین تقدیم مینماید هر گاه مجلس سنا و مجلس شورای ملی گزارشی را که کمیسیون مختلط داده است تصویب نمودند قانون مزبور برای توشیح صحهٔملوکانه ارسال میشود

در صورتیکه مجلسین در گزارش کمیسیون مختلط نیز توافق نظرحاصل نکردند مورد اختلاف بعرض ملوکانه میرسد هر گاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نظر مجلس شورای ملی را تصویب فرمودند امر باجراء میدهند و الا موضوع تا شش ماه مسکوت مانده و عندالاقتضاء ممکن است بعد از انقضای این مدت بعنوان طرح یا لایحه جدیدی در یکی از مجلسین مطرح شود

اصل ۴۸ وهریك از اصول دیگر قانون اساسی مورخ ۱۴ ذی‌القعده الحرام ۱۳۲۴ قمری و متمم آن که مخالف مقررات این اصل است نسخ میشود

اصل چهل و نهم

منتخبین جدید تهران باید بفاصلهٔ یکماه ومنتخبین ولایات بفاصلهٔسه ماه حاضر شوند و چون منتخبین دارالخلافه حاضر شدند مجلس افتتاح و مشغول کار خواهند شد لیکن در مادهٔ متنازع فیها گفتگو نمی کنند تامنتخبین ولایات برسند هر گاه مجلس جدید پس از حضور تمام اعضاء باکثریت تام همان رأی سابق راامضاء کرد ذات مقدس همایونی آن رأی مجلس شورای ملی را تصویب فرموده امرباجراء میفرمایند

اصل پنجاهم

در هر دورهٔ انتخابیه که عبارت از دو سال است یك نوبت بیشتر امر بتجدید منتخبین نخواهد شد

اصل پنجاه ویکم

مقرر آنکه سلاطین اعقاب واخلاف ما حفظ این حدود واصول را که برای تشیید مبانی دولت و تأکید اساس سلطنت و نگهبانی دستگاه معدلت وآسایش ملت برقرار و

مجری فرمودیم وظیفهٔ سلطنت خود دانسته در عهده شناسند

هوالله تعالی

این قانون اساسی مجلس شورای ملی و مجلس سنا که حاوی پنجاه و یك اصل است صحیح و معتبر است ۱۴شهر ذیقعده ۱۳۲۴

محل صحهٔ مرحوم مظفرالدین شاه و امضاء ولیعهد و امضاء مرحوم میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله رئیس‌الوزرا

سواد دستخط

مرحوم محمد علیشاه قاجار نسبت باصول متمم قانون اساسی

بسم الله الرحمن الرحیم

اصولی که برای تکمیل قوانین اساسیهٔ مشروطیت دولت علیه ایران بر قانون اساسی که در تاریخ چهاردهم شهر ذیقعدة الحرام یکهزار وسیصد و بیست وچهار بصحهٔ مرحوم مغفور شاهنشاه سعید مظفرالدین شاه قاجار نورالله مضجعه موشح شده اضافه میشود از قرار ذیل است

کلیات

اصل اول

مذهب رسمی ایران اسلام و طریقهٔ حقهٔ جعفریهٔ اثنی عشریه است باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد

اصل دوم

مجلس مقدس شورای ملی که بتوجه و تأیید حضرت امام عصر عجل‌الله فرجه و بذل مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلدالله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثرالله امثالهم وعامهٔ ملت ایران تأسیس شده‌است باید در هیچ عصری ازاعصار مواد قانونیهٔ آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیرالانام صلی‌الله‌علیه وآله وسلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین‌موضوعه با قواعد اسلامیه بر عهدهٔ علمای‌اعلام ادام‌الله برکات وجود هم بوده و هست لهذا رسماً مقرر است درهرعصری از اعصار هیئتی که کمتراز پنج نفر نباشد از مجتهدین وفقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم‌باشند باین طریق که علمای اعلام و حجج‌اسلام مرجع تقلید شیعه اسامی بیست نفر ازعلماء که دارای صفات مذکور باشند معرفی بمجلس شورای ملی بنمایند پنج نفر ازآنها را یا بیشتر بمقتضای عصر اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا بحکم‌قرعه تعیین نموده بسمت عضویت بشناسند تاموادی که در

مجلسین عنوان میشود بدقت مذاکره و غوررسی نموده هریك از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسهٔ اسلام داشته باشد طرح ورد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند ورأی این هیأت علماء دراین باب مطاع و متبع خواهد بود و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجة عصر عجل‌الله فرجه تغییر پذیر نخواهد بود

اصل سیم

حدود مملکت ایران وایالات وولایات وبلوکات آن تغییر پذیر نیست مگر بموجب قانون

اصل چهارم

پایتخت ایران تهران است

اصل پنجم

الوان رسمی بیرق ایران سبز و سفید و سرخ و علامت شیروخورشید است

اصل ششم

جان و مال اتباع خارجه مقیمین خاك ایران مأمون و محفوظ است مگر در مواردی که قوانین مملکتی استثناء میکند

اصل هفتم

اساس مشروطیت جزءً و کلاً تعطیل بردار نیست

(حقوق ملت ایران)

اصل هشتم

اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی‌الحقوق خواهند بود

اصل نهم

افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمیتوان شد مگر بحکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین مینماید

اصل دهم

غیر ازمتوقع ارتکاب جنحه وجنایات وتقصیرات عمده هیچکس را فوراً نمیتوان دستگیر نمود مگر بحکم کتبی رئیس محکمه عدلیه بر طبق قانون و در آنصورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتها در ظرف بیست و چهار ساعت باواعلام و اشعار شود

اصل یازدهم

هیچکس را نمیتوان از محکمه ای که باید در بارهٔ او حکم کند منصرف کرده مجبوراً بمحکمهٔ دیگر رجوع دهند

اصل دوازدهم

حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمیشود مگر بموجب قانون

اصل سیزدهم

منزل و خانهٔ هر کس درحفظ وامان استدرهیچ مسکنی قهراً نمیتوان داخل شد مگر بحکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده

اصل چهاردهم

هیچیك از ایرانیان را نمیتوان نفی بلد یا منع از اقامت در محلی یا مجبور به اقامت محل معینی نمود مگر در مواردیکه قانون تصریح میکند

اصل پانزدهم

هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملك نمیتوان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأدیهٔ قیمت عادله است

اصل شانزدهم

ضبط املاك و اموال مردم بعنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر به حکم قانون

اصل هفدهم

سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاك و اموال متصرفهٔ ایشان بهر عنوان که باشد ممنوع است مگر بحکم قانون

اصل هیجدهم

تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد

اصل نوزدهم

تأسیس مدارس بمخارج دولتی وملتی وتحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالیه ومراقبت وزارت علوم و معارف باشد

اصل بیستم

عامهٔ مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است ولی هر گاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشردهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات میشود اگر نویسنده معروف ومقیم ایران باشد ناشر وطابع و موزع از تعرض مصون هستند

اصل بیست ویکم

انجمنها و اجتماعاتی که مولد فتنهٔ دینی و دنیوی و مخل بنظم نباشند در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعین باخود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر میکند باید متابعت نمایند اجتماعات در شوارع و میدانهای عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشند

اصل بیست و دویم

مراسلات پستی کلیه محفوظ واز ضبط و کشف مصون است مگر در مواردی که قانون استثناء میکند

اصل بیست و سیم

افشاء یا توقیف مخابرات تلگرافی بدون اجازه صاحب تلگراف ممنوع است مگر درمواردی که قانون معین میکند

اصل بیست وچهارم

اتباع خارجه میتوانند قبول تبعیت ایران را بنمایند قبول و بقای آنها بر تبعیت وخلع آنها از تبعیت بموجب قانون جداگانه است

اصل بیست وپنجم

تعرض بمأمورین دیوانی در تقصیرات راجعه بمشاغل آنها محتاج بتحصیل اجازه نیست مگر در حق وزراء که رعایت قوانین مخصوصه در این باب باید بشود

قوای مملکت

اصل بیست وششم

قوای مملکت ناشی از ملت است طریقهٔ استعمال آن قوا را قانون اساسی معین مینماید

اصل بیست وهفتم

قوای مملکت بسه شعبه تجزیه میشود

اول ـ قوهٔ مقننه که مخصوص است بوضع وتهذیب قوانین واین قوه ناشی میشود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هریك از ایـن سه منشاء حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است بعدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح بصحهٔ همایونی لکن وضع و تصویب قوانین راجعه بدخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است

شرح وتفسیر قوانین ازوظایف مختصهٔ مجلس شورای ملی است

دویم ـ قوهٔ قضائیه وحکمیه که عبارت است از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است بمحاکم شرعیه در شرعیات و بمحاکم عدلیه در عرفیات

سوم ـ قوهٔ اجرائیه که مخصوص پادشاه است یعنی قوانین واحکام بتوسط وزراء و مأمورین دولت بنام نامی اعلیحضرت همایونی اجراء میشود بترتیبی که قانون معین میکند

اصل بیست وهشتم

قوای ثلاثهٔ مزبوره همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود

اصل بیست و نهم

منافع مخصوصهٔ هر ایالت و ولایت و بلوك بتصویب انجمنهای ایالتی و ولایـتی بموجب قوانین مخصوصهٔ آن مرتب و تسویه میشود

حقوق اعضای مجلسین

اصل سی ام

وکلای مجلس شورای ملی و مجلس سنا از طرف تمام ملت وکالت دارند نه فقط از طرف طبقات مردم یا ایالات و ولایات و بلوکاتی که آنها را انتخاب نموده اند

اصل سی و یکم

یکنفر نمیتواند در زمان واحد عضویت هر دو مجلس را دارا باشد

اصل سی ودویم

چنانچه یکی‌از وکلاء درادارات دولتی‌موظفاً مستخدم بشود از عضویت‌مجلس منفصل میشود ومجدداً عضویت او درمجلس موقوف باستعفای از شغل دولتی‌وانتخاب از طرف ملت‌خواهد بود

اصل‌سی‌وسوم

هر یك ازمجلسین حق تحقیق و تفحص در هر امری از امور مملکتی دارند.

اصل سی‌وچهارم

مذاکرات مجلس سنا در مدت‌انفصال مجلس شورای ملی بی نتیجه‌است.

حقوق سلطنت ایران

اصل سی وپنجم

سلطنت ودیعه ایست که بموهبت الهی از طرف ملت بشخص پادشاه مفوض‌شده.

☆ اصل سی‌وششم

سلطنت مشروطهٔ ایران‌از طرف‌ملت بوسیلهٔ مجلس مؤسسان بشخص اعلیحضرت شاهنشاه‌رضاشاه پهلوی‌تفویض‌شده ودراعقاب‌ذکورایشان‌نسلاً بعدنسل‌برقرارخواهدبود.

---

* اصول سه‌گانه ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ متمم قانون اساسی بموجب مادهٔ واحده مصوبهٔ مجلس موسسان در تاریخ۲۱ آذرماه ۱۳۰٤ شمسی که‌ذیلا نقل میشود بشرح مندرج درمتن اصلاح‌شده‌است «ماده واحد» مجلس موسسان سه اصل ۳۶و۳۷و۳۸مصوبهٔ بیست ویکم‌آذرماه۱۳۰٤ رابجای سه‌اصل ۳۶و۳۷و۳۸ سابق‌متمم قانون‌اساسی‌قرارداده سه‌اصل‌مذکورسابق راملغی‌میداند.

سه اصل ملغی شده

اصل سی وششم ـ سلطنت مشروطهٔ ایران در شخص‌اعلیحضرت شاهنشاهی السلطان‌محمد علی شاه قاجارادام‌الله‌سلطنته و اعقاب ایشان نسلاً بعد نسل برقرار خواهد بود.

اصل سی وهفتم ـ ولایت عهد در صورت تعدد اولاد به پسر اکبر پادشاه‌که مادرش ایرانی‌الاصل و شاهزاده باشد میرسد و درصورتیکه برای پادشاه اولاد ذکور نباشداکبرخاندان سلطنت با رعایت‌الاقرب فالاقرب برتبهٔ‌ولایت عهد نائل میشود و هرگاه درصورت مفروضهٔ‌فوق اولاد ذکوری برای پادشاه بوجودآید حقاً ولایت عهد باو خواهدرسید.

اصل سی‌وهشتم ـ در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شودکه سن‌او بهیجده سال بالغ باشد چنانچه‌ابن سن نرسیده باشدبا تصویب هیأت‌مجتمعهٔ مجلس شورای ملی ومجلس سنا نایب‌السلطنه‌ای برای او انتخاب‌خواهد شد تا هیجده سالگی‌را بالغ شود.

☆ اصل سی و هفتم

ولایت عهد با پسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی‌الاصل باشد خواهد بوددر صورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد بر حسب پیشنهاد شاه وتصویب مجلس شورای ملی بعمل خواهدآمدمشروط برآنکه‌آن ولیعهد از خانوادهٔ قاجارنباشد ولی در هر موقعی‌که پسری برای پادشاه بوجودآیدحقاً ولایت‌عهد با او خواهد بود.

اصل سی و هشتم

در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شودکه دارای بیست سال تمام شمسی باشد اگر باین سن نرسیده باشد نایب‌السلطنه ای از غیر خانوادهٔ قاجاریه از طرف مجلس شورای ملی انتخاب خواهد شد

اصل سی و نهم

هیچ‌پادشاهی برتخت سلطنت‌نمیتواند جلوس کند مگر اینکه‌قبل ازتاجگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود با حضور اعضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هیئت وزراء بقرار ذیل قسم یاد نماید

من خداوند قادر متعال را گواه گرفته بکلام‌الله مجید و بآنچه نزد خدا محترم است قسم یاد میکنم که تمام‌هم خود رامصروف حفظ استقلال‌ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم قانون اساسی مشروطیت ایران را نگهبان و بر طبق آن و قوانین مقرره سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری‌اثنی‌عشری سعی‌و کوشش نمایم و در تمام اعمال و افعال خداوندعزشانه‌را حاضر و ناظر دانسته منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از خداوند مستعان در خدمت بترقی ایران توفیق میطلبم واز ارواح طیبهٔ اولیای اسلام استمداد میکنم

☆ عبارت ایرانی الاصل مذکور در این اصل بموجب قانون مصوب چهاردهم آبانماه ۱۳۱۷ بشرح زیر تفسیر شده است:

ماده واحده- منظور از مادر ایرانی‌الاصل‌مذکور دراصل ۳۷متمم قانون اساسی اعم است ازمادری که مطابق شق‌دوم ازماده ۹۷۶ قانون‌مدنی دارای نسب ایرانی باشد یا مادریکه قبل از عقدازدواج با پادشاه یا ولیعهد ایران باقتضاء مصالح عالیه کشور به پیشنهاد دولت وتصویب مجلس شورای ملی بموجب فرمان پادشاه عصر صفت ایرانی باو اعطا شده باشد.

اصل چهلم

همینطور شخصی که به نیابت سلطنت منتخب میشود نمیتواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد

اصل چهل و یکم

در موقع رحلت پادشاه مجلس شورای ملی و مجلس سنا لزوماً منعقد خواهد شد و انعقاد مجلسین زیاده از ده روز بعد از فوت پادشاه نباید بتعویق بیفتد

اصل چهل و دویم

هر گاه دورهٔ وکالت وکلای هردو یا یکی از مجلسین در زمان حیوة پادشاه منقضی شده باشد و وکلای جدید در موقع رحلت پادشاه هنوز معین نشده باشند وکلای سابق حاضر و مجلسین منعقد میشود

اصل چهل سیم

شخص پادشاه نمیتواند بدون تصویب و رضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا متصدی امور مملکت دیگری شود

اصل چهل و چهارم

شخص پادشاه از مسئولیت مبرّی است و وزراء دولت در هر گونه امور مسئول مجلسین هستند

اصل چهل و پنجم

کلیهٔ قوانین و دستخطهای پادشاه در امور مملکتی وقتی اجرا میشود که بامضای وزیر مسئول رسیده باشد و مسئول صحت مدلول آن فرمان و دستخط همان وزیر است

اصل چهل و ششم

عزل و نصب وزراء بموجب فرمان همایون پادشاه است

اصل چهل و هفتم

اعطای درجات نظامی و نشان و امتیازات افتخاری با مراعات قانون مختص شخص پادشاه است

اصل چهل و هشتم

انتخاب مأمورین رئیسهٔ دوائر دولتی از داخله و خارجه باتصویب وزیر مسئوله

از حقوق پادشاه است مگردرمواقعیکه‌قانون استثناء نموده‌باشدولی تعیین سایرمأمورین راجع به پادشاه نیست مگر در مواردی که قانون تصریح میکند

✡ اصل‌چهل‌نهم

صدور فرامین و احکام برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه است بدون اینکه هرگز اجرای آن قوانین را تعویق یا توقیف نمایند در قوانین راجع بامور مالیه مملکت که از مختصات مجلس شورای ملی است چنانچه اعلیحضرت پادشاه تجدید نظری را لازم بدانند برای رسیدگی مجدد بمجلس شورای ملی ارجاع مینمایند در صورتی که مجلس شورای ملی باکثریت سه ربع ازحاضرین درمرکز نظر سابق مجلس‌را تأیید نمود اعلیحضرت شاهنشاه قانون را توشیح خواهند فرمود

اصل‌پنجاهم

فرمانفرمائی‌کل قشون برّی و بحری با شخص پادشاه است

اصل پنجاه ویکم

اعلان جنگ و عقد صلح با پادشاه است

اصل پنجاه‌ودویم

عهد نامه هائیکه مطابق اصل بیست و چهارم قانون اساسی مورخه چهاردهم ذی‌قعده یکهزار وسیصد وبیست‌وچهار استتارآنها لازم‌باشد بعد از رفع‌محظورهمینکه منافع‌و امنیت مملکتی‌اقتضا نمود با توضیحات‌لازمه بایداز طرف پادشاه.بمجلس‌شورای ملی و سنا اظهار شود

اصل پنجاه و سیم

فصول‌مخفیه هیچ عهدنامه مبطل فصول‌آشکارآن عهدنامه نخواهد بود

اصل‌پنجاه وچهارم

پادشاه‌میتواند مجلس‌شورای ملی‌ومجلس‌سنارابطورفوق‌العاده امربانعقادفرمایند

✡این‌اصل‌بموجب تصمیم‌مجلس واحد (کنگره) مورخ بیست و ششم‌اردیبهشت‌ماه یکهزار و سیصد و سی و شش شمسی بجای اصل منسوخهٔ زیر وضع شده است

اصل چهل و نهم (منسوخه)

صدور فرامین واحکام برای اجرای قوانین ازحقوق‌پادشاه است‌بدون‌اینکه هرگز اجرای آن قوانین راتعویق یاتوقیف نماید

اصل پنجاه و پنجم

ضرب سکه با موافقت قانون بنام پادشاه است

اصل پنجاه و ششم

مخارج و مصارف دستگاه سلطنتی باید قانوناً معین باشد

اصل پنجاه و هفتم

اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت حاضره تصریح شده

راجع بوزراء

اصل پنجاه و هشتم

هیچکس نمیتواند بمقام وزارت برسد مگر آنکه مسلمان و ایرانی‌الاصل و تبعهٔ ایران باشد

اصل پنجاه و نهم

شاهزادگان طبقهٔ اولی یعنی پسر و برادر و عموی پادشاه عصر نمیتوانند بوزارت منتخب شوند

اصل شصتم

وزراء مسئول مجلسین هستند و در هر مورد که از طرف یکی از مجلسین احضار شوند باید حاضر گردند و نسبت باموری که محوّل بآنهاست حدود مسئولیت خودرا منظور دارند

اصل شصت و یکم

وزراء علاوه بر اینکه بتنهائی مسئول مشاغل مختصهٔ وزارت خود هستند بهیأت اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند

اصل شصت و دویم

عدهٔ وزراء را بر حسب اقتضاء قانون معین خواهد کرد

اصل شصت و سیم

لقب وزارت افتخاری بکلی موقوف است

اصل شصت و چهارم

وزراء نمیتوانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسك قرارداده سلب مسئولیت از خود شان بنمایند

اصل شصت و پنجم

مجلس شورای ملی یا سنا میتوانند وزراء را در تحت مؤاخذه و محاکمه در آورند

اصل شصت و ششم

مسئولیت وزرا و سیاستی را که راجع بآنها میشود قانون معین خواهد نمود

اصل شصت و هفتم

در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس سنا باکثریت تامه عدم رضایت خود را از هیأت وزراء یا وزیری اظهار نمایند آن هیأت یا آن وزیر از مقام وزارت منعزل میشود

اصل شصت و هشتم

وزراء موظفاً نمیتوانند خدمت دیگر غیر از شغل خودشان در عهده گیرند

اصل شصت و نهم

مجلس شورای ملی یا مجلس سنا تقصیر وزراء را در محضر دیوانخانهٔ تمیز عنوان خواهند نمود دیوانخانهٔ مزبوره با حضور تمام اعضاء مجلس محاکمات دائرهٔ خود محاکمه خواهد کرد مگر وقتیکه بموجب قانون اتهام و اقامهٔ دعوی از دائرهٔ ادارات دولتی مرجوعه بشخص وزیر خارج و راجع بخود وزیر باشد

تنبیهـ مادامیکه محکمه تمیز تشکیل نیافته است هیأتی منتخب از اعضاء مجلسین بعدهٔ متساوی نایب مناب محکمهٔ تمیز خواهد شد

اصل هفتادم

تعیین تقصیر و مجازات وارده بر وزراء درموقعیکه مورد اتهام مجلس شورای ملی یا مجلس سنا شوند وبادراموراداره خود دچاراتهامات شخصی مدعیان گردند منوط بقانون مخصوص خواهد بود

اقتدارات محاکمات

اصل هفتاد و یکم

دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع الشرایط است

اصل هفتادو دویم

منازعات راجعه بحقوق سیاسیه مربوط بمحاکم عدلیه است مگر در مواقعی که قانون استثناء نماید

اصل هفتاد و سیم

تعیین محاکم عرفیه منوط بحکم قانون است و کسی نمیتواند بهیچ اسم و رسم محکمه بر خلاف مقررات قانون تشکیل نماید

اصل هفتادو چهارم

هیچ محکمه ممکن نیست منعقد گردد مگر بحکم قانون

اصل هفتادو پنجم

در تمام مملکت فقط یك دیوانخانهٔ تمیز برای امور عرفیه دایر خواهد بود آنهم در شهر پایتخت و این دیوانخانهٔ تمیز در هیچ محاکمه ابتداء رسیدگی نمیکند مگر در محاکماتی که راجع بوزراء باشد

اصل هفتاد و ششم

انعقاد کلیهٔ محاکمات علنی است مگر آنکه علنی بودن آن مخل نظم یا منافی عصمت باشد در اینصورت لزوم اخفاء را محکمه اعلان مینماید

اصل هفتادو هفتم

در مادهٔ تقصیرات سیاسیه و مطبوعات چنانچه محرمانه بودن محاکمه صلاح باشد باید باتفاق آراء جمیع اعضاء محکمه بشود

اصل هفتادو هشتم

احکام صادره از محاکم باید مدلّل و موجّه و محتوی فصول قانونیه که بر طبق آنها حکم صادر شده است بوده وعلناً قرائت شود

اصل هفتادو نهم

در موادتقصیرات سیاسیه ومطبوعات هیئت‌منصفین درمحاکم حاضر خواهندبود

اصل هشتادم

رؤساواعضای محاکم عدلیه بترتیبی که قانون‌عدلیه‌معین میکند منتخب‌وبموجب فرمان همایونی منصوب میشوند

اصل هشتاد و یکم

هیچ حاکم محکمه عدلیه را نمیتوان‌از شغل خود موقتاً یا دائماً بدون‌محاکمه و ثبوت تقصیر تغییر داد مگر اینکه خودش استعفا نماید

اصل هشتادودویم

تبدیل مأموریت حاکم عدلیه ممکن نمیشود مگر برضای خود او

قانون تفسیر اصل ۸۲ متمم قانون اساسی مصوب ۲۶ مرداد ماه ۱۳۱۰ شمسی (کمیسیون قوانین عدلیه)

اصل ۸۲ متمم قانون‌اساسی دردورهٔ هشتم‌تفسیرشده است که‌عیناً نقل میشود

مادهٔ اول - مقصود ازاصل۸۲ متمم قانون اساسی آن است که هیچ حاکم محکمه عدلیه را نمیتوان بدون رضای خود اوازشغل قضائی بشغل اداری و یابصاحبمنصبی پارکه منتقل‌نمود وتبدیل‌محل مأموریت قضاة با رعایت‌رتبهٔ آنان مخالف با اصل مذکورنیست

مادهٔ دوم - مأموریت هیچیك از قضاة وصاحبمنصبان پارکه در نقاط بد آب وهوا بیش از سه سال نباید بطول انجامد مگر بارضایت خود مأمور

از تاریخ اختتام مأموریت هر قاضی و صاحبمنصب پارکه درنقاط بد آب و هوا تا پنجسال آن‌مامور نمیتوان درهیچ نقطهٔ بدآب وهوائی مأموریت داد مگر بارضای‌خود او

هریکسال ماموریت اشخاص فوق پس‌از اجرای این قانون در نقاط بد آب وهوا در مواقع ترفیع دو سال محسوب میشود مشروط بر اینکه لااقل دوسال تمام در نقاط مذکوره‌مأموریت داشته باشد

تبصره - نقاط بد آب وهوای مذکوره‌در این ماده بموجب نظامنامهٔ وزارت‌عدلیه معین خواهد شد.

مادهٔ سوم - قضاتیکه با رعایت مادهٔ اول‌این قانون محل مأموریت آنها تبدیل‌شده و از قبول مأموریت امتناع نمایند متمرد محسوب و درمحکمهٔ انتظامی تعقیب و مطابق نظامنامه های وزارت عدلیه مجازات خواهند شد

مادهٔ چهارم - نسبت بفارغ‌التحصیلهای کلاس قضائی دورهٔ اول شرط دوم مادهٔ‌اول قانون استخدام قضاة وصاحبمنصبان پارکه مصوب ۲۸اسفند ماه ۱۳۰۶لازم الرعایه‌نیست

مادهٔ پنجم - این قانون از ۱۵ شهریور ماه ۳۱۰ بموقع اجرا گذاره میشود

اصل هشتادوسیم

تعیین شخص مدعی عموم با تصویب حاکم شرع در عهدهٔ پادشاه است

اصل هشتادوچهارم

مقرری اعضای محاکم عدلیه بموجب قانون معین خواهد شد

اصل هشتاد و پنجم

رؤسای محاکم‌عدلیه نمیتوانند قبول‌خدمات موظفهٔ دولتی را بنمایند مگراینکه آن خدمت را مجاناً بر عهده گیرند و مخالف قانون هم نباشد

اصل هشتادوششم

در هر کرسی ایالتی یك محکمهٔ استیناف برای امور عدلیه مقرر خواهدشد بترتیبی که در قوانین عدلیه مصرح است

اصل هشتادوهفتم

محاکم نظامی موافق قوانین مخصوصه در تمام مملکت تأسیس خواهد شد

اصل هشتادوهشتم

حکمیت منازعه در حدود ادارات و مشاغل دولتی بموجب مقررات قانون بمحکمهٔ تمیز راجع است

اصل هشتادو نهم

دیوانخانهٔعدلیه ومحکمه هاوقتی احکام و نظامنامه های عمومی وایالتی‌وولایتی و بلدی را مجری خواهند داشت که آنها مطابق با قانون باشند

در خصوص انجمنهای ایالتی و ولایتی

اصل نودم

در تمام ممالك محروسه انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب نظامنامهٔ مخصوص مرتب میشود و قوانین اساسیهٔ آن انجمنها از این قرار است

اصل نودویکم

اعضای انجمنهای ایالتی وولایتی‌بلاواسطه از طرف اهالی انتخاب میشوندمطابق نظامنامه های انجمن های ایالتی و ولایتی

اصل نودودوم

انجمنهای ایالتی و ولایتی اختیار نظارت تامه در اصلاحات راجعه بمنافع عامه دارند با رعایت حدود قوانین مقرره

اصل نودوسوم

صورت خرج ودخل ایالات و ولایات ازهرقبیل بتوسط انجمنهای ایالتی وولایتی طبع و نشر میشود

(در خصوص مالیه)

اصل نودوچهارم

هیچ قسم مالیات بر قرار نمیشود مگر بحکم قانون

اصل نودوپنجم

مواردی راکه از دادن مالیات معاف توانند شدقانون مشخص خواهد نمود

اصل نودوششم

میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی باکثریت تصویب و معین خواهد نمود

اصل نودوهفتم

در مواد مالیاتی هیچ تفاوت و امتیازی فیمابین افراد ملت گذارده نخواهد شد

اصل نودوهشتم

تخفیف و معافیت از مالیات منوط بقانون مخصوص است .

اصل نودونهم

غیر از مواقعی که قانون صراحتاً مستثنی میدارد بهیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمیشود مگر باسم مالیات مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلدی

اصل صدم

هیچ مرسوم و انعامی بخزینهٔ دولت حواله نمیشود مگر بموجب قانون

اصل صدویکم

اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی برای مدتی که بموجب قانون مقرر میشود تعیین خواهد نمود.

اصل صدودوم

دیوان محاسبات مأمور بمعاینه و تفکیك محاسبات ادارهٔ مالیه و تفریغ حساب کلیهٔ محاسبین خزانه است و مخصوصاً مواظب است که هیچیك از فقرات مخارج معینه در بودجه از میزان مقرره تجاوز ننموده تغییر و تبدیل نپذیرد و هر وجهی در محل خود بمصرف برسد و همچنین معاینه و تفکیك محاسبهٔ مختلفهٔ کلیهٔ ادارات دولتی را نموده اوراق سند خرج محاسبات را جمع‌آوری خواهد کرد و صورت کلیهٔ محاسبات مملکتی را باید بانضمام ملاحظات خود تسلیم مجلس شورای ملی نماید

اصل صدوسوم

ترتیب و تنظیم و ادارهٔ دیوان بموجب قانون است

قشون

اصل صدو چهارم

ترتیب گرفتن قشون را قانون معین مینماید تکالیف و حقوق اهل نظام و ترقی در مناصب بموجب قانون است

اصل صدو پنجم

مخارج نظامی هر ساله از طرف مجلس شورای ملی تصویب میشود

اصل صدو ششم

هیچ قشون نظامی خارجه بخدمت دولت قبول نمیشود و در نقطه ای از نقاط مملکت نمیتواند اقامت و یا عبور کند مگر بموجب قانون

اصل صدو هفتم

حقوق و مناصب و شئونات اهل نظام سلب نمیشود مگر بموجب قانون

در پایان متمم قانون اساسی این دستخط از طرف مرحوم محمد علیشاه قاجار صادر شده است

بسمه تبارك و تعالی

متمم نظامنامهٔ اساسی ملاحظه شد تماماً صحیح است وشخص همایون ماانشاءالله حافظ و ناظر کلیهٔ آن خواهیم بود اعقاب و اولاد ماهم انشاءالله مقوی این اصول و اساس مقدس خواهند شد

۲۹ شعبان قوی‌ئیل ۱۳۲۵ در قصر سلطنتی طهران

این اصل به موجب تصمیم مورخ هیجدهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ مجلس موسسان بمتمم قانون اساسی الحاق شده است.

اصل الحاقی بمتمم قانون اساسی

در هر موقعی که مجلس شورای ملی و مجلس سنا هریك جداگانه خواه مستقلا خواه نظر بپیشنهاد دولت لزوم تجدید نظر در یك یا چند اصل معین از قانون اساسی یا متمم آنرا باکثریت دو ثلث کلیهٔ اعضاء خود تصویب نمایند و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نیز نظر مجلسین را تأیید فرمایند فرمان همایونی برای تشکیل مجلس مؤسسان و انتخابات اعضاء آن صادر میشود

مجلس مؤسسان مرکب خواهد بود از عدهٔ ای که مساوی باشد با مجموع عدهٔ قانونی اعضاء مجلس شورای ملی و مجلس سنا . انتخابات مجلس مؤسسان طبق قانونی که بتصویب مجلسین خواهد رسید بعمل خواهد آمد . اختیارات مجلس مزبور محدود خواهد بود بتجدید نظر در همان اصل یا اصول بخصوصی که مورد رأی مجلسین و تأیید اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بوده است.

تصمیمات مجلس مؤسسان باکثریت دوثلث آراء کلیهٔ اعضاء اتخاذ و پس از موافقت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی معتبر و مجری خواهد بود .

این اصل شامل هیچیك از اصول قانون اساسی ومتمم آن که مربوط بدین مقدس اسلام و مذهب رسمی کشور که طریقهٔ حقهٔ جعفریه اثنی عشریه میباشد و احکام آن ویا مربوط بسلطنت مشروطهٔ ایران است نمیگردد واصول مزبور الی الابد غیر قابل تغییر است .

در مورد اصول چهار و پنج و شش و هفت قانون اساسی و تفسیر مربوط باصل هفتم و همچنین در اصل هشت قانون اساسی و اصل چهل و نه متمم آن با توجه بسابقه و قوانینی که نسبت به بعضی از این اصول وضع شده است یکبار مجلس شورای ملی ومجلس سنا که پس از تصویب این اصل منعقد خواهند شد بلافاصله پس از رسمیت یافتن مجلسین در اصول مزبور تجدید نظر خواهند نمود و برای این منظور مجلس واحدی تحت ریاست رئیس مجلس سنا تشکیل داده و اصلاحات لازم را باکثریت دو ثلث آراء کلیهٔ اعضاء مجلسین بعمل خواهد آورد تا پس از آنکه از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تأیید گردید بصحهٔ ملوکانه موشح شده معتبر ومجری خواهد بود .

مجلس واحد (کنگره) در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۳۶ تشکیل گردید .

قانون انتخاب مجلس سنا

باتأییدات خداوند متعال

ما

محمدرضا پهلوی شاهنشاه ایران

محل صحهٔ مبارك

نظر باصل بیست وهفتم متمم قانون اساسی مقرر میداریم :

مادهٔ اول ـ قانون اجازهٔ اجرای نظامنامهٔ انتخابات مجلس سنا که در جلسهٔ چهاردهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد وبیست وهشت بتصویب مجلس شورایملی رسیده ومنضم باین دستخط است بموقع اجرا گذاشته شود.

مادهٔ دوم ـ هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند.

بتاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۲۸

قانون اجازهٔ اجرای نظامنامهٔ انتخابات مجلس سنا

مادهٔ واحده ـ مجلس شورایملی لایحهٔ انتخابات مجلس سنا را که اخیراً ضمن شمارهٔ ۱/۵ از کمیسیون کشور بمجلس داده شده ومشتمل بر (۳۹) ماده است تصویب وبدولت اجازه میدهد آنرا بموقع اجرا گذارد.

این قانون که مشتمل بر یك ماده ومتن گزارش شمارهٔ ۱/۵ کمیسیون کشور ضمیمه است درجلسهٔ چهاردهم اردیبهشت ماه یکهزار وسیصد وبیست وهشت بتصویب مجلس شورایملی رسیده.

رئیس مجلس شورایملی ـ رضا حکمت

متن گزارش شمارهٔ ۵ر۱ کمیسیون کشور

فصل اول

کلیات

مادهٔ ۱ـ عدهٔ اعضاء مجلس سنا مطابق اصل (۴۳) قانون اساسی عبارت از شصت نفر است که سی نفر از آنها مطابق اصل (۴۵) قانون مزبور بموجب فرمان از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی معین وسی نفر دیگر ازطرف ملت انتخاب میگردند.

مادهٔ۲ـ مطابق اصل(۴۵) قانون اساسی پانزده نفر ازاعضاء مجلس سنا که ازطرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی معین میشوند بایداز اهالی تهران وپانزده نفر دیگر ازاهالی سایر استانها یا شهرستانها معین میگردند.

مادهٔ۳ ـ تقسیم سی نفردیگر ازاعضاء مجلس سنا که ازطرف ملت انتخاب میشوند بطریق زیر خواهدبود :

پانزده نفر ازطرف اهالی تهران وپانزده نفر ازطرف اهالی سایر استانها یا شهرستانها مطابق جدولی که به آخر این قانون منضم میباشد .

مادهٔ ۴ ـ انتخاب اعضاء مجلس سنا درکلیهٔ کشور بطور دو درجه خواهد بود.

در انتخابات درجهٔ اول اکثریت نسبی و درانتخابات درجهٔ دوم اکثریت تام مناط اعتبار است مگر در مورد قسمت اخیر مادهٔ (۲۴) این قانون .

در صورت تساوی آراء بین دو یا چند نفر هر عدهٔ که در انتخابات درجهٔ اول محل حاجت باشد بحکم قرعه معین خواهد شد .

مادهٔ ۵ ـ انتخاب کنندگان مجبور نیستند عضوی را که برای مجلس سنا انتخاب مینمایند از ساکنین محل خود انتخاب کنند .

فصل دوم

در شرایط انتخاب‌کنندگان

مادهٔ ٦ ـ اتباع ذکور ایران با شرایط زیر حق انتخاب دارند :

۱ ـ لااقل ۲۵ سال تمام داشته باشند .

۲ ـ در حوزهٔ انتخابیه مقیم بوده یا لااقل از شش ماه قبل از موقع انتخاب در آنجا ساکن باشند .

مادهٔ ۷ ـ کسان ذیل از حق انتخاب کردن محرومند اگرچه دارای شرایط مذکوره در مادهٔ ٦ باشند :

۱ ـ کسانیکه در تحت ولایت یا قیمومت میباشند .

۲ ـ کسانیکه بمجازات جنائی ویا بمجازات جنحه یا محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شده و هنوز اعادهٔ حیثیت نکرده اند .

مادهٔ ۸ ـ افراد وافسران ارتش زمینی و دریائی وهوائی وافراد وافسران شهربانی و ژاندارمری باستثنای افسران بازنشسته جزء انتخاب کنندگان نمیباشند .

فصل سوم

در شرایط انتخاب شوندگان

مادهٔ ۹ ـ اتباع ذکور ایران با داشتن شرایط زیر قابل انتخاب شدن هستند :

۱ ـ در محل انتخاب خود معروف یا اهل محل باشند .

۲ ـ سن آنها کمتر از چهل سال نباشد .

۳ ـ معروف بامانت و درستکاری بوده و در امور کشور بصیر باشند .

۴ ـ مسلمان باشند .

مادهٔ ۱۰ ـ اشخاصی میتوانند برای مجلس سنا انتخاب شوند که علاوه بر شرایط مقررهٔ فوق در زمرهٔ یکی از طبقات ذیل باشند :

طراز اول از علماء روحانی ـ کسانیکه لااقل ۳ دوره سابقهٔ نمایندگی مجلس شورایملی داشته باشند .

کسانیکه بمقام وزارت یاسفارت کبری یا استانداری یا مقام ریاست یادادستانی یا ریاست شعبهٔ دیوان کشور رسیده و لااقل ۲۰ سال سابقهٔ خدمت قضائی دارند .

امرای باز نشستهٔ ارتش (سرتیپ ، سرلشگر ، سپهبد) کسانیکه بمقام استادی دانشگاه‌رسیده‌و لااقل ۱۰ سال سابقهٔ استادی داشته باشند .

کسانیکه بالااقل ۲۰ سال سابقهٔ خدمت بمقام وزیرمختاری یا کفالت‌ویامعاونت وزارتخانه رسیده اند .

مالکین و تجار که‌لااقل سالیانه پانصد هزار ریال(۵۰۰،۰۰۰)ریال مالیات‌مستقیم بدهند .وکلای پایهٔ یك دادگستری بشرط داشتن لااقل پانزده سال سابقهٔ وکالت اگر گواهینامه دکترا داشته باشند والا با داشتن بیست سال سابقهٔ خدمت قضائی یا وکالت .

مادهٔ ۱۱ ـ کسان ذیل از انتخاب شدن محرومند اگرچه‌شرایط مذکوردرمادهٔ (۹) و(۱۰) را دارا باشند :

۱ ـ مأمورین دولتی در قلمرو مأموریت خود .

۲ ـ کسانیکه بمجازات جنائی و یا بمجازات جنحه یا محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شده ولو با اعادهٔ حیثیت .

۳ ـ کسانیکه تحت قیمومت یا ولایت هستند .

مقررات این ماده باستثنای فقرهٔ اول‌آن وهمچنین مقررات مادهٔ ۹ و ۱۰درمورد کسانی‌هم که ازطرف اعلیحضرت‌همایون‌شاهنشاهی معین میشوند رعایت خواهد شد .

فصل چهارم

در تشکیل انجمن نظارت

مادهٔ ۱۲ ـ در مرکز هر حوزهٔ انتخابیه مطابق جدولیکه بآخر این قانون منضم است فرماندار محل بمحض وصول دستور وزارت کشور کمیسیونی مرکب از خود و رئیس عالی ترین دادگاه محل و رئیس انجمن شهر تشکیل میدهد این کمیسیون ۲۴ نفر از طبقات ٦ گانه (علماء، اعیان ، ملاکین ، تجار ،اصناف ، زارعین) و ۱۲ نفر از معتمدین اهل محل راکه دارای شرایط انتخاب کردن باشند معین نموده تا از طرف

فرماندار دعوت شوند اگردر محل انجمن شهرموجود نباشدرئیس انجمن سابق ویایك نفر ازمعاریف محل دعوت خواهد شد . همینکه مدعوین‌حضور بهمرسانیدند درهمان جلسه ازمیان خود ویـا ازخارج بـرای مخفی واکثریت نسبی (۹) نفررا بعنوان عضو اصلی (۹) نفررا بعنوان عضو علی‌البدل انتخاب مینمایند درانتخاب مزبورحضوردوثلث ازمدعوین کافی است .

تبصرهٔ ۱ـ همینکه اعضای انجمن تعیین گردیدند کمیسیون نامبرده منحل میشود.

تبصرهٔ ۲ـ فرماندارمحل باید درظرف پنج روز ازتاریخ رسیدن دستوروزارت کشورانجمن نظارت مرکزی را تشکیل داده اعضاءآنرا بوزارت کشور معرفی‌نماید .

تبصرهٔ ۳ ـ هیچ یك از اعضای اصلی انجمن نظارت مرکزی‌و علی‌البدل‌وفرعی و شعب نمیتوانند داوطلب نمایندگی در آن حوزه باشند .

تبصرهٔ ۴ ـ در محلهائی که انجمن ایالتی یا ولایتی قانوناً بر قرار است ۴ نفر از نه نفر اعضای انجمن نظارت از اعضاءانجمن ایالتی خواهند بود که بانتخاب خود انجمن ایالتی یا ولا یتی معین میشوند .

مادهٔ ۱۳ ـ انجمن نظارت‌مرکزی پس از تعیین هیئت رئیسهٔ خود بلا تأخیر بادر نظر گرفتن جدول‌منضم‌باین قانون بتشکیل انجمنهای فرعی که‌متصدی ومسئول انتخابات محل خودخواهند بود اقدام مینمایدو در هرشهرستان که انجمن نظارت اصلی تشکیل شعب دیگری را لازم بداند میتواننـد با موافقت فرماندار برای هـر شعبه ۹ نفر از معتمدیـن اهل محل را انتخاب و دعوت نمایند .

مادهٔ ۱۴ ـ مفاد مـادهٔ ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ قانون فعلی انتخابات مجلس شورایملی در امور انتخـابات مجلس سنا مرعی خواهـد بود ولی در هیچ نقطه‌مدتیکه برای دادن تعرفه و گرفتن رأی معین میشود نباید کمتر از یك و بیشتر از سه روز باشد .

فصل پنجم

در کیفیت دادن تعرفه‌و گرفتن رأی

مادهٔ ۱ ـ همینکه انجمن نظارت مرکزی تشکیل گردید و انجمنهای فرعی را

معین نمود اعلانی‌مرتب نموده بمناسبت اهمیت محل از سه الی پنج روزقبل از شروع بانتخابات بتوسط مأمورین فرمانداری درتمام حوزهٔ انتخابیه اشاعه میدهد اعلان مزبور مطالب‌زیررا حاوی‌خواهد بود .

۱ـ محل انعقاد انجمن واوقاتیکه برای دادن تعرفه واخذرأی معین میشود .

۲ـ شرایط انتخاب کنندگان وانتخاب شوندگان .

۳ـ عدهٔ نمایندگانیکه باید انتخاب شوند .

۴ـ ترتیب گرفتن تعرفه ودادن رأی باتوضیح این نکته که دادن رأی باید مخفی باشد بنابراین همینکه رأی دهنده باطاق انجمن وارد شد پس‌ازارائهٔ شناسنامه ومشخص شدن هویت اویکی ازاوراق‌آراء باعلامت مخصوصی که‌قبلا ازطرف وزارت کشوربقدر کافی تهیه ودراختیار انجمنهای اصلی وفرعی وشعب گذاشته شده وممهوربمهرانجمن مرکزی میباشد ازانجمن‌دریافت مینماید وسپس درمحلیکه‌در اطاق انجمن‌برای‌نوشتن رأی معین شده‌رأی خود رانوشته وتا نموده وبعد ورقه را در حضورانجمن درصندوق انداخته خارج میشود .

فصل ششم

کیفیت استخراج آراء وتشخیص انتخاب شدگان

مادهٔ ۱۶ ـ مجموع عدهٔ منتخبین درجهٔ اول برای هریك از حوزه‌های انتخابی منضم باین قانون درتهران پنج برابرودرسایرحوزه‌ها ده برابرعدهٔ عضویا اعضائی خواهد بود که باید ازآن حوزه برای سنا انتخاب گردند . وزارت کشور مکلف است ضمن آئین نامهٔ اجرائی این قانون که باید بتصویب هیئت وزیران برسد عدهٔ منتخبین درجهٔ اول را بین حوزه‌های فرعی با درنظر گرفتن جمعیت حوزهٔ هرشهرستان طوری تقسیم کند که مجموع‌منتخبین درجهٔ اول یك حوزهٔ انتخابی باختلاف مورد مساوی‌پنج یا ده برابرعدهٔ عضویا اعضاء باشد که باید ازآن حوزه انتخاب شود .

مادهٔ ۱۷ـ ترتیب استخراج‌آراء بهمان طریقی‌خواهد بود که بموجب مواد ۲۹و ۳۰و۳۱و۳۲و۳۳ قانون انتخابات فعلی مجلس‌شورای ملی مقرراست .

مادهٔ ۱۸ـ بلافاصله بعد از شماره‌و استخراج آراء رئیس انجمن‌نظارت منتخبین

درجهٔ اول را که باید در آن حوزه انتخاب شوند و دارای اکثریت نسبی هستند معین و بصدای بلند اعلام میدارد .

اوراق انتخاب تاموقع انحلال انجمن محفوظ مانده ودر آن هنگام باحضور فرماندار وحضور جمعی ازوجوه محل آنها رامعدوم مینمایندباستثنای اوراقی که باید ضمیمهٔ صورت مجلس گردد .

مادهٔ ۱۹ـ انجمنهای نظارت فرعی نیز بطریقیکه برای انجمنهای مرکزی مقرر است رأیها را استخراج کرده بلافاصله رئیس انجمن ومنتخبین درجهٔ اول رامعادل عده‌ای که باید در آن حوزه انتخاب گردند ودارای اکثریت نسبی میباشند معین وبصدای بلند اعلام میدارد .

صورت مجلس انتخابات باید بامضای اعضای انجمن نظارت رسیده وبانجمن مرکزی فرستاده شود تادر آنجا باملاحظهٔ صورت مجلسهای انتخابات کلیهٔ نقاط مشترك آن حوزه منتخبین درجهٔ اول معین واعلام گردند .

مادهٔ ۲۰ـ هرگاه بعضی ازانجمن‌های فرعی صورت مجلس انتخابات خود را در مدتیکه انجمن مرکزی برای آنها معین کرده بانجمن مزبور نفرستند انجمن مرکزی انتخابات آن حوزه را خاتمه یافته دانسته ونتیجه رامعین واعلام میکند ولی این امر مانع ازحق شکایت رأی دهندگان حوزهٔ فرعی نخواهد بود .

مادهٔ ۲۱ـ درهرحوزهٔ انتخابیه هرگاه یك یا چند حوزهٔ فرعی درمدتیکه انجمن مرکزی معین میکند انتخابات خود را بعمل نیاورند حق انتخابات آنان ساقط وانتخابات سایر نقاط آن حوزه معتبرخواهد بود .

مادهٔ ۲۲ ـ منشی انجمن نظارت مرکزی بایدصورت مجلس انتخابات درجهٔ اول را در دونسخه حاضر کرده بامضای فرماندار و اعضای انجمن نظارت رسانیده یك نسخه بفرمانداری تسلیم ونسخهٔ دیگررا بوسیلهٔ فرماندار بوزارت کشور بفرستد .

مادهٔ ۲۳ـ همینکه نتیجهٔ انتخابات درجهٔ اول در تمام حوزه معین شد فرماندار محل به منتخبین درجهٔ اول کتباً اعلام میدارد که درظرف ده روز درروز معین درفرمانداری حضور یافته بانتخابات درجهٔ دوم اقدام نمایند .

مادهٔ ۲۴ـ انتخابات درجهٔ دوم بطریق زیرصورت میگیرد :

آن عده از منتخبین درجهٔ اول که در ظرف مدت ۱۰ روزدر مرکزحوزهٔ انتخابی

خود حاضر میشوند باحضور فرماندار محل و دادستان بالاترین دادگاه و رئیس انجمن شهر آنجا جلسه تشکیل داده‌وعده‌ای‌را که باید در آن‌حوزه برای عضویت سنا تعیین‌شود ازمیان خود باکثریت تام برأی مخفی معین‌مینمایند .

هر گاه پس‌ازدودفعه گرفتن رأی هیچیك از منتخبین درجهٔ اول حائزاکثریت تام نشد در دفعهٔ سوم اکثریت نسبی کافی خواهد بود در صورت تساوی آراء از دارندگان رأی بحکم قرعه معین خواهد شد .

تبصره ـ درصورتیکه بعضی ازمنتخبین درجهٔ اول باوجود دعوت وابلاغ در روز مقررحضورپیدا نکنند اگرعدهٔ حاضرمعادل دوثلث انتخاب شدگان رسیده باشد انتخاب انجام خواهدگرفت وبعنوان عدم حضورحقی برای عضوغائب باقی نخواهد بود .

مادهٔ ۲۵ـ همینکه انتخابات درجهٔ دوم خاتمه یافت صورت جلسهٔ انتخابات را فرماندار در سه نسخه تهیه نموده و خود بامضای دادستان و رئیس انجمن شهر نیز میرساند .

یك نسخه ازآن باید در فرمانداری بایگانی ونسخهٔ دوم بوزارت کشور و نسخهٔ سوم توسط وزارت کشور بدبیرخانهٔ سنا فرستاده شود .

اسم یا اسامی انتخاب شوندگان‌فوراً پس‌ازانتخابات درجهٔدوم ازطرف فرماندار محل اعلام میگردد .

فصل هفتم

در شکایات راجع بانتخابات

مادهٔ ۲۶ـ مفاد مادهٔ ۴۰ـ۴۱ـ۴۲ـ۴۴ قانون فعلی‌انتخابات مجلس‌شورای‌ملی‌در مورد شکایت ازانتخابات اعضاء مجلس سنا نیزلازم الرعایه خواهدبود .

مادهٔ ۲۷ـ شکایت کنندگان انتخابات یا ازانجمن نظارت میتوانند قبل از گشایش مجلس سنا شکایت خود را بدبیرخانهٔ سنا ارسال دارند پس‌از گشایش مجلس مزبورفقط درظرف هفتهٔ اول ممکن است شکایت را بمجلس سنا ارسال نمود .

فصل هشتم

مواد مختلفه

مادهٔ ۲۸ـ بکسانیکه‌بعضویت مجلس‌سنا انتخاب میشوند باید بامضاء اعضای‌انجمن نظارت وفرماندارمحل اعتبار نامه داده شود این اعتبار نامه بدبیرخانهٔ مجلس سنا تسلیم خواهد شد .

مادهٔ ۲۹ـ مدت عضویت مجلس سنا خواه بـرای اعضائیکه از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی معین میشوند وخواه برای آنهائیکه از طرف ملت انتخاب میگردند شش‌سال شمسی است (باستثنای‌عده‌ای که‌پس‌ازسه‌سال اول بحکم قرعه خارج‌میشوند)در آخرسه سال اول نصف ازاعضاء تجدید میشوند باینطریق که درپایان اولین دورهٔ سه‌ساله نصف ازاعضاء سناکه ازطرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی معین ونصف ازآنهائیکه از طرف ملت انتخاب شده‌اند بحکم قرعه خارج و جانشین‌آنها برطبق این قانون معین یـا انتخاب میگردند پس‌ازآن تعیین یا انتخاب هرعضوی که مدت عضویت ششسالهٔ اوبپایان میرسد تجدید میگردد. مقررات این‌ماده‌درموردی نیزرعایت خواهد شدکه مجلس‌سنا پس‌ازانحلال مجدداً افتتاح مییابد .

مادهٔ ۳۰ـ هریك از اعضاء مجلس سناکـه بموجب مادهٔ پیش از عضویت مجلس مزبورخارج میشود میتواند مجدداً معین یامنتخب گردد .

مادهٔ ۳۱ـ همینکه دو ثلث اعضاء مجلس سنا درتهران حاضر شدند مجلس سنا از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهـی افتتاح میشود و رأی آنان باکثریت مناط اعتبار خواهد بود .

مادهٔ ۳۲ـ مدت دورهٔ۶ ساله از روزافتتاح مجلس‌سنا شروع‌میشود مگردرمورد اعضائیکه بموجب مادهٔ بیست ونه معین‌یاانتخاب میشوندکه مدت‌عضویت شش‌سالهٔ آنهااز روزتصویب اعتبارنامهٔآنها محسوب خواهد شد .

مادهٔ ۳۳ـ همینکه مجلس سناافتتاح‌شد وهیئت رئیسهٔ موقتی‌خود راانتخاب نمود شروع برسیدگی‌باعتبارنامه‌های اعضاء انتخابی خود مینماید .

مادهٔ ۳۴ـ هرگاه یکنفریاچندنفرازسناترهای انتخابی زودترازیکسال بآخردورهٔ

عضویت باقیمانده فوت کنندیااستعفا دهند دراینصورت کسیکه پس ازسناترمستعفی یامتوفی درفهرست انتخاب درجهٔ دوم اکثریت نسبی دارد بجای سناترمستعفی یا متوفی و برای بقیهٔ مدت عضویت انتخاب میشود .

هرگاه عضومتوفی یامستعفی از سناترهائی باشدکه از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی معین شده است مراتب را فوراً وزارتکشور مستقیماً یابنا بدرخواست رئیس مجلس‌سنا بعرض ملوکانه میرساند تادرصورتیکه بیش‌ازیکسال بآخرعضویت دورهٔ سناتر متوفی‌یامستعفی باقیمانده باشد جانشین اومعین گردد .

مادهٔ ۳۵ـ مجلس سنا میتواند بـا هرعده‌ای که موقع افتتاح جلسه حضور دارند شروع بمذاکره نماید ولی گرفتن رأی وقتی ممکن خواهد بودکـه بیش ازنصف اعضا حاضر درمرکز حضور داشته باشند تصمیمات باکثریت آراء اعضای رأی دهنده گرفته خواهد شد .

مادهٔ ۳۶ـ اعضای مجلس سنا مشمول مصونیت مذکور دراصل ۱۲ قانون اساسی خواهند بود .

مادهٔ ۳۷ـ اعلیحضرت همایون شاهنشاهی‌دورهٔ اجلاسیهٔ مجلس‌سنا راکه همه‌ساله درچهارده‌مهرماه شروع‌ودرآخرخردادماه‌تمام‌میشودافتتاح‌میفرمایند درهردورهٔ‌اجلاسیه ممکن است بمجلس سنا یکدفعه ومنتهی‌برای‌مدت یکماه از طرف اعلیحضرت همایونی امربتعطیل شود .

مادهٔ ۳۸ـ نمایندگان مجلس‌سنا (سناتورها)میتوانند افتخاراً باپیشنهاد دولت و فرمان اعلیحضرت همایونی تصدی مأموریت دولتی بنمایند .

مادهٔ ۳۹ـ مجلس سنا آئین نامـهٔ داخلی خود را تصویب کـرده بموقع اجراء خواهدگذاشت .

حوزه‌های انتخاباتی	عدهٔ منتخبین	مراکز انجمنهای اصلی
۱ـ تهران	۱۵	تهران
۲ـ قزوین، زنجان، قم، ساوه، محلات، گلپایگان	۱	قزوین
۳ـ تبریز، اهر، اردبیل، خلخال، مراغه، مشگین	۲	تبریز
۴ـ رضائیه، مهاباد، خوی، ماکو	۱	رضائیه
۵ـ کرمانشاهان، سنندج، شاه‌آباد، ایلام، گروس، سقز	۱	کرمانشاهان
۶ـ همدان، اراك، ملایر، نهاوند	۱	همدان
۷ـ خرم‌آباد، بروجرد، اهواز، شوشتر، دزفول دشت میشان، خرمشهر، آبادان، بهبهان	۱	اهواز
۸ـ شیراز، کازرون، فیروزآباد، بوشهر، فسا آباده، لار، جهرم، اصطهبانات	۲	شیراز
۹ـ کرمان، بندرعباس، سیرجان، بم، جیرفت زاهدان، ایرانشهر، سراوان، چاه‌بهار، رفسنجان	۱	کرمان
۱۰ـ رشت، بندرپهلوی، لاهیجان، فومنات، طوالش	۱	رشت
۱۱ـ ساری، بابل، آمل، شاهی، شهسوار، گرگان سمنان، دامغان، شاهرود، دماوند	۱	ساری
۱۲ـ مشهد، سبزوار، بیرجند، تربت حیدریه، نیشابور قوچان، بجنورد، گناباد، فردوس، کاشمر، زابل	۲	مشهد
۱۳ـ اصفهان، شهرکرد، شهرضا، فریدن، یزد، نائین کاشان	۱	اصفهان

متن گزارش فوق ضمیمهٔ قانون اجازهٔ اجرای نظامنامهٔ انتخابات مجلس سنا بوده وصحیح است.

رئیس مجلس شورایملی رضا حکمت

اصل فرمان همایونی دردفترنخست‌وزیراست.

نخست وزیر ـ محمد ساعد

قانون انتخابات

مجلس شورای ملی

مورخهٔ بیست وهشتم شهر شوال ۱۳۲۹ قمری

که بعضی از مواد آن در دوازدهم شهریور ماه وپنجم و دوازدهم مهرماه خورشیدی ۱۳۰۴ و ۲۸ خرداد و ۲۲ تیر ماه ۱۳۰۶ و دهم مهر ماه ۱۳۱۳ و۲۷ مرداد ۱۳۲۲ اصلاح وتصویب‌شده است.

قانون انتخابات

مجلس شورای ملی

فصل اول

در کلیات

مادهٔ اول ـ عدهٔ نمایندگان ملت برای مجلس شورایملی درمملکت ایران یکصد و سی وشش نفر است .

مادهٔ دوم ـ تقسیم نمایندگان ملت نسبت به جمعیت تخمینی ولایات ازقرارشرح جدولی است که بآخرین قانون منضم شده است .

مادهٔ سوم ـ انتخاب نمایندگان مجلس شورایملی در کلیهٔ مملکت ایران بطور یکدرجه ومستقیم است .

مادهٔ چهارم ـ انتخاب نمایندگان باکثریت نسبی است .

مادهٔ پنجم ـ درصورت تساوی آراء بین دویا چند نفرهرعده که محل حاجت باشد بحکم قرعه معین میشود .

مادهٔ ششم ـ در محلهائیکه موافق تقسیم انتخابات حق انتخاب یك نفر نماینده دارند انتخاب فردی عمل میشود درمحلهائیکه بیش ازیکنفرنماینده باید انتخاب نمایند جمعی خواهد بود .

توضیح ـ مراد از انتخاب جمعی آنستکه هر یك از انتخاب کنندگان در

ورقه رأی بعدهٔ مجموع انتخاب شوندگان آن محل اسامی اشخاص را مینویسند و مراد از انتخاب فردی آنست که هر یك از انتخاب کنندگان در ورقهٔ رأی اسم یك شخص را مینویسند .

مادهٔ هفتم ـ هریك از انتخاب کنندگان زیاده بریك مرتبه حق رأی دادن ندارند مگردرصورتیکه تجدید انتخاب لازم شود .

مادهٔ هشتم ـ انتخاب کنندگان مجبور نیستند نمایندهٔ خود را از ساکنین محل خود انتخاب کنند .

فصل دوم

شرایط انتخاب کنندگان

مادهٔ نهم ـ انتخاب کنندگان باید دارای شرایط ذیل باشند :

۱ـ تبعه ایران باشند .

۲ـ لااقل بیست سال داشته باشند .

۳ـ در حوزهٔ انتخابیه متوطن یا لااقل از ششماه قبل از موقع انتخاب در آنجا ساکن باشند .

مادهٔ دهم ـ کسانیکه ازحق انتخاب کردن محرومند .

۱ـ نسوان .

۲ـ کسانیکه خارج ازرشد وآنهائیکه درتحت قیمومت شرعی هستند .

۳ـ تبعهٔ خارجه .

۴ـ اشخاصیکه خروجشان از دین حنیف اسلام در حضوریکی از حکام شرع جامع الشرایط به ثبوت رسیده باشد .

۵ ـ اشخاصی که کمتراز بیست سال دارند .

۶ـ ورشکستان بتقصیر .

۷ـ متکدیان واشخاصی که بوسایل بیشرفانه تحصیل معاش مینمایند .

۸ ـ مرتکبین قتل و سرقت و سایر مقصرینی که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده‌اند .

۹ـ مقصرین سیاسی کـه برضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اقدام کرده‌اند .

مـادهٔ یازدهم ـ کسانی کـه بواسطهٔ شغل و مقام خـود از حق انتخاب کردن محرومند .

۱ـ اهل نظام بری و بحری باستثنای صاحبمنصبان افتخاری .

۲ـ صاحبمنصبان واجزاء امنیه و نظمیه درمحل خدمت .

فصل سوم

شرایط انتخاب شوندگان

مادهٔ دوازدهم ـ انتخاب شوندگان باید دارای صفات ذیل باشند :

۱ـ متدین بدین حضرت محمد بن عبدالله صلی‌الله علیه و آلـه باشند مگر اهل دیانت ازنمایندگان ملل متنوعه (مسیحی وزردشتی وکلیمی) .

۲ـ تبعهٔ ایران باشند .

۳ـ خط و سواد فارسی باندازهٔ کافی داشته باشند .

۴ـ درمحل انتخاب معروف باشند .

۵ـ سن ایشان کمترازسی وزیاده از هفتاد سال نباشد .

۶ـ معروف بامانت ودرستکاری باشند .

مادهٔ سیزدهم ـ اشخاصی که از انتخاب شدن محرومند .

۱ـ شاهزادگان بلافصل (ابناء واخوان واعمام پادشاه) .

۲ـ نسوان .

۳ـ تبعهٔ خارجه .

۴ـ مستخدمین امنیه و نظمیه و اهل نظام بـری و بحری باستثناء صاحب منصبان افتخاری .

۵ـ حکام کل وجزء ومعاونین ایشان درقلمرو مأموریت خود .

۶ـ مأمورین مالیه درقلمرو مأموریت خود .

☆ ۷ـ کلیهٔ رؤسای محاکم ومدعی‌العمومها و وکلای عمومی درحوزه مأموریت خود شان اعم ازولایت یا ایالت ازانتخاب شدن بوکالت مجلس شورای ملی محرومند .

☆ ۸ـ کلیهٔ رؤسای دوائر دولتی از انتخاب شدن بعضویت مجلس شورای ملی در حوزهٔ مأموریت خود محروم خواهند بود و همچنین وزراء ومعاونین موقع انتخابات ازتمام مملکت .

تبصره ـ سایر مستخدمین دولتی قابل انتخاب هستند بشرط آنکه پس از انتخاب برای مدت نمایندگی ازشغل خود استعفا دهند .

۹ـ ورشکستگان بتقصیر.

۱۰ـ مرتکبین قتل وسرقت و سایر مقصرینی که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده‌اند .

۱۱ـ متجاهرین بفسق و اشخاصی که فساد عقیدهٔ دینی و خروجشان از دین حنیف اسلام درنزدیکی از حکام شرع جامع الشرایط ثابت ویا بشیاع رسیده باشد .

۱۲ـ مقصرین سیاسی که برضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اقدام کرده‌اند .

۱۳ـ تا انقضاء هر دورهٔ تقنینیه نمایندگان مجلس شورای ملی نمیتوانند هیچیك از خدمات دولتی را موظفاً قبول نمایند مگر اینکه سه ماه قبل از قبول خدمت نمایندگی استعفا نموده باشند .

فصل چهارم

در تشکیل انجمن نظارت

مادهٔ چهاردهم ـ در مرکز هر حوزهٔ انتخابیه مطابق جدولی که منضم باین قانون است حکومت محل بمحض وصول دستور وزارت داخله برای تعیین انجمن نظارت مرکزی بیست و چهار نفر از طبقات ششگانه (علماء ، اعیان ، ملاکین، تجار،

☆ بموجب قانون ۲۷ مرداد ماه ۱۳۰۶ اضافه شده است .

* بموجب قانون ۲۲ تیرماه ۱۳۰۶ اضافه شده است .

اصناف و زارعین) و دوازده نفر از معتمدین اهل محل کـه معروف بامانت و با سواد و دارای شرایط انتخاب نمودن بـاشند دعوت میکند . مدعوین در همان مجلس از میان خود یـا خارج برأی مخفی و اکثریت نسبی نه نفررا برای عضویت انجمن تعیین نموده و نه نفر دیگر را نیز بعنوان عضوعلی البدل از همان مدعوین انتخاب مینمایند. در انتخاب مزبور حضور دو ثلث مدعوین کافـی خواهد بود در نقاطی کـه یك یـا چند طبقه از طبقات ششگانه وجود نداشته باشند از طبقهٔ دیگر عدهٔ منظوره تکمیل خواهد شد .

تبصرهٔ ۱ـ حکومت محل باید بعد از وصول دستور وزارت داخلـه در ظرف پنج روز انجمن نظارت مرکزی را تشکیل داده اعضاء آن را بوزارت داخله معرفی نماید .

تبصرهٔ ۲ـ در محل هائی که انجمن ایالتی یا ولایتی قانوناً برقرار است چهارنفر ازنه نفراعضاء انجمن نظارت ازاعضاء انجمن ایالتی یا ولایتی خواهند بودکـه بانتخاب خود انجمن ایالتی یاولایتی معین میشوند .

مادهٔ پانزدهم ـ اعضاء انجمن نظارت پس ازانتخاب بلافاصله درمحل معینی جمع شده یکنفر رئیس و یکنفر نایب رئیس ولا اقل چهار منشی برأی مخفی از مابین خود انتخاب خواهندکرد .

مادهٔ شانزدهم ـ انجمن نظارت مرکـزی پس از تعیین هیئت عـاملهٔ خود بلاتأخیر مطابق جدول منضم بقانون اقدام بتشکیل انجمنهای فرعی کـه متصدی و مسئول صحت انتخابات محل خود خواهند بود مینماید باین نحوکـه بوسیلهٔ حکومت مرکزی بحکام جزء دستور میدهد کـه مطابق مادهٔ چهاردهم این قـانون انجمنهای فرعی را انتخاب نمایند در نقاطی کـه حضور اهالی در انجمنهای مرکزی یا فرعی بـرای شرکت در انتخابات متعسر است انجمن های مرکزی یـا فرعی با موافقت حکومت محل نه نفر از معتمدین اهـل محل را برای تشکیل شعبهٔ انجمن مرکزی یا فرعی معین میکند .

☆ تبصره ـ در نقاطی کـه تشکیل انجمنهای فرعی مطابق مادهٔ ۱۴ مشکل باشد

---

* این تبصره درجلسهٔ ۱۲ مهر ۱۳۰۴ تصویب شده است .

انجمنهای مرکزی با موافقت حکومت نه نفر از معتمدین اهل همان محل را برا
تشکیل انجمن فرعی معین مینمایند .

مادهٔ هفدهم ـ انجمنهای نظارت هـر حوزهٔ انتخابیه در تحت نظارت حا کـ
محل متصدی و مسئول صحت جریان انتخابات آن حوزه خواهند بود و انجمنها
مزبور غیر قابل تغییر و انحلال میباشند مگر در موردی کـه اسباب تعطیل یا تعوی
جریان انتخابات واقع گردند در این‌صورت حاکم محل‌مراتب رابا دلائل کافیه‌بوزار
داخله‌اطلاع داده‌پس‌از صدور امر وزارت‌داخله اقدام‌بتجدید انتخاب‌انجمن‌نظارت‌مینمای

مادهٔ هیجدهم ـ هـر گاه در حین جریان انتخابات یك یـا چند نفر از اعض
انجمن نظارت از حضور در انجمن تعلل یا استنکاف بنمایند مادامیکـه اکثریت باقی
است جریان انتخابات تعقیب و بعضو مستنکف اخطار میشود چنانچه تـا دو جلس
دراستنکاف وتعلل‌خود باقی باشد حکومت بجای‌عضو مستنکف ازاعضاء علی‌البدل یك
چندنفر رابرای‌عضویت انجمن‌بحکم‌قرعه‌درحضور اکثریت‌انجمن‌نظارت دعوت مینماید

مادهٔ نوزدهم ـ درصورتیکه اکثریت هیئت نظار از حضور درانجمن استنکاف
نمایند یا پس از ختم انتخابات از دادن اعتبار نامه خودداری کنند حکومت علل
موجبات استنکاف آنانرا تحقیق نموده اگر محظوز قابل رفعی دارند مرتفع میساز
هرگاه با این حال در استنکاف خود باقی باشند حکومت مراتب را فوراً بوزار
داخله اطلاع داده بـا حضور باقی اعضاء کسری عده را از اعضای علی البدل دعو
مینمایند که انجمن را تشکیل وانتخابات را ختم نمایند .

مادهٔ بیستم ـ انجمن‌نظارت‌دوهفته‌بعداز انجام‌انتخابات‌حوزهٔ‌انتخابیه‌متفرق‌میشون

فصل پنجم

کیفیت دادن تعرفه و گرفتن رأی

مادهٔ بیست ویکم ـ همینکه انجمن نظارت مرکزی تشکیل گردید و انجمن‌ها
فرعی را معین نمود ، اعلانی مرتب نموده وبمناسبت اهمیت محل از پنج روزالی پانزد
روز قبل از شروع بانتخابات بتوسط مأمورین حکومت اعلان مزبور را در تمام‌حوز
انتخابیه اشاعه میدهد ـ اعلان مزبور مطالب ذیل را حاوی خواهد بود .

۱ـ محل انعقاد انجمن و اوقاتی که برای دادن تعرفه و اخذ رأی معین میشود
۲ـ شرایط انتخاب کنندگان وانتخاب شوندگان .

۳ـ ترتیب گرفتن تعرفه ودادن رأی باتوضیح این نکته که (گرفتن تعرفه ودادن رأی دریك مجلس بعمل میآید و رأی دهندگان باید قبل از ورود بانجمن رأی خود را روی کاغذ بی نشان نوشته حاضرداشته باشند) .

۴ـ عدهٔ نمایندگانیکه باید انتخاب شوند .

مادهٔ بیست دوم ـ اشخاصی که شرایط انتخاب کردن را دارا هستند اگر درظرف مدتی که انجمن‌نظارت بجهة گرفتن‌تعرفه معین‌نموده است تعرفه نگیرند درآن‌انتخابات حق ایشان ساقط است .

مادهٔ بیست وسوم ـ تعرفه که بانتخاب کنندگان داده میشود محتوی فقرات ذیل خواهد بود .

۱ـ نمره و تاریخ .
۲ـ اسم دارندهٔ تعرفه واسم پدراو وشغل ومنزل او .
۳ـ مهریا امضای اعضاء انجمن نظارت .

* مادهٔ واحده ـ انجمنهای نظارت در موقع دادن تعرفه واخذ رأی مکلفند ورقهٔ شناسنامهٔ رأی دهنده را نیز ملاحظه و شمارهٔ آنرا در دفاتر ثبت و شناسنامه را بمهر انجمن برسانند .

مادهٔ بیست وچهارم ـ انجمن نظارت یا شعب آن تمام تعرفه هائی راکه میدهد بترتیب نمره در کتابچهٔ مخصوصی ثبت میکند .

مادهٔ بیست وپنجم ـ دادن رأی باید مخفی باشد وباینجهت رأی دهندگان قبل از ورود بمجلس انتخاب اسم یك یا چندنفرمنتخبین‌خود را مطابق‌عده‌ای که‌اعلان شده‌است روی کاغذ سفید بی‌نشان باید نوشته و پیچیده با خود داشته باشند .

مادهٔ بیست وششم ـ پس‌ازحضوراعضاء انجمن نظارت و افتتاح مجلس انتخاب در ساعتی که اعلان شده قبل از شروع بگرفتن اوراق رأی رئیس انجمن نظارت جعبه را که برای ضبط اوراق رأی معین شده است درحضور اعضاء انجمن وحاضرین ازانتخاب

* بموجب قانون اصلاح ۲۷مرداد ۱۳۲۲ مادهٔ واحده‌درذیل مادهٔ ۲۴ اضافه شده .

گنندگان بازنموده خالی بودن آنرا مینمایاند آنگاه در حضور جمع درب جعبه مختوم شده اوراق رأی ازشکافی که فوق جعبه است انداخته میشود .

مادهٔ بیست وهفتم ـ انتخاب کنندگان پس از گرفتن تعرفه بلافاصله بدون اینکه از انجمن خارج شوند ورقهٔ رأی خود را درحضورنظار درجعبهٔ رأی انداخته تعرفهٔ خود را بمنشی انجمن میدهند که باطل نموده بصاحب آن مسترد دارد .

مادهٔ بیست وهشتم ـ درمحل‌هائیکه انتخاب دریکروزتمام‌نمیشود درختام مجلس آن روزتمام اعضاء بااحتیاطات‌لازمه جعبه ودفاتر راجع بانتخاب را بسته محفوظ گذاشته مهر کرده روزبعد همان اعضاء آنرا بازمیکنند.

فصل ششم

کیفیت استخراج آراء

و تشخیص انتخاب شدگان

مادهٔ بیست ونهم ـ بعد از اعلان انجام انتخاب رئیس انجمن جعبهٔ انتخاب را در حضور اعضاء و حاضرین از انتخاب کنندگان خالی نموده امر باستخراج آراء مینماید .

مادهٔ سی‌ام ـ یکی‌ازاعضاء اوراق انتخاب راشمرده عدهٔآن را باعدهٔ رأی‌دهندگان که نمرهٔ تعرفهٔ آنها درکتابچهٔ ثبت تعرفه نشان شده است تطبیق‌میکنددرصورت‌زیادتی اوراق رأی بعدهٔ اوراق زایده ازکلیه برداشته شده باطل میشود ونتیجه درصورت‌مجلس نوشته میشود .

مادهٔ سی و یکم ـ اوراق انتخاب را یکی از اعضاء بصوت بلند یك یك خوانده بیکنفر دیگر از اعضاء میدهد وسه نفر دیگر ازاعضاء اسامی را بترتیبی که خوانده میشود مینویسند .

مادهٔ سی و دوم ـ هرگاه در اوراق انتخاب زیاده یا کمتر از عدهٔ معینه اسامی نوشته باشند نقصی در امر انتخاب حاصل نخواهد شد در صورت اول‌آن عده اسامی که زیاد نوشته شده ازآخر ورقه خوانده نمیشود .

مادهٔ سی وسوم ـ از ارواق رأی‌آنچه سفید یالایقرء باشد یااینکه صحیحاً معرفی

انتخاب شده رانکندیاامضاء انتخاب کننده را داشته باشد یابیش‌ازیك ورق باشد محسوب نخواهد شد ولی عیناً ضمیمهٔ صورت مجلس میشود .

مادهٔ سی وچهارم ـ بلافاصله بعد از شماره و استخراج آراء رئیس نتیجـه را بصوت بلند اعلام مینمایـد اوراق انتخاب را تـا موقع انحلال انجمن نظارت محفوظ میدارند و در آن هنگام در محضر حکـومت و حضور جمعی از وجوه محل اوراق مذکور را معدوم میکنند باستثنای‌آنهاکه در مواد قبل ذکرشده وباید ضمیمهٔ صورت مجلس بشود .

مادهٔسی وپنجم ـ درهرحوزهٔ انتخابیه انجمنهای نظارت نقاط جزوصورت‌مجلس انتخابات خودشان رابامضای‌اعضاء انجمن رسانیده بانجمن‌نظارت مرکزی حوزهٔانتخابیه میفرستند تا درآنجا با ملاحظهٔ صورت مجلس‌های انتخابات‌کلیهٔ نقاط مشترکهٔ‌آن‌حوزه تشخیص نمایندهٔ منتخب حوزه را بنمایند .

مادهٔ سی‌وششم ـ هرگاه بعضی ازانجمنهای‌نظارت نقاط جزوصورتمجلس‌انتخابات خود رادرمدتی‌که انجمن‌مرکزی برای‌آنها معین‌کرده بانجمن‌مزبورنفرستادند انجمن مرکزی انتخابات‌آن حوزه را خاتمه داده نتیجه را معین میکند ولی‌این امرمانع ازحق شکایت رأی دهندگان آن نقاط نخواهد بود .

مادهٔ سی‌وهفتم ـ درهریك حوزهٔ انتخابیه‌که چندین نقطهٔ‌آن درانتخابات شرکت دارند هرگاه بعضی ازآن نقاط در مدتی‌که انجمن مرکزی در حدود همین قانون معین میکند انتخابات‌خود را بعمل نیاورند حق‌انتخاب‌آنان ساقط میشود وانتخابات سایرنقاط آن حوزه معتبراست .

مادهٔ سی وهشتم ـ منشی انجمن نظارت مرکزی صورتمجلس انتخابات را درسه نسخه حاضرکرده‌بمهرحکومت وبامضای اعضاءانجمن‌نظارت رسانیده‌یك نسخه‌بحکومت نسخهٔ دیگر بتوسط حکومت و وزارت داخله بمجلس شورایملی ونسخهٔ ثالث باکتابچهٔ ثبت اوراق تعرفه بانجمن ایالتی یاولایتی محل میفرستند .

مادهٔ سی‌ونهم ـ اسامی‌انتخاب شدگان بعد ازاتمام انتخابات ازطرف حاکم محل اعلان میشود .

فصل هفتم

در شکایات راجعه بانتخابات

مادهٔ چهلم ـ اگر از انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان کسی در بین انتخابات شکایت یا ایرادی راجع بانتخابات داشته باشد مانع از انجام انتخابات نخواهد شد ولی شرح آن شکایت باید درصورتمجلس درج شود .

☆ مادهٔ چهل ویکم ـ انجمن نظارت بعد ازختم انتخابات تایك هفته شکایات راجع بانتخابات را می‌پذیرد و پس از آن بپذیرفتن شکایات خاتمه داده در صورتیکه شکایتی رسیده باشد درظرف یك هفته بشکایات واصل رسیدگی مینماید والا اعتبارنامه را صادر نموده و انحلال خود را اعلان مینماید .

☆ مادهٔ چهل ودوم ـ متشکیان از انتخابات یا از انجمن نظارت میتوانند پس از افتتاح مجلس شورایملی شکایات خود را در ظرف هفتهٔ اول بمجلس شورایملی اظهار نمایند وحکم مجلس شورایملی قاطع خواهد بود شکایات راجعه بانتخاباتی کـه بعد از افتتاح مجلس شورایملی بعمل میآیـد در ظرف هفتهٔ اول بعد از انحلال انجمن نظارت بمجلس شورایملی باید اظهارشود .

مادهٔ چهل وسوم ـ حق اعتراض برانتخابات را اشخاصی دارند کـه حق انتخاب کردن را داشته باشند .

مادهٔ چهل وچهارم ـ انتخاباتی کـه مبنی برتهدید یا تطمیع بوده باشد از درجهٔ اعتبارساقط است وتهدید یاتطمیع کننده ازسه ماه الی یکسال محبوس میشود وبرای یك الی دودورهٔ انتخابیه ازحق انتخاب محروم خواهد بود .

---

* بموجب قانون دهم مهرماه ۱۳۱۳ بجای مادهٔ ۴۱ و۴۲ سابق تصویب شده است .

فصل هشتم

مواد مختلفه

☆ مادهٔ چهل وپنجم ـ کسانیکه سابقاً بحالت عشایری زندگانی میکردند از این ببعد مثل سایرافراد ملت درجزء سکنهٔ محلی کـه آنجا اقامت دارند در انتخاب نمایندهٔ خود شرکت‌خواهند نمود .

مادهٔ چهل وششم ـ ورود درمحوطهٔ انتخابات باداشتن اسلحه اکیداً ممنوع‌است.

مادهٔ چهل و هفتم ـ مخارج مسافرت نمایندگان را از محل انتخاب الـی تهران ذهاباً وایاباً ازقرارفرسخی یك تومان دولت ادا میکند مخارج لازمـه متعلقه بانتخابات را برطبق حوالهٔ وزارت داخله فوراً دولت می‌پردازد .

مادهٔ چهل و هشتم ـ همینکـه نصف بعلاوه یك نفر از نمایندگان ملت در تهران حاضر شدند مجلس شورای ملی افتتاح می‌یابـد و رأی ایشان باکثریت مناط اعتبار و مجری است .

مادهٔ چهل ونهم ـ نمایندگانیکه بعضویت مجلس‌شورای ملی‌انتخاب میشوند باید بمهر یـا امضای انجمن نظارت و حکومت محل اعتبارنامـه در دست داشته تسلیم دفتر مجلس شورای ملی نمایند.

مادهٔ پنجاهم ـ مدت دورهٔ تقنینیه دوسال شمسی‌است وابتدای‌آن ازروزی‌است که نمایندگی سه ربع ازنمایندگان حاضردرتهران تصدیق شده باشد .

مادهٔ پنجاه ویکم ـ مادام که منتخبین اعتبارنامهٔ نمایندگی نگرفته‌اند هرگاه یکی ازایشان فوت شود یا قبول نمایندگی ننماید از بقیهٔ منتخبین کسیکه نسبتاً حائزاکثریت است بنمایندگی‌معین میشود ولی پس‌از دریافت اعتبارنامه باید مطابق مادهٔ (۵۲) همین قانون عمل شود .

مادهٔ پنجاه و دوم ـ هرگاه یکـی از اعضاء مجلس شورای ملـی استعفا دهد

* بموجب قانون دهم مهرماه ۱۳۱۳ مادهٔ ۴۵ سابق بطریق بالا اصلاح شده است.

یـا فوت شود اگـر بیش از سه ماه بآخـر دورهٔ تقنینیه باقی باشد اهل محل بجای او انتخاب خواهند کرد ولـی اگر اهل محل در ظرف سه ماه از زمان اخطار نمایندهٔ خود را انتخاب نکردند مجلس شورایملی یك نفر را عوض نمایندهٔ مستعفی یا متوفی انتخاب میکند .

مادهٔ پنجاه و سوم ـ وزارت داخله مکلف است کـه پنج مـاه بآخر هر دورهٔ تقنینیه مانده بتهیهٔ مقدمات و وسایل انتخابات دورهٔ بعد (از قبیل طبع و ارسال اوراق لازمه و انتخاب اعضای انجمنهای نظارت مرکـزی و فرعی وشعب و صدور حوالجات بـرای مخارج انتخابات و خرج سفر نمایندگان و غیرها) شروع نماید بنحویکـه روز اول سه ماه بآخـر آن دوره اعلان انتخابات از طرف نظار در هر ولایت و ایالت منتشر شود .

جدول حوزه‌های انتخابیه

اسامی نقاط جزء هر حوزه	عدهٔ نمایندگان هر حوزه	مرکز انتخابیه
آذربایجان ۲۰ نفر		
تبریز ـ اوجان عباس ـ مهرانرود ـ دهخوارقان کوگان ـ عجب شیر ـ ارونق وانزاب ـ آلان ـ برآغوش ـ هشترود .	۹ نفر	تبریز
اردبیل ـ نمین ـ و لگج ـ اجارود ـ آستارا	۱ «	اردبیل
مشکین ـ مغان ـ پیله سوار .	۱ «	خیاو
خلخال ـ کاغذکنان ـ خورشیدگان و توابع آن	۱ «	هروآباد
قرجه داغ و ایلات ـ خانمرود ـ بدوستان	۱ «	اهر
سراب ـ گرم رود .	۱ «	سراب
مراغه ـ بناب ـ چهاراویماق وایلات ـ میاندوآب افشار ـ چهاردولی ـ صاین قلعه .	۲ «	مراغه
مهاباد ـ سلدوز .	۱ «	مهاباد
رضائیه و توابع .	۱ «	رضائیه
خوی ـ ماکو ـ شاهپور ـ مرند کرکر ـ یکانات	۲ «	خوی
گرگان استرآباد ۲ نفر		
گرگان وتوابع و بندرجز	۱ «	گرگان
دشت گرگان ـ گنبدکاوس ـ گومیشان	۱ «	گنبدکاوس
اصفهان شش نفر		
اصفهان ـ برخوار ـ ماربین ـ بروجی رود ـ قهاب کرارج ـ براآن ـ رودشتین ـ اردستان ـ مهاباد قهپایه	۳ «	اصفهان
شهرضا ـ سمیرم ـ جرقویه ـ ابرقو ـ لنجان دهاقان ـ اسفرجان	۱ «	شهرضا

این جدول طبق ضمیمهٔ قانون اصلاح مواد ۴۱ و ۴۲ و ۴۵ مصوب دهم مهرماه ۱۳۱۳ اصلاح گردیده است .

اسامی نقاط جزء هر حوزه	عدهٔ نمایندگان هر حوزه	مرکز انتخابیه
فریدن ـ نجف‌آباد ـ کرون ـ دهق	۱ نفر	نجف‌آباد
چهارمحال ـ پشتکوه ـ میانکوه حلوسعد		
چغاخور ـ جانگی ـ سردسیر ـ زرین ـ بازفت ـ خانه میرزا	۱ »	شهرکرد
بروجرد و خرم‌آباد ۴ نفر		
بروجرد ـ سیلاخور ـ جاپلق ـ بختیاری		
چهارلنك	۲ »	بروجرد
خرم‌آباد پیشکوه ـ پشتکوه	۲ »	خرم‌آباد
خراسان وسیستان ۱۵		
مشهد ـ چناران ـ رادکان ـ بیوه ژان کلمکان		
شان دیز ـ درزب ـ ارامه ـ میان ولایت سرجام		
تبادکان ـ چولائی‌خانه ـ اخلومه ـ جام ـ باخزر	۴ »	مشهد
کلات ـ درجز ـ سرخس	۱ »	درجز
کاشمر ـ کوه سرخ ـ بجستان	۱ »	سلطان آباد
سبزوار ـ مزینان جوین ـ بام ـ صفی‌آباد		
سرولایت	۲ »	سبزوار
تربت حیدریه ـ و بلوکات و محولات ـ خوافین	۱ »	تربت
نیشابوروتوابع	۱ »	نیشابور
قوچان وشیروان	۱ »	قوچان
بجنورد ـ اسفراین وجاجرم	۱ »	بجنورد
طبس ـ فردوس ـ بشرویه ـ گناباد	۱ »	فردوس
قاینات ـ خوسف ـ نهندان ـ طبس مسینا	۱ »	بیرجند
سیستان	۱ »	سیستان

اسامی نقاط جزء هر حوزه	عدهٔ نمایندگان هر حوزه	مرکز انتخابیه
خمسه ۳ نفر		
زنجان وتوابع ـ حومه سلطانیه ـ ابهرود طارمات ـ افشار ـ ارياد ـ انگوران دویروین و سایربلوکات	۳ «	زنجان
سمنان و دامغان یکنفر		
سمنمان ـ دامغان ـ جندق بیابانك	۱ «	سمنان
ساوه و زرند یکنفر		
ساوه ـ زرند ـ خلجستان ـ مزلقانچای و توابع	۱ «	ساوه
شاهرود وبستام یکنفر		
شاهرود ـ بسطام ـ نردین و توابع	۱ «	شاهرود
تهران وتوابع ۱۵ نفر		
تهران ـ کن ـ سولقان ـ لواسانات ـ شمیرانات قصران ـ لورا ـ شهرستانك وسایرتوابع	۱۲ «	تهران
غار ـ فشاپویه	۱ «	شهرری
گرمسار ورامین	۱ «	ایوانکی
شهریار ـ ساو جبلاغ ـ اشتهارد ـ برغان ـ فشند	۱ «	کردان
دماوند وفیروزکوه یکنفر		
دماوند ـ فیروزکوه	۱ «	دماوند
اراك ۲ نفر		
اراك ـ گزاز ـ فراهان ـ خلجستان ـ تفرش آشتیان ـ گرگان ـ شرا ـ بزچلو ـ سربند و فس	۲ «	سلطان‌آباد
خوزستان ۴ نفر		
دزفول و توابع ـ	۱ «	دزفول
شوشتر و اهواز وتوابع	۱ «	شوشتر
خرمشهر ـ شادگان ـ جراحی وسایربنادر	۱ «	خرمشهر
دشت میشان وحویزه و بساطین	۱ «	سوسنگرد

اسامی نقاط جزء هر حوزه	عدهٔ نمایندگان هر حوزه	مرکز انتخابیه
شهرستان شیراز ۱۵ نفر		
شیراز ـ سروستان ـ گوین ـ زرقان ـ دشتك ارسنجان ـ مرودشت ـ کازرون ـ خشت ـ بیضا اردکان	۵ «	شیراز
فسا ـ داراب ـ اصطهبانات ـ نیریز	۲ «	فسا
آباده ـ اقلید ـ بوانات	۱ «	آباده
بهبهان ـ کوه کیلویه	۱ «	بهبهان
بوشهر ـ برازجان ـ خورموج ـ شبانکاره تنگستان	۲ «	بوشهر
لار ـ لنگه ـ بستك	۱ «	لار
بندرعباس ـ میناب ـ فورك ـ طارم	۱ «	بندرعباس
جهرم ـ بلوك جلگه ـ بلوك کردیان	۱ «	جهرم
فیروزآباد ـ فراش بند ـ خنج ـ محال اربعه افزرقیر ـ و کارزین	۱ «	فیروزآباد
قزوین ۲ نفر		
قزوین ـ طالقان ـ خرقان ـ افشار ـ بکشلو ـ الموت رودبار ـ بلوك زهرا وایلات وغیره	۲ «	قزوین
قم یکنفر		
قم وتوابع	۱ «	قم
کاشان ۲ نفر		
کاشان ونظنزوجوشقان و توابع	۲ «	کاشان
کردستان ۴ نفر		
سنندج ـ بیلاغ ـ اسفندآباد ـ چهاردولی ـ حسین آباد ـ قراتوره ـ ساران ـ اماتو ـ کلاترزان ـ کوماسی ـ مریوان ـ اورامان ـ تخت ژادم ـ کاو رود ـ مورمور ـ بیلوار ـ امیرآباد ـ جوانرود ـ		

اسامی نقاط جزء هرحوزه	عدهٔ نمایندگان هرحوزه	مرکز انتخابیه
اورامان لهون ـ روانسر ـ شادی آباد	۳ نفر	سنندج
سقز ـ بانه ـ خورخوره ـ تیلکوه	۱ «	سقز
کرمانشاهان ۴ نفر		
کرمانشاه و اطراف ـ ماهیدشت ـ درد فراوان میان دربند ـ زیردربند ـ بلده ـ جلاوند ـ کلهر ـ ذهاب ـ کرند ـ قصرشیرین ـ سنجابی ـ کوران ـ سنقر ـ کلیائی ـ چمچمال ـ دینور ـ هرسین ـ بیستون وصحنه ـ کنکاور وسایرتوابع	۴ «	کرمانشاهان
گروس ۱ نفر		
بیجاروتوابع	۱ «	بیجار
کرمان وبلوچستان ۷ نفر		
کرمان ـ ماهان ـ قناتستان ـ لنگر ـ سراسیابین هوتیك ـ چترود ـ چوپار ـ باغین ـ کویرات ـ کوهپایه ـ شهداد ـ تکابات ـ کشیت ـ سیرج ـ کوك راور	۲ «	کرمان
رفسنجان ـ انار ـ نوق ـ زرند ـ کوهبنان ـ خنامان	۱ «	رفسنجان
سیرجان ـ ایلاتسته ـ پاریز ـ بردسیر ـ اقطاع ایل افشار ـ ایل‌لك برنجان ـ ارزویه ـ رابر ـ قریةالعرب	۱ «	سیرجان
راین ـ تهرود ـ بم ـ نرماشیر ـ ریکان	۱ «	بم
جیرفت ـ اسفندقه ـ جبال‌بارز ـ رود بار ـ ساردویه مهنی	۱ «	جیرفت
بلوچستان	۱ «	فهرج
گلپایگان وخونسار وکمره ومحلات ۲ نفر		
گلپایگان ـ خونسار	۱ «	گلپایگان
کمره ـ سایرالبلوك ـ محلات	۱ نفر	محلات

اسامی نقاط جزء هرحوزه	عدهٔ نمایندگان هرحوزه	مرکز انتخابیه
گیلان ۶ نفر		
رشت وتوابع ـ رحمت‌آباد ـ رود بار	۲ «	رشت
بندرپهلوی ـ غازیان ـ وتوابع وتولم	۱ «	بندرپهلوی
خمسه طوالش ـ ماسوله	۱ «	گرگانرود
فومن ـ شفت ـ کسکر	۱ «	فومن
لاهیجان ـ لنگرود ـ رود سر ـ دیلمان ـ عمارلو	۱ «	لاهیجان
مازندران ۵ نفر		
ساری ـ اشرف ـ سوادکوه ـ بندپی ـ علی آباد ـ دودانگه ـ چهاردانگه	۲ «	ساری
بابل ـ آمل ـ بابل‌سر ـ لاریجان ـ نور کجور کلاردشت ـ کلارستان	۳ «	بابل
ملایرو تویسرکان ۲ نفر		
ملایروتویسرکان نهاوند	۲ «	دولت‌آباد
همدان ۲ نفر		
همدان ـ دردب ـ بلوك مهربان ـ بلوك سردرود بلوك حاجی‌لو ـ بلوك عاشقلو ـ خدابنده لو ـ محال اسدآباد	۲ «	همدان
یزد ۴ نفز		
یزد ـ حومه ـ اردکان ـ کَزاب ـ رستاق ـ اشکذر میبد ـ ندوشتن ـ مهریز ـ هرات ـ مروست بافق ـ بهاباد ـ شهر بابك ـ تفت ـ پیشکوه پشتکوه ـ میانکوه	۳ «	یزد
نائین ـ باقران ـ محمدیه ـ عقدا ـ انارك	۱ «	نائین

اسامی نقاط جزء هر حوزه	عدهٔ نمایندگان هر حوزه	مرکز انتخابیه
ملل متنوعه ۴ نفر		
ارامنهٔ آذربایجان وکلدانیان	۱ «	
ارامنهٔ نقاط جنوب	۱ «	بتعیین
زردشتی	۱ «	وزارت داخله
کلیمی	۱ «	

سازمان ملل متحد

بعد از شکست آلمان و متحدین آن دولت در جنگ جهانی اول، رئیس جمهوری دول متحدهٔ امریکا موسوم به توماس وود روویلسن ، برنامه‌ای بمنظور حفظ صلح جهان ، حاوی چهارده ماده پیش نهاد نمود وجامعهٔ ملل براساس آن برنامه بوجود آمد ودرشهر ژنو مستقر گشت .

جامعه دو وظیفه داشت : یکی جلوگیری ازجنگ ودیگری فراهم آوردن وسایل همکاری ملل در بهبود وضع مادی ومعنوی اهل جهان . لکن متأسفانه سرپیچی بعضی از دول از اجرای تصمیمات جامعه وحملهٔ ژاپون بچین وجنگ ایتالیا وحبشه وبخصوص جنگ جهانی دوم ، جامعهٔ ملل را بکلی از اعتبار انداخت و رشتهٔ این فکر بزرگ را از هم گسیخت .

در ماه اوت ۱۹۴۱ در ایامی که آتش جنگ دوم شعله ور بود ، فرانکلین روزولت رئیس جمهوری امریکا و ونیستون چرچیل نخست وزیر انگلستان ، منشوری مشمل بر هشت ماده برای جلوگیری ازجنگ در آینده وبهبود وضع جهان ، تنظیم نمودند که بنام منشور آتلانتیک خوانده شد .

دراول ژانویهٔ ۱۹۴۲ اعلامیهٔ ملل متحد که براساس آن منشور بود ، بین بیست وشش دولت مورد موافقت واقع گردید .

در پائیز آنسال ، نمایندگان دول چین وشوروی وامریکا وانگلستان ، درشهر مسکو تشکیل جلسه داده و برای احتراز از جنگ و حفظ صلح ، تصمیماتی اتخاذ نمودند . نمایندگان این چهار کشور، مجدداً در تابستان و پائیز سال ۱۹۴۴ درواشنگتن ، اجتماع کرده طرح سازمان جدید را به تفصیل تهیه نمودند .

درماه فوریهٔ ۱۹۴۵ مارشال استالین نخست وزیر شوروی وچرچیل نخست وزیر انگلستان و روزولت رئیس جمهوری امریکا دریالتا ملاقات نموده جزئیات آن طرح را مورد مطالعه قراردادند . سپس ازکلیهٔ دولی که اعلامیهٔ ملل متحد را امضاء کرده بودند

وهمچنین ازدولی که باآلمان وژاپون مخاصمه داشتند، دعوت نمودند که درسن فرانسیسکو مجمعی تشکیل بدهند .

منشورملل متحد در ۲۵ ماه ژون ۱۹۴۵ باتفاق آراء درآن مجمع تصویب شد و روزبعد بامضای نمایندگان پنجاه دولت که حضورداشتند ، رسید وبرای تصویب مقامات داخلی کشورهای امضاکننده فرستاده شد .

این منشور درتاریخ ۱۳ شهریورماه ۱۳۲۴ درمجلس شورای ملی تصویب وبعداً بصحهٔ ملوکانه موشح گردیده است .

همینکه منشور ازطرف اکثریت دول تصویب شد ، روز ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ وجود سازمان ملل ، تحقق یافت وآنروز که مطابق با دوم آبانماه است روز ملل متحد نامیده میشود وهمه جا آنرا جشن میگیرند .

سازمان ملل متحد ، شش دستگاه اصلی دارد ، بقرار زیر :

۱) مجمع عمومی ـ هریك از اعضاء سازمان ، دراین مجمع نماینده دارند .

۲) شورای امنیت ـ مرکب ازیازده نفر و مأمور حفظ صلح و امنیت بین المللی است .

۳) شورای اقتصادی و اجتماعی ـ مرکب از هیجده عضو سازمان ملل متحد و مأمور است که در سراسر جهان کشورهای مختلف را در اصلاح و ترقی شرائط کار و زندگی کمك کند .

۴) شورای قیمومت ـ وظیفه داراست که برای بهبودحال مردمی که درسرزمینهای غیرمستقل زندگی میکنند کوشش نماید .

۵) دیوان دادگستری بین المللی ـ دارای پانزده نفرقاضی است که از بین حقوق دانان کشورهای مختلف برای مجمع عمومی و شورای امنیت انتخاب میشوند .

٦) دبیرخانه ـ مرکب ازعده‌ای متخصص وکارمند .

اولین جلسهٔ مجمع عمومی در ماه ژانویهٔ ۱۹۴٦ در لندن تشکیل شد ولی بنای سازمان ملل اکنون در نیویورك واقع است .

اینك منشورسازمان ملل متحد :

فصل اول

مرام واصول

(مادهٔ ۱)

مرام ملل متحد بقرار ذیل است :

۱- نگاهداری صلح وامنیت بین‌المللی وبرای این منظور :

اتخاذ اقدامات جمعی مؤثر برای جلوگیری از تهدیدات برعلیه صلح و برکنار کردن آنها واز بین‌بردن هر اقدام تهاجمی یاهر اختلال صلح‌بنحودیگروعملی کردن‌تنظیم وتصفیهٔ مسالمت‌آمیز اختلافات ویاوضعیتهائیکه جنبهٔ بین‌المللی‌دارندوممکن‌است صلح‌را برهم زنند برطبق اصول عدالت وحقوق بین‌المللی .

۲- توسعهٔ روابط دوستانه درمیان ملل که براحترام‌اصل‌تساوی حقوق‌ملتها وحق آنان درتعیین‌آزادانهٔ سرنوشت خود مبتنی‌بوده وبعمل‌آوردن هر اقدام دیگری که برای تحکیم صلح جهان مناسب باشد .

۳ - عملی ساختن همکاری بین المللی با حل مسائل بین المللی که جنبهٔ اقتصادی یا اجتماعی یافرهنگی ویا انسان دوستی دارند وبا توسعه وتشویق‌احترام‌حقوق انسانی و آزادیهائیکه برای عموم اساسی میباشند بدون تمایز بین نژاد و جنس و زبان یا مذهب .

۴- بودن یك مرکز که در آنجا مجاهدتهای ملل برای این منظورهای مشترك یکنواخت گردد :

(مادهٔ ۲)

سازمان ملل متحد و اعضای آن باید در تعقیب مرامهای مذکور در مادهٔ اول طبق اصول ذیل عمل نمایند :

۱- سازمان بر روی اصل تساوی حق حاکمیت تمام اعضای خود مبتنی‌میباشد .

۲- اعضای سازمان برای اینکه استفاده ازحقوق ومزایای ناشی ازسمت عضویت نسبت بهمهٔ آنها تضمین گردد باید تعهداتیرا که بموجب این منشور بعهده گرفته‌اند از روی حسن نیت انجام دهند .

۳- اعضاء سازمان اختلافات بین المللی خود را بوسائل مسالمت آمیز تصفیه

مینمایند بنحویکه صلح وامنیت بین‌المللی وهمچنین عدالت بمخاطره نیفتد .

۴ـ اعضاء سازمان در روابط بین‌المللی خود از توسل بتهدید و یـا استعمال قوه خواه برضد تمامیت ارضی و یا استقلال سیاسی هرمملکت و خواه بهر نحو دیگری که بامرامهای ملل متحد متباین باشد خودداری مینمایند .

۵ـ اعضاء سازمان درهر اقدامیکه سازمان برطبق‌مقررات این‌منشور بعمل‌میآورد بسازمان مساعدت تام خواهند نمود و ازمعاضدت بهر کشوریکه سازمان برعلیه‌آن یك اقدام احتیاطی ویاقهری مینماید خودداری خواهندکرد .

۶ـ سازمان طوری اقدام خواهدکرد که کشور های غیرعضو ملل متحد عملیات خود را درحدودی که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی لازمست بااین اصول منطبق نمایند .

۷ـ هیچیك از مقررات این منشور ملل متحد را مجاز نمیدارد در کارهائیکه اساساً مربوط‌بصلاحیت ملی‌یك مملکت است مداخله کند واعضای سازمان راهم مجبور نمینماید که‌کارهای ازاین قبیل راطبق طریقه‌ای که دراین منشورمقرراست تصفیه کنند معذالك این اصل باجرای اقدامات قهری که درفصل هفتم پیش‌بینی شده است لطمه‌وارد نخواهدآورد .

فصل دوم

اعضاء

(مادهٔ ۳)

کشورهائیکه در کنفرانس ملل‌متحد برای سازمان بین‌المللی درسانفرانسیسکو شرکت داشته ویاقبلاً بیانیهٔ ملل متحد مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ را امضاء کـرده و این منشور را هم امضاء و برطبق مادهٔ ۱۱۰ آنرا تصویب مینمایند اعضاء اصلـی ملل متحد خواهند بود .

(مادهٔ ۴)

۱ ـ کشورهـای صلح جوی دیگر کـه تعهدات این منشور را قبول نمـایند و بتشخیص سازمان استعداد اجرای آنرا داشته و حاضر باجرای آن می‌باشند میتوانند عضوملل متحدگردند .

۲ـ پذیرفته شدن‌هرمملکتی که دارای این‌شرایط باشد بعضویت ملل‌متحد منوط

بتصمیمی است که مجمع عمومی بنا بتوصیهٔ شورای امنیت اتخاذ مینماید .

(مادهٔ ۵)

هرعضوسازمان که شورای امنیت برضد اویك اقدام احتیاطی ویاقهری نموده باشد ممکن است بوسیلهٔ مجمع عمومی بنابه توصیهٔ شورای امنیت از استفادهٔ حقوق ومزایای مربوط بصفت عضویت معلق گردد .

استفاده از این حقوق و مزایا ممکن است بوسیلهٔ شورای امنیت مجدداً برقرار شود .

(مادهٔ ۶)

هرگاه یکی از اعضاء سازمان در تخطی از اصول مندرج در این منشور اصرار ورزد مجمع عمومی میتواند بنا بتوصیهٔ شورای امنیت او را ازسازمان اخراج کند .

فصل سوم

ارکان

(مادهٔ ۷)

۱ـ ارکان اصلی سازمان ملل متحد تشکیل می‌شود از :

یك مجمع‌عمومی ـ یك‌شورای‌امنیت ـ یك‌شورای‌اقتصادی واجتماعی ـ یك‌شورای قیمومت ـ یك دیوان دادگستری بین‌المللی ویك دبیرخانه .

۲ـ ارکان فرعی نیز که وجودآنها ضروری تشخیص داده شود ممکن‌است برطبق این منشور تشکیل گردند .

(مادهٔ ۸)

برای اینکه مردان و زنان بتوانند بتساوی مشاغل ارکان اصلی یا فرعی سازمان را عهده دارشوند هیچگونه تضییقی ازطرف سازمان بعمل نخواهدآمد .

فصل چهارم

مجمع عمومی

ترکیب

(مادهٔ ۹)

۱ـ مجمع‌عمومی‌مرکب است ازتمام اعضاء ملل متحد .

۲ـ هرعضومنتهی پنج نماینده درمجمع عمومی خواهد داشت .

مشاغل و اختیارات

(مادهٔ ۱۰)

مجمع عمومی میتواند دربحث تمام مسائل واموریکه درحدود این منشوربوده یابه اختیارات ومشاغل یکی‌ازارکانیکه دراین منشورپیش‌بینی‌شده‌اند مربوط باشدوارد شود وبارعایت قید مادهٔ۱۲درمورد این مسائل وامور باعضاء سازمان‌ملل‌متحدیابشورای امنیت یا باعضاء سازمان وبشورای امنیت توصیه‌هائی بنماید .

(مادهٔ ۱۱)

۱ـ مجمع عمومی میتواند اصول عمومی همکاری برای حفظ صلح وامنیت‌بین‌المللی راکه اصول مربوط بخلع سلاح وتنظیم تسلیحات نیزمشمول‌آنست تحت مطالعه درآورده ودرمورد این‌اصول خواه باعضاء سازمان یاشورای امنیت وخواه‌باعضاءسازمان و شورای امنیت توصیه‌هائی بنماید.

۲ـ مجمع‌عمومی‌میتواند درموردکلیهٔ مسائل‌مربوط بحفظ‌صلح وامنیت‌بین‌المللی که از طرف یکی از ملل متحد یا شورای امنیت و یا طبق مقررات فقرهٔ دوم مادهٔ ۳۵ از طرف کشوریکه عضو سازمان نمی‌باشد باو رجوع گردیده مباحثه نماید و با رعایت قید مادهٔ ۱۲ ونسبت بتمام اینگونه مسائل بکشوریاکشورهای ذینفع ویا بشورای امنیت ویا بکشورها وشورای امنیت توصیه‌هائی بنماید هرمسئله ازاین قبیل که مستلزم یك عمل مؤثرمیباشد قبل‌ازمباحثه ویاپس از آن ازطرف مجمع عمومی بشورای امنیت رجوع خواهد شد .

۳ـ مجمع‌عمومی میتواند نسبت بوضعیاتی که بنظرمیآید صلح وامنیت بین‌المللی را بمخاطره اندازد توجه شورای امنیت را جلب کند .

۴ـ اختیارات مجمع عمومی که دراین ماده ذکر شده دایرهٔ وسعت مادهٔ ۱۰ را محدود نمینماید .

(مادهٔ ۱۲)

۱ـ مادام که شورای امنیت عملیاتی راکه این منشور باو محول کرده در مورد اختلاف یا وضعیتی‌انجام میدهد مجمع‌عمومی‌نبایدنسبت بآن اختلاف یاوضعیت‌هیچگونه توصیه‌ای بنماید مگراینکه خود شورای امنیت‌آنرا تقاضا بکند .

۲ـ درموقع دورهٔ اجلاسیه رئیس‌کل دبیرخانه باید باموافقت شورای امنیت‌کار های مربوط بحفظ صلح و امنیت بین‌المللی راکه درشورای امنیت مطرح است باطلاع

مجمع عمومی برساند و همچنین باید بمحض اینکه شورای امنیت بحث در آن امور را ترك‌نمود مراتب را باطلاع مجمع عمومی ودرصورتی که مجمع عمومی منعقد نباشد باطلاع اعضاء سازمان برساند .

(مادهٔ ۱۳)

۱ـ مجمع عمومی بمنظورهای زیر موجبات مطالعاتی را فراهم و توصیه‌هائی بعمل میآورد :

الف ـ توسعهٔ همکاری بین‌المللی درمحیط سیاسی وتشویق‌توسعهٔ تدریجی‌حقوق بین‌المللی وتدوین‌آن .

ب ـ توسعهٔ همکاری‌بین‌المللی درمحیط اقتصادی ـ اجتماعی ـ فرهنگی ـ تربیتی وبهداشت عمومی وتسهیل استفاده ازحقوق بشریت وآزادی‌های سیاسی‌برای عموم‌بدون تمایزنژادی وجنسی وزبانی ومذهبی .

۲ـ سایرمسئولیتها وعملیات واختیارات مجمع عمومی در مورد مسائل مذکور دربند ب فقرهٔ یك بالا درفصل نهم ودهم ذکرشده است .

(مادهٔ ۱۴)

مجمع عمومی میتواند با رعایت قید مذکوردرمادهٔ ۱۲ اقدامات مقتضی‌را برای تأمین تصفیهٔ مسالمت‌آمیزهروضعیتی قطع‌نظرازمنشاآن که بنظراوممکن است مضررفاه عمومی باشد ویا روابط بین المللی را تیره‌کند بعمل آورد وضعیت ناشی از عدم رعایت مقررات این‌منشور که درآنجامقاصد واصول‌ملل‌متحدذکرشده است ازجملهٔوضعیتهای مزبورمحسوب میشود .

(مادهٔ ۱۵)

۱ـ مجمع عمومی گزارشهای مخصوص شورای امنیت را دریافت داشته و تحت مطالعه درمیآورد این گزارشها مشتمل برخلاصهٔ تصمیمات و اقداماتی خواهد بود که شورای امنیت‌آنها رابرای حفظ صلح وامنیت بین‌المللی‌اتخاذکرده ویا بعمل‌آورده‌است .

۲ـ مجمع عمومی گزارشهای سایر ارکان سازمان را نیز دریافت داشته و تحت مطالعه در میآورد .

(مادهٔ ۱۶)

مجمع عمومی در مورد اسلوب بین‌المللی قیمومت و ظایفی راکه طبق فصل۱۲

و۱۳بعهدهٔ وی محول شده است ایفاً مینماید ضمناً قراردادهای قیمومیت مربوط بمناطقی راکه سوق‌الجیشی معین نشده‌اند تصویب میکند .

(مادهٔ ۱۷)

۱- مجمع عمومی بودجهٔ سازمان را مطالعه و تصویب مینماید .

۲- مخارج سازمان را اعضاء آن طبق تقسیم بندی کـه مجمع عمومی مینماید متحمل خواهند شد .

۳-مجمع عمومی تمام قرارداد های مالی و بودجه‌ای راکه با مؤسسات تخصصی منظور درمادهٔ۵۷ منعقد میشودمطالعه وتصویب مینماید وبودجه‌های اداری این مؤسسات را بمنظور توصیه کردن بآنها مطالعه میکند .

رأی

(مادهٔ ۱۸)

۱- هرعضو مجمع عمومی دارای یك رأی میباشد .

۲- تصمیمات مجمع عمومی درمسائل مهم باکثریت دوثلث اعضاء حاضرورأی دهنده اتخاذ میگردد.موارد ذیل ازمسائل مهم محسوب میشود :

توصیه‌های مربوط بحفظ صلح وامنیت بین‌المللی- انتخاب اعضاء غیردائم شورای امنیت - انتخاب اعضاء شورای اقتصادی واجتماعی - انتخاب اعضاء شورای قیمومت طبق بند ج ازفقرهٔ ۱ مادهٔ ۸۶ - قبول اعضای جدید سازمان - تعلیق حقوق و مزایای اعضاء - اخراج اعضاء - مسائل مربوط بجریان اسلوب قیمومت و مسائل بودجه .

۳- تصمیمات راجع بمسائل دیگر که تعیین اقسام مسائل جدیدی نیز که بایداکثریت دوثلث آراء در آنها رعایت گردد از آنجمله است با کثریت اعضاء حاضر و رأی دهنده اتخاذ خواهد شد .

(مادهٔ ۱۹)

اعضاء ملل متحد که پرداخت سهمیهٔ آنها در مخارج سازمان بتأخیر افتاده است نمیتوانند درصورتیکه بدهی پس افتادهٔ آنها معادل یا بیشتر از سهمیهٔ دوسال تمام باشد شرکت در رأی کنند .

معذلك اگر مجمع عمومی تشخیص دهدکه این قصور دراثرموجبات خارج از ارادهٔ آن عضومیباشد میتواند بآن عضواجازهٔ شرکت دررأی دهد .

(آئین کار)

(مادهٔ ۲۰)

مجمع عمومی یکدورهٔ اجلاسیهٔ منظم سالیانه واگر اوضاع ایجاب نماید دوره‌های اجلاسیهٔ فوق‌العاده نیز خواهد داشت. دوره‌های اجلاسیهٔ فوق‌العاده را رئیس کل دبیرخانه بنا بتقاضای شورای امنیت ویا تقاضای اکثریت اعضاء ملل‌متحد دعوت مینماید .

(مادهٔ ۲۱)

مجمع عمومی آئین‌نامهٔ داخلی خودرا تنظیم وبرای هردورهٔ اجلاسیه رئیس خودرا معین مینماید .

(مادهٔ ۲۲)

مجمع عمومی میتواند ارگان فرعی را که برای اجرای عملیات خود لازم میداند ایجاد کند .

فصل پنجم

(شورای امنیت)

ترکیب

(مادهٔ ۲۳)

۱- شورای امنیت مرکب از ۱۱ عضو سازمان خواهد بود جمهوری چین - فرانسه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و کشورهای متحدهٔ بریتانیای کبیرو ایرلند شمالی وکشورهای متحدهٔ امریکا اعضاء دائم شورای امنیت میباشند - شش عضو دیگر سازمان را مجمع عمومی بعنوان عضوغیردائم انتخاب مینماید دراین انتخاب مجمع عمومی باید دردرجهٔ اول شرکت اعضاء سازمان را درحفظ صلح و امنیت بین‌المللی و در سایرمرام های سازمان مخصوصاً منظور داشته وهمچنین تقسیم عادلانهٔ جغرافیائی را نیز رعایت کند .

۲- اعضاء غیردائم شورای امنیت برای یك دورهٔ دوساله انتخاب میگردند. معهذا درموقع اولین انتخاب اعضاء غیردائم سه عضوفقط برای یکسال انتخاب میشوند اعضائی که خارج میگردند فوراً قابل تجدید انتخاب نخواهند بود .

۳- هرعضوشورای امنیت یك نماینده در آن شورا خواهد داشت .

(مشاغل و اختیارات)

(مادهٔ ۲۴)

۱- برای تأمین عملیات سریع و مؤثر سازمان اعضای آن مسئولیت اصلی

نگاهداری صلح و امنیت بین‌المللی را بعهدهٔ شورای امنیت گذاشته واعتراف‌مینمایند که درحین انجام وظایفی کـه این مسئولیت بعهدهٔ شورای مزبور میگذارد شورا بنام آنها اقدام میکند .

۲ـ شورای‌امنیت درانجام این‌وظایف‌برطبق‌مقاصد واصول‌ملل‌متحداقدام‌خواهد نمود ،اختیارات مخصوصی که برای امکان انجام وظایف مذکور بشورای امنیت داده شده درفصل ششم وهفتم وهشتم و دوازدهم معین است .

۳ـ شورای امنیت گزارشهای سالیانه و عندالاقتضا گزارشهای مخصوصی بمجمع عمومی تقدیم میدارد که مجمع عمومی آنها را تحت مطالعه درآورد .

(مادهٔ ۲۵)

اعضاء سازمان موافقت مینمایند کـه تصمیمات شورای امنیت را بر طبق این منشور اجرا کنند .

(مادهٔ ۲۶)

برای اینکه برقراری وحفظ صلح وامنیت بین‌المللی بنحوی تسهیل شود کـه از ذخایرانسانی واقتصادی کمترین مقداربمصرف تسلیحات برسد شورای‌امنیت مأموریت دارد که باکمك کمیتهٔ ستاد مذکوردرمادهٔ ۴۷ نقشه‌هائی بمنظوربرقراری اسلوبی برای تنظیم تسلیحات تهیه کرده و باعضاء سازمان تقدیم نماید .

رأی

(مادهٔ ۲۷)

۱ـ هرعضو شورای امنیت دارای یك رأی میباشد .

۲ـ تصمیمات شورای امنیت در مسائل مربوط بآئین‌کار بوسیلهٔ رأی مثبت هفت عضواتخاذ میشود .

۳ـ تصمیمات شورای امنیت درسایرمسائل بوسیلهٔ رأی مثبت هفت عضو که‌آراء تمام اعضاء دائم‌جزوآن باشد اتخاذ میگردد بااین‌تعبیر که درموردتصمیماتی که بموجب مندرجات فصل ششم و فقرهٔ سوم از مـادهٔ ۵۲ اتخاذ میشود طرف دعوی از دادن رأی خودداری خواهدکرد .

آئین کار

(مادهٔ ۲۸)

۱ـ شورای امنیت طوری تشکیل می‌یابد که بتواند وظایف خود را دائماً انجام دهد و بدین منظور هر عضو شورای امنیت باید در هر موقع یك نماینده در مقر سازمان داشته باشد .

۲ـ شورای امنیت جلسات مرتبی خواهد داشت و هر عضو آن میتواند در صورتی که مایل باشد یکی از اعضاء دولت خود یا یك شخص دیگری را که مخصوصاً برای اینکار معین میشود بنمایندگی از طرف خود معین کند .

۳ـ شورای امنیت میتواند در خارج از مقر سازمان هم در هر نقطهٔ دیگری که برای تسهیل انجام مأموریت های خود مناسب ترمیداند تشکیل جلسات دهد .

(مادهٔ ۲۹)

شورای امنیت میتواند ارکان فرعی هم که برای اجرای مأموریتهای خود لازم میداند ایجاد کند .

(مادهٔ ۳۰)

شورای امنیت آئین نامهٔ داخلی خود را تدوین و در آن طرز تعیین رئیس خود را نیز معین مینماید .

(مادهٔ ۳۱)

هر عضو سازمان که عضو شورای امنیت نمیباشد میتواند در مذاکرهٔ مسائل مطروحه در شورای امنیت هر موقعی که بنظر شورای مزبور آن مسائل با منافع آن عضو تماس خاص دارد بدون حق رأی شرکت نماید .

(مادهٔ ۳۲)

هر عضو ملل متحد که عضو شورای امنیت نمیباشد و با هر دولتیکه عضویت ملل متحد را ندارد اگر طرف اختلافی باشد که مورد مطالعهٔ شوراست دعوت میشود که در مباحثات مربوط بآن اختلاف بدون داشتن حق رأی شرکت نماید شورای امنیت شرایطی را که برای شرکت یك دولت غیر عضو سازمان عادلانه می‌داند معین خواهد کرد .

فصل ششم

تصفیهٔ مسالمت آمیز اختلافات

(مادهٔ ۳۳)

۱ـ طرفین هراختلاف که دوام آن ممکن است باعث تهدید نگاهداری صلح و امنیت بین‌المللی گردد باید قبل از هرچیز حل آنرا از مجرای مذاکرات: بازرسی ـ میانجیگری ـ آشتی ـ داوری ـ تصفیهٔ قضائی ـ مراجعه بمؤسسات یا قراردادهای محلی ویا بوسائل مسالمت آمیز دیگری بانتخاب خود جستجو نمایند .

شورای امنیت اگر مقتضی بداند طرفین را دعوت مینماید که اختلافات خود را بدینگونه وسائل تصفیه کنند .

(مادهٔ ۳۴)

شورای امنیت میتواند نسبت بهر اختلاف یاهر وضعیتی که ممکن است بین ملتها باعث یك اختلاف گشته ویا تولید یك اختلاف کند بازرسی نماید تامعین سازد که آیا دوام این اختلاف یا این وضعیت بنظر او برای حفظ صلح وامنیت بین‌المللی تهدیدآمیز میباشد یا نه .

(مادهٔ ۳۵)

۱ـ هرعضو سازمان میتواند توجه شورای امنیت یا مجمع عمومی رانسبت بیك اختلاف یا وضعیتی که درمادهٔ ۳۴ ذکرشده است جلب کند .

۲ـ دولتی که عضو سازمان نیست میتواند توجه شورای امنیت یا مجمع عمومی را نسبت بهر اختلافیکه در آن طرف میباشد جلب نماید مشروط براینکه قبلاً بمنظور خاتمهٔ این اختلاف تعهدات تصفیه مسالمت آمیز را که در این منشور پیش بینی شده است قبول کند .

۳ـ اعمال مجمع عمومی مربوط باموریکه طبق این ماده توجه اورا بآن معطوف ساخته‌اند تابع مقررات مادهٔ ۱۱و۱۲ میباشد .

(مادهٔ ۳۶)

۱ـ شورای امنیت میتواند در هرموقع از جریان اختلافی که ازسنخ مذکور

در مادهٔ ۳۳ میباشد یا وضعیتی شبیه بآن ، طریق عمل یا طریق تصفیه‌ای را که مناسب آن باشد توصیه نماید .

۲ـ شورای‌امنیت باید طرزعملی راکه قبلا طرفین برای حل این اختلاف‌اتخاذ کرده‌اند طرف توجه قراردهد .

۳ـ شورای امنیت باید درحین اقدام‌بتوصیه‌هائیکه دراین ماده پیش‌بینی شده‌است این نکته را نیزمنظور نظرداردکه بطورکلی اختلافات‌قضائی‌را بایدطرفین‌طبق مقررات اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی دادگستری بدیوان مزبور رجوع کنند .

(مادهٔ ۳۷)

۱ـ هرگاه طرفین یك اختلاف که ازسنخ‌مذکور درمادهٔ ۳۳ میباشد نتوانندآنرا بوسایل مندرج درآن ماده حل نمایند بایدآنرا بشورای امنیت‌رجوع کنند.

۲ـ هرگاه شورای امنیت تشخیص دهدکه دوام اختلاف ممکن است عملاحفظ صلح وامنیت بین‌المللی راتهدید کند تصمیم میگیردکه آیا باید بمنظوراجرای مادهٔ ۳۶ رفتارنماید یا هرطریق دیگری راکه مناسب موضوع میداند توصیه کند .

(مادهٔ ۳۸)

هرگاه تمام اطراف اختلاف تقاضا نمایند شورای امنیت میتواند بمنظور تصفیهٔ مسالمت‌آمیزاختلاف بآنها توصیه‌هائی بنماید بدون اینکه‌بااین ترتیب‌بمقررات مادهٔ۳۳ تا ۳۷ لطمهٔ واردآورد .

فصل هفتم

اقداماتیکه درموارد تهدید برعلیه صلح یا برهم زدن صلح واقدام به تجاوز بعمل خواهدآمد

(مادهٔ ۳۹)

شورای امنیت وجود تهدید برعلیه صلح یابرهم زدن صلح یا اقدام به تجاوز را تشخیص داده وتوصیه‌هائی میکند ویـا تصمیم میگیردکـه برای حفظ یا استقرار صلح و امنیت‌بین‌المللی چه اقداماتی باید برطبق مواد ۴۱ و۴۲ بعمل آورد .

(مادهٔ ۴۰)

برای جلوگیری ازاینکه‌وضعیت وخیم‌نشود شورای امنیت میتواند قبل ازآنکه

طبق مادهٔ ۳۹ مبادرت بتوصیه یا تصمیم باتخاذ اقدامی‌بنماید طرفهای‌ذینفع‌را دعوت کند که برطبق اقدامات موقتی که شورا لازم ویا مطلوب میداند رفتار نمایند این اقدامات موقت نسبت بحقوق یا ادعا ویا وضعیت طرفین بهیچوجه خلل وارد نمی‌آورد.درصورت عدم اجرای اقدامات موقت شورای امنیت این‌قصوررا کما هوحقه منظور نظرمیدارد.

(مادهٔ ۴۱)

شورای امنیت برای عملی ساختن تصمیمات خود میتواند تصمیم باقداماتی که مستلزم بکاربردن نیروی مسلح نمی‌باشد بگیرد و اعضاء ملل متحد را دعوت نماید که آن اقدامات را بموقع‌عمل گذارند اقدامات مزبور ممکن است شامل‌قطع تمام یا قسمتی‌از روابط اقتصادی ویا ارتباط راه‌آهنی ـ بحری ـ هوائی ـ پستی ـ تلگرافی‌با سیم یابی‌سیم وسایروسائل ارتباطی وهمچنین قطع روابط سیاسی‌باشد .

(مادهٔ ۴۲)

هرگاه شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش بینی شده و در مادهٔ ۴۱ ممکن است نامتناسب بوده و یا در عمل غیر متناسب بودن آن معلوم گردد می‌تواند بوسیلهٔ قوای هوائی یا دریائی و یا زمینی عملیاتی راکه برای نگاهداری یا برقراری صلح وامنیت بین‌المللی‌لازم‌بداند انجام دهد . این عملیات ممکن است شامل تظاهرات نظامی ویا اقدامات محاصره‌ای و یا عملیات دیگری که بوسیلهٔ قوای هوائی یا دریائی و یا زمینی اعضاء ملل متحد انجام میگیرد باشد .

(مادهٔ ۴۳)

۱ ـ برای شرکت در حفظ صلح وامنیت بین‌المللی،تمام اعضاء ملل متحد متعهد میشوند که بنابر دعوت شورای امنیت بر طبق قرارداد یا قرار داد های خاص نیروهای مسلح و وسائل معاضدت و تسهیلات منجمله حق عبوررا که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری‌است در اختیار شورای امنیت بگذارند .

۲ ـ قرداد یا قردادهای مذکور درفوق تعداد ونوع ومیزان تعلیمات وقرارگاه های عمومی‌این نیروها را معین وهمچنین نوع تسهیلات ومعاضدت‌هائی راکه باید بعمل آید مشخص مینماید .

۳ـ قرارداد یا قراردادها بنابرابتکار شورای امنیت هرچه زود ترمورد مذاکره واقع شده وبین شورای‌امنیت وپاره‌ای ازاعضاء سازمان ویابین شورای امنیت ودسته‌ای‌از اعضاء سازمان‌بسته‌خواهد شد. این‌قراردادها رادولتهای امضاء کننده باید برطبق‌مقررات قوانین اساسی‌خود تصویب کنند .

(مادهٔ ۴۴)

وقتی کـه شورای امنیت تصمیم باستعمال قوهٔ قهریه مینماید باید قبل از دعوت عضوی که درشورای امنیت نماینده ندارد باینکه قوای‌مسلح‌خود را دراجرای تعهدات کـه طبق مادهٔ ۴۳ نموده است بکار برد از عضو مزبور در صورتیکـه اظهار تمایل کند درخواست نماید تا درتصمیمات شورای امنیت مربوط باستعمال نیروی مسلح آن عضو شرکت کند .

(مادهٔ ۴۵)

برای اینکه سازمان بتواند اقدامات فوری نظامی‌بعمل‌آورد بعضی ازاعضاء ملل متحد باید قسمتی‌ازنیروهای ملی‌هوائی‌خود راکه قابل استفادهٔ فوری‌باشد جهت اجرای مشترك عملیات قهری بین‌المللی حاضر نگاهدارند .

درحدودیکه درقرارداد یا قرارداد های خاص مذکور درمادهٔ ۴۳ پیش‌بینی شده است شورای‌امنیت‌باکمك کمیتهٔ ستاد،اهمیت ودرجهٔ تعلیمات این‌نیروها را تعیین‌ونقشه‌های راجع بعملیات مشترك آنها را تنظیم مینماید .

(مادهٔ ۴۶)

نقشه‌های استعمال‌نیروی‌مسلح را شورای امنیت باکمك ستادتنظیم خواهد نمود.

(مادهٔ ۴۷)

۱ـ کمیتهٔ ستادی‌تأسیس‌میشود تادرآنچه که مربوط بوسائل ازنوع‌نظامی‌است که شورا برای نگاهداری صلح و امنیت بین المللی لازم دارد وهمچنین درآنچه که مربوط باستعمال وفرماندهی قوای هوائی‌است که باختیارشوراگذاشته شده ویا مربوط به تنظیم تسلیحات ویا خلع سلاح احتمالی است باشورای امنیت مشاوره ومعاضدت نماید .

۲ـ کمیتهٔ ستاد مرکب است از رؤسای ستاد و اعضاء دائمی شورای امنیت ویا نمایندگان‌آنها. کمیتهٔ مزبور هرعضو ملل متحد راکه در آن کمیته بطور دائم نماینده

ندارد هروقت که شرکت آن عضو در کارهای کمیته برای حسن اجرای وظایف اولازم باشد دعوت مینماید که با اومشارکت کند .

۳ـ کمیتهٔ ستاد تحت اقتدار شورای امنیت مسئول ادارهٔ سوق الجیشی کلیهٔ قوای مسلحی است که در اختیار شورا گذاشته میشود مسائل مربوط بفرماندهی این قوا بعداً تنظیم خواهد شد .

۴ـ کمیته‌های فرعی ستاد ممکن است با اجازهٔ شورای امنیت وپس ازمشاوره با مؤسسات محلی مربوطه تأسیس شود .

(مادهٔ ۴۸)

۱ـ اقدامات ضروری برای اجرای تصمیمات شورای امنیت جهت نگاهداری صلح وامنیت بین‌المللی طبق تشخیص شورا بوسیلهٔ تمام اعضاء ملل‌متحد یا بعضی از آنان بعمل خواهد آمد .

۲ـ این تصمیمات را اعضاء ملل‌متحد مستقیماً وبوسیلهٔ عملیات خود درمؤسسات بین‌المللی مربوطه که عضو آن میباشند اجراء خواهند نمود .

(مادهٔ ۴۹)

اعضاء ملل متحد تشریك مساعی مینمایند که در اجرای اقدامات متخذ از طرف شورای امنیت بیکدیگر معاضدت نمایند .

(مادهٔ ۵۰)

هرگاه دولتی مشمول اقدامات احتیاطی ویا قهری شورای امنیت گردد هردولت دیگرخواه عضوملل متحد باشد یانباشد اگردر نتیجهٔ این اقدامات با مشکلات اقتصادی خاصی مواجه شود حق دارد با شورای امنیت در خصوص حل این مشکلات مشورت نماید .

(مادهٔ ۵۱)

درصورتیکه یك عضوملل‌متحد مورد تجاوز مسلحانه واقع‌شود هیچیك‌ازمقررات این منشوربه حق طبیعی دفاع مشروع انفرادی یا اجتماعی تا موقعی که شورای امنیت اقدام لازم برای‌حفظ صلح‌وامنیت بین‌المللی‌بعمل‌آورد لطمه‌وارد نخواهدآورد.اقداماتی راکه اعضاء برای اجرای حق دفاع مشروع بعمل میآورند باید فوراً بشورای امنیت

اطلاع دهند ولی این اقدامات بهیچوجه دراختیارات ووظایفی که شورا برطبق این منشور دارد وبموجب آنها درهرموقع روشی را که برای حفظ ویا اعادهٔ صلح وامنیت بین‌المللی لازم میداند میتواند اتخاذ کند تأثیری نخواهد داشت .

فصل هشتم

قراردادهای ناحیه ای
(مادهٔ ۵۲)

۱ـ هیچیك ازمقررات این منشور نباید ازوجود قرارداد یامؤسسات ناحیه‌ای که بمنظور تصفیهٔ کارهائی که مربوط به‌نگاهداری صلح‌وامنیت بین‌المللی‌بوده ومیتواندمورد عملیات ناحیه‌ای گردد ممانعت کند مشروط براینکه آن‌قرارداد یامؤسسات وفعالیت آنها با مرام واصول ملل متحد مخالف نباشد .

۲ـ اعضاء ملل‌متحد که این‌نوع‌قراردادها را منعقد مینمایند واین نوع‌مؤسسات را تشکیل میدهند باید قبل ازمراجعه بشورای امنیت تمام مساعی خود را بکاربرند تا بوسیلهٔ‌این‌قراردادهایا مؤسسات اختلافات محلی را تصفیه نمایند .

۳ ـ شورای امنیت بنابر ابتکار دولتهای ذینفع یا بنابر ارجاع از طرف خود پیشرفت تصفیهٔ مسالمت آمیز، اختلافات را بوسیلهٔ‌این قراردادها یا مؤسسات ناحیه‌ای تشویق مینمایند.

۴ـ این ماده بهیچوجه مانع اجرای مواد ۳۴ و۳۵ نخواهد بود .

(مادهٔ ۵۳)

۱ـ شورای‌امنیت لدی‌الاقتضاء ازاین‌قراردادها یامؤسسات ناحیه‌ای برای‌اجرای عملیات قهری که در تحت اقتدار او انجام میگیرد استفاده خواهد نمود . معهذا اقدام بهیچگونه عملیات قهری‌باستناد این قراردادها یامؤسسات ناحیه‌ای بدون اجازهٔ شورای امنیت بعمل‌نخواهدآمد.عملیاتی که دراجرای‌مادهٔ ۱۰۷ویا بموجب قراردادهای‌ناحیه‌ای برای جلوگیری از تجدید یك سیاست تجاوزآمیزاز طرف هر کشور دشمن که درفقرهٔ دوم این ماده تعریف شده بعمل‌آید ازاین ترتیب‌مستثنی خواهد بود تازمانیکه سازمان طبق پیشنهاد کشورهای ذینفع بتواند جلوگیری از هرگونه تهاجم مجدد ازطرف ناحیهٔ چنین کشوردشمنی را بعهده گیرد .

۲ـ عبارت (کشور دشمن) که در فقرهٔ اول این ماده ذکـرشده است شامل هر کشوری است که درحین دومین جنگ جهانی دشمن یکی ازامضاء کنندگان این منشور بوده است.

(مادهٔ ۵۴)

عملیاتیکه بموجب قراردادها یابوسیلهٔ مؤسسات ناحیه‌ای برای نگاهداری صلح وامنیت بین‌المللی‌منظور ویا مجری‌میگردند باید کاملاً باطلاع شورای امنیت برسد.

فصل نهم

همکاری اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی

(مادهٔ ۵۵)

بمنظورایجاد موجبات ثبات وآسایشی که‌برای تأمین روابط مودت ومسالمت بین ملل‌لازم است وباید براساس‌احترام اصل تساوی حقوق‌آنها وحق اقدام درتعیین آزادانهٔ سرنوشت خود استوار باشد ملل متحد امورزیرا تشویق خواهند نمود:

الف ـ بالا بردن سطح زنـدگی و کار مکفی و موجبات ترقی و توسعهٔ امـور اقتصادی و اجتماعی.

ب ـ حل مسائل بین‌المللی ازسنخ اقتصادی واجتماعی و بهداشت عمومی و سایر مسائل مربوط بآنها وهمکاری بین المللی درمحیط فرهنگی وتربیتی.

ج ـ احترام جهانی وحقیقی حقوق بشروآزادی هائی کـه برای همه کس اساسی است بدون تفاوت نژاد یاجنس یازبان یامذهب.

(مادهٔ ۵۶)

بمنظور رسیدن بهدف های مذکور درمادهٔ ۵۵ اعضاء متعهد میشوندکـه خواه منفرداً و خواه مجتمعاً با سازمان همکاری نمایند.

(مادهٔ ۵۷)

ی ـ مؤسسات تخصصی مختلفه کـه بوسیلهٔ قراردادهای بین الدول ایـجاد وطبق اساسنامه‌های خود درمحیط اقتصادی واجتماعی و فرهنگی وتربیتی وبهداشت عمومی و سایرامورمربوط بآنها دارای تکالیف بین‌المللی میباشند برطبق مقررات مادهٔ ۶۳ وابسته سازمان خواهند بود.

۲ـ مؤسساتی که بدین طریق بسازمان بستگی‌میبابند ذیلاتحت عنوان مؤسسات تخصصی ذکر خواهند شد .

(مادهٔ ۵۸)

سازمان بمنظور یکنواخت ساختن برنامه هـا و فعالیت های مؤسسات تخصصی توصیه‌هائی خواهد کرد .

(مادهٔ ۵۹)

بمنظور ایجاد مؤسسات تخصص تازه کـه برای رسیدن به هدفهای مذکور در مادهٔ ۵۵لازم‌باشند سازمان عندالاقتضا موجبات مذاکرات بین کشورهای ذینفع را فراهم خواهد آورد .

(مادهٔ ۶۰)

مجمع عمومی وشورای اقتصادی واجتماعی که درتحت اقتداراواست وبرای این منظوردارای اختیارات مذکوردرفصل دهم می‌باشد مأموریت دارند وظایفی راکـه در این فصل برای سازمان ذکر گردیده انجام دهند .

فصل دهم

شورای اقتصادی و اجتماعی

(مادهٔ ۶۱)

۱ـ شورای اقتصادی و اجتماعـی مرکبست ازهیجده عضو ملل متحدکه مجمع عمومی‌آنها را انتخاب مینماید .

۲ـ با رعایت مقررات فقرهٔ سوم شش عضو شورا همه سالـه برای مدت سه سال معین میشوند.

اعضائی که خارج میگردند قابل انتخاب مجدد میباشند .

۳ـاعضاء هجده گانهٔ شورای اقتصادی واجتماعی‌درانتخابات اول‌معین میگردند .

دورهٔ انتخابی شش عضودرآخریکسال ودورهٔ انتخابی شش عضودیگر درآخر دو سال بنحویکه ازطرف مجمع عمومی مقررمیشود خاتمه میبابد .

۴ـ هرعضوشورای اقتصادی و اجتماعی یك نماینده درآن شورا خواهد داشت .

مشاغل و اختیارات

(مادهٔ ۶۲)

۱ـ شورای اقتصادی و اجتماعی میتوانـد در مسائل بین المللی مربـوط بامور

اقتصادی واجتماعی وفرهنگی وتربیتی وبهداشت عمومی ویا امور مرتبط دیگرمطالعات نموده ویا موجبات مطالعات و تقدیم گزارشهائی را درامور مذکور فراهم آورد و در مورد کلیهٔ آن مسائل بمجمع عمومی و باعضاء سازمان و بمؤسسات تخصصی ذینفع توصیه‌هائی بنماید .

۲ـ شورای اقتصادی واجتماعی میتواند بمنظورتأمین احترام واقعی حقوق بشر وآزادی‌هائی که برای همه کس اساسی می‌باشند توصیه‌هائی بنماید .

۳ـ شورای اقتصادی واجتماعی میتواند برطبق اصولی که سازمان مقرر میدارد راجع بمسائلی که داخل‌درصلاحیت اومیباشد بدعوت کنفرانسهای بین‌المللی‌اقدام‌نماید.

(مادهٔ ۶۳)

۱ـ شورای اقتصادی واجتماعی میتواند با هریك ازمؤسسات مذکوردرمادهٔ ۵۷ بمنظورتعیین‌شرائط وابستگی‌آن مؤسسه‌بسازمان‌قراردادهائی‌منعقد سازد. این‌قراردادها باید بتصویب مجمع عمومی برسد .

۲ـ شورای مزبورمیتواندباجلب موافقت مؤسسات‌تخصصی‌ویابوسیلهٔ‌توصیه‌هائی که بآنها مینماید و همچنین بوسیلهٔ توصیه هائیکه بمجمع عمومی و باعضاء ملل متحد میکند فعالیتهای مؤسسات مزبور را هم‌آهنگ سازد .

(مادهٔ ۶۴)

۱ ـ شورای اقتصادی و اجتماعی میتواند بمنظور دریافت گزارشهای مرتب مؤسسات تخصصی‌هراقدام مفیدی بعمل‌آورد و نیزمیتواند بمنظور دریافت‌گزارشهائی راجع باقداماتی‌که دراجرای توصیه های خود شوار ویا توصیه‌های مجمع عمومی در مورد امور داخل در صلاحیت شورا شده است با اعضاء سازمان و یا مؤسسات‌تخصصی توافق حاصل نماید .

۲ ـ شورای مزبور میتواند نظریات خودرا نسبت بگزارشهای مزبور بمجمع عمومی بفرستد .

(مادهٔ ۶۵)

شورای اقتصادی واجتماعی میتواند اطلاعاتی بشورای امنیت داده واگرشورای امنیت تقاضا نماید با او معاضدت کند .

(مادهٔ ٦٦)

۱ ـ شورای اقتصادی و اجتماعی دراجرای توصیه‌های مجمع عمومی کلیهٔ وظایف داخل درصلاحیت خود را ایفا خواهد نمود .

۲ـ شورای مزبور میتواند با تصویب مجمع عمومی خدماتیرا که اعضاء سازمان ویا مؤسسات تخصصی از وی بخواهند انجام دهد .

۳ـ شورای اقتصادی و اجتماعی سایروظایفی راکه بموجب قسمتهای دیگراین منشور بعهدهٔ اومحول است یا ممکن است ازطرف مجمع عمومی باومحول گرددانجام خواهد داد .

رأی

(مادهٔ ٦٧)

۱ـ هرعضوشورای اقتصادی واجتماعی دارای یك رأی میباشد .

۲ـ تصمیمات شورای اقتصادی واجتماعی باکثریت آراء اعضاء حاضرورأی دهنده گرفته میشود .

آئین کار

(مادهٔ ٦٨)

شورای اقتصادی و اجتماعی کمیسیونهائی برای مسائل اقتصادی واجتماعی وترقی حقوق بشر و همچنین کمیسیونهای دیگری که برای اجرای مأموریت خودلازم میداند تأسیس مینماید .

(مادهٔ ٦٩)

وقتیکه شورای اقتصادی واجتماعی موضوعی را بررسی مینماید که یکی ازاعضاء سازمان مخصوصاً درآن ذینفع میباشدآن عضو را دعوت میکند که درمذاکرات شورا شرکت نماید بدون اینکه حق رأی داشته باشد .

(مادهٔ ۷۰)

شورای اقتصادی واجتماعی میتواند بمنظوراینکه نمایندگان مؤسسات تخصصی درمذاکرات خود شورا یا درمذاکرات کمیسیونهای آن بدون داشتن حق رأی شرکت نمایند ویانمایندگان شورا در مذاکرات مؤسسات مزبور شرکت‌داشته باشندمقرراتی اتخاذ کند .

(مادهٔ ۷۱)

شورای اقتصادی واجتماعی میتواندبرای مشاوره بامؤسسات غیردولتی که بامور داخل درصلاحیت شورا اشتغال دارندهر گونه مقررات مفیدی رااتخاذنماید. این مقررات ممکن است شامل مؤسسات بین‌المللی و عندالاقتضاء پس‌ازمشورت با عضوذینع سازمان شامل مؤسسات ملی بشود .

(مادهٔ ۷۲)

۱ـ شورای اقتصادی واجتماعی آئین نامهٔ داخلی‌خود را تنظیم ودر آن طرز تعیین رئیس خود را معین مینماید .

۲ـ شورای نامبرده برحسب احتیاجات طبق آئین نامهٔ مزبور منعقد میشود، این آئین نامه متضمن مقرراتی خواهد بود که دعوت شورا را بنا بتقاضای اکثریت اعضاء آن پیش‌بینی میکند .

فصل یازدهم

اعلامیه راجع بسرزمین هائیکه خود مختاری ندارند

(مادهٔ ۷۳)

اعضاء ملل‌متحد که مسئولیت اداره کردن سرزمینهائی را دارا یا عهده‌دارشده‌اند کـه اهالی‌آنجا هنوز کاملاً خود را اداره نمیکنند بـه اصل اولویت منافع اهالی این سرزمین‌ها اعتراف کرده ومساعدت درترقی‌آنها را درحد اعلای امکان ودرحدود اصول صلح وامنیت بین‌المللی مقرر دراین منشور بعنوان یك مـأموریت مقدس قبول و تعهد مینمایند وبا این منظور متقبل میشوند :

الف ـ با احترام بخصوصیات فرهنگی اهالی‌سرزمینهای مذکور ترقی سیاسی و اقتصادی واجتماعی وهمچنین توسعهٔ تعلیمات‌آنها را تأمین وباآنها ازروی نضفت رفتارو درمقابل تعدیات از آنان حمایت کنند .

ب ـ در حدودیکه با اوضاع خاص هرسرزمین و اهالی آنجا وبا مدارج مختلف ترقی آن متناسب باشد استعداد آنها را برای اداره نمودن خـود توسعه داده و آمال سیاسی‌آنها را رعایت کرده ودرتوسعهٔ تدریجی مؤسسات سیاسی‌آزادآنها کمك نمایند .

ج ـ صلح وامنیت عمومی را تحکیم کنند .

د ـ اقداماتی راکـه موجب ترقی میشود طرف توجه قرار داده وامور مربوط باکتشافات وتحقیقات را تشویق وبمنظورنیل حقیقی بمقاصد اجتماعی واقتصادی وعلمی که دراین ماده ذکرشده استبایکدیگروهنگامیکه موجبات آن فراهم گردد بامؤسسات تخصصی بین المللی همکاری نمایند .

هـ ـ اطلاعات آماری و غیرآنرا کـه جنبهٔ فنی داشته باشد و مربـوط به وضعیت اقتصادی یا اجتماعی یا تعلیمی سرزمینی است که هریك مسئولیت آنر بعهده دارند بغیر ازسرزمینهائی کـه مشمول فصل دوازدهم و سیزدهم میباشد به رئیس کل دبیرخانه بدهند مگردرمواردیکهافشاءآن اطلاعات منافیحفظ امنیت بوده ویا ازنقطهٔ نظرقوانیناساسی مانعی داشته باشد .

(مادهٔ ۷۴)

اعضاء سازمان باین نکته اعتراف مینمایندکه سیاستآنها خواه در سرزمینهائی که مشمول این فصل میباشند وخواه در کشورمرکزی خودآنها باید درمحیط اجتماعی واقتصادی وتجاری بامنظورداشتن منافع وترقیات سایرنقاط جهان برروی‌اصل‌کلی‌حسن جوار مبتنی باشد .

فصل دوازدهم

اصلوب بین المللی قیمومت

(مادهٔ ۷۵)

سازمان ملل‌متحد تحت نظرخود یك اسلوب بین‌المللی قیمومت برقرارخواهد کرد تا سرزمین هائی راکه ممکن است برطبق قرارداد های خصوصی بعدی تحت این اسلوب درآیند اداره و نظارت نماید این سرزمینها ذیـلاً سرزمینهای تحت قیمومت نامیده خواهند شد .

(مادهٔ ۷۶)

مقاصد اساسی قیمومت بر طبق مرامهای ملل متحد که درمادهٔ اول این منشور ذکرشده ازقرار زیراست :

الف ـ تحکیم صلح و امنیت بین المللی .

ب ـ مساعدت بترقی‌سیاسی واقتصادی واجتماعی‌اهالی سرزمینهای‌تحت قیمومت

وهمچنین توسعهٔ تعلیمات درمیان آنها ونیز مساعدت در تکامل تدریجی آنها تا اینکه باتوجه باوضاع خصوصی هرسرزمین واهالی آن ورعایت تمایلاتیکه ازطرف اهالی ذینفع آزادانه ابرازشود و مقرراتیکه ممکن است در هرقرارداد قیمومت پیش بینی گردد برای ادارهٔ خود ونیل به استقلال مستعد گردند .

ج ـ تشویق حس احترام حقوق بشروآزادیهائیکه برای عموم اساسی میباشند بدون تمایزنژادی وجنسی وزبانی ومذهبی وتقویت این‌معنی که تمام ملل‌جهان نیازمند یکدیگرمیباشند .

د ـ تأمین معاملهٔ متساوی درامور اجتماعی‌واقتصادی وتجاری نسبت بتمام اعضاء سازمان واتباع آنها وهمچنین معاملهٔ متساوی دراجرای عدالت‌نسبت به اتباع‌مزبوربدون وارد آوردن لطمه بتحقق مقاصد مذکور در فوق وبارعایت مقررات مادهٔ ۸۰ .

(مادهٔ ۷۷)

۱ـ اسلوب قیمومت شامل سرزمین‌هائی میشودکه داخل درطبقات زیربوده و بموجب‌قرارداد های قیمومت ممکن است تحت این اسلوب درآیند :

الف ـ سرزمینهائیکه‌فعلاً تحت سرپرستی هستند.

ب ـ سرزمین هائیکه ممکن است بر اثر دومین جنگ جهانی از دولت های دشمن مجزا گردد .

ج ـ سرزمین‌هائیکه دولت مسئول ادارهٔ‌آنها بمیل خودآنها را تحت این اسلوب قرار میدهد .

۲ـ یك قرارداد بعدی معین‌خواهد کرد که کدام یك ازسرزمینها داخل درطبقات مذکوردرفوق وباچه شرایطی تحت اسلوب قیمومت درخواهند آمد .

(مادهٔ ۷۸)

اسلوب قیمومت شامل کشورهائیکه عضوملل‌متحد شده‌اند نبوده وروابط‌بین‌آنها براساس احترام اصل تساوی حق حاکمیت آنها مبتنی خواهد بود .

(مادهٔ ۷۹)

خاتمهٔ اسلوب قیمومت نسبت بهریك ازسرزمینهائیکه‌تحت این‌اسلوب درمیایند وهمچنین تغییرات واصلاحاتیکه ممکن‌است درآن اسلوب بعمل‌آید موضوع قراردادی خواهدبود که مستقیماًبین کشورهای‌ذینفع‌منعقد گشته وطبق‌مواد۸۳ و۸۵بتصویب‌خواهد

رسید. درمورد سرزمینهای تحت قیمومت یکی‌ازاعضاء ملل متحد کشورقیم نیزازجمله کشورهای ذینفع بشمارمیآید.

(مادهٔ ۸۰)

۱ـ باستثنای آنچه که ممکن است در قراردادهای مخصوص قیمومت که برطبق مواد ۷۷ و۷۹ و ۸۱ منعقدشدو هرسرزمین‌را تحت اسلوب قیمومت در می‌آورد وتا زمانیکه این قراردادها منعقد گردند هیچیك ازمقررات این فصل نباید طوری تعبیرشود که مستقیماً یا بطورغیر مستقیم درحقی ازحقوق یك کشور ویا یك قوم ویا در مقررات اسناد بین‌المللی که‌ممکنست‌بعضی‌ازاعضاء سازمان درآن‌طرف بوده وفعلامجری میباشند تغییری وارد شود.

۲ـ فقرهٔ اول این‌ماده نباید طوری‌تعبیرشود که درمذاکرات وانعقاد قراردادهای مربوط بسرزمینهای تحت سرپرستی ویا سرزمینهای دیگری که بنحومذکوردرمادهٔ۷۷ ممکنست تحت اسلوب قیمومیت درآید تأخیریا تعطیلی حاصل گردد.

(مادهٔ ۸۱)

قرارداد قیمومت درهرمورد شامل‌شرایطی خواهد بود که بموجب‌آن سرزمین تحت قیمومت اداره میگردد ومقامی‌را هم که ادارهٔ‌آن سرزمین را تأمین مینمایدمعین خواهد کرد.این‌مقام که ذیلاً مقام‌مأموراداره‌نامیده میشود ممکنست عبارت ازیك یاچند کشوریا خود سازمان باشد.

(مادهٔ ۸۲)

قرار داد قیمومت ممکن است یك یـا چند منطقهٔ سوق الجیشی معین کند کـه شامل تمام یا قسمتی ازسرزمین تحت قیمومت موضوع‌آن قرارداد باشد بدون این‌که این ترتیب بقرار داد هـای خاصی کـه برای اجرای مـادهٔ ۴۳ منعقد می‌گردد لطمه وارد سازد.

(مادهٔ ۸۳)

۱ ـ در مـورد منطقـه هـای سوق الجیشی تمـام اختیارات ووظایف مربوط بسازمان‌که تصویب‌متن قراردادهای قیمومت و همچنین تغییر و اصلاح احتمالی‌قرار دادهای مذکور از آن جمله است بوسیلهٔ شورای امنیت اعمال می‌گردد.

۲ ـ مقاصد اساسی مذکور در مادهٔ ۷۶ در مورد اهالی منطقه‌های سوق‌الجیشی نیز مرعی خواهند بود .

۳ ـ شورای امنیت در اجرای وظایف و اختیاراتیکه بموجب اسلوب قیمومت در امور سیاسی و اقتصادی واجتماعی و همچنین درامور فرهنگی مناطق سوق الجیشی بعهدهٔ سازمان محول شده است با توجه بمقررات قرارداد های قیمومت وبا رعایت ضروریات امنیت بشورای قیمومت مراجعه واستعانت خواهدکرد .

(مادهٔ ۸۴)

مقام مأموراداره مکلف است مراقبت نماید که‌سرزمین تحت قیمومت درحفظ صلح وامنیت بین المللی تشریك مساعی نماید و برای این منظورمقام مزبورمیتواند از قسمت‌های سربازان داوطلب وتسهیلات ومساعدت سرزمین تحت قیمومت استفاده کند تا اینکه بتواند تعهداتی راکه ازاین حیث درمقابل شورای امنیت دارد ایفاء وهمچنین دفاع محلی وحفظ نظم را درداخل آن سرزمین تأمین نماید .

(مادهٔ ۸۵)

۱ـ انجام حقوق و وظایف سازمان در آنچه که راجع بقرارداد های قیمومت مربوط به‌کلیهٔ مناطقیست که منطقهٔ سوق‌الجیشی شناخته نشده است بعهدهٔ مجمع عمومی می‌باشد تصویب متن قرارداد های مذکور و تغییر واصلاح آنها نیز جزو این حقوق و وظایف است .

۲ـ شورای قیمومت که درتحت اقتدار مجمع عمومی انجام وظیفه مینماید در انجام وظایف مجمع مزبوربآن مجمع مساعدت مینماید .

فصل سیزدهم

شورای قیمومت

ترکیب

(مادهٔ ۸۶)

۱ـ شورای قیمومت از اعضاء ملل متحد که ذیلاً معین می‌گردد مرکب خواهد شد .

الف ـ اعضائیکه مأموریت ادارهٔ سرزمین های تحت قیمومت را بعهده دارند .

ب ـ اعضائیکه در مادهٔ ۲۳ باسم معین شده‌اند و سرزمین تحت قیمومتی را اداره نمیکنند .

ج ـ آن عده ازاعضائیکه‌ازطرف مجمع‌عمومی‌برای‌مدت سه سال انتخاب میشوند تا اینکه مجموع عدهٔ اعضاء شورای قیمومت بین اعضائیکه ادارهٔ سرزمین های تحت قیمومت را بعهده دارند و آنهائی که ندارند متساویاً تقسیم گردد .

۲ـ هریك ازاعضاء قیمومت شخصی راکه صلاحیت مخصوص داشته باشد معین میکندکه درشورای قیمومت نمایندهٔ او باشد .

مشاغل واختیارات

(مادهٔ ۸۷)

مجمع عمومی و شورای قیمومت درتحت اقتدار او میتوانند دراجرای مشاغل خود بامور ذیل اقدام کنند .

الف ـ درگزارشهائیکه ازطرف مقام مأمور اداره داده میشود بررسی‌نمایند .

ب ـ عرض حالهائی دریافت کرده وآن‌ها را بامشاوره بامقام مزبورمورد بررسی قرار دهند .

ج ـ سرزمینهائی‌راکه بوسیلهٔ مقام مذکور اداره میشود مرتباً درمواعدی‌که با موافقت آن مقام معین میگردد سرکشی نمایند .

د ـ این اقدامات وهراقدام دیگری را بروفق متن قرارداد های قمیومت بعمل آورند .

(مادهٔ ۸۸)

شورای قیمومت پرسشنامه ای در خصوص ترقیات اهالی هر سر زمین تحت قیمومت در امورسیاسی واقتصادی واجتماعی وامورفرهنگی‌ترتیب میدهد.مقام مأمور ادارهٔ هر سرزمین تحت قیمومت‌که ادارهٔ آن داخل در صلاحیت مجمع عمومی است گزارش سالیانه‌که براساس پرسشنامهٔ مزبور مبتنی باشد بمجمع عمومی تقدیم میدارد.

رأی

(مادهٔ ۸۹)

۱ـ هر عضوشورای قیمومت دارای یك رأی می‌باشد .

۲ـ تصمیمات شورای قیمومت باکثریت اعضاء حاضر ورأی‌دهنده گرفته‌می‌شود.

آئین کار

(مادهٔ ۹۰)

۱ـ شورای قیمومت آئین نامهٔ داخلی خود را تصویب ودر آن طرز تعیین رئیس خود را معین مینماید .

۲ـ شورای مزبور برحسب ضرورت برطبق آئین نامهٔ خود تشکیل جلسه‌می‌دهد، دراین‌آئین نامه باید مقرراتی باشد که بموجب‌آن بتوان شورا را بنا بتقاضای اکثریت اعضاء آن تشکیل داد .

(مادهٔ ۹۱)

شورای قیمومیت درصورت لزوم از شورای اقتصادی و اجتماعی و همچنین از مؤسسات تخصصی در مسائلی که داخل درصلاحیت هریك از آنها باشد کمك میطلبد .

فصل چهاردهم

دیوان بین‌المللی دادگستری

(مادهٔ ۹۲)

دیوان بین‌الملل دادگستری رکن قضائی‌مهم ملل متحد راتشکیل‌میدهد،جریان اموردیوان مزبوربرطبق اساسنامه‌ایست که برمبنای اساسنامهٔ دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی تنظیم وباین منشورضمیمه گشته وجزء لاینفك‌آن میباشد .

(مادهٔ ۹۳)

۱ـ تمام اعضاء ملل متحد بخودی خود جزو قبول کنندگان اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی دادگستری‌میباشند .

۲ـ شرایطی که بموجب‌آن کشورهای‌غیرعضوسازمان میتوانند ازقبول کنندگان اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی دادگستری محسوب گردند درهرمورد بخصوص بنا بتوصیهٔ شورای امنیت بوسیلهٔ مجمع عمومی معین میگردد .

(مادهٔ ۹۴)

۱ـ هریك ازاعضاء ملل‌متحد متعهد می‌شود درهراختلافی که طرف باشد برطبق تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری عمل نماید .

۲ـ اگریکی ازطرفهای دعوی تعهداتیراکه بموجب حکم دیوان مزبور برای اوایجاد میشودبجانیاورد طرف دیگرمیتواند بشورایامنیت رجوع کند وشورایمزبور میتواند درصورتیکه مقتضی بداند توصیه‌هائی بکند ویابرای اجرایآن حکم تصمیماتی اتخاذ نماید .

(مادهٔ ۹۵)

هیچیك ازمقررات این منشورمانعازاینکه اعضاء سازمان اختلافات خود را برطبق قراردادهائی که فعلا موجود است ویا ممکن است در آتیه منعقد گردد بدادگاههای دیگر رجوع نمایند .

(مادهٔ ۹۶)

۱ـ مجمع عمومی و یا شورای امنیت میتوانند در هرمسئلهٔ قضائی از دیوان بین‌المللی دادگستری رأی مشورتی بخواهند .

۲ـ مؤسسه‌های دیگرسازمان ومؤسسه‌هایتخصصی نیز که میتوانند دریك موقع از طرف مجمع عمومی مجاز باین امر گردند حق دارند نسبت بمسائل قضائیکه ممکن است دردائرهٔ فعالیتآنها پیش‌آید از دیوان مزبور رأی مشورتی بخواهند .

فصل پانزدهم

دبیرخانه

(مادهٔ ۹۷)

دبیرخانه مرکب است از رئیس کل‌دبیرخانه وکارمندانیکه‌برای سازمان ضروری باشد،رئیس کل دبیرخانه را مجمع‌عمومی بنابتوصیهٔ شورایامنیت معین میکند،مشارالیه عالی‌مقامترین کارمند سازمان‌میباشد .

(مادهٔ ۹۸)

رئیس‌کل دبیرخانه بدین سمت در تمام جلسات مجمع عمومی و شورای امنیت و اقتصادی واجتماعی و شورای قیمومت ایفای وظیفه میکند وهرمأموریت دیگری راکه ازطرف ارکان مزبور باو رجوع شده باشد انجام میدهد و در مورد فعالیتهای سازمان بمجمع عمومی گزارش سالیانه میدهد .

(مادهٔ ۹۹)

رئیس کل دبیرخانه میتواند درهرامری که بنظراوممکن است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بخطراندازد توجه شورای امنیت را جلب کند .

(مادهٔ ۱۰۰)

۱ـ رئیس کل وکارمندان دبیرخانه درانجام وظایف خود ازهیچ دولت و هیچ مقام خارج سازمان دستوراتی نخواسته وتعلیماتی قبول نخواهند کرد.اشخاص مذکورازهر عملی که باسمت مأموریت بین المللی آنها منافی باشد خود داری کرده و فقط در مقابل سازمان مسئول خواهند بود .

۲ـ هریك ازاعضاء سازمان متعهد میشود که جنبهٔ کاملا وصرفاً بین المللی مشاغل رئیس کل وکارمندان دبیرخانه را محترم شمرده وبهیچوجه درصدد برنیاید که آنها را در انجام وظایف خود تحت نفوذ قراردهد .

(مادهٔ ۱۰۱)

۱ـ کارمندان بوسیلهٔ رئیس کل دبیرخانه وبرطبق قواعدی که ازطرف مجمع عمومی مقررمیشود معین میگردند .

۲ـ کارمندان ویژه‌ای بطوردائم بشورای اقتصادی واجتماعی وبشورای قیمومت وعندالاقتضا بسایرمؤسسات سازمان تخصیص خواهندیافت. این کارمندان جزو کارمندان دبیرخانه خواهند بود .

۳ـ نکتهٔ اصلی که باید در انتخاب کارمندان وتعیین شرایط استخدامی آنها طرف توجه گردد عبارت است از اینکه خدمات اشخاصیکه دارای عالیترین صفات کاردانی و صلاحیت ودرستی باشند مورد استفادهٔ سازمان قرار گیرد.اهمیت انتخاب کارمندان براساس جغرافیائی حتی‌المقدور وسیعی نیزبنحوشایسته طرف توجه واقع خواهد شد .

فصل شانزدهم

مقررات مختلفه

(مادهٔ ۱۰۲)

۱ـ هرعهد نامه یا قرارداد بین المللی که پس از لازم الاجراء شدن این منشور بوسیلهٔ یکی از اعضاء ملل متحد منعقد گردد باید هرچه زود تر بوسیلهٔ دبیرخانه ثبت و

منتشر شود ،

۲ـ هیچیك ازطرفهای یك عهدنامه یاقرارداد بین‌المللی که برطبق مقررات‌فقرهٔ اول این ماده بثبت نرسیده باشد نمیتواند در محضر ارکان یا مؤسسات سازمان بآن عهدنامه یا قرارداد استناد کند .

(مادهٔ ۱۰۳)

در صورت اختلاف بین تعهدات اعضاء ملل متحد بموجب این منشور و تعهدات آنها برطبق قراردادهای‌بین المللی دیگر تعهدات‌اولی‌اولویت‌خواهند داشت .

(مادهٔ ۱۰۴)

سازمان درخاك هریك ازاعضاء خود دارای اهلیت قضائی خواهد بود که برای انجام مشاغل ورسیدن بمقاصد اولازم میباشد .

(مادهٔ ۱۰۵)

۱ـ سازمان درخاك هریك ازاعضاء خود دارای مزایا ومصونیت‌هائی خواهدبود که برای رسیدن بمقاصد او لازم میباشد .

۲ـ نمایندگان اعضاء ملل متحد وکارمندان سازمان‌نیزدارای مزایا ومصونیتهای لازم خواهند بود تا مشاغلی را که مربوط بسازمان است بتوانند با نهایت استقلال انجام دهند .

۳ـ مجمع عمومی میتواند بمنظورتعیین جزئیات اجرای دوفقرهٔ اول و دوم این ماده باعضاء ملل‌متحد توصیه‌هائی بنماید ویا باآنها قراردادهائی منعقد نماید .

فصل هفدهم

مقررات موقت راجع بامنیت

(مادهٔ ۱۰۶)

تاموقع لازم الاجراء شدن قراردادهای خصوصی مذکور درمادهٔ ۴۳ که شورای امنیت را بنا بتشخیص خود برای‌تقبل مسؤلیت‌هائیکه بموجب مادهٔ۴۲ بعهده گرفته‌است مجاز وآماده مینماید. دولت های امضاءکننده اعلامیه چهار ملت که در۳۰ اکتبر۱۹۴۳ درمسکو بامضاء رسیده ودولت فرانسه بین خود و درصورت لزوم با سایراعضاء سازمان برطبق مقررات فقرهٔ پنجم اعلامیهٔ مزبورتوافق‌حاصل خواهندکرد تا بنام ملل متحد

عملیاتی را کـه ممکن است برای حفظ صلح و امنیت بین المللی لازم بـاشد مشترکاً انجام دهند .

(مادهٔ ۱۰۷)

هیچیك ازمقررات این منشورمانع عملیات ویا مؤثر درعملیاتی نخواهد بود که دردنبالهٔ دومین جنگ‌جهانی بوسیلهٔ دولتهائیکه مسئولیت این عملیات را دارند در قبال یکی ازدولتهائیکه درجنك مزبور دشمن یکی از امضاء کنندگان این منشور بوده است مجازیا معمول گردد .

فصل هیجدهم

اصلاحات

(مادهٔ ۱۰۸)

اصلاحات دراین منشورهنگامی‌برای‌تمام اعضاء ملل متحد لازم الاجراء خواهد بود که با کثریت دوثلث اعضاء مجمع عمومی قبول شده و ازطرف دوثلث اعضاء سازمان برطبق مقررات قوانین اساسی‌هر کدام ازآنهابتصویب برسد،دوثلث اخیرباید شامل‌اعضاء دائم شورای امنیت نیز باشند .

(مادهٔ ۱۰۹)

۱ـ برای تجدید نظردراین منشور ممکن است درمحل و درتاریخی که مجمع عمومی با کثریت دوثلث‌آراء و شورای امنیت با کثریت هفت رأی عادی معین مینمایند کنفرانسی‌تشکیل گردد . دراین کنفرانس هرعضوسازمان دارای یك رأی خواهد بود .

۲ـ هرتغییردراین منشور که کنفرانس آنرا با اکثریت دوثلث‌آراء توصیه نماید وقتی لازم الاجراء خواهد شد که دوثلث از اعضاء ملل متحد کـه شامل تمام اعضاء دائم شورای امنیت نیزباشدآنرا برطبق مقررات قوانین اساسی خود تصویب نمایند .

۳ـ هرگاه این کنفرانس قبل‌ازدهمین دورهٔ اجلاسیه سالیانهٔ مجمع‌عمومی منعقد نشود طرحی راجع بتشکیل‌آن دردستوردهمین دورهٔ اجلاسیه گذاشته‌خواهد شد واگر طرح مزبوردرمجمع‌عمومی با کثریت‌آراء ودرشورای امنیت با کثریت هفت رأی‌عادی تصویب گردد کنفرانس مزبورمنعقد خواهد شد

فصل نوزدهم

تصویب و امضاء

(مادهٔ ۱۱۰)

۱ـ این منشور بر طبق قوانین اساسی هر یـك از دولتهای امضاء کننده بتصویب خواهد رسید .

۲ـ اسناد تصویب بدولت کشور های متحدهٔ امریکا تسلیم شده ودولت نامبرده هر تسلیمی را بتمام دولتهای امضا کننده وهمچنین برئیس کل دبیرخانهٔ سازمان پس از تعیین وی ابلاغ خواهد نمود .

۳ـ این منشور پس از آنکه دولت جمهوری چین وفرانسه واتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی ودولت بریتانیای کبیرو ایرلاند شمالی و کشورهای متحدهٔ امریکا وهمچنین اکثریت سایر دولتهای امضاء کنندهٔ اسناد تصویب خود را تسلیم نمودنـد لازم الاجراء خواهد بود .

کشورهای متحد امریکا از تسلیم اسناد تصویب صورت مجلسی تهیه و رونوشت آنرا بتمام دولتهای امضا کنندهٔ منشور ابلاغ خواهد نمود .

۴ـ دولتهای امضا کنندهٔ این منشور کـه آنرا پس از لازم الاجراء شدن تصویب مینمایند از تاریخ تسلیم سند تصویب خود عضو اصلی ملل متحد محسوب خواهند شد .

(مادهٔ ۱۱۱)

این منشور که نسخه های چینی و فرانسوی و روسی وانگلیسی و اسپانیولی آن دارای اعتبار متساوی میباشند در بایگانی کشورهای متحدهٔ امریکا تودیع شده و دولت مزبور رونوشت مصدق آنرا بدولتهای سایر کشورهای امضاء کننده خواهد داد .

بنابراین نمایندگان دولتهای ملل متحد این منشور را امضاء نمودند .

در سان‌فرانسیسکو بتاریخ بیست وششم ژوئن هزار و نهصد و چهل وپنج تحریر یافت .

اساسنامهٔ دیوان بین المللی دادگستری

(مادهٔ ۱)

دیوان بین المللی دادگستری کـه بموجب منشور ملل متحد بعنوان رکن مهم

قضائی سازمان تأسیس شده بر طبق مقررات این اساسنامه تشکیل یافته و انجام و ظیفه خواهد نمود .

فصل اول

در تشکیل دیوان

(مادهٔ ۲)

دیوان بین المللی دادگستری عبارت است ازیك هیئت قضات مستقل کـه بدون توجه بملیت آنها ازمیان کسانی انتخاب میگردندکـه عالی ترین مقام اخلاقی را دارا بوده وهریك واجد شرایطی باشندکه برای انجام مشاغل عالی قضائی در کشورخودلازم میباشد ویا ازجملهٔ متبحرین درعلم حقوق باشند کـه تخصص آنها درحقوق بین المللی شهرت بسزائی دارد .

(مادهٔ ۳)

۱ـ دیوان مزبورمرکب است ازپانزده عضوبدون اینکه درمیان آنها بیش ازیك نفرتبعهٔ همان دولت باشد .

۲ـ دراین موردکسی که ممکن است تبعهٔ بیش از یکدولت محسوب گردد تبعهٔ کشوری محسوب خواهد شدکـه معمولا درآنجا حقوق مدنی وسیاسی خود را بموقع اجرا میگذارد .

(مادهٔ ۴)

۱ـ اعضاء دیوان بین‌المللی دادگستری را مجمع‌عمومی وشورای امنیت ازمیان صورت اشخاصی که بوسیلهٔ دستجات ملی‌مربوط بدیوان دائمی داوری پیشنهاد میگردند برطبق مقررات زیرانتخاب مینمایند .

۲ـ در مورد اعضاء ملل متحد کـه در دیوان دائمی داوری نماینده ندارنـد داوطلبان بوسیلـهٔ دستجات ملی پیشنهاد خواهند شدکـه دولتهای آن اعضاء برای این منظور و برطبق شرایطی کـه بموجب مادهٔ ۴۴ قرارداد لاهه مورخ ۱۹۰۷ راجع بـه تسویهٔ مسالمت آمیز اختلافات بین المللی برای اعضاء دیوان دائمی داوری مقرر است معین مینمایند

(مادهٔ ۵)

۱ـ سه ماه قبل از تاریخ انتخابات رئیس کل دبیرخانهٔ ملل‌متحد اعضاء دیوان‌دائمی داوری را که تبعهٔ دولتهای امضاء کنندهٔ این اساسنامه می‌باشند و همچنین اعضاء دستجات ملی را که برطبق فقرهٔ دوم مادهٔ ۴ معین شده اند کتباً دعوت مینماید تا در مدت معینی بمعرفی‌اشخاصی که موقعیت اشغال مقام عضویت دیوان بین المللی دادگستری را حائز می‌باشند مبادرت کنند .

۲ـ هیچ دسته‌ای نمیتواند درهیچ مورد بیش از چهار نفر کـه منتها دو نفرآنها ازملیت خودآن دسته باشد معرفی کند ودرهیچ موقع ممکن نیست بیش‌از دو برابرعدهٔ جاهای خالی پیشنهاد نمود .

(مادهٔ ۶)

بهردسته ملی توصیه میشود که قبل ازاقدام بتعیین داوطلبان ازعالی ترین دیوان قضائی وازدانشکده‌های حقوق وفرهنگستان‌های ملی‌وشعبات ملی‌فرهنگستانهای‌بین‌المللی که مخصوص مطالعات در علم حقوق میباشند استشاره نماید .

(مادهٔ ۷)

۱ـ رئیس کل دبیرخانه صورتی از اسامی کسانیرا که باینطریق معرفی شده‌انـد بترتیب حروف تهجی تنظیم مینماید فقط این اشخاص قابل انتخاب خواهند بود مگـر درموردیکه بموجب فقرهٔ دوم ازمادهٔ ۱۲ پیش‌بینی‌شده است .

۲ـ رئیس‌کل دبیرخانه اینصورت راباطلاع‌مجمع‌عمومی وشورای امنیت‌میرساند.

(مادهٔ ۸)

مجمع عمومی وشورای امنیت هریك مستقلا اعضاء دیوان را انتخاب مینمایند .

(مادهٔ ۹)

در هرانتخاب ، انتخاب کنندگان باید در مد نظر بگیرند که اشخاصی کـه برای عضویت دیـوان بین المللی دادگستری معین میشوند نـه فقط باید شخصاً دارای شرایط مقرر باشند بلکه مجموعاً بتوانند نمایندهٔ اقسام بزرك تمدنها ومهمترین‌اسلوبهای قضائی جهان نیزباشند .

(مادهٔ ۱۰)

۱ـ کسانی منتخب محسوب میگردندکـه هم درمجمع عمومی و هم درشورای

امنیت دارای اکثریت تام بوده‌اند .

۲ـ در رأی شورای امنیت خواه برای انتخاب قضات و خـواه برای تعیین اعضاء کمیسیون مقرر درمادهٔ ۱۲ هیچ فرقی بین اعضاء دائم و غیر دائم شورای امنیت گـذاشته نخواهد شد .

۳ـ هرگاه‌آراء مجمع‌عمومی وشورای امنیت به بیش ازیکنفرازاتباع یك دولت داده شود فقط مسن ترین آنها انتخاب میگردد .

(مادهٔ ۱۱)

هرگاه پس از جلسهٔ اول انتخاب باز صندلیهای خالی باقی بماند بطریق مذکور فوق به انتخابات دوم ودرصورت لزوم به انتخابات سوم نیزمبادرت میگردد .

(مادهٔ ۱۲)

۱ـ هرگاه پس از سومین جلسه انتخابات باز صندلـی خالی بماند ممکن است در هر موقـع خواه بدرخواست مجمع عمومی و خواه بـدرخواست شورای امنیت کمیسیون میانجی مرکب ازشش‌عضو که سه نفرازآنها را مجمع عمومی وسه نفردیگر را شورای امنیت معین میکند تشکیل شود تـا برای هر صندلی خالـی اسم یکنفر را باکثریت تام معین و آن را بمنظور انتخاب جداگانه بمجمع عمومی و بشورای امنیت پیشنهاد کنند .

۲ـ کمیسیون میانجی می‌تواند اسم هرشخصی را که دارای شرایط مقرر بوده وحائز اتفاق‌آراء اعضاء کمیسیون باشد درصورت اسامی خود منظوردارد ولواینکه اسم آن شخص درصورت اسامی‌اشخاصی که بموجب مادهٔ هفت معرفی‌شده‌اند موجودنباشد.

۳ـ هـرگاه کمیسیون میانجی تشخیص دهدکـه نمیتواند بتأمین انتخاب موفق گردد اعضاء دیوان بین‌المللی دادگستری که قبلامعین شده‌اند جاهای‌خالی‌را درمدتیکه ازطرف شورای امنیت معین میشود وازمیان اشخاصی که درمجمع عمومی ودرشورای امنیت دارای رأی بوده‌اند پرمی کنند .

۴ـ هرگاه آراء قضات متساویاً تقسیم شود رأی مسن ترین‌آنها قاطع‌خواهدبود.

(مادهٔ ۱۳)

۱ـ اعضاء دیوان بین المللی دادگستری بـرای مدت ۹ سال انتخاب شده و قابل

تجدید انتخابات نیزخواهند بود معذلك درمورد قضاتیکه درانتخابات اولی‌اعضاء دیوان معین می گردند مأموریت ۵ نفرازآنها درانقضای‌سه‌سال ومأموریت‌پنج‌نفردیگردرآخر شش سال خاتمه پذیرمیشود .

۲ـ قضاتی را که مأموریت آنها باید در دورهٔ اولی سه ساله و شش ساله خاتمه یابد رئیس‌کل دبیرخانه فوراً پس ازختم اولین انتخابات بوسیلهٔ قرعه معین میکند .

۳ـ اعضاء دیوان مادام‌که جانشین‌آنها معین نشده است درشغل‌خود باقی‌خواهند بود و پس از تعیین جانشین نیز بـکار هائیکـه قبلا بآنهـا رجوع شده است رسیدگی خواهندکرد .

۴ـ درصورت استعفای‌یکی‌ازاعضاء دیوان بین‌المللی‌دادگستری‌آن استعفابرئیس دیوان مزبورداده میشود تا برئیس‌کل‌دبیرخانه ابلاغ گردد بمحض این ابلاغ صندلی‌عضو مستعفی خالی محسوب میشود .

(مادهٔ ۱۴)

پر کردن صندلیهای خالی باقید رعایت ترتیب ذیل‌بهمان طریقی بعمل میآیدکه برای انتخابات اولی‌مقرراست رئیس‌کل‌دبیرخانه باید درظرف یکماه ازتاریخ خالی‌شدن صندلی‌دعوتی‌راکه بموجب مادهٔ ۵ مقررشده بعمل‌آورد وتاریخ‌انتخابات بوسیلهٔ‌شورای امنیت معین خواهد شد .

(مادهٔ ۱۵)

مدت مأموریت عضو منتخب بجای عضودیگری‌که هنوز مدت مأموریت اوتمام نشده است همان بقیهٔ مدت سلف او خواهـد بود .

(مادهٔ ۱۶)

۱ـ اعضاء دیوان نمیتوانند هیچ مأموریت سیاسی یـا اداری بعهده بگیرند و یا بشغلی‌مستغل گردند که جنبهٔ حرفه‌ای داشته باشد .

۲ـ درصورت تردید حکم دیوان قطعی است .

(مادهٔ ۱۷)

۱ـ اعضاء دیوان نمیتوانند درهیچ کاری سمت نمایندگی یا مشاوری و یا وکالت داشته باشند .

۲ـ آنها نمی‌توانند در تسویهٔ هیچ کاری که سابقاً در آن کار بسمت نمایندگی یا مشاوری ویا وکالت یکی از طرفین ویا بسمت عضویت یك محکمهٔ ملی ویابین‌المللی ویا یك هیئت تحقیقی ویابهرعنوان دیگری مداخله داشته‌اند شرکت کنند .

۳ـ درصورت تردید حکم دیوان قاطع خواهد بود .

(مادهٔ ۱۸)

۱ـ اعضاء دیوان را نمی‌توان ازشغل خود منفصل نمود مگردر صورتیکه سایر اعضاء متفقاً رأی دهند که دیگر آن عضو واجد شرایط مقرر نمیباشد .

۲ـ دفتردار دیوان مراتب را رسماً برئیس کل‌دبیرخانه‌اطلاع میدهد .

۳ـ بمحض این ابلاغ صندلی عضومنفصل خالی محسوب میشود .

(مادهٔ ۱۹)

اعضاء دیوان در اجـرای و ظایف خـود دارای مزایا و مصونیت هـای سیاسی خواهند بود .

(مادهٔ ۲۰)

هرعضودیوان باید قبل از تصدی شغل خود درجلسهٔ علنی رسماً تعهد نماید کـه مشاغل خود را در کمال بیطرفی و از روی نهایت وجدان انجام خواهند داد .

(مادهٔ ۲۱)

۱ـ دیوان بین‌المللی دادگستری رئیس ونایب رئیس خود را برای مدت سه سال معین مینماید تجدید انتخاب آنها جایز است .

۲ـ دیوان ، دفتردار وهرکارمند دیگری راکه لازم باشد معین مینماید .

(مادهٔ ۲۲)

۱ـ مقر دیوان بین المللی دادگستری در لاهـه خواهد بـود معذالك دیوان مزبور میتواند در صورتیکـه مناسب بداند در جـای دیگـر منعقد گشته و اجرای وظیفه نماید .

۲ـ رئیس ودفتردار دیوان درمقردیوان مقیم خواهند بود .

(مادهٔ ۲۳)

۱ـ دیوان بین المللی دادگستری همیشه درحال اشتغال خواهـد بود مگرهنگام تعطیلات قضائی که اوقات ومدت آنرا خود دیوان معین مینماید .

۲ـ اعضاء دیوان حق گرفتن مرخصی‌های مرتب دارند تاریخ ومدت این‌مرخصی ها را خود دیوان بادرنظر گرفتن مسافت بین لاهه و خانهٔ اصلی‌اعضاء معین خواهدنمود.

۳ـ جزدرموارد مرخصی ویا عدم امکان حضوربعلت ناخوشی یابهرعلت مهم دیگری که صحت‌آنرا رئیس دیوان تشخیص میدهد اعضاء دیوان بین‌المللی دادگستری باید همیشه تحت اختیاردیوان مزبورباشند .

(مادهٔ ۲۴)

۱ـ هرگاه نظربعلت خاصی‌یکی‌ازاعضاء دیوان‌تشخیص‌دهدکه نباید دررسیدگی بیك‌کارمعینی شرکت نماید مراتب را باطلاع رئیس میرساند .

۲ـ هرگاه درچنین موردی بین رئیس وعضو دیوان اختلاف نظرباشد رأی خود دیوان قاطع‌خواهد بود.

(مادهٔ ۲۵)

۱ـ دیوان بین‌المللی‌دادگستری باید اختیارات خود را درجلسهٔ علنی‌انجام دهد مگراینکه بموجب این اساسنامه استثنای صریح شده باشد .

۲ـ باقید اینکه‌عدهٔ قضات حاضربرای‌تشکیل دیوان‌بین‌المللی دادگستری بکمتر ازدوازده نرسد نظامنامهٔ دیوان مزبورمیتواند مقرردارد که یك یاچند نفرازقضاةبنوبت وبرحسب اوضاع‌ممکن‌است ازشرکت درجلسات معاف گردند .

۳ـ برای اینکه دیوان بتواند تشکیل گردد حد نصاب نه‌نفرکافی خواهد بود .

(مادهٔ ۲۶)

۱ـ دیوان بین‌المللی‌دادگستری میتواند درهرموقع بنابتشخیص خود یك یاچند شعبه که لااقل‌مرکب ازسه نفرباشد تشکیل دهد تابدعاوی ازیك طبقهٔ معین مثلابدعاوی راجع بکارویا راجع به ترانزیت و ارتباطات رسیدگی نماید .

۲ـ دیوان مزبور میتواند در هرموقع برای رسیدگی بیك‌کار معین شعبه‌ای تشکیل دهد عدهٔ قضاة این شعبه را خود دیوان بارضایت طرفین دعوی معین مینماید .

۳ـ شعبه های مذکور در این ماده در صورتی که طرفین تقاضا نمایند حکم خواهند داد .

(مادهٔ ۲۷)

هرحکمی که بوسیلهٔ شعبه‌های مذکوردرمادهٔ ۲۶ و ۲۹ داده شود بمنزلهٔ حکمی

خواهد بود که خود دیوان داده باشد.

(مادهٔ ۲۸)

شعبه‌های مذکور در مادهٔ ۲۶ و ۲۹ میتوانند با رضایت طرفین در خارج از لاهه منعقد گشته واجرای وظیفه نمایند .

(مادهٔ ۲۹)

بمنظور پیشرفت سریع امور همه ساله دیوان بین‌المللی دادگستری یك شعبه مرکب از پنج قاضی تشکیل خواهد داد تا درصورت درخواست طرفین رسیدگی اختصاری نماید. بعلاوه دونفر قاضی نیز معین خواهند شد تا جای هر قاضی را که نتواند درمحاکمه شرکت کند بگیرند .

(مادهٔ ۳۰)

۱ـ دیوان بین‌المللی دادگستری بموجب آئین نامه طرز انجام وظایف و اختیارات ومخصوصاً آئین دادرسی خود را معین مینماید .

۲ـ آئین‌نامهٔ دیوان مزبور میتواند وجود معاونینی را پیش‌بینی نماید که درخود دیوان یا درشعبه‌های آن بدون داشتن حق رأی حضور بهم رسانند .

(مادهٔ ۳۱)

۱ـ قضاتیکه ملیت هریك ازطرفین دعوی رادارند حق خواهند داشت دررسیدگی بدعوائی که درديوان بین‌المللی دادگستری مطرح است شرکت نمایند .

۲ـ اگر در دیوان مزبور یك قاضی ازملیت یکی ازاطراف دعوی باشد هرطرف دیگر میتواند شخصی را بانتخاب خود معین نماید تا بعنوان قاضی شرکت در محاکمه کند .

این شخص باید حتی الامکان از میان کسانی انتخاب گردد که برطبق مادهٔ ۴ و ۵ معرفی شده‌اند .

۳ـ هرگاه در میان قضات دیوان هیچکس از ملیت اطراف دعوی وجود نداشته باشد هریك از آنها میتواند یکنفر قاضی بطریقی که در فقرهٔ پیش مذکور است معین کند .

۴ـ مفاد این ماده درمورد مادهٔ ۲۶ و ۲۹ نیز رعایت خواهد شد .

دراین موارد رئیس دیوان ازیك وعندالاقتضا از۲نفراز اعضاء دیوان که شعبه را تشکیل میدهند تمنا خواهد کرد که جای خود راباعضائیکه ملیت اطراف ذینفع رادارند واگذار کنند واگردرمیان اعضاء عضوی ازملیت اطراف دعوی نباشد ویا درصورت بودن آن عضو نتواند درمحاکمه شرکت کند جای خود را بقضاتی واگذار کنند که اطراف دعوی مخصوصاً معین کرده‌اند .

۵ـ هرگاه در یك محاکمه چندین طرف مشترك المعنفه باشند تمام آنها از حیث اجرای مقررات فوق‌درحکم یك‌طرف خواهند بود . درصورت تردید حکم‌دیوان قاطع است .

۶ـ قضاتی که بنحومذکور درفقرهٔ ۲و۳و۴ این ماده معین می‌شوند باید مقررات مادهٔ ۲ و فقرهٔ دوم از مادهٔ ۱۷ و همچنین مقررات مادهٔ ۲۰ و ۲۴ این اساسنامه دربارهٔ آنها رعایت گردد، قضات مزبور در پایهٔ تساوی کامل با همقطاران خود شرکت در رأی خواهند کرد .

(مادهٔ ۳۲)

۱ـ اعضاء دیوان مقرری سالیانه دریافت خواهند نمود .

۲ـ برئیس دیوان فوق العاده مخصوص سالیانه پرداخت میشود .

۳ـ نایب رئیس دیوان برای هرروزیکه شغل ریاست را انجام میدهد فوق العاده مخصوص دریافت خواهد داشت .

۴ـ قضات غیرازاعضاء دیوان که بموجب مادهٔ ۳۱ معین میشوند برای هرروزی که انجام وظیفه مینمایند حق‌الزحمه‌ای دریافت خواهند نمود .

۵ـ مقرری وفوق‌العاده وحق‌الزحمه‌های مذکوردرفوق را مجمع عمومی معین مینماید میزان‌آنها را نمی‌توان درمدت مأموریت قضات پائین‌آورد .

۶ـ مقرری دفتردار را مجمع عمومی بنابه پیشنهاد دیوان معین خواهد کرد .

۷ـ شرایطی‌را که بموجب‌آن‌دربارهٔ قضات دیوان‌بین‌المللی‌دادگستری ودفتردار آن مبلغی به عنوان وظیفه برقرار میگردد و همچنین شرایطی را که برطبق آن باید مخارج سفرقضات ودفتردار بآنها مسترد گردد آئین‌نامه‌ای‌معین‌خواهد نمود که بتصویب مجمع عمومی میرسد .

۸ـ مقرری وفوق‌العاده وحق‌الزحمه‌ها ازهرمالیات معاف میباشند .

(مادهٔ ۳۳)

مخارج دیوان بین‌المللی‌دادگستری بنحویکه ازطرف مجمع‌عمومی‌معین‌میشود بعهدهٔ ملل متحد خواهد بود .

فصل دوم

درصلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری

(مادهٔ ۳۴)

۱ـ فقط دولتها میتوانند بدیوان بین‌المللی دادگستری رجوع کنند .

۲ـ دیوان مزبورمیتواند برطبق‌شرایط مقرردر آئین‌نامهٔ‌خود درمورد دعاوی که بدیوان رجوع شده است ازمؤسسه‌های بین‌المللی‌عمومی‌اطلاعات بخواهد ونیز اطلاعاتی راکه این مؤسسات مبتکرابدیوان میدهند دریافت خواهد داشت .

۳ـ هرگاه درضمن‌دعوائی که بدیوان رجوع گردیده‌تفسیرسند تأسیس‌یك‌مؤسسهٔ بین‌المللی‌عمومی ویاتفسیرقرارداد بین‌المللی که بموجب‌آن سند قبول شده است مطرح مباحثه گرددفتردیوان‌بایدمراتب‌راباتمام‌قسمتهای کتبی‌محاکمه‌باطلاع آن‌مؤسسه‌برساند

(مادهٔ ۳۵)

۱ـ دولت هـای امضاء کنندهٔ این اساسنامـه حق رجوع بدیوان بین المللی دادگستری دارند .

۲ـ شرایطی که بموجب‌آن سایر دولتها میتوانند بـا رعایت مقررات خاص عهد نامه‌های جاری بدیوان مزبور رجوع کنند از طرف شورای امنیت معین خواهـد شد بدون اینکه در هیچ مورد در آن شرایط برای اطراف دعوی یك عدم تساوی در مقابل دیوان تولید گردد .

۳ ـ هرگاه دولتی کـه عضو ملل متحد نمیباشد طرف دعوی واقع گـردد دیوان بین‌المللی دادگستری سهمیه‌ای را که باید آن دولت در مخارج دیوان متحمل گردد معین خواهد نمود متعاقب اگرآن دولت در مخارج دیوان شرکت داشته باشد دیگر اجرای این حکم مورد نخواهد داشت .

(مادهٔ ۳۶)

۱ ـ دیوان بین‌المللی دادگستری نسبت‌بکلیهٔ اموریکه اطراف دعوی باورجوع

میکنند و همچنین نسبت بموارد خاصی که بموجب منشور ملل متحد یـا بموجب عهد نامه و قراردادهای جاری پیش بینی شده است صلاحیت رسیدگی دارد .

۲ ـ دولتهای امضاء کنندهٔ ایـن اساسنامه میتوانند در هر موقع اعلام دارند کـه قضاوت اجباری دیـوان بین‌المللی دادگستری را نسبت بتمام اختلافـاتیکه جنبهٔ قضـائی داشته و مربوط بموضوعات ذیل باشد در مقابل هردولت دیگری که این تعهد را متقبل گردد بخودی خود وبدون قرارداد خاصی قبول مینمایند :

الف ـ تفسیریك عهد نامه .

ب ـ هرمسئله که موضوع حقوق بین المللی باشد .

ج ـ حقیقت هرامری که در صورت ثبوت نقض یك تعهد بین المللی محسوب میگردد .

د ـ نوع ومیزان غرامتی که باید برای نقض یك تعهد بین المللی داده شود .

۳ـ اعلامیه‌های مذکوردربالاممکن‌است بدون هیچ‌قید ویا بشرط معاملهٔ متقابله با چند دولت ویا با بعضی‌ازآنها ویا برای مدت معینی بعمل‌آید .

۴ـ این اعلامیه‌ها برئیس کل‌دبیرخانهٔ ملل‌متحدتسلیم میگردند ومشارالیه‌رونوشت آنرا بامضاء کنندگان این اساسنامه و همچنین بدفتر دار دیوان بین المللی دادگستری ارسال میدارد .

۵ ـ اعلامیه‌هائیکه بموجب مادهٔ ۳۶ اساسنامهٔ دیوان دائمی دادگستری‌بین‌المللی برای مدت معینی بعمل آمده و هنوز آن مدت منقضی نگشته است در روابط بین امضاء کنندگان این اساسنامه درحکم‌آن خواهد بود که قضاوت اجباری بین‌المللی‌دادگستری برای بقیهٔ مدت مذکوردرآن اعلامیه‌ها وبرطبق مقررات‌آنها قبول شده است .

۶ـ درصورت اختلاف راجع بصلاحیت دیوان حکم دیوان قاطع است .

(مادهٔ ۳۷)

هرگاه بموجب یك عهدنامه یا قراردادی که هنوز معتبراست ارجاع اختلاف به‌هیئت قضاتی‌پیش‌بینی شده باشد که بایستی‌ازطرف جامعهٔ ملل‌یادیوان دائمی‌دادگستری بین‌المللی‌تشکیل گرددنسبت بامضاء کنندگان این‌اساسنامه‌آن هیئت قضات عبارت‌خواهد بود ازدیوان بین المللی دادگستری .

(مادهٔ ۳۸)

۱ـ دیوان بین‌المللی دادگستری که مأموریت دارد اختلافاتی را که باو رجوع میشود برطبق حقوق بین‌المللی قطع وفصل نماید موازین زیررا اجرا خواهدکرد :

الف ـ عهدنامه‌های بین‌المللی‌را اعم ازعمومی وخصوصی که بموجب‌آن قواعدی معین شده است که طرفین اختلاف‌آن قواعد را صریحاً شناخته‌اند .

ب ـ رسوم بین‌المللی را بمنزلهٔ دلیل یك معمول به عمومی که مثل یك اصل حقوقی قبول شده است .

ج ـ اصول عمومی حقوقی که مقبول ملل متمدن است .

د ـ با رعایت حکم مادهٔ ۵۹ تصمیمات قضائی و عقاید برجسته ترین مؤلفین ملل مختلف را بمنزلهٔ وسائل فرعی برای تعیین قواعد حقوقی .

۲ـ مقررات این ماده بحقی که دیوان دادگستری بین‌المللی دارد و بموجب‌آن میتواند درصورت‌تقاضای طرفین دربارهٔ‌آنها بنحو تساوی برطبق قانونی حکم دهد خللی وارد نمیآورد .

فصل سوم

آئین دادرسی

(مادهٔ ۳۹)

۱ـ زبان‌های رسمی دیوان بین‌المللی دادگستری فرانسه وانگلیسی است هرگاه اطراف دعوی موافقت نمایندکه تمام جریان کار بزبان فرانسه بعمل‌آید حکم نیزبزبان فرانسه امضاءخواهد شد هرگاه اطراف دعوی‌توافق نمایند براینکه تمام جریان‌کاربزبان انگلیسی بعمل‌آید حکم نیزبزبان انگلیسی داده میشود .

۲ـ درصورت نبودن موافقتی برای تعیین زبانی که باید استعمال شود اطراف دعوی میتواند درتقریرات خود هریك ازاین دو زبان راکه ترجیح میدهند بکاربرند و حکم دیوان نیزبفرانسه وانگلیسی داده خواهد شد.

دراین صورت خود دیوان معین می‌کند که کدامیك از این دو نص معتبر خواهد بود .

۳ـ دیوان بدرخواست هر طرفی اجازه خواهد داد که آن طرف زبانی غیر از

فرانسه یا انگلیسی بکاربرد .

(مادهٔ ۴۰)

۱ـ دعاوی به اقتضاء مورد یا بوسیلهٔ ابلاغ توافق اطراف دعوی ویا بوسیلهٔ داد ـ خواستی که بدفتردار داده میشود بدیوان رجوع میشود در هردو صورت باید موضوع اختلاف واطراف دعوی معین گردند .

۳ـ دفتردار فوراً عرضحال را بهر ذینفعی ابلاغ میکند .

۳ـ وبیزنامبرده موضوع را بوسیلهٔ رئیس کل دبیرخانه باطلاع اعضاء ملل متحد و همچنین باطلاع سایر دولتهائیکه حق رجوع بدیوان دارند میرساند .

(مادهٔ ۴۱)

۱ـ دیوان بین‌المللی‌دادگستری اختیاردارد درصورتیکه تشخیص دهدکه اوضاع واحوال‌آنرا ایجاب میکند تعیین نماید چه اقداماتی برای حفظ حقوق طرفین بایدموقتاً بعمل آید .

۲ـ تا صدورحکم قطعی تعیین این اقدامات باید فوراً بطرفین اختلاف وبشورای امنیت ابلاغ گردد .

(مادهٔ ۴۲)

۱ـ نمایندگی طرفین در دیوان بین المللی دادگستری بعهدهٔ کسانی است که از طرف آنها معین میشوند .

۲ـ طرفین میتوانند درمحضردیوان از مشاورین حقوقی ویا وکلای دادگستری کمك بگیرند .

۳ـنمایندگان ومشاورین ووکلای‌طرفین درمحضردیوان دارای مزایا ومصونیت‌هائی خواهند بودکه برای انجام‌آزادانه وظایف‌آنها لازم میباشد .

(مادهٔ ۴۳)

۱ـ آئین رسیدگی دومرحله دارد یکی کتبی ودیگری شفاهی .

۲ـ آئین کتبی عبارت است ازابلاغ لوایح متقابل وعندالاقتضاء جواب‌آنها بقاضی وبطرف وهمچنین ازابلاغ اوراق ومدارك مربوط بدعوی .

۳ـ ابلاغ بوسیلهٔ دفتردار و بترتیب و در مدتی که از طرف دیوان معین میشود بعمل میآید .

۴- رونوشت مصدق هرقسم اوراق که یکی ازطرفین میدهد باید بطرف دیگر ابلاغ شود .

۵- آئین‌شفاهی‌عبارت است از استماع اظهارات شهود وکارشناسان ونمایندگان ومشاورین حقوق و وکلای دعوی .

(مادهٔ ۴۴)

۱- برای ابلاغ بهرکسی غیرازنمایندگان ومشاورین و وکلای طرفین دیوان بین‌المللی دادگستری‌باید مستقیماً به دولتی‌مراجعه کندکه ابلاغ درخاك‌آن دولت‌تولید اثرخواهدکرد .

۲- همین ترتیب در صورتی نیز مقرر است که امر راجع باشد باینکه درمحل بجمع‌آوری هرگونه وسائل اثبات اقدام گردد .

(مادهٔ ۴۵)

رسیدگی درتحت ریاست رئیس و در صورت غیبت او تحت ریاست نایب رئیس بعمل میآید .

درصورتیکه نه رئیس باشد ونه نایب رئیس ریاست بعهدهٔ قدیمی ترین قاضی از میان قضات حاضرخواهد بود .

(مادهٔ ۴۶)

جلسهٔ رسیدگی علنی است مگراینکه خود دیوان تصمیم دیگری بگیرد یااینکه طرفین درخواست نمایندکه جلسه بدون حضورتماشاچی منعقدگردد .

(مادهٔ ۴۷)

۱- درهرجلسه‌صورت‌جلسه‌ای مرتب‌خواهدشدکه بامضاءرئیس‌ودفتردارمیرسد.

۲- فقط این صورت جلسه اعتبارسند رسمی‌خواهد داشت .

(مادهٔ ۴۸)

دیوان بین المللی دادگستری برای اداره‌کردن جریان دعوی و تعیین ترتیبات ومهلت هائی که باید هر یك از طرفین بر طبق آن آخرین تقاضای خود را از دیوان بنمایند قرارهائی صادر وهراقدامی راکه برای اقامهٔ ادله مقتضی باشد بعمل می آورد .

(مادهٔ ۴۹)

دیوان بین‌المللی دادگستری میتواند حتی قبل ازشروع به بیانات دفاعی طرفین از نمایندگان آنها بخواهد که تمام مدارك را تقدیم وکلیهٔ توضیحات خودشان را بدهند درصورت امتناع این نکته را دیوان مزبورمنظور نظرخواهد داشت .

(مادهٔ ۵۰)

درهرموقع دیوان میتواند یك تحقیق ویا یك کارشناسی را بهرشخص یا هیئت یا دفتر یا کمیسیون ویا مؤسسه‌ای که خود دیوان انتخاب میکند رجوع نماید .

(مادهٔ ۵۱)

درجریان محاکمه کلیهٔ سئوالات مقتضی ازشهود وکارشناسان برطبق ترتیباتی بعمل میآید که دیوان بین المللی دادگستری در آئین نامهٔ مذکور در مادهٔ ۳۰ مقرر خواهد داشت .

(مادهٔ ۵۲)

پس از آنکه در مواعد مقرر اسناد و مدارك دریافت و اظهارات شهود استماع گردید دیوان میتواند هر شهادت و یا مدارك جدیدی را که یکی از طرفین بخواهد بدون رضایت طرف دیگر باو بدهد رد نماید .

(مادهٔ ۵۳)

۱ ـ اگر یکی از طرفین در جلسهٔ رسیدگی حاضر نشود یا از ابراز دلائل خودداری نماید طرف دیگرمیتواند ازدیوان تقاضانماید که بر طبق درخواست های او حکم بدهد .

۲ ـ قبل ازاینکه دیوان این تقاضا را بپذیرد باید مطمئن گردد که نه فقط برطبق مادهٔ ۳۶و۳۷ صلاحیت رسیدگی دارد بلکه درخواست های مزبورهم ازنقطهٔ نظرحقوقی وهم ازنقطهٔ نظرعملی صحیح و با اساس میباشد .

(مادهٔ ۵۴)

۱ـ وقتی که نمایندگان ومشاورین ووکلای طرفین تمام وسائلی را که مفید میدانند تحت نظردیوان بکاربردند رئیس ختم محاکمه را اعلام مینماید .

۲ـ سپس هیئت دیوان برای مشورت باطاق مشاوره میرود .

۳ـ مشاورهٔ دیوان باید سری بعمل آمده وسری هم بماند .

(مادهٔ ۵۵)

۱ـ احکام دیوان باکثریت قضات حاضرصادرمیشود .

۲ـ در صورت تساوی آراء رأی رئیس و یاکسی کـه جانشین او میباشد قاطـع خواهد بود .

(مادهٔ ۵۶)

۱ـ حکم باید موجه باشد .

۲ـ اسامی قضاتی که در دادن حکم شرکت کرده‌اند باید درحکم قید گردد .

(مادهٔ ۵۷)

هرگاه‌حکم کلاً یا جزاً به اتفاق آراء قضاة صادر نشده باشد هرقاضی حق خواهد داشت شرح عقیدهٔ شخصی خود را ضمیمهٔ حکم کند .

(مادهٔ ۵۸)

حکم به امضاء رئیس ودفتردار رسیده در جلسهٔ علنی که نمایندگان‌طرف‌حسب‌المقرربآنجا دعوت شده باشند خوانده میشود .

(مادهٔ ۵۹)

احکام دیوان فقط دربارهٔ طرفین اختلاف و در موردی کـه موضوع حکم بوده الزام‌آوراست .

(مادهٔ ۶۰)

احکام دیوان قطعی وغیرقابل‌شکایت است درصورت اختلاف راجع بمعنی وحدود حکم خود دیوان میتواند نظربدرخواست هرطرفی‌آنرا تفسیرنماید .

(مادهٔ ۶۱)

۱ـ تجدید نظرازحکم را نمیتوان ازدیوان تقاضا نمود مگردرصورت کشف یك امریکه درقضیه اثرقطعی داشته وقبل‌ازصدورحکم،خوددیوان وطرفی که تقاضای‌تجدید نظرمینماید ازوجودآن امراطلاع‌نداشته‌اند وازناحیهٔ طرف مزبورهم تقصیری برای‌این عدم اطلاع نبوده است .

۲ـ آئین تجدید نظربرطبق حکمی شروع میشودکه از طرف دیوان صادر شده وبموجب آن صراحتاً وجود امر جدیدی را که دارای‌کیفیات لازم برای امکان تجدید نظرمیباشد اشهادکرده وازاین حیث درخواست تجدید نظررا قابل قبول اعلام میدارد.

۳ـ دیوان میتواند شروع آئین تجدید نظر را باجرای قبلی حکم متوقف سازد.

۴ـ درخواست تجدید نظر باید منتها در ظرف ٦ ماه از تاریخ کشف امـرجدید بعمل آید .

۵ـ پس ازانقضای ده سال ازتاریخ حکم هیچ درخواست تجدید نظر امکان پذیر نخواهد بود .

(مادهٔ ٦۲)

۱ـ هرگاه دولتی تشخیص دهدکه درمورد اختلافی برای اویك منفعتی که جنبهٔ قضائی دارد مورد بحث میباشد میتوانـد برای ورود بعنوان سوم شخص بدیـوان عرضحال بدهد .

۲ـ در مورد این تقاضا رأی دیوان قاطع است .

(مادهٔ ٦۳)

هرگاه امرمربوط بتفسیرقراردادی باشدکه درآن قرارداد دولتهای دیگر غیراز اطراف اختلاف شرکت داشته انـد دفتر دار بایـد بدون درنگ مراتب را بـاطلاع آن دولت ها برساند .

۲ـ هریك ازآنها حق داردکـه وارد محاکمه شود و درصورت اعمال این حق تفسیری که بموجب حکم دیوان بعمل میآید دربارهٔ اونیزالزام آورخواهد بود .

(مادهٔ ٦۴)

هریك ازاطراف دعوی‌مخارج محاکمهٔ مربوط‌بخود را متحمل‌خواهد شد مگر اینکه دیوان ترتیب دیگری مقرردارد .

فصل چهارم

درآراء مشورتی

(مادهٔ ٦۵)

۱ـ دیوان میتواند درهرمسئلهٔ قضائی‌بتقاضای هربنگاه یامؤسسه‌ای که منشورملل متحد باو اجازهٔ چنین‌تقاضا را میدهد ویا برطبق مقررات‌آن منشورمیتواند این اقدام را بعمل‌آورد رأی مشورتی بدهد .

۲ـ مسائلی که درموردآن رأی مشورتی‌دیوان‌خواسته میشودباید ضمن‌عرضحال

کتبی بیان ودرعرضحال مزبور آن مسائل باید با عبارات صریح شرح داده شود. هرقسم مدارکی که ممکن است موجب روشن کردن مسئله باشد بعرضحال ضمیمه میگردد .

(مادهٔ ٦٦)

۱- دفتردار فوراً عرضحالی راکه بموجب آن درخواست رأی مشورتی میشود بتمام دولتهائی که حق اقامهٔ دعوی در دیوان دارند ابلاغ مینماید .

۲ - بعلاوه دفتردار باید بموجب ابلاغ مخصوص ومستقیم بهردولتی که حق‌اقامهٔ دعوی در دیوان دارد و بهرمؤسسه‌ای که بتشخیص دیوان و یارئیس آن در صورتیکه دیوان دائرنباشد،میتواند درمورد مسئلهٔ موضوع رأی مشورتی معلوماتی بدهد،اطلاع دهدکه دیوان حاضر است در موعدی که رئیس معین مینماید لوایح کتبی دریافت و یا بیانات شفاهی آنها را در جلسهٔ علنی که برای این منظور تشکیل میبابد استماع کند .

۳- هرگاه یکی‌ازاین دولتها که ابلاغ‌مخصوص منظوردرفقرهٔ دوم این‌ماده نسبت باو بعمل نیامده است بدادن لایحهٔ کتبی ویا به بیان توضیحات شفاهی اظهارمیل کند در مورد این تقاضا رأی دیوان قاطع خواهد بود .

۴- بدولتها یا مؤسسه‌هائی که لوایح کتبی یا توضیحات شفاهی داده‌اند اجازه داده میشود که لوایح وتوضیحات دولتها یامؤسسات دیگررا بطریق و درمدتیکه درهرمورد بخصوص ازطرف دیوان ودرصورت دایرنبودن آن ازطرف رئیس معین می‌شود تحت مباحثه درآورند و برای این منظور دفتردار در موعد مقتضی لوایح کتبی را بدولتها و مؤسساتی که خودآنها نیزلوایحی تقدیم داشته‌اند ارسال میدارد .

(مادهٔ ٦٧)

دیوان رأی مشورتی خود را در جلسهٔ علنی اعلام میدارد مراتب‌قبلاً برئیس‌کل دبیرخانه وبنمایندگی اعضاء ملل متحد ودولتهای دیگروبنمایندگان تأسیسات بین‌المللی که مستقیماً ذینفع میباشند اطلاع داده میشود .

(مادهٔ ٦٨)

دیوان باید درحین‌اعمال وظایف مشورتی‌خود مقررات این منشور را نیز که‌در مورد اختلافات مطروحه قابل اجرا میباشد در حدودیکه‌آنها را دررأی مشورتی قابل اعمال بداند درمد نظربگیرد .

فصل پنجم

اصلاحات

(مادهٔ ٦٩)

اصلاحات این اساسنامه بهمان طریقی بعمل میآید که برای اصلاحات منشور ملل متحد مقرر است ولی مقرراتیکه مجمع عمومی بنابتوصیهٔ شورای امنیت برای شرکت دولتهائی اتخاذ مینماید که این اساسنامه را امضاء کرده ولی عضو ملل متحد نمیباشند باید رعایت گردد .

(مادهٔ ۷۰)

دیوان میتواند اصلاحاتی را که بتشخیص او لازم است دراین اساسنامه بعمل آید بوسیلهٔ ابلاغ کتبی برئیس کل دبیرخانه پیشنهاد نماید تا طبق مقررات مادهٔ ٦٩ مورد رسیدگی واقع شود .

اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر (۱)

مقدمه

از آنجاکه شناسائی حیثیت ذاتی کلیهٔ اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان، اساس آزادی وعدالت وصلح را درجهان تشکیل میدهد؛

از آنجاکه عدم شناسائی و تحقیر حقوق بشرمنتهی به‌اعمال‌وحشیانه‌ای گردیده‌است که روح بشریت را بعصیان وا داشته و ظهور دنیائی کـه در آن افراد بشر در بیان و عقیده آزاد و ازترس و فقر فارغ باشند ، بعنوان بالا ترین آمال‌بشر اعلام‌شده‌است ،

از آنجاکه اساساً حقوق انسانی راباید با اجرای قانون حمایت کردتابشربعنوان آخرین علاج بقیام برضدظلم وفشاراجبارپیدا نکند ؛

از آنجاکه اساساً لازم است تـوسعهٔ روابط دوستانـه بین ملل را مورد تشویق قرار داد ؛

از آنجاکه مردم ملل متحد ایمان خود را بحقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فردانسانی وتساوی‌حقوق مردوزن مجدداًدرمنشوراعلام کرده‌اند وتصمیم‌راسخ گرفته‌اند کـه به پیشرفت اجتماعـی کمك کنند و در محیطی آزاد تر ، وضع زندگـی بهتری بوجود آورند ؛

از آنجاکه دول عضومتعهد شده‌اندکه احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق‌بشر وآزادی‌های اساسی را با همکاری سازمان ملل‌متحد تأمین کنند ؛

از آنجاکه حسن تفاهم مشترکی نسبت باین حقوق وآزادیها برای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت‌را دارد ؛

مجمع عمومی این اعلامیهٔ جهانی‌حقوق بشررا آرمان مشترکی‌برای تمام مردم

---

(۱) در تاریخ دهم دسامبر ۱۹۴۸ (۱۹ آذر ۱۳۲۷) مجمع‌عمومی‌سازمان ملل‌متحد اعلامیه جهانی‌حقوق بشررا تصویب‌نمود .

وکلیهٔ ملل اعلام میکند تا جمیع افرادوهمه ارکان اجتماع ، این اعلامیه را دائماً درمدنظر داشته باشند ومجاهدت کنند که بوسیلهٔ تعلیم وتربیت، احترام این حقوق وآزادیها توسعه یابد وبا تدابیر تدریجی ملی وبین المللی ، شناسائی واجرای واقعی و حیاتی آنها ، چه درمیان خود ملل عضو وچه دربین مردم کشورهائی که درقلمرو آنها میباشند، تأمین گردد .

مادهٔ اول ـ تمام افراد بشر آزاد بدنیا میآیند واز لحاظ حیثیت و حقوق باهم برابرند . همه دارای عقل و وجدان میباشند و باید نسبت بیکدیگر با روح برادری رفتار کنند .

مادهٔ دوم (۱) هر کس میتواند بدون هیچگونه تمایز، مخصوصاً ازحیث نژاد ، رنگ ، جنس ، زبان ، مذهب ، عقیدهٔ سیاسی یاهرعقیدهٔ دیگروهمچنین ملیت ، وضع اجتماعی، ثروت ، ولادت یا هرموقعیت دیگر، از تمام حقوق وکلیهٔ آزادی ـ هائیکه دراعلامیه حاضرذکرشده است ، بهره‌مند گردد .

(۲) ـ بعلاوه هیچ تبعیضی بعمل نخواهدآمد که مبتنی بروضع سیاسی، اداری وقضائی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص بآن تعلق دارد ، خواه این کشور مستقل ، تحت قیمومت ، یا غیرخود مختار بوده یا حاکمیت آن بشکلی محدود شده باشد .

مادهٔ سوم ـ هر کس حق زندگی، آزادی وامنیت شخصی دارد .

مادهٔ چهارم ـ احدی را نمیتوان دربردگی وبندگی نگاهداشت وداد وستد بردگان بهر شکل که باشد ممنوع است .

مادهٔ پنجم ـ احدی را نمیتوان تحت شکنجه یا مجازات یارفتاری قرارداد که ظالمانه ویا برخلاف انسانیت وشئون بشری یا موهن باشد .

مادهٔ ششم ـ هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی او در همه جا بعنوان یك انسان در مقابل قانون شناخته شود .

مادهٔ هفتم ـ همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض وبالسویه از حمایت قانون برخوردارشوند . همه حق دارند درمقابل هرتبعیضی که ناقض اعلامیهٔ حاضرباشد وعلیه هرتحریکی که برای چنین تبعیضی بعمل آید ، بطور تساوی ازحمایت قانون بهره‌مند شوند .

مادهٔ هشتم - دربرابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و آن حقوق بوسیلهٔ قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع مؤثر بمحاکم ملی صالحه دارد.

مادهٔ نهم- احدی نمیتواند خود سرانه توقیف، حبس یا تبعید بشود.

مادهٔ دهم - هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش بوسیلهٔ دادگاه مستقل و بی‌طرفی، منصفانه و علناً، رسیدگی بشود و چنین دادگاهی دربارهٔ حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزائی که باو توجه پیدا کرده باشد اتخاذ تصمیم بنماید.

مادهٔ یازدهم- (۱) هر کس که به بزه‌کاری متهم شده باشد بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتیکه در جریان یك دعوای عمومی که در آن کلیهٔ تضمین های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد.

(۲) هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب، آن عمل بموجب حقوق ملی یا بین المللی جرم شناخته نمیشده است محکوم نخواهد شد. بهمین طریق، هیچ مجازاتی شدید تر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق میگرفت، در بارهٔ احدی اعمال نخواهد شد.

مادهٔ دوازدهم - احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، نباید مورد مداخله های خود سرانه واقع شود و نه شرافت و اسم و رسمش مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل اینگونه مداخلات وحملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.

مادهٔ سیزدهم - (۱) هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند ومحل اقامت خود را انتخاب نماید.

(۲) - هر کس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترك کند یا به کشور خود باز گردد.

مادهٔ چهاردهم - (۱) هر کس حق دارد دربرابر تعقیب وشکنجه و آزار، پناهگاهی جستجو کند ودر کشورهای دیگر پناه اختیار کند.

(۲) در مواردی که تعقیب واقعاً مبتنی بجرم عمومی و غیرسیاسی یا

رفتارهائی مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد باشد، نمیتوان از این حق استفاده نمود.

مادهٔ پانزدهم ـ (۱) هر کس حق دارد که دارای تابعیت باشد.
(۲) احدی را نمیتوان خود سرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.

مادهٔ شانزدهم ـ (۱) هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با همدیگر زناشوئی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشوئی وهنگام انحلال آن، زن وشوهر در کلیهٔ امور مربوط بازدواج، دارای حقوق مساوی میباشند.
(۲) ازدواج باید بارضایت کامل وآزادانهٔ زن ومرد واقع شود.
(۳) خانواده رکن طبیعی واساسی اجتماع است وحق دارد ازحمایت جامعه و دولت بهره مند شود.

مادهٔ هفدهم ـ (۱) هر شخص منفرداً یا بطوراجتماع حق مالکیت دارد.
(۲) احدی را نمیتوان خود سرانه ازحق مالکیت محروم نمود.

مادهٔ هیجدهم ـ هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان ومذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده وایمان میباشد ونیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است هر کس میتواند ازاین حقوق، منفرداً یا مجتمعاً، بطور خصوصی یا بطورعمومی، برخوردار باشد.

مادهٔ نوزدهم ـ هر کس حق آزادی عقیده وبیان دارد وحق مزبور شامل آنست که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن بتمام وسائل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.

مادهٔ بیستم ـ (۱) هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز تشکیل دهد.
(۲) هیچکس را نمیتوان مجبور بشرکت در اجتماعی کرد.

مادهٔ بیست و یکم ـ (۱) هر کس حق دارد که در ادارهٔ امورعمومی کشور خود، خواه

مستقیماً وخواه بوساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید .

(۲) هـر کس حق دارد بـا تساوی شرایط بمشاغل عمومی کشور خود نایل آید .

(۳) اساس و منشأ قدرت حکـومت ، ارادهٔ مردم است ، این اراده باید بوسیلهٔ انتخاباتی ابراز گردد که ازروی صداقت و بطورادواری صورت پذیرد . انتخابات باید عمومی و بـا رعایت مساوات باشد و با رأی مخفی یـا طریقه‌ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رأی را تأمین نماید .

مادهٔ بیست ودوم - هر کس بعنوان عضواجتماع حق امنیت اجتماعی دارد ومجازاست بوسیلهٔ مساعی ملی وهمکاری بین‌المللی ، حقوق اقتصادی و اجتماعی وفرهنگی خود را که لازمهٔ مقام و نموآزادانهٔ شخصیت اواست بـا رعایت تشکیلات ومنابع هر کشوربدست آورد .

مادهٔ بیست وسوم - (۱) هر کس حق داردکار بکند ،کارخود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه ورضایت بخشی برای کارخواستارباشد ودرمقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد .

(۲) همـه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی ، در مقابل کار مساوی ، اجرت مسای دریافت دارند .

(۳) هر کس کـه کار میکنـد بمزد منصفانه و رضایت بخشی ذیحق میشود کـه زندگی او و خانواده‌اش را موافق شئون انسانـی تأمین کند وآنرا درصورت لزوم با هرنوع وسائل دیگرحمایت اجتماعی تکمیل نماید .

(۴) هر کس حـق دارد کـه برای دفاع از منافع خـود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و دراتحادیه‌ها نیزشرکت کند .

مادهٔ بیست وچهارم- هر کس حق استراحت وفراغت وتفریح دارد وبخصوص بمحدودیت معقول ساعات کار و مرخصی های ادواری با اخـذ حقوق ذی حق می باشد .

مادهٔ بیست و پنجم - (۱) هر کس حق دارد که سطح زندگانی و سلامتی و رفاه خود وخانواده‌اش را از حیث خوراک ومسکن ومراقبتهای طبی وخدمات لازم اجتماعی تأمین کند ، وهمچنین حق دارد که درمواقع بیکاری، بیماری، نقص اعضاء ، بیوگی، پیری یا درتمام موارد دیگری که بعلل خارج ازارادهٔ انسان ، وسائل امرار معاش ازدست رفته باشد ازشرایط آبرومندانهٔ زندگی برخوردارشود .

(۲) مادران و کودکان حق دارند که از کمك ومراقبت مخصوصی بهره مند شوند . کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج بدنیا آمده باشند، حق دارند که همه از یکنوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند .

مادهٔ بیست و ششم - (۱) هر کس حق دارد که از آموزش وپرورش بهره‌مند شود . آموزش وپرورش لااقل تا حدودی که مربوط بتعلیمات ابتدائی و اساسی است باید مجانی باشد . آموزش ابتدائی اجباری است آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل بروی همه باز باشد تا همه بنا باستعداد خود بتوانند ازآن بهره مند گردند .

(۲) آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را بحد اکمل رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی های بشر را تقویت کند . آموزش و پرورش باید حسن تفاهم ، گذشت واحترام عقاید مخالف (Tolérance) و دوستی بین تمام‌ملل وجمعیتهای نژادی‌یامذهبی وهمچنین توسعهٔ فعالیتهای‌ملل متحد را درراه حفظ صلح تسهیل نماید .

(۳) پدرومادردرانتخاب نوع آموزش وپرورش‌فرزندان‌خودنسبت بدیگران اولویت دارند .

مادهٔ بیست و هفتم - (۱) هر کس‌حق دارد آزادانه درزندگی فرهنگی‌اجتماع شرکت کند ، ازفنون و هنرها متمتع گردد و درپیشرفت علمی و فوائدآن سهیم باشد .

(۲) هر کس حق دارد که ازحمایت منافع معنوی ومادی آثارعلمی ، فرهنگی یاهنری خود برخوردارشود .

مادهٔ بیست‌وهشتم ـ (۱) هـر کس حق دارد برقراری نظمی را بخواهد کـه از لحاظ اجتماعی وبین‌المللی، حقوق وآزادی‌هائی‌را که دراین اعلامیه ذکر گردیده است تأمین کند وآنها را بمورد عمل بگذارد .

مادهٔ بیست و نهم ـ (۱) هـر کس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت اورا میسرسازد .

(۲) هر کس در اجـرای حقوق و استفاده از آزادیهای خود فقط تابع محدودیتهائی است کـه بوسیلهٔ قانون منحصراً بمنظور تأمین شناسائی،مراعات حقوق وآزادیهای دیگران‌وبرای رعایت‌مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی درشرایط یك جامعهٔ دمکراتیك وضع گردیده است .

(۳) این حقـوق و آزادیها در هیچ موردی نمی‌توانـد بر خلاف مقاصد واصول ملل متحد اجرا گردد .

مادهٔ سی‌ام ـ هیچیك‌ازمقررات اعلامیهٔ حاضرنباید طوری‌تفسیرشود که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد کـه بموجب‌آن بتوانند هریك ازحقوق و آزادیهای مندرج دراین اعلامیه را ازبین ببرند ویا درآن راه فعالیتی بکنند .

مؤسسات تخصصی سازمان ملل متحد از اینقرار است :

۱ـ سازمان بین‌المللی کار.
۲ـ سازمان خواربار و کشاورزی ملل‌متحد.
۳ـ سازمان تربیتی وعلمی وفرهنگی ملل‌متحد.
۴ـ سازمان هواپیمائی کشوری بین‌المللی .
۵ـ بانک‌بین‌المللی ترمیم وتوسعه.
۶ـ صندوق بین‌المللی پول.
۷ـ سازمان جهانی‌بهداشت.
۸ـ اتحادیهٔ پستی جهانی .
۹ـ اتحادیهٔ بین‌المللی مخابرات.
۱۰ـ سازمان جهانی هواشناسی.
۱۱ـ سازمان مشورتی بین‌المللی دریانوردی .
۱۲ـ سازمان بازرگانی‌بین‌المللی.

این مؤسسات درایران باقدامات وخدمات مفیدی نائل گردیده‌اند .

املاك پهلوی

درچند سال اخیر، بامر شاهنشاه، ادارهٔ املاك پهلوی علاوه بر تقسیم وفروش اقساطی املاك که یکی ازدرخشان ترین برنامه‌های اجتماعی کشور میباشد، خدماتی درشئون مختلف اقتصادی واجتماعی انجام داده است که اینك ازهریك ازآنها بطوراختصار دراینجا یاد میشود :

الف ـ تقسیم وفروش اقساطی املاك پهلوی

اعلیحضرت همایون شاهنشاه بمنظورایجاد یك تحول اساسی ودامنه‌داردرزندگی کشاورزان وعلاقمند ساختن آنها بکاروکوشش بیشتر، تصمیم گرفتند که بیك تحول بزرگ کشاورزی دست بزنند وپس ازآنکه یکبار املاك موروثی خودرا بدولت واگذارنمودند تا عوایدآن بمصرف هزینه‌های ضروری کشوربرسد برای باردوم نیز که مجلس شورای ملی املاك موروثی رابشاهنشاه بازگردانید مقررداشتند که عوایدآن، وقف وصرف امور بهداشتی و فرهنگی ملت ایران بشود .

با اینکه این اقدام بزرگوارانه که از طریق مصلحت عمومی سیر میکرد موجد سازمانها ومؤسسات بزرك بهداشتی وفرهنگی درسراسر کشور گردید بازآرزوی شاهنشاه را درایجاد یك تحول زراعتی وبهبود زندگی کشاورزان برآورده نساخت ودراثرهمین اندیشه بود که در تاریخ هفتم اسفند ماه یکهزار وسیصد وبیست ونه، طی فرمانی مقرر فرمودند که چون همواره بتأمین وآسایش ورفاه حال زارعین علاقهٔ خاص و عقیدهٔ راسخ دارند مقررمیدارند که املاك موروثی معظم‌له باقساط طویل‌المدت بکشاورزان واگذار شود واینکار زیرنظرهیئتی ازاشخاص مطلع وبصیر انجام شود . وجوهی نیز که ازبابت اقساط وصول میشودبایجاد صنایع ومنابع تولید وتأسیس شرکتهای مفید بحال کشاورزان اختصاص یابد .

پس ازصدور این فرمان که درحقیقت مبدء تحول بزرگی درتاریخ کشاورزی و زندگی دهقانان ایرانی میباشد اشخاصی بنام شورایعالی تقسیم املاك ازطرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی انتخاب شدند که پس ازمطالعات وبررسی‌های لازم نیت خیرشاهنشاه

را جامهٔ عمل پوشانیدند و پس‌از کسب اجازه بموجب آئین‌نامهٔ مخصوصی،تقسیم‌وفروش اقساطی املاك را از ورامین آغاز کردند .

بموجب این‌آئین‌نامه اراضی هرقریه ابتدا نقشه برداری وبواحدهای مساوی که درآمدآن حداقل زندگی یك خانواده را تأمین کند تقسیم میشود سپس اراضی با نظر کارشناسان ، ارزیابی وصورتی از کشاورزان هرقریه نیز که بکارزراعت اشتغال دارند و اقلاً ۵ سال در آن قریه ساکن بوده‌اند تهیه میشود سپس برای جلوگیری از هرگونه توهمی ، درحضورشورایعالی تقسیم اراضی ، قرعه‌کشی میشود و هرزارع ، قرعهٔ خود راکه شمارهٔ زمین و مشخصاتش روی آن ثبت شده برمیدارد و همین شماره را برای صدور سند مالکیت بمحضر میبرد وسند مالکیت بنام دهقان صادرمیگردد .

هنگام تقسیم اراضی هر قریه ، مقداری زمین برای خیابان ، مدرسه ، حمام ، درمانگاه و سایر مؤسسات عمومی درنظر گرفته میشود که بجامعهٔ ده تعلق دارد .

اراضی باقساط ۲۵ ساله بکشاورزان فروخته میشود ولی‌بموجب فرمان همایونی بیست درصد از بهای اراضی هنگام تنظیم سند بکشاورزان بخشوده میشود و درحقیقت آنها ۰/۸۰ بهای زمین را در اقساط ۲۵ ساله میپردازند . ساختمانهای ده نیز با تخفیف ۰/۷۵ بکشاورزان واگذارمیشود .

برنامهٔ تقسیم املاك که از ورامین آغاز شده بود بخوبی علیرغم مخالفت هائی که دانسته یاندانسته بآن میشد بخوبی‌پیشرفت کرد وپس‌ازورامین ، برنامهٔ تقسیم دردماوند، کرج وبعد درگنبدکاوس وگرگان ادامه یافت چنانکه طبق آخرین آماریکه تهیه شده ازاسفند ۱۳۲۹ تااسفند۱۳۳۶ جمعاً ۱۴۰۰۰۰ هکتارزمین بین ۱۴۰۰۰ خانوار کشاورز تقسیم شده .

ب ـ بانك عمران

چون کشاورزانیکه با برنامهٔ تقسیم املاك پهلوی صاحب زمین میشدند نیازمند راهنمائی و وسائل کار وکمکهای مادی بودند تابتوانند براراضی دریافتی مسلط شوند و ازآنها بهره برداری نمایند همانطورکه درفرمان ملوکانه نیزمورد توجه قرارگرفته بود مقررشد بانکی بنام بانك عمران روستائی تشکیل شود تا علاوه برکمکهای نامبردهٔ بالامقدمات تأسیس شرکتهای تعاونی را نیزدراملاك تقسیم شده فراهم سازد .

بانك عمران وتعاون روستائی‌درتاریخ۱۳۳۱/۶/۳۶با سرمایهٔ پانزده میلیون ریال



شاهنشاه هنگام اعطای سند مالکیت به کشاورزان ترکمن

افتتاح گردید .

وظیفهٔ بانك ، کمك بعمران وآبادی املاك انتقالی ، تعمیرقنوات ، ساختن خانه ـ های روستائی ، دادن وام بکشاورزان ، تأسیس شرکتهای تعاونی تولید مصرف ، وصول اقساط املاك وراهنمائی فنی کشاورزان میباشد .

بانك درتشکیل شرکتهای تعاونی‌تولید ومصرف ، موفقیتهای شایانی‌حاصل کرده که از آنجمله شرکت تعاونی تولید ومصرف ورامین است کـه بدست خود کشاورزان اداره میشود و در زندگی مردم اثربسیار زیادی داشته است .

دراینجا لازم‌است خاطرنشان شود که بابرنامهٔ تقسیم‌املاك پهلوی‌بین کشاورزان وکمکهای مفید و ضروری بانك عمران ، درآمد کشاورزانیکـه مالك زمین شدند ترقی فاحش نموده مثلاً طبق آماریکـه از طرف بانك عمران تهیه شده ، درآمد متوسط یك خانوادهٔ کشاورز درحصارك ورامـین ، قبل ازتقسیم ۶۰۹۵ وپس ازتقسیم ۸۴۷۱۷ ریال ودرپوئینك ، قبل ازتقسیم ۱۰۱۵۳ وبعد ازتقسیم ۲۳۱۵۷ ریال بوده است . بدیهی است این آمـار مربوط بسال اول تقسیم بوده کـه هنوز کشاورزان بر اراضی دریافتی مسلط نشده بودند . امید فراوان است کـه بعد ازچند سال این درآمد خیلی بیشتر بالا برود .

ج ـ دهکدهٔ نمونه

دراواخرسال۱۳۳۲شاهنشاه مقررفرمودند که برای‌آبادی وعمران اراضی‌لم‌یزرع حوزه های املاك ، اقدام‌ودراین قبیل‌اراضی‌مبادرت باحداث دهات نمونه بشود تاعده‌ای ازهموطنان که فاقد زمین و وسائل کشاورزی هستند، دراین‌دهات جدیدالاحداث، اسکان داده شوند .

دراجرای اوامرملوکانـه ، قطعه زمینی بمساحت ۴۳۰ هکتار درذیت مازندران انتخاب شد و هفتـاد و پنج خانوار کشاورز کـه در اثرعسرت و تنگدستی از سیستان بگنبدکاوس‌آمده وسرگردان بودند، باین اراضی منتقل‌شدند وبابرنامهٔ املاك ، عملیات عمرانـی را بمنظور احداث یك دهکـدهٔ نمونه و آبادی اراضی زراعتی ، طبق نقشه آغاز کردند .

دهکدهٔ نمونه باکوشش وفعالیت شبانه روزی بوجودآمد و روز ۱۶تیرماه۱۳۳۴ درحضورشاهنشاه ، دهکدهٔنمونه«شاه‌آباد» مورد بازدیدقرار گرفت‌وشاهنشاه‌اسناد مالکیت زارعین این دهکده و همچنین اسناد مالکیت خانه‌های کشاورزان را مرحمت فرمودند .

دراین دهکده خانه‌های کشاورزان بروضع بسیار تمیز و زیبائی بنا شده ، حمام ، مدرسه ، چاه آب درمانگاه ، پست وتلگراف ، فروشگاه وسایر احتیاجات موجود است . خانه واراضی آباد شده ، بیست و پنجسالـه بکشاورزان واگذار شده است واین اقدام میتواند سرمشق سایردهات ایران نیزقرار گیرد .

د ـ تأسیس بنگاه ترجمه و نشر کتاب

دراواسط سال ۱۳۳۲ بنگاهی بنام بنگاه ترجمه ونشر کتاب تحت نظرعالیا حضرت ملکهٔ سابق وباشرکت عده‌ای ازاساتید ودانشمندان برجستهٔ کشور بوجودآمد وبکار ترجمهٔ کتب مشهوروبرجسته دست زد وبرای اولین بار کتب مفید را باطرزی بسیاربدیع وزیبا بدوستاران کتاب عرضه داشت .

بنگاه ترجمه ونشر کتاب ، درمدت کوتاه عمرخود موفقیتهای بزرگی کسب کرده وتاکنون ۵۰ جلد از کتب بسیارعالی وارزندهٔ جهان رااز زبانهای مختلف بفارسی ترجمه ودراختیاردوستان کتاب گذارده است .

ادامهٔ اینکار توسط بنگاه ترجمه ونشر کتاب مورد توجه وعنایت خاص ملوکانـه میباشد وامید است که درآینده این بنگاه خدمات خودرا ادامه داده وگنجینه‌های بزرگ دانش جهان را بروی مردم کشوربگشاید .

هـ ـ کلاسهای روستائی

باسوادکردن کشاورزان یکی دیگرازبرنامه‌های مفیدی است که بعنایت و توجه شاهنشاه درحوزه‌های املاك پهلوی اجرا شده است .

ازسال ۱۳۳۱ ادارهٔ املاك پهلوی درسراسرحوزه‌های املاك کلاسهای روستائی شبانه دایرنموده تاکشاورزان در آنها شرکت جسته و خواندن و نوشتن را فراگیرند . مدت این کلاسها چهارماه یعنی ازآبانماه تا اسفند ماه کـه کشاورزان از امور زراعتی فراغت دارند تعیین شده وبرای مساعدت بیشتر، کتاب ولوازم‌التحریر، حقوق آموزگار ومستخدم ، وسائل سوخت وروشنائی، ازطرف ادارهٔ املاك تعهـد و تأمین میگردد و در آخرهردوماه ازکلیهٔ شرکت کنندگان در کلاسها باحضورمأمورین فرهنگی امتحان بعمل آمده وبکسانیکه موفق بگذراندن امتحان شوند کارنامهٔ قبولی داده میشود .

طبق آماریکه تهیه شده تاکنون جمعاً ۱۰۵۳ کلاس روستائی ازکشاورزان املاك در کلاسهاشرکت جسته وداوطلبان ، خواندن ونوشتن را بخوبی فراگرفته‌اند .



شاهنشاه در اردوی پیشاهنگان در بابلسر

و ـ اعزام روستا زادگان بآلمان

تقسیم املاك پهلوی قدم بزرگی درراه ایجاد یك تحول‌بزرگ کشاورزی است ولی این تحول ، درصورتی‌زود تربثمرمیرسد که عوامل کارمجهزتروآماده تر باشد یعنی کشاورزان‌آماده برای پیشرفت وقبول‌تحولات‌جدید باشند . بهمین جهت شاهنشاه اراده فرمودند که عده‌ای از جوانان روستائی‌دهات حوزه‌های املاك پهلوی از ایران بخارج سفر کنند ودرمزارع ودهکده‌های اروپائی طرز کاربا ماشین آلات وسیستم‌های جدیدکار کشاورزی را مطالعه بنمایند .

دراجرای این‌اندیشه ادارهٔ املاك پهلوی پس‌ازمذاکراتی که با دولت‌آلمان‌بعمل آورد ازتابستان ۱۳۳۳ این نیت شاهانه عملی شد وعده‌ای ازروستازادگان جوان‌ایرانی ازدهات املاك انتخاب شدند وبرای فراگرفتن زبان‌آلمانی بتهران‌آمدند ومدت ششماه بخرج شاهنشاه تحت تعلیم قرار گرفتند وسپس درحالیکه‌کلیهٔ لوازم واحتیاجات‌آنهاتهیه و تأمین شده بود درهفتم فروردین ماه ۱۳۳۴ اولـین دستهٔ روستا زادگان بصوب آلمان غربی پرواز کردند .

طبق برنامه‌ایکه تنظیم شده این روستا زادگان مدت دوسال درمزارع آلمان‌کار کرده وباپیشرفت های جدیدکشاورزی آشنا میشوند و هنگامیکه بکشور بازگشتند در دهات خود مشغول کار میشوند و ادارهٔ املاك نیز زمین و وسائل‌کار دراختیارآنها قرار میدهد تادرعین‌کارسرمشق سایر کشاورزان باشند .

تاکنون۷۲نفرازروستا زادگان‌که مدت دوسال درآلمان تحت‌تعلیم بودندبایران مراجعت کرده و۵۶ نفردیگردرآلمان‌بسرمیبرند علاوه براین‌عده۱۷نفرهم بژاپن فرستاده شده‌اند که باکشت‌چای‌آشنا شوند . ۶نفرهم‌بکارخانهٔ فرگوسن‌انگلستان برای‌فراگرفتن تعلیمات لازمه اعزام شده‌اند .

ز ـ اردوهای فرهنگی

چون تشکیل اردوهای فرهنگی واجتماع جوانان وآشنائی‌آنان بایکدیگرمورد عنایت ذات ملوکانه‌بود ادارهٔ املاك ومستغلات پهلوی حسب‌الامرملوکانه از سال۱۳۳۴ مقدمات تشکیل‌اردوهای‌فرهنگی‌را جداگانه برای پسران ودختران، فراهم ساخت باین ترتیب که عده‌ای از دانشجویان ودانش‌آموزان ممتاز دبیرستانها ودانشگاه تهران که از طرف وزارت فرهنگ و دانشگاه انتخاب میشدند دراردوهای فرهنگی شرکت میجستند

و در اردو علاوه بر شرکت در فعالیتهای ورزشی و تفریحی با کار های هنری و ادبی و امور فنی مانند رانندگی ، ماشین نویسی و همچنین اسب سواری و تیراندازی نیز آشنا میشدند .

هزینهٔ کلیهٔ اردوها حسب الامر ملوکانـه پرداخت میگردید و دانش آموزان و دانشجویان درمدت تشکیل اردو مهمان شاهنشاه خود بودند .

شاهنشاه بکلیهٔ اردوهای فرهنگی تشریف فرما و از فعالیتهای هنری و کارهای دیگر شرکت کنندگان اردوها بازدید و ناهار را با دانش آموزان و دانشجویان صرف میکردند ، این توجه وعنایت شاهنشاه مظهرعلاقهٔ خاصی است که شاهنشاه ایران به نسل جوان وتحصیل کردهٔ کشور دارند .

ح - جوائز بهترین کتب سال

اعلیحضرت همایون شاهنشاه که همواره هنرمندان ونویسندگان رامشمول مراحم خاص خود قرارداده ودرهرموقعیت اززحمت و کوشش آنهاتشویق وقدردانی فرموده‌اند. درسال ۱۳۳۲ مقررفرمودند ترتیبی داده شود کـه بهترین نویسندگان ومترجمانی کـه آثاری با ارزش بجامعه هدیه میکنند مورد مرحمت خاص قرار گرفته وجوایزی بآنها داده شود تابدین ترتیب اززحمت وخدمت مفید آنها قدردانی شده باشد .

ادارهٔ املاك ومستغلات پهلوی درامتثال امرملوکانه بدانشگاه تهران مراجعه وبا صوابدیدشورای عالی دانشگاه کمیسیونی مرکب ازاستادان دانشمند وصاحب نظرانتخاب شدند تا کتب منتشرهٔ سال را دررشته‌های مختلف مورد مطالعه قرارداده و بهترین کتب سال را تعیین ومعرفی نمایند .

خوشبختانه این مراسم فرهنگی درنهایت توجه وبیطرفی انجام شد ودرسال ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ بهترین نویسندگان ومترجمان سال معرفی وباخذ جوائزسلطنتی نائل گردیدند و این ترتیب هرسال بانهایت علاقه دنبال میشود .

بموجب آئین نامه‌ایکه کمیسیون تهیه کرده ومورد موافقت شاهنشاه قرار گرفته‌است هرسال به بهترین مصنف ، بهترین مؤلف و بهترین مترجم سال درچهاررشتهٔ ادبی، علمی، تاریخ و جغرافیا ، اخلاقی وتربیتی ، جایزه داده میشود.



شاهنشاه در اردوی دانشجویان در آبعلی

مقدار جوائز برای مصنف پنجاه هزار ریال ، مؤلف سی‌هزار ریال و مترجم بیست هزار ریال منظور شده است .

ط ـ شرکت ملی نفت‌کش ایران

پس‌از تحولات سالهای اخیر وملی شدن صنعت نفت با مبارزاتی که ملت ایران بهدایت شاهنشاه در راه احقاق حق خود نمود شاهنشاه توصیه فرمودند که ترتیبی داده شود که حمل و نقل نفت ببازارهای دنیا نیز کم کم بمردم ایران سپرده شود و همانطور که درسایرشئون این تجارت‌مهم، ایرانیان سهم مؤثری دارند دراینکار نیز توفیق‌حاصل شود . درامتثال امر مبارك شاهنشاه شرکتی بنام شرکت نفت‌کش ملی ایران تشکیل گردید که پنجاه درصد ازکل سهام‌آن بفرمان شاهنشاه ازطرف ادارهٔ املاك پهلوی‌تعهد وپرداخت گردید. درحال حاضرشرکت برای ساختمان دودستگاه نفت‌کش بظرفیت هر دستگاه سی و دو هزار وپانصد تن ودو دستگاه کشتی باربری بظرفیت هریك یکهزار تن بکشورهلند سفارش داده که بزودی آماده و تحویل خواهد گردید .

بمنظوراینکه ادارهٔ امور این کشتی رانی بدست جوانان ایرانی سپرده شود واز این بابت نیازی بـه متخصصین خارجی نباشد ۱۱ نفر از جوانان تحصیلکرده و واجـد شرایط با ترتیب مسابقه انتخاب وبخارج‌اعزام‌شدند تا فن دریانوردی‌را تحصیل‌نمایند .

هزینهٔ رفت وآمد واقامت این‌عده نیزازطرف ادارهٔ املاك پرداخت میگردد .

ی ـ کمك بایجاد کارخانجات تولیدی کشور

علاوه بر اقداماتیکـه مستقیماً بفرمان همایونی از طرف ادارهٔ املاك انجام شده کمکهای مفید ومؤثری‌نیزبموقع‌خود بسازمانها ومؤسسات تولیدی کشورشده است که ازآنجمله کمك بایجاد وبراه افتادن کارخانهٔ سیمان فارس است که درکشورنهایت لزوم واهمیت را داشته است وهمچنین کمك به‌کارخانهٔ تصفیه شکراهواز میباشدکـه ازنظر اقتصادی‌برای کشورمفید ومؤثرواقع‌شده است. علاوه‌براین درسایرمؤسسات وشرکتهای تولیدی‌نیزهرکجالازم بوده ادارهٔ املاك نهایت همکاری ومساعدت را برای پیشرفت‌کار بعمل آورده است .

ك ـ داروپخش سلطنتی

تشکیل بنگاه داروپخش سلطنتی یکی دیگر از اقدامات بسیار مفید ومؤثر یست که حسب الامر ملوکانه بمنظور تأمین داروی ارزان ورعایت حال بیماران مخصوصاً خانواده‌های مستمند بعمل آمده است .

پس ازصدور فرمان ملوکانه بنگاهی بنام بنگاه داروپخش سلطنتی تشکیل وشروع بکار کرده است که هدف آن احداث کارخانجات داروسازی درایران وتشویق کارخانجات بزرگ جهانی باحداث کارخانه درایران و تهیهٔ داروبقیمت ارزان وتوزیع آن درسراسر کشور میباشد .

بدیهی است که با شروع کار این بنگاه ، تنزل فاحشی در بهای داروآشکار شده وعدهٔ زیادی ازمتخصصین وکارگران ایرانی در کشور بکار مشغول خواهند شد . مقرر است عوایدیکه ازاین بنگاه حاصل میشود بمصرف امورخیریه وتربیتی و ورزشی برسد .

ل ـ کنگرهٔ پزشکی

بمنظور تبادل نظر پزشکان وبحث درمباحث مهم وباارزش عالم پزشکی وبررسی نیازمندیها و مشکلات بهداشتی کشور در سال ۱۳۳۰ نخستین کنگرهٔ پزشکی ایران در رامسر تشکیل گردید وحسب الامر ملوکانه ادارهٔ املاك پهلوی پذیرائی شرکت کنندگان را بعهده گرفت وپنجاه درصد از هزینهٔ آنها نیز ازطرف ادارهٔ املاك پرداخت گردید .

این مجمع علمی از سال ۱۳۳۰ تاکنون مرتباً در مهرماه هرسال تشکیل شده و در کنگره بیش از ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از پزشکان وصاحبان فنون پزشکی گرد هم آمده ومسائل مهم پزشکی وبهداشتی مانند سل، تراخم، مالاریا، بهداشت کودك، بهداشت آب، مبارزه باحشرات ، مبارزه با بیماریهای آمیزشی را مورد بحث و مطالعه قرار داده است ودر هرمورد قطعنامه هائی صادر کرده که توسط مراجع مهم بهداشتی کشور بمورد اجرا گذارده شده است .

این کنگره هرسال مرتباً تشکیل میشود وادارهٔ برنامه‌های علمی وفنی کنگره بعهدهٔ کمیته‌ای بنام کمیته رأس کنگرهٔ پزشکی ایران میباشد که از نمایندگان کلیهٔ سازمانهای بهداشتی کشور تشکیل میشود و در جریان سال ، برنامه های کنگره را تعیین و اعلام میدارد .

ادارهٔ املاك پهلوی تاکنون ۶ مجلهٔ زیبا از مباحث و کنفرانسهای سالیانهٔ



شرفیابی روستازادگانی که عازم آلمان هستند

کنگرهٔ پزشکی چاپ نموده و مجاناً در اختیار پزشکان و مقامات مهم بهداشتی کشور گذارده است.

ریاست عالیهٔ کنگرهٔ پزشکی بعهدهٔ علیا حضرت ملکه ثریا پهلوی ملکهٔ سابق ایران بوده است.

م ـ خانه‌های ارزان

برای اولین بار ادارهٔ املاک بفرمان همایونی در سال ۱۳۳۲ بساختمان خانه‌های ارزان قیمت اقدام نمود و درمدت کوتاهی یکصد دستگاه ساختمان دو وسه اطاقهٔ ارزان قیمت در اراضی فرح آباد ساخته شد و این اقدام موجب ایجاد بانك ساختمانی و تهیهٔ خانه‌های ارزانقیمت در کشور گردید. ادارهٔ املاك پس از تشکیل بانك ساختمانی خانه‌های ساخته شده را بفرمان همایونی در اختیار بانك ساختمان قرارداد تا آنها را تکمیل و باشخاص واجد صلاحیت واگذار نمایند. این ساختمانها امروز مسکون هستند وبنام کوی شاه خوانده میشوند.

ن ـ بهبود وضع مهمانخانه‌ها وایجاد مهمانسراهای جدید

ادارهٔ املاك پهلوی در بهبود وضع مهمانخانه وایجاد مهمانسراهای جدید اقدام نموده در طول مدت هفت سال گذشته موفق گردید که اولاً توازنی در دخل وخرج مهمانخانه‌ها ایجاد وحتی درسنوات اخیر سود قابل توجهی نیز تحصیل نماید.

ثانیاً با اقدام بخرید لوازم و سرویس های جدید، در تعویض اثاثیه مستهلك و فرسوده قدمی بردارد.

ثالثاً برای تعمیم ایجاد مهمانخانه‌ها در شهرهای دیگر ایران پیشقدم شد و بکلیه شهرداریهای مهم ایران ازجمله تبریز، رشت، اصفهان، شیراز، اهواز، آبادان، مشهد وغیره اطلاع داد در صورتیکه شهرداری هر محل مبلغی از سرمایهٔ لازم برای احداث یك مهمانخانهٔ آبرومند را تأمین نماید ادارهٔ املاك معادل ۲۰٪ درصد سرمایهٔ لازم را تأدیه خواهد نمود. این پیشنهاد مورد استقبال قرار گرفت واینك اقدامات مؤثر برای احداث مهمانخانه‌های جدید درشهرهای نامبردهٔ بالاجریان دارد.

بعلاوه ساختمان یك مهمانخانهٔ مجلل و آبرومند و شایسته پایتخت کشور جزو برنامهٔ مصوبه است وادارهٔ املاك قریباً درمحل کافهٔ شهرداری تهران ساختمان مهمانخانهٔ مذکور را که دارای چهارصد اطاق مجهز بتمام وسائل امروزه میباشد آغاز

خواهد نمود .

ضمناً برای توسعهٔ مهمانخانه‌های فعلی‌باین ترتیب عملیات جریان دارد .

الف ـ ساختمان یك هتل مجهز یکصد اطاقی با تمام وسائل لازم در رامسرجنب مهمانخانهٔ فعلی .

ب ـ ساختمان یك هتل پنجاه اطاقی در محل باغ مهمانخانهٔ فعلی چالوس که خاتمه یافته است .

ج ـ ساختمان یك هتل بیست اطاقی‌مجهزدرمحل باغ مهمانخانهٔ فعلی گچسر که عملیات ساختمانی آن‌خاتمه یافته است .

درپایان اضافه میشود که تکمیل ساختمان کازینوی بابلسرو همچنین مهانخانهٔ عظیم آبگرم لاریجان در برنامهٔ ساختمان مهمانخانه ها منظور وامید است در فرصت نزدیك آغاز گردد .

س ـ رستورانهای ارزان

بمنظورتهیهٔ غذا برای مردمیکه فعالیت بیشتردارند، هرسال‌ازطرف ادارهٔ املاك پهلوی رستورانهای ارزانقیمت درنقاط پرجمعیت و فقیرنشین شهردائرمیشود واکنون ۵ سال است که اینکار خیر ومفید ادامه دارد .

این رستورانها ازابتدای پائیزتا اواسط سال بعدکه هوا سرد ووسیله کمتریافت میشود دائرهستند و هرروز هزارنفردرهریك ازآنها غذا میخورند. قیمتی که بابت غذا میپردازند فقط ۵ ریال و بقیهٔ مخارج آن بفرمان همایونی از طرف ادارهٔ املاك تأمین وپرداخت میگردد .

این رستورانها فعلاً درتهران دائرهستند ولی ممکن است بعداً درشهرستانهانیز ایجاد بشود .

ش ـ بنگاه جلب سیاحان

بمنظورشناساندن کشورشاهنشاهی‌ایران‌بخارجیهاوجلب‌جهانگردان ومستشرقین کـه آرزوی آنها بازدید آثار گرانبهای تاریخی وگنجینه‌های تمدن درخشان قدیم در ایران میباشد وتاکنون بعلت نبودن وسائل‌کافی وسایرجهات اینمنظور عالی عملی نشده بود بنا بفرمان مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دراوایل آبانماه سال ۱۳۳۴بنگاهی

بنام بنگاه جلب سیاحان وابسته باملاك و مستغلات پهلوی تأسیس گردید . برنامهٔ این بنگاه شامل دو قسمت داخلی وخارجی میباشد :

برنامهٔ داخلی که برای کمك بطبقات متوسط کشور مخصوصاً کارمندان دولت و مؤسسات ملی اختصاص داده شده واز روز چهارم آبانماه سال ۱۳۳۴ افتتاح گردیده سرویس منظمی است که هفته‌ای دو روز داوطلبان را با اتوکارهای مجهز ولوکس برای مدت هفت روز طبق برنامه‌ای که تنظیم گردیده ازراه چالوس بکرانهٔ زیبای دریای خزر برده وپس ازپذیرائی درمهمانخانه‌های مجلل وزیبای گچسر ـ چالوس ـ رامسر ـ بابلسر از راه فیروزکوه وآبعلی بتهران بازگشت میدهد و فقط مبلغ ۲۴۵۰ ریال برای مدت ۷ روز هزینهٔ مسافرت و توقف مسافرین دریافت میدارد .

در قسمت برنامهٔ خارجی که منظور اصلی جلب سیاحان خارجی است اقدامات مؤثری انجام گردیده وتاکنون عدهٔ زیادی از شخصیت‌های بزرگ فرهنگی واقتصادی وهمچنین دانشجویان خارجی با برنامهٔ بنگاه جلب سیاحان بایران آمده واز کلیهٔ بناها ونقاط دیدنی ایران بازدید نموده وپس ازبازگشت، نظریات بسیار مفید و پسندیده‌ای را درمطبوعات خارجی انتشار داده اند .

ف ـ توسعه وتعمیم سینما

موضوع توسعه وتعمیم سینما وفراهم آوردن تسهیلاتی که عموم مردم بتوانند از این وسیلهٔ مؤثر تفریحی استفاده نمایند یکی دیگر از اقدامات مفید ودامنه داری بود که بفرمان شاهنشاه درعهدهٔ ادارهٔ املاك ومستغلات پهلوی گذارده شد .

ادارهٔ املاك ومستغلات پهلوی در اجرای نظر ملوکانه، ابتدا جلساتی باحضور عده‌ای از هنرمندان ونویسندگان ونمایندگان سازمانهائیکه باین امر ارتباط وبستگی داشتند وبالاخره مدیران سینماهای پایتخت تشکیل داد ودر نتیجهٔ مطالعه ومذاکره ، کمیسیون مزبور نظریاتی باین شرح ابراز نمود :

۱ـ کمك مادی بکسانیکه اقدام بساختمان سینما مینمایند .

۲ـ تخفیف عوارض سینماها .

۳ـ ارزان کردن بلیط درسانسهای مختلف برای فرهنگیان وکارگران .

۴ـ کمك بتهیهٔ فیلمهای فارسی .

بمنظور اجرای این تصمیمات، درمورد کمك مادی بسینماها بدعوت ادارهٔ املاك

کمیسیونی با حضور نمایندگان بانك ملی ایران وبانك رهنی در ادارهٔ املاك تشکیل گردید وپس‌از مذاکراتی که بعمل‌آمد موافقت‌نامه‌ای بامضاء رسید که بانك ملی ایران در ابتدای‌کار، یك میلیون وبعد بتدریج‌تا پنج میلیون تومان وجه باسود ۴٪. باختیار بانك رهنی ایران بگذارد وبانك رهنی ایران از مبلغ مزبور بکسانیکه اقدام بساختمان سینما مینمایند وصلاحیت‌آنها مورد تأیید وزارت‌کشور وادارهٔ املاك ومستغلات‌پهلوی است، وام برای مدت پنج سال بدهد، به‌این ترتیب که درششماه اول قسطی وصول‌نشود ودر بقیهٔ‌مدت ۸٪. سود دریافت گردد.

یك میلیون تومان اول باختیار بانك‌رهنی ایران گذارده‌شد وتا بحال‌درخواست ساختمان سینما درشهرستانهای مختلف‌کشور ازهمین محل انجام شده است ودر آینده نیز تعقیب خواهد شد.

درخواستهائیکه بادارهٔ املاك برای ساختمان سینما رسیده است بیش از یکصد وده فقره میباشد.

در مورد تخفیف عوارض با وزارت کشور وشهرداری تهران مذاکراتی بعمل آمد وادارهٔ املاك طی نامه‌ای ازشهرداری تهران درخواست نمود تا برای کسانی‌که سرمایهٔ خود را برای ساختمان سینما بکار میاندازند ششماه عوارض سینما از آغاز کار بخشوده شود. این پیشنهاد مورد قبول شهرداری وتأیید وزارت‌کشور قرار گرفت ودر تعقیب آن مقرر شد که سینماهای شهرستانها نیز برای‌مدت یکسال ازپرداخت‌عوارض معاف باشند.

با این اقدام عدهٔ زیادی در تهران وشهرستانها شروع بساختمان سینما کردند چنانکه درسال جاری درتهران ۱۲ ودرشهرستانها تا حدود ۳۸ سینما ساخته شد.

ص - پرورشگاه و شیرخوارگاه

تحت توجهات ملوکانه،جمعیت‌خیریهٔ ثریاعلاوه براقداماتی که‌در گذشته‌بمنظور توزیع لباس درایام نوروز بین دانش آموزان وخواربار بین خانواده‌های بی‌بضاعت و توزیع‌ذغال‌وخاکه‌درمیان خانواده‌های نیازمند بعمل‌میآورد، درسه سال‌اخیر برنامهٔ‌خود را ایجاد پرورشگاه و حمایت از کودکان وشیرخواران قرارداد و خوشبختانه دراینراه توفیق‌حاصل نمود چنانکه تاکنون دو پرورشگاه ویك‌شیرخوارگاه درتهران دائرنموده ومقدمات ساختمان وتشکیل پرورشگاه در دواستان‌کشور نیزفراهم شده است.

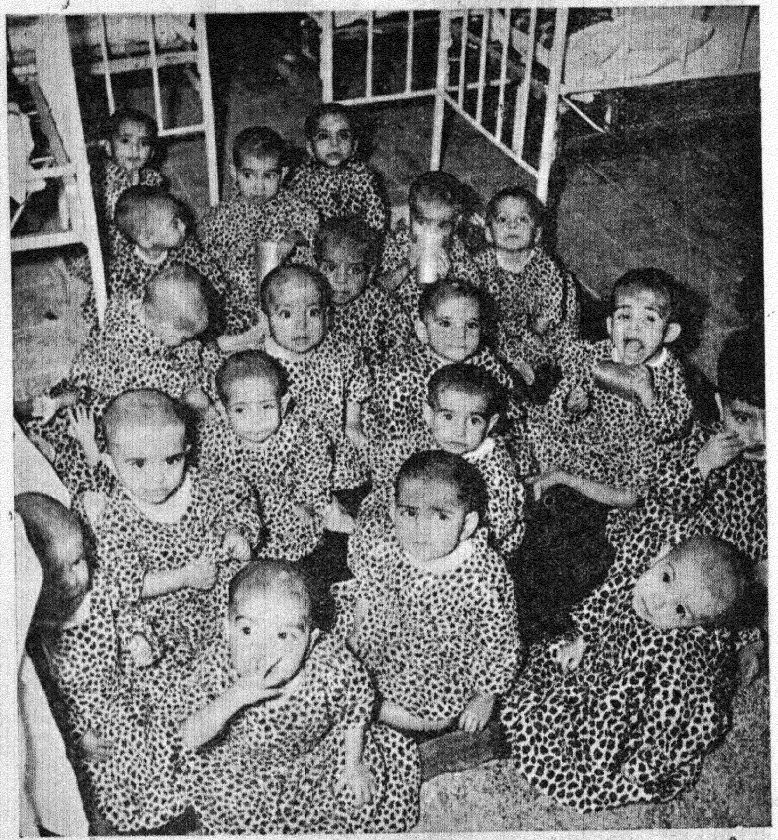

عده‌ای از کودکان پرورشگاه خیریهٔ ثریا



بازی کودکان در پرورشگاه شماره ۲ جمعیت خیریهٔ ثریا

پروشگاه شماره ۲ جمعیت خیریه درخیابان شهباز واقع شده وسه هزار متر زیر بنادارد و۱۵۰ کودك در آنجا نگهداری میشوند .

پرورشگاه شماره ۳ که سال گذشته ساخته شده ۳۰۰۰ متر مساحت و۱۵۰۰ متر زیربنادارد و۲۵۰ نفر کودك در آنجا نگهداری میشوند. این پرورشگاه گنجایش نگهداری ۱۰۰۰ کودك را دارد. بنای ساختمان پرورشگاه دیگری نیز بمساحت ۲۰ هزار متر و ۱۰۰۰۰ متر زیر بنا دردست ساختمان است که ازطرف یکی از خیرخواهان هدیه شده و گنجایش ۱۵۰۰ نفر کودك خواهد داشت .

علاوه برپرورشگاه‌ها، شیرخوارگاه تهران سال گذشته ازطرف شهرداری بجمعیت خیریه واگذارشده وبنای آن تجدید ووسائل لازم جهت آن تهیه شده است .

دراین شیرخوارگاه ۷۰۰ کودك نگاهداری میشوند.

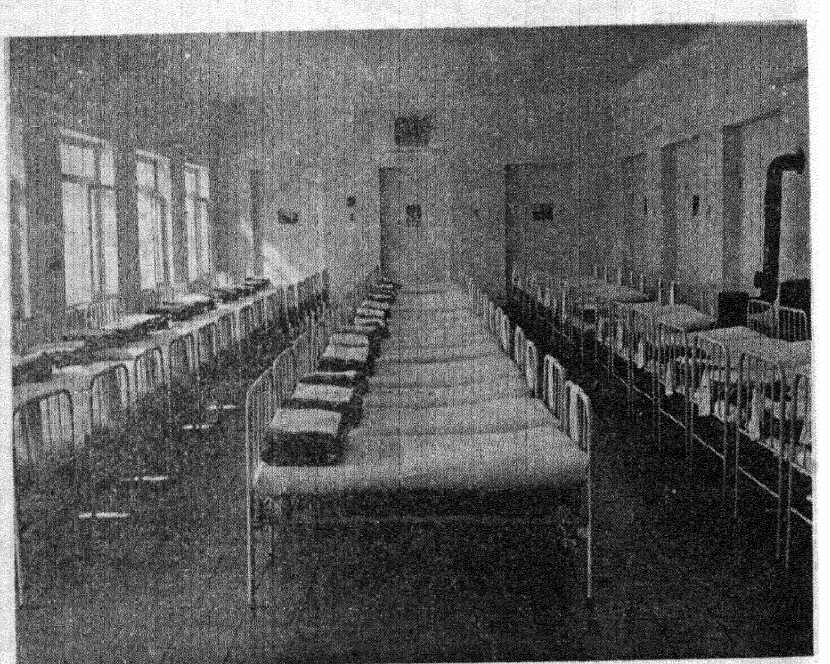

خوابگاه یکی ازپرورشگاههای خیریهٔ ثریا

فرمان همایونی

بنیاد خیریهٔ پهلوی

با تأییدات خداوند متعال

نظر بعلاقهٔ خاص‌وعقیدهٔ راسخی که همواره مبنی بررفاه وآسایش‌ملت‌خودداریم وازهیچگونه مجاهدت وعطیه‌ای بمنظور توسعه وپیشرفت بهداشت وآموزش‌وپرورش وکمك بمستمندان امور خیریه وعام‌المنفعهٔ وترقی سطح اخلاق واعتلاء نام ایران فروگذاری نکرده‌ایم وبرای‌نیل‌باین‌هدف‌ها علاوه برهمت‌ومجاهدات مستمر،صرف‌وبذل اموال شخصی وموروثی‌را نیز وسیله‌ای برای پیشرفت مقاصد ونیات فوق‌الذکر میدانیم ازاین‌رو قبلاً مقررداشتیم املاك مزروعی‌وانتقالی ازاعلیحضرت فقید پدربزرگوارمان بمنظورآسایش ورفاه حال زارعین ورعایا باقساط طویل‌المدت بآنان واگذار شود و در نتیجه قسمتی ازرعایا وروستائیان املاك بهره‌مند ودارای آب وزمین ملکی شدند وطبق برنامه‌های تنظیم‌شده بقیه‌هم درجریان اقدام است ووجه حاصله ازفروش‌املاك رامقرر داشته ایم بوسیلهٔ بانك عمران که بهمین منظور از سرمایهٔ شخصی‌خود تشکیل داده‌ایم بایجاد منابع تولیدی وتأسیس شرکتهای تعاونی ومفید بحال کشاورزان اختصاص‌یابد.

علاوه براملاك‌مزروعی که بشرح‌فوق‌عمل‌شده ومیشود، دراین‌موقع‌اراده نمودیم مؤسسه‌ای بنام بنیاد خیریهٔ پهلوی‌تأسیس گردد. وظایف وهدفهای‌این بنیاد خیریه ،کمك به بهداشت عمومی وتوسعهٔ فرهنگ ومراقبت نسبت بامور اجتماعی و تهذیب اخلاق عمومی وکمك بمستمندان خواهد بود.

بمنظور اجرای این امور دستور دادیم اساسنامهٔ آن تنظیم وتمام مهمانخانه‌های ملکی‌وشخصی وموروثی ما وآنچه دردست ساختمان ودرشرف تکمیل‌است باین‌مؤسسه واگذار شود ودرآمدآن بمصارف خیریه برسد. رجاء واثق داریم بنیاد خیریهٔ پهلوی مصدر خدمات معنوی وگرانبهائی بملت ایران گردد. ازخداوند متعال‌درخواست‌داریم مزید توفیق‌عنایت فرماید وبرای‌آسایش وسربلندی ملت‌عزیزهمیشه یارومددکارماباشد.

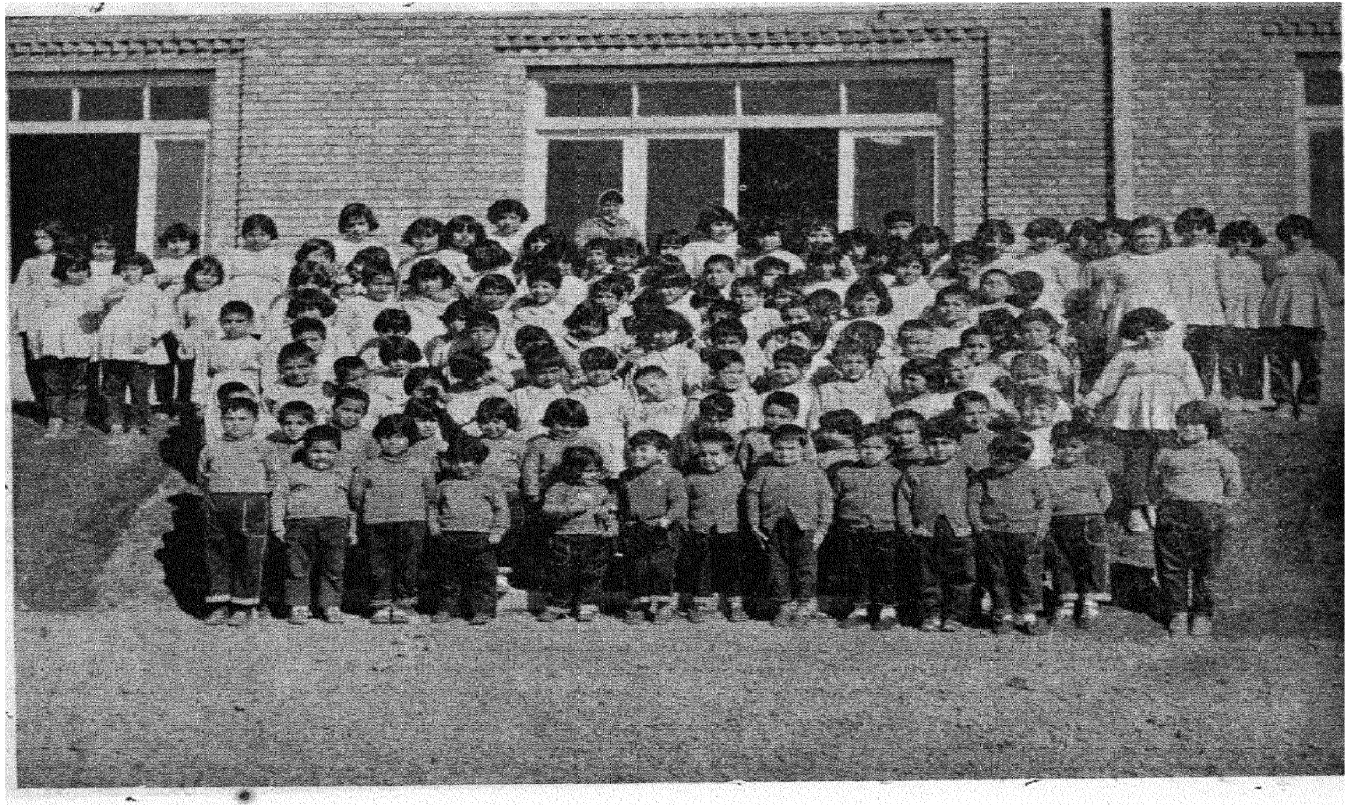

عده‌ای از کودکان پرورشگاه خیریهٔ ثریا

قسمتی از وظایف و هدفهای بنیاد خیریهٔ پهلوی

فصل اول ـ بهداشت

مادهٔ پنجم ـ برای اینکه افراد ایرانی سالم وقوی باشند وسرزمین ایران نفوس کافی وتندرست ونیرومند داشته باشد وکلیهٔ مردم خصوصاً افراد محروم ومستمند از وسائل بهداشت و دارو و درمان برخوردار باشند وظایف بنیاد خیریهٔ پهلوی در امور بهداشتی بقرار زیراست:

۱ـ تأسیس درمانگاهها وبیمارستانها وکمك وهمکاری با درمانگاهها وبیمارستانهای موجود.

۲ ـ ایجاد آموزشگاهها بمنظور تربیت پزشکیار وپرستار وقابله وکمك وتعاون باینگونه مؤسسات.

۳ ـ کمك مالی ودارویی بمرضای مستمند.

۴ـ کمك بتغذیه وبهداشت کودکان فقیروبی‌پرستاروشیرخوارگاهها وپرورشگاهها

۵ ـ کمك بمادران باردار بی‌بضاعت ازحیث دارو وغذا.

۶ ـ کمك بآسیب دیدگان درحوادث غیرمترقبه.

۷ ـ تهیه و واردکردن انواع و اقسام مواد دارویی وکلیهٔ لوازم معاینه و درمان برای دردسترس قراردادن بیماران بطور رایگان یا بقیمت ارزان.

۸ ـ اقدامات مفید ومؤثر برای بالابردن سطح بهداشت وحفظ سلامت عمومی.

فصل دوم ـ فرهنگ

مادهٔ ششم ـ بمنظور توسعهٔ فرهنگ وتربیت افراد عالم و کاردان و کسب علم وهنر وبرخورداری افراد از نعمت دانش وکمك بآموزش وپرورش،بنیادخیریهٔ پهلوی نسبت‌بامور فرهنگی‌دارای وظائف ذیل‌خواهد بود:

۱ ـ ایجاد دبستان ودبیرستان وآموزشگاه وکمك بمؤسسات مزبور.

۲ ـ کمك بتربیت معلم بمنظور تعمیم تعلیمات.

۳ ـ اعطای کمك هزینهٔ تحصیلی و توزیع لباس وکتاب بین دانشجویان ودانش‌آموزان بی‌بضاعت.

۴ ـ نشر وطبع وتوزیع کتب ومجلات علمی وصنعتی وحرفه‌ای.

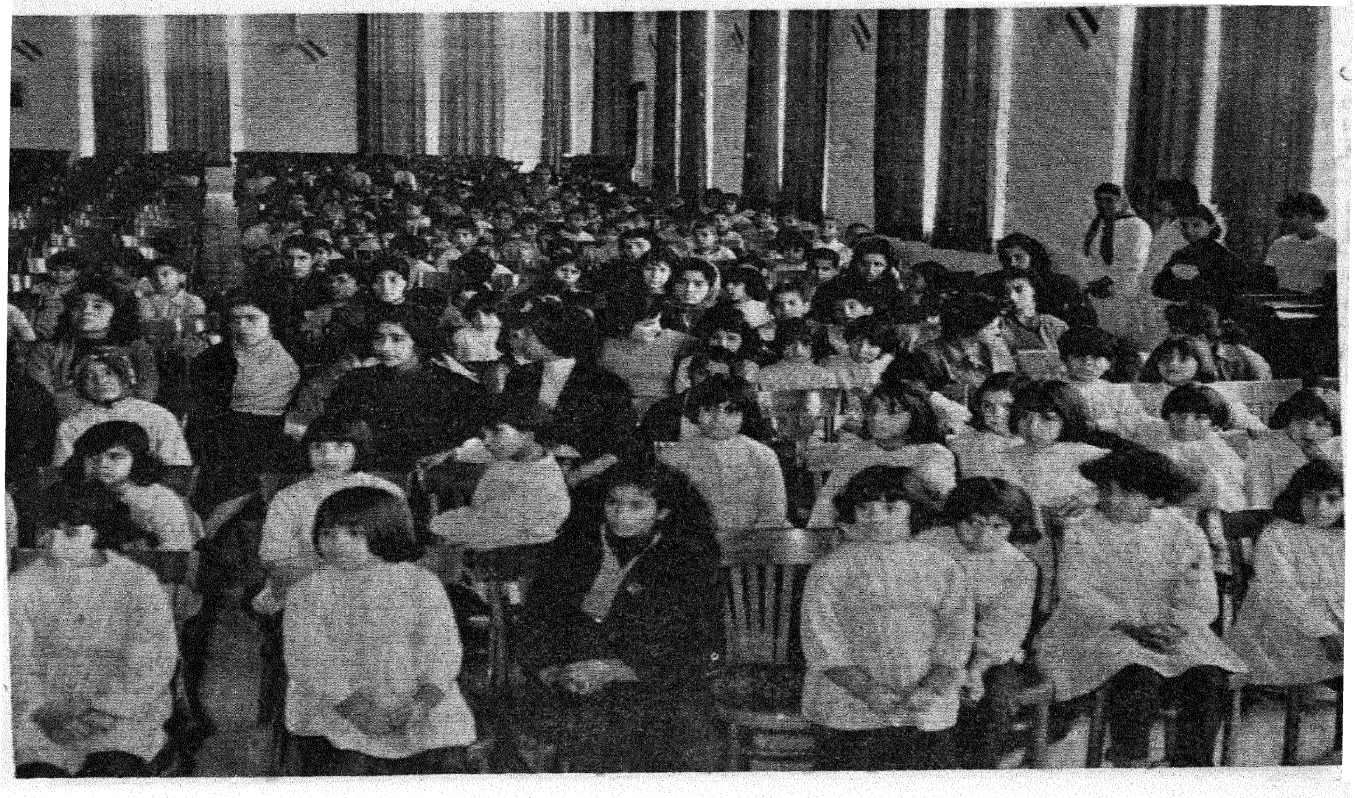

تالار سخنرانی پرورشگاه شماره ۲ جمعیت خیریهٔ تربا

۵ ـ اعزام محصل بخارج برای اخذ تعلیمات علمی و صنعتی و کشاورزی و کارآموزی .

۶ ـ کمك بآموزشگاههای اکابر .

۷ ـ مبارزه با بیسوادی و کمك بتعلیمات عمومی اجباری .

۸ ـ راهنمائی ومساعدتهای مادی ومعنوی بمحصلینی که علاقه بتعلیم وتربیت دارند واعطای جوائز وامتیازات برای تشویق وترغیب آنها .

۹ ـ تهیهٔ مسکن وسرپرست وپانسیون برای دانشجویانی که از ولایات ایران ویا از کشورهای خارج بمنظور تحصیل دردانشگاه مشغول تحصیل میباشند .

فصل سوم ـ امور اجتماعی

مادهٔ هفتم ـ نظر باینکه تربیت افراد وتهذیب اخلاق وبالا بردن سطح تمدن ملت ایران ازمهمترین امور بشمارمیرودوظایف بنیادخیریهٔ پهلوی نسبت بامور اجتماعی بقرار ذیل است :

۱ ـ تشویق وترغیب عموم افراد بانجام وظایف مدنی واخلاقی واجتماعی بوسیلهٔ تشکیل مجامع تبلیغاتی ونمایش فیلمهای تربیتی وتأسیس اندرزگاه ها.

۲ ـ تأسیس وتقویت مؤسسات ورزشی وپیش آهنگی وتربیت افراد ورزیده بمنظور تقویت روح وحدت ملی وایمان کامل بحفظ استقلال کشور شاهنشاهی وتقویت نیروهای ملی .

۳ ـ کمك بایراد نطق وخطابه وکنفرانس در مجامع وجلب توجه عامه نسبت بامور اجتماعی و بهداشتی وفرهنگی وایجاد ایمان کامل بنظم وهم آهنگی وتعاون بین افراد .

۴ ـ کمك به تبلیغات و نشریاتیکه مبنی بر تقویت روح ملیت و اسلامیت و خدا شناسی وایجاد علاقه به سنت ها وشعائرملی وآثار باستانی باشد .

۵ ـ همکاری با سایر مؤسسات خیریه وعام‌المنفعه واشخاص نیکوکار وخیری که بابنیاد خیریهٔ پهلوی اشتراك مقاصد وهدف داشته باشند .

فصل چهارم ـ کمك بمستمندان

مادهٔ هشتم ـ کمك بمستمندان .

۱ ـ تأسیس پرورشگاه برای نگهداری وتعلیم وتربیت کودکان یتیم وبی بضاعت



ناهار خوری پرورشگاه شماره ۲ جمعیت خیریهٔ ثریا

وکمك بدارالایتام ودارالتربیه های ملی وشهرداری‌وغیره.

۲ ـ جلوگیری ازتکدی وتأسیس نوانخانه بمنظور نگهداری ازبینوایان وعجزه وکارآموزی بآنان فراخور استعداد هریك .

۳ ـ کمك نقدی وجنسی بخانواده های فقیر ازحیث خوراك وپوشاك خاصه درموقع زمستان .

۴ ـ تهیهٔ خانه ومسکن برای مردم بی‌خانمان .

۵ ـ اعطای سرمایه بطورراپگان یا وام بدون بهره‌باشخاص فاقد سرمایه که‌قادر برکار وکسب باشند .

مادهٔ نهم ـ اموریکه ضمن چهار فصل فوق ذکرشده‌بطور نمونه‌مذکورافتاد و هدف‌واختیارات‌بنیادخیریهٔ پهلوی‌محدودبامورفوق‌الذکرنیست‌بلکه‌هرنوع‌اقدام‌دیگری که مبنی برکمك به مستمندان وتوسعهٔ بهداشت وفرهنگ وآموزش وپرورش وبالا بردن سطح اخلاق وتمدن عمومی ورشد مادی ومعنوی افرادکشور شاهنشاهی وخیر وصلاح جامعه باشد برابرتصویب هیئت مدیره پس‌ازکسب‌اجازه‌از پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بنیادخیریهٔ پهلوی بموقع اجرا میگذارد.



اولین‌روز افتتاح پرورشگاه شاهپور (درحضورو‌الاحضرت ولایت‌عهد)

هنرستان و پرورشگاه شاهپور

هنرستان وپرورشگاه ایتام شاهپور یکی از مؤسسات خیریهٔ فرهنگی وازآثار باقیهٔ اعلیحضرت فقیدرضا شاه کبیر است که بنای آن در سال ۱۳۱۴ شروع گردید ودر ۱۳۱۷ گشایش یافت. درآغاز، ۱۳۰ دختر و۷۰ پسر پذیرفته شدند واینك ۲۰۰دختر و۱۲۰ پسر دراین هنرستان تربیت میشوند.

هزینهٔ هنرستان ازمحل درآمد موقوفه‌هائی تأمین میشود که مرحوم عزیزخان خواجه برای پرورش وآموزش ایتام وقف وتولیت آنرا بپادشاه محول کرده است.

اعلیحضرت همایون‌شاهنشاه محمدرضا شاه پهلوی ازتوجه به توسعه وترقی‌این مؤسسه فروگذار نفرموده وبامرهمایونی تاکنون این اقدامات بعمل آمده:

۱ـ برنامهٔ تحصیلی که برپایهٔ صنعت وهنرتنظیم شده بود تکمیل گشته وبتصویب شورای عالی فرهنگ رسیده واینك گواهینامه‌های پایان تحصیل صادره از این مؤسسه ارزش قانونی دارد.

۲ـ علاوه برآموزش هنری در رشته‌های‌خیاطی، طباخی، هنرهای دستی ،خانه‌داری، برای دختران آموزشگاه پزشکیاری هم دائرشده وبایجاد لابراتوارهای فیزیك وشیمی مجهز اقدام گردیده وهمچنین برای دختران وپسران کلاسهای موسیقی علمی مهیا شده، بعلاوه در قسمت پسران هم شعبه‌های خیاطی، کفاشی وجوراب بافی دائر گردیده است.

برای تثبیت ممر درآمد، اقدامات زیردرموقوفه ها بعمل‌آمده:

۱ـ در پنجده موقوفه واقع در ورامین، وسائل کشاورزی موتوریزه شده و سه چاه عمیق‌درآن دهات‌حفر گردیده. بعلاوه با تشویق‌وتوصیهٔ هیئت امریکائی‌خاورنزدیك، در ده مامازند، یکی از دهات پنجگانهٔ مزبور، عملیات وسیعی برای سرمشق دادن به کشاورزان‌دررشته‌های کشاورزی‌نوین‌وبهداشت روستائی‌صورت گرفته‌واینك‌بزرگترین مرکز فعالیت نمونهٔ عمرانی درآن دهات موجود است.

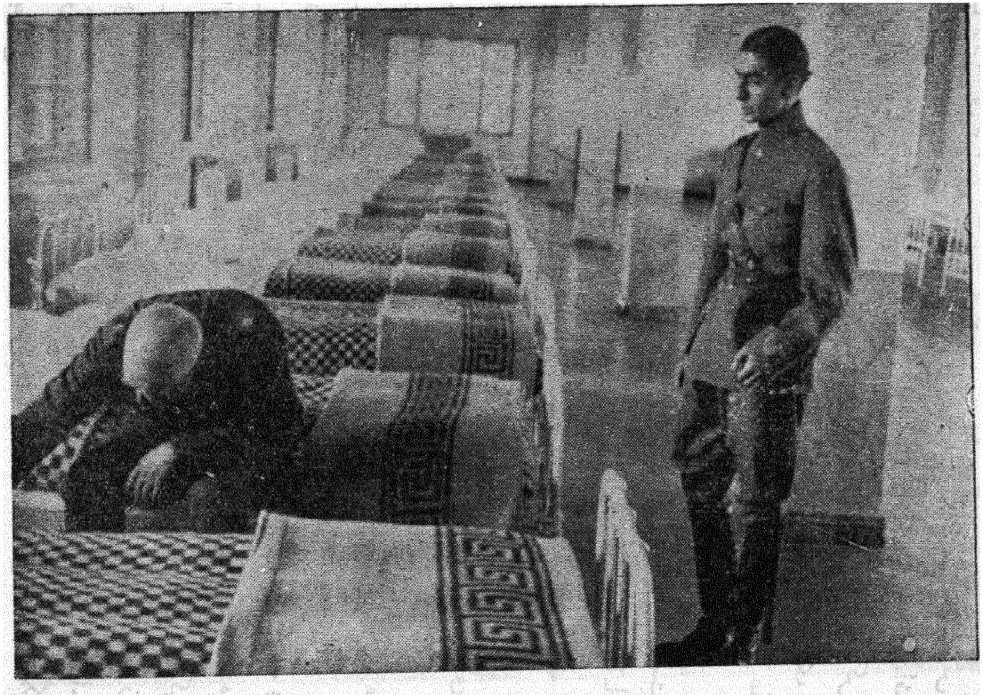

شاهنشاه فقید شخصاً بجزئیات هنرستان دختران رسیدگی میفرمودند

۲ـ دانشسرائی در مامازند با تمام وسائل کشاورزی موتوریزه برای مبارزه با آفات نباتی ودامی‌دائر گردیده واکنون درآن دانشسرا برای ترویج کشاورزی نوین ، آموزگاران روستائی و دهبانان مطلع تربیت وبتمام کشور اعزام میشوند .

۳ـ دانشسرای دیگری در ده قلعه‌نو، ازدهات پنجگانهٔ مزبور تأسیس گردیده که دختران را برای دهبانی وراهنمائی زنان روستائی بزندگی متناسب با بهداشت وطریقهٔ نگاهداری وپرورش کودك‌وآموزش کشاورزی به کودکان‌وهمچنین‌فراهم کردن‌مقدمات درمان بیماران وزنان باردار وزائوهای ده تربیت میکند وفعلاً عدهٔ زیادی از دختران فارغ‌التحصیل این آموزشگاه دردهات کشور بکار مشغولند وهرسال هم عده‌ای بآنها افزوده میشوند .

۴ـ آموزشگاه دیگری برای تربیت بهیار و پزشکیار درقریهٔ پلشت ، از دهات پنجگانهٔ مزبور دائر شده که جوانان از اکثر نقاط ، حتی از کشور افغانستان برای تحصیل بآن روآورده وهرسال عده‌ای ازفارغ‌التحصیلان این‌آموزشگاه‌در نقاط‌مختلف کشور بکار مشغول میشوند .

۵ـ در دهات مزبورخانه‌های روستائی جدیدی طبق اصول بهداشتی ساخته ودر اختیار رعایا گذارده شده است .

۶ـ لوله‌کشی‌آب ازچاههای عمیق در کوچه‌های دهات برای استفادهٔ زارعین بعمل آمده .

۷ـ کوچه‌های دهات تسطیح وشن ریزی وحمامهای جدید ساخته ودر اختیار مردم گذارده شده است . مسجد بسیار تمیزی هم درده مامازند بنا گردیده .

۸ـ درده پلشت ، شرکت تعاونی‌روستائی‌وسیعی ، درساختمان بزرگی که‌ازطرف بنگاه املاك پهلوی واگذارشده تأسیس گردیده که با همکاری بانك کشاورزی ، رعایارا از پیشفروش کردن محصولات خود بی‌نیاز میسازد وعملیات فروش اجناس زراعتی و خرید مایحتاج روزانه بوسیلهٔ شرکت مزبور ، به‌بهترین‌وجهی انجام میگیرد .

در مستغلات موقوفهٔ شهری نیز اقدامات‌زیر بعمل‌آمده ویا در دست اجراست :

۱ـ کلیهٔ دیون‌موقوفات پرداخت شده واینك با وجود اینکه تعداد دانش‌آموزان افزایش یافته و بناهائی بارزش ده ملیون ریال مشتمل بربیست دستگاه آپارتمان ویازده باب مغازه در محل بناهای مخروبهٔ سابق ساخته شده ، اکنون مؤسسه چندین ملیون



روزافتتاح هنرستان دختران



بعملیات ورزشی دانش آموزان توجه بسیار میشود



کلیهٔ امور نظافت مؤسسه جزء آموزش خانه‌داری است، همینطور چیدن میز ناهارخوری جهت خودشان یا برای پذیرائی ازواردین بعهدهٔ‌دانش آموزان میباشد

ریال ذخیره دارد .

۲- در محل مهمانخانهٔ فعلی فردوسی در تهران که یکی ازرقبات موقوفه‌است، بنای معظمی برای‌استفاده ازاجاره بهای‌آن‌ساخته‌خواهدشد وهم‌اکنون نقشه وطرحهای مقدماتی‌آن تهیه شده است .

۳- در زمینهائی که درشمال تهران خریداری شده ، مهمانخانه‌ای دارای سیصد الی‌چهارصد اطاق باآخرین اصول ساخته خواهد شد که طرح آن ازطرف بزرگترین مؤسسات هتل‌سازی امریکائی در دست تهیه است .

٤- درآیندهٔ نزدیك، پرورشگاه جدیدی برای‌پسران ساخته خواهد شد.

۵- بیمارستان مخصوصی برای این مؤسسه بناخواهد شد که نقشه ومقدمات کار آن مهیا است .

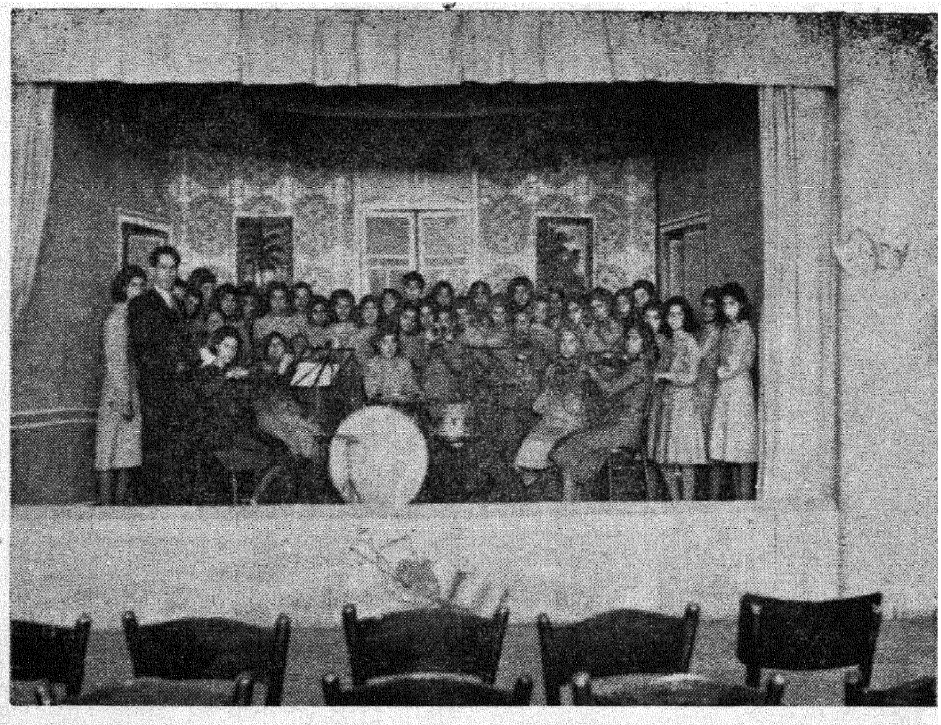

ارکستر مؤسسه درجشنها بعهدهٔ دانش آموزان است

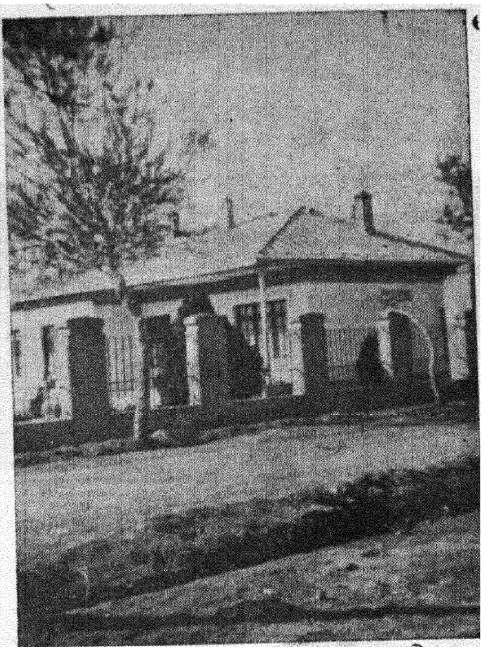

دبستان اردیبهشت
پلشت

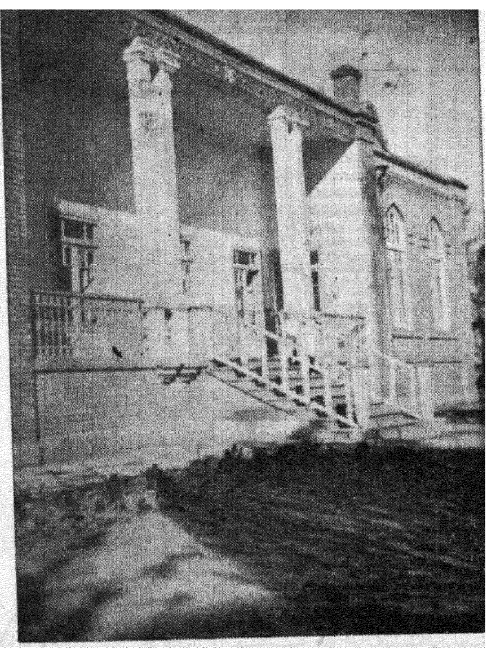

بیمارستان پلشت

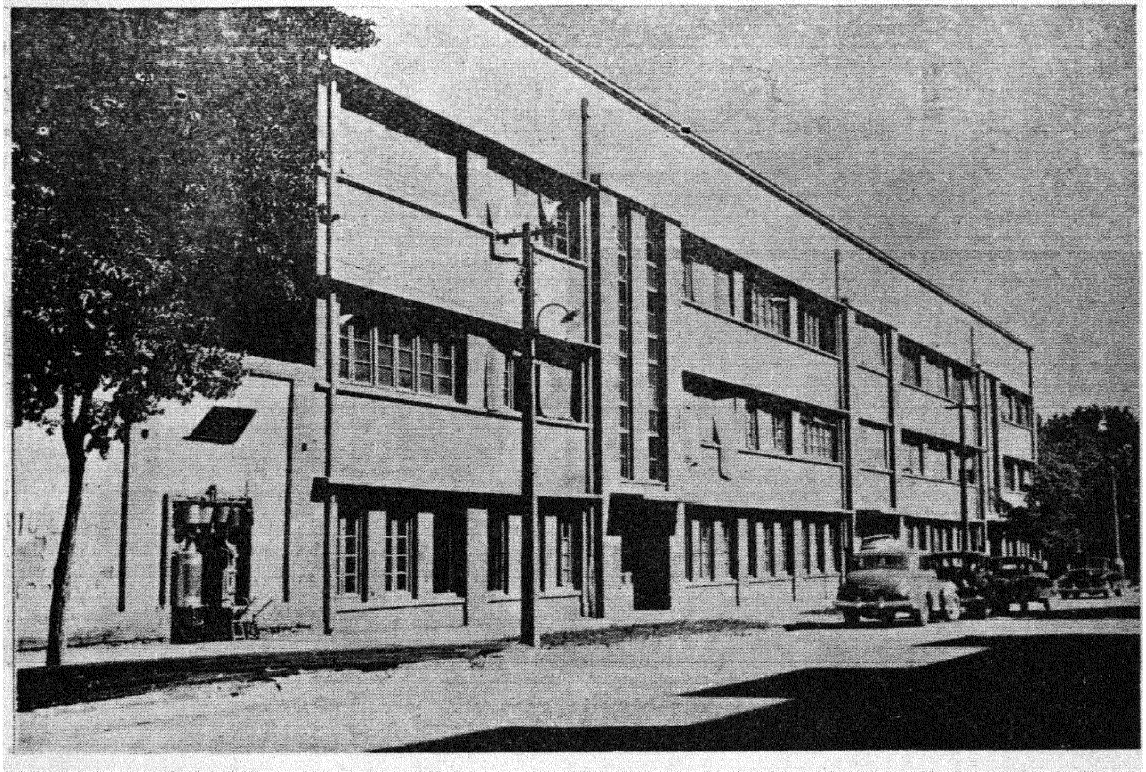

عمارت خیابان سپه - استخر، موقوفهٔ هنرستان دختران محل فعلی سازمان برنامه

جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران

سازمان شیر و خورشید سرخ ایران

شیروخورشیدسرخ ایران قدیمیترین مؤسسهٔ خیریه کشور ماست و برطبق اساسنامهٔ خاصی که بتوشیح ذات مقدس ملوکانه رسیده است اداره میشود. مطابق فرمان شاهانه که منضم باساسنامهٔ جمعیت بتوشیح رسیده، این مؤسسه تحت حمایت عالیهٔ اعلیحضرت همایون شاهنشاه وریاست عالیهٔ والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی قراردارد.

برطبق همین اساسنامه، هردو سال یکبار مجمع عمومی شیروخورشید سرخ در وزارت دربار شاهنشاهی با شرکت نمایندگان شعب جمعیت در شهرستانها و اعضای مؤسس ورسمی مرکز تشکیل میشودودراین مجمع گزارش اقدامات اداری ومالی دوسالهٔ شیروخورشیدسرخ مطرح شده وبتصویب میرسد. سپس این مجمع از میان خود برأی مخفی ده تن را بعنوان اعضای هیئت مرکزی کل انتخاب میکند. پس ازانتخاب این ده عضو، ده تن دیگر نیز برطبق اساسنامهٔ جمعیت مستقیماً ازطرف والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی بعضویت هیئت مرکزی کل انتخاب میگردند وعلاوه براین، وزرای فرهنگ و بهداری و کشور و رؤسای ستاد ارتش و دانشگاه و بهداری ارتش نیز ازنظر سمتی که دارند عضو هیئت مرکزی کل خواهند بود وباین ترتیب، هیئت مرکزی شیروخورشید سرخ مرکب است ازده تن اعضای انتخابی وده تن انتصابی وشش تن که ازنظر مشاغل خود عضویت این هیئت را دارند. برای اعضای هیئت مرکزی کل مطابق اساسنامهٔ جمعیت، فرمان همایونی شرفصدور مییابد.

اعضاء هیئت مرکزی کل دراولین جلسه ازمیان خود دونائب رئیس، یك خزانه‌دار، یك دبیر کل ویك مدیرعامل برأی مخفی انتخاب میکنند. این پنج تن باضافهٔ رؤسای بخشهای هشتگانهٔ جمعیت که بعداً از آن سخن خواهیم گفت اعضای هیئت مدیرهٔ شیروخورشید سرخ را تشکیل میدهند.

رؤسای بخشهای هشتگانه که مستقیماً ازطرف ریاست عالیهٔ جمعیت انتخاب میشوند،

علاوه برعضویت هیئت مدیره ، عضویت هیئت مرکزی کل را نیز دارند .

وظیفهٔ هیئت مرکزی کل مطابق اساسنامه، تصویب بودجه‌هاوبرنامه‌ها وترازنامه‌های مالی وگزارشهای اداری وهمچنین نظارت دردرست بمصرف رسیدن اعتبارات جمعیت است و وظیفهٔ هیئت مدیره ، اجرای بودجه‌ها وسعی دربسط وتوسعهٔ مؤسسات جمعیت وادارهٔ آنها و وظائف ومسئولیتهای دیگری از این قبیل که معمولاً از هیئتهای مدیره خواسته میشود . دورهٔ عمل هیئتهای مرکزی ومدیره دوسال است والبته مؤسسهٔ شیروخورشید سرخ شخصیت حقوقی کامل دارد .

مطابق اساسنامه ، فعالیت شیروخورشید سرخ ، درهشت رشته که بآن هشت بخش نام داده شده است مرکزیت دارد واین هشت بخش عبارتند از بخشهای بهداشت، خدمات عمومی ، حمایت مادران وکودکان ، امداد ، جوانان شیروخورشید سرخ ، تبلیغات وانتشارات ، ازدیاد عضو ودرآمد ، وامور شهرستانها .

مهمترین وظائف شیروخورشیدسرخ مطابق موازین بین‌المللی بترتیب عبارت است از:

۱ـ امداد درمواقع بروزحوادث وسوانح ارضی وسماوی باتکمیل وسایل درمانی وامدادی و تهیهٔ بیمارستانهای مجهز

۲ ـ تربیت جوانان شیر وخورشید سرخ بمنظور همکاری و اشتراك مساعی با یکدیگردرامور خیریه .

۳ ـ تربیت پرستار برای بیمارستانها ومؤسسات درمانی .

۴ ـ تهیهٔ خون وگذاردن آن بطورراپگان دردسترس کسانی که احتیاج دارند.

علاوه براین چهار وظیفهٔ اصلی که اکنون شیروخورشید سرخ ایران میکوشد تا آنرا براساس ومبنای صحیحی استوار سازد وانجام دهد وتوفیقهای مهمی نیز دراین راه نصیب این جمعیت خیریهٔ ملی وبین‌المللی شده‌است ، شیروخورشید سرخ، مانندسایر مؤسسات صلیب سرخ جهانی میتواند دررشته‌های مختلف امورخیریه وبهداشتی پیشقدم باشد، باین معنی که درهرجا ضرورت اقتضا کرد واحتیاج بود وبرای جمعیت امکان داشت، مؤسسات مختلف خیریه ودرمانی دررشته‌های گوناگون بطورنمونه بوجودآوردوبهمین علت نیز جمعیت درتاریخ سی وپنجسالهٔ فعالیت خود دراطراف واکناف کشور حتی در دورافتاده ترین نقاط تأسیساتی بوجود آورده است که اکنون هریك بسهم خود مصدر خدمات بسیار شایسته‌ای نسبت بمردم محروم ومستمند نقاط مختلف کشور میباشند

وچنانکه شرح آن خواهدآمد،تعداد این قبیل مؤسسات تاکنون‌ازدویست متجاوزاست وروزبروز نیز برشمارهٔ آن می‌افزاید .

تاریخچهٔ جمعیت شیروخورشید سرخ

علامت شیروخورشید سرخ که اکنون تحت حمایت وتوجهات عالیهٔ اعلیحضرت همایون شاهنشاه وریاست عالیهٔ والاحضرت شاهد خت شمس پهلوی در سراسر کشور شاخص جمعیت شیروخورشید سرخ ایران بشمارمیرود علامتی است که دولت ایران‌در کنفرانسهای بین‌المللی صلیب سرخ برای تأسیسات وتشکیلات خیریه وبهداری خود درمقابل علامت صلیب سرخ وهلال احمر انتخاب کرده است واین علامت درعین حال معرف سازمانهای بهداری ارتش کشور ما نیزهست .

اماتشکیلات شیروخورشیدسرخ‌ومؤسسه‌ای‌باین‌نام،بطوررسمی‌ابتدادرسال۱۳۰۲ شمسی‌تأسیس گشت ودرهمان‌سال‌بموجب تصویبنامهٔ هئیت‌وزیران،جمعیت‌شیروخورشید سرخ رسماً بسمت معاونت خدمات بهداری ارتش درزمان جنگ شناخته شد .

قبل از سال ۱۳۰۲ نمایندگان دولت ایران در جلسات اتحادیهٔ بین‌المللی‌صلیب‌ـ احمرها شرکت میکردند ودولت ایران مؤسسهٔ بین‌المللی مذکور را برسمیت‌شناخته ـ بود ، چنانکه تاریخچه واسناد آن بتفصیل در بایگانی وزارت امور خارجه وجمعیت شیروخورشید سرخ ایران مضبوط است. ولی‌برای تأسیس جمعیت درداخل کشورهنوز قدمی برداشته نشده بود. درآن‌سال اعلیحضرت فقیدرضاشاه‌کبیر که سمت وزارت‌جنگ را داشتند باستدعای آقای دکتر امیر اعلم که در بنیان گذاری این مؤسسهٔ مفید ومهم سهم بسزائی‌داشته‌اند، برای اولین بارجمعیت شیروخورشید سرخ رادرقصر گلستان‌رسماً تشکیل دادند وخود ریاست عالیهٔ جمعیت را پذیرفتند وباین ترتیب اولین هیئت مدیرهٔ رسمی شیروخورشید سرخ درسال ۱۳۰۲ بریاست اعلیحضرت شاهنشاه فقید تشکیل شد وشروع بکار کرد. پس ازآن وتا امروز این‌جمعیت بطورمداوم بفعالیت وخدمات خود ادامه میدهد . درطی این‌مدت سی‌وپنجسال بسیاری ازرجال ودانشمندان‌وافرادخیرخواه درپیشرفت امورجمعیت خدمتگزاری کرده‌اند که عده‌ای ازآنان اکنون برحمت ایزدی پیوسته وبعضی دیگر درحیاتند. برای گذشتگان ازدرگاه خداوند آمرزش وبرای‌باقی‌ـ ماندگان طول عمر و دوام صحت وبقای سلامت میطلبیم .

تأسیسات جمعیت

جمعیت شیروخورشید سرخ گذشته از امورامدادی که مطابق‌موازین ومقررات بین‌المللی چنانکه ذکر شد یکی از چهار وظیفهٔ اصلی وخاص اوست واین وظیفه را همانطور که هموطنان عزیز کراراً مشاهده فرموده اند با سرعت وصحت قابل تحسینی انجام میدهد وشاهدآن سیلهای عظیم‌سال ۱۳۳۵ ودو زلزلهٔ بزرگ شمال وغرب درسال ۱۳۳۶ بود وبراثر همین فعالیت وخدمتگزاری صمیمانه، درطی دوسال شیر وخورشید سرخ ایران ، دوبار بافتخار صدور فرمان مبارك ملوکانه مبنی برابراز تقدیر ازخدمات جمعیت نائل آمد ، درمرکز وشهرستانها مؤسسات ذیل را اداره میکند

درمرکز:

۱ـ (مؤسسهٔ تاج‌پهلوی) مرکز تحقیقات‌علمی ومبارزه بابیماری سرطان

این مرکز شامل یك بیمارستان یکصد تختخوابی کاملاً مجهز بانضمام بخشهای رادیولژی، رادیوم‌تراپی ، رادیودیاگنوستیك، جراحی،لابراتوار ویك درمانگاه مجهز است . این مرکز را شیر وخورشید سرخ از حیث ساختمان ولوازم بوجود آورده و ادارهٔ آنرا تحت نظر دارد ودانشکدهٔ پزشکی‌تهران باگذاردن پرسنل فنی‌وتقبل قسمتی از مخارج ، بادارهٔ مؤسسهٔ مذکور کمك قابل توجهی میکند . اکنون مؤسسهٔ مبارزه‌با سرطان شیروخورشید سرخ باتجهیزات ولوازمی که دارد با بهترین مؤسسات مشابه‌خود درسایر کشورهای جهان قابل مقایسه است وبا آن مؤسسات رابطهٔ علمی برقرار کرده وباکوششی که درتکمیل‌آن میشود میتوان امیدواربود که این مرکزخدمات‌شایسته‌ای درآینده به پیشرفت علم ودرمان بیماران سرطانی بنماید . دراین‌مرکزروزانه‌تایکصد وپنجاه نفر بیمارسرطانی بطور سرپائی ورایگان معالجه میشوند وبیمارانی که محتاج بعمل جراحی هستند دربخش جراحی بستری ورایگان تحت عمل‌ودرمان‌قرارمیگیرند. اعلیحضرت همایون شاهنشاه هنگام بازدید ازاین مرکز،خدمات هیئت مرکزی ومدیرهٔ شیروخورشید سرخ را درایجاد آن مورد تقدیر وعنایت خاص قراردادند .

۲ـمرکز مبارزه بابیماریهای‌ریوی وسل‌واقع دراراضی خیابان جنوبی پارك‌شهر:ساختمان وتجهیزات این‌مرکزرا شیروخورشید سرخ‌آماده‌کرده وادارهٔ آن نیز بعهدهٔ شیروخورشید سرخ است . وزارت بهداری پرسنل فنی وقسمتی ازبودجهٔ‌این مرکز را تأمین میکند. دراین‌مرکز روزانه درحدود دویست تن از بیماران یاکسانیکه

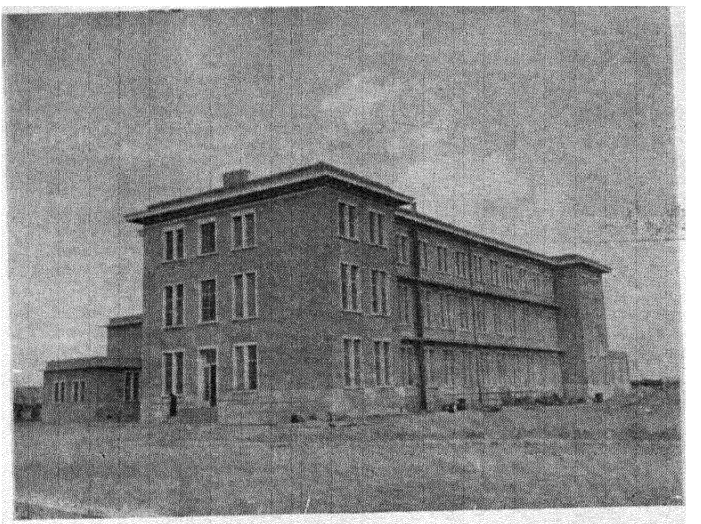

مرکز تحقیقات علمی ومبارزه باسرطان

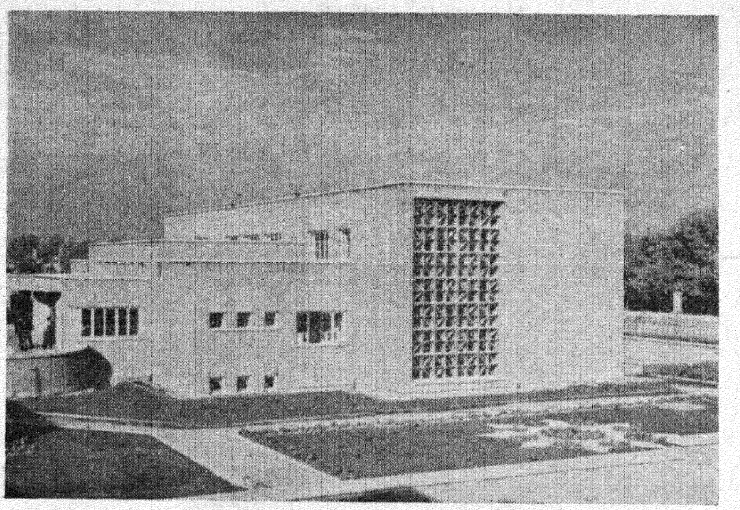

مرکز مشترك مبارزه باسل شیروخورشید سرخ ووزارت بهداری

مشکوك به بیماری سل هستند رایگان عکسبرداری میشوند ودارو میگیرند وهمچنین سرویسهای سیار این مرکز درکارخانجات ومدارس بتدریج کارگران ودانش آموزان را مورد معاینه وعکس‌برداری ومداوا قرارمیدهد وبیمارانرا ازافراد سالم جدامیکند. درطی مدت تقریباً یکسال ونیم که از افتتاح این مرکز میگذرد بیش از چهل هزار تن باین مرکز مراجعه کرده یا تحت درمان سرویسهای سیارقرار گرفته‌اند.

۳ ـ بیمارستان امدادی شیروخورشید سرخ

این بیمارستان واقع‌درخیابان مولوی وجنوب شهرتهران، دارای سی‌تختخواب است ودرسال ۱۳۲۸ افتتاح شده. بیمارستان‌مزبور که درتمام مدت شبانه‌روز دایراست مخصوص‌معالجهٔ مصدومین‌ومجروحین درحوادث مختلف میباشد ودرحال‌حاضرقسمت مهمی از مصدومین شهر تهران را این بیمارستان میپذیرد وتحت درمان قرارمیدهد.

۴ ـ آموزشگاه پرستاری رضاشاه کبیر

این مؤسسه یکی از بزرگترین تأسیسات شیر وخورشیدسرخ است که در سال ۱۳۲۶ افتتاح‌شده ودرطی این مدت تحت‌نظرسرپرستاران سویسی وسوئدی‌ودانمارکی



بیمارستان امدادی شیر و خورشید سرخ (خیابان مولوی)

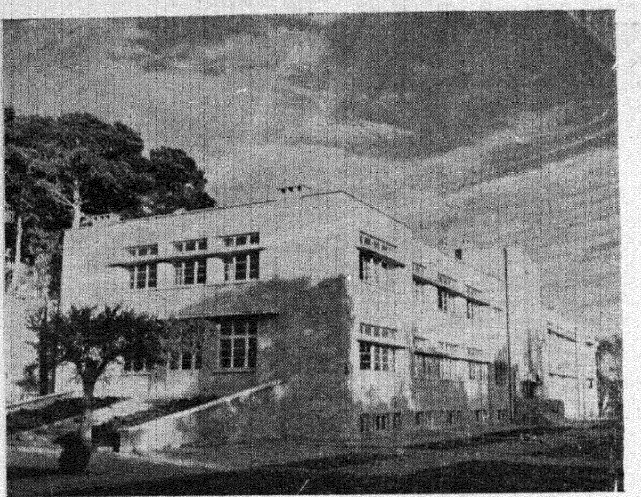

آموزشگاه پرستاری رضاشاه کبیر (شهرری)

اداره میشده است واکنون یك دستهٔ پرستاری بریاست یك سرپرستار کانادائی که ازطرف سازمان جهانی بهداشت مأمورشده‌اند ادارهٔ امورفنی این مؤسسه را بعهده‌دارند. دراین آموزشگاه پرستاران درجهٔ اول تربیت میشوند وشرط ورود بآن داشتن دیپلم شش‌سالهٔ طبیعی دبیرستان است . گواهی‌نامهٔ پرستاری آموزشگاه ، هم ازطرف اتحادیهٔ بین‌المللی صلیب احمرها وهم ازطرف سازمان جهانی بهداشت برسمیت شناخته شده ودرآن سطح تحصیلات وبرنامه مطابق موازین بین‌المللی تعیین شده است . دورهٔ تحصیل در این آموزشگاه سه سال است . ساختمان آموزشگاه مذکور که جدیداً بنا شده مجهز به بهترین وسائل جهت تعلیم‌وتربیت پرستاران میباشد وچون همانطور که گذشت ، تربیت پرستار یکی از اهم وظائف شیروخورشید سرخ است ، جمعیت از دوسال پیش درصدد برآمد شعب این آموزشگاه را در شهرستانها نیزدائر کند واولین بارآموزشگاه کمك‌پرستاری را درشیراز وسپس درسال ۱۳۳۶ آموزشگاه پرستاری اصفهان را با همکاری سازمان برنامه و وزارت بهداری دائر نمود ودرسال جاری آموزشگاه پرستاری تبریز را نیز بهمین صورت آماده خواهد کرد وسپس با توجه باحتیاج زیادی که کشور ما به



نمونه‌ای از فعالیت پرستاران در بخش کودکان شیروخورشید سرخ

پرستاران تحصیل کرده دارد ، جمعیت میکوشد تا درسایرمراکزاستان نیز نظیر همین مؤسسه را ایجاد وافتتاح نماید .

۵ ـ پرورشگاه کودکان شیروخورشید سرخ

این مؤسسه که یکی از قدیمترین تأسیسات جمعیت است درحال حاضرازیکصد تن کودك نگاهداری میکند. ازدو سال پیش ، چون جمعیت‌درنظرداشت این‌آموزشگاه را بصورت یك آموزشگاه حرفه‌ای بزرگ درآورد باکسب اجازه از پیشگاه ملوکانه درحدود یکصد هزار متر از اراضی قسمت شمالی جادهٔ ونك درخیابان پهلوی را برای این‌کار درنظر گرفت ودرحال حاضر قسمت اعظم ساختمانهای آن باتمام رسیده وبقیه نیز درسال‌جاری وآینده پایان خواهدیافت . دراین پرورشگاه بتدریج تا یکهزار کودك دختر وپسر بطور شبانه روزی ورایگان پذیرفته میشوند وپس از فرا گرفتن حرفه‌ای مطابق ذوق واستعداد خود ، از پرورشگاه خارج خواهند شد . قسمتی از کارگاههای این پرورشگاه ، هم‌اکنون مشغول‌کار است .

این پرورشگاه پس ازپایان یافتن، بصورت بزرگترین پرورشگاه کودکان مجهز کشورما درخواهدآمد.

۶ ـ خانهٔ نمونهٔ کودکان

ازسه سال پیش باینطرف ، برحسب پیشنهاد ادارهٔ همکاری فنی ایران وامریکا ، مقاوله‌نامه‌ای بین‌آن اداره وشهرداری تهران وشیروخورشید سرخ بامضارسید که‌برطبق آن ، ادارهٔ همکاری فنی برای تربیت پرسنل پرورشگاهها و ایجاد یك مرکزآموزشی‌و تعلیماتی کامل دراین قسمت ، مؤسسه‌ای تحت عنوان خانهٔ کودکان بناکند وپس‌ازمجهز ساختن تحویل شهرداری تهران بدهد وشهرداری تهران آنرا به شیر وخورشید سرخ واگذار نمایدتا تحت‌نظرجمعیت وبا بودجهٔ شیروخورشیدسرخ اداره‌شود .کلیهٔ مخارج این ساختمان راکه درجادهٔ قدیم شمیران روبروی‌بیسیم‌پهلوی قراردارد هیئت همکاری فنی ایران وامریکا پرداخت نموده وشیروخورشید سرخ ایران شش‌ملیون ونیم ریال از مخارج ساختمانی‌راکه سهم شهرداری تهران بوده‌است پرداخته واین مؤسسه اکنون درشرف افتتاح است .

برای ادارهٔ مؤسسهٔ مذکوربتقاضای ادارهٔ همکاری‌فنی، ازطرف شیروخورشید سرخ یکی ازاعضای جمعیت مأموریت یافت که مدت یکسال بخرج ادارهٔ همکاری فنی،

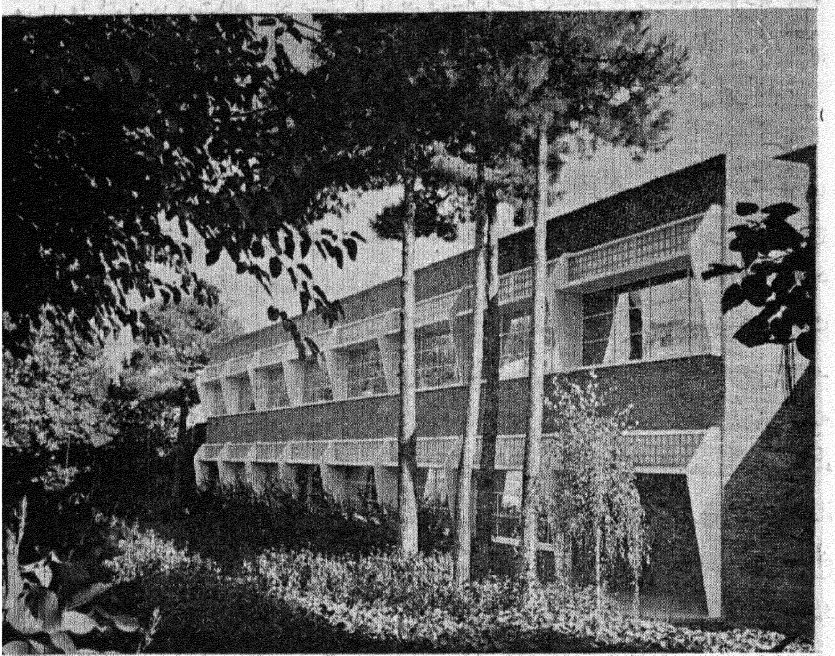

بخش انتقال خون شیروخورشید سرخ در بنگاه پاستور

درمؤسسات مشابه با این مؤسسه در کشور امریکا مطالعه نماید وبروش کار وادارهٔ آنها آشنا گردد. اکنون این عضوجمعیت باز گشته وبسمت مدیرعاملی خانهٔ کودکان مشغول بکارشده است. دراین مؤسسه از یکصد کودك درسنین مختلف از شیرخواری تا پایان دورهٔ تحصیل ابتدائی نگاهداری میشود وچنانکه گذشت هدف این مؤسسه آن است که برای پرورشگاههای کشور، مدیران ومربیان آزموده تربیت کند وطرز نگاهداری اطفال را بآنان بیاموزد.

۷ ـ مرکز انتقال خون

طبق قراردادی که شیروخورشید سرخ ایران با بنگاه پاستور منعقد ساخته، با کمك جمعیت وآن‌بنگاه، مرکزی‌جهت‌انتقال‌خون‌دربنگاه‌پاستوربوجودآمده که‌درحال حاضر قسمت مهمی از احتیاجات بیمارستانهای کشور را ازحیث سرم های گلوکزه وآپیروژن تأمین مینماید. این قبیل سرمها سابقاً با مخارج گزاف از خارج وارد کشور

میشد واکنون دردستگاهی که مشترکاً ازطرف شیروخورشیدسرخ وبنگاه پاستوربوجود آمده ، در داخل کشور فراهم میگردد . درهمین سرویس ، یك قسمت انتقال خون نیز تأسیس گشته است که هنوزمطابق نظرجمعیت کامل نشده ولی بزودی تکمیل خواهد شد.

۸ ـ مرکز حمایت اطفال

دراین مرکز که ساختمان اصلی آنرا شخص خیر خواهی بنام مرحوم زکی خواجه نوری وقف نموده ، اکنون بخش حمایت اطفال وکودکان شیروخورشید سرخ مستقر است . این بخش با همکاری شیروخورشید سرخ و وزارت بهداری اداره میشود ودرآن قسمتهای داروخانه ، درمانگاه اطفال ، زایشگاه خانوادگی ، اندرزگاه ویك زایشگاه موقت ده تختخوابی وجود دارد . همچنین دراین بخش ازطرف شیروخورشید سرخ یك ناهارخوری برای مادران شیرده یا باردار ترتیب داده شده که درآن روزانه بیکصد نفرمادر، یك وعده غذای کامل میدهند ونیز بضمیمهٔ این بخش ، هشت اندرزگاه درنقاط مختلف تهران دائر شده ومجموعاً دراین اندرزگاهها وهمچنین در اندرزگاه مرکزی، نزدیك بسه هزار کودك شیرخوار تحت نظروتوجه مستمرشیروخورشید سرخ قرار دارند ، باین ترتیب که مرتباً مورد معاینهٔ طبی قرارمیگیرند وشیر خشك ودارو ولباس دریافت میدارند. هدف واقعی این بخش آنست که از کودکان شیرخواردرآغوش مادرانشان مواظبت کند وبعبارت دیگر با خرج کمی نتیجهٔ زیادی حاصل نماید زیرا بتجربه ثابت شده است که هیچکس برای پرستاری کودك ازمادرش بهتر نیست . منتها بواسطهٔ فقدان وسائل وعدم مواظبت طبی ، غالباً اطفال شیرخوار دربین طبقات مستمند تلف میشوند . شیروخورشید سرخ بدین ترتیب وسائلی فراهم کرده است تا با مواظبت طبی ودادن دارو وشیر خشك وسایرمایحتاج ، این نقیصه را مرتفع سازد وبمادران امکان مواظبت ونگاهداری فرزندان خود را بنحواحسن بدهد . از این کار نتیجهٔ بسیار عالی حاصل شده وازتعداد تلفات این قبیل اطفال به‌نسبت بسیار زیادی کاسته گشته . نظیراین خدمت مفیدرا شیروخورشید سرخ چنانکه خواهد آمد ، درشهرستانها نیزانجام‌میدهد ودرحال حاضراطفال شیرخوارتحت تکفل‌جمعیت درمرکز وشهرستانها نزدیك‌به‌پانزده هزارتن میباشند .

۹ ـ مهدکودکان

دراین مؤسسه از یکصد طفل که یا مادر ندارند ویا مادرانشان در مدت روز

برای امرارمعاش ناچارند کار کنند روزانه نگاهداری میشود . اطفالی که دراین مؤسسه پذیرفته‌میشوند بین سنین دوتا شش سالگی هستند .

۱۰- شیروخورشید سرخ **سه درمانگاه درجنوب تهران** دائرنموده که‌درآنها روزانه‌بیش از دویست بیماربطور سرپائی معالجه میشوند وداروی رایگان میگیرند .

۱۱- برای ایجاد یك بیمارستان یکصد وشصت تختخوابی نمونه بنام بیمارستان رضاشاه‌کبیر ، شیروخورشید سرخ درجادهٔ جدید آرامگاه ، یکصد هزارمترزمین تهیه کرده . ساختمان وتجهیزات این‌بیمارستان ازطرف شیروخورشید سرخ‌وسازمان‌برنامه مشترکاً تعهد شده ومقدمات کار از هرحیث فراهم آمده وتا پایان سال ۱۳۳۸ باتمام خواهد رسید. این بیمارستان چنانکه درنقشه ومشخصات‌آن پیش‌بینی شده، مجهزترین وکاملترین بیمارستانهای کشورماخواهد شد .

۱۲ - شیروخورشید سرخ همچنین برای تهیهٔ دارو های لازم جهت مؤسسات خود یك **بخش مستقل‌داروئی** تاسیس کرده وبا ایجاد این بخش ، داروهای مورد نیاز را بقیمت‌بسیار کم باختیارمؤسسات‌درمانی‌خوددرمرکزوشهرستانهامیگذارد . گذشته‌از این، **زایشگاه رهبری** که ساختمان‌آنرایك‌بانوی نیکوکارخریداری‌وبه‌شیروخورشید-سرخ وقف کرده **درمانگاه‌امدادی‌وثوق** که ساختمان‌آنرا مؤسسهٔ عمرانی وثوق در تهران نو بنا نموده وبه شیروخورشید سرخ وقف کرده است و همچنین **درمانگاه نجم ونیز کارگاه بافندگی** جمعیت که درآن روزانه درحدود یکصدتن از مستمندان به‌کار مشغولند وازدسترنج‌خودامرارمعاش‌میکنند، مؤسسات کوچك دیگری‌هستند که‌درحال حاضرتحت نظروبابودجهٔ شیروخورشیدسرخ درمرکزاداره‌میشوند .

درشهرستانها:

ادارهٔ امورمؤسسات شیروخورشیدسرخ‌درشهرستانها تحت‌نظرهیئتهای‌مدیره‌ای قراردارد که طرزانتخاب ووظائف آنهارا اساسنامهٔ جمعیت تعیین کرده وجمعیت‌مرکزی درکارآنها فقط نظارت ومراقبت دارد واطلاعات وتجارب خـودرا درطرزکاروپیشرفت اموراختیارآنهامیگذارد وازاعتبارات خود بقدرامکان‌ومطابق‌فعالیتی که هریك‌ازشعب مذکوردارند بآنها کمك میکند .

شعب شیروخورشید سرخ در طی مدتی که از دورهٔ فعالیت این جمعیت خیریه میگذرد بخصوص‌دردهسالهٔ اخیر، مؤسسات زیادی درقسمتهای خیریه ودرمانی بوجود

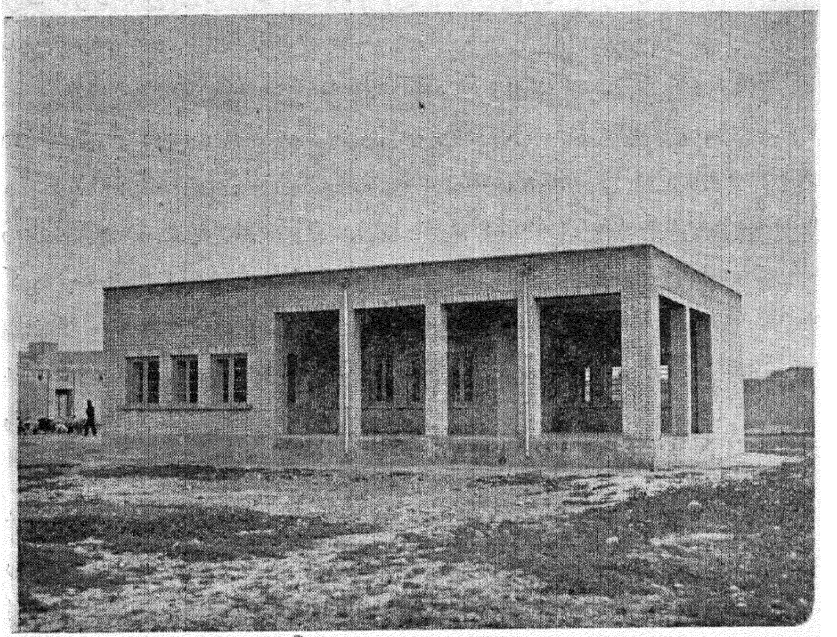

درمانگاه شیر وخورشید سرخ دردزفول

آورده‌اند که شرح جزئیات وتاریخچهٔ تأسیس‌وفعالیت‌هریك دراین مبحث، موجب‌طول کلام خواهد شد وناچار از این تأسیسات فقط فهرست واردراینجا ذکرمیکنیم .

بیمارستانها :

۱ ـ بیمارستان صد تختخوابی‌تبریز
۲ ـ » صد تختخوابی رضائیه
۳ ـ » هشتادتختخوابی‌اردبیل
۴ ـ » شصت تختخوابی‌مهاباد
۵ ـ » پنجاه تختخوابی‌آبادان
۶ ـ پنجاه تختخوابی خوی
۷ ـ بیمارستان پنجاه تختخوابی‌مراغه
۸ ـ » سی‌تختخوابی‌همدان
۹ ـ » بیست‌وپنج‌تختخوابی‌آستارا
۱۰ ـ » بیست تختخوابی اسکو
۱۱ ـ » بیست‌تختخوابی‌بوکان
۱۲ ـ » بیست تختخوابی‌سلدوز
۱۳ ـ » بیست تختخوابی‌شاهپور

۱۴- بیمارستان بیست تختخوابی میاندوآب
۱۵- » ده تختخوابی ماکو

زایشگاهها :

۱ ـ زایشگاه نود تختخوابی یزد
۲ ـ » هفتاد وپنج تختخوابی رضائیه (دردست ساختمان)
۳ ـ » پنجاه تختخوابی آبادان
۴ ـ » پنجاه تختخوابی شیراز
۵ ـ » سی تختخوابی اهواز
۶ ـ » بیست تختخوابی بیرجند
۷ ـ » بیست تختخوابی سمنان (دردست ساختمان)
۸ ـ » بیست تختخوابی کاشان
۹ ـ » بیست تختخوابی مهاباد (دردست ساختمان)
۱۰- » هفده تختخوابی زنجان
۱۱- » ده تختخوابی شاهپور

درمانگاهها :

۱ ـ درمانگاه عمومی اراك
۲ ـ دو » عمومی دراردبیل
۳ ـ » عمومی اهواز
۴ ـ » » اصفهان
۵ ـ » » آستارا
۶ ـ » » آذرشهر
۷ ـ » » اسکو
۸ ـ » » بهشهر
۹ ـ » » بروجرد
۱۰- دو » » دربندرپهلوی
۱۱- » » بوشهر
۱۲- » » بوکان

۱۳- سه درمانگاه عمومی در تبریز
۱۴- درمانگاه عمومی در بند
۱۵- » » خرم‌آباد
۱۶- دو » » درخوی
۱۷- دو » » وچشم پزشکی در خرمشهر
۱۸- » » دامغان
۱۹- » » دزفول
۲۰- » » درگز
۲۱- » » رشت
۲۲- دو » » دررضائیه
۲۳- » » زنجان
۲۴- » » ساری
۲۵- » » سقز
۲۶- » » سلدوز
۲۷- دو » » درسمنان
۲۸- دو » » درشیرازوتخت جمشید
۲۹- » » شاهرود
۳۰- » » شاهپور
۳۱- » » شوط (ماکو)
۳۲- » » قم
۳۳- » » کاشان
۳۴- » » کرمان
۳۵- » » مسجد سلیمان
۳۶- » » مراغه
۳۷- » » مرند
۳۸- » » مهاباد
۳۹- » » میاندوآب



بازدید شاهنشاه از نقاط سیل زدهٔ جنوب (یزد) سال ۱۳۳۵

۴۰ـ درمانگاه عمومی ماکو
۴۱ـ » » میانه
۴۲ـ » » نیستانك (نائین)
۴۳ـ » » یزد
۴۴ـ » » اهر

زایشگاههای خانوادگی :

۱ـ زایشگاه خانوادگی اصفهان
۲ـ » » بهشهر
۳ـ » » تبریز
۴ـ » » تجریش
۵ـ » » خوی
۶ـ » » رشت
۷ـ » » کرمانشاه
۸ـ » » مشهد

اندرزگاهها که در آن به‌اطفال شیرخوار دارو وشیرخشك ولباس وسایرمایحتاج وبمادرانشان دربارهٔ بهترنگاهداشتن فرزندانشان اندرزهـای طبی داده میشود: جمعاً در شهرستانها چهل وشش باب .

علاوه برایـن تأسیسات درمانی، شیروخورشید سرخ درحال حاضریك آسایشگاه مسلولین‌دویست‌تختخوابی‌درشیراز اداره میکند ونیزدرتبریزیك شیرخوارگاه‌پنجاه‌نفری ـ درشیرازیك شیرخوارگاه چهل نفری ـ دراصفهان یك‌آموزشگاه‌پرستاری ـ درشیراز یك‌آموزشگاه کمك پرستاری ونیزهشت‌آزمایشگـاه و دو بخش انتقال خون و دوبخش رادیوتراپی‌ورادیوگرافی اداره مینماید .

تأسیسات خیریه :

۱ـ پرورشگاه کودکان سیصدنفری آبادان
۲ـ » » » مشهد
۳ـ » » دویست نفری اصفهان
۴ـ » » یکصد نفری اهواز



بازدید والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی ازمناطق سیل زدهٔ کاشان

۵ـ مهد کودکان یکصد نفری رشت
۶ـ پرورشگاه کودکان یکصد نفری زاهدان
۷ـ » » » » زابل
۸ـ » » » » کرمانشاه
۹ـ » » » » همدان
۱۰ـ » » هفتاد نفری قزوین
۱۱ـ » » پنجاه نفری آستارا
۱۲ـ » » » » خاش
۱۳ـ » » » » درگز
۱۴ـ » » » » سراوان
۱۵ـ » » » » نیشابور
۱۶ـ » » بیست وپنج نفری خوی
۱۷ـ » » بیست نفری شاهپور

درتمام این پرورشگاهها اطفال بطورشبانه روزی ورایگان نگاهداری میشوند وجمعیت درنظردارد بتدریج این پرورشگاهها را تبدیل به آموزشگاههای حرفه‌ای بنماید.

شیروخورشید سرخ ازجنبهٔ بین‌المللی

جمعیت شیروخورشیدسرخ ایران که تأسیس وتشکیل آن برمبنای مقررات صلیب سرخ بین‌المللی صورت گرفته، اکنون یکی از اعضای برجستهٔ خانوادهٔ بین‌المللی صلیب سرخ وهلال احمر جهانی است که بنحو شایسته‌ای احساسات خیرخواهانهٔ ملت ایرانرا درانظار جهانیان جلوه گر میسازد. ازده سال پیش باینطرف که شیر وخورشید سرخ ایران تحت توجهات خاصهٔ اعلیحضرت محمدرضاشاه، شاهنشاه ایران وهدایت ومراقبت مستمر والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی فعالیت قابل توجهی ازخودنشان داده، این فعالیت خیرخواهانه توجه مقامات بین المللی صلیب احمرهارا بخود جلب نموده چنانکه از سال ۱۹۵۰ تاکنون چهار بار متوالی شیروخورشیدسرخ ایرانرادر کنفرانس‌های بین‌المللی بعضویت هیئت اجرائیهٔ اتحادیهٔ صلیب احمرها انتخاب کرده‌اند. معمولاً هردوسال یکبار که شورای حکام اتحادیهٔ بین‌المللی صلیب سرخ تشکیل میشود وهرچهارسال یکبار که کنفرانس بین‌المللی صلیب‌سرخ منعقد میگردد برای ادارهٔ امورصلیب سرخ بین‌المللی دوازده صلیب سرخ برأی



آقای رومگر رئیس کمیتهٔ بین‌المللی صلیب‌سرخ و آقای کنت‌دوروژه نایب‌رئیس اتحادیهٔ بین‌المللی صلیب سرخ که طبق دعوت جمعیت شیر وخورشید سرخ درسال ۱۳۳۶ بایران آمده‌بودند .
از راست بچپ:

مخفی‌بعنوان عضو هیئت اجرائیه انتخاب میگردند تا امور صلیب سرخ جهانی را تحت نظر داشته واداره کنند، شیروخورشید سرخ ایران اکنون چهاردورهٔ متوالی است که با آراء زیادی بعضویت این هیئت انتخاب میشود و این موفقیت باستثنای دول بزرگ، برای سایردول کمتر حاصل میگردد ونشانهٔ آنست که مجامع بین‌المللی، اقدامات شیر و خورشید سرخ ایران را با اعجاب وتحسین مینگرند و برای این جمعیت ملی ارزش فوق‌العاده‌ای قائلند. بهمین مناسبت‌نیز باآنکه علامت‌شیروخورشید سرخ‌مخصوص کشور ما است وسایرممالك علامت صلیب سرخ یا هلال احمر را انتخاب کرده‌اند، علامت شیر وخورشید سرخ در تمام مکاتبات و اسناد بین المللی پذیرفته شده و در صدر نامه‌های رسمی‌اتحادیهٔ بین‌المللی‌صلیب سرخ، در کنار علامت صلیب سرخ وهلال احمر بطبع میرسد ونیزهمین پیشرفت شیروخورشید سرخ موجب آمده که جمعیت بتواند در مواقع مختلف، بخصوص درپیش‌آمد حوادث وسوانح، کمکهای قابل‌توجهی‌ازمؤسسات ملی صلیب سرخ وهلال احمردریافت دارد ومتقابلاً درپیش‌آمد حوادث بعنوان ابراز همدردی ملت ایران بآنها کمك کند.

یك مقایسه و نتیجه

پیشرفتهائیکه نصیب جمعیت شیروخورشید سرخ ایران شده چنانکه امروز این جمعیت رایکی‌ازارکان متین تأسیسات بهداشتی وخیریهٔ مملکت ساخته، اکثروبلکه‌تمام آن‌مرهون‌الطاف‌وتوجهات‌ذات‌مقدس‌ملوکانه‌است که ازابتدای‌دورهٔ سلطنت،این‌جمعیت را تحت حمایت خود قرارداده وباپشتیبانی‌معنوی‌ومادی‌بسیارپرارزش، وسائل پیشرفت بسوی هدف مطلوب را برای خدمتگزاران این جمعیت خیریهٔ ملی و بین‌المللی فراهم فرموده‌اند. درسایهٔ این توجهات وبامراقبت دائمی والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی، جمعیت‌توفیق‌یافت که‌درمدت‌ده دوازده سالهٔ‌اخیرقدمهای‌مفیدی‌چنانکه‌شرح‌آن‌باختصار گذشت بردارد وپرچم شیروخورشید سرخ ایران‌رادراقصی‌نقاط کشوربرافرازدوازهمه بالاترحس همدردی وتعاون اجتماعی را بمصداق آیهٔ شریفهٔ «تعاونواعلی‌البر» که شعار جمعیت شیروخورشید سرخ ایران‌است درقلوب‌مستعد مردم خیرخواه کشوربیدار کند وآنانرا درزیرلوای شیروخورشیدسرخ بمعاضدت‌ومساعدت‌همنوعان‌وهموطنان خویش برانگیزد. درحقیقت باید گفت که شیروخورشید سرخ اکنون درحکم مدرسه‌ای است که درآن‌افراد مختلف درهرنقطه‌ازنقاط مملکت برطبق‌برنامهٔ صحیحی باصول‌همکاری



تقدیم عالیترین نشان صلیب سرخ فرانسه به والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی

ملی وتعاون اجتماعی آشنا میشوند و بدینترتیب پایهٔ یك مؤسسهٔ بسیارقوی که میتواند درروحیات واخلاق وطرززندگانی مردم مستقیماًمؤثرباشد گذاشته‌شده وبتدریج برروی این پایه ساختمانی‌عظیم بنا خواهدشد. تربیت جوانان کشور که یکی‌ازاهم وظایف‌شیرو خورشید سرخ است واکنون تحت عنوان‌سازمان جوانان شیروخورشید سرخ بابرنامهٔ منظمی‌پیش‌میرود، یکی‌از مهمترین قدمهائی‌است که دراین‌راه برداشته شده.این‌جوانان پس‌از کسب اطلاعات علمی‌وتجربی‌لازم برطبق موازین ملی‌وبین‌المللی، درآینده اعضای صمیمی وفعال وکاردانی‌برای شیروخورشیدسرخ‌خواهندبودچنانکه‌خدمتگزاران فعلی جمعیت میتوانند بآسانی‌وباخاطری جمع، بارمسئولیت وظیفهٔ سنگینی‌راکه بعهده دارند بآنان واگذار کنند واطمینان‌داشته باشند که این فرزندان‌آینده، این‌بارامانت رابادرستی وفداکاری بسرمنزل مقصود خواهند رسانید.

البته جمعیت شیروخورشید سرخ ایران ایجاد وتأسیس خودرا چنانکه درضمن تاریخچهٔ جمعیت بیان شد مرهون توجهات اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیراست که در همهٔ رشته‌های‌مختلف مملکتی بایدآن شاهنشاه را بنیان‌گذاراساسی‌وسلسله جنبان ترقی وتعالی کشوردانست. شیروخورشید سرخ درطی‌سنین‌اول‌تأسیس‌خودبیشتر بامورامدادی که ازاولین وظائف‌اوست‌میپرداخت وتأسیس‌مؤسساتی‌نظیرآنچه ذکرشدحاصل کوششها وعلاقمندی‌خاصی‌است که‌فرزند والاگهرآن شاهنشاه، اعلیحضرت‌همایون محمدرضاشاه پهلوی که درکلیهٔ شئون اجتماعی وبالابردن سطح زندگانی و بهداشت مردم همواره علاقمندی زایدالوصفی ابراز میفرمایند، در ادامه وتکمیل برنامه‌هائی که اعلیحضرت شاهنشاه فقید شروع کرده بودند بکاربرده‌اند.

شیروخورشیدسرخ‌ایران‌غیرازآنچه‌ذکرشد،تأسیسات‌دیگری‌نیزوابسته‌بخوددارد که‌ازآنجمله‌است **جمعیت‌حمایت‌حیوانات‌وجمعیت‌حمایت‌کودکان‌کرولال** که‌این هردوجمعیت، برطبق اساسنامهٔ خاصی، وابسته بشیروخورشید سرخ بوده وباکمك مالی جمعیت اداره میشوند. ونیزاخیراً برای‌حسن ادارهٔ‌امورامدادی،شیروخورشیدسرخ یك سیستم مخابراتی‌مستقل نصب کرده که میتواند علاوه برشعب جمعیت در شهرستانها، با تمامی مراکزونقاط آسیب‌دیدهٔ کشوردرمواقع‌بروزحوادث‌رابطهٔ‌مستقیم‌تلفنی وتلگرافی برقرارنمایدهمچنین‌باسفارش‌دادن آمبولانسهاوکامیونهاوبیمارستانهای سیاروخریداری هواپیمای حمل‌ونقل،کلیهٔ‌نواقص‌امدادی‌خودرارفع‌نموده‌ودرآینده‌بمراتب‌بهتراز گذشته خواهدتوانست‌این وظیفهٔ خودرا انجام دهد.

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی

درفروردین مـاه ۱۳۲۶ بفرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاه، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ایجاد شد وذات مبارك ملوکانه شخصاً ریاست عالیهٔ آنرا تقبل فرمودند. والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی ازطرف شاهنشاه به‌نیابت ریاست عالیه منصوب شدند.

ارکان اداری سازمان بجز ریاست ونیابت ریاست عالیه که دررأس تمام تشکیلات قرار گرفته عبارتست از:

۱ـ هیئت مرکزی ـ مرکب ازچهل تن ازرجـال ومعاریف کشور کـه بفرمان مبارك ملوکانه منصوب میشوند و نـه تن از آنها بمناسبت مشاغل خـود این سمت را احرازمیکنند.

۲ـ هیئت مدیره مرکب ازیازده تن که از میان اعضاء هیئت مرکزی انتخاب و بفرمان همایونی منصوب میشوند.

سازمان دارای یك نایب رئیس دوم، یك دبیرکل ویك خزانه دارمیباشد که ازمیان اعضاء هیئت مدیره برگزیده میشوند. مدیرعامل سازمان نیز ازطرف هیئت مدیره انتخاب وبفرمان همایونی منصوب میگردد. وظیفهٔ هیئت مدیره تعیین برنامه و طرز کار وتصویب بودجهٔ سازمان است وبطورکلی هیئت مدیره یگانه مرجع صلاحیت‌دار برای تعیین وتصویب اقدامات سازمان میباشد.

۳ـ هیئت بازرسی مرکب است ازپنج عضو که ازمیان مستشاران عالیمقام دیوان محاسبات بفرمان همایونی منصوب میشوندوبامورمالی وترازنامهٔ سازمان رسیدگی میکنند ودرپایان هرسال صحت آنرا تصدیق وامضاء میکنند.

اساسنامهٔ سازمان مشتمل برنوزده ماده در تیرماه ۱۳۲۷ بتوشیح مبارك ملوکانه رسیده وبمرحلهٔ اجرا گذاشته شده است.

اقدامات سازمان

اول ـ بیمارستانها ودرمانگاهها: سازمان شاهنشاهی درهفتادنقطهٔ کشور بیمارستانها

ودرمانگاههائی‌دائر کرده که در نقاط زیرواقع شده‌اند :

۱ـ استان تهران : درمانگاههای آسیابك زرند ، رود بارالموت ، نوبران‌ساوه و بیمارستان نکوئی‌درقم .

۲ـ استان گیلان: درمانگاههای آشتیان، بازکیاگوراب، رضوانده،ماسال،سعید-آبادشفت، طالقان، طاهرگوراب وبیمارستان شهناز درزنجان.

۳ـ استان مازندران : درمانگاههای بندپی، چمستان‌نور، زید ساری‌وبیمارستان رامسر .

۴ـاستان آذربایجان:درمانگاههای‌اشنویه،پلدشت،پیله‌سوار،سیه‌چشمه،شرفخانه، گرمی، مشگین‌شهر، نقده، هشترود، دریان .

۵ـ استان کرمانشاهان : درمانگاههای بانه، بوکان، بیجار ، روانسر، سقز، بهار گیلانغرب وبیمارستان اسدآباد درهمدان .

۶ـ استان خوزستان : درمانگاههای سوسنگرد، شادگان، شوش، هندیجان، هویزه وبیمارستان‌شوشتر. دراین استان‌دودرمانگاه دیگربرای‌مبارزهٔ باتراخم‌دردزفول دائر است .

۷ـ استان فارس : درمانگاههای آباد شاهپور، ارسنجان ، اوز ، داراب ، لار ، نورآباد ممسنی .

۸ـ استان کرمان : درمانگاههای ایرانشهر، سراوان ، عنبرآباد جیرفت، جزیرهٔ قشم وبیمارستان زابل .

۹ـ استان خراسان: درمانگاههای‌بجنورد، رشتخوار، زوزن‌خواف،قائن،کاخك، شهرنوباخزروبیمارستان بیرجند .

۱۰ـ استان اصفهان : درمانگاههای اردستان، اردکان، انارك، شهربابك، لنجان، نائین، هرندوبیمارستان گلپایگان .

دراین درمانگاهها پزشکان ایرانی‌وآلمانی یا اطریشی‌باداشتن همه‌گونه وسائل زندگی‌ولوازم کاربخدمت اشتغال دارند ومحل‌سکونت پزشك‌وکارکنان درمانگاه‌نیزاز همه‌جهت‌کاملاً تأمین شده‌است. دربیمارستانهای‌سازمان نیزبه‌تناسب جمعیت‌واحتیاجات هرنقطه، ازده تایکصد تختخواب موجود است .

درهردرمانگاه یك‌پزشك، یك‌ماما ودرصورت لزوم، دوپزشکیارودوپرستاروعدهٔ



بیمارستان نکوئی درقم

کافی‌مستخدم و دربان وباغبان وسرایداربخدمت مشغولند .

آماریکه در دست است حاکی از افزایش تدریجی تعداد مراجعه کنندگان بدرمانگاههاست . آمار کل مراجعه کنندکان از سال نخست تا پایان سال ۱۳۳۵ بقرار زیر است :

۱ـ سال	۱۳۲۶	۱۰۸۱۵ بار
۲ـ «	۱۳۲۷	« ۳۱۳۳۰۶
۳ـ «	۱۳۲۸	« ۶۷۵۸۲۱
۴ـ «	۱۳۲۹	« ۱۰۱۹۵۷۷بار
۵ـ «	۱۳۳۰	« ۱۱۵۱۱۶۷
۶ـ «	۱۳۳۱	« ۱۴۸۱۲۹۸
۷ـ «	۱۳۳۲	« ۱۴۲۴۵۹۵
۸ـ «	۱۳۳۳	« ۱۰۲۷۵۳۷
۹ـ «	۱۳۳۴	« ۱۳۵۲۳۹۷
۱۰ـ «	۱۳۳۵	« ۱۴۰۰۱۲۸

دوم مبارزهٔ باتراخم دردزفول: ازسال۱۳۲۷بفرمان شاهنشاه ، مبارزهٔ پردامنه‌ای علیه بیماری تراخم در دزفول آغازشد که بابرنامهٔ منظم انجام‌یافت ونتایج‌رضایت‌بخشی ببار آورد . بااینکه ریشهٔ بیماری تراخم دردزفول کنده شده ومبتلایان باین بیماری نیز همه درمان یافته‌اند معهذا هنوزدودرمانگاه‌دردزفول‌دائراست‌وپزشك‌وپزشکیاروپرستار وبهداربتعداد موردلزوم‌در آنجا بخدمت‌مشغولندوبادستگاههای الکتروکواگولاسیون بدرمان بیماران میپردازند .

در دزفول‌عملیات پردامنه‌ای برای‌اصلاحات‌شهری که مبارزه باتراخم بی‌آن به نتیجه نمیرسید آغاز و بالغ بربیست میلیون ریال صرف شهرسازی شده است .

از آغـاز مبارزه در دزفول تا پایان سال ۱۳۳۵ جمعاً ۳۵۲۵۶۱۲ بـار بیمار بدرمانگاههای مبارزهٔبا تراخم مراجعه کرده ونیز۱۷۶۰۸ بارعمل‌الکتروکواگولاسیون انجام یافته است .

سوم ـ آموزشگاه پرستاری‌اشرف‌پهلوی : درآبان‌ماه ۱۳۲۶نخستین‌سنگ بنای آموزشگاه‌پرستاری‌بدست‌مبارك‌شاهنشاه‌درپی‌نهاده‌شدوآموزشگاه‌مزبوردراردیبهشت‌



ماه ۱۳۲۸ بوسیلهٔ شاهنشاه افتتاح گردید . این آموزشگـاه ، شبانه روزی و مخصوص دوشیزگان است . داوطلبان ورود بآموزشگاه باید دارای گواهینامهٔ‌شش‌سالهٔ‌متوسطه و مجردباشند . دورهٔ‌آموزشگاه سه‌سال‌است واین آموزشگاه ازحیث شرائط ورودوبرنامهٔ تحصیلات‌علمی‌وعملی‌بابزرگترین‌آموزشگاههای‌پرستاری‌جهان‌برابری‌میکند.دانشجویار معلومات نظری را درآموزشگاه ومعلومات عملی را دربخشهای بیمارستان پهلوی‌وبر بالین بیماران میآموزند . درمدت تحصیل، بدانشجویان پول جیب داده میشود ووسائل استراحت وتفریح‌آنان‌نیزفراهم گردیده است. تاپایان‌سال۱۳۳۶جمعاً سیزده‌دوره‌دانشجو درآموزشگاه پذیرفته ونه‌دورهٔ‌آن‌فارغ‌التحصیل‌شده‌اند. دراین‌تاریخ آموزشگاه دارای ۱۳۲تن دانشجوبوده است .

چهارم ـ کانون‌کاروآموزش: ازاواسط‌سال۱۳۲۶مقدمات‌ایجادکانون‌کاروآموزش برای نگهداری ولگردان ومتکدیان شهرتهران فراهم شد وتشکیلاتی‌وسیع باین‌منظور بوجودآمد وازبهمن ماه۱۳۲۶ جمع آوری گدایان وسکونت دادن آنان در کانون‌کار و آموزش شروع شد. این برنامه ادامه یافت تا اینکه بیش ازسه هزارتن ازمتکدیان‌زن و مرد و کودک درکانـون جمع آوری شدند و تأسیساتی مانند کارگاههای مختلف ، آموزشگاههای ابتدائی‌ومتوسطه، کودکستان وبهداری درکانون بوجودآمد وبطورکلی دراین مدت تعداد۱۶۷۵۳تن‌بکانون‌وارد وتعداد۱۶۳۱۶تن‌ازآنها پس از تربیت‌وتهذیب اخلاق مرخص‌شدند. چون‌درسالهای اخیرتوجه‌فراوانی‌بتأسیس‌آموزشگاههای حرفه‌ای مبذول گردیده است ازاوائل سال۱۳۳۵کانون‌کاروآموزش نیزروش‌کارخود را تغییر داد واین محل بتدریج بیك آموزشگاه فنی‌وحرفه‌ای تبدیل شد وتأسیساتی برای این‌منظور درکانون بوجودآمد ومتخصصینی‌از آلمان‌واردشدند وادارهٔ قسمتهای‌مختلف‌آموزشگاه را بعهده‌گرفتند . درحال حاضردرکانون کارفقط دانش‌آموزان فارغ التحصیل ابتدائی پذیرفته میشوند و درکلاسهای دورهٔ دبیرستان بتحصیل در رشته هـای فنی و حرفه‌ای ادامه میدهند .

پنجم‌ـ آموزشگاه نابینایان: ازچند سال پیش درکانون‌کاروآموزش،آموزشگاهی برای تعلیم و تربیت نابینایان دائرشده وطبق اصول جدید ، الفبای مخصوص کوران را بآنان میآموزد ونیزبعضی ازحرفه‌های دستی‌مانند ماهوت پاک‌کن سازی وحصیربافی و



خوابگاه آموزشگاه پرستاری اشرف‌پهلوی



آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی

جاروسازی را بآنها یاد میدهد وباین ترتیب عدهٔ زیادی از کودکان نابینا، هم خواندن‌و نوشتن وهم یك صنعت دستی فراگرفته اند . بالغ برد وسال است که‌یك کلاس‌موسیقی نیزدر آموزشگاه نابینایان‌دائرشده وبالغ برسی‌تن‌از کودکان نابینا،هیئت‌ارکستری‌تشکیل داده‌اند که کاملاً قابل توجه است .

ششم ـ کانون آسایش : ازاردیبهشت ماه ۱۳۳۰ تاسال۱۳۳۳ عده‌ای افراد از کار ـ افتاده ومعلول، درمحل‌نوانخانهٔسابق‌شهرداری‌تهران که بسازمان‌شاهنشاهی‌واگذار وبنام کانون آسایش نامیده شده بود مستقرشدند . چندی بعد یك بخش مجهزبرای مبارزهٔ با افیون ومخدرات درکانون‌آسایش بایکصد وپنجاه تخت دائرشد وبطریقی‌نوین معتادین را تحت درمان قرارداد. تـا پایان سال ۱۳۳۵ جمعاً تعداد ۱۶۵۴۳ تن بیمار درکانون آسایش بستری شده وتحت درمان قرار گرفتند وپس ازبهبود کامل وترک اعتیاد خود مرخص شدند .

هفتم ـ بخش جراحی‌بیمارستان سینا: دردیماه۱۳۲۶والاحضرت شاهدخت‌اشرف پهلوی درمحل بیمارستان سینا نخستین کلنگ‌ساختمان‌بخش‌یکصدوپنجاه تختی‌جراحی سوانح وحوادث را بزمین زدند وبخش مزبوردراسفندماه ۱۳۲۸ افتتاح شد وشروع‌بکار کـرد . این بخش باکمك دانشکدهٔ پزشکی دائر گردیده ومحل‌کار آموزی دانشجویان دانشکدهٔ پزشکی تهران است ـ در آغـاز کار یك متخصص فرانسوی بـرای بیهوشی استخدام و در این بخش بکار گمارده شد و نیز ۱۲ تن خون دهنده از طرف سازمان استخدام شدند تا در موارد ضروری از خون آنها برای بیماران استفاده شود . اعلیحضرت‌همایون شاهنشاه و علیا حضرت ملکه نیز در اسفند ماه ۱۳۲۹ از این بخش بازدید فرمودند .

درحال‌حاضرهشتاد درصد ازمجروحین ومصدومین شهرتهران باین بخش‌مراجعه میکنندوتحت‌اعمال‌جراحی‌قرارمیگیرندوبستری‌میشوند. تاپایان‌سال۱۳۳۵تعداد۲۶۹۸۲ تن بیمار دراین‌بخش بستری‌شده‌اند که۱۴۵۳۸تن‌آنهاتحت‌عمل‌جراحی کوچك و۹۶۵۸ تن تحت عمل‌جراحی‌بزرگ قرار گرفته‌اند ونیز۱۰۹۰۲تن بیمار کـه بشکستگی هـای مختلف دچاربوده‌اند معالجه شده‌اند .

هشتم بخش‌پرتوشناسی: دردیماه ۱۳۲۹درخیابان قوام السلطنه‌درمانگاهی‌مجهز به پنج دستگاه رادیوتراپی سطحی برای مبارزه بابیماری کچلی‌دائرشدوتاپایان‌آبان ماه

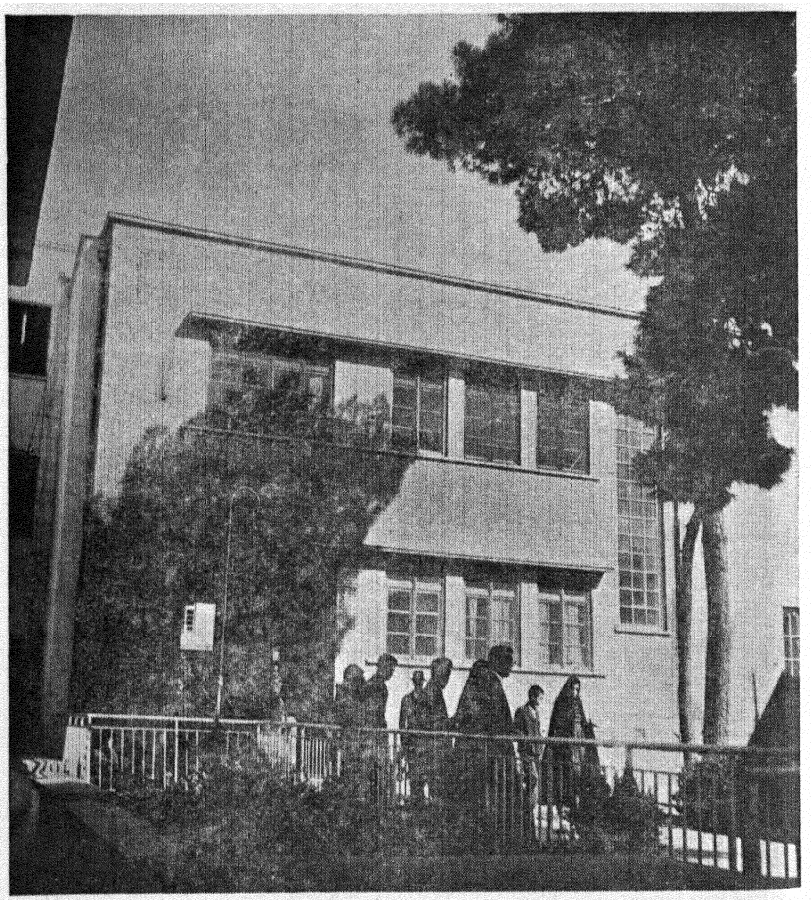

بخش جراحی سوانح وحوادث سازمان شاهنشاهی در بیمارستان سینا

۱۳۳٦ جمعاً ۵۲۳۷۰ تن کودک راتحت درمان قرارداد .

درهمین محل در دیماه ۱۳۳۱ بخش دیگری برای عکسبرداری و پرتونگاری دائر شد. دراین بخش دودستگاه عکسبرداری وجود دارد که یکی از آنها فقط از ریتین رادیو-گرافی میکند ودستگاه دیگر از سایر قسمتهای بدن عکس برمیدارد، بعلاوه بادستگاههای مزبور اعمال رادیوسکپی نیز انجام میگیرد. دراین بخش ازبدو تأسیس تاآبان ماه ۱۳۳٦ جمعاً تعداد ۲۵۳۸۹ فقره رادیوگرافی عادی و ۹۸۲۲ فقره رادیوگرافی مسلسل بعمل آمده است .

نهم بخش کمك بمادران و کودکان : ازبدوتأسیس سازمان، در چند نقطه ازشهر تهران شعبه‌های کمك بمادران و کودکان بوجود آمد واینك درچهار نقطه‌ازپرجمعیت-ترین نقاط تهران،چهارشعبهٔ کمك بمادران و کودکان دائراست. این شعبه‌ها هرهفته‌دو روز بخانواده‌ها ومادران بی‌بضاعت‌حوزهٔ فعالیت خود برطبق برنامهٔ خاصی کمك‌میکنند و بآنها برنج وشکروپارچه وصابون وشیرخشك وزغال ولباس وکفش میدهند وکودکان آنان نیزمورد معاینه ومداوای پزشك‌شعبه‌قرارمیگیرند وداروی رایگان‌دریافت‌میدارند. درحدود دوهزارخانواده از کمك های شعبه‌های مزبور مستمراً برخوردار میشوند .

دهم ـ اقدامات فرهنگی: چون یکی‌ازمواد اساسنامهٔ سازمان شاهنشاهی کوشش در تعمیم فرهنگ‌است، بابتکاروالاحضرت شاهدخت اشرف پهلـوی درسال۱۳۲۷ مقرر گردید هرسال یك‌روز بنام «روزسازمان» نام‌گذاری شود ودرآن روزدرسراسر کشور مراسمی‌معمول گردد واعاناتی‌فراهم‌آید وبمصارف فرهنگی اختصاص یابد.تاکنون‌تقریباً هرسال مراسم روزسازمان معمول وعوائدی دراین روزتحصیل شده است که با افزودن وجوهی از بودجهٔ سازمان بر آن ، تماماً برای کارهای فرهنگی وبا همکاری وموافقت وزارت فرهنگ مصرف شده است . فعالیتهـای فرهنگی سازمان شاهنشاهی بقرار زیر خلاصه میشود :

۱ـساختمان خوابگاه درکوی دانشگاه : بـرای سکونت دانشجویان شهرستانها که دردانشگاه تهران تحصیل‌میکنند ودراین شهرمسکنی‌ندارند، سازمان شاهنشاهی‌در امیرآباد خوابگاهی‌ساخت ودراختیار دانشگـاه تهران گذاشت وبالغ‌برپنج‌میلیون ریال برای‌اینکاربمصرف رسانید. قراراست خوابگاه دیگری‌نیزازطرف دانشگاه تهران‌بهزینهٔ سازمان شاهنشاهی درکوی دانشگاه ساخته شودکه مخارج آن بالغ برشش میلیون‌ونیم

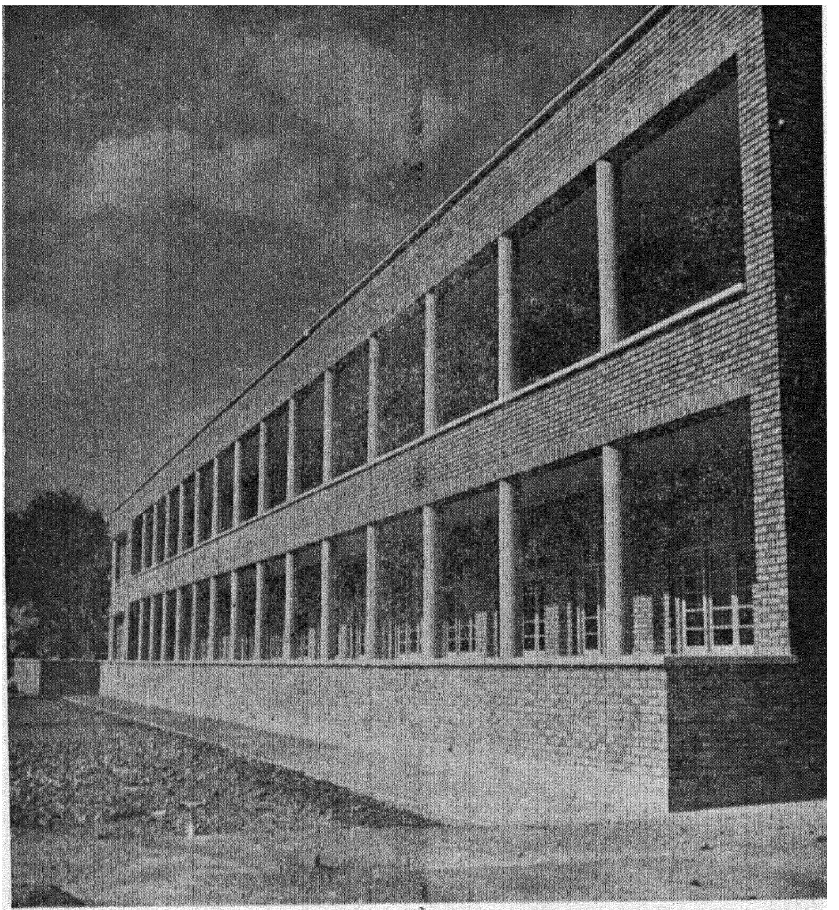

خوابگاه دانشجویان در کوی امیرآباد

ریال خواهد بود وازطرف سازمان تأدیه خواهد شد .

۲ـ پرداخت کمك هزینهٔ تحصیلی : ازسال۱۳۲۸ ببعد همه ساله سازمان‌بجمعی ازدانش‌آموزان بی‌بضاعت دبستانهاودبیرستانهای سراسر کشور که رسماً ازطرف‌وزارت فرهنگ معرفی‌شده‌اند ونیزبعده‌ای‌ازدانشجویان‌دانشکده‌های‌پزشکی‌تهران وشهرستانها کمك هزینهٔ تحصیلی پرداخته‌است. بطورکلی‌درسالهای مزبورجمعاً مبلغ ۱۳۲۴۱۰۰۰ ریال بمصرف پرداخت کمك هزینهٔ تحصیلی رسیده است .

۳ـ توزیع لباس : ازآغاز تأسیس سازمان همه ساله نزدیك عید نوروز ازطرف سازمان بگروهی ازدانش‌آموزان دختروپسر دبستانهای تهران که وزارت‌فرهنگ‌آنها را معرفی میکرد لباس‌داده میشد وهرسال بالغ برسه هزاردست لباس‌باین‌ترتیب توزیع میگردید . در سنوات اخیر ، اعتباری که سازمان باین کار اختصاص میداد در اختیار جمعیت خیریهٔ ثریا گذاشته شد تا جمعیت مزبور نیابتاً از طرف سازمان این کار را انجام دهد .

۴ـ تهیهٔ کتاب: درسال۱۳۲۹مبلغ۱۰۲۰۰۰۰ریال برای تهیهٔ کتابهای دبستانی‌از طرف سازمان بوزارت‌فرهنگ پرداخته‌شد. درسالهای۱۳۳۴و۱۳۳۵نیزمعادل۴۰۰۰۰۰ ریال برای تهیهٔ کتابهای دبیرستانی‌دانش آموزانی که قادربخرید کتابهای مورد احتیاج خود نبودند بمصرف رسید . چون شاهنشاه همواره علاقهٔ خاصی نسبت ببا سواد شدن عموم طبقات کشورابرازفرموده‌اندولازم بودقدم مؤثروسودمندی دراین جهت‌برداشته‌ـ شود درسال۱۳۳۶ ازمحل عوائد بخت آزمائی‌اعانهٔ‌ملی که‌صرفاً برای تهیهٔ کتاب بوجود آمد مبلغ ۲۳۵۰۰۰۰۰ ریال ازطرف سازمان شاهنشاهی‌خرج شد وبالغ بر ۱۹۰۰۰۰۰ جلد کتابهای چهار کلاس‌اول‌ابتدائی‌درهشت نوع مختلف چاپ وتهیه ودرسراسر کشور برایگان دراختیارتمام دانش آموزان گذاشته شد .

یازدهم ـ همکاری با یونیسف : درسال۱۳۲۹سازمان شاهنشاهی خدمات‌اجتماعی درجهات مشترك‌باکمیتهٔ ملی‌استمداد ملل‌متحد بنفع کودکان (یونیسف)، همکاری‌خود راآغاز کرد ونخست یك ناهارخوری مجهزبرای اطعام مادران بی‌بضاعت درباغ‌فردوس دائرساخت. درناهارخوری مزبورروزانه۱۵۰ تن بانوان باردارو‌شیرده بی‌بضاعت ازیك وعده ناهار گرم ومقوی استفاده میکنند . بعلاوه ازطرف ناهارخوری‌میان خانواده‌های پرعائله ومستمند لباس‌ورختخواب وسایرمایحتاج زندگی‌نیزتوزیع میشود. درخرداد‌ـ



والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی کودکیرا در کانون کارو آموزش شیر میدهند



دانشجویان پرستاری درحال ورزش



عده‌ای ازدانشجویان آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی

ماه ۱۳۳۶ والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نخستین سنگ ساختمان ناهارخوری دیگری را درسرآسیاب دولاب بزمین زدند که درسال ۱۳۳۷ دائر خواهد شد . از موارد دیگر همکاری سازمان شاهنشاهی بایونیسف توزیع شیر گرم در مدارس است که از ابتدای زمستان ۱۳۳۲ تا آخرخرداد ۱۳۳۳ بمدت شش ماه این برنامه در ده دبستان جنوب غرب تهران بموقع اجرا گذاشته شد ودر این مدت به ۵۱۶۲ تن دانش آموز روزانه یک لیوان شیر گرم داده شد. درزمستان سال ۱۳۳۳ این برنامه در ۱۵ دبستان بمرحلهٔ اجراء گذاشته شد .

دیگرازموارد همکاری، ایجاد بیست‌وشش اندرزگاه ازطرف سازمان شاهنشاهی است‌دربیست وشش‌محل که سازمان درآنها درمانگاه دارد. بهریك ازاین اندرزگاهها روزانه عده‌ای معین ازمادران بی‌بضاعت باکودکان خود مراجعه وازتعالیم بهداشتی و تربیتی‌ونیز کمکهای جنسی لازم استفاده میکنند . این اندرزگاهها ازسال ۱۳۳۳ دائر گردیده وتاکنون مقادیری شیرخشك، صابون، کپسول روغن ماهی محتوی‌ویتامینهای (آود) وداروهای اهدائی یونیسف درآنها بمصرف رسیده است .

دوازدهم ـ کارهای دیگر: گذشته ازبرنامه‌هائیکه سازمان بموجب اساسنامهٔ‌خود بموقع اجراء گذاشته‌است، درموارد مقتضی‌بمؤسسات‌خیریه‌واجتماعی دیگرنیزازبودجهٔ خود کمك کرده ونیزبهنگام بروزسوانح وحوادث‌بمؤسساتی که بیاری آسیب دیدگان برخاسته اند کمك هائی‌نموده است که اینك باختصاریادآوری میشود :

۱ـ بنگاه اشرف ـ باین‌بنگاه خیریه که ازطرف والاحضرت‌شاهدخت‌اشرف‌پهلوی ایجاد شده‌است‌سازمان‌شاهنشاهی‌ازبدوتأسیس‌خود تاسال ۱۳۳۶ جمعاً ۱۳۳۰۵۴۸۰/۵۰ ریال کمك نقدی کرده است .

۲ـ کمك بآسیب دیدگان : ازسال ۱۳۲۶ تاکنون همواره درموارد بروز سوانح وحوادث،سازمان شاهنشاهی‌مبالغی‌بجمعیت شیروخورشید سرخ ایران پرداخته‌است که مجموع آن بالغ بر ۶۰۰۰۰۰۰ ریال است .

۳ـ کمك بسایربنگاههای خیریه ـ سازمان شاهنشاهی درموارد مقتضی‌به‌جمعیت خیریهٔ ثریا ، بنگاه حمایت مادران و نوزادان ، بنگاه نیکوکاری ، انجمن ملی ایرانی حمایت کودکان، انجمن مبارزه با بیماریهای آمیزشی، جمعیت مبارزه باسل و حمایت مسلولین، انجمن حمایت حیوانات، انجمن حمایت دیوانگان، انجمن خیریهٔ مرکزی ـ



عده‌ای ازدانشجویان آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی

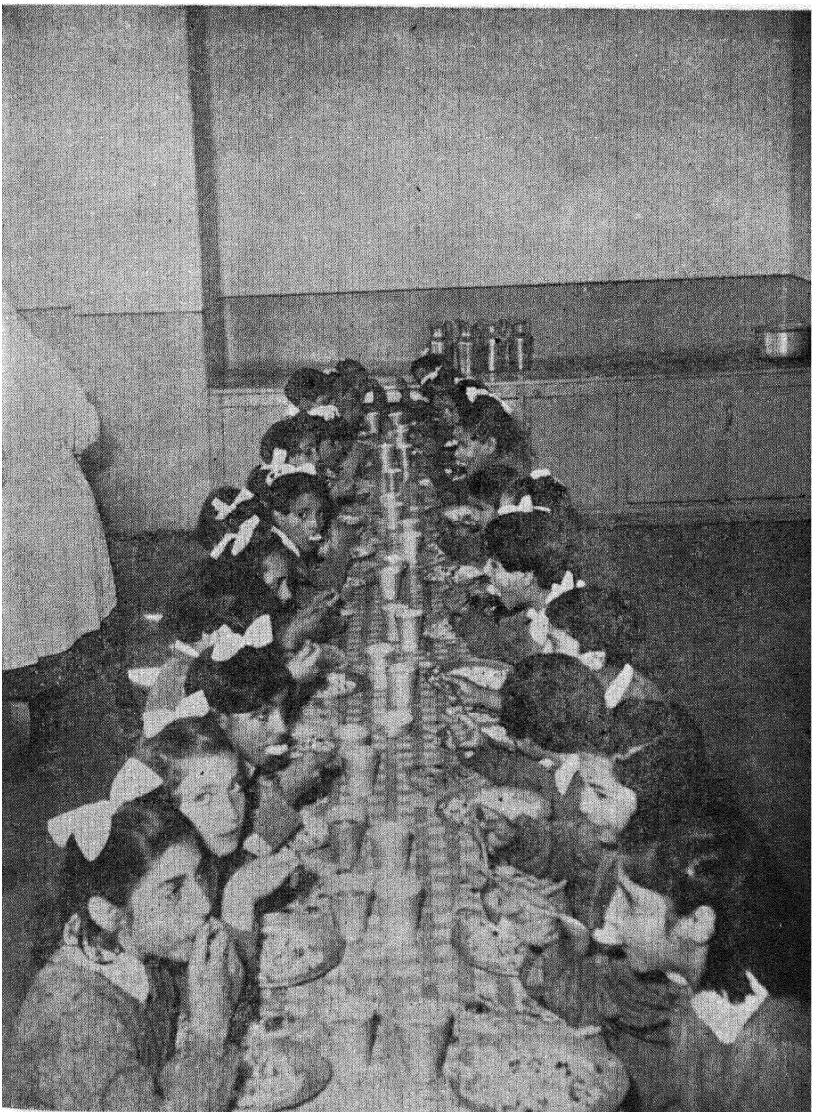

گوشه ای ازتالار ناهارخوری بنگاه اشرف

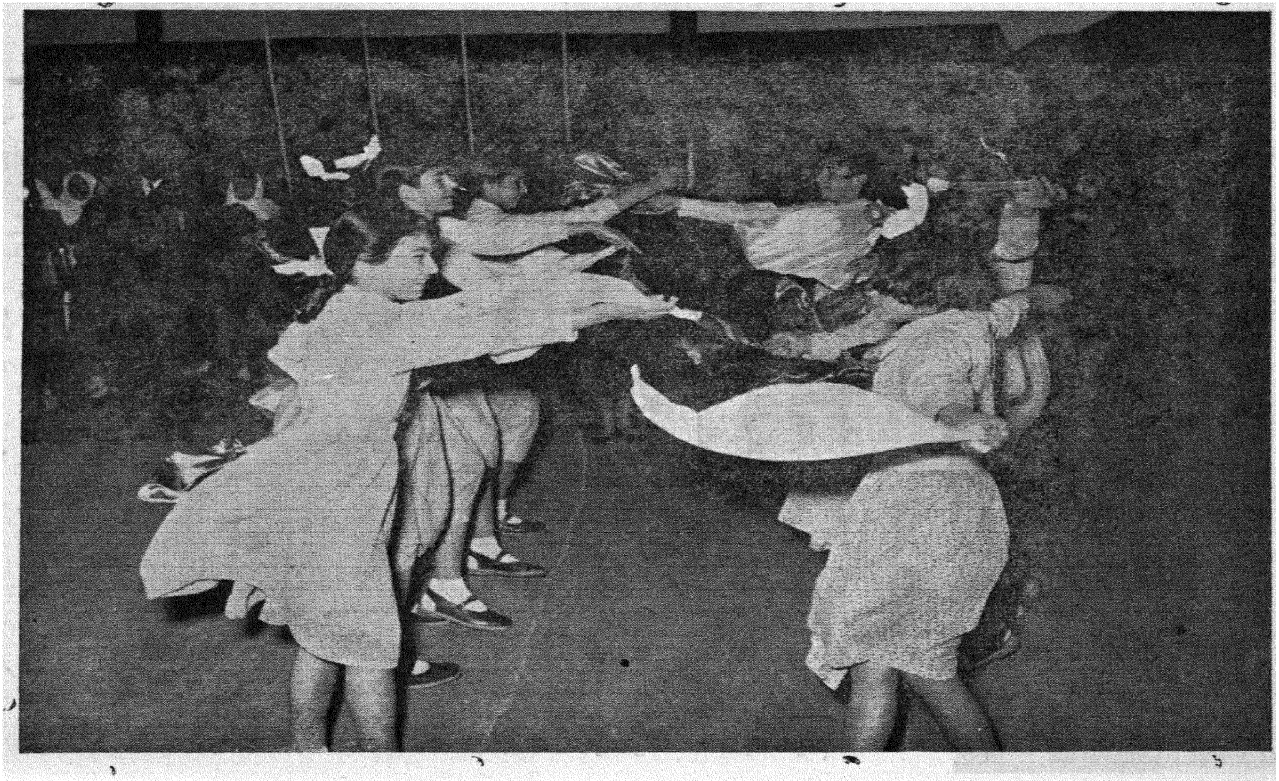

جشن چهارشنبه سوری در بنگاه اشرف

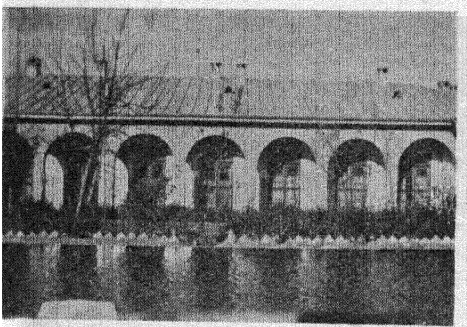

بیمارستان ودرمانگاه گلپایگان

شهر تهران ، انجمن پارك شهر ، جمعیت حمایت کودکان کر و لال ، انجمن ملی چاله میدان ، پرورشگاه جعفری و پرورشگاه تقوی کمك‌های نقدی وجنسی نموده است .

۴ـ تهیهٔ دارو: ازطرف سازمان برای جذامیان ، ساکنین سر بندان جابان، ساکنین قریهٔ سیلاخور وحجاج بیت‌الله‌الحرام در پاره‌ای از موارد داروهای مورد نیاز تهیه وتحویل گردیده است .

۵ـ کمك بشعبه‌های سازمان درشهرستانها: بشعبات سازمان درفارس، آذربایجان، اصفهان وبلوچستان توسط آقایان استانداران کـه رئیس شعبهٔ سازمان درمحل هستند برای تقویت بنیهٔ مالی وپیشرفت امورشان کمك های نقدی شده است .

۶ـ تهیهٔ پای مصنوعی : ازسال ۱۳۲۹ باینطرف سازمان شاهنشاهی برای معلولینی که دراثرسوانح وحوادث پایادست خودرا ازدست داده‌اند دست و پای مصنوعی تهیه میکند وتاپایان سال ۱۳۳۵ تعداد ۹۲ دست و پای مصنوعی تهیه کرده وتحویل داده ومبلغ ۱۷۷۷۰۰ ریال برای اینکار بمصرف رسانیده است .

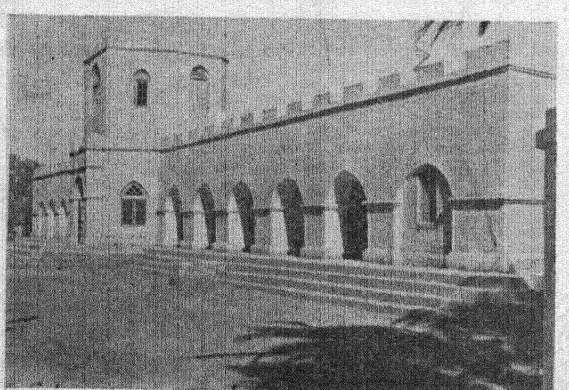

بیمارستان و درمانگاه زابل

بنگاه حمایت مادران و نوزادان

بنگاه حمایت مادران ونوزادان مؤسسهٔ خیریهٔ مستقلی است که اکنون هیجدهمین سال تأسیس خود را میگذراند و یکی دیگر از یادگارهای پرارزش دوران سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر میباشد و بعداز جمعیت شیروخورشید سرخ ایران قدیمترین مؤسسهٔ خیریهٔ کشور است .

این بنگاه از بدو تأسیس تاکنون خدمات ذیقیمت وشایسته‌ای از راههای مختلف بمادران ونوزادان و کودکان نموده و با کمک‌های نقدی و جنسی و همچنین با ایجاد زایشگاه، شیرخوارگاه، درمانگاه و بخش مامائی سیار و غیره، بخدمت و حمایت طبقهٔ مستمند و همچنین مادران ونوزادان محتاج مشغول میباشد .

درموقع تأسیس بنگاه، قسمت اعظم درآمد آن از اعانات اشخاص نیکوکار تأمین میگردید ولی درنتیجهٔ جنگ و ازدیاد مخارج، بحران سخت مالی پیش آمد که خوشبختانه بـا توجه خاص اعلیحضرت همایون شاهنشاه و خاندان جلیل سلطنت برطرف گردید و بنگاه از تعطیل نجات یافت. بعلاوه قسمتی از درآمد بنگاه، از عوارض بلیط سینما و قرعه کشی تأمین میشود .

اکنون بنگاه حمایت مادران ونوزادان در تهران دارای تشکیلات زیر میباشد :

۱ـ زایشگاه با ۷۵ تختخواب درخیابان پاستور که شصت تخت برای نوزادان آنها نیز ضمیمه دارد .

۲ـ درمانگاه امراض زنانه ومامائی درخیابان پاستور .

۳ـ شیرخوارگاه درخیابان پاستور .

۴ـ مطب عمومی شامل درمانگاه کودکان وزنان، بیماریهای زنانه ومامائی وچشم و گوش و گلو و بینی و دندانسازی درخیابان سینا واقع در اکبرآباد غرب تهران.

۵ـ سرویس مامائی سیار برای رسیدگی و تهیهٔ وسائل وضع حمل باردارانمستمند درمحل سکونتشان واقع درخیابان سینا در اکبرآباد غرب .

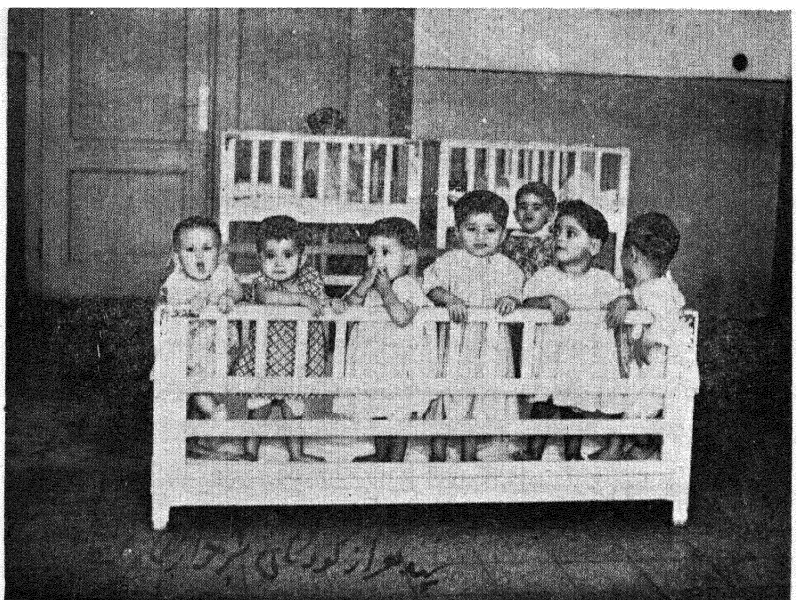

از کودکان شیر خوارگاه بنگاه حمایت مادران

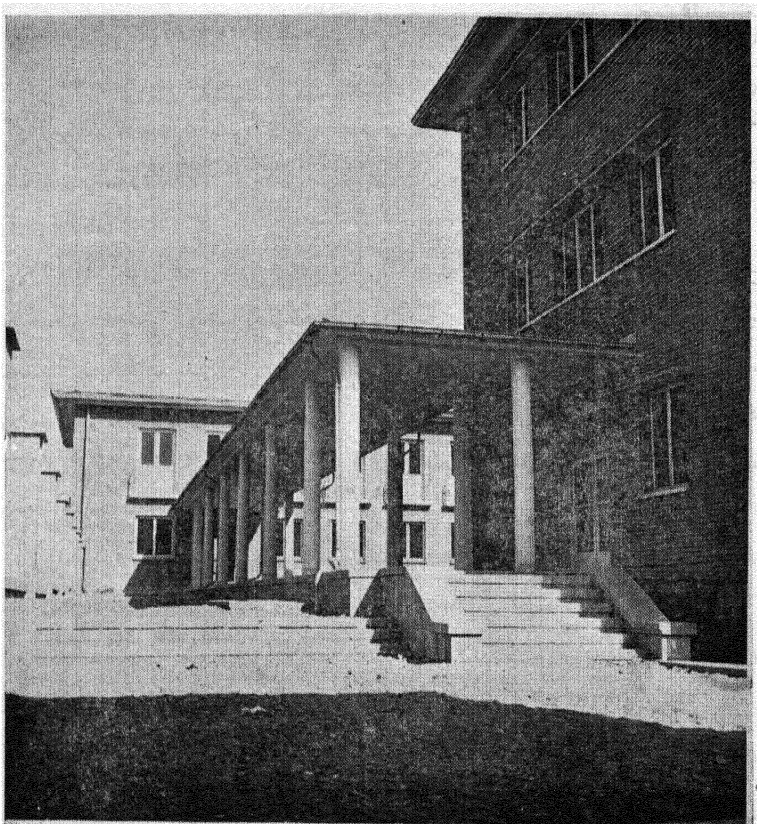

یکقسمت از ساختمانهای جدید بنگاه حمایت مادران

۶ـ آموزشگاه بهیاری (کمك پرستاری) برای تربیت پرستاران تحصیلکرده . این آموزشگاه از تأسیساتی است که اخیراً افتتاح گردیده وفعلاً دارای چهل وچهار نفر دانش‌آموز است که بطورشبانه روزی در آموزشگاه مشغول تحصیلند و تحت تربیت مربیان ایرانی وآلمانی آموزشگاه قرار گرفته‌اند .

این آموزشگاه ازاول دیماه سال گذشته بـکار شروع نموده، محل آن دراراضی جمشیدیه است، نیزدرنظراست کـه درآیندهٔ نزدیکی شروع بساختمان محل مخصوصی برای آموزشگاه بهیاری بشود. دانش آموزان بـا تصدیق سه‌سالهٔ اول متوسطه پذیرفته میشوند و مدت دو سال بایستی طبق برنامهٔ وزارتین بهـداری و فرهنگ تحت تعلیم و تربیت باشند .

آنچه بطوراختصارشرح داده شد تشکیلات فعلی بنگاه درتهران است، علاوه‌بر این تشکیلات، بنگاه شعبه‌ای دررشت دارد که‌ازسال ۱۳۲۰ تاکنون‌بخدمت مشغول‌است. گذشته از تشکیلات نامبرده ، درمواردی کـه زنان مستمند از یك شکم دویاسه فرزند بیاورند واستحقاق‌اولیای اطفال‌برای جلب کمك بنگاه ثابت گردد، همه ماهه بهرخانواده پانصد ریال‌نقد پرداخت‌میشودودرزندگی‌اولیای اطفال‌نیزتاآنجاکه میسرباشدتسهیلات لازم فراهم میآید .

یکی‌ازوسائل‌دیگری که‌جهت کمك‌بنوزادان‌وحمایت‌آنهاازطرف‌بنگاه دراختیار مستمندان گذاشته میشود پخش شیرخشك مجانی بمادرانی‌است که شیرکافی‌ندارند.

هیئت‌مدیرهٔ بنگاه هیچوقت‌قانع‌وراضی‌به‌تشکیلات‌موجودهٔ خود نبوده وهمواره در صدد توسعهٔ تشکیلات درتهران وشهرستانها میباشد .

تشکیلات فعلی‌بنگاه تاموقعیکه بساختمانهای جدید منتقل‌نگردیده بترتیبی‌است که دربالا ذکرشد. ولی‌ساختمانهای جدیدکه ازهرحیث‌کامل وبآخرین اداوات‌بهداشتی مجهزاست بزودی اتمام خواهد پذیرفت وتشکیلات بزرگتری خواهد داشت .

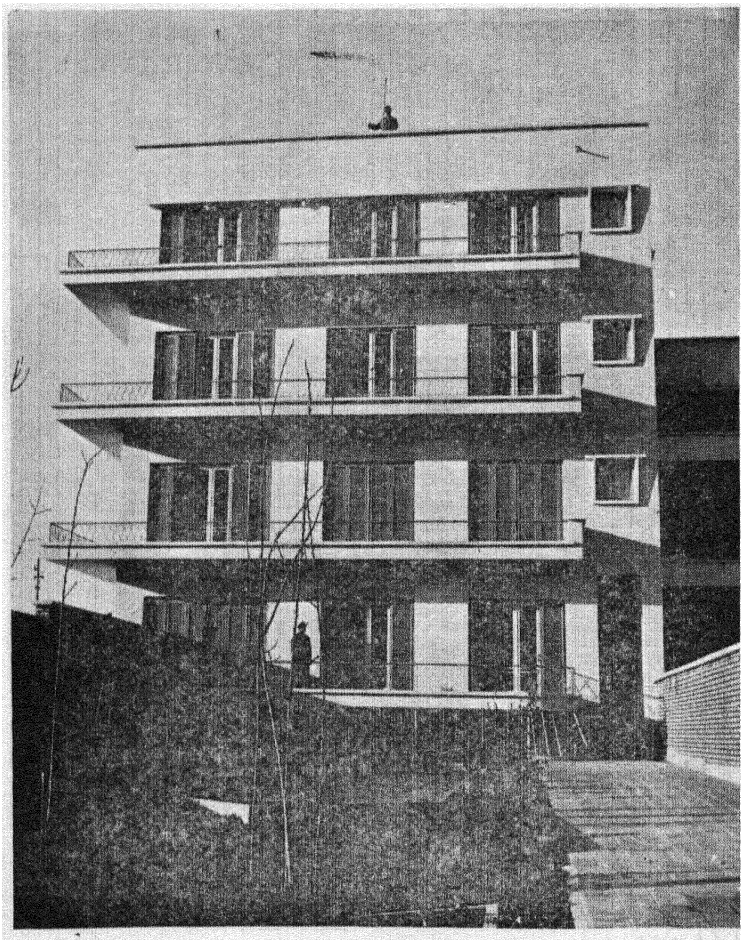

نمای جنوبی آموزشگاه بهیاری بنگاه حمایت مادران

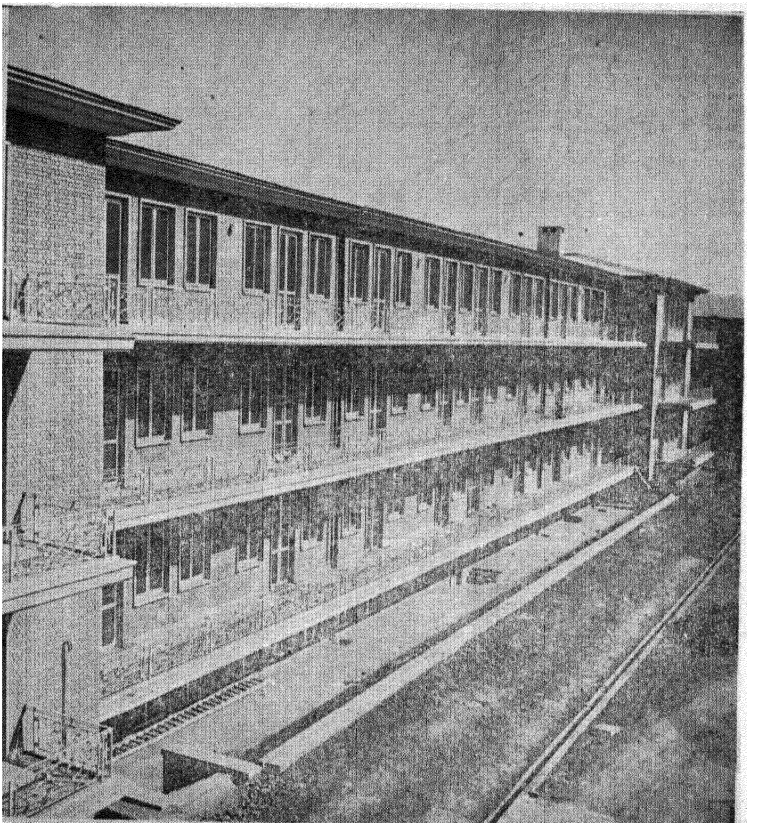

نمای جنوبی ساختمان جدید زایشگاه بنگاه حمایت مادران

وزارت فرهنگ

پس از استقرار مشروطیت وحکومت‌ملی، باوجود کوششی که دولتهابرای ایجاد مدارس جدید و توسعهٔ فرهنگ مینمودند ، بعلت موانع بسیار ، نتیجهٔ کافی بدست نمی آمد .

درسال۱۲۹۷ آمار فرهنگ بقرار زیربود :

بودجهٔ وزارت فرهنگ ۲۶۰۰۰۰تومان

عدهٔ مدارس ابتدائی ومتوسطه درتمام کشور = ۲۴۴

عدهٔ محصلین ۲۴۲۹۱

(ازاین رقم ۱۸۰۲ نفردختر بودند)

عدهٔ مکتب خانه ها ۱۰۰

عدهٔ محصلین مکتب خانه ها ۱۷۰۰

مدارس متوسطه بعلت نداشتن آموزگاران آشنا بعلوم جدید ، غالباً ناقص‌بود مگر مدرسهٔ دارالفنون درتهران که یکعده معلم کافی داشت . عدهٔ فارغ تحصیلان این مدرسهٔ متوسطه درسال ۱۹۰۷ به یازده نفر بالغ گردید .

مدرسهٔ علوم سیاسی نیز نسبتاً دارای یك‌عده معلمین تحصیل کرده بود باضافه در سال ۱۲۹۷ یك دارالمعلمین ویك دارالمعلمات درتهران تأسیس شد . درآن زمان‌یك مدرسهٔ امریکائی ویك مدرسهٔ فرانسوی نیز وجود داشت .

مدرسهٔ طب که‌تنها مدرسهٔ عالی کشوربود ، فقط سه کلاس داشت ودردارالفنون تشکیل میشد ، شمارهٔ محصلین‌آن درسال۱۲۹۷جمعاً ۳۴نفر ومعلمین آن ده نفربودند. کتب درسی بسیارمعدود بود ودر کلاسها عموماً محصلین دروس را بدست مینوشتند.

بعد از ۱۲۹۹

پس از آنکه رضاشاه‌کبیر زمام امور کشور را در دست گرفت ، مصمم شد که فرهنگ ایران را نیز مثل سایرامور درشاهراه ترقی بیاورد .

کسب علوم‌وفنون‌جدید سیر تکاملی خود راپیش گرفت ، دبستانها و دبیرستانهای متعددی با توجه باسلوب‌وروش تعلیم وتربیتی ایجادگردید ودرافراد مخصوصاًجوانان رغبت و شوق خاصی بتحصیل وکسب‌فرهنگ پیدا شد چنانکه پس ازده سال که‌ازآغاز دوران تحول گذشت‌تعداد آموزشگاهها ودانش‌آموزان وفارغ التحصیلهاومعلمین کشور ومیزان بودجهٔ وزارت فرهنگ بچند برابر افزایش یافت .

ازطرف دیگرمطابق قانون مصوب خرداد ۱۳۰۷ مقرر گردید تاسال ۱۳۱۲ هر سال صد نفر ازمحصلین دراروپا بتحصیل اشتغال ورزند وقانون دیگری درسال ۱۳۱۲ ازتصویب مجلس گذشت که دانشسراهای مقد ماتی درمرکزو شهرستانها برای تربیت آموزگاران تأسیس گردد ودراین زمینه دانشسراهای متعددی درسراسر کشور تأسیس یافت و فارغ التحصیل های آن از لحاظ تکمیل کادرآموزشی فرهنگ مورد استفادهٔ دبستانها قرار گرفتند .

مقارن همین اوقات هنرستانهای موسیقی ، مدارس صنعتی و فلاحتی و مدرسهٔ صنایع مستظرفهٔ تهران گشایش یافت و در جهان هنرو صنعت تحولی پدید آمد و نیز مهمترین قدمی که درتوسعهٔ فرهنگ ایران برداشته شد تصویب قانون تأسیس دانشگاه درسال۱۳۱۳ بودکه‌مطابق‌آن بوزارت فرهنگ اجازه داده‌شد مؤسسه‌ای بنام دانشگاه، دارای دانشکده های علوم معقول و منقول ، علوم طبیعی و ریاضی ، ادبیات وفلسفه و علوم تربیتی ، طب‌وشعب آن ،حقوق وعلوم‌سیاسی‌واقتصادی وعلوم‌فنی تأسیس کند ونیز یك‌دانشسرای عالی برای تربیت‌دبیران کشورجزء تأسیسات دانشگاه منظور گردد .

دراین دوره بموازات تعلیم وتربیت علمی وفنی وهنری ، بامور تربیت بدنی و پرورش جسمانی نسل جوان توجه مخصوص مبذول شد و در دانشسراهای مقدماتی و عالی رشتهٔ مخصوصی برای تربیت آموزگاران ودبیران ورزش دایر گردید .

بعداز واقعهٔ شهریورماه ۱۳۲۰ همانطوری که در سایرشئون و مظاهر اجتماعی کشور آثار نامطلوبی بجای گذاشته شد ، فرهنگ ایران نیز مدتی دچارلطمه ورکود گردید لیکن دیری نپائید که مجدداً نیروی معنوی فرهنگ احیا شد ونه فقط بپیشرفت محسوس نایل گردید بلکه نهضت وتحولی عظیم دراوضاع فرهنگ کشور پدیدارشد . زیرا تأسیسات جدید ومتنوع، ازدیادآموزشگاهها ودبستانها ودبیرستانها وساختمانهای

بیشمار، مؤسسات نوین فرهنگی وهمچنین تکثیر هنرستانها و آموزشگاههای فنی و حرفه‌ای وروستائی وتوسعهٔ کلاسهای سالمندان ومبارزه با بیسوادی ، زمینهٔ این تحول رابمدارج کمال رهبری کرد وجوانان وفرزندان این‌سرزمین تاریخی را بکسب علوم وفرهنگ تشویق وترغیب نمود .

تعلیمات ابتدائی

از اقدامات اساسی وزارت فرهنگ در وهلهٔ اول توجه بتوسعهٔ آموزشگاههای ابتدائی است که با تجدید نظر دربرنامه و تهیهٔ آموزگاران مجرب و بصیر و انتشار کتابهای جدید تکمیل شده است .

اکنون در سراسر کشور ۷۴۵۵ دبستان که مجموع نو آموزان آنها ۹۹۸۶۴۴ میباشد دایر است و ۳۳۲۵۵ آموزگار در این دبستانها تدریس میکنند . برنامهٔ این دبستانها بیشتر متوجه تقویت روحی و پرورش اخلاقی وآموزش علمی منطبق با مقتضیات عصراست مخصوصاً در تدوین کتابهای درسی ابتدائی ، موضوعات علمی و اخلاقی بیشتر مورد نظر است و بامرشاهنشاه ایران کتاب‌های چهار کلاس اول ابتدائی بطوررایگان دراختیار دانش‌آموزان قرارداده میشود . این نکته را نیزتوجه میدهد که‌وزارت‌فرهنگ درسالهای‌اخیرسعی‌وافی‌بکاربرده است که‌محل دبستانهای‌استیجاری را بدبستان نوساز دولتی تبدیل کند و درسالهای مذکور صدها دبستان نوبنیاد که با اصول بهداشتی و متناسب با احتیاجات تعلیم و تربیتی ساخته شده مورد استفاده قرار گرفته است .

چنانکه اشاره شد تربیت معلمین دبستانها جزومهمترین برنامهٔ وزارت فرهنگ است زیرا برای حصول نتیجهٔ مطلوب ،تربیت معلمان ومربیان آزموده وواجد شرایط دردرجهٔ اول اهمیت قراردارد وبهمین جهت درراه تربیت معلم ضمن‌تکثیرعدهٔ کلاسهای دانشسراها بخصائل وسجایای اخلاقی وعلاقه ودلبستگی داوطلبان دقت وتوجه مخصوص میشود . دیگرآنکه داوطلبان هریك ازدانشسراها بتناسب احتیاجات بخشهای تابع هر حوزهٔ فرهنگی ، تا آنجاکه ممکن است ازاهالی‌همان بخشها انتخاب میشوندوهمچنین برای بالا بردن سطح معلومات واطلاعات معلمین شاغل و آشنا ساختن آنان بروشهای جدید تعلیم وتربیت ،کلاسهای کار آموزی درکلیهٔ نقاط مهم کشوردایر گردیده‌است.

ضمن اجرای برنامهٔ متعارفی، بتعلیم کارهای دستی در دبستانها نیز اهتمام میشود چنانکه صدکارگاه درعده‌ای ازدبستانها برای انجام برنامهٔ کارهای دستی دانش‌آموزان ایجاد وبا وسائل لازم تجهیز گردیده‌وتجهیز ۶۰ دبستان دیگرنیزدردست اقدام است.

درسالهای اخیربرای تشویق‌اموررروستائی و کشاورزی، عده‌ای از کلاسهای‌پنجم وششم دبستانهای قراء وقصبات بکلاسهای روستائی تبدیل شده و دراولین وهله وسایل و افزار کشاورزی صدباب دبستان روستائی تهیه و آماده ودرشهرستانهای مهم و مستعد بتأسیس دانشسراهای کشاورزی مبادرت گردیده است .

تعلیمات متوسطه

دورهٔ تحصیلات متوسطه درکشور ما شش سال است که از دو دورهٔ اول و دوم تشکیل‌میشود. برنامهٔ‌دورهٔ اول‌متوسطه‌دارای دروس‌مشترک‌است لیکن‌تعلیمات‌متوسطه از سال‌چهارم تا ششم برشته های ادبی ، ریاضی ، طبیعی ، فنی ، کشاورزی ، حرفه‌ای و خانه داری منشعب میشود .

درحال حاضر تعدادبیرستانهای کشور به ۹۲۵باب بالغ میگردد ، تعداد۱۹۰۱۱۲ دانش آموز دراین دبیرستانها بتحصیل مشغولند و۷۵۴۷ دبیردراین دبیرستانها بتدریس اشتغال دارند . چون تعلیمات متوسطه ازلحاظ انتخاب شغل وحرفه و تعیین سرنوشت جوانان درراه زندگی حائز اهمیت است لذا وزارت فرهنگ بتعلیمات حرفه‌ای وفنی و هنری دانش آموزان دبیرستانها اهتمام وتوجه تام دارد، خاصه‌که توسعهٔ امورتولیدی واجرای برنامه‌های عمرانی مستلزم تعمیم وترویج تعلیمات مذکور است .

علاوه‌بردانشسراهای کشاورزی که درشهرهای کرمان ، اهواز ، اصفهان،رضائیه، شیراز ، ایرانشهر ، بمپور ، بروجرد ، مشهد ، کرمانشاه و ورامین دایر است ، ۲۶ باب دبیرستان کشاورزی دورهٔ اول برای ادامهٔ تحصیل روستا زادگان که تحصیلات ابتدائی خودرا بپایان رسانیده اند تأسیس یافته است تاآنها بتوانند با اصول علمی وفنی وعملی، کار و پیشهٔ کشاورزی و روستائی را ادامه دهند و ازاین حیث بر حجم تولید کشور بیفزایند .

هنرستانهای متعددی که در تهران وشهرستانهای ایران تشکیل وتعداد آنها در

سال تحصیلی ۳۶-۳۷ به ۲۸ باب بالغ گردیده نسل جوان را بآیندهٔ تابناك هنر و صنعت وترویج امور فنی‌وحرفه‌ای نوید میدهد . این هنرستانها که درشهرهای تهران ،تبریز، شیراز ، اصفهان ، مشهد ، اهواز ، رشت ، اردبیل ، رضائیه ، شهرضا ، زاهدان، قزوین و محلات دایر است ، با وسایل فنی و کارگاههای مجهز خود جوانان را برای مشاغل و حرفه‌های مختلف تربیت وآماده میکند. دبیرستان حرفـه ای نمازی شیراز هـم از آموزشگاههای معروف‌حرفه‌ای ایران‌است‌یکی ازبزرگترین کانونها ومراکزتعلیمات فنی و حرفه‌ای ، دانشسرای عالی فنی است که مخصوص تربیت مهندسین و متخصصین واستادان ومربیان عالیمقام است که دررشته های مختلف دراین‌دانشسرا بصیروآزموده می شوند .

این نکته را نیز توجه میدهد که برای تجهیزات و تکمیل وسایل ولوازم فنی و همچنین ساختمانهای مربوط باین آموزشگاههای حـرفه‌ای مخصوصاً هنرستانها و دانشسراهای کشاورزی، سازمان برنامه با وزارت فرهنگ همکاری‌و کمکهای‌فنی ومالی میکند واین مساعدت وهمکاری در پیشرفت برنامه‌های فنی وحرفه ای وزارت فرهنگ بسیار مؤثر است .

ضمناً دراین هنرستانها ودبیرستانهای حرفه‌ای ،کارگاههای‌فنی‌و کلاسهای کار- آموزی برای کارورزی معلمین وتربیت معلمین فنی دایراست وبعلاوه طرح ایجاد یك مرکزتعلیمات حرفه‌ای وصنعتی بکمك هیئت عملیات اقتصادی امـریکا درایران بـرای تربیت استادکار وتکنیسین دررشته های مختلف فنی دردست اقدام است .

درامورتربیتی دانش آموزان کشورعوامل نوینی نیزدرنظرگرفته شده است که ضمن تعلیمات آموزشگاهی ،دانش‌آموزان را به استقلال فکری واعتماد بنفس و حس همکاریهای‌نوعی وتعاونی ترغیب کند . این عوامل بیشتر درتأسیس شرکتهای تعاونی، کتابخانه ، صندوق پس‌انداز ، مسابقه‌های هنری و آشکارساختن استعداد های نهانـی دانش‌آموزان ، شرکت آنان درامر درخت‌کاری وتشویق‌آنها بامورعمرانی وآبادانی، فعالیت‌های اردوئی وغیره مشاهده میگردد .

تـربیت بدنی

چنانچه قبلاً نیز اشاره شد وزارت فرهنگ بترویج پرورش جسمانی و نیروی

بدنی جوانان ودانش‌آموزان توجه مخصوص دارد . دانشسراهای مقدماتی ایران ضمن تربیت آموزگاران کشور، پرورش وآماده ساختن آموزگاران و مربیان مخصوص برای تعلیم ورزش‌وامورتربیت بدنی دانش‌آموزان همت میگمارند . رشتهٔ عالی‌تربیت بدنی برای تربیت دبیران ورزش نیز دردانشسرای عالی افتتاح گردیده است .

این‌دانشسراها بابرنامه‌های خاصی که‌درموارد ضروری ولدی‌الاقتضامورداصلاح وتجدید نظر قرار میگیرند تعلیمات خود را اجرا میکنند . درسال تحصیلی ۳۶-۳۷ تعداد دانشسراهای مقدماتی به۲۵باب ودانشسراهای کشاورزی به ۲۳ باب رسیده‌است.

تشکیل‌فدراسیونهای مختلف ومتنوع وانجام‌مسابقه‌های‌قهرمانی‌آموزشگاهها ، تشکیل کنگره های مدیران فن تربیت بدنی ،کلاسها واردوهای مخصوص و نیز توسعهٔ تربیت پیش آهنگی وشرکت آنها در اردوها ومسافرتها و فعالیتهای عمومی وسودمند آنها درداخل‌وخارج کشور،اثرات‌مفید وثمربخشی درترقی و توسعهٔ تعلیمات وپرورش قوای بدنی وروانی دانش آموزان بوجود آورده است .

با اینکه‌تأسیسات نوین ومتعددی ازنظر توسعهٔ دبستانها ودبیرستانها وهنرستانها وآموزشگاههای حرفه‌ای وروستائی وفنی درهرسال بوجود میآید وزارت فرهنگ از جهت استقبال عمومی ، بتأسیسات مذکور قناعت نمیکندبلکه‌برای ترقی سطح‌اطلاعات وفرهنگ عمومی کشورسازمانهای‌دیگری‌ازقبیل تعلیمات‌اکابروعشایروتعلیمات اساسی بفعالیتها وخدمات روز افزون خود مشغولند .

درکلاسهای شبانهٔ تعلیمات اکابر دراجرای مبارزه با بیسوادی صدها هزار تن بتحصیل اشتغال دارند . و سائل تعلیم از قبیل نوشت افزار وجزوه های مخصوص و کتابهای اول و دوم برایگان بدانش آموزان کلاسها داده میشود . تعداد کسانیکه در اکابر درسراسرایران اکنون بتحصیل مشغولندبالغ بر۳۸۰ هزارنفراست .

همچنین برنامهٔ‌خاصی‌بمنظوررشد ونمو قوای فکری وبسط اطلاعات ومعلومات ساکنین قراء وقصبات شهرستانها وآشناساختن دهقانان و روستائیان بزندگی نوین مخصوصاً اموروستائی وبهداشتی اجرا می‌گردد . این خدمت فرهنگی سودمندچندی است بوسیلهٔ سازمان تعلیمات اساسی وزارت فرهنگ شروع شده ومخصوصاً با تأسیس کلاسهای مخصوص‌ودانشسراهای شبانروزی عشایری ودبستانهای‌ثابت وسیاروکلاسهای

کارآموزی وتشکیل شوراها وتأسیس‌مراکزاصلی دردهات وتوزیع نشریات سادهٔعلمی وبهداشتی وروستائی ، نتایج سودمندی ازآن حاصل گردیده است .

تعلیمات عالیه

در کشور ماعلاوه بردانشگاه تهران که مستقلاً اداره میشود ، دانشگاههای دیگری تأسیس گردیده که ازنظر اداری وآموزشی تابع وزارت فرهنگ است .

این دانشگاهها درشهرهای مهم ایران بشرح زیر دایراست :

۱ ـ دانشگاه تبریز

این دانشگاه از دانشکده‌های ادبیات ، پزشکی و بیمارستانهای وابستهٔ آن ، کشاورزی ، دانشسرای عالی ، آموزشگاه عالی مامائی تشکیل یافته است .

۲ ـ دانشگاه‌شیراز

دانشگاه شیراز شامل دانشکده های پزشکی ، ادبیات ، کشاورزی ، آموزشگاه عالی بهداری است .

۳ ـ دانشکدهٔ پزشکی اصفهان

دراصفهان دانشکدهٔ پزشکی بادوبیمارستان وابستهٔ آن (ثریا وخورشید)ودارو‌سازی وآموزشگاه عالی بهداری دایر است .

۴ ـ دانشگاه مشهد

این دانشگاه شامل دانشکده های پزشکی وبیمارستان ، ادبیات وآموزشگاه عالی بهداری است .

۵ ـ اهواز

دراین شهرتاکنون دانشکدهٔ پزشکی گندی شاهپورودانشکدهٔ کشاورزی تأسیس یافته است .

علاوه بر تأسیسات مذکور که مستقیماً تحت نظروزارت فرهنگ اداره میشود ، آموزشگاهها ودانشکده های اختصاصی درتهران بنام آموزشگاه عالی پست وتلگراف، هنرسرای عالی(تحت نظروزارت فرهنگ)،آموزشگاه عالی شهربانی ، دانشکدهٔآبادان ودانشکدهٔ افسری دایر است که ازنظر سازمان وامور اداری تابع وزارتخانه های خود هستند ووزارت فرهنگ ازلحاظ تنظیم امور امتحانات ومدارك تحصیلی آنها نظارت

وهمکاری‌دارد . ضمن تکمیل‌سازمان آموزش عالی، وزارت‌فرهنگ در اعزام محصلین بخارج نیز ازنظر تکثیر متخصصین و کارشناسان و پرورش استادان و مربیان عالیمقام دررشته های مهندسی ، پزشکی ، کشاورزی ، تعلیم و تربیت ، حقوق ، علوم و هنر ، نفت‌وغیره برنامهٔ‌خاصی دارد چنانکه علاوه برانتخاب واعزام دانشجویان‌فارغ‌التحصیل رتبهٔ اول دانشکده ها ، مطابق قانون خاص ، صدتن ازفارغ التحصیلان دورهٔ متـوسطه را با رعایت مسابقه درهرسال باروپاو امریکا اعزام میدارد . اکنون‌بیش‌ازده‌هزارتن‌از دانشجویان ایرانی درکشورهای خارج بتحصیل علوم وفنون مختلف اشتغال دارند .

ادارهٔ کل باستانشناسی

موزهٔ ایران باستان

میهن ما از باستانی‌ترین کشورهای جهان ودارای ابنیه وآثار تاریخی بیشمار وبیمانندی است که هریك سند زنده وگویائی از اصالت ملی وتمدن درخشان باستانی ومایهٔ سربلندی ما است . ولی بیشتراین آثار ، باگذشت زمان ودر اثرهجوم وتاخت ـ وتاز اقوام بیگانه وهم بعلت غفلت مردم وحکومتهای گذشته ، یا خراب شده ویا نصیب کشورهای بیگانه گشته است .

رضا شاه کبیر از اوایل سلطنت‌خود ، کوشید که اولاً ازخروج این آثار گرانبها از کشور جلوگیری وحتی‌الامکان همهٔ آنها در یك موزهٔ ملی گرد آوری شود ، ثانیاً بتدریج با حفاریهای‌علمی ، آثار باستانی ایران از زیر خاك بدرآید وبناهای تاریخی بااصول صحیح تعمیر ونگهداری گردد .

بطوریکه مدارك موجود حکایت میکند ، نخستین تعمیری که در ابنیهٔ تاریخی ایران بعمل‌آمده ازطرف حاج محمد حسینخان صدر اصفهانی بوده که بخرج خود ، ابنیهٔ تاریخی اصفهان را در زمان سلطنت فتحعلیشاه قاجار تعمیر نموده است .

در طول سلطنت ناصرالدین شاه نیز بارها تعمیراتی در ابنیهٔ تاریخی صورت گرفت وبرای اولین بار ، خاکبرداری علمی در تخت جمشید بعمل‌آمد ولی پس از او توجهی به‌آثار وابنیهٔ تاریخی نشد وابنیهٔ مزبور ، روبویرانی نهاد . در عصر مشروطه تا طلوع دوران پهلوی ، از تعمیر ابنیهٔ تاریخی ، اطلاع وخبری نیست حتی عمارات چهل‌ستون وعالی‌قاپوی اصفهان مدتها مزبله بود وروی نقوش وتصاویرعمارات شاهان صفوی گچ کشیده بودند . درسالهای اول سلطنت شاهنشاه فقید ، گچها راکنده وهرچه ممکن بود تصاویر مزبوررا ظاهر ساختند . اما بسیاری از ابنیهٔ عهدصفوی که سیاحان اروپائی دیده ودر سیاحتنامه‌های خود آورده اند ، در دوره های سابق بکلی منهدم شده وشرح آنهارا فقط در سیاحتنامه های اروپائیان میتوان یافت .

در سال ۱۳۰۴ ، انجمن آثار ملی بوسیلهٔ عده‌ای از رجال ودانشمندان تشکیل

گردید وباوجود نبودن وسائل ، فعالیت زیادی کردوخدمات مهمی انجام‌داد . این‌انجمن تحت ریاست عالیهٔ شاهنشاه فقید ، تا سال ۱۳۱۳ که جشن هزارهٔ فردوسی برگزار و آرامگاه اوافتتاح گردید ، فعالیت خودرا ادامه داد وپس از آن تعطیل‌شد لیکن درسال ۱۳۲۳ بفرمان مبارك محمدرضا شاه پهلوی مجدداً تشکیل گردید وخدمات خود را با تجدید آرامگاه سعدی واحداث آرامگاه بوعلی سینا وبرگزار کردن جشن هزارهٔ آن دانشمند ، از سر گرفت .

در ۱۳۰۶ ، قرار داد مورخ ۱۸۹۵ وامتیاز نامهٔ مورخ ۱۹۰۰ که برطبق آنها ، امتیاز انحصاری هرنوع عملیات حفاری باستان شناسی در سراسر ایران بفرانسویان واگذار شده بود ملغی گردید .

بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو ازدولت ایران اجازه خواست که در تخت جمشید خاکبرداری وکاوشهای علمی نماید ومرحوم پروفسور هرتسفلد را بنمایندگی خود معرفی نمود . با این تقاضا موافقت شد وپروفسور نامبرده تا دیماه ۱۳۱۳ ریاست هیئت علمی تخت جمشید را بعهده داشت . اولین فهرست ابنیه وآثار تاریخی ایران بوسیلهٔ مرحوم پروفسورهرتسفلد آلمانی تهیه‌شد ودارای‌صد موضوع بود. این فهرست امروز دارای ۳۷۴ ابنیه وآثار است . پس‌از او دکتر اشمیت امریکائی باین سمت مشغول کار شد. واز آبان۱۳۱۸ ببعد مقررشد که ادارهٔ‌کل باستان شناسی ، امورآنجارا بعهده بگیرد. ازآن‌سال تاکنون ، آثار مهم زیادی در تخت جمشید کشف واز آسیب زمانه محافظت شده وتعداد زیارت کنندگان این کعبهٔ ملی ایرانیان دائماً رو بافزایش است .

در مورد تعمیر وحفاظت سایر ابنیهٔ تاریخی ، چون اعتباری در بودجهٔ وزارت فرهنگ وجود نداشت اقدامی مقدور نمیشد واین ابنیه روبخرابی میرفت تا اینکه در سال۱۳۱۳ قانون اوقاف بتصویب‌رسید وبموجب‌آن مقررشد نیم‌عشرعایدات‌حق‌النظارهٔ اوقافی بمصرف‌ساختمان وتعمیرات ابنیهٔ تاریخی ومرمت اماکن وآثارمقدسهٔ ملی‌برسد. تصویب این قانون، مهمترین واساسی‌ترین قدمی است که دردوران شاهنشاه فقید درراه تعمیر ابنیه وآثار تاریخی ملی برداشته شد .

از سال ۱۳۲۰ ببعد نیز در بودجهٔ وزارت فرهنگ مبلغی برای وتعمیر وصیانت ابنیه وآثار تاریخی منظور گردید وبتدریج افزایش یافت . در اثر این توجه ، مسجد

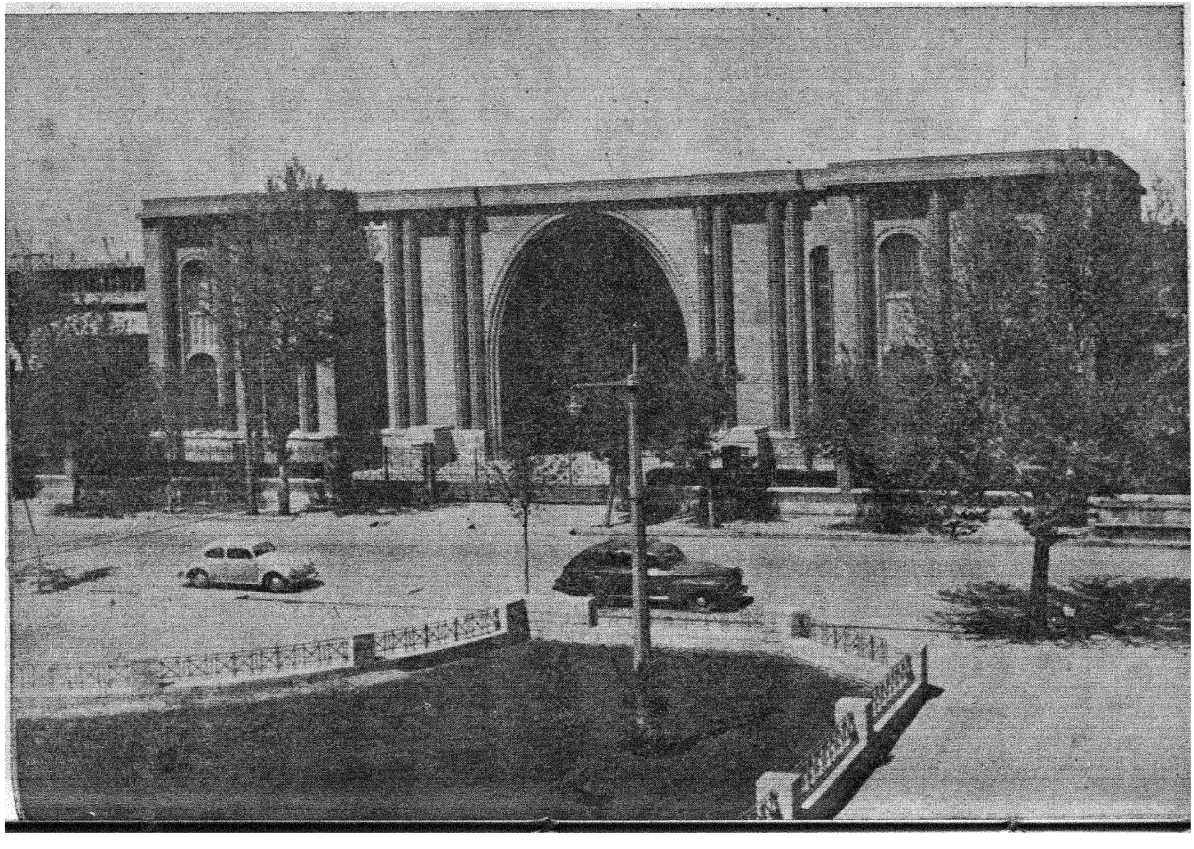

جامع اصفهان که مهمترین بنای تاریخی اسلامی ایران است بطور کامل تعمیر گردیده وبسیاری از بناهای تاریخی دیگر بخصوص در اصفهان واردبیل ، تعمیر شده ومیشود .
باضافه ازمحل عطایای ملوکانه، مبلغ مهمی بمصرف مرمت ابنیهٔ تاریخی رسیده ومیرسد.
بنای زیبا ومجلل موزهٔ ایران باستان در ۱۳۱۴ بپایان رسید ودر آن سال ، مختصر



ظرف طلا دارای سه نقش برجستهٔ شیر متعلق بدورهٔ ماد
مکشوفه از کلاردشت مازندران

اشیائی که بنام موزهٔ معارف از ۱۲۹۵ ببعد جمع شده بود باین بنا منتقل گردید . این موزه که از مراکز مهم فرهنگی کشور میباشد اکنون شامل چهار بخش است : بخش آثار ماقبل تاریخ ، آثار دورهٔ تاریخ تا دورهٔ اسلامی ، آثار دورهٔ اسلامی ، سکه‌ها و مهره های عتیقه .

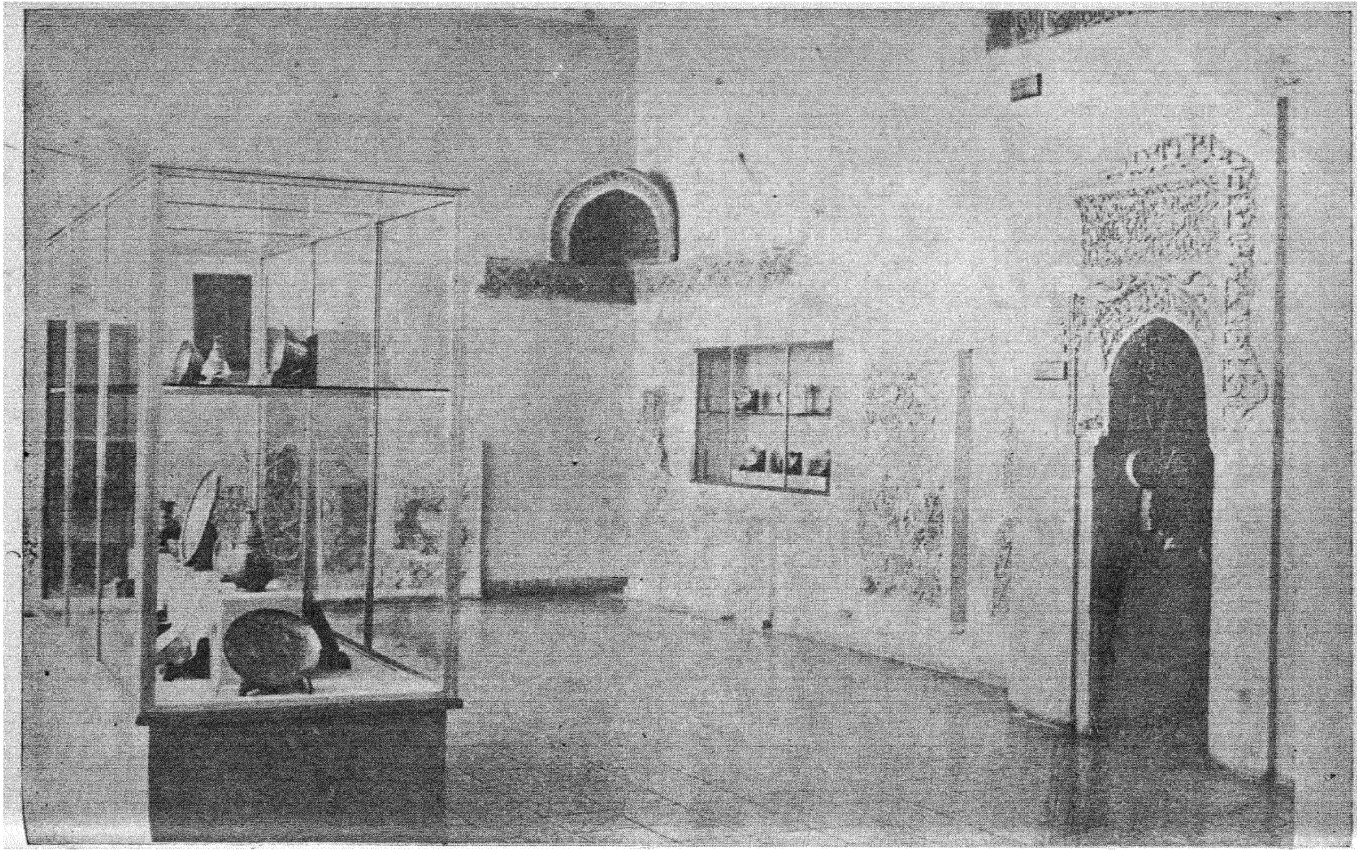

موزهٔ ایران باستان از لحاظ نمونه‌های آثار ماقبل تاریخ وهمچنین از لحاظ مجموعهٔ الواح زر وسیم وگنجینه‌های زرعهد هخامنشی وگنجینه‌های‌زر وعاج زیویه که متعلق بقرن ۸ قبل ازمیلاد است دردنیا مقام اول‌را دارد . همچنین مجموعهٔ اشیاء مفرغی لرستان ومجسمهٔ بزرگ مفرغی‌عهد اشکانی وگنجینهٔ قرآن‌مشتمل برنسخه‌های کلام‌الله مجید ازقرن سوم هجری تا دوران صفوی که بیشترآنها روبه نابودی میرفت، در این موزه نگهداری میشود . اشیاء این موزه ، از محصولات حفاریهائی که بوسیلهٔ ادارهٔ‌کل باستان شناسی ویا تحت نظرآن اداره بعمل میآید مرتباً روبه افزایش است .

موزهٔ‌آستان قدس رضوی (ع) درعهد سلطنت اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی تأسیس گردیده ویکی از مراکـز مهم آثار تاریخی وباستانی ایران بشمار میرود وسازمان‌آن تابع ادارهٔ باستان شناسی نیست .

ضمناً ادارهٔ کل باستانشناسی ، دوائر ونمایندگیهائی در بعضی از مراکز باستانی کشور ازقبیل تخت جمشید وپازارگاد ـ فارس ـ اصفهان ـ آذربایجان ـ خراسان ـ قزوین ـ قم ـ کاشان ـ یزد ـ کرمان دائر کرده ولی باین اقدامات قانع نبوده واینهارا قدمهای اولیه ومقدماتی خود در خدمت بآثار ملی ایران میداند ومصمم است درآینده باحفاریهای وسیع ومـداوم در تپه ها ومراکز باستانی وتاریخی کـه سراسر میهن ما پوشیده ازآنهاست ، مخصوصاً در تپهٔ‌حسنلو واطراف دریاچهٔ رضائیه ، خدمات خودرا ادامه دهد .

امیدوآرزو وهدف ادارهٔ‌کل باستانشناسی این است که‌درآینده ، تمام آثارباستانی تخت جمشید وپازارگاد بوسیلهٔ ایجاد سایبانهای جدیدی با پایه‌های آهنی‌ظریف وبلند وبوسیلهٔ آغشتن قشری از مواد پلاستیکی شبیه شیشه برروی نقوش برجستهٔ آنها وبا استفاده ازآخرین راه حلهای علمی که در نتیجهٔ آزمایشهای جدید پیدا شده باشد ، از آسیب آفتاب وباد وباران وبوته‌های خود رو وجنگلی وعوامل دیگر حفظ شود ونظیر همین اقدامات ، درمورد آثاردیگرشاهنشاهان هخامنشی یعنی نقش بیستون ونوشته‌های میخی درکوه الوند نزدیك همدان که به گنجنامه موسوم است وآثار نقش رستم در نزدیکی تخت‌جمشید نیز بشود .

کتیبه‌های گنجنامه در زمان قدیم دارای روپوش بوده واز عوامل‌طبیعی‌مصون میمانده ، تجدید روپوش‌آن بوضع قدیمی وبا نظر متخصصین ونصب لوحهٔ مناسبی در

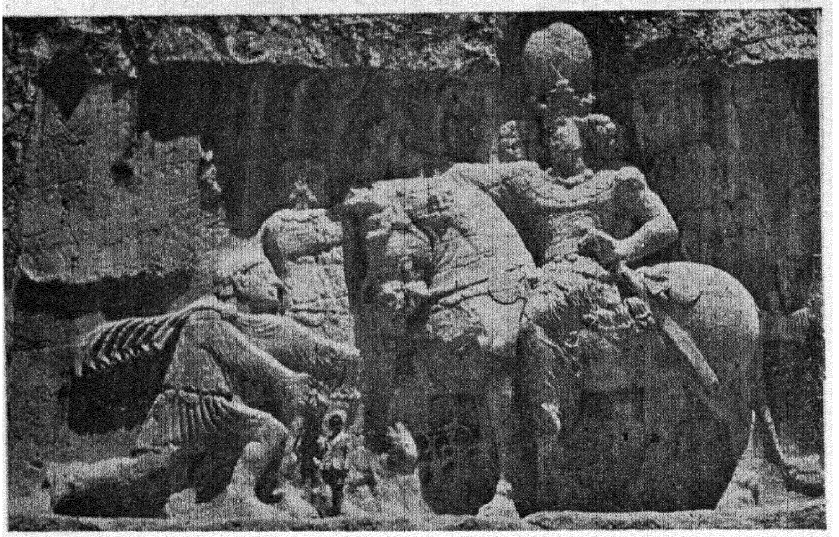

نقش برجستهٔ شاپور اول که والرین را باسارت در آورده در نقش رستم فارس نشان میدهد

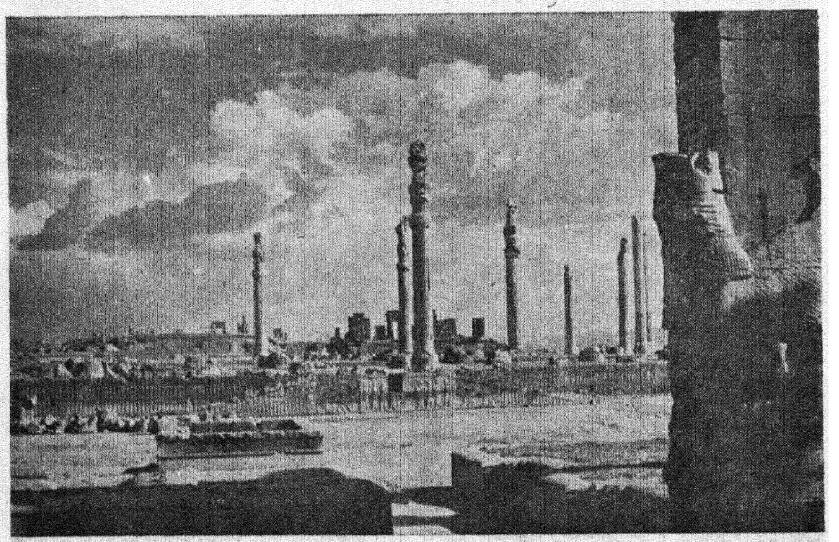

نمای بنای معظم تخت جمشید از سردر اصلی و ورودی به تخت جمشید و نمای کاخ آپادانا

نزدیکی نوشته‌های میخی که‌حاوی ترجمهٔ آنها باشد از آرزوهای کارکنان باستانشناسی است .

داریوش کبیردر بیستون ، در کوهی که‌جایگاه خدایان‌خوانده شده است ، نقش تاریخی پیروزیهای خود وشرح آنها را در محلی بلند ثبت نموده که از گزند جهل وتعصب وحسادت دشمنان ایران وهمچنین از آسیب عوامل طبیعی تاحد زیادی محفوظ مانده است .

ضمناً در نظراست در فیروزآباد که آثار تاریخی‌آن همردیف‌آثار تخت‌جمشید ویادگار اردشیر بابکان است خاکبرداری شود وکاخهای اردشیر وآتشکدهٔ عظیم آنجا مرمت وموزهٔ مخصوصی در داخل آن‌کاخ ایجادگردد ونظیر همین عملیات ، در آثار سروستان در مغرب شیراز و برم دلك وقصر ابونصر درشرق شیراز ودر شهر بیشاپور نزدیك‌کازرون که بنام‌شاپورنامیده میشود وآثارباستانی‌مهم وبقایای‌کاخها وآتشکده‌های عظیمی دارد بعمل آید .

اخیراً نیز مجسمهٔ سنگی وبزرگ شاپور درون غار شاپور واقع درکوهستان مرتفع کنار تنگ‌چوگان‌که از قرنها پیش واژگون شده بود بهمت وپشتکارسپاه فارس درمحل خود برپا واستوار گردیده است .

ازشاهنشاهان ساسانی ، نقوش برجسته‌ای دربیشترکوهستانهای ایران مخصوصاً کوههای فارس باقی‌مانده وآثار ونقوشی هم از دورهٔ ایلام موجود است‌که قدیمتر از عهدساسانی وبعضی‌ازآنها نزدیك نقوش مزبور وقسمتی‌هم دراطراف بهبهان قراردارد. ادارهٔ باستانشناسی مصمم است‌که وسایل علمی حفاظت کلیهٔ این آثار را فراهم‌آورد .

یکی از برنامه های آیندهٔ ادارهٔ کل باستان شناسی این است‌که در چهار طاقیها وآتشکده‌های‌متعددی‌که ازدورهٔ‌ساسانی‌در نقاط مختلف ایران باقی‌مانده است‌وهمچنین در عبادتگاههای قدیمتر از عهد ساسانی مانند معبد واقع در خورهه ، بین قم‌ودلیجان ومعبد ناهید در کنگاور وصفهٔ مسجد سلیمان‌درخوزستان وآثار معبد مدفون درنهاوند تعمیرات لازم را نموده و وسایل حفاظت آنها را فراهم سازد وبعضی از آنها را که دوام واستحکام زیادی ندارد ، پس از کشف وعکسبرداری ومطالعات باستان شناسی ، مجدداً باخاك بپوشاند که خراب نشود ، در تخت جمشید ومخصوصاً کاخ‌آپادانا کلیهٔ‌این قبیل‌آثار که مشرف بخرابی بود ودیوارهای خشتی که تقریباً از بین رفته بود ، ازروی

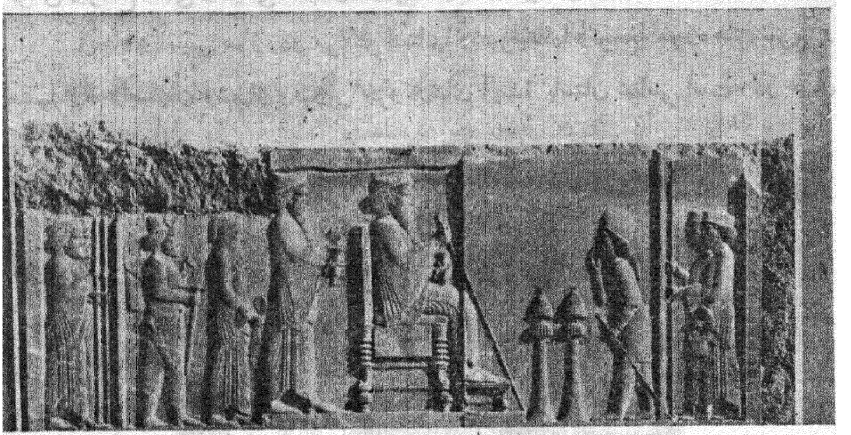

نقش برجستهٔ صحنهٔ پذیرائی داریوش کبیر (داریوش بر تخت نشسته وفرزندش خشایارشا در پشت سر او قرار دارد)

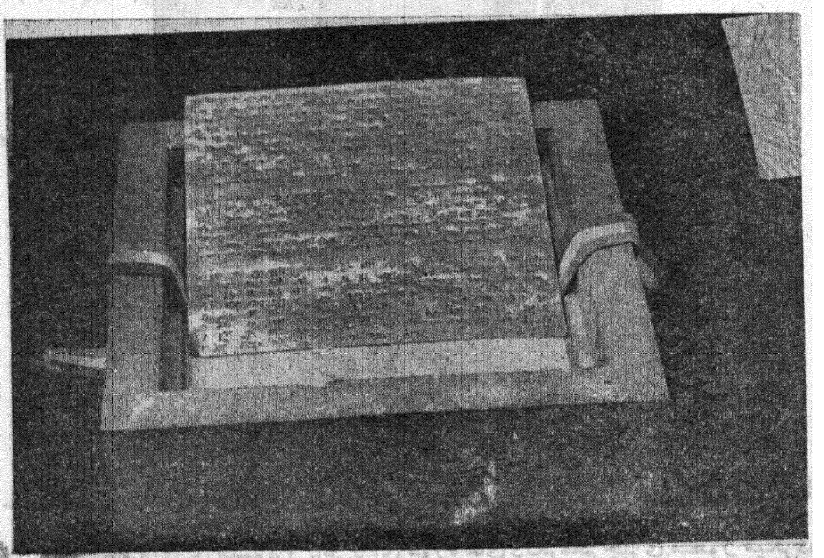

لوح طلای دورهٔ هخامنشی که به سه زبان عیلامی ، بابلی وفرس قدیم نوشته شده ومتن آن یکی است ودر تخت جمشید در گوشه‌های قصر آپادانا کشف گردیده است

قرائن وبوضع اصلی وقدیمی ، تجدید ومرمت شده وخواهدشد .

ایجاد وتأسیس موزه در مراکز استانها وشهرستانها وتوسعهٔ موزه های تبریز و مشهد وقم واصفهان وشیراز وقزوین جزو کارهای آیندهٔ باستان شناسی است . در حال

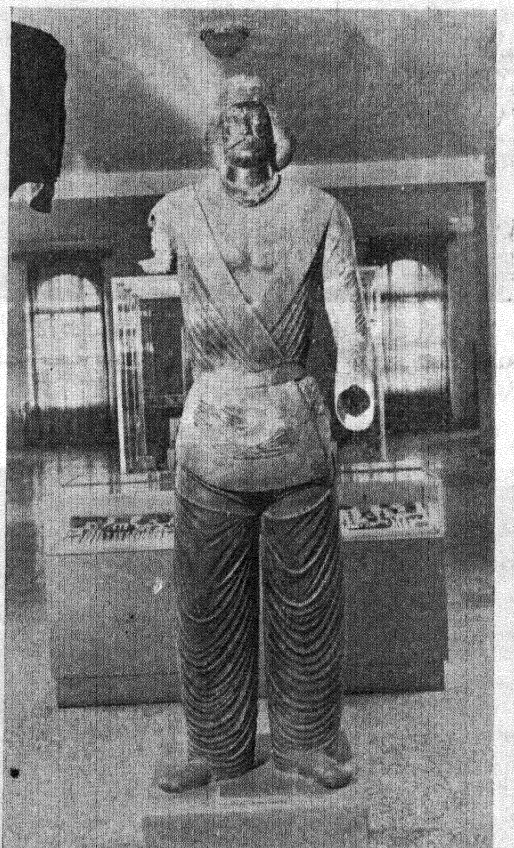

مجسمهٔ برنزی مکشوفه ازشمی مال امیر متعلق بدورهٔ اشکانیان

حاضر ، آنچه از حفریات وکاوشهای علمی سهم دولت میگردد در موزهٔ ایران باستان در تهران جمع آوری میشود وگاهی برای موزه های دیگر هم چیزی منظور میگردد .

عاری که در کتیبهٔ سردر موزه نوشته شده :

ـ عهد شهنشاه جوانبخت رضا شاه
کزوی شده این کشور دیرینه گلستان
ل فتن از پای در افتاد چو برخاست
این شاه جوانبخت به پیرایش بستان
ون امن شد ایران بره علم کمربست
دانشگه و دانشکده بگشود و دبستان
نگاه بفرمود که دستور معارف
ریزد زپی موزه چنین نادره بنیان
پهلوی و همت او هیچ عجب نیست
کاین کشور فرخنده شود روضهٔ رضوان
سنت ، زهی موزه کز ایوان بلندش
گشته است پر از ریگ حسد موزهٔ کیوان
ن موزه نمایندهٔ اعصار و قرون است
ممتاز از این رو شد از امثال و ز اقران
نجینهٔ ذوق است و نهانخانهٔ تاریخ
آئینهٔ علم است و نمایندهٔ عرفان
نصه چو بنیاد شد این موزهٔ عالی
کز فر شه آباد بماناد بدوران
وشت بهار از پی تاریخ بنایش
این موزهٔ عالی شود آرایش ایران

محمد تقی ملك‌الشعرا بهار

کتابخانهٔ ملی تهران

تاسال ۱۳۱۶ در گوشه‌ای ازعمارت دبیرستان دارالفنون کتابخانهٔ کوچکی بود که فقط در حدود چهارده هزار جلد کتاب چاپی و سیصد جلد کتاب‌خطی داشت و بنام «کتابخانهٔ عمومی معارف» خوانده میشد .

در شهریورماه همان سال که ساختمان زیبای فعلی کتابخانه بپایان رسید همان اندك مایهٔ کتاب بمحل جدید انتقال یافت و بنابتصمیم و تصویب وزارت فرهنگ اساس کتابخانهٔ ملی در آنجا نهاده شد .

محل‌فعلی کتابخانهٔ ملی میان‌کاخ وزارت امورخارجه وموزهٔ ایران باستان‌قرار دارد . فضای کتابخانه چهارهزارمتر مربع است وپانصد مترمربع درزیربنادارد . دراین عمارت وسایل روشنائی وتهویه وحرارت مرکزی واثاثیهٔ فنی‌جدید تأمین شده است.

عمارت کتابخانه دو طبقه است، در طبقهٔ اول : دفتراداره ، قسمت روزنامه‌ها و مجلات ، تالار نمایش نسخه‌های نفیس ، تالار فردوسی ودر طبقهٔ دوم : تالارمطالعه و گنجینهٔ کتابهای خطی‌و گنجینهٔ کتابهای چاپی‌واقع است.

گنجینهٔ کتابها در هردوطبقه و تماماً با وسایل فلزی مجهز است .

درطبقهٔ زیر عمارت ، انبارها و دستگاه حرارت مرکزی جای دارد .

سازمان

کتابخانهٔ ملی از ادارات‌کل‌وزارت‌فرهنگ‌است ورئیس کتابخانه تحت‌سرپرستی مدیرکل کتابخانهٔ ملی‌انجام وظیفه می کند .

علاوه بروظایفی که اختصاصاً کتابخانهٔ ملی‌بعهده دارد ادارهٔ امور کتابخانه‌های منتسب بوزارت فرهنگ نیزبانظرمدیرکل کتابخانه انجام میشود .

کتابخانهٔ ملی‌شورائی دارد که اعضاء آن وزیرفرهنگ ومدیرکل ورئیس کتابخانهٔ ملی و دوازده تن از کتابشناسان و دانشمندان میباشند .

کتابخانهٔ ملی امور اداری خود را زیرنظر مستقیم وزارت فرهنگ و مسائل فنی مهم را برطبق مفاد آئین‌نامهٔ مصوب مخصوص بانظر شورای کتابخانه انجام می‌دهد .

استفاده از کتابخانه

کتابخانهٔ ملی تعطیل تابستانی ندارد ودرتمام مدت سال همه روزه در دو نوبت صبح وعصر هرنوبت چهارساعت مفتوح ومورد استفادهٔ عموم است (فقط درشدت گرمای تابستان هشت ساعت کار کتابخانه به پنج ساعت تقلیل می‌یابد) همه کس باتحصیل پروانه می‌تواند از کتابخانه استفاده کند .

استفاده از کتابهای کتابخانه ولو نسخه‌های خطی ونفیس ونادر ومنحصر باشد هیچگونه محدودیت ندارد واستنساخ وعکس برداری مجاز است .

اگرچه تاکنون فهرست چاپی کتابهای کتابخانه منتشر نشده است ولی مراجعه کنندگان میتوانند از فهرستهای دستی که برحسب نام مؤلف و عنوان کتاب و تقسیم موضوع تنظیم شده است استفاده کنند .

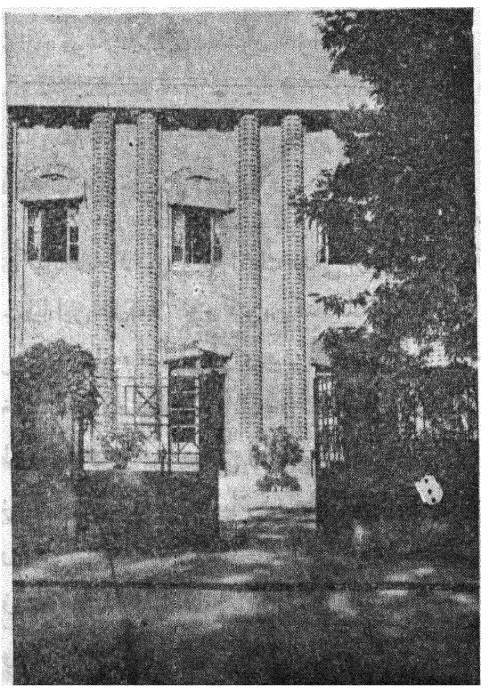

در ورود به کتابخانه

با مضیقه‌ای که درساختمان کتابخانه محسوس است، تاکنون سالیانه بیش از پنجاه هزار بار بکتابخانه مراجعه شده است .

بودجه و اعتبارات کتابخانه

همگی بودجهٔ استخدامی و هزینه های دیگر کتابخانه را وزارت فرهنگ تأمین می کند. جمع آوری کتاب بطرق ذیل انجام می گیرد :

۱) خریداری ـ که سالیانه بتفاوت مبلغ لازم را وزارت فرهنگ از این بابت در اختیار کتابخانه می گذارد و این اعتبار صرف خریداری کتابهای چاپی داخلی وخارجی ونسخه های خطی وعکس برداری از نسخه های خطی مهم سایر کتابخانه های کشورهای خارجی و اشتراك مجلات خارجی میشود .

۲) اهداء ـ علاوه برمقداری نسخه های خطی وچاپی که اشخاص و کتابخانه ها ومؤسسات بکتابخانه اهداء مینمایند، برطبق مفاد قانون مطبوعات باید ازعموم کتابها و نشریات کشور نسخهٔ مجانی بکتابخانه برسد و اگر این قانون بخوبی اجراء شود سرمایهٔ سرشاری برای تکمیل مجموعهٔ مطبوعات کشور خواهد بود .

۳) مبادلهٔ مطبوعاتی ـ کتابخانهٔ ملی بابسیاری از کتابخانه های بزرگ جهان مبادلهٔ مطبوعاتی دارد وباارسال کتابهای ایرانی که مقداری برای همین منظور دراختیار دارد استفادهٔ شایانی از مطبوعات خارجی می کند .

شمارهٔ کتابهای کتابخانه ازاین رو که اندك مدتی از تاریخ تشکیل آن می گذرد بیش از ۶۰/۰۰۰ نیست وبا این حال فعلاً بزرگترین کتابخانهٔ کشور ایرانست ولی از حیث کیفیت یکی از مهمترین کتابخانه هاست ودارای بیش از چهارهزار نسخهٔ خطی است که درمیان آنها ده‌ها نسخهٔ منحصر وصدها نسخهٔ نادر و نفیس یافت میشود . بعلاوه مجموعهٔ مرقعات وقطعات خطوط استادان خوشنویس و کتابهائی که بابهترین خط نوشته شده و بازیباترین تذهیب تزیین گردیده وبجامهٔ زیباترین جلد پوشیده شده از نفایس آثار این کتابخانه است ونیز درمیان کتابهای چاپی کتابخانه ، نسخه‌های متعدد نفیس موجود است که بهای بعض آنها از نسخه‌های خطی مشابه بیشتر است واین نسخه ها عبارتست از:

کتابهای مصوری که تمامی تصاویر آنها نقاشی دستی است .

کتابهائی که مصنفین با خط خودشان آنها را اهداء کرده‌اند .

کتابهائی که به بزرگترین رجال کشور وحتی سلاطین اهداء شده است و این اهداء کنندگان خود بعضی از رجال بزرگ جهان و پادشاهان بوده‌اند .

کتابهائی که از قدیمترین چاپهای جهان است وبعضی بیش از چهار قرن عمر دارد.

کتابهائی که روی کاغذ مخصوص یا حریر چاپ شده است ویا صحافی وجلدممتاز دارد .

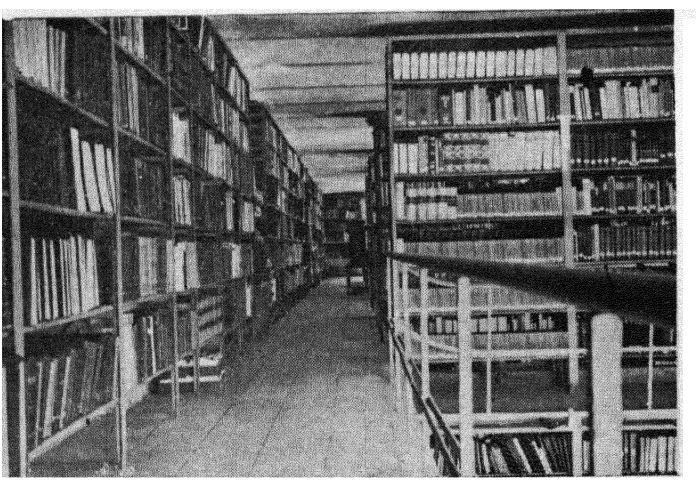

قسمتی از گنجینهٔ کتاب

فعالیت‌های فعلی کتابخانه

توجه و اعتنای عامه بمطالعه و افزایش مداوم کتابها وسایر مطبوعات درایران و سایر کشورها اولیای کتابخانـه را متوجه محدودیت دستگاه و بنانمود و از اینجهت وزارت فرهنگ در صدد برآمد که :

اولاً ـ برای توسعهٔ ساختمان وسازمان کتابخانه اقدامات فوری نماید. البته برای رفع نیازمندی مطالعات عمومی پیش بینی یك ساختمان عظیم که لااقل گنجایش یك میلیون جلد کتاب را داشته باشد ضرور بنظر میرسد وبهمین جهت وزارت فرهنگ مصمم است که

پس از آماده شدن زمین مناسب بتهیهٔ مقدمات ساختمان بپردازد. ولی برای اینکه بالفعل رفع مضیقه بشود بساختمان یك بنای ضمیمه اقدام و عمارتی تقریباً معادل گنجایش بنای فعلی آغاز نموده که امیدوار است تا پایان سال جاری بنای آن بپایان برسد.

ثانیاً ـ کتابخانه برای توسعه و تشیید ارتباط با کتابخانه‌های بزرگ ومؤسسات فرهنگی مربوط (مانند یونسکو) کوشیده و اکنون با بسیاری ازاین قبیل دستگاهها رابطه و مکاتبه دارد وبدین قسم هم ازاوضاع و پیشرفت امور کتابداری و کتابشناسی که

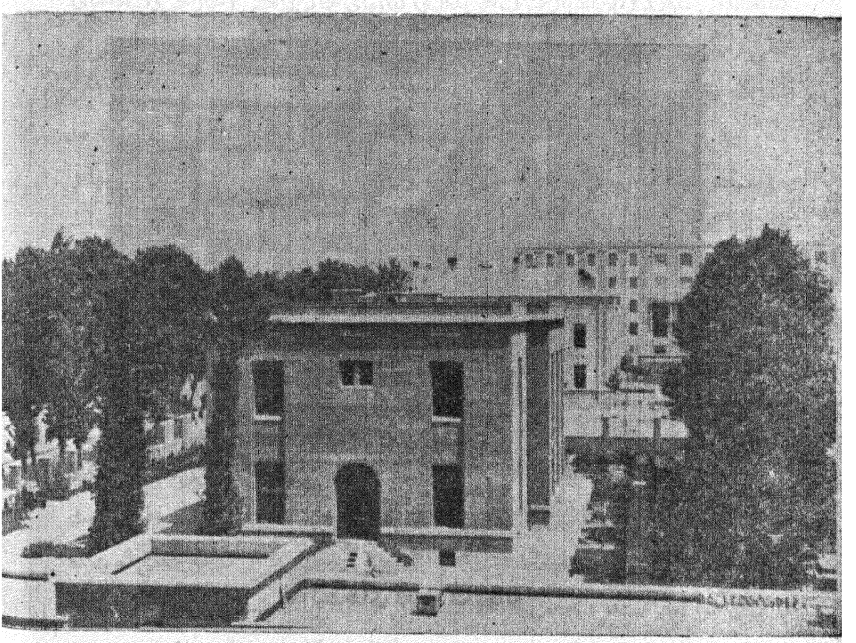

منظرهٔ کتابخانه ازهوا

روز بروز درجهان کسب اهمیت می کند مطلع میشود و هم از مسئلهٔ مبادلهٔ مطبوعاتی حداکثر استفاده را مینماید.

ثالثاً ـ درسنوات اخیر برای جمع آوری میکروفیلم وعکس نسخه‌های خطی ایرانی مهم که در سایر کتابخانه‌های جهانست اقدام کرده وبعضی از آنها راجمع آوری نموده

و با اعتبار قابلی که وزارت فرهنگ تأمین کرده امیدوار است بتواند مجموعهٔ مفید و مهمی از نسخه‌های عکسی مهم ایرانی وشرقی کتابخانه های مختلف فراهم آورد .

از اقدامات سودمندی که متناوباً در کتابخانه انجام شده تشکیل نمایشگاههای متعددی است که از نسخه‌های خطی ممتاز و مجموعهٔ مطبوعات خاص و آثار هنرهای ظریفهٔ مربوط بکتاب در تالار نمایش کتابخانه صورت گرفته است و توجه مخصوص اعلیحضرت همایون شاهنشاه دانش‌وهنرپرور باین قبیل خدمات فرهنگی موجب گردیده است که دوبار نمایشگاههای کتابخانه را افتتاح وکارکنان آنرا قرین مباهات فرموده‌اند و همین امر سبب شده است که خدمتگزاران کتابخانه با علاقه‌مندی بیشتر بوظایف کتابداری خود اقدام نمایند .

دانشسرای عالی تهران

دانشسرای عالی تهران درسال ۱۳۰۷ شمسی تأسیس گردیده ودرطی بیست وشش سال ، تعداد ۲۲۱۱ دبیرزن ومردبفرهنگ کشور تحویل داده که هم اکنون ، عدهٔ زیادی از آنان در دبیرستانهای مرکز وشهرستانها وعده‌ای نیزدر دانشگاه تهران بسمت استادو دانشیار ، بتدریس وتربیت جوانان مشغولند .

دانشسرای عالی تا سال ۱۳۳۴ بادانشکدهٔ ادبیات وعلوم توأم بود ؛ در آنسال طبق قانون استقلال یافت . این مؤسسه درمدت چهارسال که از استقلال آن میگذرد به پیشرفتهای زیادی نایل آمده : بودجهٔ آن که در آغاز استقلال جمعاً ششصد هزار ریال بود ، به‌سی ملیون ونیم ریال افزایش یافته وتعداد دانشجویان آن از ۲۲۰ نفر به ۸۹۱ نفر رسیده که

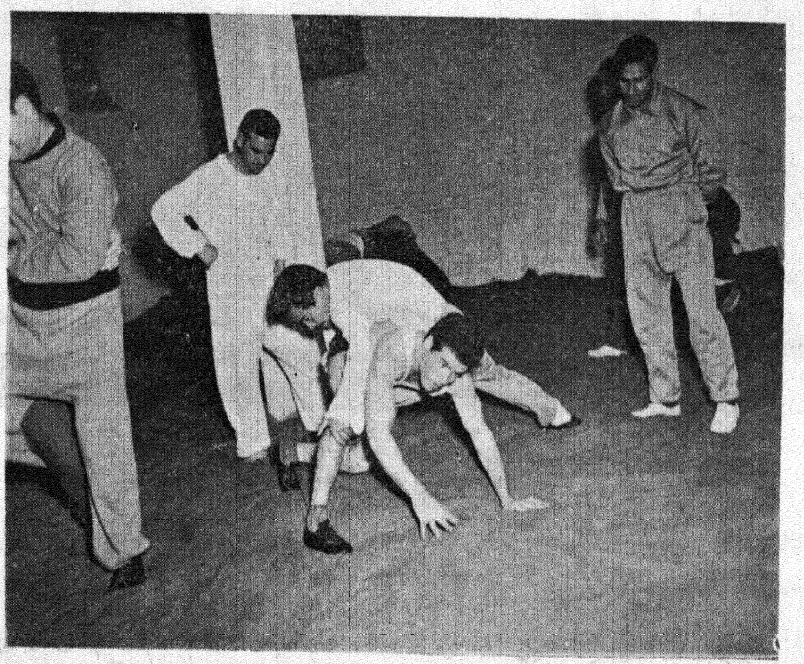

صحنه‌ای از مسابقات کشتی دانشسرای عالی

۱۶۵ نفراز آنها دخترند . استادان ودانشیاران ودبیران ودستیاران این مؤسسه جمعاً ۱۰۱ نفرند که ۶۰ نفر آنها ، ازطرف دانشکده‌های دیگر در دانشسرای عالی بتدریس مشغولند.

رشته‌های تحصیلی

رشته‌های رسمی دروس جمعاً یازده رشته و عبارتست از تاریخ ، جغرافیا ،طبیعی، فیزیك، شیمی، ریاضی ، علوم تربیتی ، ادبیات ،خانه‌داری ، تربیت بدنی وتعلیمات ابتدائی. علاوه براینها ، دروس دیگری بنام دروس اختیاری در دسترس دانشجویان قراردارد که ضمن دروس رسمی میتوانند فرابگیرند وعبارتست از :

تعلیمات سمعی وبصری ، حسابداری، ماشین‌نویسی ،کتابداری ، تئاتر، موسیقی، کارهای دستی ونقاشی.

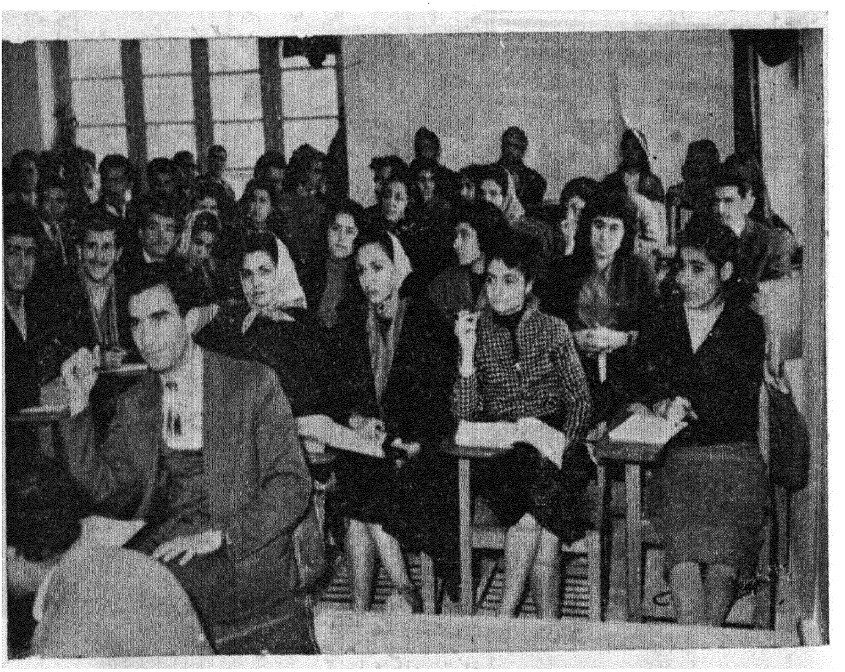

درس عمومی اصول آموزش وپرورش

مرکز تمرین دبیری

درسال سوم دانشسرای عالی، درسی بنام «تمرین دبیری» تدریس میشود بدینصورت که دانشجویان پس از جلسات متعدد که درسریکی از کلاسهای دبیرستانها حاضر شده

وشیوهٔ تدریس دبیران رامورد مطالعه قرار دادند، بهمراهی استاد، دریکی از کلاسهای متوسطه باحضور دبیر آن کلاس، رشتهٔ تخصصی خود را عملاً تدریس میکنند و این تدریس، بمنزلهٔ امتحان درس تمرین دبیری است که هم تسلط دانشجورا برشتهٔ تخصصی خود وهم ورزیدگی او را درتدریس نشان میدهد.

آزمایشگاهها

درسال ۱۳۳۴ دانشسرای عالی هیچگونه آزمایشگاه نداشت، لیکن امروز دارای ده آزمایشگاه شیمی، فیزیك، گیاهشناسی، زمین‌شناسی، زیست‌شناسی، جغرافیا، روانشناسی، سمعی وبصری، طبیعی وریاضی است که بتدریج تکمیل میشود.



آزمایشگاه جغرافیا

کتابخانه

کتابخانهٔ دانشسرای عالی در آغاز استقلال وجود نداشت لیکن فعلاً بیست ویکهزار جلد کتاب ومجله بزبان فارسی، فرانسه، انگلیسی وعربی در اختیار دانشجویان و علاقمندان گذاشته است.

مجله

دانشسرای عالی توانسته است مجلهٔ «سپیدهٔ فردا» را که در مدت انتشار چهار سالهٔ خود، خدمات زیادی به پیشرفت اصول جدید تعلیم و تربیت در ایران نموده، بخود وابسته سازد.

در این مجلهٔ فنی، پیشنهادات مؤثر پرورشی و حاصل تحقیقات و مطالعات روانشناسی و اجتماعی و تربیتی که توسط استادان و دانشیاران وبکمك دانشجویان این مؤسسه تهیه میشود، انتشار مییابد.

همچنین مراکز بزرگی مانند یونسکو، دبیرخانهٔ بین‌المللی تعلیم و تربیت و بسیاری دیگر از مراکز تربیتی جهان، نشریات خود را با مجلهٔ دانشسرای عالی مبادله مینمایند و بدینوسیله منظماً زبدهٔ اخبار وفعالیتهای تربیتی جهان در این مجله منعکس میشود.

دایرهٔ پلی کپی و چاپخانه

دانشسرای عالی پس از استقلال، چندین دستگاه پلی کپی و ماشینهای تحریر و



کتابخانه

استنسیل‌ودو دستگاه ماشین‌چاپ تهیه کرده‌ومشغول‌تکمیل‌آنهاست تا درآیندهٔ نزدیکی، احتیاجات مجله وانتشارات خود وهمچنین انتشار دروس‌استادان راکاملاً تأمین‌نماید.

مرکز سمعی و بصری

نظربه اهمیتی که تعلیمات سمعی وبصری در جهان تعلیم وتربیت امروز دارد، بانهایت جدیت بتأسیس آزمایشگاه سمعی وبصری اقدام شده واکنون این آزمایشگاه، احتیاجات دانشسرای‌عالی راکاملاً تأمین میکند.

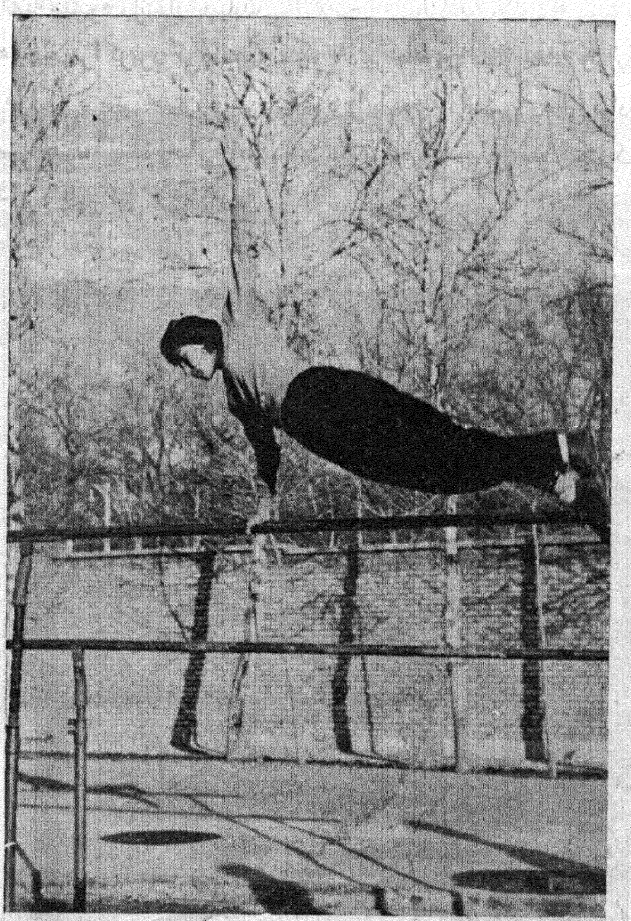

خانم اعظم‌اسکندری قهرمان پرش‌دانشسرای‌عالی

دعوت از استادان خارجی

طی سه سال اخیر ، از استادان تعلیم و تربیت کشورهای خارجی دعوت بعمل آمده وسخنرانیها ومباحثاتی کـه این دانشمندان با دانشجویان بعمل آورده‌اند ، در پیشرفت معلومات آنان بسیار مؤثر بوده وشرح این سخنرانیها در مجلهٔ دانشسرای عالی منعکس گردیده است .

ساختمان جدید

چون دانشسرای عالی فعلاً درشش عمارت استیجاری جدا از یکدیگر مشغول کار ـ است واز این لحاظ سخت در مضیقه میباشد بامر شاهنشاه ۲۲۲۸۰۰۰ مترمربع از اراضی خالصهٔ حصارك دراختیار دانشسرای عالی گذاشته شده وپنجاه ملیون ریال ازطرف سازمان برنامه برای ساختمان آن منظور گردیده که قریباً آغاز خواهدشد . محل سکونت استادان ودانشجویان نیز دراین ساختمان پیش‌بینی شده است .



کلاس خانه‌داری

کلاسهای شبانه

چون درچندسال اخیر ، سیل‌داوطلبان‌سالمند وجوان بسوی دانشگاه جاریست، بفرمان شاهنشاه ، از آذر ماه سال ۳۷ کلاسهای شبانه در دانشسرای‌عالی دایر گردیده و هم درنظراست که تأسیسات زیردرآینده بوجود بیاید :

۱ ـ یك‌مرکزعلمی تربیتی که نمودار زنده‌ای ازفعالیتها وابتکارات و تحقیقات جدید پرورشی کشور باشد .

۲ ـ محیط مجهزومساعدی‌برای اجتماع استادان ومعلمان‌آیندهٔ کشور بمنظور اقدام بکارهای تحقیقی بوجودآید .

۳ـ مرکزی‌برای شناساندن‌اقدامات‌جالب ومؤثرپرورشی کشور بمراکزبزرگ بین‌المللی تعلیم و تربیت و منعکس کردن زبدهٔ فعالیتهای پرورشی کشورهای مترقی و مربوط ساختن دانشجویان این‌مؤسسه با فعالیتهای پرورشی سایر کشورها ایجادگردد تا بدینوسیله‌از ابتکارات تربیتی‌جهان استفاده شود .



درس خانه داری

ادارهٔ کل هنرهای زیبای کشور

در دورهٔ سلطنت رضا شاه کبیر که در کلیهٔ شئون اجتماعی واقتصادی و فرهنگی و هنری کشور تجدید حیات و اصلاحات اساسی صورت گرفت ، نسبت به صنایع قدیم ایران نیز توجه خاصی مبذول گردید . بامر آن شاه ،کاخ سلطنتی سعد آباد وکاخ مرمر بسبك وشیوهٔ باستانی و باهنرهای ملی ایران تزیین شد ؛ علاوه بر هنرستان کمال‌الملك که در آن هنرهای اروپائی تدریس میشد ، هنرستان صنایع قدیمهٔ ایـران نیز تأسیس گردید تا هنرجویان را در رشته های مختلف هنرهای دستی ایران تربیت نماید . بدین منظور استادان سالخورده ای که در گوشه و کنار کشور میزیستند به پایتخت



تصویر اعلیحضرت رضاشاه کبیر که توسط آقای جمشیدامینی در قالیچه بافته شده

احضار و در مؤسسهٔ صنایع قدیمه مشغول تعلیم گردیدند .

درسال۱۳۲۹ برحسب امراعلیحضرت همایون محمدرضاشاه ، ادارهٔ کل هنرهای زیبای کشور دروزارت فرهنگ تشکیل ورئیس آن اداره باسمت معاونت وزارت فرهنگ، طبق تصویبنامهٔ هیئت وزیران و فرمان همایونی منصوب گردید .

تاکنون انجمنها ومؤسسات زیراز طرف ادارهٔ هنرهای زیبا تشکیل شده :

انجمن هنرمندان ـ هنرستان کمال‌الملك ـ انجمن دوستداران موسیقی که بزبان فرانسه فیلارمونیك میگویند (برای اشاعهٔ موسیقی غربی) ـ انجمن نقاشان ، حکاکان ومجسمه سازان ـ انجمن اشاعه واعلاء موسیقی ـ انجمن موسیقی ملی ـ انجمن هنرهای تزیینی ـ مدرسهٔ آزاد موسیقی (کنسرواتوار) ـ هنرستان ملی رقص ایران (بالت) ـ گروه ملی رقص (بالت) ـ انجمن هنری جوانان ـ کلاسهای تعلیم خط .

ادارات فنی واختصاصی ادارهٔ کل هنرهای زیبا ذیلاً شرح داده میشود :



جناب آقای پهلبد رئیس هنرهای زیبای کشور در میان نمایندگان اپرای ایتالیا

ادارهٔ موزه‌هاوفرهنگ عامه

بمنظور تمرکزامور مربوطه به موزه و همچنین تحقیق ومطالعه در بارهٔ وضع

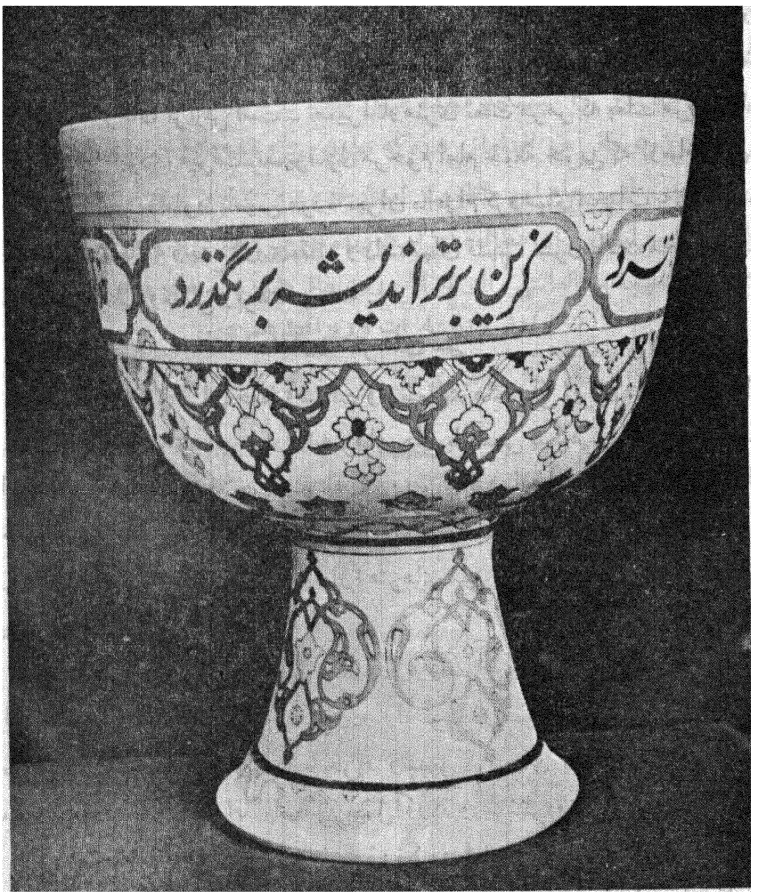

ضرب زور خانه‌ساخت کارگاه کاشی‌سازی ادارهٔ هنرهای زیبا

اجتماعی وآداب ورسوم وآهنگها وادبیات محلی وتأسیس موزه درشهرستانها و توسعهٔ موزه‌های پایتخت بطریق علمی ، ادارهٔ موزه‌ها وفرهنگ عامه درسال ۱۳۳۵ تشکیل

گردید . بعلاوه ،هدف‌وبرنامهٔادارهٔ مزبوراین است که نمایشگاههائی از آثارصنعتگران وطرز زندگی ایلات وعشایرو اقلیتهای مذهبی ترتیب دهد وکلیهٔ اطلاعات و تحقیقات خود را دراختیار دانشمندان ومحققین ومحصلین قرار دهد .

اقدامات‌ادارهٔموزه‌هاوفرهنگ‌عامه ، تشکیل نمایشگاه البسهٔ زنان‌ایران ازقرن۹ هجری تاکنون بوده وهمچنین خریداری مجموعهٔ هنری مرحوم رحیمی که اینك شالودهٔ موزهٔهنرهای تزیینی است ـ تعمیرآثارهنری تخت مرمر که بعلت مرورزمان‌و عدم توجه‌روبه‌نابودی میرفت‌ـتعمیرمنزل مرحوم امام جمعهٔ خویی که ازساختمانهای قدیمی تهران‌است‌بمنظور تأسیس موزهٔ تهران ـاعزام گروههای مختلف به‌نقاط‌کشور برای تحقیق ومطالعه وجمع‌آوری‌عقاید و داستانهای قدیم‌ـ نشررسالات مختلف‌دربارهٔ آداب ورسوم ملی ومحلی وفرهنگ عامه .

ادارهٔ هنرهای ملی

در سال۱۳۰۹، برای حفظ وصیانت وتوسعهٔهنرهای ملی ایران ، بنابه‌اراده وامر اعلیحضرت فقید رضاشاه‌کبیر ، ادارهٔ هنرهای ملی باتأسیس بنگاهی بنام « مؤسسهٔ قالی ایران » زیر نظرادارهٔکل فلاحت و صناعت پی ریزی شد. از آن ببعد ، بارها تغییراتی در سازمان این اداره داده‌شد وضمیمهٔ وزارتهای مختلف گردید تا اینکه در سال۱۳۲۹ ادارهٔکل‌هنرهای زیبای‌کشور تأسیس‌وادارهٔ هنرهای ملی نیز ضمن سایر مؤسسات‌هنری ضمیمهٔ این اداره گردید .

هدف‌وبرنامهٔ این اداره، احیاء ونگاهداری‌واصلاح وتوسعهٔ هنرهای ملی‌وباستانی ایران است وتاحال اقدامات قابل ذکری‌در راه توسعه‌وتعمیم هنرهای ملی‌ایران‌نموده، مخصوصاً در قسمت‌کاشی سازی‌که با خرید وتبدیل کوره‌های بنزینی به‌کوره‌های‌برقی وهمچنین تهیهٔ آسیای‌برقی‌اقدام‌اساسی بعمل‌آورده وزیرنظردونفرمتخصص‌کاشی‌سازی که از طرف یونسکو اعزام شده‌اند دربارهٔ رنگ و لعاب‌کاشی تحقیقات مفصلی نموده وبه پیشرفتهای قابل‌توجهی نایل‌گردیده ودرنظراست‌که ازساخته‌های اخیراین‌کارگاه، نمایشگاه بزرگی تشکیل‌شود .

درقسمت خاتم سازی ومنبت‌کاری نیزاز لحاظ طرح ونقشه تغییرات زیادی‌داده شده‌ودراثرهمین‌تغییرات واصلاحات‌بود که‌مصنوعات‌جدیداین‌دوکارگاه درنمایشگاههای بین‌المللی بروکسل وتوکیو مورد کمال توجه قرارگرفت وباخذ گواهینامهٔ افتخار و

مدال طلا نایل گردید .

درقسمت فرش ، ادارهٔ هنرهای ملی بوسیله گرد آوردن طراحان و هنرمندان ، نقشه‌های جدیدی تهیه نموده که‌از لحاظ سرعت بافت و ارزانی قیمت ، کلیهٔ هم‌میهنان میتوانند آنها را مورد استفاده قرار دهند . این قبیل نقشه‌ها بصورت قالیچه درکارگاه قالی بافی اداره تهیه و در موزهٔ هنرهای ملی بمعرض تماشا گذارده شده و اشخاصی که طرحهای مذکور را بپسندند ، نقشهٔ فرش مجاناً در اختیارشان گذارده خواهد شد . در قسمت زری بافی هم اقداماتی شده که بطرز بهترونقشه‌های جدید و قیمتی ارزانتر تهیه گردد . برای انجام این منظور ، استاد قسمت زری بافی ، دو سال‌قبل به دمشق و سال گذشته به لیون برای مطالعه اعزام گردیده و اخیراً هم ترتیب اعزام او بهندوستان داده شده تانتیجهٔ مطالعاتش برای اصلاح زری بافی مورد استفاده قرار گیرد .

ادارهٔ انتشارات وروابط هنری

بمنظور ایجاد فعالیت هنری در بین مردم و برقرار نمودن روابط هنری بین



چند ظرف از کارگاه کاشی سازی ادارهٔ هنرهای زیبا

هنرمندان ایرانی وخارجی و معرفی هنر های ملی ایران بجهانیان و راهنمائی و سرپرستی دانشجویانی که خارج از کشور در رشته های هنری تحصیل مینمایند، ادارهٔ انتشارات وروابط هنری درسال ۱۳۳۵ تشکیل گردید .

ادارهٔ انتشارات وروابط‌هنری درمدت‌دوسالی که از تأسیس آن میگذرد‌اقدامات قابل ذکری نموده‌که از آن جمله تشکیل نمایشگاه مینیاتورهای ایـران درسالهای ۳۵ـ۳۶ درشهرهای‌پراك ، ورشو ، پاریس ، لندن ، لاهه ، وین ، زوریخ ، وشرکت‌در نمایشگاههای بزرگ رم وتوکیووهمچنین‌تهیه وتشکیل‌غرفهٔ ایران در نمایشگاه‌جهانی ۱۹۵۸ بروکسل میباشد . علاوه براینها، تشکیل کنسرتهائی‌ازهنرمندان داخلی‌وخارجی در تهران وتشکیل نمایشگاه لباسهای‌ایرانی درکاخ ابیض که همان نمایشگاه برای‌مدت دوماه‌هم در پاریس تشکیل ومورد توجه واقع‌شد ، تأمین مخارج هنرجویان ایرانی در خارج کشور ، نشرمجلات موسیقی، نقش ونگار ، مردم شناسی ، هنرومردم، ازکارهای این اداره میباشد .

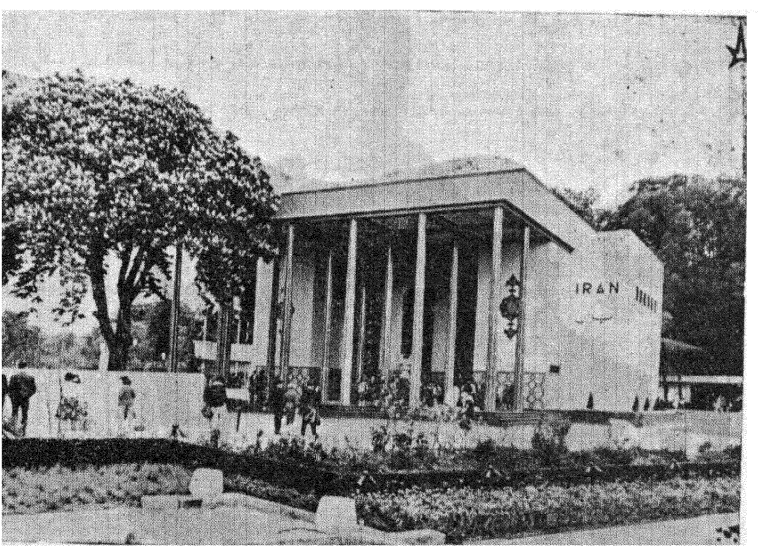

غرفهٔ ایران در نمایشگاه بین المللی بروکسل

ادارهٔ موسیقی و بالت

ادارهٔ موسیقی کشور که مسئول امور موسیقی وهنرستان موسیقی بود درسال ۱۳۲۷ تشکیل شد، وزیرنظرمدیرکل نگارش وتبلیغات در وزارت فرهنگ انجام وظیفه مینمود و پس از تأسیس ادارهٔکل هنرهای زیبا ، باین اداره ضمیمه وبنام ادارهٔ موسیقی وبالت ، مأمور سرپرستی ونظارت‌درکلیهٔ امور مربوط به موسیقی‌و هنرستانهای تابعه گردید .

هدف وبرنامهٔ ادارهٔ مذکور ، تعمیم واشاعهٔ موسیقی ملی وموسیقی غربی،جمع آوری وثبت وضبط آهنگهای ملی‌ومحلی ایران وتنظیم آنهابرای ارکستر، گردآوری و تنظیم ردیفهای قدیم موسیقی ایران و سرپرستی کلاسهای آزاد موسیقی وتشویق

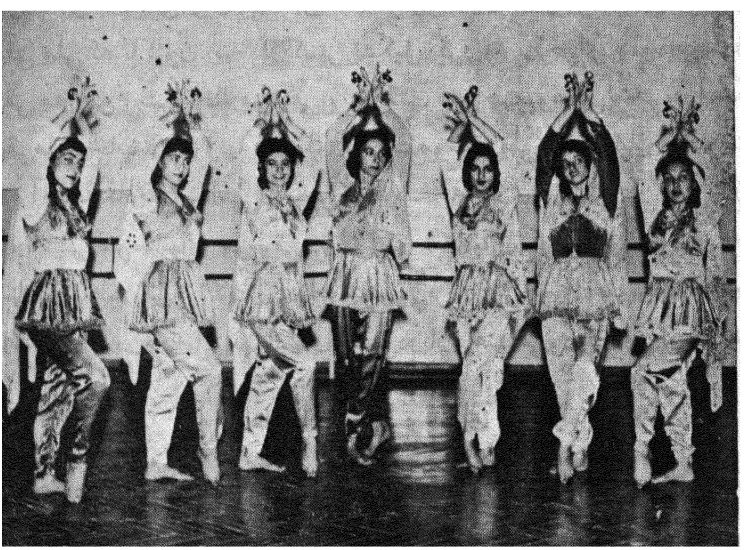

تنی‌چند از اعضای گروه رقص وموسیقی محلی وملی ایران

موسیقی دانان میباشد .

هنرستانهای تابع این اداره عبارت است از هنرستان عالی موسیقی (دارای دوره‌های ابتدائی ـ متوسطه‌ـعالی)، هنرستان‌موسیقی‌ملی، مدرسه آزاد موسیقی‌تهران

(کنسرواتوار)، هنرستان‌ملی‌بالت، هنرستان‌موسیقی‌تبریز، هنرستان‌آزاد شبانهٔ تبریز و هنرستان آزاد ملی موسیقی .

ادارهٔ موسیقی وبالت تاکنون‌خدمات قابل توجهی‌انجام داده‌که عبارت است‌از: نظارت و کمك به انجمنهای وابسته‌بادارهٔ هنرهای‌زیبا مانند انجمن دوستداران‌موسیقی (فیلارمونیك) ، انجمن اشاعه واعلاء موسیقی وانجمن موسیقی ملی وهمچنین کمك به ایجاد انجمنهای موسیقی وبالت ورقصهای ملی وباستانی ، خریدنت وآهنگهای محلی‌و ملی‌وضبط آنها برروی نوار و نگاهداری در صدا خانهٔ ملی ، اعزام‌گروههای‌مختلف‌به نقاط‌کشوربرای‌ضبط آهنگها ورقصهای محلی و تهیهٔ نت از این قبیل آهنگها ، ایجاد گروه خوانندگان ملی(کر) ، ایجاد ارکستر سمفونیك تهران و اجرای برنامه های ماهانه و فصلی توسط ارکستر مذکور ، استخدام هنرمندان و استادان خارجی برای تدریس‌درهنرستان‌عالی‌موسیقی‌ورهبری ارکسترسمفونیك‌تهران، تشکیل‌ارکسترهای موسیقی ملی‌که تاکنون پنج ارکستر تشکیل گردیده ، اجرای مسابقات سرود و موسیقی مدارس ، نشر مجلهٔ موسیقی ، نشر کتب مربوط بموسیقی ، خرید آهنگهای موسیقی‌ملی وچاپ کردن آنها ، اجرای کنسرت موسیقی‌ملی وسمفونیك درهنرستانها، تأسیس آزمایشگاه صدا شناسی ، تأسیس کارگاه‌صفحه سازی ، تشکیل ارکسترسازهای بادی ، تأسیس هنرستانهای موسیقی در مراکز استانها ، تکمیل و توسعهٔ کارگاههای سازشناسی بمنظور تهیهٔ آلات و ادوات موسیقی‌برای هنرجویان هنرستانها و اجرای برنامه‌های هنری‌درجشنها وپذیرائیهای رسمی‌دربارشاهنشاهی‌ودولت ووزارت‌فرهنگ.

سازمان سمعی و بصری

بمنظورتهیهٔ فیلمهای علمی‌وهنری وتربیتی برای استفادهٔ آموزشگاههای کشور وهمچنین تهیهٔ فیلمهای خبری وسایروسایل آموزش سمعی و بصری ، سازمان مذکور در سال ۱۳۳۰ تأسیس گردید .

کارهائی که‌این‌سازمان‌تاکنون انجام داده یا انجام دادن آنرا بعهده‌گرفته‌بشرح زیراست :

الف ـ تهیهٔ فیلمهای تربیتی، آموزشی ، خبری ، تاریخی، بهداشتی ، ورزشی کارهای فرهنگی ، داستانهای قدیمی و آداب ورسوم ملی و توزیع آنها برای نمایش

درسینماها ودانشگاه ومدارس تهران وشهرستانها .

ب ـ تهیهٔ عکس ؛ فیلم تك وفیلمهای پیوستهٔ هنری ، آموزشی ، تاریخی، مناظر طبیعی واوضاع اجتماعی شهرها .

ج ـ چاپ کردن مجلات ورساله‌های هنری ، نشریات مربوط بادارهٔ کل هنرهای زیبا وقبول سفارشهای مطبوعاتی از سایرمؤسسات دولتی وملی .

د ـ تهیهٔ نمودارها ، نقشهای برجسته وساده ، طرح نمونه (ماکت) ،کارهای نقاشی ، خط وغیره برای قسمتهای مختلف هنرهای زیبای کشور .

ه ـ تأسیس مراکز سمعی وبصری درمراکز استانها .

و ـ تأسیس کلاسهای آموزش روشهای مختلف استفاده ازوسایل سمعی وبصری برای معلمین شاغل خدمت و نمایندگان مؤسسات دولتی ، دانشجویان ، دانشسراهای مقدماتی ودبیرستانها .

ز ـ تهیهٔ علامات وزارتخانه‌ها ومؤسسات دولتی وملی وغیره .

ح ـ نشرمجلهٔ فیلم وزندگی ورساله های سازمان سمعی وبصری .

ط ـ تهیهٔ فیلم طرزتدریس دروس مختلف مانند فیزیك ، شیمی ، تاریخ طبیعی، جغرافیا ، تاریخ وغیره .

ی ـ تکمیل چاپخانهٔ فعلی سازمان و و سایل فیلمبرداری و عکاسی و نصب آزمایشگاه چاپ رنگی و همچنین تکمیل ساختمان سمعی و بصری در تهران ومراکز استانها .

ادارهٔ هنرهای نمایشی (دراماتیك)

نظربااینکه تآتر ترکیبی از کلیهٔ هنرهای زیبا وتنها وسیله‌ای است که باآن نویسنده وشاعر ونقاش وطراح وهنرپیشه وخواننده وهنرمندان دیگرمیتوانند احساسات رقیق و افکار لطیف خود را بیان کنند و چون هنر مزبور در میهن ما سابقهٔ زیادی ندارد و ادبیات فارسی باوجود دامنهٔ وسیعش ، در مورد تآتر ونمایشنامه نویسی چندان پیشرفت نکرده است وترویج واشاعهٔ این هنر با اشکالات فراوانی که دارد بدون سازمان منظمی ممکن نبود لذا ادارهٔ کل هنرهای زیبا در سال ۱۳۳۶ اداره ای بنام ادارهٔ هنرهای دراماتیك تأسیس کرد .

هدف و برنامهٔ این اداره عبارت است از ترویج و اصلاح وضع تآتر در کشور تربیت هنرمندان کار آزموده ، آگـاه نمودن مردم از تآتر وتشویق آنان باین هنر از طریق نشرمجلات و اجـرای برنامه‌های تآتر بمنظور تهذیب اخلاق عمومی ، توزیع کتابهای مفیدهنری بین دانش‌آموزان ودانشجویان ، مساعدت بگروههای خواستاران هنر، ترتیب مسابقه‌های نمایشنامه نویسی ، ترجمه و نشرنمایشنامه های خـارجی از بهترین نویسندگان دنیا ، ترجمهٔ مقالات مـربوط بهنرهای دراماتیك برای درج در مجلات ، تشکیل مجالس سخنرانی ، ترتیب مسابقات هنری وتشکیل جشنهای تآتر در تهران از خواستاران هنر، مسافرتهای هنری با اعزام گروههای نمایشی بشهرستانها ؛ تأسیس کلاسهای هنرپیشگی ، نمایشنامه نویسی ، صحنه سازی ،کارگردانی و نمایش عروسکی ،فن بیان وخطابه؛ تأسیس کتابخانه‌وجمع‌آوری‌آثار دراماتیك ونمایشنامه‌های فارسی وتعزیه‌هاوجمع‌آوری‌عکسهای مربوط به‌تاریخ پیشرفت نمایش درایران،تشویق وراهنمائی‌دوستداران تآتر وتشکیل انجمنهای نمایش در تهران وشهرستانها .

ادارهٔ هنرهای در اماتیك تاکنون کارهای قابل توجهی انجام‌داده که از آنجمله‌ـ است :

خرید مجموعه‌ای مرکب ازدویست وپنجاه نمـایشنامه که از آغاز پیدایش تآتر درایران تاکنون بچاپ رسیده است ، نشررسالهٔ اخبار هنری که هر دوهفته یکبارچاپ ورایگان در اختیار علاقمندان گذارده میشود ، نشرمجلهٔ نمایش ، تشکیل تالارنمایش در ادارهٔ هنرهای در اماتیك‌برای اجرای‌برنامه‌های هنری ، تشکیل مسابقهٔ نمایشنامه‌ـ نویسی با تخصیص جوایزی برای برندگان ، اجرای نمایشنامه‌های عروسکی در تهران وغالب شهرستانهای کشور ،شرکت در جشن هنری سال جاری آتن ؛ تشکیل کلاسهای صحنه‌سازی‌وطراحی، نمایشنامه نویسی،کارگردانی و نمایش عروسکی. بعلاوه ،کلاسهای دیگری برای تجزیه وتحلیل‌وتمرین‌آثارنویسندگان بزرگ ومعروف دراماتیك‌جهان دایرنموده که فعلاً ده نفراز علاقمندان درآن شرکت‌مینمایند .

ادارهٔ آموزش

برای نظارت بر امور هنرستانهای هنرهای زیبا در مرکزوشهرستانها و تنظیم برنامه وساعات دروس‌آنها ، درسال ۱۳۳۰ ادارهٔ آموزش تشکیل گردید . هنرستانهای

تابع این اداره عبارت است از:

الف ـ هنرستان کمال الملك که برای تعلیم علاقمندان بقسمتهای نقاشی، مجسمه‌سازی، مینیاتور، تذهیب، نقشهٔ قالی و کاشی تشکیل شده. این هنرستان مجانی و آزاد

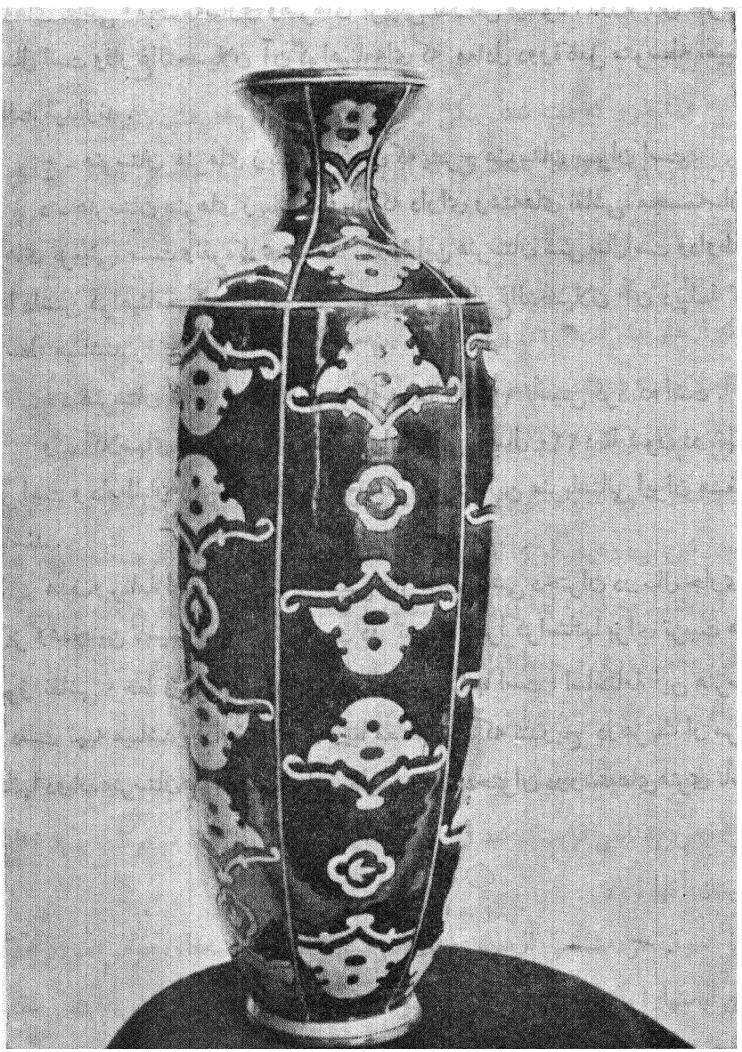

گلدان ساخت کارگاه کاشی سازی هنرهای زیبا ـ طرح از آقای حریرساز

وساعات کارش بعداز ظهرها است تا علاقمندانی که کارهای دیگری دارند بتوانند از آن استفاده نمایند .

ب ـ هنرستان هنرهای زیبای پسران که در سال ۱۳۳۲ تأسیس گردیده و در آن رشته‌های نقاشی ، مجسمه‌سازی وهنرهای تزیینی تدریس میشود . دورهٔ این هنرستان سه سال است وفارغ‌التحصیلان آن گواهینامه‌ای که معادل دورهٔ کامل متوسطه میباشد دریافت میدارند .

ج ـ هنرستان هنرهای زیبای دختران که بشرح هنرستان پسران است .

د ـ هنرستان هنرهای زیبای اصفهان که دارای رشته‌های نقاشی، مجسمه‌سازی، هنرهای تزیینی، منبت ونقره‌کاری میباشد . دورهٔ این هنرستان شش سال است وداوطلبان را با داشتن گواهینامهٔ شش سالهٔ ابتدائی میپذیرد و فارغ‌التحصیلان آن دیپلمهٔ کامل متوسطه میباشند .

ه ـ هنرستان نقاشی پسرانهٔ تبریز که درسال ۱۳۳۶ تأسیس گردیده است .

و ـ کلاسهای حسن خط که فعلاً چهار کلاس ازسال ۱۳۳۰ تاکنون در تهران دایر است و داوطلبان زیر نظر استادان مبرز بفرا گرفتن این هنر باستانی ایران مشغول میباشند .

هدف وبرنامهٔ ادارهٔ آموزش، تأسیس هنرستان نقاشی دختران در سال جاری در تبریز وهمچنین تأسیس دانشسرای هنری در تهران ومراکز استانها برای تربیت هنرآموز نقاشی ، خط و موسیقی در دبستانها و دبیرستانها است ؛ اساسنامهٔ این هنرستان در دست تهیه میباشد . ادارهٔ هنرهای زیبا مصمم است که بتدریج درهریك از مراکز استانها دوباب هنرستان هنرهای زیبا برای تعلیم پسران ودختران در رشته‌های هنری تأسیس نماید .

موزهٔ مردم‌شناسی

همانطور که گفته شد، یکی ازمؤسسات ادارهٔ کل هنرهای زیبای کشور، موزهٔ مردم‌شناسی میباشد ونظر به‌اهمیتی که این‌موزه دارد، قدری بتفصیل دراطراف آن‌بحث میشود.

دولت ایران پس‌ازجنگ بین‌المللی اول، دست بیك‌رشته اصلاحات مهم‌اجتماعی زد که ازنظرپیشرفت تمدن برای مردم این‌سرزمین کاملاً ضرورت داشت. هدف‌ونتیجهٔ این اصلاحات، شهرنشین‌شدن‌صحراگردان‌وتأسیس مدارس درنقاط دور ونزدیك کشور ورواج عادات ورسوم شهرنشینان بین‌افراد قبایل ودهقانان بود. نظر باینکه در اثر این اصلاحات وتحولات، رسوم وعادات قدیم‌محلی وصنفی وطبقاتی میهن‌ما در حال تغییر وازبین‌رفتن بود وهیچگونه‌آثاری ازآن نمیماند واین‌امر ازنظر فرهنگ ملی‌ما ضایعهٔ بزرگی بشمارمیرفت، لذا دردورهٔ سلطنت رضاشاه کبیر، وزارت‌فرهنگ تصمیم گرفت بمنظور جمع‌آوری و حفظ آثار فرهنگ عامه و عادات وآداب ورسوم این سرزمین، موزه‌ای بنام موزهٔ مردم‌شناسی درتهران تأسیس نماید.

ابتدا بوسیلهٔ رؤسای فرهنگ شهرستانها، تعداد زیادی لباس زن و مرد عشایر به‌موزهٔ مردم‌شناسی فرستاده شد ولی این‌لباسها همراه بااطلاعات مربوط به‌طرز ومواقع پوشیدن آنها نبود.

موزهٔ مردم‌شناسی ازهمان زمان شروع‌بساختن‌مجسمه‌های مومی‌نمودوتعدادی ازاین لباسهارا بآنهاپوشانید. ولی‌طرزپوشاندن لباسها ازروز اول باطریقهٔ‌علمی‌مطابقت نمیکرد زیرا اولاً ازهرناحیه، تمام لباسهای‌آن ناحیه فرستاده نشده بود، مثلاً میان اکراد درحدود سی‌نوع لباس مرسوم‌است که موزهٔ مردم‌شناسی فقط چندنوع آنرادارد



حکیم‌باشی ـ قرن سیزده هجری قمری

ثانیاً ازبعضی نقاط اصلاً لباس فرستاده نشده‌بود مثلاً ازمازندران هیچ‌نمونهٔ لباسی در موزهٔ مردم‌شناسی نیست . تنها راه‌حل این‌موضوع آنست که بتمام نقاط ایران مخصوصاً میان عشایر، هیئتهائی‌فرستاده‌شود که‌عادات‌ورسوم ولهجه‌ها وترانه‌ها وداستانهای‌آنانرا مطالعه نموده تمام وسائل مادی مربوط بزندگی‌آنها را مانند لباس وابزارکار وزراعت وبچه‌داری‌وغیره خریده وبه‌موزهٔ مردم‌شناسی‌بیاورند وخصوصاً عکسهای‌بزرگ سیاه ـ وسفید ورنگین وفیلمهای صدادار اززندگی‌آنان بردارند .

ادارهٔ موزه‌ها وفرهنگ عامه درسال ۱۳۳۷ برای اولین‌بار این‌عمل را در مورد گیلان انجام‌داد ونتیجهٔ آن ، نمایشگاه بزرگی از گیلان است که درابتدای سال ۱۳۳۸ در کاخ ابیض برپا گردید وبه‌نقاط‌دیگر میهن مانیزهیئتهائی بهمین‌منظور، بتدریج‌اعزام خواهد شد .

درمورد تهیهٔ داستانها وترانه‌های محلی نسبتاً پیشرفت مهمی حاصل‌شده و چند کتاب مربوط به‌افسانه‌های کهن‌ایران تهیه گردیده وترانه‌ها نیزبوسیلهٔ ادارهٔ کل‌هنرهای زیبا ضبط وچاپ شده ولی درمورد مطالعهٔ عادات ورسوم ووسایل مادی زندگی مانند ابزارکار وزراعت وبچه‌داری‌وغیره ، اقدام‌کافی هنوز صورت نگرفته، بااینحال‌درتهران مقدار قابل‌توجهی ازلباسهای عهدقاجاریه خریداری شده‌است .

موزهٔ مردم‌شناسی اکنون دریك‌بنای کوچك وقدیمی جاگرفته که چون اصولاً برای موزه‌بودن ساخته نشده‌است نمیتواند احتیاجات‌آنرا برآورد . ولی بااینحال ، در جریان سال ۱۳۳۷، تغییرات مهمی درموزهٔ‌مردم‌شناسی‌داده شده وحفظ اشیاءونشاندادن آنها ، بااصول‌علمی‌جدید موزه‌داری تطبیق وبرای‌هرشیئ فیش‌مخصوصی‌ترتیب‌داده ـ شده واکنون مشغول عکسبرداری ازاشیاء مزبورمیباشند تاعموم مردم‌را از آنها آگاه سازند ولی‌بعلت کم‌بودن‌جا وفقدان وسایل روشنائی‌جدید ،آنطورکه لازم‌است‌پیشرفت حاصل نمیگردد .

موقعی‌که موزهٔ مردم‌شناسی بوجودآمد دستور ساختن بنای بزرگی برای این منظور درکنار موزهٔ ایران باستان نیز صادر شد . ساختمان مزبور آغاز گردیده ولی

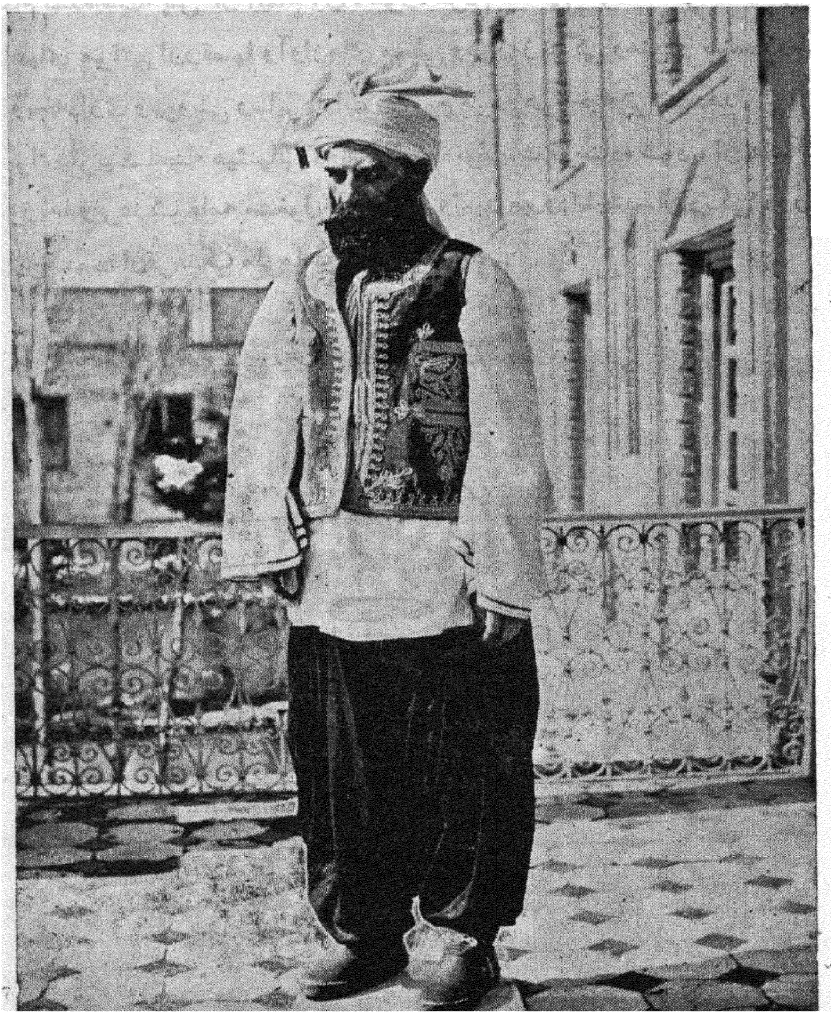

مرد بلوچ

هنوز تمام نشده‌است. پس از اتمام آن، موزهٔ مردم شناسی خواهد توانست هر هفته نمایشگاههای موقتی ازرقصها وآوازهای محلی وطرز زندگی وهنر و صنعت وطریقهٔ زراعت وبچه‌داری وعروسی وسایرعادات ورسوم مردم هرناحیه ترتیب‌دهد.

برای تربیت اعضاء هیئتهائی که لازم‌است بولایات فرستاده شود، از هم اکنون ادارهٔ موزه‌ها وفرهنگ عامه مشغول اقدام‌است وامید میرود تاچندسال دیگر، درروشن نمودن این‌قسمت ازفرهنگ ملی‌ما توفیق‌کامل بیابد.





زن اعیان کرد ـ قرن سیزده هجری‌قمری

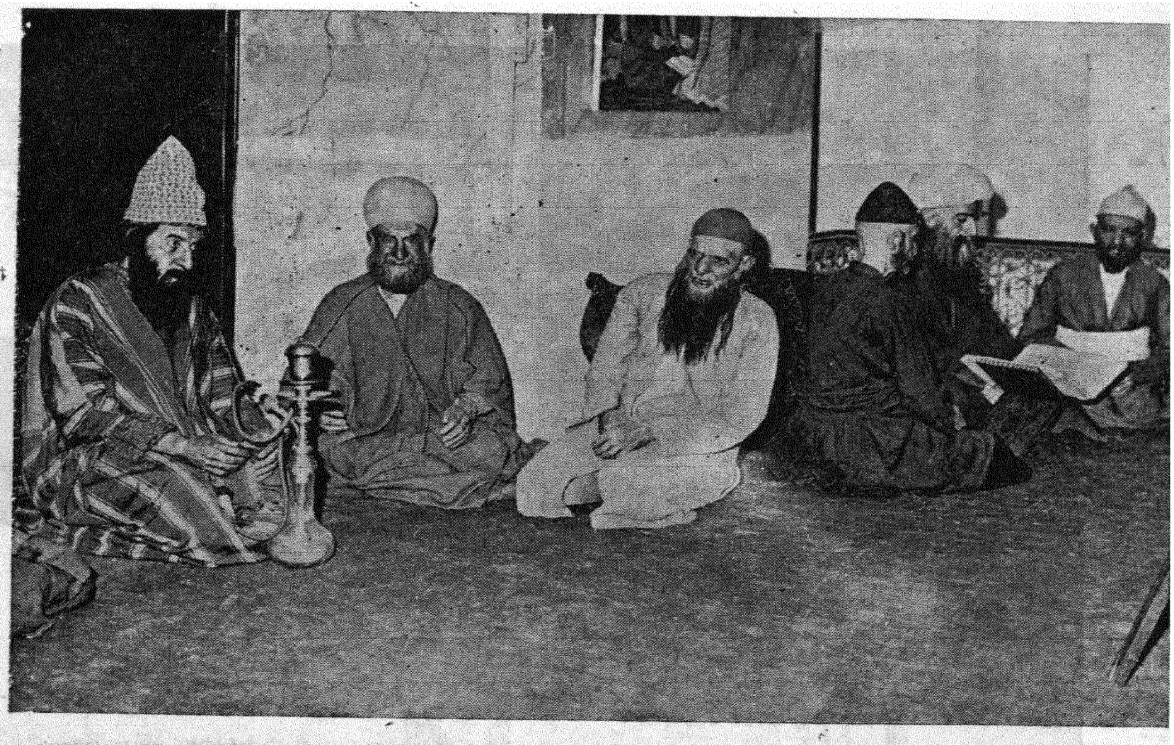

مجلس سمت‌راست : یکنفرروحانی برای دونفردهاتی‌مسائل‌مذهبی‌را توضیح میدهد.
مجلس سمت چپ : مالك ، کدخدا و رعیت را نشان‌میدهد.

دانشجویان اعزامی به‌خارجه

اولین گروه اعزامی بخارج که مرکب از عده‌ای محصل و کارگر بودند دردورهٔ سلطنت فتحعلیشاه قاجار بهمت فرزند وولیعهد اوعباس میرزا برای احداث کارخانه‌های ماهوت بافی و توپ ریزی واسلحه سازی و اطلاع از صنعت چاپ سربی به‌انگلستان و روسیه رهسپار گردیدند. در دوران سلطنت ناصرالدین شاه قاجار نیزهفتاد و پنج نفر محصل باروپافرستاده شدند. از آن‌ببعد اشخاصی‌فرزندان خودرابرای تحصیل‌بفرنگستان میفرستادند.

اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر که ازاوان سلطنت خود برنامه هائی برای عمران وآبادانی واستفاده ازمنابع زیر زمینی و تعلیم و تربیت جوانان کشور داشتند و اجرای این اموزمهم نیزجزازراه تعلیم وتربیت وتهیهٔ عدهٔ‌کافی متخصص امکان پذیر نبودتصمیم گرفتند که هرسال عده‌ای محصل‌بهزینهٔ دولت بخارج از کشور اعزام شود وبدینمنظور قانون اعـزام محصل بخارج در اول خـرداد ماه ۱۳۰۷ از تصویب مجلس شورای ملی گذشت ودرهمان سال اولین دورهٔ محصلین دولتی به‌اروپا اعزام گردید.

اعزام محصلین دولتی بخارجه تاسال ۱۳۲۰ ادامه داشت و در نتیجه عدهٔ زیادی معلم ومتخصص دررشته های پزشکی، تعلیم وتربیت، حقوق، اقتصاد وتجارت، فلسفه، قسمتهای مختلف مهندسی، صنوف سه‌گانهٔ ارتش (زمینی، دریائی، هوائی)، بیسیم و تلگراف، کشاورزی، گمرك، علوم، طبیعیات، شیمی، فیزیك، معماری، ذوب‌آهن، موسیقی، زبان وادبیات خارجی وغیره ازدانشگاهها ومدارس عالیه فارغ التحصیل شده وبرای خدمت بکشورمراجعت نمودند وباکمك‌آنان، قبل ازسال ۱۳۱۵ دانشکده های پزشکی، فنی، حقوق ودانشسرای عالی تأسیس گشته وسپس مجموع این دانشکده ها،

دانشگاه تهران راتشکیل دادند که درسال مزبورافتتاح شد .

شاهنشاه فقید بقدری برای تحصیل در خارج ازکشور اهمیت قائل بودند که فرزند وولیعهد والاگهرشان اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی رانیز درتاریخ ۱۳شهریور ماه ۱۳۱۰ پس ازپایان تحصیلات مقدماتی درایران، برای تکمیل تحصیلات متوسطه وعالی بکشورسویس اعزام فرمودند . متأسفانه درسال ۱۳۲۰ نایرهٔ جنگ دوم جهانی بایران نیز کشانده شد ودراعزام محصل بخارج وقفه‌ای حاصل گردید ولی بمحض اتمام جنگ ورفع گرفتاریهامجدداً ازطرف دولت باعزام محصل بخارج اقدام شد .

ازاهم این اقدامات ، اعزام شاگردان رتبه اول دانشکده های مختلف باروپاو امریکا است که حسب‌الامر ذات ملوکانه عملی شد ودردیماه سال ۱۳۳۳ قانون آن از تصویب مجلس گذشت .

ضمناً برای آنکه محصلین‌ایرانی غیردولتی درخارج ازکشور دچار مضیقهٔ مالی نشوند ارزبنرخ رسمی دولت که بانرخ بازار آزاد تفاوت فاحش داشت دراختیارآنان گذارده شد وبموجب قانون مقرر گردیدبمحصلینی که تا۲۳ تیرسال۱۳۳۶ دردانشگاهها ومدارس معتبرخارجی بتحصیل رشته‌های مجاز ازقبیل پزشکی، علوم، مهندسی، تعلیم وتربیت اشتغال دارند ازبودجهٔ دولت وسازمان برنامه بترتیب زیر کمك هزینهٔ رایگان پرداخت شود :

دانشجویان مقیم امریکا ماهیانه ازپنجاه تاصد دلار .

دانشجویان مقیم اروپا وسایرممالك ماهیانه بیست لیره .

این کمك هزینه که تقریباً معادل بیش از نصف کلیهٔ مخارج اقامت و تحصیل در خارج برای یك جوان دانشجواست ، مساعدت بسیار مهمی بزندگی دانشجویان‌ایرانی نموده‌است . و نیز برای اینکه رفتار ووضع تحصیل دانشجویان ایرانی در خارج کشور مورد مراقبت خاص قرار گیرد ادارات سرپرستی دراروپا وامریکا تأسیس شده‌است که



شاهنشاه شاگردان اول دانشکده‌هارا پیش ازعزیمت بخارج مورد تشویق وتفقد قرارمیدهند .

همه گونه کمك وراهنمائی رابدانشجویان مبذول میدارند .

ضمناً برای انجام دادن کار های فرهنگی دانشجویان اعزامی وراهنمائی جوانانی که قصد تحصیل درخارج از کشور دارند اداره‌ای بنام ادارهٔ دانشجویان اعزامی در وزارت فرهنگ باکارمندان کافی تأسیس شده‌است .

آماردانشجویان مقیم‌خارج از کشور(امریکا، اروپا،آسیا ومصر) بقرارزیراست:

نام قاره	دانشجویان دولتی وسازمان برنامه	دانشجویانی که کمك هزینه‌میگیرند	دانشجویان بهزینهٔ شخصی
اروپاوآسیا	۱۲۵ نفر	۲۱۷۷نفر	۶۵۳۳نفر
امریکا	۱۶۲ نفر	۱۲۱۱نفر	۲۰۶۰نفر
	جمع ۲۸۷نفر	۳۳۸۸ نفر	۸۵۹۳نفر

جمع کل ۱۲۲۶۸ نفر

باین‌ترتیب درپایان سال۱۳۳۷بیش‌ازدوازده هزارنفر دانشجوی ایرانی‌درخارج ازکشور بتحصیل اشتغال داشته‌اند . امید میرود که این دانشجویان پس‌از فراگرفتن علوم وفنون ، مراجعت کرده دین خودرا به میهن عزیز ادا نمایند .

مبارزه بابیسوادی

هدف وزارت فرهنگ از مبارزه بابیسوادی آشنا ساختن اکابر و مردمی که از تحصیل محروم مانده‌اند، بزندگی بهتر وبالا بردن سطح اطلاعات عمومی است. این فکردر سال ۱۳۱۵ دردورهٔ سلطنت شاهنشاه فقید، مورد اجرا قرار گرفت وعدهٔزیادی ازطبقات مختلف در کلاسهای سالمندان بتحصیل مشغول شدند.

طبق آمارموجود، در سال ۱۳۱۹، ۱۵۰۰۰۰ نفر در کلاسهای اکابر مشغول تحصیل بوده وازخواندن ونوشتن برخوردار میشدند.

بعد ازشهریور ۱۳۲۰ برنامهٔ تعلیمات اکابر بعلت مشکلات فوق‌العاده که اشغال کشور ازطرف نیروهای بیگانه بوجودآورد، کاهش یافت وقوس نزولی پیمود بطوری که درسال تحصیلی ۳۴-۳۵ به ۱۲۰۰۰ نفرتقلیل یافت.

بفرمان اعلیحضرت همایون‌شاهنشاه، مبارزهٔ بابیسوادی مجدداً بافعالیت‌بیشتری ازمهرماه ۳۵درسراسر کشورآغاز گردید و کلیهٔ معلمین‌دراین جهادمقدس باعلاقمندی کامل در کلاسهای اکابر، عهده دار تدریس شدند.

آمار کلاسهای مدارس شبانه

تعداد نوآموزان سالمند در سال تحصیلی ۳۵ ـ ۳۶، ۲۳۱۷۰۱ نفر بود که در ۶۸۵۸ کلاس درسراسر کشور به تحصیل مشغول بودند.

درسال تحصیلی ۳۶ـ۳۷، آمارنوآموزان به۲۵۱۳۴۷ نفرافزایش یافت و۱۲۳۰۵ کلاس درسراسر کشوز دایر گردید.

تعداد نوآموزان مرد درسال ۳۶ ـ ۳۷، ۱۹۹۷۸۵ نفر و تعداد نوآموزان زن ۵۱۵۶۲ نفر بود. علاوه براین برای با سواد نمودن افراد سرباز، ژاندارم، پاسبان و زندانی نیز کلاسهائی تأسیس گردید.

درسال تحصیلی ۳۶-۳۷ ، ۱۷۹۰۷ ژاندارم، ۱۷۰۹۳ پاسبان وزندانی و ۹۰۰۰۰ سرباز در کلاسهای اکابر مشغول تحصیل بوده‌اند .

طبق آخرین آمار، درپایان اسفند ماه ۳۷، تعداد ۵۹۳۲۲ نفرزن و ۲۴۵۹۳۱ نفر مرد در ۱۲۴۶۳ کلاس درسراسر کشور بتحصیل مشغول بوده‌اند و بعلاوه در پایان ماه مزبور ۹۰۰۰۰ نفرسرباز در ۳۰۰۰ کلاس و ۱۰۵۰۰ نفرژاندارم در ۳۱۴ کلاس و ۵۹۲۸ نفر پاسبان وزندانی بتحصیل اشتغال داشته‌اند .

کتب جدید

برای اینکه نوآموزان سالمند ، درمدتی کوتاه وباکمترین اهتمام ، خواندن و نوشتن رابیاموزند ، کتب جدیدی بنام «همه با سواد میشویم» و « چگونه بهتر زندگی کنیم» بااستفاده ازروش سمعی وبصری وآخرین تجربیات علمی وعملی تدوین گردید و باقیمت نازلی دراختیار نوآموزان سالمند قرارداده‌شد ومعلمین اکابربا استفاده‌ازاوراق و کارتهای مصوری که برای تسهیل درامرتدریس چاپ شده باآسانترین روش‌تعلیماتی، خواندن ونوشتن رابافراد میآموزند بطوریکه بعدازچهارماه، یك نوآموزشصت ساله، بخوبی میتواند بخواند وبنویسد .

بـرای آشنا ساختن معلمین و افسران مأمور اجرای تعلیمات اکابر، کـلاسهای کارآموزی خاصی بمنظور آشناساختن آنان بروش جدید تعلیم ، درتهران ایجاد شده ومورداستفادهٔ نمایندگان‌مراکزاستانهای‌فرهنگی‌نیزقرار گرفته‌است. ضمناًبآموزگاران توصیه شده است که با پند و اندرز های مفید ، مردم بیسواد را بوظایف خانوادگی و اجتماعی وطرز سلوك باهموطنان خود آشنا سازند .

دربرنامهٔ پنج ساله‌ای که درنظر گرفته شده و از ابتدای سال تحصیلی ۳۷ - ۳۸ بمرحلهٔ اجرا درآمده ، کلاسهای اکابر بتدریج بمدارس شبانه تبدیل خواهد شد وبرای نوآموزانیکه کتابهای اول ودوم و برنامهٔ دوسالهٔ اکابر را بپایان رسانیده و موفق بـاخذ گواهینامه شده‌اند ، کلاسهای پنجم وششم درتهران وشهرستانها دایرشده است .

برای آشنا نمودن نوآموزان بوظایف ملی ، دینی و اخلاقی و راهنمائی آنـان

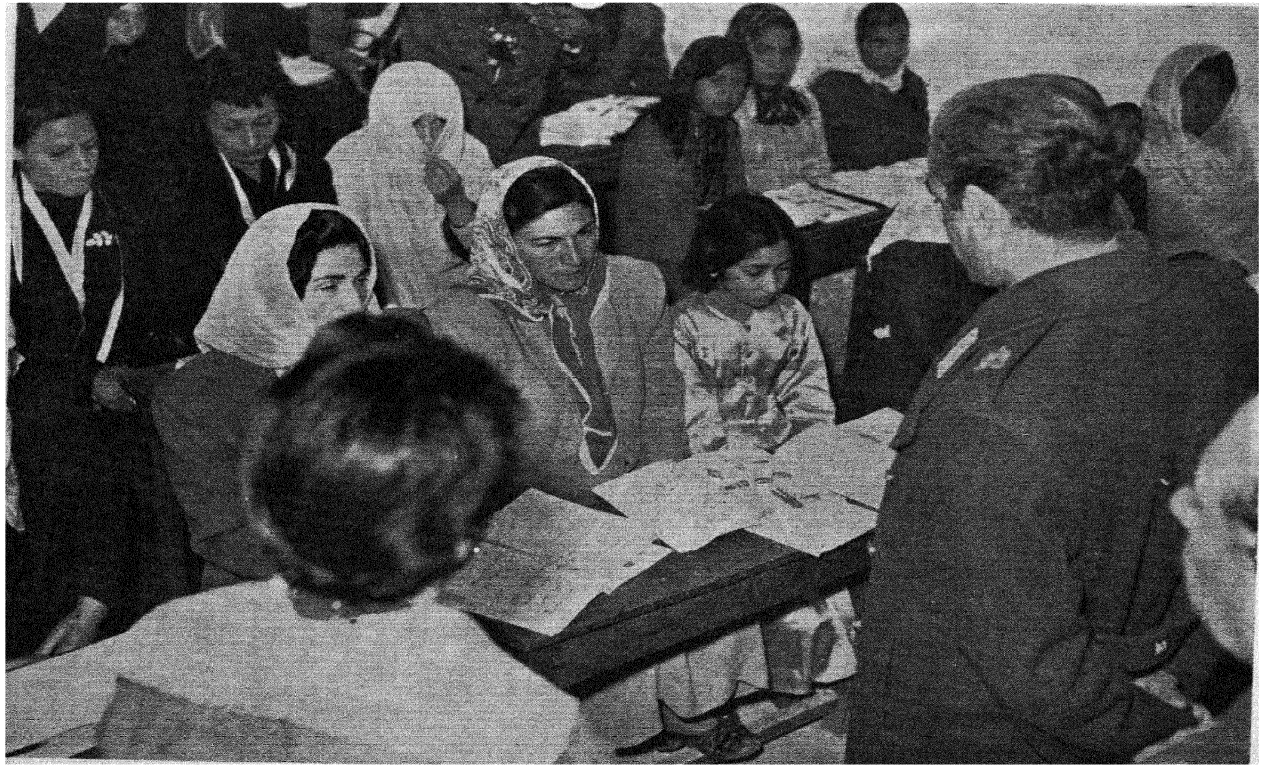

بازدید شاهنشاه از کارگاههای مبارزه با بیسوادی

بزندگی بهتر ، مجالس سخنرانی درمراکز شهرستانها ترتیب داده میشود و همچنین جزواتی که هریك شامل یکی از مسائل اجتماعی ، بهداشتی ، تدبیرمنزل است بابهای ارزان دراختیارنوآموزانیکه خواندن ونوشتن رافراگرفته‌باشند قرارداده خواهدشد .

در نظر است مدارس شبانه بمدارس حرفه‌ای تبدیل گردد بدین ترتیب که یك شب درهفته بجای تدریس موادعلمی، ببانوان، خیاطی، طباخی، خانه داری،تدبیرمنزل، بچه‌داری وبه‌آقایان، درودگری، آهنگری، سیمکشی ونظایرآن آموخته شود .



یکی از کلاسهای مبارزه با بیسوادی

دراینجا این نکته یادآوری میشود که اشتیاق مردم برای شرکت در کلاسهای مبارزه با بیسوادی بحدی است که در سال تحصیلی ۳۷-۳۸ بااینکه ۵۴۴۷ کلاس اضافه برکلاسهای سال قبل برای پذیرش نوآموزان دایر شده بود ، در بعضی کلاسها تعداد محصلین به ۳۵ تا ۴۵ نفربالغ میشد .

پیش بینی میشود درصورتیکه برنامه بهمین نحوتوسعه وپیشرفت یابد ،حداکثر تاده سال دیگرریشهٔبیسوادی ازاین کشور رخت بربندد .

موقوفات

یکی از سنت های حسنهٔ نیاگان نیکوکارما ، ایجاد موقوفات و صدقات جاریات است که برای ادارهٔ امورمذهبی و حفظ آداب و عادات وسنن پسندیدهٔ قوم ایرانی و نگاهداری مؤسسات خیریه ودستگیری ازدرماندگان ، تمام یاقسمتی از اموال خود و ازبهترین آنرا بصورت وقف باقی میگذاشتند تادرآمد آن به‌مصارفی که دروقفنامه‌ها با شرایط خاصی‌تعیین میکردند برسد. موضوع وقف درایران منحصربدورهٔ اسلامی‌نیست بلکه نیکوکاری ذاتی وملی‌ما، دردوران قبل ازاسلام نیزمظاهر درخشانی دارد واز آن جمله است موقوفات آتشکدهٔ معروف نوبهار دربلخ که بتولیت وسدانت خانوادهٔبزرگ و اصیل برمکیان اداره میشده است . دردوره های اسلامی که دین حنیف اسلام مردم‌را بیاری و کمك درماندگان‌ومستمندان‌دعوت کرده، این خصلت پسندیده را در ایرانیان بیدارترودرخشنده‌ترنموده است . درتاریخ موقوفات ایران‌نمونه‌های بسیارشگفت‌انگیز وجود دارد ازقبیل مدارس بزرگ درشهر های مهم ایران که خواجه نظام‌الملك دایر کرد مانند مدرسهٔ نظامیهٔ بغداد ونیشابور وغیره وموقوفات زیادی که برای نگاهداری طلاب علوم ومدرسین و خدام وکتابخانه‌ها بر این مدارس وقف نمود ونیز موقوفات بسیاری که خواجه رشید الدین فضل‌الله وزیر برای ربع رشیدی وکتابخانهٔ بزرگ آن ایجاد نمود .

موضوع وقف وموقوفات در ایران هنگامی بمنتها درجهٔ اهمیت خود رسید که حکومت ایران بخانوادهٔ صفویه انتقال‌یافت . پادشاهان صفوی وبه پیروی ازآنان‌اعضاء خاندان سلطنت وبتأسی ازخانوادهٔ سلطنت عموم ثروتمندان و متمکنان ایران در وقف کردن اموال خود درراه خدا وائمهٔ هدی و ترویج دین و شعائرتشیع بایکدیگرمسابقه گذاشتند وبطوریکه معروف است یکی ازپادشاهان صفوی که گویا شاه عباس کبیربوده گفته‌است جزانگشتری که دردست‌دارم همهٔ ثروت ومایملك من وقف برخاندان رسول

و آل علی است و حتی میگویند بعد از ساختن مسجد شاه معروف اصفهان خواست که املاکی برای ادارهٔ امورمسجد وقف کند ولی درشهر اصفهان ملك و مزرعه‌ای که وقف نباشد یافته نشدومجبور گردید ازشهرهای دیگراصفهان املاکی خریداری ووقف گرداند. اگرهم‌این گفته‌ها اغراق باشد قدرمسلم اینست که درایجاد موقوفات وصدقات جاریات برای حفظ حیات درماندگان وترویج دین اسلام ، ازشاه تارعیت راه افراط

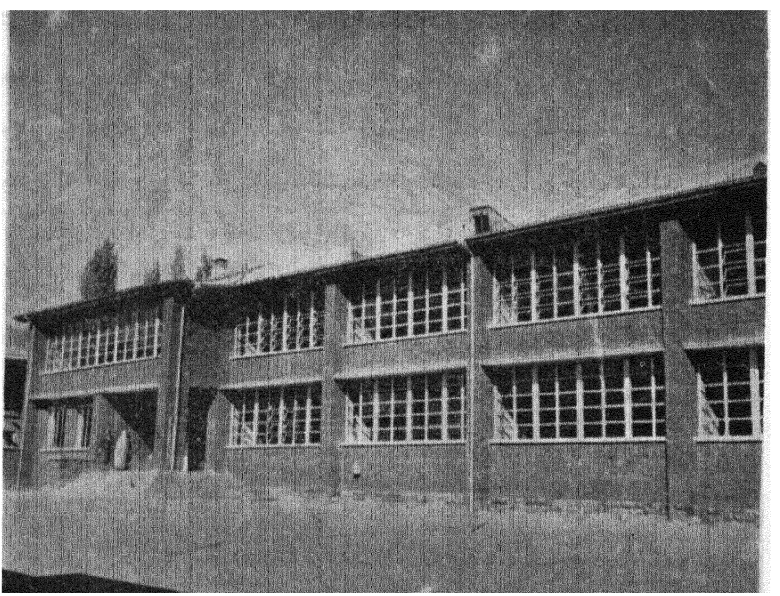

یکی ازدبستانهائی که ازمحل درآمد اوقاف در تهران بنا شده

میپیمودندووقف کردن اموال‌جزوعادات‌وسنن‌خانواده‌های‌بزرگ‌واصیل‌ایرانی‌واصطلاح یکی از کارهای مدآنروز شمرده میشد وشاید اگرقیام نادر وانقلابات دورهٔ سلطنت آن پادشاه جهانگیرنبود که یکباره تمام‌موقوفات رامصادره کرد وجزوخالصهٔ دولتی قرارداد ویا تحولات وهرج ومرج های اواخر سلطنت نادرشاه تا ابتدای سلطنت قاجاریه پیش نمیآمد ، اکنون بیش از نیمی از کشور ایران بصورت موقوفات باقی‌مانده بود. وقف ـ نامه‌های قدیمی بسیاردردست داریم که درهریك ازآنها متجاوز ازده‌ها آبادی وقریه و

مزرعه بانام ونشان وقف شده وموقوفات مزبور اکنون یا بصورت خالصه دولتی است و یااشخاصی بنام ملك تصرف کرده‌اند .

موقوفات ازصدرمشروطه - موقوفات ایران برحسب مقررات وقفنامه، بدون اینکه دردفاتر معینی ثبت وضبط شده باشد دراختیار ودردست متولیان و متصدیان آن اداره میشده که درآمدآنرا کم وبیش بمصارفی که واقفان مقررداشته‌بودند میرسانیدند. قسمتی ازموقوفات‌مزبوربعلت درستکاری‌وبا ایمانی سلسلهٔ‌تولیت تاکنون باقی‌وبرقرار مانده وقسمت عمدهٔ‌آن هم ازمیان رفته وبصورت ملك موروثی درآمده‌است . اکنون موقوفاتی‌که تاریخ وقفنامهٔ‌آن قبل ازسلسلهٔ آل قاجار باشد بندرت یافته میشود وغالب موقوفاتی‌که فعلاً باقی‌است اززمان سلطنت‌فتحعلی شاه قاجاربابن طرف میباشد .

بعد ازبرقراری مشروطه ، اولین قانونی‌که برای حفظ موقوفات وثبت و ضبط آن ازمجلس شورای ملی‌ایران گذشت قانون۲۸ شعبان ۱۳۲۸ هجری، قمری است که درآن قانون ، ایجاد ادارهٔ اوقاف وادارهٔ تحقیق پیش بینی ومقررشده‌است که‌موقوفات بایستی تحت‌نظارت اوقاف اداره‌شود تاازحیف ومیل اصل رقبات جلوگیری وبردرآمد ومخارج آن هم نظارت شود ونیزتکلیف موقوفات مجهول التملیه ومجهول‌المصرف و نحوهٔ اداره ومصرف در آمدآن معین گردیده‌است . پس‌از تصویب این قانون ادارهٔ کل اوقاف که یکی ازادارات تابعهٔ وزارت فرهنگ شمرده میشد تأسیس گردید وکم وبیش درامورموقوفات‌عامه نظارت نمود . از آن تاریخ ببعد رقبات موقوفات‌درایران‌بتدریج وارد دفاتر موقوفات شد و تحت ضابطهٔ نسبتاً صحیحی درآمد و متولیان و متصدیان کمترتوانستند دراصل رقبات وعین موقوفات تصرفات خلاف شرع وقانون بنمایند ولی قانون مزبور کافی نبودکه دولت بتواند آنطورکه لازم است در امر موقوفات نظارت صحیح بنماید واعمال متولیان ومتصدیان رادقیقاً بازرسی کند .

قانون دیماه ۱۳۱۳ - درزمان‌سلطنت اعلیحضرت‌رضاشاه کبیر،بدنبال‌اصلاحات اساسی که درسازمان اداری‌واجتماعی کشوربعمل‌آمد، نسبت بقانون اوقاف وادارهٔ‌امور موقوفات عامه نیزتجدید نظرگردید . بنابه پیشنهاد دولت وقت دردیماه ۱۳۱۳ شمسی

قانونی مشتمل برده ماده ازمجلس شورای ملی ایران گذشت ومادهٔ دهم آن قانون، تهیه و تدوین آئین نامهٔ اجرائی قانون مزبور را با تصویب هیئت وزیران اجازه داد. این قانون اداره کردن موقوفات مجهول التولیه وبلامتولی را بعهدهٔ ادارهٔ کل اوقاف گذاشت ونیز نظارت دولت را بر کلیهٔ موقوفات عامه که درآمد آن برای مصارف عام المنفعه تخصیص یافته اجباری ساخت ومقرر داشت که ادارهٔ اوقاف بابت نظارت خود براین موقوفات ، ۵٪ از درآمد خالص موقوفه را دریافت کند و بمصرف تعمیر ابنیه و آثار تاریخی

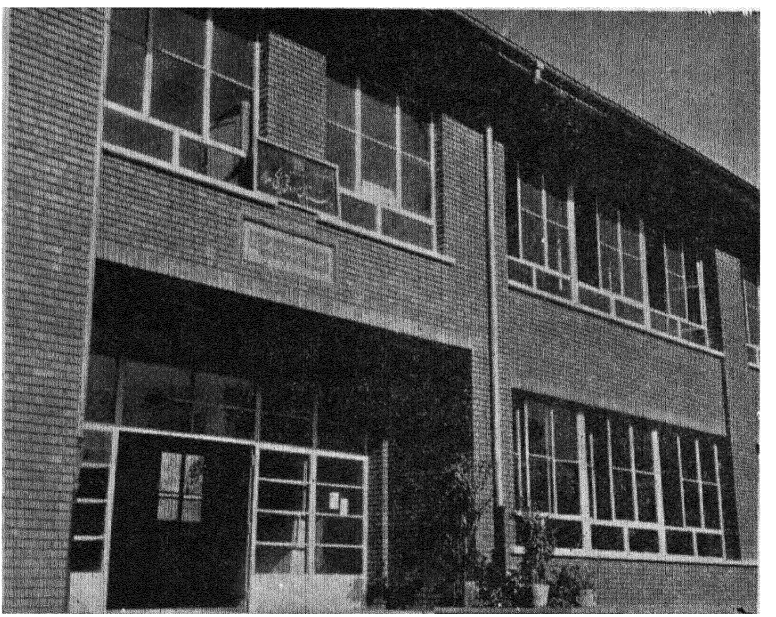

دبستان دزاشیب که ازمحل درآمد اوقاف ساخته شده

و اماکن مقدسهٔ ملی و مدارس قدیمه برساند. آئین نامه‌ای که در اردیبهشت ماه ۱۳۱۴ ازهیئت وزیران گذشت، نحوهٔ نظارت بردرآمد ومخارج موقوفات عامه‌راتعیین نمود. برطبق آئین نامهٔ مزبور برای نظارت برعایدات کلیهٔ رقبات موقوفات که‌درآمد آن درسال بیش‌از ۱۵۰۰۰ ریال‌است‌ازطریق‌مزایده عمل واجاره نامهٔ رسمی‌تنظیم میشود ومتولیان ومتصدیان موظفند که مطابق عایدات موقوفات مورد تصدی خود همه ساله

بودجه‌ای مطابق نمونهٔ موجود تنظیم وبدان عمل کنند. دراین بودجه‌ها میزان حق‌التولیهٔ متولی وحق‌النظارهٔ اوقاف ومالیات و مخارج عمران و آبادی اصل و عین رقبات تعیین میشود و باقیماندهٔ آن هر چه باشد بعنوان مصارف مقرره مطابق وقفنامه ها در فصل مخصوصی منظور وبمتولیان ابلاغ میشود که برطبق آن عمل کنند ونیز متولیان موظفند که درظرف سه‌ماه‌اول هر سال، صورت‌حساب درآمد ومخارج موقوفه را مطابق بودجه تهیه وبااسناد مثبت‌بادارهٔ تحقیق اوقاف بفرستند که درآنجا رسیدگی ودرصورت‌صحت مفاصا حساب‌داده شود. درصورتیکه‌متولی یامتصدی ازاجرای‌مقررات قانون‌یاآئین‌نامهٔ آن سرپیچی کند ، ادارهٔ اوقاف‌هرمحل ضمن‌تقدیم دادخواست وذکر مواردا ستنکاف متولی، از ادارهٔ تحقیق اوقاف تقاضای رسیدگی میکند وآن اداره بدادخواست مزبور رسیدگی وقرار ممنوعیت‌متولی راموقتاً ازدخالت درامرموقوفه صادرمینماید .دراین صورت اداره کردن‌موقوفهٔ مزبور با ادارهٔ اوقاف است و تا وقتی‌که رفع ممنوعیت از متولی نشود اوحق مداخله درامر موقوفه نخواهد داشت . باذکر بسیار مختصری از وضع موقوفات ونحوهٔ اداره کردن‌آن باید گفته شود که موقوفات قبل ازظهورسلطنت سلسلهٔ‌جلیلهٔ‌پهلوی‌بعلت‌نبودن‌قانون ودفتر رقبات‌بصورت مطلوبی‌اداره نمیشد ونه تنها درآمد آن بمصارفی که واقفان مقرر داشته بودند نمیرسید بلکه عین واصل رقبات نیز درمعرض اتلاف وتغییر وتبدیل بود وچنانکه در مقدمه ذکرشد بسیاری از موقوفات بزرگ که وقفنامه های‌آن هنوزموجود است بکلی‌ازمیان رفته وبصورت ملك شخصی درآمده وچندین دست گشته است ولی پس از تصویب قانون مزبور بزرگترین خدمتی که ادارهٔ کل اوقاف بموقوفات کشور نمود گذشته ازنظارت بردرآمد ومخارج واجراء نظرواقفان ، حفظ عین‌واصل رقبات موقوفات بود زیرا ازآن زمان بتدریج کلیهٔ‌رقبات وقفی دردفاتر ادارات اوقاف به‌ثبت رسید ورونوشت یااصل وقفنامه‌ها درپرونده ها نگاهداری شد وبدینوسیله در هنگام ثبت دادن املاك هرناحیه مراقبت لازم بعمل‌آمد تارقبات وقفی‌بصورت ملك‌شخصی‌ثبت داده نشودوتاجائیکه امکان‌داشت ازحیف‌ومیل و تغییر وتبدیل رقبات وقف جلوگیری گردید و اگرچه درخلال این مدت نیز برخی از

موقوفات بصورت ملك شخصی بثبت رسید ولی مسلماً اگر ادارهٔ اوقاف نبود و نظارت ومراقبت نمی‌نمود شاید مقدار زیادی از رقبات بصورت ملك شخصی ثبت داده میشد. یکی ازنتایج بزرگ قانون وسازمان اداری اوقاف گذشته ازحفظ عین رقبات این بود که موجب گردید اشخاص خیرونیکوکار مطمئن شدند که دستگاهی برای حفظ موقوفات وجود دارد وبراعمال متولیان نظارت میکند لذا اموال خود را وقف بربیمارستانها و مدارس وپرورشگاههای یتیمان وغیره نمودند ونیزازدرآمدی که مطابق قانون وآئین‌نامه عاید صندوق اوقاف میشود علاوه برتعمیروحفظ ابنیه وآثارتاریخی مانند آثار تاریخی اصفهان وسایر شهرهای ایران ، تعداد زیادی دبستان ودبیرستان چه درتهران وچه در شهرستانها ساخته‌وبوزارت فرهنگ واگذار شده چنانکه ازسال ۱۳۳۳ باین طرف تنها درتهران شانزده باب دبستان و دبیرستان ازپول اوقاف بنا گردیده که متجاوز ازچهل ملیون ریال مخارج آن شده است .

ورزش

سازمان تند رستی جوانان وتربیت بدنی ایران

میهن‌ما از قدیمترین ایام ، بورزش دوستی وقهرمان‌پروری معروف‌بوده . علاوه برنوشته‌های مورخین رومی ویونانی ، هرصفحه‌ای از شاهنامهٔ فردوسی پراز داستانها وصحنه‌هائی‌است که نشان میدهد سواری ، شمشیرزنی ، کشتی‌گیری ، چوگان بازی و تیراندازی از ورزشهای بومی و بازیهای متداول ایران باستان بوده . پدران ما معتقد بودند که نیروی جسمی ونیروی‌روحی واخلاقی، باهم ارتباط و ملازمه دارند ؛ چنانکه فردوسی میفرماید :

ز نیرو بود مرد را راستی　　زسستی کژی زاید وکاستی

فردوسی برای بیان روحیه و احوال و خوی ملی پدران ما ، رستم را بعنوان یکنفر ایرانی نمونه ، قهرمان داستانهای خود قرارداده وعالیترین صفات انسانی را در اوجمع کرده است .

رستم علاوه‌براینکه بزرگترین پهلوان دنیای‌آنروز بوده وهمیشه درهمهٔ جنگها فرماندهی سپاه ایرانرا بعهده داشته‌وهمیشه فاتح ومقتدروسربلند بوده ، درادب‌وتواضع وجوانمردی وتوکل‌بخدا ومیهن‌پرستی وشاه‌دوستی‌وحقشناسی و وفای بعهدنیزعالیترین فردانسانی بوده‌است . ادب وتواضع و همچنین اطاعت و محبتی که هر پهلوان نسبت به پهلوان بزرگتر ازخود وهمهٔ آنها نسبت به‌رستم داشتند واو را ازهرحیث سرمشق‌خود میدانستند واینکه رستم‌نیز آنها را فرزندخود میشمرده ، بخوبی‌نشان میدهد که‌جامعهٔ ایران کهن ، مانند خانوادهٔ گرم و سعادتمندی بوده که کلیهٔ افراد آن خانواده بوظیفهٔ خود آشنا بوده وبانهایت میل وعلاقه دراجرای‌آن کوشش‌میکرده‌اند . پدر و رئیس و بزرگ این‌خانواده ، شخص شاهنشاه بوده که همهٔ افراد ، باکمال صمیمیت و احترام و فداکاری ، دوراو جمع شده ومانند پروانه ، گردش میگشتند .

افراد جوان ونیرومند این‌خانواده ، انجام دادن کارهای سنگین را تکلیف‌خود میشمردند و از زراعت و فراهم کردن روزی و وسایل آسایش خانواده و آباد کردن کشور وهمچنین آماده‌نمودن خود برای‌دفاع وجانبازی درراه میهن ، آنی‌غافل نبودند. وافراد عادی خانواده ، مانندزنان وپیرمردان و کودکان ، با اتکاء بجوانان نیرومندخود، آسوده زندگی میکردند .

پس ازاستیلای اعراب ، ورزش وپهلوان پروری ، در رکود و فراموشی ماندتا آنکه درزمان یعقوب لیث صفاری ، گروهی ازجوانان رادمردایرانی بنام عیاران ، در خفا ، تمرینها و ورزشهای رزمی را آغاز کردند منتها برای‌آنکه سوءظن اعراب‌جلب نشود ، تمرینهای رزمی وباستانی ایران را درظاهر تغییرشکل دادند وبصورت ورزش درآوردند . ولی بامشاهدهٔ لوازم ورزش آن‌دوره بخوبی معلوم میشود که این تمرینها رزمی‌بوده . مثلاً ورزش‌سنگ که درزورخانه‌های فعلی‌هم معمول‌است ، بمنظور آماده کردن شخص برای نگاهداری ودفاع بوسیلهٔ سپرهای جنگی بوده ومیل جانشین گرز و گاوسر گردیده‌و کباده‌بمنزلهٔ کمان بکار میرفته‌وحرکات دیگررزمی که با ورزش توأم میکردند وفعلاً هم درزورخانه‌ها دیده میشود ، جوانانرا برای پیکار در راه میهن‌آماده میکرده است .

پس ازآنکه ایرانیان برهبری یعقوب‌لیث و سایر دلاوران ، اعراب را از میهن راندند ، این‌ورزشها نیزعلنی وعمومی شد. سرسلسلهٔ پهلوانان آن دوره و پیش‌کسوت ورزشهای ایرانی ، پوریای ولی‌بوده‌است .

اما باز ورزشهای باستانی‌ما درطول زمان بـه‌پستی و بلندی گرائید تا در دورهٔ سلطنت ناصرالدینشاه قاجار که عـلاقهٔ زیادی به پهلوانی و کشتی‌گیری داشت ، رونق گرفت بطوریکه همه ساله درروزنوروز، پهلوانان کلیهٔ شهرستانهای ایران در تهران حاضرمیشدند ودرحضورپادشاه ، زورآزمائی میکردند و برندگان آنها بعنوان پهلوان پایتخت، جزوغلامان خاصه دردربار میماندندکه معروفترین‌آنها پهلوان یزدی‌بزرگ وپهلوان اکبرخراسانی وپهلوان اصغرنجار وحاجی سیدحسن شجاعت معروف به‌رزاز وحاجی محمدصادق بلورفروش بوده‌اند .

اعلیحضرت رضاشاه کبیر ، درصدد برآمد که ورزشهای علمی امروزی را در ایران پی‌گذاری نماید لذابفرمان همایونی ، در اردیبهشت سال۱۳۱۳ ، هستهٔ مرکزی

انجمن‌تربیت‌بدنی وپیش‌آهنگی ایران ریخته شد وازبدو تأسیس ، اعلیحضرت محمد ـ رضا شاه‌پهلوی که در آن تاریخ ولیعهد بودند ، ریاست عالیهٔ آنرا بعهده گرفتند . در همان‌اوان، آقای‌میرمهدی ورزنده که در کشورهای اروپا مخصوصاً سوئد به ورزشهای نوین کاملاً آشنا شده‌بودند ، مأمور ترویج این‌ورزشها درایران شدند . در سال ۱۳۱۵ پایهٔ اولین استادیوم ورزشی ایران بنام امجدیه ریخته‌شد. درسال ۱۳۱۸ اولین‌مسابقات قهرمانی کشوردرکلیهٔ رشته‌های نوین‌ورزشی ازقبیل کشتی ، وزنه برداری، دوومیدانی، شنا،فوتبال‌وغیره انجام شدوقهرمانان‌آن، روزولادت‌مسعودوالاحضرت‌همایون‌ولایتعهد (۴آبان) ، بدریافت‌نشان ازوالاحضرت مفتخر شدند . لیکن پیشرفت سریع ورزش در میهن‌ما ، درسال ۱۳۲٤ آغازشد . مثلاً قبل ازآن‌سال ، درتمام‌کشور فقط یك‌استادیوم ورزشی (امجدیه) وجودداشت واستادیوم سرپوشیده اصلاً نداشتیم ولی امروز بیشتر استانها وشهرستانها ، دارای استادیومهای سرباز و سرپوشیده میباشند و بپیروی از منویات شاهنشاه و بمنظور ترویج ورزش در سراسر کشور ، برنامهٔ کار سازمان تندرستی جوانان وتربیت‌بدنی ایران بقرار زیر تعیین شده‌است :

۱ـ هماهنگ ساختن سازمانهای ورزشی ایران .

۲ـ ترویج واقعی روح ورزش‌دوستی .

۳ـ توجه کامل به کمیت ورزش .

۴ـ گسترش فضیلت اخلاقی میان ورزشکاران .

۵ـ تربیت مربیان کارآزموده .

٦ـ ایجاد تالارها واستادیومهای ورزشی درسراسر کشور .

۷ـ ازدیاد وسایل ولوازم جدید ورزشی .

امروز کشورما دارای فدراسیونهای ورزشی گوناگون است که هستهٔ آنها در سال ۱۹۴۷ (۱۳۲٦ شمسی) بوجودآمد ودرسال۱۹۴۸ ازطرف کلیهٔ‌سازمانهای‌ورزشی جهانی برسمیت شناخته‌شد ودرهمان‌سال ، ایران برای اولین‌بار در مسابقات المپیك در رشته‌های کشتی‌آزاد، وزنه‌برداری، بوکس و بسکتبال ، شرکت نمود وبرای اولین‌بار، جعفرسلماسی در رشتهٔ وزنه‌برداری دردستهٔ پروزن ، مقام سوم جهانی را بدست‌آورد وپرچم پرافتخار ایران در استادیوم ورزشی «ومبلی» لندن باهتزاز در آمد . همچنین در المپیاد بعد، درسال ۱۹۵۲ درهلسینکی، عدهٔ‌زیادی ازقهرمانان کشتی‌ووزنه‌برداری

ایران بمقام قهرمانی جهانی رسیدند بطوریکه دستهٔ کشتی و وزنه‌برداری ایران در بین ۵۷ ملت شرکت کننده ، مقام سوم رابدست آورد و در المپیاد بعد (۱۹۵۶) درملبورن ، مجدداً قهرمانان ایران نه تنها مقامهای خود را حفظ کردند بلکه موفقیتهای بیشتری بدست آوردند بطوریکه بازدستهٔ کشتی ووزنه‌برداری بمقام سوم جهانی رسید. مسابقات المپیك ، هرچهارسال یکبار ، باشرکت کلیهٔ قهرمانان جهان در تمام رشته‌های ورزشی انجام میشود. ولی البته دربین این سالها نیز ، ورزشکاران ایران درکلیهٔ مسابقات جهانی وبازیهای آسیائی که همه‌ساله در رشته‌های مختلف ورزشی برگزار میشد شرکت نمودند وموفقیتهای بزرگی کسب کردند منجمله :

۱ـ بازیهای آسیائی که هرچهارسال یکبار ، بین دوالمپیك برگزار میگردد .

۲ـ مسابقات جهانی که دراکثر رشته‌های ورزشی درهرکشور بعمل میآید.

مسابقات جهانی وزنه‌برداری درآبان ۱۳۳۶ باشرکت ۲۲ ملت درپیشگاه مبارك اعلیحضرت همایون مدت شش روز در تهران انجام یافت و بتصدیق همهٔ مهمانان و نمایندگان کشورهای خارجی، از نظرنظم وانضباط وتشکیلات، بهترین مسابقات جهانی شناخته شد وحال آنکه ایران اولین کشور آسیائی است که مسابقات جهانی وزنه‌برداری را انجام داده .

حسن جریان این مسابقات دراکثر روزنامه‌ها وازطرف مقامات رسمی بین‌المللی، موردتحسین فراوان قرار گرفت ویکی ازموفقیتهای بزرگ ورزشی ایران بشمار رفت . دراین مسابقات ، دستهٔ وزنه برداری ایران مقام سوم جهانی را بدست آورد درحالیکه ازنظرامتیاز ، بامقام دوم که نصیب امریکابود مساوی ومیان کشورهای آسیا دارای مقام اول بود .

سازمان تندرستی جوانان وتربیت بدنی ایران این اقدامات را از قدمهای اولیهٔ خود میداند وتحت رهبری شاهنشاه ایران ، همواره میکوشد که ورزش را توأم بافضایل اخلاقی ، درسراسر میهن ما بیش ازپیش رواج وتوسعه دهد .

کمیتهٔ ملی المپیك ایران

کمیتهٔ ملی‌المپیك ایران بنا بارادهٔ اعلیحضرت همایون شاهنشاه ریاست عالیهٔ تربیت‌بدنی و ورزشهای ایران دراردیبهشت ماه سال ۱۳۲۵ درتهران تأسیس‌یافته ودر مدت سیزده‌سالی که ازتاریخ تشکیل آن میگذرد در راه پیشرفت ورزش درایران و کسب پیروزیهای درخشان بین‌المللی توفیق بسیاری یافته‌است .

کمیتهٔ‌ملی المپیك‌ایران باهمکاری فدراسیونها و انجمن ملی تربیت بدنی وسایر سازمانهای ورزشی تاکنون موجبات شرکت ورزشکاران ایران را دربازیهای المپیك ۱۹۴۸ لندن ، ۱۹۵۲ هلسینکی ، ۱۹۵۶ ملبورن ، بـازیهای آسیائی ۱۹۵۰ دهلی‌نو ، ۱۹۵۸ توکیو وسایرمسابقه‌های بین‌المللی فراهم ساخته‌است .

کمیتهٔ ملی‌المپیك ایران ازسال۱۳۳۴ تحت‌ریاست والاحضرت‌شاهپورغلامرضا پهلوی اقدامات مؤثری برای شناساندن کمیته درداخل‌وخارج کشور بعمل‌آورده‌است ودرنتیجهٔ این‌فعالیتها ، کمیتهٔ المپیك جهانی ازوالاحضرت‌درخواست کرد که عضویت دائمی کمیتهٔ بین‌المللی المپیك را برای ایران قبول‌بفرمایند وبا این‌ترتیب یك کرسی دائمی درکمیتهٔ مزبور برای ایران بوجود آمد و کمیتهٔ بین‌المللی المپیك در جلسهٔ عمومی سال ۱۹۵۶ ملبورن باتفاق آراء ، کمیتهٔ ملی‌المپیك ایران‌را بین‌هشتاد وهشت کشور ، جدی‌ترین و فعالترین آنها در راه ترویج مرام دوستداران ورزش شناخت و جایزهٔ مخصوص بوناکوسا را برای ایران تصویب کرد .

کمیتهٔ ملی المپیك‌ایران اکنون دربین کمیته‌های المپیك هشتاد و هشت کشور که اغلب بیش ازپنجاه‌سال سابقهٔ تأسیس وفعالیت دارندمقام شایسته‌ای احراز کرده‌است وموفقیتهای شایانی‌راکه قهرمانان رادمرد ایرانی در میدانهای مسابقات جهانی بدست آورده‌اند باید نمونه‌ای ازفعالیتهای مداوم این کمیته دانست .

اساسنامهٔ جدید کمیتهٔ ملی المپیك ایران‌که منطبق با منشور المپیك وآخرین مقررات کمیتهٔ بین‌المللی المپیك است درتاریخ ۲۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۶ ازشرفعرض

اعلیحضرت همایون گذشت و فرمان شاهانه دایر بتصویب و توشیح آن صادر گردید .
بموجب این‌اساسنامه ، فدراسیونهای ورزشی‌ایران در کمیتهٔ ملی‌المپیك ایران متشکل میشوند ودرشورای عالی وهیئت‌رئیسهٔ کمیته دارای اکثریت هستند . دبیرخانهٔ کمیتهٔ ملی‌المپیك مجری مصوبات هیئت رئیسه بوده و کلیهٔ مکاتبات بین‌المللی کمیته و فدراسیونهای وابسته را انجام میدهدضمناً بمنظورانتشاراخبارصحیح کمیته وفعالیتهای ورزشی ، به‌نشریك گزارش رسمی پرداخته‌است .

جلسات هیئت رئیسهٔ کمیتهٔ ملی المپیك ایران هرماه لااقل دوبار در حضور والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی تشکیل میشود و بامور کمیته و روابط بین‌المللی فدراسیونهای تابعه رسیدگی میکند .

سازمان ملی پیش آهنگی ایران

هدف سازمان ملی پیش آهنگی ایران تقویت قوای فکری و تربیت نونهالان کشور و وادارنمودن آنان بکار و کوشش وتشریك مساعی در فعالیتهای عام‌المنفعه و

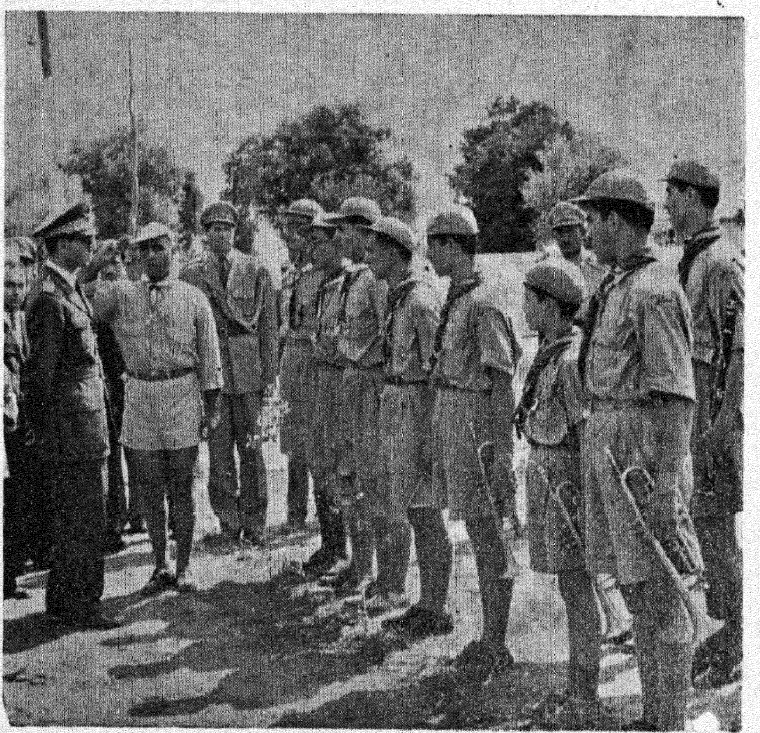

شاهنشاه رسد موزیك پیش آهنگان را قبل از عزیمت
به‌جشن ۱۹۵۷ انگلستان بازدید میفرمایند

ایجاد روح‌فداکاری ، میهن‌پرستی وشاهدوستی بین‌جوانان کشور میباشد .

سازمان ملی پیش آهنگی میکوشد که جمال نیکی ولذت از خود گذشتن بخاطر دیگری را چنان به‌جوانان بفهماند وبشناساند که باین کار خوبگیرند وعادت کنندوتحت

تعلیم وهدایت پیش‌آهنگی ، روح و جسم‌خودرا برای خدمت و حتی فداکاری بخاطر همنوع تربیت وآماده نمایند .

سازمان پیش‌آهنگی ایران در اواخر سلطنت شاهنشاه فقید تأسیس شد ولی‌از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ متوقف ماند و درسال ۱۳۳۲ بنا بامر اعلیحضرت همایون‌شاهنشاه حیات وفعالیت خود را باسبکی نوین ازسر گرفت وروز دوازدهم آذرماه ۱۳۳۲اولین کلاس مربیان پیش‌آهنگی تشکیل گردید .

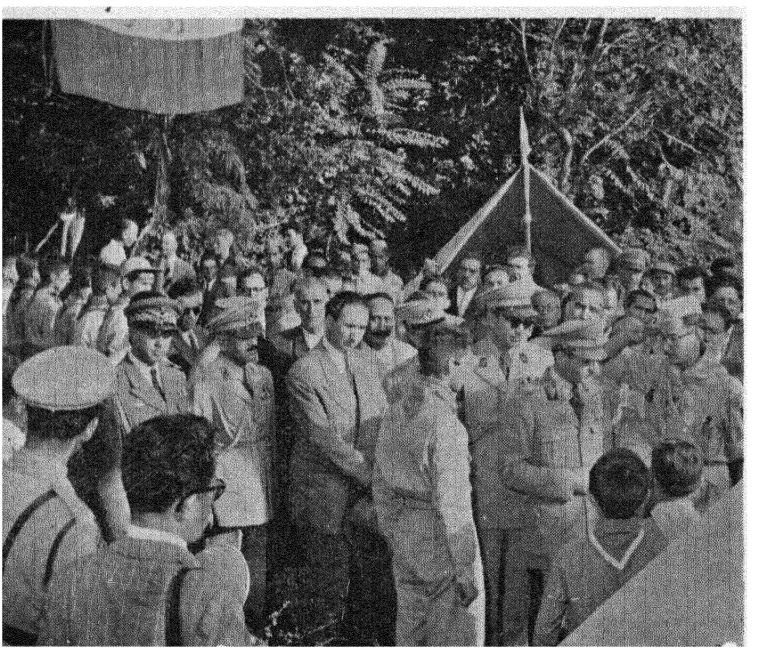

شاهنشاه در اولین جشن ملی پیش‌آهنگی ایران

سازمان پیش‌آهنگی ایران بریاست عالیهٔ شاهنشاه وزیر نظر شورایعالی پیش - آهنگی ایران که مرکب از عده‌ای رجال برجسته و علاقمند بامور تربیتی می‌باشد تشکیل شده است ، وزیر فرهنگ ، رئیس انجمن ملی تربیت‌بدنی و نمایندهٔ مدیران دبیرستانها ونمایندهٔ انجمن‌های همکاری خانه و مدرسه نیز در آن شرکت دارند . در حال حاضر ریاست شورای عالی بعهدهٔ آقای وزیر دربار شاهنشاهی بوده و آقایان نخست وزیر و وزیر فرهنگ نواب رئیس آن می‌باشند .



عده‌ای از پیش‌آهنگان ایرانی در جشن ۱۹۵۷ انگلستان

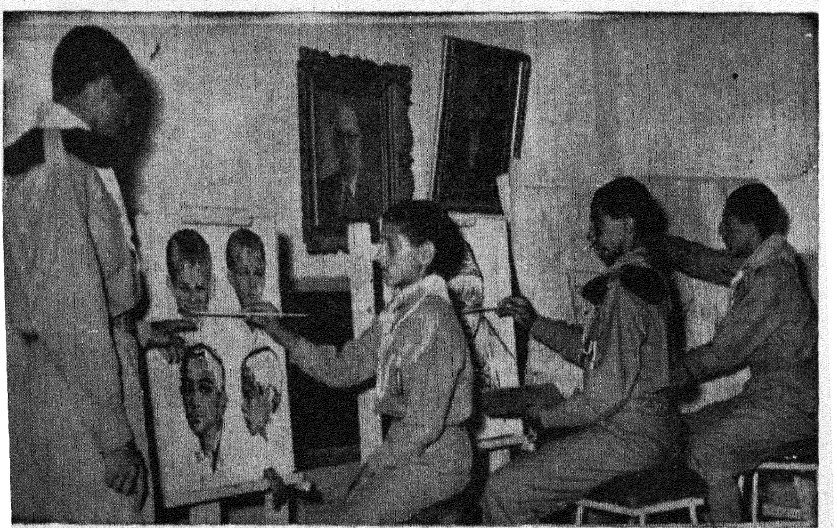

جمعی از پیش آهنگان زیر نظر مربی خود نقاشی میکنند

ازنظر تشکیلات پیش آهنگی، ایران به‌بخش ـ شهرستان ـ استان تقسیم‌شده‌است ودرهر شهرستان امور پیش‌آهنگی بوسیلهٔ شورای پیش‌آهنگی شهرستان‌مستقلاً اداره میشود. در هراستان‌علاوه برشوراهای پیش آهنگی شهرستان یك شورای پیش‌آهنگی استان وجود دارد که امورکلی پیش‌آهنگی آن‌استان را اداره میکند .

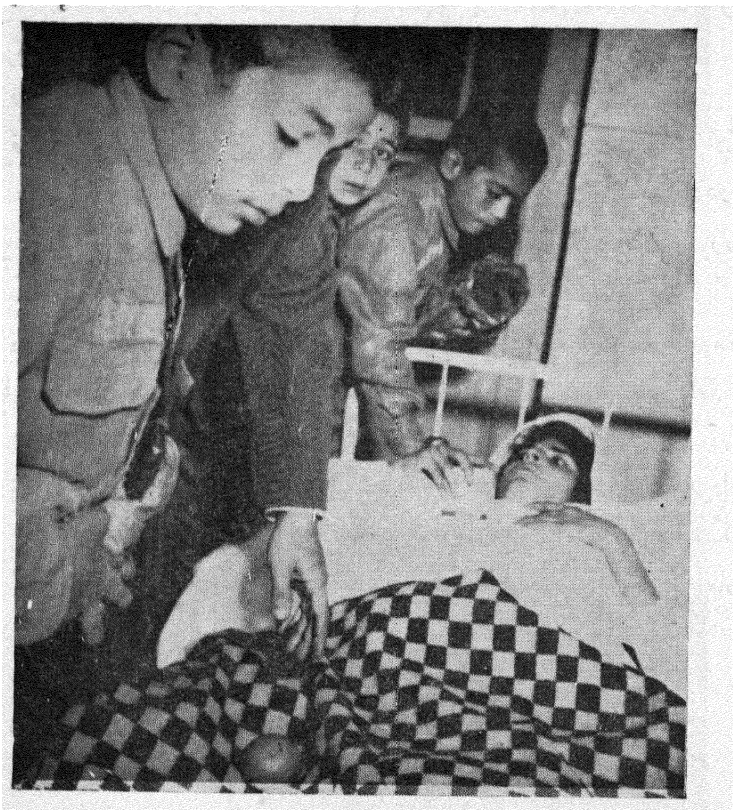

عیادت بیماران یکی از وظایف پیش‌آهنگان است .

تمام شوراهای مزبور درامورکلی‌ازلحاظ فنی زیرنظرسازمان ملی پیش‌آهنگی ایران بوده وبوسیلهٔ ادارهٔ پیش‌آهنگی شهرستانها که در مرکزمی‌باشد اداره میشود .

علاوه برشوراهای پیش‌آهنگی، هررسد دارای‌یك کمیتهٔ رسد مرکب از اولیاء پیش‌آهنگان‌است که با اداره وسازمان پیش‌آهنگی همکاری می‌نماید . وجود کمیته‌های

رسد که تعداد آنها خیلی زیاداست برای پیشرفت امور پیشاهنگی بسیار مؤثراست .

بودجهٔ سازمان ملی پیش‌آهنگی‌ایران از محل بودجهٔ کل کشور ، کمکهای وزارت فرهنگ ، انجمن ملی‌تربیت‌بدنی ، شیروخورشید سرخ و کمك سایر مؤسسات ملی تأمین میشود .

بودجهٔ شوراهای پیش‌آهنگی استانها وشهرستانها ازمحل یکدهم عواید تربیت بدنی هرمحل وکمك مردم تنظیم میگردد .

فعالیتهای پیش‌آهنگان ورسدهای پیش‌آهنگی درایران عبارتست از :

فراگرفتن تعلیمات پیش‌آهنگی در رسد ، یادگرفتن‌کارهای دستی ، شرکت‌در جشنهای ملی وعمومی ، اجرای برنامه‌های هفتهٔ کارنیك و هفتهٔ کار ، تشکیل اردوهای تابستانی و زمستانی و انجام دادن‌گردشهای یك روزه و یا بیشتر ، کوهنوردی ، مسافرتهای کوچك بشهرستانها ، مسافرت‌بخارج کشور بطوردسته‌جمعی .

درهفتهٔ کارنیك ، پیش‌آهنگان بطور دسته‌جمعی مدت یك هفته بکارهای مفیدو عام‌المنفعه می‌پردازند ودرتمام مدت هفته، جشن‌سالیانهٔ پیش‌آهنگی‌نیزادامه دارد.

هفتهٔ کارنیك ازروز دوازدهم آذرماه هرسال بمدت هفت‌روزادامه‌دارد . دراین هفته پیش‌آهنگان‌درایام‌فراغت بکارهای‌مفیدی که‌دارای‌مزد و در آمد باشد میپردازند وعواید حاصله رابرای ساختن‌خانهٔ‌پیش‌آهنگان به‌سازمان‌ملی‌پیش‌آهنگی‌اهداءمیکنند.

اکنون در ۱۱۰ شهرستان تشکیلات پیش‌آهنگی دایر است وآخرین آمارآن بشرح زیرمی‌باشد :

شورای پیش آهنگی درشهرستانها	۱۱۰ شورا
شورای پیش آهنگی در استانها	۱۲ شورا



منظره‌ای از مراسم درختکاری پیش‌آهنگان

ادارهٔ کل تربیت بدنی

الف ـ تربیت معلم :

تاسال ۱۲۹۹ شمسی ، در ایران معلم ورزش وجود نداشت . در آن‌سال اولین دارالمعلمین‌ورزش‌تأسیس گردید. درسال ۱۳۱۲مستشارامریکائی‌تربیت‌بدنی‌بنام گیبسن استخدام شد و همه ساله بمنظور تعلیم معلم ورزش ، اردوهای تابستانی و کلاسهای کارآموزی‌مرتباًزیرنظراوتشکیل گردید.درسال۱۳۱۸، دانشسرای‌مقدمـاتی‌تربیت‌بدنی درتهران‌و سپس‌درشهرستانهاتأسیس‌شد ودرسال ۳۶ـ۱۳۳۵ نیزبنابامر شاهنشاه ، رشتهٔ عالی تربیت‌بدنی دردانشسرایعالی دایر گردید. ضمناً ازسال ۱۳۲۵ که کمیتهٔملی‌المپیك ایران تأسیس وبعضویت کمیتهٔ بین‌المللی المپیك درآمد ، مربیان ورزش‌ضمن‌شرکت درکلاسهای‌داوری وتعلیماتی، برای تربیت‌قهرمانان ملی دررشته‌های اختصاصی آماده ومشغول کارشدند .

درسالهای‌اخیر کلاسهای کار آموزی مخصوصی در تهران و غـالب شهرستانها مرتباً تشکیل میگردد تا کلیهٔ‌آموزگاران دبستانها برای‌تعلیم ورزش ، مانندسایردروس آماده بشوندو پس‌از انجام‌یافتن این‌منظور ، دانشسراهای مقدماتی تربیت‌بدنی منحل خواهد شد .

ب ـ احداث استادیوم :

تاسال ۱۳۱۴ منحصراً زمینهای ورزشی کالج البرز و زمینهای سایر تأسیسات امریکائی درشهرستانها وجود داشت. درسال ۱۳۱۲ ، ورزشگاههای منظریه ، امجدیه ودانشگاه وچند زمین دیگر ازطرف وزارت فرهنگ برای ورزش اختصاص داده‌شد . درسال ۱۳۱۹ استخر شنای امجدیه برای مردان و در سال ۱۳۳۳ ، استادیوم ورزشی ثریا با استخر ، برای بانوان دایر گردید .

ازسال ۱۳۲۰ بتدریج ، در بنگاههای ملی و دولتی مانند بانکملی و دخانیات و راه‌آهن وغیره زمینها وسالنهای ورزشی وباشگاههای اختصاصی تأسیس گردید .

درسال ۱۳۳۶ تالار ورزش دانشگاه تهران و میدان سرپوشیدهٔ محمد رضاشاه پهلوی احداث شد ضمناً درمراکز کلیهٔ استانها نیز بتدریج میدان ، سالن سرپوشیده و استخرشنا دایر و آماده گردیده و در شهرستانهای درجه ۲ و ۳ نیز زمینهای فوتبال و استادیومهای کوچك وجود دارد و درغالب مدارس زمینهای ورزش که بیشتر اسفالته میباشدبوجودآمده ومیآید تابرای تأمین‌احتیاج روزافزون جوانان وورزشکاران کشور کفایت کند .

ج ـ تأمین بودجه وتهیهٔ وسایل و لوازم ورزش

ازسال ۲۶ باینطرف ، بموجب‌قانون ، دانش آموزان دبستانها هرسال ۵ ریال و محصلین‌دبیرستانها ۲۰ ریال برای امر ورزش میپردازند که زیر نظر انجمن ورزشی مدرسه وشورای ورزشی‌شهرستان، $\frac{۳}{۴}$ آن بمصرف تهیهٔ وسایل ورزش داخل مدرسه و $\frac{۱}{۴}$ آن بمصرف خریداری زمینهای ورزش برای استفادهٔ کلیهٔ مدارس محل‌میرسد؛ علاوه براین، مبلغی نیزهرسال ازطرف‌انجمن‌ملی تربیت‌بدنی‌وهم‌ازطرف‌وزارتفرهنگ برای برگزاری واجرای برنامه‌های ورزشی مدارس پرداخت ومصرف میگردد .

د ـ تشکیلات

سازمان ادارهٔ تربیت‌بدنی و پیش‌آهنگی و هم انجمن ملی تربیت‌بدنی ، در سال ۱۳۱۲ پی‌ریزی‌شد وشعب‌آنها بتدریج درشهرستانها دایر گردید. تا آن‌سال ، سازمان ورزشی درایران وجودنداشت. این‌اداره وانجمن، تاسال۱۳۲۰ باهم‌همکاری داشتند.در سال ۱۳۲۰ پیش‌آهنگی منحل‌شد و بیشتر کوشش مسئولین امر ، متوجه امور ورزشی مدارس وباشگاههای‌آزاد گردید. درسال۲۵ فدراسیونهای ورزشی و کمیتهٔ ملی‌المپیك ایران تأسیس شد وازآن ببعد تشکیلات ورزشی توسعه یافت. درسال ۱۳۳۵ ادارهٔ کل‌ـ تربیت‌بدنی ازانجمن‌ملی‌تربیت‌بدنی تفکیك گردیدوازآن تاریخ‌ببعد، کوشش کارمندان ادارهٔ کل تربیت‌بدنی منحصراً صرف پیشرفت ورزش درمدارس میشود .

هـ ـ برنامه

برنامه‌های ورزشی آموزشگاهها فعلاً شامل سه‌قسمت میباشد :

۱ـ طبق قانون برای هر کلاس در روز یکساعت ورزش منظور شده است ولی چون معلم و وسایل بقدر کافی‌نیست فعلا فقط دوساعت درهفته اجرا میگردد .

۲ـ محصلین قبل یا بعداز ساعات رسمی درس با راهنمائی معلم ورزش بانجام تمرینات ومسابقه‌های ورزشی میپردازند ویا انجمنهای ورزشی مدارس برای مسابقات دوستانه ازیکدیگر دعوت مینمایند .

۳ـ برنامهٔ مسابقات وفعالیتهای خارج ازمدرسه بشرح زیراست :

الف ـ مسابقه‌های سالیانهٔ مدارس درهرشهرستان .

ب ـ مسابقه‌های دوستانه بین مدارس دوشهرستان .

ج ـ مسابقه‌های استانی بین‌شهرستانهای استان .

د ـ مسابقه‌های قهرمانی آموزشگاههای کشور بین‌کلیهٔ استانها .

ه ـ مسابقه بادسته‌های ورزش‌مدارس کشورهای خارج (دعوت دسته‌های‌ورزش بایران ویا اعزام دسته‌های ورزش بخارج کشور)

ادارهٔ امور تربیتی دانش آموزان

این اداره درسال تحصیلی ۲۴-۱۳۲۵ تشکیل شد وهدف آن تهیه واجرای برنامه - های تربیتی بمنظور تقویت قوای فعالهٔ دانش آموزان در کلیهٔ امور تربیتی و آموزشی است.

ادارهٔ امور تربیتی ابتدا اقدام بتأسیس باشگاههائی درداخل آموزشگاهها نمود وسپس برای وارد کردن کارهای حرفه‌ای و دستی دربرنامهٔ آموزشگاهها و استفاده از استعدادهای دانش آموزان اردوهائی ترتیب داد.



کلاس فلزکاری اردوی تربیتی استان دوم در شیرگاه

اهم فعالیتهای این اداره بشرح زیراست :

۱- تشکیل کلاسهائی بمنظور تربیت یکعده مربی برای تأسیس باشگاهها بوسیلهٔ متخصصین ایرانی وخارجی.

۲- تأسیس سازمان دانش آموزان و دانشجویان که در آن سخنرانیهای هفتگی

اجرا وفیلمهای تربیتی نمایش‌داده میشود .

۳ـ ایجاد کتابخانه دردبیرستانها و تشویق دانش‌آموزان بمطالعهٔ کتب مفید .

۴ـ تأسیس شرکتهای تعاونی مدارس بمنظور ایجاد حس اعتماد و تقویت نیروی اجتماعی دانش‌آموزان .



تور بافی در یکی از اردوهای تربیتی

۵ـ شرکت درجشنهای درختکاری سالیانهٔ کشور .

۶ـ تشکیل کلاسهای فن‌تآتر وموسیقی برای‌دانش آموزان علاقمند بآن .

۷ـ اقدام برای تأسیس صندوق پس‌انداز دانش‌آموزان .

۸ـ نشر گزارش‌تربیتی بمنظور اطلاع دانش‌آموزان ازفعالیتهای یکدیگر .

دانشگاه تهران

تاریخچهٔ مختصر دانشگاه وسازمانهای آن

دانشگاه‌تهران در سال ۱۳۱۳ بموجب « قانون تأسیس دانشگاه » مصوب هشتم خرداد ۱۳۱۳ ایجاد گردید . در این قانون برای دانشگاه استقلال فنی و مالی و اداری پیش‌بینی شده بود ولی این‌امر تاچندسال بسبب وجود موانع تحقق نیافت .

استقلال دانشگاه ازنظراداری وفنی در سال ۱۳۲۱ و از نظر مالی درسال ۱۳۳۱ بمرحلهٔ عمل درآمد . ازآن زمان سیر ترقی و تکامل دانشگاه تهران سریعتر گردید . تعداد دانشجویان دانشگاه بالغ بر ۹۶۴۰ نفرمیگردد که ۱۰۵۹نفرازآنها دخترمیباشند. علاوه‌براین، دانشجویان خارجی که عدهٔآنها بحدود ۶۰ نفر بالغ میگردد از کشورهای انگلستان ، امریکا ، فرانسه ، آلمان ، ژاپون ، سویس ، اتریش ، ایتالیا ، پاکستان ، عراق و هندوستان دعوت شده ودر دانشگاه تهران بتحصیل زبان‌فارسی‌اشتغال دارند.

بموجب مادهٔ دوم‌قانون مزبوربرای دانشگاه شش شعبه که‌برهریك لفظ دانشکده اطلاق میشود در نظر گرفته‌شده‌بود که اکنون به۱۲ شعبه بشرح زیرافزایش یافته‌است.

۱- دانشکدهٔ ادبیات	۲- دانشکدهٔ حقوق
۳- » پزشکی	۴- » داروسازی
۵- » دندانپزشکی	۶- » کشاورزی
۷- » علوم	۸- » فنی
۹- » هنرهای زیبا	۱۰- » علوم معقول ومنقول
۱۱- » دامپزشکی	۱۲- » دانشسرایعالی

باشگاه دانشگاه که ساختمانی مجزاست و در محوطهٔ دانشگاه بنا شده ، محل برگزاری ضیافتهای رسمی دانشگاه است . قسمتی از اطاقهای باشگاه برای سکونت دانشجویان خارجی که بمنظور تکمیل تحصیلات خود در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی وهمچنین فراگرفتن فنون وعلوم دیگربتهران میآیند اختصاص داده شده‌است .

بموجب استدعای آقای رئیس دانشگاه تهران ، امیر آباد باتمام لوازم و وسائل آن ازطرف بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاه خریداری وبدانشگاه اعطاء گردیده .

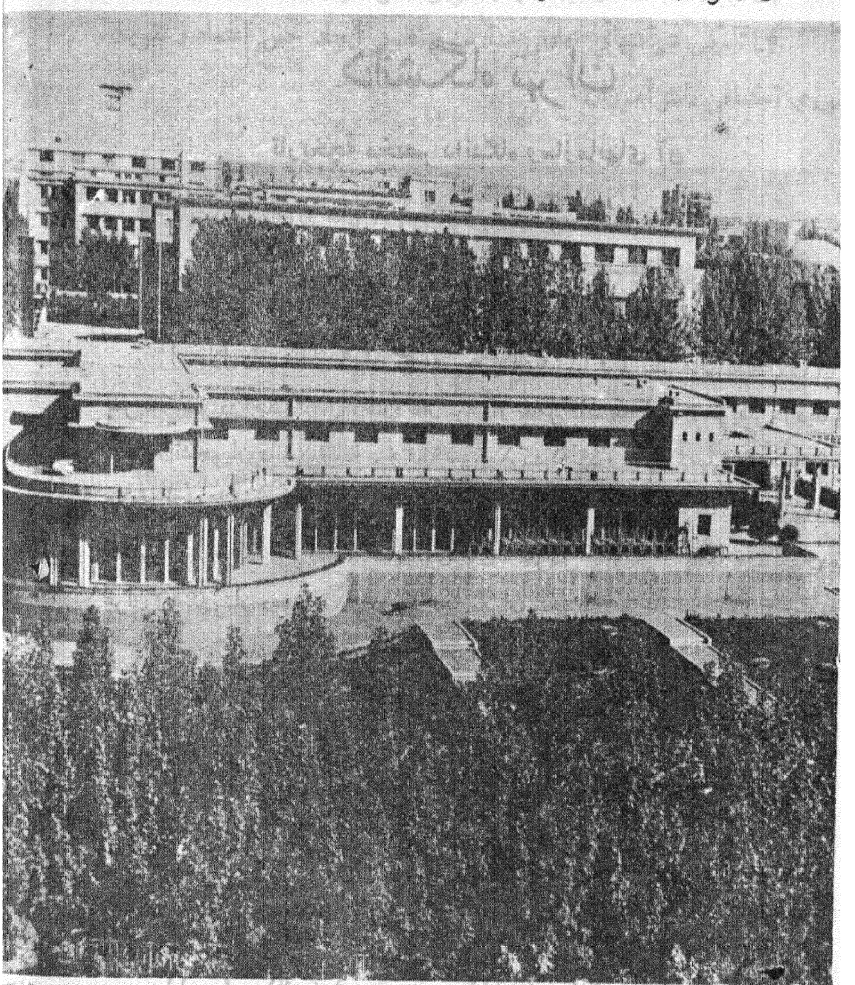

نمای جنوبی باشگاه دانشگاه

هم اکنون درحدود ۷۱۲ نفرازدانشجویان در کوی دانشگاه سکونت دارند واز مسکن مناسب وسایر مزایااستفاده مینمایند. ضمناً برای تکمیل رفاه دانشجویان اقدامات سودمند دیگری درشرف اجراء است و نقشه‌های ساختمانی همچنان دنبال میشود .

سازمان دانشگاه

دانشگاه تهران بموجب قانون ، دارای شخصیت حقوقی و تحت ادارهٔ رئیسی میباشد که برای مدت سه سال از بین رؤسای دانشکده‌ها و استادانی که حداقل دارای پایهٔ ۹ استادی باشند ازطرف شورای دانشگاه انتخاب میشود و با موافقت وزیر فرهنگ و بفرمان همایونی منصوب میگردد. اشخاصی که دو دورهٔ متوالی عهده‌دار ریاست دانشگاه شده‌اند نمیتوانند برای دورهٔ سوم باین سمت انتخاب شوند .

شورای دانشگاه

بموجب مادهٔ چهارم قانون تأسیس دانشگاه ، شورای دانشگاه از اشخاص ذیل تشکیل میشود :

رئیس دانشگاه که ریاست شورا را دارد
معاون دانشگاه
رؤسای دانشکده‌ها
لااقل یك استاد از هردانشکده

دبیرخانهٔ دانشگاه

دبیرخانهٔ دانشگاه عهده‌دار انجام دادن کلیهٔ امور اداری دانشگاه میباشد ودر رأس آن مدیر کل دبیرخانهٔ دانشگاه قراردارد .

ادارات ومؤسسات تابع ادارهٔ کل دبیرخانهٔ دانشگاه درحال حاضر عبارتست از :

۱ـ ادارهٔ کل انتشارات وروابط دانشگاهی
۲ـ ادارهٔ آموزش
۳ـ ادارهٔ بازرسی
۴ـ ادارهٔ دفتر
۵ـ ادارهٔ کارگزینی
۶ـ ادارهٔ ساختمان
۷ـ ادارهٔ کل حسابداری
۸ـ ادارهٔ اطلاعات وتبلیغات
۹ـ ادارهٔ اموال

۱۰ـ سرپرستی کوی دانشگاه
۱۱ـ چاپخانهٔ دانشگاه
۱۲ـ کانون دانشگاه



نمای یکی از ساختمانهای جدید کوی دانشگاه

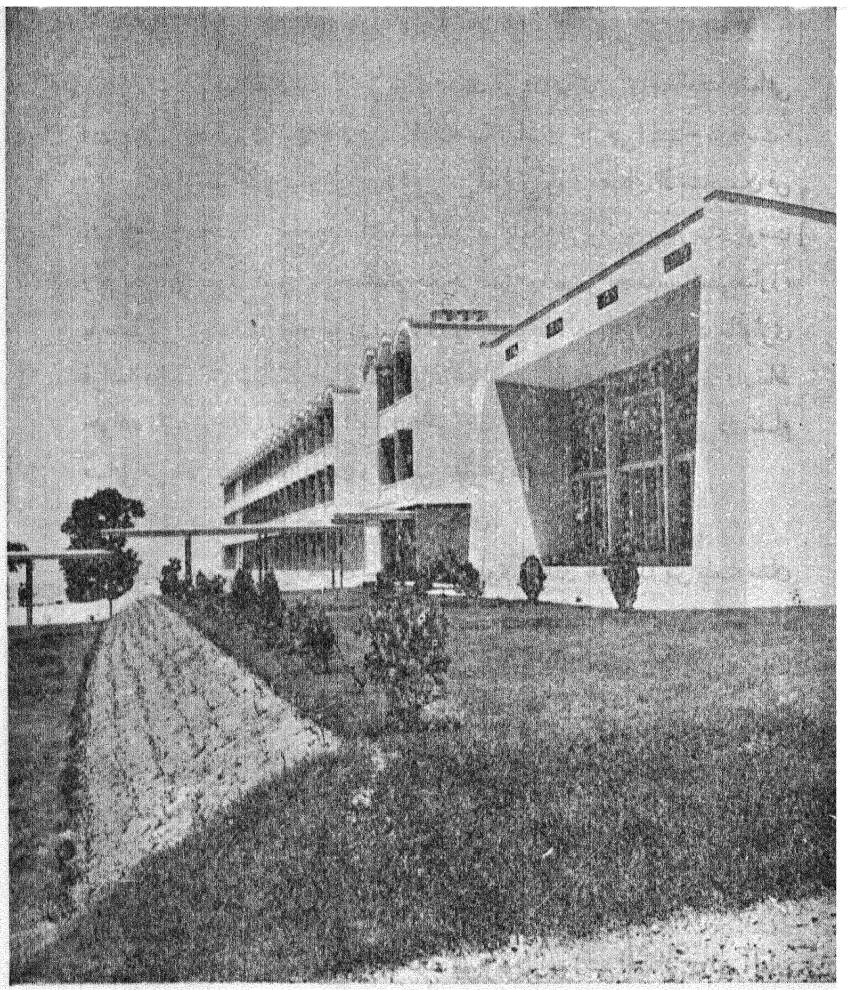

نمای جنوبی کتابخانهٔ جدید البنای کوی دانشگاه

تأسیسات جدید دانشگاه

۱ـ دومین کلاس عالی تخصصی جنگل که در آبانماه ۱۳۳۵ در دانشکدهٔ کشاورزی افتتاح گردیده .

۲ـ اولین دورهٔ عالی آسیب‌شناسی که از اول آذرماه ۱۳۳۶ برای کارآموزی آقایان

پزشکان در آزمایشگاه آسیب شناسی دائرشده .

۳ـ بخش آمار که درادارهٔ اطلاعات وتبلیغات دانشگاه تأسیس گردیده‌است .

۴ـ دردانشکدهٔ ادبیات کلاسی برای قسمت تآتر ودوره‌ای برای مطالعات اجتماعی ودوره‌ای برای تعلیم زبانهای خارجی (بنام مؤسسهٔ زبانهای خارجی) افتتاح شده‌است .

۵ـ انجمن بیماریهای پوست و آمیزشی ایران بهمت عده‌ای از متخصصین فن تشکیل گردیده‌است. این انجمن برای شناساندن فعالیتهای مربوط به بیماریهای پوست وآمیزشی بخارج از کشور با انجمنهای خارجی مشابه بخصوص مجمع بین‌المللی مبارزه با سفیلیس وترپانماتوز وانجمن درماتولژی ایالات متحدهٔ امریکا وانجمن درماتولژی فرانسه وباسازمان بهداشت جهانی دردفتر منطقه‌ای این سازمان همکاری کرده وارتباط خواهد داشت . علاوه براین ، انجمن حاضراست باسازمانهای دولتی وملی در تمام مسائل مربوط ببیماریهای پوست و آمیزشی بعنوان مشاور همکاری نماید.

۶ ـ نصب دستگاه خاص درمؤسسهٔ سرطان .

۷ ـ قسمت سمعی وبصری بیمارستان پهلوی که در تالار تدریس بیمارستان مزبور در بهمن‌ماه ۱۳۳۴ افتتاح گردید.

۸ ـ کلاس تربیت مکانیسین ماشینهای کشاورزی در اسفند ۱۳۳۵ برای مدت یکسال در دانشکدهٔ کشاورزی افتتاح شد.

۹ ـ نمایشگاه اتم برای صلح در پیشگاه مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاه در اسفندماه ۱۳۳۵ افتتاح گردید.

۱۰ ـ دورهٔ دکتری فلسفه و دورهٔ دکتری تاریخ و جغرافیا در دانشکدهٔ ادبیات چندی است تأسیس و مشغول کار شده .

۱۱ ـ در مرداد ماه ۱۳۳۶ دستگاه تلویزیون آموزشی اهدائی دولت آلمان بدانشگاه تهران شروع بکار نمود. این دستگاه شامل شش‌عدد گیرنده ، یکعدد فرستنده، یکعدد تقویت کننده ویکعدد دوربین برای نشان دادن مناظری که باید در تلویزیون منعکس گردد میباشد.

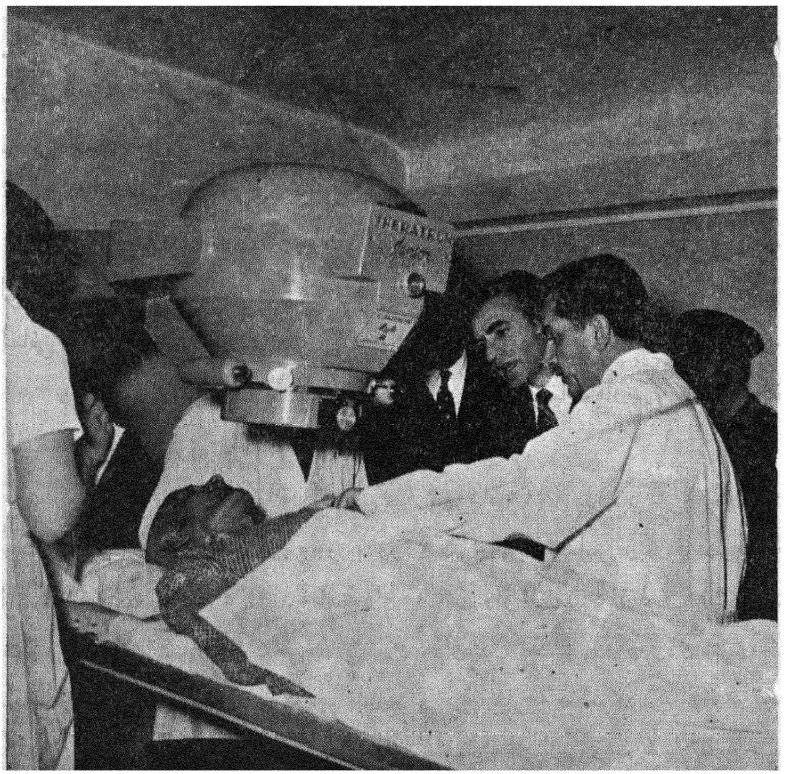

یکی ازطرق درمان سرطان بعرض شاهنشاه میرسد .

سازمان دانشکده‌ها

دانشکدهٔ ادبیات

در هشتم خردادماه ۱۳۱۳ قانون تأسیس دانشگاه بتصویب مجلس شورای ملی رسید وبموجب این‌قانون دانشگاه‌تهران ازشش دانشکده تشکیل یافت که یکی ازآنها دانشکدهٔ ادبیات بود . ۸۹ نفر استاد و دانشیار و دبیر ومعلم در این دانشکده بتدریس اشتغال دارند.

روش تحصیل در دانشکدهٔ ادبیات تا سال تحصیلی ۳۵ ـ ۳۶ کلاسی بود و دانشجویان برای اخذ لیسانس مجبور بودند کلیهٔ موادی راکه در برنامهٔ تحصیلات هر

رشته‌قیدشده‌است بیاموزند ولی ازسال تحصیلی ۳۵ـ ۳۶ روش تحصیلات این‌دانشکده برپایهٔ واحدهای درسی وشهادتنامه گذاشته شده . مطابق این‌روش دانشجویان‌میتوانند دروسی را که درهررشته برای اخذ لیسانس لازم است حداقل در سه سال و حداکثر درشش‌سال تحصیل نمایند. شرط ورود بدانشکدهٔادبیات داشتن دیپلم‌کامل متوسطهٔادبی وتوفیق درامتحانات ورودی رشتهٔ مربوط است .

دورهٔ لیسانس دانشکدهٔ ادبیات دارای ۵ رشتهٔ تحصیلی : ادبیات فارسی ، فلسفه و علوم تربیتی، باستان شناسی، تاریخ وجغرافیا، زبان‌خارجه(زبانهای: فرانسه، انگلیسی، آلمانی وروسی) است.

دورهٔ دکتری‌این‌دانشکده دارای‌رشته‌های‌زبان وادبیات فارسی، تاریخ وجغرافیا و فلسفه ودورهٔ دکتری دانشکدهٔ ادبیات است .

دکتری زبان وادبیات فارسی ـ ازمهرماه ۱۳۱۶ دورهٔ دکتری‌زبان وادبیات فارسی تأسیس یافته و داوطلبان ورود بدورهٔ دکتری باید لیسانس زبان و ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات را داشته باشند و استعداد و لیاقت داوطلب نیز ازطرف هیئت استادان رشتهٔ زبان وادبیات فارسی کتباً تصدیق شود . داوطلب تحصیل در دورهٔ دکتری حداقل باید دو سال دراین دوره تحصیل نماید وبرای نیل بدرجهٔ دکتری رسالهٔ ختم تحصیلی بگذراند . دراین مدت نیزدرامتحان چهارشهادتنامهٔ اجباری وشش‌شهادتنامهٔاختیاری، توفیق حاصل نماید ورسالهٔ ختم تحصیلی خود را بگذراند.

دورهٔدکتری‌دانشکدهٔادبیاتـ ازمهرماه۱۳۳۲، دورهٔ دکتری‌دانشکدهٔ ادبیات افتتاح شده است. این دوره بدانشجویان خارجی که از یکی از دانشگاهها یامدارس اختصاصی یابنگاههای معروف خارجی که بطور رسمی دارای رشتهٔ تحصیلی زبان و ادبیات فارسی باشدگواهینامهٔ لیسانس یامعادل آن گرفته باشند اختصاص دارد. حد اقل مدت برای بدست آوردن دانشنامهٔ دکتری دانشکدهٔ ادبیات ، دو سال تحصیل در این دوره است وباید دراین مدت، دانشجویان دوشهادتنامهٔ اجباری ودوشهادتنامهٔ اختیاری اخذکرده وبعلاوه رسالهٔ دکتری خود را بگذرانند.

مؤسسات ضمیمهٔ دانشکدهٔ ادبیات عبارتست از :

۱ ـ کلاسهای مخصوص دانشجویان خارجی

۲ـ کلاس کتابداری وبایگانی
۳ ـ کلاس هنر نمایش
۴ ـ مؤسسهٔ زبانهای خارجی
۵ ـ مؤسسهٔ علوم اجتماعی



بازیکنان دستهٔ فوتبال دانشکدهٔ ادبیات که درسال تحصیلی ۳۶ـ۳۷ مقام قهرمانی فوتبال دانشگاه را بدست آورده‌اند

دانشکدهٔ پزشکی

شرط ورود بدانشکدهٔ پزشکی دارا بودن گواهینامهٔ کامل متوسطهٔ طبیعی ویا ریاضی ویاعلمی سابق میباشد. دورهٔ تحصیل در دانشکدهٔ پزشکی شش سال است . فارغ التحصیلان دانشکدهٔ پزشکی پس از گذرانیدن پایان‌نامهٔ خودباخذدرجهٔ دکتری‌دررشتهٔ پزشکی نایل میشوند.

در این دانشکده شعب مهم ذیل دایر است:

۱ - بازرسی فنی بیمارستانها

۲ - بازرسی داروئی بیمارستانها

۳ - بازرسی ادارهٔ بیمارستانها

۴ - شورای دانشکدهٔ پزشکی

۵ - کمیتهٔ دائمی دانشکدهٔ پزشکی

دانشکدهٔ حقوق

دورهٔ تحصیل‌دانشکدهٔحقوق وعلوم‌سیاسی‌واقتصادی برای‌اخذ درجهٔ‌لیسانس‌چهار سال است . دانشجویان پس از تمام کردن دورهٔ مزبور حق گرفتن درجهٔ لیسانس را خواهند داشت . شرط ورود بدورهٔ لیسانس دانشکدهٔ حقوق داشتن گواهینامهٔ شش سالهٔ متوسطه (شعبهٔ ادبی) وتوفیق در امتحانات ورودی است.

مدت تحصیل دردورهٔ دکتری حقوق وعلوم سیاسی واقتصادی حد اقل دو سال‌است . لیسانسیه های حقوق وعلوم سیاسی و اقتصادی پس ازتوفیق در امتحان مسابقهٔ ورودی، میتوانند دردورهٔ دکتری ثبت نام کنند. دورهٔ دکتری این دانشکده سه رشته دارد بدین شرح:

قضائی - سیاسی - اقتصادی

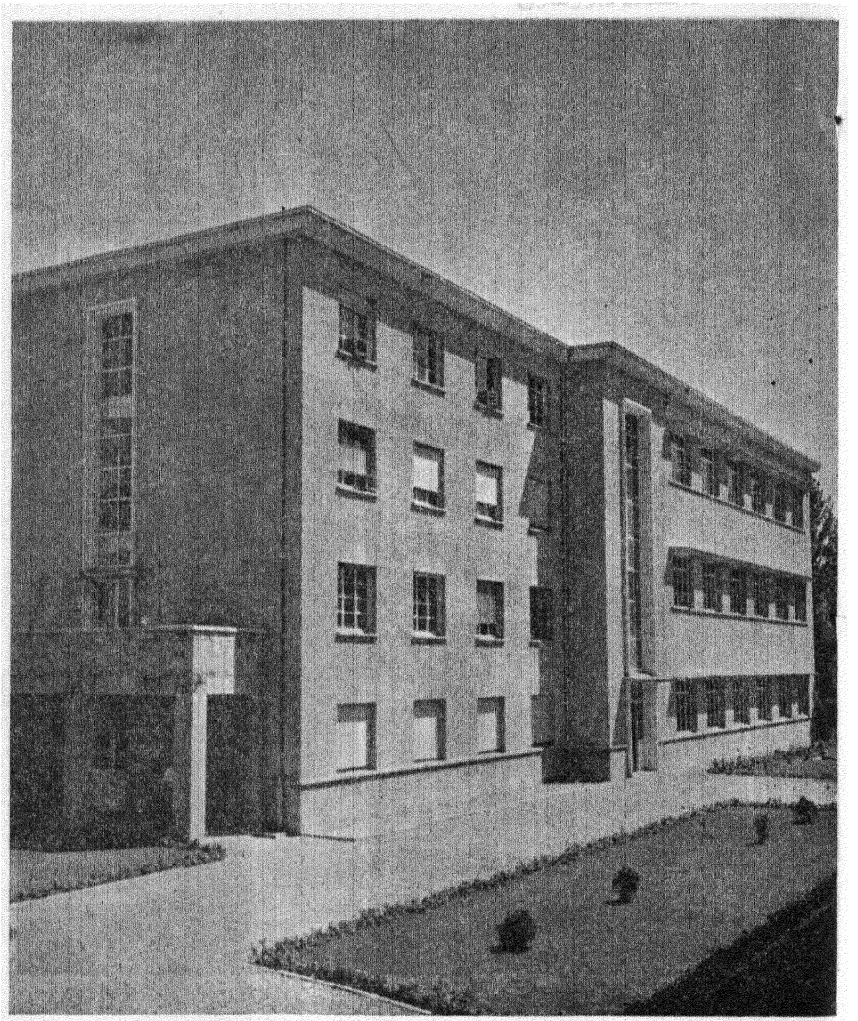

گوشه‌ای از ساختمان آزمایشگاه مرکزی دانشکدهٔ پزشکی تهران

*

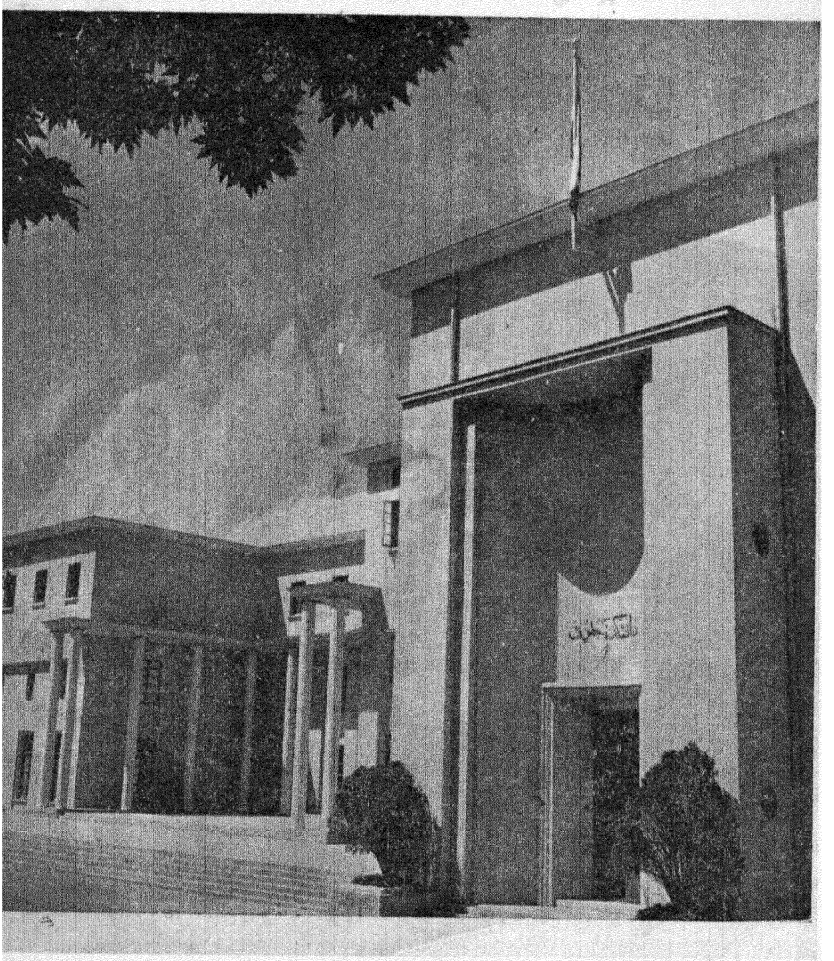

نمای شرقی ساختمان دانشکدهٔ حقوق وعلوم سیاسی واقتصادی

دانشکدهٔ داروسازی

شرط ورود بدانشکدهٔ دارو سازی داشتن دیپلم طبیعی است. در شهریور هرسال از داوطلبان ورود بدانشکده دونوع امتحان بعمل می‌آید: امتحان عمومی دانشگاه و امتحان اختصاصی دانشکدهٔ داروسازی .

امتحان عمومی دانشگاه شامل زبان‌فارسی وزبان‌خارجی است. بموجب‌پیشنهاد دانشکدهٔ دارو سازی، هرسال ۴ تن ازلیسانسیه‌های رشته‌های مختلف دانشکدهٔ علوم از مسابقهٔ ورودی آن دانشکده معاف هستند، وبدین ترتیب همه‌ساله از بین لیسانسیه‌های ریاضی، فیزیك، شیمی وطبیعی، یك‌تن وجمعاً چهارتن بدون مسابقه پذیرفته‌میشوند.

دانشکدهٔ دندانپزشکی

این دانشکده دانشجویان مورد نیاز خودرا همه ساله از طریق مسابقهٔ ورودی انتخاب می کند . داشتن دیپلم طبیعی یاریاضی، شرط شرکت در مسابقه‌است. دورهٔ این دانشکده ۵ سال است.

دانشکدهٔ کشاورزی

دورهٔ این دانشکده چهار سال‌است وشرط شرکت درمسابقهٔ ورودی، ارائهٔ کارت قبولی درامتحانات عمومی دانشگاه وداشتن دیپلم طبیعی یاریاضی است.

دورهٔ تحصیلات دردانشکدهٔ کشاورزی، در هریك ازرشته‌ها چهار سال است که دوسال اول عمومی ودوسال بعد اختصاصی می‌باشد.

رشته‌های تحصیلی عبارت است از:

باغبانی و کشاورزی عمومی وآبیاری وماشین‌های کشاورزی ودفع آفات وجنگل.

این دانشکده دارای دورهٔ دکتری نیست.

دانشکدهٔ علوم

این دانشکده دانشجویان مورد نیازخود را هرسال،اول مهرماه ازطریق مسابقهٔ ورودی ، انتخاب می کند . شرط شرکت درمسابقه توفیق درامتحانات عمومی دانشگاه (زبان فارسی وخارجه) و امتحانات اختصاصی دانشکدهٔ علوم است.



دندان کشیدن درقدیم

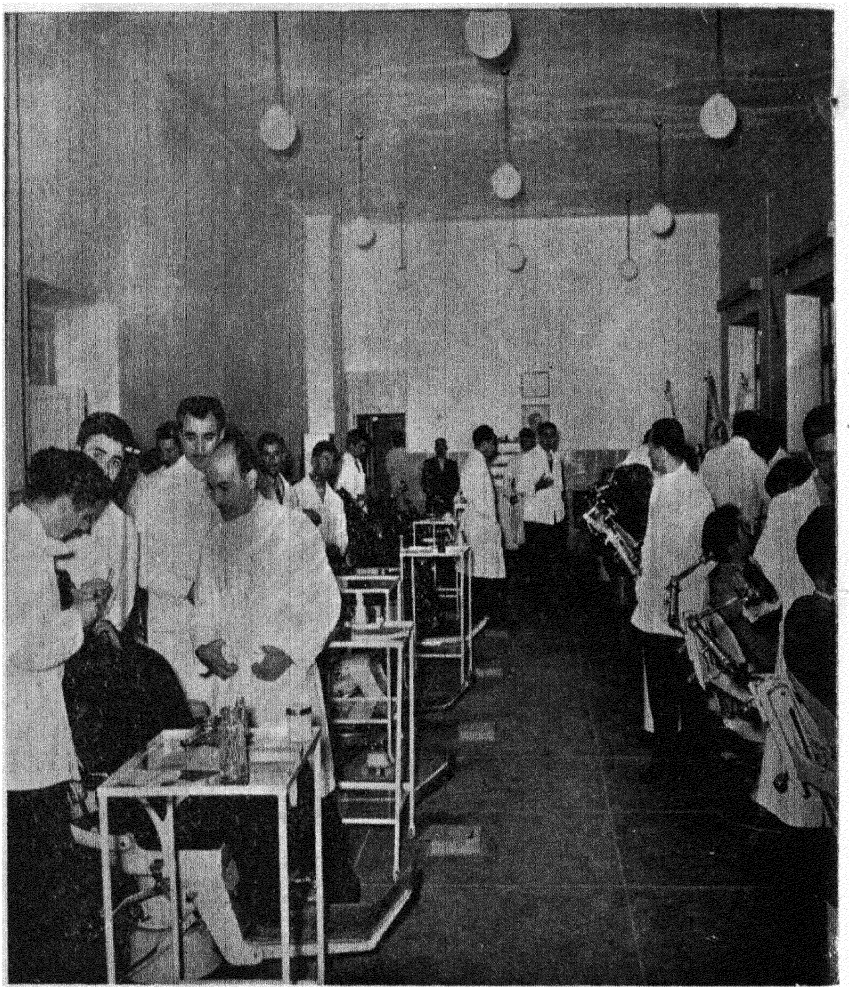

درمانگاه دانشکدهٔ دندان پزشکی هنگام کارآموزی دانشجویان

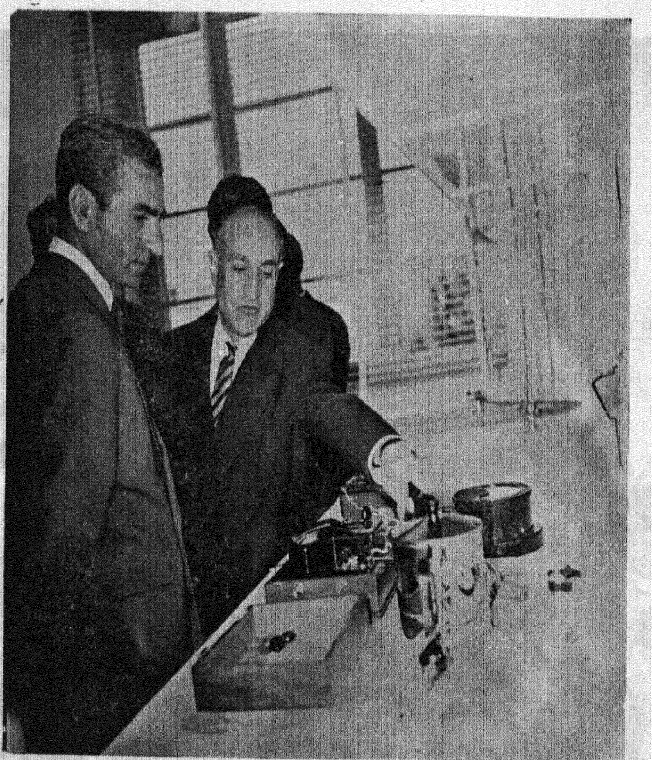

استاد کرسی اتم و الکتریسیتهٔ دانشکدهٔ علوم هنگام عرض توضیح پیرامون نحوهٔ کار دستگاههای اتمی به‌شاهنشاه

رشته‌های تحصیلی این دانشکده عبارتست از رشتهٔ ریاضیات، فیزیک، شیمی و طبیعی.

دورهٔ تحصیلات در هر یك از رشته‌های فوق ۴ سال است. کسانی که دورهٔ فوق لیسانس این دانشکده را بامعدل ۱۲ گذرانده باشند، می‌توانند در دورهٔ دکتری دانشکدهٔ علوم شرکت کنند.

جدیداً مؤسسهٔ آماری برای تربیت آمار شناسان در این دانشکده تشکیل شده است که وابسته بدانشکدهٔ علوم میباشد.

مؤسسهٔ آمار دورشته دارد:

۱ـ رشتهٔ آمار شناسی ۲ـ رشتهٔ آمارگری

شرط ورود به رشتهٔ آمارشناسی ، داشتن لیسانس یا معادل آن و به رشتهٔ آمارگری، ارائهٔ گواهینامهٔ کامل دبیرستان (ریاضی یا طبیعی یا علمی سابق) است.

مؤسسهٔ رآکتور اتمی نیز یکی از مؤسسات دانشکدهٔ علوم بشمار میرود.

دانشکدهٔ فنی

این دانشکده همه‌ساله از طریق مسابقهٔ ورودی ، عده‌ای را از داوطلبانی که دارای

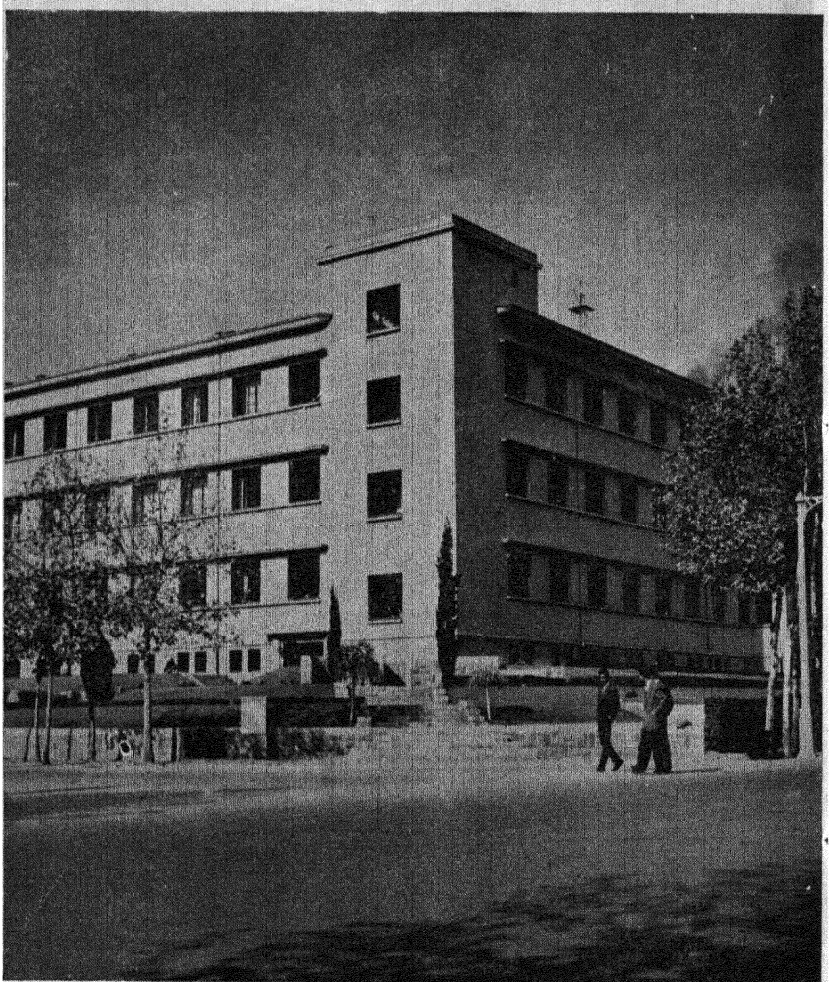

نمای جنوب شرقی دانشکدهٔ فنی

گواهینامهٔ ریاضی هستند انتخاب می کند.

دانشجویان سال دوم وسوم وچهارم اگر نتوانند در خرداد، معدل خود را بحد نصاب مندرج در آئین نامهٔ دانشکده برسانند مردود شناخته می‌شوند و چنانچه نمرهٔ یك یا دو درس دانشجو کمتر از حد قبولی باشد می‌تواند در شهریور همان سال امتحان

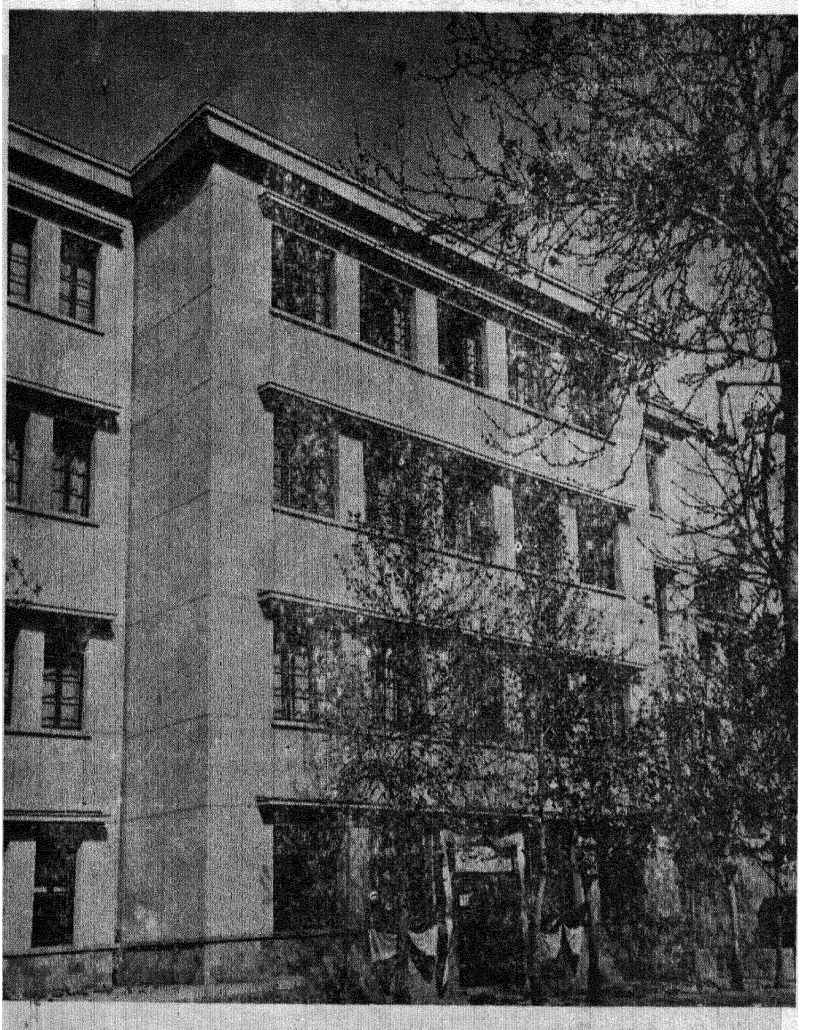

نمای جنوبی آزمایشگاه هیدرولیك دانشکدهٔ فنی

بدهد ونمرهٔ قبولی لااقل ۸ است.

دورهٔ این دانشکده چهار سال است .

دانشکدهٔ هنرهای زیبا

دانشکدهٔ هنرهای زیبا دارای سه رشتهٔ معماری ـ نقاشی ـ مجسمه‌سازی میباشد.

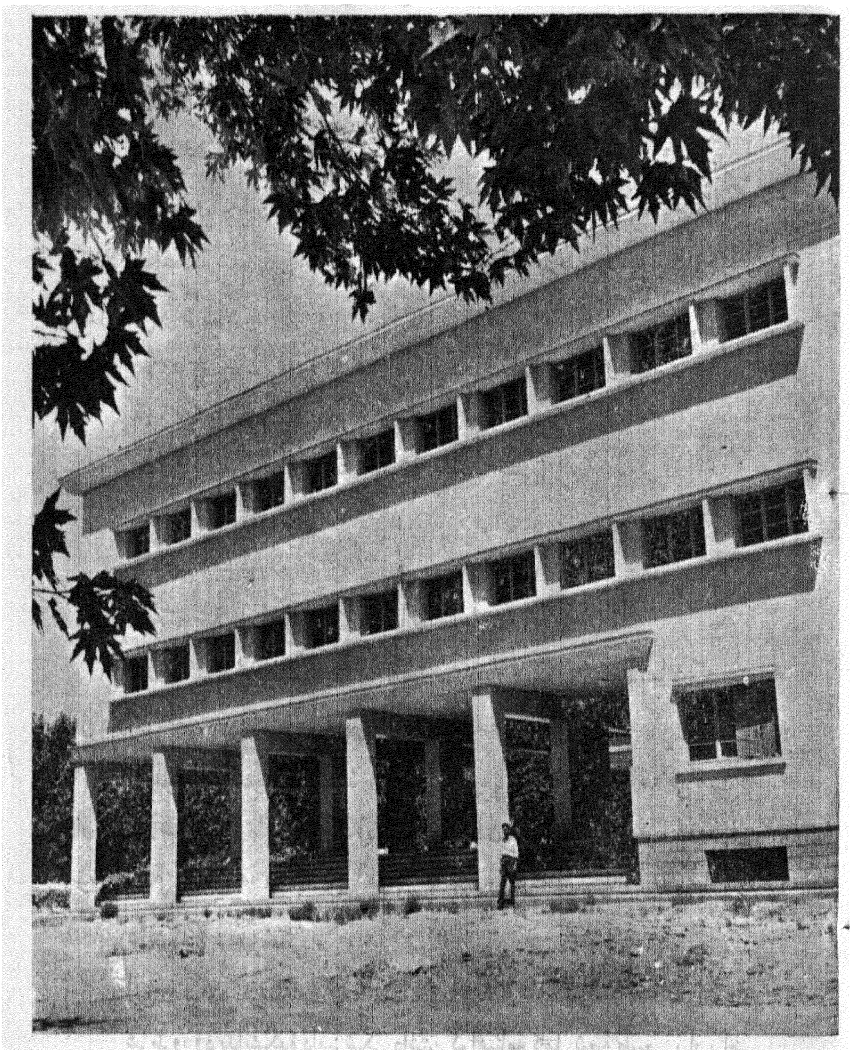

گوشه‌ای از بنای دانشکدهٔ هنرهای زیبا

داوطلبان ورود بشعبهٔ معماری باید دارای گواهی نامهٔ دورهٔ دوم متوسطه (شعبهٔ ریاضی)بوده ودرمسابقهٔ ورودی پذیرفته شوند.

داوطلبان ورود بشعبه های نقاشی و مجسمه سازی باید دارای گواهی نامهٔ دورهٔ دوم متوسطه (شعبهٔ ریاضی یاطبیعی‌ویاادبی)باشند.

تحصیلات در شعبهٔ معماری دانشکدهٔ هنرهای زیبا شش سال ودرشعبه‌های نقاشی ومجسمه سازی چهارسال است.

دانشکدهٔ معقول و منقول

شرط ورود به این دانشکده ارائهٔ کارت‌قبولی در امتحان مسابقهٔ عمومی‌دانشگاه وداشتن گواهینامهٔ ششم ادبی است. مواد مسابقه عبارت از فارسی وعربی است وحداقل معدل آنها ۸ می‌باشد.

رشته‌های تحصیلی دورهٔ لیسانس این دانشکده شامل دروس زیر است :

۱ـ رشتهٔ معقول

۲ـ رشتهٔ منقول (دارای فقه جعفری، شافعی، حنفی)

۳ـ فرهنگ اسلامی

۴ـ ادبیات عرب

دورهٔ تحصیلات درهریك ازرشته‌ها سه‌سال است.

دورهٔ دکتری این‌دانشکده دانشجویان موردنیازخودرا از میان کسانی که حداقل دارای معدل ۱۴ هستند از طریق مسابقه انتخاب میکند.

از مؤسسات ضمیمهٔ دانشکدهٔ مذکور، مؤسسهٔ وعظ و تبلیغ اسلامی است که دارای دو رشتهٔ وعظ وتبلیغ می‌باشد ودورهٔ تحصیلی آن سه سال است. شرط ورود باین مؤسسه‌ارائهٔ گواهی‌نامهٔ ششم ادبی یاگواهینامهٔ مدرسی‌است.

دانشکدهٔ دامپزشکی

این دانشکده نظربوسعت تشکیلات خود، درخارج‌ازمحوطهٔ‌دانشگاه قراردارد.

شرط ورود بدانشکدهٔ دامپزشکی داشتن گواهینامهٔ کامل شعبهٔ طبیعی یاریاضی وتوفیق در امتحانات ورودی است.

پزشکان ودارو سازان ودندان پزشکان ولیسانسیه‌ها ومهندسین کشاورزی بدون مسابقه می‌توانند در این دانشکده ثبت نام کنند.

دانشجویانی که تحصیلات دامپزشکی را در یکی از دانشکده‌ها بامدارک دامپزشکی خارجه دنبال کرده‌اند میتوانند تحصیلات خود را در دانشکدهٔ دامپزشکی تهران ادامه دهند.

دانشسرایعالی

دانشسرای عالی که انتخاب دانشجویان آن از طریق مسابقه بعمل می‌آید دارای ده رشتهٔ اختصاصی است وشرط ورود بآن، داشتن گواهینامهٔ کامل متوسطه (ادبی، طبیعی، ریاضی) وتوفیق در امتحانات ورودی است.

سازمان ورزش دانشگاه

دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۴ تصمیم گرفت که برای تربیت روحی و بدنی دانشجویان ، سازمان ورزش تأسیس کند لذا بوسیلهٔ هفت نفر دبیرورزش که ازوزارت فرهنگ منتقل شدند ویکنفر نمایندهٔ ورزشی ازهر دانشکده ، سازمان ورزش دانشگاه تشکیل و ریاست آن بیکی از استادان دانشگاه محول شد . اولین قدم مؤثری که این سازمان برداشت ، دریافت پنجاه ریال بابت حق ورزش بود که ازطرف دانشجویان داوطلب هردانشکده ، هنگام مسابقهٔ ورودی و ثبت نام ، پرداخت میگردید . در سال ۱۳۲۵ بابودجهٔ ناچیزسازمان ورزش، سه‌زمین تنیس وسه‌زمین والیبال ودوزمین بسکتبال ومیدان پرش طول وارتفاع وپرتاب وزنه دردانشگاه دایر وباحضور مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاه افتتاح گردید. سپس بامبلغ سی‌ملیون ریال اهدائی ذات ملوکانه، تالار سرپوشیدهٔ ورزش دانشگاه که یکی از مجهزترین و باشکوهترین تالارهای ورزش خاورمیانه است بنا ودرحضورمبارك شاهنشاه افتتاح گردید. این‌تالار دارای جدیدترین وسایل ولوازم ورزش میباشد و گنجایش ۱۵۰۰ نفرتماشاچی دارد وهرساعت درحدود سیصد نفر ورزشکارمیتوانند ازوسایل‌آن استفاده نمایند . گذشته‌ازاین ، دردانشکده‌های پزشکی ـ حقوق ـ ادبیات ـ علوم ، تالار های ورزش دایر میباشد واز سال ۱۳۲۵ که امیرآباد به دانشگاه تحویل شده ، همه ساله تابستان ، استخرشنا ومیدانهای ورزش آن مورد استفادهٔ دانشجویان واستادان قرار گرفته‌است .

مسابقات ورزشی دانشگاه که در رشته‌های دوومیدانی ـ شنا ـ وزنه‌برداری ـ پرورش‌اندام ـ بسکتبال ـ والیبال ـ فوتبال ـ اسکی ـ کشتی‌آزاد وفرنگی ـ پینك پنك ـ دوصحرا نوردی ـ دوچرخه سواری ، بین دانشکده‌ها برقرار میباشد هرسال ازمهرماه آغاز ودرآخر اسفندماه خاتمه مییابد وبقهرمانان اول ، مدال با حکم وپنج جلدکتاب اعطاء میگردد .

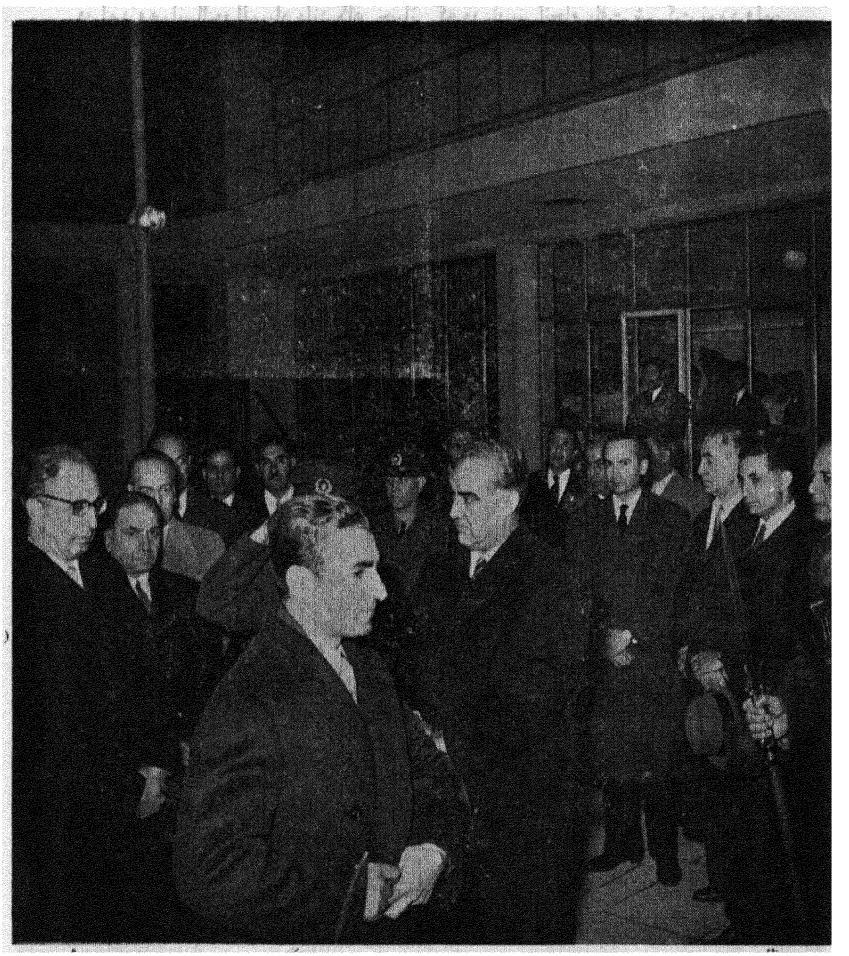

اعلیحضرت همایون شاهنشاه هنگام ورود به‌تالار سرپوشیدهٔ ورزش دانشگاه

دانشگاه تهران چند سال پیش بعضویت المپیاد بین المللی دانشگاههای جهان درآمد وهمانسال‌درالمپیاد دانشگاهی‌جهانی که درپاریس‌انجام یافت شرکت نمود واین امربرای دانشجویان فوق‌العاده مفید واقع شد. گذشته ازاین، مسابقات دیگری نیز از

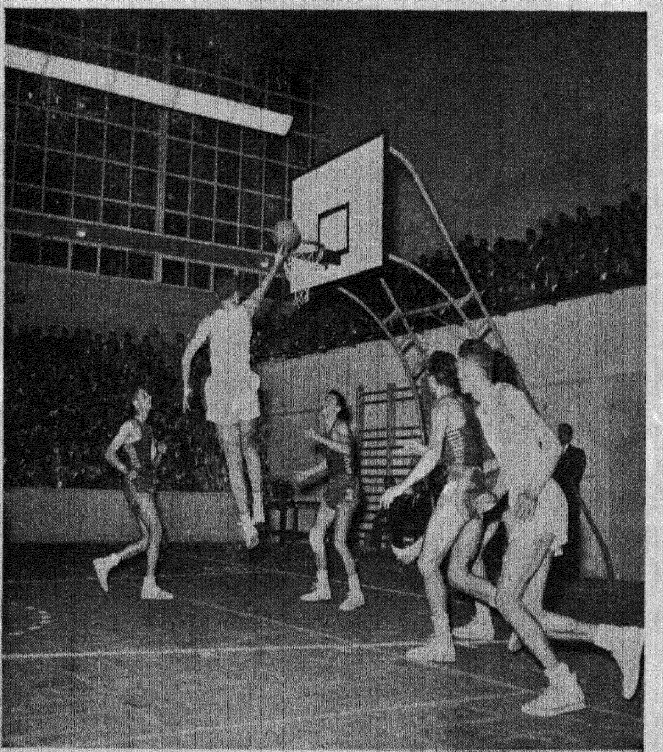

یك لحظهٔ پرهیجان‌ازمسابقهٔ بسکتبال بین دسته‌های دانشگاه تهران ودانشگاه حربیهٔ آنکارا درتالار سرپوشیدهٔ ورزش دانشگاه

طرف دانشجویان انجام گرفت، منجمله در سال ۱۳۳۵ دستهٔ وزنه برداری دانشگاه بنا بدعوت دستهٔ وزنه‌برداری ترکیه برای مسابقه بآن کشور عزیمت نمود و دانشجویان دانشگاه، قدرت وشجاعت خودرا درآن‌مسابقه نشان دادند ونیزدرسال ۱۳۳۶دستهٔ کشتی وفوتبال‌دانشگاه بنابدعوت دستهٔشهرستان بورسای‌ترکیه برای‌چندمسابقه بآن‌شهرستان

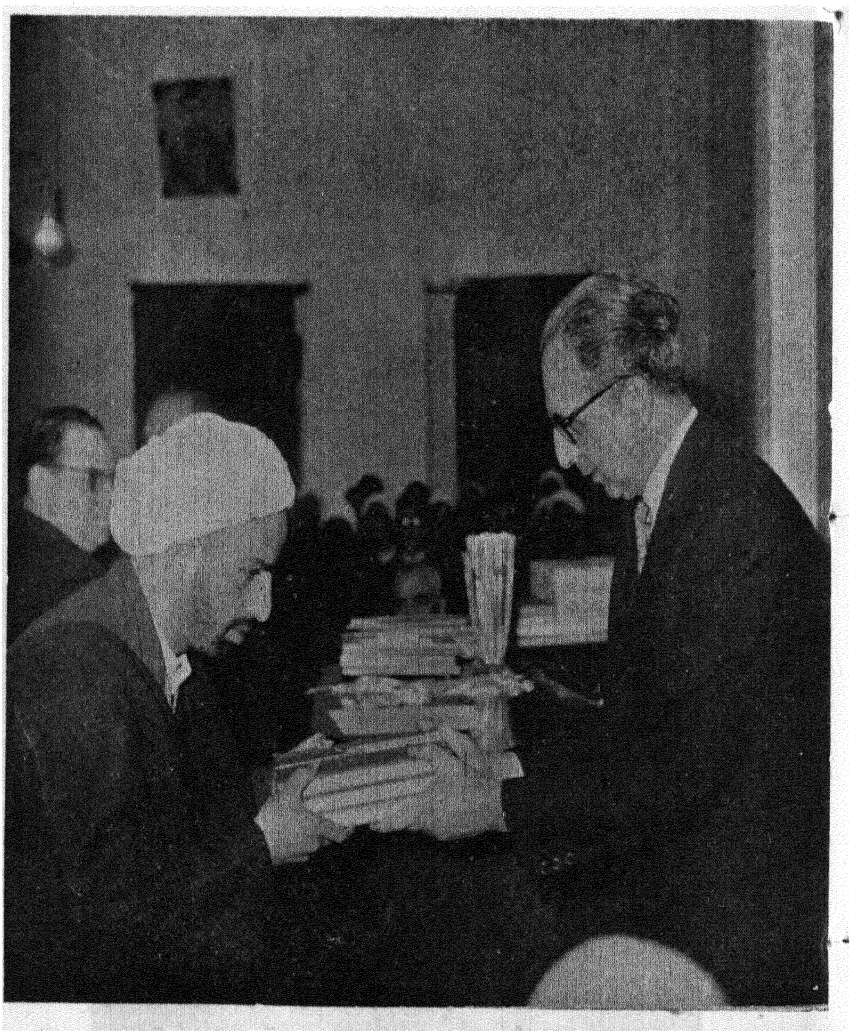

آقای رئیس دانشگاه جایزهٔ یکی از قهرمانان ورزشی دانشکدهٔ معقول و منقول را
اعطاء میکنند

عزیمت نمود ودرسال ۱۳۳۷ متقابلاً دسته‌های کشتی وفوتبال شهرستان بورسا به‌تهران وارد شده وچند مسابقه با دستهٔ دانشگاه دادند که دستهٔ دانشگاه در جمع امتیازات ، هم



قهرمان بینك پنك دانشکدهٔ پزشکی مدال وجایزهٔ خودرا از آقای رئیس دانشگاه دریافت مینماید

در کشتی وهم درفوتبال برنده گردید ونیز بنا بدعوت دانشگاه ، دستهٔ بسکتبال دانشکدهٔ افسری حربیهٔ آنکارا بتهران آمد وروزافتتاح تالار سرپوشیدهٔ ورزش دانشگاه درحضور اعلیحضرت همایون‌شاهنشاه بادانشجویان دانشگاه‌تهران مسابقه‌داد واین مسابقه نیزبنفع

دستهٔ دانشگاه تهران پایان یافت . اخیراً سازمان ورزش دانشگاه ، بادارهٔ تربیت بـدنی دانشگاه تبدیل گردیده است .

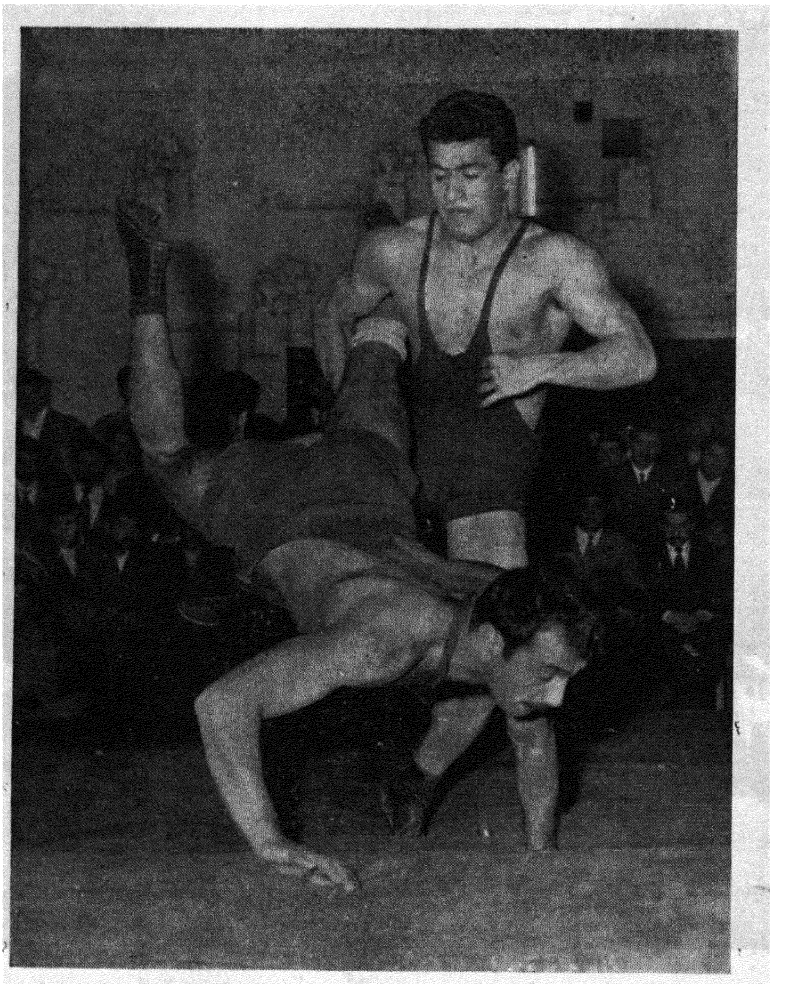

گوشه‌ای ازمسابقه‌های کشتی بین ورزشکاران دانشگاه و باشگاه بانك ملی

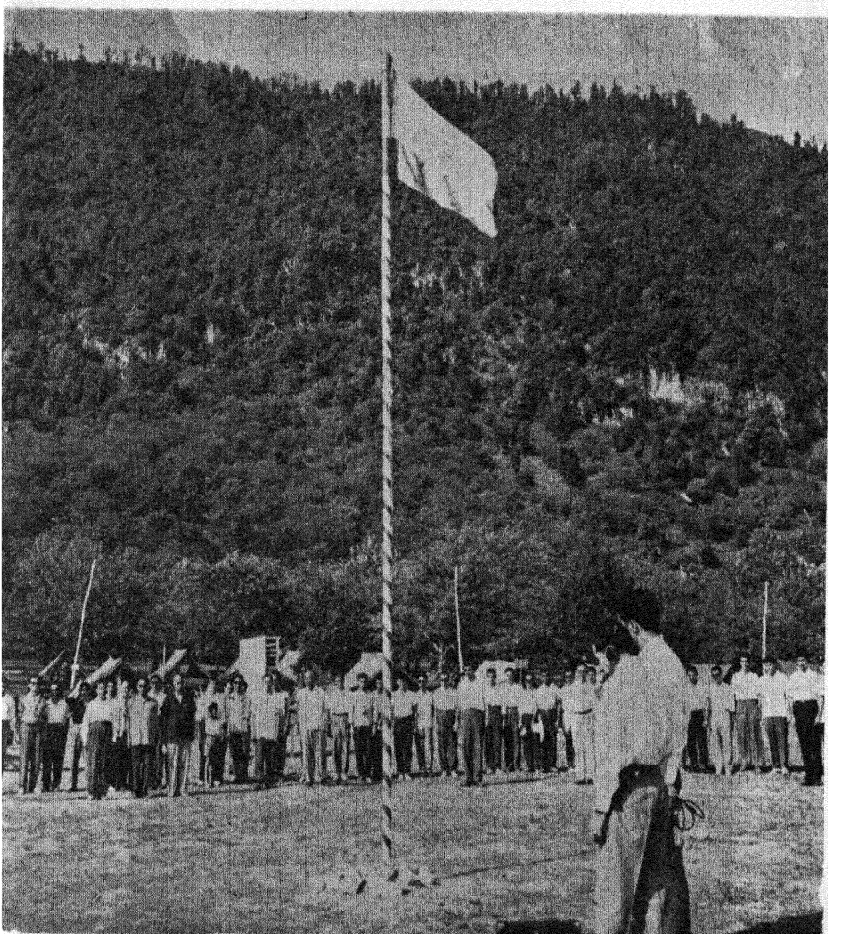

مراسم برافراشتن پرچم درارد وی پسران دانشجوی دانشگاه تهران

مطبوعات

در دوران تمدن اسلامی، فرهنگ ایرانی با معارف اسلامی توأم گردید و مکتبی بوجود آمد که هنوز دنیای ادب از آن برخوردار است.

در قرون وسطی که دوران تاریك خطهٔ اروپا محسوب است، در دورانی که تفتیش‌عقاید باشدت هرچه تمامتر درمغرب‌زمین عملی می‌شد، درعصری که پهلوانان و زورمندان و صاحبان قلاع در آن نقطه فعال مایشاء بودند و افکار آزاد بحکم کشیشان محکوم به‌نیستی‌بود، کشور ما مهد علم ومدارس قدیمهٔ این‌سرزمین کانون تحقیق وتتبع، ونور ایمان از زیروزبر آسمان شفاف میهن ما ساطع بود. اما بحکم جبر تاریخ، این کیفیت ادامه نیافت؛ ما سر گرم بحث وجدال و حل اختلاف معنی الفاظ بودیم و اروپای بخواب رفته، کم کم بیدار و هشیار میشد. ما بکلیات توجه داشتیم و آنان بخواص‌مصنوعات طبیعت سر گرم گردیدند. در نتیجه سدی نفوذناپذیر بین پندار شرق و غرب بوجود آمد وهریك بکار خود که بکلی از دیگری متمایز بود اشتغال یافتند. سرانجام، اختراع سلاحهای مؤثر جنگی و حس جهانگیری واستعمارطلبی‌مردم‌اروپاوتماسی که‌خواه‌ناخواه‌باساکنان‌سایرمناطق جهان ومملکت ما میبافتند، ایرانیان را بوضع آنان آشنا ساخت ولزوم اقتباس فنون وعلوم آنان روزبروز محسوستر شد وپیروی از روش آزادیخواهی آنها خاصه بااستبدادی که درمشرق‌حکمفرما بود ضروری‌تر جلوه نمود. خوشبختانه در آن اوان ودر کشاکش حکومت مطلقه و خودکامگی که در کشور ما رواج داشت، مردانی بزرگ چون قائم‌مقام وامیر کبیردرصحنهٔ قدرت خودنمائی کردند وباافکاردرخشان خود وپیروان وفادارخویش‌زمینهٔ آزادگی‌و کسب دانش‌جدیدرا برای ابناء مملکت فراهم آوردند. بهمین‌جهت ما آنانرا بمنزلهٔ پیشقدمان فرهنگ نوین بشمار میآوریم ودر تاریخچهٔ

فرهنگ ملی از این رادمردان به‌نیکی وعظمت یاد میکنیم .

تأسیس دارالفنون با شعب متعدد فنی بسال ١٢٦٦ ، مبدء اصلی تحولات فرهنگی و سر آغاز رواج مطبوعات بسبك جدید است و گرچه نخستین مطبعه در اواخر قرن دهم هجری توسط ارامنهٔ جلفا و ارومیه بایران وارد شده و اولین روزنامهٔ میهن‌ما بروش تازه ، در١٢٥٣ هجری قمری شامل گزارش دربار محمدشاه وبدون نام خاصی انتشار یافته ، ولی چون چاپخانه وروزنامه ومدرسه هریك مظاهر فرهنگ ملی وجلوهٔ بارز ودرعین‌حال پرتو توأم ومشترکی از تحول علمی و ادبی عصر جدید است ، بدون تجزیه وامتیاز، فهرست‌وار بذکر حوادثی که براین‌سه‌اصل گذشته میپردازیم :

اولین روزنامهٔ ایران در٢٥ محرم ١٢٥٣ که منطبق با چهارمین‌سال سلطنت محمدشاه بوده بسرپرستی میرزاصالح شیرازی بحلیهٔ طبع آراسته شده . سپس همین روزنامه بنام وقایع اتفاقیه معروف شده. بعد جریدهٔ علمیهٔ دولت علیهٔ ایران در ١٢٥٥ ، روزنامهٔ نظامی دولت علیهٔ ایران در ١٢٩٤ ، نخستین مجلهٔ گنجینهٔ معنوی در تبریز بسال ١٢٨٢، اولین‌جریدهٔ فکاهی بنام اطلاع در بوشهر وشیخ‌چغندر، بهلول، حشرات‌الارض، شیداو بعدها ناهید، حلاج، توفیق و نسیم‌شمال ، در تهران چاپ شده‌است. ادارهٔ دارالطباعه که از ملحقات وزارت انطباعات اعتمادالسلطنه بوده ونخست محمدحسن‌خان صنیع‌الدوله ریاست آنرا داشته ، در رواج چاپ و نشر جراید سهم مهمی داشته است . روزنامه‌های ایران ، مریخ ، علمی ، در همان ایام منتشر میشده وکارکنان دولت مجبور بوده اند از حقوق خود آنها را خریداری کنند . شمارهٔ اول روزنامهٔ خلاصة‌الحوادث که همه روزه جز یکشنبه و جمعه منتشر میشده در ١٤ جمادی الآخر ١٣١٦ قمری منتشر شده است . روزنامهٔ مصور شرف بمدیریت اعتمادالسلطنه‌دردوران‌سلطنت ناصرالدینشاه وزمان‌مظفرالدینشاه‌منتشرمیگردیده‌است.ادیب‌الممالك،روزنامهٔ نوروز و ناظم‌الاسلام،مظفری بوشهر ومجدالاسلام کرمانی، ندای وطن ومیرزاحسن‌رشدیه،روزنامهٔ مکتب‌وتهران را منتشرمیکرده‌اند.چاپخانهٔ

سربی عربی وفارسی بدستور حاج میرزا حسین‌خان سپهسالار در ۱۲۹۰ از اسلامبول خریداری و بایران وارد شده است . اولین سالنامه و تقویم شامل شرح حال رجال عهد ناصری در ۱۲۹۶ منتشر شد ، علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه پسر فتحعلیشاه در ۱۲۷۵ رئیس دارالفنون وسپس وزیر علوم گردید و تلگرافخانه را در ایران دایر وضمیمهٔ وزارت علوم نمود ودر ۱۲۸۰ اولین دارالترجمهٔ دربار را برپا کرد. نخستین مدرسه بسبك تازه ، مدرسهٔ مشیری است که بوسیلهٔ محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه با مساعدت مالی مشیرالدوله صدر اعظم بوجود آمده . در همین دوران کتابخانهٔ سلطنتی ، اولین مریضخانهٔ دولتی بریاست ناظم‌الاطباء ، تمبر پستی وموزهٔ سلطنتی درست شده است . وی تا ۱۲۹٤ سر کار بود ؛ مدرسهٔ نظام تهران ، نظام همایونی اصفهان ومدرسهٔ دولتی تبریز نیز در زمان این وزیر با تدبیر بوجود آمده سپس دردوران امین‌الدوله و نیرالملك ، انجمن تأسیس مکاتب ملی ایران بسال ۱۳۱٦ برپا گردیده است .

در سال ۱۲۹۳ انجمنی بنام مجلس تألیف کتاب رجال ، بهمت اعتمادالسلطنه و فروغی اصفهانی مرکب از یك مدیر ، سه عضو ، دو مترجم و یك منشی و چهار پیشخدمت بوجود آمده که مدتها دوام کرده . از نتایج این انجمن ، تألیف مجلدات پنجگانهٔ نامهٔ دانشوران است . این نامه تاجلد هفتم در ۱۳۲٤ چاپ شده است . ایجاد روزنامهٔ معارف و کتابخانهٔ ملی وشرکت طبع کتب از کارهای این انجمن است ، کلیهٔ بودجهٔ فرهنگ ایران درسال ۱۳۱٦ قمری سی‌هزار تومان بوده است .

طبع آثاری بزبان فارسی درممالك دیگر، بقبل از تواریخی که از آن یاد شد میرسد . درمصر و اسلامبول وایتالیا وهلند آثاری تا ۱۱۹۹ چاپ شده است . درسال ۱۲۲۷ چاپ سربی‌در تبریز ودر ۱۲۳۰ درتهران برقرار بوده. اولین کتابی که ترجمه شده تاریخ اسکندر ازانگلیسی است . سیدجمال‌الدین اسدآبادی متفکر ایرانی در نهضت جدید مطبوعاتی سهمی بسزا دارد . وی نخست ، انجمنی بنام ام‌القری در

۱۲۶۶ در اسلامبول درست کرد که منحل شد ، بعد عروةالوثقی را در پاریس ، ضیاءالخافقین را درلندن ومعلم شفیق را درحیدر آباد چاپ نمود. ملکم‌خان معروف نیز روزنامهٔ قانون را منتشر ساخت. درتبریز وتهران ، مآثر سلطانی وجلد قاجاریهٔ ناسخ‌التواریخ در ۱۲۴۰ چاپ گردید. شرکت چاپ در۱۳۱۷ تأسیس ومدرسهٔ سیاسی بهمت مشیرالدوله درهمین سال برپا گردیده است .

نخستین مدرسه توسط میسیون آمریکائی در رضائیه بسال ۱۸۳۶ یا ۱۲۵۱ یعنی ۱۵ سال قبل‌ازدارالفنون برپا گردیده است. درهمین‌ایام ، خانمی آمریکائی در نزدیکی رضائیه مدرسهٔ دخترانه‌ای درست نمود که محصلین آن ازمسیحیها بودند. مدرسهٔ خلیفه گری ارامنهٔ تبریز در ۱۲۸۲ تأسیس شده و ناصرالدینشاه سالی ۲۵۰ تومان بآن کمك میکرده ، بعدها این مدرسه بنام صبا نامیده شده است . اولین مدرسهٔ آذربایجان مدرسهٔ دولتی تبریز است که بسال ۱۲۹۳ بنام مدرسهٔ مظفری برپا شده . درمآثر والآثار وسایر نوشته‌های‌هدایت(۱۲۹۴) این آموزشگاه (مدرسهٔ دولتی تبریز) قید گردیده و رئیس آن میرزا جواد خان سرتیپ بوده که در زمان ولایتعهدی‌مظفرالدین‌شاه ، درپیشکاری‌فتحعلیخان صاحبدیوان این‌شغل راداشته‌است واکنون نمونه‌هائی از مندرجات جرایدآن عصررا که در بارهٔ مدرسهٔ دولتی تبریز نوشته‌اند ونثرآن عهد را هم معلوم میکند نقل میکنیم :

روزنامهٔ ناصری منطبعهٔ تبریزشمارهٔ ۵سال اول غرهٔ ذیحجهٔ ۱۳۱۱ مینویسد : «جناب اسمعیل بیگ مدیر ادارهٔ شریفهٔ روزنامهٔ ترجمان که ازجملهٔ تکمیل شدگان عالم مدنیت و تربیت‌یافتگان عرصهٔ انسانیت وترقی جویان ملت و خیرخواهان فرقهٔ محترمهٔ اسلامیه است شرح مبسوطی درتشکراز توجهات حضرت اقدس والاولیعهد روحنافداه درباب‌تأسیس‌وتشکیل‌مدرسهٔ مبارکهٔ مظفریه‌درتبریزدرروزنامهٔ گرامی خودمندرج نموده‌وبتوسط معین الوزاره ژنرال قونسول دولت علیهٔ ایران درتفلیس یك‌صندوق مشتمل بر رسالهٔ جدیده و قطعات ژئوگرافی و سرمشق مبتدیان مدرسه برسم‌تبریك تشکیل مؤسسهٔ مزبوره تقدیم نموده‌اند .....»

درشمارهٔ ۶ سال اول‌ناصری ۱۵ ذیحجهٔ ۱۳۱۱ آمده است : « مدرسهٔ مبارکهٔ

مظفریه بمراقبت میرزا جعفرخان ملك‌الشعراء حکیم باشی و نایب الریاسهٔ مدرسهٔ مزبوره و مهدیقلی‌خان سرهنگ ناظم در کمال نظم و ترتیب است معلمین فارسی عربی طب ریاضی هندسه حساب ژئو گرافی زبان فرانسه و خط نستعلیق همه روزه در ساعت مقرره در اطاقهای درس حاضر شده و بتعلیم شاگردان مشغولند ... » روزنامهٔ اختر منطبعهٔ اسلامبول در همان ایام مینویسد : « ازقول خبرنگار محترم اختر نوشتیم که ریاست دارالفنون تبریز بسبب اینکه ترقی آنجا منظور نظر بندگان حضرت مستطاب اشرف امجد والا ولیعهد دولت ابدآیت ایران است بعهدهٔ کفایت جناب فضائل مآب معالی آداب آقامیرزا محمد ندیم‌باشی که مراتب علم و آگاهی ایشان مستغنی از تعریف و بیان است محول شده است ... » دومین مدرسهٔ تبریز بتوسط حاج میرزا حسن رشدیه درسال ۱۳۱۱ تأسیس شده است . روزنامهٔ ناصری درشمارهٔ ۵ مورخ غرهٔ ذیحجهٔ ۱۳۱۱ مینویسد : « جناب ملاعبدالرحیم طالبوف ساکن شهر تمرخان جزو ایالت داغستان این اوقات از تأسیس وافتتاح مدرسهٔ رشدیهٔ تبریز اطلاع حاصل نموده و نظر بمیل فطری ورغبت معادل دویست قلم کتاب از علم فیزیك بضمیمهٔ سی منات اسکناس بجهة اعانهٔ مدرسهٔ مزبوره ارسال نموده‌اند و جناب میرزا حسن رشدیه نیز همان مبلغ را صرف الفبای جدید خواهند نمود . » روزنامهٔ ثریا منطبعهٔ مصر در شمارهٔ ۳۶ سال اول مورخ ۲۲ صفر ۱۳۱۷ مینویسد « تنی چند از نیك نهادان ملت بخیال افتتاح مدرسه بطور جدید باسم تربیت افتادند و مشغول تهیهٔ مقدمات آن بودند ناگاه این تفصیل بسمع بعضی از جهال که در لباس علم خویش را جلوه میدهند رسید خروش از دل بر آوردند که این مسئله شکست بر رکن رکین اسلام وارد آورد ... »

روزنامهٔ اطلاع درزیقعدهٔ ۱۳۱۷ در باب مدرسهٔ لقمانیه مینویسد : « ازقراری که چندگاه قبل وقایع نگارما از تبریز نگاشته روزغرهٔ ذیقعده در مدرسهٔ لقمانیه مجلس امتحانی منعقد بود در این مدت قلیل شاگردان از هفت ساله تا بیست ساله بطوری تحصیل کرده وخوب امتحان دادند که باعث حیرت حاضرین گردید پس از امتحان جناب لقمان الملك خطابه و نطقی ایراد کردند ودر آن ضمن ازعدم استقبال و نداشتن کومکهای مادی از اشخاص اظهار یأس نمودند » انجمن معارف در تبریز برای مقابله

با افراد جاهل در ۱۳۱۸ تشکیل شد وعده‌ای از مدیران مدارس و افراد روشنفکر عضو آن بودند . برنامهٔ منظم برای مدارس ، زمان وزارت علاءالملك درسال ۱۳۲۳ تنظیم شده و در مجلهٔ چهره‌نما منطبعهٔ مصر شمارهٔ ۱۰ مورخ ۲۰ ذیحجهٔ ۱۳۲۳ بنام نظامنامه آمده است : « سال اول ابتدائی ازروی کتاب تعلیم الاطفال شیخ الاسلام مرحوم که جناب جلالت مآب اجل آقای وزیرعلوم چاپ کرده‌است . سال دوم قرآن مجید ـ کتاب علمی ـ کتاب تربیت ـ دیکتهٔ خط نستعلیق ازروی کفایة التعلیم مشق خط » وپس اززکر بقیهٔ کتب وتکالیف کلاسها مینویسد : « باتفاق جنابان مدیران و معلمین مدارس ملیهٔ مظفری که از طرف قرین الشرف دولت ابد مدت اعانه مرحمت میشود قرار براین گردید که تمام کتب معینهٔ مفصله که بسالهای تحصیل اطفال قسمت شده درمدارس تهران وسایرممالك محروسهٔ ایران تدریس شود واحدی تخلف نکند وهمچنین درهراطاق تمام شاگردها که هم‌قوه هستند همدرس بوده و متفقاً یك‌فقره درس بخوانند و تحصیل کنند ... »

دردوران مشروطیت وزارت علوم اهمیت شایانی مییابد و نخستین وزیرعلوم، مخبر-السلطنه درکابینهٔ میرزاعلی اصغرخان اتابك بوده . عطف توجه اساسی مجلس بمعارف درسال ۱۳۲۵ بوده . دراین‌سال وزارت معارف ، علوم ، اوقاف و تلگراف و معادن ازیکدیگر تفکیك گردیده است . قانون اداری معارف در ۱۳۲۸ وضع شده و قانون اساسی معارف در نهم عقرب ۱۳۲۰ بتصویب رسیده و بموجب این قانون ، تحصیلات کشور بابتدائی ومتوسطه وعالی تقسیم‌شده‌است. جرایدی که در برقراری مشروطیت اثر شایانی داشته‌اند عبارتند از : حبل المتین ، ملا نصرالدین و قانون که دست بدست میگردیدند . خاصه شوخیهای ملا نصرالدین باشیخ الاسلام قفقاز اثری محسوس داشت . متفکران، علل تاراج خانهٔ نظام العلما را در ۱۳۱۶ زمان حکومت امیرنظام گروسی، مقالات این جراید دانسته‌اند. حبل‌المتین رامؤید الاسلام در کلکته مینگاشت و ملانصرالدین را میرزا جلیل درقفقاز مینوشت . اختر بقلم حسن خان در اسلامبول ، حکمت بخامهٔ میرزامهدی خان تبریزی درقاهره ، ثریا و پرورش بتوسط میرزاعلی-محمدخان کاشانی درمصر انتشار مییافت، آقای تقی‌زاده ومرحوم محمدعلی خان تربیت مجلهٔ گنجینهٔ فنون را در تبریز منتشر میکردند وسیدحسین خان عدالت عضو انجمن سری،

روزنامهٔ عدالت را چاپ مینمود .

در آذربایجان روزنامهٔ مصور برای اولین بار بنام آذربایجان وحشرات‌الارض چاپ شد . مدیر این جریده حاج‌میرزا آقابلوری ، نقاش آن حسین‌طاهرزاده و نویسنده‌اش علیقلی‌خان صفراف بود . در این ایام هنوز محمد علی میرزا ولیعهد و در تبریز بود . او سعی‌داشت‌این‌افکار آزادیخواهانه‌را در کانون خود نابود کند. بناچار، شبنامه نویسی رواج‌یافت. شب‌نامه‌ها عناوین خاصی داشتند مثلاً : ولیعهد درچه‌حال‌است مست وخراب‌است مشغول حساب است یامجتهد گاو آهن‌درچه حال است در فکردهات‌است امام‌جمعه درچه‌حال‌است‌مشغول‌نفاق است دست بر گردن چاق است ...

دربارهٔ بانوان روزنامه‌نویس باید بنظر آورد که از آغاز اسلام تا مشروطیت نسبت بفعالیت اجتماعی بانوان سکوتی مشهود است ، در دوران قاجاریه خواندن را بزنان یاد میداده‌اند ولی نوشتن نمیتوانسته‌اند . با این وجود ، افرادی فاضله مانند انیس‌الدوله زن ناصرالدینشاه که کتاب فاطمه و پیغمبر را از ناسخ‌التواریخ استخراج و چاپ کرد و مجانی بمردم داد بوجود آمدند ، در ۱۲۹۲ خانم مریم عمید (مزین - السلطنه) روزنامهٔ شکوفه را منتشر کرد . در ۱۲۹۷ روزنامهٔ زبان زنان بتوسط خانم صدیقهٔ دولت آبادی منتشر شد و اکنون جراید ومجلات بسیاری‌بتوسط بانوان منتشرمیشود . وامانگارش جریده و مجله که‌تاآغازمشروطیت بحکم ذوق و قریحه و استعداد شخصی بود ، کم کم تابع مقرراتی گردید . نخست شورای عالی فرهنگ باتکاء توانائی علمی و اخلاقی و مالی ، برای بعضی امتیازی تصویب مینمود ؛ سپس قانونی گذشت که هر کس بتواند نامه‌ای مرتب و صحیح بنویسد و در واقع تسلطی برزبان داشته باشد میتواند ازامتیاز روزنامه استفاده کند ، قانونی که اکنون اجرا میشود ودر واقع ازمزایای‌این عصردرخشان است ، حداقل معلومات را برای‌صاحب امتیازوسردبیر ، درجهٔ لیسانس دانسته وداشتن حسن‌شهرت ومکارم اخلاقی را برای آنان شرط حتمی‌شمرده است . برای تخلفات مطبوعاتی نیزمجازاتهائی تعیین شده‌و کمیسیونی با شرکت نمایندگان وزارتخانه‌های صلاحیت دار ، مأمور صدور اجازهٔ نشر و الغاء امتیاز جراید ومجلات است . علاوه‌براین ، مطابع‌درجه اولی که‌ازلحاظ قدرت طبع ونفاست‌کار بابهترین چاپخانه‌های اروپا رقابت‌میکنندرتهران برپا شده

ودامنهٔ نشر کتب و تعدادجراید منتشره روز بروزافزایش‌مییابد و مدارس و دانش‌آموزان ایران با سرعت رو بازدیاد است .

تاسال ۱۳۰۰ شمسی درمیهن‌ما جمعاً ۱۵۰۰ جلد کتاب چاپ شده و ۸۰۰امتیاز مجله و روزنامه صادر گردیده بود و از آن سال تاکنون ۲۰۰۰۰ جلد کتاب جدید بوجود آمده و چاپ شده و ۷۸٦ امتیاز مجله و روزنامه صادر گردیده است .

دادگستری ایران

دادگستری نوین ایران که اساس تشکیلات واصول وظایف و اختیارات آن بموجب قانون اساسی معین‌شده، مبنی براصل انفکاك قوا واستقلال قوهٔ قضائیه میباشد.

از آغاز مشروطیت تاکنون که بیش از پنجاه سال میگذرد قوهٔ قضائیه همواره درسیر تحول وتکامل‌بوده وباقتضاء اوضاع واحوال اجتماعی وترقیات فرهنگی واقتصادی کشور قوانین مفید بمنظور بسط عدالت وتحکیم قوهٔ قضائیه وضع گردیده است.

سازمانهای فعلی دادگستری مولود یك سلسله تحولاتی است که مخصوصاً از سال ۱۳۰۶ یعنی پس از انحلال وتشکیل مجدد دادگستری ایجاد گردیده است. درسال ۱۳۰۶ دواقدام برجسته درتاریخ قضائی کشور انجام‌یافته که حائز کمال اهمیت میباشد: یکی تشکیل‌دادگستری نوینی ازطریق تفویض اختیارات از طرف مجلس بوزیر وقت دادگستری (قانون مصوب بهمن‌ماه ۱۳۰۵) ودیگری‌موضوع الغاء کاپیتولاسیون یعنی حق قضاوت مأمورین کنسولی دول خارجه.

الغاء کاپیتولاسیون که از طرف اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر صورت گرفت بزرگترین قدم برای تحکیم قوهٔ قضائیه بود و در سال ۱۳۰۶ در نتیجهٔ مجاهدتهای بسیار عملی شد.

تحولات دادگستری از دو طریق بعمل آمده : یکی از طریق وضع قوانین مفید و دیگری ازطریق توسعهٔ تشکیلات قضائی.

تحولات قانون گزاری

پس از وضع قانون اساسی ومتمم‌آن که اصول وظایف واختیارات قوهٔ قضائیه را بیان‌میکرد لازم‌بود که قوانین دیگری نیزوضع‌شود تا سازمانهای قضائی جدیدالتأسیس بتوانند طبق آن قوانین وظایف خودرا انجام دهند. مهمترین قوانینی که دادگستری لازم داشت قوانین ذیل بود :

۱ـ قانون آئین دادرسی مدنی و کیفری.

۲ـ قانون اصول تشکیلات دادگستری واستخدام قضات.

۳ـ قانون مجازات عمومی .

۴ـ قانون‌مدنی.

۵ـ قانون ثبت.

۶ـ قانون تجارت .

قانون آئین دادرسی مدنی و کیفری :

اولین قانونی که راجع به‌آئین دادرسی مدنی بتصویب رسیده قانون مصوب سال ۱۳۲۹ قمری بود که قانون اصول محاکمات حقوقی نامیده میشد و باب ششم آن که راجع به‌اجراء احکام‌بود هنوزهم بقوت خود باقی‌است. مقررات مربوط به‌آئین‌دادرسی مدنی از سال ۱۳۲۹ تاکنون بارها مورد اصلاح وتجدید نظر قرار گرفته و مخصوصاً از سال ۱۳۰۵ در نتیجهٔ اعطاء اختیارات به وزیر دادگستری مقرراتی راجع به آئین دادرسی وضع گردیده وبعداً در سال ۱۳۰۹ باوضع قانون تسریع محاکمات، اصلاحات مفیدی درمقررات مربوط به‌آئین دادرسی بعمل آمده. این اصلاحات تا سال ۱۳۱۸ ادامه داشت تابالاخره درآن‌سال‌کلیهٔ قوانین مربوط به آئین دادرسی مورد تجدید نظر قرار گرفت واز مجموع آن مقررات قانون تازه‌ای بعنوان (قانون‌آئین دادرسی‌مدنی) بتصویب رسیدکه اکنون مورد اجرا میباشد وپاره‌ای ازمقررات‌آن طبق قانون مصوب سال ۱۳۳۴ اصلاح شد.

پس‌از قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب سال ۱۳۲۹ قمری، قانون اصول محاکمات جزائی درسال ۱۳۳۰ بتصویب رسیدکه هنوزهم قانون مزبور مورد عمل میباشد ودرطول این‌مدت پاره‌ای‌ازمقررات‌آن اصلاح‌شده ومخصوصاًدرسالهای ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ اصلاحات لازم و مفیدی درآن قانون بعمل آمده است.

قانون اصول تشکیلات دادگستری :

در سال ۱۳۲۹ قمری اولین قانون راجع به‌اصول تشکیلات دادگستری‌بتصویب رسید. این قانون نیز مانند قوانین راجع به‌آئین دادرسی بارها مورد اصلاح و تجدید



درب ورود شرقی کاخ دادگستری

نظر قرار گرفته که از اهم قوانین اصلاحی مزبور قوانین ذیل‌را میتوان ذکر نمود :

۱- قانون اصول تشکیلات دادگستری مصوب سال ۱۳۰۲

۲- قانون اصول تشکیلات دادگستری مصوب سال ۱۳۰۶

۳- قانون اصول تشکیلات دادگستری مصوب سال ۱۳۰۷

قانون مصوب ۱۳۰۶ و۱۳۰۷ مهمترین قانونی است که راجع به تشکیلات دادگستری واستخدام قضات بتصویب رسیده است. پس از آنکه در سال ۱۳۰۶ شمسی دادگستری منحل ودادگستری نوین ایران تشکیل گردید و باینطریق مقدمات الغاء کاپیتولاسیون فراهم شد لازم بود که قانون جامعی راجع به طرز تشکیل سازمانهای قضائی وشرایط اشتغال بقضاوت وضع شود تادادگستری‌نوین طبق آن قانون شروع‌بکار نماید. این منظور با تصویب قوانین مزبور عملی گردید وضمناً بمنظور آشنائی قضات بحقوق کشورهای خارجه، مادهٔ ۱۱۴ قانون مصوب ۱۳۰۷ مقرر داشت که وزارت دادگستری همه‌ساله پنج‌نفرازقضات را برای ادامهٔ مطالعات بخارجه‌اعزام نماید. ازآن تاریخ‌تاکنون بازهم مقررات مربوط باصول‌تشکیلات دادگستری مورداصلاح وتجدید نظرقرار گرفته که مهمترین قوانین‌اصلاحی‌درسالهای ۱۳۱۵ و۱۳۳۳ و۱۳۳۵ بتصویب رسیده‌است. ازجملهٔ موضوعاتی که ضمن‌قانون‌اصول تشکیلات موردتوجه بودموضوع وکالت دردعاوی وسازمان وکلاء دادگستری‌بود که درقانون‌مصوب سال۱۳۰۷مقرراتی دربارهٔ آن وضع‌وبعداً درسالهای ۱۳۱۴ و۱۳۱۵مقررات مزبور مورد اصلاح وتجدید نظرقرار گرفت تا اینکه درسال ۱۳۳۳ قانون استقلال کانون وکلاء بتصویب رسید.

قانون مجازات عمومی :

قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴ بتصویب رسیده است . قبل از تصویب قانون مزبور مقرراتی بعنوان (قانون جزائی عرفی) بموقع اجراء گذاشته میشدکه در عمل نواقص بسیار داشت. ازاین لحاظ قانون مصوب‌سال ۱۳۰۴ بتصویب رسید. قانون مزبور باوجود بعضی اصلاحات وتغییرات که درآن داده‌شده هنوزهم مورداجرامیباشد.

قانون مدنی :

قانون مدنی ازجملهٔ قوانینی است که مدتها بعداز وضع قانون اساسی وتشکیل سازمانهای‌قضائی بتصویب رسیده وعلت این‌امراهمیت زیاد قانون مزبورمیباشد. قانون مدني درسه‌جلد وطي ۷ سال بتصویب رسیده باین‌معني که جلداول آن درسال ۱۳۰۷ و

جلددوم وسوم درسالهای ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ بتصویب رسیده است.

ثبت اسناد واملاك :

قبل از سلطنت اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر مرکزی برای ثبت اسناد مربوط بمعاملات وعقود واملاك مردم وجود نداشت واین گونه امور در محاضر عده‌ای از روحانیون انجام میگرفت. نظربوسعت خاك کشور و عدم وسایل ارتباطی کافی و کثرت محاضری که تابع نظم وقاعدهٔ خاصی نبودند وهمچنین بعلت نبودن مرجع دولتی برای ثبت ونگاهداری اسناد، غالباً معاملات معارض یکدیگر انجام میگرفت بطوریکه روی یك ملك چند معاملهٔ معارض درمحاضر مختلف بوقوع میپیوست وحتی بارها مشاهده میشد که برای یك زن دوعقدنامه ابرازمیگردید ودونفر مرد مدعی زوجیت او بودند واز طرفی حدود ومساحت املاك ورقبات نیزمعین نبود وهمین نواقص موجب ایجاد دعاوی بسیاری در محاکم عدلیه میشد که قضاوت درغالب آن دعاوی بسی مشکل بود.

هرچند در سال ۱۲۹۰ وبعداً در سال ۱۳۰۲ قانون ثبت اسناد و اصلاح آن از تصویب مجلس گذشت ولی گذشته از نواقص بسیاری که این قانون داشت ، ثبت اسناد الزامی نبود.لذا درسال ۱۳۰۶ قانون جدیدی راجع به‌ثبت اسناد واملاك وضع گردید و ادارهٔ کل ثبت باتشکیلات جدیدی تأسیس شد وضمناً برای تهیهٔ مأمورین بصیر ومطلع یك دوره کلاس ثبت تأسیس گردید که مقررات مربوط به‌ثبت اسناد واملاك در آن کلاس تدریس میشد. متعاقب قانون مصوب ۱۳۰۶، قانونی در ۱۳۰۸ وسپس قانون دیگری در ۱۳۱۰ بتصویب رسید وباتصویب قوانین مزبور ثبت اسناد واملاك الزامی شد ونحوهٔ ثبت املاك که قبلاً بطورفردی انجام میگرفت بعمومی تبدیل گردید باین معنی که پس از اقدام به ثبت املاك واقع دریك ناحیه، کلیهٔ املاکی که در آن ناحیه واقع بود دفعتاً واحده بنام متقاضیان اعلان میشد تاعموم مردم از تقاضای ثبت مطلع شده وبتوانند اعتراضات خود را بنمایند. ضمناً تعداد کافی مأمورین مساح ونقشه‌بردار تربیت شدند وحدود ومساحت املاك روی نقشه های رسمی معین ودراسناد مالکیت قید گردید . پس از تصویب قانون ثبت اسناد و املاك وتشکیل ادارهٔ کل ثبت چون لازم بود که بمنظور اجراء برنامه‌های اقتصادی کشور تشکیل شرکتهای تجارتی مورد تشویق قرار گیرد و حقوق مخترعین حفظ شود لذا قانون ثبت شرکتها درسال ۱۳۱۰ وسپس قانون ثبت علائم تجارتی واختراعات درهمان

سال بتصویب‌رسید که از لحاظ اقتصادی اهمیت‌بسیار داشت. ضمن اصلاح قوانین‌مربوط به‌ثبت، موضوع تشکیل‌دفاتر اسنادرسمی واصلاح مقررات آن موردتوجه قرار گرفت وبالاخره درسال ۱۳۱۶ قانون مربوط بدفاتر اسناد رسمی بتصویب رسید.

قانون تجارت :

اولین قانون تجارت درسال ۱۳۰۳ بتصویب رسید وسپس در سالهـای ۱۳۰۴ و ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ مقرراتی راجع بامور تجارتی وضع گردید تااینکه درسال ۱۳۱۱ کلیهٔ مقررات مربوط بامور تجـاری ضمن قانون واحدی جمع آوری و بتصویب رسید که بعنوان (قانون تجارت) فعلاً مورد عمل‌میباشد. قوانین مزبور بطوریکه گفته شد اهم قوانین مربوط به دادگستری را تشکیل میدهد که سابقهٔ تصویب هریك بطور اختصار بیان گردید ولی علاوه برقوانین مزبور قوانین بسیاری در طول این مدت وضع شده که مهمترین آنها عبارتست از :

درامور حقوقی :

۱ـ قانون امورحسبی
۲ـ قانون جلوگیری از تصرف عدوانی
۳ـ قانون ازدواج
۴ـ قانون کارشناسان رسمی
۵ـ قانون دلالان
۶ـ قانون تصفیهٔ امور ورشکستگی
۷ـ قانون تعدیل اجاره‌بها

درامور کیفری :

۱ـ قانون مجازات مرتکبین قاچاق
۲ـ قانون جلوگیری ازاحتکار
۳ـ قانون مجازات گرانفروشان
۴ـ قانون تشدید مجازات رانندگان
۵ـ قانون منع کشت خشخاش
۶ـ قانون هیئت منصفه



تصویر برجستهٔ انوشیروان عادل روی سنگ سفید
(درب ورود شرقی کاخ دادگستری)

تحولات دادگستری از لحاظ توسعهٔ تشکیلات

سازمانهای قضائی کشور از آغاز مشروطیت تـاکنون باقتضاء تحولات اجتماعی واقتصادی‌وصنعتی وافزایش‌جمعیت توسعه‌یافته وبمنظور تسهیل مراجعات بدادگستری دراکثر نقاط دوردست سازمانهای قضائی متناسب تشکیل گردیده ومخصوصاً در سالهای اخیر دادگاههای سیار برای بسیاری ازنقاط دور دست تأسیس شده است.

تعداد دادگاهها ودادسراهـای کشور وعدهٔ قضات وکارمندان اداری ووابستگان دادگستری اززمان تشکیل مجددٔ دادگستری یعنی از سال ۱۳۰۶ تـاکنون به چندین برابر افزایش یافته است.

قبل از ذکر تحولاتی که از لحاظ توسعهٔ تشکیلات قضائی ایجـادگردیده باید بدواً سازمانهای فعلی دادگستری ووظایف هریك را بطور اختصار بیان نمائیم.

دادگستری شامل دوقسمت است :

۱ـ سازمانهای قضائی

۲ـ سازمانهای اداری

سازمانهای قضائی کشور مرکب از دادگاهها و دادسراها میباشد . در رأس تشکیلات قضائی، دیوان‌عالی کشورقرار دارد. دیوان‌عالی کشور در سال ۱۳۲۸ رسماً تشکیل گردید و وظیفهٔ آن نظارت براجراء قانون وحفظ وحدت رویهٔ قضائی از طریق نقض وابرام احکام محـاکم تالی میباشد. بعداز دیوان‌عالی کشوراز نظر سلسلهٔ مراتب قضائی، دادگاههای‌استان‌قراردارد که‌درمراکزاستانها تشکیل‌شده وبطوراستینافی‌باحکام دادگاههای شهرستان رسیدگی مینمـاید ؛ ضمناً دیوان جنائی نیز شعبه‌ای از دادگاه استان میباشد .

بعداز دادگاه استان دادگاه شهرستان است که نخستین‌مرجع رسیدگی بدعاوی میباشد وبالاخره دادگاه بخش یادادگاه صلح‌است که بدعاوی کوچك رسیدگی مینماید. درمقابل هریك از دادگاههای شهرستان واستان ودیوان‌عالی کشور یك دادسرا وجود دارد که مرکب از یك نفر دادستان و بتعداد لازم دادیار میباشد. وظیفهٔ دادستان حفظ حقوق عامه ونظارت براجراء قانون است. دررأس دادسراها دادسرای‌دیوان‌عالی کشور

قراردارد. دادستان دیوان‌عالی کشور عنوان دادستانی‌کل را دارد وضمناً تمام دادسراها طبق قانون تحت‌ریاست فائقهٔ وزیردادگستری است.

سازمان‌اداری دادگستری - در رأس سازمانهای اداری دادگستری وزیر دادگستری ومعاونین او قرار دارند.

سازمان اداری‌دادگستری مرکب ازچهار اداره است که دررأس هرکدام، یك نفر مدیرکل انجام وظیفه مینماید باین شرح :

۱- ادارهٔ‌کل اموراداری که مرکب ازادارات ذیل است :

الف- ادارهٔ‌کارگزینی

ب- ادارهٔ حسابداری

ج- ادارهٔ دفتر وزارتی

د- ادارهٔ پزشکی قانونی

۲- ادارهٔ‌کل امورقضائی که مرکب ازادارات زیر است:

الف- ادارهٔ حقوقی

ب- ادارهٔ فنی

ج- ادارهٔ آمار ورویهٔ قضائی

۳- ادارهٔ‌کل بازرسی کشور که مرکب از دوقسمت است:

الف- قسمت رسیدگی بشکایات و گزارشها

ب- قسمت بازرسی دادگستریها ووزارتخانه‌ها و کلیهٔ ادارات دولتی اعم از کشوری ولشگری.

۴- ادارهٔ کل ثبت اسناد و املاك که علاوه بر تشکیلات مرکزی، درهریك از شهرستانها نیز ادارات تابعهٔ آن تشکیل گردیده است .

سازمانهای قضائی واداری دادگستری بشرحی که بیان گردید مولود یك سلسله تحولات است که بتدریج ومخصوصاً ازسال ۱۳۰۶ به‌بعد رو داده است . در مقام‌مقایسهٔ سازمانهای‌قضائی‌فعلی کشور باسازمانهای قضائی که در سال ۱۳۲۹ قمری وجود داشته همینقدر کافی است که‌سازمان‌دیوان‌عالی کشورویادادگاههای استان بایکدیگر مقایسه

شود. درسال ۱۳۲۹ دیوان‌عالی کشورمرکب از دوشعبه بوده درصورتیکه فعلاً دارای ۱۱ شعبه میباشد. همچنین درسال ۱۳۲۹ درتمام کشور فقط چهار دادگاه استان وجود داشته در صورتیکه فعلاً تعداد دادگاههای استان‌بالغ بر ۱۳ دادگاه است که هریك مرکب از چندشعبه میباشد. وبازهم درمقام مقایسهٔ وضع فعلی ووضع سابق دادگستری میتوان میزان بودجهٔ آنرا در سالهای ۱۳۰۱ و ۱۳۳۸ شمسی ملاحظه نمود. میزان بودجهٔ دادگستری درسال ۱۳۰۱ـ۴/۹۱۲۱۳۰ ریال بوده در صورتیکه در سال ۱۳۳۸ بودجهٔ وزارت دادگستری مبلغ ۵۷۰۰۰۰۰۰ ریال پیش‌بینی شده است.

موضوع توسعهٔ تشکیلات دادگستری امری است که برحسب احتیاجات کشور دائماً صورت‌میگیرد بطوریکه فقط درسال ۱۳۳۷ برتعدادادگاهها ودادسراهای کشور بشرح زیر اضافه گردیده است:

۱- دو شعبه برشعب دیوان عالی کشور.

۲ـ تشکیل سه دادگاه استان در استان آذربایجان غربی و استان سیستان و بلوچستان واستان کردستان.

۳ـ افزایش یك شعبه بردادگاه استان مرکزو یك شعبه بردادگاه استان گیلان‌و استان مازندران.

۴ـ افزایش ده شعبه بر دادگاه شهرستان مرکز ویك شعبه بردادگاه شهرستان اصفهان. همچنین تشکیل دادگاه شهرستان درشهرضا، بندرپهلوی وشاهی.

۵ـ تشکیل ۱۸ دادگاه بخش‌مستقل در نقاط مختلف کشور و افزایش پنج شعبه بردادگاه بخش تهران.

۶- تشکیل سه‌دادگاه سیار برای نقاط دوردست.

علاوه برافزایشی که درسال جاری در مورد تعداد دادگاهها داده شده، از طرق زیر نیز بتوسعهٔ تشکیلات دادگستری اقدام گردیده است:

۱ـ استخدام ۴۵ نفر لیسانسیهٔ حقوق برای کارآموزی.

۲ـ انجام دادن اختیار از ۸۰ نفر تقریرنویس لیسانسیه که دوران یکسالهٔ کار‌آموزی آنها خاتمه یافته، برای اشتغال بخدمات قضائی.

۳- اقدام برای استخدام نزدیك به‌پانصد نفر تقریرنویس اداری ومـأمور ابلاغ دیپلمـه.

درنتیجهٔ توسعه‌ای که بتدریج ازسال ۱۳۰۶ به‌بعددر تشکیلات دادگستری داده‌شده، سازمانهای قضائی بدین شرح درحال حاضر در کشور وجود دارد :

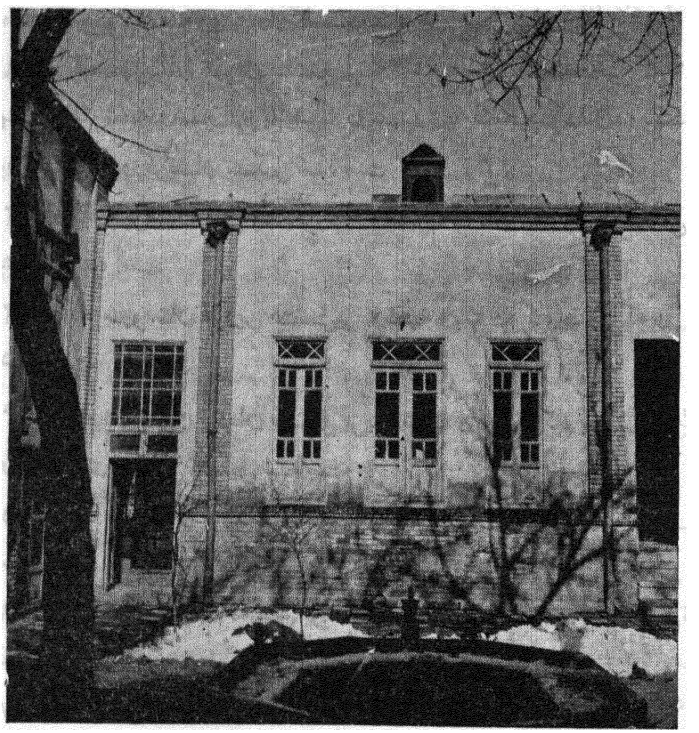

محل سابق دادسرای تهران واقع درخیابان خیام

الف ـ دادگاه استان یك گیلان

مشتمل بردو شعبه وسه‌دادگاه شهرستان بشرح زیر است:

۱- دادگاه شهرستان رشت مشتمل بر ۳ شعبه و ۴ دادگاه بخش که ۲ شعبه در رشت ویك شعبه درفومن ویك شعبه در رود بار تشکیل شده است.

۲- دادگاه شهرستان لاهیجان مشتمل بر ۱ شعبه و ۲ دادگاه بخش که ۱ شعبه

درردسر و۱ شعبه درلنگرود تشکیل شده است.

۳- دادگاه شهرستان بندر پهلوی مشتمل بریك شعبه ویك دادگاه بخش که در طوالش تشکیل شده است.

ب ـ دادگاه استان یك و دو

مشتمل بر ۱۶ شعبه و ۱۱ دادگاه شهرستان بشرح زیر است:

۱- دادگاه شهرستان تهران مشتمل بر ۳۳ شعبه‌و ۲۷ دادگاه بخش که ۲۲ شعبهٔ آن‌درتهران، یك شعبه‌درشمیران، یك‌شعبه درشهرری، یك‌شعبه‌دردماوند، یك‌شعبه در ورامین ویك شعبه درگرمسار تشکیل شده است.

۲- دادگاه شهرستان کرج مشتمل بریك شعبه و ۲ دادگاه سیار رانندگی که در کرج تشکیل شده است.

۳- دادگاه شهرستان قزوین مشتمل‌بر ۲ شعبه ویك دادگاه بخش که در قزوین تشکیل شده است.

۴ـ دادگاه شهرستان زنجان مشتمل بریك شعبه و دو دادگاه بخش که یك شعبه درزنجان ودیگری درابهر تشکیل شده‌است.

۵ـ دادگاه شهرستان محلات مشتمل‌بریك شعبه ویك دادگاه بخش که در کمره تشکیل شده است.

۶ـ دادگاه شهرستان قم مشتمل بر دو شعبه ویك دادگاه بخش که در قم‌تشکیل شده است.

۷ـ دادگاه شهرستان ساوه که مشتمل بریك شعبه‌است.

۸ـ دادگاه شهرستان اراك مشتمل‌بر ۲ شعبه و ۳ دادگاه بخش که یك شعبه در اراك ویك‌شعبه درگلپایگان ویك شعبه درتفرش تشکیل شده است.

۹ـ دادگاه شهرستان‌کاشان مشتمل بریك شعبه‌و ۲ دادگاه بخش که یك شعبه در کاشان ویك شعبه درنطنز تشکیل‌شده است.

۱۰ـ دادگاه شهرستان سمنان که مشتمل بریك شعبه است.

۱۱ـ دادگاه شهرستان‌شاهرود مشتمل‌بریك‌شعبه ویك دادگاه‌بخش که دردامغان تشکیل شده است.

ج ـ دادگاه استان مازندران

مشتمل‌بر ۳ شعبه و ٦ دادگاه شهرستان بشرح زیر است:

۱ـ دادگاه شهرستان ساری مشتمل بردوشعبه‌و ۳ دادگاه بخش که یك شعبه در ساری ویك شعبه درفیروزکوه ویك شعبه دربهشهر تشکیل شده است.

۲ـ دادگاه شهرستان شاهی مشتمل بریك‌شعبه.

۳ـ دادگاه شهرستان بابل مشتمل بردوشعبه ویك‌دادگاه بخش که دربابل‌تشکیل شده است.

۴ـ دادگاه شهرستان آمل مشتمل بر ۱ شعبه و ۲ دادگاه بخش که‌یك شعبه در آمل ویك‌شعبه درنور (سولده) تشکیل شده است.

۵ـ دادگاه شهرستان شهسوار مشتمل‌بر ۱ شعبه و ۲ دادگاه بخش که یك شعبه در شهسوار ویك شعبه درنوشهر تشکیل شده است.

٦ـ دادگاه شهرستان گرگان مشتمل بر ۱ شعبه و ۲ دادگاه بخش که یکی در گرگان ودیگری درگنبدکاوس‌تشکیل شده است.

د ـ دادگاه استان سوم (آذربایجان شرقی)

مشتمل‌بر ۳ شعبه و ۴ دادگاه شهرستان بشرح زیر است:

۱ـ دادگاه شهرستان تبریز مشتمل‌بر ۴ شعبه و ۷ دادگاه بخش که ۳ شعبهٔ آن در تبریز و ۱ شعبه درمرند و ۱ شعبه درمیانه و ۱شعبه درسراسکند و۱ شعبه‌در آذرـ شهر (دهخوارقان) تشکیل شده است.

۲ـ دادگاه شهرستان اردبیل مشتمل‌بر ۲ شعبه و ۵ دادگاه بخش که ۱ شعبهٔ آن دراردبیل و۱ شعبه درمشکین‌شهر و ۱ شعبه درآستارا و۱ شعبه درخلخال و ۱شعبه در سراب تشکیل شده است.

۳ـ دادگاه شهرستـان مراغه مشتمل‌بر ۱ شعبه و ۱ دادگاه بخش که در مراغه تشکیل شده است.

۴ـ دادگاه شهرستان ارسباران‌مشتمل‌بر۱شعبه ویك‌دادگاه بخش که‌درارسباران تشکیل شده است.

هـ ـ دادگاه استان چهارم (آذربایجان غربی) رضائیه

مشتمل‌بر ۱ شعبه و ۳ دادگاه شهرستان بشرح زیر است:

۱ـ دادگاه شهرستان رضائیه مشتمل بریك شعبه و ۳ دادگاه بخش که یك شعبه دررضائیه ویك شعبه درمیاندوآب ویك شعبه درسلدوز(نقده) تشکیل‌شده است.

۲ـ دادگاه شهرستان خوی مشتمل‌بریك شعبه و ۳ دادگاه‌بخش که‌یك شعبه در خوی ویك شعبه درماکوویك شعبه در شاهپور تشکیل شده است.

۳ـ دادگاه شهرستان مهاباد مشتمل بریك شعبه ویك دادگاه بخش که در سقز تشکیل شده است.

و ـ دادگاه استان پنجم

مشتمل بر۴ شعبه دادگاه شهرستان بشرح زیر است:

۱ـ دادگاه شهرستان کرمانشاه مشتمل‌بر ۳ شعبه‌و ۶ دادگاه بخش که ۲ شعبهٔ آن درکرمانشاه و ۱ شعبه درایلام ویك شعبه در قصر شیرین و ۱ شعبه در سنقر وکلیائی و یك شعبه درکنگاور تشکیل شده است.

۲ـ دادگاه شهرستان ملایر مشتمل‌بر ۱ شعبه و ۲ دادگاه بخش که ۱ شعبه در ملایر و ۱ شعبه در تویسرکان تشکیل شده است.

۳ـ دادگاه شهرستان همدان مشتمل‌بر ۲ شعبه و ۳ دادگاه بخش که ۲ شعبهٔ آن در همدان و ۱ شعبه دربیجار تشکیل شده است.

۴ـ دادگاه شهرستان نهاوند که مشتمل بریك شعبه میباشد.

ز ـ دادگاه استان ششم

مشتمل‌بر ۳ شعبه و۵ دادگاه شهرستان بشرح زیر است:

۱ـ دادگاه شهرستان اهواز مشتمل بر ۳ شعبه و۵ دادگاه بخش که ۱ شعبه در اهواز ویک‌شعبه دردزفول ویک شعبه دربهبهان ویک شعبه در مسجد سلیمان ویک شعبه در شوشتر تشکیل شده است.

۲ ـ دادگاه شهرستان آبادان مشتمل‌بر۳ شعبه و ۲ دادگاه بخش که در آبادان تشکیل شده است.

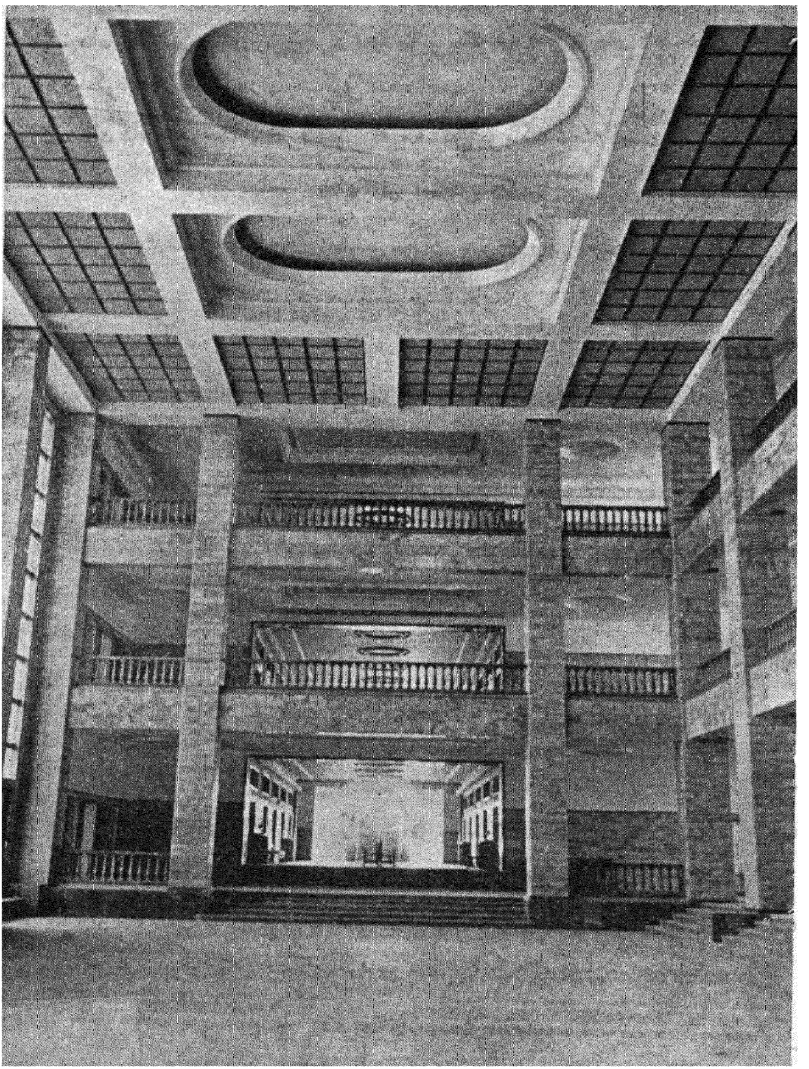

سرسرای اصلی کاخ دادگستری

۳ـ دادگاه شهرستان خرم‌آباد که مشتمل بریک شعبه است.

۴ـ دادگاه شهرستان بروجرد مشتمل‌بریك شعبه و ۲ دادگاه بخش که یکی در بروجرد ودیگری درالیگودرز تشکیل شده است.

۵ـ دادگاه شهرستان خرمشهر که مشتمل بریک شعبه است.

ح ـ دادگاه استان هفتم

مشتمل‌بر ۴ شعبه و ۴ دادگاه شهرستان بشرح زیر است:

۱ـ دادگاه شهرستان شیراز مشتمل بر ۴ شعبه و ٦ دادگاه بخش که ۳ شعبه در شیرازویك شعبه درآباده ویك‌شعبه‌درکازرون‌ویک شعبه‌درفیروزآباد تشکیل‌شده است.

۲ـ دادگاه شهرستان فسامشتمل بریك شعبه و ۲ دادگاه بخش که یک شعبه در داراب ویك شعبه دراصطهبانات ویک شعبه درنی‌ریز تشکیل شده است.

۳ـ دادگاه شهرستان بوشهر مشتمل بر یک شعبه و یک دادگاه بخش که در برازجان تشکیل شده است.

۴ـ دادگاه شهرستان‌جهرم مشتمل‌بریک‌شعبه ویک‌دادگاه‌بخش که درلارستان تشکیل شده است.

ط ـ دادگاه استان هشتم

مشتمل‌بر ۲ شعبه و ۲ دادگاه شهرستان است:

۱ـ دادگاه شهرستان کرمان مشتمل‌بر ۲ شعبه و ۸ دادگاه بخش که ۲ شعبه در کرمان ویک شعبه در رفسنجان ویک شعبه درسیرجان ویک شعبه دربم ویک شعبه در بندرعباس ویک شعبه دربافت ویک شعبه درجیرفت تشکیل شده است.

۲ـ دادگاه شهرستان یزد مشتمل بریک شعبه و ۳ دادگاه بخش که یک شعبه دریزد ویک‌شعبه دراردکان ویک‌شعبه درشهر بابک تشکیل شده است.

ی ـ دادگاه استان نهم

مشتمل‌بر ۴ شعبه و ۷دادگاه شهرستان بقرار زیر است :

۱ـ دادگاه شهرستان مشهد مشتمل بر ۵ شعبه و ۵ دادگاه بخش که ۴ شعبه در مشهد ویک شعبه در تربت جام تشکیل شده است.

۲- دادگاه شهرستان قوچان مشتمل بر یك شعبه و۲ دادگاه بخش که یکی در بجنورد ودیگری در درگز تشکیل شده است.

۳- دادگاه شهرستان تربت حیدریه مشتمل بر ۲ شعبه و ۳ دادگاه بخش که یك شعبه درگناباد ویك شعبه درگلشن (طبس) ویك شعبه درفردوس تشکیل شده است.

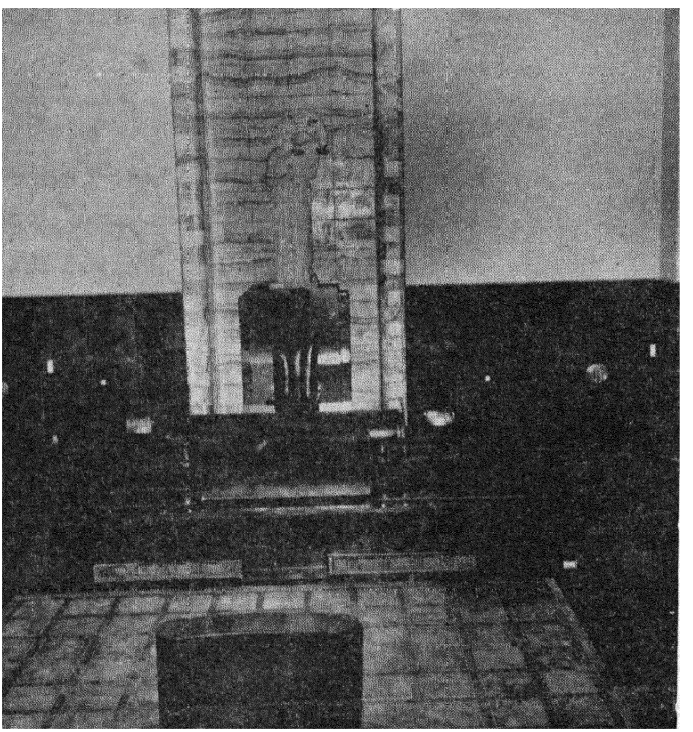

قسمتی از تالار دادگاه عالی جنائی

۴- دادگاه شهرستان بیرجند که مشتمل بریك شعبه است.

۵- دادگاه شهرستان نیشابور که مشتمل بریك شعبه است.

۶- دادگاه شهرستان سبزوار که مشتمل بریك شعبه است.

۷- دادگاه شهرستان کاشمر که مشتمل بریك شعبه است.

ك ـ دادگاه استان دهم

مشتمل بر سه شعبه و سه دادگاه شهرستان بشرح زیر است :

۱ـ دادگاه شهرستان اصفهان مشتمل‌بر ۴ شعبه و ۹ دادگاه‌بخش که ۳ شعبهٔ آن در اصفهان و یك شعبه در نجف‌آباد و یك شعبه در فریدن و یك شعبه در لنجان و یك شعبه درنائین ویك شعبه در سده (همایونشهر) ویك‌شعبه در اردستان تشکیل شده‌است.

۲ـ دادگاه شهرستان شهرکرد مشتمل بر یك شعبه و یك دادگاه بخش که در بروجن تشکیل شده است.

۳ـ دادگاه شهرستان شهرضا که مشتمل بریك شعبه است.

ل ـ دادگاه استان سیستان و بلوچستان

مشتمل بریك شعبه و ۲ دادگاه شهرستان بشرح زیر است :

۱ـ دادگاه شهرستان زاهدان مشتمل بریك شعبه و ۲ دادگاه بخش که یك شعبه در خاش ویك شعبه در ایرانشهر تشکیل شده است.

۲ـ دادگاه شهرستان زابل که مشتمل بریك شعبه است.

م ـ دادگاه استان کردستان

مشتمل بریك شعبه بشرح زیر است:

دادگاه شهرستان سنندج مشتمل بریك شعبه و یك دادگاه بخش که در سنندج تشکیل شده است.

علاوه بر سازمانهای فوق سازمانهائی نیز بشرح زیر در دادگستری وجود دارد که طبق قانون وظایف محوله را انجام میدهند:

۱ـ دادگاه عالی انتظامی مخصوص رسیدگی به تخلفات وترفیع کارمندان قضائی.

۲ـ دیوان کیفر کارکنان دولت که دارای ۳ شعبه میباشد ودرمعیت آن دادسرای دیوان کیفر نیز تشکیل گردیده است.

۳- دادگاههای شرع.

۴ـ دادگاههای بخش شهرداری (اصفهان - مشهد - شیراز - اهواز - همدان - کرمانشاه- رضائیه - تبریز-آبادان-بابل - آمل- رشت- قم- قزوین-کرمان- یزد-کرج).

۵- دادگاههای کیفر گرانفروشان شهرداری وغله ونان مشتمل بر۷ شعبه .

۶ـ هیئتهای تجدید نظر رسیدگی وتصفیهٔ امور املاك واگذاری.

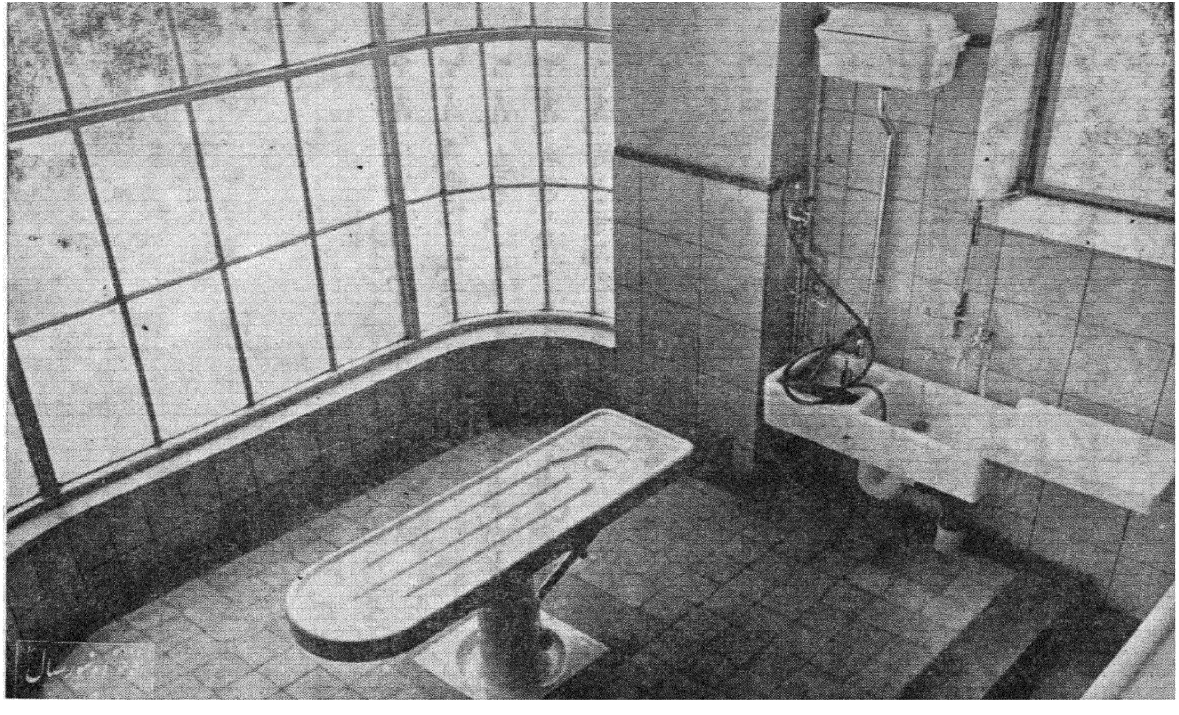

تالار تشریح ادارهٔ پزشکی قانونی کاخ دادگستری

۷- دادگاههای سیار بشرح زیر:

الف- دادگاه سیار دشتی ودشتستان.

ب- دادگاه سیار کلات وسرخس وتربت‌جام.

ج- دادگاه سیار بلوچستان (سراوان وچاه بهار).

د- دادگاه سیار آباده (بوانات - سرحه - چهاردانگه - ابرقو- سمیرم).

هـ- دادگاه سیار چهارمحال‌بختیاری وقسمتی‌ازحوزهٔاستان ٦ شامل‌بخشهای‌زیر:

۱- بخش اردکان (جانگی- خانه‌میرزا - فلارد وتوابع).

۲- بخش اردل (پشتکوه - میان‌کوه - دیناران - چقاخور).

۳- بخش شوراب (تنگ‌گزی - بازقت - شوراب - دواب - پیرکان).

۴- بخش ایذه ودهدر وباغ‌ملك - واندیکا (قلعه زراس) وسردشت وتوابع.

و- دادگاه سیار حوزهٔ کردستان شامل بخشهای (پاوه - روانسر - جوانرود - نوسود).

ز- دادگاه سیار حوزهٔ بهبهان وکهکیلویه شامل بخشهای زیر :

۱- بخش باشت وبابوئی - اروودیل.

۲- بخش نازکان - چرام - دهدشت - لنده (طبیبی گرمسیری).

۳- بخش چناروسی سخت - چهار روستا (طبیبی سردسیری).

۴- بخش سرفارباب - لوداب - سادات.

۵- بخش بهمنی - دیشموك - صیدان - ممبی قلعه علا.

دارائی ایران

قسمت اول ـ وضع وزارت دارائی در ابتدای زمامداری اعلیحضرت فقید

سازمان :

تشکیلات وزارت دارائی در آغاز سلطنت پهلوی بشرح زیر بوده است:

الف ـ حوزهٔ وزارتی :

۱- وزیر.
۲ـ معاون.
۳ـ رئیس کل مالیه.
۴ـ معاون رئیس کل مالیه.

ب ـ ادارات مرکزی :

۱ـ ادارهٔ عایدات داخلی وارزاق.
۲ـ خزانه‌داری کل ـ ضرابخانه ـ ادارهٔ کل ملزومات.
۳ـ ادارهٔ کل گمرکات.
۴ـ ادارهٔ کل محاسبات.
۵ـ ادارهٔ استخدام کشور.
۶ـ دایرهٔ مراسلات وضبط کل.

پیشکاریهای ایالات :

پیشکاری تهران.
پیشکاری آذربایجان.
پیشکاری خراسان.

پیشکاری کرمان.

پیشکاری کرمانشاه.

پیشکاری خوزستان.

پیشکاری گیلان .

امنای مالیه:

امین مالیهٔ عراق.

« « استرآباد.

« « بروجرد.

« « دامغان.

« « قم.

« « گلپایگان

« « اصفهان.

« « کاشان.

« « قزوین.

« « کردستان.

« « ملایر وتویسرکان.

« « مازندران.

« « نهاوند.

« « سمنان.

« « شاهرود.

« « بنادر جنوب.

« « یزد.

« « زنجان.

جمع کل کارمندان وزارت دارائی در مرکز وشهرستانها اعم از رسمی وپیمانی و خدمتگزار جزء درسالهای ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ بشرح زیر بوده است:

سال ۱۳۰۳ کارمند ۷۰۵۴ نفر و سال ۱۳۰۴ کارمند ۷۶۱۰ نفر.

وضمناً دکتر میلیسپوی امریکائی که بموجب قانون چهارم اسد ۱۳۰۱ (مرداد ماه شمسی) بعنوان رئیس کل مالیهٔ ایران استخدام گردید تغییراتی چند برای وزارت دارائی پیشنهاد کرد که مورد تصویب هیئت دولت واقع شد ودر نتیجه عده ای امریکائی برای تصدی ادارات مرکزی و پیشکاری دارائی استخدام گردیدند.

ساختمان وزارت دارائی :

وزارت دارائی در آغاز دورهٔ پهلوی درساختمان معروف بسردرسنگی که فعلاً وزارت گمرکات وانحصارات از آن استفاده مینماید جای داشت. بعضی از ادارات نیز در اماکن استیجاری در نقاط مختلف شهر تهران قرار داشتند. بطور کلی هیچیك از ساختمانهای مزبور مناسب برای ادارات دولتی نبود و بخصوص پراکندگی آنها از یکدیگر اشکالات فراوانی را ایجاد مینمود واین بود که تصمیم بساختن کاخ وزارت دارائی گرفته شد و بتدریج که ساختمان کاخ پیشرفت نمود ادارات مرکزی یك یك بساختمان مزبورمنتقل شدندوامروز کلیهٔ دوایروزارت دارائی دراین بنامتمرکز هستند.

طرز وصول مالیات :

طرز وصول مالیات ایران درزمانی که از دورشته مالیاتهای مستقیم وغیرمستقیم تشکیل میگردید براساس تساوی وعمومیت مالیاتی استوار نبود زیرا اولاً بار سنگین مالیاتها را صاحبان اراضی مزروعی واغنام واحشام ومستغلات متحمل میشدند ومالیات صنفی که از بازرگانان وپیشه‌وران ودارندگان مشاغل آزاد ونظایرآنها بطور مقطوع اخذ میگردید وصولی زیادی نداشت ثانیاً نرخ مالیات نیز در تمام نقاط کشور واحد ویکسان نبود. بدیهی است قسمت اعظم عواید مملکت باستثنای عایدات نفت ازمالیاتهای غیر مستقیم تحصیل میگردید ولی چون مالك وزارع مانند سایر افراد، اجناسی را که ازآنها مالیات گرفته میشد بمصرف میرساندند در مالیاتهای غیرمستقیم نیز سهیم بودند.

مالیاتهای مستقیم مانند مالیات ارضی ـ اصناف ـ سرانه ـ خانواری از روی دفاتر جزو جمع مطالبه میشد. از طرف دیگر وصول مالیاتها بخصوص مالیات جنسی (درمورد مالیات ارضی وخانواری) خالی از اشکال نبود ودر بعضی موارد دستگاههای وصول مجبور میشدند به‌نیروی نظامی متوسل شوند زیرا مؤدیان خصوصاً رؤسای ایلات ومتنفذین محلی کمتر حاضر بپرداخت مالیات بودند.

مالیاتهای مستقیم :

الف ـ مالیات‌ارضی وخالصه :

مالیات‌اراضی وخالصه ها از محصول اراضی مزروعی بطور نقدی وجنسی اخذ میگردید. بطور کلی این مـالیات برحسب وسعت اراضی ومیزان آب و تعداد درختان میوه‌دار وسایر مشخصات براساس نرخ عشر برای هریك از دهات پیش‌بینی ودر دفاتر جزو جمع ثبت میگردید :

۱ـ سه درصدکل محصول املاك اعم از آبی ودیمی وباغات قبل از تقسیم.
۲ـ ده درصد عایدات مطلق مالکانهٔ جنگلها ومراتع.
۳ـ پنج درصد عایدات مطلق آسیاها وآبدنگ‌ها.
۴ـ پنج درصد عایدات مطلق قنواتی‌که بمصرف شرب میرسد.
۵ـ علاوه بر مـالیـات مذکور در فوق ، نیم درصد ازعـایدات‌کل برای مصارف معارف اخذ میگردید.

باوجود این نرخ مالیات املاك اربابی تناسبی بود یعنی از تمـام مؤدیان بدون توجه بمیزان در آمد بیك نسبت مالیات گرفته میشد.

ب ـ مالیات حیوانات :

این مالیات از گاووگوسفند وشتر واسب والاغ ومادیان وقاطر وبز و میش اخذ میگردید وتا قبل از ۲۰ دیماه ۱۳۰۴ شمسی یعنی تاریخ تصویب قانون املاك اربابی و دواب، نرخ وطرز وصول آن در تمام نقاط کشور یکسان نبود ولی پس‌از تصویب‌قانون مزبور مالیات حیوانات در تمام مملکت بنرخهای زیر اخذ میشد:

شتر ده ریال ـ مادیان هشت ریال ـ اسب وقاطر شش ریال ـ ماده‌گاووماده‌گاو ـ میش پنج ریال ـ الاغ ومیش یك ریال ـ بزهفتاد وپنج دینار.

ج ـ مالیات مستغلات :

مالیات مستغلات که بموجب‌قانون‌مصوب نهم‌سنبلهٔ ۱۲۹۴ شمسی برقرار گردیده بود شامل‌کلیهٔ مستغلات از قبیل دکاکین ـ مغازه‌ها یـاخـانه‌های اجـاره‌ای ـ انبارهـا ـ کاروانسراها ـ مهمانخانه‌ها ـ یخچالها ـ قهوه‌خانه‌ها ومیدانها در شهرهـا وقصبات عمده

میگردید. نرخ این مالیات ابتدا پنج درصد در آمد مستغلات بود ولی طبق قانون سال ۱۳۰۰ شمسی تغییراتی در آن داده شد ونرخ مالیات از پنج‌درصد بهفت درصد افزایش یافت که باین نرخ نیز چند سال بعد یك درصد اضافه گردید وفعلاً بدینقرار است :

پس از وضع ۲۰٪ ، هشتاد درصد باقی در آمد خالص محسوب واین در آمد خالص تا ۴۸۰۰۰ ریال از پرداخت مالیات معاف است و نرخ باقی مطابق نرخهای مقرر در مادهٔ ۷ قانون مالیات بردرآمد تا ۵۰٪ بطور تصاعدی بالا میرود (حد اقل ۱۲/۰٪) .

د ـ مالیات‌صنفی:

مالیات صنفی یکنوع مالیات توزیعی بود یعنی‌مبلغ مالیات بطور مقطوع‌تعیین وبین اصناف مختلف با موافقت خود آنها تقسیم میگردید و بدین ترتیب از هرصنفی سالانه مبلغ معین وثابتی بعنوان مالیات اخذ میگردید . این‌مالیات بموجب‌قوانین بعدی بعلت ناچیز بودن میزان وصول لغو گردید.

ه ـ مالیات سرانه وخانواری:

درغالب دهات وقصبات باستثنای شهرها مالیات سرانه معمول بود و از هر مرد در حدود چهار ریال واز زنان وکودکان ۲/۲۵ ریال اخذ میشد. بعلاوه اهالی صحرا‌نشین وایلات بعوض مالیاتهای ارضی هرساله مبلغی بعنوان مالیات خانواری بدولت میدادند که بوسیلهٔ رؤسای ایلات از هرخانواده گرفته میشد ونرخ آن در تمام مملکت یکسان نبود. این دومالیات بعداً موقوف گردید.

مالیاتهای غیر مستقیم :

مالیاتهای غیر مستقیم عبارت بود از :

۱ـ مالیات دخانیات.

۲ـ مالیات رسومات.

۳ـ مالیات تریاك.

۴ـ متفرقهٔ غیر مستقیم.

۵ـ باج راه ومالیات نواقل: باج‌راه عبارت از عوارضی بود که از مال‌التجاره‌ها ووسایط نقلیه اعم از موتوری وغیرموتوری در راهها ودروازه‌ها وروی پلها بمنظور برقراری امنیت طرق وشوارع اخذ میگردید. نرخ باج راه برحسب ایالات وولایات فرق میکرد ومأخذ ومبنای واحدی نیز نداشت. مالیات نواقل که قانون آن در ۲۶ حوت ۱۲۸۸ شمسی بتصویب رسید بکلیهٔ وسایط نقلیه اعم ازموتوری وغیرموتوری و چهار پایان بارکشی وسواری تعلق میگرفت وهرماهه یادرموقع ورود و خروج وسایط نقلیه اخذ میگردید. حداقل نرخ این مالیات‌یعنی مالیات‌الاغ باری پانصد دینار ماهانه یاصدوپنجاه دینار درهردفعه بود وحداکثر آن یعنی مالیات‌اتومبیل به‌پنجاه‌ریال ماهانه یاده ریال‌درهردفعه‌بالغ میگردید. این دومالیات طبق‌قانون مالیات‌راه مصوب ۱۹ بهمن ۱۳۰۴ شمسی ملغی وبمالیات راه تبدیل گردید.

۶ـ مالیات روده.

۷ـ حقوق گمرکی: دولت ایران دارای تعرفهٔ مستقل گمرکی نبود زیرا طبق قرارداد ۱۹۱۹ ایران وانگلیس وقرار داد ۱۹۲۱ ایران وروس ناچاربود تعرفهٔ قرارداد را که حاوی امتیازاتی بنفع دول‌مزبور بود بنرخ کمتر از ۵ در صد بهای کالاهای وارده وصادره اجرا نماید. درخاتمه یادآور میشود که انحصارات درآن زمان محدود بانحصار دولتی قند و شکر وچای بود.

وصول مالیاتها:

میزان وصول مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم بترتیبی که شرح آنها در بالا گذشت درسالهای ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ شمسی بشرح زیر بود:

منابع درآمد	سال ۱۳۰۲	سال ۱۳۰۳	سال ۱۳۰۴
مالیات مستقیم نقدی		۳۹۳۸۴۶۴۷ ریال	۳۹۲۱۱۳۳۴ ریال
« « جنسی	۳۵۷۴۱۳۴۳ ریال	۱۱۸۹۹۵۸۰ «	۱۹۰۱۲۱۸۱ «
خالصه های نقدی	—	۴۴۵۶۴۱۵ «	۶۶۰۶۴۲۷ «
« جنسی	۴۸۱۴۳۷۶ «	۶۸۳۶۰۵۱ «	۶۴۴۰۰۰۰ «
مالیات خانواری	۸۰۹۵۷۱ «	۶۸۳۶۰۵۱ «	۳۶۶۹۴۴ «
« تریاك	۱۱۰۸۳۱۳۸ «	۱۴۸۹۹۶۱۱ «	۱۵۱۶۶۹۱۱ «
« دخانیات	۴۳۲۴۵۳۴ «	۴۰۲۲۹۴۱ «	۱۰۳۹۴۲۴۹ «
« رسومات	—	۱۱۹۶۹۶۲۵ «	۱۲۹۰۶۳۷۳ «
متفرقهٔ غیرمستقیم	۹۱۱۹۰۴۸ «	—	—
باج راه	۶۸۴۳۵۶۴ «	۷۶۵۱۲۸۷ «	۷۸۰۲۲۲۴ «
گمرکات	۷۵۲۰۲۸۹۷ «	۹۱۲۸۳۵۵۷ «	۹۵۷۶۹۲۰۴ «
جمع	۱۴۷۹۳۸۴۷۱ «	۱۹۹۲۳۹۷۶۵ «	۲۱۳۶۷۵۸۴۷ «

توضیح آنکه عایدات خالصه‌ها درردیف مالیاتهای مستقیم منظور میگردید و مالیات جنسی نیز ازقرار خرواری ۷۰ ریال تسعیر میشد.

درآمد عمومی کشور وعواید نفت:

جمع درآمد عمومی کشور و درآمد نفت جنوب در سالهای مورد بحث بقرار زیر بود:

سال	درآمد عمومی	عواید نفت	جمع
۱۳۰۲	۲۰۷۵۰۴۸۲۶ ریال	۲۳۲۴۵۷۰۳ ریال	۲۳۰۷۵۰۵۲۹ ریال
۱۳۰۳	۲۲۰۱۳۴۳۵۴ «	۱۷۳۶۴۶۹۴ «	۲۳۷۴۹۹۰۴۸ «
۱۳۰۴	۲۳۹۲۵۶۰۴۹ «	۴۱۴۱۸۸۳۳ «	۲۸۰۶۷۴۸۸۲ «

بودجهٔ کل کشور:

وزارت دارائی تاسال ۱۳۰۶ در امر تنظیم بودجه تجربهٔ زیادی نداشت. بعلاوه بعلت عدم‌تصویب بودجهٔ کامل کشور درمجلس، اغلب مخارج‌مملکت باتصویبنامهٔ هیئت وزیران پرداخت میشد. درمدت فترت بین دوره‌های سوم و چهارم مجلس، دولت حتی برخلاف اصل ۱۰۰ قانون اساسی بدون‌تصویب مجلس شورای‌ملی وظیفه‌وشهریه برای اشخاص برقرار میکرد بالنتیجه درسالهای آخر جنگ جهانی اول وضع مالیهٔ ایران بصورت بسیار بدی در آمد وکسر عایدات نسبت بمخارج موجب شدکه دولت ایران

ماهانه مبلغی از یك دولت خارجی قرض کند تابتواند مخارج وحقوق ادارات را بپردازد ودر همان سالها بود که مستخدمین دولت بجای حقوق ، حوالهٔ آجروکاه ونظایر آن دریافت میداشتند. ولی وضع بودجه درسالهای بعد از کودتای ۱۲۹۹ شمسی در سایهٔ تدبیر ولیاقت اعلیحضرت فقید بهبودی یافت ونقصان عواید نیز بتدریج برطرف گردید ولی قروضی که پادشاهان قاجار بارث گذاشته بودند کماکان باری بربودجهٔ کشور بود. ارقام پیش‌بینی شدهٔ درآمد و هزینهٔ کشور درسالهای ۱۳۰۳ و۱۳۰۴ شمسی بقرار زیر بوده است :

	پیش بینی درآمد	پیش‌بینی هزینه
سال ۱۳۰۳	۲۳۶۸۶۴۲۵۰ قران	۲۲۸۱۴۲۸۷۰ قران
» ۱۳۰۴	۲۴۷۶۷۵۹۴۰ »	۲۴۷۱۵۹۰۷۳ »

وضع استخدام :

اگر چه قانون استخدام کشوری در ۲۲ قوس ۱۳۰۱ شمسی بتصویب مجلس رسید ووضع مستخدمین دولت نسبت بگذشته با تصویب این قانون ثبات بیشتری پیدا کرد، ولی قانون مزبور در بارهٔ تمام کارمندان بالسویه اجرا نمیگردید مثلاً در اغلب موارد بکارمندان مرکز حقوقی بیشتر از کارمندان ولایات داده میشد یا اعضای یك اداره بیشتر ازاعضای ادارهٔ دیگر که همان کار را انجام میدادند حقوق دریافت‌میداشتند ودر اعطای ترفیعات واضافات نیز عدل وانصاف رعایت نمیگردید بعلاوه وزارتخانه ها حق استخدام جدید را نداشتند و مجبور بودند کارمندان مورد نیاز خود را از بین منتظرین‌خدمت که عدهٔ آنها ازمیزان پیش بینی شده در قانون تجاوز کرده بودانتخاب نمایند واین امر ایجاد اشکال در امور ادارات دولتی‌میکرد.

قسمت دوم ـ وضع فعلی وزارت دارائی

سازمان :

سازمان فعلی وزارت دارائی برخلاف گذشته براساس حجم‌کار ووظایف محوله بادارات تنظیم گردیده است . بعلاوه ازنظر اهمیت امور سازمانی اخیراً اداره‌ای بنام

بهبود امور اداری تأسیس گردیده که مرتباً در بارهٔ امور سازمانی و طرز کار ادارات مطالعه‌نموده وپیشنهادات لازم‌را بمنظور ساده کردن‌کار وحذف تشریفات‌زایدمینماید.

طبق سازمان جدید، حوزهٔ وزارتی مرکب از وزیر و سه معاون وخزانه‌دار کل و۶ مدیرکل بوده وادارات مرکزی بشرح زیر میباشند:

ادارهٔ دفتر وزارتی - بازرسی - نفت وامتیازات وشیلات - اطلاعات و انتشارات وامور پارلمانی - آمار - بهبود امور اداری - قوانین - حسابداری - کارپردازی - اموال دولتی وشهرداریها - سازمان تدارکات‌کل کشور - ساختمان - کارگزینی - فنی وامور اتومبیلها - بازنشستگی کل کشور - انتظامات - امور دادگاههای اداری - امور عمومی دیوان محاسبات - دادسرای دیوان محاسبات - رسیدگی وتمرکزکل حسابها - حقوقی - دیوان دادرسی - کل بودجه - تطبیق اسناد وتعهدات - امور حسابداریها - پیشکاری‌دارائی تهران - درآمدهای داخلی - اموربانکهاوشرکتهای‌دولتی - بررسیهای مالی و اقتصادی - هیئت عالی حل اختلاف - خزانه داری کل - ضرابخانه - تصفیهٔ کمیسیون ارز.

صورت پیشکاریها وادارات دارائی شهرستانها نیز بشرح زیر است:

۱- پیشکاری دارائی تهران مشتمل‌بر پنج ادارهٔ دارائی.
۲- پیشکاری دارائی آذربایجان شرقی وادارات دارائی تابعه.
۳- پیشکاری دارائی آذربایجان غربی وادارات دارائی تابعه.
۴- پیشکاری دارائی خوزستان وادارات دارائی تابعه.
۵- پیشکاری دارائی فارس و ادارات تابعه.
۶- پیشکاری دارائی خراسان وادارات تابعه.
۷- پیشکاری دارائی کرمان وادارات تابعه.
۸- پیشکاری دارائی گیلان و ادارات تابعه.
۹- پیشکاری دارائی مازندران وادارات تابعه.
۱۰- پیشکاری دارائی اصفهان وادارات تابعه.
۱۱- پیشکاری دارائی کرمانشاه وادارات تابعه.
۱۲- پیشکاری دارائی کردستان وادارات تابعه.

۱۳ـ پیشکاری دارائی بلوچستان وادارات تابعه.

علاوه برپیشکاریها وادارات دارائی نامبرده در بالا ، ۳۰ ادارهٔ دارائی دیگربطور مستقل درشهرستانها انجام وظیفه مینمایند.

جمع کل کارمندان وزارت دارائی پس از کسرعدهٔ بـازنشستگان اخیر ، درحدود ۱۰۸۵۸ نفر میباشد.

کاخ دارائی :

کاخ دارائی که اکنون محل کار کلیهٔ ادارات مرکزی وزارت دارائی است از معظم‌ترین ساختمانهای کشور بوده واز هرحیث مناسب ومجهز میباشد. این ساختمان موجب شدکه ادارات مرکزی وزارت دارائی در محل واحدی تمرکز یابد ودرنتیجه بسیاری از مشکلاتی که بواسطهٔ پراکندگی ادارات بوجود آمده بود خود بخود حل شود. ساختمـان کاخ دارائی در سال ۱۳۱۸ یعنی در زمـان سلطنت اعلیحضرت فقید شروع شده وتاکنون جمعاً ۵۵۹ اطاق در اختیار ادارات مربوطه گذارده شده است.

حوزهٔ وزارتی کاخ دارای یك تالار بزرگ و ۲۰ اطاق برای مقـام وزارت و آقایان معاونین و مدیران‌کل میباشد. در زیرزمین اول قسمت مرکزی کاخ ، دو تـالار بزرگ برای رستوران ـ یك آشپز خـانهٔ بزرگ بـا کلیهٔ لوازم ـ یك بوفهٔ بزرگ ـ استراحتگاه برای کارمندان ـ یك کتابخانه وقرائتخانه موجود است.

در اشکوب زیرین قسمت مرکزی یك‌تالار بزرگ برای روزنامه نگاران وده اطاق بنا گردیده است. ضمناً برای کاخ دارائی یکدستگاه تلفن ۱۱۰۰ شماره‌ای خود کار ولوازم تأسیسات حرارت مرکزی وبهداشت ولوازم تأسیسات جریان قوی و آسانسور تهیه گردیده وقسمت اعظم لوازم تأسیسات مزبور نصب شده و نصب بقیهٔ آنها در دست اقدام میباشد. عملیات ساختمانی کاخ دارائی و حیاط سازی آن در دست تکمیل بوده و قریباً باتمام خواهد رسید.

وضع فعلی مالیاتها :

امروز وضع وصول مالیاتهای مستقیم وغیرمستقیم وسازمان ومقررات آن نسبت بقدیم که در قسمت اول ذکر آن رفت تفاوت بسیار کرده است. هرچند هنوزهم میزان

وصولی مالیاتهای غیرمستقیم وعواید گمرك بیش ازمالیات‌مستقیم است ولی رقم‌وصولی مالیات مستقیم نیز بطوریکه بعداً ملاحظه خواهد شد خیلی قابل توجه است. در این مدت توسعهٔ اقتصادی مملکت و افزایش شرکتها و مؤسسات بـازرگانی وازدیاد مقدار پول در جریان موجب توسعهٔ دستگاه وصول وافزایش مالیاتها گردیده، بعلاوه بتدریج انواع مالیاتهای مستقیم افزوده شده است. اکنون باستثنای پیشه‌وران کوچك که‌مالیات مقطوع میپردازند، بازرگانان‌وشرکتها مکلف‌بپرداخت مالیات‌تصاعدی هستند. صاحبان مشاغل آزاد مانند اطباء و وکلاء دادگستری وصاحبان محـاضر رسمی وامثـال آنـان و همچنین مقاطعه‌کاران ومستأجرین نیز درردیف مؤدیان مالیات‌بردرآمد بشمار میروند وحتی از درآمدهائیکه بطور اتفاقی عاید اشخاص میشود مالیات دریافت میگردد.

قانون مالیات بردرآمد ایران هردرآمدی راکه بطور مستمر یااتفاقی تحصیل شود مشمول‌مالیات میداند. این‌قانون برحسب نوع وطرزتحصیل درآمد بفصول‌مختلف تقسیم شده وبرای هر یك ترتیبی خاص مقرر گردیده است. صاحبان املاك مزروعی و مستغلات نیز مشمول مالیات میباشند. درمورد املاك مزروعی،مأخذمالیات همان‌دفاتر واوراق ممیزی ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۳ است ولی چون سطح کشت و قیمت محصولات نسبت بآنزمان ترقی وتوسعهٔ زیاد پیدا کرده ودر وضع املاك و مالکین تغییرات زیادی حاصل شده است دولت از سال ۱۳۲۸ اجازهٔ ممیزی آنهارا از مجلس تحصیل نموده وبتدریج که ممیزی صورت میگیرد نتیجهٔ ممیزی جدید ملاك عمل واقع میشود.

دراین اواخر بمنظور جلوگیری از ترقی قیمت بی‌تناسب ونامعقول اراضی که سرمایه‌ها را متوجه سفته‌بازی وخرید وفروش زمین کرده بود دو مالیات وضع گردید: یکی‌مالیات سالانه ازقرار۱٪ (صدی یك) ویکی‌مالیات‌هنگام‌فروش ازقرار۴٪ (صدی چهار). این تدبیر مؤثر واقع شد وخرید وفروش اراضی تقریباً بحال رکود در آمد و موجب شد که سرمایه داران سرمایهٔ خود را در امور تولیدی و مفید بکار اندازند. همینطور برای مستغلات غیراجاری که محل‌سکونت مالکین است مثل سایر کشورهای اروپا وامریکا مالیات وضع شد. مالیات دیگری که در قدیم معمول نبوده وامروز حائز اهمیت است مالیات‌برارث میباشد. نخستین قانون‌مالیات برارث درسال ۱۳۱۶ بتصویب رسید وبموجب این‌قانون سهم‌الارث‌تا۲۵۰۰ریال ازمالیات معاف بودوجداکثرنرخی

که بموجب قانون مزبور برای وصول مالیات برارث اعمال میگردید ، برای طبقهٔ اول ۵٪ و برای طبقهٔ دوم ۱۰٪ و طبقهٔ سوم ۱۵٪ بود ؛ ولی این قانون در اسفند ۱۳۳۵ تغییر یافت ومیزان معافیت سهم‌الارث وراث ترقی داده شد و برای سه طبقه از وراث، جدول تصاعدی خاصی مقرر گردید و حداکثر مالیات برارث طبقهٔ اول ۲۵٪ ، طبقهٔ دوم ۵۰٪ وطبقهٔ سوم ۷۵٪ مقرر گردید .

قسمت عمدهٔ مالیاتهای غیرمستقیم از محل درآمد رسومات ونفت وبنزین‌تأمین میشود. درآمدگمرك نیز مبلغ قابل ملاحظه‌ای از بودجه را تشکیل میدهد و نمودار کامل توسعهٔ فعالیت اقتصادی مملکت است و اگر این ارقام را با ارقامی که در صفحهٔ (۵۳۱) این کتاب ذکر شده است بسنجیم این تفاوت بارز بخوبی احساس میشود .

برای آنکه توسعهٔ دستگاه وصول مالیات و افزایش وصول مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم بهترنشان داده شود بذکر آمار زیر که مربوط بسال۱۳۳۷ با مقایسه نسبت بسال ۱۳۳۶ است مبادرت میشود.

منابع	وصولی سال ۱۳۳۷	وصولی سال ۱۳۳۶	نتیجه
مالیات مستقیم			
مالیات بردرآمد	۲۵۷۹۳۷۱۹۳۰	۱۶۷۵۰۶۹۲۶۵	+ ۹۰۴۳۰۲۶۶۵
« املاك مزروعی	۱۸۹۴۱۰۱۴۸	۱۸۳۶۹۰۲۷۴	+ ۷۷۱۹۸۷۴
« مستغلات	۱۰۰۳۱۱۰۱۰	۷۵۷۷۳۴۳۷	+ ۲۴۵۳۷۵۷۳
« برارث	۶۸۰۰۶۰۲۵	۵۱۰۸۷۲۷۴	+ ۱۶۹۱۸۷۵۱
« برتمبر	۳۰۵۴۵۸۲۳۵	۱۷۲۳۹۳۶۱۹	+ ۱۳۳۰۶۴۶۱۶
« متفرقه	۶۷۲۷۰۰۹	۷۳۳۵۶۰۹	− ۶۰۸۶۰۰
مستغلات غیراجاری	۲۸۳۴۲۲۸	—	+ ۲۸۳۴۲۲۸
جمع‌مالیات‌مستقیم	۳۲۵۲۱۱۸۵۸۵	۲۱۶۳۳۴۹۴۷۸	+ ۱۰۸۸۷۶۹۱۰۷

مالیات غیر مستقیم

	وصولی سال ۱۳۳۷	وصولی سال ۱۳۳۶	نتیجه
نفت و بنزین	۱۵۸۹۱۳۷۰۵۹	۱۴۱۳۴۶۸۴۱۲	+ ۱۷۵۶۶۸۶۴۷
رسومات	۴۹۳۶۹۱۷۱۳	۴۶۴۵۵۱۵۲۱	+ ۲۹۱۴۰۱۹۲
متفرقهٔ غیر مستقیم	۴۷۲۳۷۲۹۵	۳۷۵۴۱۰۸۴	+ ۹۶۹۶۲۱۱
صدی یك اراضی	۱۲۶۰۸۴۷	—	+ ۱۲۶۰۸۴۷
جمع مالیات غیر مستقیم	۲۱۳۱۳۲۶۹۱۴	۱۹۱۵۵۶۱۰۱۷	+ ۲۱۵۷۶۵۸۹۷
جمع مالیات مستقیم و غیر مستقیم	۵۳۸۳۴۴۵۴۹۹	۴۰۷۸۹۱۰۴۹۵	+ ۱۳۰۴۵۳۵۰۰۴

بودجهٔ کل کشور :

درسالهای اخیر که سازمانهای دولتی توسعه یافته ووظایف دولت سنگینتر شده است بودجه کل کشور براساس برنامه‌ای تنظیم میگردد .

در روش تنظیم بودجهٔ برنامه‌ای سعی میشود که هزینهٔ هریك از کارهای دستگاههای دولت بنحو مشخص روشن گردد تا بآسانی بتوان معلوم نمود که برای انجام دادن آن کار چند نفر مشغول خواهندبود وچه وسایلی بکار خواهدرفت و کل هزینهٔ آن درزمانهای مختلف چه مبلغ خواهدبود . بدینوسیله ارزش هریك از کارهای دستگاههای مختلف از نظر مالی واقتصادی واجتماعی معلوم خواهد شد ودولت وقوهٔ مقننه خواهند توانست اهمیت آن کارها را مورد توجه قرار داده و دربارهٔ حذف یا ادامه یا توسعهٔ آنها بااطلاع کامل تصمیم بگیرند .

اگرچه هنوز روش بودجهٔ برنامه‌ای بطور کامل اعمال نشده است ولی مقدمات این کار از هر حیث فراهم گردیده وامید میرود در ظرف پنجسال آینده روش مزبور کاملاً بمرحلهٔ اجرا درآید . بعلاوه در سالهای اخیر بودجهٔ کل کشور بموقع تنظیم و تقدیم مجلس شورای ملی شده و شك نیست که روشی که دولت درحال حاضر در تنظیم بودجهٔ کل کشور اعمال مینماید در وضع اقتصادی مملکت وسرعت گردش کاروزارتخانه‌ها وهمچنین جلب سرمایه‌های خارجی بسیار مؤثر است .

ارقام پیش‌بینی شدهٔ درآمد وهزینهٔ کل کشور در سالهای ۱۳۳۶ و۱۳۳۷و۱۳۳۸ بدینقرار است :

سال	پیش بینی درآمد	پیش بینی هزینه
۱۳۳۶	۲۱۹۴۰۰۵۹۱۰۰ ریال	۲۱۹۴۵۵۶۳۶۸۰ ریال
۱۳۳۷	« ۵۷۸۸۶۴۴۵۲۰۷	« ۵۹۱۳۵۹۴۶۵۶۵
۱۳۳۸	« ۶۴۱۵۸۷۵۵۰۸۰	« ۶۵۲۶۷۵۴۱۳۰۶

علت اختلاف قابل ملاحظه‌ای که در ارقام پیش بینی شدهٔ درآمد و هزینهٔ سال ۳۷ و ۳۸ با سال ۳۶ مشاهده میشود آنست که دولت تصمیم گرفت هزینه ودرآمد دستگاههای مختلف دولتی را از سال ۳۷ ببعد دربودجهٔ کل کشور منظور نماید .

وضع استخدام :

قانون استخدامی که فعلاً مورد اجرا است همان قانون قوس ۱۳۰۱ شمسی میباشد با این اختلاف که قانون مزبور فعلاً بهتر از گذشته اجرا میگردد . بعلاوه بالوایحی که بعداً بتصویب مجلس رسیده وضع کارمندان بیش از پیش تثبیت گردیده وهمچنین محدودیتهای استخدامی بصورت سابق از بین رفته است .

اکنون کارمندان از مزایا وفوق‌العاده‌هائی بهره‌مند میشوند که دروضع زندگی آنها تأثیر زیادی دارد . این‌فوق‌العاده‌ها عبارتند از :

اضافه‌کار ـ مددمعاش اولاد ـ حق‌لیسانس ـحق تضمین و کمیسیون ـ فوق‌العادهٔ بدی‌آب‌وهوا ـ فوق‌العادهٔ اشتغال خارج از مرکز ـحق بیمه وهزینهٔ معالجه ـپول‌ناهار وشام ـهزینهٔ ایاب وذهاب .

صندوق تعاون وفروشگاه :

صندوق تعاون وزارت دارائی که در دیماه ۱۳۲۷ بصورت جدیدی باسرمایهٔ کارمندان تشکیل گردیده با پرداخت وامهای نقدی کمکهای مؤثری بکارمندان و خدمتگزاران نموده است .

فروشگاه وزارت دارائی نیز که اخیراً افتتاح گردیده است اجناس مورد احتیاج کارمندان این وزارتخانه را بقیمت مناسب وباقساط در اختیار آنان میگذارد .

بانك رهنی ایران

تاریخچهٔ بانك رهنی ایران در مدت بیست سال

بانك رهنی ایران در اواخر سال ۱۳۱۷ بامر شاهنشاه فقید تأسیس شدواز آغاز سال ۱۳۱۸ رسماً شروع بکار کرد . سرمایهٔ بانك بموجب قانون مصوب ۲۵ دیماه ۱۳۱۷ دویست ملیون ریال تعیین شده بود که شصت درصد آن بوزارت دارائی و بقیه به بانك ملی ایران تعلق داشت .

منظور از تأسیس بانك رهنی ایران این بود که باشخاصی که برای تعمیر یا تکمیل ساختمان یاخرید خانه احتیاج به کمك مالی دارند وامهای طویل المدت داده شود.

طبق اوامر شاهنشاه فقید قرار بود سرمایهٔ بانك بتدریج افزایش یابد بنحوی که در تمام شهرهای ایران خاصه درمراکز استانها وشهرهای درجه اول شعب بانك دایر شود وافرادی که شخصاً توانائی تکمیل ساختمان یا تعمیر خانهٔ مسکونی خودرا ندارند از تسهیلات مالی بانك برخوردار شوند .

متأسفانه وقایع شهریور سال ۱۳۲۰ تحقق این منظور عالی رابتعویق انداخت ومانع بسط وتوسعهٔ بانك گردید . درنتیجهٔ حوادث شهریور نه فقط سرمایه‌های اضافی موعود پرداخت نگردید بلکه در نتیجهٔ افزایش سطح قیمتها قدرت مالی اولیهٔ بانك نیز بمیزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت .

بانك رهنی ایران که اکنون بیست ویکمین سال حیات خودرا میگذراند تاچند سال قبل باهمان سرمایهٔ اولیه واعتبارات مختصری که از محلهای دیگر بدست میآورد فعالیت محدودی داشت ودرنتیجه مجبور بود تضییقات ومحدودیتهای شدیدی درمیزان وام برقرار نماید . لیکن نظر باهمیتی که موضوع مسکن درحیات اجتماعی واقتصادی ما پیدا کرده است بنیهٔ مالی بانك تاحدی تقویت شده و سرمایهٔ بانك درسال ۱۳۳۲ به ۷۲۰ ملیون ریال افزایش یافته که نصف آن سهم وزارت دارائی ونصف دیگر سهم بانك ملی ایران میباشد. بانك ملی ایران سهم خودرا تماماً پرداخته است ؛ قسمت عمدهٔ سهم وزارت دارائی نیز پرداخت گردیده وبقیهٔ آن در جریان پرداخت میباشد .

هنگامی که دولت شاهنشاهی برای تحصیل قرضه‌ای بمبلغ ۴۵ ملیون دلار بادولت آمریکا واردمذاکره شدقرار گردید ۲۳ ملیون دلار از قرضهٔ مزبور بین بانکهای رهنی

وساختمانی وسازمان برنامه تقسیم شود . دولت باتوجه خاصی که بتوسعهٔ فعالیتهای عمرانی بانکهای‌مزبور داشت موافقت کرد که سهم‌هریك از این دو بانك‌ازمحل‌قرضه، بصورت سرمایهٔ اضافی در اختیار آنها گذارده شود و لایحه‌ای هم در این زمینه تقدیم مجلس نمود که بتصویب رسید . سهم بانك رهنی ایران از محل مزبور پانصد ملیون ریال میباشد که تاکنون یکصدملیون ریال آن ببانك پرداخته شده و بحساب سرمایهٔ اضافی بانك منظور گردیده است .

از آنجا که این پانصدملیون ریال بابت سهم وزارت دارائی پرداخت خواهد شد بانك ملی‌ایران نیز که صاحب سهم دیگر بانك است حاضرشده است معادل مبلغ‌مزبور یعنی پانصدملیون ریال دیگر بابت سهم خود در سرمایهٔ بانك رهنی ایران بپردازد ولایحهٔ آن هم‌اکنون برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی گردیده است . باتصویب لایحه مزبور سرمایهٔ بانك به۱۷۲۰ ملیون ریال خواهد رسید .

توجه دولت وصاحبان سهام بتوسعهٔ فعالیت بانك ناشی از توجه و عنایت خاص اعلیحضرت همایون شاهنشاه بحل مشکل مسکن میباشد .

نوع وطرز معاملات بانك

وامهائی که بانك تاکنون داده بمنظورتعمیر یاتکمیل یاخریدمسکن بوده‌است. نوع وامها برحسب فصل تغییر میکند ؛ در فصل ساختمان که از اوایل فروردین‌شروع وتاپایان مهرماه هرسال ادامه دارد برای تعمیر و ساختمان وازآن پس تاپایان اسفند بمنظور خرید خانه هم وام داده میشود .

چون حجم معاملات بانك بموازات وجوهی که در اختیار دارد مرتباً افزایش مییابدلذا عدهٔ کسانی‌هم که‌ازوامهای‌بانك استفاده میکنند هرسال افزوده میگرددچنانکه درسال گذشته ۲۳۰۳۹ نفر از کمکهای مالی بانك برخوردار شده‌اند .

بانك در تعیین میزان اقساط ماهانه استطاعت و قدرت مالی وام گیرندگان را کاملاً رعایت میکند وقسط را طوری تعیین مینماید که مشتری بتواند بسهولت وبدون احساس هیچگونه فشاری آنرا بپردازد . رعایت این نکته باعث شده است که اقساط ماهانهٔ مشتریان مرتباً وصول شود بطوری که در سال گذشته میزان اقساط سر رسیده وپرداخت نشدهٔ بانک فقط ۱/۶۵ درصد از مجموع کل وامها بوده است .

بانک با آنکه بهرهٔ نسبتاً معتدلی از مشتریان خود دریافت میدارد ، در نتیجهٔ رعایت حداعلای صرفه‌جوئی درهزینه‌های اداری ، هرسال مبلغ نسبتاً قابل ملاحظه‌ای سودویژه‌دارد؛ چنانکه‌درسال ۱۳۳۷ سود ویژهٔ بانک بالغ بر/۶۸۰۰۰۰۰ریال‌بوده‌است .نرخ‌بهره و کارمزدبانک‌ازهفت درصد تادوازده درصداست‌وطوری‌تنظیم شده که

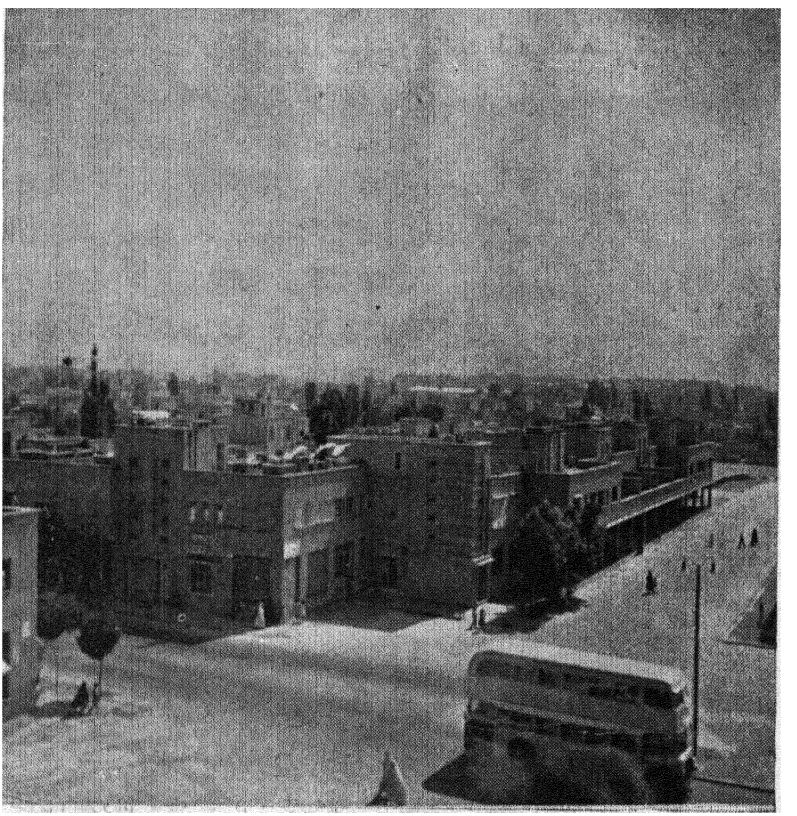

منظرهٔ عمومی چهارصد دستگاه

اشخاص بی‌بضاعت بهرهٔ کمتری میپردازند. بادرنظر گرفتن این نکته که وامهای بانک استهلاکی است ،میزان بهره‌ای که عملاً بمبلغ اصلی وام تعلق میگیرد در حدود نصف نرخ مذکور است .

آمار معاملات بانک نشان میدهد که این دستگاه عام‌المنفعه تاکنون به بیش‌از

یکصدو پنجاه‌هزار خانواده بمنظور تهیه یا حفظ خانهٔ مسکونی خودشان درحدود سه هزارملیون ریال وامهای‌طویل‌المدت‌پرداخته ومسلم است که‌این رقم در کارحل‌مشکل مسکن بی‌تأثیر نبوده است . بعلاوه وجود بانک رهنی ایران بطور غیرمستقیم هم در ایجاد کار برای کسانی که درصنایع مربوط بخانه‌سازی فعالیت میکنند مؤثربوده‌است.

کمکهای‌بانك رهنی‌ایران بمردم آسیب‌دیدهٔ کشور، خود یکی‌ازفصول‌پرافتخار تاریخچهٔ بانك است .درموقع بروز سوانح وحوادث طبیعی که هستی‌جمعی‌ازهم‌میهنان ما در معرض قهر طبیعت مانند طوفان و سیل وزلزله قرارگرفته ، بانك رهنی‌از کمك بمردم‌آسیب دیده وبیسر و سامان خودداری نکرده و بیاری آنها شتافته است . کمکی که بانك بزلزله زدگان گرگان وسیل زدگان مشهد و مردم آسیب دیدهٔ یزد واهالی آذربایجان پس از رفع غائلهٔ دموگراتها نموده شایان تذکراست .

اولین طرح‌خانه‌سازی در میهن ما بوسیلهٔ بانك رهنی ایران در کوی معروف بچهارصددستگاه اجرا شد . در مشرق تهران کوئی بزرگ مرکب از چهارصدخانه باتمام وسایل لازم زندگی از قبیل‌لوله کشی‌آب وبرق ومدرسه ومسجد بوجود آمد که همواره مورد توجه بوده است . بانك‌رهنی ایران با عمران این قسمت از شهر تهران برای اولین‌بار نشان داد که چگونه میتوان خانه های محکم وارزان‌ساخت وبآن‌عده‌از مردم بیخانمان که هیچگاه استطاعت‌تملك خانه ومأوائی راندارند واگذار کرد .

بانک‌رهنی‌ایران‌تأسیسات‌نازی‌آبادرا که‌متعلق‌بوزارت دارائی ومدتهابلااستفاده مانده بود چندسال پیش خریداری وبهره‌برداری کرد. تأسیسات مزبوردارای کوره‌های آجرپزی وچند دستگاه‌کارخانهٔ سنگبری بود ومحصول آجرآن همواره از حیث‌قیمت ومرغوبیت بامحصول سایر کوره‌ها رقابت نموده است.

بسط وتوسعهٔ‌شهر تهران‌ایجاب میکرد که بانك‌رهنی بمنظورتسهیل کارمشتریان خود ، علاوه‌بر شعبهٔ مرکزی شعبه‌هائی درنقاط پرجمعیت شهر تأسیس نماید. ازاینرو در سال۱۳۳۳ یك‌شعبه درغرب تهران ودراوایل سال۱۳۳۶ یک شعبه‌درشرق‌تهران تأسیس کرد . علاوه‌براین ،بانك دارای نوزده شعبه و دو نمایندگی در شهرها میباشدو امسال نیزسه شعبهٔ دیگر در قم وگرگان و سنندج افتتاح خواهد شد .

درتهران بنای‌کاملی باتمام‌تجهیزات و وسایل‌نوین در محل اپرای سابق برای اداره وشعبهٔ مرکزی دردست ساختمان است که یکسال دیگر قابل استفاده خواهدشد .

همچنین بانك درصدد برآمده است برای شعب خود در شهرها ، زمین یا ساختمانهای مناسبی خریداری نماید وهم‌اکنون درچند شهر این نیت عملی شده وامیدواراست در سال جاری ساختمان سه شعبه را شروع نماید.

مطالعاتی از چندی پیش در بانك صورت میگرفت که بموازات روشی که بانك تاکنون‌نسبت باعطاءوامهای انفرادی اتخاذ کرده وادامه‌داده‌است ،اقدام‌بساختن‌خانه‌های

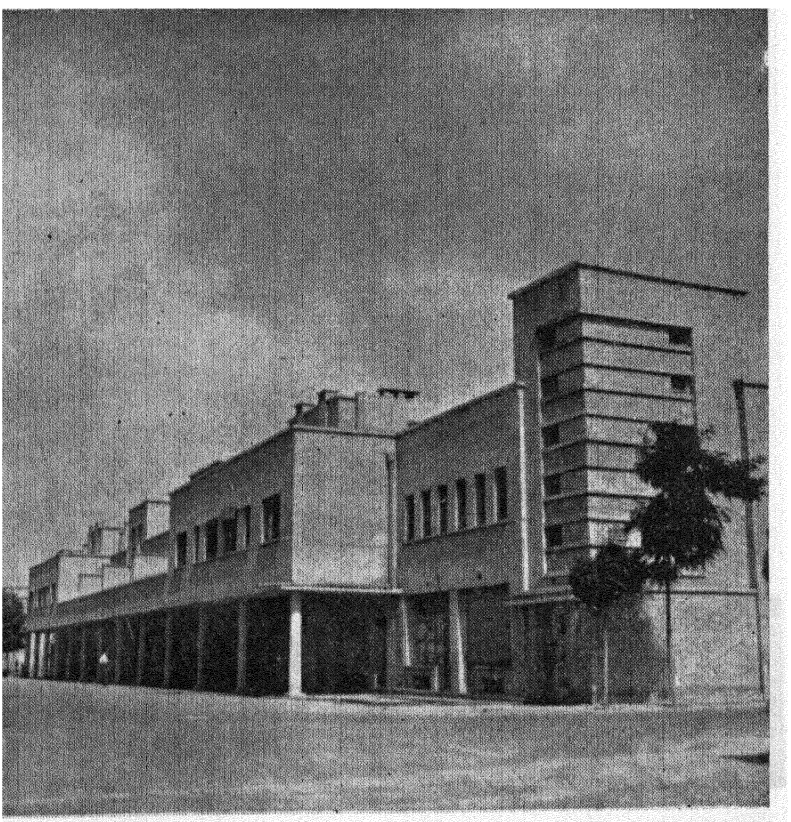

قسمتی از ساختمانهای چهارصددستگاه

دسته جمعی برای افراد بی‌مسکن نیز بنماید . ازاینرو سال گذشته صندوقی بنام‌صندوق پس‌انداز مسکن تأسیس‌نمود تاافراد درآن صندوق شرکت کنند وهنگامی که مجموع اقساط‌پرداختی‌شان‌به۴۰٪ ارزش خانهٔ مورد نظربرسد بانك بقیهٔ بهای خانه را بصورت

وام یاخانهٔ ساخته شده‌بآنان تحویل‌دهد .

اقدام دیگر بانك‌درسال گذشته، تاسیس‌شرکتی‌بنام شرکت تهیهٔ لوازم‌ساختمان بوده است.این‌شرکت که بطور مستقل وبصورت شرکت سهامی اداره میشود دراوایل سال گذشته‌شروع‌بکار کرد وعلاوه برآنکه تأسیسات نازی‌آباد را در اختیارخود گرفت، چندکارخانهٔ آجرسازی وسنگبری وکاشی‌سازی و امثال آن نیز سفارش داد . با تأسیس



ساختمان آپارتمانهای واقع در نازی‌آباد

این‌شرکت بانك رهنی‌خواهد توانست انواع واقسام‌لوازم مرغوب ساختمان‌رابحداقل قیمت تهیه نماید ودر دسترس مصرف کنندگان بگذارد .

یکی دیگر از اقدامات بانك رهنی ایران کمکی است که بتأسیس سینما در شهرستانها نموده است . برای این‌منظور جمعاً مبلغ ۱۲۸۰۰۰۰۰/- ریال در شهرهای

کرمانشاه - همدان - بابل - شیراز - بندرپهلوی (بندرانزلی) - کرمان - رفسنجان - ساری - بروجرد وقوچان پرداخته شده است .

خانه‌های کوی کارگران اصفهان مشتمل‌بر ۲۰٤ باب‌خانهٔ دواطاقی وسه‌اطاقی باخیابان‌سازی ولوله کشی آب وتأسیسات برق ، با اعتباری که وزارت‌کار دراختیار بانك رهنی ایران گذاشته‌است بانظارت بانك ساخته میشود وطبق قرارداد وباتوجه به‌پیشرفت کار، درتیرماه سال‌جاری به‌پایان خواهد رسید .

همچنین اعتبار ساختمانهای کوی نازی آباد در تهران شامل چهار دستگاه مشتمل بر۱۱٤ آپارتمان از طرف سازمان برنامه‌پرداخت گردیده وصورت‌برآورد قطعی هزینهٔ آنها بمبلغ ۳۲۳٦۸٤۳۳ ریال بسازمان برنامه فرستاده شده است . برحسب اوامر اعلیحضرت همایون شاهنشاه قرار است این ساختمانها بشهربانی کل واگذار شود .

شرکت بیمهٔ ایران

۱ـ تاریخچهٔ تأسیس ۲ـ سازمان ۳ـ عملیات مهم

۱ ـ تاریخچهٔ تأسیس

شرکت سهامی بیمهٔ ایران بدستور اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر و باهمت و پشتکار مرحوم علی‌اکبر داور وزیر کاردان مالیه بموجب شرکت نامهٔ مورخ ۱۲ شهریور ۱۳۱٤ تشکیل شد. بعداً اساسنامه‌ای نیز برای تعیین طرز کار و خط مشی وحدود وظایف هیئت مدیرهٔ آن تنظیم گردید.

بدین‌ترتیب شرکت سهامی بیمهٔ‌ایران درشهریور ۱۳۱٤ باسرمایهٔ‌بیست‌ملیون ریال تأسیس گردید وپس از دو ماه، فعالیت‌های اقتصادی خود را رسماً آغاز نمود ودر خلال سالهای ۱۳۱٤ و ۱۳۱۵ بیمه‌های آتش سوزی و باربری و اتومبیل وعمر وحوادث انفرادی را پذیرفت.

شرکت بیمهٔ ایران ازسال۱۳۱۷ ببعد میزان فعالیت خود را افزود و بتدریج در شهرستانها شعب متعددی تأسیس نمود که اسامی آنها ذیلاً درج میگردد:

آبادان ـ آغاجاری ـ اراك ـ اردبیل ـ اصفهان ـ اهواز ـ بازار ـ بابل ـ بروجرد ـ بندرشاهپور ـ بندرعباس ـ بوشهر ـ تبریز ـ خرم آباد ـ خرمشهر ـ خوی ـ رشت ـ رضائیه ـ زاهدان ـ زنجان ـ ساری ـ سبزوار ـ سمنان ـ شاهرود ـ شیراز ـ قزوین ـ قم ـ کاشان ـ کرمان ـ کرمانشاه ـ گرگان ـ مراغه ـ مسجدسلیمان ـ مشهد ـ همدان ـ یزد.

ضمناً بانك ملی ایران طبق‌قراردادی تعهدنموده است درشهرهائی که‌شرکت بیمهٔ ایران شعبه‌یانمایندگی ندارد نمایندگی این شرکت را بپذیرد.

درسال ۱۳۲٤ بیمهٔ‌کارگران از طرف شرکت سهامی بیمهٔ ایران شروع‌ودر سال۱۳۳۱ امور مربوط باین نوع بیمه بوزارت‌کار واگذار شد.

دربین‌سالهای ۱۳۲۸ و۱۳۳۲ بیمهٔ‌فرهنگیان وکارمندان دولت شروع گردید که هنوزهم ادامه دارد.

از بدو تأسیس شرکت بیمهٔ ایران ، گاهی بعضی از مواد اساسنامهٔ آن بمنظور تطبیق بااوضاع روز حك واصلاح میشد وچون دارای نقائص بیشماری بود که در عمل تولید اشکالات بسیاری مینمود ، در اوایل سال ١٣٣٦ اساسنامهٔ جدیدی که بر پایهٔ موازین حقوقی استوار است تهیه وتدوین گردید ودر تاریخ چهارم اردیبهشت‌ماه ١٣٣٦ بتصویب مجمع عمومی شرکت رسید که فعلاً شرکت برطبق مفاد آن اداره میگردد .

شرکت بیمهٔ ایران فعلاً دویست‌ملیون ریال سرمایه دارد که تمام آن پرداخت شده‌است ، ضمناً دارای اندوخته وسرمایهٔ ذخیره‌ای بمبلغ ٤٧٨٥٧٤٨٣٧ ریال میباشد.

بانك بیمهٔ ایران که درسال ١٣٣٢ تأسیس‌شده بود نظم وترتیب لازم راداشت وفعالیت آن نیز فوق‌العاده ضعیف بود . ولی از اول خرداد ماه ١٣٣٧ قسمت بانکی شرکت بصورت بانك مستقل بیمه باسرمایهٔ دویست وپنجاه ملیون ریال نقد در محل شرکت شروع بکار نمود وبعد نیز یکصدملیون ریال ارز برسرمایهٔ آن افزوده شد لذا اکنون دارای سیصد وپنجاه ملیون ریال سرمایه میباشد و اخیراً معاملات ارزی بانك مزبور نیز شروع شده است .

٢ـ سازمان شرکت

الف ـ ارکان شرکت :

١ـ مجمع عمومی دارندگان سهام .

٢ـ هیئت مدیره ومدیرعامل .

٣ـ شورای عالی .

٤ـ بازرسان دولت .

طرز انتخاب وحدودوظایف و اختیارات هریك ازارکان مزبور ، دراساسنامه تشریح گردیده است .

ب ـ تشکیلات داخلی :

تشکیلات داخلی شرکت بطور کلی شامل پنج قسمت‌است که هر کدام تحت نظر

هیئت مدیره وظایف خودرا انجام میدهد :

اول ـ قسمت فنی که شامل ادارات زیر است :

۱ـ قسمت بیمه‌های آتش‌سوزی ودزدی .

۲ـ قسمت بیمه‌های باربری

۳ـ قسمت بیمهٔ عمر .

٤ـ ادارهٔ بیمهٔ اتومبیل .

٥ـ ادارهٔ بیمهٔ حوادث انفرادی ومسئولیت حقوقی شخص ثالث .

٦ـ ادارهٔ بیمه‌های اتکائی .

۷ ـ ادارهٔ خسارت .

۸ـ بیمهٔ کارمندان دولت و کارمندان شرکت

دوم ـ قسمت اداری که شامل ادارات زیر است :

۱ـ قسمت آمار ومطالعات اقتصادی و آکتواریا .

۲ـ ادارهٔ بازرسی کل .

۳ـ ادارهٔ حقوقی .

٤ـ ادارهٔ کارگزینی .

٥ ـ ادارهٔ آموزش .

سوم ـ قسمت بانکی که شامل ادارات زیر است :

۱ـ حساب جاری .

۲ـ صندوق .

۳ـ بروات واعتبارات بازرگانی .

٤ـ اعتبارات .

٥ـ حسابداری .

٦ـ قسمت ارزی .

چهارم ـ قسمت مالی که مرکب از ادارات زیر است :

۱ـ ادارهٔ حسابداری .

۲ـ ادارهٔ کارپردازی .

۳- ادارهٔ مستغلات .

٤- امور تعاون کارمندان شرکت .

٥- ادارهٔ ساختمان وامور مهندسی .

پنجم - قسمت بهداری که شامل ادارات زیر است :

۱- ادارهٔ بهداری .

۲- ادارهٔ آزمایشگاه .

۳ - بیمارستان شرکت .

۳ - عملیات مهم شرکت

الف- عملیات بیمه‌ای :

۱- بیمهٔ اشیاء مشتمل بر بیمه‌های ذیل :

بیمهٔ آتش‌سوزی - بیمهٔ دزدی - بیمهٔ باربری - بیمهٔ اتومبیل .

۲- بیمهٔ اشخاص مشتمل بر بیمه‌های ذیل :

بیمهٔ عمر - بیمهٔ حوادث انفرادی - بیمهٔ خسارت حقوقی شخص ثالث - بیمهٔ کارمندان دولت و فرهنگیان - بیمهٔ کارمندان و خدمتگزاران شرکت بیمهٔ ایران و خانوادهٔ بلافصل آنان .

ب- عملیات مربوط به طرح نوین بیمهٔ عمر:

شرکت سهامی بیمهٔ ایران فعلاً مشغول اجرای طرحی ابتکاری و کاملاً بیسابقه- است بنام طرح جدید بیمهٔ عمر که بموجب آن بجای سرمایهٔ بیمهٔ عمر که در آخر مدت مقرر در بیمه‌نامه مبلغی بریال به‌بیمه شده میپرداخت ، خانه‌ای بفراخور حال واستطاعت مالی او میسازد وتحویل میدهد . بدین‌ترتیب قدرت خریدپول بیمه گذار را تضمین وازطرفی‌هم کمك شایان توجهی به کمبود مسکن که اکثر مردم گرفتار آنند مینماید .

ج - عملیات ساختمانی :

عملیات ساختمانی ذیل بوسیلهٔ ادارهٔ ساختمان وامورمهندسی شرکت درشرف اجرا است :

۱- ساختمان مهمانخانهٔ بزرگی در اصفهان .

۲- شروع ساختمان برای شعب شرکت در شهرستانهای اصفهان - رشت - تبریز وساری .

۳- شروع مقدمات ساختمان مهمانخانه‌ای در زنجان .

٤- تکمیل ساختمان بیمهٔ ایران .

د - عملیات بانکی :

۱- عملیات بانکی عادی طبق معمول بانکهای بزرگ کشور .

۲- معاملات ارزی .

شیلات ایران

صیدماهی درسواحل دریای خزر همیشه یکی از منابع مهم ثروت میهن ما بوده وقبل ازاینکه درسال ۱۲۷۲ شمسی برای اولین بار امتیاز آن بیکی از سرمایه‌داران روس بنام استپان مارتینویچ لیانازوف واگذار شود ، صیادان محلی درمقابل پرداخت مبلغی بعنوان رسوم دیوانی بمتصدیانی ملقب به دریابیگی، اجازهٔ صیدماهی میگرفته‌اند.

پس ازفوت لیانازوف درسال ۱۲۷۵ امتیاز صید به گورکی پسراو و بعدازفوت این شخص درسال ۱۲۸۵ از راه تجدید ویاتمدید بورثهٔ او منتقل شد .

پایان آخرین دورهٔ امتیاز لیانازوفها باانقلاب روسیه وازهم گسیختن امورورثه مصادف گردید . پس از آن ازسال ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۶ دولت شوروی باپرداخت سالی پانصد هزار ریال بدولت شاهنشاهی ایران ازشیلات بهره برداری مینمود . دولت شوروی در سال ۱۹۲۱ موافقت دولت ایران را برای اعطای امتیاز صیدماهی بشرکت مختلطی که دولتین درسرمایه واداره کردن آن سهیم باشند جلب نموده بود لذا بموجب قراردادی که برای مدت ۲۵ سال در مهر ۱۳۰۶ بتصویب مجلس شورای ملی ایران رسید شرکت مختلط مزبور تشکیل گردید ودر بهمن ماه همان سال بهره برداری راشروع نمود .این شرکت در ۱۲ بهمن ۱۳۳۱ ملی گردید وامورماهیگیری و بهره برداری در کرانه‌های شمالی ایران (آبهای دریائی وخلیجها وتمام رودخانه‌ها) بدولت شاهنشاهی واگذار وسازمانی بنام شرکت سهامی شیلات ایران باسرمایهٔ هشتادملیون ریال که تمام آن متعلق بدولت بود برای مدت نامحدود تشکیل ومأمور صید و بهره برداری گردید .

شرکت سابق طبق قرارداد دارای یك هیئت مدیرهٔ شش نفری بود که سه نفر آنرا دولت ایران وسه نفر دیگر را دولت شوروی برای مدت یکسال منصوب مینمود. ریاست هیئت مدیره در تمام مدت امتیاز باطرف ایرانی ومدیریت عامل تاسال ۱۳۲۱ باطرف شوروی پیش بینی شده بود .

شرکت مختلط حق‌الامتیازی بمبلغ هشتاد هزار تومان درسال و پانزده درصد از بقیهٔ عایدات را که پس‌از وضع مخارج اداری و بهره‌برداری عاید شرکت میشد بدولت ایران میپرداخت وضمناً تمام منفعت خالص که ازعملیات شرکت حاصل‌میشد بین ایران وشوروی بالمناصفه تقسیم میگردید .

پس‌از پایان‌قرارداد، تمام اموال‌منقول وغیرمنقول وموجودی نقدشرکت‌مختلط بمبلغ ۸۸۰۱٤۳۰۲٫۱۵ریال ارزیابی وبین دولتین ایران وشوروی تنصیف گردید.

شرکت سهامی شیلات ایران‌از بدو تشکیل، امور بهره برداری را منظماًاداره نموده وازعایدات خود درهمان دورهٔ اول‌بهره‌برداری یعنی تااول مرداد۱۳۳۲، بدهی دولت‌رابابت نصف بهای اموالی که دولت شوروی بدولت ایران واگذار نموده بود وبدهیهای شرکت مختلط را پرداخت نموده واز آن‌تاریخ تاکنون نیز کوشیده‌است که بمنظور بهبود وضع صید ،کلیهٔ ادوات کهنه را از محل عایدات خود شرکت و بدون دریافت هیچگونه کمك مالی‌وفنی خارجی تعویض و تجدید کند و تمام عملیات خود را باآخرین و جدیدترین اصول که در کشورهای بزرگ جهان معمول است منطبق نماید ودراین‌راه بموفقیتهای بزرگی‌نیز نایل آمده‌است .

در آمار زیر، خلاصهٔ عملیات بهره‌برداری شرکت شیلات بنظر میرسد :

سال‌بهره‌برداری	ماهی‌حلال	ماهی‌غضروفی	خاویار
۱۳۳۳/۳۲	۳۱٤۸تن	۷٤۵تن	۱۲۳تن
۱۳۳٤/۳۳	« ۳٤۲٦	« ٦۲۵	« ۱۰۲
۱۳۳۵/۳٤	« ۲۵۱٦	« ۷۰۰	« ۱۲۵
۱۳۳٦/۳۵	« ٤۸۷۷/۵	« ۸٤۵	« ۱۲٦/۵
۱۳۳۷/۳٦	« ۲٦۹۹/۵	« ۹۹۰/۵	« ۱٦۲/۵

همچنین‌شرکت در هردورهٔ بهره‌برداری، بشرح زیر سودویژه داشته است :

دورهٔ بهره‌برداری	سودویژه
درسال ۱۳۳۲/۳۱	۵۶۷۵۶۷۷۴/۲۰ریال
« ۱۳۳۳/۳۲	۸۶۷۴۰۰۰۰/- «
« ۱۳۳۴/۳۳	۱۶۹۲۴۰۰۰/ «
« ۱۳۳۵/۳۴	۱۸۶۹۳۷۶۹/۶۰ «
« ۱۳۳۶/۳۵	۳۲۳۱۵۵۱۷/۷۰ «
« ۱۳۳۷/۳۶	۳۸۵۱۳۲۲۰/۲۵ «

شرکت شیلات از موقعی که ملی شده ، همواره کوشیده است که در اجرای منویات اعلیحضرت همایون شاهنشاه ، قیمت ماهی حلال را بمنظور کمك به تغذیهٔ عمومی پائین آورد ومیزان مصرف داخلی را هرسال بیفزاید تا جائیکه تمام ماهی حلال در داخل کشور بفروش برسد ، چنانکه سال گذشته مصرف ماهی در داخل کشور به۲۷۶۹ تن رسیده است .

شرکت بموازات افزایش فروش داخلی سعی داشته است که میزان صدور خاویار وماهی‌غضروفی را باروپا و آمریکا بیفزاید چنانکه سال گذشته۷۲۱۲۵/۵۷ کیلوخاویار بارزش۶۶۹۶۳۹۲۰ ریال و۳۰۰۰۰ کیلو ماهی‌غضروفی ببهای۷۶۵۰۰۰ ریال باروپا و آمریکاصادرشده وجمعاً ۱۲۰۸۱۷۹/۵۰ کیلوماهی بارزش۶۳۰۱۴۲۴۴ ریال‌هم به شوروی تحویل گردیده است .

در اولین‌سال تأسیس شرکت ملی شیلات، چون هنوزخاویاروسایرمحصولات ماهی ایران در ممالك غرب بقدر کافی معرفی نشده بود بیم آن میرفت که شرکت دچار مشکلاتی بشود لذا کوشش بسیاری بعمل آمد که هرچه زودترفراورده های شرکت بفروش‌برسدتابابهای آنهابتوان اصلاحات مورد نظررا انجام داد وبدهیهای شرکت را پرداخت نمود . خوشبختانه دیری نگذشت که پیشنهادهای خرید خاویار از شرکتهای‌خارجی پیاپی واصل شد و باین ترتیب شرکت نه‌تنها توانست بزودی بازار خوبی برای فروش خاویار در کشورهای غرب بدست آورد بلکه موفق شد

خاویار ایران را بصورت بهترین ومرغوبترین خاویار جهان در بازار بین‌المللی عرضه نماید . در اثر همین مآل اندیشیها و ابتکارات تجارتی شرکت توانست نرخ خاویار خودرا بالا برد ونگذارد که خریداران دست بهم داده متفقاً وارد معامله شوند و بالنتیجه کالای شرکت را ببهای نازلی بخرند ؛ چنانکه در گذشته حداکثر نرخ برای گروه اروپائی ۲۰ دلار و برای گروه آمریکائی ۱۹ دلار وشوروی ۲۰ دلار تعیین شده بود، ولی درقراردادهائی که در سال جاری برای مدت سه‌سال منعقد شد با گروه اروپائی از قرار ۳۵ دلار و با آمریکا ۲۶/۵دلار و با شوروی ۲۵ دلار معامله گردید . همچنین ماهی غضروفی سابقاً از قرار هرتن ۳٤۰دلار در آمریکا بفروش رسیده بود ولی شرکت در سال جاری توانست کالای مزبوررا ازقرار هرتن ٤۰۵دلار باهمان کشور معامله نماید .

کارکنان شیلات موفق شدند قسمتی از وسایل کار خود مانند دستگاه تور بافی و بارکاسهای بزرگ موتوری را که سابقاً از خارج وارد میشد در خود شیلات تهیه نمایند .

علاوه بر اینها ، صیدگاههای جدیدی مانند صیدگاههای دوازدهم بهمن در حسن کیاده وصیدگاه ترکمن در گرگان ایجاد شده که از آنها بهره برداری میشود وچون آب دریا پیوسته جلومیرود شرکت ناچار است که هرسال در برنامه های خود تجدیدنظر نموده صیدگاهها را تدریجاً جلو ببرد .

شرکت شیلات باتهیهٔ تراکتورهای متعدد وتورهای مکانیکی کوشیده است که صیدماهی را ماشینی نموده واز انداختن تورهای کوچك که باقوهٔ بدن انسان از آب دریا بالا کشیده میشود حتی‌الامکان خودداری نماید . ضمناً اقدامات دیگری بشرح زیر در دست اجرا است :

۱ـ ایجاد یك سردخانهٔ بزرگ در اراضی ضرابخانه .

۲ـ تهیهٔ مقدمات بنای ساختمان شرکت در یك قطعه زمین ده هزار متری در سه راه ونك .

۳- مطالعه وطرح ریزی جهت بهره‌برداری و تکثیر نسل و بالا بردن ارقام ماهی وخاویار وجلوگیری از صید ماهیهای نارس وانواعی که در شرف انقراض- است مانند ماهی آزاد ، بااستفاده از قانون‌شکار و کمك آن قانون .

٤- ایجاد یك دستگاه سردخانهٔ مجهز صد تنی جهت نگاهداری محصول در بخش بابلسر .

٥- تهیهٔ وسایل انتقال کالای ماهی از نواحی شمال بمرکز باکامیونهای مجهز بسردخانه .

٦- تهیهٔ واگنهای سردخانه‌دار برای رساندن ماهی وخاویار، بدون عیب از نواحی شمال به‌بنادر خلیج فارس .

۷- مطالعه برای بسته‌بندی خاویار بصورت مشتری پسند مانندسایر کالاهای نفیس بین‌المللی .

۸- الزام خریداران گروه اروپائی و آمریکائی کالای ماهی بایجاد غرفه در نمایشگاههای داخلی و بین‌المللی بمنظور معرفی کالای ایران وحفظ شهرت آن .

۹- نصب دستگاه سردکن در قسمت خاویار سازی.

۱۰- ترمیم وتوسعهٔ ماشین‌خانهٔ بندرپهلوی برای تولید نیروی بیشتر و بکار انداختن ماشینهای تازه .

۱۱- نصب مولد برق درصیدگاهها .

۱۲- تعمیر اساسی وسایط نقلیهٔ زمینی‌ودریائی .

۱۳- ایجاد باشگاه برای کارکنان شرکت تا بتوانند علاوه‌برداشتن محلی برای‌سرگرمی ورفع خستگی ، از غذای خوب ومقوی وارزان استفاده کنند .

۱٤ - خرید دیزلهای دریائی برای ساختن بارکاسهای سردخانه‌دار.

۱٥- لاروبی کانال بندرشاه .

۱٦- تهیهٔ طرح ساختمان برای سکونت کارگران .

شرکت‌جوان‌شیلات‌ایران ، دست‌باقدامات‌اقتصادی‌دامنه‌داری زده وامیدوار- است که باحمایت وارشاد صاحبان سهام بتواند در اجرای منویات ملوکانه ،قدمهای مؤثرتری برای کمك باقتصادیات کشور بردارد وبموفقیتهای درخشانتری نایل آید .

بانك كشاورزی ایران

۱ـ تاریخچهٔ بانك

در تاریخ نهم شهریورماه ۱۳۰۹ قانونی به‌تصویب مجلس شورای ملی رسید وبموجب آن بانك ملی ایران موظف گردید که شعبهٔ مخصوصی بامحاسبات‌جداگانه بنام « شعبهٔ فلاحتی» بمنظور پرداخت وام‌بکشاورزان تأسیس نماید . وزارت‌دارائی نیز اجازه‌یافت که تامدت ده‌سال ، سالانه مبلغی که از پنج ملیون ریال کمتر نباشد برای‌تأمین سرمایهٔ شعبهٔ مزبور ببانك‌ملی ایران‌بپردازد . درقانون مذکور پیش‌بینی شده‌بود که «شعبهٔ‌فلاحتی» درصورتیکه دامنهٔ عملیات و معاملاتش توسعه یابد ، بیك بانك مستقل تبدیل گردد .

شعبهٔ فلاحتی بانك ملی ایران نزدیك به سه سال مشغول کار بود لیکن بعلت اشکالات سازمانی وقلت سرمایه دامنهٔ عملیاتش توسعهٔ چندانی نیافت . کم کم فکر ایجاد بانك کشاورزی بصورت یك سازمان مستقل‌پیش آمد ودرخردادماه سال۱۳۱۲ قانون اجازهٔ تأسیس بانك « فلاحتی وصنعتی » بتصویب مجلس شورای ملی‌رسید .

بموجب این‌قانون دولت مجاز گردید که بانك مذکور را بصورت شرکت سهامی‌باسرمایهٔ بیست‌ملیون ریال‌تأسیس نماید‌تابرای‌بسط وتوسعهٔ فلاحت وصنعت در کشور معاملات وعملیات لازم را انجام دهد .

بانك فلاحتی و صنعتی در تیرماه ۱۳۱۲ رسماً گشایش یافت ودر دیماه همان سال، طبق قانون فروش خالصه‌ها سرمایهٔ آن به‌سی‌ملیون‌ریال رسید .قانون تکمیلی قانون بانك فلاحتی و صنعتی در شهریور ۱۳۱۳ ببانك اجازه داد که با شرکت در مؤسسات تولیدی ویا تأسیس شرکتهای جدید و همچنین دادن کمکهای اعتباری باینگونه مؤسسات وسایل پیشرفت‌کار آنها را فراهم نماید .

قانون متمم‌بودجهٔ سال۱۳۱۷ سرمایهٔ‌بانك فلاحتی وصنعتی رابصدملیون‌ریال

رسانید . قانون متمم بودجهٔ سال ۱۳۱۸ عنوان بانك فلاحتی و صنعتی را به « بانك کشاورزی‌وپیشه وهنر ایران» تغییر داد .

طبق قانون متمم بودجهٔ سال ۱۳۲۰ سرمایهٔ بانك کشاورزی و پیشه‌وهنر ایران دویست ملیون‌ریال افزایش یافت و مقرر گردید این مبلغ از محل فروش خالصه‌ها تأمین گردد . از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ مبلغ چهارصدوده ملیون ریال دیگر به‌سرمایهٔ

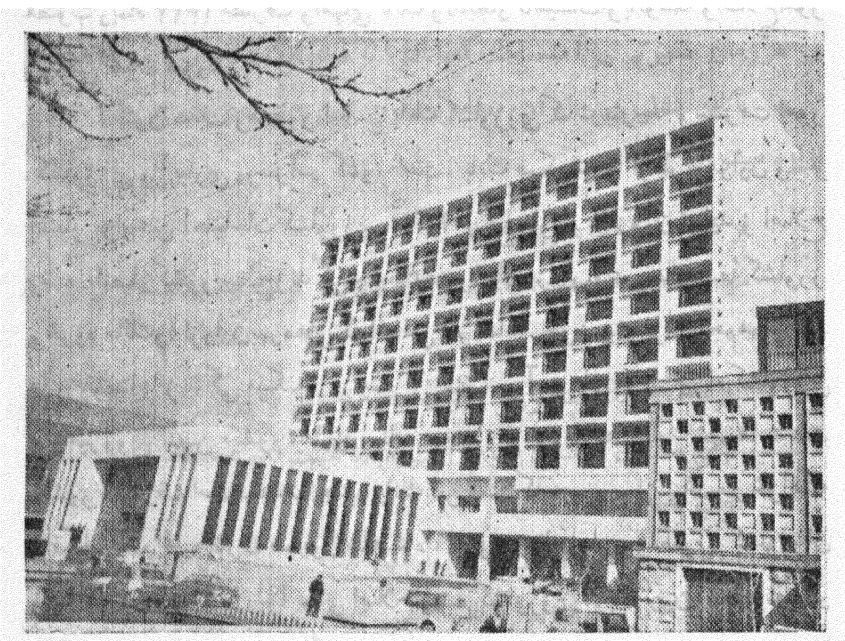

نمای‌جنوبی ساختمان جدید بانك کشاورزی ایران

بانك افزوده شد و بالاخره بموجب لایحهٔ قانونی اساسنامهٔ بانك کشاورزی ایران مصوب هفتم خرداد ۱۳۳۲ سرمایهٔ‌رسمی بانك بیك ملیاردوپانصد ملیون‌ریال‌افزایش یافت . کلیهٔ‌سهام بانك‌تعهد شده ودرحدود ثلث بهای آنها نیز پرداخت گردیده است.

بموجب‌اساسنامهٔ‌قانونی ۱۳۳٤ بانك‌ازدادن وامهای صنعتی ممنوع‌شدوازهمان تاریخ نام‌آن نیز به «بانك کشاورزی‌ایران» تبدیل گردید .

۲ـ هدف بانك

هدف بانك در ابتدای تأسیس کاملاً محدود بود. در قانون مصوب شهریور ۱۳۰۹ تصریح شده بود که قرضه‌های فلاحتی فقط برای ایجاد یاتوسعهٔ مجاری آب وزراعت وتامیزان پنجاه‌درصد بهای املاك ثبت شده قابل پرداخت‌است. بموازات سیر ترقی کشور هدف بانك کشاورزی نیز توسعه یافت؛ قانون فروش خالصه‌ها مصوب دیماه ۱۳۱۲ مصرف وامهای بانك را ایجاد تأسیسات ویاتوسعه واصلاح‌امور زراعتی تعیین نموده.

اکنون هدف ومنظور اساسی بانك کشاورزی کمك بتوسعه وپیشرفت امور کشاورزی و آبیاری درسراسر کشور است. بانك میکوشد تا ازطریق دادن وام و اعتبار بزارعین احتیاجات کشاورزی آنانرا مرتفع‌سازد وباافزودن تولید و اصلاح وضع اقتصاد کشور سطح‌زندگی روستائیان را بالا برد ودرعین‌حال طبقهٔ کشاورز وخرده مالك‌را ازدادن‌بهره‌های گزاف بی‌نیاز نماید. چون بیش‌ازسه‌پنجم‌هم‌میهنان ما درروستاها زندگی میکنند و بیش از نصف درآمد ملی ما نیزازراه کشاورزی و دامپروری تأمین میشود، طبق برنامهٔ جدید، توجه بانك بجای شهرها بدهات کشور معطوف است. هدف جدید بانك این است که‌به‌پیروی از نیات‌خیرخواهانه وافکار بلند اعلیحضرت همایون شاهنشاه، نیروی عظیم مادی ومعنوی کشاورزان و ساکنان دهات کشور را برای اصلاح وضع کشاورزی، بالابردن سطح اقتصاد مملکت وبالاخره بهبود زندگی روستائیان بکارا ندازد.

چون یکدستگاه دولتی نمیتواند کلیهٔ احتیاجات کشاورزی کشور را تأمین نماید بنظر بانك برای رفع نیازمندیهای روز افزون مالی وفنی کشاورزی باید از وجود خودروستائیان ووجوه پس‌اندازهای‌روستائی استفاده شود. بانك کشاورزی ایران چندی است که برای تأمین این منظور کوشش‌میکند وخوشبختانه اقداماتش دراین‌راه توأم باکمال موفقیت‌بوده وبااستقبال کشاورزان مواجه گشته است. ضمناً چون وضع امروز اجازه نمیدهد کشاورزی کشور بصورت قدیمی ادامه‌یابد، بانك

برای تجدید واصلاح کشاورزی وسایل ولوازم جدیدی مانندماشین آلات، کودهای شیمیائی وسموم دفع آفات در دسترس کشاورزان قرار میدهد .

۳ ـ سازمان بانك

همانطور که قبلاً گفته شد ، بانك کشاورزی ابتدا بصورت شعبهٔ کوچکی در بانك ملی ایران ، عهده‌دار پرداخت وامهای فلاحتی بمنظورهای محدود ومعین بود. ولی بموازات توسعه وتکامل هدفهای بانك ، سازمان آن نیز تدریجاً وسعت یافته و در هرزمان بصورتی در آمده است که بانك را به هدفهای مزبور ، بهتر برساند .

بانك کشاورزی ایران مطابق قانون تجارت و بصورت شرکت سهامی اداره میشود .

ارکان بانك بشرح زیر است :

مجمع عمومی صاحبان سهام ـ شورای عالی ـ هیئت مدیره ـ بازرس دولت در بانك .

ادارهٔ امور بانك کشاورزی طبق اساسنامهٔ قانونی که در تیرماه ۱۳۳۴ بتصویب کمیسیونهای مشترك مجلسین رسیده است بعهدهٔ هیئت مدیره میباشد .

شعب بانك

بانك علاوه بر شعبهٔ مرکزی ، دارای ۶۷ شعبه در نقاط زیر است :

آباده ـ آمل ـ اراك ـ اردبیل ـ اهر ـ اصفهان ـ الیگودرز ـ اهواز ـ بابل بجنورد ـ بروجرد ـ بندرپهلوی ـ بندرعباس ـ بیرجند ـ تبریز ـ تربت‌جام ـ تربت‌حیدریه ـ جهرم ـ خاش ـ خرم آباد ـ خوی ـ دزفول ـ دماوند ـ رشت ـ رضائیه ـ رفسنجان ـ زابل ـ زاهدان ـ زنجان ـ ساری ـ ساوه ـ سبزوار ـ سقز ـ سمنان ـ سنندج ـ سیرجان ـ شاهرود ـ شهرضا ـ شهرکرد ـ شهریار ـ شهسوار ـ شیراز ـ طبس ـ فسا ـ فیروزکوه ـ قزوین ـ قم ـ قوچان ـ کاشان ـ کاشمر ـ کرج ـ کرمان ـ کرمانشاه ـ گرگان ـ گرمسار ـ گلپایگان ـ لاهیجان ـ مراغه ـ مشهد ـ ملایر ـ نائین ـ نطنز ـ نهاوند ـ نیشابور ـ ورامین ـ همدان ـ یزد .

نمایندگیهای بانك

بانك دارای ۲۰ نمایندگی در نقاط زیر است :

آذرشهر - آشتیان- اردکان - ایرانشهر - بم-تویسرکان - جوین -دامغان رودبار - ری - سراب -سراوان - سنقر- طالش -قائن - محلات - مرند - میانه - میاندو آب -نجف آباد .

۴-سرمایهٔ بانك

چنانکه گفته شد سرمایهٔ بانك در بدو تأسیس(۱۳۱۲) بیست‌ملیون ریال بود ودرسالهای بعد تدریجاً بشرح زیرافزایش یافت .

درسال	۱۳۱۵	بالغ بر	۳۰،۰۰۰،۰۰۰ریال گردید
«	۱۳۱۷	«	۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰ « «
«	۱۳۲۰	«	۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰ « «
«	۱۳۲۸	«	٤٥٠،۰۰۰،۰۰۰ « «
«	۱۳۳۰	«	٥٥٠،۰۰۰،۰۰۰ « «
«	۱۳۳۲	«	۱،٥۰۰،۰۰۰،۰۰۰ریال گردید .

از مبلغ ۱،٥۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال سرمایهٔ بانك، تا آخراسفند ماه ۱۳۳۷ مبلغ ۷۸۳،۷۰٦،۲۰۲/۷٥ریال توسط دولت پرداخت شده است .

مطابق قانون مورخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۳٦ مقرر است از محل تفاوت‌ارزیابی پشتوانهٔ اسکناس ، از اول سال ۱۳۳۷ تاپنجسال ، جمعاً مبلغ سه هزاروپانصدملیون ریال در اختیار بانك کشاورزی ایران گذاشته شود که براساس آئین‌نامهٔ‌اجرائی قانون‌مذکور بمصرف پرداخت وامهای مختلف کشاورزی برسد . تاکنون از محل مزبور دو قسط یکی بمبلغ ۹۲۰ملیون ودیگری ۸٦۰ ملیون ریال در اختیار بانك گذارده شده است .

۵- معاملات و اقدامات بانك

الف - معاملات و کمکهای مالی بانك بکشاورزان

بانك برای رسیدن بهدفهای خود علاوه‌برکارهای عادی بانکی بعملیات زیر مبادرت نموده است :

١-اعطای وام و انجام دادن انواع عملیات اعتباری بانکی برای امور کشاورزی.
٢- کمك بتأسیس و پیشرفت صندوقهای روستائی برای مساعدت بکشاورزان و تأمین وسایل کار آنان.
٣- تأسیس شرکتهای تعاونی و کمك بآنها بمنظور مساعدت بکشاورزان.
٤- دادن اعتبار برای عملیات عمرانی و توسعهٔ کشاورزی.
٥- خرید و تهیهٔ ادوات و ماشینهای کشاورزی و فروش آنها بکشاورزان با حداکثر تسهیلات ممکن.

در حال حاضر معاملات بانك براساس آئین نامهٔ جدید اعتبارات صورت میگیرد که از تاریخ پانزدهم خرداد ١٣٣٨ بموقع اجرا گذارده شده است. استفاده کنندگان از اعتبارات بانك کشاورزی ایران عبارتند از :

اول : کشاورزان - خرده مالکان - مالکین و مستأجرین املاك مزروعی - باغداران و دامداران - ارباب حرف و صنایع روستائی.

دوم : شرکتهای تعاونی کشاورزی و صندوقهای روستائی و هرگونه شرکتهای دیگری که رأساً بامور کشاورزی اشتغال دارند.

اعتبارات بانك اعم از اینکه بصورت وام یا اعتبار و در قبال وثیقهٔ منقول یا غیر منقول و یا انواع دیگر تضمین و یا سند ذمه‌ای بمشتریان پرداخت شود بر چهار دسته تقسیم میگردد :

اعتبار کوتاه مدت - اعتبار بامدت متوسط - اعتبار طویل‌المدت - اعتبار در حساب جاری بدهکار.

بطور کلی برای اینکه فعالیتهای وسیع کشاورزی در کشور تشویق شود و سطح تولید بالا رود بموجب آئین نامهٔ جدید اعتبارات تسهیلات ممکن از هر جهت برای وام گیرندگان فراهم گردیده تاجائی که مثلاً دو نفر زارع که شخصاً بتولید کشاورزی مشغول باشند میتوانند باضمانت متقابل تا میزان بیست هزار ریال از بانك کشاورزی وام بگیرند.

ب- ماشین آلات کشاورزی

پیروی از منویات دولت در نهضت اقتصادی کشور، بانك کشاورزی در سال ۱۳۳۳ مأموریت ماشینی کردن کشاورزی را بعهده گرفت. با آنکه وضع مالی بانك در آن زمان اجازه نمیداد معاملات وسیعی را که برای تأمین احتیاجات قراء وقصبات بیشمار کشور لازم بود انجام دهد، معهذا نظر باحتیاج مبرم کشاورزان سفارش سه الی چهار هزار دستگاه ماشین آلات کشاورزی از قبیل تراکتور مسی هارس-فرگوسن و کمباین-کامیون بارکش - وانت خیش ودیسك وغیره بارزش ۱۶۰۰۰۰۰ لیره بانگلستان داد. وسایل مزبور در ظرف سه الی چهار سال باسهلترین شرایط باقساط چهار تا پنج-ساله بکشاورزان کشور فروخته ودر نقاط مختلف توزیع گردید. مقارن همین ایام، از طرف دولت نیز ۱۸۰۰۰۰۰ لیره در اختیار بانك کشاورزی گذاشته شد و بانك معادل ۸۵۰ دستگاه موتور وتلمبه برای آبیاری وتولید برق قراء وقصبات کشور وارد نمود. ۰/۹۵ این ماشین آلات نیز از اواخر سال ۱۳۳٤ تا اواخر سال ۳۷ باهمان شرایط سهل بین زارعین کشور توزیع گردید. باین ترتیب بانك کشاورزی ایران بماشینی کردن کشاورزی وترقی دادن سطح کشت و تولید محصولات کشاورزی و آبیاری و آبادانی کشور خدمت بسزائی نموده است.

ج- شرکتهای تعاونی روستائی

اگر عدهٔ خانواده‌های روستائی در کشور ما سه ملیون باشد و بخواهیم که بهریك از این خانواده‌ها حداقل هزار تومان وام بدهیم سرمایهٔ لازم برای تأمین اعتبارات جاری روستاها معادل سه ملیارد تومان خواهد شد. تهیهٔ وسایل جدید وماشین آلات و کودهای شیمیائی وغیره و همچنین برنامه‌های اصلاح بذر و توسعهٔ کشت انواع نباتات صنعتی و بالاخره تهیهٔ مواد غذائی برای جمعیت روزافزون کشور همه مستلزم سرمایه گذاری جدیدی در کشاورزی میباشد و یکدستگاه دولتی نمیتواند کلیهٔ این سرمایه را تأمین نماید؛ بالطبع بانك کشاورزی هم قادر نیست که از محل سرمایهٔ خود کلیهٔ احتیاجات اعتباری قسمت کشاورزی کشور را برآورد. ناچار موضوع

لزوم ایجاد سازمانهای مالی درقسمت کشاورزی بنحوی که تدریجاً توسعه یابدووجوه پس‌اندازهای روستائی در آنهامتمرکز شود و بمصرف سرمایه گذاری برسد هرروز آشکارتر میگردد واین منظور حاصل نمیشود مگر باتشکیل شرکتهای تعاونی اعتبار در دهات و مناطق روستائی درتمام کشور .

اهمیت ایجاد سازمانی براساس تشکیل شرکتهای تعاونی بحدی است که آیندهٔ کشاورزی کشور را تضمین و بیمه خواهد کرد و کمك شایان توجهی بتوسعهٔ سطح کشت و ازدیاد درآمد و بهبود وضع زندگی کشاورزان و ایجاد علاقه در آنان خواهد نمود .

در ظرف مدت چند سال گذشته تقریباً یکصد شرکت تعاونی و صندوق روستائی در شهرها ومراکز بزرگ تشکیل گردیده است . اکنون کوشش میشود که باهمکاری دهقانان وخرده‌مالکین ،واحدهای اعتباری کوچك یعنی شرکتهای تعاونی تأسیس گردد . در نظر است این واحدها بصورتی درآید که مانندیك بانك کوچك مورد اطمینان، طرف توجه ومورد استفادهٔ کشاورزان‌قرار گیرد. نرخ بهرهٔ وامهای کشاورزی که‌مستقیماً پرداخت میشودشش‌درصد در سال است‌لکن اعتبارات شرکتهای تعاونی با۳یا ٤درصدبهره پرداخت‌میگردد تااین شرکتها بتوانندمجموع منابع خود و اعتبارات دریافتی را با بهرهٔ شش درصد بزارعین و کشاورزان جزء پرداخت نمایند . وظیفهٔ اصلی واساسی این شرکتها عبارتست از :

۱- پرداخت وام بکشاورزان وجلب سپرده‌های روستائی و تأمین احتیاجات اعتباری حوزهٔ خود .

۲- تهیهٔ چند قلم محدود ازکالاهای مورد احتیاج کشاورزان از دست اول و قراردادن آنها در دسترس زارعین و قبول عاملیت فروش کالاهای مزبور ازقبیل کودهای شیمیائی وسموم دفع آفات نباتی وقندوشکر .

۳- تطبیق‌عملیات اعتباری خود بااحتیاجات ترویج کشاورزی براساس ارائهٔ طریق و راهنمائی مأمورین ترویج و سپس آشنا ساختن کشاورزان با وسایل جدید کشاورزی .

تأسیس شرکتهای تعاونی بشرح مذکور در تمام نقاط کشور با کارمندان موجود بانك مقدور نیست ومستلزم صرف وقت‌واقداماتی از قبیل‌اجرای‌برنامه‌های آموزشگاههای تعاونی و کلاس اختصاصی است که مورد توجه و اقدام بانك قرار گرفته وشرح مختصر آنها ذیلاً خواهد گذشت .

۱ـ کلاسهای بانك برای کارمندان جدید

در سال ۱۳۱۸ بانك کشاورزی درسراسر کشور دارای شانزده شعبه و هشت نمایندگی بود وچون احتیاج بیشتری‌بتوسعهٔ بانك‌احساس میشد کلاسهای‌اختصاصی تأسیس گردید تادامنهٔ عملیات بانك بوسیلهٔ کارمندان جدیدی که در کلاس مزبور تربیت‌میشدند از شهرستانهای‌بزرگ بشهرستانهای کوچك وبخشها توسعه‌داده‌شود. بدین‌منظور درسال۱۳۱۹ هیئت مدیرهٔ بانك تصمیم گرفت که اولین کلاس جهت آشنانمودن کارمندان بامور بانکی تأسیس شود . کلاس مزبور دارای دودوره بود یکی از اول فروردین ودیگری از۱۵ شهریور هریك بمدت چهار ماه . چون‌نتیجهٔ حاصل از این کلاسها رضایت‌بخش بود در سال ۱۳۲۳ دورهٔ کلاس اختصاصی بانك تجدید شد وعده‌ای از کارمندان جدیدالاستخدام بفراگرفتن امور بانکی پرداختند. تاسال۱۳۳۷ کلاس مزبور چندین دوره تشکیل و در هر دوره عده‌ای کارمند فنی برای بانك تربیت وتهیه گردید تااینکه درسال۱۳۳۷ که برنامهٔ توسعهٔ شرکتهای تعاونی کشاورزی وتأسیس‌شعب وواحدهای‌جدید بانك بموقع اجرا گذاشته‌شدلزوم عده‌ای‌کارمند فنی جهت‌اداره‌نمودن شعب وواحدهای جدیدبانك وشرکتهای‌تعاونی در سراسر کشور بیشتر احساس گردید لذا دورهٔ جدید کلاس اختصاصی بانك‌بمدت سه ماه از تاریخ پانزدهم فروردین ۱۳۳۸ درمرکز بانك تشکیل شد وقریب‌یکصد نفر از مهندسین ودیپلمه‌های کشاورزی وطبیعی در آن‌بآموختن‌اموراختصاصی‌بانك کشاورزی مخصوصاً شرکتهای تعاونی پرداختند . این برنامه در آینده نیز بموازات نیازمندیهای کشور ادامه خواهدیافت .

۲ـ آموزشگاههای تعاونی

از دیماه سال۱۳۳۷شروع بتشکیل آموزشگاههائی در استانهاشده‌وتاکنون

آموزشگاههای خوزستان و فارس و کرمان و خراسان تشکیل و بر گزار گردیده است. برنامهٔ آموزشگاهها بدواً تبادل اطلاعات و آموزش لازم بکارمندان مأمور تشکیل وسرپرستی شرکتهای تعاونی وسپس تعیین گروههای سرپرستی است . درهراستان یك مرکز سرپرستی برای امور تعاونی آن استان تشکیل گردیده و بتناسب وسعت عمل ومنطقهٔ کشاورزی استان مذکور حوزه‌بندی شده و برای هریك از حوزه‌ها گروهی مجهز بجیپ وسایر وسایل اعزام میگردد . وظیفهٔ سرپرستان حوزه‌ها مسافرت بکلیهٔ قراء وقصبات حوزهٔ عمل خودو تماس با کشاورزان وارشاد آنها بتأسیس شرکتهای تعاونی ودادن کمکهای اولیه برای تشکیل و بثبت رساندن شرکت و آموزش طرز تنظیم حساب ودفاتر میباشد .

۳ـ کلاس اختصاصی بانك در دبیرستانهای کشاورزی

برای اینکه عدهٔ بیشتری افراد فنی و کارشناس املاك مزروعی برای ادارهٔ امور مختلف بانك وشرکتهای تعاونی تربیت شود باوزارت فرهنگ مذاکرات لازم بعمل آمده تادر دبیرستانهای کشاورزی کلاس اختصاصی بمنظور بالا افتتاح گردد و باتدریس مواد مخصوص ، فارغ‌التحصیلان مدارس کشاورزی اطلاعات وتعلیمات لازم را در زمینهٔ شرکتهای تعاونی ومسائل دیگر کسب نمایند .

هزینهٔ تحصیل دانش آموزانی که رشتهٔ اختصاصی بانك را طی نمایند توسط بانك کشاورزی پرداخت خواهد شد . دانش آموزان مزبور سه‌ماه تابستان رادر بانك بکار آموزش مشغول میشوند و باین ترتیب کارمندان لازم برای اجرای برنامهٔ وسیع بانك وشرکتهای تعاونی ازدبیرستانهای کشاورزی بدست میآیند.

۴ـ نشریات بانك

بانك علاوه بر تراز نامهٔ سالانه ، ازسال ۱۳۳۳ باینطرف هرسال چهارشماره مجله منتشر مینماید که در آن مقالات اقتصادی و آمار واطلاعات مربوط به عملیات واخبار جاری بانك درج میگردد . اخیراً هم کتابی بنام « راهنما برای تشکیل و سرپرستی شرکتهای تعاونی روستائی» منتشر نموده که کمك بزرگی بتشکیل شرکتهای تعاونی کرده است .

ارتش ایران

وضع فعلی و وضع ارتش در آغاز سلطنت پهلوی

تاریخ آئینه‌ای است که حوادث گذشته را نشان میدهد ؛ پرتوی است که تاریکیهای گذشته را برای نسلهای آینده روشن مینماید .

نسل جوان و نسلهای آینده باید بدانند ارتش مجهز و نیرومند امروز ایران که پرچم پرافتخارش برمیهن ما سایه‌افکنده ، شب سوم اسفند سال ۱۲۹۹ چه‌وضعی داشته است . باید بدانند عظمت ارتش که امروز باین پایه رسیده ،از کجاشروع‌شده وچگونه بموازات کلیهٔ شئون‌میهن‌ما ، راه تکامل پیموده است .

دراین چندصفحه، تاریخچهٔ‌ارتش نوین ایران‌و کوششها ومجاهدتهای‌خستگی‌ناپذیر شاهنشاه فقید اعلیحضرت رضاشاه کبیر برای ایجاد این ارتش و رهبری خردمندانهٔ فرزند برومند او اعلیحضرت محمدرضاشاه‌پهلوی برای پیشرفت‌وتوسعهٔ مداوم آن ، مختصراً شرح داده میشود .

شبی که تاریخ ورق‌خورد

درشب تاریخی سوم‌اسفند۱۲۹۹ دست توانای بانی‌ایران نوین ، بفرمان‌تقدیر خداوندی‌تاریخ‌ایران کهن را ورق زد . حقیقت این‌است که میهن ما ارتش بمفهوم امروزی نداشت ؛ ارتش واحدی در کشورما موجودنبود ؛ نجات‌دهندهٔ ایران، وقتی که درصدد ایجاد ارتش نوین بر آمد ، درواقع از صفر شروع کرد . عظمت افتخار رضاشاه کبیر درهمین است .

قدرت نظامی وجنگی آن روزایران، گذشته از « دیویزیون » قزاق که زیر فرمان افسران روسی اداره میشد وژاندارمری که زیر فرمان افسران سوئدی قرار داشت ، عبارت از واحدهای پراکنده‌ای بود که اسماً روی کاغذ وجود داشتند ولی

ارزش نظامی و جنگی آنها هیچ بود . فقط یك عدهٔ چندصد نفری در مراسم تشریفاتی مورد استفاده قرار میگرفت، همان روز لباس بآنها پوشانده و تفنگی بدستشان میدادند وعصر همان روز لباس و تفنگ بی‌فشنگ را از آنها گرفته بانبار میبردند تا در جشن و تشریفات آینده مجدداً مورد استفاده واقع شود .

شاید برای نسل جوان باور کردنی نباشد که این واحدهای پراکنده، در قلب پایتخت کشور بساط حیدری و نعمتی را تجدید کرده بودند . این واحدهای نظامی که بایستی ارتش ایران را تشکیل دهند آنقدر نسبت بیکدیگر بیگانه بودند که مکرر اتفاق میافتاد در خیابانهای تهران بجان یکدیگر میافتادند ، برای یکدیگر شمشیر میکشیدند ، ژاندارم خود را از سرباز جدا و بیگانه میدانست ، قزاق اعتنائی به واحدهای دیگر نداشت. با آن وضع رقت‌انگیز، تازه قدرت دولت از حدود تهران تجاوز نمیکرد . ژاندارمری که افسران و افرادش نسبتاً تعلیمات بیشتری میدیدند مأمور حراست جاده‌ها در برابر سارقین مسلح بود ، ولی چون نفرات کافی نداشت ، بسیاری از جاده‌های تجارتی مهم کشور را ناچار بودند بافرادی از متنفذین محلی مقاطعه بدهند . پولی میگرفتند و یك شاهراه بزرگ تجارتی مثلاً از اصفهان تا کرمان و بندرعباس را بیکی دو نفر متنفذ محلی واگذار میکردند . آنها از طرف خودشان عده‌ای تفنگچی مأمور آن جاده‌ها مینمودند که هم شریك دزد و هم نگهبان قافله بودند . از یکطرف از کاروانهای حامل مسافر و کالای بازرگانی بمیل خود و هرچه زورشان میرسید باج میگرفتند و از طرف دیگر با سارقین مسلح که سراسر کشور میدان تاخت و تاز آنها بود همدست بودند . کار دولت بجائی رسیده بود که از ناچاری به یاغیان مشهوری از قبیل نایب‌حسین کاشی و پسرش ماشاءالله‌خان متوسل میگردید . همان ماشاءالله‌خان بانشان شیروخورشید برمنطقهٔ بزرگی تسلط و نظارت داشت . سواران تفنگچی او قافله‌ها را غارت میکردند و تجار که کالایشان بغارت میرفت بدون آنکه کمترین امیدی بدولت و قوای نظامی داشته باشند مستقیماً بسراغ سارقین میرفتند و همان کالای غارت شدهٔ خود را از سارقین میخریدند .

وضع قوای نظامی چنان زار و پریشان بود که یکعده سارق تا پشت در وازهٔ

تهران میآمدند و بدون کمترین ترس و هراس قافلههای تجارتی را غارت مینمودند. یکمشت تفنگچی از قم و کاشان تا اصفهان و شیراز را گرفتار ناامنی ساخته بودند ودولت قادر بسرکوبی آنها نبود. چندماه قبل از کودتای سوم اسفند دولت میخواست یك واحدصدو پنجاه نفری برای حفظ امنیت جادهٔ تهران باصفهان اعزام نماید ولی بالاخره موفق به تجهیز واعزام این عده نگردید، چون نه پول داشت نه وسیلهٔ نقلیه و نه آنمقدار مهمات که برای تجهیز چنین واحد کوچکی کفایت کند.

سرهنگ و سرتیپ شیرخواره

در عوض هرچه بخواهید افسر و باصطلاح آنزمان صاحبمنصب فراوان بود. از نایب (ستوان) گرفته تا سرهنگ و سرتیپ و میرپنج که اکثر آنها اساساً تعلیمات نظامی ندیده بودند از خزانهٔ فقیر دولت حقوق میگرفتند. بسیاری از این صاحبمنصبان برسم قبل از مشروطیت درجهٔ افسری پدرشان را بارث برده بودند. رسم شرم آوری که درجهٔ سرهنگی و سرتیپی را بالای گهواره وروی قنداق کودکان شیرخوار نصب میکردند اسماً از میان رفته ولی عملاً باقی بود. ترفیع درجهٔ نظامی جزدرژاندارمری وقزاقخانه اساس و پایهٔ رسمی وثابتی نداشت، در قزاقخانه هم بندرت اتفاق میافتاد که صاحبمنصب تنها روی کفایت ولیاقت خود ترفیع بگیرد. از همه بدتر این بود که افسران ارشد ایرانی زیردست گروهبانها یاستوانهای روس بودند، از آن وضع خون دل میخوردند وچارهای جز تحمل نداشتند. نیروی قزاق اسماً یك نیروی ایرانی ولی عملاً تابع سیاست روسیه بود. فرمانده قزاقخانه گزارش نیروی زیر فرمان خود را بستاد ارتش روسیه در قفقاز میفرستاد و حتی درمجامع رسمی باین عمل که شیوه ورویهٔ عادی نیروی قزاق بود اعتراف میکرد ولی کوچکترین اعتنائی بدولت ووزارت جنگ ایران نداشت، فقط مخارج و بودجهٔ قزاقخانه را از خزانهٔ فقیر ایران میگرفت ولی خود را تابع ستاد ارتش روسیه میدانست واز سفارت روسیه کسب دستور میکرد وقدرتی برای اجرا وتحکیم سیاست دولت روسیهٔ تزاری بود. نیروی قزاق از موقعی که درزمان سلطنت ناصرالدینشاه قاجار تشکیل گردید از لحاظ سازمان و نفرات در حدود یك فوج (هنگ) بود، بعداً توسعه یافت وتبدیل به یك بریگاد (تیپ) گردید

ولی سازمان آن ناقص ودر واقع چند گردان بود که بآن عنوان تیپ داده بودند . منطقهٔ گسترش واحدهای قزاق هم علاوه بر تهران ، ولایاتی بود که دولت تزاری بآنها بیشتر توجه داشت. پادگان قزاق را آتریادمینامیدند . ازاواخر جنگ بین المللی اول که خواستند نیروی قزاق را توسعه دهند ، عنوان بریگاد به دیویزیون (لشگر) تبدیل گردید . موقعی که نیروی قزاق مأمور سرکوبی میرزا کوچك خان و خاتمه دادن بغائلهٔ جنگل گردید عنوان دیویزیون داشت که عده‌ای از افسران ایرانی بادرجهٔ سرتیپی در آن خدمت میکردند ولی فرمانده کل دیویزیون یکنفر سرهنگ روس بود. مشاهدهٔ آن وضع وخیم و رقت بار که محتاج به تفصیل وتشریح است، اعلیحضرت فقید را مصمم ساخت که بتهران بیاید و بآن اوضاع فلاکتبار ایران خاتمه دهد . شاهنشاه فقیدتصمیم تاریخی خودرا شب سوم اسفند ۱۲۹۹ اجرا کرد وارادهٔ نیرومند و همت بلند آن راد مرد، تاریخ ایران را ورق زد .

سربازان گرسنه

واحدهای قزاق که از میدانهای خونین نبردهای گیلان برمیگشتند اگر چه درنتیجهٔ خیانت صاحب منصبان روس تلفات سنگینی داده بودند وغالباً کفش ولباس نداشتند ولی تفنگ و فشنگ ومسلسل بحدکافی داشتند و این اسلحه و مهمات را باحملات دلیرانهٔ خود از مهاجمین غنیمت گرفته بودند . امابهترین ومناسبترین کلمه برای آنها «سربازان گرسنه» بود چون حقوق آنها با آنکه درمیدان جنگ بسرمیبردند چندین ماه پرداخت نشده بود . وقتی که سرتیپ رضاخان در رأس واحدهای قزاق از قزوین بقصد واژگون کردن اوضاع ونجات دادن ایران عازم پایتخت گردید ، حرکت این واحدها بعنوان مطالبهٔ حقوق چندماهه بود .

هنگامیکه واحدهای قزاق بتهران نزدیك شدودولت وقت بفکرافتاد که بزور اسلحهٔ آنهارا بگیرد ومانع ورودسرتیپ رضاخان وواحدهای زیر فرمان او بتهران گردد ولی همانطور که قبلاً اشاره شد حتی در پایتخت هم نیروی نظامی قابل توجهی وجود نداشت . سرتیپ رضاخان در رأس قوای قزاق وارد تهران گردید وقدرت را در دست توانای خود گرفت وروز بعد رسماً بفرماندهی دیویزیون قزاق منصوب شد ونخستین اعلامیهٔ خودرا که طلیعهٔ نجات ایران بود انتشار داد .

در آن موقع بطوریکه ملاحظه نمودید نیروی ژاندارمری زیر فرمان افسران سوئدی بود . یك واحد نظامی دیگر بنام لشگر گارد در تهران وجود داشت که آنهم دارای ارزش جنگی نبود . ازهمه بدتر رقابتی بود که میان افسران وافراد این چند قسمت وجود داشت مثل اینکه هرقسمتی مربوط بیك کشور جداگانه باشد . یکی از تصمیمات سرتیپ رضاخان از همان روز اول این بود که ایران نیز مانند ممالك دیگر دارای ارتش واحد گردد وطولی نکشید آن رادمرد که بلقب سردارسپه نامیده شده بود مقام وزارت جنگ را احراز نمود و زمینه برای عملی شدن این آرمان بزرگ یعنی ایجاد ارتش واحد ومتحدالشکل فراهم گردید . بفرمان سردارسپه کلیهٔ قسمتها از قزاق وژاندارمری وسرباز گارد ، منحل وعموماً در یك سازمان متحدالشکل بنام قشون متمرکز شد ، افسران همهٔ قسمتها نیز بقشون جدید منتقل گردیدند . آن روز بود که ارتش نوین ایران، ارتشی که باید مظهر قدرت ایران باشد بوجود آمد.

کلماتی که مرخص شدند

یکی از اولین آثار متحدالشکل ساختن قشون این بود که لغاتی از قبیل ماژور و کاپیتان و کلنل وامثال آنها که معرف درجات افسری در بعضی از قسمتها بود از قاموس نظامی ایران حذف گردید .

تشتت وپراکندگی در دستگاه نظامی ایران تا آنجا بود که برای بعضی درجات افسری در هرقسمت، کلمه ولغت جداگانه‌ای وجود داشت مثلاً عنوان ودرجهٔ سرهنگ را در نیروی قزاق ، سرهنگ میگفتند ولی درژاندارمری بجای کلمهٔ سرهنگ لغت فرنگی کلنل متداول بود وهمچنین درجهٔ سرگردی در یکقسمت از قوای پراکندهٔ نظامی سابق یاور نامیده میشد و در قسمت دیگر کلمهٔ ماژور معمول بود ، عجیب‌تر اینکه همین کلمهٔ ماژور نیز دو نوع تلفظ میگردید : درژاندارمری تلفظ فرانسوی ماژور استعمال میشد و در صفحات جنوب در سازمان پلیس جنوب بطرز انگلیسی یعنی میجر تلفظ میگردید .

پلیس جنوب سازمان نظامی جداگانه‌ای بود که انگلیسها در کرمان وفارس زیر نظر خودشان تشکیل داده بودند . عنوان ظاهری این بود که سازمان مزبوررا

برای حفظ امنیت راههای تجارتی جنوب تأسیس کرده‌اند ولی حقیقت این بود که خواسته بودند در برابر نیروی قزاق که زیر نظر روسها اداره میشد یك سازمان نظامی داشته‌باشند. این سازمان را انگلیسها ساوث پرشن رایفلز نام گذاشته بودند که معنی آن تفنگداران جنوب ایران بود و بنام اختصاری « اس-پی-آر » نامیده میشد، حتی میان مردم ایران نیز همین نام اختصاری انگلیسی متداول بود بدون اینکه معنی آنرا بدانند.

این نمونه‌ای از وضع آشفتهٔ قوای نظامی ایران قبل از کودتای سوم اسفند بود. باتشکیل قشون متحدالشکل، آن عناوین و اسامی رنگارنگ نیز ازمیان رفت و برای هریك از درجات نظامی کلمهٔ واحدی تعیین گردید. ارتش نوین ایران، هم از لحاظ معنوی و هم ازجهت صوری از نفوذ افسران خارجی آزاد شد.

تأسیس دانشکدهٔ افسری

اکنون نوبت تأسیس یك کانون عالی تعلیمات نظامی برای تربیت افسران تحصیل کرده بود که جانشین افسران و مربیان خارجی گردند. برای این منظور، بانی ایران نوین دانشکدهٔ افسری را تأسیس نمود که روز بروز توسعه یافت و اکنون باتأسیس دورهٔ عالی (مخصوص ستاد) و دانشگاه جنگ، بصورت یك کانون عالی فرهنگی نظامی در آمده و باعالیترین دانشکده‌های نظامی جهان برابری مینماید.

قبل از سال ۱۲۹۹، دوقسمت از نیروی نظامی ایران یعنی قوای قزاق و ژاندارمری هر کدام مدرسهٔ جداگانه‌ای داشتند و زیر نظر افسران روسی و سوئدی برای خود صاحبمنصب تربیت میکردند. بدیهی است آن مدارس را نمیتوانستند دانشکده بنامند، تعلیمات در آن دومدرسه هم بیشتر جنبهٔ عملی داشت و بااحتیاجات آن روز نیروهای محدود ژاندارمری و قزاق متناسب بود.

وحدت اسلحه

قدم دیگری که برداشته شد یکسان کردن اسلحه و مهمات در قشون نوین ایران بود.

قبل از کودتای ۱۲۹۹ اسلحه یا بهتر گفته شود تفنگهای قسمتهای مختلف نظامی

از انواع گوناگون وساخت کشورهای مختلف بود ؛ از پنج تیر روسی گرفته تا تفنگ آلمانی و فرانسوی ، سه تیر و یك تیر و حتی تفنگهای ورندل در قسمتهای مختلف دیده میشد . لزوم به تذکر نیست که در آن موقع سلاح قشون ایران منحصر به تفنگ و تعداد کمی مسلسل و چند توپ بود . اعلیحضرت رضاشاه در اولین فرصت با استفاده از امکانات محدود مالی اقدام به تأسیس کارخانه‌های اسلحه‌سازی و مهمات سازی نمود که بتدریج توسعه یافت و امروز از جملهٔ افتخارات میهن ما بشمار میرود. روزی که رضاشاه کبیر دست بایجاد ارتش نوین زد وضع ایران طوری بود که هر یك دانه فشنگ را باید از خارج میخریدند ، چه رسد باینکه هزاران تفنگ و مسلسل در ایران و بدست ایرانی ساخته شود . تصور اوضاع آن روز برای نسل جوان آسان نیست .

اولین تانك و اولین مانور

هنوز بیش از یك سال از فعالیت رضاشاه کبیر برای احیای ارتش نگذشته بود که سلاح نوین تانك وزره‌پوش بر اسلحهٔ قشون ایران افزوده گردید . چندی بعد برای اولین بار یك مانور در میدان مشق سابق (محل فعلی وزارت خارجه و شهربانی) ترتیب داده شد که تانکها از موانع و خندقهای حفر شده عبور کردند. شما که امروز هرسال ناظر رژه‌های باعظمت صنوف ارتش در میدان جلالیه هستید هرگز نمیتوانید تصور کنید مشاهدهٔ آن چند تانك که بوسیلهٔ سربازان ایرانی اداره میشد چه تأثیری در بینندگان داشت و چگونه برق امید و مسرت و افتخار در چشم آنها میدرخشید .

هواپیما بدنبال تانك

هنوز چندی از رژهٔ تانکها نگذشته بود که ورود اولین هواپیمای نظامی متعلق به ارتش ایران فضای ایران را غرق سرور و شادمانی ساخت . ایران دارای نیروی هوائی شده بود ، چه مسرتی از این بالاتر ؟

هواپیماهای یك موتورهٔ آن زمان در برابر طیارات جت و هواپیماهای نیرومند امروزی قابل توجه و دارای ارزش نبوده ولی همان چند هواپیمای یك موتوره هستهٔ اول برای ایجاد نیروی هوائی مقتدر و مجهز امروزی گردید . بهر اندازه که صنعت

طیاره‌سازی وفن هوانوردی پیشرفت میکرد دامنهٔ وسعت و پیشرفت نیروی هوائی ایران میافزود .

اعزام دانشجویان نظامی باروپا

قدم بلندیگر که درراه پیشرفت ارتش برداشته شد اعزام چند دسته‌دانشجو برای تحصیل در دانشکده‌های نظامی اروپا بود که عالیترین تعلیمات نظامی را میگرفتند وپس از بازگشت بایران ارتش‌را از نظر علمی وعملی تقویت‌میکردند. یکدسته‌ازهمین‌دانشجویان‌اعزامی‌بود که‌نخستین هستهٔ مرکزی‌نیروی‌دریائی‌ایران‌را تشکیل داد و بعد بتدریج بااعزام دسته‌های‌متوالی‌دانشجویان،هیئت‌افسران‌نیروی دریائی تقویت و تشکیل شد .

پرچم‌ایران برفراز دریاها

تأسیس‌نیروی دریائی‌ایران‌بدون‌تردیدیکی‌از سرفصلهای‌اساسی و یک‌تحول بزرگ در وضع‌نظامی ایران بشمار میرود. قبل ازاعلیحضرت فقید ، نادرشاه‌پادشاه مقتدر ایران‌نیز باین کار دست‌زد ولی موفق به‌اتمام‌آن‌نگردیدوقبل از آنکه برای ایران نیروی دریائی بوجود آورد از دنیا رفت . قبل از اعلیحضرت رضاشاه دولت ایران که فاقدنیروی دریائی‌بود کوچکترین نظارتی برخلیج فارس وحتی‌بر آبهای ساحلی‌نداشت و نمیتوانست داشته‌باشد . ایران که‌بیست‌و‌پنج‌قرن‌پیش‌بفرمان‌شاهنشاه میتوانست با وسایل ناقص‌آن زمان دهها هزارنفر جنگجو به مدیترانه بفرستد و با ناوگان خود بر آبهای ساحلی وخلیج فارس حکمرانی کند ، بتدریج‌نیروی دریائی خود را چنان از دست داد که‌عملاً تسلطش‌بر بعضی از جزایر خلیج‌فارس نیزازمیان رفت وحتی‌کار بجائی رسید که پرچم بیگانه در برخی ازجزایر ایران‌باهتزازدر آمد بدون آنکه دولت ایران بتواند اقدامی بعمل بیاورد ؛ زیرا احراز تسلط و استقرار حاکمیت در جزایربسته بوجودنیروی دریائی بود که شاهنشاه فقید باهمت بلندخود باین آرمان درخشان نیز نایل گردید وپرچم مقدس ایران پس ازچند قرن‌باردیگر برفراز آبهای خلیج فارس‌باهتزازدر آمد.نخستین‌تأثیرایجادنیروی دریائی علاوه بر

نظارت بسواحل جنوب‌این بود که کشتیهای جنگی بحرکت درآمدند و پرچمهای بیگانه را در جزایر مزبور به پرچم شیروخورشید تبدیل‌نمودند وحاکمیت‌ایرانرا برآن‌قطعات جداشده از پیکروطن مستقر ساختند.

ازجنگ هفت لشگر تامانورهای زنده

برای‌افسران و سربازانی که امروز درمانورهای وسیع‌متعددشرکت میکنند قطعاً باعث‌تعجب خواهد بود که بدانندقبل‌ازایجادارتش‌نوین، مانور بمفهوم‌امروزی وبصورتی که در ممالك دیگر معمول بود در ایران سابقه نداشت؛ فقط نیروی ژاندارم وقزاق مشق‌عادی روزانه داشتند که مجموع نفرات آنها کمتر اتفاق میافتاد ازیکی‌دو گردان‌تجاوز کند. تاچندسال قبل‌از آغاز مشروطیت‌یك نوع مانور سالانه زیر نظر مربیان اطریشی معمول بود که درآنزمان بنام جنگ هفت لشگر نامیده میشد. این جنگ هفت لشگر یك نوع تقلید ناقص ومحدوداز مانوربود که‌بیش‌از هرچیز بمنظور تفریح وتفرج سران دولت اجرا میگردید، آنهم بتدریج متروك شد بطوریکه در سال ۱۲۹۹ میتوان گفت اساساً بمفهوم واقعی در ایران متداول نبود چه رسد باینکه واحدهای‌بزرگی بامهمات جنگی مانور کنند وآخرین رویه‌ـ راکه درارتش کشورهای بزرگ معمول‌است بکاربندند. تفاوت میان ارتش‌امروز ایران وقوای‌نظامی قبل از سال۱۲۹۹ آنقدر است که بکار بردن کلمهٔ«تحول»دراین مورد مصداق ومعنی ندارد و نمیتواند این تفاوت فوق‌العاده را بیان کند، بعبارت ساده‌تراین تفاوت، تحول‌نیست بلکه خلاقیت است، از نیستی به‌هستی آوردن‌است.

قبل از کودتا صاحبمنصبانی بادرجات عالی بودند که‌حتی علائم درجات‌نظامی آن زمان راهم‌درست‌نمیشناختند؛ معلومات‌نظامی آنها ازصدر تاذیل منحصر به‌سلام دادن بودولی چون ازقنداق‌و گهواره دارای درجهٔ نظامی‌شده‌بودند آنقدر بی‌اطلاع بودند که فراوان دیده میشد مثلاً یك‌نفر سرگرد یاسرهنگ به‌ستوان یاسروانی که از قسمت دیگری بود سلام‌نظامی‌میداد واورا مافوق‌خود میپنداشت. امروز بسیاری از افسران ما بزبانهای خارجی تسلط‌کامل دارند، نویسنده واهل مطالعه هستند، باداشتن درجهٔافسری بازهم‌به‌تحصیلات اختیاری‌ادامه‌میدهند، عدهٔ زیادی ازافسران

تألیفات علمی و نظامی نفیس دارند ؛ درصورتیکه قبل از سال ۱۲۹۹ اکثر صاحبمنصبان شبها وقتشان بامیگساری میگذشت ؛ در واقع آن شب‌نشینی‌ها میان قسمت عمدهٔ صاحبمنصبان ومحیط نظامی آن روزیك سنت عادی شده بود .

رکودوحرکت

علوم نظامی از فن تاکتیك گرفته تاسازمان دادن واستراتژی و غیره درقرن اخیر همواره در تکامل بوده است . هر روز ابتکار و کشف و اختراع تازه‌ای در زمینهٔ تسلیحات صورت میگیرد؛ مرتباً سلاحهای تازه‌ساخته میشود وسلاحهای سابق - را از صحنهٔ نبردهای اساسی خارج میکند ؛ دائماً از تجارب جنگها ومانورها برای پیشرفت فنون نظامی استفاده‌میگردد . ارتش ایران نیز دوشادوش ارتشهای بزرگ جهان دراین حرکت تکاملی پیش میرود ؛ هرنوع سلاح تازه‌ای که اختراع شود پس از مدت کوتاهی در اختیار واحدهای ارتش‌ما قرار میگیرد بطوریکه ارتش ایران از این جهات هیچ فرقی باارتش آلمان و آمریکا وفرانسه وانگلستان ندارد. رشد فرهنگی و نظامی افسران‌ما بجائی رسیده که درمانورهای وسیع ارتشهای اروپا و آمریکا دعوت میشوند و در ردیف بزرگترین افسران خارجی ، درتهیهٔ طرحهای نظامی و عملیات ستادی شرکت میکنند و آنها که درصف اول تکمیل فنون نظامی هستند نظریات افسران ایرانی را بااحترام مینگرند ولی قبل از سال ۱۲۹۹ ، قوای نظامی ایران باآنکه ظاهراً زیر نظر افسرانی از چندکشور اروپائی اداره میشد، همیشه بیش از نیم قرن‌از ممالك دیگرعقب بود . اساساً پیشرفت برای قوای نظامی پراکندهٔ آن روز ایران معنی ومفهومی نداشت . بی‌اطلاعی بسیاری از امیرتومانها ومیرپنجها وسردارهای بی‌سپاه آن‌روز بحدی بود که از جغرافیای وطن خودشان کمترین خبری نداشتند. واحدهای سرباز ، قزاق و ژاندارم معمولاً بصورت تیول ، ابوابجمعی سرهنگ یا سرتیپ یا درجات بالاتر از سرتیپ بود که بسیاری از آنها باندازهٔ یك‌سرباز وسرجوخهٔ امروزی اطلاع نظامی نداشتند . این‌سرداران‌خودرو اکثراً درشهر یاملك ومزرعهٔ خودشان‌مشغول زراعت‌وخوش گذرانی بودند؛ کارشان این بود که حقوق وجیرهٔ مستمری سربازانرا بگیرند و آنها را آزاد بگذارند که بکارخود مشغول بوده ومخارج‌خودرا تأمین نمایند . ولی امروز میان افسران ما از

امراء گرفته تا درجات پائین ، شخصیتهائی وجود دارند که مقام علمی ایشان موجب افتخار میهن‌ما است . بسیاری از افسران ما شاغل مقامات مهم غیرنظامی شده و در هرشغل ومقام حداعلای کفایت را نشان داده‌اند . تعلیمات عمومی ، یك پایهٔ اساسی تربیت سربازی شده‌است ؛ غرور ملی برناصیهٔ هر فرد از جامعهٔ ارتش میدرخشد ؛ این غرور ملی استوارترین تکیه گاه قدرت هر کشور است . ارتش امروز ایران درسایهٔ توجهات خاص اعلیحضرت همایون شاهنشاه ، بمرحله‌ای ازپیشرفت وعظمت رسیده که از هرجهت با ارتشهای ممالك بزرگ جهان همپایه شده‌است .

تاریخچهٔ نیروی هوائی ایران

تاریخ تشکیل نیروی هوائی شاهنشاهی ایران با تاریخ درخشان تأسیس سلسلهٔ پهلوی ارتباط ناگسستنی دارد. پس از کودتای ۱۲۹۹، بفرمان اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر بموازات سایر اصلاحات اساسی کشور، درسال ۱۳۰۱ دفتری بنام دفتر هواپیمائی در ارکان حرب کل قشون تشکیل شد. پس از تأسیس این دفتر یك فروند هواپیما از نوع (یونکرس) خریداری و در قلعه مرغی نگاهداری گردید؛ خلبان ومکانیسین آنهم از آلمان استخدام شد. در این زمان بین کشورهای فرانسه وروسیه و آلمان در مورد تحویل هواپیما بایران رقابت شدیدی وجود داشت و دولت ایران بااستفاده از این رقابت بین‌المللی احتیاجات هواپیمائی خود را از سه کشور مزبور تأمین میکرد.

درسال ۱۳۰۵ یك فروند هواپیمای ساخت فرانسه با پرچم ایران بخلبانی یك افسر ایرانی در قلعه مرغی فرود آمد. اعلیحضرت فقید بمنظور تشویق جوانان کشور شخصاً در فرودگاه حضور یافته وخلبان آنرا مورد تفقد قرار دادند.

بدین ترتیب پایه واساس نیروی هوائی در کشور استوار گردید. درهمین سال سازمانی بنام ادارهٔ هواپیمائی کل قشون تشکیل و امور هواپیمائی بدو قسمت صفی وفنی تقسیم وهواپیماهای خریداری شده نیز بایران وارد گردید. تعداد هواپیماهای موجود ۲۰ فروند و تعداد خلبانان ۹ نفر بود که ۵ نفر آنها ایرانی و ٤ نفر خارجی بودند و کارکنان فنی را عموماً خارجیها تشکیل میدادند.

این هواپیماها در عملیاتی که ارتش شاهنشاهی علیه یاغیان ومتجاسرین انجام میداد شرکت نموده ودرکلیهٔ صحنه‌های عملیاتی آذربایجان ـ کردستان ـ لرستان ـ بلوچستان ـ اصفهان وفارس وظایف محوله را باکمال فداکاری انجام میدادند تااینکه امنیت در سراسر کشور برقرار گردید. برای تربیت خلبانان از سال ۱۳۰۳ تا این

تاریخ عده‌ای از افسران وغیر نظامیان در نوبتهای مختلف جهت طی دوره‌های خلبانی وفنی بکشورهای فرانسه وروسیه اعزام شده وبتدریج بایران بازمیگشتند . درسال ۱۳۱۰ آموزشگاه خلبانی درمهرآباد تشکیل شد ودرسال ۱۳۱۲ اولین هنگ منظم نیروی هوائی مرکب ازسه گردان پرواز ویك گردان فنی درقلعه مرغی تشکیل گردید وفارغ التحصیلهای آموزشگاه خلبانی باین هنگ منتقل شدند و نیز همزمان باتشکیل آموزشگاه خلبانی ، آموزشگاه فنی نیز دردوشان تپه تأسیس گردید .

درسال ۱۳۱٤ کارخانه‌های هواپیمائی شهباز تأسیس شد ودرسال ۱۳۱۷ نخستین هواپیماهای ساخت این کارخانه درحضور اعلیحضرت فقید پرواز نمودند و در سال ۱۳۱۸ بوسیلهٔ این کارخانه‌ها ۱۰ فروند هواپیمای مشقی ودو فروند هواپیمای جنگی ساخته شد ولی این برنامه ازسال ۱۳۱۸ ببعد بعلت بروز جنگ جهانی و نرسیدن مواد اولیه وقطعات لازم ازخارج، متوقف گردید . پس ازحادثهٔ سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ واشغال ایران بوسیلهٔ قوای خارجی ، کارخانه‌های شهباز در اختیار نیروی هوائی انگلستان قرار گرفت و بنفع نیروی مزبور مشغول کار شدودر نتیجه اکثر ماشین آلات آن فرسوده ویا از ایران خارج گردید .

باورود نیروهای بیگانه بکشور ایران شیرازهٔ امور هواپیمائی ازهم پاشیده شد وواحدهای هوائی شهرستانها غافل گیر گردیدند ؛ فقط خلبانان واحدهای هوائی تبریز موفق شدند هواپیماهای خود را سالم بمرکز برسانند . قوای متفقین که وارد ایران شده بودند میکوشیدند این دستهٔ هوائی را که در امورارتش و کشور مؤثر بود بکلی فلج نمایند وهر روز سازمان آنرا کوچکتر وقسمتهای مختلف آنرا منحل مینمودند این جریان تاسال ۱۳۲۵ ادامه داشت ولی شاهنشاه ایران محمدرضاشاه پهلوی که بارزش و اهمیت نیروی هوائی برای حفظ استقلال کشور واقف بودند نه تنها هرگز اجازهٔ انحلال آنرا ندادند بلکه بمنظور تشویق جوانان برای شرکت در کادر هواپیمائی، شخصاً بفراگرفتن فن خلبانی اراده فرمودند و بااین اقدام بتقویت روحیهٔ کادر نیروی مزبور پرداختند بطوریکه درمدت ٤ ماه برنامهٔ دورهٔ دو سالهٔ آموزش خلبانی راباستعداد بی نظیری بانجام رسانیده ودر ۲۵ مهرماه ۱۳۲۵ درجشن باشکوهی

که باین مناسبت در نیروی هوائی تشکیل گردیده بود شرکت فرموده و باقبول گواهینامهٔ خلبانی، افتخار بزرگی را نصیب نیروی هوائی فرمودند ودر این روز شاهنشاه منظور خود را از آموزش فن خلبانی چنین بیان فرمودند :

« مقصود من از فراگرفتن فن خلبانی تفریح نبودبلکه مقصود من این است که چون هواپیمائی رشتهٔ اصلی واساسی ارتش ویکی از شرائین خاص کشور است میخواهم بیشتر از نظر فنی باین رشتهٔ اصلی واین فن که ترقیات کشور بآن مربوط است وارد شوم تا از نزدیك بنواقص ومعایب واشکالات آن پی برده ودر رفع اشکالات واحتیاجات آن اقدام مؤثر بنمایم . »

از این تاریخ ببعد کار کنان نیروی هوائی باعلاقه ودلگرمی بیشتری بجبران خرابیها و بیسروسامانیهای دوران جنگ پرداختند و بتدریج درسازمان نیروی هوائی تغییرات مهمی داده شد ؛ هواپیماهای جدید بنیروی هوائی ایران تحویل گردید و برای بالا بردن سطح اطلاعات فنی کار کنان این رشته اقدامات اساسی بعمل آمد ، باجرای برنامه‌های تعلیماتی اهمیت زیادی داده شد ، باتشکیل دانشکده‌ها و آموزشگاهها ودوره‌های تخصصی در داخل کشور و با اعزام کار کنان نیروی هوائی بکشورهای خارج ، موفقیتهای قابل ملاحظه‌ای بدست آمد بطوریکه اکثر افسران ودرجه‌داران این نیرو تحصیلات تخصصی خودرا در کشورهای خارج طی کرده و بااصول و روش معمول در نیروهای هوائی کشورهای بزرگ جهان آشنائی کامل دارند .

در سال ۱۳۲۹ برای نخستین بار ، پنج نفر از افسران خلبان نیروی هوائی شاهنشاهی برای آموختن پرواز روی هواپیماهای جت بانگلستان اعزام شدند که یکی از این افسران فعلاً فرمانده نیروی هوائی میباشد . درسال ۱۳۳٤ نیز چهارده نفر از افسران خلبان نیرو جهت طی دورهٔ پرواز با هواپیماهای جت به پایگاه هوائی آمریکا در آلمان غربی اعزام گردیدند و بااجرای این تعلیمات در کلاسهای آموزشگاه خلبانی ، خلبانانیکه قبلاً فارغ‌التحصیل شده و آشنا بپرواز باهواپیمای جت نبودند بخوبی این امر رافراگرفتند .

اینك نیروی هوائی ایران باجدیدترین هواپیماهای دنیا مجهز است وانواع آنها عبارتند از :

داکوتا وهاروارد و ال-۱٤ و ال-۲۰ وجت-۳۳ وجت‌اف-۸٤ .

نیروی دریائی ایران

تاریخچهٔ نیروی دریائی

نادرشاه افشار در نظر داشت که برای ایران ، در بحرخزر ودر خلیج فارس نیروی دریائی ایجاد نماید . برای این منظور ، کشتیهائی در بوشهر ساخته شد، چنانکه بقایای سه فروند از کشتیهای مزبور تا ۱۷۵ سال پیش در نزدیکی بندر بوشهر باقی بود . متأسفانه باقتل نادرشاه ، فکر ایجاد نیروی دریائی ایران از بین رفت تا اینکه درزمان سلطنت ناصرالدینشاه ، برای جلوگیری از قاچاق ومراقبت سواحل، قراردادی بایکی از شرکتهای آلمانی منعقد گردید که دو فروند کشتی برای دولت ایران بسازد. کشتیهای مزبور درسال ۱۸۸۵ میلادی آماده و بخلیج فارس وارد شد . یکی از آنها بنام پرسپولیس نامیده شد که درحدود ۱۰۰۰ تن ظرفیت داشت و دارای ماشین بخار ومجهز بچهار عراده توپ کروپ بود. کشتی دیگر که مخصوص رودخانه بود بنام شوش نامیده شد و برای حمل کالا و مسافر در رود کارون بکار افتاد . درزمان مظفرالدینشاه یك کشتی بخاری ۳۷۵ تنی از بلژیك خریداری و بنام مظفر نامیده شد و در خلیج فارس بکار افتاد و بتدریج چهار کشتی بخاری ۳۵ تنی بنام آذربایجان ، گیلان، مازندران وخراسان خریداری وسازمانی بنام « بحریهٔ گمرکات جنوب» در بوشهر تشکیل شد که وظیفهٔ آن جلوگیری از قاچاق بود ولی بعلت نداشتن سازمان صحیح و عدم مراقبت، کشتیهای مزبور یکی پس از دیگری از بین رفت .

تشکیل نیروی دریائی ایران در اوایل سلطنت پهلوی

درسال ۱۳۰۶ بنابامر اعلیحضرت رضاشاه کبیر ، مبلغی اعتبار برای خرید کشتیهای مسلح تأمین و وزیر نظر وزارت جنگ خرید واحدهای دریائی شروع شد. دو فروند ناو توپدار بظرفیت ۱۰۵۰ تن و چهار ناو توپدار بظرفیت ۳۲۰ تن که مناسب

برای خدمات ساحلی و جلوگیری از قاچاق بود بکارخانه‌های کشتی سازی ایتالیا سفارش داده‌شد وهمچنین عده‌ای افسر ودانشجو برای تحصیل در رشته‌های مختلف بدانشکدهٔ دریائی ایتالیا اعزام گردیدند. شش فروند ناوهای سفارش داده شده در سال۱۳۱۱ بفرماندهی افسران فارغ‌التحصیل مزبور بآبهای ایران وارد و ناوهای قدیمی نیز باین نیرو ملحق وسازمان نیروی دریائی جنوب بااین واحدها بشرح‌زیر تشکیل‌شد وشروع بکار نمود:

الف- دستهٔ یکم

ناو ۱۰۵۰ تنی‌موسوم بناو ببر و دو ناو۳۲۰ تنی موسوم به شهباز وسیمرغ.

ب - دستهٔ دوم

ناو۱۰۵۰ تنی موسوم بناو پلنگ ودوناو۳۲۰ تنی بنام شاهرخ و کرکس.

ج - دستهٔ سوم بنام دستهٔ ساحلی

ناو یدك کش بظرفیت۴۰۰ تن - ناوچهٔ ۷۲ تنی شاهین - ده کرجی موتوری مسلح - دومخزن شناور وسه کرجی بندری.

علاوه براینها، اقدامات زیر از طرف نیروی دریائی انجام گرفت:

۱ - تأسیس آموزشگاه مهناوی در ناو ۱۰۰ تنی همای، زیر نظر افسران فارغ‌التحصیل دریائی.

۲-احداث یك‌تعمیرگاه دریائی - ساختمانهای سربازخانه - بهداری - باشگاه افسران - اسکله‌های متعدد - دستگاههای تصفیهٔ آب و تهیهٔ خانه برای افسران ودرجه‌داران.

۳ - تأسیس ادارهٔ بندری دربندرشاهپور - خرمشهر - خسروآباد.

۴ - تأسیس فانوسهای دریائی در بوشهر و تأسیس یك باشگاه دریائی در بندرشاهپور.

۵- تأسیس حوض‌شناور۶۰۰۰تنی برای‌تعمیر ناوها و کشتیها دربندرشاهپور.

در نتیجهٔ کوششهای خستگی‌ناپذیر شاهنشاه فقید و افسران نیروی‌دریائی،

نیروی دریائی انگلیس مؤسسات و پاسگاههای دریائی خودرا در جزایر هنگام و باسعید تخلیه کرد و نیروی ایران آن مؤسسات را تصاحب نمود . دولت ایران با تأسیس نیروی دریائی بتدریج موفق میشد که حاکمیت و نفوذ خود را که از دورهٔ افشاریه ببعد، در کرانه‌های جنوبی و جزایر خلیج‌فارس ازدست داده بود دوباره بدست آورد ولی متأسفانه درسوم‌شهریور ۱۳۲۰مورد تجاوز وتهاجم نیروهای بیگانه قرار گرفت ودراین تجاوز ، فرمانده نیروی دریائی جنوب وعدهٔ زیادی از افسران ودرجه‌داران وافرادنیروی دریائی شهیدشدند و ناوهای ۱۰۵۰ تنی ببروپلنگ ودو کرجی در نتیجهٔ اصابت گلولهٔ توپ غرق شده و بقیهٔ ناوها ومؤسسات نیروی دریائی درخرمشهرو بندر شاهپور بتصرف نیروهای مهاجم در آمد و همچنین نیروی دریائی شمال در بندر پهلوی مورد تهاجم‌قرار گرفت وفرمانده آن‌شهید و ناوهای آن مصادره شد . پس‌از پایان جنگ جهانی دوم در اواخر سال ۱۲۲٤ متفقین محوطهٔ نیروی دریائی شمال وجنوب را تخلیه نموده سه‌فروند ناوتوپدار ۳۲۰تنی وسه‌فروند ناوچه‌را که‌تصرف کرده‌بودند بارتش ایران پس‌دادند .

تجدید سازمان نیروی دریائی

درزمان اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی شاهنشاه ایران

بالاخره در نیمهٔ دوم سال ۱۳۲۵ بنا بارادهٔ اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی سازمان نیروی دریائی جنوب و شمال مجدداً با واحدهائیکه از دول مهاجم مسترد شده بود تشکیل‌یافت وافسران دریائی که بسایر قسمتهای ارتش منتقل شده بودند جمع آوری و بشمال وجنوب اعزام گردیدند . ضمناً بنابتقاضای دولت انگلیس‌هیئتی از افسران نیروی دریائی برای مذاکره راجع به‌جبران خسارت بانگلستان اعزام وپس ازمذاکرات طولانی موفق گردید چند واحددریائی ازقبیل یك‌ناو ۲۲۰۰ تنی که بنام«ببر» نامیده شدویك‌ناو ۱٦۵۰تنی که بنام«پلنگ» نامیده گردید ودو ناوچهٔ پنجاه‌تنی ودوناوچهٔ ده‌تنی ویك‌ناوچهٔ آتش‌نشانی از نیروی دریائی انگلیس‌دریافت وبسازمان دریائی جنوب‌اضافه نماید . بمنظور تکمیل نیروی دریائی ، ازسال ۱۳۳۰

سالانه عده‌ای دانشجو برای تحصیل در دانشکده های دریائی به ایتالیا وانگلستان وفرانسه‌اعزام گردیدند و نیز آموزشگاه گروهبانی مجهزی درخرمشهروچند گروه تعلیماتی تأسیس ویك آموزشگاه غواصی در شمال تشکیل گردید . در اثر کوشش شبانه روزی اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی و باتهیهٔ ناوهای جنگی و کشتیهای نفتکش و تجارتی ، آیندهٔ درخشانی برای نیروی دریائی ایران پیش‌بینی میشود .

سازمان نیروی دریائی ایران اکنون دارای چهار منطقه بشرح زیرمیباشد :

۱ـ منطقهٔ نیروی دریائی درخرمشهر .

۲ـ منطقهٔ نیروی دریائی در بوشهر .

۳ـ منطقهٔ نیروی دریائی در بندرعباس .

٤ـ منطقهٔ نیروی دریائی در بندرپهلوی .

منطقهٔ پنجم دریائی‌قریباً درچاه‌بهار تشکیل‌خواهد گردید . این‌مناطق‌دریائی بمنظور استحفاظ و نظارت بر آبهای ساحلی است . و نیز یك دسته بنام تفنگداران دریائی در ۱۳۳۰ تشکیل گردیده که جزوسازمان نیروی دریائی جنوب میباشد .

بانك سپه

بهنگامی که وجود مؤسسات اقتصادی داخلی وعوامل امیدبخش تجارت خارجی ومظاهر صنایع وتجارت وفلاحت درشئون مختلفهٔ مملکت سوابق و آثار محسوسی نداشت ، یك رادمرد توانا ودوراندیش وعلاقمند بکشور ، در ایجاد رکنی از ارکان اقتصادیات مملکت انتها زفرصت نمود و شالودهٔ محکم اولین بانك ایران بنام بانك پهلوی قشون ، بفرمان وی ریخته شد . مأمورین اجرای این فرمان باتشکیل شورائی از افراد بصیرومطلع، نخستین مؤسسهٔ بانکی کشور رادر اردیبهشت سال ۱۳۰٤ بنام بانك پهلوی قشون درخیابان سپه افتتاح نمودند .

سرمایهٔ اولیهٔ این بانك ۳۸۸۳۹۵۰ ریال موجودی صندوق بازنشستگی درجه‌داران قشون بود و بدین جهت دورهٔ اول عمل یکسالهٔ این بانك اختصاص بافسران ارتش داشت که باپرداخت وامهای تقسیطی ، برفع نیازمندیهای ایشان کمك مؤثری مینمود وچون پیوسته بوسعت دامنهٔ عملیات خود میافزود ، دوایر بانك بجای وسیعتری که در اول باب همایون از ابنیهٔ قورخانه آماده شده بود انتقال یافت و در ۲٤ اسفند ۱۳۰٤ اولین شعبهٔ این بانك در شهر رشت افتتاح گردید . علاوه بر معاملات درجه‌داران قشون ، بخرید وفروش بروات و گشایش اعتبار برای تجار و فعالیتهای بیشتری در امور بانکی ومعاملات بازرگانی اقدام نمود . درعین حال برای رفاه طبقهٔ بی بضاعت وتنزل بهره‌های سنگین ، شعبهٔ معاملات رهنی بانك درهمان محل سابق تشکیل شد . همچنین درسال ۱۳۰٦ شعب دیگر بانك در مشهد وهمدان افتتاح گردید تا تسهیلات بیشتری در معاملات بازرگانی فراهم آورند .

دراین اوقات چون برای حمل ونقل پست وایجاد ارتباط ومواصلات بین مرکز وولایات ، وسایط ووسایل موتوری قابل استفاده وجود نداشت ، مقرر گردید بانك تشکیلات وسیع منظمی بعنوان « اتوبانك » با اتومبیلها و کامیونهای مجهز بوجود

آورد و تسهیلات سریعی در امر حمل و نقل مال‌التجاره و مسافر و استقرار ارتباط بین تهران و شهرستانها فراهم سازد .

وزارت پست و تلگراف نیز حمل و نقل پست تهران ـ همدان ـ کرمانشاهان و خانقین را از شهریور ۱۳۰۴ بمدت هشت سال برای هفته‌ای پنج نوبت ، بسالی یکصد هزار تومان بمؤسسهٔ اتو بانك محول نمود و این مؤسسه برای پیشرفت سریع در این راه ناهموار که بشاهراه عمران و آبادی مملکت منتهی میشد ، شعبی با وسایل کامل در قزوین و همدان و کرمانشاه و خانقین تأسیس کرد و نمایندگانی برای تکمیل این منظور ببغداد گسیل داشت .

محققاً اهمیت وجود این مؤسسه در تسطیح طرق و شوارع و تسهیل وسایل حمل و نقل و استقرار روابط بازرگانی داخلی و خارجی ، بر ناظرین اوضاع آن زمان پوشیده نبود و تجار و سوداگران معتبر و علاقمند بتقویت بنیهٔ اقتصادی کشور ، با این بانك و مؤسسهٔ حمل و نقل سریع و طرف اعتماد آن همکاری صمیمانه داشتند ، ولی از سال ۱۳۰۷ دنبالهٔ وظایف بانك بنحو وسیعتر و مؤثرتری در ساختمان جدید بانك که بفرمان اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر بناشد ، ادامه یافت و در ششماههٔ دوم سال ۱۳۰۷ و ۸ شعبهٔ قزوین و تبریز افتتاح گردید و توجه تجار و سرمایه‌داران داخلی و مؤسسات تجارتی خارجی را بخود جلب نمود و در شمار یکی از مهمترین مؤسسات اقتصادی کشور در آمد . در عین حال چون اندیشهٔ روشن اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر متوجه این بود که همین بانك کوچك در آتیه یکی از مؤسسات بزرگ اقتصادی کشور بشود بر اثر بررسی‌هائی که بفرمان ملوکانه برای افزایش سرمایه و توسعهٔ کار بانك توسط اشخاص بصیر انجام میشد در اواخر سال ۱۳۰۵ تشکیل یك شرکت سهامی بنام « بانك پهلوی ایران » در نظر گرفته شد و اساسنامهٔ آن مشتمل بر ۵۸ ماده تنظیم و بتصویب و توشیح اعلیحضرت فقید رسید . ولی در آن موقع چون هنوز فکر تأسیس شرکتهای سهامی در ایران قوت نگرفته بود و بازرگانان و سرمایه‌داران بکیفیت و فواید چنین شرکتهائی واقف نبودند ، انجام دادن این کار با مشکلاتی برخورد نمود

که باعث انصراف خاطرشاهانه شد ومقرر گردید بانك پهلوی ایران باهمان سرمایهٔ مستقل‌دامنهٔ عملیات خودرا بامور بازرگانی‌هم توسعه دهد و تاسال ۱۳۰۹ و۱۰ که کار بانك تااندازه‌ای توسعه یافته بود شعب دیگر آن در شهرستانهای اراك‌واصفهان وشیراز وبازار تهران تأسیس شد .

در اواخر سال ۱۳۲۱ این مؤسسه‌بنام‌بانك تعاونی سپه نامیده شد و علاوه‌بر عملیات بانکی ، پرداخت حقوق افسران بازنشسته و موظفین ارتش و ژاندارمری نیز از اول سال ۱۳۲٤ در تمام کشور بعهدهٔ این بانك محول گردید که اکنون در بیست‌وپنجم هرماه قریب بیست هزار نفراز این افراد برای دریافت‌حقوق‌ومستمری خود ببانك و شعب آن مراجعه مینمایند . مبلغ قابل پرداخت اردیبهشت سال ۱۳۳۸ افسران ودرجه‌داران بازنشسته مبلغ ۷٦۰۸۳۲۹۳ریال بوده است .

بتدریج وسعت دامنهٔ عملیات‌بانك ایجاب نمود که شعب دیگری در کرمانشاه‌ـ اهواز ـ بابل ـ یزد ـ سنندج ـ گرگان ـ رضائیه ـ خرمشهر ـ خرم‌آباد ـ قم وهمچنین سبزه‌میدان تهران وشعبهٔ مرکزی‌بانك‌تأسیس‌شود وچون باتوسعهٔ‌سازمان و کثرت مراجعین وفعالیت‌های ادارات مرکزی درتسریع جریان معاملات ، عمارت قدیم بانك متناسب و کافی نبود وساختن بنای جدیدی که درخور دستگاه فعلی بانك باشد ضروری مینمود ، باتصویب شورای‌عالی بانك ، اواخر سال ۱۳۲۹ درحالی که ادارات بانك درچند اطاق از بنای قدیم مشغول کار بودند ساختن بنای جدید آغاز شد وپس از دوسال باتمام رسید . بنای مذکور باتشریف‌فرمائی اعلیحضرت همایون شاهنشاه محمدرضاشاه‌پهلوی‌ریاست‌فائقهٔ بانك در تاریخ پنجم آبان۳۲ افتتاح گردید. ضمناً بانك در صدد بر آمد که برای شعب خود در شهرستانها نیز بنای ملکی در نظر گیرد ووضع آنها را ازحیث مکان بصورت ثابتی درآورد بالنتیجه تدریجاً در شهرستانهای تبریز ـ اهواز ـ کرمانشاهان ـ اصفهان ـ همدان ـ گرگان ـ شیراز ـ قزوین ـ رشت ـ بابل ـ اراك ـ آبادان ـ خرم‌آباد ـ خرمشهر ـ رضائیه ـ رفسنجان ـ کرمان ـ گنبدکاوس ـ لاهیجان ـ مراغه ـ مشهد ویزد بناهای مناسبی ایجاد

وخریداری شد . بانک‌سپه تاکنون ۳۱شعبه در مراکز مهم کشور دایر نموده‌است .

موضوع مهم دیگر تطبیق وضع بانک بامقررات‌قانون بود . دراین‌قسمت‌نیز طبق گزارش‌بانک وپیشنهادوزارت‌جنگ‌در جلسهٔ ۳۲/۱۱/۲۱ هیئت وزیران‌تصویب گردید که بانک‌سپه باسرمایهٔ ۳۷۰ ملیون ریال منقسم به۳۷هزار سهم ده‌هزار ریالی پرداخت‌شده بصورت‌شرکت سهامی، درآید ودستور اجرای آن در ۳۲/۱۱/۲۵ از وزارت‌دارائی صادر ولایحهٔ قانونی آن تقدیم مجلس شورای‌ملی گردید ودر تاریخ ۳٤/۱۰/۲۳ قانون مصوب مجلسین بصحهٔ ملوکانه رسید و به‌بانک سپه‌ابلاغ شد .

قانون تبدیل وضع بانک سپه بصورت شرکت سهامی

مادهٔواحده ـ سرمایهٔ بانک‌تعاونی‌سپه که در سال ۱۳۰٤ باکسور بازنشستگی افسران تشکیل یافته و در اول سال ۱۳۳۳ بصورت شرکت سهامی بنام بانک سپه برای‌مدت نامحدود بمبلغ سیصدوهفتادملیون ریال تماماً پرداخت شده به‌ثبت‌رسیده‌است متعلق‌بکادر ثابت ارتش بنمایندگی‌وزارت جنگ میباشد . بانک مزبور قائممقام بانک تعاونی سپه‌دروصول مطالبات‌وپرداخت‌دیون بوده‌و کماکان‌وصول ونگاهداری وجوه بازنشستگی افسران ودرجه‌داران‌وافراد ارتش‌وژاندارمری وپرداخت‌حقوق موظفین قسمت‌های بالارا برعهده خواهد داشت و بارعایت قانون بانکداری (در قسمت ارز) کلیهٔ عملیات بانکی درداخله وخارجه را میتواند انجام دهد .

۱ـ این قانون در جلسهٔ سه‌شنبه پنجم دیماه ۳٤ بتصویب مجلس شورایملی رسیده وضمناً درتاریخ‌دوم اسفند ۳٤اجازهٔ‌معاملات ارزی‌طبق‌قانون بانکداری‌ببانک سپه داده شده ودر ردیف بانکهای‌مجاز کشور بشمار آمده است .

مجموع معاملات منقول وغیرمنقول بانک به‌نسبت وسعت تشکیلات و تکثیر درآمد وسرمایهٔ آن همه ساله ضمن صورتها ونمودارهای ضمیمهٔ ترازنامه تاکنون منتشر گردیده است وخلاصهٔ ترازنامهٔ سال۱۳۳۷ بانک سپه بقرار زیر است :

ماندهٔ روز آخراسفندسال۳۷ معاملات بانک (۲۱۰۰ملیون‌ریال) وسودناویژه (۱۹۰ملیون ریال) سرمایه واندوخته (٤۵۲ملیون ریال)بوده‌است .

درخاتمه این نکته نیز شایان کمال توجه است که حسن جریان معاملات و وسعت تشکیلات و گردش سریع دستگاه بانك مربوط بحس اعتماد و حسن ارتباط بازرگانان وارباب رجوع و همکاری بیشائبهٔ آنهاست ومتقابلاً میتوانند بهمکاری ومعاضدتهای صمیمانهٔ بانك و کارمندان آن مطمئن باشند که درطریق انجام خواسته‌های مشروع مراجعین ومشتریان محترم هیچ‌مشکل غیر قابل حلی وجود نخواهد داشت حتی هنگام احتیاجهای ضروری برای حفظ تعادل معاملات و تعدیل و تجدید اعتبارات ، بانك سپه نسبت بمشتریان معتبر وخوش سابقهٔ خود از هر گونه معاضدت تا سرحد امکان دریغ نخواهد داشت .

ناگفته نگذاریم که در تشکیلات جدید بانك ، صندوق امانات و حساب جاری سودبخش از جملهٔ وسایلی است که تمام طبقات میتوانند از آنها استفاده کنند همچنین دفتر اطلاعات و مطالعات اقتصادی که برای آشنائی وارتباط صاحبان شرکتها و مؤسسات بزرگ و بازرگانان معتبر باشرکتها و کارخانه ها وعوامل مؤثر بازرگانی تشکیل شده است باکلیهٔ وسایل در اختیار مراجعه کنندگان و مشتریان بانك سپه قراردارد .

وزارت کشور

ضمن قوانینی که در ابتدای مشروطیت برای تشکیل ایالات و ولایات و انجمنهای ایالتی و ولایتی از روی قوانین اروپائی ترجمه و تصویب گردید حق زیادی برای شرکت مردم در امور مربوط بخودشان پیش بینی شده بود ولی این قوانین تاشروع سلطنت پهلوی بلااجرا ماند.

قبل از سلطنت رضاشاه کبیر، مملکت از چهار ایالت و هشت ولایت و چند نیابت حکومت که بنا باقتضای زمان کم و زیاد میشد تشکیل میگردید، مثلاً تمام نواحی اطراف تهران دارای یك نایب الحکومه بود. وزارت داخله در کلیهٔ امور ایالات و ولایات دخالت میکرد و والی یا حاکم یا نایب الحکومه که عموماً از خانوادهٔ قاجار یا نزدیکان آنان و یا خوانین و متنفذین محلی انتخاب میشد حتی اخذ مالیات و قضاوت و اعدام متهمین را بعهده داشت. این حکام که بااختیار تام بمحل حکومت خود میرفتند، هرچه میخواستند میکردند و تا موقعی که مایل بودند بحکومت خود ادامه میدادند مانند عین الدوله در آذربایجان و ظل السلطان در اصفهان. دولت مرکزی کوچکترین نظارتی در اعمال این حکام نداشت و خوبی یا بدی آنها بسته به خوبی یا بدی طینت و میزان حرص و طمعشان بود. طمع حکام به مالکین، دست آنها را در اعمال هر گونه اجحاف و تعدی نسبت برعایا باز گذاشته بود. رعایا ناچار بودند هست و نیست خود را در اختیار مالك بگذارند تا او هم بتواند بنوبهٔ خود حاکم را سیر کند و طمع او را فرو نشاند.

اصول مالکیت در تمام ولایات بصورت مالك الرقابی و بردگی در آمده بود و در هر مورد که مالك اراده میکرد، حاکم بوسیلهٔ مأمورین خود خانمان رعایا را برمیانداخت و آنانرا بااختیاراتی که داشت حتی اعدام هم مینمود. زندان درسر طویلهٔ

حاکم بود ومیرغضب یکی از موظفین دستگاه حکومت بشمار میرفت . در شهرها نیز وضع بهتر از قراء وقصبات نبود . بوسیلهٔ این حکام یامأمورین یا مقربین ایشان ویابوسیلهٔ راهزنان وغارتگرانی که بادادن باج وخراج به حکام، به‌قتل وغارت وتاراج مردم میپرداختند ، مظالمی درمیهن‌ما ومخصوصاً درولایات جاری بود که برای نسل جوان‌ما باور کردنی نیست .

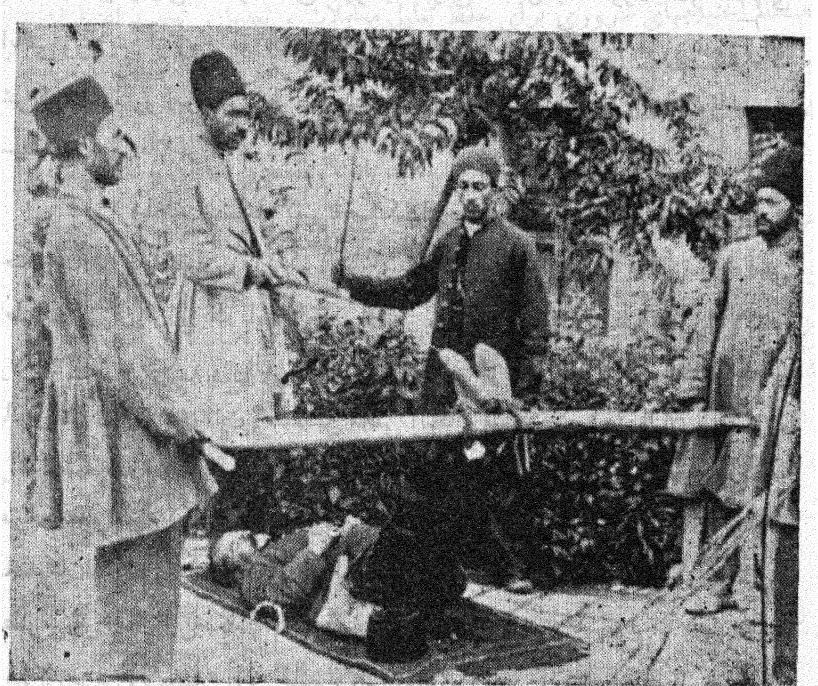

تنبیه مقصرین در مراکز حکومتی قدیم

در آن ایام اگر کسی میخواست به خوزستان برود بواسطهٔ نفوذ خزعل در آن‌ناحیه،مجبور بوداز راه عراق عرب برود وهر کس بمسافرت‌مشهد میرفت ناچار- بود ازطریق روسیه و عشق آباد برود زیرا نه‌راهی وجود داشت و نه کوچکترین امنیتی . بلوچستان تقریباً از خاک‌ایران مجزا بود وسرداران بلوچ بتمام آن نواحی حکومت میکردند و باسمت‌سرداری‌اسماً بنام دولت مرکزی و عملاً بمیل خودشان

امرونهی مینمودند . حتی در آن نواحی و تمام نواحی جنوب، پول خارجی جریان رسمی داشت . پلیس جنوب که درزمان جنگ بین‌المللی اول بوجود آمده بود نفوذ خودرا همچنان حفظ میکرد .

۲- مایحتاج مردم از قبیل آب و نان دردست چند نفر بود و هیچکس بدون اجازهٔ آنان نمیتوانست حتی دکانی برای کسب باز کند . لغات میر آب و سرکار و سردمدار یادگار آن زمان هستند .

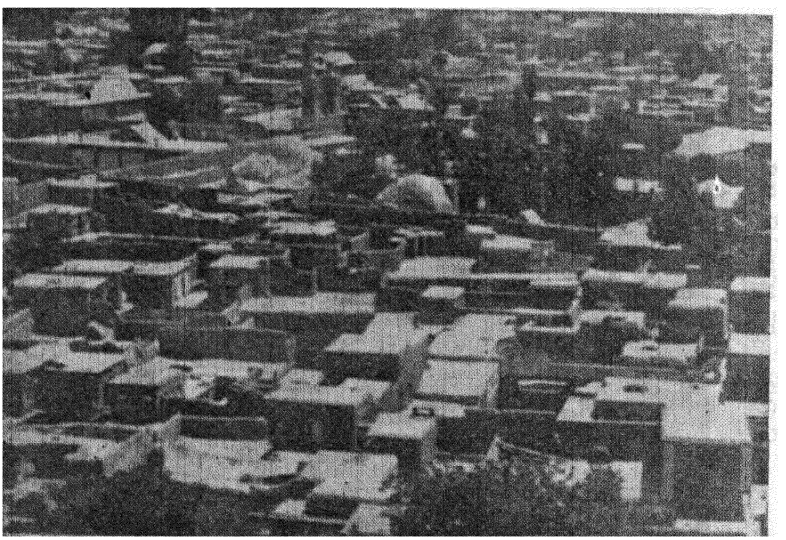

منظره‌ای از تهران در قدیم

۳- وضع حمل و شستشو و کفن و دفن جنازه فقط باقوانین شرع موافق بود نه با اصول بهداشت .

٤- کشتار حیوانات حلال گوشت آزاد بود و فروش گوشت سالم به درجهٔ تدین و انصاف فروشندهٔ بستگی داشت . غالباً در خانه‌ها و کنار کوچه‌ها ، دامهای بیمار و مردنی را ذبح میکردند و میفروختند .

۵- امور شهری تابع هیچ اصل و قاعده‌ای نبود . هر کس در زمین خود هرطور

که میخواست ، ساختمان میساخت و در نتیجه خیابانی که منطبق با اصول شهرسازی باشد و کوچه‌ای که بتوان براحتی از آن عبور کرد در هیچ نقطهٔ مملکت وجود نداشت.

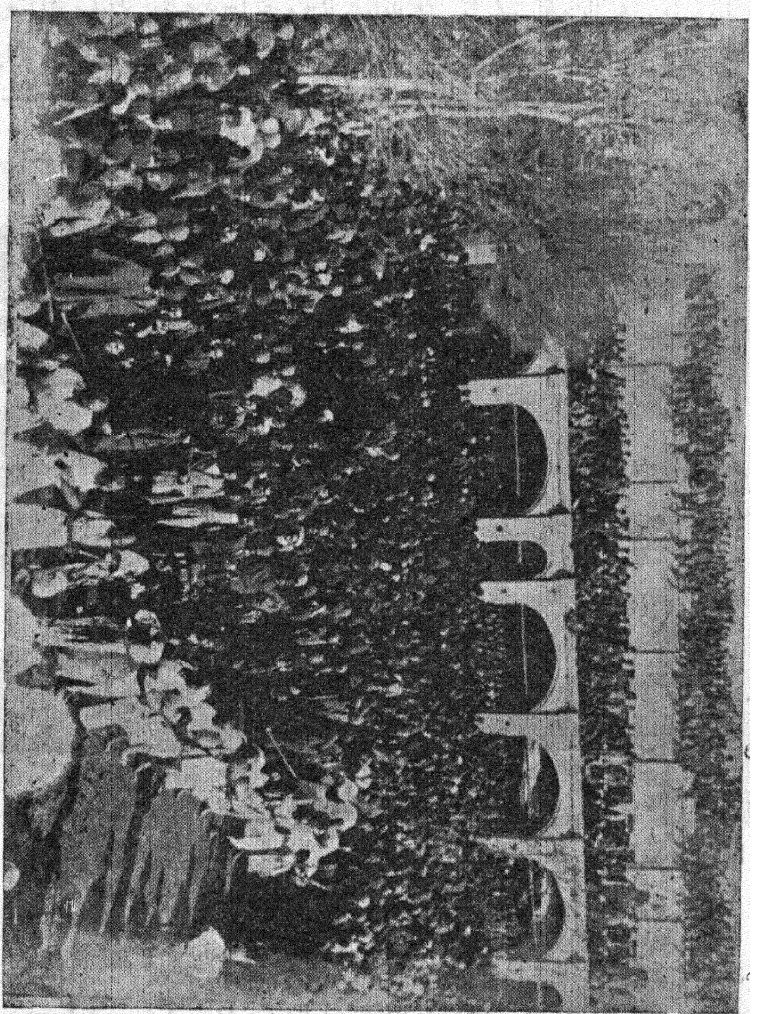

گوشه‌ای از سبزه‌میدان در قدیم

۶- بعلت نبودن پلیس و امنیت در شهرها، هر کس حفظ مال و جان و خانوادهٔ خود را ناچار خود بعهده میگرفت و اهالی هر محله ، امنیت کوچه و محلهٔ خود را بچند

نفر «لوطی» میسپردند و بآنها باج میدادند .

۷- ورقهٔ هویت برای افراد مفهومی نداشت و کلیهٔ شناسائیها بوسیلهٔ شجره‌نامه‌ها و یا معرفی‌نامه‌های حکومتی و یا معتمدین و مجتهدین و سرشناسان محل بعمل میآمد .

۸- وضع عزاداری مذهبی ازصورت اصلی خارج شده بود . غالبا عدهٔ زیادی براثرقمه‌زنی وخونریزی جان میسپردند .

۹- تنها وسیلهٔشستشو و نظافت مردم حمامهای قدیمی وخزینه‌ای بود که بعلت کمی آب وسوخت و نداشتن وسیله ، آنها را در زیر زمین میساختند تا همیشه گرم باشد . آب‌خزینه‌ها چندین ماه تعویض نمیگردید ومردم معتقد بودند که‌چربی کنار خزینه برای درمان زخمها وشکستگیها نافع است .

۱۰- بعلت‌نبودن تأسیسات دولتی وراه‌ووسایط نقلیه ، میزان محصول‌مملکت هر گز معلوم نبود ودرشهرها غالباً قحطی رومیداد .

۱۱- سه‌درصد آب تهران بوسیلهٔ چندرشته قنات که بعضی از مردم خیرخواه وقف کرده بودند تأمین میشد وچون بیشتر این قناتها اول بمصرف مشروب کردن باغات و خانه‌های اعیان واشراف میرسید ، تهران دربی آبی عجیبی‌میسوخت‌ووضع شهرها نیز از حیث آب ، مثل تهران وبلکه بدتر از آن بود .

۱۲- چون بامور شهرها توجهی نمیشد طبعا امور دهات نیز از نظر محو شده بود ودر ایام زمستان رابطهٔ شهرستانها با مرکز و دهات با شهرها بکلی قطع میگردید .

۱۳- جاده‌ها بقدری ناامن‌بود که اولاً کسی تنها بسفرنمیرفت بلکه مسافرت بطوردسته جمعی ودر قافله صورت میگرفت وقافله مدتها تأمل‌میکرد تابتواند عدهٔ خودرا تکمیل‌وحرکت نماید ثانیا این قوافل‌برای مصون ماندن از هجوم راهزنان از هرمسافر مبلغی میگرفتند ویکجا بسردستهٔ‌راهزنان‌هرناحیه میدادند وتأمین‌نامه

میگرفتند و حرکت میکردند . حتی شاه مملکت اگر میخواست در داخل مملکت مسافرت کند ناچار باتوپخانه وافواج سرباز حرکت میکرد .

١٤- حقوق فردی ومحفوظ بودن آن ، برای کسی مفهوم و وجود خارجی نداشت . ناچار هر کس میکوشید که خودرا بنحوی بهمراکز قدرت از قبیل شاهزاده‌ها

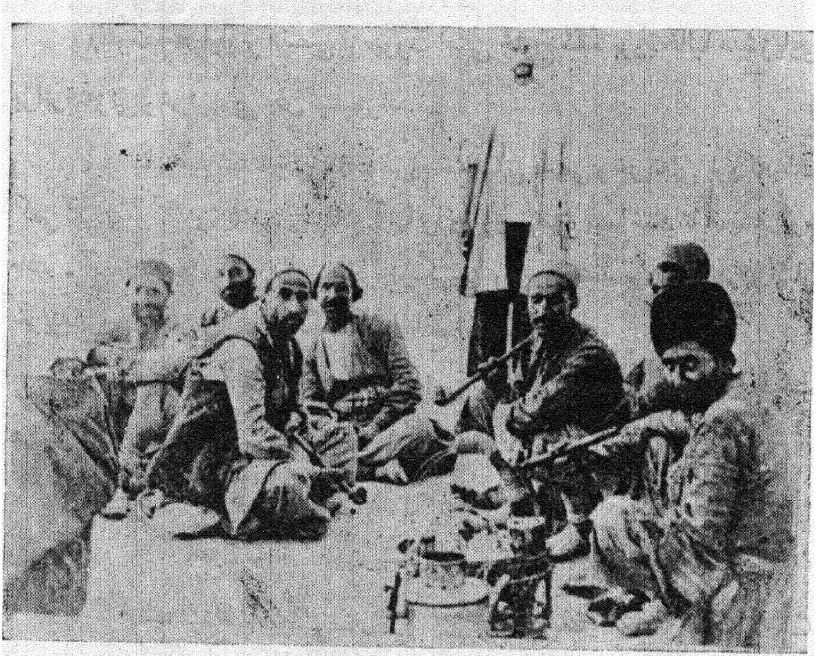

گوشهٔ یکی از میدانهای تهران درقدیم

وامرا وحکام وخوانین ومتنفذین محل یاعمال آنها نزدیك ومربوط کند و بازور وقدرت خود و آنها، خویشتن را از تجاوز وتعدی حفظ واحیاناً بدیگران تعدی نماید. عده‌ای نیز باقبول تبعیت دول بیگانه واستفاده از کاپیتولاسیون ، هرچه میخواستند میکردند وهیچ حرجی بر آنها نبود .

١٥- حکومت فردی وملوك الطوایفی در تمام کشور بطور کامل جریان داشت.

١٦- برای تشکیلات نظمیه و امنیه (شهربانی و ژاندارمری) مانند سایر

تشکیلات ، در ابتدای مشروطیت مستشارانی از خارج خواسته شد ولی بعلل مختلف، در این امر موفقیت لازم حاصل نشد و نتیجهٔ کافی بدست نیامد .

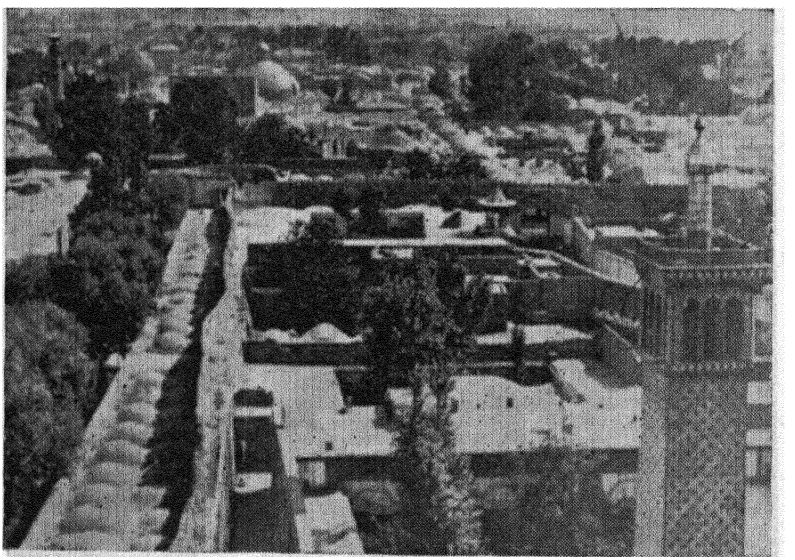

منظره‌ای از تهران در قدیم

اصلاحات

اعلیحضرت فقید توجه پیدا کردند که در کلیهٔ قوانین جدید راهی برای مشارکت مردم در امور اجتماعی و مربوط بخودشان پیش بینی شده که متأسفانه تا آن زمان مسدود مانده است . لذا :

۱- بوسیلهٔ وضع قانون عمران و قانون کدخدائی و قانون شهرداری ، دردهات و شهرها قسمتی از امور را بمردم محول فرمودند و مقدار زیادی راههای فرعی دهات بدست خود زارعین ساخته و پرداخته شد .

۲- عوارضی که از کالاها گرفته میشد بشهردار هرمحل پرداخت گردید و هر شهرستان دارای عواید خاصی برای مصارف عمران و آبادی خود شد .

۳- نقشهٔ صحیح باخیابان بندی برای شهرها تنظیم گردید و صاحب هر ملکی

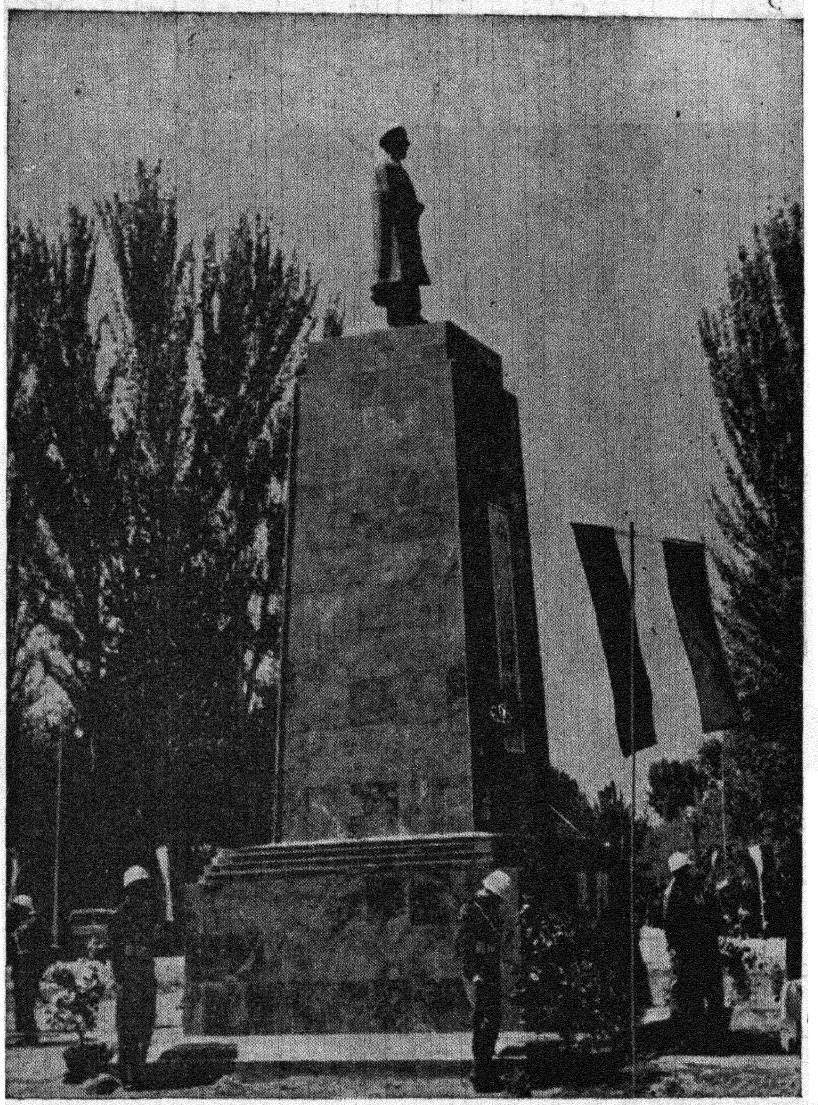

مجسمهٔ اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی موجد عظمت کشور در میدان نقی آباد مشهد موظف شد که بامراجعه به‌شهرداری ، ساختمان خودرا نه‌بطور دلخواه بلکه بادر نظر گرفتن نقشهٔ خیابان شهر بسازد و حدود خیابان‌را حفظ کند ودر نتیجه شهرها دارای

خیابانهای اتومبیل‌رو ومیدان وفلکه شدند .

٤- وسایط نقلیه از قبیل گاری ودرشگه و کجاوه به‌اتومبیل و اتوبوس مبدل شد ووسیلهٔ نقلیهٔ عمومی درشهرها بوجود آمد .

٥- باتصویب‌قانون سجل‌احوال همهٔ افرادمملکت ملزم بداشتن شناسنامه و نام خانوادگی شدند و دیگر معرفی‌نامه‌های متنفذین و معتمدین محل از میان رفت وخانواده‌ها ودر نتیجه مالکیت وارث براساس صحیح وغیرقابل تردیدی مستقر شد ودیگر بساط آنروزها که وقتی ثروتمندی‌میمرد مردم مفتخوار باتهیهٔ استشهادعده‌ای وارث‌برای او میتراشیدند واقامهٔ دعوا میکردند بکلی از میان‌رفت .

٦- بااجرای قانون سجل‌احوال ، امر نظام وظیفه و قانون آن بمرحلهٔ اجرا در آمد وسربازجمع کردن بطور دلخواه وروی سلیقه‌واعمال نفوذ ودر نتیجه وجود یك‌قشون معدود و نامنظم‌موقوف گردید وتحت‌نظم‌وقاعده‌در آمد. امروز هرجوانی که بسن بیست‌ویکسالگی میرسد باید دورهٔ‌خدمت وظیفهٔ خود راطی کندودر نتیجه علاوه بر وجود یك ارتش منظم ، تمام جوانان یك‌دوره تمرین‌لازم راهم‌میبینند.

۷ -جنازه کشی‌باتابوت واستشهاد فوت وشستشو ودفن اموات که درمیان‌شهر واغلب درخانه‌های شخصی انجام میگرفت جرم محسوب و برچیده شد وجای‌خودرا بوسایل موتوری شهرداری‌و گورستان‌عمومی داد .

۸- ذبح حیوانات حلال گوشت درخانه‌ها و کوچه‌ها بطور عمومی و بدون ضابطه برای فروش ، موقوف شد و در کشتارگاههای وسیع خارج شهر مستقر گردید . قصابها از صنف کشتار کننده مجزا شدند و دارای دکانهای صحی و کاشی شده گردیدند .

۹-اعدام سگهای‌ولگرد بیشمار که در کوچه‌هاسر گردان بودند واز باقیماندهٔ لاشه‌ها ارتزاق میکردند ووسیلهٔ نشر میکرب هاری ومزاحم مردم بودند یکی از وظایف شهرداری گردید .

۱۰- بوسیلهٔ قانون تقسیمات کشور اساس تقسیم‌بندی ایالات و ولایات منظم

شد و مملکت باستانها و شهرستانها و بخشها تقسیم گردید و برای هریك از آنها استاندار و فرماندار و بخشدار اعزام شد که از طرف دولت مرکزی انتخاب شده و دستورهای دولتی را در حوزهٔ مأموریت خود اجراء میکنند.

۱۱ - بموازات عمران شهرها، امور نظمیه و امنیه از دست مستشاران بیگانه خارج گردید و نام آندورا بشهربانی و ژاندارمری تغییر داده و بساط چوب و فلك حکام برچیده شد و ساختمانهای مخوف زندان حکومتی بوسیلهٔ ژاندارمری و شهربانی بعمارات آبرومند تبدیل گردید؛ افسران تحصیل کرده در رأس امور گماشته شدند و دزدها و راهزنها و گردنه گیرها قلع و قمع گردیدند.

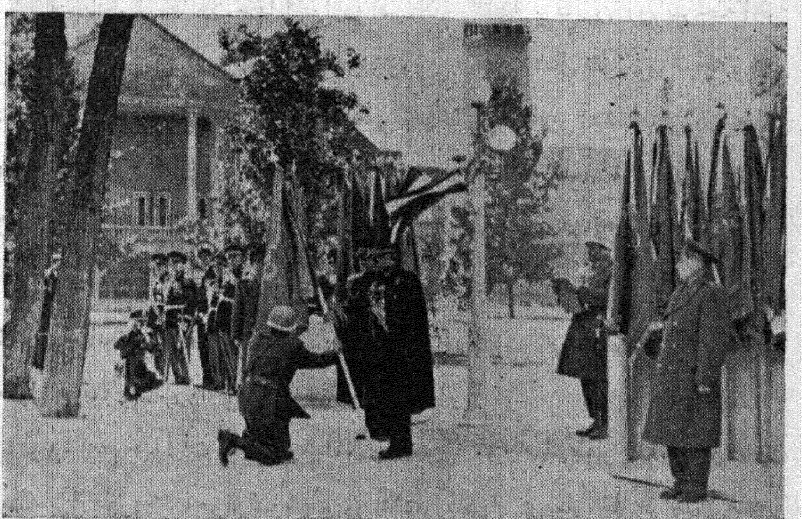

اعلیحضرت همایون شاهنشاه بهنگهای ژاندارمری پرچم اعطا میفرمایند

۱۲ - در هر شهر یك واحد پلیس بنام شهربانی و یك واحد ژاندارم بنام ژاندارمری تأسیس شد و ادارات ثبت احوال هم بتعمیم و توسعهٔ دایرهٔ عمل خود در شهرستانهای کوچك و بخشها پرداختند. پلیس حفظ انتظامات داخل شهر را بعهده گرفت و ژاندارم فقط امنیت خارج شهر را؛ و ایندو در مورد اجرای مقررات قانون، جزو ضابطین دادگستری در آمدند.

۱۳ـ لباس و کلاه مردان از انواع مختلف و غالباً عجیب و مسخره آمیز بود. زنان در چادر سیاه یا چادر شب مستور بودند و بندرت از خانه بیرون میآمدند. اعلیحضرت رضاشاه کبیر در سال ۱۳۰۷ لباس مردم را متحدالشکل و بسبک ممالک اروپائی کرد و کلاه آنها را نیز بسبک تازه‌ای مقرر نمود و این امر بقدری اثر روحی داشت که مردم بآن کلاه، نام کلاه پهلوی نهادند. بعد از چند سال نوبت بآزادی زنان رسید؛ بانوان از حجاب آزاد و بلباس عمومی زنان دنیا ملبس شدند و در ادارات و مؤسسات بکار



گوشه‌ای از کلاس انگشت‌نگاری شهربانی کل کشور

پرداختند و در مدارس و دانشکده‌ها اجازهٔ تحصیل بآنان اعطا گردید. اثر اجتماعی این امر آن شد که دیگر زن مرد را بصورت نان‌آور نگاه نکرد و کانون مقدس خانواده از صورت حرمسرا خارج گردید. امروز اگر ملاحظه میشود که بانوان ما بآزادی میتوانند بهر شغلی که مایل باشند بپردازند و زندگی خود را شرافتمندانه تأمین کنند باید آن روز را بیاد آورد که شاهنشاه فقید باجسارت و از خودگذشتگی عجیبی، برای نخستین بار، باخانوادهٔ خود در یك جشن عمومی که بمناسبت اعلام

آزادی زنان برپاشده بودشرکت‌فرمودند وهمچنین امروز اگردرمیان‌زنان‌ایرانی، ادیب و نویسنده ودکتر ومهندس ولیسانسیه فراوان دیده میشود باید در نظر داشت که اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی بابرقرار کردن جایزه و تشویقهای گوناگون واعزام شاگردان اول باروپا ، این عده را هرچه ممکن بود افزودند و میافزایند . درنهضت آزادی بانوان، مأمورین وزارت کشور که مأموراجرای این تحول‌بودند ، درولایات هر روز بعنوانی ، یك‌جلسهٔ معارفه وجشن و مهمانی ترتیب میدادند و از تمام طبقات بابانوانشان دعوت میکردند تامردم کم کم بمعاشرت عادت کنند وبدانند که عفت درحجاب و بی‌عفتی دربی‌حجابی نیست .

۱۴-برای تعمیم ورزش وتشویق ورزشکاران ، از بودجهٔ شهرداری هرمحل مبلغی برای کمك به‌تربیت‌بدنی اختصاص یافت وبااین‌مبلغ ، ورزشگاههای متعددی درمرکز وولایات ساخته‌شد ومیشود .

۱۵- بهمت شاهنشاه فقید ، نیروی برق برای تهران و شهرستانها تأمین شد وچنان بااستقبال مردم مواجه گشت ودرمصرف آن افراط کردند که اکنون باتمام تلاشها وتأمینهائی که از محلهای مختلف‌میشود باز کسری برق مشهود است . ابتدا از برق فقط برای تولید روشنائی استفاده میکردندولی اکنون مثل‌همهٔ کشورهای بزرگ جهان ، در اکثر امور زندگی روزانهٔ مردم وحتی درصنایع سبك‌وسنگین از برق استفاده میشود . برای‌رفع این‌احتیاجات ، علاوه‌بر اجرای‌طرح تأمین برق شهرستانها، پنجاه‌هزار کیلووات بوسیلهٔ کارخانهٔ جدیدالتأسیس آلستوم به‌برق‌تهران اضافه شده و هشتاد هزار کیلووات دیگرهم ازمازاد سد کرج اضافه خواهد شد .

۱۶- تأمین آب تهران از اول مورد نظر شاهنشاه فقید بود لذا بفرمان آن شاهنشاه ، مقداری از آب رودخانهٔ کرج بوسیلهٔ کندن نهر بتهران آورده شدوچون تهران‌وهمچنین سایر شهرهادرحال توسعه بود بفرمان‌اعلیحضرت همایون‌محمدرضا- شاه پهلوی مقرر شد در تمام شهرهائی که بی آبی در آنها محسوس است چاههای عمیقی بوسیلهٔ شهرداریها حفر شود . اکنون غالب شهرهای میهن ما چند حلقه چاه عمیق ولوله کشی آب دارند . این‌برنامه همچنان پیش‌میرود وشامل‌دهات میهن مانیز

خواهد شد . فراموش نباید کرد که کشورهای بزرگ این اصلاحات را در ظرف صدها سال بتدریج انجام داده‌اند ولی در کشور ما باقلت بودجه ، نزدیك به بیست سال‌است که این اصلاحات آغاز گردیده .

۱۷- سابقاًوقتی که کسی‌فوت‌میشد مراسم عزاداری را درخانهٔ اویابستگانش برپا میکردند . این‌عزاداری ورفت و آمد آنقدر ادامه مییافت و طبقات مخصوص وارباب توقع بیشمار که ارتزاق آنها ازاین راه بود آنقدر برای شخص‌مصیبت‌دیده



منظرهٔ میدان بهارستان درشب

خرج میتراشیدند که از هستی‌ساقط و چندین روز هم کسب و کارش معطل میشد . بدستور شاهنشاه فقید مقرر شد مجالس تذکر در مساجد مخصوصی که از طرف شهرداریها برای این کار مجهز گردید برپا شود ، امروز هر کس که مصیبتی ببیند باپرداخت‌مختصر وجهی‌بسهولت‌میتواند مجلس‌تذکری برپا کند وتشریفات‌مذهبیرا ببهترین وخلاصه‌ترین طرزی انجام دهد .

۱۸-خیابانها وپیاده‌روها ازطرف شهرداریها آسفالت شده‌و برای تفریح‌مردم

میدانها و فلکه‌ها و باغهای عمومی بوجود آمده و میآید. از گرد و غباری که در کوچه‌های ناهموار و پر از کثافت ، در اثر باد یا رفت و آمد وسایط نقلیه بلند میشد و مردم را به امراض گوناگون مبتلا میکرد تقریباً دیگر اثری نیست .

قبل از سال ۱۳۰۰ شمسی تشکیلات وزارت کشور بقرار زیر بوده :

۱- ادارهٔ شرق ۲- ادارهٔ غرب ۳- ادارهٔ شمال ٤- ادارهٔ جنوب ٥- ادارهٔ مرکزی (برای انجام دادن کارهای تهران و قم و ساوه و قزوین) ٦- ادارهٔ کابینه (دفتر کل وزارتی) .

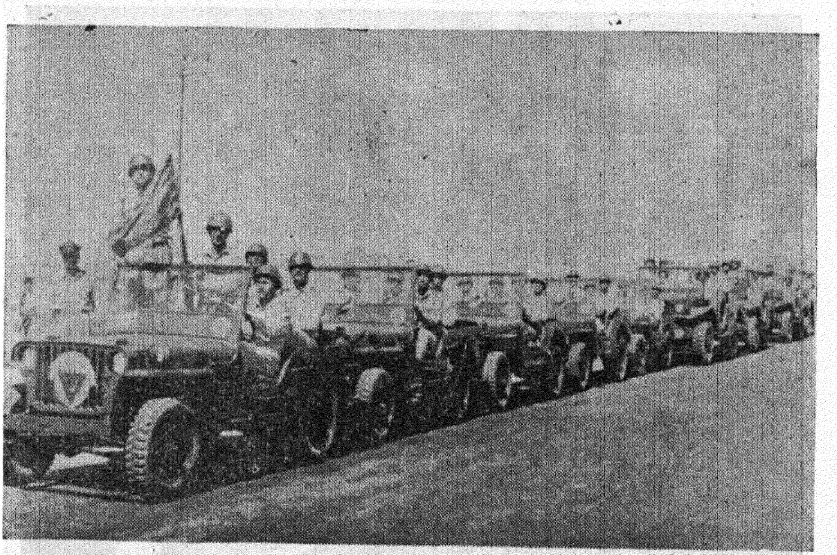

رژهٔ یکی از واحدهای ژاندارمری

در سال ۱۳۰۰ شمسی تشکیلات وزارت کشور چنین تعیین گردید .

۱- ادارهٔ ایالات و ولایات ۲- ادارهٔ مرکز ۳- ادارهٔ کابینه .

هریك از ادارات مذکور دارای یك مدیر کل بودند و از چند دایره بنام شمال و جنوب و شرق و غرب تشکیل میشدند . ادارهٔ مرکز از محاسبات و تأمینات و انتظامات (شهربانی و ژاندارمری) و ادارات انتخابات و دایرهٔ صحیه تشکیل میشد . هزینهٔ حفظ الصحهٔ عمومی از عشر مالیات نواقل تأمین میگردید که از محل این در آمد، سرم دیفتری تهیه میشد و آبله کوبی مجانی عمومی بعمل میآمد .

شورائی از اطباء درجه اول پایتخت وجود داشت بنام مجلس حفظ‌الصحة که رئیس‌دایرهٔ صحیهٔ وزارت‌داخله (کشور) بعنوان‌نمایندهٔ صحیه در آن‌شرکت میکرد. اجلاس این آقایان بطور رایگان بود ومحل اجلاس آنها درعمارت سردردارالفنون قرارداشت . درسال۱۳۰۵ شمسی تشکیلات‌وزارت کشور بهم‌خورد و بصورت سابق برگشت یعنی‌ادارات‌شمال وجنوب وشرق وغرب مجدداً تشکیل‌شد . در سال ۱۳۰۷ تشکیلات‌دیگری بوزارت کشور داده‌شد که عبارت بوداز ادارات اول ودوم‌ومرکز وانتخابات وحسابداری . درسال۱۳۱۶ شمسی قانون تقسیمات کشور بتصویب رسید وتاامروز باتغییرات مختصری که‌در تقسیم‌بندی استانها وشهرستانها بتدریج داده‌شده، ملاك عمل وزارت کشور است .



رژهٔ دانشجویان پلیس

بموجب قانون‌تقسیمات کشور فعلاً مملکت ایران به۱۳استان‌ودوفرمانداری کل‌و۱۲۳ فرمانداری‌تقسیم میگردد . استانهای کشور عبارتنداز : تهران - گیلان -

مازندران ـ آذربایجان شرقی ـ آذربایجان غربی ـ کرمانشاهان ـ خوزستان ـ فارس ـ کرمان ـ خراسان ـ اصفهان ـ کردستان ـ بلوچستان . و دو فرمانداری کل عبارتند از : فرمانداری کل بنادر و جزایر بحرعمان . در بقیهٔ شهرستانها برحسب درجهٔ آنها فرمانداری مستقر میباشد .

سازمان فعلی وزارت کشور بشرح زیر است :

وزیر کشور
معاون پارلمانی
معاون اداری
معاون فنی وعمرانی
مدیر کل اداری
مدیر کل سیاسی
مدیر کل امور اجتماعی
مدیر کل شهرداریها
مدیر کل بازرسی
ادارات تابعه

ادارهٔ دفتر وزارتی
» کارگزینی
» حسابداری
» جلب سیاحان
» حقوقی
» انتشارات وامورپارلمانی
» قضائی
» سیاسی
» انتظامات
» امور اجتماعی

ادارهٔ مطبوعات
» نمایش
» بازرسی اداری
» کل امور شهرداریها
» اطلاعات
» آمار
» بهبود امور اداری
» انتخابات
» بودجه و برنامه
» مالی

ادارات وابسته

شهربانی کل کشور
ژاندارمری کل کشور
بنگاه اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات
ادارهٔ کل آمار عمومی
» » ثبت احوال
اتحادیهٔ شهرداریهای ایران
سازمان دفاع غیرنظامی

وظایف عمدهٔ بعضی از ادارات مرکزی وزارت کشور بقرار زیر است :

ادارهٔ جلب سیاحان :

اجرای تصمیمات شورای عالی جهانگردی و نظارت در شورای جهانگردی شهرستانها - ایجاد تسهیلات برای سیاحان خارجی که وارد ایران میشوند و تهیهٔ لوایح لازم برای این منظور - چاپ کردن راهنما و نقشه و مجموعه‌هائی از مناظر تاریخی و تماشائی ایران برای خارجیان - سرکشی و نظارت در وضع مهمانخانه‌ها و قهوه‌خانه‌های

بین راه از لحاظ سکونت و تغذیهٔ جهانگردان - ارتباط با مؤسسات جهانگردی کشورهای دیگر .

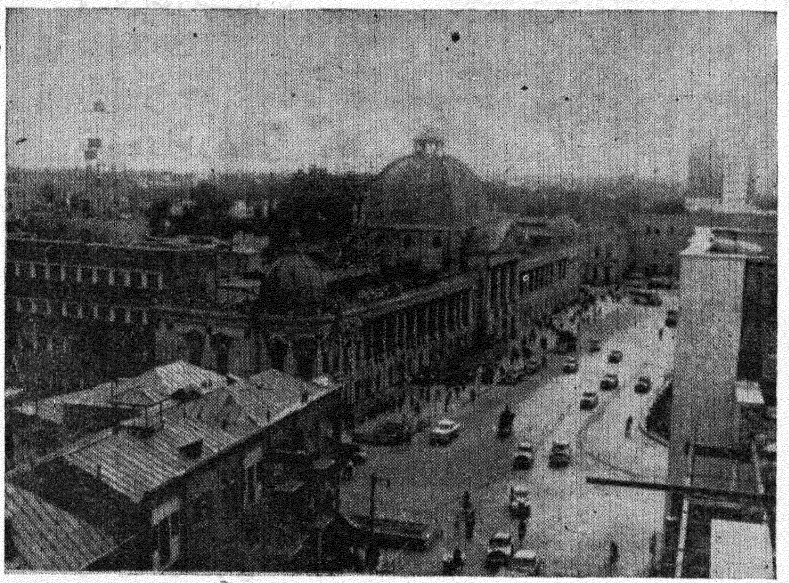

منظره‌ای از میدان سپه در تهران

ادارهٔ حقوقی :

اظهار نظر نسبت بآراء صادره از کمیسیون بدوی تشدید مجازات اشخاص شرور و بدسابقه و طرح پرونده هائی که نسبت بآنها تقاضای تجدید نظر شده است وابلاغ آراءصادره از کمیسیون مذکور بشهربانی کل کشوروفرمانداریها -رسیدگی بتقاضای عفوو بخشودگی کسانیکه در کمیسیون تجدید نظرمحکومیت پیدا کرده‌اند -رسیدگی بپروندهٔ کارمندان ومأمورین متهم وزارت کشوروادارات تابعه که به‌محاکم اداره خوانده میشوند .

ادارهٔ سیاسی :

رسیدگی باموراحزاب‌ومجامع و باشگاهها و اتحادیه‌ها و نظارت درتشکیل وصدور پروانه برای آنها - رسیدگی بامور اقلیتهای مذهبی و تعیین امام جماعت در شهرستانها - نظارت در ورود اتباع بیگانه بایران و اقامت وخروج آنها -



منظره‌ای‌از شهر تهران

نظارت در صدور گذرنامه و رسیدگی بامور حج و عتبات - نظارت در ازدواج اتباع بیگانه با زنان ایرانی وحفظ حقوق زنان ایرانی - نظارت در امور مهاجرت اتباع بیگانه بایران و جلوگیری از مهاجرت ایرانیان بکشورهای بیگانه .

ادارهٔ امور اجتماعی :

مبارزه بااستعمال مشروبات الکلی - مبارزه با استعمال تریاك ومخدرات -

مبارزه بافحشاء و هر گونه فساد اخلاقی دیگر از قبیل دزدی ، قمار ، دروغگوئی وغیره بوسیلهٔ قانون و تبلیغ - توجه بامور باشگاهها و قرائتخانه‌ها - تشویق مردم

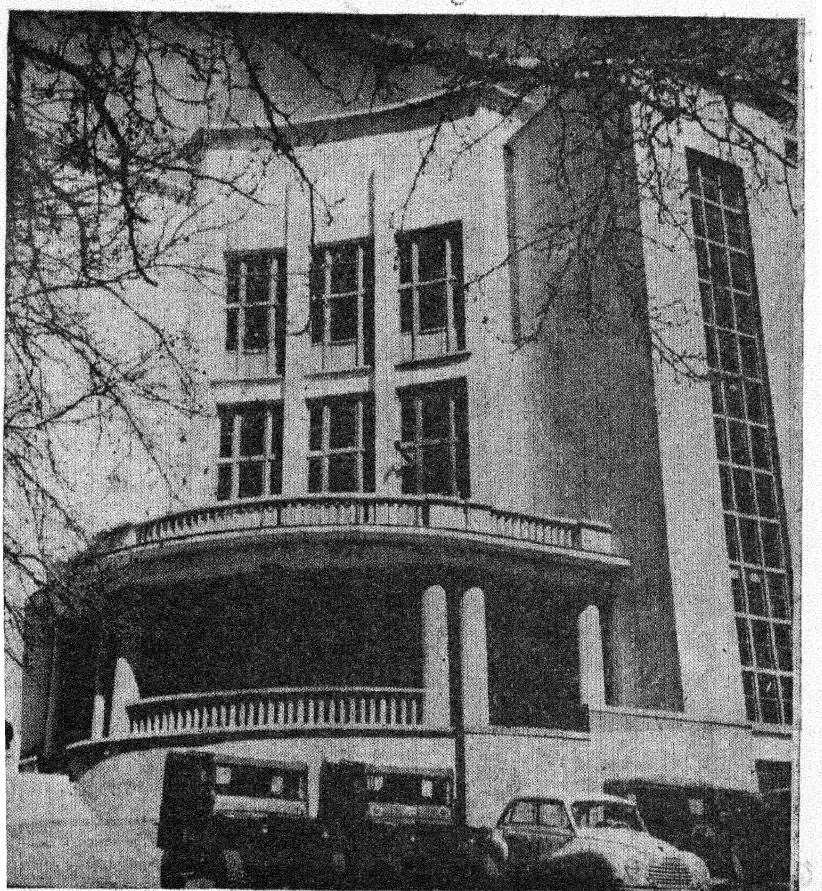

نمای سردر ساختمان ستادژاندارمری کل کشور

بتأسیس انجمنهای تعاون عمومی - کوشش در اصلاح وضع اجتماعی افرادایل‌نشین از حیث تعلیم و تربیت و بهداشت و تشویق آنان بخانه‌سازی و شهرنشینی - تعمیم امور خیریه درسراسر کشور و کوشش برای اصلاح وضع مؤسسات خیریه .

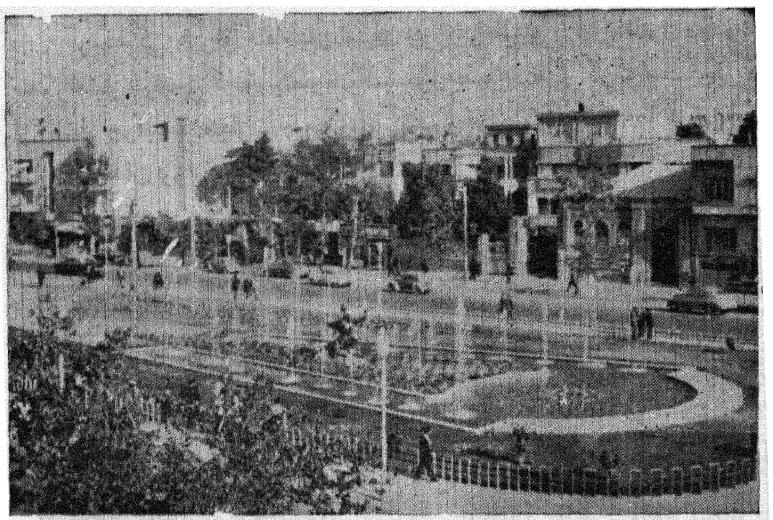

منظره‌ای از میدان بهارستان

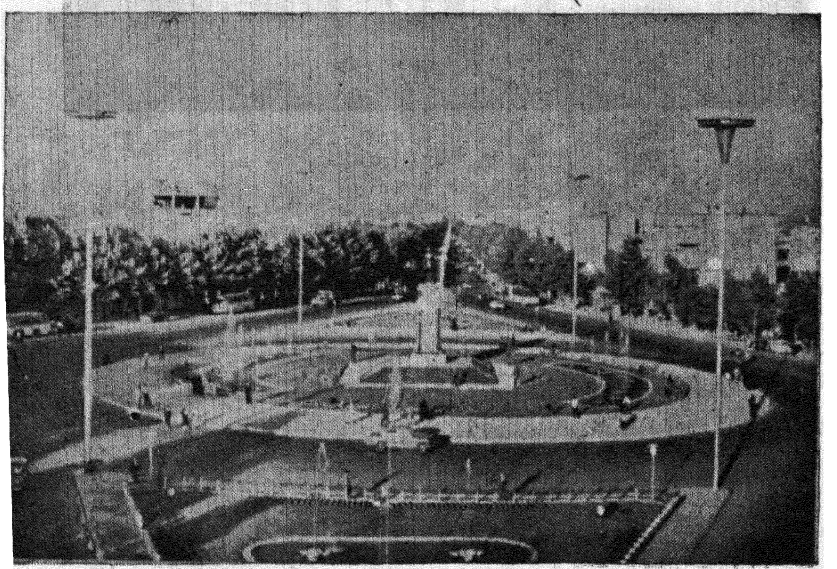

منظره‌ای از میدان ۲۴ اسفند

اداره مطبوعات :

رسیدگی باوراق متقاضیان امتیاز جراید و تطبیق آنها باقانون مطبوعات - صدور امتیاز جرایدی که مورد تصویب کمیسیون مطبوعات قرار گرفته است - جلوگیری از انتشار جراید غیرمجاز - جمع آوری کتب و قوانین و آئین نامه ها برای استفادهٔ عموم کارمندان وزارت کشور .



منظره ای از خیابانهای تهران

بناهائی که از طرف بنگاه عمران دردهات و قصبات کشور ساخته شده یا در دست ساختمان است

خانه های سه اطاقی	۲۲۸۲
مسجد	۶۳
دبستان	۹۸
حمام دوش	۱۲۲
رختشورخانه	٤
تأسیسات آب مشروب برای دهات	۱۳۰
راه	۳۱٤
پل	۱۷٤
سد	۹۶

آمار وثبت احوال

در ایران احوال شخصی بصورت منظمی بثبت نمیرسید . ولادت اشخاص معمولاً در بعضی خانواده‌ها که باسواد بودند پشت قرآن یا کتاب دعا که در اغلب منازل وجود داشت نوشته میشد ؛ فوت مردم هم جز در روی سنگهای قبر آنهم بندرت ، در محل دیگری ثبت نمیگردید ؛ وقایع ازدواج و طلاق در دفتر بعضی از علمای مذهبی یادداشت میشد ولی تمرکزی نداشت و نتیجهٔ مطلوب ، از آن حاصل نمیشد . باین مناسبت دولت ایران تصمیم گرفت که احوال شخصی را بصورت منظم و باتشریفات قانونی ، زیر نظر مسئولین مستقیمی ثبت ومتمرکز نماید . باین منظور برای اولین بار ، بموجب تصویبنامهٔ هیئت وزیران ، دراول مهر ۱۲۹۷ مقرراتی تدوین ودر تهران اجرا شد وازسال ۱۳۰٤ ببعد کم کم درسراسر کشور تعمیم یافت وادارات ثبت احوال در شهرستانها تأسیس گردید .

ادارهٔ ثبت احوال در ابتدای تأسیس ، «سجل احوال» نامیده شد و گاهی تحت نظر شهرداری و گاهی جزو یکی از ادارات وزارت کشور بود. درسال ۱۳۰۷ مستقل وبنام « ادارهٔ احصائیه و سجل احوال کل مملکتی » نامیده شد و در سال ۱۳۱٦ به «ادارهٔ آمار وثبت احوال» تغییر نام یافت . درسال ۱۳۳۷ وظایف ادارات آمار وثبت احوال ازیکدیگر تفکیك وتشکیلات فعلی ثبت احوال ، بنام «ادارهٔ کل ثبت احوال» نامیده شدوا کنون دو ادارهٔ مستقل (ادارهٔ کل ثبت احوال ـ ادارهٔ کل آمار عمومی) تحت نظروزارت کشور، امور سجلی و آماری کشور را اداره مینمایند .

یکی از اقدامات مهم واساسی ادارهٔ ثبت احوال ، ثبت وقایع چهارگانه (تولد ـ فوت ـ ازدواج ـ طلاق) است که با تأسیس دفاتری ، این عمل در قراء و قصبات وشهرستانها انجام گرفت ودر دو نوبت برای خاتمه دادن آمار ، تلاش و فعالیت شد :

اولی درسال ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ بود که نقاط آمار دیری شده بوسیلهٔ مأمورین تکمیل گردید ودیگری درسالهای ۱۳۱۵ و۱۳۱٦ بود که باتوجه و تأکیدات شاهنشاه فقید اعلیحضرت رضاشاه کبیراقدامات شدید وفوق‌العاده درکلیهٔ مناطق مخصوصاً مکران وبلوچستان بعمل آمد ودرسال ۱۳۱۷ خاتمهٔ آمار اعلام گردید.



قسمتی از تشکیلات داخلی ادارهٔ آمار عمومی

توفیق در امر خاتمهٔ آمار، درهرشهرستان، از نظر محل و موقعیت و طرز تفکر اهالی، تفاوت داشت وبآسانی‌صورت نگرفت. رویهمرفته مأمورین این‌اداره مواجه بااشکالات گوناگون بوده وحتی عده‌ای از بهترین و ورزیده‌ترین آنها، تا پای جان از انجام دادن وظایف مضایقه ننموده ودر اثر حملهٔ اشرار، شهید ویادچار نقص عضو شدند.

در سال ۱۳۰۷، شهرستانهای کشور از لحاظ تشکیلات ادارهٔ ثبت احوال،

به ۹ ناحیه تقسیم شده بود که هر ناحیه نیز بچند ادارهٔ ثبت احوال شهرستان و ان ادارات نیز بچند حوزهٔ شهری ودهستانی تقسیم میگردید . ولی درسال ۱۳۱۷ چند ادارهٔ ثبت احوال جدید بوجود آمد واین تشکیلات ، بمنظور تطبیق با سازمان سایر ادارات وهمچنین حوزه‌های نظام وظیفه ، تغییر یافت و براساس قانون تقسیمات کشور تنظیم شد و نام ناحیه باستان مبدل گردید . درسال ۱۳۳۲ از محل افزایش بهای تمبر، چند اداره وچندین حوزهٔ جدید ثبت احوال بر تشکیلات سابق افزوده شد ودر حال حاضر ۱۱۷ اداره و ۱۰۵۸ حوزهٔ شهری ودهستانی ثبت احوال و ۱۹ حوزهٔ متوفیات در نقاط مختلف کشور مشغول کار میباشند .

چون اسناد سجلی مردم هر شهرستان فقط در ادارهٔ ثبت احوال همان شهرستان متمرکز بود ودر ادارهٔ کل ثبت احوال ، دفاتری که حاوی مشخصات سجلی افراد کشور باشد وجود نداشت لذا در اردیبهشت سال ۱۳۱۷ در ادارهٔ کل ثبت احوال اداره‌ای بنام ادارهٔ نفوس تأسیس شد ودفاتر مخصوصی بنام دفتر ثبت شهرستانی بادارات ثبت احوال شهرستانها فرستاده شد که متولدین از ۱۲۸٤ ببعد ذکور و اناث را بطور جداگانه در آن دفاتر در دو نسخه ثبت و یك نسخه را بادارهٔ نفوس ارسال کنند و نسخهٔ دیگر را درهمان شهرستان بایگانی نمایند (این عمل نسبت بمتولدین هرسال ادامه دارد) بعداً متولدین پیش از ۱۲۸٤ را نیز ازروی اسناد سجلی دراین دفاتر ثبت و یك نسخهٔ آنرا بادارهٔ نفوس ارسال نمودند لذا میتوان گفت که اکنون مشخصات سجلی $\frac{۴}{۵}$ افراد کشور در این دفاتر ثبت ودر ادارهٔ کل ثبت احوال (ادارهٔ نفوس) متمرکز گردیده است.

درسال ۱۳۲۵ بموجب تصویبنامهٔ هیئت وزیران مقرر گردید اهالی شهرستانها که در تهران سکونت دارند وشناسنامهٔ خود را گم کرده‌اند ویا شناسنامهٔ آنها بعلتی قابلیت صدور رونوشت را از دست داده است واحتیاج فوری برونوشت دارند و نمیتوانند منتظر بمانند تا المثنای شناسنامهٔ آنها از شهرستان مربوط برسد ، باین قبیل متقاضیان از روی دفاتر مزبور ، گواهینامه‌ای که بمنزلهٔ رونوشت شناسنامه است صادر و تسلیم گردد .

درمرداد ١٣٣٤ ادارهٔ آمار سجلی در ادارهٔ کل ثبت احوال تشکیل گردید. این‌اداره فعلاً مشغول تنظیم دفاتری است که حاوی وقایع ولادت ومرگ ثبت شده ونمودار جمعیت هرده پس‌از کسر مردگان میباشد. این دفاتر در آیندهٔ نزدیکی کامل وحاوی آمار دقیقی ازموالید ومردگان وافراد زندهٔ هریك ازقراء کشور بوده ودرهرموقع جمعیت کشوررا بنسبت اسناد صادره درهرده ودهستان وشهرستان، جداگانه نشان خواهد داد.

ادارهٔ ثبت احوال امور خارجه تا سال ١٣٢٧ بصورت دایره و بنام اتباع شاهنشاهی ایران مقیمین خارجه تحت نظر ادارهٔ ثبت احوال اداره میشد ولی از سالها پیش‌از آن، بعلت توسعهٔ روابط بین‌المللی ورفت وآمد خارجیان بایران و ایرانیان ومخصوصاً محصلین بخارج، لزوم توسعهٔ دایرهٔ مزبور، روزبروزمحسوستر میشد تااینکه در سال ١٣٢٧ بصورت اداره‌ای در آمد واز آن سال‌تاکنون‌توانسته‌است وقایع چهارگانهٔ ایرانیان مقیم خارج‌از کشوررا ثبت ودرحدود ٢٢٠٠٠٠ نسخهٔ ثانی اسناد سجلی صادره از سفارتخانه‌ها وکنسولگریهای شاهنشاهی ایران را در بایگانی خود متمرکز نماید.

این خلاصه‌ای از فعالیت درامور ثبت احوال بود واینك اطلاعاتی مربوط به آمار بنظر میرساند:

آمارگیری وسرشماری در ایران قدیم اززمان هخامنشیان سابقه داشته منتها درهرموقع بعنوان وترتیب خاصی عمل مینمودند ولی منظور اصلی از تمام آنها، مرتب‌نمودن دفاتر مالیاتی، نظامی، کشاورزی وبازرگانی بوده وبااستفاده از همان اطلاعات، اولین بودجهٔ مملکتی در زمان داریوش کبیر تنظیم گردیده است. در دوره‌های اخیر، فقط در سال ١٢٤٩ شمسی آثاری از آمار بمنظور دانستن نفوس قراء، شهرها، خانواده‌ها وحیوانات اهلی دیده شده تااینکه در سال ١٢٩٧ ادارهٔ ثبت احوال ابتدا درتهران وبعداً درتمام شهرستانها وبخشها دایرشد وشروع بجمع‌آوری اطلاعات مربوط به‌آمار نفوس گردید. ولی‌یکی‌ازعللی که مانع‌جمع‌آوری اطلاعات آماری در آن ایام بود، نداشتن‌مأمورین مجرب وورزیده وکاردان آماری

بود . ناچار پس‌ازمطالعات لازم بمنظور تربیت یکعده کارمند مجرب، درسال۱۳۱۱ آموزشگاه اختصاصی ادارهٔ کل آمار وثبت احوال تأسیس گردید که مدت هردورهٔ تحصیلی آن یکسال بود . این آموزشگاه طی ۱۵ دورهٔ تحصیلی خود ، نزدیك به دوهزار نفر ازکارمندان ادارهٔ آمار وثبت احوال یاسایر ادارات تابعهٔ وزارت کشور فارغ‌التحصیل داشت .

چون تعیین عدهٔ نفوس کشور برتهیهٔ سایر آمارها مقدم بود واین امر بدون سرشماری آنهم باتعطیل عمومی منطقه‌ای ودر مدت کوتاهی ممکن نبود ، لذا در تاریخ دهم خرداد ۱۳۱۸ قانون سرشماری بتصویب مجلس شورای ملی رسید وبلافاصله اولین سرشماری درتاریخ اول تیرماه ۱۳۱۸ در شهر کاشان وسی‌وپنجمین سرشماری در تاریخ سوم شهریور ۱۳۲۰ در شهر شاهرود بعمل آمد و برنامهٔ کار طوری‌تنظیم شده بود که سرشماری‌عمومی، اول درچند شهر، سپس‌درچندشهرستان وپس‌از آزمایش و کسب تجارب لازم وتهیهٔ وسایل کار وتجهیز مأمورین ، یکباره در سراسر کشور انجام داده شود . ولی متأسفانه با پیش‌آمدن جنگ و گسترش میدانهای نبرد بخاك میهن ما ، این‌امر بتعویق افتاد.

بموازات نتایجی که درپیشرفت‌کار سرشماری بدست میآمد ، دراردیبهشت‌ماه ۱۳۲۰ آئیننامهٔ تشکیل شورای آمار وسرشماری بمنظور تهیهٔ آمارهای متنوع اجتماعی بتصویب هیئت وزیران رسید که آنهم بعلت پیش‌آمد جنگ ، تا دیماه ۱۳۲۵ بتأخیر افتاد.

یکی از وظایف قانونی ادارهٔ کل آمار و ثبت احوال ، جمع‌آوری اطلاعات مربوط باوضاع جغرافیائی واسامی شهرها ودهات و دهستانها بوده است که در این مورد هم اقدامات لازم معمول گردیده و کتاب اسامی دهات کشور در سه جلد تهیه شده ورسالهٔ مختصری هم درمورد آب وهوا و آثار وابنیهٔ تاریخی‌ونوع‌محصولات زراعتی واغنام واحشام هریك ازشهرستانها ضمیمهٔ آن بوده است.

در سال ۱۳۲۹ بمنظور تعیین نفوس شهر تهران وتقسیم شهر به سی بخش

برای اجرای انتخابات انجمن شهر تهران، سرشماری ساده‌ای بعمل آمد که جمعیت مقیم پایتخت را ۹۶۱۸۷۱ نفر نشان داد .

درسال ۱۳۳۱ باهمکاری ادارهٔ عملیات اقتصادی آمریکا درایران، آمار گیری نمونه‌ای کشاورزی ازشهرستانهای استان هفتم(شیراز) بعمل آمد .

درسال ۱۳۳۲ آمار گیری صنعتی شهر تهران نیز انجام داده شد که باتصویب قانون تشکیل ادارهٔ کل آمار عمومی، اقدامات ادارهٔ کل آمار وثبت احوال قطع واین وظایف بعهدهٔ ادارهٔ مزبور واگذار گردید . وهمچنین سرشماری عمومی سال ۱۳۳۵ (که ادارهٔ کل ثبت احوال وادارهٔ کل آمار عمومی بوسیلهٔ یکنفر رئیس اداره میشد) بااشتراك مساعی و کوشش فوق‌العادهٔ مأمورین ادارهٔ ثبت احوال ، درمرکز وشهرستانها بنحو احسن انجام داده شد . جمعیت شهر تهران مطابق سرشماری سال ۱۳۳۵ بالغ بر۱۵۱۰۱۹۹ نفر بوده است .

برق تهران

الف : تاریخچهٔ تأسیس بنگاه برق تهران

درحدود شصت سال قبل ، مرحوم حاجی‌حسین آقا امین الضرب که یکی از تجار ایرانی‌بود ، درصدد تأسیس کارخانهٔ برقی بر آمد و پس‌ازمذاکره بااداره‌ٔ بلدیه (شهرداری) وجلب موافقت آن اداره ، کارخانهٔ مزبور را دراول خیابان امیر کبیر (چراغ برق سابق) نصب کرد ومورد استفاده قرار داد . امور مربوط به روشنائی معابر دردایره‌ای بنام دایرهٔ روشنائی شهر تهران که زیر نظر شهرداری بود اداره میشد . قبل‌ازسال ۱۳۱۳ اولیای امور بویژه شهردار وقت احساس نموده بودند که احتیاجات سکنهٔ شهر تهران روزافزون و بیش‌ازظرفیت این کارخانهٔ کوچك‌میباشد. لذا اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر، بنا به‌پیشنهاد شهرداری وتصویبنامهٔ هیئت‌وزیران مقرر فرمودند خرید و نصب کارخانهٔ ششهزار و چهارصد کیلوواتی اشکودا عملی شود. کارخانهٔ مزبور در تاریخ ۱۳۳۳/۷/۳ ، مشتمل برچهار توربین هریك بقدرت ۱۶۰۰ کیلووات بقیمت ۹۱۸۹۰ لیره که باقساط نه گانه پرداخت‌شود توسط شهرداری تهران خریداری شد. فروشنده متعهد شده بود که کارخانه را درظرف ۲۲ ماه از تاریخ انعقاد قرارداد، نصب نماید وتحویل دهد؛ ضمناً نصب شبکهٔ شهر و کابل کشی نیز بعهدهٔ فروشنده واگذار شده بود که درمدت سه‌سال باتمام رساند وتحویل دهد. در تاریخ ۱۳۱۶/۲/۲۵ کارخانه آماده واز آن شروع به بهره‌برداری شد وچون فروشنده ضمن عقد قرارداد پیشنهاد نموده بود که برای حسن جریان امور کارخانه، سه‌نفر ازمهندسین خود را برای مدت سه‌سال بکار گمارد ، این‌موضوع نیز عملی‌شد وپس‌ازانقضاء مدت، کار کنان‌فنی که اهل‌چك‌اسلواکی‌بودند ، کارخانه را به‌کارکنان فنی ایرانی واگذار نمودند .

در سال ۱۳۱۸ مجدداً کمبود نیروی برق مشهود گردید. بلافاصله بوسیلهٔ خطوط فشارقوی، از برق کارخانه‌های سیمان وسلطنت آباد استفاده شد ومقارن آن، یك کارخانهٔ ده‌هزار کیلوواتی‌دیگر به‌شرکت اشکودا سفارش‌داده شد ولی‌متأسفانه بعلت بروز جنگ دوم جهانی، تهیه ونصب کارخانهٔ مزبور بنتیجه نرسید.

ب ـ کارخانهٔ ۸۰۰۰ کیلوواتی وستینگهاوس

دراثر عدم‌تحویل کارخانهٔ ده‌هزار کیلوواتی، وضع برق تهران‌ازلحاظ کمبود نیرو وتوسعهٔ روزافزون شهر و ازدیاد سکنه واحتیاج مبرم مردم به‌برق، بسیار بد بود. لذا بموجب تصویبنامهٔ مورخ ۲۵/۱/۲۲ هیئت وزیران، مقرر گردید که از نظر ضرورت وفوریت تأمین برق شهر، یك کارخانه بظرفیت هشتهزار کیلووات متعلق به‌ارتش آمریکا که شرکت وستینگهاوس آنرا ساخته و آمادهٔ حمل بود، بمبلغ نهصد هزار دلار بدون تشریفات مناقصه خریداری وبیست ملیون ریال وام مورد نیاز برای‌خرید وحمل‌ونصب وتکمیل شبکه، از بانك کشاورزی وپیشه وهنر ایران گرفته شود.

در مرداد همان سال، قسمتی ازماشین‌آلات مزبور که در ایتالیا موجود بود، وپس‌ازچندی بقیهٔ آنهااز آمریکا، حمل گردید. ولی‌بعلت‌مفقودشدن قسمتی‌ازماشینها وروشن‌نبودن مسئولیت نصب آن، اتمام و بهره‌برداری این کارخانه بتأخیر افتاد تاآنکه دراوایل سال ۱۳۲۶ تصمیم گرفته شد که این‌مشکل بدست مهندسین ایرانی حل گردد لذا بااقدامات ادارهٔ تسلیحات ارتش ومهندسین ادارهٔ کل برق، کارخانه پس‌ازیکسال ونیم‌نصب ودر مهرماه ۱۳۲۷ بهره‌برداری‌از آن‌شروع گردیدودرسال ۱۳۲۸ قرارداد خرید دستگاه چهارم ژنراتورتکمیلی همان کارخانه بقیمت ۱۵۰۰۰۰ دلارمنعقد و تا پایان سال مزبور تحویل ونصب گردید.

ج ـ خرید سه دستگاه دیزل‌نرد برگ

اززمستان سال ۱۳۲۸، کمبود نیروی برق بار دیگر محسوس شد وچون از مازاد نیروی برق کارخانه‌های دولتی‌هرچه ممکن بود، درساعات اول شب استفاده

شده بود ودیگر کارخانه‌ای وجود نداشت که بتوان از نیروی اضافی آن کمك موقتی گرفت لذا در تاریخ ۱۳۲۹/۲/۲٤ دو دستگاه دیزل یکهزار کیلوواتی از کارخانهٔ نردبرگ آمریکا خریداری شد. پس از نصب و بهره‌برداری از دو دستگاه دیزل مزبور، لازم بود که بنگاه برق، مادامیکه موفق نشده است مولدهای بزرگتری متناسب بااحتیاجات شهر تهران تهیه ونصب نماید، بوسیلهٔ مولدهای کوچك اقلاً بطور موقت هم که شده، تاحدی از بحران کمبود نیرو درزمستانها بکاهد، لذا چون اطلاع حاصل شد که در کارخانهٔ نردبرگ یکدستگاه دیزل ۱۹۰۰ کیلوواتی دیگر ساخته شده که آمادهٔ فروش وفرصت تحویل آن بسیار کوتاه است، دیزل مزبور با تابلو ولوازم دیگر آن، بدون مناقصه بمبلغ ۲۲۲۱۰٤ دلار خریداری شد ودر اسفند ۱۳۳٤ بهره‌برداری از آن آغاز گردید.

د ـ خرید کارخانهٔ ۱۰۰۰۰ کیلوواتی وستینگهاوس جدید

قرارداد خرید این کارخانه که مشتمل بردوواحد میباشد در بهمن ۱۳۳٤ بامضا رسید ودر اسفند ۱۳۳۵ ازواحد اول ودر بهار سال بعد، ازواحد دوم آن شروع به بهره‌برداری گردید. این کارخانه بمبلغ ۱۳۹۵۱۱٤۰۵/۸۰ ریال تمام شد.

هـ ـ استفاده از نیروی اضافی کارخانه‌های خصوصی

با وجود این اقدامات، کمبود نیروی برق مرتباً احساس میشد و بنگاههای خصوصی برق هم تأسیس شده بود. لذا در تاریخ ۱۳۳٤/۵/۱ باچهار بنگاه خصوصی که نیروی اضافی داشتند قراردادی بسته وبخرید مازاد نیروی آنها و توزیع آن باشبکهٔ بنگاه برق تهران اقدام شد.

و ـ خرید کارخانهٔ ۵۰۰۰۰ کیلوواتی آلستوم

بموازات اقدامات مذکور، توسعهٔ روزافزون شهر تهران وافزایش سکنهٔ آن، مسئولین بنگاه برق را وادار نمود که درصدد تهیه ونصب مولدهای بزرگتری که نیاز عمومی را رفع نماید برآیند لذا در سال ۱۳۳۳ مشغول مطالعهٔ مجدد شدند وچون طرح سدکرج از طرف دولت در دست اجرا بود و امید میرفت که پس از

تکمیل ساختمان سد مذکور بتوان از نیروی برقی که تولید خواهد کرد به‌برق شهر نیز کمك نمود و بادر نظر گرفتن وضع مالی بنگاه، درصدد خرید یك کارخانه بقدرت پنجاه‌هزار کیلووات بر آمدند وشرکت آلستوم برندهٔ مناقصهٔ آن گردید. در بهمن ماه ۱۳۳۳ قرارداد خرید و نصب کارخانهٔ مزبور منعقد شد وهم اکنون مهندسین کارخانهٔ آلستوم مشغول نصب و آزمایش وتحویل آن هستند. مخارج این کارخانه اعم ازخرید و نصب و بیمه کردن، بالغ بر ۵۰۹۸۰۳۵/۹ دلار شده است.

ضمناً پس‌ازخرید این کارخانه، برای توسعه وتقویت شبکهٔ شهر، اقدامات کافی بعمل آمده وقراردادی با شرکت بلژیکی سیبترا منعقد شده که قسمت مهمی ازعملیات آن تاکنون باتمام رسیده وبقیه دردست اجرا است.

مواقعی که بنگاه موفق به‌نصب مولدهای جدید گردیده، بتناسب نیروی آن مشترك قبول نموده است. عدهٔ مشترکین بنگاه ازبدو تأسیس تاپایان سال ۳۷ بالغ بر ۶۱۹۹۹ نفر گردیده است.

ز ـ استفاده ازنیروی برق سدکرج

ازموقعی که سازمان سد کرج اقدامات اساسی خودرا برای ساختن سد شروع نموده، اولیای مسئول بنگاه برق مرتباً باسازمان مزبور درتماس بوده وطرحهائی برای نحوهٔ استفاده ازنیروی برقی که سد کرج تولید خواهد نمود ورساندن آن با کمترین تلفات بشهر تهران تهیه کردند وبطوریکه سازمان مزبور اطلاع داده، مقدار نیروئی که میتوان از سد مذکور گرفت در حدود ۸۰۰۰۰ کیلووات است و بهره‌برداری از آن، دوسال دیگر امکان‌پذیرخواهدبود. برق کارخانهٔ تولید نیروی سد کرج بوسیلهٔ خط هوائی با ولتاژ ۱۳۰ کیلووات بتهران خواهد رسید.

بنگاه برق امیدوار است پیروی از منویات اعلیحضرت همایون شاهنشاه، مشکل برق تهران برای همیشه حل گردد.

لوله‌کشی آب تهران

فکر لوله کشی آب تهران درسال۱۳۰۸ بوجود آمد . در آن سال حسب‌الامر اعلیحضرت‌فقیدرضاشاه کبیر چندنفرازمهندسین شرکت کامپساکس که‌در راه آهن سرتاسری ایران‌مشغول‌کار بودند مأمور تهیهٔ طرح‌لوله کشی آب تهران شدند ولی طرحی که ایشان تهیه کردند تناسبی با وسعت شهر تهران نداشت و بهمین سبب پذیرفته نشد .

از سال ۱۳۱٤ تا ۱۳۱۷ پیشنهادهای مختلفی از شرکتهای خارجی برای لوله کشی آب‌تهران داده شد که پس از مطالعهٔ آنها و تعیین مشخصات فنی لوله‌ها وطریقهٔ تصفیه ، شهرداری‌تهران درتاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۱۷ موفق شدآگهی مناقصهٔ لوله کشی آب شهررا منتشر نماید .

پس ازنشرآگهی، درمهر۱۳۱۸چندشرکت ایرانی وخارجی ، برای‌شرکت درمناقصه پیشنهاد دادند ولی در اینموقع بعلت بروزجنگ ، مؤسسات مزبورغیراز یك شرکت فرانسوی ، از بیم آنکه نتوانند بتعهدات خود عمل کنند ، حاضر بانجام دادن این کارنشدند . درسال۱۳۱۹ مقارن‌جنگ دوم جهانی واشغال فرانسه ،شرکت فرانسوی مزبور که تنها پیشنهاد دهنده درمناقصه بود ، تهیهٔ مصالح ولوازم کار را خارج از قدرت خود دیدواز تعقیب امرمنصرف گردید لذا شهرداری باتوجه‌باینکه تهیهٔلوله ولوازم‌کار از خارج کشور تاخاتمهٔ جنگ مقدور نخواهد بود ، بمناقصه گذاردن مجدد طرح لوکشی را موکول ببعد نمود واین وضع تاسال ۱۳۲۰ بطول انجامید ودر این سال بعلت اشغال ایران ازطرف متفقین ، امرلوله کشی متوقف‌شد. بالاخره درسال ۱۳۲۵ شهرداری تهران آگهی مناقصهٔ طرح‌لوله کشی شهرتهران‌را برای شرکتهای خارجی‌منتشر وبرای انجام دادن این امر ، اداره‌ای‌بنام«لوله کشی» تأسیس نمود . شرکت الکساندر گیپ برندهٔ مناقصه گردیدو قراردادلازم‌باشرکت

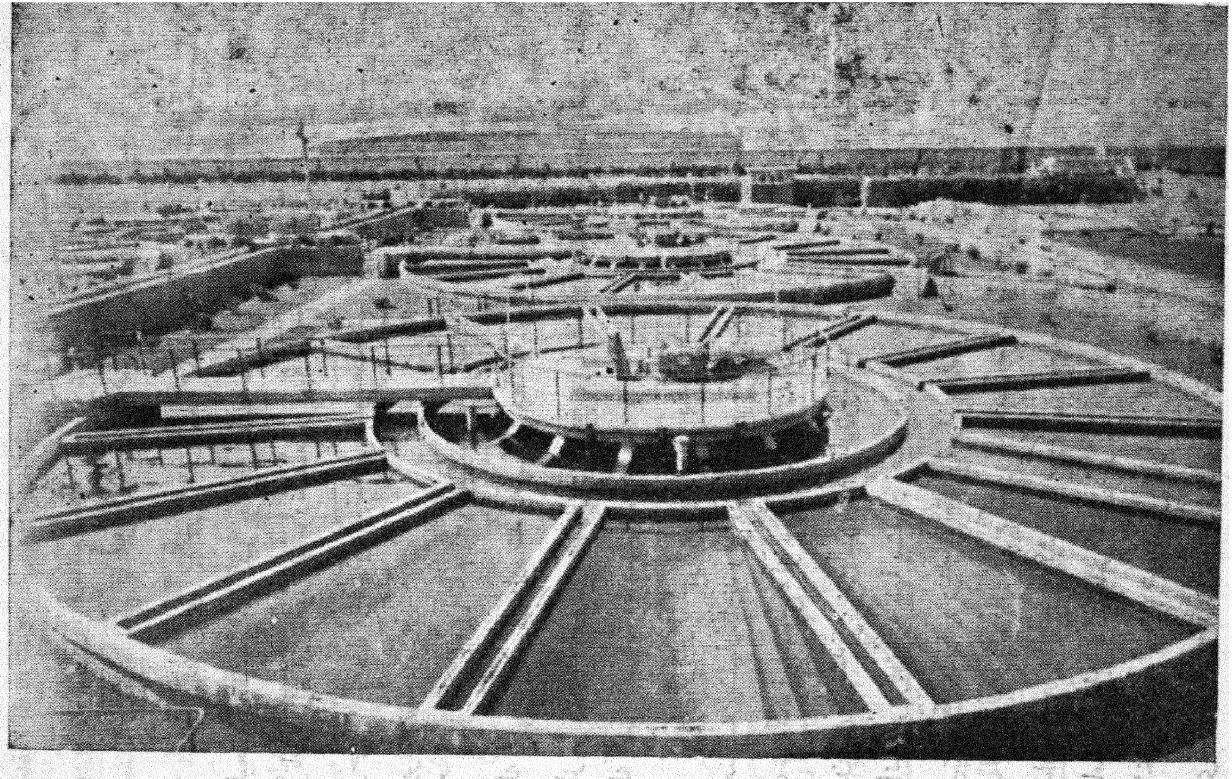

منظرهٔ حوضهای ته نشینی

مزبور ، در آبانماه ۱۳۲۵ بسته‌شد . امادر امر لوله کشی آب تهران سه اشکال پیش آمد؛ یکی فراهم کردن اعتبار هنگفتی بود که برای چنین طرح وسیعی کفایت کند و دیگری کمبود آب تهران و سومی تهیهٔ زمینهای مورد نیاز تأسیسات لوله کشی بود . در تیرماه ۱۳۲۸ ضمن قانون دوازدهم بودجهٔ کل کشور که از تصویب مجلس شورای ملی گذشت ، ببانك ملی ایران اجازه داده‌شد تامیزان یکهزار ملیون ریال بشهرداری تهران اعتبار بدهد که بانظارت آن بانك بمصرف لوله کشی آب برسد . و نیز در همان سال ، تصویبنامهٔ تحدید حدود شهر تهران از هیئت وزیران گذشت و بموجب آن ، زمینهای مورد نیاز لوله کشی ، جزو شهر تهران محسوب و بالنتیجه مشمول قانون توسعهٔ معابر گردید . بدین ترتیب دومشکل لوله کشی حل شد و برای تأمین کمبود آب تهران، مسئلهٔ ساختن سد کرج موردتوجه قرار گرفت و برای این کار کمیسیونی درشهرداری تشکیل و مصمم بساختن سد بهزینهٔ سازمان آب تهران و بنگاه مستقل آبیاری و بنگاه برق تهران گردید ولی تصمیم مزبور بمرحلهٔ عمل در نیامد .

در بهمن ۱۳۲۸ ، مسئولیت انجام دادن لوله کشی بعهدهٔ مدیر کل لوله کشی واگذار شد ودر آذر ۱۳۲۹ مناقصهٔ لوله گذاری شبکهٔ شهر بعمل آمد . در این ایام بااینکه بعلت مشکلات مالی وسیاسی موجود در کشور ، کار لوله کشی کند صورت میگرفت ، پیشرفت کار ساختمانی آبگیر کرج و نصب لوله‌های پولادی خط کرج به کن وساختمان کانال کن بتهران رضایت بخش بود و رویهمرفته چهل درصد ازمجموع کار آنها انجام یافته بود . همچنین در این سال ، قراردادی بین وزارت کشاورزی و شهرداری و سازمان لوله کشی منعقد و بموجب آن، عملیات حفر قنات شیان درشمال شرقی تهران، بسازمان لوله کشی واگذار وحفر قنات مزبور نیز شروع گردید .

درسال ۱۳۳۲ سازمان لوله کشی تصمیم گرفت آب بعضی از چاههای عمیق را که شهرداری تهران حفر نموده بود، درقسمتی ازشبکهٔ شهر جاری کند و بدین ترتیب آب پاکیزه‌ای را که مترمکعبی ۵ ریال قیمت گذاری شده بود در بسیاری از محلات جنوب شهر توزیع نمود .

دراواخر سال ۱۳۳۲ بااینکه قسمت مهمی از کارهای لوله کشی انجام گرفته بود،

سازمان دچار مضیقهٔ مالی گردید ومسلم شد که برای تکمیل لوله کشی آب تهران اعتبار بیشتری لازم است لذا درسال ۱۳۳۳ لایحه‌ای بوسیلهٔ وزارت کشور تقدیم مجلس شورای ملی گردید که علاوه براینکه حدود وظایف واختیارات سازمان آب را روشن میکرد، اجازه میداد که برای تکمیل لوله کشی، علاوه بر یکهزار ملیون ریال که قبلاً دریافت شده بود، سیصد ملیون ریال دیگر از بانک ملی دریافت گردد وتاتصویب لایحهٔ مزبور، وزارت دارائی پنجاه ملیون ریال بعنوان تنخواه گردان در اختیار سازمان گذاشت.

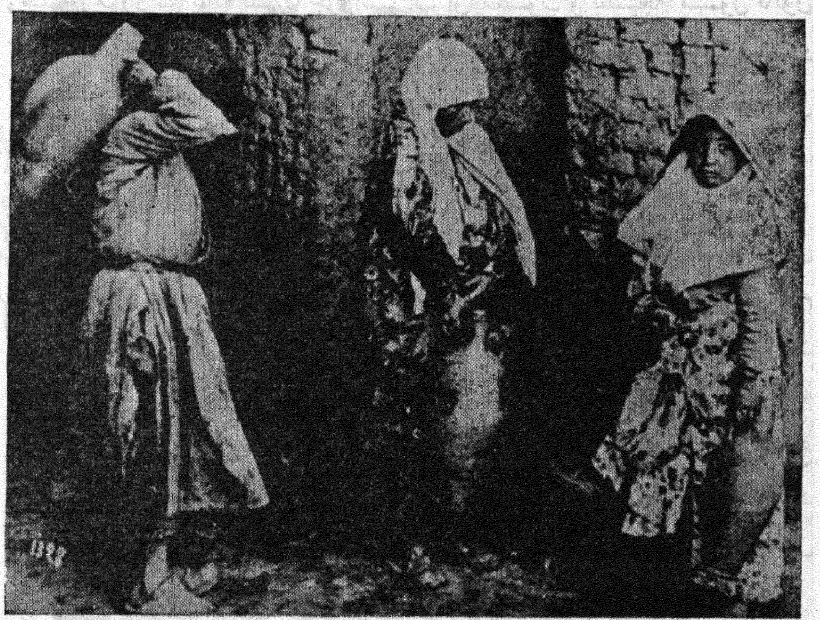

وضع تأمین آب آشامیدنی مردم درقدیم

روز چهارم آبان ماه ۱۳۳۳، سازمان، نصب انشعابات لوله کشی بمنازل واماکن عمومی را آغاز کرد وبااقدامات مداومی که درساختمان ونصب ماشینهای تصفیه‌خانه صورت میگرفت، تأسیسات سازمان آب تهران تاسال ۱۳۳٤ تکمیل وآمادهٔ بهره‌برداری شد. در پنجم آبانماه ۱۳۳٤ مرحلهٔ اول ساختمان تأسیسات سازمان آب

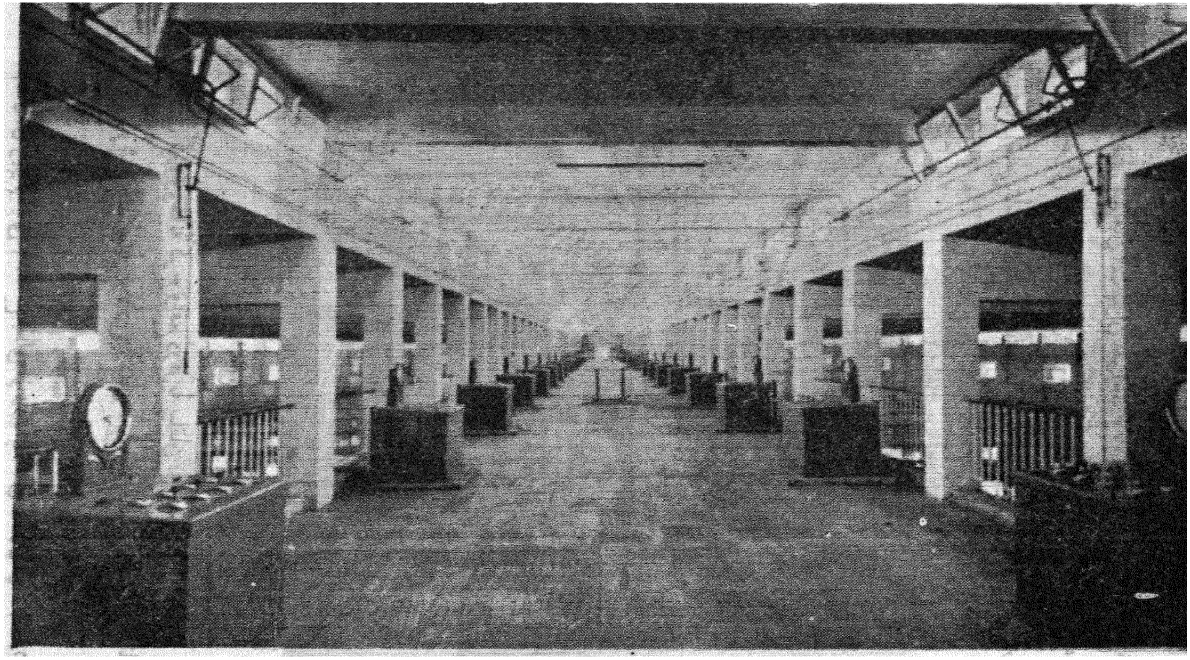

نمای داخلی سالن مرکزی صافیها

پایان یافت و بهره برداری از این مرحله ، بدست مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاه و بابیانات ملوکانه آغاز گردید .

تأسیسات فعلی سازمان آب تهران بظرفیت ۲۲۵۰۰۰ مترمکعب آب در شبانه‌روز بوده و در اجرای طرح ، پیش بینی های لازم بمنظور توسعهٔ تدریجی شده است.

قسمتهای اساسی تأسیسات آب تهران که ساخته شده و فعلاً از آنها بهره برداری میشود عبارتند از :

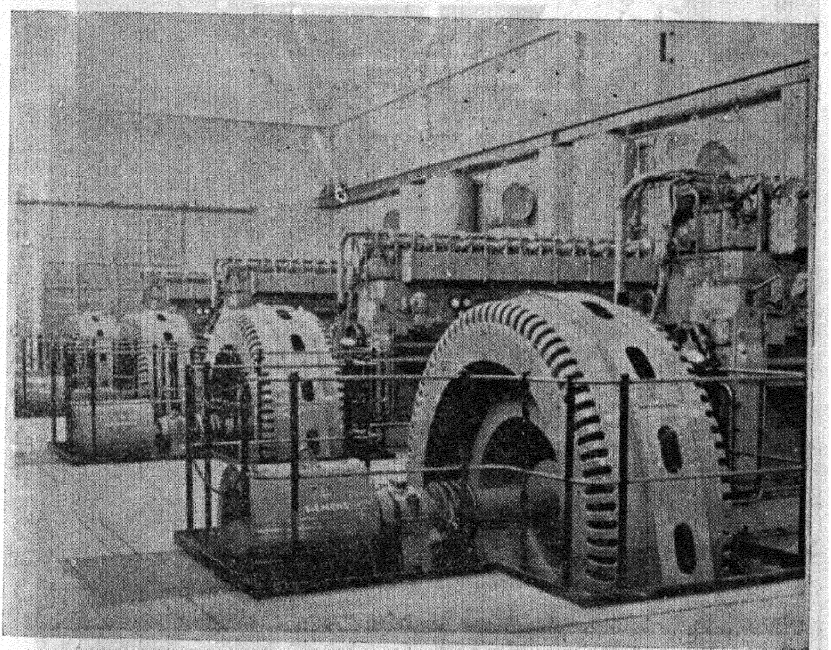

نمای داخلی مرکز تولید نیروی برق

۱- آب گیر رودخانهٔ کرج واقع درقریهٔ بیلقان .

۲ - دو رشته خط لولهٔ فولادی انتقال آب خام از کرج بتهران تا ساحل رودخانهٔ کن .

۳- کانال زیر زمینی بامصالح بنائی از رودخانهٔ کن تامسیل امیرآباد ودورشته خط لوله از انتهای کانال تاتصفیه‌خانه .

٤ـ تصفیه‌خانهٔ آب‌تهران شامل کانال ورود آب‌خام ـ حوضهای ته‌نشین کنندهٔ گل‌ولای ـ صافیها وتأسیسات استریلزاسیون ـ مخزن آب‌تصفیه شده ـ تلمبه‌خانه ـ مرکز پخش‌دارو ـ تأسیسات‌جمع آوری وخشك کردن گل‌ولای ـ مرکز تولیدنیرو.

٥ـ کارخانه‌های تهیهٔ مواد شیمیائی .

٦ـ شش مخزن‌سرپوشیدهٔ آب‌تصفیه شده .

٧ـ شبکهٔ توزیع آب از مخازن تاخیابانها و کوچه‌های اصلی‌و فرعی‌شهر .

٨ـ انشعاب آب خانه‌ها ومستغلات .

٩ـ ساختمان آزمایش تعمیر کنتور وتعمیر گاه .

١٠ـ ساختمانهای‌ادارهٔ مرکزی وباجهٔ جنوب‌پارك‌شهر وانبار لوازم .

سد کرج

تقریباً از سی سال قبل که قسمتی از آب رودخانهٔ کرج ، برای رفع کمبود آب تهران باین شهر آورده شده، بعلت ازدیاد نفوس وتحولات صنعتی و اجتماعی ، مصرف آب و برق در این شهر بقدری افزایش یافته که برای رفع کمبود آندو ،راهی جزساختن سد کرج بنظر نرسیده است .

طرح سد کرج را ابتدا مهندسین فرانسوی تهیه نمودند ؛ سپس ادارهٔ آبیاری دولت آمریکا این طرح را مطالعه و پیشنهاد نمود بضخامت وارتفاع سد افزوده شود. روی این پیشنهاد بیش از یکسال بحث و مشاوره و بالاخره قرار شد یك شرکت مهندسی مشاور معروف ، مطالعات را دنبال نماید. شرکت بین المللی مهندسی هارزا برای این منظور انتخاب گردید و طرح کاملی تهیه کرد و بتصویب یك هیئت عالی مشاور بین المللی رسانید . بموجب این طرح، ارتفاع پیشنهادی مهندسین آمریکائی و نوع سد پیشنهادی مهندسین فرانسوی انتخاب گردید .

محل سد در کیلومتر ۲۳ جادهٔ کرج به چالوس میباشد . در اینجا سدی از نوع قوسی نازك از بتن با دوانحنای عمودی و افقی ساخته میشود. پشت این سد ، دریاچه‌ای برای ذخیره کردن مازاد آب زمستان و بهار احداث میگردد و چون احتیاج آب تهران بیشتر در روز ولی احتیاج برق آن در اوایل شب میباشد ، یك سد بتنی دیگر نیز تقریباً بفاصلهٔ ۱۱۰۰ متر پائینتر از سد بزرگ بارتفاع چهل متر، برای تنظیم آب ساخته میشود. آب از دریاچهٔ پشت سد بزرگ بوسیلهٔ سه لولهٔ پولادی به توربینهای برق هدایت و پس از تولید برق، داخل دریاچهٔ کوچك دومی میگردد و از آنجا بتدریج برای مصرف تهران رها میشود .

مشخصات عمدهٔ سد بقرار زیر است :

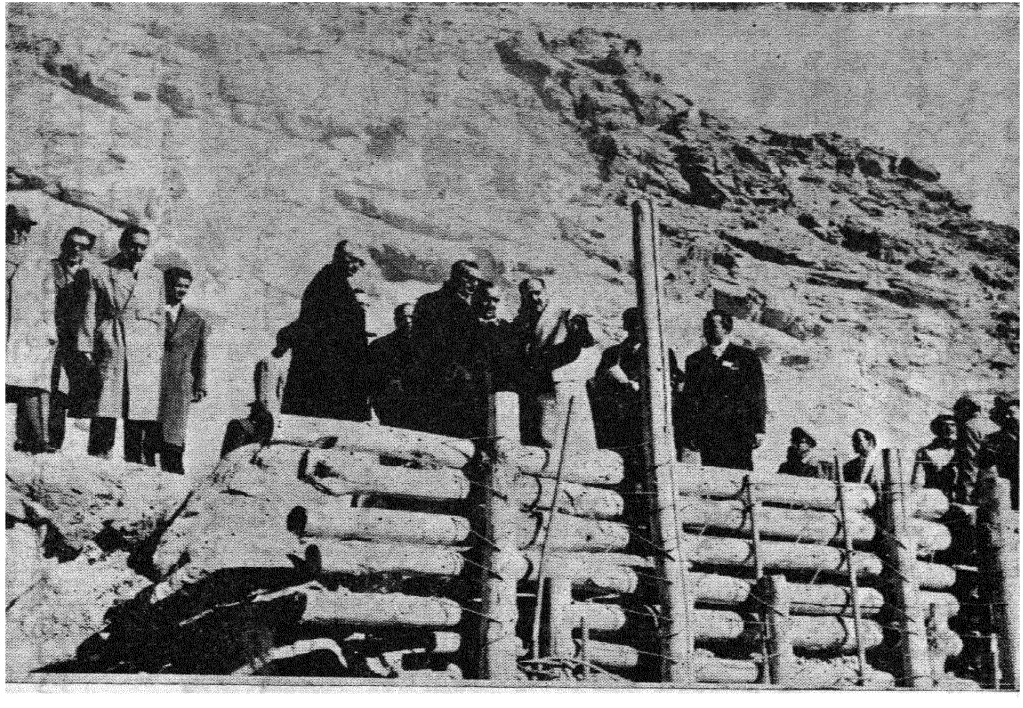

اعلیحضرت همایون شاهنشاه شخصاً از آغاز بتن‌ریزی سد کرج بازدید میفرمایند

الف- سد اصلی بتنی:

۱- ارتفاع از کف پی	۱۸۵ متر
۲- طول قوس سد در بالا	۳۹۰ »
۳- حداکثر ضخامت در کف	۳۰ »
٤- حجم بتن سد و سرریز در حدود	۸۵۰۰۰۰ متر مکعب
٥- ظرفیت سرریز	۱٤٥۰ » »
٦- حجم آب ذخیره شده در پشت سد	۲۰٥ ملیون متر مکعب
۷- طول دریاچهٔ پشت سد	۱٤ کیلومتر

ب - سد تنظیم کننده :

۱- ارتفاع از کف پی	٤۰ متر
۲- طول سد در بالا	۱۱۰ »
۳- حجم بتن	٤۰۰۰۰ متر مکعب

ج - نیروی برق :

۱- قدرت نصب شده - سه واحد	۱۱۰۰۰۰ کیلووات
۲- قدرت هر واحد	٤۹۷۰۰ اسب بخار
۳- نیروی متوسط تحویلی سالیانه	۱٤۹۰۰۰۰۰۰ کیلووات ساعت
٤- طول خط انتقال نیرو	٦۰ کیلومتر
٥- فشار خط انتقال نیرو	۱۳۲۰۰۰ ولت

قرارداد ساختن سد کرج :

انجام دادن عملیات ساختمان سد کرج بموجب تصویبنامهٔ هیئت وزیران بسازمان سد کرج واگذار شده است .

اولین قرارداد کارهای مقدماتی سد کرج در تاریخ ۷ آذر ماه ۱۳۳۲ بین سازمان برنامه و شرکت موریسن نودسن منعقد گردید . در این قرارداد، شرکت موریسن نودسن تعهد نمود کارهای مقدماتی را از قبیل ساختن منازل مسکونی جهت

کارمندان ایرانی و آمریکائی ـ کوی کارگران انبارها ـ تعمیرخانه‌ها ـ جادهٔ انحرافی ـ تونلها وغیره انجام دهد .

انجام عملیات فوق بعلت مشکلات مالی دولت وسازمان برنامه مدتی بتعویق افتاد . در نهم دیماه ۱۳۳۵ در تعقیب قرارداد فوق ، قرارداد دیگری برای تکمیل جادهٔ انحرافی باشرکت موریسن نودسن منعقد شد . دراین قرارداد شرکت بین‌المللی

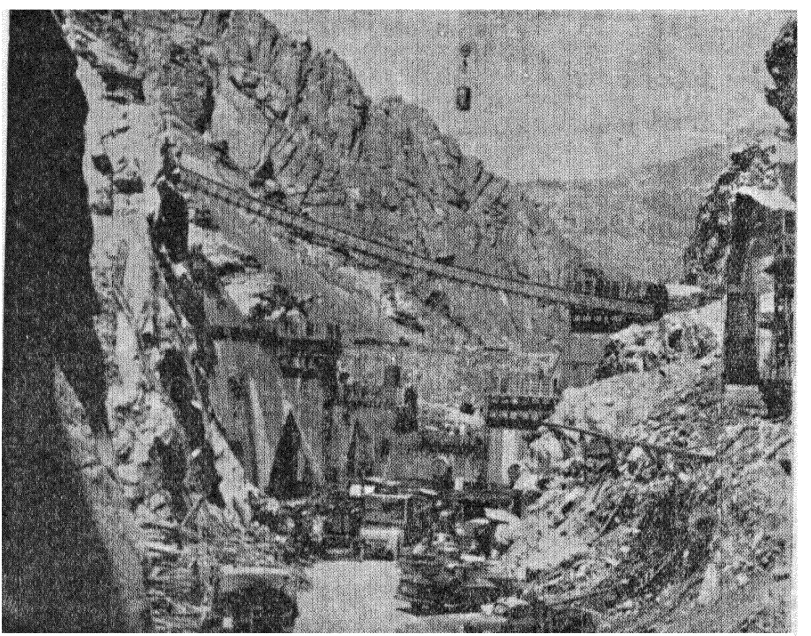

قسمتی از عملیات ساختمانی سد کرج

مهندسی هارزا بعنوان مهندس مشاور تعیین گردید . در تاریخ بیست و نهم مهرماه ۱۳۳۶ آخرین قرارداد بین سازمان سد کرج بنمایندگی سازمان برنامه وشرکت موریسن ـ نودسن، برای اتمام ساختمان جادهٔ انحرافی ـ ساختمان سد ـ سرریز ـ مرکز تولید نیرو ـ خط انتقال نیرو و کارهای دیگر مربوط به طرح سد کرج منعقد گردید . مدت اتمام کار برطبق این قرارداده ٤ ماه میباشد که ۲۱ ماه آن منقضی شده است . مدت بتن‌ریزی

سد ۳۰ماه تعیین‌شده ولی مسئولین شرکت موریسن نودسن امیدوارند که آنرا ۳ ماه زودتر پایان دهند .

پیشرفت کارهای ساختمانی سد کرج تا آخر تیرماه ۱۳۳۸

عملیات انجام یافتهٔ ساختمانی سد کرج شامل سه مرحله بشرح زیر میباشد:

مرحلهٔ اول ـ عملیات ابتدائی:

الف ـ جادهٔ انحرافی:

چون درحین ساختن سد، عبورومرور در جادهٔ کرج به چالوس در محل سد قطع میگردید و پس از ساختن سد نیز مقداری ازاین جاده دردریاچهٔ پشت‌سدغرق خواهد گشت ناچار اقدام بساختن جادهٔ انحرافی گردید .

این جاده بطول۱۷ کیلومتر است ومسیر آن از کیلومتره/۲۰راه فعلی کرج به‌چالوس‌شروع و بوسیلهٔ پل‌بزرگی به‌دست چپ رودخانه منتقل‌شده از بالای دریاچهٔ پشت سد میگذرد ودر نزدیکی پل‌خواب بهمان جاده متصل میگردد .

این جاده شامل۸تونل ویك پل دارای دودهانه، هریك بطول۱۲ متر میباشد. ساختمان این‌جاده و پل آن به‌اتمام رسیده است .

ب ـ عریض کردن وتعمیر جادهٔ کرج به‌چالوس‌تامحل سد :

چون عرض جادهٔ کرج به‌چالوس برای حمل‌سیمان‌وماشین آلات مربوط‌به‌سد بوسیلهٔ کامیونهای بزرگ کافی‌نبود وامکان‌خطر وتصادم برای رانندگان، بخصوص در سر پیچها داشت،اقدام بعریض کردن این جاده از کرج تامحل سد (بطول ۲۱ کیلومتر) گردید. عرض‌متوسط جاده پس از عریض‌شدن ۱۰متر ودرسرپیچهابیشتر از ۱۰ متر است وپلهای آن نیز بتناسب عریض شده ومسافت دید تا حدامکان زیاد گردیده است . این‌قسمت‌کار بکلی خاتمه یافته و جادهٔ مذکور اکنون در تحویل وزارت راه میباشد.

ج ـ ساختمانهای کارگاه:

درکارگاه، برای‌سکنای کارگران‌وکارمندان ورفع‌احتیاجات کارگاه،عمارات زیرساخته شده‌است :

۱- ۱۶ منزل مسکونی برای کارمندان متأهل ایرانی و آمریکائی شرکت بین‌المللی موریسن نودسن .

۲- یازده دستگاه منزل مسکونی برای کارمندان متأهل ایرانی و آمریکائی شرکت بین‌المللی مهندسی مشاور هارزا .

۳- ساختمانهائی در قرارگاه اصلی از قبیل ۹ دستگاه خوابگاه برای کارمندان

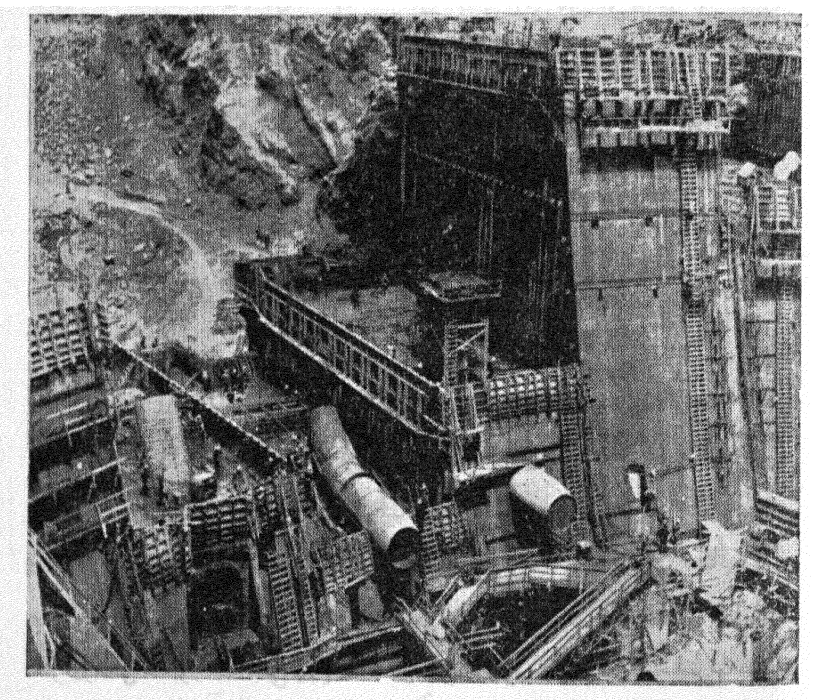

منظرهٔ جلوسد ومحل کارخانهٔ موله برق

مجرد - سه رستوران - تالار استراحتگاه - محل لباس‌شوئی - بیمارستان - تلفنخانه - دفترهای مهندسین سازمان سد کرج و نظارت مالی سازمان برنامه و شرکت موریسن - نودسن و شرکت بین‌المللی مهندسین مشاور هارزا .

۴- ساختمانهای متعدد برای نجاری - برق - کارگاههای تعمیر ماشین آلات ومته‌ها وادوات برقی وادوات لوله کشی آب - انبار لوازم یدکی ماشین آلات - انبار

مصالح ساختمانی-انبار ذخیرهٔ لوازم برق ولوله کشی آب - شش دستگاه انبارذخیرهٔ دینامیت - محل توزیع بنزین وروغن - تلمبه‌خانه - یکدستگاه عمارت دوطبقه بعنوان دیدگاه شماره یك سد کرج . این ساختمان درمحلی واقع است که از آنجا عملیات بتن-ریزی سد ودریاچهٔ پشت آن بخوبی دیده میشود .

مرحلهٔ دوم - عملیات مقدماتی ساختمان خود سد:

الف - تونل انحرافی آب رودخانه:

بعلت سرعت جریان وفشار آب دراین تونل ، ممکن بود آب بدنهٔ تونل را بشوید. برای جلوگیری از این خطر وافزودن مقدار آبی که از تونل خارج میشود، تصمیم به بتن‌ریزی جدار داخلی تونل گرفته شد . عملیات بتن‌ریزی جدار داخلی در اوایل خرداد ۱۳۳۶ شروع ودراوایل بهمن ۱۳۳۶ ختم گردید .

ب- عملیات اکتشافی:

۱- تونلهای اکتشافی - جمعاً ٦ تونل اکتشافی در نقاط مختلف وبدنهٔ کوه ومحل پایهٔ سد زده‌شده. دراطاق آزمایش هریك از تونلها ،برای تعیین ضریب ارتجاعی سنگهای بدنهٔ کوه، بوسیلهٔ جك هیدرولیکی ۳۳۰ تنی آزمایش بعمل آمده .

۲- کمانه‌زنی وتزریق سیمان - برای تعیین نوع سنگ درطبقات تحتانی زیر پایهٔ سد واطلاع ازشکستگی ودرزاین سنگها ، جمعاً ٥۷۷ کمانه از عمق ۱۵ تا ۷۵ متر درمحل سد بزرگ اصلی و٤۷ کمانه درمحل سد کوچك تنظیم کننده، باسرمته‌های الماسی زده شده و در اغلب این کمانه ها ، آب تحت فشار ، آزمایش شده . برای پر کردن درزهای احتمالی سنگهای طبقات تحتانی زیر پایهٔ سد وتقویت تکیه گاههای سد، درکلیهٔ کمانه‌های محل سد بزرگ اصلی، سیمان بافشار تزریق گردیده . جمعاً مقدار ٤۰۸ تن سیمان دراین کمانه‌ها تزریق شده‌است .

ج - ساختمان یك راه فرعی بمحل دستگاه مولدبرق

این راه در جادهٔ چالوس از محلی واقع در مقابل قرارگاه اصلی وپائینتر از

سد تنظیم کنندهٔ آب شروع و به‌محل دستگاه مولد برق واقع درزیرسد اصلی ختم میگردد. طول این جاده ۱۶۰۰ متر است ودارای‌سه تونل میباشد .

د ـ تأسیسات برای بتن‌ریزی :

۱ـ یك جادهٔ فرعی از بین تونلهای ۲و۳ از جادهٔ انحرافی ساخته شده است که بمحل استقرار دستگاههای بتن‌ریزی منتهی میگردد .

۲ـ برای تهیه وذخیره کردن شن‌وماسه جهت بتن‌ریزی و نصب دستگاههای مربوط بآن ، قسمت وسیعی از کوه بریده شده‌و تسطیح گردیده . برای‌حفاظت‌این ناحیهٔ مسطح شده، آب دره بوسیلهٔ تونلی بمقطع ۱۰ متر مربع که از شمال جادهٔ انحرافی‌شروع وبمحلی خارج ازمنطقهٔ‌تسطیح شده ختم میشود ، منحرف گردیده. طول این‌تونل ۳۱۰ متر است .

۳ـ یك‌دیوارقوسی سنگی برای ذخیره کردن سنگ ساخته شده است.

٤ـ ۷دستگاه‌تونل‌بتنی برای‌حمل‌شن وماسه وتوزیع سیمان احداث گردیده‌است .

۵ـ نصب دستگاههای مربوط به‌بتن‌ریزی از قبیل‌دستگاههای اصلی وثانوی سنگ‌خرد کنی ـ دستگاه‌تهیهٔ ماسه‌از سنگ ـ دستگاه طبقه‌بندی ماسه ـ دریچه‌های لرزشی درتونلهای توزیع ماسه وسیمان ـ سه‌عدد سیلو برای ذخیره کردن سیمان ـ برجهای تخلیهٔ سنگ وماسه ـ دستگاه توزیع مصالح ومخلوط کنندهٔ بتن ـ برجهای کابل متحرك برای بتن‌ریزی‌سد ـ راه آهن حمل‌بتن به‌تونل،تماماً ساخته و آزمایش شده ومشغول کارمیباشد .

٦ـ ساختمان راه‌فرعی بمعدن‌سنگ تمام‌شده است واز آن استفاده‌میشود .

۷ـ پی کنی وحفاری سنگی درپایه‌های سد وسرریز تمام‌شده ولی بتن‌ریزی سرریز هنوز انجام نیافته است .

مرحلهٔ‌سوم ـ ساختمان‌خودسد:

در تاریخ ۲ آذر ۱۳۳۷ در پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه، بتن ریزی سد شروع گردید . تا آخر تیرماه۱۳۳۸ ، درمحل‌سد ۱۰۰۰۰۰مترمکعب و درمحل

ساختمان دستگاه مولد برق ۷۰۰۰مترمکعب بتن‌ریخته‌شده وقسمت انتهائی سه‌لولهٔ هدایت کنندهٔ آب به توربینها، در بتن نصب شده‌است . روزانه‌تامیزان ۱۵۰۰مترمکعب بتن بوسیلهٔ دو برج کابل‌متحرك ریخته میشود .

برای عبور دادن آب رودخانه پس از آنکه تونل انحرافی آب را مسدود نمودند ، در بدنهٔ سددر کف رودخانه‌دولولهٔ فولادی بقطر۲/۵متر ویك‌لولهٔ‌فولادی بقطر یك متر نصب شده است . پس از اتمام ساختمان سد ، این لوله‌ها را مسدود مینمایند و آب‌اضافی دریاچهٔ‌پشت سد که‌از سیلاب رودخانه حاصل میشود ، ازسرریز خارج میگردد .

وزارت امور خارجه

تاریخچهٔ تأسیس وزارت امورخارجه

امپراطوری عظیم ایران از عهد باستانی با کشورهای معظم وقت ، مراودات سیاسی داشت ؛ اغلب رسولانی بدربارهای آنها میفرستاد و یا فرستادگان آنها را میپذیرفت . این‌قبیل مناسبات که بیشتر مربوط به جنگ یاصلح بین‌ایران و سایر کشورهابود اغلب جنبهٔموقت داشت‌وبافیصله‌یافتن موضوع‌مورد اختلاف‌یامذاکره، مأموریت فرستادگان نیز خاتمه مییافت . بتدریج که مراودات بین دول توسعه یافت اعزام‌فرستادگان‌نیز فزونی گرفت‌تاحدیکه‌هر کشور بنابر آداب وسنن‌خود،مقررات خاصی را برای اعزام یاپذیرفتن آنها اجرا نمود . در زمان حکومت صفویه ، چون دولت واحد و مقتدری در ایران بوجود آمد که اکثر اوقات بادولت عثمانی در کشمکش بود ، روابط سیاسی دولت ایران بادول اروپائی که بادولت‌عثمانی رابطهٔ خوبی نداشتند توسعهٔ بسیار یافت بطوریکه در این دوران کمتر اتفاق میافتاد که یك‌یاچند سفیراروپائی در دربارپادشاهان صفوی حضورنداشته ویافرستادگان‌ایرانی در راه کشورهای اروپائی نباشند .

تاریخ روابط سیاسی ایران بادول اروپائی درزمان سلاطین صفوی و داستان سفرائی که بدربار ایران آمده و یا از طرف ایران بدربارهای اروپائی فرستاده شده‌اند ، موضوع بسیارجالبی است که دراینجا مجال شرح آن‌نیست وسیاحانی‌چون شوالیه‌شاردن وتاورنیه و آدام‌اولئاریوس که خود مسافرتهائی بایران کرده و از نزدیك شاهد وقایع بوده‌اند، دربارهٔ آن بتفصیل قلمفرسائی کرده‌اند . خلاصه آنکه توسعهٔ روابط بین‌ایران و کشورهای‌اروپائی واصطکاك منافع شرق وغرب ، برخی از کشورها را بفکر اعزام نمایندهٔ دائمی بدربار ایران انداخت ؛ چنانکه برای

نخستین‌بار درسال ۱۸۰۱میلادی دولت انگلستان تصمیم گرفت سرجان‌ملکم‌را بسمت سفیردائمی،روانهٔایران کند . این‌رویه یعنی اعزام تصادفی سفرا یانمایندگان‌سیاسی، تاسال۱۸۱۵ که تاریخ تشکیل کنگرهٔ وین است ادامه داشت . بطوریکه میدانیم کنگرهٔ مزبور مقررات‌خاصی را برای روابط سیاسی بین دول اروپائی وضع کرد وازن ز آمان ببعد دراروپا وزارتخانه‌ها وتشکیلات ثابتی برای این منظور تأسیس گردید وبعدهاسایر کشورها نیز بممالك‌اروپا تأسی کردند . اند کی‌قبل ازاین‌تاریخ، چون روابط بین‌ایران ودول بیگانه روبازدیاد گذارده بود و لزوم مرجع خاصی برای مراجعات واخذ تماس باآنها احساس میشد ، فتحعلیشاه‌قاجار ، میرزا رضاقلی نوائی (منشی‌الممالك) راکه سمت وزارت داخله رانیز دارا بودازطرف خوددرسال ۱۲۲۴هجری‌قمری (۱۸۰۹میلادی)مأمور مرجوعات خارجی کرد . بعدها بعلت‌بروز جنگهائی بین ایران وروسیهٔ‌تزاری وتوسعهٔ مراودات باکشورهای همجوار وانعقاد پیمانهای متعدد ، لازم شد که‌ادارهٔ‌مخصوصی برای رسیدگی بروابط خارجی کشور تأسیس گردد . باین‌منظور میرزاعبدالوهاب‌نشاط (معتمدالدوله) درسال۱۲۳۶هجری قمری بسمت «انتظام مهام‌خارجه» معین شد ولی اوهیچگاه‌دراین‌شغل عنوان وزارت نداشت . فتحعلیشاه در سال۱۲۳۹هجری‌قمری موقعی که دراصفهان‌بود ، حاجی‌میرزا ابوالحسن‌خان‌شیرازی معروف به‌ایلچی را که چندین دفعه بعنوان سفیر بدربارهای اروپائی رفته بودبوزارت دول‌خارجه منصوب کرد واین گویا اولین مرتبه است که در تاریخ ایران نامی از وزیر دول خارجه و وزارتی باین عنوان برده میشود . حاجی‌میرزاابوالحسن‌خان تازمان فوت‌فتحعلیشاه دراین‌سمت‌باقی ماند ودر آن‌تاریخ بواسطهٔ اختلافی که برسرطرفداری‌از علیشاه‌ظل‌السلطان، بامیرزاابوالقاسم‌قائم‌مقام پیدا کرد از آن‌شغل بر کنار وبصحن‌حضرت‌عبدالعظیم‌پناهنده شد وتاقائم‌مقام‌باقی‌بود در آنجا متحصن‌میزیست . در دورهٔ صدارت قائم‌مقام ، ادارهٔ امور سیاسی باخود او بود وپسرش میرزاعلی دراین‌کار باپدرمعاضدت مینمود .

حاجی‌میرزا آقاسی‌در بدوصدارت، وزارت دول‌خارجه را بعهدهٔ میرزامسعود انصاری گرمرودی گذاشت ولی عملاً خود اوعهده‌دار این‌کار بود وتا اواخر دوران صدارت، مرجع واقعی امورخارجه بشمارمیرفت .

درسال١٢٥٤ هجری‌قمری، موقعی که محمد شاه در هرات بود ، میرزا مسعود گرمرودی بدستور فرهاد میرزانایب‌الایاله ، مأموریتی بخراسان پیدا کرد و چون از آنجا باردو گاه محمدشاه بهرات رفت حاجی‌میرزا آقاسی اورا همانجا نگاهداشت وباردیگر حاجی میرزاابوالحسن شیرازی را بسمت وزیر دول خارجه معین نمود . نامبرده این‌بار تاسال١٢٦٢ هجری‌قمری که تاریخ در گذشت اوست باین سمت باقی ماند و پس ازاو ، میرزا مسعود مجدداً این مقام را احراز نمود . بعد از فوت میرزا مسعود، صدراعظم‌وقت میرزاتقی‌خان‌امیر کبیر شخصاً ادارهٔ امور خارجه را بعهده گرفت‌ومیرزامحمدعلیخان‌شیرازی خواهرزادهٔ میرزاابوالحسن‌خان سمت‌نیابت‌اورا داشت . در رمضان١٢٦٧ میرزامحمدعلیخان مستقلاً وزیر دول‌خارجه شد و پس از فوت اودر١٢٦٨ میرزاسعیدخان مؤتمن‌الملك که سمت ریاست دارالانشاء خاصه و محرمانهٔ امیر کبیر را داشت بدواً از طرف ناصرالدین شاه بعنوان دبیرمهام خارجه ویکسال‌بعد رسماً بوزارت‌خارجه معرفی گردید ولقب جناب گرفت.

میرزاسعیدخان که اصلاً ازاهالی قریهٔ‌اشلق‌رود از بلوك گرمرود آذربایجان بود مردی ادیب وخوشنویس‌بود وکارخودرا ازمنشیگری در دستگاه‌میرزاتقی‌خان امیرنظام شروع‌نمود وتاسال ١٢٩٠ هجری‌قمری یعنی متجاوز از بیست و یکسال سمت وزارت‌خارجه را داشت . دراین‌وقت حاجی‌میرزاحسین‌خان‌سپهسالار که از صدارت عزل شده بود بوزارت‌خارجه منصوب شد . میرزاسعیدخان مجدداً در سال ١٢٩٧ باین‌مقام باز گشت واین بار ، تافرارسیدن مرگش که در سال ١٣٠١ هجری قمری اتفاق افتاد باین‌سمت باقی بود . میرزاسعیدخان‌مؤتمن‌الملك‌را بعلت‌طول‌مدت وزارت وعلاقهٔ‌خاصی که بوزارت‌خارجه داشت، درواقع‌میتوان بنیان گذاروسازمان‌دهندهٔ این وزارتخانه دانست . وی درمدت بیست و پنج سال دوران وزارت خود ، برموز سیاسی مملکت آشنائی و بصیرت کامل پیدا کرد ودر دوران دوم وزارت‌خود، برای وزارت امورخارجه تشکیلاتی مقرر داشت . اولین اساسنامهٔ این‌وزارتخانه‌در زمان وی (در سال١٢٩٩هجری‌قمری) تدوین‌شد ودرحاشیهٔ این اساسنامه بخط خود متعهدانجام دادن امور محوله وترتیب دادن کارهای وزارت امورخارجه گردید . .

از ترتیب ادارات وزارت خارجه که چگونه دراوایل تشکیل میشد ، اطلاع صحیحی در دست نیست . ظاهراً مثل سایر کارهای کشوری ، چند نفر منشی وثبات ، تحت نظر وزیر یارئیس مسئول ، کارها را اداره مینمودند. در زمان وزارت میرزا سعیدخان، اداراتی تشکیل شده که عبارت بوده‌اندازادارهٔ روس ـ انگلیس ـعثمانی ـ محاکمات ـ دفترثبت وضبط ـ دفترترجمه وشعبهٔصاحب‌منصبان‌وآجودانهای وزارت امورخارجه که‌واسطه‌بین وزارت وادارات وسفارتخانه‌ها بودند . بعداً ادارهٔ فرانسه واطریش‌هم تأسیس گردید . در زمان وزارت حاجی میرزاحسین‌خان سپهسالار ، ادارهٔتحریرات خاصه‌وادارهٔ مأمورین ، بادارات فوق‌اضافه شد ودایرهٔ ترجمه‌وسیعتر گردید ودر تجدید وزارت مرحوم میرزاسعیدخان ، تشکیلات جدیدی بوزارت امورخارجه داده‌شد که تامدتها بعد ، بهمان‌ترتیب باقی بود .

از زمان‌میرزاعبدالوهاب‌خان‌نشاط تاکنون ، پنجاه و پنج نفر بعنوان وزیر وپنج‌نفر بسمت کفیل ، بوزارت امورخارجه منصوب شده‌اند که برخی از آنها مکرر این‌مقام رااحراز کرده‌اند . شرح‌حال وعکس‌کلیهٔ وزرای‌امورخارجه‌از بدو تأسیس تاکنون ، درتالار کتابخانهٔ وزارت‌امورخارجه موجود است .

روابط قراردادی ایران و سایر دول

قرارداد، مهمترین منبع‌حقوق والزامات دول درروابط آنهابایکدیگراست . یکی از وظایف اصلی سازمان اداره کنندهٔ روابط خارجی یك کشور ، عقدقرارداد میباشد . وزارت امورخارجه باعقد قرارداد، روابط ومناسبات ایران رابادول دیگر تحکیم وحقوق ومنافع ایرانیان را درخارج کشور حفظ مینماید .

قبل از اینکه بین‌ایران وسایردول ، روابط دائمی سیاسی برقرار شود ، عقد قرارداد غالبا بوسیلهٔ سفرائی که سلاطین‌ایران گاه‌بگاه بخارج میفرستادندیاسفرای خارجی که بندرت بدربار ایران میآمدند صورت میگرفت . اززمان تأسیس‌وزارت امورخارجه ، عقدکلیهٔ قراردادها بوسیله ویابانظارت این‌سازمان انجام میگیرد .

قراردادهائیکه‌فقط جنبهٔ سیاسی دارند مانندعهدنامهٔ مودت وصلح‌وامثال آن، رأساً از طرف وزارت امور خارجه تهیه میشوند . در مورد قراردادهای فنی مانند قرارداد بازرگانی ـ تعاونی ـ قضائی وغیره نیز در کلیهٔ مراحل انعقاد قرارداد ، از مذاکره وتبادل طرح تاامضاء ، وزارت امورخارجه نظارت‌کامل دارد.

قبل ازاینکه دربارهٔ قراردادهای فعلی ایران وسایر دول گفتگو کنیم بطور اختصار بالغاءرژیم کاپیتولاسیون درایران که‌ازوقایع‌مهم تاریخ روابط‌سیاسی کشور ما میباشد اشاره میکنیم .

رژیم کاپیتولاسیون که بموجب آن بمأمورین کنسولی خارجی در ایران حق قضاوت داده شده بود، طبق عهدنامهٔ ترکمان‌چای مورخ ۲۲ فوریهٔ ۱۸۲۸ میلادی بایران تحمیل گردیده بود . دول دیگر نیز تدریجاً بااستناد بشرط کاملةالوداد یاطبق مقررات قراردادهائیکه باایران منعقد نمودند ، رژیم کاپیتولاسیون را بنفع خود در ایران برقرار کردند .

رژیم کاپیتولاسیون که‌صریحاً بااستقلال‌وحاکمیت‌ملی‌مامنافات داشت، موجب شده بود که مأمورین خارجی در کلیهٔ امور داخلی ایران بعناوین مختلف دخالت میکردند وببهانهٔ حفظ‌حقوق اتباع خود ، سازمانهای اداری کشورخصوصاً سازمان قضائی را ازانجام دادن وظایف خود بازمیداشتند .

الغاء رژیم ظالمانهٔ کاپیتولاسیون از مهمترین‌اقداماتی بود که در آغازسلطنت اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر ، در راه تحکیم مبانی استقلال وحاکمیت ایران صورت گرفت .

تصمیم دولت شاهنشاهی بصورت یادداشتهای متحد المضمونی در تاریخ۱۰مه ۱۹۲۷ (۱۳۰۶شمسی)بتوسط وزارت امور خارجه بنمایندگیهای سیاسی خارجی در ایران ابلاغ گردید . .

بااجرای این تصمیم ، قسمت اعظم قراردادهای موجود بین‌ایران وسایر دول ملغی گردید . برای اینکه الغای قراردادهای مزبور بروابط و مناسبات بین‌المللی ایران خللی وارد نسازد قراردادهای موقتی باغالب دول بامضاء رسید . بموجب این

قراردادها که اصولاً برای مدت یکسال امضاءشده بود ، تاهنگام عقد قراردادهای قطعی، روابط دولتین متعاهدین براساس صحیحی استوار وحفظ حقوق ومنافع اتباع طرفین درقلمرو یکدیگر تضمین شد . تقریباً کلیهٔ این قراردادها ، باعقد و امضای قراردادهای قطعی ، بعداً از اعتبار ساقط گردید .

بطوریکه ملاحظه میشود باالغاء رژیم کاپیتولاسیون فصل جدیدی در تاریخ روابط قراردادی و بین‌المللی ایران گشوده شد .

دولت ایران درحال حاضر با ۳۷ کشور قرارداد دوجانبه دارد، کشورهای مزبور عبارتند از :

آرژانتین ـ آلمان ـ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ـ اردن هاشمی ـ اسپانی ـ اطریش ـ افغانستان ـ کشورهای متحد آمریکا ـ اندونزی ـ انگلستان ـ ایتالیا ـ ایسلند ـ برزیل ـ بلژیك ـ پاکستان ـ پرتقال ـ ترکیه ـ تونس ـ جمهوری متحدعرب ـ چك‌اسلواکی ـ چین ـ دانمارك ـ ژاپون ـ سوئد ـ سویس ـ عراق ـ عربی‌سعودی ـ فرانسه ـ فنلاند ـ لبنان ـ لهستان ـ مکزیك ـ نروژ ـ هلند ـ هند ـ مجارستان ـ یونان .

بطورکلی قراردادهای موجود بین‌ایران وسایر دول دونوعند : قراردادهای دوجانبه وقراردادهای چندجانبه. قراردادهای دوجانبه که بین‌ایران ویك دولت‌دیگر منعقد شده ، فقط ناظر بروابط ومناسبات بین دو کشور وحفظ وحمایت حقوق ومنافع اتباع طرفین درقلمرو یکدیگر است .

قراردادهای منعقد بین ایران و کشورهائی که در بالا نامبرده شد از این نوعند.

قراردادهای چندجانبه نیز خود بدو گروه تقسیم میشوند : ناحیه‌ای وعمومی .

قراردادهای چند جانبهٔ ناحیه‌ای بین چند کشور همسایه و مشترك‌المنافع و بمنظور تأمین منافع مشترك آنها منعقد میشود ؛ از این‌قبیلند پیمان سابق‌سعدآباد و پیمان بغداد (که بپیمان سازمان مرکزی تغییر نام یافته است) .

قراردادهای چند جانبهٔ عمومی غالباً متضمن مقررات و اصول کلی حقوق

بین‌المللی بوده و از این‌لحاظ در روابط بین‌المللی حائز اهمیت فراوان میباشند.

بعضی از این قراردادها موجب پیدایش سازمانهای بین‌المللی میشوند؛ از این جمله‌اند قرارداد پستی جهانی - قرارداد بین‌المللی هوا پیمائی کشوری - قرارداد جلوگیری از کشتار دسته‌جمعی ومنشور ملل متحد.

این‌قبیل قرارداد ها معمولاً بین‌چند دولت که اعضای اصلی قرار داد نامیده‌میشوند منعقد میگردد وسپس دول دیگر بتدریج بآنها ملحق میشوند.

دولت ایران به‌بسیاری ازقراردادهای بین‌المللی، من‌جمله قراردادهائی که فوقاً نام برده‌شد ملحق گردیده است و باین‌ترتیب کشورما باکلیهٔ کشورهای‌جهان‌از این‌طریق روابط قراردادی دارد.

چه از نظر عدهٔ قراردادها وچه از لحاظ اهمیت موضوع، روابط‌قراردادی ایران باکشورهای همسایه یعنی ترکیه - عراق - افغانستان - پاکستان و اتحاد - جماهیرشوروی سوسیالیستی، در مرتبهٔ اول قرار دارد.

باتوسعهٔ روزافزون روابط ومناسبات بین‌المللی، وجود قراردادهائی که این روابط راتحت نظم در آورد ضرورت پیدا میکند. وزارت امورخارجهٔ شاهنشاهی براساس منشور ملل‌متحد، باهوشیاری کامل بتحکیم وتشیید روابط ایران باکلیهٔ دول جهان توجه داشته وباعقد قراردادهای لازم، باین منظور جامهٔ عمل‌میپوشاند.

ایران وسازمانهای بین‌المللی

سیاست خارجی‌دولت شاهنشاهی‌ایران از موقعی که جامعهٔ ملل‌سابق‌وسازمان ملل‌متحد تشکیل گردیده، همواره‌مبنی برپشتیبانی از اصول وهدفهای این‌سازمانها بوده ودولت ایران در تصمیمات واقدامات این‌سازمانها سهم مؤثری داشته است. در جامعهٔ ملل‌سابق دولت ایران‌یکی‌ازاعضای جامعه ودرضمن اولین عضومسلمان‌جامعهٔ مزبور بود واین‌سمت را تا ورود ترکیه وعراق حفظ نمود.

دولت ایران دوبار بعضویت شورای جامعهٔ ملل انتخاب گردید. وهمچنین‌دو اختلاف مهم ایران باکشورهای خارجی، یکی مربوط باختلاف باعراقیها برسر

سرحدات ودیگری باانگلیسها درمورد قرارداد دارسی ، به‌شورای جامعهٔملل احاله گردید وشوری برای آنها راه‌حلی پیدا کرد .

در مورد مسائل مربوط به‌تریاك ، دولت ایران درجامعهٔ ملل فعالیت زیادی نمود و براساس پیشنهادات جامعهٔ مزبور ، باتقلیل تدریجی کشت خشخاش موافقت نمود.

در مورد حمایت اقلیتها، نمایندگان ایران درجامعهٔ ملل سابق اظهاراتی نمودند که فوق‌العاده مورد توجه واقع شد .

اقدام مهم ایران درجامعهٔملل سابق ، نظری بود که نسبت بمادهٔ ۱۰ میثاق جامعه راجع به‌امنیت دسته‌جمعی ملل داشت ؛ عده‌ای از اعضاء مایل بودند که قدرت و تأثیر نفوذ این‌ماده را تحدید نمایند و دولت ایران تنها دولتی بود که باین موضوع رأی مخالف داد وتوانست مادهٔ ۱۰ را بصورت اصلی نگاهدارد .

دولت ایران‌همچنین یکی ازدولتهائی بود که برای تأسیس سازمان ملل‌متحد ، به‌سان‌فرانسیسکو دعوت گردید و از همان موقع ، سیاست خارجی خودرا براساس رعایت اصول وهدفهای منشور ملل‌متحد وهمکاری باارکان سازمان مزبور استوار نمود.

تابحال دولت ایران درارکان ذیل عضویت داشته است :

شورای اقتصادی واجتماعی

شورای امنیت

کمیتهٔ فرعی حمایت اقلیتها وجلوگیری از تبعیض

کمیسیون مواد مخدره

کمیسیون آمار

کمیسیون جمعیت

کمیسیون مقام زن

کمیسیون حقوق بشر

صندوق بین‌المللی کمك به کودکان

کمیتهٔ تعیین سهمیه‌ها

در اغلب سازمانهای تخصصی ملل‌متحد از قبیل سازمان بین‌المللی کار ـ سازمان فرهنگی و علمی و تربیتی ملل‌متحد (یونسکو) ـ سازمان خواربارو کشاورزی ـ سازمان جهانی بهداشت ـ سازمان مشورتی بحر پیمائی بین‌دول ـ سازمان جهانی هواشناسی ـ مؤسسهٔ بین‌المللی نیروی اتمی ـ کمیساریای عالی پناهندگان ـ صندوق بین‌المللی پول و بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه ، دولت ایران عضویت مؤثرداشته واغلب بعضویت جمعیتهای اجرائیهٔ سازمانهای مزبور انتخاب شده است .

نمایندگان ایران در سازمانهای بین‌المللی و سازمان ملل متحد همواره سهم مؤثری درمذاکرات داشته‌اند و بپاس این‌سهم مؤثر ، اغلب بریاست یا نیابت ریاست یامخبری کمیسیونهای مهم انتخاب شده‌اند .

دولت ایران برای‌دوامر مهم‌سیاسی باسازمان ملل‌متحد سروکارمستقیم‌داشته‌است : یکی در مورد تخلیهٔ آذربایجان وشمال ایران از قوای شوروی ، که دراثر اقدامات سازمان نتیجهٔ رضایتبخشی از آن حاصل شد و دیگری در مورد اختلاف ایران وانگلیس در قضیهٔ نفت که موضوع ابتدا در شورای امنیت مطرح گردید وسرانجام دیوان دادگستری بین‌المللی ، رأی بعدم صلاحیت خود داد .

نمایندگیهای سیاسی ایران در خارجه

سفارتهای کبری

۱ ـ سفارت کبرای شاهنشاهی در استکهلم ۲ ـ سفارت کبرای شاهنشاهی در آنکارا

۳ ـ » » » برن ٤ ـ » » » بروکسل

٥ ـ » » » بغداد ٦ ـ » » » بوئنوس آیرس

۷ ـ » » » بیروت ۸ ـ » » » پاریس

۹ ـ » » » توکیو ۱۰ ـ » » » تونس

۱۱ ـ » » » جده ۱۲ ـ » » » دهلی نو

۱۳ ـ » » » رم ۱٤ ـ » » » قاهره

١٥-سفارت کبرای شاهنشاهی در کابل ١٦-سفارت کبرای شاهنشاهی در کراچی
١٧- » » » کلن ١٨- » » » لاهه
١٩- » » » لندن ٢٠- » » » مادرید
٢١- » » » رباط ٢٢- » » » مسکو
٢٣- » » » واتیکان ٢٤- » » » واشنگتن
٢٥- نمایندگی دائمی ایران در سازمان ملل‌متحد در نیویورک
٢٦- » » » در دفتر اروپائی سازمان ملل‌متحد - ژنو

سفارتها

١- سفارت شاهنشاهی در اتاوا ٢- سفارت شاهنشاهی در بلگراد
٣- » » » پراگ ٤- » » » ریودوژانیرو
٥- » » » جاکارتا ٦- » » » عمان
٧- » » » ورشو ٨- » » » وین

سرکنسولگریها

١-سرکنسولگری شاهنشاهی در ازمیر ٢-سرکنسولگری شاهنشاهی در استانبول
٣- » » » بصره ٤- » » » بغداد
٥- » » » بمبئی ٦- » » » دمشق
٧- » » » سانفرانسیسکو
٨- » » » کربلا ٩- » » » کلکته
١٠- » » » کویته ١١- » » » نیویورک
١٢- » » » هامبورگ ١٣- » » » هرات

کنسولگریها

١- کنسولگری شاهنشاهی در طرابوزان
٢- » » » میلان

راههای ایران

طرق ارتباطی ایران در ابتدا ، فقط راههای کاروان‌رو و راههای ارابه‌رو بوده . راههای ارابه‌رو درایران ، تاریخ قابل ذکری ندارد و اگر راههائی‌ازاین‌قبیل وجود داشته ، غالباً بعلل خاصی مانند لشگر کشی ویاامور بازرگانی و یاتوجه مخصوص پادشاهان وقت به‌نقطه یانقاطی از کشور ، موقتاً ساخته میشده وپس‌ازرفع آن علت ، متروك وخراب میگردیده .

ساختن راههای ارابه‌رو بمنظورتوسعهٔطرق‌ارتباطی واتصال شهرهاومرزهای کشور بیکدیگر ، مقارن باایجاد پست‌وتلگراف ، درمیهن‌ما شروع شده وبتناسب احتیاجات آن ، افزایش یافته است . ایجاد پست که درابتدا ، بوسیلهٔ گاری و دلیجان وکالسکه حمل‌میشد وآن وسایل اکثراً ، مسافروکالای تجارتی نیز باخود داشتند ، باعث شد که بعضی‌از شرکتهای داخلی وخارجی ، برای گرفتن‌امتیاز ساختن‌راههای مختلف درایران ، تشویق شدند .

البته بعداز پایان جنگ بین‌المللی اول ، قسمتی از این امتیازات که مربوط بدول خارجی بود ، بموجب معاهداتی بدولت ایران واگذارشد. بقیه ، یعنی‌خطوطی که‌بتوسط اشخاص وشرکتها اداره‌میشدنیز ، برای اینکه بنحوشایسته‌ای اداره‌شود، تحت‌سرپرستی دولت درآمد . تاسال ۱۳۰۱ شمسی ، سازمانی که بنحو مؤثر اقدام بساختن راه یا بهره‌برداری از آن بنماید از طرف دولت تأسیس نشده بود و طرق ارتباطی کشور فقط عبارت از راههای ارابه‌رو وراههای کاروان‌رو بود که بآنها متصل میشدند . درآن‌سال برای اولین‌بار ، دروزارت فلاحت وتجارت وفواید عامه، اداره‌ای بنام ادارهٔ کل‌طرق‌وشوارع‌تأسیس گردیدواز آن ببعد، متخصصین راهسازی بکار دعوت شدند واساس ساختمان راههای عمدهٔ کشور ریخته شد وساختن راههای

شوسهٔ متناسب باوسایل حمل و نقل جدید شروع گردید . درسال ۱۳۰۲ ادارهٔ کل طرق وشوارع ، راههای کشور را بنواحی مختلف تقسیم و مسئولینی برای ادارهٔ امور وتعمیر و نگاهداری آنها معین کرد ؛ باین ترتیب که ناحیه‌ها را شماره گذاری کرده وهرقسمت را که عدهٔ نواحی آن به نه‌میرسید تحت‌نظر یکنفر قرارداد . دراینزمان ، اعتبارات راهسازی از طریق گرفتن باج‌یاحق‌العبور در راههای شوسه تأمین میشد

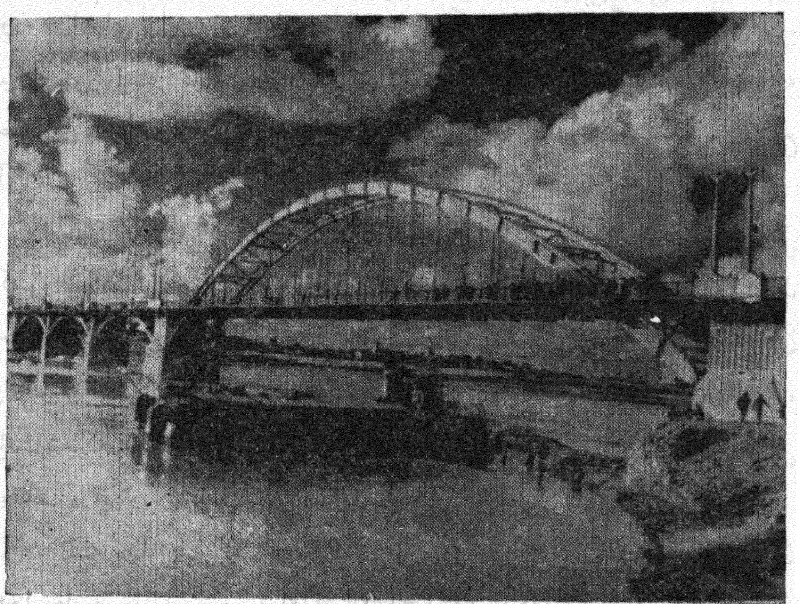

نمای پل‌شوسهٔ رودخانهٔ کارون دراهواز

ومبلغ آن‌حدا کثر به ۳۰۰۰۰۰ تومان بالغ میگردید . ولی در ۱۹ بهمن ۱۳۰٤ برحسب پیشنهاد دولت و تصویب مجلس شورای ملی ، دریافت حق‌العبور در راهدار خانه‌ها ممنوع و مقرر شد از وزن غیرخالص واردات و صادرات مملکتی ، مالیاتی بعنوان مالیات راه دریافت شود و باین‌ترتیب ، میزان اعتبار سالانه به ۱۵۰۰۰۰۰ تومان‌رسید. درسال ۱۳۰۵ برنامه‌ای برای راهسازی در ایران تدوین شد که مدت اجرای آن نه سال ومخارج آن ٤۵ ملیون‌تومان‌پیش‌بینی گردید . دراین‌برنامه ، ساختن ۱۷۰۲۱

کیلومتر راه‌شوسهٔ درجه ۱و۲و۳ باین‌شرح در نظر گرفته شد :

راههای شوسهٔ درجه اول ۱۶۷۵ کیلومتر

« « « دوم ۶۶۱۹ «

« « « سوم ۸۷۲۷ «

برنامهٔ نه‌سالهٔ‌مذکور، تاپایان سال ۱۳۰۸ بوسیلهٔ ادارهٔ کل طرق وشوارع که جزئی از وزارت فوایدعامه بود، اجراشد. لیکن درتاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۰۸ شمسی قانونی از مجلس شورای ملی گذشت وبموجب آن، وزارت طرق وشوارع تأسیس گردید. اصول وظایف وزارتخانهٔ مذکور، طبق مادهٔ دوم این‌قانون «... مراقبت در ایجاد ونگاهداری راههای آهن‌وشوسه وتنظیم وتوسعهٔ کشتیرانی واداره کردن امور بندری» است. بموجب مادهٔ پنجم، قانون مزبور از اول فروردین ۱۳۰۹ قابل اجرابود؛ از آن‌تاریخ، وزارت‌طرق‌وشوارع، که بعداً درسال۱۳۱۵ نام آن‌بوزارت راه تبدیل گردید، طبق‌اصول وظایف مذکور عمل نموده است. درسال۱۳۳۴ طبق تصویب کمیسیونهای مشترك مجلسین، سازمان‌فعلی ادارات فنی وزارت راه، برای ساختن‌ونگاهداری راههای شوسه و احداث راه‌آهن بوجودآمد. اداراتی که باین منظور تأسیس گردید بشرح زیر است :

۱- ادارهٔ کل ساختمان، که عهده‌دار ساختن شاهراههای کشور وراه آهنها وبنادر وفرودگاههای کشوری و سایر بناهای مهمی که ساختن آنها بعهدهٔ وزارت راه محول شود میباشد.

۲- ادارهٔ کل‌راه، که‌عهده‌دار نگاهداری‌کلیهٔ راههای کشور وساختن‌راههای استانی وفرعی میباشد.

۳- ادارهٔ کل نظارت فنی، که مطالعه و نقشه برداری و رسیدگی وتصویب نقشه‌ها واسناد ومدارك‌فنی وصورت‌کار کردهای قطعی ونظارت‌درتحویلهای موقت وقطعی کارهای ساختمانی وادارهٔ امور آزمایشگاه را بعهده دارد.

ادارات‌فنی وزارت راه، منحصر بادارات مذکورنبوده وسازمانهای راه‌آهن

دولتی ایران و ادارهٔ کل هواپیمائی کشوری، درمباحث جداگانه شرح داده خواهدشد.

ضمناً یادآور میشود که درتعقیب طرحی که در سال ۱۳۰۵ پیشنهاد شده بود وبآن اشاره گردید، درسالهای بعد، مرتباً برنامه‌هائی تنظیم واجرا گردیده که ذکر آنها از گنجایش این مقاله بیرون است؛ تنها بذکر این نکته اکتفا میشود که تاکنون بالغ بر ۳۶۶۷ کیلومتر راههای شوسه از انواع درجه یك و دو بشرح زیر ساخته شده است:

راه آسفالت شده	۷۳۶ کیلومتر
راه درجه یك	۱۴۰۶ »
راه درجه دو (راه استانی)	۱۵۲۵ »
جمع	۳۶۶۷ کیلومتر

راه آهن ایران

اندك توجهی بوضع طبیعی وارضی ایران چه درشمال وچه درجنوب که سلسله جبالهای متعدد وریگزارها و کویرهای سوزان، مناطق گوناگون آنرا ازیکدیگر جدا میکند و براثر فقدان رودهای قابل کشتیرانی، راههای آبی در داخل کشور کمتر وجود دارد، لزوم احداث راه آهن سرتاسری در ایران را هویدا و آشکار میسازد. بدون شك هنگامیکه از راه آهن ایران نامبرده میشود، نام شهریار بزرگ ایران اعلیحضرت رضاشاه کبیر که میتوان او را خالق راه آهن ایران نامید در نظر فردفرد ایرانیان اصلاح‌طلب وروشنفکر جلوه گری مینماید.

بیش از یك قرن رجال وطنخواه و دانشمند ایران آرزوی احداث این خط سراسری را داشتند ولی باتوجه باشکالات متعدد سیاسی ومالی وفنی، انجام‌دادن آنرا محال میپنداشتند.

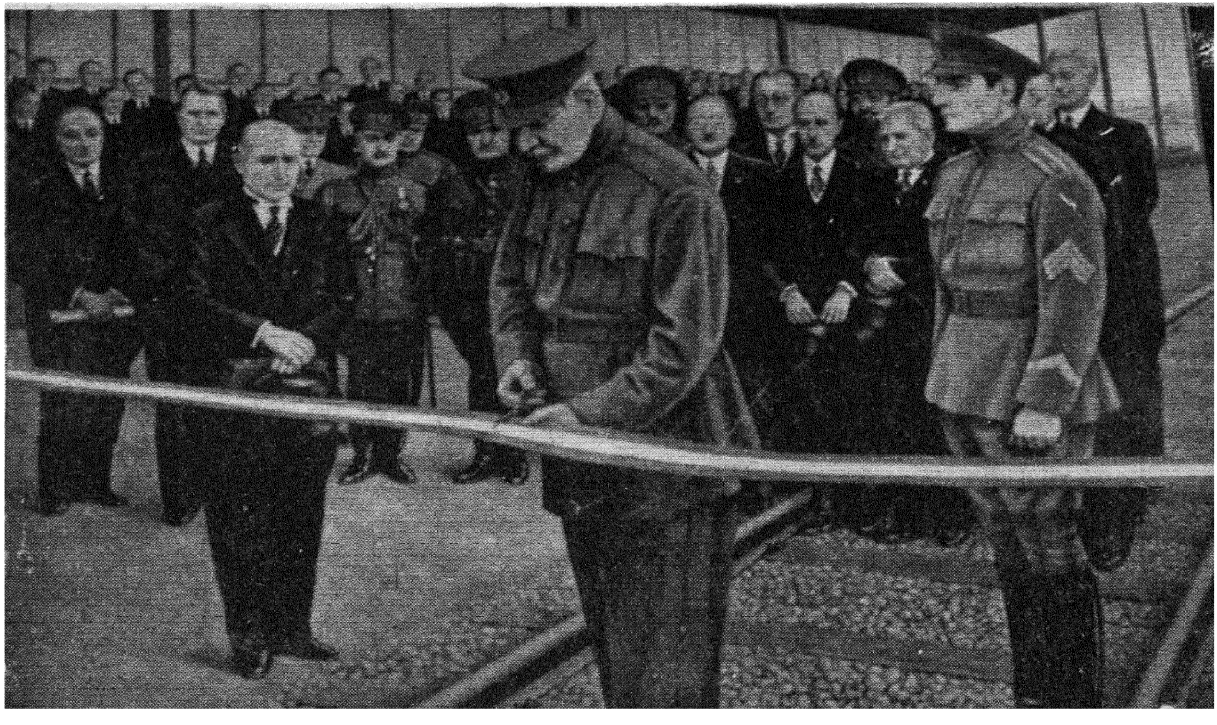

افتتاح خط سراسری بدست شاهنشاه فقید رضاشاه کبیر در ٤ شهریور ١٣١٧ ش

برای اینکه نسل فعلی و آیندهٔ کشور باهمیت این اقدام بزرگ پی ببرند ابتدا تاریخچه‌ای از راه آهن ایران ذیلاً درج و سپس دربارهٔ راه آهنهای فعلی کشور بحث میشود .

تاریخچهٔ راه آهن در ایران

قرنها کشور ایران چهارراه بازرگانی دنیای قدیم و جدید بوده واروپا را بآسیا مربوط میساخت واین راه تقریباً راه بازرگانی منحصر بفرد شرق وغرب جهان بحساب میآمد و پس از کشف راه دریائی « دماغهٔ امیدنیك » در تاریخ ۱۴۹۷ میلادی، که اروپا را از سمت جنوب آفریقا با هندوستان و چین مربوط میساخت و همچنین بعداز حفر ترعهٔ سوئز که دریای مدیترانه رابدریای هند متصل نمود ، اهمیت تجارتی راه ایران روبنقصان نهاد .

با اختراع راه آهن مجدداً اهمیت جغرافیائی و موقعیت طبیعی ایران مورد نظر اقتصادیون و سیاستمداران جهان قرار گرفت ؛ زیرا درصورت ایجاد راه آهن در ایران ، حمل و نقل کالا از اروپا بهندوستان و هندوچین بهتر و آسانتر میگردید .

متأسفانه رقابتهای سیاسی دول بزرگ همسایهٔ ایران یعنی روس وانگلیس مانع از آن بود که این کشور بتواند از موقعیت ممتاز جغرافیائی خود استفاده نماید.

هراقدامی که بمنظور تحصیل امتیاز یا ایجاد راه آهن از طرف یکی از این دو دولت بعمل میآمد مواجه با مخالفت طرف دیگر میشد و امتیازاتی هم که دولت ایران بسایر دول ویا نمایندگان و بازرگانان این دو دولت میداد ، براثر فشارهای سیاسی مجبور بالغاء آنها میگردید .

ناصرالدین شاه قاجار در بادی امر باین فکر افتاد که از قوهٔ دولت ثالثی استفاده کند و بهمین جهت مخبرالدوله را بانامه‌ای نزد بیسمارك صدراعظم مقتدر آلمان روانه ساخت ولی این تلاش سودمند واقع نگردید .

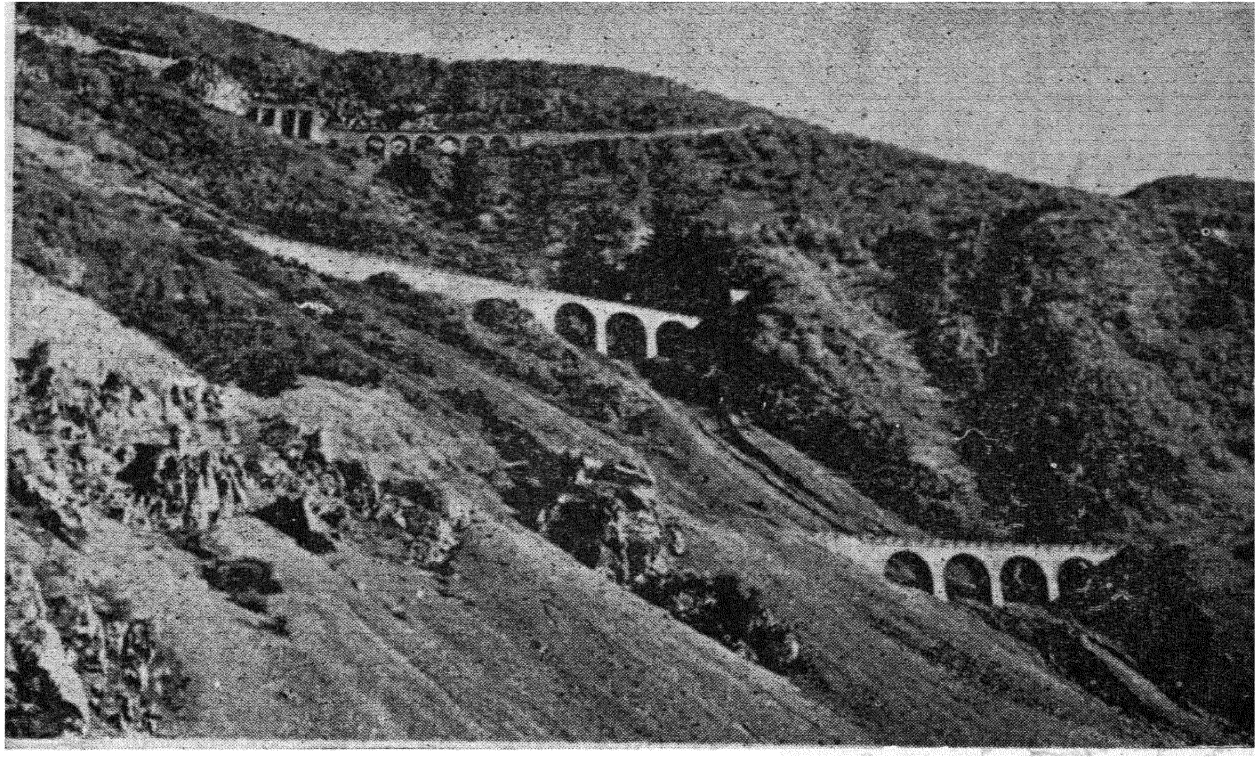

یکی ازمناظرخط شمال

اولین باری که موضوع امتیاز راه آهن در ایران صورت جدی بخود گرفت هنگامی بود که سرمایه دار معروف انگلیسی بنام ژولیس رویتر ، تلگرافی ، تقاضای امتیاز راه آهن را از دولت ایران نمود و برای وصول باین هدف در حدود یك میلیون فرانك بعنوان پاداش صرف کرد و بالاخره امتیازنامهٔ او در تاریخ ۲۵ ژانویهٔ ۱۸۷۲ بامضاء رسید . این راه آهن در مرحلهٔ اول ، میبایست دریای خزر را بتهران متصل کند و آنگاه بسمت خلیج فارس امتداد یابد و در صورت لزوم ، راههای فرعی برای مربوط ساختن خطوط باشهرهای مختلف کشور شاهنشاهی ایجاد شود وچنانچه صاحب امتیاز لازم بداند ، راه آهن ایران را از طرفین براه آهنهای اروپا وهندوستان مرتبط سازد .

این امتیاز که مدت آن هفتاد سال بود منحصر بساختن راه آهن نبود وشامل امتیازات وانحصارهای دیگری هم ازقبیل استخراج معادن ـ بهره برداری از جنگلها ـ معافیت ازهر گونه مالیات و گمرك وعوارض وحق تملك اراضی دولتی بود که تسلط سیاسی واقتصادی انگلستان را برایران بنحوی غیرمطلوب عملی میساخت .

دولت روسیهٔ تزاری درمقام مقابله بااین امتیاز برآمد وحتی سفیرخود را از ایران احضار کرد و بالنتیجه براثر مجاهدتهای بسیار ، قرارداد ژولیس رویتر عملی نگردید ودولت ایران پس از یکسال ، قرارداد مزبور را ملغی ساخت .

درسال ۱۸۷۴ میلادی یکی ازمهندسین نظامی روسیه بنام فالکن ها گن پشتیبانی دولت روسیه ، امتیاز ساختمان راه آهن تبریز وجلفا را از دولت ایران گرفت ، که پس از چهل سال یعنی درسالهای ۱۹۱۵-۱۹۱۶ ساختمان آن بپایان رسید .

درسال ۱۸۷۸ آلئن Alléon نام فرانسوی ومتعاقب آن یك مهندس اطریشی امتیاز ساختمان خط آهن از رشت بتهران را از دولت گرفتند که هیچیک از آنها عملی نگردید .

درسال ۱۸۸۲ « مهندس نایبوس بو آتال » فرانسوی امتیاز ساختمان راه آهن



شاهنشاه فقید رضاشاه کبیر آخرین پیچ ومهرهٔ خط سراسری را در ایستگاه فوزیه محکم میفرمایند(شهریور۱۳۱۷)

تهران ـ رشت را تحصیل کرد که بعدها آنرا ببوشهر امتداد دهد ولی باوجود تلاشهای بسیار ، این امتیاز هم در بوتهٔ فراموشی ماند .

در تاریخ ربیع الثانی ١٣٠٤ هجری قمری حاج محمدحسین امین الضرب بازرگان ایرانی امتیاز ساختمان راه آهن محمود آباد تا آمل و تهران را از ناصرالدین شاه اخذ نمود و شروع بتهیهٔ مقدمات هم کرد ولی باتوجه بعدم کفایت سرمایه و اشکالات فنی که در راه ساختن این خط وجود داشت فقط توانست ١٨ کیلومتر ریل گذاری کند ولکوموتیوی هم دراین خط بکار انداخت، ولی بالاخره در اثر نداشتن متخصص واختلاف بین نمایندگان شاه وقت وامین الضرب ، کار او ناتمام ماند وراه آهن ساخته شدهٔ او نیز از بین رفت .

مهندس نایبوس بو آتال که درامتیاز راه آهن رشت ـ تهران و بندر بوشهر توفیقی نیافت ، دردسامبر سال ١٨٨٦ باشرکای خود امتیاز راه آهن تهران ـ حضرت عبدالعظیم را برای مدت ٩٩ سال ازدولت ایران تحصیل کرد واین خط را که طول آن فقط ٨/٧ کیلومتر ودارای یک خط فرعی بطول ٦/٥ کیلومتر بطرف معدن سنگ است در مدت دوسال ساخت .

بعدها لازار پولیاکف روس سهام شرکت راه آهن تهران ـ حضرت عبدالعظیم را خرید واین همان کسی است که راه تهران تابندر پهلوی راساخت وبعداً فروخت.

در سال ١٨٨٧ میلادی موضوع ساختن راه آهن ایران توجه آمریکائیها را جلب کرد و نمایندهٔ سیاسی آندولت بنام و نیدسن موفق شدامتیاز بزرگی برای ساختن چند رشته خط آهن بوسیلهٔ مهندسین و سرمایه‌داران آمریکائی تحصیل کند ولی وزارت امورخارجهٔ روسیه بااین امر مخالفت کرد و درنتیجه این امتیاز نامه هم بجائی نرسید .

درسال ١٨٨٩ هم چهار نفر ازسرمایه‌داران روس باموافقت امپراطور روسیه امتیاز ساختن راه آهن رشت ـ تهران تاخلیج مهبار دراقیانوس هند را ازدولت ایران

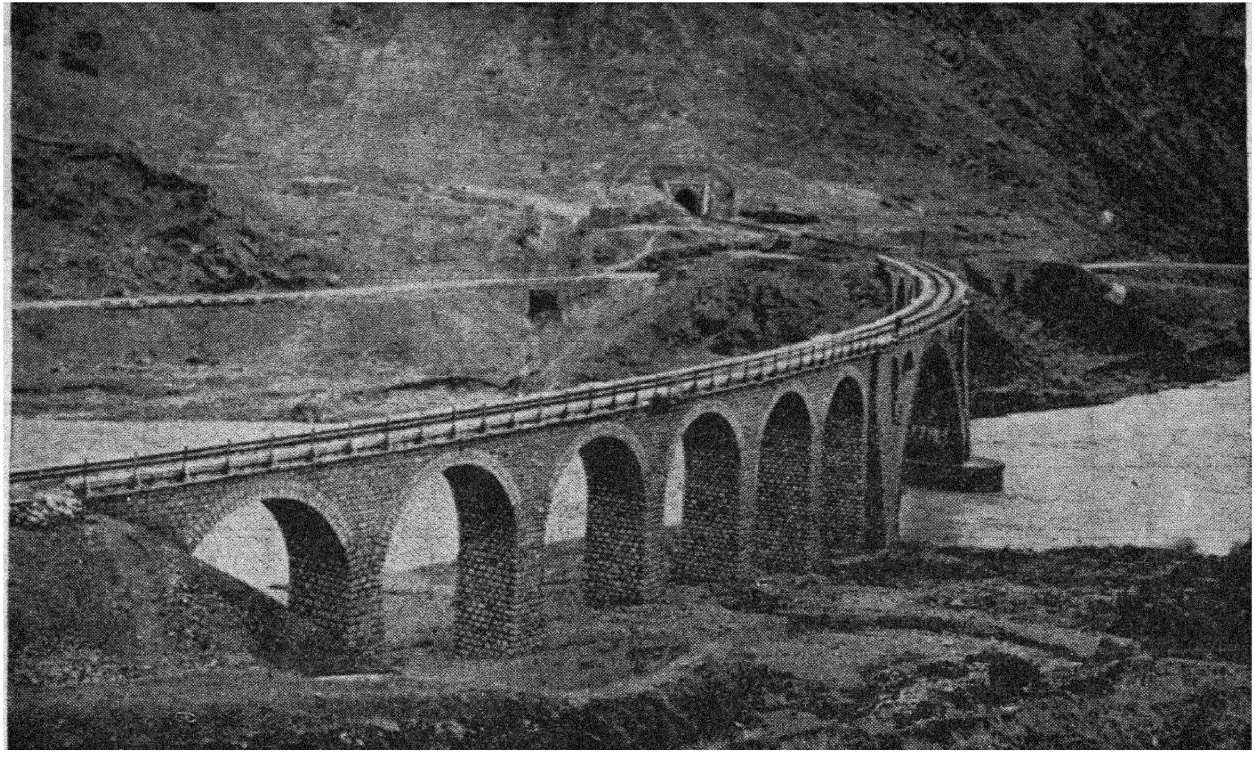

پل دختر درخط تبریز

تقاضا نمودند ولی این پیشنهاد در اثر مخالفت وزیر امور خارجهٔ روسیه و سفیر آندولت درایران بجائی نرسید .

در سال ۱۹۱۰هم مهندس ساهانسکی روس مطالعاتی برای اتصال راه آهن قفقاز به‌تبریز - تهران - بوشهر - کرمان - چهاربهار انجام داد که آنهم فقط روی نقشه و کاغذ باقی ماند .

از ایرانیانی که برای‌ساختن راه آهن ایران نقشه‌هائی طرح کردند میتوان مرحوم صنیع‌الدوله رانامبرد . وی که در التزام ناصرالدینشاه درسال ۱۲۹۰ هجری قمری باپدرش عازم‌اروپا شده بودپس‌ازتحصیل‌در آلمان‌ومراجعت‌بایران پیشنهادهائی برای ساختن راه آهن ایران نمود ، از جمله ،برای شروع بعمل ، مالیات قند وچای را بمجلس پیشنهاد کرد ولی این پیشنهاد در مجلس مدفون شد و بیست سال بعد شاهنشاه بزرگ ایران رضاشاه کبیر آنرا ازتصویب‌مجلس گذراندند .

درسال ۱۹۱۲هم شرکتی بنام شرکت نقشه‌برداری راه آهن درایران ،بوسیلهٔ روسها -فرانسویان وانگلیسها تشکیل شد ولی‌باشروع جنگ بین‌الملل اول این نقشه‌هم متوقف‌ماند .

درسال۱۹۱۲راه آهن‌جلفا به‌تبریزجمعاً بطول۲۰۲ کیلومتر و۷۰۶متر بوسیلهٔ بانك استقراضی روس ساخته شد وسپس ساختن راه آهن ماکو بوسیلهٔروسها بطول ۱۴۹/۳۵ کیلومتر شروع شد که راه آهن اولی پس از جنگ‌بین‌المللی اول‌بدولت ایران واگذار گردید وراه آهن‌دوم هم بلااستفاده ماند .

راه آهن زاهدان که دنبالهٔ راه آهن هندوستان محسوب میشود بطور موقت وبمنظور احتیاجات نظامی درسالهای ۱۹۱۸- ۱۹۱۹ ازطرف مقامات هندی ساخته‌شد که ازسال ۱۳۰۸ شمسی‌متروك ماند و در سالهای اخیر بوسیلهٔ راه آهن دولتی ایران مجدداً بکار افتاده و در سال ۱۳۳۸ دولت پاکستان آنرا بدولت ایران واگذار نمود .

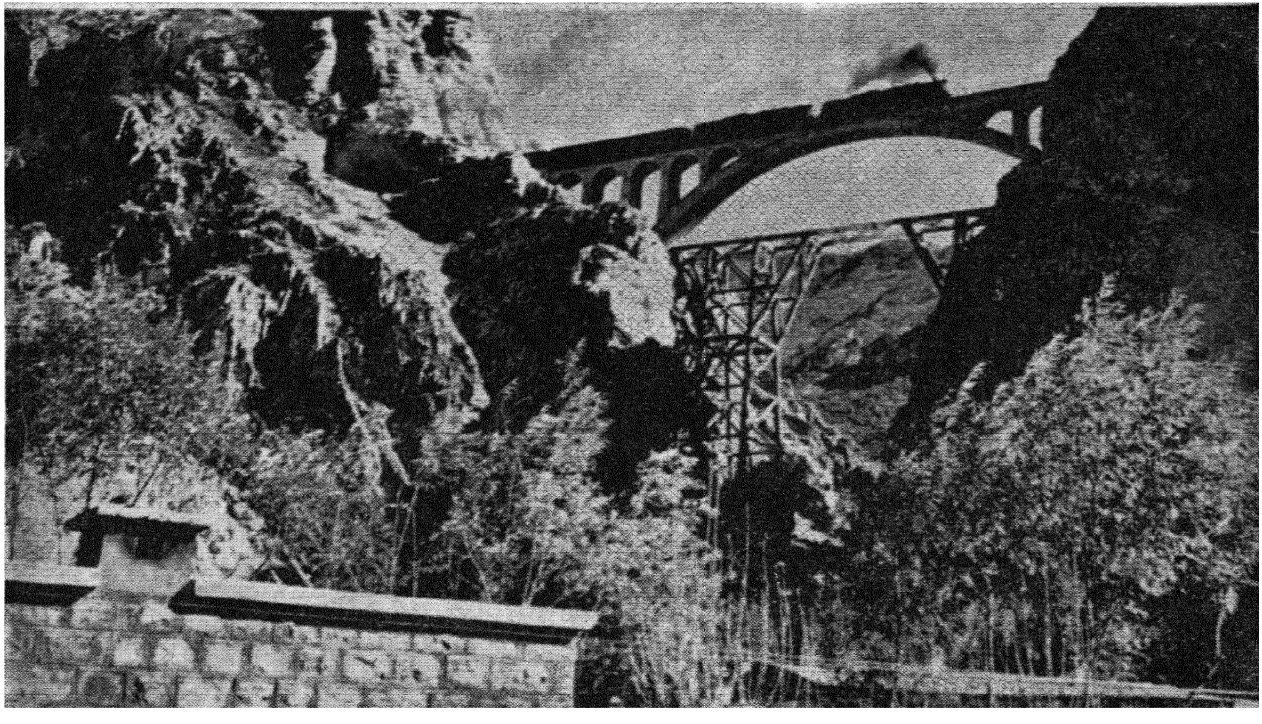

پل ورسك

راه‌آهن سرتاسری ایران

اعلیحضرت رضاشاه کبیر در دوران نخست‌وزیری خود باین‌فکر افتادند که ساختمان شریان‌اقتصادی یعنی راه آهن‌سرتاسری ایران را آغاز نمایند واین آرزوی ملت ایران را جامهٔ عمل بپوشانند .

شاهنشاه بزرگ‌ایران‌این‌اقدام‌مثبت‌وتاریخی‌را آغاز کردندو برای آنکه‌دست نیاز برای ساختمان راه آهن‌ایران بسوی بیگانگان دراز نکنند قانون‌اجازهٔ انحصار دولتی قندوچای واخذ دو قران ازهرمن‌قند ومواد قندی وشش‌قران از هرمن چای بعنوان حقوق‌انحصاری جهت تأمین سرمایهٔ لازم برای ساختن راه آهن رادر تاریخ ۹ خرداد ۱۳۰٤ از مجلس شورای‌ملی گذراندند و ساختن آنرا وجههٔ همت خود قراردادند ودر دیماه سال ۱۳۰٤ فرمان تأسیس کمیسیون ایجاد راه آهن سراسری ایران را بعنوان وزیر فواید عامه صادر فرمودند .

این کمیسیون تشکیل‌شد وپس‌از اتخاذتدابیرلازم ، قانون ساختمان‌راه آهن سراسری راتنظیم‌نمود که درتاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۰٤ از تصویب‌مجلس گذشت‌وپس‌از آن متدرجاً قوانینی مربوط بمخارج فنی‌واداری راه آهن ـ واگذاری‌نقشه‌برداری مفصل خط آهن بسندیکای متشکله‌از شرکت آمریکائی وشرکت آلمانی ـ اعزام محصل باروپابرای‌فراگرفتن معلومات راجع براه‌آهن ـ استخدام یازده مهندس ویک منشی تندنویس از آمریکا ـ اجازهٔ ساختن راه آهن مابین خورموسی‌وبندر محمره وبندرجز وبالاخره قانون‌استخدام سی‌وچهارنفر مهندس‌ومتخصص راه آهن بتصویب مجلس‌شورای ملی‌رسید .

اعلیحضرت‌رضاشاه کبیر توجه خاصی بامر راه آهن ایران مبذول وتأکید فرمودند که عملیات ساختمانی آن هرچه زودتر آغازشود وبراثر این تأکیدات در ۲۳ مهر ۱۳۰٦ مراسم آغاز ساختن راه آهن سرتاسری ایران در محل فعلی ایستگاه‌راه آهن‌تهران بعمل آمد واعلیحضرت فقید اولین کلنگ آنرا باتشریفات

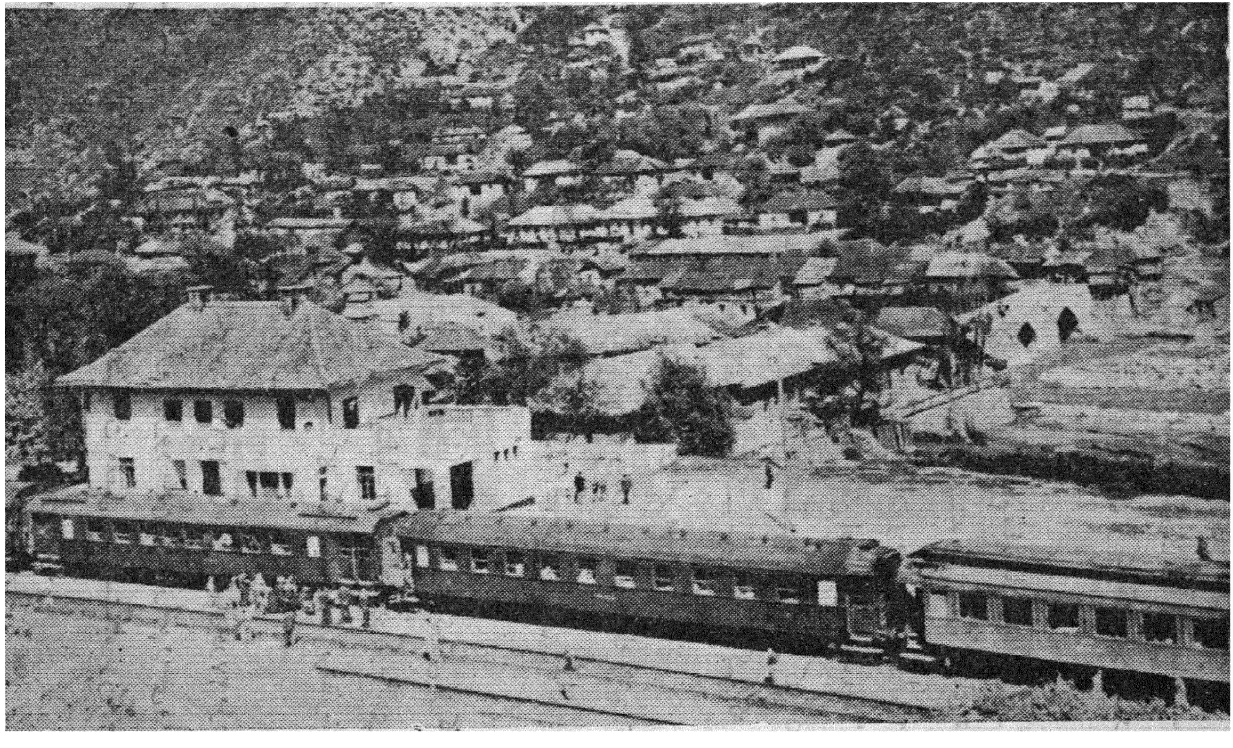

ایستگاه پل‌سفید

خاصی برزمین زدند ودر همان روز در محل ایستگاههای اهواز وبندر گز یعنی در شمال و جنوب کشور نیز کلنگ ساختمان راه آهن ایران با آئین مخصوصی بنام آن شاهنشاه برزمین زده شد و ساختن راه آهن ایران از سه نقطه درشمال وجنوب ومرکز ، باهم آغاز گردید .

بسیاری ازرجال و سیاستمداران آنروز ، اتمام ساختمان راه آهن سرتاسری ایرانراباتوجه بمشکلات موجود ، امری محال میدانستند ولی ارادهٔ توانای شاهنشاه بزرگ برتمام این مشکلات فائق آمد وپس‌از زحمات و مرارتهای بسیاروتعویض‌و تغییر شرکتهای سازنده که در امر ساختمان راه آهن اهمال مینمودند ، بالاخره‌در تاریخ اول اردیبهشت ۱۳۱۲ تصمیم ادامهٔ ساختن راه آهن بوسیلهٔ شرکتی که‌وظیفهٔ راهنمائی و مستشاری را انجام دهد اتخاذ شد و کنسرسیوم کامپساکس که مرکب ازسه شرکت دانمارکی وسوئدی بود مأمور این امر مهم گردید .

این‌شرکت باسازمان منظم وسابقه‌ای که درامور فنی مربوطه داشت توانست راه آهن ایران را یکسال زودتر از موعد مقرر ، ببهترین وجهی بپایان برساندو تحویل دهد .

بسیاری از شرکتهای اروپائی مخصوصاً ایتالیائی وعدهٔ زیادی از کارمندان فنی وصنعتگران کشورهای اروپا از جمله ایتالیا ـ بلغارستان ـ یوگوسلاوی و غیره درساختن این‌راه آهن انجام‌وظیفه کرده‌وضمناً کارکنان ایرانی‌را زیرنظرخودبرای کارهای‌فنی تربیت نموده‌اند .

راه آهن‌جنوب در تاریخ ۲۵مرداد ۱۳۱۷ وراه آهن شمال در۲۷ مرداد همان سال بایستگاه فوزیه‌رسید وروز چهارم شهریور ماه ۱۳۱۷ مراسم رسمی و باشکوه گشایش راه آهن سراسری ایران باتشریفات مفصل در ایستگاه فوزیه بعمل‌آمد وبزرگترین آرزوی ملی آنروزملت‌ایران جامهٔ عمل پوشید .

طول راه آهن سراسری ایران ۱۳۸۷/۸۶۷ کیلومتر میباشد ومجموع هزینهٔ

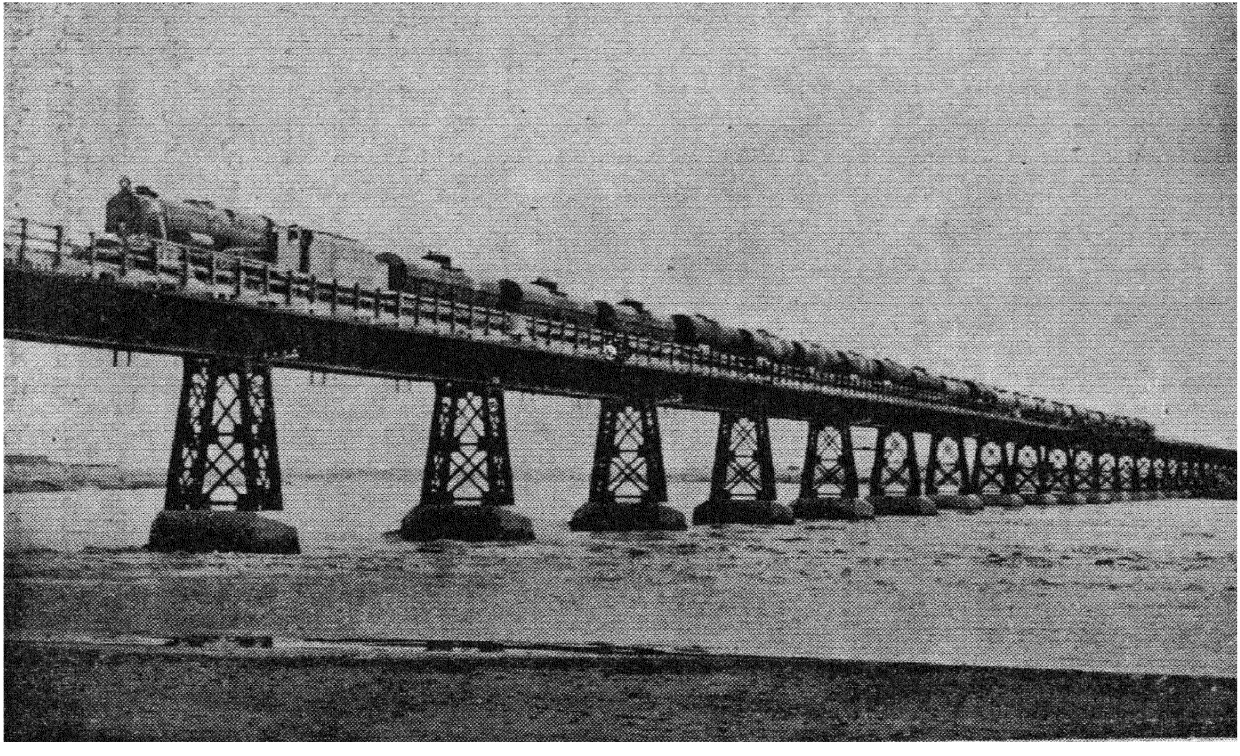

پل آهنی کارون

ساختن آن بادر نظر گرفتن مخارجی که بنگاه راه آهن برای توسعهٔ خطوط صرف کرده بالغ بر ۳۱۵۸۳۹۰۶۹۵ ریال میگردد وچون ریال امروز باریال آنروز تفاوت فاحش دارد اگر قیمت راه آهن ایران بدلار حساب شود درحدود ۲۱۲۱۴۵۵۱۹ دلار خواهد بود وچون نرخ دلار هم تغییر کرده است ، چنانچه بهای راه آهن سراسری ایران بمأخذ طلا که ارزش آن ثابت‌تر است محاسبه‌شود بالغ بر ۱۸۸۴۴۴۷۶۲ گرم طلامیگردد واین‌خود یکی‌از بزرگترین ذخایرملی ما است .

اخذ دوقران از هرمن قند وشش‌قران ازهر من‌چای ، ثروت وسرمایهٔ کشور ایران را باندازه‌ای رسانید که توانست بدون اخذ دیناری وام ازخارج ، این برنامهٔ ملی را با کمال‌افتخار بپایان برساند .

شاهنشاه فقید در نظر داشتند راه آهن سرتاسری را بمشهد وتبریز برسانند وکارهای ساختمانی این دو خط نیز آغاز گردید . ریل گذاری خط تبریز در سال ۱۳۱۹ بزنجان رسید و راه تهران ـ مشهد ، روز دوم شهریور ۱۳۲۰ بایستگاه شاهرود رسیدولی براثر بروز جنگ بین‌المللی دوم اجرای این برنامه متوقف شد.

ورود قوای متفقین بایران و کثرت حمل و نقل اسلحه ومواد جنگی از راه ایران‌بشوروی، براه آهن ایران نام پل پیروزی داد و دراثرفعالیت غیرعادی حمل‌ـ ونقل درسالهای‌همکاری بامتفقین ، وضع خط آهن سراسری ایران ومیانه‌وشاهرود بوخامت گرائید وفرسودگی آن‌بحدی رسید که در منطقهٔ کوهستانی‌لرستان روزانه ۱۵ تا۲۰شکستگی در ریل دیده میشد .

اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی از آغاز سلطنت خود توجه خاصی بامر راه آهن ایران معطوف فرمودند بطوریکه در سال ۱۳۲۱ در اوایل سلطنت معظم‌له خطاهواز ـ خرمشهر ـ حسینیه جمعاً بطول۱۶۶ کیلو مترساخته‌شد وسپس درسال ۱۳۲۹ راه آهن‌قم ـ کاشان‌بطول ۹۸ کیلومتر باتمام‌رسید و آنگاه‌بامرشاهنشاه ادامهٔ ساختمان‌راه آهن تهران ـ مشهد وتهران ـ تبریز آغاز گردید ودرسال۱۳۳۵



اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایستگاه راه‌آهن تبریز را افتتاح میفرمایند

باتمام‌رسید. تمام‌این خطوط که‌جمعاً درحدود ۹۰۰ کیلومتراست بااعتبارات راه آهن وسازمان‌برنامه، بدست مهندسین وکارگران فنیٔ ایرانی ساخته شده است.

اکنون‌شبکهٔ راه آهن دولتی ایران باپیمودن‌قریب به ۳۵۰۰ کیلومترمسافت، از سرزمینهای متنوعی میگذرد که مجموعهٔ آنها شامل مناظر و آب‌وهواها و وضع ارضی کاملاً متفاوت است، گاهی در جلگه‌های سبزوخرم پیش میرود وزمانی از گردنه‌های‌صعب‌العبورمیگذرد وازشکاف کوههاسربرون آورده برفرازرودخانه‌ها ودره‌ها وپرتگاهها گام برمیدارد.

راه آهن‌ایرانرا که شریان ارتباطی واقتصادی‌میهن‌ما است، نظربه کیفیتهای خاصی که دارد وبعلت اشکالات عجیبی که در ساختن آن وجود داشته و ابتکارات مخصوصی که برای حل‌آن اشکالات بکار رفته است، باید یکی ازشاهکارهای‌فن وصنعت عصرحاضر شمرد.

بیش از ۲۶۰ تونل بطول نزدیك به‌یکصدهزار متر، متجاوز از ده هزار پل کوچك وبزرگ وچندین‌هزار ساختمان فنی درمسیر راه آهن قرار گرفته است. بیش از دویست ایستگاه درمعبر راه آهنهای ایران شبانه‌روز درفعالیتند. متجاوزاز سی‌وشش هزارکارمند ومأمور فنی ومتخصص ومهندس دراین دستگاه کار میکنند. هرسال ملیونها تن‌کالا از انواع گوناگون بوسیلهٔ راه آهن حمل میشود و نزدیك به چهارملیون نفر مسافر بتوسط آن از شهری بشهر دیگر رفت و آمد میکنند. درآمدکل حمل‌ونقل راه آهن ایران اینك درحدود سه‌ملیارد ویکصد ملیون‌ریال‌ـ است واین ارقام، هرسال درافزایش میباشد.

اتصال پایتخت‌باستانهاوشهرستانها وقصباتی که راه آهن از آنها عبورمیکند، علاوه‌بر تسریع آبادانی آنها، موجب تقویت مرکزیت و تشیید مبانی پیوستگی معنوی ووحدت ملی ما شده‌است.

در دورهٔ سلطنت اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی تقریباً کلیهٔ ریلهای

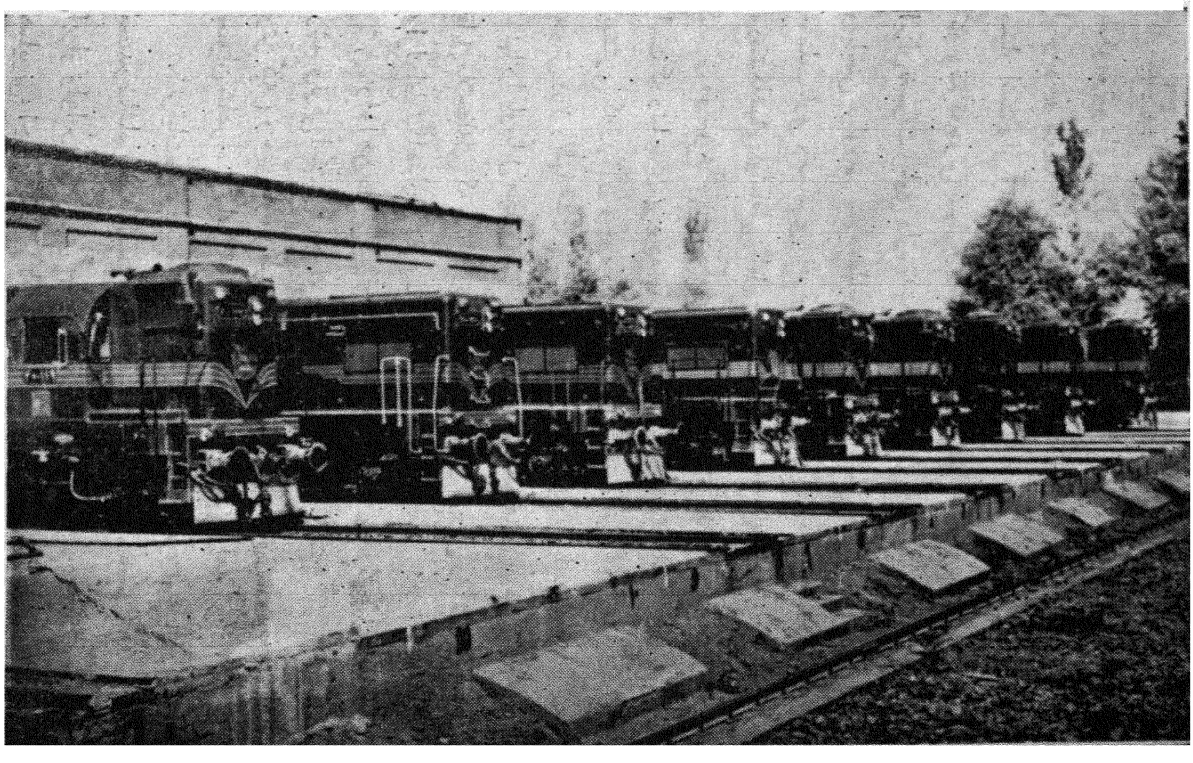

آشیانهٔ لکوموتیوهای دیزل

راه آهن سرتاسری تعویض گردیده و بسیاری از مسیرهای آن در نقاط صعب‌العبور که منطبق بااصول فنی نبود تغییر داده شده ، بعلاوه ، لکوموتیوهای بخاری مبدل بلکوموتیوهای دیزل شده و اکنون کلیهٔ قطارها اعم‌از باری و مسافری ، بوسیلهٔ لکوموتیو دیزل حمل میشوند . مزیت این لکوموتیوها به لکوموتیوهای بخاری بسیار است واز آنجمله ، سرعت ، اطمینان ، نظافت واز همه مهمتر افزایش میزان کار وصرفه‌جوئی بسیار را میتوان ذکر نمود . همچنین درکلیهٔ شئون فنی راه آهن ایران تغییرات زیادی داده‌شده است. کارخانه‌های تعمیرات اساسی واگنها ولکوموتیوها وساختن تراورس بتنی مطابق آخرین اصول فنی نوین احداث گردیده و واگنهای مختلف باری ومسافری آخرین نوع و واگنهای پست ویخچال وغیره خریداری شده ودستگاههای ارتباطی کامل و مجهز وکارخانه های مولد برق بکار افتاده است .

موضوع جدید دیگری که در راه آهن ایران عملی شده ، ابتکار تازه‌ای است که دنیا بدان پی برده وراه آهن ایران نیز از لحاظ صرفه جوئی و اطمینان بیشتری که در آن وجود دارد ، تصمیم گرفته آنرا عملی نماید . این موضوع ، جوش درز ریلها است یعنی بجای اینکه دوسر ریل را باپیچ وصفحه بهم متصل کنند، آنها را باوسایل مخصوصی بیکدیگر جوش میدهند . اینعمل علاوه بر صرفه‌جوئی قابل ملاحظه‌ای که در بردارد ، مانع شکستن دو سر ریل ومآلاً موجب دوام آن شده وازلحاظ نگاهداری نیز بسیار مؤثر است .

راه آهن دولتی ایران از لحاظ وسعت شبکه وقدرت حمل ونقل همواره در حال رشد وترقی است وبا اجرای برنامه‌های آینده وپیوستن آن به قطور (مرز ایران وترکیه) و میرجاوه (مرز ایران وپاکستان) ، کشور ما موقعیت تاریخی خود را بعنوان شاهراه ارتباطی شرق وغرب مجدداً بدست خواهد آورد .

ترقیات وتحولات شگرف راه آهنهای ایران مرهون توجهات وعنایات اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی است که به پیشرفت این دستگاه عظیم ارتباطی علاقهٔ مفرطی ابراز واوامر لازم برای بهبود امور آن صادر میفرمایند . تعالیم و مساعدتهای ذات همایونی، اجرای کامل برنامه‌های سنگین ساختمانی و بهره برداری راه آهن ایران را تاکنون میسر ساخته است .



کوی کارگران راه‌آهن درشیرگاه

تاریخچهٔ مختصری دربارهٔ هواپیمائی کشوری

با اینکه قبل ازجنگ بین‌المللی اخیر سرویس هوائی مسافربری دولتی در ایران تأسیس و باشگاهی نیز بدستوراعلیحضرت فقید تشکیل شد که هنوزهم با ۲۵ هواپیمای مشقی بفعالیت برای تعلیم و تربیت خلبان درایران ادامه میدهد، لیکن اداره‌ای برای تنظیم امورمربوط بهواپیمائی کشوری و ایجاد وتکمیل فرودگاهها و تهیهٔ وسائل فنی مورد احتیاج آنها وجود نداشت. درتاریخ مرداد ۱۳۲۵ دولت تشکیل چنین دستگاهی را ضروری تشخیص‌داد وتصویبنامه‌ای راجع بتأسیس‌ادارهٔ کل هواپیمائی کشوری صادر گردید. بزرگترین اشکالیکه این‌اداره در بدوتأسیس باآن مواجه شد عدم متخصصین فنی بود. برای رفع این اشکال، در همان تاریخ آموزشگاهی افتتاح شد که در آن متخصصین هواشناسی، رادیو و مراقبت‌هوائی، مکانیك هوائی، متصدی تله‌تایپ، متخصص‌موتورهای مولد برق، آتش‌نشانی وسایر رشته‌های فنی وعلمی هواپیمائی تربیت میشوند وتاکنون محصلین شش دوره ازاین آموزشگاه، فارغ‌التحصیل‌و وارد خدمت شده‌اند و با اشتغال آنان اکنون چرخ دستگاههای فنی‌درفرودگاهها بدست مأمورین‌ایرانی‌در گردش بوده ومتدرجاً نیاز بکارمأمورین خارجی ازمیان میرود.

فرودگاههای ایران

درایران‌قبل ازجنگ اخیروهم درخلال آن، فرودگاههائی ساخته شده بود که‌بعضی خاکی و برخی آسفالتی و بتنی بودند. ادارهٔ کل هواپیمائی کشوری چند فرودگاه دیگرنیز بآنها افزوده است از قبیل فرودگاههای یزد - رشت - رامسر - بابلسر - بیرجند - بندرعباس و رضائیه. اکنون فرودگاههای ایران را میتوان به سه درجه تقسیم نمود:

۱- فرودگاههای درجه یك، که‌جنبهٔ بین‌المللی‌دارند وطبق‌مقررات بین‌المللی باید واجد شرایط فرودگاههای درجه‌یك دنیاباشندوعبارتنداز فرودگاههای مهرآباد و آبادان.

۲ - فرودگاههای درجه ۲ ، که عبارتند از فرودگاههای شهرستانها یعنی فرودگاههای تبریز- مشهد - اصفهان- شیراز-اهواز- کرمانشاه - کرمان-زاهدان.

۳-فرودگاههای درجه۳ که عبارت ازسایر فرودگاههای ایران میباشند باینشرح: همدان - بوشهر - اراك - بندر پهلوی - بندرعباس - بندرلنگه - جاسك - زنجان قم - قزوین - گرگان - کلاردشت - نیشابور- اردبیل - بیرجند - بابلسر- شاهرود سمنان - سبزوار- میامی - بجنورد - دلیجان - امین آباد - خوی - رضائیه - رامسر آبگونجی - آغاجاری - اندیمشك - درگزین - گچساران - گناوه - هفتگل - هفت تپه - خیرآباد - خورد وران - کوت عبدالله - لالی معشور - مسجد سلیمان - ملاثانی - نفت سیاه - نفتخانه - شمس‌عرب .

فرودگاههای مهرآباد و آبادان و کرمان وزاهدان وهمدان و کوت عبدالله ومشهد واصفهان وتبریزواندیمشك دارای خیابانهای پروازبتنی یاآسفالتی میباشند و سایر فرودگاهها خاکی هستند و قرار است بوسیلهٔ سازمان برنامه فرودگاههای شیراز و رشت واهواز باخیابانهای پرواز آسفالتی مجهزشوند .

برای پذیرفتن مسافرین و نگاهداری کارمندان فرودگاه ووسایل فنی آنها تاکنون درفرودگاههای تبریز ومشهد و شیرازو آبادان ساختمانهائی ایجاد شده‌است و عنقریب مورد استفاده قرارخواهد گرفت . بنای جدید فرودگاه مهرآباد که اینك ساختمان آن پایان یافته‌است‌از بهترین وجدیدترین فرودگاههای دنیا میباشد. وسایل روشنائی کامل برای پروازشب وهمچنین وسایل آتش‌نشانی، برای فرودگاه مهرآباد و آبادان ازخارج خریداری شده و بجای چراغهای قبلی که بطورموقت گذاشته‌شده بودنصب گردیده وهم‌اکنون این دوفرودگاه برای قبول بزرگترین هواپیماهای جهان مهیا میباشند .

ارتباطات

چون فرودگاهها درهرآن‌بایستی با هواپیماهائی که درپروازهستند ارتباط داشته‌باشند و همچنین از ورود وخروج هواپیماوازوضع جوی فرودگاههای دیگر

نیزمطلع شوند ، وجود یك شبکهٔ ارتباطی‌رادیوئی که درتمام ۲٤ ساعت مشغول‌کار باشد ضرورت دارد. ادارهٔ کل‌هواپیمائی کشوری‌از آغاز کار، بااستفاده ازدستگاههای رادیوئی مختلف که‌ازطرف وزارت جنگ وپست وتلگراف برای کمك داده شده‌بود ، وبعداً بوسیلهٔ دستگاههائیکه ازخارج وارد نموده است ، سازمان مخابراتی کاملی بوجود آورده که علاوه برارتباط دائم‌بافرودگاههای داخلی‌وپاریس، بیروت، دمشق ، آمستردام ، بغداد ، لیدا ، آنکارا ، دهران ، بصره ، کراچی ، قندهار، دهلی و بانکوك ، ازطریق ایستگاههای مذکور با تمام دنیا در ۲٤ ساعت ارتباط دارد . دستگاههای بیسیم نیزجهت مخابرات ودستگاههای رادیوئی دیگری برای هدایت هواپیماهای‌درپرواز وراهنمائی آنهابطرف‌فرودگاهها‌تهیه‌شده‌وموردا‌ستفاده‌میباشد.

هوا شناسی

دستگاههای هوا شناسی ، در خدمت هواپیمائی دو وظیفه دارد : اول اطلاع ازوضع هوائی فرودگاه مقصد. دوم آگاهی‌از وضع جوی طول راه برای مدت ۲٤ تا ٤٨ ساعت . تأمین منظوراول اشکال زیادی ندارد زیرامکن است اطلاعات مورد احتیاج ازطرف مأمورین فرودگاه مقصد بتوسط رادیوبفرودگاه مبدء مخابره‌شود. برای اینکار ، ادارهٔ کل هواپیمائی کشوری درتمام فرودگاههای خود متخصصینی دارد که در کلاسهای اختصاصی هواپیمائی تربیت شده‌اند و آنها این اطلاعات را در بعضی نقاط هرسه ساعت یکمرتبه ودربرخی دیگر هرساعت یکبار بمرکز مخابره مینمایند . اماپیش بینی‌اوضاع جوی دارای تشکیلات دیگری‌است که برپایهٔ‌اطلاعات رسیده از وضع جوی بیست نقطه درایران و درحدود پانصد نقطه درخارج ایران ، وضع جوی مورد لزوم پیش بینی میشود ، باین نحو که اطلاعات مزبوررا معمولاً روی‌نقشهٔ مخصوصی منعکس‌میکنند ومتخصص فن‌ازمجموعهٔ این اطلاعات، باترسیم ایزوبارها میتواند مناطقی را که در آن اغتشاشات جوی وجود دارد فوراً تشخیص و سرعت وحرکت آنها را که معمولاً ازمغرب بمشرق است تعیین‌نماید وباین ترتیب خلبان هواپیما باتوجه به پیش‌بینی مزبور، پروازخودرا تنظیم میکند وانجام‌میدهد .

البته پیش‌بینی وضع جوی تقریبی است وفعلاً دردنیا ، بصحت آن بیش از ۸۰ درصد نمیتوان اطمینان داشت .

مراقبت عبوروم‌رورهوائی

برای‌دادن‌اطلاعات‌لازم به‌هواپیماهاومراقبت‌درطرزپروازوجلوگیری‌از تصادم آنها بایکدیگرواجرای مقررات پرواز بتوسط خلبانان ، اداره‌ای بنام ادارهٔ مراقبت پرواز ، درادارهٔ کل هواپیمائی کشوری تأسیس شده کـه بوسیلهٔ کارمندان متخصص خود وازطریق ۸ برج تلفنی و۲ برج تلگرافی باکلیهٔ هواپیماهائیکه درقلمرو کشور ایران مشغول پرواز هستند دائماً مربوط است و مسئولیت نظارت ومراقبت آنها را بمنظورتسریع وتنظیم پروازو تأمین سلامت آن، تا زمانیکه از سرحد ایران خارج نشده‌اند بعهده دارد . برای تهیهٔ کارمندان فنی این اداره که مسئولیت فوق العاده شدیدی‌رادرقبال‌پروازهابعهده‌دارند،ادارهٔ کل‌هواپیمائی کشوری‌افرادی‌رادر کلاسهای فنی وتخصصی خود تربیت نموده وعده‌ای را برای تکمیل معلومات بخارجه اعزام کرده که اکنون مراجعت نموده‌اند وتصدی دستگاههای‌مراقبت هواپیماهارا ازقبیل دستگاه برج مراقبت که‌عهده دارمراقبت هواپیماها در منطقهٔ فرودگاه تا شعاع ۵۰ کیلومترودستگاه اطلاعات پرواز که عهده دار نظارت وتنظیم پروازتاسرحد کشور وبخش اجازهٔ پرواز که مسئول صدوراجازه برای پرواز هواپیماها طبق مقررات ـ است ، بعهده دارند .

اقداماتی که‌برای تشویق وتوسعهٔ هواپیمائی کشوری معمول شده است

برای کمك بتأسیس وتوسعهٔ هواپیمائی کشوری درایران ، اقدامات زیربعمل آمده است :

الف ـ تخفیف عوارض گمرکی هواپیماها و قطعات یدکی آنها که تقریباً از ۲۵ درصد به ۵ درصد تقلیل یافته است .

ب ـ معافیت بنزین هواپیما ازهرگونه مالیات وعوارض .

ج ـ معافیت بلیط هواپیما ازهرگونه عوارض .

د ـ دادن ارز دولتی برای خرید هواپیما وقطعات یدکی آن.

هـ ـ ایجاد تسهیلات برای ورود وخروج مسافرین و کارکنان هواپیماها .

و ـ مراقبت دائمی در تقلیل هزینهٔ مسافرت باهواپیما .

اخیراً نیزدولت سه فروند هواپیمای و ایکانت که جدیدترین و مجهزترین هواپیماهای مسافربری امروزاست ، خریده و بمؤسسات هواپیمائی داخلی فروخته است .

گمرکات و انحصارات

وزارت گمرکات و انحصارات، مجموعه‌ای از دستگاههای اقتصادی میهن ما است که با زندگانی روزمرهٔ عموم هم میهنان ما سروکار دارد. اغلب ادارات تابعهٔ این وزارتخانه که نقش اساسی در تأمین قسمت عمده‌ای از احتیاجات عمومی را بعهده دارند، در دوران سلطنت نابغهٔ عظیم‌الشأن ایران اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر بوجود آمده و در زمان سلطنت اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی راه کمال پیموده‌اند.

وزارت گمرکات و انحصارات، تنها موظف به تأمین کالاهای انحصاری نمیباشد بلکه قسمت عمده، یعنی $\frac{3}{5}$ کل درآمد کشور، بوسیلهٔ گمرک، از واردکنندگان کالا دریافت و صرف قوای تأمینیه و بهداشت و فرهنگ و سایر احتیاجات ضروری کشور میگردد.

هدف دولت از تأسیس وزارت گمرکات و انحصارات، توزیع اطمینان بخش کالاهای انحصاری در کلیهٔ نقاط کشور میباشد و اینک تاریخچه و نقش مؤثری را که ادارات تابعهٔ وزارت گمرکات و انحصارات در تحکیم ارکان اقتصادی میهن ما بعهده دارند باختصار شرح میدهیم:

گمرکات

کلمهٔ گمرک، از ریشهٔ یونانی مشتق و بمعنی حقوقی است که بر کالا و مال‌التجاره تعلق میگیرد.

در زمان ساسانیان اداره‌ای برای دریافت باج و حقوق متعلق بکالاها، بنام «دیوان» در ایران وجود داشته که دولتهای اسلامی هم آنرا قبول نموده‌اند و کلمهٔ «Douanes» که ترجمهٔ فرانسوی گمرک است از آن اخذ گردیده‌است.

بگفتهٔ پروفسور راولنسیون مستشرق انگیسی، ادارهٔ گمرک از زمان اشکانیان

درایران وجود داشته و از ابریشم چین و ادویهٔ هندوستان و کالاهای رومی که بباز ارهای ایران وارد و در آنجا باهم معاوضه میگشت ، حقوق گمرکی دریافت میشد ولی کالاهای خروجی از پرداخت مالیات معاف بود .دردورهٔ اسلامی ، رویهٔ تجارت آزاد معمول گشت ودرزمان صفویه مجدداً عوارض گمرکی بنام « فرضه » برقرار واززمان شاه سلیمان ، درآمدهای گمرکی منطقهٔ خلیج فارس باجاره داده شد .

بموجب عهدنامهٔ ترکمانچای مقررشد از کالاهای وارد از روسیهٔ تزاری فقط پنج درصد بها بعنوان حقوق گمرکی اخذ شود و سه سال بعد ، سایردول نیز بعنوان دول کاملةالوداد ، ازمزایای مزبور شروع باستفاده کردند ودر واقع حقوق گمرکی درایران بطور یکنواخت براساس پنج درصد استوار گردید بدون آنکه با دولت ایران معامله شده باشد . بعداً که دولت ایران مبادرت باستقراض از روسیه و انگلستان نمود ودر آمدهای گمرکی شمال وجنوب ، گروگان این وامها قرارداده شد ، بمنظور جلوگیری از حیف ومیل در آمدهای گمرکی و با توجه بلزوم رعایت موازنهٔ سیاسی، دولت ایران مبادرت باستخدام مستشاران بلژیکی نمود (۱۲۷۷ شمسی) و بنا بپیشنهاد رئیس هیئت مزبور که عنوان وزیر گمرکات یافته بود و فرمان همایونی مورخ ۱۸ ذیحجهٔ ۱۳۱۸ هجری قمری ، اجارهٔ گمرکخانه‌ها و وصول عوارض داخلی از قبیل حقوق خانات و راهداری وقپانداری ملغی و مقررشد ازبهای اجناس وارده وصادره بمأخذ صدی پنج و باضافه ، ازهر بارچهل من تبریز بیست ودوشاهی ازمکاری دریافت گردد .

پس ازاستقرارمشروطیت ، عنوان وزارت ازرئیس هیئت مستشاران بلژیکی سلب شد وادارهٔ کل گمرك تحت نظارت وزارت دارائی قرار گرفت . اولین تعرفهٔ گمرکی ایران براساس وزن وارزش ، در ۱۲۸۲ شمسی بوسیلهٔ مستشاران بلژیکی تنظیم گردید وده سال پس ازاجرای آن ، درآمدهای گمرکی کشور که درسال ۱۲۷۷ ده ملیون ریال بود به ٤٧ ملیون ریال ترقی کرد . پس ازالغاء کاپیتولاسیون نخستین قانون تعرفهٔ گمرکی ایران دراردیبهشت ۱۳۰۷ براساس حداقل واکثر حقوق گمرکی

تصویب شد . بموجب آن ، دولی که الغاء کاپیتولاسیون را برسمیت شناخته و بالنتیجه به عقد قرارداد بازرگانی با ایران توفیق یافته بودند ازتعرفهٔ حداقل استفاده کردند وکالاهائی که ازسایر کشورها وارد میشد مشمول پرداخت حد اکثرحقوق گمرکی گردید . در سالهای ۱۳۱۵ - ۱۳۲۰ - ۱۳۲۹ - ۱۳۳۲ ، چندین بار در قانون تعرفهٔ گمرکی ایران تجدید نظرشد و سرانجام با استفاده از تجربیات جامعهٔ ملل سابق و طرحی که برای تعرفهٔ گمرکی تهیه گردیده و در بسیاری از کشورهای جهان مورد استقبال و استفاده قرار گرفته بود ، قانون تعرفهٔ گمرکی دردهم تیر ۱۳۳۷ بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

قانون مزبورمشتمل بر ۳٦ ماده و جدول منضم بآن مشتمل بر ۲۱ فصل و ۸٦ بخش و ۹۹۱ نوع کالااست . دراین فصول ، انواع کالاها بحال مادهٔ اولیه ، نیمه‌ساخته وتمام‌شده و آماده بمصرف ذکروبا رعایت احتیاجات کشور، تولیدات داخلی ، تقویت وحمایت صنایع ملی ، قوهٔ خرید و میزان نیازمندی طبقهٔ مصرف کننده ، برای آنها حقوق وعوارض گمرکی وضع گردیده است .

درآمد ادارهٔ کل گمرك دراولین سال تأسیس (۱۲۷۷ شمسی) جمعاًبالغ بر ده ملیون ریال بوده ودرسال ۱۳۳۸ شمسی به‌بیش‌از نه ملیارد ریال که برابربا یك سوم بودجهٔ کل کشور است پیش بینی میشود که از طریق جمع آوری انواع حقوق وعوارض گمرکی انحصاری و عوارض شهرداری تأمین خواهد گشت . در قبال این درآمد هنگفت ، هزینهٔ اداری گمرکخانه‌ها در سال ۱۳۳۸ بالغ بر ۲٤۰ ملیون ریال یعنی کمتراز ۳٪ درآمد مذکورپیش بینی شده است .

ازاواسط سال ۱۳۳٤ درپرتو عنایات ملوکانه وراهنمائیهای خردمندانهٔشهریار جوانبخت وبراثر ثباتی که درتمام شئون مخصوصاً اوضاع اقتصادی واجتماعی‌واداری کشور بوجود آمد ، دوره‌ای آغاز گردید که مرادف با تجدید حیات و فعالیت گمرکی است .

براثراین تحولات، روحیهٔ کارمندان گمرك بکلی‌عوض شده وبا ملاحظهٔطرز کار و رفتار سرپرست خود ، کارمندان ، فعالیت درراه تأمین درآمد وحفظ منال

ومنافع دولت را درمیان خودبمسابقه گذارده‌اند و با توجه باینکه در« دورهٔ جدید » بیش ازهرزمان دیگر ازتاریخ شصت سالهٔ گمرك ، بتشویق وپشتیبانی از مأمورین خادم و اعطاء مدال و نشان وپاداش نقدی بآنان وطردعناصر ناباب از گمرك اقدام شده ، بجرأت میتوان گفت که با ادامهٔ این وضع ، تا چندی دیگر ادارهٔ کل گمرك نواقص ظاهری و باطنی خودرامرتفع خواهد ساخت و بابهترین گمرکخانه‌های جهان برابری خواهد کرد .

دخانیات

ازموقعی که کشت توتون سیگاردرایران رایج گردید تازمان تأسیس انحصار دخانیات ایران ، وضع کشت و برداشت محصول توتون ، بعلت اینکه کشاورزان و سایل کار در اختیار نداشتند وبطرق علمی وفنی این زراعت آگاه نبودند، وضع نامناسبی داشت . زارعین برگهای توتون را برای خشکاندن روی زمین پهن میکردند ؛ بالنتیجه نه تنها قسمتی از محصول در معرض باران وسایر حوادث جوی قرار گرفته از بین میرفت ، بلکه آنمقدار محصول هم که بدست میآمد ، پست و نامرغوب بود .

قانون انحصار دخانیات ایران که در سال ۱۲۹٤ شمسی بتصویب رسیده بود بصورت دریافت حق انحصاراجرا شد و چون وسیلهٔ دقیقی برای رسیدگی مطمئن وجودنداشت ، باوجود اصلاحاتی که دراسفند ۱۳۰۳ و۱۳۰۷ و آبان ۱۳۰۹ درقانون مزبور بعمل آمد بطورکامل اجرا نشد وفقط بامختصر نظارتی درکارخانه‌های کوچك خصوصی ، مالیاتی وصول میگردید . بعداً در سال ۱۳۱۱ قانون نامبرده تکمیل واز اوایل سال ۱۳۱۳ طرح اجرای کامل قانون انحصار دخانیات تهیه و موجبات خرید کارخانه‌ها ازهرحیث فراهم گردید .

ساختن کارخانه‌های دخانیات درسال ۱۳۱٤ شروع شد وازاواسط سال ۱۳۱۵ ماشینهای خریده شده نصب گردید و در پنجم مهر۱۳۱٦ ساختمان عظیم دخانیات بدست توانای اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر گشایش یافت ومؤسسهٔ دخانیات بموازات

ایجاد تأسیسات بزرگ صنعتی ، بتشکیل مزارع آزمایشی واجرای آزمایشهای لازم کشاورزی وتهیهٔ بهترین نوع توتون مناسب با آب وهوای ایران ویافتن بهترین روش کشت وبرداشت محصول توتون همت گماشت . فعلاً بذرانواع انتخاب شدهٔ توتون مجاناً درسراسر کشور باختیار کشتکاران گذارده میشود و ضمناً با پرداخت وامهای کافی و طویل المدت ، توتونکاران بساختن ابنیهٔ لازم جهت خشکاندن ونگهداری توتون ، انبارضبط ، تلمبارو گرمخانه ، ترغیب و تشویق شده‌اند بطوریکه درحال حاضر توسعهٔ کشت توتون درهر ناحیه ، درعمران و آبادی آن منطقه تأثیر بسزائی نموده است .

زراعت توتون درسالهای اول منحصر به گیلان بودوسپس در گرگان ومازندران بسط یافت و دردوران سلطنت اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی ، تدریجاً از ده سال باینطرف ، بمناطق شمالغرب و غرب ایران مانند تبریز،خوی ،رضائیه ، مهاباد ، سقزوسنندج توسعه داده‌شد بطوریکه برنامهٔ کشت سال ۱۳۳۸ شمسی بمساحت ۱۸۰۰۰ هکتار توتون سیگاردر نواحی مختلف کشور تعیین شده که محصول آن بالغ برده‌هزار تن خواهدشد ومعادل سیصدوپنجاه ملیون ریال بابت بهای محصول توتون سیگار به متجاوزاز بیست هزارخانوادهٔ ایرانی که حداقل یکصد هزار نفررا با عائلهٔ خود تشکیل میدهند پرداخت خواهد گردید .

ضمن اقدامات مذکور، درسالهای اخیر اقدامات دامنه داری جهت ساختن انبارهای مجهز بمنظورتخمیرو نگهداری توتون نواحی توتون خیز کشور بعمل آمده و اکنون بجای کاروانسرا و آغل و اصطبل که درسالهای گذشته محل تمرکز جنس بود ، توتون ایران دربهترین انبارها که درنوع خود با ممتازترین انبارهای جهان قابل‌مقایسه است و با هزینهٔ معادل یکهزاروپانصد ملیون ریال بناشده نگهداری‌میشود وظرفیت انبار های موجود باندازه‌ای است که برای نگهداری محصول دو سال کشور کفایت میکند .

دردوسال اخیریعنی پس ازتأسیس وزارت گمرکات وانحصارات ، برای‌بهبود

توتون سیگار ایران اقدام مؤثری صورت گرفت یعنی اکنون توتونهای مریض وسیاه ونامرغوب بمحض خرید اززارعین ، معدوم ومنحصراً توتونهای خوشرنگ و معطر و سالم وارد انبارهای دخانیات میشوند و ازاین راه ، بزرگترین قدم برای اصلاح خرمن توتون سیگار که اولین پایهٔ مرغوبیت محصول دخانیات کشور است برداشته میشود .

موضوع مهم دیگری که مخصوصاً در حال حاضر مورد توجه است طرز بسته بندی و نحوهٔ عرضهٔ محصول قابل مصرف ببازار میباشد . در این قسمت ، باخرید مجهزترین ماشینهای بسته بندی ، تحول عظیمی در زیبائی و ظرافت پاکتهای سیگار حاصل گردیده بطوریکه کالای دخانیات در بسته هائی بنام خیام و فروردین و انواع دیگر ، با زیباترین و بهترین سیگارهای خارجی رقابت میکند و بالنتیجه تاکنون بنسبت قابل ملاحظه ای ازورود سیگارهای خارجی کاسته شده و با توسعهٔ ماشین آلات ، میزان تولید که در آغاز کار از روزی نه ملیون عدد تجاوز نمیکرد اکنون به بیست و پنج ملیون یعنی در حدود سه برابر رسیده و در نظر است سال بسال در بهبود محصول طوری کوشش و دقت شود که در بازارهای خارجی مشتریان کافی بدست بیاید و مقدار قابل ملاحظه‌ای محصول دخانیات صادر شود .

درآمد مؤسسه که درسال ۱۳۱۸ فقط ۱۸۰ ملیون ریال بود درسال ۱۳۳۷ از سه ملیارد وسیصد وپنجاه ملیون ریال تجاوز نموده و در سال جاری بطور قطع از سه‌ملیاردو پانصدملیون ریال بیشتر خواهد شد .

برای توجه به سیر تکاملی محصولات مختلف دخانیات همینقدر کافی است که بدانیم در نمایشگاه بروکسل درسال ۱۹۵۸ محصول سیگار ایران بین تمام کشورهای جهان مقام اول را بدست آورد و برندهٔ جایزهٔ مدال طلا گردید . امید میرود باتوجه کاملی که برای تخمیر فنی توتون درانبارها مبذول میشود محصول توتون بیش از پیش مرغوب گردد و با ماشینهای بسته بندی جدیدی که خریده شده ودرشرف نصب است ، مؤسسهٔ انحصار دخانیات با کوشش مهندسین و کارکنان فنی جوان خود، بتهیهٔ بهترین انواع سیگار توفیق یابد .

غله

با اینکه میهن ما کشوری فلاحتی و پر نعمت است ، معمرین قوم بخاطردارند که قبل ازسلطنت اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر ، تأمین نان مردم با چه مشکلاتی توأم بود و بارها اتفاق میافتاد درحالیکه غلهٔ نقطه‌ای از کشور بعلت فراوانی محصول درحال فساد و تباهی بود ، در نقاط دیگر قحطیهای وحشت آوری بروز میکرد وهرچند سال یکبار ، عدهٔ زیادی ازهم میهنان ما قربانی بی‌نظمی و سهل‌انگاری حکومتهای وقت میشدند.

در آغازسلطنت اعلیحضرت فقیدرضاشاه کبیر، رفع این مشکل بزرگ و تثبیت نرخ غلات مورد توجه واقع و مقرر گردید که گندم وجو در نقاط مختلف کشور ببهای عادلانه خریداری ودرموقع ضرورت بقیمت ثابت بمصرف کننده فروخته شود تا هم کشاورز بتواند از فروش محصول دسترنج خود بهرهٔ عادلانه ببرد و با اطمینان خاطر، کار و کوشش خود را ادامه دهد وهم مصرف کننده بتواند نان مورد احتیاج خودرا باقیمت عادلانه و بدون دغدغهٔ خاطر و ترس ازقحطی تهیه نماید. بدین‌منظور، شرکت سهامی تثبیت نرخ غله باسرمایهٔ دولت تأسیس ودر نقاط مختلف کشور برای غلات بهای عادلانه‌معین‌شد و بالنتیجه گندمهائی که دردست کشاورزان باقی‌مانده بود وخریداری نداشت ، خریداری وضمناً اعلام گردید درهر نقطه که احتیاج وضرورت باشد ، برای تأمین نان مردم ، گندم ببهای عادلانه فروخته خواهد شد .

این اقدام سهل وساده نبود و وسایلی لازم داشت که مهمترین آنها وسایل نگاهداری غلات و وسایل حمل و نقل آن بنقاط کم محصول کشور بود .

درقسمت دوم ازوسایط نقلیهٔ موتوری که در آنموقع چندان زیاد نبود استفاده میشد ولی درقسمت اول لازم بود که انبارهائی مطابق آخرین اصول فنی در نقاط مختلف کشورساخته شود تابتوان غلات را با اصول فنی چند سال در آنها ذخیره کرد. بنا براین ، ساختن چندین سیلو و کارخانه های بوجاری در نقاط مهم کشور مانند تهران - تبریز - مشهد - کرمانشاه - اصفهان - اهواز وشیراز بظرفیت صدوهفتاد

و ششهزار تن در نظر گرفته شد و در پاره‌ای از نقاط دیگر ، کارخانه های بوجاری ایجاد گردید که متأسفانه بعلت پیش آمد جنگ جهانی ، بعضی از آنها ناتمام‌ماند.

پیش آمد جنگ جهانی دوم‌وورودارتشهای بیگانه بکشوروپاره‌ای مداخلات آنان موجب گردید که این برنامهٔ منظم ومترقی‌متوقف گردد . ازطرف دیگر بعلت احتیاج مبرمی که بغلات پیدا شده ونرخ آن در بازار آزاد ترقی کرده بود ، مالکین جنس خودرا بدولت نمیفروختند ؛ دولت هم چون معتقد بود که باید نان ارزان در دسترس مردم قرار گیرد باافزایش بهای غلات موافق نبود. باینجهت تصمیم گرفته شد که بوسیلهٔ اخذتعهداز مالکین برای‌فروش‌مقداری‌ازمحصول‌خود بدولت، غلات‌مورد احتیاج‌تهیه وتأمین شود واین‌رویه نه‌تنها بصرفهٔ مالکین‌نبود بلکه‌عملاً مشکلاتی‌ایجاد نمود که بحث در آنها محتاج بتفصیل است و خلاصه اینکه باوجود تلاشهائی که از بدو تأسیس ادارهٔ تثبیت نرخ غله تاسال ۱۳۳٦ بعمل آمد ، خرید و فروش غلات در کشوروضع‌مطلوبی نداشت وغالبا مشکلاتی ایجاد میشد که برای کشاورزومصرف‌کننده زیان آور بود . حتی بعلت بی نظمی‌کار غله و مشکلات تأمین نان مرکز و شهرستانها ، از سال ۱۳۲۰ ببعد دولتهای وقت ناگزیربودند مقادیری غله از آمریکا و سایرممالك خریده و در نقاطی که غله کم بودمصرف نمایند . درسال۱۳۳٦شمسی بمنظور رفاه کشاورزان و مصرف کنندگان تصمیم گرفته شد که با توجه به عوامل تولید و قیمت سایرمایحتاج عمومی ، قیمت معتدلی برای خرید و فروش غلات تعیین گردد و پس از بررسیهای دقیقی که بعمل آمد ، بهای خرید هر تن گندم حد متوسط پنجهزار ریال وفروش آن در کلیهٔ نقاط کشورششهزار ریال ، مناسب وعادلانه بنظر رسید و مورد عمل‌قرار گرفت. درخلال این احوال، تکمیل‌سیلوهای نیمه تمام وتعمیر و ترمیم سیلوها و ایجاد انبارهای جدید برای نگهداری غلات نیزازنظر دور نماند و اقدامات لازم در اینمورد بعمل آمد بطوریکه در سال ۱۳۳۷ سیلوهای ناتمام

کرمانشاه ـ مشهد ـ اهواز و شیراز با تمام رسید و در اغلب نقاط ، انبارهای فنی جدیدی ساخته شد و نقائص سیلوهای تهران و تبریز و اصفهان مرتفع گردید .

چون در سالهای ۳۶و۳۷ از طرف دولت تسهیلات لازم برای فروشندگان فراهم وهرموقع هرمقدارجنس‌مرغوب که برای‌فروش عرضه نمودند بقیمت عادلانه خریداری گردید لذا کشاورزان و مالکین عموماً راضی شدند و دولت موفق گردید بمقدار کافی و حتی بیش از احتیاجات خود غله خریده و نیازمندی دورترین نقاط کشور را تأمین نماید . سیاست متخذه در دوسال‌اخیرموجب شده‌است که مالکین و کشاورزان در کشت بذر خوب و برداشت محصول مرغوب دقت و مراقبت بیشتری بنمایند و امید میرود که ادامهٔ این رویه سبب شود تا چند سال دیگر کشاورزان و مالکین درتهیهٔ محصول مرغوب و فراوان موفقیت بیشتری بدست آورند .

موضوع مهم‌دیگری که موردتوجه وزارت گمرکات‌وانحصارات واقع گردید تهیهٔ نان بهداشتی است تا اهالی مرکز و شهرستانها بتوانند مانند ساکنین سایر کشورهای مترقی ازنانهای مرغوب وتمیزاستفاده نمایند و آلودگی دست خمیرگیر و سایر کارگران نانوائی ، سلامت آنانرا بخطر نیندازد . بدین منظور ، یك کارخانهٔ نمونهٔ ۲۵تنی‌جهت تهیهٔ نان ماشینی درسیلوی‌تهران‌نصب شد وچون محصول کارخانه مورد استقبال شایان اهالی پایتخت قرار گرفت هم اکنون سه کارخانهٔ دیگر یکی بظرفیت شبانه روزی ۳۲ تن و دو دستگاه دیگر هریك ۱۴۰ تن در شرف حمل و نصب میباشد وامیدفراوان میرود که‌بانصب کارخانه‌های‌مزبورواستقبال فوق‌العاده‌ای که از طرف مصرف کنندگان میشود ،کارخانه‌های جدید دیگری نصب ونان فعلی مرکز و شهرستانها ، در مدت کوتاهی به نان ماشینی تبدیل گردد .

قند و شکر

بعد از نان ، یکی از موارد احتیاج روزانهٔ مردم ایران ، قندوشکر است .

کشت نیشکر در ایران سابقهٔ طولانی دارد و بعقیدهٔ بعضی ، کلمهٔ « خوز » بمعنی قند است و چون این محصول در قدیم ، بمقدار فراوان در استان ششم بدست میآمده آنرا خوزستان نامیده‌اند . در مازندران نیز نوعی شکروجود دارد که کم‌و بیش‌مورد مصرف‌اهالی‌است وچون‌اطباء قدیم‌بخواص آن‌پی‌برده بودند آنرا ببعضی از بیماران خود تجویز میکردند . قند ریزی ازسالهای پیش بوسیلهٔ قنادان درایران معمول‌بود واین عمل دردیگهای‌مخصوصی‌صورت میگرفت که رعایت‌اصول بهداشت در آن نمیشد . درنتیجهٔ هجوم اقوام مختلف ، کشت نیشکر در ایران بتدریج از بین رفت‌بطوریکه پس ازحملهٔ مغول ، قند ازارمغانهای جالبی بود که باید از بیگانگان و درمقابل سیم وزرخریده میشد وچون عرضهٔ این کالا همواره دردست سودجویان بودجزئی‌ترین حادثه‌ای در نرخ آن تأثیر میکرد تاروزیکه اعلیحضرت فقیدرضاشاه کبیر زمام امور میهن ما را در دست گرفت و مصمم شد ما را از خارجیان بی نیاز کند. اینك بطوریکه ملاحظه میشود درظرف سی‌سال‌اخیر ، سیزده کارخانهٔ بزرگ قند در سراسر کشور احداث شده و سالی بیش از یکصد هزار تن محصول میدهد .

بدستورشاهنشاه‌فقید وبموجب قانون‌مصوب نهم‌خرداد ۱۳۰۷، علاوه براینکه ازمحل درآمد انحصار قندوشکر(کیلوئی‌دوریال) اقدام بتأسیس‌راه آهن‌سرتاسری کشور گردیده، ملیونها نفرمالك و زارع با شرکت در تأسیس کارخانه ها وفروش چغندر ، موفق بتوسعهٔ زراعت وافزایش درآمد خود و کشور گردیده‌اند وبا تجدید عظمت‌ایران باستان ، کشت نیشکردرخوزستان نیز بمرحلهٔ عمل نزدیك شده است .

انحصار ورود و فروش قندوشکر علاوه برسود سرشاری که برای مملکت داشته و دراجرای‌برنامه‌های عمرانی مؤثربوده ، باعث گردیده‌است که افراد بدون هیچگونه تشبث و بدلخواه خود ، قند وشکر را در هر شهرستان از نزدیکترین عامل فروش بنرخ دولتی‌خریداری نمایند.

وظیفهٔ ادارهٔ کل قندو شکر ، خرید وتوزیع صحیح و عادلانهٔ کالا درسراسر کشور است و هم اکنون شعبات این اداره ، توزیع آنرا درشهرستانها وحتی دهات دوردست بعهده دارند .

چای ایران

چای که یك لغت چینی است از زمانهای بسیار قدیم در قسمتهای شرقی آسیا شناخته شده وبتدریج کاشت ومصرف آن درسایر نقاط آسیا متداول گردیده است . بذر آن برای اولین‌باردرسال۱۳۰۲ هجری قمری بوسیلهٔ حاجی‌محمد حسین‌اصفهانی بایران آورده شد ولی کشت آن پیشرفتی نکرد و از بین رفت تا اینکه در سال ۱۳۱۷ هجری قمری یعنی شصت و یکسال قبل مرحوم محمد میرزا کاشف السلطنه که درواقع باید آنمرحوم را پایه گذار کشت چای ایران لقب داد ، چندین صندوق تخم چای وچهار هزار اصله نهال درچند گلدان با مشقات بسیار زیاد ازکانگرا واقع درسرحدات شمالی هندوستان به بمبئی واز آنجا به‌بندر بوشهر آورده درپشت قاطر از راه شیراز بتهران حمل نمود و در منطقهٔ تنکابن وچهانه سرلاهیجان کاشت و از آن تاریخ زراعت‌چای تدریجاًدرایران معمول گردید .

درسال ۱۳۰۹ شمسی بموازات‌پیشرفت سایررشته‌های کشاورزی ، برای اینکه چایکاران بیشتر تشویق شوند ، بنگاه خرید چای درشهسوار تشکیل گردید واز آن ببعد ، چای املاك اختصاصی راخریداری میکرد. بدینجهت چایکاران بطورعجیبی تشویق شدند ودر نتیجه کشت چای فوق‌العاده توسعه یافت بطوریکه درسال ۱۳۲۹ سطح کشت به هفتهزار هکتار و در سال ۱۳۳۰ به ده هزار هکتار افزایش یافت و فعلاً بیش ازچهارده هزارهکتارزمین زیر کشت‌چای میباشد که‌از کلار آبادچالوس تا فومن رشت در طول ۲۰٤ کیلومتر گسترده شده است .

محصول چای ایران که در سال ۱۳۱۳ شمسی تقریباً ششصدتن بوده ، درسال ۱۳۳٦ بـه هفتهزار تن رسیده. بنابراین اکنون چای داخلی تقریباً $\frac{1}{3}$ مصرف‌چای میهن ما را تأمین مینماید زیرا اگردر کشورما که بیست ملیون نفر جمعیت داردهر نفر بطور متوسط در سال یك کیلو گرام چای مصرف کند بیست هزار تن چای در سال مصرف خواهد شد .

بطور کلی تا اوایل سال ۱۳۳۷ شمسی ، امور چای داخلی وضع ثابت و روشنی نداشت و تضاد منافع طبقهٔ تولید کننده و وارد کننده و بلاتکلیفی چایکاران و کارخانه‌داران و عدم رضایت آنان موجب شده بود که در کیفیت و مرغوبیت چای و ترویج مصرف آن توجه کاملی بعمل نمیآمد تا اینکه بامرشاهنشاه معظم اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی و تصمیم هیئت دولت ، امور چای بوزارت گمرکات و انحصارات محول و سازمانی برای ادارهٔ امور چای کشور و خرید و فروش آن بنام سازمان چای تشکیل گردید .

وظایف سازمان چای

سازمان چای در ۵۳ کارخانهٔ فنی و مجهز چای سازی که شش دستگاه آن دولتی و بقیه غیر دولتی است برگ سبز خریده شده را تبدیل بچای قابل مصرف مینماید . طرز خرید این است که برگ سبز درجه یك (یکغنچه دو برگ) از قرار هر کیلو ۲۶ ریال و درجه دو (یکغنچه سه برگ) ازقرار هر کیلو ۱۵ ریال از چایکاران خریده میشود و این عمل پیوسته زیر نظر مأمورینی که از مرکز اعزام شده‌اند صورت میگیرد (از هر چهار کیلو برگ سبز بطور متوسط یك کیلو چای خشك بدست میآید.)

اجرت تبدیل برگ سبز بچای خشك درجه یك، هر کیلوده ریال و درجه دو هر کیلو ۲۴ ریال بکارخانه داران پرداخت میشود و چای تحویلی پس از آزمایش بلافاصله توزین وجهت جور کردن وطبقه بندی بانبارهای تهران حمل میگردد. چایهای رسیده در انبارهای مرکز بوسیلهٔ کارگران متخصص طبقه بندی شده انواع آن بدرجات یك و دوتفکیك میگردد و خاکه و غبار آنرا میگیرند وقسمتهای نامرغوب چای مانند ساچمه و پره و غیره را از چای مرغوب جدا مینمایند . چای طبقه‌بندی شده بدو طریق، حراج و بسته‌بندی شده ، بفروش میرسد :

الف ـ حراج : وارد کنندگان چای خارجی موظفند برابر ثلث چائی که وارد میکنند ، چای داخلی از سازمان چای خریده و با چای خارجی مخلوط نمایند . برای سهولت کار ، مانند کلیهٔ مراکز و بازارهای مهم ممالك چای خیز و مصرف کنندهٔ جهان

از قبیل کلکته ، کلمبو ، لندن و آمستردام ، هرهفته یکروز جلسهٔ حراج از طرف سازمان چای تشکیل و انواع چای بمعرض حراج گذارده میشود و بازرگانان هر نوع چای از درجات یك ودورا میتوانند انتخاب کرده و بنرخهای حاصله خریداری وباچای‌خارجی‌مخلوط نمایند . عمل اختلاط چای داخلی باخارجی درتهران منحصراً در انبارهای سازمان چای و در گمرکخانه‌هائیکه چای وارد کشور میشود زیر نظر مأمورین مخصوص انجام میگیرد .

ب - برای اینکه‌چای قابل مصرف در دسترس مصرف کنندگان‌قرار گیرد و چای‌محصول کشور بعموم‌معرفی‌شود ، چای مهیاشده دربسته‌های ۵۰ - ۱۰۰ - ۲۰۰ - ۵۰۰ گرمی بسته بندی و با نرخ ثابت بوسیلهٔ عاملین در تهران و شهرستانها توزیع میشود وفعلاً چای شکستهٔ درجه یك ازقرار کیلوئی ۱۲۰ ریال و باروتی درجه یك کیلوئی ۱۴۰ ریال وزرین‌ممتازهر کیلو ۱۸۰ ریال‌بمصرف کنندگان فروخته میشود .

سازمان چای، علاوه برخرید وفروش‌چای ، درجهت توسعهٔ کشت چای داخلی و کمك بچایکاران قدمهائی برداشته منجمله درسال ۱۳۳۶ شمسی ۳۰۹۰۰۰ اصله نهال دو سالهٔ چای که در نهالستانهای سازمان چای شمال طبق اصول فنی تهیه گردیده بود ببهای بسیار نازل یعنی از قرار هر هزار اصله ۲۵ ریال بین کشاورزان و باغداران توزیع نموده و نیز مقدار ۸۳۰ تن کود شیمیائی از قرار هر کیلو چهار ریال (خیلی کمتر از نرخ واقعی) دراختیار آنان گذاشته و همچنین یك کلاس کار آموزی جهت تربیت کارشناس چای زیر نظرمتخصصین داخلی وخارجی‌تشکیل داده است. بعلاوه، مقدار ۲۰۰۱۰/۷۰۰ کیلو گرام‌بذرچای خریداری وپس ازدرجه بندی و ضد عفونی‌کردن ، در ۱۲ هکتار نهالستانهای رشت و لاهیجان و تولارسر کاشته شده تاپس‌از دو سال ، نهالهای آنها بین زارعین توزیع گردد .

باربری

چهل سال قبل ، مضمون شعرمعروف « . . . شتر آهسته میرود شب و روز » مبین واقعی وسایل نقلیه ووضع حمل و نقل مملکت ما بود و بجز وسایل کندرو که درجاده‌های‌تنگ وباریك و نا امن درحرکت بودند ، وسایط دیگری دیده نمیشد و

بدین ترتیب برای حمل قسمتی از محصولات مملکت بنقطهٔ دیگر ورساندن آن بدست مصرف کننده، مدتی طولانی لازم بود و کمتر اتفاق میافتاد که در موعد مقرر، باری سلامت بمنزل برسد و ازحوادث جوی و پیش آمدهای نامطلوب دیگرمصون بماند.

طلوع سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر و توجه آن رادمرد به اصلاحات اساسی در تمام شئون مملکت، سبب شد که حمل و نقل میهن ما نیز ماشینی شود و رکود و کندی به سرعت تبدیل گردد. بالنتیجه مردم توانستند محصولات خود رادر اغلب نقاط کشور باکامیون ووسایل موتوری حمل نمایند. باوجود این، تا چند سال قبل، غیر از ارتش شاهنشاهی هیچیك ازدستگاههای اداری مملکت دارای سازمان باربری مجهزی نبود و طبعاً کالاهای انحصاری مانند قندوشکر و غله و دخانیات بوسیلهٔ عده‌ای گاراژدارو پیمانکار که‌اغلب باجرای تعهدخودمقید نبودند، درسراسر کشورحمل میشد و گاهی پیمانکاران، حمل وبموقع رساندن کالا را چنان سرسری گرفته و بازیچهٔ رقابتهای بیمورد یا اختلاف با شرکاء و همکاران خود قرارمیدادند که گاهی اصلاً کالاهای مورد احتیاج مردم بموقع بشهرستانهانمیرسید وموجب ایجاد سروصدا و بازارسیاه ومضیقهٔ شدید اهالی میگردید. هنوزموضوع اختلاف فاحش نرخ قندو شکر بین شهرها ودهات ازخاطرها فراموش نشده وهر کس بیاد دارد که ساکنین فقیر دهات و قصبات مجبور بودند که حتی گاهی قند وشکر مورد مصرف خود را بقیمتی بیش از دو برابر نرخ دولتی بخرند و روزها بلکه ماهها میگذشت و ساکنین آن نقاط دسترسی به قند و شکرارزان پیدا نمیکردند.

در سال ۱۳۳۱، یکی از تدابیر عملی و مؤثری که از طرف ادارهٔ کل قند و شکر برای رفع این بحران اتخاذ شد، تأسیس یك ادارهٔ حمل و نقل مجهز بود. برای اجرای این منظور، درمدت کوتاهی، درحدود سیصد دستگاه کامیون ده تنی سنگین و عدهٔ زیادی کامیون سبك وتندرو برای ادارهٔ کل قندوشکر خریده شد و ادارهٔ باربری قندو شکر برای حمل کالا بتمام نقاط کشور مشغول کار گردید.

پس‌ازتشکیل‌دولت فعلی‌وتأسیس وزارت گمرکات وانحصارات‌این وزارتخانه در اجرای اوامرومنویات اعلیحضرت همایون شاهنشاه، ضمن‌توسعهٔ ادارهٔ کل‌باربری

وجمع آوری و تمرکز کامیونهای قبلی و تعمیر و بهره برداری از آنها ، دویست دستگاه دیگر کامیون بیست تنی مرسدس بنز (باترایلر) بقیمت بسیار ارزان واقساط طویل المدت خریداری کرد که فعلاً باسرعت ونظم وترتیب خاصی ، مشغول رساندن کالاهای انحصاری بنقاط دور و نزدیك میهن ما میباشند .

اکنون ادارهٔ کل باربری علاوه بر دویست دستگاه کامیون مرسدس بنز باترایلر ، دارای یکصدوپنجاه کامیون سنگین دیگر بوده و طوری مجهز است که میتواند علاوه برحمل کالاهای انحصاری وکالاهای گمرك بتمام نقاط کشور، محمولات سایر وزارتخانه ها را نیز حمل و حتی برای حفظ تعادل و موازنهٔ نرخ کرایه در بازار آزاد ، ماهانه مقادیر زیادی هم بار تجارتی بشهرستانها حمل نماید .

گارد مسلح گمرك

یکی دیگر ازتدابیری که وزارت گمرکات وانحصارات دراوان تشکیل خود برای تقویت و تثبیت وضع اقتصادی کشور اتخاذ نمود تأسیس سازمان مستقلی بنام گارد مسلح گمرك است .

سابقاً نبودن یك سازمان مجهز ومستقل مبارزه باقاچاق در کشوروعدم نظارت و مراقبت شدید در مرزهای طویل ایران که عبور از هر نقطهٔ آن بآسانی صورت میگرفت به قاچاقچیان فرصت میداد که ثروت عمومی را از راه قاچاق بغارت برده و بنیهٔ اقتصادی کشور را تضعیف نمایند . نبودن وسایل ارتباط و راههای شوسه در طول مرز و وضع سیاست اقتصادی کشورهای مجاور نیز بکار قاچاق دامن میزد و موجب شده بود که بیشتر اهالی مرزنشین احتیاجات خود را ازکالا هائی که بدون اجرای تشریفات گمرکی وارد میشد تأمین نمایند و سود سرشار کالاهای قاچاق ، اغلب بازرگانان کوچك شهرهای نزدیك مرز را بخود مشغول داشته بود .

نگهبانان سابق که جزء نیروهای مسلح واز جهت سلسلهٔ مراتب اداری تابع نیروهای مذکور بودند ، در حفظ مرز وظیفهٔ مهمتری بمعنای اخص کلمه داشتند . باینجهت کار نظارت برورود و صدور کالاها که جزء وظایف آنان قرار گرفته بود

با دشواری انجام‌میگرفت و وجود تفاهم بین سازمان نظامی را که مأموریت اصلیش دفاع از کشور است با مأمورین وصول عایدات دولت یعنی ادارهٔ گمرک مشکل میساخت. در اوایل تشکیل وزارت گمرکات و انحصارات، این موضوع مورد مطالعه قرار گرفت و با توجه بلزوم استفاده از نیروهای نظامی در امر مبارزه باقاچاق و همکاری با ادارهٔ گمرک، فکر تشکیل سازمان گارد مسلح گمرک بوجود آمد. سازمان گارد مسلح گمرک ازدوازده گردان نیروی زمینی و گاردساحلی مرکب از نه فروند ناوچهٔ ۶۵ تنی وعده‌ای قایق موتوری ودوفروند هواپیمای نزدیك پروازاکتشافی تشکیل شده است. سازمان مزبور در مرزهای شمالی واحدی ندارد و واحدهای گارد بین چهارده ناحیه تقسیم و در سراسر مرز باختری و خاوری و کرانه‌های جنوبی کشور مستقر شده‌اند.

ادارهٔ کل بنادر و کشتیرانی

ساحل دریائی آزاد درجنوب ایران متجاوز از ۱۸۰۰ کیلومتر است که ۱۱۰۰ کیلومتر آن کنار خلیج‌فارس یعنی بین دهانهٔ شط‌العرب و تنگهٔ هرمز و ۷۰۰ کیلومتر آن در دریای عمان یعنی میان بندر عباس وسرحدپاکستان (بندر گوادر) واقع‌شده‌است؛ و نیزازدهانهٔ شط‌العرب تابندرخرمشهر ۱۰ کیلومتر، ساحل در کناررودخانهٔ مزبور قرار دارد که قابل کشتیرانی است. در این نواحی، بنادر خرمشهر و آبادان و بندرشاهپور، بااسکله ها و تأسیسات بندری مناسب، آماده برای پذیرفتن کشتیهای بزرگ واقیانوس پیما میباشند. بندرمعشور نیز که درمحیط آبی بندر شاهپور قرار گرفته، ازاینقبیل است؛ لیکن فقط اختصاص بصدور نفت‌خام و ورود لوازم مربوط به صنایع نفت دارد. علاوه بربنادر فوق، بنادر دیگری نیزمانند بنادر عباس و بوشهر در سواحل جنوبی قراردارند که دارای لنگرگاههائی میباشند که کشتیها میتوانند در آنجا لنگر انداخته و بوسیلهٔ باربرها محمولات خود را بارگیری یا تخلیه نمایند. واماسایربنادر ازقبیل‌چاه‌بهار، جاسك، لنگه وامثال آنها فقط اختصاص به کشتیرانی ساحلی داشته و ظرفیت قبول کشتیهای بزرگ و اقیانوس‌پیمارا ندارند. در شمال، ۷۰۰ کیلو متر ساحل در کنار دریای‌خزرواقع است که در آن، فقط دوبندر پهلوی

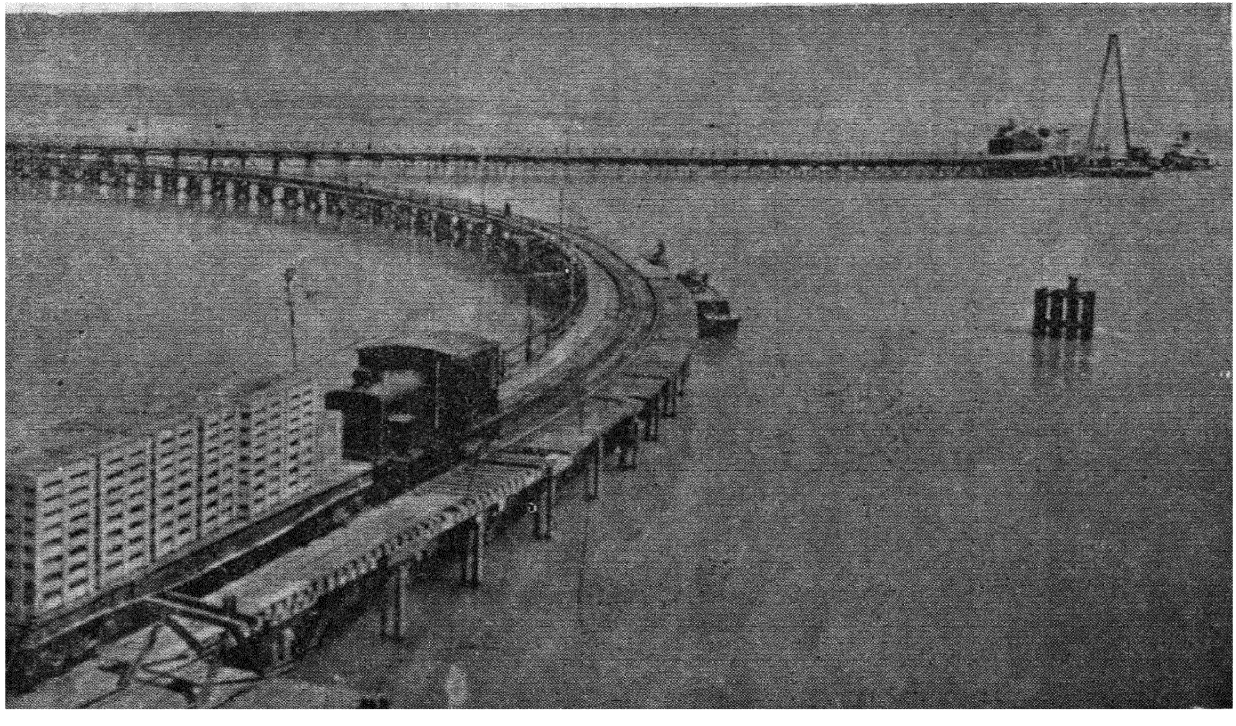

بندر شاهپور

و نوشهر قابل پذیرفتن کشتیهای بازرگانی مخصوص دریای خزر میباشد. بندرشاه نیز که درانتهای شمالی راه آهن سرتاسری واقع شده ، دارای تأسیسات بندری مناسب میباشد اما اینك بعلت پائین رفتن سطح آب دریا وافزایش رسوبات ، از آن استفادهٔ کافی نمیشود و برای اصلاح آن مطالعات دامنه داری در جریان است . بنادر آستارا و بابلسر و فرح آباد که آنها نیز از بنادر دریای خزر میباشند فقط بکشتیرانی محلی و ساحلی اختصاص دارند . در تاریخ ٦ بهمن ١٣٠٦ تأسیسات بندر پهلوی که بتوسط دولت روسیه ساخته شده بود تحویل دولت ایران گردید و دولت نیز نگاهداری و بهره برداری از آنرا بوزارت راه محول نمود . مقارن شروع ساختن راه آهن سراسری ، بنادر شاه و شاهپوردرمنتها الیه شمالی وجنوبی راه آهن احداث گردید و در سال ١٣١٣ ساختن بندر نوشهردرسواحل بحرخزر آغازشد و در بندرخرمشهر نیز تأسیسات بندری بوجود آمد .

تا تاریخ ١٣١٤/١١/١٥ ادارهٔ امور بنادر پهلوی و شاه و شاهپور که دارای تأسیسات بندری و جزو تشکیلات وزارت راه بودند در مرکز وزارتخانه تمرکز نداشت وادارهٔ بندر پهلوی مستقیماً وادارات بنادرشاه وشاهپور بتوسط راه آهنهای شمال وجنوب باوزارتخانه ارتباط داشتند . در تاریخ پانزدهم بهمن ١٣١٤ ادارهٔ کل بنادر تأسیس شد و امور کلیهٔ بنادر در آن اداره متمرکز گردید و بتدریج تأسیسات بندری در بنادر مذکور توسعه یافت . در نوشهر بندر جدیدی احداث گردید و در خرمشهر هم اسکله‌های لازم ساخته شد ومطالعاتی هم برای ایجاد تأسیسات بندری در سایر بنادر بعمل آمد . در سال ١٣٢٨ لزوم توسعهٔ تأسیسات بندری بتناسب وضع اقتصادی و افزایش میزان واردات و صادرات کشور ، مورد توجه دولت و مجلس شورای ملی واقع شد و پس از مطالعات لازم مقرراتی برای عمران و آبادی بنادر جنوب بتصویب رسید که باستناد آن ، بنگاه کل بنادر و کشتیرانی در وزارت راه تشکیل شد و کلیهٔ امور بندری و کشتیرانی کشور در آن متمرکز گردید . ولی از اول سال ١٣٣٢ بنگاه مزبور مجدداً بادارهٔ کل بنادر تبدیل و امور مربوطه ، بادارهٔ کل گمرك وراه آهن دولتی ایران واگذارشد تا اینکه درتاریخ ١٣٣٨/٤/١٦ طبق

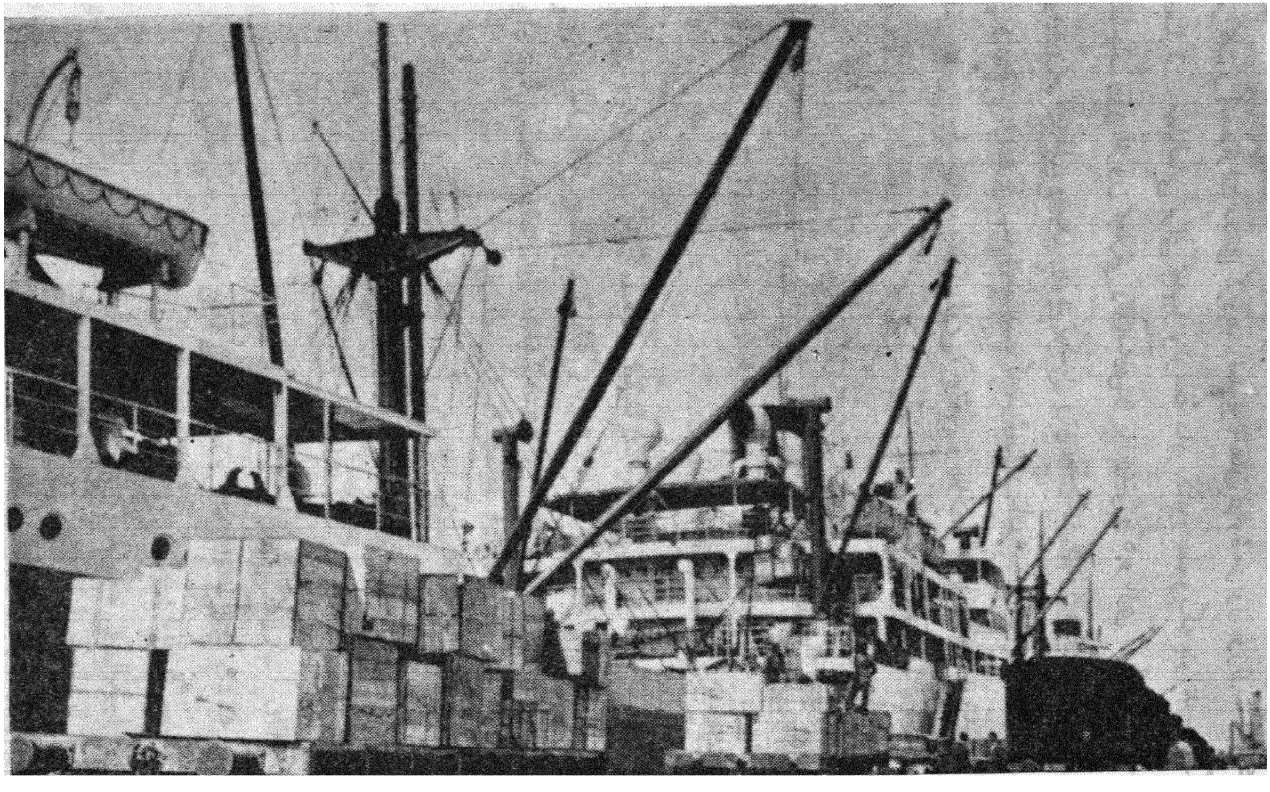

اسكلهٔ خرمشهر

تصویبنامهٔ هیئت‌وزیران،ادارهٔ مزبور با کلیهٔ بودجه واعتبارات‌وکارکنان‌خودبوزارت گمرکات و انحصارات منتقل گردید . بعد از الحاق ادارهٔ مزبور بوزارت گمرکات و انحصارات ، مطالعاتی برای تجهیز وتوسعهٔ بنادر کشور بطوریکه بتواند جوابگوی احتیاجات روز افزون تجارتی واقتصادی و ترانزیتی وکابوتاژی ایران باشد صورت گرفته و برنامه‌های وسیعی جهت تکمیل وتوسعهٔ بنادر کشور و تجهیز آنها از نظر فنی و دریائی واداری تهیه شده است که‌بترتیب در بنادرخرمشهر ، شاهپور ، بوشهر، بندر عباس ، چاه بهار ، بندر پهلوی ، نوشهر و بندر شاه اجرا خواهد شد .

وزارت کار

تحولات بزرگ صنعتی که ازقرن نوزدهم‌در کشورهای‌اروپاشروع‌شدرفته‌رفته به سایر کشورهای جهان هم سرایت کرد ومیهن مانیز بعلت ارتباطی که با غرب پیدا کرده بود ، از آثاراین تحول برخوردار گردید . لیکن‌صنایع نوین ، بعلت آشنا نبودن مردم و سرمایه داران وهم بعلت عدم تشویق و حمایت دولتها و رقابت صنایع خارجی چندان پیشرفت نمیکرد . رشد و توسعهٔ صنایع نوین را در میهن ما ، بایداز دوران شاهنشاه فقید رضاشاه کبیردانست. ازاین هنگام است که کارخانه‌های مختلف در رشته‌های گوناگون ، بدست دولت ویا با اشتراك مساعی دولت ومردم ، دراغلب نقاط کشور دایر و مشغول کار شده است .

« دورهم جمع شوید ، شرکت تشکیل بدهید ، کارخانه وارد بکنید ؛ باینوسیله هم استفادهٔ کافی‌میبرید وهم بابی نیاز کردن کشوراز اجناس‌خارجی خدمتی به‌آب وخاك‌خود خواهید نمود. شماها باید بدانید که‌سعادت‌فردای فرزندان مملکت درگروکاروکوشش‌امروز شماست. »

این دستور بزرگ‌اقتصادی‌واجتماعی که درحدود یکربع قرن‌پیش ، ازطرف پیشوای بزرگ ایران نوین رضاشاه کبیر، خطاب‌به سرمایه‌داران‌اصفهان صادرشده، سرلوحهٔ تاریخ صنایع نوین و مبدأ حیات کارگری کشور است .

سخنان آن رادمرد وطن پرست چون از دل برخاسته بود چنان بدل مردم شاهدوست نشست که دراندك زمانی ، تمام دارائی نقدی مردم ، حتی‌طلاوزینت آلات زنان ، به سهم کارخانه مبدل شد .

این استقبال بی نظیر مردم از تمایلات رهبر عالیقدر خود ، توأم باکمکهای مادی و معنوی مستمر دولت موجب شد که درمدت کوتاهی چندین کارخانهٔ بزرگ و وکوچك با سرمایهٔ مردم بکشور وارد واز آنها بهره برداری گردید ؛ بطوریکه تا

سال ۱۳۱۵ ، غیر از کارخانه‌هائی که ازطرف شاهنشاه برای تشویق مردم وارد و در شمال مملکت نصب شده بود ، در حدود۲۵ کارخانهٔ بزرگ ریسندگی و بافندگی ، چهار کارخانهٔ چرمسازی ، پنج کارخانهٔ کبریت سازی و تعداد زیادی کارخانه های واکس‌سازی ، روغن کشی ، صابون سازی ، شیشه و بلورسازی ، برنج کوبی ، چای خشك کنی ، آرد سازی ، نجاری و غیره به میهن ما وارد شد و در نقاط مختلف بکار افتاد .

این جنبش عظیم ، توأم با برنامهٔ وسیع صنعتی دولت درمورد تأسیس کارخانه‌های اسلحه سازی برای ارتش شاهنشاهی و ایجاد کارخانه های قند ، دخانیات ، سیمان ، گلیسرین و صابون ، مواد نسوز ، گودرن وجوهر نمك و استخراج معادن ازطرفی و فعالیتهای بزرگ ساختمانی مانند ساختمان راه آهن سرتاسری وساختمان راههای شوسهٔ اصلی وفرعی وسایر ساختمانهای دولتی ازطرف دیگر موجب‌شد که بتدریج، عدهٔ قابل ملاحظه‌ای کارگر ، مستقیم و غیر مستقیم ، برای حرکت دادن چرخهای فعالهٔ کشور بکار بپردازند .

ازدیاد روز افزون صنایع و افزایش عدهٔ کارگران و عدم اطلاع آنان و کارفرمایان صنایع نوبنیاد ازاصول بهره برداری وشرایط کار و بخصوص لزوم‌ایجاد وسایل‌بهبود زندگی عدهٔ کثیری ازافراد کشور که بنام کارگردر تأسیسات نفت‌جنوب وشیلات ، باوضعی نامطلوب از نیروی فعالهٔ آنها استفاده میشد ، دولتهای وقت را بر آن داشت که هماهنگ با صنایع تازه ، مقررات مناسبی هم‌برای‌تعیین روش کار و چگونگی مناسبات کارگر و کارفرماتنظیم و اجرا نمایند و درحدود امکان آنهارا بهمکاری و تشریك مساعی در راه پیشرفت کار هدایت کنند . از این لحاظ بود که در سال ۱۳۱٤ شمسی ادارهٔ مستقلی بنام ادارهٔ کل صناعت و معادن تشکیل گردید و برای تعیین شرایط کار و وظایف کارگر و کارفرمادرمورد بهداشت کارگران و پرداخت پاداش بآنان در صورت آسیب دیدن و یا فوت ناشی از کار ، آئین نامه‌ای تدوین و بتصویب هیئت دولت رسانید و بلافاصله مفاد آن در عموم کارگاهها اجرا شد .

تصویب آئین نامهٔ مزبور نخستین قدمی بود که در راه حفظ حقوق کارگرو

کارفرما برداشته شد ، بعداً بموجب آئین نامهٔ دیگری ، کارگران معادن و راه آهن نیز از حقوق مزبور بهره مند گردیدند .

این آئین نامه تاشهریور ۱۳۲۰ مبنای روابط کارگروکارفرما محسوب شده و تا حدی کافی بنظر میرسید وبوسیلهٔ ادارهٔ کل صناعت و معادن که بعدها بوزارت پیشه و هنر تبدیل یافته بود اجرا میگردید ولی پس از تاریخ مزبور و شروع یك دورهٔ بحرانی ناشی از جنگ جهانی اخیر ، برای جلوگیری از تحریکات سیاسی در میان کارگران وتمرکز امور کارگری دردست دولت ، در آبان ۱۳۲۳ ادارهٔ مستقلی بنام ادارهٔ کل کاردروزارت بازرگانی و پیشه وهنر تأسیس ومأمور رسیدگی بشکایات و رفع اختلافات کارگران و کارفرمایان گردید وسپس طرح اولین قانون کار بوسیلهٔ شورائی مرکب ازافراد بصیرومطلع تهیه و بفرمان اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی، پس ازرسیدگی مجدد ، دراردیبهشت ۱۳۲۵ اجرا شد . ولی چون رفع اشکالات موجود بوسیلهٔ سازمان کوچك ادارهٔ کل کار میسر نبود ، این اداره توأم با ادارهٔ کل انتشارات و تبلیغات وادارهٔ عمران و اصلاحات ، بوزارتخانهٔ جدیدی بنام وزارت کار و تبلیغات مبدل شد و بلافاصله بتهیهٔ آئین نامه‌های لازم و تشکیل ادارات کار در استانها ومراکز صنعتی مبادرت و بمنظور تأمین وحدت ویگانگی کارگران در مقابل تحریکات سیاسی ، اقداماتی نمود که اهم آنها عبارتند از : اجرای مواد قانون کار و آئین نامه‌های کار مشتمل بر آئین نامهٔ حد اقل دستمزدو آئین نامهٔ آموزش وپرورش- اجرای مقررات مربوط به تعاون و بهداشت وتقلیل ساعات کار و تأمین حقوق ایام تعطیل- جلوگیری از اخراج کارگران - هدایت و تقویت اتحادیه‌های صنفی کارگری - مبارزهٔ تبلیغاتی باعوامل سیاستهای مخرب ومنحرفین- ترویج اصول شرکتهای تعاونی- تهیهٔ مسکن برای کارگران - شرکت در کنفرانس بین المللی کار واستفاده از وجود کارشناسان خارجی و بورسهای تحصیل و مطالعه - تشکیل صندوق تعاون و بیمهٔ کارگران - تشکیل بنگاه تعاون عمومی - تنظیم لایحهٔ قانونی بیمه های اجتماعی کارگران و اجرای آن - تنظیم لایحهٔ قانونی حفاظت فنی و اجرای آن - تهیه

و اجرای لایحهٔ قانونی شرکتهای تعاونی ـ تعلیمات حرفه‌ای ـ تشکیل ادارهٔ مستقل کاریابی ـ ایجاد و سایل نمونهٔ بهداشتی در کارخانه‌ها ـ تشکیل شورای امور اجتماعی زنان و کودکان کارگر ـ آموزش و پرورش کارگران ـ معالجهٔ کارگران معتاد ـ ارتباط با سازمان بین‌المللی کار .

کوششهای مداوم وزارت کار در راه هدفهای کارگری و حمایت از صنایع داخلی سرانجام بصورت « قانون کار » در آمد که در شانزدهم تیر ۱۳۲۸ بتصویب مجلس شورای ملی رسید و بطور آزمایش اجرا شد و چون ضمن عمل نواقصی در آن مشاهده گردید طرح قانون جدیدی که از هر لحاظ مزایای بسیاری بر قانون مزبور دارد بوسیلهٔ جمعی از صاحبمنصبان با تجربه و عالیمقام وزارت کار تهیه و بمجلس سنا تقدیم گردید که با تصویب و اجرای آن بسیاری از مشکلات کارگری میهن ما حل خواهد شد .

وزارت کار بمنظور حفظ حقوق و تأمین رفاه و بهداشت و آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای و فرهنگی کارگران و خانواده‌های آنان و اصلاح و بهبود امور کارگری و مسائل مربوط بآن، بطور مداوم مشغول اقداماتی است که ذکر همهٔ آنها و نتایج سودمندی که از آنها گرفته شده ، از گنجایش این مقاله بیرون است ولی اهم آنها ، تدوین و اجرای قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران میباشد که ذیلاً شرح مختصری در بارهٔ آن داده میشود :

بیمه های اجتماعی یعنی تأمین افراد در مقابل حوادث و مصائب زندگی ، بدنبال پیدایش صنایع ماشینی و براثر امکان تصادم و وقوع حوادثی که منجر به بیماری یا آسیب دیدگی و یا مرگ افراد وابسته بصنایع میگردید ، در جهان بوجود آمده و روز بروز تعمیم و توسعه یافته تا جائی که امروز یکی از مهمترین مسائل حیاتی اجتماعات بزرگ و مترقی بشمار میرود . بهمین مناسبت ، بیمهٔ کارگران ابتدا در آلمان و بعداً در سایر کشور های جهان اجباری شده و بیمه های انفرادی که فقط شامل بیمهٔ حوادث و امراض ناشی از کار و مستمری پیری بود، جای خود را به بیمه های اجتماعی داده یعنی کمکهای آن از فرد تجاوز نموده و شامل خانواده گردیده است .

امروز سازمانهای بیمه‌های اجتماعی افراد را در مقابل حوادث و امراض ناشی از کار وغیر ناشی از کار - پیری - از کار افتادگی - عائله‌مندی - ازدواج - بیکاری حتی مسکن بیمه نموده و بخانوادهٔ آنها درمورد بیماری - وضع حمل و فوت مسئول مالی خانواده کمکهای شایانی مینماید . برای رسیدن باین هدف عالی است که در کشورهای مترقی ، حق بیمه‌ای در حدود ۳۵ الی ٤۰ درصد دستمزد (که جزئی از آن بعهدهٔ کارگر است) برای اجرای بیمه‌های اجتماعی در نظر گرفته‌اند .

درمیهن مانیز شروع بیمه ، مقارن با پیدایش صنایع ماشینی یعنی در دوران پرافتخار سلطنت شاهنشاه فقید رضاشاه کبیر بوده : بموجب آئیننامهٔ کارخانه‌ها و مؤسسات صنعتی که در سال ۱۳۱۵ شمسی بتصویب هیئت دولت رسیده واجرا شده - بود ، در هر کارگاه صندوقی بنام صندوق احتیاط تشکیل گردیده و کارگران یامزدوران موظف بودند روزی پنج دینار از حقوق خود را بآن صندوق بپردازند ؛ ضمناً از حقوق متخصصین و صنعتگران نیز دو در صد کسر و بآن صندوق پرداخت میشد و درمقابل ، برای مراقبت در تندرستی آنان ومعالجهٔ کسانیکه در نتیجهٔ انجام‌دادن وظیفه مریض یا مجروح میشدند یا عضوی از اعضای خود را ازدست میدادند یابرای همیشه از کار میافتادند ، از صندوق مزبور کمك میگردید و بوراث کسانیکه در نتیجهٔ انجام دادن وظیفه تلف میشدند پاداشی داده میشد وچون دراینموقع ، ساختن راه آهن سرتاسری میهن ما نیز جریان داشت ، بامرشاهنشاه فقید ، مقررات خاصی نیز برای جبران خسارات عضوی عمله‌های راه آهن تهیه و بموقع اجرا گذاشته شده بود . بعلاوه بامرشاهنشاه فقید ، کارگران تسلیحات ارتش درسال ۱۳۱۹ شمسی نزد شرکت سهامی بیمهٔ ایران ، در مقابل حوادث ناشی از کار بیمه شده بودند . ولی چون این امر عمومیت نداشت ، درزمان سلطنت اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی ، در سال ۱۳۲۲ اولین قانون بیمهٔ اجباری کارگران بتصویب رسید وشرکت سهامی بیمهٔ ایران بانظارت وزارت بازرگانی وپیشه وهنر ، مأمور اجرای آن گردید .

ازاوایل بهمن ۱۳۲٤ مقدمات اجرای این قانون فراهم شد وپس از تشکیل وزارت کار ، در ۱۳۲۵ مورد تجدید نظر قرار گرفت . در اردیبهشت ۱۳۲۵ قانون کار

بتصویب هیئت دولت رسید . یکی از فصول این قانون مربوط بصندوق تعاون و بهداشت کار گران بود . لذا در هر کار گاه دو صندوق تحت نظر شورای کار گاه تشکیل شد یکی مربوط ببهداشت کار گران و دیگری صندوق تعاون که در موارد ازدواج ـ عائله‌مندی ـ از کار افتادگی ـ باز نشستگی ـ حاملگی ـ وضع حمل و کفن و دفن بکار گران کمك مینمود . اعتبار این صندوقها از ۳٪ حقوق کار گران (۱٪ سهم کار گر و ۲٪ سهم کارفرما) تأمین میشد . برای هماهنگ کردن عمل صندوقهای تعاون و بهداشت کلیهٔ کار گاهها و تمر کز امور و نظارت در عمل آنها ، بموجب مادهٔ ۳۷ طرح قانون کار مقرر بود صندوق مر کزی تحت نظر شورای عالی کار ایجاد گردد . این مرجع بموجب تصویبنامهٔ دولت بنام بنگاه رفاه اجتماعی کار گران در مر کز تشکیل و تمشغول کار شد . بنگاه رفاه اجتماعی نظر بعدم توانائی در پرداخت تعهدات خود بعلت کافی‌نبودن در آمد و نداشتن قدرت کافی برای اخذ حق‌السهم کارفرمایان عملاً نتوانست نقش مؤثری ایفا کند تا اینکه در خرداد ۱۳۲۸ قانون کار بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

بموجب مادهٔ ۱۶ این قانون صندوق تعاون و بیمهٔ کار گران تشکیل شده کلیهٔ امور مربوط به بیمهٔ کار گران را بعهده گرفت از قبیل معالجهٔ امراض ناشی از کار و غیر ناشی از کار و معالجهٔ خانوادهٔ بلافصل ـ پرداخت دستمزد ایام بیماری و غرامات ـ نقص ناشی از حوادث ـ بیمهٔ باز نشستگی ـ از کار افتادگی ـ پرداخت پاداشهای ازدواج و نوزاد و هزینه‌های وضع حمل و کفن و دفن ـ پرداخت حق عائله‌مندی ـ کمك ببازماندگان قانونی کار گران و پرداخت سالی ۷ روز حقوق پایان خدمت کار گران اخراجی بموجب مادهٔ ۸ قانون کار .

وظایف صندوق تعاون و بیمهٔ کار گران از خرداد ۱۳۲۸ تا آذر ۱۳۲۹ قسمتی بوسیلهٔ شر کت سهامی بیمهٔ ایران و قسمتی بوسیلهٔ ادارات کار انجام میگرفت ولی در آذرماه ۱۳۲۹ صندوق تعاون رسماً تشکیل و امور آن بوسیلهٔ هیئت مدیره (مر کب از نمایندگان دولت و کارفرما و کار گر) اداره شده و هیئت مزبور نیز برای انجام دادن امور داخلی یکنفر مدیر عامل انتخاب نمود . صندوق تعاون تا اول اردیبهشت ماه ۱۳۳۲ که لایحهٔ قانونی بیمه‌های اجتماعی بموقع اجرا گذاشته شد فعالیت داشت .

سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران

طرح قانون بیمه‌های اجتماعی در بهمن ۱۳۳۱ بتصویب رسید و تعهدات صندوق تعاون به‌سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران منتقل و مفاد قانون مزبور از اول اردیبهشت ۱۳۳۲ بموقع اجرا گذارده شد.

بموجب این قانون، حق تعاون و بیمه بدو برابر مأخذ سابق افزایش یافت در حالیکه تعهدات و کمکهای سازمان بمراتب بیش از این نسبت افزایش یافته و حتی از حدود کمکهائی هم که در سایر کشورها، با ۳۶ تا ۴۰ درصد حق بیمه، تعهد پرداخت آنها میشود متجاوز بود. بااینحال و با تمام مشکلات موجود، سازمان بیمه‌های اجتماعی قانون مزبور را تا اول شهریور ۱۳۳۴ یعنی دو سال و چهارماه اجرا کرد و تعهدات خودرا در قبال کارگران انجام داد و درضمن، علاوه بر مجهز نمودن سازمان اداری خود در مرکز و شهرستانها و تثبیت بودجهٔ آنها، مؤسسات بسیاری نیز از قبیل بیمارستان و درمانگاه ایجاد و یا وسایل آنها را تکمیل نمود و همچنین با مؤسساتی که دارای بیمارستان و درمانگاههای مجهز بودند برای رعایت آسایش کارگران و صرفهٔ سازمان، قراردادهائی منعقد نمود که مهمترین آنها، تأسیسات شرکت نفت جنوب و راه آهن و بهداریهای معادن و سایر کارخانه‌های دور از مرکز میباشد.

قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران در نیمهٔ دوم سال ۱۳۳۳ پس از بررسیهای لازم و تطبیق آن با وضع موجود و هماهنگ نمودن آن باقوانین بیمه‌های اجتماعی کشورهای مترقی، مورد تجدید نظر قرار گرفته و پس از تصویب در کمیسیونهای مشترک کار و امور اجتماعی و دادگستری و دارائی مجلسین، از اول شهریور ۱۳۳۴ بوسیلهٔ سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران بموقع اجرا گذارده شده است.

بموجب این قانون اصلاحی، حق بیمه از ۱۲ درصد به ۱۸ درصد افزایش یافته و وظایف و تعهدات سازمان بامور معینی محدود گردیده که بقاو ادامهٔ خدمت این دستگاه را ممکن میسازد. بعلاوه بموجب این قانون، مقررات بیمهٔ کارگران، عده‌ای از افراد و

طبقاتی را که سابقاً مشمول مقررات مربوطه نبوده‌اند شامل شده وسرعت وسهولت وضمانت اجرای کافی برای وصول حقوق ومطالبات قانونی سازمان تأمین گردیده و مدت معالجهٔ کارگران مسلول وخانوادهٔ آنها ومدت معالجهٔ سایر کارگران بیمار افزوده شده ومیزان حق عائله‌مندی نیز افزایش یافته‌است . علاوه برموارد بالا ، قانون فعلی بیمه‌های اجتماعی شامل مزایای دیگری نیز میباشد که درپیش بینی آنها رعایت جوانب عدالت وهماهنگی کامل بعمل آمده است .

سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران علاوه بردرمانگاههای مجهزی که در کلیهٔ شعب ونمایندگیهای خود دارد ودرغالب آنها داروخانه‌های مجهزی هم بوجود آمده که به بیماران بلافاصله پس از تجویز نسخه ، دارو داده میشود ، پستهای امدادی بسیاری هم در کارخانه‌ها و مراکز صنعتی بزرگ دایر کرده است که کارگران مصدوم را تا رسیدن به بیمارستان درمان مینمایند .

سازمان برای بستری کردن بیماران خود در تهران و شهرستانها بیمارستانهای مجهزی دارد و با دقتی که در اداره کردن آنها میشود ، بیمه‌شدگان در نهایت دلسوزی ودقت تحت معالجه قرار میگیرند . گرچه تعداد این بیمارستانها فعلاً تکافوی احتیاجات سازمان را نمینماید وسازمان درصدد تهیهٔ تخت بیشتری است ولی کلیهٔ این بیمارستانها از حیث تجهیزات و وسایل ، از بزرگترین بیمارستانهای کشور هستند . ذیلاً بشرح مختصر آنها اقدام میشود :

بیمارستان هدایت: واقع در دروس با یکصد و چهل تختخواب و بخشهای مختلف جراحی - زنان - کودکان - مجاری ادرار - چشم - اعصاب .

بیمارستان شماره ۲ : باسیصد و پنجاه تختخواب واقع در مهرآباد . وسایل و تجهیزات این بیمارستان در ایران کم نظیر است ودارای بخشهای جراحی واورتوپدی - رادیولوژی - آزمایشگاه - داخلی - بیماریهای ریوی غیرسلی میباشد .

آسایشگاه سرخه حصار : بمنظور معالجهٔ بیماران مسلول بیمه شده تأسیس گردیده وباتجهیزات درمانی و جراحی و رادیولوژی ، بزرگترین آسایشگاه کشور میباشد و گنجایش سیصد و پنجاه نفر مسلول دارد .

علاوه براینها ، سازمان ، یك بیمارستان ۵۰ تختخوابی دررشت - یك بیمارستان ۷۵ تختخوابی در شاهی - یك بیمارستان ۶۰ تختخوابی در تبریز - یك بیمارستان یکصد تختخوابی و یك زایشگاه مجهز دراصفهان و یك بیمارستان ۶۰ تختخوابی در یزد دارد .

سازمان بیمه‌های اجتماعی طبق آمارسال ۱۳۳۷ درسراسر کشورعهده دارامر بیمه وتعاون ۲۷۲۵۱۱ کار گر بیمه شده‌است و با احتساب حدمتوسط یك زن و دو بچه برای هر کار گر ، جمع کل بیمه‌شدگان ازیك ملیون نفر تجاوز میکند .

سازمان امیدوار است بتدریج مقررات بیمه را درمورد اصناف وسایرطبقاتی نیز که قانون آنهارامشمول بیمه شناخته‌است اجرا کند . برای بهبودحال کار گروحسن جریان کارها وسهولت پرداخت کمکها ، طرحها و برنامه‌هائی تحت مطالعه است که بزودی جامهٔ عمل‌خواهد پوشید ومسلماً متضمن رفاه بیشتر کار گران وخانواده‌های آنان خواهد بود .

تجارت

اساس تجارت ایران و دادوستد باخارج ، مانند سایر کارهای مهم و مفید ، در ابتدای زمامداری اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر نهاده شد ؛ چه ، آن شاهنشاه علاقه وتوجه شدیدی بافزایش تجارت خارجی و مخصوصاً صادرات ایران داشت . میهن ما بمناسبت موقع جغرافیائی و وضع طبیعی خود ، جزو کشورهای تولید کنندهٔ کالاهای کشاورزی است که درمقابل صدور آنها ، ماشین آلات ومواد مصرفی وارد مینماید . کوشش اعلیحضرت فقیدهمواره بر آن بود که بموازات اضافه کردن میزان صادرات ایران که سبب رونق تجارت و بدست آوردن ارز میگردد ، کشور ایران را بسوی صنعتی شدن سوق دهد تا میهن مابتواند لااقل قسمتی ازاحتیاجات صنعتی خود را در داخله تهیه کند وشاید هم مقداری از آنرا صادر نماید .

امابرای دادوستد با خارج ، مهمترین وسیله ، وجودراههای خوب وراه آهن است . متأسفانه تا آغاز سلطنت خاندان پهلوی ، مملکت ایران از داشتن راه شوسه وراه آهن محروم بود و بهمین سبب توسعهٔ تجارت چه درداخل وچه باخارج کشور میسر نبود .

آشفتگی اوضاع مملکت درسالهای قبل از کودتای ۱۲۹۹ یکی دیگر ازعوامل مؤثر در کاهش فعالیتهای بازرگانی ومخصوصاً تجارت خارجی بودچنانکه مجموع وزن صادرات و واردات ایران درسال ۱۲۹۹ فقط ۲۶۹ هزارتن بود .

بعد از کودتا وزمامداری اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر ، باوجودنبودن وسایل کافی ، براثر تثبیت و آرامش اوضاع ایران بتدریج تجارت میهن ما رونق یافت و پس ازچهارسال یعنی درسال ۱۳۰۳ شمسی وزن صادرات وواردات ایران ۷۴۰ هزار تن یعنی بیش ازسه برابر قبل از کودتا گردید . درهمین سال میزان صادرات ایران از ۱۳۷ هزارتن (درسال کودتا) به ۴۸۵ هزارتن رسید .

بااحداث راه آهن وایجاد راههای شوسه درزمان سلطنت رضاشاه کبیر ، میزان صادرات وواردات ایران همچنان افزایش یافت بطوریکه در حال حاضر میزان آن یك ملیون ودویست هزار تن یعنی پنج برابر سالهای قبل از کودتا میباشد . البته صادرات نفت را که رقم مهمی است دراینجا بحساب نیاورده ایم زیرا آن خود بحث جداگانه ای دارد .

اما وزارت بازرگانی چگونه و برای چه بوجود آمد ؟

دراواخر سلطنت ناصرالدینشاه ودرمدت سلطنت مظفرالدینشاه امور تجارت ایران دردست شخصی بود که بنام وزیر تجارت در دربار انجام وظیفه میکرد . در ابتدای مشروطیت ضمن اولین کابینه ای که بمجلس شورای ملی معرفی گردید ، دو نفر وزیر ، یکی بنام وزیر فواید عامه ودیگری بنام وزیر تجارت ، عضویت داشتند . ولی از سال ۱۲۹۳ شمسی این دو وزارتخانه یکی شد و سازمانی بنام وزارت تجارت و فلاحت بوجود آمد . چون تازمان سلطنت اعلیحضرت فقید اصولاً دولتها بودجه ای برای راه سازی در اختیار نداشتند ، امور طرق وشوارع نیز ضمیمهٔ کار وزارت تجارت و فلاحت بود تا آنکه در سال ۱۳۰۸ شمسی بموجب قانونی که بتصویب مجلس رسید ، وزارت تجارت وفلاحت وطرق وشوارع به وزارتخانهٔ طرق وشوارع و وزارتخانهٔ اقتصاد ملی تجزیه گردید که امور تجارت وفلاحت بعهدهٔ وزارتخانهٔ اخیر بود .

چندی نگذشت که بحرانهای اقتصادی ناشی از جنگ بین‌الملل اول وهمچنین آشفتگی اوضاع داخلی روسیه که قسمت عمدهٔ تجارت ایران با آن کشور یا از طریق راههای آن مملکت بود ، سبب اختلال وضع تجارت میهن ما گردید . اما گوئی اعلیحضرت فقید قبلاً بفکر این حوادث بوده اند زیرا راه شوسهٔ تهران - خرمشهر که بنا بامر آن شاهنشاه احداث شده بود این مشکلات رامرتفع ساخت وراه تجارت ایران با تمام جهان ، ازطریق خلیج فارس برقرار گردید . ضمناً تصویب قانون انحصار بازرگانی خارجی دراسفندماه ۱۳۰۹ سبب شد که دولت ایران بتواند بنحو مطلوب ازصنایع داخلی خود در برابر کالاهای خارجی حمایت کند .

برای آنکه هریك ازامور تجارت ، صنعت و کشاورزی ایران بطور کامل پیشرفت

نماید ، درخرداد ۱۳۱۰ بموجب قانونی که بتصویب مجلس رسید ، بجای وزارت اقتصاد ملی سه ادارهٔ مستقل بنام ادارهٔ کل تجارت ـ ادارهٔ کل فلاحت و ادارهٔ کل صناعت تشکیل شد . شش سال بعد یعنی در سال ۱۳۱۶ ادارهٔ کل تجارت تبدیل بوزارت بازرگانی گردید واولین وزیر آن آقای حسین علاء بودند . پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ وزارت تجارت ووزارت صناعت یکی شد و بعداز چندسال مجدداً بدووزارتخانهٔ بازرگانی وصنایع ومعادن تفکیك گردید .

اساس سیاست بازرگانی ایران را دو قانون انحصار تجارت خارجی مصوب اسفندماه ۱۳۱۱ وقانون معاملات اسعار خارجی مصوب اسفندماه ۱۳۱۴ تشکیل میدهد .

بموجب قانون انحصار تجارت خارجی ، حق صادر کردن و وارد کردن کلیهٔ کالاها وتعیین میزان وشرایط ورود آن بدولت واگذار شده است. بدین جهت همه ساله سهمیهٔ کالاهای وارداتی ازطرف وزارت بازرگانی تعیین و اعلام میگردد . این کار موجب میشود که دولت بتواند بطور دلخواه از صنایع داخلی حمایت نموده مانع ورود کالاهای مشابه گردد .

در مورد نظارت برمعاملات ارز نیز دولت اختیار دارد برای خرید و فروش ارزها مقررات مناسب را وضع ودراجرای آن نظارت کند .

وزارت بازرگانی علاوه برحمایت از مصنوعات داخلی و نظارت بر معاملات ارز ، اقدام به عقد قراردادهای بازرگانی وترانزیتی باسایر کشورها نموده وبرای بالا ـ بردن سطح تولید کشور ماشین آلات تولیدی راازمالیات بردر آمد وحقوق گمرکی معاف نموده است . قدم مهم دیگری که برای بهبود وافزایش صادرات ایران برداشته شده تشکیل ادارهٔ استاندارد ها برای استانداردیزه کردن کالاهای صادراتی میباشد بطوریکه کالاهای مزبور مطابق پسند بازارهای خارجی بوده بتواند با کالاهای مشابه که بوسیلهٔ کشورهای دیگر عرضه میشود رقابت نماید .

از وظایف دیگر وزارت بازرگانی ، شناسائی تجار بوسیلهٔ صدور کارت بازرگانی ، تثبیت نرخ کالا ، اجرای قانون جلب سرمایه های خارجی ، نظارت و بازرسی اوزان ومقیاسها ، تجدیدنظر درمقررات شرکتهای بیمهٔ داخلی و خارجی و

نظارت در امر چای است .

ادارات مختلفی که وظایف وزارت بازرگانی را انجام میدهند عبارتند از : ادارهٔ واردات - ادارهٔ آمار و مطالعات اقتصادی - ادارهٔ پایاپای - ادارهٔ صادرات - ادارهٔ استانداردها - ادارهٔ نمایشگاهها - ادارهٔ بازرگانی داخلی - ادارهٔ تثبیت قیمتها و ادارهٔ اوزان و مقیاسها . باین ادارات ، بایستی ادارات کارگزینی ، حسابداری و انتشارات را نیز علاوه کرد .

برای بیان توسعه وپیشرفت سریع بازرگانی کشور همینقدر کافی است که از ابتدای تأسیس ادارهٔ ثبت شرکتها یعنی ازسال ۱۳۱۰ شمسی تا اول دیماه ۱۳۳۸ قریب ۷۰۵۰ شرکت تجارتی درمیهن ما تشکیل شده و بثبت رسیده است .

صنایع و معادن

میهن‌ما اززمان‌قدیم ، صنایع‌عمده‌ای‌داشته . لیکن بیشترصنایع مزبور، دستی و هنری بوده و غیرازقالیبافی و بعضی‌هنرهای‌ظریف دیگر، بقیهٔ آنهااز بین رفته‌اند.

از هنگامیکه سلاطین ایران باروپا مسافرت نمودند فکر ایجاد کارخانه‌های جدید پیدا شد و در حدود بیست کارخانه از قبیل ریسمانریسی - تفنگ‌سازی - بلورسازی - چینی‌سازی - کاغذسازی - چلواربافی - ابریشم‌تابی - باروت کوبی - قند کهریزك - کبریت‌سازی - پنبه‌پاك کنی - برق - آجرپزی و غیره در نقاط مختلف کشور تأسیس شد ولی بعلت نداشتن کارگران متخصص وتجربهٔ کافی‌ورقابت سرمایه‌داران خارجی وسایر عوامل ، متأسفانه بعضی ازاین کارخانه‌ها اصولاً یابکار نیفتاد ویابعدازمدت کوتاهی تعطیل گردید.

اساس‌صنایع‌نوین درمیهن ما ، درزمان سلطنت اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر وباکوشش و تشویق وحمایت آن رادمرد پایه گذاری شد و کارخانه‌های فراوانی ، اعم ازدولتی وغیردولتی بوجودآمد، لیکن متأسفانه دراثرجنگ جهانی دوم نهضت وپیشرفت صنعتی میهن ما متوقف گردید وپس از پایان جنگ در اثر تسهیلاتی که برای صاحبان صنایع بوجود آمد ، بخصوص پس از تصویب قانون « اصلاح قانون تثبیت پشتوانهٔ اسکناس » که مبلغ ۳۵۰۰ ملیون‌ریال جهت اعطای وامهای طویل‌المدت صنعتی و معدنی با توصیه و نظارت فنی وزارت صنایع و معادن برای تأسیس وتوسعهٔ کارخانه‌های تولیدی واستخراج معادن بمصرف رسید ، ازطرف افراد علاقهٔ مفرطی‌نسبت بایجادکارخانه‌های تولیدی نشان داده شد وپیشرفتهای قابل توجهی در فعالیت صنعتی میهن ما بوجود آمد.

چون شرح فعالیت تمام کارخانه‌های کشور در این مختصر مقدور نمیباشد لذا

کارخانه‌هارا بطوراجمال بگروههای صنایع‌ریسندگی‌وبافندگی- مصالح ساختمانی- مواد غذائی وصنایع نوسازی تقسیم نموده ازهرگروه ، بذکر نام وتاریخچهٔ تأسیس ونوع ومیزان محصولات چندکارخانهٔ مهم میپردازیم .

نساجی نخی

اساس صنایع نساجی‌نوین با استفاده ازقدرت توربین وماشینهای احتراقی در ایران ، بدست شاهنشاه فقید رضاشاه کبیر در سال ۱۳۱۲ پایه گذاری شد . قبلاً نیز صنایع نساجی ماشینی بهمت و کوشش‌مردانی چون صنیع‌الدوله وحاج محمد حسین کازرونی برپا شده لیکن پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نکرده بود .

بین سالهای ۱۳۱۰ - ۱۳۲۷ تعداد ۲۸ کارخانه که دارای ۲۱۷۸۵۸ دوك ریسندگی بود نصب وبهره‌برداری گردید که ابتدا فقط نخ مورد نیاز پارچه‌بافیهای دستی را تهیه مینمود و رفته رفته دستگاههای بافندگی نیز بوجود آمد و انواع پارچه در داخل کشور تهیه گردید . در سالهای ۱۳۳۰ الی ۳۲ جمعا یازده کارخانهٔ ریسندگی وبافندگی نصب گردید بطوریکه در سال ۱۳۳٤ تعداد دوکهای موجود به ۳۲۷۹۳۸ و دستگاههای بافندگی به ٤٦۷۸ و دستگاههای دستباف به ۷۵۰۰۰ ودستگاههای کشبافی به ٤۰۰۰ رسید و پس‌از نصب دستگاههای‌نوین‌در کارخانه‌های چیت‌سازی تهران وشاهی و بهره‌برداری از کارخانه‌های بهشت وسوسن‌اصفهان تعداد دوکهای ریسندگی به ۳۳۵۷۹٦ و تعداد دستگاههای بافندگی به ۵۹۳۲ افزایش یافت . ازکلیهٔ کارخانه‌های بافندگی نخی که بیش‌از ۳۵٪ احتیاجات کشوررا تأمین میکنند ، فقط سه‌کارخانه دولتی وبقیه خصوصی هستند.

در سال ۱۳۳٦ محصول کارخانه‌های ریسندگی کشور جمعاً ۲۲۲۱٤۲٤ بقچه و محصول کارخانه‌های بافندگی نخی جمعاً ٤٤۷۷۱۵۲۹ متر بوده و با اجرای طرحهائیکه بااعطای وامهای صنعتی دردست اجرا است تاسال ۱۳٤۰ تعداد ۱۸۳۱۱۵ دوك ریسندگی و ۵۳۵۰ دستگاه بافندگی جدید درمیهن ما بکار خواهد افتاد .

نساجی پشمی

اولین کارخانهٔ پشمبافی ماشینی بنام کارخانهٔ وطن در سال ۱۳۰۰ شمسی در

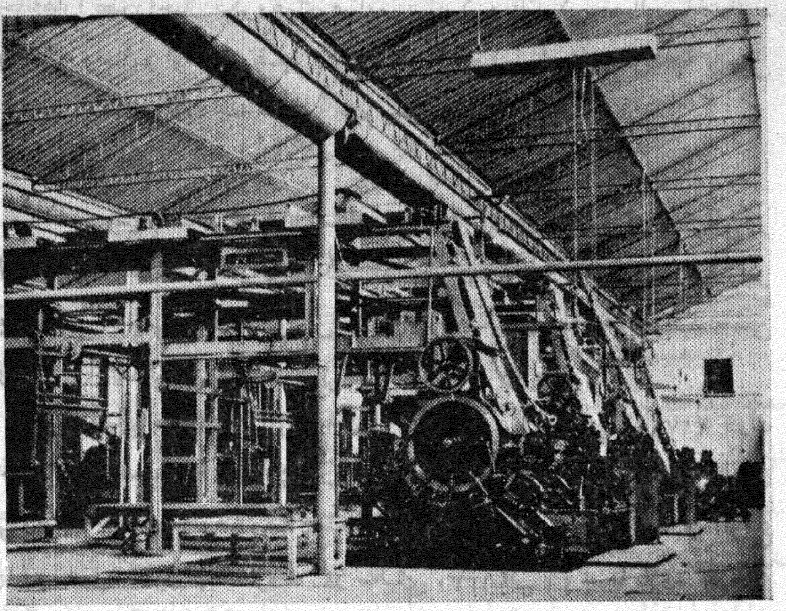

دستگاههای چاپ پارچهٔ کارخانهٔ ریسندگی و بافندگی ری

اصفهان نصب گردید و اعلیحضرت فقید توجه زیادی باین کارخانه معطوف داشتند ودراثر تشویقها و کمکهای آن شاهنشاه، بتدریج کارخانه‌های پشمبافی دیگری در میهن ما بوجود آمد اما چون محصول این کارخانه‌ها در مقابل احتیاجات کشور خیلی ناچیز بود در سالهای اخیر توجه بیشتری باین امر معطوف گردید وامروز تقریباً ۱۷٪ منسوجات پشمی مورد نیازما در داخل کشور تهیه میشود.

درسال ۱۳۳۶ تعداد ده کارخانهٔ پشمبافی وپشم‌ریسی در میهن ما مشغول کار بوده‌اند که محصول آنها بقرار زیر است:

استان	تعداد کارخانه	تولید پتو	واحد	پارچهٔ پشمی	واحد	نخ پشمی	واحد
تهران	٤	۸۰۰۰۰	عدد	۳۰۰۰۰	متر	—	—
گیلان	۱	۲۹۸٦٤	»	۱۲۰۹٦۲	»	—	—
اصفهان	٥	۷٤۰٥٥۲	»	۱۲٦۳۳٦۲	»	٦۳٤۷۲٦	بقچه

تهیهٔ ابریشم وحریربافی

ابریشم یکی ازمواد طبیعی است که ازسه هزارسال پیش‌ازمیلاد مسیح مورد استفادهٔ مردم چین قرار گرفته وبعدها بنقاط دیگر جهان انتقال یافته است .

آغاز پرورش کرم ابریشم در ایران بطور تحقیق معلوم نیست لیکن‌محقق‌است که درزمان شاهنشاهان هخامنشی معمول بوده وبعدها در زمان سلاطین صفوی رواج کامل یافته وبطوریکه یکی‌ازسیاحان اروپائی بنام شاردن نوشته است محصول سالانهٔ ابریشم ایران ۲۲۰۰۰ عدل بوده (هرعدل در حدود ۱۲۵/۵ کیلوگرم) که بیشتر بکشورهای هلند ـ ایتالیا ـ فرانسه ـ انگلستان ـ ترکیه و جاوه صادر میگردیده است . درحال‌حاضرعلاوه برصادرات ابریشم، مقداری از آنهم درکارخانهٔ حریربافی چالوس مبدل به حریر میشود . این‌کارخانه بارادهٔ شاهنشاه بزرگ ایران اعلیحضرت رضاشاه کبیر وتحت توجهات مخصوص آن شاهنشاه ایجاد گردید و در سال ۱۳۱۶ شمسی شروع ببهره‌برداری نمود وبانصب این‌کارخانه، صنعت حریربافی درمیهن‌ما ماشینی گردید. بدستور اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی اخیراً باین صنعت توجه زیادی معطوف شده وانتظارمیرود بانصب‌ماشینهای‌جدید وتکمیل‌دستگاههای چاپ و طراحی ، صنعت حریربافی میهن ما رونق بیشتری بگیرد . در سال ۱۳۳۶ مقدار ۲۳۶۲۴ متر پارچهٔ ابریشمی درمیهن ما بافته شده است.

گونی‌بافی

تهیهٔ پارچهٔ کنفی و چتائی جهت انواع لفاف و گونی و سردوزی ، در زمان سلطنت شاهنشاه فقید اعلیحضرت رضاشاه کبیر در میهن ما متداول شد و اولین کارخانهٔ گونی‌بافی درسال ۱۳۰۹ شمسی درشهرستان رشت نصب وبهره‌برداری از آن آغاز گردید. سپس بعلت افزایش احتیاج کشور، دومین‌کارخانهٔ گونی‌بافی، از لحاظ نزدیکی به مواد اولیه ، در سال ۱۳۱۸ شمسی در شهر شاهی نصب و از آن شروع به‌بهره‌برداری گردید . علاوه براینها ،کارگاههای دستی زیادی نیز در اکثر دهات گیلان و مازندران موجود است ولی با وجود این ، محصول آنها تکافوی

احتیاجات کشور را ننموده وهرسال مقداری پارچه‌های کنفی و چتائی وارد کشور میگردد. جدول زیر میزان انواع محصول کارخانه‌های مذکور را در سال ۱۳۳۶ نشان میدهد :

۱ - انواع لفاف	۹۳۰۰۰۰	متر
۲ - گونی	۳۱۶۴۱۳۷	تخته
۳ - انواع سردوزی	۱۰۷۳۸۱	کیلو
٤ - انواع فرش پلکانی	۱۹۵۰۸	متر
٥ - صافی قند	٥۰۹٦	»
٦ - نخ کنفی	۸۱۲٥۱/۷	کیلو
۷ - طناب	۱۰۷۳۹	»

قالی‌بافی

قالی‌بافی یکی ازصنایع باستانی میهن ما است وبعضی از نقوش قالیهای‌قدیمی این ادعا را بخوبی ثابت مینماید. این صنعت در زمان ساسانیان باوج ترقی رسیده وحتی دراین زمان، تارهای زروسیم و گاهی جواهر دربافتن قالیها بکار میبرده‌اند.

در دورهٔ صفویه بانهضتی که در هنرهای زیبای میهن ما پدید آمد ، هنر قالی‌بافی نیز فوق‌العاده ترقی‌نمود وفرشهای بافته‌شده که تااین‌زمان بصورت قالیچه بود بصورت قالیهای بزرگ درآمد. بعد از زمان صفویه میتوان گفت که تغییر محسوسی در پیشرفت این هنر پیدا نشده است. آمار مربوط بسال ۱۳۳٥ ، تعداد کارگر وتعداد دستگاه ومیزان محصول قالی کشوررا بشرح زیر نشان میدهد :

نام استان	تعداد کارگر	تعداد دستگاه	میزان محصول
مازندران	۱۹	٥	۱٦٦ مترمربع
آذربایجان	٦۰۰٥	۱۷۰۲	٦۲۳تخته-قالی و۱٤٦٥ تخته قالیچه
کرمانشاه	٦۳٥	۸۸۷	۷٥۲۳مترمربع‌قالی و٥تخته قالیچه
کرمان	٤٥۰	٤۷٦	۱۱۱۷٥متر مربع قالی
خراسان	۳۰۹۳	۹٤۹	٤۳۲۷٦مترمربع‌قالی و۸۸تخته قالیچه
اصفهان	۳٤۰۰	۹۹۷	۲٥۰۰تخته قالی

مهمترین دستگاه متشکل فرش‌بافی میهن‌ما، شرکت سهامی فرش‌ایران‌است.
قالی یکی‌ازارقام مهم صادرات وازمنابع عمدهٔ درآمد ارزی‌میهن‌ما محسوب میشود. صادرات فرش‌ما درسال ۱۳۳۵ معادل ٤٥٥۱ تن بارزش ۱۱۹۵۰۰۰۰۰۰ریال بوده است.

صنایع مصالح ساختمانی

صنایع مصالح ساختمانی‌دروضع کنونی کشور که فعالیتهای ساختمانی‌بسرعت روبافزایش میرود دارای اهمیت فراوان بوده وشامل صنایع سیمان ـ آجرنسوز ـ آجرسازی ـ کاشی‌سازی ـ سنگ‌بری وسنگ کوبی میباشد.

تاریخچهٔ سیمان‌سازی ایران

سیمان مصرفی ایران تا سال ۱۳۰۸ شمسی از کشورهای خارج وارد میشد. در این سال بعلت اجرای برنامه‌های عمرانی و ساختمانی، تأسیس کارخانهٔ سیمان ضروری تشخیص داده شد لذا بامر شاهنشاه فقید اعلیحضرت رضاشاه کبیر یك کارخانهٔ سیمان ۱۰۰ تنی از دانمارك خریده شد و در شهر ری نصب گردید. این کارخانه درسال ۱۳۱۲ شروع به‌بهره‌برداری نمود ودرسال ۱۳۱٦ درمجاورت آن، کارخانهٔ ۲۰۰تنی دیگری افتتاح گردید. در سال ۱۳۱۸ دولت اقدام بخرید کارخانهٔ دیگری نمود که متأسفانه بعلت پیش‌آمد جنگ جهانی دوم حمل آن بتعویق افتاد. در سال ۱۳۳۰ سازمان برنامه با خرید یك کارخانهٔ ۳۰۰تنی که آنهم در مجاورت کارخانه‌های مزبور نصب ودرسال ۱۳۳۳ مشغول‌کار شد، تولید سیمان را به۶۰۰تن در روز رسانید.

تاکنون ۸ کارخانهٔ سیمان دولتی وملی بشرح زیر در نقاط مختلف میهن ما تأسیس یافته ویادرشرف تأسیس است:

نام کارخانه	ظرفیت روزانه	سال تأسیس
۱ ـ کارخانهٔ سیمان خراسان	۱۲۰ تن	۱۳۳٤
۲ ـ » » فارس	۲۰۰ »	۱۳۳۵

نام کارخانه	ظرفیت روزانه	سال تأسیس
٣ - کارخانهٔ سیمان تهران	٣٠٠ تن	١٣٣٥
٤ - » » شمال	١٠٠ »	١٣٣٧
٥ - » » اصفهان	٢٠٠ »	١٣٣٧
٦ - » » درود	٦٠٠ »	١٣٣٨
٧ - » » لوشان	٣٠٠ »	١٣٣٧
٨ - » » ری	٦٠٠ »	١٣١٢

علاوه بر این در اثر اجرای سایر طرحهای مربوط بمصالح ساختمانی، تهیهٔ لوله و ورق آمیانت سیمان برای اولین بار در کشور میسر شده و همچنین صنایع آجرسازی - سنگبری (سنگ نما) - سنگ کوبی - موزائیك سازی - کاشی سازی و آجر نسوز پیشرفت و فعالیت قابل توجهی نموده اند.

صنایع غذائی

در این قسمت میتوان کارخانه های شیر پاستوریزه - کنسروسازی - کمپوت سازی - آردسازی - برنج کوبی - روغنهای نباتی - ماکارونی سازی - نوشابه های الکلی وغیرالکلی - یخسازی - چای سازی وغیره را نامبرد. ذیلاً بطور اختصار بشرح چند نمونه از کارخانه های مذکور میپردازیم:

صنعت قند

کشت نیشکر و تولید قند از زمان هخامنشیان در میهن ما معمول بوده ومخصوصاً در زمان خلفای عباسی خوزستان و شوشتر یکی از بزرگترین مناطق قندخیز جهان بوده و پس از آن دوره، صنعت قندسازی بتدریج از بین رفته تا اینکه در زمان صفویه قلمهٔ نیشکر مجدداً از هندوستان آورده شده و کشت آن رواج یافته است. درسالهای ١٣١٧ و ١٣١٨ شمسی دولت در صدد احیاء کشت نیشکر و تهیهٔ قند از آن بر آمد و بااقداماتیکه ازسال ١٣٢٨ ببعدبعمل آمده زراعت نیشکر در نقاط مستعد

کشورمخصوصاً خوزستان دوباره رونق یافته‌است.

صنایع قند چغندر در میهن ما بتوسط مرحوم امین‌الدوله آغاز شد و برای اولین‌بار کارخانهٔ قند کهریزك درسال ۱۲۷۲ شمسی نصب گردید لیکن بعلت موانعی که ایجاد شد تا سال ۱۳۰۷ از فعالیت باز ماند ودرسال ۱۳۱۰ بارادهٔ شاهنشاه فقید اعلیحضرت رضاشاه کبیر و کمك مالی بانك ملی ایران آغاز بکار و بهره‌برداری نمود. در زمان سلطنت شاهنشاه فقید ۷ کارخانهٔ قند درشهرستانهای مختلف کشور نصب گردید وامروز ۱۲ کارخانهٔ قند چغندر ویك کارخانهٔ قند نیشکر بشرح زیر بوسیلهٔ دولت درمیهن ما تأسیس شده ومشغول کار میباشند.

نام کارخانه	ظرفیت کارخانه به‌تن	سال بهره‌برداری
۱ - کارخانهٔ قند کهریزك	۱۳۰	۱۳۱۰
۲ - » » کرج	٤٥٠	۱۳۱۱
۳ - » » شاه‌آباد	٤٥٠	۱۳۱٤
٤ - » » مرودشت	۱۰۰۰	۱۳۱٤
٥ - » » میاندواب	٦٥٠	۱۳۱٥
٦ - » » آبکوه	٦٥٠	۱۳۱٥
۷ - » » شاه‌زند	٤٥٠	۱۳۱۷
۸ - » » رضائیه	۷۰۰	۱۳۲۹
۹ - » » تربت حیدریه	۹۰۰	۱۳۲۰
۱۰ - » » فسا	۳٥٠	۱۳۳۳
۱۱ - » » چناران	۳٥٠	۱۳۳٥
۱۲ - » » بردسیر کرمان	۳٥٠	۱۳۳٥
۱۳ - » تصفیهٔ شکر ورامین	۳۰۰	۱۳۱۳

علاوه براین چون درسال ۱۳۳٦ بسرمایه‌های غیردولتی اجازه داده شد که در راه تولید قند فعالیت نمایند لذا کارخانه‌های ملی با سرمایه‌های خصوصی نیز تأسیس گردید از جمله یك کارخانهٔ تصفیهٔ شکر با ظرفیت روزانه ۱۰۰ تن در اهواز - کارخانه‌های قند ثابت خراسان(فریمان) واصفهان وقوچان هریك باظرفیتهای ۱۰۰۰

تن در روز که طبق پیش‌بینی باید در سال ۱۳۳۹ شروع ببهره‌برداری نمایند ونیز دو کارخانه هریك بظرفیت ۱۰۰۰ تن درفارس ـ یك کارخانه بظرفیت ۱۰۰۰ تن در همدان ـ یك کارخانه بظرفیت ۵۰۰ تن درشاهرود ـ یك کارخانه بظرفیت ۱۰۰۰ تن دراردبیل درشرف تأسیس میباشند.

صنعت روغن نباتی

چون در کشور ما بیشتر روغنهای نباتی خوراکی ازپنبه‌دانه تهیه میشود لذا تنها بشرح آن میپردازیم. این‌روغن درایران تا چند سال قبل مانند سایر روغنهای نباتی فقط در مصارف طبی و صنعتی بکار میرفت و مردم برای تغذیه از روغنهای حیوانی استفاده مینمودند وچون تولید آن بیش‌ازمصرف بود هرسال مقدار زیادی از آن بخارج صادر میشد ولی در چند سال اخیر بعلت گرانی و کمیابی روغنهای حیوانی، مصرف خوراکی روغنهای نباتی مخصوصاً بصورت هیدرژنه روزبروز افزایش یافته است.

عمل هیدرژناسیون روغنهای نباتی مایع یکی از پیشرفتهای مهم در صنعت روغن نباتی میباشد و هدف آن تبدیل چربیهای مایع به چربیهای جامد است که تقریباً از چهل سال قبل در دنیا معمول شده و در این عمل روغن مایع بوسیلهٔ جذب هیدرژن تبدیل بروغن سفت میشود.

امروز بالغ بر ۶۰ کارخانهٔ روغنکشی دانه‌های مختلف نباتی درمیهن‌مامشغول بکار است و برای رعایت اختصار فقط بذکر نام و ظرفیت کارخانه‌های تهیهٔ روغن نباتی هیدرژنه میپردازیم:

نام کارخانه	محل	ظرفیت روزانه	ملاحظات
۱ـ شرکت سهامی مارگارین	تهران	۱۰ تن	بنام روغن نباتی (خروس نشان)
۲ـ شرکت سهامی کارخانجات صنعتی تهران	»	۱۰ »	» » » (گل)
۳ـ شرکت سهامی صنعتی بهشهر	»	۲۰ »	» » » (شاه‌پسند)
٤ـ شرکت نسبی پل آنیبال وسید آقاباقرپور	»	۱۰ »	» » » (بزنشان)

نام کارخانه	محل	ظرفیت روزانه			ملاحظات
۵- شرکت سهامی پارس نو	تهران	۱۰ تن	»	»	(گل مریم)
۶- شرکت سهامی پارس (قاسمیه)	»	۳۰ »	هنوز مشغول بهره برداری نشده		
۷- شرکت سهامی چیت سازو اولاده	»	۱۰ »	»	»	»
۸- کارخانهٔ روغن کشی ورامین	ورامین	۵ »	»	»	»

کنسرو و کمپوت سازی

اولین کارخانهٔ کنسروسازی در ایران در سال ۱۳۱۷ شمسی در بندرعباس تأسیس یافت ودرسال ۱۳۲۰ بهره برداری از آن آغاز شد.

محصولات عمدهٔ این کارخانه عبارت از کنسرو ماهی ساردین - کنسرو ماهی تن و آردماهی وظرفیت آن پنج تن درروز است وفعلاً سالانه درمدت پنج ماه بهره برداری درحدود ۵۰۰ الی ۴۰۰ هزار قوطی ماهی ساردین وتون ودرحدود ۱۵ تن آرد ماهی تهیه مینماید.

دومین کارخانهٔ کنسروسازی درسال ۱۳۱۹ درشاهی تأسیس و در سال ۱۳۲۰ شروع به بهره برداری نمود. ظرفیت این کارخانه ۲ الی ۴ هزار قوطی یا ۴/۵ تن گوشت و ۱/۵ تن سبزی در روز میباشد.

اخیراً سه کارخانهٔ کنسروسازی درمشهد واصفهان و آذرشهر بتوسط سازمان برنامه آمادهٔ بهره برداری گردیده است که ظرفیت هریك ۲۵۰۰ قوطی درروز میباشد. علاوه براین درسالهای اخیر یك کارخانهٔ کنسروسازی ملی بنام خود بکیان در تهران وپنج کارخانهٔ کمپوت سازی ملی بنام خراسان- خوشاب خراسان - چهارفصل- شاداب- میخوش درمشهد تأسیس گردیده ومشغول بهره برداری میباشند.

صنایع نوسازی

در اثر اجرای برنامه‌های عمرانی وتشویقی وزارت صنایع و معادن و اعطای وام بصنعتگران و کارخانه‌های صنعتی روزبروز محصولات جدیدی در کشور تهیه ویا توسعه وپیشرفت جدیدی دراین قسمت ظاهر میگردد.

این صنایع شامل ریخته گری - نورد کاری - مبل و صندلی فلزی - صندوق

نسوزسازی - تختخواب‌سازی - بخاری‌سازی- جوش کاری - درب و پنجرهٔ فلزی - تراشکاری - یخچال‌سازی - تانکرسازی - ماشین‌سازی - ترانسفورماتورسازی - پرس‌های مختلف وظروف لعابی‌سازی - پروفیل‌سازی وغیره میباشد .

امروزه بخاریهای نفتی - یخچالهای برقی - انواع چراغهای خوراك‌پزی - باسکول - ظروف لعابی - وسایل کشاورزی و پرس‌های مختلف که سابقاً تنها از خارج وارد میشد کم‌وبیش درداخل تهیه میشود . بطوریکه آمار سال ۱۳۳۶ نشان میدهد اقلام تولیدی بعضی ازاین صنایع بشرح زیر میباشد :

چراغ خوراك‌پزی	۲۳۱۸۰۰	عدد
صندوق نسوز	۳۱٤۰	»
بخاریهای نفتی	٤۹۲۰۰	»
چراغ طرح والور	۱۵۰۰۰	»
سماورهای نفت‌سوز	۹۵۲۳۵	»
ترانسفورماتور	۵٤٦۵	»
باسکول	۲۰۷۰	»
ترازو	۲۰۱۳٦	»

درپایان سال ۱۳۳۷ علاوه بر کارخانه‌های نفت‌وشیلات وراه آهن، جمعا ۵٤۵۰ کارخانه درمیهن ما مشغول کار بوده که ۱۰۵ دستگاه از آنها دولتی است و ٤۲۸۰ دستگاه از آنها بصورت فردی و ۱۰٦۵ دستگاه بصورت شرکت اداره میشود.

معادن

میهن ما معادن گرانبها و فراوانی دارد که استخراج بعضی از آنها اززمان بسیار قدیم متداول بوده . آثار بسیاری که در حفاریهای معادن کشور، بخصوص معادن سرب ومس‌دیده میشود وباقیماندهٔ ظروف ووسایل‌فلزی وسربارهٔ کوره‌های ذوب قدیمی دلیل برفعالیتهای شدید معدنی درزمانهای قدیم میباشد و نشان میدهد که معدنکاران برای حمل ونقل وتهویهٔ معادن روشهای کاملاً ابتکاری و مناسبی داشته

وحتی برای جلوگیری از ریزش معادن گاهی ازچوب نیز استفاده مینموده وبعلاوه ازصنعت ذوب فلزات و آلیاژ اطلاعات کافی داشته‌اند.

صنعت معدنکاری درطول تاریخ ایران جزرومدهای بسیار دیده. چنانکه در اوایل این فصل بیان شد، تا آغاز سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر، در کشور به استخراج معادن چه از طرف دولت وچه ازطرف مردم توجه کافی نمیشد. فقط در وزارت فواید عامه اداره‌ای بنام معادن وجودداشت که ازاقدامات مهم آن، اجاره‌دادن معادن نمك وسنگ گچ و زرنیخ بود. لیکن دراین سی سال اخیر بهره برداری علمی وصحیح ازمعادن ایران بموازات سایر اصلاحات اساسی، موردتوجه کامل واقع گردیده وروزبروز فعالیتهای معدنی کشور ما تحت نظر مهندسین ومتخصصین ایرانی توسعه مییابد. معادنی که تاکنون کشف گردیده بسیار است که فعلاً بعضی از آنها استخراج ومقداری ازمحصول آنها نیز بخارج کشور صادر میگردد. آمارهای زیر قسمتی از فعالیتهای معدنی روزافزون را نشان میدهد.

نوع مادهٔ معدنی	معادن مکشوفه تاسال۱۳۳۶	تعداد معادن مورد بهره‌برداری تاسال۳۶		
		غیردولتی	دولتی	کل
آب معدنی	۳	۳	–	۳
آنتیموان	٤	٤	–	٤
آهن	۱۲	٦	۲	۸
شیست وبیتوم	۳	۲	–	۲
پنبهٔ نسوز	٥	۲	–	۲
خاك سرخ	٤	۳	۱	٤
ذغال سنگ	٦٦	٤۱	۸	٤۹
گرافیت	–	۳	–	۳
روی	۸	۳	–	۳
زرنیخ	٤	٤	–	٤
سرب	۱٦۰	۷۹	۲	۸۱
سرب و روی	۳۲	۱۹	–	۱۹
سولفات دوسود	۹	٤	۱	٥

نوع مادهٔ معدنی	معادن مکشوفه تا سال ۱۳۳۶	تعداد معادن مورد بهره‌برداری تاسال۳۶		
		غیردولتی	دولتی	کل
کرومیت	۹۱	۵۸	–	۵۸
مس	۳۲	۱۴	۲	۱۶
قلع ومس وتنگستن	۶	۳	–	۳
منیزیت	۲	۱	۱	۲
زاج	۱۲	۱۲	–	۱۲
فیروزه	۲	۲	–	۲
منگنز	۱۰	۳	۲	۵
سیلیس و گوارتزیت	۳	۲	۱	۳
گل سفید	۲۱	۱۳	–	۱۳
گوگرد	۱۲	۱۲	–	۱۲
سرب وفلورین	۳	۲	–	۲
کائولن	۵	۳	–	۳
نمك طعام	–	۸۳	۱	۸۴
گل سفید ومنیزیت	–	۱	–	۱
براکس	۲	۱	۱	۲
تالك	۱	۱	–	۱
سرب و روی ومس	۱	۱	–	۱
خاك نسوز	۱	–	۱	۱
باریتین	۱	۱	–	۱
گل سرشوی	۳	۳	–	۳

آمار صادرات مواد معدنی

نوع جنس	سال ۱۳۳۴		سال ۱۳۳۵		سال ۱۳۳۶	
	وزن به تن	ارزش به هزار ریال	وزن به تن	ارزش به هزار ریال	وزن به تن	ارزش به هزار ریال
سنگ سرب	۲۶۱۲۵	۱۵۱۸۵۷	۲۳۳۴۳	۱۸۵۷۴۹	۲۶۳۵۲	۱۲۳۹۴۶
سنگ روی	۱۹۴۰۲	۶۴۷۶۷	۱۶۹۰۰	۱۳۷۵۳۲	۱۰۱۲۲	۳۵۹۴۸
سنگ سرب و روی	–	–	۳۰۹۲	۹۱۳۵	–	–
کرومیت	۳۶۸۴۰	۴۵۳۳۹	۴۵۰۸۵	۴۶۴۲۲	۳۹۹۲۷	۶۸۲۰۳
سنگ آهن	۱۴۰۰۰	۷۳۰۵	۶۴۷۴	۷۳۲۰	۱۰۶۰۰	۱۰۷۷۵
اشپاز نیکل	۲۵	۱۱۲۵	۲۵	۶۹۶	۱۲	–
سنگ آنتیموان	۱۰۲	۳۰۶	۹۴	۳۴۰	–	–
سنگ گچ	–	–	۵۷۷۴	۲۵۸۵	۴۵۷۹	۲۱۲۹
سنگ آهک	–	–	۱۸۰	۳۱۳	۸۰	۵۱
سنگ منگنز	۹۳۲۵	۷۴۶۷	۲۷۰۰	۳۲۳۶	۱۰۶۰۷	۱۲۵۹۷
ذغال سنگ	۴۰	–	۲۹۶	۱۰۸	۷۸۲	۱۱۳۹
زرنیخ	۳۶	۱۲۳	۶۵	۷۸۴	۴۴	۳۳۱
گل سفید	–	–	۳	۱۷	۱۳	۵۲
نمك طعام	۲۶۹۹۴	۵۱۱۶	۲۱۱۴۷	۲۶۳۱	۳۵۵۵	۶۳۱
خاك سرخ	–	–	–	–	۱۵۵۰	۲۲۴۹۷
فیروزه	–	–	–	–	۵/۲۸۴	۲۵۵۰
گلهای ساختمانی	–	–	–	–	۶۱۴	۸۹۴
سنگهای ساختمانی	–	–	–	–	۱۸۲۳	۳۹۶۵

آمار درآمد معادن درسالهای مختلف ـ بریال

سال	درآمد	افزایش نسبت بمدت مشابه سال قبل
۱۳۳٤	۱۸۷٤۹۹۹۳	ـ
۱۳۳٥	۲۷۲۳۲۹۰۹/۷٥	۸٤۸۲۹۱٦/۷٥
۱۳۳٦	۳۷٦۷۹۳٦۹/۳٥	۱۰٤٤٦٤٥۹/٦۰
نیمهٔ اول۳٦	۱۸۳٦۸۹۰۲/۸٥	ـ
نیمهٔ اول ۳۷	۲٤۳۹۲۳۷۷/٥۰	٦۰۲۳٤۷٤/٦٥

کشاورزی ایران

ایران کشوری است فلاحتی که استعداد کشت و کار انواع نباتات نواحی سردسیری معتدله و گرمسیری رادارد . مساحت ایران بالغ بر ۱۶۴۸۰۰۰ کیلو متر مربع است که ازاین مساحت مقدار ۱۶۳۶۰۰۰۰۰ هکتار آن خاکی وقسمت قابل عمرانش بالغ بر۸۱۶ملیون هکتاراست که درشرایط فعلی‌میتوان تا۳۳ملیون‌هکتار آنرا آباد نمود وتحت کشت قرار داد .

کوششهاواقداماتی‌را که درراه‌توسعه وپیشرفت کشاورزی کشور بعمل آمده‌است بطور خلاصه بشرح زیر یادآور شده واضافه مینماید که وزارت کشاورزی از سال ۱۳۲۰ طبق‌قانون وزارتخانه شناخته‌شده وفعالیتهای اساسی آن درزمینهٔ بهبود کشاورزی مملکت بشرح زیرشروع گردیده است :

۱ ـ حمایت ازجنگلهای کشور ـ یازده درصد مساحت‌ایران راجنگل‌پوشانیده و وسعت تقریبی آن ۱۸ میلیون هکتار است . بنگاه جنگلها با ایجاد سازمان صحیح و مجهز و ایجاد گارد مسلح جنگل از انهدام جنگلها که در اثر قطع بیرویه و زغالسوزی و آتش‌سوزی و جنگل‌تراشی وغیره حاصل میشد بشدت جلوگیری کرده وباقرق‌نمودن واحیاء جنگل و همچنین‌بکاربردن روشهای علمی و صحیح در بهره‌برداری ازجنگلها، بحفظ و بهبود وضع آنها اقدام کرده‌است .

۲ ـ اقدامات بنگاه شیمیائی برای تهیه و توزیع سموم دفع آفات و کودهای شیمیائی ـ آشنا کردن کشاورزان به مصرف کودهای شیمیائی و نتایجی که بدست داده، مصرف این کودها راروزافزون کرده است . بنگاه شیمیائی علاوه برتوزیع کودهای شیمیائی، کوشش فراوانی برای تهیه و توزیع سموم مورد مصرف در دفع

آفات نباتی بکارمیبرد. برای توزیع سموم دفع آفات و کودهای شیمیائی در ۷۰ نقطهٔ کشور نمایندگی فروش بنگاه شیمیائی دایر گردیده و تنها برای مصرف سال ۳۸ مقدار ۲۳۰۰۰ تن کود شیمیائی در نظر گرفته شده است.

۳ـ تقسیم املاك خالصه ـ مسئلهٔ تقسیم املاك خالصه پیروی از منویات شاهانه بسرعت پیشرفت میکند. وزارت کشاورزی با تربیت یکصد نفر نقشه بردار و نقشه کش از کارمندان وزارتخانه، تاامروز ۲۹ دهکدهٔ خالصه را که دارای ۱٦۵۰۰ هکتار زمین زراعتی بوده بین ۲٦۰۰ نفر کشاورز تقسیم کرده است ودر حدود این مقدار نیز تا پایان سال جاری تقسیم خواهد شد.

٤ـ دامپروری و اصلاح نژاد دام ـ اصلاح نژاد و پرورش دام وطیور و پرورش زنبورعسل تحت نظرورهبری مؤسسات دامپروری تهران ـ حیدر آباد کرج ـ شیراز ـ تبریز ـ سراب ـ اصفهان ـ مشهد ـ کرمانشاه ـ مازندران ـ رامسر ـ رضائیه ـ مغان و مشگین شهر ـ اهواز ـ کرمان ـ گلپایگان ومحلات انجام میپذیرد و در ٦ سال اخیر تعداد ۸۸۰۰۰ رأس گاو بومی با نطفه‌های گاوهای اصیل بارور گردیده و ۲۵۰۰۰۰ جوجه و ۱۳۰۰۰۰۰ تخم مرغ اصیل بین پرورش دهندگان توزیع گردیده است.

۵ ـ مبارزه با بیماریهای دامی ـ سازمان دامپزشکی کشور در حال حاضر با تجهیزات کامل ومأمورین ورزیده‌ای که دارد موفق شده است با بیماریهای واگیر و امراض دام مبارزهٔ جدی وموفقیت آمیزی بنماید. بطوریکه درظرف سال گذشته ۲۲۵۹۵٦۰٤ رأس دام برضد بیماریهای واگیر مایه کوبی و ۲۵٦۳۲۱۰ رأس دام مبتلا به بیماریهای مختلف درمان گردیده است.

٦ـ تهیهٔ بذر و نهال مرغوب ـ تهیهٔ بذر و نهال مرغوب برای توزیع بین کشاورزان در حال حاضر توسط ۳٦ ایستگاه کشاورزی درسرتاسر کشور با فعالیت دنبال میشود. دراین ایستگاهها انواع مختلف نباتات زراعتی تحت آزمایش قرار گرفته وپس از تشخیص بهترین نوع، تکثیر و بین کشاورزان برای کاشت توزیع میشود. درسال گذشته تعداد ۳۱۸۰۵ اصله نهال مرغوب پیوندی بین باغداران توزیع ومقادیر قابل

ملاحظه‌ای از بذرانواع غلات‌وحبوبات انتخاب شده بین کشاورزان تقسیم گردیده‌است. درسال ۳۸ تعداد ۱۰۱۳۸۸ نهال‌پیوندی بین علاقمندان‌توزیع خواهد شد.

۷ - ماشینی کردن کشاورزی - برای ماشینی کردن کشاورزی و همچنین اصلاح وعمران اراضی و اجرای اسلوبهای نوین آبیاری توسط ادارهٔ کل مهندسی زراعی اقدامات وسیع وجدی بعمل آمده است بطوریکه هم اکنون برای اصلاح و عمران ۵۰۰۰۰ هکتار از زمینهای خوزستان و گرمسار فعالیت میشود و بزودی مناطق وسیع دیگری اصلاح و زیر کشت‌درخواهد آمد. درتعقیب اقداماتی که برای ماشینی کردن کشاورزی صورت گرفته، در ظرف ۳ سال اخیر تعداد ۸۰۰ تراکتور و ماشین آلات کشاورزی بکشاورزان فروخته شده است.

۸- مبارزه با آفات نباتی بشدت و درتمام نقاط کشور اجرا میشود. درسال گذشته مبارزه باآفات‌نباتی بشرح زیرصورت گرفته است:

مبارزه‌باانواع‌ملخ دریائی‌ومراکشی	در۲۱۹۲۳۵۶ هکتار
مبارزه‌با سن	در ۱۲۰۰۰ »
سمپاشی درختان	روی۱۰۰۳۰۱۷۱اصله
دفع آفات پنبه	در۲۶۰۸۸ هکتار
دفع موش	در۸۱۹۵۳ »

۹ - آموزش کشاورزی بسربازان - برای آشنا کردن کشاورزان بروشهای جدید کشاورزی، آموزش علمی و عملی کشاورزی بسربازان توسط مهندسین و متخصصین کشاورزی در پادگانها اجرا میشود. از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۵ تعداد ۱۲۲۰۰ سرباز ودرسال ۳۶ و۳۷ تعداد ۲۸۱۰ سرباز درچهارپادگان مرکز- مشهد- تبریز وشیراز تحت تعلیمات کشاورزی‌قرار گرفته وتاکنون ۱۴۴۰نفر از ده‌نشینها بفن رانندگی ومکانیکی تراکتور آشنا شده‌اند.

۱۰- اقتصاد کشاورزی - از بررسیهای کارمندان مأمورمطالعات اقتصادی در قراء و قصبات این نتیجه بدست آمده است که کشور ما درحدود ۳۶۵۹۰۰۰ هکتار

گندم و جو کاری و ۲۸۷۵۰۰ هکتار سبزیکاری و ۴۵۲۵۰ هکتار چغندر کاری دارد ومجموع درآمد ملی‌ماازمحصولات زراعی بالغ بر ۴۷۳۴۸ ملیون ریال و از محصولات دامی ۲۶۶۹۷ ملیون‌ریال است .

عایدات متوسط سالیانهٔ یك زارع در مازندران ۷۵۰۷ ریال - در گرگان و گنبد کاوس ۱۹۴۳۸ ریال-در گلپایگان۱۱۰۳۶ ریال ودر بجنورد۶۷۷۹ ریال است.

۱۱ - مؤسسهٔ واکسن وسرمسازی رازی- این مؤسسه امروز کیلهٔ واکسنها و سرمهای مورد نیاز دامپزشکی راتهیه ودراختیار سازمانهای دامپزشکی قرار- میدهد. واکسنها وسرمهای موردنیاز انسانی نیز ازقبیل‌دیفتری - کزاز وسیاه‌سرفه دراین مؤسسه تهیه میشود واخیراً این‌مؤسسه سرم ضد هاری‌را که اهمیت فوق‌العاده دارد کشت کرده‌است. این‌مؤسسه سالیانه در حدود ۳۰ ملیون دز واکسنهای مختلف تهیه مینماید .

۱۲ - سازمان ترویج کشاورزی - سازمان جوان ترویج کشاورزی با تربیت عده‌ای مروج کار آزموده واعزام آنها بقراء وقصبات‌برای ترویج اصول وروشهای نوین کشاورزی وهدایت وراهنمائی کشاورزان، کارخودرا درسرتاسر کشورشروع کرده‌است. هم‌اکنون۵۵۰نفر مروج کشاورزی درنقاط کشور مشغول فعالیت هستند وتعداد۱۵۰۰ مزرعهٔ نمایشی درنقاط مختلف بوجودآمده است. این‌مروجین، راهنما و کمك کار خوبی برای کشاورزان در امور کشاورزی و دامپروری و دفع افات نباتی و حیوانی و سایر مسائل مربوط بکشاورزی میباشند و درتوسعهٔ کشاورزی کشور نقش مهمی را بعهده دارند .

بنگاه مستقل آبیاری

یکی ازمهمترین اقداماتی که برای اصلاح وتوسعهٔ کشاورزی میهن‌ما صورت گرفته ، تأسیس بنگاه آبیاری است . بنگاه مستقل آبیاری که قانون تأسیس آن درسال۱۳۲۲ بتصویب رسید، عملاً ازسال۱۳۲۴ باعطایای‌مرحمتی‌ملوکانه واعتباراتی

که از بودجهٔ دولت وسازمان برنامه وشهرداریهای محل تحصیل نموده ، شروع بکار کرده ودراین‌مدت کوتاه کارهائی‌در نقاط مختلف کشور انجام‌داده که خلاصهٔ فهرست آنها بقرار زیر است :

۱ - گلپایگان - احداث سد مخزنی بمنظور تهیهٔ آب برای ۵۰۰۰ هکتار زمین زراعتی.

۲ - بهبهان - احداث تأسیسات لوله کشی بمنظور تهیهٔ آب آشامیدنی‌وزراعتی.

۳ - اصفهان - احداث تونل و سد کوهرنگ بمنظور تهیهٔ آب برای ۲۰۰۰۰ هکتار زمین زراعتی.

٤ - نائین - احداث قنات شمس آباد معاضدیه وشاهی.

۵ - جهرم - حفر ۵۰۰ حلقه چاه واحداث کارخانهٔ برق برای تأمین برق شهر واستفادهٔ تلمبه‌های آبکشی برای کشاورزی.

٦ - بندرعباس - تهیهٔ برق و آب آشامیدنی سالم ولوله کشی.

۷ - کازرون - احداث انهار آبیاری بمنظور تهیهٔ آب برای زراعت و لوله کشی شهر.

۸ - تبریز - احداث تصفیه‌خانه ولوله کشی شهر جهت آب آشامیدنی.

۹ - رضائیه - احداث مرکز برق وتصفیه خانه ولوله کشی شهر.

۱۰ - مغان - احداث ساختمانهای حفاظتی سواحل رودخانهٔ ارس وحسنخانلو.

۱۱ - قائنات - حفر ۱۸ حلقه چاه عمیق برای ۲۰۰۰ هکتار زمین زراعتی.

۱۲ - لرستان - احداث سدهای چغلوندی و اسدخانی برای ٤۰۰۰ هکتار زمین زراعتی.

۱۳ - کرمانشاه - ساختن سد روانسر بمنظور آبیاری زمینهای زراعتی.

۱٤ - قصرشیرین - احداث تأسیسات آبیاری و ساختمان سد و کانال بمنظور تهیهٔ آب زراعتی.

۱۵ - شوشتر - احداث مرکز تولید برق وتأمین آب زراعتی و آشامیدنی.

۱٦ - لارستان - ساختن سد بمنظور تهیهٔ آب آشامیدنی.

۱۷ - سیستان - ساختن سدهای کهك و زهك و انهار آبیاری برای استفادهٔ کشاورزان.

۱۸ - رشت - ساختن سد صیقلان رودبار بمنظور آبیاری ۳۰۰۰ هکتار زمین زراعتی.

۱۹ - لاهیجان - ساختن سد حشمت رود بمنظور آبیاری ۶۰۰۰ هکتار زمین زراعتی.

۲۰ - کرخه - ساختن سد کرخه بمنظور آبیاری ۸۰۰۰۰ هکتار زمین زراعتی.

۲۱ - شبانکاره - ساختن سد شبانکاره بمنظور آبیاری ۳۶۰۰۰ هکتار زمین زراعتی.

۲۲ - بمپور - ساختن سد بمپور بمنظور آبیاری ۵۰۰۰ هکتار زمین زراعتی.

۲۳ - شاهین‌دژ - حفر چاه عمیق وساختن منبع آب ولوله کشی شهر.

۲۴ - کرج - ساختن تونل انحراف سد کرج برای برگرداندن آب قبل از ایجاد ساختمان سد.

۲۵ - گرمسار - ساختن سیل‌بر گردان ومقسمها.

۲۶ - منیاب - ساختن دیوار حفاظتی سواحل میناب برای جلوگیری از خطر سیل.

۲۷ - تهران - ایجاد آزمایشگاه خاکشناسی.

علاوه براینها، در نقاط مختلف کشور ۵۰ رشته قنات و ۸۰ حلقه چاه عمیق و ۱۶۰ ایستگاه اندازه‌گیری آب بمنظور تعیین وضع جریان و آمارگیری از آب رودخانه‌ها ایجاد کرده وخاك ۱۵ ملیون هکتار زمین را از نظر کشاورزی آزمایش وطبقه‌بندی نموده و در کلیهٔ استانها و شهرستانها برای انجام‌دادن امور مربوط به آبیاری، ادارهٔ آبیاری تأسیس کرده است وهم‌اکنون طرحهائی را هم بشرح زیر دردست اجرا دارد:

۱ - ساختن سد کنجانچم درمرز ایران وعراق.

۲ - احیای بند امیر درفارس.

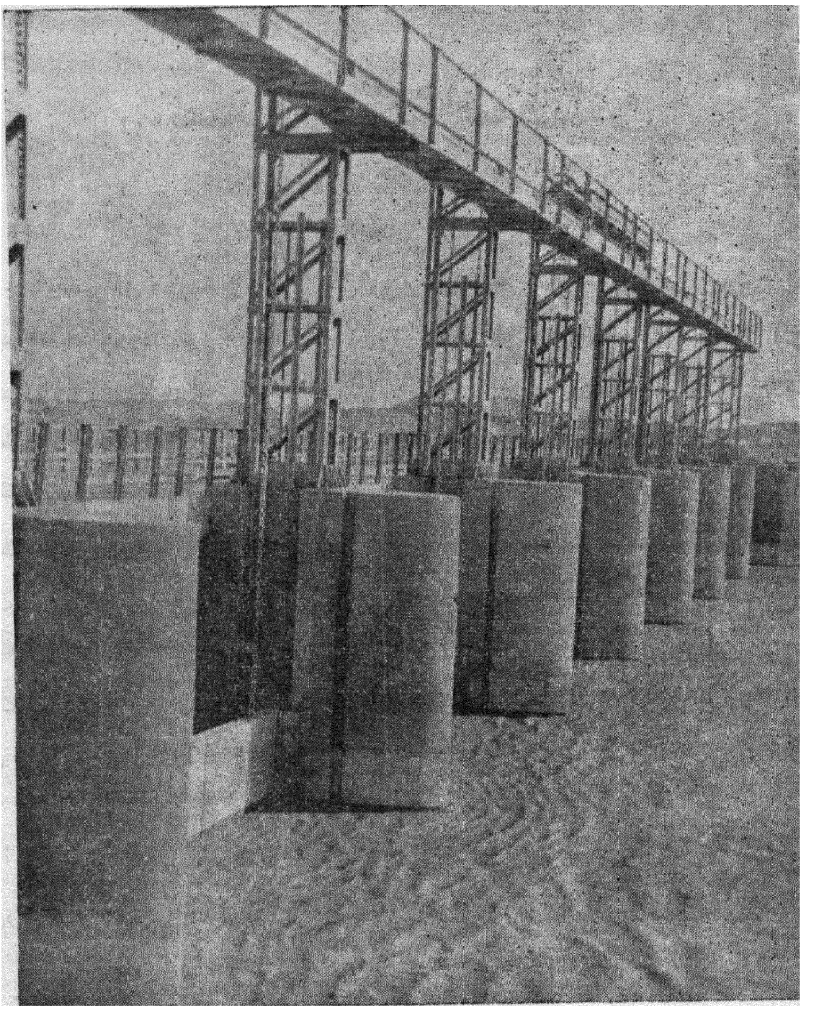

منظره‌ای ازسد رهك سیستان

۳ ـ ساختن سد درودزن شیراز برای آبیاری زمینهای زراعتی.
٤ ـ ساختن سد شهناز درهمدان بمنظور تهیهٔ برق و آب آشامیدنی وزراعتی.
٥ ـ ساختن‌سدزرینه‌رووددریمین آباد آذربایجان برای آبیاری‌زمینهای‌زراعتی.

پست و تلگراف و تلفن

ایجاد پست

بعضی از مورخان ایجاد پست را بکورش وجمعی بداریوش نسبت میدهند. بنابگفتهٔ هرودوت مورخ یونانی «کورش درموقعی که عازم نبرد باسیت‌ها (سکاها) بود، در ۱۲۲ قبل‌از هجرت دستور داد که بین پرسپولیس ودریای اژه یکصدویازده ایستگاه پستی دایر کردند تارابطهٔ دائم او با پایتخت محفوظ ماند.» داریوش بر کشوری پهناور از تونس تاهندوستان وازدریاچهٔ آرال تا عدن که دارای ٤٦ نوع مردم بازبانها ونژادها و آئینهای گوناگون بودند سلطنت میکرد و برای پاس‌داشتن آن امپراطوری عظیم، وسایل و تشکیلات حیرت‌بخشی فراهم ساخت که توسعه وتکمیل ادارهٔ استخبار و نامه‌رسانی یکی‌از آنها بود. شهریار هخامنشی درمدت ۳۵ سال فرمانروائی خود، ادارهٔ نامه‌رسانی‌را بپایه‌ای رسانید که دنیا آنرا پست بمعنای تام وتمام میخواند.

پست درایران امروز

پست بمعنای امروزه از سال ۱۲۲۷ شمسی بوسیلهٔ میرزاتقی‌خان امیر کبیر پی‌ریزی شد ودر سال ۱۲۵۱ شمسی بوسیلهٔ مسیوریدرز مستشاراتریشی بسبك‌جدید در آمد و باورود ایران دراتحادیهٔ پستی بین‌المللی درمهرماه سال ۱۲۵۸، سازمان آن محکم ومنظم گردید.

تلگراف

تلگراف در ایران بوسیلهٔ مسیو کرشش اتریشی تأسیس شد و نخستین سیم تلگرافی بین تهران وچمن سلطانیه (اردوگاه تابستانی پادشاهان قاجار) در بهمن‌ماه سال ۱۳۳۷ قمری کشیده وسپس بسرحد جلفا متصل شد و بعداً بایجاد خطوط دیگر

مبادرت گردید ودرسال ۱۲۷۵ شمسی برابر با ۱۸۹۶ میلادی، ایران رسماً دراتحادیهٔ بین‌المللی تلگراف شرکت جست.

بی‌سیم

اعلیحضرت رضاشاه کبیر بر آن شد که ارتش رادارای وسایل جدیدوسازو - برگ نوین سازد ویکی ازلوازم آن، مجهزشدن بدستگاههای مخابراتی بود. در سومین‌روز تاجگذاری یعنی‌ششم اردیبهشت‌ماه ۱۳۰۵ اولین‌دستگاه فرستندهٔ ایران بنام بی‌سیم پهلوی درحضور اعلیحضرت افتتاح گردید.

تاریخچهٔ تأسیس تلفن شهری در ایران

صاحب امتیاز واگن اسبی تهران و ترن حضرت عبدالعظیم برای نخستین‌بار از این وسیله برای ارتباط مراکز واگنها و ترن استفاده نمود و سپس بین منزل کامران‌میرزای وزیرجنگ در کامرانیه و دارالحکومهٔ شهر تهران وپس‌از آن بین عمارات سلطنتی تهران تلفن دایر گردید.

برای نخستین‌بار امتیاز تلفن در ایران بسال ۱۲۸۱ شمسی جهت شهر تبریز و سومین امتیاز در سال ۱۲۸۳ برای تهران بمرحوم دوست‌محمدخان معیرالممالك تفویض شد.

درسی‌سال پیش عدهٔ مشترکین تلفن به‌دوهزار نمیرسید، درسال ۱۳۳۷ تعداد ۵۰۰۰۰ شماره تلفن خودکار درتهران وحومه وتعداد ۳۶۰۰۰ شماره تلفن خودکار ومغناطیسی درشهرستانها نصب ومشغول بکار بوده است.

برای شهرستانهای زیر، ساختمان ونصب دستگاههای خودکاردردست‌اقدام‌است ودرسال ۱۳۳۸ اغلب آنها بکار خواهند افتاد:

اصفهان، اهواز، آبادان، بابل، خرمشهر، شیراز، مشهد، کرمانشاه، قم و کرمان.

آموزشگاههای اختصاصی وزارت پست وتلگراف وتلفن

درسال۱۳۰۶ که دستگاههای بی‌سیم باعده‌ای از کارمندان فنی‌بامراعلیحضرت

رضاشاه کبیر ازوزارت جنگ بوزارت پست وتلگراف وتلفن منتقل گردید، جمعی ازکارمندان منتقله باخرج وزارت متبوع باروپا اعزام شدند و پس‌ازمراجعت برای نگهداری دستگاههای مزبور ازوجود آنان استفاده میگردید ولی چون روزبروز ارتباطات کشور روبتوسعه میرفت و احتیاج بیشتری بوجود کارمندان فنی مشهود بود ، در آبان‌ماه سال ۱۳۰۷ آموزشگاهی بنام مدرسهٔ عالی پست وتلگراف بوجود آمد که تا سال ۱۳۱۵ دایر ماند وسپس منحل گردید .

در سال ۱۳۱۷ شمسی که ساختمان ایستگاه رادیو و پخش صدا شروع شد ونقص کارمندان فنی کاملاً مشهود گردید کلاس مخصوصی برای تربیت کارمندان جهت اداره کردن پستهای جدید بی‌سیم و پخش صدا تأسیس شد و چون معلوم شد که نه‌تنها ادارهٔ بی‌سیم بلکه ادارات پست وتلگراف نیز احتیاج مبرمی بکارمندان فنی دارند ، برطبق قانون بیست‌وسوم دیماه ۱۳۱۸ آموزشگاهی با سه شعبه بشرح زیر تأسیس گردید :

شعبهٔ اول برای تربیت‌کارمندان جهت امور پست‌وتلگراف ، شعبهٔ دوم برای تربیت کارمندان تلگراف و رادیو، شعبهٔ سوم برای تهیهٔ متخصصین بی‌سیم . ازاین آموزشگاه تاکنون ۲۶۷۳ فارغ‌التحصیل بیرون آمده‌اند .

جدول مقایسهٔ مرسولات پستی توزیع‌شده در سالهای ۱۳۰۵ و ۱۳۳۷

شرح	سال ۱۳۰۵			سال ۱۳۳۷		
	پاکت و مرسولات عادی	پاکت و مرسولات سفارشی	هوائی	پاکت و مرسولات عادی	پاکت و مرسولات سفارشی	هوائی
سرویس داخله	۵،۸۰۰،۰۰۰	۹۳،۰۰۰	—	۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۴،۰۰۰،۰۰۰	۱۵،۰۰۰،۰۰۰
سرویس بین‌المللی	۳،۰۰۰،۰۰۰	۴۰،۰۰۰	—	۲۸،۰۰۰،۰۰۰	۱،۱۵۰،۰۰۰	۱۱،۰۰۰،۰۰۰
جمع	۸،۸۰۰،۰۰۰	۱۳۳،۰۰۰	—	۱۲۸،۰۰۰،۰۰۰	۵،۱۵۰،۰۰۰	۲۶،۰۰۰،۰۰۰

جمع کل مرسولات توزیع‌شده درسال ۱۳۰۵ ۸،۹۳۳،۰۰۰

» » » » ۱۳۳۷ » » ۱۵۹،۱۵۰،۰۰۰

جدول مقایسهٔ خطوط تلگرافی وتلفنی برحسب کیلومتر
درسالهای ۱۳۰۵ و ۱۳۳۷

نوع خط	سال ۱۳۰۵	سال ۱۳۳۷
آهنی	۱۳۸۴۲ کیلومتر	۳۰۰۵۴ کیلومتر
مسی	-	۱۶۶۸۹ کیلومتر
جمع	۱۳۸۴۲ کیلومتر	۴۶۷۴۳ کیلومتر

بهداری

تاریخچهٔ وزارت بهداری

دراینکه درایران باستان توجه مخصوصی بپزشکی و بهداشت میشده ، شکی نیست و در این باره مدارك و شواهد زیادی وجود دارد. از آنجمله مدرسهٔ طب و بیمارستان گندی شاهپور و ری ووجود پزشکان ناموری مانند محمدبن کریای رازی و ابوعلی سینا و جورجیة بن جبرائیل رئیس مدرسه و بیمارستان گندی شاهپور که بیماری سخت منظور خلیفهٔ عباسی را درمان کرد وهمچنین سهل پسرشاهپور طبیب مأمون و شاهپور پسر سهل طبیب متوکل خلیفهٔ عباسی میباشد . این کیفیت تا حملهٔ مغول ادامه داشت ولی پس از آن حمله ، رشتهٔ سازمانهای طبی و بهداشتی چنان ازهم گسیخته و ویران شد که تا طلوع سلسلهٔ پهلوی وظهور رضاشاه کبیر تقریباًمیتوان آنرا ازمیان رفته دانست .

بسال ۱۲۷۹ شمسی مقارن ۱۹۰۰ میلادی درنتیجهٔ کنفرانس صحی بین‌المللی که درپاریس تشکیل شده و نمایندهٔ ایران نیز قطعنامهٔ آنرا تصدیق و امضاء نمود اولین مجلس حفظ‌الصحهٔ دولتی درسال ۱۲۸٤ شمسی معادل ۱۹۰٤ میلادی درتهران انعقاد یافت و نظامنامه‌ای برای مجلس مزبور نوشته شد . مؤسسات واقدامات مجلس حفظ‌الصحه بقرار ذیل است :

اول ـ تأسیس قرنطینه‌های بنادرایران که در آغاز کار بدست پزشکان خارجی اداره میشد وسپس بهمت شاهنشاه فقید ، پزشکان ایرانی جای خارجیها را گرفتند .

دوم ـ اجرای آبله کوبی .

سوم ـ ایجاد بیمارستان زنان و کودکان بسال ۱۳۳۵ قمری .

این مجلس تا اواخرسال۱۲۹۹ شمسی برقراربود تااینکه بفرمان اعلیحضرت

شاهنشاه فقید بنام صحیهٔ کل مملکتی موسوم گردید و بسرعت توسعه یافت و عملیات آن بقرار زیر است :

۱- در اواخر سال ۱۲۹۹ و اوایل سال ۱۳۰۰ تأسیس بنگاه پاستور ایران در تهران .

۲- تأسیس و تکمیل بیمارستان وزیری تهران .

۳- تدوین نظامنامه برای تحدید ادویهٔ مخدره .

٤- درسالهای ۱۳۰٤ و ۱۳۰۵ استخدام واعزام پزشکان بشهرستانها .

۵- درسال ۱۳۰٦ اصلاح و توسعهٔ قرنطینه‌های سرحدی .

٦- درسال ۱۳۰۷ تلقیح اهالی بنادر جنوب برضد وبا .

۷- بنای قرنطینهٔ مکمل درسال ۱۳۰۷ درقصر شیرین .

۸- خرید کشتی ابن‌سینا برای خلیج فارس وضدعفونی کردن کشتیهای وارده بآبهای ایران .

۹- ساختن قرنطینه در پیله سوار، باجگیران ، جلفای آذربایجان ، زاهدان ، بندرجاسك ، بندرشاهپور و جزیرهٔ هنگام .

۱۰- درسال ۱۳۱۰ تدوین نظامنامهٔ آبله کوبی اجباری .

۱۱- درسال ۱۳۱۱ تکمیل مؤسسهٔ رادیولژی تهران .

۱۲- مأمور نمودن اطبا برای جلوگیری امراض مالاریا و تراخم درسواحل خلیج فارس وخوزستان وسیستان و بلوچستان ومازندران وسایر نقاط کشور .

۱۳- معاینهٔ طیارات و کشتی‌هائی که‌ازخارج وارد میشدند .

۱٤- ساختن بیمارستان در ساری ، شاهی ، رضائیه ، قم ، خرم آباد ، اهواز ، بهبهان ، نوشهر ، رامسر ، شهسوار ، ایلام ، شاه آباد غرب ، شاهپور و جویبار .

۱۵- ساختن بیمارستان گوهرشاد درتهران .

۱٦- تأسیس محل موقت برای بیمارستان رازی تهران .

۱۷- بنای بیمارستان فیروز آبادی درسال ۱۳۱۳ .

۱۸- بنای آسایشگاه شاه آباد .

۱۹- بنای جذامیخانهٔ مشهد درسال ۱۳۱۳ .
۲۰- خرید قریهٔ بابا باغی تبریز برای جذامیخانه .
۲۱- تأسیس مطب آبله درخوزستان .
۲۲- بنای محل دائم برای بیمارستان رازی .
۲۳- بنای ساختمان بیمارستان دولتی تهران .
۲٤- اقدام بساختمان مطب عمومی درساری و ورامین .
۲۵- توسعهٔ بیمارستانهای ملی در شیراز و بوشهر و کمك مالی و قابل توجه ازطرف صحیه بآنها .

از سال ۱۳۲۰ ببعد ادارهٔ کل صحیهٔ مملکتی بوزارت بهداری تبدیل گردید ودنبال همان ترقیات ادامه یافت تا بوضع امروزی در آمد واکنون وزارت بهداری بجز کارهای درمانی ، ۹۰۰ پست بهداری و ۱۸۵ بیمارستان و ۳۷٦ درمانگاه باختیار دارد .

ادارات مهم وزارت بهداری ازاینقرار است .

۱- ادارهٔ کل بهداشت که وظایف آن پیشگیری امراض واگیراست و دارای ادارات آبله ، طب پیشگیری، پرستاری ، آموزش بهداشت ، بهداشت‌روانی ، خدمات اجتماعی بهداشتی و پزشکی و بهداشت مادر و کودك میباشد .

۲- ادارهٔ بهداشت محیط که خود از سه قسمت بنامهای ریشه کنی مالاریا و ساختمان ومهندسی بهداشت تشکیل شده .

۳- ادارهٔ نظارت برمواد مخدره وسازمان مبارزه با سل و بنگاه پاستور نیز بنوبهٔ خود خدمات اجتماعی مربوطه را انجام میدهند .

چون شرح کلی دراین مختصر نمیگنجد فقط بذکر کار کرد این‌ادارات اکتفا مینماید .

الف ـ ایمن سازی

۱- برنامهٔ تلقیح همگانی برضدبیماری آبله درسراسر کشورتوسط واحدهای مجهز با دقت کامل اجرا شده و تاکنون تعداد ۲۱،٦۵۸،۱۰۷ نفر برضد این بیماری تلقیح گردیده‌اند .

۲- تلقیحات برضد بیماری حصبه	۶۱۲،۳۵۵	دفعه
۳- تلقیحات برضد دیفتری و کزاز و سیاه سرفه	۱،۱۴۷،۶۷۹	»
٤- تلقیحات برضد دیفتری و کزاز	۵۲۱،۵۰۲	»
۵- تلقیحات برضد دیفتری	۲۲۱،۱۶۵	»

ب- تلقیح ب. ث. ژ (ضدسل)

برای مصون ساختن افراد درمقابل بیماری سل ، برنامهٔ تلقیح واکسن ب . ـ ث . ژ . مرتباً اجراشده ، تعداد آزمایش توبرکولینی ۴،۹۶۵،۷۵۲ مثبت و ۲۲۰،۱۰٤ منفی بوده وعدهٔ تلقیح شدگان به ۲،۸۳٤،۷۳۲ نفر بالغ میشود .

ج - پرستاری و بهداشت مادران و کودکان

۱- تعداد جلسات کلاسهای تشکیل شده برای مادران و زنان باردار	۵،۵۰۵	
۲- تعداد مادران وزنان باردار که درجلسات کلاسها شرکت کرده‌اند	۱۵۳،۶۹۳	نفر
۳- تعداد جلسات کلاسهای ماماهای بیسواد	۷۱۶	جلسه
٤- تعداد ماماهای بیسواد که در کلاسهاشرکت کرده‌اند	۹،۲۵۸	نفر
۵- بازدید منازل توسط بهیاران و پرستاران	۱۳،۷۹٤	دفعه
۶- تعداد دریافت کنندگان شیرخشك وداروهای مقوی	۲۵۸،۲۰۸	نفر
۷- تعداد کودکانی که به‌مطبهای بهداشتی مراجعه‌نموده‌اند	۱۹،۹۱٤	»
۸- تعداد مراجعین به مطبهای بهداشتی زنان باردار	۵۸،۰۵۸	»

د - آموزش بهداشت

۱- تعداد فیلمهای بهداشتی که نشان داده شده	۱۸،۰۰۶
۲- تعداد تماشاکنندگان فیلمهای بهداشتی	۵،۱۹۱،۱٤۲
۳- تعداد جلسات سخنرانیهای بهداشتی	۱۷،٤۱۱
٤- تعداد شرکت کنندگان درجلسات سخنرانیهای بهداشتی	٤،٤۹۱،۶۰۵
۵- تعداد نشریات توزیع شدهٔ بهداشتی شامل مطالب گوناگون آموزنده	۳۵٤،۸۳۱

هـ ـ فعالیتهای آزمایشگاهی

۱- تعداد آزمایشهای میکرب شناسی	۶۸،۹۱۲ دفعه
۲- تعداد آزمایشهای سرم شناسی	۲۹۵،۸۲۶ «
۳- تعداد آزمایشهای خون	۳۱۷،۳۴۳ «
٤- تعداد آزمایشهای انگل شناسی	۱۱۰،۹۶۰ «
٥- تعداد آزمایشهای بیوشیمی	۱۷۰،۲٤٥ «

و ـ مبارزه با بیماریهای آمیزشی

۱- تعداد کل آزمایشهای خون	۶۲۸،۳۱٥
۲- تعداد بیمارانیکه نتیجهٔ آزمایش خون آنها مثبت بوده و تحت معالجه قرار گرفته‌اند	۷۱،۹٤۶
۳- تعداد مراجعه کنندگان جهت اخذ گواهی تندرستی قبل‌از ازدواج	۱۳۷،۱۱۱

ز ـ مبارزه با استعمال تریاك و کشت خشخاش

مجموع مواد افیونی مکشوفه	۸،۸۶۶،۳۰٤ کیلو
اراضی بر گردانده شده	۲٥۷۸۲ قطعه بمساحت ۲۰۳۳٥ هکتار
پرونده‌های ارجاعی متخلفین بدادگاه	۱۳۹٥۱ فقره
معتادین درمان شده لغایت سال ۳۷	۲۲۳٤۷ نفر

ح ـ اقدامات سازمان ریشه‌کنی مالاریا از ۱۳۳۳ تا آخر آبانماه ۱۳۳۸

درسال ۱۳۳۳ تعداد ۱٥٤۰٥ قریه و تاکنون تعداد ۲۶۳٥٥ قریه سمپاشی شده ودرحدود ٥،۷۰۰،۰۰۰ نفر ازمرض مالاریا مصون شده‌اند.

ط ـ اقدامات ادارهٔ بهداشت محیط

الف ـ بهداشت روستائی

۱- حفرچاه کم عمق	۲۲۲۷ حلقه
۲- نصب تلمبهٔ دستی برروی چاههای کم عمق	۱۶۸۹ دستگاه

۳- ساختن مستراح بهداشتی	۲۲۹۵۱ باب
٤- نصب سنگ مستراح	۲٦۰۵۰ عدد
٥- ساختن فاضل آب	۱۹۳ عدد
٦- لوله کشی آب	۱۳۲ شبکه
۷- ساختمان منابع آب	۱٦ عدد
۸- اصلاح برکه	۲۱۳ برکه
۹- ساختمان حمام بهداشتی	۲۷ باب
ب - بهداشت شهری	
۱- حفر چاه عمیق	٤۹ حلقه
۲- لوله کشی آب	۳٤ شبکه
ج - آموزش	
۱- تعلیم و تربیت کمك بهساز	۳۷٤ نفر
۲- تعلیم و تربیت متصدی تأسیسات آب شهرها	۳۹ »

درسال۱۲۹۹ شمسی ، تعداد بیمارستانهای کشور جمعاً ازده باب و تختخوابهای آنها از دویست عدد تجاوز نمیکرد. لیکن درسال ۱۳۳۸ شمسی تعداد بیمارستانهای میهن ما به ۳۰۷ باب و تعداد تختخوابهای آنها به ۱۷۲۷۱ عدد بالغ میشود .

انتشارات و رادیو

روز چهارم اردیبهشت ۱۳۱۹ درزمان سلطنت رضاشاه کبیر و بدست مبارك والاحضرت ولایتعهد (اعلیحضرت همایون شاهنشاه فعلی) نخستین ایستگاه فرستندهٔ رادیوئی کشور افتتاح گردید ؛ سپس باسم ادارهٔ کل انتشارات و تبلیغات نامیده شد واینك بنام ادارهٔ کل انتشارات و رادیو نامیده میشود .

دراسفند سال۱۳۳۶ بابکارافتادن فرستندهٔ صد کیلوواتی موج کوتاه ، سازمان فعلی بوجود آمد :

۱ـ ادارهٔ برنامه‌ها

این اداره مسئول تنظیم کلیهٔ برنامه‌هائی است که برای شبکهٔ رادیوی ایران و ۱۰ رادیوی شهرستانها تنظیم میشود و از دو قسمت برنامه‌های داخلی و خارجی تشکیل شده است .

۲ـ ادارهٔ توسعه‌وترویج

وظیفهٔ این اداره عبارت‌است ازسنجش عقاید و نظریات مردم وتهیهٔ آمارعقاید شنوندگان دربارهٔ برنامه‌های رادیوی ایران وسرپرستی‌نشریات ادارهٔ کل انتشارات و رادیو .

۳ـ ادارهٔ امور اداری

وظایف این اداره عبارت است از انجام‌دادن کلیهٔ امور اداری و کار گزینی وتنظیم قرارداد با هنرمندان ومجریان برنامه‌ها و امور دفتری .

۴ـ ادارهٔ استودیو

وظایف این اداره عبارت است از حفظ و نگاهداری و بکارانداختن کلیهٔ دستگاههای فنی شبکهٔ رادیوی ایران وشهرستانها .

۵ـ شورای موسیقی وشورای نویسندگان

رادیوی ایران ، دارای یك شورا برای نظارت و تنظیم و ترتیب برنامه‌های موسیقی و یك شورا برای بررسی وتصویب تمام گفتارها ومطالب رادیو است وکلیهٔ ده فرستندهٔ شهرستانها زیر نظر رادیوی ایران انجام وظیفه میکنند .

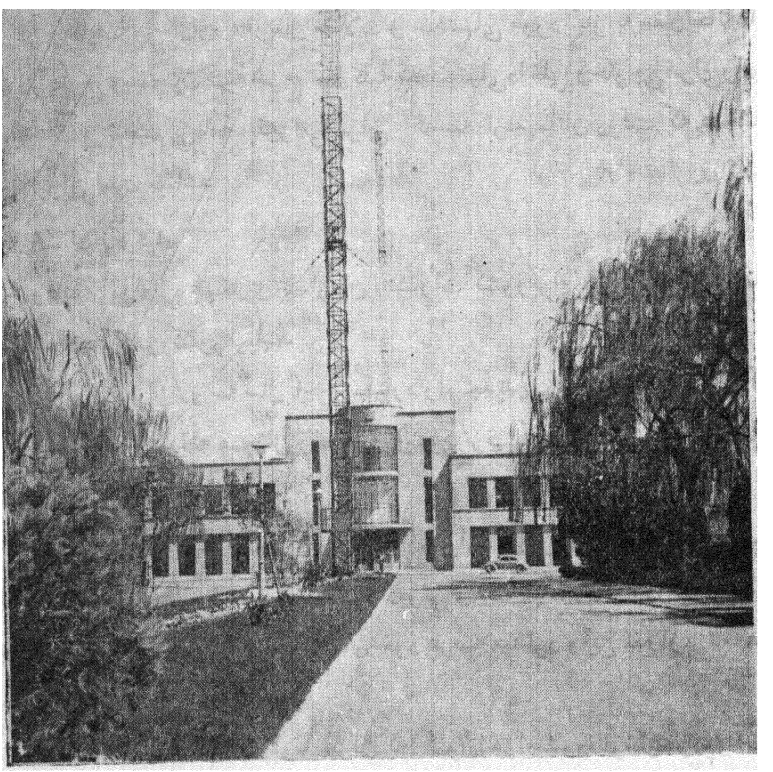

نمای خارجی مرکز فرستنده‌ها

دراواخر سال ۱۳۳۵ با بکارافتادن فرستندهٔ ۵۰ کیلوواتی ، بساختمان جدیدی مبادرت گردید که ازهرحیث مجهز و قابل ملاحظه است .

٦ـ خبرگزاری پارس

این خبرگزاری که در گذشته ، روزانه یك گزارش منتشر میکرد ، اکنون

دو گزارش داخله وخارجه برای جراید عصر و رادیو و دو گزارش داخله وخارجه برای جراید صبح تهیه میکند .

۷ـ ادارهٔ اطلاعات

وظایف این اداره عبارت است از شناساندن ایران به جهانیان و راهنمائی سیاحان و روزنامه‌نگاران خارجی درایران و چاپ کردن مجلات و گزارشها . یکی دیگر از وظایف این اداره ، ارسال مقالات و عکسهای مورد نیاز به سفارتخانه‌های ایران درخارج وهمچنین تهیهٔ شرح حال کلیهٔ شخصیتهای‌داخلی وخارجی برای‌رادیو و مطبوعات و تنظیم برنامهٔ پذیرائی برای آندسته از مهمانان دولت که هدفشان بازدید ایران است میباشد .

۸ـ ادارهٔ فیلم

وظیفهٔ این‌اداره همکاری باسازمان انتشارات کشور برای تهیهٔ فیلم ازکارهای انجام یافته درسراسر کشورمیباشد .

رادیوی ایران در سه سال اخیر یکباره راه جدیدی را انتخاب کرد و ازآن تاریخ بدون‌لحظه‌ای وقفه همچنان راه خودرابسوی‌ترقی وپیشرفت وتوسعهٔ برنامه‌ها و ابتکارهای تازه پیموده است .

درحال حاضرانتشارات ورادیو روزانه بیش‌از ۴۰۰موضوع بصورت نمایشنامه و گفتار و قطعات تنظیم شده و مسابقات رادیوئی و مصاحبه و خبر ، در دوفرستندهٔ رادیو ایران و رادیوتهران به شنوندگان خود عرضه میدارد واین بغیرازبرنامه‌های موسیقی است .

هدف‌کلیهٔ برنامه های رادیو ایران که‌اکنون‌اجرامیشود، ارشاد مردم‌وآگاه ساختن‌آنها ازعظمت باستانی وپیشرفتهای نوین‌کشور است .

نفت

ایرانیان در ازمنهٔ قدیمه از وجود نفت آگاهی داشته و مواد نفتی را مورد استفاده قرارمیدادهاندو آتشکدههای بزرگ خودرادر کنارچشمههای گازمیساختند.

قدیمیترین چاه نفتی که در تاریخ ذکر شده، در دورهٔ سلطنت داریوش هخامنشی در پانصد سال قبلاز میلاد درنزدیکی شوش حفر گردیدهاست. هرودوت مورخ یونانی در کتاب «جنگهای ایران» دربارهٔ این چاه شرحی مینویسد.

مدارك موجود نشان میدهد که هزاران سال پیش، از عواید فروش نفت مالیات گرفته میشده و عواید حاصله تحت سرفصل مخصوصی در دفاتر دولتی ضبط میگردیده است و این خود نشانهٔ گویائی از مصرف متداول مواد نفتی در گذشته میباشد.

تفویض امتیاز واجازهٔ استخراج نفت نیز از دیرزمان مرسوم بوده ودر کتاب در بندنامهٔ اشاره به امتیازنامهای شده که المعتمد خلیفهٔ عباسی در سال ۸۸۵ میلادی برای بهرهبرداری ازمنابع نفت ونمك چاههای بادکوبه صادر نموده است.

موارد استفادهٔ نفت بیشتر برای تهیهٔ روغنهای طبی و ملاط های ساختمانی ومصارف جنگی بوده است. پلوتارك درشرح زندگی اسکندرمقدونی از برخورد قوای ایران و یونان در نزدیکی همدان سخن رانده و توضیح میدهد که چگونه یونانیان در آنجا برای اولین بار با تیرهای آتشزای ایرانیان و دیوارههای آتش مواجه شدند و از وجود نفت وخواص آن آگاهی یافتند.

تاقبلازانقلاب صنعتی اروپا یعنی تااواخرقرن نوزدهم، آنچهنفت ازچشمهها وچاههابدست میآمد برای تأمین مصرف محدودآن زمانکافیبود ولی پساز آنکه استفاده از نیروهای بخار میسر گردید و ماشینهای احتراق داخلی برای ایجاد قوهٔ محرکه اختراع شد میزان مصرف مواد نفتی بسرعت زیادی بالا رفت ووضع بازار

وعرضه وتقاضای این مواد بکلی تغییریافت ، بطوریکه درابتدای قرن بیستم ، صنعت نفت شکل محلی ومحدود خودرا از دست داد واساس آن بصورت یك صنعت متشکل بین‌المللی پایه‌ریزی گردید، همچنین نظر به‌اهمیت‌فوق‌العادهٔ نفت‌ازلحاظ سوق‌الجیشی، دول بزرگ دست‌یابی به ذخایر نفتی را برای خود یك امر حیاتی تشخیص دادند ومناطقی که در آن احتمال وجود نفت میرفت مطمح نظر آنها قرار گرفت .

دراین زمینه شایسته است بخاطر داشته باشیم که بیش‌از ۶۰ درصد از ذخایر نفتی جهان یا درایران و یا در فاصله‌ای کمتر از ۳۰۰ کیلو متر از سرحدات ایران قراردارد .

بنابراین در اوایل قرن بیستم ، صحنهٔ جدیدی برای رقابت شدید دول‌بزرگ دراین قسمت ازجهان باز شد و دسته‌بندیهای بین‌المللی ، کشمکش‌های خودرا برای دسترسی به‌منابع نفتی خاورمیانه آغاز نمودند .

درسال ۱۹۰۱ ویلیام ناکس دارسی ، سرمایه‌دار استرالیائی ، توانست که قرار داد امتیاز و استخراج و لوله کشی نفت در سراسر ایران باستثنای ایالات آذربایجان ، گیلان ، مازندران ، گرگان وخراسان را تحصیل کند .

دارسی برای این‌کار شرکتی تشکیل داد وگروههای اکتشافی و حفاری خود را درمناطق غربی و جنوب غربی ایران بکار انداخت ولی کشف نفت بمیزان تجارتی بآسانی میسر نشد و سرمایهٔ اولیهٔ شرکت مزبور درسال ۱۹۰۵ باتمام رسید بدون آنکه نتیجهٔ قابل ملاحظه‌ای بدست آمده باشد . لذا شرکای دیگری من‌جمله شرکت نفت برمه‌را بهمکاری دعوت نمود وباسرمایهٔ بیشتری بررسی‌های اکتشافی‌را ادامه داد تابالاخره پس‌ازهفت سال سعی وتلاش ، درسال۱۹۰۸ نفت بمقیاس تجارتی درمسجد سلیمان کشف گردید . این واقعه مصادف بازمانی اتفاق افتاد که‌امیرالبحری بریتانیا موضوع تبدیل سوخت نیروی دریائی امپراطوری انگلیس از ذغال سنگ به نفت را مورد مطالعه قرارداده و باین نتیجه رسیده بود که ادامهٔ سیادت بحری آن دولت بستگی زیادی بداشتن نفت ارزان وفراوان برای اجرای چنین عملی را دارد. برای تأمین‌این‌هدف، تسریع در بهره‌برداری ازمنابع نفتی جنوب ایران مورد توجه

قرار گرفت ودرسال ۱۹۰۹ شرکت نفت انگلیس وایران بمنظور استفادهٔ از امتیاز دارسی تشکیل شد . شرکت مزبور باسرمایهٔ کافی وبرنامهٔ وسیعی دست بکارعملیات گردید وعلاوه برتوسعهٔ میدان مسجد سلیمان ، به بررسیهای اکتشافی در سایر نقاط مبادرت ورزید وهمچنین بساختن تصفیه خانهٔ آبادان واحداث خط لوله اقدام نمود . صدور نفت خام ازسال ۱۹۱۱ شروع شد و میزان آن درسال ۱۹۱٤ به ۳۵۰ هزار تن رسید . دراین سال که مصادف با شروع جنگ اول جهانی است ۵۱ درصد از سهام شرکت نفت انگلیس وایران بامیرالبحری بریتانیا واگذار گردید ؛ دسترسی به‌نفت ایران ازعوامل اصلی پیروزی متفقین در آن جنگ‌بود . درسال۱۹۱۹ میزان محصول نفت ایران به یك ملیون تن ودرسال۱۹۲۸ به پنج ملیون تن رسید . درسال ۱۹۳۲ امتیازدارسی‌لغوشدودر۱۹۳۳ قرارداد جدیدی‌بین دولت ایران وشرکت نفت انگلیس و ایران بامضا رسید . درسال ۱۹۳۸ محصول سالانهٔ نفت از جنوب ایران به ده ملیون تن افزایش یافت .

در جنگ دوم جهانی نیز متفقین با استفادهٔ از نفت ایران بساحل پیروزی رسیدند .

محصول نفت در جنوب ایران در سال ۱۹٤٦ به ۲۰ ملیون تن ترقی کرد و در سال ۱۹۵۱ که صنعت نفت در ایران ملی گردید محصول سالانه از منابع نفتی جنوب ایران درحدود ۳۲ ملیون تن بود که ۲٤ ملیون تن آن درتصفیه خانهٔ آبادان تبدیل به‌فراورده‌های‌نفتی میشد. بحث‌درشرایط واوضاع واحوالی که‌باعث ملی‌شدن صنعت نفت درایران شد از حوصلهٔ این مقاله خارج است ولی بی‌مناسبت نیست که دراینجا ازرئوس‌بعضی مسائل یادآوری کنیم تاتجربیات پنجاه‌سال گذشته ، راهنمائی برای تعیین خط مشی ونحوهٔ اقدام در آتیه باشد .

ترقی عظیم و مداوم صنعت نفت ایران قبل‌ازملی‌شدن نفت، در بهبود وضع اقتصادی کشورچندان مؤثرنبود زیرا دولت ایران سهم عادلانه‌ای ازعایدات سرشار نفت دریافت نمیداشت وکارگران وکارمندان نفت جنوب نیز از ثمرهٔ کار و زحمت طاقت فرسای خود باندازهٔ کافی برخوردار نمیشدند وازتبعیض نژادی و بدی مسکن

وشرایط کار و کمبود دستمزد رنج میبردند .

فی الواقع فروش اکثریت سهام شرکت نفت انگلیس و ایران بدولت انگلستان، تغییر ماهیت غیرقابل اغماضی دروضع ومنظور آن شرکت ایجاد کرده‌بود و دیگر کسی نمیدانست که صاحب امتیاز ، یك شرکت تجارتی است و یا یك دولت خودمختاروهمچنین معلوم نبود که منظوراصلی سهامدارعمدهٔ شرکت مزبور فروش نفت بحد اکثر قیمت ممکنه در بازارهای جهان است و یا خرید آن بحداقل بها برای تأمین احتیاجات خود .

البته برای دولت ایران که طبق امتیازنامهٔ دارسی فقط از ۱۶ درصد از سود پخش شدهٔ شرکت صاحب امتیاز بهره‌مند میشد رفع این ابهامات کمال لزوم را داشت .

مذاکره دراین‌باره ازسال ۱۹۲۰ شروع شد و چون به‌نتیجه نرسید سرانجام درسال۱۹۳۲ منجربالغای امتیازدارسی‌ازطرف دولت ایران گردید . دولت انگلستان دراثر این اقدام بجامعهٔ ملل شکایت کرد وطبق توصیهٔ آن جامعه مذاکرات فیمابین مجدداً آغاز شد ودرسال ۱۹۳۳ قرارداد جدیدی بامضا رسید که تاسال ۱۹۵۱ یعنی تاریخ ملی شدن صنایع نفت مورد عمل بود .

درمورد قرارداد ۱۹۳۳ بحث فراوان شده و مضار آن از نقطهٔ نظر ایران درمقالات و کتابهای متعددی تشریح گردیده و تکرار آن دراینجا لزومی ندارد . همینقدر باید گفت که مواد این قرارداد مطابق‌باموازین عدل وانصاف‌تدوین نشده‌بود ودرحین اجرای آن نیز صاحب امتیاز هیچگاه از تفسیر آن مواد بضرر ایران خودداری‌نکرد بطوریکه درفاصلهٔ کوتاهی عدم رضایت محسوسی درسراسر کشور نسبت‌بآن پدیدآمد وهمه‌ساله برعقده‌ها افزوده‌شد تاآنجا که هیچ‌چیز جزملی کردن صنایع نفت وخلع ید ازشرکت‌نفت انگلیس وایران ، نتوانست رضایت‌افکارعمومی ایران را فراهم کند .

درطی اینمدت ، درسایر جبهه‌های نفتی ایران نیز آرامشی وجود نداشت ، پیشنهادهای متعددی برای کسب‌امتیاز بدولت‌ایران واصل‌میشد و گرچه‌بعضی‌از آنها حتی‌بتصویب مجلس نیزرسید ولی هیچکدام صورت عملی بخودنگرفت . گاهگاهی

سیاست زور نیز همراه بابعضی ازاین پیشنهاد ها خودنمائی میکرد . ازاینقرارمسئلهٔ نفت چه درشمال وچه درجنوب دائماً باعث ناراحتی و عدم ثبات اوضاع کشورشده‌بود وکلیهٔ ایرانیان باین نتیجه رسیده بودند که اوضاع مغشوش کشور کم و بیش با مسئلهٔ نفت مربوط است . البته این اعتقاد عمومی بلاشك اغراق آمیز بود ولی موضوع مهم آنست که ملت ایران بآن ایمان داشت و برای تغییراوضاع قیام کرد . در سی‌ام مهر ماه ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی قانونی را بتصویب رسانید که بموجب آن ، موافقتنامهٔ راجع بامتیاز نفت شمال را لغو و دولت را از دادن هرنوع امتیاز جدیدی منع و مکلف نمود که برای حفظ منافع حقهٔ ایران در امتیاز نفت جنوب مذاکره کند و همچنین موجبات اکتشاف و استخراج نفت درسایر نقاط را رأساً فراهم آورد .

متعاقب تصویب این قانون ، دولت نسبت بایجاد شرکتی برای اکتشاف و استخراج نفت درسازمان‌برنامه اقدام‌نمود وهمچنین‌مذاکرات باشرکت نفت‌انگلیس و ایران را برای تحصیل منافع بیشتری شروع کرد . همانطور که گفته شد ازاین مذاکرات نتیجه‌ای حاصل نگردید یعنی موافقت هائی که شرکت با نظریات دولت میکرد همیشه کم و همیشه دیر بود و پافشاری او در حفظ موقعیت و مزایای خود به تهییج افکارعمومی چنان افزود که سرانجام منجر بملی کردن صنایع نفت درایران شد . «شرکت ملی نفت ایران» بموجب قانون برای‌ادارهٔ صنایع نفت جنوب تشکیل شد ومتصدیان آن شرکت توانستند دستگاه‌عظیم صنعت نفت را بالیاقت وشایستگی اداره کنند ولی سعی و تلاش دولت ایران برای صدور و فروش نفت موفقیت آمیز نبود . اکثرخارجی‌ها دربارهٔ استعداد وقدرت ایرانیان نسبت بادارهٔ صنعت نفت خود دراشتباه‌بودند ، دولت وقت نیز گرفتار این‌اشتباه شده‌بود که‌احتیاج خارجیها به‌نفت ایران بآن اندازه است که ناچاردرمقابل ما سرتسلیم فروخواهند آورد غافل‌ازاینکه آنهادرطی سی‌سال گذشته سرمایهٔ حاصله‌ازنفت ایران‌رادرجاهای دیگربکارانداخته و ذخیرهٔ کافی برای تأمین‌احتیاجات خود بدست آورده بودند ضمناً دولت انگلستان ازشکایات‌خود به سازمان ملل متحد ودیوان داوری لاهه طرفی نبست واین مراجع

عالی بنفع ایران رأی دادند.

مذاکرات ومشاجرات طرفین برای تصفیهٔ مطالبات و تعیین میزان غرامت، مدت سه سال و نیم بطول انجامید وطی این مدت پیشنهادهای متعددی ازطرف مقامات بین‌المللی برای حل مسئلهٔ نفت بدولت ایران واصل شد که هیچکدام مورد قبول قرار نگرفت تا بالاخره پس از مذاکرات طولانی، در ۷ آبانماه ۱۳۳۳ قرارداد فروش نفت با یك کنسرسیوم بین‌المللی منعقد گردید.

طبق این قرارداد شرکتهای عمدهٔ بین‌المللی نفت متعهد شده‌اند که نفت خام و مواد نفتی حاصلهٔ از منابع حوزهٔ قرارداد را طبق شرایط معینی خریداری نمایند و برای انجام‌دادن عملیات‌صنعتی‌در آن‌حوزه،دوشرکت‌یکی‌برای اکتشاف واستخراج و دیگری برای تصفیه بوجود آورند که بعاملیت ازطرف شرکت ملی نفت ایران و با حفظ حق مالکیت آن شرکت، ادارهٔ تأسیسات صنعتی نفت جنوب را بعهده گیرند. درهیئت مدیرهٔ این شرکتهای عامل، دو نفرمدیرازطرف شرکت ملی نفت ایران انتخاب شده ودرعملیات شرکتهای مزبور نظارت‌دائمی ومؤثردارند وازطرفی شرکت ملی نفت ایران رأساً مسئولیت ادارهٔ کلیهٔ امور غیرصنعتی را بعهده گرفته ومستقیماً آن امور را بتوسط کارمندان خود اداره مینماید.

این قرارداد که اصل ملی شدن نفت را محترم شمرده و نظریات اساسی دولت ایران را با اوضاع و احوال روز تطبیق میداد و بازار مسلم و مطمئن انحصارهای بین‌المللی را دراختیار ایران میگذاشت، دفتر جدیدی دروضع صنعت نفت کشور ما باز کرد.

شرکت ملی نفت ایران درعین‌حال، عهده‌دار ادارهٔ میدان نفتشاه و تصفیه خانهٔ کرمانشاه و همچنین پخش مواد درداخلهٔ کشور میباشد و در اجرای مسئولیت‌های خود دراین زمینه برنامهٔ مفصلی را بمورد اجرا گذاشته است.

ایجادخط لولهٔ‌موادنفتی‌از آبادان‌بتهران وادامهٔ آن‌تارشت‌واصفهان که‌یکی‌از بزرگترین طرحهای فنی است، نمونهٔ بارزی ازاین فعالیت میباشد.

توسعهٔ میدان نفتشاه و تصفیه خانهٔ کرمانشاه نیز اکنون دردست اقدام است.

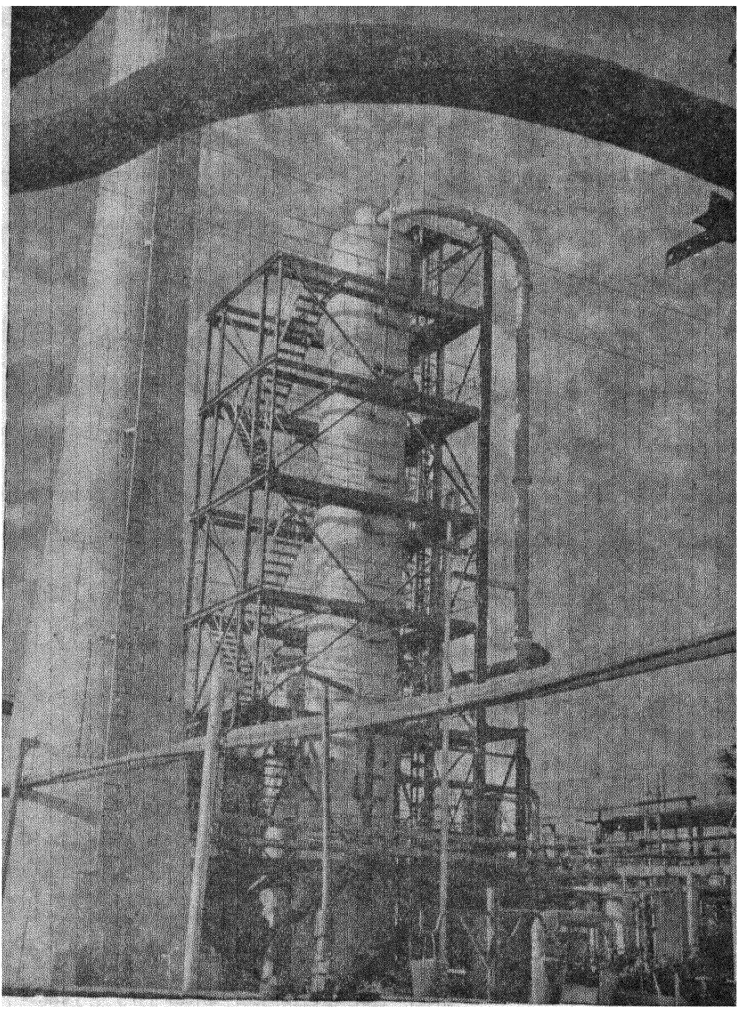

برج تقطیر پالایشگاه نفت شاه

بموازات این اقدامات ، برنامهٔ اکتشافی مفصلی نیز بمورد عمل گذاشته شده و برای جستجوی نفت بمیزان تجارتی درخارج از حوزهٔ قرارداد با کنسرسیوم ، گروههای متعدد زمین شناسی وژئوفیزیکی وحفاری شرکت سهامی نفت ایران ، ازسال ۱۳۲۸

در سایر حوزه‌های رسوبی ایران مشغول کار بوده و نتایج امیدبخشی بدست آورده بودند. درسال ۱۳۳۳ پس‌ازانعقاد قرارداد نفت با کنسرسیوم، سهام شرکت سهامی نفت ایران‌نیز بموجب قانون مجلس شورای ملی به شرکت ملی نفت ایران منتقل‌شد وشرکت مزبور بصورت یك شرکت تابعهٔ شرکت ملی‌نفت ایران درآمد وتحت عملیات آن شرکت به‌برنامه‌های تفحصی خود با سرعت ووسیلهٔ بیشتری ادامه داد.

بالاخره درسال۱۳۳۵ ازاین سعی وتلاش مداوم، نتیجهٔ بسیاردرخشانی بدست آمد وفوران چاه شمارهٔ ۵ البرزدرنزدیکی قم که میزان تولیدآن متجاوزازیکصد هزار بشکه در روز بود، آتیهٔ درخشانی را برای تولید و استخراج نفت از قسمت مرکزی ایران نوید داد. این انتظارات درطی سه سال اخیربا کشف میدان سراجه تأیید شده است و هم‌اکنون تعدادکافی دستگاه حفاری و گروههای اکتشافی برای تعیین ذخایرنفتی دراین ناحیه مشغول کارمیباشند.

کشف‌نفت‌بدست وسرمایهٔ ایرانی آنهم‌درمنطقه‌ای که‌عدهٔ زیادی‌ازمتخصصین شرکتهای‌بزرگ‌نفتی بآن امیدی نداشتند بطور روشنی کاردانی سازمان شرکت ملی نفت را درحساسترین قسمت صنعت نفت یعنی مرحلهٔ پیداکردن وبسط وتوسعهٔ میدانهای‌جدید باثبات رسانید وزمینهٔ کاملی‌رابرای‌اجرای سیاست‌کلی دولت درمورد بسط و توسعهٔ منابع جدید نفتی پایه ریزی نمود.

هدف‌کلی این سیاست آنست که میزان تولید نفت ازایران بآن اندازه ترقی کندکه سهم ما از بازار نفت جهانی متناسب با ذخایرموجود در کشورشود وعملیات کشف وتوسعه و بهره‌برداری ازاین منابع با جلب سرمایهٔ خارجی ولی همیشه تحت نظر شرکت ملی نفت ایران و با دخالت مؤثر آن شرکت بسرعتی انجام گیرد که چنین منظوری رادرحداقل مدت‌ممکنه‌تأمین نماید.

شواهد موجود بر آن دلالت دارد که احتمالاً ۱۵ درصد از ذخایر نفتی دنیارا درداخل سرحدات ایران میتوان یافت و چنانچه مصرف نفتی جهان آزاد را درسال ۱۹۷۵ به‌سالانه ۱۲۵۰ ملیون تن برآورد کنیم به این نتیجه میرسیم که ترقی میزان تولید نفت در کشور ما باید بآن اندازه باشدکه در۱۶سال آتیه برقم ۲۰۰ ملیون تن

درسال برسد ، همچنین تجربه نشان داده‌است که برای کشف واستخراج و بهره برداری هرتن نفت خام باید لااقل ۱۰ دلار سرمایه گذاری کرد و ازاینقرارمیزان وجه لازم برای تولید ۲۰۰ ملیون تن نفت در حدود ۲۰۰۰ ملیون دلار خواهد شد که باید دراین کشور درطی مدت ۱۶ سال آتیه صرف اکتشاف و استخراج و توسعهٔ منابع جدید نفتی گردد . واضح و بدیهی است که تأمین چنین مبلغی محتاج بجلب سرمایهٔ خارجی است و بهمین جهت پیش‌بینی‌های لازم درقانون نفت مصوب تیر ماه ۱۳۳۷ منظور گردیده است .

این قانون بشرکت ملی نفت ایران فرصت میدهد که بخشهای مختلف نفتی کشوررا آزاد اعلام‌نموده وبسرمایهٔ خارجی‌اجازه دهد که بامشارکت ویابالاستقلال بجستجوی نفت و استخراج درحوزه‌های رسوبی‌اقدام‌نمایند . جای بسی خوشوقتی‌است که در سه موردی که تاکنون قرارداد منعقد گردیده ، شرکتهای نفت خارجی ازاصل مشارکت استقبال نموده وبدین‌ترتیب اعتماد خودرا بهمکاری با شرکت ملی نفت ایران ابراز داشته‌اند . این سه قرارداد که با شرکت اجیپ می‌نراریا وشرکت پان‌آمریکن پترولیوم وشرکت سافیر بامضا رسیده ، مقدمهٔ قراردادهای دیگری‌است که با آزادشدن سایر بخشهای نفتی از نقاط مختلف ایران براساس مزایده با بهترین پیشنهاد دهنده منعقد خواهد شد ، باید دانست که انجام دادن چنین برنامهٔ وسیعی بدون تهیهٔ کارمند وکارگر ومتخصص امکان‌پذیر نخواهد بود و برای تأمین این احتیاج ، از هم‌اکنون برنامهٔ وسیعی برای کارآموزی و تربیت افراد مورد نیاز شروع شده وبا جدیت تعقیب میشود تا حتی‌المقدور بسط وتوسعهٔ صنعت نفت ایران بدست کارمندان وکارگران ایرانی صورت گیرد . تردیدی‌نیست که سهم عمدهٔ تلاش و کوشش لازم برای انجام‌دادن هدفهای عالی ما برعهدهٔ کارمندان جوان صنعت نفت ایران و دانش‌آموزان و دانشجویانی است که درحال حاضر در مدارس متوسطه وعالی مشغول تحصیل هستند . یك برنامهٔ صحیح کارآموزی کارمندان و دانشجویان و کارگران ، مطمئنترین ضامن موفقیت در اجرای نقشه‌های وسیع آتیه است . دراین زمینه باید با دقت و تفاهم کامل اقدام کرد و وسایل تشویق و ترغیب افراد

با استعداد را فراهم نمود تا بالمآل دراثر کاردانی وفعالیت آنها صنعت نفت درایران جنبهٔ ملی خودرا کماکان حفظ کرده ودرعین حال مقام واقعی خودرادرصحنهٔ تجارت بین‌المللی نفت بدست آورد.

ملت ایران درسالهای بعدازجنگ دوم جهانی با بحرانهای سیاسی واقتصادی ناشی از نفت که حاکمیت و استقلال کشور را بمخاطره انداخته بود دست بگریبان شده‌ولی‌درسایهٔ راهنمائی‌مدبرانه‌واراده‌ٔ آهنین‌شاهنشاه عظیم‌الشأن خود برمشکلات فائق آمده و توانسته است در پیشرفت مقصود خود قدمهای بزرگی بردارد و اینك که تحت توجهات ذات اقدس ملوکانه محیط آرام و آماده‌ای برای فعالیت در کشور بوجودآمده ، بلاشك خواهد توانست باسرعت بیشتری بآرمانها و آرزوهای ملی خود برسد.

بانك ملی ایران

پیدایش فکر تأسیس بانك ملی ایران

فکر تشکیل بانك با اسلوب جدید در ایران با فکر تشکیل بانك دولتی توأماً ظاهر شده است. درسال ۱۲۵۸ شمسی یعنی ده سال قبل از تشکیل بانك شاهنشاهی پیشنهادی ازطرف حاج محمدحسن امین‌دارالضرب یکی ازصرافان بزرگ وروشن‌فکر تقدیم ناصرالدین‌شاه شد. دراین پیشنهاد پس ازاشاره به تأثیر بانك درپیشرفت صنعتی کشورهای اروپا و ذکر اینکه رواج صنعت و احداث راه آهن و خطوط تلگراف در ایران بدون ایجاد یك بانك بزرگ میسر نیست، تأکیدشده است که چنین مؤسسه‌ای بایدبا اشتراك واتفاق دولت وملت بوجود آید.

متأسفانه این طرح و پیشنهاد که درصورت اجرا شاید مجالی برای بیگانگان در این زمینه باقی نمیگذارد جامهٔ عمل نپوشید و بانك شاهنشاهی ایران درسال ۱۲۶۷ (۱۸۸۹ میلادی) بموجب امتیازی که ازطرف ناصرالدین‌شاه ببارون جولیوس دورویتر مؤسس خبرگزاری رویتر اعطا گردید بوجود آمد.

طبق این امتیازنامه که درتهران باحضور وزیر مختار دولت انگلستان بامضا رسیداجازهٔ انحصاری تأسیس بانك شاهنشاهی ایران بمدت شصت‌سال اعطا وموافقت شد که صاحب امتیاز علاوه برکارهای مربوط بصرافی، بکارهای صنعتی و تجاری نیز بپردازد و علاوه برامتیازات مزبور، حق انحصاری نشر اسکناس نیز به رویتر اعطا شد.

پس ازاستقرار مشروطیت، هنگامی که دولت ازمجلس شورای ملی اجازهٔ استقراض خارجی خواست، احساسات ملی که از وامهای گذشته و رفتار بانکهای بیگانه جریحه دار بود، بهیجان آمد و نمایندگان ملت بمنظور قطع نفوذ سیاسی و اقتصادی بانکهای خارجی و ترمیم وضع مالی خزانه، در تاریخ پنجم آذرماه ۱۲۸۵ ضمن

مخالفت با استقراض خارجی، تأسیس یك بانك ملی را خواستار شدند. پس از آنکه جمعی از بازرگانان و صرافان تعهد مشارکت کردند و اجازهٔ تشکیل بانك صادر شد، اعلان آن در تاریخ نهم آذرماه ۱۲۸۵ منتشر گردید.

پس از صدور این فرمان، امید بفراهم آمدن سرمایهٔ لازم و خاصه باز گشت سرمایهٔ ایرانیان مقیم خارج کشور افزایش یافت لیکن مشکلاتی که برای مجاهدین این راه بوجود آمد ومخصوصاً تغییر ناگهانی وضع سیاسی و انعقاد قرارداد ٦شهریور ۱۲۸٦ (۳۱اوت ۱۹۰۷) بین دولتین روسیه و انگلیس دایر بتقسیم ایران بمناطق نفوذ، تمام کوششها و تلاشها را نقش بر آب کرد و امیدها را بیأس مبدل ساخت. بانك ملی ایران بوجود نیامد و تحقق این آرزوی بزرگ ملت ایران سالها بتعویق افتاد.

پس از استقرار نظم و آرامش در کشور و بهبود نسبی وضع خزانهٔ مملکت، با اینکه تجربه‌های تلخ گذشته یأس و نا امیدی را بردلها چیره کرده بود، ملت ایران بمنظور تحکیم مبانی استقلال سیاسی و نجات دادن اقتصاد کشور از نفوذ بیگانگان بار دیگر در مقام اجرای فکر دیرین خود دایر بتأسیس بانك ملی بر آمد وچون در آن ایام یکی از فرزندان نیرومند وطن با اراده‌ای آهنین زمام امور کشور را در دست داشت این بار با وجود مشکلات فراوان وموانع گوناگون، راه وصول بمقصود هموار شد واین آرزوی بزرگ تحقق یافت.

در دومین سال سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر و باتوجه خاص ایشان، هیئت دولت پس از مطالعات لازم لایحهٔ قانون اجازهٔ تأسیس بانك ملی ایران را تقدیم مجلس شورای ملی کرد ولایحهٔ مزبور پس از بررسی و بحث نمایندگان، در جلسهٔ مورخ ۱٤ اردیبهشت ۱۳۰٦ (دورهٔ ششم قانونگزاری) بتصویب نهائی رسید و توشیح همایونی در تاریخ ۲۱ اردیبهشت، بآن ارزش قانونی بخشید و در تاریخ ۲۸ مردادماه ۱۳۰۷ اعلان تشکیل رسمی بانك از طرف وزیر مالیه و رئیس بانك صادر ومنتشر شد و برای اینکه مؤسسهٔ مزبور مشمول مقررات قانون تجارت گردد، تشکیل آنرا بصورت شرکت سهامی مقرر داشتند. لذا بانك بموجب قانون، بنگاهی بصورت شرکت سهامی ودارای شخصیت حقوقی شناخته شد.



قسمتی از ساختمان ادارهٔ مرکزی بانک ملی ایران

بانک ملی ایران از اسفندماه ۱۳۱۰ بموجب قانون، حق انحصاری نشر اسکناس را دریافت کرد و راهنمای سیاست پولی کشور شد.

در ابتدا سرمایهٔ بانک ملی ایران که پرداخت تمام آن از طرف دولت تعهد شده بود، به سی هزار سهم ده هزار ریالی تقسیم گردید لیکن امروز سرمایهٔ بانک ملی ایران ۲ ملیارد ریال است که کلیهٔ آن پرداخت شده است.

در تاریخ هشتم تیرماه ۱۳۳۲ ضمن لایحهٔ قانونی راجع ببانکداری که در تاریخ پنجم تیرماه ۱۳۳٤ بتصویب کمیسیون مشترك مجلسین رسید ، هیئتی برای نظارت بر بانکها مرکب از دادستان کل کشور، معاون وزارت دارائی ، مدیر کل بانك ملی ایران، رئیس اطاق بازرگانی و نمایندهٔ بانکهای خصوصی تعیین شد و بموجب این قانون بانکها مکلف شدند اطلاعات لازم را در دسترس هیئت نظارت قرار دهند و هر ششماه یکبار خلاصهٔ حسابهای خود را منتشر کرده و نسخه‌ای بهیئت مزبور و نسخهٔ دیگر ببانك ملی ایران ارسال دارند .

علاوه براین ، بموجب قانون راجع بواگذاری معاملات ارزی ببانك ملی ایران مصوب اسفندماه ۱۳۳٦ ، ببانك ملی حق نظارت بسایر بانکها و بازرسی دفاتر و اسناد آنها از نظر اجرای مقررات ارزی اعطا شد و بانکهای مجاز مکلف گردیدند بدستورهای ارزی بانك ملی ایران عمل کنند.

بموجب قانون اجازهٔ مشارکت دولت ایران در مقررات کنفرانس برتن وودز مصوب ٦ دیماه ۱۳۲٤ ، ببانك ملی ایران اجازه داده شد تا بابت سهمیهٔ دولت در صندوق بین المللی پول ، ۲۵ ملیون دلار و بابت سرمایهٔ بانك بین المللی توسعه و عمران، مبلغ ۲٤ ملیون دلار پرداخت و یا تعهد کند .

در سنوات اخیر که لزوم استفاده از سرمایه‌های خارجی بیش از پیش محسوس شد، اقداماتی در بانك ملی ایران صورت گرفت که منتهی بوضع مقررات خاصی گردید و بموجب اختیاراتی که از طرف مجلسین ببانك ملی ایران داده شد ، بانك ملی ایران ناظر جریان کارهای مربوط بجلب و حمایت سرمایه‌های خارجی گردید .

صورت بانکهای موجود در کشور

نام	نوع بانك	تاریخ افتتاح	شروع معاملات ارزی
بانك سپه	دولتی	اردیبهشت ۱۳۰٤	اول خرداد ۱۳۳۵
بانك ملی ایران	دولتی	۱۷ شهریور ۱۳۰۷	از بدو افتتاح
بانك روس و ایران	خارجی	-	اول دی ۳۸

بانک کشاورزی ایران	دولتی	۲۵ تیر ۱۳۱۲	٤ دی ۳۷
بانک رهنی ایران	دولتی	آغاز سال ۱۳۱۸	انجام نمیدهد
بانک بازرگانی ایران	خصوصی	٦ اسفند ۱۳۲۸	٦ فروردین ۳۵
بانک صادرات و معادن ایران	خصوصی	۲۲ آبان ۳۱	٤ اسفند ۳٦
بانک عمران و تعاون روستائی	خصوصی	۲٦ شهریور ۳۱	انجام نمیدهد
بانک تهران	مختلط	۲ خرداد ۳۲	۳۰ آذر ۳۷
بانک بیمهٔ بازرگانان	خصوصی	-	۸ مهر ۳۷
بانک ساختمانی	دولتی	-	انجام نمیدهد
بانک پارس	خصوصی	۲۰ تیر ۱۳۳۵	تیر ۱۳۳۵
بانک توسعهٔ صادرات	دولتی	۹ خرداد ۱۳۳۲	از بدو افتتاح
بانک اعتبارات صنعتی	دولتی	-	انجام نمیدهد
بانک اصناف	خصوصی	فروردین ۱۳۳۷	بهمن ۱۳۳۷
بانک اعتبارات ایران	مختلط	اول تیر ۱۳۳۷	از بدو افتتاح
بانک کار	خصوصی	۲۰ خرداد ۱۳۳۷	-
بانک بیمهٔ ایران	دولتی	خرداد ۱۳۳۷	از سال ۱۳۳۸
بانک ایران و انگلیس	مختلط	۲۱ اسفند ۳۷	از بدو افتتاح
بانک تجارتی ایران و هلند	مختلط	۲۲ فروردین ۳۸	از بدو افتتاح
بانک ایران و غرب	خصوصی	۱٦ مرداد ۳۸	۲۸ شهریور ۳۸
بانک ایران و خاور میانه	مختلط	۱۵ اردیبهشت ۳۸	از بدو افتتاح
بانک تجارت خارجی ایران (بجای بانک توسعهٔ صادرات)	مختلط	-	-
بانک بین المللی ایران و ژاپون	مختلط	۱۰ مهر ۳۸	از بدو افتتاح
بانک توسعهٔ صنعتی و معدنی ایران	مختلط	۲۱ مهر ۳۸	از بدو افتتاح
بانک اقتصادی ایران	خصوصی	-	از بدو افتتاح
بانک ایرانیان	خصوصی	-	-

انجمن آثار ملی

برای چاره‌جوئی جهت حفظ آثار ملی و تعمیر و صیانت ابنیهٔ تاریخی ایران، در سال ۱۳۰٤ شمسی جمعی از رجال و دانشمندان دلسوز به این آثار، گردهم آمدند و انجمن آثار ملی را تشکیل دادند و با نبودن وسایل کار و سازمان مسئول، آنچه توانستند در پاسداری و احترام آثار ملی ایران تلاش بخرج دادند و اعلیحضرت شاهنشاه فقید رضا شاه کبیر پیش از نیل بمقام سلطنت ریاست آنرا برعهده داشتند و خدماتی که انجمن مزبور انجام داد در مرحلهٔ اول ایراد سخنرانیهای جامع و مفید از طرف دانشمندان و محققین عالیقدری بود که در آشنا ساختن ذهن مردم و توجه مقامات مختلف به اهمیت آثار تاریخی گرانمایهٔ مملکت بسیار مؤثر بود و در دنبالهٔ این خدمت نخستین گام مهم و بلندی که در راه تجلیل مفاخر ملی ایران برداشته شد برگزاری جشن هزارمین سال تولد سرایندهٔ بزرگ ایران حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی و ساختمان آرامگاه آن شاعر عالی مرتبت بود. در تاریخ بیستم مهر ۱۳۱۳ شمسی مراسم افتتاح آرامگاه مزبور در پیشگاه اعلیحضرت فقید و با حضور اعضای هیئت مؤسسین انجمن آثار ملی و بسیاری از دانشمندان و شخصیتهای محترم دیگر ایران و خاورشناسان و محققین خارجی انجام گرفت و پس از این توفیق بزرگ چون وزارت فرهنگ با تأسیس ادارهٔ عتیقات که اکنون بصورت سازمان ادارهٔ کل باستانشناسی در آمده است نسبت به تعمیر و صیانت ابنیهٔ تاریخی اهتمام مینمود و انجمن آثار ملی هم ممر در آمد و اعتبار بخصوصی نداشت بتدریج انجمن مزبور بحال تعطیل در آمد و بهمان حال باقی بود تا اینکه بفرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاه در ۱۲ آذرماه ۱۳۳۳ مجدداً تشکیل شد و از آنوقت تاکنون موفق به اقدامات مشروحهٔ زیر گردیده است :

۱- بنای آرامگاه سعدی ومجسمهٔ اودرشیراز
۲- « « شیخ‌الرئیس ابن‌سینا ومجسمهٔ او درهمدان
۳- « « نادرشاه ومجسمهٔ او درمشهد .
٤- « یادبود خیام .
٥- تکمیل آرامگاه عطار .
٦- احداث یک خیابان مشجر بطول یک کیلو متر و نیم با چاه عمیق بین آرامگاه خیام وعطار .
۷-ساختمان مقبرهٔ مرحوم کمال‌الملک.
۸- کمک به‌تعمیر بنای‌خورشید در کلات‌نادری. (این‌بنا رانادرشاه‌افشار برای حفظ گنجینهٔ دولتی‌ساخته‌است .)
۹- تعمیر آرامگاه شیخ روزبهان در شیراز.
۱۰ - تعمیر برج لاجیم در جنگلهای سوادکوه مازندران که مقبرهٔ‌اسپهبد شهریار باوندی در آن‌واقع‌ودارای کتیبه‌های تاریخی‌بخط پهلوی‌و کوفی‌ازقرن‌پنجم هجری میباشد .
۱۱- کمک‌بتعمیر گنبد سلطانیه .
۱۲- اصلاحات لازم در آرامگاه حافظ وخواجو .
و نیز کتب وانتشاراتی دربارهٔ شیخ الرئیس ابن‌سینا و خیام وعطار و نادرشاه افشار ازطرف‌انجمن طبع‌ومنتشرشده است .

دانشگاههای شهرستانها

دانشگاه تبریز

این دانشگاه مرکب است از دانشکده‌های زیر :

نام دانشکده	سال تأسیس	عدهٔ دانشجویان دختر	عدهٔ دانشجویان پسر	عدهٔ فارغ‌التحصیل تا این تاریخ
پزشکی	۱۳۲۶	۱۷	۴۳۹	۳۷۶
ادبیات	۱۳۲۶	۹۷	۴۵۷	۷۳۱
مامائی	۱۳۲۷	۴۹	-	۱۷۳
داروسازی	۱۳۲۸	۱۳	۹۸	۱۵۲
کشاورزی	۱۳۳۴	۲	۱۵۲	۵۹
فنی	۱۳۳۶	-	۵۵	هنوز ندارد

دانشگاه اهواز

این دانشگاه مرکب است از دانشکده‌های زیر :

نام دانشکده	سال تأسیس	عدهٔ دانشجویان دختر	عدهٔ دانشجویان پسر	عدهٔ فارغ‌التحصیل تا این تاریخ
کشاورزی	۱۳۳۴	۵	۳۷	۶۱
پزشکی	۱۳۳۵	۱۱	۱۲۶	هنوز ندارد

دانشگاه شیراز

این دانشگاه مرکب است از دانشکده‌های زیر :

نام‌دانشکده	سال تأسیس	عدهٔ دانشجویان دختر	عدهٔ‌دانشجویان پسر	عدهٔ فارغ التحصیل تااین‌تاریخ
پزشکی	۱۳۲۸	۱۵	۱۹۰	۱۲۹
کشاورزی	۱۳۳٤	٤	۸٦	۲۹
ادبیات	۱۳۳٤	۱۹۲	۳۷۰	۱۰۷

دانشگاه مشهد

این دانشگاه مرکب است از دانشکده‌های زیر :

نام‌دانشکده	سال‌تأسیس	عدهٔ‌دانشجویان دختر	عدهٔ‌دانشجویان پسر	عدهٔ‌فارغ‌التحصیل تا این‌تاریخ
پزشکی	۱۳۲۸	۱۲	۲۳۸	۱۲۹
ادبیات	۱۳۳٤	۸٤	۲۰۹	٤٥
معقول‌ومنقول	۱۳۳۸	-	۳٥	هنوز ندارد

دانشگاه اصفهان

این دانشگاه مرکب است از دانشکده‌های زیر :

نام دانشکده	سال‌تأسیس	عدهٔ‌دانشجویان دختر	عدهٔ‌دانشجویان پسر	عدهٔ‌فارغ‌التحصیل تااین‌تاریخ
پزشکی	۱۳۲۹	۸	۲۷۳	۱۲٦
ادبیات	۱۳۳٤	٤۳	۲۷۰	هنوز ندارد
داروسازی	۱۳۳٥	-	۸۳	» »

برنامه هفت سالهٔ دوم درایران

هنگامی که جنگ جهانی دوم شیرازهٔ امور اقتصادی ما را از هم گسست و فعالیتهای اقتصادی وسیعی که بنیروی تدبیر رضا شاه کبیر آغاز گردیده بود متوقف ماند، لزوم اجرای یك برنامهٔ هفت سالهٔ عمرانی درایران احساس گردید. نخستین برنامهٔ هفت‌سالهٔ مابعلت تعطیل‌صنعت نفت وقطع درآمد آن موفقیتی حاصل نکرد. بهمین‌جهت در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۳٤ قانون برنامهٔ هفت‌سالهٔ دوم بتصویب مجلسین و توشیح شاهنشاه رسید وسازمان برنامه‌با اختیارات بیشتری کارخود را درچهاررشتهٔ پیش‌بینی شده آغاز کرد.

۱ ـ کشاورزی و آبیاری

برای اجرای طرحهای کشاورزی و آبیاری ۲٦ درصد از کل اعتبارات یعنی جمعاً مبلغ ۱۸،۲۱۸ ملیون ریال اختصاص یافته و در این زمینه کارهای زیر انجام گرفته است:

درزمینهٔ دفع آفات، بموازات مبارزه علیه آفات نباتی، تولید سموم لازم در داخل کشور، تجهیز بنگاه شیمیائی وزارت کشاورزی، خرید دودستگاه آسیا ویك باسکول ۳۰تنی، خریدیك‌دستگاه مخصوص شستشوی خاك‌چینی، احداث یك‌انبار برای‌نگهداری سموم ویك‌دستگاه کورهٔ گل‌گوگرد ازاقدامات گفتنی‌است.

در زمینهٔ دامپروری، تجهیز مؤسسهٔ سرم سازی رازی واحداث کارخانهٔ شیر پاستوریزهٔ بظرفیت ٦۰هزارلیتر شیر در روز که تامیزان ۸۰هزارلیتر قابل افزایش‌است و تأثیر مهمی در بهداشت مردم خواهد داشت.

درزمینهٔزراعت، بمنظورماشینی کردن کشاورزی درایران وبالابردن سطح تولید، ازطریق‌بنگاه ماشین‌آلات کشاورزی ماشینهای کشاورزی خریداری‌میشود وباقساط طویل‌المدت بکشاورزان فروخته میشود. برنامه‌های آموزش کشاورزی وایجاد جنگلهای مصنوعی وعمران دهات،خدمات دیگری دراین مورداست.

قدمهائی که در زمینهٔ آبیاری و سد سازی بر داشته شده ، از درخشانترین کوششهای سالیان اخیر است . در این باره ، احداث سد انحرافی بمپور در ایرانشهر، ایجاد دو سد انحرافی زهك و میانکنکی در سیستان ، ساختمان سد مخزنی گلپایگان ، احداث کانال و شبکهٔ آبیاری در دشت مغان کارهائی است که اینك مورد استفادهٔ مردم میهن ماست .

از آن گذشته ، ساختمان سد های سفید رود ، کرج ، زرینه‌رود ، درودزن ، زاینده‌رود ، قم و کتوند در دست اقدام است .

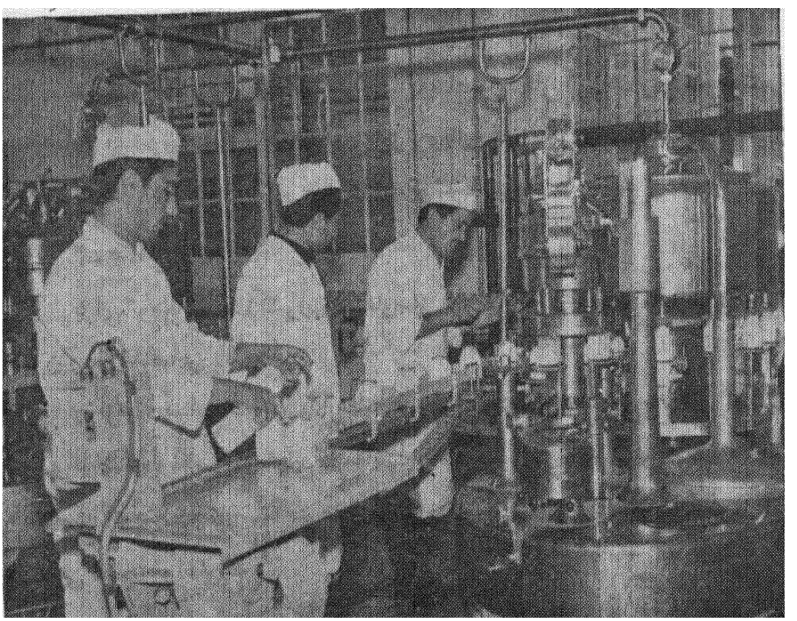

قسمتی از کارخانهٔ شیرپاستوریزهٔ تهران

برنامه‌هائی که برای آبادانی خوزستان آغاز گردیده از آن جمله ایجاد سد عظیم دز، تأسیس کارخانهٔ پلاستیك سازی در اهواز ، ایجاد کارخانه و تصفیه‌خانهٔ قنداز نیشکر ، ایجاد کارخانهٔ کودشیمیائی و طرح آبیاری و استفاده از اراضی کرخه ، بزودی خوزستان را بهشت ایران خواهد کرد .

۲ـ ارتباطات ومخابرات

این مسئله مؤثرترین عامل در بهبود وضع اقتصادی واجتماعی شناخته شده و بهمین‌جهت ثلث‌اعتبارات یعنی ۲۲،۸۲۱ ملیون ریال ازمجموع ۷۰،۰۰۰ ملیون ریال اعتبارات سازمان برنامه‌بدان تخصیص‌یافته‌است .

در این زمینه دو قرارداد برای ششصد کیلومتر از راه سرتاسری پهلوی ـ خرمشهر انعقاد یافته و قرارداد مربوط به ششصد کیلومتر دیگر آن بزودی امضا میشود . راه آهن شاهرود ـ مشهدومیانه ـ تبریزساخته شده ، دوفرودگاه بین‌المللی تهران و آبادان تجهیز گردیده ، چهار فرودگاه اصلی دیگر در اصفهان وشیراز و کرمانشاه ویزد وپانزده فرودگاه کوچك دیگر نیز ساخته میشود .

عملیات ساختمانی‌دردو بندر خرمشهر وشاهپور آغاز گردیده ودر بندر بوشهر، بندرعباس ، بندرچاه بهار و بندرپهلوی نیز بزودی آغازمیگردد. و نیز برای ساختمان ادارات پست‌وتلگراف دراکثر شهرها اقدام شده‌است .

۳ـ صنایع ومعادن

برای توسعهٔ صنعت کشور واستفاده از ثروتهای زیر زمینی بالغ بر۱۰،۵٦۰ ملیون ریال اختصاص یافته است .

در زمینهٔ صنایع نساجی ،کارخانه‌های نساجی تهران و شاهی وبهشهر تکمیل شده وساختمان ونصب ماشینهای کارگاههای‌بافندگی دستی‌اصفهان و کوهپایه خاتمه یافته‌است. همچنین‌دو کارخانهٔ سی‌هزاردوکی‌در تهران‌وشاهی‌ویك کارخانهٔ گونی‌بافی درشاهی نصب خواهد شد .

درزمینهٔ صنایع‌قند، سه‌کارخانه‌درفسا و بردسیر کرمان وچناران ایجاد گردیده و ظرفیت کارخانهٔ قند مرودشت به هزار تن افزایش یافته و برای رفع نقائص کارخانه‌های‌تربت‌حیدریه و رضائیه‌وورامین اقدام‌شده‌است و بزودی کارخانهٔ سی‌هزار تنی قند نیشکر خوزستان احداث خواهد شد و کارخانهٔ آبکوه و چناران توسعه خواهد یافت .

در زمینهٔ صنایع سیمان ، کارخانهٔ سیصد تنی ری شروع بکار کرده و بزودی

کارخانهٔ منجیل بظرفیت ۳۰۰ تن در ۲۴ ساعت و کارخانهٔ دورود بظرفیت ۶۰۰ تن شروع بکار میکنند.

در زمینهٔ معادن اکتشافات و تحقیقات گرانبهائی انجام یافته از آن جمله در تفرش و آشتیان سرب و آهن، در محلات طلا، در تکاب و بافت و اراك سرب کشف گردیده است و درمیمهٔ اصفهان و اردستان و اردکان یزد و انارك عملیات اکتشافی ادامه دارد.

درزمینهٔ موادغذائی، کارخانه‌های کنسرو درمشهد و آذرشهر واصفهان نصب گردیده وساختمان کارخانه‌های کنسرو شاهی و ماهی بندرعباس و کارخانهٔ ضدعفونی وبسته‌بندی خرمای خرمشهر ادامه دارد.

درزمینهٔ صنایع شیمیائی، بموازات ایجاد کارخانهٔ شیرپاستوریزه، برای احداث کارخانهٔ بطری‌سازی خودکار اقدام گردیده و نیز کارخانهٔ کاغذ سازی بزودی ایجاد خواهد شد.

درزمینهٔ صنعت ذوب آهن، مقدمات تأسیس یك کارخانه بظرفیت ۱۱۰ هزار تن فراهم گردیده است.

برای کمك بصاحبان صنایع خصوصی، بانك اعتبارات صنعتی تأسیس گردیده که تاکنون ۵۵ فقره وام بمبلغ ۶۹۳،۳۲۵،۰۰۰ ریال پرداخت کرده است.

۴ـ امور اجتماعی

قانون برنامهٔ هفت سالهٔ دوم اصلاح امور بهداشت عمومی و بالا بردن سطح فرهنگ وزندگی افراد و بهبود وضع معیشت عمومی را از نظردور نداشته‌است.

درزمینهٔ بهداشت برای پیشگیری از بیماریها، ادارهٔ کل بهداشت وزارت بهداری را تقویت کرده و ۱۸۹،۹ ملیون ریال بسازمانهای بهداشتی کمك کرده است. و نیز ساختمان بیمارستانهای شاه آباد غرب، نیریز و کازرون، سنبدستان اصفهان، تجریش وقرنطینهٔ قصرشیرین ودرمانگاههای کازرین وزنجان راتمام کرده ونیز ۲۱ ساختمان بهداشتی را دردست اقدام دارد.

درزمینهٔ فرهنگ، تکمیل ساختمانهای دانشگاه تهران، ساختمان ۳۹۹ دبستان

و دبیرستان، ۲۹ کارگاه حرفه ای ، مرکز آموزش حرفه ای شهرصنعتی کرج ، از فعالیتهای گفتنی‌است . علاوه براین ، تجهیزات مدارس صنعتی و حرفه ای وروستائی و اعزام ۱۱۱ تن دانشجویان رتبه اول بخارجه و چاپ کردن ۶۵۰ هزار جلد کتاب مبارزه بابیسوادی ازفعالیتهای مهم فرهنگی است .

عملیات شهرسازی ، ازمؤثرترین اقدامات‌سازمان در بهبود وضع‌اجتماعی‌مردم میهن‌مابوده‌است . بموجب‌قانون، هریك ازشهرها که‌نیمی‌از بودجهٔ شهرسازی‌را تأمین نمایند نیم دیگر بوسیلهٔ سازمان برنامه پرداخت میشود . در این مورد آسفالت ۱۲ شهرستان (تهران - بیرجند - رضائیه - زاهدان - مشهد - اصفهان - یوسف آباد - بجنورد - سمنان - ساری - قوچان - نازی آباد) بمساحت ۳۴۹،۰۳۴مترمربع خاتمه یافته و آسفالت۳۳شهرستان بمساحت ۱،۱۸۲،۰۳۷مترمربع درحال‌اجراو آسفالت۱۵ شهرستان درشرف انجام است . لوله کشی آب‌تبریز ، چاه‌عمیق خاش وتربت جام و کازرون خاتمه یافته است . طرح برق ۴۲ شهرستان وارد مرحلهٔ اجرائی گردیده و طرح برق۱۴۲ شهرستان مورد مطالعه‌است .

کوششهائی درراه آمارگیری وسرشماری، کمك بتشکیل شرکتهای‌تعاونی وروستائی وسازمانهای کارگری ، قسمتی دیگر ازفعالیتهای مفید سازمان‌است .